

ابوالقاسم فردوسی
شاهنامه

به کوشش
جلال خالقی مطلق

دوم، هشتم

فهرست مطالب دفتر هشتم

نه	دستنویس‌های اساس تصحیح این دفتر
ده	مآخذ دیگر
ده	برخی نشانه‌ها
یازده	دستنویس‌های دیگری که بررسی شده‌اند

خسروپرویز

۳ پادشاهی خسروپرویز سی و هشت سال بود

۷	گفتار اندر آگاهی یافتن بهرام از کور کردن ایرانیان هرمز را
۱۲	گفتار اندر رسیدن خسرو و بهرام به یکدیگر
۳۵	گفتار اندر پند دادن گردیه بهرام چوبین را
۵۲	گفتار اندر گریختن خسرو از بهرام چوبین و رفتن به روم
۵۹	گفتار اندر عهد کردن بزرگان با بهرام چوبین
۶۶	گفتار اندر پادشاهی بهرام چوبین
۷۹	گفتار اندر رسیدن خسروپرویز به روم
۸۱	گفتار اندر رسیدن خسروپرویز بنزد راهب
۸۸	گفتار اندر رفتن گُسته‌م و خُوَاد بنزدیک قیصر
۱۰۱	گفتار اندر رسیدن نامه‌ی قیصر روم بنزدیک خسروپرویز

گفتار اندر بزرگی خسرو پرویز
گفتار اندر برگشتن روزگار خسرو

۲۹۵
۲۹۹

شیرویه

۳۲۳

پادشاهی شیرویه هفت ماه بود

۳۳۲
۳۵۵
۳۵۸
۳۶۴

گفتار اندر پاسخ دادن خسرو پرویز پیغام شیرویه را
گفتار اندر شیون کردن باربد رامشگر بر خسرو پرویز
گفتار اندر کشته شدن خسرو پرویز
گفتار اندر داستان شیرویه با شیرین

اردشیر شیروی

۳۷۷

پادشاهی اردشیر یک سال بود

فرایین

۳۸۵

پادشاهی فرایین پنجاه روز بود

بوران دخت

۳۹۳

پادشاهی بوران دخت شش ماه بود

آزرم دخت

۳۹۹

پادشاهی آزرم دخت چهار ماه بود

فرخزاد

۴۰۳

پادشاهی فرخزاد یک‌ماه بود

یزدگرد شهریار

۴۰۹

پادشاهی یزدگرد بیست سال بود

۴۱۰

آغاز داستان

۴۱۳

گفتار اندر نامه‌ی رستم بنزد برادر و بازگفتن از بودنی‌ها

۴۲۱

گفتار اندر نامه فرستادن رستم بنزدیک سعد وقاص

۴۲۵

گفتار اندر پاسخ نامه‌ی رستم از نزد سعد وقاص

۴۲۹

گفتار اندر رزم رستم با سعد وقاص

۴۳۹

گفتار اندر نامه‌ی یزدگرد به ماهوی سوری

۴۴۱

گفتار اندر نامه فرستادن یزدگرد به مرزبانان طوس

۴۴۸

گفتار اندر آمدن ماهوی سوری به دیدن یزدگرد

۴۵۲

گفتار اندر رزم یزدگرد با ترکان

۴۵۷

گفتار اندر پند دادن موبدان ماهوی سوری را

۴۶۵

گفتار اندر کشته شدن یزدگرد بر دست آسبابان

۴۶۸

گفتار اندر شیون کردن رهبانان بر یزدگرد

۴۷۴

گفتار اندر نشستن ماهوی سوری به پادشاهی ایران

۴۷۷

گفتار اندر رزم ماهوی سوری با بیژن

۴۸۲

گفتار اندر گرفتار شدن ماهوی سوری بر دست بیژن

۴۸۶

گفتار اندر تاریخ گفتن شاهنامه

فهرست‌ها

۴۹۱

فهرست نام کسان

۵۰۱

فهرست نام جای‌ها

دستنویس‌های اساس تصحیح این دفتر

الف - دستنویس‌های اصلی

- ۱- ل دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان 103. Add, 21. مورخ ۱۲۷۶/۶۷۵
- ۲- س دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان 1479. H. مورخ ۱۳۳۰/۷۳۱
- ۳- ق دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۶۰۰۶. س. مورخ ۱۳۴۱/۷۴۱
- ۴- ک دستنویس موزه ملی کراچی، به نشان 1957-913/3. N.M. مورخ ۱۳۵۱/۷۵۲
- ۵- ل دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان 18188. Add. مورخ ۱۴۸۶/۸۹۱
- ۶- س دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان 1510. H. مورخ ۱۴۹۸/۹۰۳

ب - دستنویس‌های غیر اصلی

- ۱- لن دستنویس کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد، به نشان کاتالک دُرن، شماره ۳۱۶-۳۱۷. مورخ ۱۳۳۳/۷۳۳
- ۲- ق دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۷۳ تاریخ فارسی، مورخ ۱۳۹۴/۷۹۶
- ۳- لی دستنویس کتابخانه دانشگاه لیدن، به نشان 494. Or. مورخ ۱۴۳۷/۸۴۰
- ۴- ل دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان 1403. Or. مورخ ۱۴۳۸/۸۴۱
- ۵- ب دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان 493. Suppl. Pers. مورخ ۱۴۴۱/۸۴۴
- ۶- و دستنویس کتابخانه پاپ در واتیکان، به نشان 118. Ms. Pers. مورخ ۱۴۴۴/۸۴۸
- ۷- لن دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، به نشان 1654. S. مورخ ۱۴۴۵/۸۴۹
- ۸- آ دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان 4. Ms. Pers. C. مورخ ۱۴۴۸/۸۵۲
- ۹- ب دستنویس کتابخانه دولتی برلین، به نشان 4255. Or. 2° مورخ ۱۴۸۹/۸۹۴

مآخذ دیگر

- ۱- بنداری ترجمه شاهنامه به عربی از فتح بن علی بنداری اصفهانی، میان ۶۲۰-۶۲۱/۱۲۲۳-۱۲۲۴، به کوشش عبدالوهاب عزام، چاپ دوم، تهران ۱۹۷۰
- ۲- لغت فرس اسدی طوسی، لغت فرس، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۳۶
- ۳- لغت دری ابومنصور علی بن احمد اسدی طوسی، لغت فرس (لغت دری)، به تصحیح فتح‌الله مجتبیایی - علی اشرف صادقی، تهران ۱۳۶۵
- ۴- معجم شاهنامه محمد بن الرضا بن محمد العلوی الطوسی، معجم شاهنامه، به تصحیح حسین خدیوجم، تهران ۱۳۵۳
- ۵- لغت شهنامه شیخ عبدالقادر بغدادی، گزیده لغت شهنامه، به تصحیح کارلوس زالمان، سن پترزبورگ ۱۸۹۵
- ۶- راوندی محمد بن علی بن سلیمان الراوندی، راحة الصدور و آية السور، به تصحیح محمد اقبال، لندن ۱۹۲۱
- ۷- اختیارات شاهنامه احمد بن علی قاینی، اختیارات شاهنامه، دستنویس کتابخانه گوتا در آلمان

برخی نشانه‌ها

- (!) در جلوی هر واژه یا بیتهی که آید، نشان آن است که آن واژه یا بیت مشکوک یا نامفهوم یا فاسد است
- (?) گویا ضبط درست نیست، ولی شاید هم درست و یا راهبر به صورت درست باشد
- [] در متن هر بیتهی که به گمان مصحح بر آن ظن الحاقی بودن می‌رود و یا در جای خود نیست، در چنگک دو گوشه نشانده شده است. همچنین در پی‌نویس‌ها گاه‌گاه صورت فرضی افتادگی‌های ناشی از سهو کاتب در میان همین نشانه ثبت شده‌اند
- < > هر حرف یا واژه‌ای که در پی‌نویس‌ها در جلوی نشانه دستنویسی در چنگک یک گوشه آید، نشان آن است که آن حرف یا واژه در آن دستنویس نیست و یا افتاده است
- = برابر است با
- آ لت یکم بیت
- ب لت دوم بیت

- ب بی‌نویس (اگر شماره بیش از این حرف آید شماره بیت است و اگر پس از آن آید شماره بی‌نویس است. مثال: ۱۲.ب، یعنی بی‌نویس بیت ۱۲. ولی: ب ۱۲، یعنی بی‌نویس شماره ۱۲)
- ← متن نگاه کنید به: متن در شماره سپسین
- ← نگاه کنید به: نشانه برگشت
- نشانه گشتگی ضبطی از ضبط دیگر

دستنویس‌های دیگری که بررسی شده‌اند

- ۱- دستنویس بنیاد خاورشناسی کاما در بمبئی، بی‌تاریخ (افتادگی دارد)
- ۲- دستنویس کتابخانه چستربیتی در دبلین، به نشان Ms. P. 110، مورخ ۱۳۴۱/۷۴۱ (ناقص)
- ۳- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1511، مورخ ۱۳۷۱/۷۷۲
- ۴- دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۱۸ تاریخ فارسی، مورخ ۱۳۷۲/۷۷۳ یا ۱۳۳۳/۷۳۳ (هر دو تاریخ مشکوک است)
- ۵- دستنویس کتابخانه چستربیتی در دبلین، به نشان Ms. P. 114، بی‌تاریخ (ناقص)
- ۶- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1515، مورخ ۱۴۰۰/۸۰۳
- ۷- دستنویس کتابخانه دانشگاه کمبریج، به نشان Or. 420، مورخ ۱۴۳۸/۸۴۱ (نیمه نخستین شاهنامه)
- ۸- دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 494، مورخ ۱۴۴۴/۸۴۸
- ۹- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1496، مورخ ۱۴۶۴/۸۶۸
- ۱۰- دستنویس انجمن آسیائی بنگال در کلکته، به نشان No. 69، مورخ ۱۴۷۸/۸۸۲
- ۱۱- دستنویس کتابخانه ملی اطریش در وین، به نشان Mxt. 378، مورخ ۱۴۷۸/۸۸۲
- ۱۲- دستنویس کتابخانه چستربیتی در دبلین، به نشان Ms. P. 157، مورخ ۱۴۸۰/۸۸۵
- ۱۳- دستنویس کتابخانه چستربیتی در دبلین، به نشان Ms. P. 158، مورخ ۱۴۸۰/۸۸۵
- ۱۴- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1489، مورخ ۱۴۸۲/۸۸۷
- ۱۵- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1056، مورخ ۱۴۸۶/۸۹۱
- ۱۶- دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Pers. 228، مورخ ۱۴۹۰/۸۹۵
- ۱۷- دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Elliot, 325، مورخ ۱۴۹۴/۸۹۹
- ۱۸- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، به نشان Fy. 1406، مورخ ۱۴۹۴/۸۹۹ (دارای نیمه دوم شاهنامه)
- ۱۹- دستنویس موزه فریتس ویلیام در کمبریج، به نشان Ms. 22-1948، بی‌تاریخ (سی و چند برگ)
- ۲۰- دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، به نشان S. 822، بی‌تاریخ
- ۲۱- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، به نشان Fy. 1405، بی‌تاریخ
- ۲۲- دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان R. 1549، بی‌تاریخ

- ۲۳- دستنویس کتابخانه طویقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1507، مورخ ۱۴۹۵/۹۰۰
- ۲۴- دستنویس کتابخانه طویقاپوسرای در استانبول، به نشان R. 1542، مورخ ۱۴۹۵/۹۰۰
- ۲۵- دستنویس کتابخانه طویقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1491، مورخ ۱۴۹۶/۹۰۱
- ۲۶- دستنویس کتابخانه طویقاپوسرای در استانبول، به نشان A. 3065، مورخ ۱۴۹۶/۹۰۱ (?)
- ۲۷- دستنویس کتابخانه کاخ پادشاهی مادرید در اسپانیا، به نشان II - 3.218، مورخ ۱۴۹۶/۹۰۱
- ۲۸- دستنویس کتابخانه دولتی باویر در مونیخ، به نشان Pers. 8، مورخ ۱۴۹۷/۹۰۲
- ۲۹- دستنویس کتابخانه طویقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1508، مورخ ۱۴۹۷/۹۰۲
- ۳۰- دستنویس حاشیه ظفرنامه حمدالله مستوفی، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا، به نشان Or. 2833، مورخ ۱۴۰۵/۸۰۷، به کوشش ن. پورجوادی-ن. رستگار، ۲-۱، تهران ۱۳۷۷ (مرکز نشر دانشگاهی)
- ۳۱- دستنویس مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، بی تاریخ، چاپ عکسی، با مقدمه ف. مجتبائی، تهران ۱۳۷۹
- (برای معرفی این دستنویس‌ها نگاه کنید به: ایران‌نامه، سال سوم، ۱۳۶۴/۳، ص ۳۷۸-۴۰۶؛ سال چهارم، ۱۳۶۴/۱، ص ۱۶-۴۷؛ ۱۳۶۴/۲؛ ۲۲۵-۲۵۵؛ سال هفتم، ۱۳۶۷/۱، ص ۶۳-۹۴)

خسرو پرویز

پادشاهی خسرو پرویز^۱ سی و هشت^۲ سال بود

برفتند هر کس که بودش گهر^۴
 بران^۶ تاج نو^۷ گوهر افشاندند^۸
 نیابد مگر^۹ مردم نیک‌بخت
 که بیدادی آرد همه^{۱۰} کاستی
 ز پیگار^{۱۳} کردن سر ما^{۱۴} تهی^{۱۵} است
 همین روشن و مایه‌ور بخت^{۱۹} نو^{۱۸}

چو خسرو نشست از بر تخت^۳ زر
 گرانمایگان را همه^۵ خواندند
 به موبد چنین گفت کین تاج و تخت
 مبادا مرا پیشه جز راستی
 ۵ ابا هر کسی رای^{۱۱} ما را بهی^{۱۲} است
 ز یزدان^{۱۶} پذیرفتم این تخت^{۱۷} نو^{۱۸}

۱-ل. س (نیز ب): خسرو؛ س: پرویز هرمز؛ متن = ق، ک، ل ۲ (نیز ل-ب) ۲-ق: سی و هفت؛ ک: سی؛ ل: ۲: هشت؛ (ب: سی و شش)؛
 بنداری: ذکر نوبه کسری برویز بن هرمز بن کسری آنوشروان. و کانت مدّة ملکه ثمانیا و ثلاثین سنة؛ جز لی. ب دیگر دستنویس‌ها این
 سرنویس را پیش از اندرز پایان پادشاهی هرمز آورده‌اند (یعنی آن اندرز را خطبه پادشاهی پرویز گرفته‌اند) و، ل، س، س، ل، پ در
 اینجا آغاز داستان دارند؛ ق از بیت ۳۰۶۷-۳۰۶۰، ل از بیت ۴۰۵-۳۷۲ و ۵۷۵-۴۱۸ و ۹۳۷-۸۶۵ و ۳۲۱۳-۳۱۵۶، س از بیت ۶۴-۲۲۰ و
 ۶۸۵-۶۳۰ و ۱۱۹۹-۱۱۱۴ و ۱۷۹۹-۱۵۷۵ و ۱۸۳۳-۱۸۱۸ و ۱۹۸۷-۱۹۷۱، ق از بیت ۳۰۶۷-۳۰۶۰، ل از بیت ۱۲۹۷-۱۱۷۲، ل از بیت
 ۱۹۱ افتادگی دارند ۳- (لی: نو؛ آ: چو بر تخت بنشست پرویز شاه) ۴-ل، س، ک، س، ۲ (نیز پ، ب): هنر؛ (ک: لی که بد پیشرو؛ ق: گردان
 زرین کمر؛ آ: درفشان شد از فراو تاج و گاه)؛ متن = ل ۲ (نیز ل، ن، و)؛ ل ۲ بیت‌های ۱۹۱-۱۹۰ را ندارد ۵-س ۲ (نیز ل: ۳): همی ۶-ک (نیز لی،
 ل ۳): بدان ۷-س، ق (نیز پ، ب): تخت زر؛ س ۲ (نیز ق ۲، ل ۳): تاج بر؛ متن = ل، ک، ل ۲ ۸- (لی: تخت گوهر برافشاندند)؛ ل، و، آ این بیت
 را ندارند ۹- (لی: بجز) ۱۰- (پ: همی)؛ س ۲ این بیت را ندارد ۱۱-ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، ل، پ، و)؛ راه؛ متن = ل، س، ق (نیز ق ۲، لی، آ، ب)
 ۱۲-ل، س، ل، س، ۲ (نیز ل، ن، لی، و، ب): راستیست؛ ق (نیز ق ۲، ل ۲): آشتیست؛ متن = ک ۱۳-س ۲ (نیز ل ۳): بیداد ۱۴-س، ق (نیز پ، و، ب): سر
 ما (پ، و، من) ز پیکار کردن؛ متن = ل، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، ل ۲، ل ۱۵-ق ۲): گروا همه رای بیگانگیست؛ لی: دل ما ز پیکار برخاستست
 ۱۶- (ق: آ: ایزد) ۱۷-ق: بخت؛ در س، ک، ل ۲، س ۲ حرف یکم نقطه ندارد ۱۸-ک (نیز ل ۳): تو ۱۹-ک: تخت؛ در س، ل ۲، س ۲ (نیز ل، و)
 حرف یکم نقطه ندارد؛ س: همه روشنی مایه و بخت؛ ق: همه روشنی مایه‌ور بخت؛ س: آ: بدین روشنی مایه‌ور بخت؛ (ل: همین
 روشن مایه‌ور بخت؛ ق: آ: همه مایه‌ور افسر و تخت؛ لی: همه روشنی مایه و بخت؛ ل ۲: دل روشن و مایه بخت؛ ب: همه روشنی بهتر و
 بخت)؛ متن = ل (نیز پ؛ نیز ← ل ۲، و)؛ آ این بیت را ندارد

به هر کار با ما سه پیمان^۲ نهید^۳
 و دیگر کشیدن^۶ سر از پادشا^۷
 که^۹ دردش^{۱۰} بود سوی^{۱۱} آن کس رسان،
 به^{۱۴} بی‌مایه چیزی دلش^{۱۵} بر فروخت
 مران^{۱۸} را پذیرنده باشد خرد،
 اگر تاج جوید گر^{۲۰} انگشتی
 نگوید سَخُن با کسی جز به داد
 نیازم^{۲۳} به^{۲۴} کردار آهرمنی^{۲۵}

شما نیز دل‌ها به فرمان نهید^۱
 از آزدن^۲ مردمِ پارسا^۵
 سیم^۸ دور بودن ز چیز کسان
 که در^{۱۳} گاه و بیگه کسی را^{۱۳} بسوخت
 دگر هرچ^{۱۶} از^{۱۷} مردمی درخورد
 نباشد مرا با کسی^{۱۹} داوری
 که را^{۲۱} گوهر تن بود بانژاد
 نباشد^{۲۲} شما را جز از ایمنی

همی آفرین خواند بر تاج و گاه
 بسی آفرین بود^{۲۸} بر^{۲۹} بخت اوی^{۲۷}
 همه شب^{۳۰} ز هر مز همی کرد^{۳۱} یاد
 به گوش آمد از دور بانگِ خروس^{۳۲}،
 -نهانش پر از درد و خسته جگر-،

۱۵ هر آنکس که بشنید گفتار شاه
 برفتند شاد از^{۲۶} بر تخت اوی^{۲۷}
 سپهبد فرود آمد از تخت شاد
 چو پنهان شد آن چادر آب‌نوس
 جهانگیر^{۳۳} شد تا بنزد پدر

۱-ک: دهد؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲-ل: بر ما سپاسی؛ (ب: کار ما باز پیمان)؛ متن = س-س-س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳-(ق: ل، آ، ب: کنید) ۴-ک: نیازدن ۵-(لی: پارسای) ع:ک: دگر ناکشیدن؛ س: آ: دگر هم کشیدن ۷-(لی: پادشای) ۸-س، ق (نیز ل، ن، پ): سوم؛ ک، س، آ (نیز ق: آ): سئوم؛ ل^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): سیوم؛ متن = ل ۹-ک: چو ۱۰-ل: دودش؛ ک: دزدش؛ (پ: دستش)؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱-ل: نزد؛ متن = س-س-س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۲-(پ: اگر) ۱۳-س، ق (نیز لی، ب): دلش را؛ (ق: بیگاه دل را)؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز ل، ن، آ، ب، و) ۱۴-آ: که ۱۵-ک: بدل؛ (ن، پ: دلی)؛ آ: این بیت را ندارد؛ ک: ق^۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

کنون دست از آن شست باید همی ره راستی جست باید همی

۱۶-س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ق: آ، و، آ، ب): چه؛ متن = ل، ق، ۱۷-ل، س^۲ (نیز ل، آ، ب): در؛ (ب: یا)؛ متن = س-ل^۲ (نیز ل، ن، ق: آ، لی، و، ب) ۱۸-(ب: مرو را) ۱۹-(ق: آ: مرا با کسی نیست آن) ۲۰-(ق: آ: ور)؛ س-ل^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): تاج من جست از (ک: از؛ ل، آ، ن، آ، و)؛ متن = ل (ج: آ)؛ در ق: آ: بیت‌های ۱۲ و ۱۳ پس از بیت ۱۴ آمده‌اند ۲۱-س-س^۲ (نیز ل، ن، و، آ، ب): اگر؛ متن = ل ۲۲-س-س^۲ (نیز آ): نباید؛ (و: نباشم) ۲۳-ل (نیز آ): نیازد؛ ک، ل: نیارم؛ (ق: آ: بتازم)؛ متن = س، ق (نیز ل، ن، لی، و) ۲۴-س: آ: نیاریم ۲۵-(ق: آ، و، آ: اهریمنی)؛ دستنویس‌های دیگر: اهرمنی ۲۶-ک (نیز ل، آ، ب): شادان ۲۷-ل، س، ق، س^۲ (نیز لی، ل، آ، آ، ب): او؛ متن = ک، ل^۲ (نیز ل، ن، ق: آ، ب، و) ۲۸-(ق: آ: رفت؛ لی، ل، پ: خواند) ۲۹-س: آ: هم از کامکاری و از؛ بنفاری (۱۶-۱)؛ قسمتم برویز تخت السلطنة، و احتفل له الناس، علی ماجرت به عادتهم. فروعظم و نصحهم و وعدهم من نفسه بكل خیر، و أنه یسیر فیهم بستیرتی کرم و عدل. فدعا له الحاضرون و أثنوا علیه و قاموا مسرورین، و له حامدین و شاکرین ۳۰-(ل: آ: همیشه) ۳۱-س: آ: هر مز می‌کرد؛ (آ: ز هر مز همی کرد بسیار)؛ ق، لی، ب: این بیت را ندارند؛ ق، ک: در اینجا سرنویس دارند؛ ق: آمدن خسرو برویز بنزد پدرش هر مز شاه؛ ک: آمدن پرویز پیش پدر و روی در خاک مالیدن ۳۲-س: آ: آوای بانگ و خروش ۳۳-س: آ: جهاندار؛ (و، آ: جهانجوی)؛ س، ک، لی، ب: این بیت را ندارند؛ س، لی، ب: بجای آن افزوده‌اند:

به ایوان خود رفت شاه جهان روانش (ب: نهانش) پر از درد و خسته نهان

همی بود پیشش زمانی دراز
 ز نوشین روان در جهان یادگار،
 به سوزن نخستی سرانگشت^۴ تو
 غم آمد ترا، دل پر از خون مرا^۵
 یکی بندهام پاسبان^۸ سرت
 بیزم سر خویش در پیش شاه^{۱۱}
 همین^{۱۳} روز^{۱۴} سختی ز من بگذرد
 برین بر^{۱۶} فزونی نخواهم بنیز^{۱۷}
 کنی گوش ما را به آواز^{۲۰} شاد

۲۰ چو دیدش بنالید و^۱ بردش نماز
 بدو گفت کای^۲ شاه نابختیار^۳
 تو دانی که گر بودمی پشت تو
 نگر تا چه فرمایی اکنون مرا
 گر ایدونک^۶ فرمان دهی، بر درت^۷
 ۲۵ نجویم کلاه و نخواهم^۹ سپاه^{۱۰}
 بدو گفت هر مز که^{۱۲} ای پرخرد
 مرا نزد تو آرزو بُد^{۱۵} سه چیز
 یکی آنک^{۱۸} شبگیر^{۱۹}، هر بامداد

۱-س: پدر زود؛ (لی: پدر برد)؛ بنداری (۱۷-۲۰): و کان برویز موجه القلب مثالما لما جرى علی ابيه. و لما اُمسی من یومه ذلک دخل علیه فسجد له و کفر بین یدیه؛ ک بجای بیت ۲۰ افزوده است:

بر آورد از دل یکی باد سرد
 دلش پر ز خون بود و پر آب روی
 بر تخت ار بنده بودی به پای
 بنالم ز گردنده گردون سرد
 چه زاری کنی بس کن اکنون چه سود
 تو مر خویشتن را نگهدار زود

چو روی پدر دید خسرو بدر
 ببوسید چشم و سراپای اوی
 بدو گفت کای از جهان کدخدای
 همانا نرفتی چنین کار بد
 5 بدو گفت کین ایزدی کار بود
 قضا کرد و کاری برفت و بیود

۲-ک، ل، ۲ (نیز لن، ن، آ): ای ۳-س (نیز لی، ب): با اعتبار؛ ل، ۲، س، ۲ (نیز آ): بابختیار؛ (ق: خسرو تاجدار؛ ل، ۲: هر مز شهریار)؛ متن = ل، ق، ک (نیز لن، پ، و، لن، ۲؛ در و حرف یکم نقطه ندارد) ۴-ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، و، لن، آ، ۲): یک انگشت؛ (ل، ۲، پ: کس انگشت؛ ب: سرانجام)؛ متن = ل، س، ق (نیز لی) ۵- (لی: ترا؛ پ: منم مر ترا بنده تو پادشا)؛ لن، ل، ۲، و، لن، ۲ این بیت را ندارند ۶- (ل، ۲، آ، که) ۷-س، ۲: در برت ۸-س، ق، س، ۲ (نیز ل، ۳، لن، آ، ب): پاسبان بر؛ متن = ل، ک، ل، ۲ (نیز لن، و، آ) ۹-س، ۲: نجویم؛ متن = ۱۰-س، ق (نیز ق، ۲، لی، ب): نجویم (ق، ۲: نخواهم) سپاه و نخواهم کلاه؛ متن = ل، ک، ل، ۲ (نیز لن، ل، ۳-آ) ۱۱-س، ۲ (نیز ب): در پیشگاه؛ (آ: ز نزد شاه)؛ بنداری (۲۵، ۲۱): و قال: أیها الملک! إنک تعلم أني لو كنت فی خدمتک لم يتجاسر أحد علی أن یغرز إبرة فی إصبعک فضلا عما جرى علیک. لکنی من خوف القتل فارقت حضرتک، و الآن إن رسمت لم أحم حول التاج و النخث، و قصت علی رأسک ما عشت ۱۲-ل: هر مز؛ متن = س، ۲ (نیز لن، ب) ۱۳-ق: همی ۱۴-ک: روز و ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ل، ۲، و، لن، آ): درد و؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، ۲، لی، ب، آ، ک، ق، ۲ پس از این بیت افزوده اند:

نه آنکس که این کرد مانند دراز
 به ما بگذرد کام و آرام (ق: هر چه رنجست) و ناز
 ۱۵-س، ۲ (نیز ق، ۲، لن، آ): بر ۱۶-ک (نیز ق، ۲): بران سه؛ ل، ۲ (نیز لن، پ، لن، آ): بدین بر؛ متن = ل، س، ق، ۲ (نیز لی، ل، ۲، و، آ، ب)، ۱۷-ل، س، ق، ل، ۲ (نیز لن، لی، ب، پ): نخواهم نیز؛ ک، س، ۲ (نیز ق، ۲): نجویم نیز؛ متن = (ل، ۳): بنداری (۲۶-۲۷): فصدقه آبوه و قال: إن لی الیک ثلاث حاجات ۱۸-ک (نیز پ، لن، آ): که ۱۹-س، ل، ۲ (نیز آ، ب): شبگیر و ۲۰-ق، ۲: به گشتار؛ لی: به ایوان)؛ بنداری: إحداهما أن تسمعنی صوتک کل صباح؛ ک، ق، ۲ پس از این بیت افزوده اند:

یکی رودزن مردمی چربدست (ق: خوبدست)
 به مروا بود نیک و دستان پرست
 (ق: ۲: مروا رو بد و نیک و دستان بدست)

بپژمرد^۲ و اندیشه اندرگرفت
 درفش بزرگی^۳ به هامون برند
 به پیگار خسرو میان را بیست^۵
 همی راند گستاخ تا نهروان
 غمی^۹ گشت از آن^{۱۰} تیز^{۱۱} بازار اوی^۸
 که تا بازجویند کار^{۱۳} جهان
 ز لشکر همی^{۱۶} کرد باید درست
 اگر^{۱۸} گردد این کار ما بادرنگ^{۱۹}؟
 بود بیشتر، گر^{۲۲} میان سپاه؟
 به رفتن کند^{۲۳} هیچ رای^{۲۴} شکار^{۲۵}؟

از آن ماند بهرام یل در^۱ شگفت
 بفرمود تا کوس بیرون برند
 بُنه بر نهاد و سپه برنشست^۴
 ۵۵ سپاهی بکردار^۶ کوهِ روان
 چن^۷ آگاه شد خسرو از کار اوی^۸
 فرستاد بیدار کار آگاهان^{۱۲}
 به کار آگاهان گفت: راز^{۱۴} از نخست^{۱۵}
 که با او یکی اند لشکر^{۱۷} به جنگ
 ۶۰ دگر آنک^{۲۰} بهرام در^{۲۱} قلبگاه
 چگونه نشیند به هنگام بار؟

نبود^{۲۶} آگه از کار^{۲۷} لشکرش
 نهانی بر^{۳۰} او فراز آمدند،
 اگر نامدارست و گر^{۳۱} کودکیست
 بود یک زمان در میان سپاه،
 گهی بر چپ و گاه^{۳۳} پیش^{۳۴} بُنه

برفتند کار آگاهان از درش
 چو رفتند^{۲۸} و دیدند^{۲۹} باز آمدند
 که لشکر به هر کار با او یکیست
 ۶۵ هر آنگه^{۳۲} که لشکر براند به راه
 زمانی شود بر سوی میمنه

۱-ل (نیز آ): بهرام اندر؛ متن = س-س آ (نیز ل-ن-آ، ب) ۲-ل (ب: پیچید)؛ ک، ق آ پس از این بیت افزوده اند:

بگیریم گیتی (ق آ: بگیرم جهانی) به مردی به چنگ

بگفتا که آمد (ق آ: چنین گفت کامد) مرا گاه جنگ

۳- (آ: همایون) ۴- (لی: برنشاند) ۵- (لی: سخنها براند) ۶-س آ (نیز ل-ن-آ، ب) ۷-ل (ب: کوهی؛ بنداری (۵۵-۴۹))؛ و اما بهرام فانه لما سمع بأن
 هر مزد کحل و خلع، و آن برویز رجع و قعد مقعد من سریر السلطنة خرج من الری و ساق العساكر فلم یحس به إلا و هو نازل
 بالنهروان ۸-ل-س آ (نیز ل-ن-آ، ب)؛ چو؛ متن = (۱) ۸-ل، س، ق (نیز لی، ل، آ، ب)؛ او؛ متن = ک، ل، آ، س (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ل، ن) ۹-
 (لی: غمین) ۱۰-ل، س؛ زان؛ متن = ق-س آ (نیز ل-ن-ب) ۱۱- (لی، ب: تیره) ۱۲-س (نیز لی، ب)؛ دو پهلوان ۱۳-ق (نیز ل، آ)؛ راز ۱۴- (و؛
 کار) ۱۵-س (نیز لی، ب)؛ خسرو (ب: اکنون) که جست ۱۶-ک، ل ۱۶-ل (نیز ل، آ، ب)؛ همه؛ متن = ل، س، ق، س آ (نیز ق، آ، لی، ب) ۱۷- (ل، ن) آ؛
 بکسر)؛ س (نیز لی، ب)؛ که آورد بهرام لشکر؛ ق؛ که با وی که آید ز لشکر؛ (آ: وگر او یکی لشکر آرد)؛ متن = ل، ک، ل، آ، س آ (نیز ل، ن، ق، آ،
 ل-ن، آ) ۱۸-ل-ل آ (نیز ل، ن، لی، ب، پ، ب)؛ وگر؛ س آ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، آ) ۲۰- (ب، ن، آ)؛ (ب، ن، آ)؛ ۲۱-ک (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب، ن، آ)؛ بر؛ متن =
 ل، ق، ل، آ، س آ (نیز و، آ، ب) ۲۲-ق (نیز ل، ن، آ)؛ یا؛ ک؛ کز؛ ل آ (نیز آ)؛ تا؛ س آ (نیز ل، آ)؛ در؛ (ل، ن، ق، آ، و)؛ نا (نقطه ندارد)؛ متن = ل (نیز ل، ن، س،
 لی این بیت را ندراند ۲۳-ل آ؛ کنتد ۲۴-س آ؛ رای و ۲۵- (ب: آشکار)؛ ل آ بیت های ۶۵-۶۱ را ندارد ۲۶-س آ؛ شود؛ (ل، ن، و، ل، ن، آ)؛ نید؛ پ؛
 بیود) ۲۷-ل، ق؛ کار و ز؛ ل آ؛ راز و ز؛ (لی، پ، آ؛ کار و از؛ راز او)؛ متن = س، ک، س آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب) ۲۸-س؛ برفتند ۲۹-ق (نیز آ، ب)؛
 چو؛ س آ؛ چو دیدند و رفتند و ۳۰-ک؛ برویز؛ ل آ (نیز ل، ن، و، ل، ن، آ)؛ بنزدش؛ متن = ل، س، ق، س آ (نیز ق، آ، لی، پ، آ، ب) ۳۱-س، ک، ق، س آ
 (نیز ق، آ، ب، و)؛ اگر؛ متن = ل، ل آ (نیز ل، ن، آ)؛ لی، ب؛ این بیت را وس آ بیت های ۶۴-۲۲ را ندراند ۳۲-ل آ؛ کس ۳۳-ل آ؛ راست؛ (ل، ن) آ؛ گاه
 در؛ ل آ؛ زمانی به چنگاه و) ۳۴-ل (نیز لی، ل، آ)؛ سوی؛ متن = س-ل آ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، پ، ب)؛ ک پس از این بیت و ق آ پس از بیت ۶۹
 افزوده اند:

دیدمش آهسته گرد (ق آ: نباشد چنو نامدار) و سوار

یکی دوربین مرد جوای کار

به بیگانگانش^۱ نیاید^۲ نیاز
برد یوز و در دشت^۳ جوید^۴ شکار
همه^۵ دفتر^۶ دیمه خواندهمی

همه مردم خویش دارد به راز
بکردار شاهان نشیند به بار^۳
جز از رسم^۶ شاهان نراند^۷ همی

که کاری درازست^۹ ما را به پیش
به دریا دل ازدها^{۱۰} بشکند^{۱۱}
بیاموخت از شهریار جهان
چُن او^{۱۶} رای زن کس ندارد^{۱۷} به ویر^{۱۸}
که ما^{۲۲} با غم و رنج گشتیم^{۲۳} جفت
سپهدار^{۲۷} ارمینیه^{۲۸} رادمان^{۲۸}
بزرگان^{۳۱} فرزانه^{۳۱} رزماساز^{۳۲}
که ای سرفرازان^{۳۳} جنگاوران^{۳۴}
ز دانش یکی بر تش^{۳۵} جوشنست،
شود موم از آن^{۳۷} زخم^{۳۸} پولاد ترکا
به رای جوانی جهان نستیم^{۳۹}
بر آن^{۴۱} خستگی هابر آزار کیست^{۴۲}؟

۷۰ چُنین گفت خسرو به دستور خویش
چو بهرام بر دشمن اسپ افگند
دگر آنک^{۱۲} آیین شاهنشهان
سیم^{۱۳} کهش کلیهست گوید-^{۱۴} وزیر^{۱۵}
وژان^{۱۹} پس به بندوی و^{۲۰} گُستهم^{۲۱} گفت
۷۵ چو گُردوی^{۲۴} و^{۲۵} چون آندیان^{۲۶}
نشستند با شاه ایران به راز^{۲۹}
چُنین گفت خسرو بدان مهران
هر آن مغز کو را خرد روشنست
کس آنرا نبرد، مگر^{۳۶} تیغ مرگ
۸۰ کتون من به سال از شما کهترم
بگوید^{۴۰} تا چاره‌ی کار چیست؟

۱-ل: به بیگانگانشان؛ (ب: به بیگانه مردم)؛ متن = س-ل-۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، پ، آ) -۲- در ل، در ق، ۲ حرف دوم، در س حرف چهارم، در و حرف دوم و چهارم نقطه ندارد؛ ک: نیامد؛ (ا: مبادا)؛ متن = ق، ل (نیز لن، لی، ل، آ، پ، ن، ب)؛ (ل: نیاید به بیگانه او را) -۳- ق: پیشین بکار -۴- ل (نیز پ)؛ همان در در و دشت؛ ل (نیز لن، و، لن، ق)؛ ابا یوز (ل: یوز) در دشت؛ (ق: آ، لی، ب: برد یوز بر (ق: در) دشت و)؛ متن = ق، ک (نیز ل، آ) -۵- (ب: گیرد)؛ س این بیت را ندارد عمل ک (نیز پ، آ) -۸- (ق: آ، همی) -۹- س (نیز لی، ب: درشتست (در س حرف ل، و، لن، ق) -۷- س-ل-۲ (نیز لن، لی، پ، ب)؛ ندانند؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ) -۸- (ق: آ، همی) -۹- س (نیز لی، ب: درشتست (در س حرف سوم نقطه ندارد) -۱۰- ق: دشمنان -۱۱- (ب: بشکرد) -۱۲- (لی، ل، آ، پ، لن، که) -۱۳- س، ق (نیز ق، ل، آ)؛ (پ: سوم؛ ک: دگر؛ ل (نیز لی، و، لن، ق)؛ (ب: سوم؛ متن = ل (نیز لن) -۱۴- ل، ق (نیز ق)؛ کلیهست و دمه؛ س (نیز لی، ل، آ)؛ (ب: کلیهست گویی؛ ک: کیله بگوید؛ متن = ل (نیز لن، پ، و، لن، ق) -۱۵- (ق: آ، بزیر) -۱۶- س، ک؛ چواو؛ (ق: آ، چنان) -۱۷- (و، آ: ندانند) -۱۸- ل، س، ک، ل (نیز ق، ل، آ)؛ (و، آ، ب: دبیر؛ لن: زیر)؛ متن = ق (نیز لی، پ) -۱۹- ل، ک؛ ازان؛ متن = س، ق، ل (نیز لن، ب) -۲۰- س (نیز لی، ب)؛ به تندی به -۲۱- ق: گُستهم و بندوی -۲۲- س؛ او؛ (ب: دل) -۲۳- س (نیز پ)؛ گُشتست -۲۴- ل (نیز لی، ا)؛ جوی؛ ک (نیز ل)؛ کردو و -۲۵- ق (نیز ق)؛ با -۲۶- س (نیز ا)؛ ارمیان؛ (ق: آ: ابدبان؛ ب: بارمان)؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز لی، لن، ق) -۲۷- ل؛ آن میمنه؛ س (نیز لی، ب)؛ بر میمنه؛ ق: ارمین یکی؛ (لن: ارمینیه؛ لن: آ: ارمینیه؛ ا: با میمنه)؛ متن = ک، ل (نیز ل، آ، پ، و) -۲۸- س (نیز ب)؛ دارمان؛ ق (نیز ل، آ)؛ دادیان؛ ک (نیز لن، آ)؛ داریان؛ ل (نیز لن)؛ رازیان؛ (لی، آ: بارمان؛ پ: در میان)؛ متن = ل، ق؛ آ: با او چو شیر ژیان -۲۹- س (نیز لی، آ، ب: بهم -۳۰- ل: بزرگان و متن = س-ل-۲ (نیز لن، ب) -۳۱- (پ: فرزانه و) -۳۲- س (نیز لی، ب)؛ از (س: و) بیش و کم؛ (ا: رای زن) -۳۳- س-ل-۲ (نیز لن، ب)؛ سرفرازان و متن = ل -۳۴- ک (نیز لی)؛ کنداوران -۳۵- ق: دربرش؛ ک (نیز آ)؛ در تش؛ (لی: بر منش)؛ ل (نیز لن)؛ تش رای یکی؛ (ق: آ: به گرد تش؛ و: تش چون یکی)؛ متن = ل، س (نیز ل، آ، ب، لن، ق)؛ بجز -۳۷- ل: بوم آن؛ (آ: بوم از آن)؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، ق، ل، آ، لن، آ، ب) -۳۸- (ق: آ: مغز؛ لی: شود زخم از آن تیغ) -۳۹- در، س، ل، ق، آ، و حرف یکم بی نقطه -۴۰- (ق: آ، ل، آ، بییند) -۴۱- س (نیز لی، ب)؛ ز من؛ ق: ک (نیز ل، آ، برین؛ لن: بدین)؛ متن = ل، ل (نیز ق، آ، پ، آ) -۴۲- ک (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، ق)؛ چیست؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لی، ل، آ، ب)

بدو گفت موبد کانه‌ش^۱ بدی^۲
 چو پیدا شد این راز گردنده‌دهر
 چو نیمی ازو^۷ بهره‌ی پادشاست
 ۸۵ دگر بهره‌ی مردم^۸ پارسا
 چو نزدیک باشد به شاه جهان
 کنون از خرد پاره‌یی ماند خرد
 خرد نیست با^{۱۲} مردم ناسپاس^{۱۳}
 اگر بشنود^{۱۶} شهریار این سخن
 ۹۰ بدو^{۱۷} گفت شاه: این سخن گر به زر^{۱۸}
 سخن گفتن موبد از^{۲۱} گوهرست
 که چون این^{۲۳} دو لشکر برابر شود
 نباشد مرا ننگ^{۲۶} کز^{۲۷} قلبگاه^{۲۸}
 بخوانم به آواز بهرام را
 یکی زآشتی^{۳۲} روی بنمایش
 ۹۵ اگر خود پذیرد سخن به بود

بھی مغز را فر^۲ و توشه بدی،
 خرد را ببخشید^۵ بر چار بهر^۶؛
 -که فر و خرد پادشا را سزاست!-،
 سدیگر پرستندی پادشا،
 خرد^۴، خویشتن زو^{۱۰} ندارد^{۱۱} نهان
 که دانا ورا بهر دهقان شمرد
 نه آنرا^{۱۴} که او^{۱۵} نیست یزدان‌شناس!
 که گفته‌ست بیدارمرد کهن!
 نیسم^{۱۹}، جزین نیست^{۲۰} آیین و فرا
 مرا در^{۲۲} دل اندیشه‌ی دیگرست،
 سر^{۲۴} نیزه‌ها^{۲۵} بر دویگر شود،
 برانم، شوم پیش روی^{۲۹} سپاه،
 سپهدار ناباک^{۳۰} خودکام^{۳۱} را
 نوازش^{۳۳} بسیار^{۳۴} بستایمش
 که چون او به درگاه^{۳۵} مه^{۳۶} بود

۱-ل: انوشه؛ س-ل (نیز ل-ل، ۲، ۳): که نوشه؛ متن = (پ، و، ل، ن، آ، ب) ۲-ل: (ن، ل، ن، آ، بزی) ۳-ل: همه؛ ق، ک، ل (نیز ل، ن، پ، و، ب): تهی؛
 (ن، آ، فرو)؛ متن = (س، نیز ل، آ) ۴-ق: (آ، تهی دست را فر؛ ل: ۳: خردمند را مغز) ۵-ق: (گشت بخشیده) ۶-ل: (بر جای زهر)
 ۷-ق، ک، ل (نیز ب): از آن ۸-س، ک (نیز ل، ب): مهتر؛ آ: نیمه بهره؛ متن = ل، ق، ل (نیز ل، ق، آ، ل، ن، آ) ۹-ل: (ن، آ، خود و) ۱۰-آ:
 (را)؛ س (نیز ل، ب): خویشی از وی؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز ل، ن، ل، پ، و) ۱۱-ل: (ق: خرد جوی چون دیدش اندر) ۱۲-س (نیز ل، ب): بر
 ۱۳-ل (آ: ناشناس) ۱۴-ل: بدآنرا؛ ک، ل (نیز ق، آ، ب): نه او را؛ متن = س، ق (نیز ل، ل، آ) ۱۵-ق: وی؛ (آ، ب، آن) ۱۶-ب: نشنود؛ ل، این
 بیت را ندارد؛ ک، ق، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

به چشم دل اندر سخن بنگرد
 کزو برخورد چون به دل (ق: آ): بگذرد
 ۱۷-ب: (پ: پلدر) ۱۸-س، ل (نیز آ، ب): از پلدر ۱۹-ل (نیز ل، ق، آ، ل، ن، آ): نویسم؛ س، ل (نیز ب): نیبم؛ (و، ل، ن، آ): نویسی؛ آ: شنیدم؛ متن = ک
 ۲۰-ق: نویسد آنست؛ ل، این بیت را ندارد ۲۱-ل، س، ک، ل (نیز ل، ن، ب): موبدان؛ متن = ق ۲۲-ق: (از) ۲۳-ل: (ن، آ، ن، آ، ل، ک، گر هر)
 ۲۴-س: مرا ۲۵-ل: (ن، و، بندها)؛ ل، این بیت را ندارد؛ ک، ق، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

نیبم یکی گرد از ایران سپاه
 چو اسب افکند پیش (ق: آ): پیش آورد دست) بزرگ‌اسب
 ندانم کسی کو برد پیش اسب
 سزد گر درآریم او را به بزم (ک ندارد)
 چو از پهلوان کس ندارم به رزم
 ۲۶-س، ل (نیز ل، ن، ب): عیب؛ متن = ل: ننگ - عیب؟ ۲۷-ب: (مرا عیب نبود گزار) ۲۸-ق: بارگاه ۲۹-ل: (و، ل، آ): س (نیز ل، ب): آن دو؛
 (و، ل، ن، آ): متن = ک، ل (نیز ل، ن، ق، آ، ل، پ، ن، آ) ۳۰-ل: بدنام؛ (ل، ل، ن، آ): ناکام؛ ل، ن، آ، ن، آ، ک، پ: خودکام؛ ب: با یار؛ متن = س، ل (نیز
 ل، ن، ق، آ، و) ۳۱-ق: ناکام؛ (ل، ل، پ: بدنام) ۳۲-ل، ق (نیز ق، آ، و): یکی راستی؛ س (نیز ل، ب): بروی آشتی؛ آ: همی دانستی؛ متن = ک، ل (نیز
 ل، ن، ق، آ، ب، ل، ن، آ) ۳۳-ق: برآرمش؛ (ل، ل، نوازش) ۳۴-س: و بسیار ۳۵-ل: (ن، آ، من) ۳۶-ل، ق، ک، ل (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ل، آ): که؛ متن =
 س (نیز ل، ل، آ، ب، ک)؛ پس از این بیت افزوده است:

چنین پهلوان کس ندارد به رزم
 سزد گر درآریم او را به بزم

سپه را به^۲ روی اندرآریم^۳ روی
 کجاء^۴ گفت، گشتند همداستان
 ورا شهریار زمین خواندند
 ز تو دور بادا بد روزگار!
 بزرگی و دیهیم^{۱۰} شاهنشهی!
 شکست^{۱۳} خدایی^{۱۴} میناد کس!

وگرا^۱ جنگ جوید، منم جنگجوی
 همه کاردانان^۲ بدین^۵ داستان
 بزرگان بر او^۷ آفرین خواندند
 ۱۰۰ همی گفت هر کس که ای^۸ شهریار
 ترا باد پیروزی^۹ و فرهی!
 چنین^{۱۱} گفت خسرو که این باد و^{۱۲} بس!

سراپردهی نو به^{۱۵} هامون کشید
 از آن سو^{۱۸} سپهد^{۱۹} وزین^{۲۰} سوی^{۲۱} شاه^{۲۲}،
 بیفشاند زلف^{۲۴} شب تیره گون^{۲۵}،
 که دارد ز بد راه لشکر^{۲۶} نگاه^{۲۷}
 همی تاخت شیوان^{۲۹} دل و خشک^{۳۰} لب
 بدان^{۳۲} رزم خورشید^{۳۳} بد^{۳۴} رهنمای^{۳۵}
 که تا بر نهادند از آهن^{۳۶} کلاه^{۳۷}
 همی راند^{۳۹} تا چشمه ی نهروان

سپه را ز بغداد بیرون کشید
 دو لشکر چو تنگ اندرآمد به^{۱۶} راه^{۱۷}
 ۱۰۵ چو شمع^{۲۳} جهان شد به خم اندرون
 طلا به بیامد ز هر دو سپاه
 چو از خنجر^{۲۸} روز بگریخت شب
 تیره برآمد ز هر دو سرای^{۳۱}
 به گُستهم و پندوی فرمود شاه
 ۱۱۰ چنین با^{۳۸} بزرگان روشن روان

۱- (ن، و، اگر) ۲- (ق: آ: چو) ۳- ک (نیز ق: آ): آرم به؛ ق: آ پس از این بیت افزوده است:

مرا داد یزدان همان داد و فر
 کزان فر برآرم به هر جای سر

۴- س: کارداران ۵- س (نیز پ، آ، ب): بران؛ ل: (نیز ن، و): برین؛ (ق: ل، ی، ل: بدان؛ متن = ل، ق، ک (نیز ن: آ) ۶- س، ک، ل: (نیز ن- ب):
 که او؛ ق: که وی؛ متن = ل ۷- (ل: بدو) ۸- ل: آ: همی هر کسی گفت کای ۹- (ل: فیروزی) ۱۰- ک (نیز ن: آ): دیهیم و ۱۱- س (نیز
 ب): بدو ۱۲- ق، ک (نیز ن، ب): چو ۱۳- ق، ک، ل: (نیز ن، ق، ل، و، آ): شکست و؛ متن = ل، س (نیز ل، ن، ب، آ) ۱۴- ل (نیز و، ب):
 حدایی (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق، ک، ل: (نیز ن، ق، ل، و، آ): جدایی (در ک حرف یکم هم در بالا و هم در پایین نقطه دارد)؛ متن =
 س (نیز ل، ن: آ)؛ ل در اینجا سرنویس دارد: خیر یافتن خسرو پرویز از بهرام چوبین؛ آ پس از بیت ۱۰۲ افزوده است:

پوشید جوشن سپه برنشاند
 کسی را ز گردان و خویشان نماند

۱۵- (ق: آ: راه سوی؛ پ: مابه) ۱۶- س- ل (نیز ن، ب): ز؛ متن = ل (نیز ق: ل، و، آ) ۱۷- (پ، و؛ سپاه) ۱۸- (ل، آ، ن: آ: رو) ۱۹- ل: (نیز ل، آ،
 و): سپهدار؛ (ق: آ: سپه بود) ۲۰- ل: وزان؛ ل: (نیز ن، و): ازین؛ (ل: آ: وان؛ پ: زین) ۲۱- ک (نیز ق: ل، آ، ن: ب): روی ۲۲- ل: ل: (نیز ن،
 ل): سو سپاه؛ آ: بدان رزم خورشید گم کرد راه (۱۰۴ اب تا ۱۰۸ آ را انداخته و از ۱۰۴ و ۱۰۸ اب یک بیت ساخته است) ۲۳- (ل: تیغ)
 ۲۴- ک: زلفش؛ (و، ل: زلف آن) ۲۵- ل: (نیز ن، ق، ل، آ: قیرگون ۲۶- (ل: دشمن؛ ل (نیز پ، و): ز بدخواه خود را (پ، و؛ لشکر)؛
 ق: همی کرد هر کس به دشمن؛ (ق: آ: که دارند لشکر ز دشمن)؛ متن = ل (نیز ن، آ: آ) ۲۷- س (نیز ل، ب): بدان (ب: بران) رزم
 خورشید گم کرد راه ۲۸- (ن: آ: جنبر) ۲۹- ل، ق، ک (نیز ل، ن: آ): سوزان؛ س (نیز ق: آ: پ): ترسان؛ (ن: شیوان؛ لغت شهنامه: شبان)؛
 متن = ل (نیز و) ۳۰- (ق: آ: تیره)؛ در س بیت های ۱۰۷ و ۱۰۸ پس از بیت ۱۲۰ آمده اند؛ ل، ب بیت های ۱۰۷ و ۱۰۸ را ندارند ۳۱- س
 (نیز ل: آ) سپاه ۳۲- ق: در آن؛ (ق: آ: بران؛ ل: آ: بدین) ۳۳- ک: خورشید ۳۴- ق (نیز ق: آ): شد ۳۵- س: گم کرد راه؛ (ل: آ: رابد گواه) ۳۶- ل، ک
 (نیز ل، ل، آ: آ): ز آهن؛ (ق: آ: گردان)؛ متن = س، ق، ل (نیز پ، و، ل، ن: ب) ۳۷- (ن: که دارد ز بد راه لشکر نگاه ۱۰۶ اب) ۳۸- (ق: آ: ل، ن: آ:
 تا) ۳۹- ق: تاخت؛ بنداری (۱۱۰۶۵): فخر ج برویز من طیسفون فی جموعه و جنوده. و قال: الرأی أن أقرب منه و أكلمه و أستعطفه و
 أستمله. فلعله یجنح معنا الی السلم فتولیه بعض الأقالیم و نستریح من حمل أوزار الحرب. فسار الی شط النهر و ان فی قواده و خواصه

طلایه به بهرام شد ناگزیر^۱
 چو بشنید بهرام، لشکر براند
 نشست از بر ابلقِ مُشک‌دُم
 سلیحش^۷ یکی هندوی تیغ بود
 ۱۱۵ چو برقی درفشان^{۱۰} همی راند اسپ
 چو همدان گشسپ^{۱۲} و یلان سینه نیز^{۱۳}
 سه ترک دلاور ز خاقانیان
 پذیرفته هر سه^{۱۸} که چون روی شاه
 اگر بسته، گر کشته^{۱۹} او را برت
 ۱۲۰ ز یک روی^{۲۲} خسرو، دگر پهلوان
 نظاره بر آن از^{۲۴} دو رویه سپاه

که آمد سپه بر^۲ دو پرتاب تیر^۳
 جهاندیدگان را بر خویش^۴ خواند
 خنیده^۵ سرافراز^۶ رویه‌سَم
 که در زخم چون^۸ آتش و^۹ میغ بود
 به دست چپش ریمن ایزدگشسپ^{۱۱}
 برفتند پُرکین و سر^{۱۴} پُرسَیز^{۱۵}
 بر آن کین^{۱۶} بهرام بسته^{۱۷} میان،
 ببینیم دور از میان سپاه،
 بیاریم و آسوده شد^{۲۰} لشکرت^{۲۱}!
 میان اندرون نهروان^{۲۳} روان
 که تا پهلوان چون رود نزد^{۲۵} شاه

گفتار اندر رسیدن خسرو و بهرام به یکدیگر^{۲۶}

رسیدند بهرام و خسرو به هم
 نشسته جهاندار^{۲۸} بر خینگی^{۲۹} عاج
 ز دیبای زربفت چینی قباى

گشاده یکی روی و^{۲۷} دیگر دُزم
 ز زر^{۳۰} و ز یاقوت بر سرش^{۳۱} تاج
 چو گردوی پیش‌اندرون^{۳۲} رهنمای

۱- (ق: ۲: همجو تیر) ۲- س (نیز لی، ب): تا ۳- (ق: ۲: سپاهی چو دریای قیر) ۴- ک: ز لشکر ۵- س، ق (نیز لن- ل، ۳، و، آ): جهنده؛ ک، ل، ۲ (نیز پ، لن، ۲، ب): چمنده؛ متن = ل عمل ۲ (نیز لن، ۱): سرافراز و ۷- س: سلاحش ۸- ک: او ۹- ل: ز آتش و؛ ک (نیز ل، ۳، لن، ۱): آتش از؛ متن = س، ق، ل ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، پ، و، ب) ۱۰- س- ل ۲ (نیز لن- ب): درخشان؛ متن = ل ۱۱- ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، لی، پ، آ، ب): آذرگشپ؛ متن = ک (نیز ق، ل، ۲، و، لن، ۲) ۱۲- ل، ک، ل ۲ (نیز لن، و، لن، ۲): آیین گشسب؛ س (نیز لی، پ، آ، ب): ایزدگشسب؛ ق: پیداگشسب؛ متن = (ق، ل، ۲) ۱۳- (لن: بود) ۱۴- ل (نیز آ): پرکینه و؛ ق (نیز ق، ۲، ب): پر کین و دل؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز لن، لی- لن، ۲) ۱۵- (لن: پر ز دود)؛ بنداری (۱۱۱-۱۱۶): و تبدی بهرام فی ذلک الجانب فی أمرائه و رجاله ۱۶- ق: پر از مهر؛ ک: به فرمان؛ ل ۲ (نیز لن، و): بدان کین؛ متن = ل، س (نیز ق، ل، ۲، پ، لن، ۲) ۱۷- س (نیز لی، آ، ب): خسرو بسته؛ متن = ل، ق، ک، ل ۲ (نیز لن، ق، ل، ۲، لن، ۱۸- ل، ل، ۲، سو: (و، یک)؛ ق: پذیرفت هر کس؛ (لن: ببیوسته هر سه)؛ متن = ل، س، ک (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۹- س (نیز لی، ب): گرفته اگر کشته؛ ق (نیز ق، ۲، ب): اگر کشته گر (ق: یا) بسته؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز لن، ل، ۲، و، لن، ۱، ۲) ۲۰- (ق: بیاریم تازان بر) ۲۱- (ل: کثورت)؛ بنداری (۱۱۷-۱۱۹): و کان معه ثلاثة من الأتراك الشداد الخاقانية. و قد وعدوه بأنهم یقتلون برویز ۲۲- ق، ل ۲ (نیز لن، و): سوی ۲۳- ل ۲ (نیز لن، و، لن، ۲): چشمه نهروان؛ ق: میان آب جوی روان (!)؛ بنداری: فوق برویز من هذا الجانب، و بهرام من ذلک الجانب، و بینهما الماء ۲۴- س: بدان هر؛ ق: بداندر؛ (لن: بدان از؛ و: بران هر)؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز ل، ۳، پ، لن، ۲) ۲۵- (پ: پیش)؛ ق: ک: شود پیش؛ ل ۲ (نیز لن، ل، ۳، و، لن، ۲): چون رود پهلوان پیش؛ متن = ل، س؛ ق، ل، ۲، لی، آ، ب این بیت را ندارند ۲۶- س: رسیدن خسرو و بهرام به یکدیگر و مناظره ایشان؛ ق: رسیدن خسرو پرویز و بهرام چوبینه به یکدیگر؛ ل، ک، ل، ۲، لن، لی سرنویس ندارند ۲۷- ل ۲: حو: ق: بود و؛ ک: یکی روی بگشاده؛ ق این بیت را ندارد ۲۸- (لن، لن، آ: سپهدار) ۲۹- (لی، لن، آ: تخت) ۳۰- (ق: در) ۳۱- ل، ق: فریدون یل بود با فر و (۱۳۰ ب)؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز لن- ب) ۳۲- ل ۲ (نیز لن، و- ب): اندرش؛ ک، ق، ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

که بهرام یل بود همزاد (ق: ۲) را برادر بد اوی به دل بود گردوی ازو کینه‌جوی

چو خُرّاد بُرزین زَرین کلاه
 ز^۲ یاقوت پیدا نه زَرین کمر^۳
 شد از خشم رنگ رخس ناپدید
 که این^۶ روسپی زاده‌ی بدنشان،
 توانگر^۸ شد و گرده‌گه^۹ برکشید
 فریدون^{۱۱} یل گشت با گرز^{۱۱} و تاج
 بزودی سر آرم^{۱۲} بروبر^{۱۳} جهان
 همی‌راند این سیند^{۱۵} تیره‌روان
 که تا کیست زیشان^{۱۷} یکی نامور
 که با من به روی اندرآرند^{۱۹} روی
 تگ^{۲۱} اسپ و شمشیر و گرز^{۲۲} نبرد
 خرویش یلان بر^{۲۴} ده و دار و گیر
 چو من با سپاه اندرآیم ز جای
 هزبر^{۳۰} دلاور^{۳۱} گریزان شود
 همه آبها سربر^{۳۴} خون کنیم^{۳۳}
 تو گفתי شد آن^{۳۶} باره پَران‌همای^{۳۷}
 بدو مانده بُد لشکر اندر^{۳۸} شگفت

۱۲۵ چو پندوی و گُسته‌م بر دست^۱ شاه
 همه غرقه در آهن و سیم و زر
 چو بهرام روی شهنشا دید^۴
 و زان^۵ پس چُنین گفت با سرکشان
 ز سستی^۷ و کندی به مردی رسید
 ۱۳۰ پدید آمدش خط^{۱۰} بر گرد^{۱۰} عاج
 بیاموخت آیین شاهنشهان
 سپه را بر^{۱۴} آیین نوشین‌روان
 ببینید^{۱۶} لشکرش را سربر
 سوارای نبینم‌همی^{۱۸} رزمجوی
 ۱۳۵ ببیند کنون^{۲۰} کار مردان^{۲۰} مرد
 همان زخم گوپال^{۲۳} و باران^{۲۳} تیر
 ندارد بر^{۲۵} آوردگه پیل پای
 از^{۲۶} آواز^{۲۷} من^{۲۸} کوه ریزان^{۲۹} شود
 به خنجر به دریا بر^{۳۲} افسون کنیم^{۳۳}
 ۱۴۰ بگفت و برانگیخت^{۳۵} ابلق ز جای
 یکی تنگ آوردگاهی گرفت

۱-ق: بر پیش ۲-ل: ق: نه؛ متن ۳-س: ک (نیز لی، ب): زر و گهر؛ ل^۲ (نیز لن، و، ن، ۲): نه از زر کمر؛ (آ: نبودى کمر)؛ ک: نه پیدا ز
 یاقوت زَرین کمر؛ (ق: ز یاقوت و پیروزه زَرین کمر)؛ متن = ل: ق پس از تصحیح نه به ز (ک، و) یا = س: ک پس از تصحیح زَر و گهر
 به زَرین کمر ۴-ق: شهشه بدید ۵-ل: (نیز ق: آ): از آن ع:ق: آن؛ ل^۲: ای ۷-ل: ق، ک، ل^۲ (نیز لن، ق، ل، ۲، ۳-آ): پستی (۹)؛ متن = س (نیز
 لی، ب) ۸-س (نیز لن): تونگر؛ (لی: دلاور) ۹-ل: رزمگه؛ متن = س-ل^۲ (نیز لن ب) ۱۰-س (نیز لی، ب): افسر و تخت؛ (پ: مشک
 برگرد)؛ متن = ق، ک، ل^۲ (نیز لن، ق، ل، ۲، و، ن، ۲، آ): ۱۱-ق: فز؛ ل این بیت را ندارد (ب: بنداری) ۱۲-س: آمد؛ ک، ل^۲ (نیز لی، پ، ب): آید؛
 (ق: بروبر)؛ متن = ل: ق (نیز لن، ل، ۲، ۱۳-ل: ق، ک، ل^۲ (نیز لن، ق): بدو بر؛ (ق: آ: سرآید)؛ متن = س (نیز لی، پ، ب) ۱۴-س: ق (نیز لی، ل، ۲،
 ب): به؛ متن = ک، ل^۲ (نیز لن، ق، ل، ۲، و، ب) ۱۵-س: نحس؛ ق: کند؛ (ن، پ: شاه؛ ق: سگ به؛ لی: از سفد؛ ل: شوخ؛ و: شوم)؛ متن = ک، ل^۲
 (نیز لن، آ): ل این بیت را ندارد ۱۶-ل: (ن: آ: نبیند) ۱۷-ل: (ن: آ: ازیشان) ۱۸-ل: (پ: سواران نبینشان؛ آ: از ایشان ببینم یکی)
 ۱۹-ق: منش روی اندرآرد به؛ (ن: روی ما اندرآرد به) ۲۰-ق: ببینی کنون؛ (ل: کنون ببند او) ۲۱-ک: به اسب و؛ (ن: من و اسب و)
 ۲۲-س: ک (نیز لن، ق، ل، ۲، و، ب): گرد؛ ق: دشت؛ متن = ل، ل^۲ (نیز ل، ن، ۲، ل، ۲، آ): ۲۳-ق: (شمشیر) ۲۴-ق: (و): در ل این بیت با بیت
 سپین پس و پیش شده است ۲۵-ل: ق (نیز ق، ل، ۲، و، ن، ۲، آ): (ب: و، ب: در)؛ متن = س، ک، ل^۲ (نیز لن، ل، ۲، ن، ۲، آ): ۲۶-ل: ل (نیز لن، ق، ل، ۲، و، آ،
 ب): ز؛ متن = (لی، ل، ۲، و، ن، ۲، آ): ۲۷-ل: (آ: آوای) ۲۸-ل^۲ (نیز ق، ل، ۲، و، ب): ما؛ متن = ل-ک (نیز لن، ل، ۲): ۲۹-ق: لوزان؛ ک: ویران
 ۳۰-ل: (ب: هزبر) ۳۱-س (نیز ب): دلیران؛ (لی: از دلیران؛ آ: هنراز دلیران) ۳۲-ق: در؛ (ق: آ: ب: به) ۳۳-س: ل^۲ (نیز لی، ل، ۲، و، ب): کمن؛
 متن = ل: ق، ک (نیز لن، ق، ل، ۲، و، ن، ۲، آ): ۳۴-ل: بیابان سراسر پر از؛ متن = س-ل^۲ (نیز لن ب) ۳۵-ل: بگفت جو؛ برانگیخت؛ س: ل^۲ (نیز
 لی، ل، ۲، ب): بگفت این و انگیخت؛ (آ: بگفت این و بر کرد)؛ متن = ق، ک (نیز لن، ق، ل، ۲، و، ن، ۲، آ): ۳۶-ل: (نیز لن): که شد ۳۷-ق: بیای؛ (ق: آ:
 رارهنمای؛ پ: پَر همای) ۳۸-س (نیز لی، آ، ب): مانده لشکر همه در؛ (نیز ل): دو لشکر بدو مانده اندر؛ متن = ل، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، ل،
 پ، و، ن، ۲)

همی بود بر پیش فرخ جوان^۳
 همه بسته بر^۶ جنگ خسرو میان
 ز بهرام چوبین که دارد نشان؟
 نگه کن بدان^۸ گرد^۹ ابلق سوار،
 همی راند^{۱۰} ابلق میان سیاه
 بدانت از آغاز^{۱۱} فرجام را
 نشسته بر آن^{۱۴} ابلق^{۱۵} سرفراز؟
 نبرده است^{۱۸} هرگز به نیکی گمان!
 بپرسی^{۲۲} سخن، پاسخ آرد درشت
 دل آکنده دارد تو گویی^{۲۵} به خشم
 کجا^{۲۸} در جهان^{۲۹} دشمن ایزد دست
 نیابد^{۳۱} کس او را به^{۳۲} فرمانبری
 که بگشایم^{۳۴} این داستان از نهفت،

از^۱ آوردگه شد سوی نهروان^۲
 تنی چند با او^۴ از^۵ ایرانیان
 چنین گفت خسرو که ای^۷ سرکشان
 ۱۴۵ بدو گفت گردوی کای شهریار
 قبایش سپید و حمایل سیاه
 جهاندار چون دید بهرام را
 بدو^{۱۲} گفت کان دودگون^{۱۳} دراز؟
 چنین^{۱۶} گفت گردوی کاری^{۱۷} همان
 ۱۵۰ بدو^{۱۹} گفت کز پهلوی^{۲۰} کوز^{۲۱} پشت
 همان خوهل بینی^{۲۳} خوابنده^{۲۴} چشم
 به دیده^{۲۶} بینی^{۲۷} مر او را بدست
 نینم همی در سرش^{۳۰} کھتری
 و زان^{۳۳} پس به پندوی و گسته هم گفت

- ۱-ل (نیز لن، ق، ل، پ، و، آ)؛ ز؛ متن = س، ق (نیز لی، لن، آ، ب) ۲-ل (نیز ب)؛ پهلوان؛ متن = س، ق، ل (نیز هشت دستنویس دیگر)
 ۳-ل (آ؛ مهان؛ لن؛ آ؛ گران؛ ق؛ لشکر روان)؛ ک؛ این بیت را ندارد؛ بنداری (۱۲۱-۱۴۲)؛ فقال بهرام لأصحابه: انظرواالی ابن الفاعلة کیف ترعرع و عیلت أكفاه، و بسقت أطرافه، و توشح بالعذار خذَه ۴-ق؛ وی ۵-س؛ ل (نیز ق، آ)؛ ز؛ متن = ل (نیز لن، ب) ۶-س (نیز ب)؛ بسته؛ لی این بیت را ندارد ۷-ق؛ بدای؛ لی این بیت را ندارد؛ ق^۲ پس از این بیت افزوده است:
 کسی کش کلیست گوید وزیر
 جز او رای زن کس ندارد دبیر (۷۳)
 ۸-ل (نیز ل^۳)؛ بران؛ متن = س-ل ۹-ل (نیز هشت دستنویس دیگر)
 ۱۰-ل (ن؛ تازد)؛ ق؛ آ این بیت را ندارند ۱۱-ل (نیز ب)؛ بدانتش از آغاز و؛ متن = س، ک، ل (نیز لن-ل، ۳، و، لن، ۲، ب)؛ ق؛ آ این بیت را ندارند
 ۱۲-ل (نیز ب)؛ چنین؛ متن = س، ک، ل (نیز لن-ل، ۳، و، لن، ۲، ب) ۱۳-ل؛ روزگور؛ (ق؛ کوز پشت؛ ل؛ ۳؛ دو کدان؛ ب؛ دودرنگ؛ و؛ گردگردن؛
 بد؛ دودکان)؛ متن = س، ک، ل (نیز لی، لن، آ) ۱۴-س (نیز لن، ب)؛ بدان؛ (لی؛ بدین) ۱۵-ل (ق؛ باره)؛ ق؛ آ این بیت را ندارند ۱۶-ل؛ بدو؛
 متن = س-ل (نیز لن-ب) ۱۷-ق؛ خسرو که آری ۱۸-ل (ق؛ نبودست)؛ ق؛ پس از این بیت افزوده است:
 فروهشته لفعج و برآورده یال
 همانا دل آکنده دارد به سال
 ۱۹-ل؛ چنین؛ متن = س، ک، ل (نیز لن، لی، ل، ۳، و، لن، ۲، ب) ۲۰-س، ک (نیز ب)؛ خسرو گر از؛ ل (نیز لن، لن)؛ کان بدتن؛ (لی؛ خسرو
 کزان؛ ل؛ خسرو که آن؛ ب؛ کز پهلوی)؛ متن = ل (نیز آ)؛ (و؛ از آن بدتن فاکس) ۲۱-ل (لی؛ کوز) ۲۲-ک؛ بیژی؛ (پ؛ بیبری)؛ ق؛ آ این بیت را
 ندارند ۲۳-ل (نیز ب)؛ خوک (خخول) بینی و؛ س؛ ل (نیز لن، و، ب)؛ کز بینی و؛ (ق؛ ژرف بینی؛ لی؛ کردندی و؛ (ل)؛ ل؛ خهل بینی و؛
 متن = ک (نیز ل^۳؛ ه-ع، آ) ۲۴-ل (نیز لن، ل)؛ خوابنده؛ س (نیز لی، ب)؛ پر خون دو؛ متن = ک، ل (نیز ق، آ، پ، و، لن، ۲)؛ در ک حرفهای چهارم
 و پنجم نقطه ندارند؛ ق؛ کز بدی بست بیننده ۲۵-س، ق (نیز لی، ل، ۳، ب)؛ تو گفستی (ق، ل، ۳، ب؛ گویی) دل آکنده (ب؛ آزرده) دارد؛ متن = ل،
 ک، ل (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، ۲)؛ آ این بیت را ندارد ۲۶-ل (پذیره؛ لن؛ آ؛ بدیدم) ۲۷-ل؛ ندیدی؛ س، ق، ک (نیز لی، ل، ۳، ب)؛ نبینی (درس
 حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ق؛ آ؛ چو بینی)؛ متن = ل (نیز لن، پ، و، لن، ۲، ب) ۲۸-س-ل (نیز لن-ب)؛ که او؛ متن = ل ۲۹-ل (ن، ل، ۳، و، لن، ۲)؛
 نهان) ۳۰-ل (لی؛ برش) ۳۱-س (نیز لی، ل، ۳، و، لن، ۲، ب)؛ نیاید؛ در ل حرفهای یکم و چهارم، در لن حرف چهارم و در ق همه حرفها
 بی نقطه؛ ق؛ ندارد؛ ک؛ نیارد؛ (آ؛ نیاید)؛ متن = ل (نیز پ) ۳۲-ق؛ دلش رای؛ (ل؛ کسی رای به) ۳۳-ل؛ ازان؛ متن = س-ل (نیز لن-ب)
 ۳۴-ل، س (نیز لی، آ، ب)؛ بگشای؛ متن = ق، ک، ل (نیز لن، ق، ل، ۳، و، لن، ۲)

تو بار گران را بنزد^۴ خر آرا
 کجا بیند او^۵ راه گیهان خدیو
 نیایش پند^۹ بزرگان^{۱۰} پسند
 به دلش اندرون داد را جای^{۱۱} نیست
 نگه کرد باید ز^{۱۳} سر تا به بن:
 پر از درد، گر^{۱۴} لشکرافروز کیست؟
 چو بهرام^{۱۶} پرخاشخر^{۱۶} مهتری،
 سپاهی بکردار آرغنده^{۱۸} گرگ،
 نباشد^{۲۱} مرا ننگ^{۲۲} ازین^{۲۳} داستان،
 به آید که در جنگ مستی^{۲۵} کنم^{۲۴}
 نوآیین بیدیهاش گردد کهن،
 سیاسی ز^{۲۹} دادن^{۳۰} بدو^{۳۱} برنهم^{۳۸}،
 بدین^{۳۴} رزم بر کردن^{۳۵} آهنگ ما
 خرد بی گمان تاج بندی^{۳۷} بود^{۳۸}

۱۵۵ که گر^۱ خر نیاید^۲ بنزدیک^۳ بار
 چو بفریفت چوبینه را نزه دیو
 هرآن^۶ دل^۷ که از آز شد دردمند^۸
 جز از جنگ، چوبینه را رای نیست
 چو در جنگ رفتی به سر شد^{۱۲} سخن
 ۱۶۰ که داند که در جنگ پیروز کیست؟
 برین^{۱۵} گونه آراسته لشکری
 دژ آگاه مردی چو دیوی^{۱۷} سترگ
 گر ایدونک^{۱۹} باشی^{۲۰} همداستان
 به پرسش یکی پیشدستی کنم^{۲۴}
 ۱۶۵ اگر زو بر^{۲۶} اندازه یابم^{۲۷} سخن
 ز گیتی یکی گوشه او را دهم^{۲۸}
 همه^{۳۲} آشتی^{۳۳} گردد این جنگ ما
 مرا زآشتی^{۳۶} سودمندی بود

۱- (ق: ۲، اگر) ۲- ک: نیارد ۳- س: همی سوی؛ ل: آ: به فرمان؛ (ن: به دنبال)؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق ۲- ب) ۴- س، ک، ل (نیز ن، ل، ی، پ- ب)؛ س: سوی پشت؛ (ق: را به پشت)؛ متن = ل، ق (نیز ل ۳) ۵- ل: آ: این؛ (ب: آن)؛ ل: این بیت را ندارد ع: همان ۷- س، ق (نیز ق ۲، آ: ب)؛ ک: متن = ل، ک، ل (نیز ن، ل، آ- ۳) ۸- س (نیز ب)؛ مستمند؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز ن، ل، آ) ۹- ل: کار؛ متن = س- ل (نیز ن، ق ۲، ل- ۲ ب) ۱۰- س، ک، ل (نیز ن، و- ب)؛ بزشکان؛ متن = ل، ق (نیز ق ۲، ل، آ: ب)؛ ل: این بیت را ندارد ۱۱- س، ل (نیز آ: ب)؛ پای؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق ۲- ب، ل: آ)؛ ن، و این بیت را ندارند ۱۲- (ق: آ: گفتن سرآمد)؛ ل: بر جنگ رفتن بسی شد؛ متن = س- ل (نیز ن، ل، ی، ب) ۱۳- ق: به ۱۴- س (نیز ب)؛ و گر؛ ق (نیز ل، ی)؛ یا؛ (ق: آ: اگر)؛ ل: بدان سر دگر؛ ل (نیز ن، و، ل، آ)؛ دل افروز و هم؛ (ل: آ: بران در دگر؛ ب: از آن و از این)؛ متن = ک (نیز آ) ۱۵- س، ق (نیز ل، ی، پ، ل، آ: ب)؛ بدین؛ متن = ل، ک، ل (نیز ن، ق، آ، و، ل، آ) ۱۶- ق، ل (نیز ن، ل، ی، ل، آ، و- ب)؛ پرخاششو؛ ل (نیز ب)؛ به پرخاش بهرام یل (ب: چون)؛ متن = س، ک (نیز ق ۲) ۱۷- ل، ل، ک، ل (نیز ق ۲، ل، ی، پ، ل، آ: ب)؛ دیو؛ متن = س، ق (نیز ن، ل، آ، و، ب) ۱۸- ل، ل، ق: دژنده؛ ل (نیز ق ۲، ل، ی، ل، آ: ب)؛ غرژنده؛ متن = س، ک (نیز ن، و، پ، و، ل، آ) ۱۹- (ل، ی، ل، آ: ک)؛ ۲۰- ل: باشیم؛ ک: باشند؛ متن = س، ق، ل (نیز ن، ب) ۲۱- (ق: نیاید) ۲۲- ل: نیک ۲۳- ل: زین؛ متن = س، ل (نیز ن، ب) ۲۴- (ل، ن، ی، آ: کنیم) ۲۵- ل، ق، ک، ل (نیز ن، ق، ل، آ، و، ب)؛ س: سستی؛ س (نیز ل، آ: ب)؛ که خسرو پرستی؛ متن = (ل) ۲۶- (ل: ن: به)؛ ل: آ: زو گر به؛ ل: آ: زو گر بر؛ متن = ۲۷- س (نیز ل، ی، آ: ب)؛ اگر او به اندازه گوید (آ: راند)؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز ق ۲، ل، پ، و) ۲۸- س، ق، ک (نیز ل، ی، ل، آ: ب)؛ دهیم- برنهم؛ متن = ل، ل (نیز ن، ق، ل، آ، و، ب) ۲۹- س (نیز ن، ل، ی، و، ل، آ: ب)؛ به؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز ل، آ: ب)؛ ۳۰- ق (نیز ق ۲، ل، آ: ب)؛ یزدان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱- ق، ک، ل (نیز ق ۲، ل، آ، و، ب)؛ برو؛ (ل: آ: بسر؛ پ: به خود؛ آ: بدین)؛ متن = ل، س (نیز ن، ل، ی) ۳۲- (ل: همی) ۳۳- (ل، ی، ب: راستی؛ ق: زگردان تهی) ۳۴- ل (نیز ق ۲، ل، آ: ب)؛ برین ۳۵- ل، ق، ک، ل (نیز ق ۲، ل، آ، و، ب)؛ رزمگه کردن (ل: جستن؛ ق: کرده؛ ب: کرد)؛ ل (نیز ن، و)؛ رزم و این کردن؛ متن = س ۳۶- س، ق (نیز ل، ی، آ: ب)؛ مراراستی؛ ل (نیز ن، و)؛ سرآشتی؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲، ل، آ، و، ب)؛ ۳۷- ق (نیز ل، ی، آ: ب)؛ تاج مندی (در آ حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل: تاج کندی؛ (ن: تاج تند؛ ق: کاربندی؛ ب: بی گردندی)؛ متن = ل، س، ک (نیز و، ل، آ: ب)؛ در س حرف سوم و در و حرفهای یکم و چهارم و پنجم نقطه ندارند)؛ تاج بندی → تا چه بندی؟ ۳۸- (ل: ب)؛ به آید چو در جنگ تندی بود

ازو شاد گردد^۳ دل پارسا^۲
 انوشه بدی^۵ تا بود روزگار،
 تو داناتری، هرچ^۶ باید^۷ بکنا
 تو پرمغزی و او پُر از^۸ باد سرا

چو بازارگانی کند^۱ پادشا^۲
 ۱۷۰ بدو گفت گسهم کای^۴ شهریار
 همی گوهر افشانی اندر سَنخُن
 تو بر دادی و بنده^۸ بیدادگرا

خرامان بیامد به^{۱۱} پیش سپاه
 همی جست هنگامی رزم^{۱۲} سور
 چگونهست کارت به دشت نبرد؟
 همان تخت^{۱۵} و دیهیم را مایهیی^{۱۶}
 چو شمع درخشنده هنگام^{۱۷} بزم
 مداراد دارنده باز از تو^{۱۹} دست!
 به خوبی بسیجیده^{۲۲} کار^{۲۳} ترا:
 ز دیدار تو رامش جان کنم
 کنم آفریننده را بر تو یاد^{۲۴}

چو بشنید^{۱۰} خسرو بیمود راه
 پیرسید بهرام پل را ز دور
 ۱۷۵ به بهرام گفت: ای سرافراز^{۱۳} آمد
 تو درگاه^{۱۴} را همچو پیرایهیی
 ستون سپاهی به هنگام رزم
 جهانجوی گردی و^{۱۸} یزدان پرست
 سگالیدهام^{۲۰} روزگار^{۲۱} ترا
 ۱۸۰ ترا با سپاه تو مهمان کنم
 سپهدار ایرانست خوانم به داد

۱-ق (نیز می): بود: ۴- (می: پارسا-پادشا) ۳-ل: باشد؛ متن = س، ق، ک (نیز ن-ب): ل^۲ این بیت را ندارد؛ ک، ق^۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

ز مردیست گر باشدت آرزو
 (ق: ۲: ز مردی بود گر ترا آرزوی)

۴- (ن: بدو گسهم گفت ای) ه-س، ک (نیز ق^۲ می، و، آ، ب): بزی؛ متن = ل، ق، ل^۲ (نیز ن، ل، ۳، پ، ن، ۲) ع-س-ل^۲ (نیز ق^۲ ب): هر چه؛ متن = ل (نیز ن) ۷-س-ل^۲ (نیز ن، می، ل، ۳، پ، ن، آ، ب): خواهی؛ (ق: ۲، و، هانی)؛ متن = ل ۸- (ن: خصم)؛ س: برداد و بهرام؛ (ب: برداد و بتدوی)؛ متن = ل، ق، ک، ل^۲ (نیز ن-ب) ۹-س، ل^۲ (نیز می، ن، آ، ب): مغزو و او را پر از؛ ق، ک: ترا سر پر از مغزو او؛ متن = ل (نیز ق^۲ آ، ل)؛ ق، ل^۲ در اینجا سرنویس دارند، ق: گفتار در مناظره خسرو پرویز و بهرام چوبینه؛ ل^۲: رسیدن بهرام چوبینه و خسرو پرویز؛ بنفاری (۱۷۲-۱۴۳): فسأل برویز أصحابه عن بهرام. فقال له أخ لبهرام یسعی کُردویه، و کان یخلم برویز و یخص به؛ إنه صاحب الفرس الأبلق (= ۱۴۴، ۱۴۵) ۱۰- (پ، ب: بشنود) ۱۱-ک (نیز ق^۲ ل، ۲): ز ۱۲-س (نیز ل، آ، ب): هنگام پیکار؛ ک: به هنگام رزم او همی جست؛ متن = ل، ق، ل^۲ (نیز ن، ق، ۲، ل، ۳، پ، ن، ۲) ۱۳- (ق: گرانمایه) ۱۴-س (نیز ب): مرگاه؛ (ل: برگاه)؛ متن = ل، ق، ک، ل^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۵-ل: تاج؛ متن = س-س-ل^۲ (نیز ن-ب) ۱۶- (آ: پایه) ۱۷-س (نیز و، آ): درخشان که ساز؛ ق: درخشان به بستان؛ ک: درخشان به هنگام؛ ل^۲ (نیز ن، ب): درخشان که ساز و؛ (ق: درخشان چو سازی تو؛ می: درخشان که شاد؛ پ: درخشان بوی روز؛ ن، ۲: درخشان بناننده)؛ متن = ل، ذر ق^۲ این بیت پس از بیت ۱۸۱ آمده است ۱۸-س (نیز آ، ب): گردوی؛ (می: گردان) ۱۹-س (نیز می، ب): به دارای دارنده یازید؛ (می: یازند)؛ (ق: برانم که برید نیازی تو؛ آ: به دادار دارنده بازار)؛ متن = ل، ق، ک، ل^۲ (نیز ن، و، ل، ن، ۲)؛ ل، ۳، پ این بیت را ندارند ۲۰-س: سگالیده او؛ (می: سگالیدم آن؛ ب: سگالیدم از)؛ متن = ل، ق، ک، ل^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۱-ک، ل^۲ (نیز ن، ل، ۳، پ: روزگاری؛ متن = ل، س، ق (نیز ق^۲ می، و، ب) ۲۲-س-ل^۲ (نیز ن-ب): پستندیده؛ متن = ل ۲۳-ک، ل^۲ (نیز ن، ل، ۳): کاری؛ (پ: گاه)؛ متن = ل، س، ق (نیز ق^۲ می، و، ب) ۲۴- بنفاری (۱۷۳-۱۸۱): فناداه و قال: یا بهرام! انک عماد دولتنا، و سند بیتنا. و نحن نستظهر بک و نریذ ان نولیک سالاریه عساکرنا، و نقد مک علی جمیع امرائنا و إصبهت بدینا

سَخْنَه‌اش^۱ بشنید بهرام گرد
 هم از پشت آن باره بردش نماز
 چُنین داد پاسخ مر^۲ ابلق سوار^۵
 ۱۸۵ ترا روزگارِ بزرگی مبادا
 الان‌شاه چون شهریاری کند
 ترا روزگاری سگالیده‌ام
 بزودی یکی دار سازم بلند
 بیاویزمت زان^{۱۲} سزاوار^{۱۳} دار

۱۹۰ چو خسرو ز بهرام پاسخ شنید
 بدانت^{۱۶} کو دل^{۱۷} ز تخت و کلاه
 چُنین داد پاسخ که ای ناسپاس
 چو مهمان به خان^{۲۰} تو آید ز دور
 نه آیین شاهان بود زین نشان
 ۱۹۵ نه تازی^{۲۲} چُنین کرد^{۲۳} نه پارسى
 ازین ننگ دارد خردمندمرد
 چو مهمانت آوازِ فَرخ دهد

رخش گشت همچون گل^{۱۵} شنلید
 همی‌نگسلاند^{۱۸} به آیین و راه^{۱۹}
 نگوید چُنین مردِ یزدان‌شناس!
 تو دشنام سازی به هَنگام سور،
 نه آن سواران^{۲۱} گردنکشان،
 اگر بشمری^{۲۴} سال صدبار سی!
 تو^{۲۵} گردِ درِ ناسپاسی مگرد!
 برین^{۲۶} گونه‌بر دیو^{۲۷} پاسخ دهد^{۲۸}

۱-ق: سخنها چو ۲-ق: تیزتک؛ ل: باره تیزتک؛ متن = س-ل ۳-ل (نیز ل-ب) ۳-ل (نیز ل-ب) ۴-س، ق، ک (نیز ق ۲، ل، ی، ن، و، ب)؛ پس: ل ۲ (نیز ل: ب)؛ پاسخش؛ (و: پاسخش داده؛ ل: گفت بهرام)؛ متن = ل ه-ب: چنن گفت کای ناسزاوارشاه) ع-س (نیز ل، ب)؛ خرم و شادم از روزگار؛ (ب: به افسون به شاهى نیابى تو راه)؛ متن = ق، ک، ل ۲ (نیز ل، ق، و، ن، آ، ب)؛ ۷-ب: (تو) ۸-ق (نیز ب)؛ شاهان؛ (و: ز شاهى نه بیداد دانی)؛ ل: این بیت را ندارد ۹-ب: (ب: بر تخت)؛ ق: مرگ بر تخت ۱۰-ق: موی؛ دستنویس‌های دیگر: نویسی ۱۱-س، ق، ل ۲ (نیز ل، ی، آ، و، ب)؛ کمندت (ل: کمندى) بمالیده‌ام؛ متن = ل، ک (نیز ل، ن، ق، آ، ب) ۱۲-س (نیز ب)؛ بر: ۱۳-ل (ن: سرافراز) ۱۴-ل ۲ (نیز ب)؛ نینى؛ س در اینجا سرنویس دارد؛ پاسخ دادن خسرو بهرام چوبینه را؛ پ پس از بیت ۱۸۹ افزوده است:

ترا نیست گردانم از روی دهر
 ز شاهى مرا هست امروز بهر
 ۱۵-ل (۳: همگونه)؛ ل: به رخساره شد چون گل؛ متن = س-ل ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۶-ل (ن: ندانست) ۱۷-ب: (پ: کورا) ۱۸-ل ۲ (نیز ل، ی، پ، ن، آ)؛ بگسلاند؛ در س، ک، و حرف یکم نقطه ندارد ۱۹-ک: وز آیین و گاه؛ ل ۲ (نیز ل-ب)؛ به (ق: بر؛ ل: ز)؛ آیین شاه؛ متن = س، ل، ق، این بیت را نذراند ۲۰-ل، س، ق، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، و، ب)؛ آ: خوان؛ متن = ک، ل ۲ (نیز ل، ق، و، ن، آ، ب)؛ پ پس از این بیت افزوده است:
 به بهرام گفت ای سرافرازمرد
 به خود گشته مغرور و ناسازمرد
 ازینسان تو بنیاد کار افکنی
 تو مهمان خود را به دار افکنی
 ۲۱-س، ق، ک (نیز ل، ی، و، ن، آ)؛ سواران و؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ل، ق، آ، و، ب، آ، ب) ۲۲-ل (ن: رازی) ۲۳-ق: حو ۲۴-س (نیز ل، ی، ب)؛ بشمرد
 ۲۵-ل: به؛ متن = س-ل ۲ (نیز ل-ب) ۲۶-ک (نیز ل: ی)؛ بدین ۲۷-ک (نیز ل: ق)؛ نود تو ۲۸-ل: (و راه رسخن رای فَرخ نهاد)؛ ق این بیت را ندارد

بخواهد شدن، تا نبندم^۲ میان،
 نخواهم^۳ خورش جز ز شیر^۴ دده^۵،
 به گاه^۶ پرستش بپوشم گلیم؛
 پرستندی یابیم^{۱۰} داد و راست^{۱۱}،
 به بنده مده^{۱۲} تاج و گاه^{۱۳} مرا!
 بیارم^{۱۷} دوان^{۱۸} پیش آذرگشسپ،
 همین^{۲۱} جامه‌ی زر^{۲۲} گوهرنگار،
 فشانم^{۲۵} برآن^{۲۶} گنبدِ لآزورد^{۲۷}!
 درم^{۳۰}، چون شوم بر^{۳۱} جهان شهریار^{۳۲}!
 گذرگاه گوران و شیران^{۳۵} شده‌ست^{۳۴}،
 فرستم چو برگردم از کارزار!
 به پیش من آرد کسی^{۳۸} دستگیر،
 دل موبد و هیربد خوش کنم!

گر این^۱ پادشاهی ز تخم کیان
 پرستنده باشم به آتشکده
 ندارم به گنج‌اندرون زر و سیم
 گر^۷ ایدونک^۸ این پادشاهی مراست^۹
 ۲۳۵ تو پیروز گردان سپاه مرا!
 اگر کام دل یابم^{۱۴} این^{۱۵} تاج و^{۱۶} اسپ
 همین^{۱۹} یاره و طوق و این^{۲۰} گوشوار
 همان نیز ده^{۲۳} بدره دینار^{۲۴} زرد
 پرستندگان را دهم^{۲۸} صد^{۲۹} هزار
 ۲۴۰ ز^{۳۳} بیداد شهری که ویران شده‌ست^{۳۴}
 برآن^{۳۶} نیز دینار چون صد هزار
 ز بهرامیان هرک^{۳۷} گردد اسیر
 پرستنده‌ی فرخ‌آتش کنم!

۱-ق: که گر ۲-س (نیز ق ۲، ن، ا، آ، ب): ببندم؛ در ل، ک، ل حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ق، س ۲ (نیز ن، ل، ک، و) ۳-س-ل ۲ (نیز ن-ل-ا، و، آ، ب): نسام؛ (ب: بسازم)؛ متن = ل، س ۲ (نیز ن ۲) ۴-س ۲: شیر و؛ (ن، ل، ن، آ: به شیر و؛ و، ب: به شیر)؛ متن = ه- (ب: ل: بره)؛ متن = ل-ل ۲ (نیز ق ۲، ل، ک، پ، ا، آ، ب): عق (نیز پ، ن، آ): کار ۷-ق، ک (نیز ق ۲، ن، ب، ن، آ): و ر ۸- (ل، ا، ک: ۹) ۱۰- (ن: ن): یانیم؛ ل: پرستنده و ایمن و؛ س (نیز ب): پرستنده باشم ابا؛ ق: پرستنده ماییم با، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، آ): پرستنده باشم با؛ ۲ (نیز ل ۳): پرستدگانیم با؛ (ق ۲: نگیرم به گیتی بجز)؛ متن = (پ = ق، ن) ۱۱-س، ق (نیز ل، ن، آ، ب): داد راست؛ (و: پرستنده باشم دادا)؛ پرستنده باشم بی‌بیم و کاست) ۱۲- (ا: بجز ناماده)؛ ۱۳- (ب: گاه و تاج)؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

چو کردم همی بر جهان شهریار	ببخشم من این تاج گوهرنگار
همان زندگان را به آتشکده	فرستم هم از بهر جشن سده
ز بیداد شهری که ویران شدست	گذرگاه و مأوی شیران شدست (ع ۲۴۰)

۱۴-س، ل ۲ (نیز ل، ب): گاه یابیم؛ (ل ۳: کام یابیم من)؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز ن، ق ۲، آ، ب) ۱۵- (ق: آن؛ ک (نیز آ): از؛ (ب: ل): وگر) ۱۶-ق: کام ۱۷-ق (نیز ب): بیایم؛ (ب: سپارم؛ آ: بنام) ۱۸-ل: دمان؛ (آ: روان)؛ متن = س-س ۲ (نیز ن-ن-ا، ب) ۱۹-ق، س، آ: همان؛ (ب: همی) ۲۰-س، ک، س ۲ (نیز ن، ل، و، ب): و هم؛ ق: با؛ متن = ل (نیز ق ۲، ل، ب، ن، آ) ۲۱-ق: همه؛ س، آ: همان؛ (ب: همی) ۲۲-ق (نیز ب): زر و؛ س (نیز ق ۲، ن، آ، ب): جام زرین؛ ک (نیز ن، و): جامه و زین؛ (آ: جامه و زر)؛ متن = ل، س ۲ (نیز ل، ل، آ): ۲ این بیت را ندارد؛ در ق این بیت پس از بیت ۲۳ آمده است ۲۳- (ن، و، ل، و، ص: ن، آ، ب: برده و) ۲۴-ق: یاقوت ۲۵-ل: بسایم؛ (ب: نشانم) ۲۶-ق، ک (نیز ق ۲، ل، ک، پ، و، ا): برین؛ س، ق، ل ۲ (نیز ل): بدان؛ (ن: بدین)؛ متن = (ن ۲) ۲۷-س، ق، ک (نیز ن-ل، آ، ب): لا جور؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ب، و، ن، آ)؛ س ۲ این بیت را ندارد ۲۸-ل، ل، آ، و، ب: و درم) ۲۹-ل: ده؛ متن = س-ل ۲ (نیز ن، ب) ۳۰- (ل، و، دهم) ۳۱-ل ۲ (نیز ق ۲، آ، ب): در ۳۲-ق، ل (نیز ب): فرستم چو برگردم از کارزار (۲۳۹- ۱۲۴۱ را انداخته و از ۲۳۹ آ و ۲۴۱ ب یک بیت ساخته‌اند)؛ س ۲ این بیت را ندارد ۳۳-ک: به ۳۴-س: بود؛ ل ۲ (نیز ب): شود؛ متن = ک (نیز ن، ل، ل، و، ن، آ، ب) ۱، ۲، ۳-س (نیز ب): شیران و گوران؛ (آ: کتام پلنگان و شیران)؛ متن = ک (نیز ن، ل، ل، و، ن، آ، ب): ل، ق، س، ق ۲ (ع ۲۳۵) ۳۵-س (نیز ب): شیران و گوران؛ (آ: کتام پلنگان و شیران)؛ متن = س، ک (نیز ن، ل، ل، و، ن، آ، ب): ل، ق، س، ق ۲ (پ: این بیت را ندارند (ع ۲۳۹)؛ ل ۳ پس از این بیت افزوده است:

بکوشم که آباد گردد ز نُو
 نمانم که باشد پراز خار و خو

۳۷-س-س ۲ (نیز ن-ب): که؛ متن = ل ۳۸- (ب: ککش)

ستمیدیده گوینده‌یی بود^۲ راست
 به بهرام چوینه آواز کرد،
 خرد دور و^۵ دور از تو آیین و فر،
 کزین گونه چشم ترا کرد کور^۸
 ز دیوان همی^۹ آفرین یافتی!
 یکی دوزخی^{۱۲} بوستانی^{۱۳} نمودا
 ز جان و دلت روشنایی ببردا
 که اندر بلندی^{۱۵} نمودت^{۱۶} نشیب!
 که برگش^{۱۹} بود زهر و بارش^{۲۰} کبست!
 نباشد به جوینده‌بر^{۲۲} آفرین!
 نیاری^{۲۴} ز گرگین میلاد یاد؟
 به نابودنی‌ها^{۲۶} گمانی میرا
 نپرد عقاب از بر آفتاب!
 که گر من بیابم^{۲۹} ترا بی‌سپاه،
 ندیدی^{۳۰} مرا زنده اندر^{۳۱} نبردا!

بگفت این و از^۱ خاک بر پای خاست
 ۲۴۵ ز جای نیایش بیامد چو گرد
 که ای دوزخی بنده^۳ دیو نر^۴
 ستمگاره^۶ دیویست با خشم و زور^۷
 بجای خرد خشم و کین یافتی!
 ترا خارستان^{۱۰} شارستانی^{۱۱} نمودا
 ۲۵۰ چراغ خرد پیش چشمت^{۱۴} برمدا
 نبوده‌ست جز جادوی پُرفریب
 به شاخی^{۱۷} همی‌یازی^{۱۸} امروز دست
 نجسته‌ست هرگز تیار^{۲۱} تو این!
 ترا ایزد این فرّ و برزت نداد^{۲۳}!
 ۲۵۵ ایا مرد بدبخت^{۲۵} بیدادگر
 که خرچنگ^{۲۷} را نیست پز^{۲۸} عقاب!
 به یزدان پاک و به تخت و کلاه
 اگر برزنم بر تو بر باد سرد

۱-ل، ق (نیز آ)؛ وز ۲-س؛ پوینده میبود؛ (و: کوبنده بود)؛ ل^۲ (نیز لی، ب)؛ ستم دید و پوینده بود؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز لن، ق، ل، ۳، پ، لن، ۲، ۱)؛ ک، ق، ۲، پس از این بیت افزوده‌اند:

بیا بد هر آنچه ز یزدان بخواست
 به یزدان هر آنکس که دل کرد راست
 (ق: ۲؛ ز یزدان امیدی که خواست)

۳-ل: ۲-بنده چون ۴-(ب: بی هنر) ۵-ل (نیز ل ۳)؛ <و> ع(ق: ۲؛ ستمدیده؛ ل: ۳؛ ستمکار) ۷-(و: درد) ۸-(و: کور کرد)؛ ل ۲، لی
 این بیت را ندارند ۹-ل: کنون؛ ق، ک، (نیز و)؛ همین؛ (ل: بجای خرد)؛ متن = س، ل ۲ (نیز لن، ق، لی، پ، لن، ۲، آ، ب) ۱۰-ق، ل ۲ (نیز لی، پ، ب)؛ خارسان ۱۱-س، ق، ک، (نیز لن-ل، ۲، و-ب)؛ بوستانی؛ ل ۲؛ گورسانی؛ (پ: شارسانی)؛ متن = ل ۱۲-س (نیز ق ۲، ل، ۲، آ)؛ دوزخت؛
 (ن: ۲؛ چو دوزخ یکی) ۱۳-س، ک، (نیز لن، و، لن، ۲، آ)؛ شارستانی؛ ق، ل ۲ (نیز لی، ل، ۲، ب)؛ شارسانی؛ (ق: کارسانی)؛ متن = ل (نیز لی، پ، س، ۲
 این بیت را ندارد ۱۴-س، ل ۲ (نیز لی، پ، آ، ب)؛ مغزت؛ متن = ل، ق، ک، ل ۲ (نیز ق ۲، ل، ۲، لن، ۲)؛ لن، و این بیت را ندارند ۱۵-ق: بدی‌ها
 ۱۶-(لی: نبودت؛ آ: نمودی) ۱۷-ک: شاهی ۱۸-س، ۲: زدمستی تو ۱۹-ق: بیخش ۲۰-س، ۲ (نیز ل ۳)؛ که زهرش بود بار و برگش؛ (لی: که
 زهرش بود برگ و بارش) ۲۱-س، ل ۲ (نیز ق ۲، لی، پ)؛ نیای؛ (آ: نیاز)؛ متن = ل، ق، س، ۲ (نیز لن، ل، ۲، لن، ۲) ۲۲-س، ل ۲ (نیز آ)؛ بس؛
 متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز لن-ل، ۲، ب) ۲۳-س (نیز لی، ب)؛ زور و فره بداد (لی: که داد؛ در س بداد نقطه ندارد)؛ ق: زور و این برز داد؛ ل، ۲
 (نیز لن، لن، ۲)؛ برز و فره نداد (ل: ۲؛ بداد)؛ س، ۲ (نیز ق ۲، و)؛ برز و این فرّ و (ق: ۲؛ که؛ و: فره) داد؛ (پ: برز و آیین نداده؛ آ: فرّ و این برز داد)؛
 متن = ل (نیز ل ۳)؛ در ل نداد نقطه ندارد) ۲۴-س-س، ۲ (نیز لن، ل، ۲، ب)؛ نداری؛ متن = ل (نیز ق ۲، لی، ک)؛ پس از این بیت افزوده است:

به شاهی نکرد او چو تو دل به کین
 که این شاخت از بیخ وی زد چنین

۲۵-(پ: بدبخت و ۲۶-(پ: بر)؛ س (نیز لی)؛ نابوده تنها ۲۷-س، ق، ل ۲ (نیز لن، ل، ۲، لن، ۲، آ، ب)؛ جز جنگ (د: خرچنگ) ۲۸-س، ل ۲ (نیز
 لی)؛ پزآن؛ پ این بیت را ندارد ۲۹-ل: ۲؛ بیبیم؛ (آ: که کوشش بیابم) ۳۰-س: آ؛ نیینی؛ متن = ۳۱-س، ل ۲ (نیز لی، پ)؛ دیده اندر؛ (لن، و؛
 بیش)؛ ل: نباشی سره (بی نقطه) رنجه اندر؛ ق (نیز ق ۲)؛ نباشی تو (ق: ۲؛ ندارمت) رنجه زگرد؛ متن = ک، س، ۲ (نیز ل ۳، پ، لن، ۲، ۳)

به پیروزگر بازهشتم^۲ پشت!
مبادا که در زبردستی زیم^۳

سخن‌ها شنیدیم چندی^۱ درشت
اگر من سزاوار شاهی نیم

که ای بی‌خرد^۶ ریمین^۷ دیوساز^۸،
که هرگز نزد بر کسی باد سرد^{۱۲}،
به خواری ز تخت^{۱۳} اندر انداختی،
خردمند و بیدار خواهی بُدن^{۱۴}؟
نبینی ز نیکی‌دهش جز بدی^{۱۸}!
زمین و زمان^{۲۱} زو^{۲۲} به فریاد بود،
بر^{۲۶} ایران و نیران^{۲۷} شدن^{۲۸} پادشا!
یکی دخمه‌یی بس^{۳۰} که دوری ز بخت^{۳۱}!
دگر کاندر ایران^{۳۲} منم شهریار^{۳۵}
که از راستان^{۳۶} گشت^{۳۷} همداستان،

چنین پاسخش داد^۴ بهرام^۵ باز
پدرت^۹ آن جهاندار^{۱۰} دین‌دوست^{۱۱} مرد
چنو^{۱۳} مرد را ارج نشناختی
پس او^{۱۵} جهاندار خواهی بُدن^{۱۶}؟
۲۶۵ تو ناپاکی^{۱۷} و دشمن ایزدی
گر ایدونک^{۱۹} هرمز نه بر داد^{۲۰} بود
تو فرزند اویی^{۲۳}، نباشد^{۲۴} سزا^{۲۵}
ترا زندگانی نباید، نه تخت^{۲۹}!
همان^{۳۲} کین هرمز کنم^{۳۳} خواستارا
کنون تازه کن بر من این داستان

۱-س (نیز ب): چندین ۲-س، ل (نیز ق ۲): و: هشتم (ده‌هشتم)؛ ای این بیت را ندارند ۳-س، ل (نیز لی، ب): مباد آنکه (س: آنک) در زیرگاهی نیم؛ متن = ل، ق، ک، س (نیز ل، ن، ق ۲، ل ۳-۱)؛ س در اینجا سرنویس دارد: پاسخ دادن بهرام خسرو را ۴-س، ق، ک (نیز ق ۲، ل ۳): داد پاسخش؛ س: پاسخ آورد (ب: داد پاسخ به)؛ متن = ل، ل (نیز ل، ن، ق ۲، ل ۳-۱) ۵-لی، بی، ب: داد بهرام پاسخش) ۶-س: آنا سزا ۷-ق: دشمن ۸-ق: چهارساز؛ ب: دیوساز؛ ل، ن، و این بیت را ندارند؛ در ل ۳ پس از این بیت، بیت ۲۶۴ آمده است ۹-ق: (و: پدرم) ۱۰-س: جهانگیر ۱۱-س، ل ۲، س ۲ (نیز لی، ب): دین‌دار؛ ق: آزاد؛ متن = ل، ک (نیز ل، ن، ق ۲، ل ۳-۱) ۱۲-ق: که چون او نبودی کسی در نبرد ۱۳-س (نیز لی، ن، ق ۲): چنان ۱۴-س ۲ (نیز ب، ب): چنین؛ ق: چو او؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، ن، ق ۲، ل ۳، و، ل ۱۴-ل: آ: رخت ۱۵-ق: پس از او؛ ل: ن) پس از وی ۱۶-ق: (شدن) ۱۷-ل ۲ (نیز ل، ن، پ، ل، ب، ن، ق ۲، ب): ناپاکی؛ متن = ل، ک (نیز ل، ن، ق ۲، لی، و) ۱۸-ل: (ن: بخردی)؛ س ۲ این بیت را ندارد ۱۹-ل (ک) ۲۰-ل: هرمز بیداد؛ ا: هرگز (هرمز) نه بر داد؛ متن = ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل ۳-۱، ن ۲۱-س، ل ۲) (نیز ل، ن، و، ل ۲): زمان و زمین؛ ا: زمانی زمین؛ متن = ق، ک (نیز ق ۲، ل ۳، پ) ۲۲-ق: جز؛ س: آ: س؛ ل ۲، لی، ب این بیت را ندارند ۲۳-ل: (ن: آ: او را) ۲۴-ل: (ن، ق ۲، ل ۳-۱، ن ۲: نباشی)؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز ل ۱) ۲۵-ل: سزای ۲۶-ل، ق (نیز ا): به؛ متن = ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل ۳-۱، ن ۲۷-ل، ق، س ۲) (نیز ا): توران؛ ل: ایران (دیران)؛ ق: ایرانیان بر؛ متن = ک (نیز ل، ن، ل، پ، و) ۲۸-ل، س، ل ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل ۳-۱): شده؛ متن = ق، ک، س، ل ۲، لی، ب این بیت را ندارند ۲۹-ل: (ن، ل، ن، پ، ل، ب، ن: بخت؛ ب: به تخت)؛ متن = ک (نیز لی، ا): در ل، س، ق، س ۲ (نیز ق ۲، و) حرف یکم تخت نقطه ندارد ۳۰-س (نیز لی، ب): دخمه بر (ب: پر) کن؛ ق: دخمه بگیرین؛ ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل ۳، پ، و): دخمه بس کن؛ ل ۳: دخمه کن؛ متن = ل (نیز ل، ن ۲) ۳۱-ک (نیز ل، ن، لی، ل، آ، ب، ل، ن ۲): تخت؛ در ل، س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، و، ب) حرف یکم نقطه ندارد؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ا: همه دخمه باید که دوری نه رخت؛ ک، ق ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

و اگر او نلداند ق: چنو بر مرا خود) خداوند بود چرا داغ تو چشم او را بسود

۳۲-ق، ک (نیز ل، ن، ق ۲): همی؛ س ۲ (نیز ل، ن ۳، ن ۴): همین؛ (و: یکی)؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ب، ا) ۳۳-ل: آ: و را؛ س (نیز لی، ب): منم در جهان کینه را ۳۴-ل: (ن: ایرانیان) ۳۵-ق: یادگار (در بالا به شهریار تصحیح شده) ۳۶-ک: باستان ۳۷-ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن ۳-۱، ن ۲): کیست؛ س، ل ۲ (نیز لی، ب): که اندر جهان (ب: ایدر همی) کیست (لی: چیست)؛ متن = ل (نیز ق ۲)

دگر^۲ از هنر وز^۳ نژاد آفرید،
 خرددارتر^۵ هم بی آزارتر^۴!
 کجا بر من از کارت^۹ آزرده^{۱۰} بود
 بزرگی و تخت و کلاه^{۱۱} میهی
 شناسندهی آشکار و نهان،
 کجا^{۱۱} داشت تاج از^{۱۲} پدر یادگار،
 بزرگان و کارآموزمردان^{۱۴}،
 خردیافته پیرسر^{۱۹} زردهشت،
 پذیرفت^{۲۲} وزان^{۲۳} پس^{۲۴} به گشتاسپ داد،
 دگر آنک ازو^{۲۵} یافتیم گنج،
 اگر دشمن، از نیکخواه منند^{۲۶-۲۷}!
 نخوانیم^{۳۰} کس را مگر پارسا!
 به جایی که درویش باشد نهان^{۳۱}،
 پراکنده و مردم خویش را!
 پر از مردم و چارپایان و کشت^{۳۵}!

جهاندار شاهی ز^۱ داد آفرید
 بدان کس دهد کو سزاوارتر^۴!
 ۲۸۵ الانشاه ما را پدر^۷ کرده^۸ بود
 کنون ایزدم داد شاهنشهی
 پذیرفتم این از خدای جهان
 به دستوری هرمز شهریار
 از آن^{۱۳} موبدان موبد و^{۱۴} بخردان^{۱۵}
 ۲۹۰ بدان^{۱۷} دین که آورده بود^{۱۸} از بهشت
 که^{۲۰} پیغامبر آمد^{۲۱} به لهراسپ داد
 هر آنکس که ما را نموده است رنج
 همه یکسر اندر پناه منند^{۲۶}!
 همه^{۲۸} بر زن و زاده بر^{۲۹} پادشا!
 ۲۹۵ ز شهری که ویران شد اندر جهان
 توانگر^{۳۲} کنم مرد درویش را!
 همه^{۳۳} خارستانها^{۳۴} کنم چون بهشت

۱-س: ۲ و ۳-س (نیز ب، ن، ۲، ب): و گر؛ ک، ل، ۲، س (نیز ن، ق، ۲، ل، و، ا): اگر؛ متن = ل، ق ۳-ق (نیز ق: ۲): با؛ (ل: ۳) که از کهنتر و از
 ۴- (ل: سزاوار شد) ۵-س: خرد دارد؛ متن = ۶-س: خرد داد را بر هم آزارتر (ل): (ل: خرد از تو هم بی آزار شد؛ ب: خرد داد بر
 هم بی آزارتر)؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز ن، ق، ۲، ل، ۲) ۷- (ن، و: از آن) ۸-ق: گفته ۹-س: س (نیز ن-ب): که از من (ق: ۲) که من را (ز
 دام (ق: کرد؛ ل: رای؛ س: نوشاه؛ ن، ن: آ: که از دام و بند) تو؛ متن = ل ۱۰-ق: آشفته ۱۱-س: س (نیز ن-ب): که او؛ متن = ل ۱۲-ل:
 جاز؛ متن = س-س (نیز ن-ب) ۱۳-ق: ک (نیز ن، ق، ۲، ل، و، ن: ۲) هم از؛ س: همان؛ متن = ل، س، ل (نیز ل، پ، ا، ب) ۱۴-ل: ۲-جو؛
 ل: نامور پرهنر؛ س: موبد و پرهنر؛ (ن، و: موبد موبد و؛ ق: موبدان و هم از؛ ل: ب: موبد موبد؛ ل ۱۳: ا: موبد موبدان)؛ متن = س، ک (نیز
 پ، ن: ۲) = ل، ۲، ل، ۱۳) ۱۵- (ا: وردان)؛ ق: بخرد و موبد موبدان ۱۶- (ا: بیدار دل بخردان) ۱۷-س (نیز ق: ۲): بدین؛ ق: ک (نیز ن: ۲): بران؛
 (ب: برین؛ ا: بران)؛ متن = ل، ل، ۲، س (نیز ن، ل، ۲، ا، ب) ۱۸-ق: بید ۱۹-ق: تیزهش؛ (ق: موبد؛ ن: پرهنر) ۲۰-ق: ک (نیز ل، ن، ۲):
 جو ۲۱-ل، س، ک، ل (نیز ل، پ، ا، ب): پیغمبر آمد؛ (ن، و: پیغام بزدان؛ ق: پیغامبر آنرا؛ ل، ن: پیغام بزد)؛ متن = ق ۲۲- (ق: ۲، ن: ۲):
 بپذیرفت) ۲۳-ل (نیز ل): جو؛ زان؛ س، ق، ل (نیز ن، و، ب): از آن؛ متن = ک (نیز ق: ۲، ل، ۲، ا، ب) ۲۴-ل: و؛ س: این بیت را ندارد ۲۵-س،
 ل (نیز ل، پ، ا، ب): خود؛ س (نیز و): زو؛ ک: هر که زو؛ (ق: ۲: آن کرو؛ پ، ن: ۲: آنکه زو؛ ا: آنکه خود)؛ متن = ل، ق (نیز ن، ل، ۲) ۲۶-س: ل
 (نیز ن، ل، ۲): منید؛ متن = ل، س (نیز ق: ۲، ا، ب، و، ن: ۲) ۲۷-س: ب؛ پاداش ما زین جهان ایمنید (۲۹۸ ب) ۲۸-ق: همان ۲۹-س:
 ارا؛ (ب: از؛ ل: زاده؛ س: چیز بر؛ متن = ل، ق، ک (نیز ن، ق، ۲، ل، ۲) ۳۰-س، ق، ل (نیز ا، ب): نخواهیم؛ متن = ل، ک، س (نیز ن، ق، ۲،
 ل ۲-ن: ۲)؛ ل: این بیت را ندارد ۳۱-ق: ب؛ پاداش تا زین جهان آن جهان (۲۹۵ ب- ۲۹۸ ا) را انداخته و از ۲۹۸ و ۲۹۸ ب یک بیت ساخته
 است؛ س: این بیت را ندارد ۳۲-س (نیز ن): تونگر؛ ق، س: این بیت را ندارند ۳۳-س ل (نیز ل، پ، ا، ب): همان ۳۴-ل (نیز ل، ۲):
 پ: خارسانها ۳۵- (ن، و، ن: ۲، ب: چارپای و کشت)؛ ق، س: این بیت را ندارد

نمانم یکی^۱ خوبی اندر جهان^۲
 بیابیم^۴ و دل^۵ را ترازو^۶ کنیم
 ۳۰۰ چو هرمز جهاندار^۸ با داد بود
 پسر بی‌گمان از پدر بخت^{۱۰} یافت!
 تو ای^{۱۳} پُرگناه^{۱۴} فریبنده‌مرد
 نَبَد هیچ^{۱۷} بد جز به فرمان تو!
 گر ایزد بخواهد من از^{۱۸} کین شاه
 ۳۰۵ کنون تاج را درخور کار کیست^{۲۰}؟

بدو^{۲۲} گفت بهرام کای^{۳۳} مرد گُرد^{۲۴}
 چُن^{۲۸} از دختِ بابک بزاز^{۲۹} اردشیر
 نه^{۳۲} چون اردشیر اردوان را بگشت

سَزَا^{۲۵} آن بود^{۲۶} کز تو شاهی ببرد^{۲۷}!
 نه^{۳۰} اشکانیان را بُدی^{۳۱} داروگیر؟
 به‌نیرو شد و تختش^{۳۳} آمد^{۳۴} به‌مشت؟

۱-ک: نمانیم یک؛ ل^۲ (نیز پ، آ)؛ نمانیم یک؛ (لی: نمانی همی؛ ل^۳، و، ب: نمانیم یکی)؛ متن = ل، س (نیز ل، ن، ق، آ، ن، ق)؛ در س حرف چهارم
 نقطه ندارد) ۲- (ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ: نهان)؛ متن = ل، س، ک، ل^۳ (نیز ل^۳، ب، ۳- س، ل^۲ (نیز ق^۲، پ، آ، ب)؛ با این (ل: تازین: آ: ما
 زین) جهان جهان: ک (نیز ل، ل، و، ن، ۲)؛ با زین (ل: این؛ ل: باز زین؛ ن: ۲؛ یا زین) جهان آن (و: وان) جهان؛ متن = ل، ق، س، ۲ این بیت
 را ندارند (۳- ۲۹۳، ۲۹۵) ۴- ک: بیابیم؛ (ل: ۳؛ بیابیم؛ آ: بتازیم)؛ در ل، ق حرفهای یکم و چهارم، در س همه حرفها، در ن
 حرفهای چهارم و پنجم و در ل، ق، آ، لی، و، ب حرف چهارم نقطه ندارند؛ متن = (پ، ن، ۲) ه: تن ع: س (نیز لی، ب)؛ از او (ب: آن)
 بر؛ متن = ل، ق، ک، ل^۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ۳- ۷- ق، ک (نیز ن)؛ ز: آ: چه)؛ س (نیز لی، ن، ۲، ب)؛ نیروی؛ متن = ل، ل^۲ (نیز ق^۲، ل، ۲، پ، و)؛
 س ۲ این بیت را ندارد ۸- ل (نیز لی، و، ن، ۲)؛ جهاندار و؛ س: ۲ که با فز و؛ متن = س- ل^۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ۲، پ، آ، ب) ۹- س: برو؛ (ل: آ، زو)
 ۱۰- ق، ک (نیز ل، ن، لی، آ): تخت؛ متن = (۲)؛ در دیگر دستنویس‌ها حرف یکم بخت بی نقطه ۱۱- (لی، آ، ب: ح)؛ س: ۲؛ نیز و ۱۲- ق (نیز
 لی، پ)؛ بخت؛ متن = (ل، ن، ق، آ، ل، ۳، ن، ۲)؛ در دیگر دستنویس‌ها حرف یکم تخت بی نقطه ۱۳- ق، ک (نیز پ)؛ تویی ۱۴- ق: گناه ای؛ ک (نیز
 ل، ن، پ)؛ گناه و؛ ل^۲؛ برکناره ۱۵- (ل: ۳؛ نخستی؛ ل: آ: بچستی) ۱۶- ق، ل^۲ (نیز پ، و، آ، ب)؛ ز هرمز نخستین؛ س ۲ این بیت را ندارد؛ ل س
 از این بیت افزوده است:

به گیتی چو ایزدگشسب سوار
 ز کردار تو کشته شد ناگهان
 نبستی کمر نیز یک نامدار
 به دست فرومایه‌یی بدگمان

۱۷- ق^۲، ل^۲: نبود ایچ)؛ س ۲ این بیت را ندارد؛ در ق^۲ بیت‌های ۳۰۳ و ۳۰۴ پس از بیت ۳۱۰ آمده‌اند ۱۸- س ۲ (نیز پ)؛ ز من؛ (ب: من
 این) ۱۹- ق^۲: روی خورشید بر تو) ۲۰- (لی: نیست) ۲۱- س، ک، ل^۲، س ۲ (نیز ل، ن، ۲، پ، و، آ، ب)؛ ناسزالم؛ متن = ل (نیز ق^۲، ل، ۲، ق، این
 بیت را ندارد؛ س در اینجا سرنویس دارد: پاسخ دادن بهرام خسرو را ۲۲- س: چنین ۲۳- ق: کز؛ س: آ: کان ۲۴- ق: مرد ۲۵- ل: مرا
 ۲۶- (ل: ۲؛ بود آن) ۲۷- ل: ل: برد؛ (لی: سپرد) ۲۸- ل- س- ل^۲ (نیز ل، ن، ۲، ب)؛ چو؛ متن = (ل) ۲۹- س: سزادا؛ (ق: چو هوشتم بابک سزادا؛ ل: آ:
 من از دخت بابک سزادا) ۳۰- ل- ل^۲ (نیز لی، پ، ب)؛ که؛ متن = س ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، و، ل، ۲) ۳۱- ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ۲، پ، ب)؛ بدان؛ (و،
 ل، ن: بد این)؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیز لی، آ، ب) ۳۲- س: ۲؛ که ۳۳- ل^۲ (نیز ق^۲)؛ بخش؛ متن = (ل، ن، ل، ۲، ب)؛ در دیگر دستنویس‌ها
 حرف یکم تختش نقطه ندارد ۳۴- س: ۲؛ تخت شاهی؛ لی این بیت را ندارد

کنون سال چون^۱ پانصد^۲ برگذشت^۳
 ۳۱۰ کنون تخت و دیهیم را^۴ روز ماست!
 چو بینیم چهر^۵ تو و بخت^۶ تو
 بتازم بدین^۷ کار ساسانیان^۸
 ز دفتر همه^۹ نامشان بستر^{۱۰}م!
 بزرگی مر^{۱۱} اشکانیان را سزاست

سر^۱ تاج ساسانیان سرد گشت^۲
 سر و کار با بخت^۳ پیروز ماست!
 سپاه و کلاه^۴ تو و رخت^۵ تو،
 چو آمخته^۶ شیری که گردد زیان^۷!
 سر^۸ تاج^۹ ساسانیان بشتر^{۱۰}م!
 اگر بشنود مرد داننده^{۱۱} راست!

که ای بیهده مرد^۱ پیگارجوی^۲،
 بخواهد شدن^۳، تو کیی زین میان^۴؟!
 دورویند^۵ و از^۶ مردمی بر چی اند^۷؟!
 که شد با سپاه سکندر یکی،
 گرفتند ناگاه تخت^۸ کیان!

چنین پاسخ آورد خسرو بدوی
 اگر پادشاهی ز تخم کیان
 همه رازیان^۱ از تنه خود کی اند^۲؟!
 نخست از ری آمد سپاه اندکی
 میانها^۳ بستند با رومیان

۱- از: (لن، و بر): ۲- ق: چارصد؛ ک: پنجصد؛ س: پانصدی؛ متن = ل، س، ل (نیز لن، بی) - ۳- س، ل (نیز لی، آ، ب): اندرگذشت؛
 ق: درگذشت؛ متن = ل، ک، س (نیز لن، ل، ن، ۳- لن، ۲): ق: بدو گفت بهرام کان درگذشت (۴- س، ل (نیز لن، لن، ب): سرو؛ ا: سراز)؛
 متن = ل، س ۲- ه: برگذشت؛ (لی: زرد گشت؛ آ: سیر گشت) ۶- ک: این ۷- (ب: روز)؛ لی این بیت را ندارد؛ در ق ۲ بیت‌ها
 درهم ریخته‌اند: ۳۱۰، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۱۴، ۳۱۳، ۳۱۲ ۸- ق: مهر؛ (ل: تاج؛ لی: بینیم چهر) ۹- (ل، ل، ۳، پ، ن، ۲، آ: تخت)؛ متن =
 ق (نیز لی)؛ در دیگر دستنویس‌ها حرف یکم بخت نقطه ندارد؛ ق: ۲- دگر گفت بهرام بی بخت ۱۰- س (نیز لی، ب): کلاه و سپاه ۱۱- س، ق،
 ک (نیز لی)؛ تخت؛ (ل: بخت)؛ در ل، ق، ۲، ب حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ل (نیز لن، پ، آ)؛ س ۲ این بیت را ندارد ۱۲- ل: بیارم بدین؛
 س (نیز لی، ب): بتازیم (در س حرفهای یکم، دوم و پنجم و در ب حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند) این (لی: زین؛ ب: ازین)؛ ق: برآرم
 بتن؛ ک: تو آری بکن؛ ل: ۲- بیارم بدین؛ س ۲ (نیز ل ۳)؛ تو آری بسر؛ (لن، ق، ۲، و، ن، ۲: تو آری بین؛ آ: بیارم بدین)؛ متن = (ب) ۱۳- ا:
 ایران‌سرنان) ۱۴- ل (نیز ق ۲): آشفته؛ ق: آهخته؛ متن = ۱۵- (ق: باشد زیان)؛ س، ل (نیز لی، ب): چو آمخته (س: آمیخته) کاری که گردد
 زیان (در س حرفهای یکم و دوم و در ل ۲ حرف دوم نقطه ندارند)؛ س: سرآید برین تخمه سود و زیان؛ (آ: چو آهخته تیغی که گردد
 گران)؛ متن = ک (نیز لن، ل، ۲، لن، ۲)؛ در ق، لن ۲ لتهای این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در لن ۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده
 است ۱۶- (ق: همی) ۱۷- س، ل: بستیرم؛ ک، س، ۲ (نیز لن، ل، ۳، و، لن، ۲)؛ بستری؛ متن = ل، ق (نیز ق ۲، لی، پ، آ، ب) ۱۸- ل: سر تخت؛
 س- ۲ (نیز لن، ق، لی، پ، ب): سرو تاج؛ متن = (ل) ۱۹- س، ل: بسپوریم؛ (لن: بسپری)؛ ک، س ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، و): ساسان (س):
 شاهان) به پی بسپری (ق: بسپرم)؛ متن = ل، ق (نیز پ، آ، ب) ۲۰- س (نیز لی): بر؛ ک، س ۲ (نیز لن، ل، ۳، و، لن، ۲): چو (ق: خود)؛ متن = ل،
 ق، ل (نیز پ، آ، ب) ۲۱- ق: گوینده؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ در اینجا سرنویس دارد: پاسخ دادن خسرو بهرام را ۲۲- ک، س ۲
 (نیز ق ۲، ل ۳): پرخاشجوی؛ (لی: بسپارگوی)؛ ق: پس از این بیت افزوده است (ه ۲۳۰ پ):

بیبیجی تو از خام گفتار خویش بدست آیی و جان برآید به پیش

۲۳- (لن: نخواهد بدین) ۲۴- در: در جهان؛ (ق، ۲، پ، و، ا: در میان؛ ب: زین نشان)؛ متن = س، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، لی، ل، ۳، لن، ۲)؛ ق: این بیت را
 ندارد ۲۵- ا: هم اشکانیان) ۲۶- س، ل (نیز ق ۲، ل ۲): کاند؛ (ل: کاند)؛ (ل، و، لن، ۲: بدند)؛ ق: بدبندند ۲۷- س، ۲: دورویند ۲۸- ل:
 وز؛ متن = س، ل (نیز پ، آ، ب) ۲۹- ل (نیز آ) چه اند؛ س (نیز لی): خود چه (لی: چی) اند؛ ق، س ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، و، لن، ۲)؛ و هم دشمن
 یزدند (س: ایزدید)؛ ک: و خود جمله هر هم چشید؛ متن = ل (نیز پ، ب؛ ه ۳۰)؛ ل: میان را؛ متن = س- ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، پ، ب)؛
 ل ۲ این بیت را ندارد؛ در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است

۳۲۰ ز ری^۱ بود ناپاک^۲ دل ماهیار
 وُرآن^۵ پس بیستند^۶ ایرانیان
 نیامد جهان آفرین را پسند
 کلاو کبی بر سر اردشیر
 به تاج کیان^{۱۱} او سزوار بود
 ۳۲۵ کنون نام^{۱۳} آن نامداران گذشت
 کنون مهتری^{۱۵} را سزوار کیست؟

کزو تیره^۳ شد تخم^۴ اسفندیار!
 به کینه یکایک کمر بر^۷ میان!
 ازیشان بدیشان^۸ رسید آن^۹ گزند!
 نهاد آن زمان داور^{۱۰} دستگیر!
 اگر چند بی گنج و دینار^{۱۲} بود
 سَخُن گفتن ما^{۱۴} همه باد گشت!
 جهان را به نوی^{۱۶} جهاندار^{۱۷} کیست؟

بدو گفت بهرام جنگی: منم

که بیخ کیان را ز بُن برکنم!

چنین^{۱۸} گفت خسرو^{۱۹} که آن^{۲۰} داستان
 که هرگز به نادان و^{۲۳} بی‌راه و^{۲۴} خرد

که داننده^{۲۱} یاد آرد^{۲۲} از باستان،
 سیلیخ^{۲۵} بزرگی نباید^{۲۶} سپرد،

۱-س: ۲-ل: ۳-س (نیز، ل، ق، ۲، ی): (ناپاک؛ متن = (پ-ب) ۳-س (نیز، ی، ب): خیره ۴-س: ۲-چشم؛ ل این بیت را ندارد؛ ک پس از این بیت افزوده است:

زوارا زیانرا خود این ننگ بس
 کزان بوم سر برکشد چون تو کس
 ۵-ل، س: ۲-ل (نیز، ی، ب): از آن؛ (ا: ازین)؛ متن = ق، ک (نیز، ل، ق، ۲، ل، ۲-ل، ۲) ۶-س: ل (نیز، ی، ب): نشستند (۹)؛ (ل، ن، ق: ۳: برفتند)؛
 متن = ل ۷-س: ل (نیز، ی، آ، ب): بدی را بیستند یکسر؛ ق، ک (نیز، ل، ق، ۲، ل، ۳، پ، و): بیستند یکسر بدی را؛ متن = ل: س این بیت را
 ندارد ۸-ل: به ایران؛ س: ۲: بریشان؛ ک: زایشان به ایشان؛ متن = س، ق، ل (نیز، ل، ب) ۹-ل (آ، ب: این) ۱۰-ق، س: ۲ (نیز، ل): دادگر؛ ل: ۲:
 داور و ۱۱-ل (ن: آ، کبی) ۱۲-س (نیز، ی): گنج دینار؛ ق، ک، س: ۲ (نیز، ل، و، ل، ۲): که از تخم (س: ۲: تخت) شاهی جهاندار (ک: بی آزار؛
 ل، و: کم آزار؛ ل: ۲: سزوار)؛ (ق: ۲: که از تخم شاهان بیدار)؛ متن = ل، ل (نیز، پ، آ، ب: س، ی، س) ۱۳-ک، س: ۲ (نیز، ل، و، ل، ۳، و، ل، ۲): کار؛
 متن = ل، س، ق، ل (نیز، ی، پ، آ، ب) ۱۴-س (نیز، ی، ب): آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵-س (نیز، ی، ب): بر تری؛ ق: کهنتری؛ متن =
 یازده دستنویس دیگر ۱۶-س: ۲: همی نو؛ س: ۲ (نیز، ل، آ، ب): جهان جهان را؛ (ل: آن: جهان چنین را)؛ متن = ل: بنوی ۱۷-ق:
 سزوار (ل) ۱۸-س: ۲: بدو ۱۹-س (نیز، ی، ب): دانا ۲۰-س، ق، ل (نیز، ق، ۲، ی، آ، ب): این؛ متن = ل، ک، س: ۲ (نیز، ل، ۲-ل، ۲) ۲۱-س: ل (نیز، ی، آ، ب): که باشد که؛ متن = ل، ق، س: ۲ (نیز، ل، ق، ۲، ل، ۲-ل، ۲) ۲۲-ک: شنیدی که دانا زد ۲۳-س، ق (نیز، ق، ۲، ی): < ۲۴-س، ق (نیز، ی، آ، ب): که باشد که؛ متن = ل، ق، س: ۲ (نیز، ل، ق، ۲، ل، ۲-ل، ۲) ۲۵-س (نیز، ی، ل، ۲): سلاح ۲۶-و: (کیان بدتنان را)؛ س، ک، س، ۲، ل، ق، ۲، ل: ۲ پس از این بیت
 افزوده‌اند:

چو از تو ستاند تن (ل: ۲: شناسدش) آسان شود (س، ل: ۲: بود)
 وگر (ک: دگر؛ ل: ۲: چو زو) بازخواهی هراسان شود (س، ل: ۲: بود)
 پدرم آن بد (ک، ل: ۲: بی) اندیشه زود (ل: ۲: دیر؛ س: ۲: بداندیش بدروز) ساز
 نهران ز آشکارا ندانست باز (ل: ۲: راز)
 ز (س: که) مردی (س، س: ۲، ل، ق: ۲: مرد) بزرگش یکی بود و خرد
 سیلیخ (س، ل: ۲: سلاح) کیان (ل: ۲: کبی) بی‌بنان (ق: ۲: بی‌تنان؛ ل: ۲: بی‌نیان) را (س: ۲: کیان را به نادان) سپرد
 ل، ق، ل، ۲، ی، و، آ، ب این بیت‌ها را ندارند

۳۳۰ که چون^۱ بازخواهی^۲ نیاید بدست
چه گفت آن خردمند شیرین سخن
به فرجام کار آیدت رنج و درد
دلآور شدی^۹ تیز^{۱۰} و برترمنش
ترا کرد سالار گردنکشان
۳۳۵ بر آن^{۱۴} تخت سیمین^{۱۵} و آن مهر شاه
کنون نام چوبینه بهرام گشت
بر آن^{۱۹} تخت بر^{۲۰} ماه^{۲۱} خواهی شدن؟
سخن زین نشان مرد^{۲۴} دانا نگفت^{۲۵}

که دارنده زان^۳ چیز^۴ گشته ست مست
که گر بی نشان^۵ را نشانی^۶ به بن^۷،
به گرد در ناسپاسی^۸ مگرد!
ز بدگوهر آمد ترا بد کنش^{۱۱}!
شدی^{۱۲} مهتر اندر زمین کشان^{۱۳}،
سرت مست^{۱۶} شد، بازگشتی ز راه،
همان تخت سیمین ترا^{۱۷} دام^{۱۸} گشت،
سپهبد بدی^{۲۲} شاه^{۲۳} خواهی شدن؟
بر آنم^{۲۶} که با دیو^{۲۷} گشتی تو^{۲۸} جفت!

بدو گفت بهرام کای^{۲۹} بدکنش
۳۴۰ تو^{۳۲} پیمان^{۳۳} یزدان نداری نگاه
نهی داغ بر چشم شاه جهان^{۳۷}
همه دوستان بر تو بر دشمناندا
بدین^{۳۸} کار خاقان مرا یاورستا

نزید^{۳۰} همی بر تو جز^{۳۱} سرزنش!
همی^{۳۴} ناسزا^{۳۵} جویی^{۳۶} این پیشگاه!
سخن زین نشان کی بود در نهان!
به گفتار با تو، به دل با مندا!
همان^{۳۹} کاندر ایران و چین لشکرست^{۴۰}!

۱-س، ک، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ): کنون؛ (ل، ۳: که گر)؛ متن = ل، ق، ل، ۲ (نیز پ، آ، ب)، ۲-ک، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ): باز خواهد؛ (لی: بازخواهی؛ آ: بازجویی)؛ متن = ل، س، ق، ل، ۲ (نیز پ، ب)، ۳-س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ب): از؛ متن = ل، ق، ۴-ب: چه چنین) ۵-س، ۲ (نیز ق، آ، و): بی تان؛ در ل، س، حرف سوم نقطه ندارند؛ (ن: آ: بی نیا)؛ متن = ک (نیز لن، ل، آ، ب)، ۶-ک: فشانی ۷-ق: که کاری که بیش از تو باشد مکن؛ ل، ۲، لی، آ، ب این بیت را ندارند ۸-ق: رنج هرگز؛ ب: ناسپاسان) ۹-س (نیز لی، ب): بدی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-در ل حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند؛ ل: تیر؛ (ق، آ: آ: تند؛ ل، آ، و، ب: نیز)؛ متن = س، ق، ک، س، ۲ (نیز لن، لی، ب، لن، آ) ۱۱-س (نیز ق، آ، و): سرزنش؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲-ل، آ: چنین ۱۳-ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، لی، و، آ، ب): کسان؛ متن = ل، س (نیز ل، آ، ب، لن، آ): ق (نیز ق، آ): مگر گفت داری ز نیکی نشان؛ ق، آ پس از این بیت افزوده است:

شدی مهتر اندر زمین کسان بجای نکویی همان بدرسان

۱۴-ک: از آن؛ س، ۲ (نیز لن، لی، ل، ۳، پ، لن، آ): بدان؛ متن = ل، س، ق، ل، ۲ (نیز ق، آ، و، آ، ب)، ۱۵-لن: شاهی) ۱۶-ب: پست) ۱۷-پ: ورا) ۱۸-ق: برآرم (م: ترا دام) ۱۹-لن، ل، ۳: بدان) ۲۰-آ: برهمی) ۲۱-س، س، ۲ (نیز لن، ل، ۳، لن، آ، ب): پرمایه (ل): متن = ل، ق، ک، ل، ۲ (نیز ق، آ، ب، و، آ) ۲۲-ل: شادی) ۲۳-لن: شاد)؛ لی این بیت را ندارد ۲۴-ق: زان میان شاه ۲۵-ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، آ، ب): بگفت؛ در ل، س، ق، آ، و، آ حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ک (نیز لن، ل، آ، ب)، ۲۶-لن: ندانم) ۲۷-س (نیز ب): باد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸-س، آ: که مستی تو باد؛ لی این بیت را ندارد؛ س در اینجا سرنویس دارد: پاسخ دادن بهرام خسرو را ۲۹-لن: ای) ۳۰-ق (آ: که زبید) ۳۱-ل، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، آ): بر؛ لی این بیت را ندارد ۳۲-ق: که؛ س، آ: چو ۳۳-س، آ: تیمار؛ (ل، آ: فرمان) ۳۴-ق (آ: همان؛ لی: همه) ۳۵-لی: تاج را) ۳۶-ل (نیز ق، آ): خوئی؛ متن = س، س، ۲ (نیز لن، لی، ب): ک، ق، آ پس از این بیت افزوده اند:

هر آن شاه کز راه یزدان بگشت ازو فزه پادشاهی (ق: آ: فز شاهی همی در) گذشت

۳۷-ق (نیز ل، آ): شاهنشاهان ۳۸-ل، ۲ (نیز ل، آ، و، آ): برین ۳۹-س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، و، ب): هر آن؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، ب)، ۴۰-لی: مهترست)؛ که ق، آ پس از این بیت افزوده اند:

که با داد مهریم و با تیغ و (ق: آ: مهرم با تیغ) دست همین بند من چرخ گردان بیست

نمانم کزین پس بود نام کی!
 کنم تازه^۱ آیین میلاد را^۲
 چو جنگ آورم آتش^۳ سرکشم!
 همان^۴ آتش^۵ تیز بُر زین منم!
 که نه تخت ماند، نه مُهر و کلاه،
 نه نوروز ماند^۶، نه جشن^{۱۳} سده!
 برین^{۱۶} بوم تا من^{۱۷} بیستم^{۱۸} میان
 برو چارصد بار بشمر هزارا
 که گفתי که بر راهبر جای^{۲۱} نیست!
 من از پس خروشان چو شیر^{۲۲} شترگ^{۲۳}
 به خیره نجوید^{۲۵} نشستِ مِهان!
 همی^{۲۶} تخت عاج آید از خنجرم^{۲۷}
 ز تختت به روی زمین آورم^{۲۹}!

چرا یاد گرگین نگیری^{۳۱} به ری،
 بزرگی و اورنگ و بختش^{۳۳} نبود!

بزرگی من از پارس آرم به ری!
 ۳۴۵ برافرازم اندر جهان داد را!
 من از تخمهی نامور^۳ آرشم!
 نبیره جهانجوی^۵ گرگین منم!
 به^۸ ایران بر آن^۹ رای بُد^{۱۰} ساوه شاه
 کند با زمین^{۱۱} راست آتشکده
 ۳۵۰ همه بنده^{۱۴} بودند^{۱۵} ایرانیان
 تو خودکامه را^{۱۹} گر ندانی^{۲۰} شمار
 ز پیلان^{۲۱} جنگی هزارودویست
 هزیمت گرفت آن سپاه بزرگ
 چنان دان^{۲۴} که کسی بی هنر در جهان
 ۳۵۵ همی بوی تاج آید از میغفرم!
 اگر با تو یک پشه^{۲۸} کین آورم^{۲۹}

بدو گفت خسرو که ای شوم بی^{۳۰}
 که اندر جهان یاد^{۳۲} تختش^{۳۳} نبود!

۱- (ق: آ: زنده) ۲- (آ: ز بن برکنم بیخ بیداد را): در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده و در ل پس از بیت ۳۴۴ بیت ۳۴۷ آمده است ۳- س، ک، ل، ۲، س (نیز ل-ن، ۲، و-ب): نامدار: ق: تاجور؛ متن = ل (نیز پ) ۴- ل: جنگاوران آرش؛ متن = س-س ۲ (نیز ل-ن، ب) ۵- (ق: جهاندار) ۶- (ب: همی) ۷- ک: آذر ۸- س، ل (نیز ق: آ: ب): بر؛ (ن: آ: در): متن = ده دستنویس دیگر ۹- س، ق، ل (نیز ل-ن، ل): بدان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- س: را ۱۱- س (نیز ل، آ: ت): تلی؛ (آ: زمی): متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲- (ل: مانم) ۱۳- ل ۲ (نیز ل: ۳) جشن و ۱۴- (پ: برده؛ و: رنجه): در ق در بالا افزوده است: برده ۱۵- س: گشتندی ۱۶- (ق: آ: همه؛ ل، آ: بدین) ۱۷- ل، ۲: مانا ۱۸- (پ: بیستم): در بیشتر دستنویس ها حرف یکم بیستم نقطه ندارد؛ س: آ: یک تن نیستی ۱۹- س، ل، ۲، س (نیز ق: آ: ل، و-ب): خودکامه؛ متن = ل (نیز ل، پ) ۲۰- (ق: آ: ل: آ: نداری؛ پ: خودندانی)؛ ق: تو خوددانی آن گر بدانی؛ ک: تو گر خوددانی ز لشکر ۲۱- ک: بر خاک بر جای؛ س، ل (نیز ق: آ: ل، آ: ب): که؛ (س: ق: آ: ل، آ: تو) گفתי که اندر (ق: آ: مگر بر) زمین راه (س، ق: آ: جای)؛ ق، س (نیز ل، ل، ۲، و، ل، ۲): که گفتمت بر خاک بر جای؛ متن = ل (نیز پ) ۲۲- ل، ق: دیو (۴)؛ س: پیل؛ متن = ک، ل، ۲، س (نیز ل، ق: آ: ل، آ: ب) ۲۳- (ل: و: جوشان چو گرگ) ۲۴- ل (نیز ل، آ: ب): شد ۲۵- س (نیز ل، آ: ب): نجوید به خیره؛ ق: به چیزی نجوید؛ ل: نجوید به چیزی؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ل، ق: آ: ل-ن، ۲) ۲۶- ک، س، ۲: همان ۲۷- (ق: آ: اندر خورم)؛ ک، ق: آ: پس از این بیت افزوده اند:

سپاه جهان پیش تیغم به رزم
 نیرزد به یک مرد بی رای و حزم
 (ق: آ: بود همچو میخواره در روز بزم)

۲۸- س، ۲: ذره ۲۹- ق، ل (نیز ل، ق: آ: ل، و-ب): آورد؛ (ل: آورد-آورم)؛ متن = ل، س، ک، س، ۲: پ این بیت را ندارد؛ س در اینجا سرنویس دارد: پاسخ دادن خسرو بهرام را ۳۰- ک (نیز ق: آ: نیک بی؛ س: آ: شیرینی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۱- س، ک (نیز ق: آ: ل، و-ب، آ: نکرده)؛ متن = ل، ق، ل، ۲، س (نیز ل، ل، و، ل، آ: ب) ۳۲- ل: بود؛ (ل: تاج و)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۳- در ل، ق، ل (نیز ل، ق: آ: و، آ: ب) حرف یکم تختش نقطه ندارد ۳۴- (پ: تختش)؛ در ل، س، ل، ۲، س (نیز ق: آ: ل، ۲) حرف یکم بختش نقطه ندارد

فرومایه بُد در میان میهان^۱ /
 به شاه زمانه نشان تو داد، /
 شد آن روز بر چشم تو^۶ ناپدید^۷، /
 درفش تهمتن، درفشان^{۱۰} چو ماه^{۱۱}! /
 به ویرانی آرند^{۱۵} ترکان^{۱۶} چین^{۱۶} /
 کلاحت برآمد به^{۱۸} ابر بلند! /
 که آن^{۲۲} پادشاه را شود^{۲۳} کار^{۲۴} راست، /
 که هرگز ندیدی^{۲۶} بهی و میهی^{۲۷} /
 بخواهد شدن، تو^{۳۱} چه بندی میان^{۳۲}، /
 که تیره کند بخت^{۳۳} شاهنشاه! /
 مبادی^{۳۵} به گیتی^{۳۶} جز اندر مفاک! /
 که شد روز بر شاه ایران کیود^{۳۸} /
 ز گیتی مرا^{۴۲} خواستی کرد^{۴۳} کم! /
 هم از بی‌رهان برترین پایه‌یی^{۴۵}!

ندانست کس نام او در^۱ جهان /
 بیامد گرامیایه^۳ مهران^۳ استاد^۳ /
 ز خاک سیاحت چنان^۴ برکشید^۵ /
 ترا داد گنج و^۸ سلیح^۹ و سپاه /
 بُد خواست^{۱۲} یزدان^{۱۳} که ایران^{۱۴} زمین^{۱۴} /
 تو بودی بدین^{۱۷} جنگشان یارمند /
 ۳۶۵ چو دارنده‌ی^{۱۹} چرخ گردان^{۲۰} بخواست^{۲۱} /
 تو زان مایه مر^{۲۵} خویشتن را نهی /
 گرین^{۲۸} پادشاهی^{۲۹} ز تخم کیان^{۳۰} /
 چو اسکندری باید اندر جهان /
 تو با چهری دیو و بارنگ^{۳۳} خاک /
 ۳۷۰ ز بی‌راهی و کارکرد^{۳۷} تو بود /
 نبشتی^{۳۹} همان^{۴۰} نام هن^{۴۱} بر درم /
 بدی را تو اندر^{۴۲} جهان مایه‌یی!

۱-ک،س،۲ (نیز لن، ل،۲-ن)، تو در؛ (ق، آ: نامش اندر؛ متن = ل، س، ق، ل، ۲ (نیز لی، آ، ب) ۲-س: فرومانده بود او میان مهان؛ ق-س، ۲ (نیز لن-ا): فرومایه بود (س، ۲-ن، پ، و، ن، آ: بودی؛ ل، ۳: فرومایه بودی تو) اندر نهان؛ (ب: فرومانده بودست او در جهان)؛ متن = ل، ۳-۳، ۳: شتاد؛ پ: شتاد؛ و: ساد؛ ن، آ: شاد) ۴- (لن، ل، ۲-ن، آ: چنین) ۵- (ق، آ: به پروین کشید) عمل: <تو> ۷- (ق: شب تیره خورشید رخشان دمید) ۸- ل: <و> ۹-س (نیز لن، لی، ن، آ): سلاح ۱۰-س: فروزان ۱۱- (لی: براه) ۱۲-ق: نمی خواست ۱۳- (ن: آن) ۱۴- آن خاقان) ۱۴- (لن، و: گردان چین) ۱۵-ق: آرد ز؛ (ل، آ: آید ز) ۱۶-س، ک، ل، ۲ (نیز ق، آ، بی، پ، آ، ب): گردان چین؛ (لن، و: ایران زمین؛ ل، ۳: ترکان و چین)؛ متن = ل، ق، س، ۲ (نیز لن، ل، ۱۷-س، ل، ۲ (نیز ب): بران؛ (لی: در آن؛ پ، آ: بلدان؛ ق، ک، س، ۲ (نیز لن، ق، ل، ۲، و، ل، ۲): ترا بود در؛ متن = ل، ۱۸-س، ک (نیز ل، ۲، و، آ): بر؛ س، ۲: ز؛ متن = ل، ق، ل، ۲ (نیز لن، ق، آ، بی، پ، ل، آ، ب) ۱۹-ق: داننده ۲۰-س، ۲ (نیز ق، آ: یزدان ۲۱-ک (نیز لی، پ): بخواست؛ در ل، س، ق، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، و، آ) حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ل، ۲ (نیز ل، ۲، ن، آ، ب) ۲۲-ق (نیز لی): این ۲۳- (ب: بود) ۲۴-س، ۲ (نیز و): پشت؛ ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، لی، بی، آ، ب): کام؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق، آ، ل، ۲، ن، آ) ۲۵-س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن-ل، آ، و-ب): هنر زان (س، آ: را؛ ب: زو) همی؛ (پ: همی زان هنر)؛ متن = ل، ۲۶- (ق، آ: نبینی؛ پ، و: مبادت) ۲۷-س، ک، ل، ۲ (نیز لن، لی، ن، آ): میهی و بهی؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ق، آ، بی، پ، آ: اگر آن؛ ل، ۲: بکرین؛ پ، ب: که آن) ۲۹- (ا: پادشاهان؛ س: که آن پادشاه را ۳۰-س (نیز آ، ب): مهان ۳۱-ل: بر؛ متن = س، ک، ل، ۲ (نیز لن-ب) ۳۲- (ل، آ: کنی در میان)؛ ق، س، ۲ این بیت را ندارند ۳۳-س، ۲ (نیز لن، لی، پ): تخت؛ در ل، ل، ۲ (نیز ق، آ، و، ن، آ، بی، پ) حرف یکم نقطه ندارد؛ (ل، آ: فر)؛ متن = ق، ک (نیز آ) ۳۴-ق: دیو هم رنگ؛ ل، ۲ (نیز لی): دیو بارنگ؛ س، ۲ (نیز و اورنگ ۳۵- (ا: مبادا) ۳۶-ق: ز گیتی؛ س، ۲: به گیتی مبادی؛ در س، ۲ این بیت پس از بیت ۳۷۱ آمده است ۳۷-س (نیز لی، آ، ب): کارهای؛ (و: کار و کرد)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۸-س، ۲: چو دود ۳۹-ل، ق (نیز و، ن، آ): نوشتی؛ ل، ۲، س، ۲: نبستی (د: نبستی)؛ متن = س، ک (نیز لن-ب، آ، ب) ۴۰-س، ق، ک، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، ۲-ن، آ): همی؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز لی، آ، ب) ۴۱-س (نیز ب): خود ۴۲-س: ترا ۴۳- (ق، آ: نیز)؛ ق (نیز ب): خواست کردی تو؛ در ق، آ پس از این بیت، بیت ۳۷۴ آمده است؛ ک پس از این بیت و ق، آ پس از بیت ۳۷۴ افزوده‌اند:

جهان آفرینم نگهدار بود / مرا بخت فرخنده پیدار بود

۴۴-س، ۲: همی در ۴۵-س (نیز لی، ب): در (س: بر) زمین سایه؛ (ق، آ: کمترین پایه)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل، ۲ بیت‌های ۳۷۲، ۴۰۵ را ندارد

تو باشی بدان^۲ گیتی^۳ آویخته!
 که جویی همی روز در^۵ آفتاب!
 همه روزگارت به کژی مبر^۶!
 خردمندی و راستی پیشه کن!
 زمانه دم ما همی بشمرد!
 به کژی چرا دل^{۱۰} بیاراستی؟
 یکی بهر ازین^{۱۴} پادشاهی تراست^{۱۵}!
 تن آسان و دور از بد بدگمان!
 گه بازگشتن نیاشی به رنج!
 که زردشت گوید به زند^{۲۰} اندرون،
 ز یزدان ندارد به دل بیم^{۲۲} و باک،
 چو پندش^{۲۴} نباشد ورا^{۲۵} سودمند،
 فگندن تنی پُرگناهش^{۲۶} به راه^{۲۷}!
 ببادش^{۲۹} کشتن هم اندر زمان!
 همی جوید این^{۳۱} بخت وارون تو!
 وگر^{۳۳} بگذری جایب آتش بود!

هر آن خون که شد در جهان^۱ ریخته
 نیایی شب تیره^۴ آنرا به خواب
 ۳۷۵ ایا مرد بدبخت بیدادگر
 ز خشنودی^۷ ایزد اندیشه کن!
 که این بر من و تو همی^۸ بگذرد
 که گوید^۹ که کژی به از راستی
 چو فرمان کنی^{۱۱}، هرج^{۱۲} خواهی تراست^{۱۳}
 ۳۸۰ بدین گیتی اندر بزی^{۱۶} شادمان^{۱۷}
 وگر^{۱۸} بگذری زین سرای سپنج
 نشاید کزین کم کنیم، ار^{۱۹} فزون
 که هرکس که برگردد^{۲۱} از دین پاک
 به سالی همی داد بابدش^{۲۳} پند
 ۳۸۵ بیابدش کشتن به فرمان شاه
 چو بر شاه گیتی شود^{۲۸} بدگمان
 بریزند هم^{۳۰} بی گمان خون تو
 کون زندگانیت^{۳۲} ناخوش بود

۱-س (نیز لی، ب): زمین؛ س: آ: گردد بدین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲-ل: بران؛ (ب: بدین) ۳-س، ق، ک، س: ۲ (نیز لی، ل، پ، ن: ۲، آ، ب): یکسر؛ متن = ل (نیز ق، آ، و) ۴-س: همه شب مر هق: چون؛ لن، لی، آ، ب این بیت را ندارند ۵-ل این بیت را ندارد ۷-ل، ن، لن: ز بخشند) ۸-ق، ک، س: ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن: ۲) بر تو هم (س: آ، ق، آ: بر؛) متن = ل، س (نیز لی، پ، آ، ب) ۹-ل (پ: تو گوئی) ۱۰-س، ق، ک، س: ۲ (نیز لن-ب): چرا دل به کژی؛ متن = ل: در ولت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۱-ق: دهی (در بالا: بری)؛ (ق: آ: بری) ۱۲-س، ق، ک، س: ۲ (نیز ق، آ، لی، پ-ب): چه؛ متن = ل (نیز لن) ۱۳-ل (و: ترا؛ ب: رواست؛ ل: پادشاهی مراسم) ۱۴-س، ق، ک، س: ۲ (نیز لن-ب): بهره زین؛ متن = ل: بهره ازین - بهره ازین ۱۵-ل (و: ترا) ۱۶-ق: بمان؛ س: آ: بدی؛ ک (نیز لن، ق، آ، ل، و، آ): بوی؛ (ل: آ: تویی)؛ متن = ل، س (نیز لی، پ، ب) ۱۷-س (نیز لی، ب): جاودان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ل (ل: تو چون؛ و: مگر؛ ب: اگر)؛ س: ۲ این بیت را ندارد ۱۹-ل (ن: کتم یا؛ ق: آ: کتم ار؛ و: کتی یا؛ لن: آ: کم یا (ل)؛ آ: کتی گر)؛ ق: کزان کم کتم یا؛ متن = ل، س، ک (نیز لی، ل، آ، پ، ب) ۲۰-ل (ن: آ: بزید)؛ س: ۲ این بیت را ندارد ۲۱-ل (ل: بگریزد) ۲۲-س، ک (نیز لن، ق، آ، پ، لن: آ، ب): ترس؛ ق: درد؛ (و: دلش ترس؛ لن: بدارد دل و ترس؛ ل: ترسد بران ترس)؛ متن = ل: س: ۲ این بیت را ندارد ۲۳-س (نیز ب): همی دادیش داد؛ (ل، ن): همی بابدش داد؛ لن: آ: پیایی همی بابدش داد؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق، آ، پ، آ) ۲۴-ق، ک (نیز لن، ل، آ، ن: آ): پندت؛ متن = ل، س (نیز ق، ل، لی، آ، ب) ۲۵-ل (آ: همی)؛ س: ۲ این بیت را ندارد ۲۶-ل: بی گناهش؛ س (نیز لی، ب): تن (س: ترا) پرگناهش فکنده؛ متن = ق، ک (نیز لن، ق، آ، ل، آ) ۲۷-ق: به چاه (در بالا: به راه)؛ س: ۲ این بیت را ندارد؛ ل: پس از این بیت افزوده است:

چو بر شاه گیتی شود بدکنش شود بدگمان تیز و برترمنش

۲۸-ک: بود؛ س: آ: شاه بر بنده شد؛ (ل: به حکم شهنشاه آن) ۲۹-س: آ: بیاید ۳۰-ق: بر؛ (ب: بریزد همی) ۳۱-س: ار؛ (آ: آن: ب: از)؛ ل: همین جستن؛ ق: همی خوابد این؛ س: آ: که جوید همی؛ (ل، ن، ق، آ، و، لن: آ: همی گوید این)؛ متن = ک (نیز لی، ل، آ، پ) ۳۲-س: زندگانیش ۳۳-ل (آ: و چون؛ ب: اگر)

سر از شاه و از داد یزدان کشان^۳،
 ز گفتارِ ناخوب^۶ و کردار^۷ خویش!
 بگویم تا تو^{۱۰} شوی تندرست،
 سخن گوی تا دیگر آرم بزشک:
 مگر^{۱۶} از^{۱۷} تاج از^{۱۸} دلت بسترده^{۱۹}!
 و ز^{۲۱} اندیشه‌ی گنج سرکش^{۲۲} شدی!
 -ز دیو و ز جادو جهان^{۲۳} پُره‌راس!
 فریدون فرخ ابا او^{۲۶} چه کرد^{۲۷}؟!
 به دل مرده و زنده آن^{۲۸} مندا!
 بدینسان^{۳۱} سر از داد برتافتند،
 دل جنگیان پر^{۳۲} مدارا کنم!
 برآن^{۳۴} برنهادند یکسر سپاه،
 چو از خواسته سیر گشتند و مست!
 شوند این دلیران بی‌بیم^{۳۷} و باک!

و گر^۱ دیر مانی برین^۲ هم‌نشان
 ۳۹۰ پشیمانی آیدت زین^۴ کار خویش^۵
 تو^۸ بیماری و پند^۹ داروی تست
 و گر^{۱۱} چیره^{۱۲} شد بردلت کام^{۱۳} و رشک
 بزشک تو بندست^{۱۴} و دارو^{۱۵} خرد
 به پیروزی اندر چُنین گش^{۲۰} شدی
 ۳۹۵ شنیدی که ضحاک شد ناسپاس
 چو زو شد^{۲۴} دل مهتران پُر ز درد^{۲۵}
 سپاهت همه بندگانِ منند
 ز تو لختکی^{۲۹} روشنی^{۳۰} یافتند
 چو من گنج خویش آشکارا کنم
 ۴۰۰ چو پیروز گشتی^{۳۳} تو بر ساوه‌شاه
 که هرگز نبیند از آن^{۳۵} پس شکست
 نباید که بر دست من^{۳۶} بر هلاک

۱- (ب: اکر) ۲- س، ۳- (نیز ن، ل، ی، ن، آ): بدین ۳- س (نیز ب، آ، ب): داد گردن کشان؛ ل: پس از دادور شاه گردنکشان؛ ق، ک (نیز ل):
 سر از دادوز (ک: و از) شاه ایران (ک: و یزدان؛ ل: گردن) کشان؛ متن = س، ۲ (نیز ن، ل، ق، و، ل، ن، ۲) ۴- (ب: آ، زین؛ ب: از)؛ س (نیز ل):
 آید ازین؛ ق (نیز ق، ۲): آری بدین؛ ک: آری بر از؛ (ن، ل، و، ل، ۳، و، ل، ۲: آری برین)؛ متن = ل، س، ۲ ۵- س (نیز ل، پ، آ، ب): پیش؛ متن = ل، ق، ک،
 س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ۳، و، ل، ۲): ع (ن، ل، ۲: ناسود) ۷- (ق: آ، و از کار) ۸- س (نیز ل، پ، آ، ب): چو؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، و،
 ل، ن، ۲) ۹- س، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، آ، ۳، و، ل، ۲): بند؛ در ل، و حرف یکم نقطه ندارد؛ ل: درد؛ متن = (پ، ل، ن، ۲، ب) ۱۰- س (نیز ب): هم؛ ق (نیز
 ل، آ): بگویم همی تا؛ ک، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، آ، ۳، و، ل، ۲): بگویم همی تا؛ متن = ل ۱۱- (ب: اکر) ۱۲- ل: تیره؛ س، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲): حیره
 (حرف یکم نقطه ندارد)؛ در ق حرف یکم هم در پایین و هم در بالا نقطه دارد؛ (ل، آ، ب): خیره؛ متن = ک (نیز ل، ن، ۲) ۱۳- ک: آ
 ۱۴- س، ۲ (نیز پ، ل، ن، آ، ب): بندست؛ در ل، و حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = س، ک (نیز ل، ن، ۳) ۱۵- (ل، ن، آ: داد و) ۱۶- (ل: ل، ی، سر) ۱۷- (و:
 مهر) ۱۸- ک: تاجت؛ (ق: ۲: تاج و تخت از) ۱۹- س (نیز ل، ب): بگلد؛ ک (نیز ل، ن، ۲): بسپرد؛ (ل، آ، ۳، و، ل، ۲): بگلدرد؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲،
 پ، و)؛ ق این بیت را ندارد ۲۰- (ل: اندر ختن گر) ۲۱- س (نیز ل، ل، ۲، ل، ن، آ، ۲، ب): از؛ ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، پ، و)؛ ز؛ متن = ل ۲۲- (ب:
 برتر) ۲۳- (و: ز جادو و ز دیو شد)؛ س، ق، ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو بسیار شد روزگار بدی فراز آمد آن گردش ایزدی

۲۴- س، ۲: چو آمد ۲۵- س (نیز ق، ۲): فریدون فرخ شنیدی چه کرد ۲۶- ل، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ل، آ): فرخنده با او (ق، و: وی)؛ متن = (ب)
 ۲۷- س (نیز ق، ۲): بر آورد از آن پادشاهیست گردد؛ در ل، ۲ پس از این بیت، بیت ۳۹۹ آمده است ۲۸- س (نیز ل): زندگان؛ ل، ق، ک، س، ۲ (نیز آ،
 ب): زنده و مردگان؛ (ل، ن، پ، ل، ن، ۲: زنده و مرده آن؛ ل، ۳: مردگی زندگان)؛ متن = (ق، ۲، و) ۲۹- ق: تیره دل ۳۰- (ل، ۳): روشنی لختکی
 ۳۱- س، ک (نیز آ، ب): برانسان؛ س، ۲ (نیز ل، ن، ل، ۲، ل، ن، ۲): برینسان؛ (ل: بدانسان)؛ متن = ل، ق (نیز ق، ۲، پ، و)؛ در ق، ۲ این بیت پس از بیت
 ۳۹۹ پ آمده است ۳۲- در پ، آ، ب، با سه نقطه؛ س، ۲ این بیت را ندارد؛ ک، ق، ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

نبايد (ک: نمايد) یکی زان سپه با تو نیز شود خوار چون ز زبایی (ق، ۲: در پیش گوهر) پیشیز

۳۳- ک: دگر دی ۳۴- ک (نیز ل): بدان ۳۵- ل: زان؛ س، س، ۲ (نیز ل، ل، ن، آ، ۲، ب): ازین؛ (ق: آ: زین)؛ متن = ق، ک (نیز ل، ن، ل، ۳، پ، و) ۳۶- (ق، ۲:
 ما) ۳۷- س، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ن، ب): بی (پ: پر؛ و: با) ترس؛ متن = ل

نیاید^۲ ز^۳ گفتارِ بیداد داد!^۱
بجویی^۷ همی تختِ شاهنشهی!^۱

سوی لشکر^۹ خویش بنهاد روی
که ارغنده^{۱۱} بودند برسان گِردگ.
که ما روز جنگ از بی نام را،
بزد تو آریم^{۱۳} پیش سپاه^{۱۴} -
دلور بُد و تند و ناپاک^{۱۷} بود^{۱۶}،
کمندی به بازو^{۱۸} درون شست^{۱۹} خم،
همی بود یازان^{۲۱} به پُرمایه^{۲۲} تاج،
سر^{۲۳} تاج شاه^{۲۴} اندر آمد به بند^{۲۵}
سر شاه را زان نیامد گزند^{۲۷}
به تیر از هوا^{۲۸} روشنایی بیرد!
که جز خاکِ تیره مبادات جفت^{۳۱}
ندیدی^{۳۴} مرا پیش او بر به پای^{۳۵}!
روانش پر از درد و تن^{۳۷} پُر^{۳۸} کداز!

اگر بخت^۱ گم شد، کجا شد نژاد
بدین هوش و این رای^۵ و این^۶ فرهی

بگفت و بخندید و برگشت ازوی^۸
ز خاقانیان آن سه ترکِ سُترگ
۴۲۰ - کجا گفته بودند بهرام را
اگر مرده گر^{۱۱} زنده^{۱۲} بالای شاه
ازیشان شواری که ناپاک^{۱۵} بود^{۱۶}
همی راند پر خاشجوی و دژم
چو نزدیکتر گشت با^{۲۱} جنگِ عجاج
۴۲۵ بینداخت آن تاب داده کمند
یکی تیغ گُشتهم زد^{۲۶} بر کمند
کمان را به زه کرد پندوی گرد
بدان^{۲۹} ترکِ بدساز بهرام^{۳۰} گفت
که گفتت که با شاه رزم^{۳۲} آزمای^{۳۳}
۴۳۰ پس^{۳۶} آمد به لشکرگه خویش باز

۱- (لی، ل، ق، ب، و، ا، تخت)؛ در ل، س، ک، ل، آ، س، ۲ حرف یکم بخت نقطه ندارد؛ متن = (ن، ق، ن، آ) ۲- ک، ل، آ، س، ۲ (نیز و)؛
نیاید؛ (ا؛ نیارد؛ بند ندارد)؛ متن = ل، س (نیز لن، ب، ن، آ) ۳- (و، به) ۴- س، ۴ (نیز و، ب)؛ یاد؛ ق این بیت را ندارد ۵- س (نیز ق، آ)؛ رای و
این هوش ۶- (لی؛ بدان کوش و آن رای و آن) ۷- (ل، آ؛ نیایی) ۸- ل؛ زوی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹- س (نیز لی، آ، ب)؛ به
لشکرگه؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل بیت های ۴۱۸-۵۷۵ را ندارد ۱۰- ل (نیز ا)؛ غرنده؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱- س، آ؛ یا
۱۲- ک (نیز ق، آ)؛ زنده گر (ک؛ یا) مرده ۱۳- (و؛ آرم به) ۱۴- س؛ ای رزمخواه ۱۵- حرف سوم در و، ن، آ، ب، با سه نقطه ۱۶- (ل، آ؛ تر)
۱۷- س، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، و، ب)؛ بی باک؛ ق (نیز ل، آ)؛ چالاک؛ (پ؛ ناپاک)؛ متن = ل، ک ۱۸- ل؛ بازوی ۱۹- (و، ا، ب؛ شصت) ۲۰- (و؛ شد
بدان) ۲۱- ل (نیز لن، آ)؛ تازان؛ در س، آ، ق ۲ حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ق، ک (نیز لن، لی، و، ب) ۲۲- ل؛ بر شاه؛ متن = س، ق، ک، س، آ
(نیز لن، ب) ۲۳- س، آ (نیز ل، آ، و)؛ سرو ۲۴- س (نیز ق، آ)؛ تاجدار؛ ک؛ شاه را؛ متن = ۲۵- ق (نیز لن، لی، ن، آ، ب)؛ شاه رازان نیامد گزند
(لی؛ به بند)؛ متن = ل، س، آ (نیز ل، آ، پ، و) ۲۶- (ق، آ، ل، آ، و؛ زد گستهم) ۲۷- ک؛ شاه ایران برون شد ز بند؛ ن، ل، ن، آ، ب این بیت را ندارند
۲۸- ک (نیز ق، آ)؛ جهان ک، ک، آ پس از این بیت افزوده اند:

بینداخت بر ترک تیر (ق، آ؛ آن ترک تیری) خدنگ کزو روی بر تافت جوینده جنگ

۲۹- س، آ؛ بران ۳۰- س؛ بندوی ۳۱- س، ق، ک (نیز لن، ب)؛ مبادت نهفت؛ متن = ل، س، ۲ ۳۲- س، ک، س، آ (نیز لن، ب)؛ جنگ؛ متن = ل، ق
۳۳- ل؛ آزما ۳۴- س؛ نیینی؛ (ب؛ بیینی) ۳۵- ل؛ پا؛ ک پس از این بیت افزوده است:

سخن نامدی کردمی آشتی گر از خون نبودی و پنداشتی

(و؛ جو) ۳۷- ق؛ دل ۳۸- (ل، آ، پ، در)؛ در ب با سه نقطه

گفتار اندر پند دادن گردیه بهرام چوبین را^۱

چو خواهرش بشنید کامد ز راه^۲
 بینداخت آن نامدار^۳ افسرش
 بیامد بنزد^۴ برادر دمان^۵
 بدو گفت کای^{۱۲} مهتر جنگجوی^{۱۳}
 کجا^{۱۵} از جوانی شود^{۱۶} تیز و تند
 به خواهر چُنین گفت بهرام گرد
 نه جنگی سُواری^{۱۹}، نه بخشنده بی
 هنر^{۲۱} بهتر از گوهرِ نامدار^{۲۲}
 چُنین گفت داندۀ خواهر بدوی
 ترا چند گویم سَخُن نشنوی
 نگر تا چه گوید سَخُنگوی بلخ
 هر آنکس که آهوی تو با تو گفت
 مکن رای^{۳۰} ویرانی^{۳۱} شهر خویش
 برین^{۳۱} یکی داستان زد کسی^{۳۲}
 که خر شد^{۳۵} که خواهد ز گاوان سروی^{۳۶}

برادرش پُر درد^۳ از آن^۴ رزمگاه^۵،
 بیاورد فرمانبری چادرش^۷،
 دلش^{۱۰} خسته از درد و^{۱۱} تیره روان-
 چگونه شدی^{۱۴} پیش خسرو؟ بگوی!
 مگردان تو در آشتی^{۱۷} رای کند!
 که او را ز شاهان نباید^{۱۸} شمرد!
 نه داناسری، گر^{۲۰} درخشنده بی!
 هنرمند باید^{۲۳} تن^{۲۴} شهریار^{۲۵}!
 که ای پُرهز^{۲۶} مهتر نامجوی^{۲۷}،
 به پیش آوری تندی و بدخوی^{۲۸}
 که باشد سَخُن گفتن راست تلخ،
 همه راستی ها^{۲۹} گشاد از نهفت!
 ز گیتی چو برداشتی بهر خویش!
 کجا بهره بودش^{۳۳} ز دانش بسی^{۳۴}،
 به گاباره^{۳۷} گم کرد^{۳۸} گوش و بروی^{۳۹}!

۱-ل: پند دادن گردیه بهرام چوبین را؛ ق: پند گردویه خواهر بهرام چوبینه به برادر؛ س: آ: مناظره کردن گردویه با برادرش بهرام؛ س: ک: سرنویس ندارند ۲-ک: س: ۲ (نیز لن، ق: ۲، ل: ۲، و: ۲، آ: ۲): سپاه؛ متن = ل، س: ق (نیز لی، پ، ب) ۳-س: برادرش و برگشت؛ ق: پر از درد برگشت؛ ک، س: ۲ (نیز لن-ب): برادرش برگشت؛ متن = ل ۴-ل: زان ۵-ق: آ: از پیش شاه) ۶-س: ق، س: آ (نیز لی، و، آ: ب): نامور؛ متن = ل، ک (نیز لن، ق: ۲، ل: ۲، پ، ن: ۲) ۷-س (نیز ب): چاکرش؛ (ل: بر درش)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸-س: ق، ک، س: آ (نیز لن-ب): به پیش؛ متن = ل ۹-ق: ک، س: ۴ (نیز لن، ل: ۱): دوان؛ (ق: ۲: نوان)؛ متن = ل، س (نیز لی، ب) ۱۰-س: ق، س: ۲ (نیز لن، لی، ل: ۳، پ، ن: ۲، آ: ب): دلی؛ (ق: ۲: بدل)؛ متن = ل، ک (نیز و) ۱۱-ق: حو ۱۲-ل: (ن: ای) ۱۳-س (نیز ل): نامجوی ۱۴-ق: آ: بدی) ۱۵-س: ق، ک (نیز لن، ق: ۲، ل: ۳، ب): گر او؛ متن = ل (؟) ۱۶-س (نیز آ: ب): بود؛ ۲: اگر بد همی کرد و او ۱۷-ق: راستی؛ لی این بیت را ندارد ۱۸-س: ق (نیز لی، آ: ب): نشاید؛ متن = ل، ک، س: ۲ (نیز لن، ق: ۲، ل: ۳، ن: ۲) ۱۹-ل: (ب: فرازی) ۲۰-س: ۲ (نیز ق: ۲، لی): نه؛ ق: ک (نیز لن، پ، آ: ب): یا؛ س: ۲ (نیز ل: ۳، ن: ۲)؛ نا؛ متن = ل ۲۱-ل: (آ: چنین) ۲۲-ق: نابکار ۲۳-ل: (ب: باشد) ۲۴-ق: سر ۲۵-ل: هنرمند را گوهر آید بکار)؛ س: ک این بیت را ندارند؛ در ق: ل: های این بیت پس و پیش شده اند ۲۶-س: ق، س: ۲ (نیز لن، ل: ۳، ب): تیزهش؛ (ق: ۲: برمنش؛ لی: تیره هس)؛ متن = ل ۲۷-س: س: ۲ (نیز ل: ۳)؛ جنگجوی؛ ک این بیت را ندارد ۲۸-س: ۲ (نیز لی، ل: ۳، ب): بدخویی؛ ک، ن: آ این بیت را ندارند ۲۹-ل: (آ: راستی بر) ۳۰-ل: (ن: آ: ویرانی از)؛ در ق: آ این بیت پس از بیت ۴۴۵ آمده است ۳۱-ل: (ن: لی: بدین) ۳۲-س: آ: به گیتی برین داستان زد یکی ۳۳-ق: ۲، ل: ۲، و: ن: آ: که بهره نبودش) ۳۴-س: آ: که بد بهره از دانش اندکی ۳۵-س: آ: خورشید (خ: خورش) ۳۶-س: ق، ک (نیز ق: ۲، پ، و، آ: ب): سرو؛ (ن: برو)؛ متن = ل، س: ۲ (نیز ل: ۳) ۳۷-ل: ک، ب: به یکباره؛ س: مگر باره (د: به گوواره)؛ ق (نیز ق: ۲): به یکبار؛ (ن: بگوواره = به گوواره؛ پ: نیاورد و؛ یکی باره؛ آ: ب: بسر بار)؛ متن = ل (ب: یکبار) ۳۸-س (نیز پ، آ: ب): بنهاد؛ متن = ل، ق: ک (نیز لن، ق: ۲، ل: ۳) ۳۹-س: ق (نیز پ، آ: ب): برو؛ (ن: ق: آ: سرو)؛ ک (نیز و)؛ از دو سو؛ متن = ل (نیز ل: ۳)؛ س: ۲: نکو کرد گم گوش هر دو بروی؛ لی، ن: آ این بیت را ندارند

نبود از تبارت^۲ کسی تاجورا!
 نبودی من از^۶ داغ^۷ تیره روان!
 نهاده تو اندر^۸ میان پیش پای،
 همیشه^۹ دو چشمم پر از خون بود!
 گل زهر، خیره^{۱۴} چه بویی^{۱۵} همی؟!
 همه نام بهرام دشنام گشت!
 روانت به دوزخ به زندان^{۱۹} بود!
 که بد^{۲۱} در جهان مر ترا خواستار^{۲۲}!
 به دست آمدت^{۲۶}، بر نهادی کلاه،
 بجویی^{۲۹} همی تخت^{۳۰} شاهنشهان^{۳۱}!
 مباش اندرین تاجور^{۳۲} ناسپاس!
 هنرمند بودی^{۳۴}، منی فش^{۳۵} مشوا!
 به یزدان گنهکار گردی همی!
 به گفتار آیین گشسب^{۳۸} پلید^{۳۹}،

نکوهش مخواه از جهان سربسرا^۱
 اگر نیستی در میان^۳ این^۴ جوان^۵
 پدر زنده و تخت^۱ شاهی بجای
 ندانم سرانجام این چون بود
 ۴۵۰ جز از^{۱۰} درد^{۱۱} و نفرین^{۱۲} نجویی^{۱۳} همی
 چو^{۱۶} گویند چوبینه بهرام^{۱۷} گشت
 برین نیز هم^{۱۸} خشم یزدان بود
 نگر تا جز از^{۲۰} هرمز شهریار
 چو^{۲۳} آن تخت^{۲۴} و آن کاله^{۲۵} ساوه شاه
 ۴۵۵ چو زو^{۲۷} نامور گشتی اندر^{۲۸} جهان
 همه نیکوی^۱ها ز یزدان شناس
 به رزمی که کردی چنین گش^{۳۳} مشوا!
 به دل دیو را یار^{۳۶} گردی همی!
 چو آشفته شد هرمز و بردمید^{۳۷}

- ۱-س: نیز بر؛ (ب: پیرتر) ۲-س (نیز ق ۲، لی، آ، ب): نزادت؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ل، ۲، لن ۲) ۳-(و: جهان) ۴-(لی، لن ۴: آن)
 ۵-(پ: این جوان در میان) ۶-(ب: مرا) ۷-(لی: درد؛ و: رنج) ۸-س (نیز لی، آ، ب): ترا در؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹-س ۱۰-س (نیز لن، ل ۳): همه شب؛ در پ بیت های ۴۴۹ و ۴۵۰ پس از بیت ۴۷۷ آمده اند؛ در لن ۲ پس از بیت ۴۴۹ بیت های ۴۵۳ و ۴۵۴ آمده اند ۱۰-لی: چو از؛ ب: بجز) ۱۱-ل: دود ۱۲-(ب: کینه) ۱۳-س (نیز لی، ب): نجوید؛ (و: چه جویی)؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز لن، ق، ل، ۲، ب، لن ۲، ل ۲)
 ۱۴-(لن: آن خیزد) ۱۵-س، ۲ (نیز لن، ب، لن ۲): بیویی؛ س: بیوید؛ (ب: بیوید)؛ متن = ک (نیز ق ۲، ل، ۲، و، آ)؛ (لی: سران کین سخن با تو گوید)؛ ق این بیت را ندارد ۱۶-س، ۲ (نیز لی، ب، آ): چه؛ متن = س، ک (نیز لن، ق، ل، ۲، و، لن ۲) ۱۷-ل، س، ک، س ۲ (نیز لن - پ، لن ۲، ب): بدنام؛ (آ: بدرام)؛ متن = (و: ق این بیت را ندارد؛ ق ۲ پس از این بیت و ک پس از بیت سپسین افزوده اند:
 نماند (ک: نیاید) جهان ای برادر به کس
 نماند بجز نام نیکوت (ک: فام نیکو و) بس
 ۱۸-س: سر؛ (آ: بر؛ ب: پیرسر؛ ق: بران سرت هم؛ لی: بدین نیز بر)؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز لن، ل، ۲، ب، و) ۱۹-ک، س ۲ (نیز ق ۲، و): گروگان؛ ق این بیت را ندارد؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:
 ز روز گذر کردن اندیشه کن
 پرستیدن دادگر پیشه کن (= دوم ۷/۴۱۹)
 ۲۰-(و: بجز) ۲۱-ک: شد؛ متن = ۲۲-س، ق (نیز لی، آ، ب): مر ترا در جهان یادگار (آ، ب: خواستار)؛ (لن، لن ۲: که کرد از بزرگان ترا خواستار)؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ق ۲، ل، ۲، ب، و) ۲۳-ل: هم؛ ک: که؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴-(و: گاه) ۲۵-س (نیز لی، آ، ب): آلت؛ (و: تخت)؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ق، ل، ۲، ب، لن ۲) ۲۶-ل: آمد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-س: آن؛ ق: بدو ۲۸-(و: جز این نامور هیچکس در) ۲۹-س: چه جویی ۳۰-ل: کنون گاه؛ (و: نزدیک برین تخت)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱-ل: شاهنشهان (!)؛ (آ: شاهنشهی)؛ لن ۲ این بیت را ندارد ۳۲-ق: کاردر ۳۳-(ب: کین) ۳۴-س (نیز لی، آ، ب): گشتی؛ (ق: بفرهند مردی (!))؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ل، ۲، ب، و) ۳۵-ق (نیز ق ۲): منش فش؛ س: آ: منش و ش؛ آ: میی فش؛ ب: به پستی)؛ متن = ل، س، ک (نیز لن، لی، ل، ۲، و، لن ۲) ۳۶-(لی: یاده لن: آ: باز)؛ س (نیز ب): دور از آباد (!) ۳۷-ک: چو هرمز بر آشفته بر خیر خیر ۳۸-ل، س (نیز ب، آ، ب): ایزد گشسب؛ (لن، و، لن ۲: آذر گشسب)؛ متن = ق، ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل ۳) ۳۹-س: آن بلید؛ ک: دبیر

نبد بنده^۲ را روزگار نبردا
 ز بردع بیامد^۶ پسر^۷ کینه‌جوی^۵،
 به کام وی آراستن گاو نو^۸،
 ندیدی دلت جز بر از^{۱۰} روزگار^{۱۱}،
 چرا کردی آهنگ این تاج و تخت؟
 به جایند شاهان^{۱۷} برنا و پیر^{۱۸}،
 به ایران که خواند^{۲۱} ترا شهریار؟
 توانست کردن به ایران نگاه^{۲۳}،
 که آورد لشکر به ایران‌زمین،
 بد او ز ایران و نیران^{۳۰} بگاشت^{۳۱}
 زمین کرد و هم آسمان آفرید^{۳۲}،
 نزد پیش او شیر درنده^{۳۳} گام،
 به پای^{۳۵} اندرآورد رای^{۳۶} پدر،
 همان^{۳۷} تخت پیروزه^{۳۸} آراستند،
 که جان^{۴۰} سپهبد کند تاج یادا
 سر^{۴۱} تخت نوذر کلاه منست!

۴۶۰ ترا اندرین^۱ صبر بایست کرد
 چُن^۳ او را چُن^۴ سختی آمد به روی^۵
 بایست رفتن بر شاه نو^۸
 نکردی جوان^۹ جز به رای تو کار
 تن آسان بدی^{۱۲}، شاد^{۱۳} و پیروزبخت^{۱۴}
 ۴۶۵ تو دانی که^{۱۵} از تخمه‌ی اردشیر^{۱۶}
 ابا^{۱۹} گنج و با لشکر^{۲۰} بی‌شمار،
 اگر شهریار^{۲۲} به گنج و سپاه
 نبود^{۲۴} جز از^{۲۴} ساوه سالار چین^{۲۵}
 ترا^{۲۶} پاک‌یزدان^{۲۷} برو^{۲۸} برگماشت^{۲۹}
 ۴۷۰ جهاندار تا این جهان آفرید
 ندیدند هرگز سواری چو سام
 چو نوذر شد از بخت^{۳۴} بیدادگر
 همه مهتران سام را خواستند
 بدان^{۳۹} مهتران گفت: هرگز مباد
 ۴۷۵ که خاک منوچهر گاه منست

۱-ق، ک، س (نیز لن، ق، ل، ج، ل، ن، ق): آن؛ متن = ل (نیز و) ۲-ق: مرمر؛ س، لی، پ، ا، ب این بیت را ندارند ۳-ل، س، ق، س (نیز ق، ل، لی، ب، لن، ل، ا): چو؛ (ب: که)؛ متن = ک (نیز لن، ل، ق) ۴-س: چنین ۵-ق: رو-جو ۶-ل (ق: بیامد ز بردع) ۷-س: بسی؛ س: سپه؛ لی، آ: بشب؛ ب: کسی)؛ متن = ل، ق، ک (نیز لن، ق، ل، ج، ل، ن، ق، پ، لن، ق)؛ و این بیت را ندارد ۸-ل (ق: نو) ۹-س (نیز ب): ووا؛ (لی: همی؛ ا: برآن)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰-ق (نیز آ): خودبید؛ س: جز برو؛ (لن، ق: جز بد؛ لی: را بدو؛ ل: دو چشمت بد)؛ س (نیز ب): دگر جز بد؛ ک: دلت بر (!)؛ ل: ندیدی جز به (!)؛ متن = (پ: نیز - ق، ل، ق) ۱۱-ل (ق: آ) به کام تو بودی همی تاجدار؛ و: ترا داشتی همچو پروردگار) ۱۲-س (نیز لی، آ، ب): شدی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳-ل: شاه ۱۴-ق (نیز لن، ل، ق، ب): بیدار بخت ۱۵-ل (ق: ل) گر) ۱۶-لی (شهریار) ۱۷-ا: بزرگان بجانبد) ۱۸-لی (بزرگان بخایند دست نزار) ۱۹-ل (ق: آ) اگر) ۲۰-ق: لشکر و گنجها ۲۱-ق (ق: آ) که خواهد به ایران)؛ در لی این بیت با بابت سپهین پس و پیش شده است ۲۲-ک: نامداری ۲۳-ق: به تخت و کلاه؛ درس ۲ بیت‌های ۴۶۷ و ۴۶۸ پس از بیت ۴۷۰ آمده‌اند ۲۴-ل (پ: بجز) ۲۵-و: شاهه آن چین) ۲۶-و: و پدر) ۲۷-س: آ: چو شاه جهان را ۲۸-ل (لی: بدو؛ و: ترا) ۲۹-ل (ن: آ) به ایران گماشت) ۳۰-ل، س، آ: توران؛ ق: شیران (دنیوران)؛ ل: نزان (دنیوران)؛ آ: ایران بیران (دو نیران)؛ س: توران و ایران)؛ و: کز ایران و نیران مر او را؛ ل: نه دور به بیران (دنیوران) و ایران)؛ متن = ک (نیز لن، لی، پ، ب) ۳۱-لی (ن: آ) نگاشت؛ ل: آ: بکاست؛ ق: ز ایرانیان باز داشت) ۳۲-ق، ک، س، ک، س (نیز لن، ق، ل، و، لن، ق): بلند آسمان از برش برکشید؛ متن = ل، س (نیز لی، پ، ا، ب) ۳۳-ق: شمشیر او شیر ۳۴-ق (نیز ق، ل، ن، ق): تخت؛ در لی، س، ک، س (نیز لن، و، آ، ب) حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ل (ق، ب) ۳۵-ل: پا ۳۶-س، ق، ک (نیز لن-ب): راه؛ متن = ل، س، ۳۷-س (نیز لی، آ، ب): همه؛ ق: ک (نیز لن، ق، آ، ب، لن، ق): همی؛ س: آ (نیز و)؛ سر: متن = ل (نیز ل) ۳۸-ا: لشکر شاه) ۳۹-ل: بران؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴۰-ل (ق: جای؛ لن: آ: جای) ۴۱-ک، س، آ (نیز لن، ق، ل، ن، ق): پی؛ (ب: سر و)؛ متن = ل، س، ق (نیز لی، پ، و، ا)؛ لن پس از این بیت افزوده است:

بدان گفتم ای سرور نیکبخت که تا دل بی‌زی ز تاج و ز تخت

۱ بجای کسی نیست ما را سپاس
 شما را ز ما^۵ هیچ نیکی^۶ نبود
 نیاگان ما را پرستیده‌اید^{۱۰}
 بخوام^{۱۳} گشادن یکی^{۱۴} راز خویش
 ۴۹۰ سَخُن گفتن من^{۱۵} به ایرانیان
 کزین گفتن^{۱۷} اندیشه‌ی من^{۱۸} تباه
 من امشب سگالیده‌ام تاختن
 که بهرام را دیده‌ام در^{۱۹} سَخُن
 ندیدم خردمندی اندر سرش
 ۴۹۵ جز از رزم ساوه نگوید سَخُن^{۲۳}
 همی کودکی^{۲۵} بی‌خرد داندم^{۲۶}
 نداندم^{۲۷} که من شب^{۲۸} شبیخون کنم
 اگر یار باشید با من به جنگ
 چو شوید به عنبر شب تیره روی
 ۵۰۰ شما برنشینید با ساز جنگ

۱-س: به گیتی؛ (ب: به گیتی ز)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-س (نیز لی، پ، آ، ب): اگر؛ متن = دل، ق، س، ۲ (نیز لن، ل، و، ن، ۳) ۳-س (نیز ب): باشیم؛ متن = دل، ق، س، ۲ (نیز لن، لی، پ، آ، ب) ۴-ق: یزدان شناس؛ (ل: ۳: خواهم بدین حق شناس)؛ ک، ق، ۲ این بیت را ندارند ۵-ق (نیز آ): من ۶-ق (ایچ: ۷-ل: ۳: رنجی) ۸-ق: چندان ۹-ق: بسود؛ و: بیایست رنج آزمود) ۱۰-ق (نیز لن، ق، ۱): پرستنده‌اید؛ ک (نیز لن، ۲): پرستیده‌اند؛ در س، و حرفهای پنجم و نهم نقطه ندارند؛ س ۲ (نیز ل): پسندیده‌اید؛ (لی، ب: پرستنده‌اند)؛ متن = (پ) ۱۱-لن، لن، آ: حازج؛ ق: تلخ و شور از) ۱۲-ک (نیز لی، لن، ۲، آ، ب): دیده‌اند؛ در س، و حرف ششم نقطه ندارد؛ متن = ق، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳)؛ ل این بیت را ندارد ۱۳-ل (۳، آ: نخواهم)؛ در ل-ک، و حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = س ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، پ، آ، ب) ۱۴-ق، س، ۲: همی ۱۵-س (نیز لی، آ، ب): ما؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶-س: ۲: شود؛ س ۲ در اینجا سرنویس دارد: رزم خسرو با بهرام چوبینه بار دوم ۱۷-س، ق، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، و، ب): گفته؛ متن = ل، ک (نیز ل، ۳، پ، آ، ب) ۱۸-ل: ما) ۱۹-ق، ک، س، ۲ (نیز ق، ل، ۲، آ، پ، و): دیدم اندر؛ متن = ل، س (نیز لن، لی، لن، ۲، آ، ب) ۲۰-ل، س، ۲ (نیز ل، و): سواریست؛ متن = س، ک (نیز لن، لی، پ، آ، ب) ۲۱-ق (نیز ق، ۳): همی نو کند روزگار کهن (= ۴۹۵ ب) ۲۲-ل: بی‌خرد)؛ ل این بیت را ندارد ۲۳-ک (نیز ق، ۲): همی ۲۴-ق: سواریست اسب افکن کارکن (= ۴۹۳ ب)؛ ک (نیز ق، ۲): همه (ق، ۲: همی) نام از آن رزم جوید همی؛ (لی: سوارست و اسب افکن و صف شکن)؛ متن = س، س، ۲ (نیز لن، ل، ۳)؛ ل این بیت را ندارد؛ ک، ق، ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

ک: از آن کار و کردار گوید سخن
 ق: سواریست رزم افکن و کارکن (= ۴۹۳ ب)
 ۲۵-لن (۲: کودکی؛ لی: همی گفت کور) ۲۶-س: خواندم ۲۷-لی، آ، ب: که داند؛ لن: ۲: بدیدم)؛ متن = ۲۸-س: که داند که من گر؛ س: ۲: بدانند که در شب؛ (ق: ۲: بدانگه که چون من؛ و: ندانند که گر من)؛ متن = ل، ق، ک (نیز لن، ل، ۳، پ، آ، ب) ۲۹-س (نیز ب): گر از پشت او (ب: خود) ترس؛ ق، ک (نیز لن، لی، ل، ۳، پ، لن، ۲): گر از دل به شب ترس؛ س: ۲: گر از شب به دل ترس؛ (ق: ۲: ز دل بیم و هم ترس؛ و: ز دل ترس دیرینه)؛ متن = ل ۳۰-لن (۲: بسازم)؛ ق این بیت را ندارد ۳۱-ل: این؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲-ق: گیسو ۳۳-س: ۲: همان ۳۴-ق: نیزه و گرز و خنجر

همی نو کند روزگار کهن (= ۴۹۵ ب)
 از آن کار و کردار گوید سخن
 ۲۵-لن (۲: کودکی؛ لی: همی گفت کور) ۲۶-س: خواندم ۲۷-لی، آ، ب: که داند؛ لن: ۲: بدیدم)؛ متن = ۲۸-س: که داند که من گر؛ س: ۲: بدانند که در شب؛ (ق: ۲: بدانگه که چون من؛ و: ندانند که گر من)؛ متن = ل، ق، ک (نیز لن، ل، ۳، پ، آ، ب) ۲۹-س (نیز ب): گر از پشت او (ب: خود) ترس؛ ق، ک (نیز لن، لی، ل، ۳، پ، لن، ۲): گر از دل به شب ترس؛ س: ۲: گر از شب به دل ترس؛ (ق: ۲: ز دل بیم و هم ترس؛ و: ز دل ترس دیرینه)؛ متن = ل ۳۰-لن (۲: بسازم)؛ ق این بیت را ندارد ۳۱-ل: این؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲-ق: گیسو ۳۳-س: ۲: همان ۳۴-ق: نیزه و گرز و خنجر

۵۱۵ که من بی گمانم کزین^۲ راز ما بدان لشکر اکنون رسید^۵ آگهی چو بشنید خسرو پستند آمدش گزین کرد از آن^۹ سرکشان^{۱۱} مرد چند چو خُزادِ بُرزین و گُسته^{۱۳} شیر^{۱۳} ۵۲۰ چو بندوی و خُزاد^{۱۶} لشکر فروز تلی بود^{۲۰} پر^{۲۱} سبزه و^{۲۲} جای سور

و زین ساختن در نهان^۳ ساز^۴ ما، نباید که تو سر^۶ به دشمن^۷ دهی! به دل^۸ رای او سودمند آمدش که باشند^{۱۱} بر^{۱۲} نیک و بد یارمند چو شاپور و چون آندیان^{۱۴} دلیر، چو نستود^{۱۷} لشکرکش^{۱۸} نیوسوز^{۱۹}، سپه را همی دید خسرو^{۲۳} ز دور

و زین^{۲۴} روی^{۲۵} بنشست^{۲۶} بهرام گرد سپهبدِ پیرسید از آن^{۲۸} سرکشان فرستید هر کس که دارید^{۳۱} خویش

بزرگان لشکر برفتند^{۲۷} و خرد که آمد شما را ز خویشان^{۲۹} نشان^{۳۰}؟ که باشند^{۳۲} یکدل به گفتار و کیش^{۳۳}،

۱-س (نیز ب): در ۲-(و: که از) ۳-س، ق، س، ۴ (نیز لن، لی، ل، آ، ب): در نهان (س: سخن) ساختن؛ متن = ل، ک (نیز ق، ۲، و، ب، لن ۴) ۴-س: کار: (لن، لن، آ، ب، کار) ۵-س: رسید: (ل: ۳: شود)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۶-س: (نیز ب): تن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷-ق: به کشتن؛ بنداری (۵۱۶:۵۱۳): و هذا الخبر قد استفاض بین العسکر. و لیس من المصلحة مقام الملك فی هذا المكان. فلیرکب مع رجاله، و لیرتک المخیم بما فیہ من اقاله و رحاله ۸-ق: مران؛ س، ۲، و این بیت را ندارند ۹-ل (نیز لی): زان؛ س (نیز ب): از؛ متن = ق، ک، س ۱۰-ل (نیز لن، ق، ۲، ل، آ، ب، لن، ۲، ۱۰-ل: ۳: لشکران) ۱۱-ک: بودند؛ (ب: باشید) ۱۲-س (نیز لی، ب): در؛ (ل: ۳: با)؛ س: ۲: باشد بر این؛ و این بیت را ندارد ۱۳-ل (نیز بی): ۱۴-ق: ۲: اندمان) ۱۵-ل (ل: ۳: گردوی) ۱۶-ق: گردوی؛ (ق: ۲: بیروز) ۱۷-ل، ق، ک، س، ۲ (نیز لن، ب، آ، ب): نستوه؛ (و: نستور)؛ متن = س (نیز لن، ۲؛ - بیت ۲۰۱۴) ۱۸-ل (ق: ۲: ل: ۳: لشکرشکن؛ و: شیراوژن؛ لن: ۲: گردنکش) ۱۹-ق: دیوسوز؛ (ل: ۳: کینه توز؛ و: رزم توز)؛ ک، ل، آ پس از این بیت دو بیت و ق ۲ تنها بیت یکم را افزوده اند:

جزین نیز (ل: ۳: چو بندوی) هر کس که بد در خورش
برفتند جایی که بالا نمود
نگهبان گنج و سپاه و سرش
که گر جنگ باشد سر آرند سود

۲۰-ل (ل: ۳: دید)؛ س (نیز ب): همه دشت؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱-د، ب، و، آ، ب با سه نقطه ۲۲-ک: چون ۲۳-س: لشکر؛ (ق: نیز) ۲۴-ق: بدانجا (ق: برانجا) شد و دید لشکر؛ در ک، س، آ، لن، ل، آ، و، لن ۲ لتهای این بیت پس و پیش شده اند؛ بنداری: فرکب بر ویز مع امرائه و قواده، و سعد الی تل و اقام علیه ینظر الی المعسکر؛ ک، ق، ۲، لن ۲ پس از این بیت افزوده اند:

برفتند آراسته دل به جنگ
بکردند یاران بر او (ق: ۲: بدانجای کردند گردان) درنگ
چو برشد بر آن تل زمانی بیود
ز گردنکشان هیچ با وی نبود

۲۴-ق (نیز لی، آ): و زان ۲۵-س: ۲: سوی ۲۶-ل (نیز ب): در شب (به) ۲۷-ل: بزرگان برفتند با او؛ س (نیز و): برفتند لشکر بزرگان؛ (ق: ۲: ز لشکر بزرگان برفتند)؛ متن = ق، ک، س، ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ب، لن، آ، ب) ۲۸-ل، ک (نیز لی): زان؛ ق (نیز لن، لن، ۲): از؛ متن = س، س، آ (نیز ق، ۲، ل، آ، ب، و، آ، ب) ۲۹-ل، ق، ک، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، آ، و، لن، ۲): ز خویشان شمارا؛ متن = س (نیز لی، ب، آ، ب) ۳۰-س: زمان ۳۱-س (نیز ب): دارند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲-س (نیز ب): دارید؛ (لن، لی، ب: باشید)؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، آ، و، لن، ۲، آ) ۳۳-س، س، آ (نیز لی، و، آ، ب): گفتار خویش؛ (لن: گفتار کیش)؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، آ، ب، لن، ۲)؛ (ق: ۲: که یکدل بود نیز و هم گفت و کیش)

به پیمان روان را^۳ گروگان کنند،
 و زارمینه نیز بی بر دو خیل^۸،
 چه مردان بردع، چه یک مشت خاک^۹!
 که بهرام جنگاور افگند بن
 سخن گوی و داننده و^{۱۳} یادگیر،
 همی بود^{۱۵} پویان شب^{۱۶} دیرباز^{۱۷}
 بدان^{۲۰} نامداران^{۲۱} گنجاوران
 که تا رزم^{۲۳} لشکر نیاید^{۲۴} پدید،
 بترسیم کین^{۲۶} کار گردد دراز
 که خسرو شیخون کند با^{۲۹} سپاه
 سوی لشکر پهلوان شد چو گرد
 به هر جای شمع می همی سوختند^{۳۲}
 سپاهی جهانگیر گرد و^{۳۳} دلیر

۵۲۵ گریشان^۱ بیاند^۲ و فرمان کنند
 سپه ماند^۴ از^۵ بردع و^۶ اردبیل^۷
 ازیشان به رزم اندرون نیست باک
 شنیدند گردنکشان این^{۱۰} سخن
 ز لشکر گزیدند^{۱۱} مردی^{۱۲} دبیر
 ۵۳۰ بیامد گوی با دلی پر ز راز^{۱۴}
 بگفت آنچ^{۱۸} بشنید از آن^{۱۹} مهتران
 از^{۲۲} ایرانیان پاسخ ایدون شنید
 یکی ما ز^{۲۵} خسرو نگرديم باز
 مابشید ایمن بر آن^{۲۷} رزمگاه^{۲۸}
 ۵۳۵ چو پاسخ شنید آن^{۳۰} فرستاده مرد
 همه لشکر آتش برافروختند^{۳۱}
 ز لشکر گزین کرد بهرام شیر

- ۱- (ق: آ. ازیشان؛ ن: آ. کزیشان؛ آ: خویشان) ۲- (و: بیرسید) ۳- س. ک. (نیز لی، پ. آ. ب.) روان ها؛ (ن: زفانها؛ ق: آ. ن: آ. زبان ها؛ ل: آ. و: زبان ها به پیمان)؛ متن: ل. ق. س: آ. روان - زوان؟؛ بنداری (۵۲۵.۵۲۲): و اما بهرام فانه جلس فی سراقه، و قال لأصحابه: کل من كان له منكم أخط أو أب أو قريب فليكتب اليه و ليأمره بالانقياد لأمرنا و الا نحتاج الي جملتنا؛ ک. ق: آ. پس از بیت ۵۲۵ افزوده اند:
 ز گنج من ایشان توانگر شوند
 بسان شما پاک مهتر شوند
 ۴- س: آ. (نیز ن: ق. آ. ن: آ.) کسی ماند؛ (ل: آ. نماند کس) ۵- ل: آن عی: بماند بدو لشکر ۷- س. ک. س: آ. (نیز ن: ق. آ. پ. ن: آ. آ.) اردویل؛ متن: ل (نیز لی، ل: آ. ب) ۸- ل: از ارمنیه نیز بی مرد و خیل؛ س (نیز ب): از ارمنیه بی برد خیل (ب: بی برده) خیل (ل: ک: ز بردع و زارمینه چند خیل؛ س: آ. (نیز ن: ل: آ. ب. ن: آ. و: ز: ن: ز: پ: از) ارمنیه (ن: ارمنیه) سست (ن: آ. شست) بی مرد و (ن: پ. ن: آ. و: بی بر دو: ل: آ. و: بی بر سه) خیل؛ ق: آ. همان نیز از میمنه خیل خیل؛ آ: از ارمنیه نیز برد و خیل (ل: متن: = (لی: نیز - ن: پ.)؛ ق: و این بیت را ندارند ۹- و این بیت را ندارد ۱۰- ک: (نیز ن: پ. ن: آ.) آن ۱۱- (ق: نیز ق: آ.) گزین کرد ۱۲- (ق: نیز ن: آ.) مرد ۱۳- س: آ. گوینده و؛ ق: سخن گوی گوینده و؛ (ب: سخن گوی داننده)؛ و این بیت را ندارد ۱۴- (ن: آ: برز و آز) ۱۵- (ل: آ: رفت) ۱۶- ق: ک: (نیز ن: ن: آ.) شبی ۱۷- (ل: آ. ن: آ. باز)؛ س: آ. به شب از فراز ۱۸- ک: س: آ. (نیز لی - ب): آنچه ۱۹- ل: زان؛ س: از؛ متن: ق: ک: س: آ. (نیز ن: ب) ۲۰- ل: س (نیز آ. ب): از آن؛ ک: (نیز ن: آ.) برین؛ (ن: پ: بدین)؛ متن: ق: س: آ. (نیز ق: آ. لی، ل: آ. و) ۲۱- س: ق: ک: س: آ. (نیز ن: ل: ن: آ. ب): نامداران و؛ متن: ل (نیز آ) ۲۲- س: ق: س: آ. (نیز ن: لی، ل: ن: آ. ب): ز؛ متن: ل: ک: (نیز ق: آ. پ. و، آ) ۲۳- س: ک: یاری ز؛ (ب: که بازار) ۲۴- (ن: بیاید)؛ ق: کردن نباید؛ (ل: آ. تا لشکر رزم ناید) ۲۵- س: ک: یاری ز؛ س: آ. یکی راز؛ (ق: آ. کجا ما؛ ب: که ما یار)؛ متن: = یازده دستنویس دیگر ۲۶- س: نترسیم ازین؛ (لی: مبادا که این؛ ب: بترسم کزین)؛ متن: = یازده دستنویس دیگر ۲۷- س: درین؛ ق: ک: س: آ. (نیز ق: آ. و، آ. ب): بدان؛ متن: ل (نیز ن: ن: آ.) ۲۸- ق: بارگاه ۲۹- س: ک: آ. بر؛ بنداری (۵۲۶.۵۳۴): ففعلوا فأجابوهم و قالوا: إنا لنقدر أن نحتاج اليکم إلا عند اللقاء ۳۰- (آ: این)؛ ق: آ. پس از این بیت دو بیت و س تنهاییت دوم را افزوده اند:

شنیده سخن ها همه بازگفت
 نه بر آشکارا که بر راز گفت
 چو بهرام ازین راز (ق: آ. از آن کار) آگاه شد
 که لشکر مر او را نکخواه شد

- ۳۱- س: آ. (نیز و): لشکرش آتش افروختند؛ س (نیز ق: آ.) بفرمود تا آتش افروختند؛ متن: = ده دستنویس دیگر ۳۲- س: آ. بیفروختند
 ۳۳- (و: جو)؛ ک: (نیز ل: پ.) جهانگیر و گرد و؛ س: آ. جهاندار و گردی؛ متن: ل. ق. (نیز ن: ق. آ. ن: آ.)؛ س: لی. آ. این بیت را ندارند

سپه بود شمشیرزن شش هزار
 که بودند برسان ارغنده^۸ گرگ^۹،
 برآید به هنگام بانگ خروس،
 سران را ز^{۱۳} خون بر سر^{۱۴} افسر نهید!
 سه ترک سرافرازان پیشرو^{۱۶}
 جفاییشه و^{۱۸} کینه دار^{۱۹} آمدند!
 از^{۲۱} آهن زمین گشت^{۲۲} و از^{۲۳} گرد^{۲۴} میخ!
 که امروز پیروزی روز^{۲۵} ماست!
 دو دیده پر از خون و رخ^{۲۶} لاژورد^{۲۷}!
 شد از زخم شمشیر، لشکر^{۲۹} ستوه!
 همه رزمگه کشته و خسته^{۳۱} دید!
 برین^{۳۲} دشمنان^{۳۳} کامگاری کنید!
 همان^{۳۵} زخم^{۳۶} شمشیر کار منست!

چو کردند با او^۱ دبیران^۲ شمار
 ز^۴ خاقانیان^۵ آن سه ترک^۶ شترگ^۷
 ۵۴۰ به جنگاوران^{۱۰} گفت: چون^{۱۱} زخم کوس
 شما برخروشید و اندردهید^{۱۲}!
 بشد تیز لشکر به فرمان^{۱۵} گؤ
 بر^{۱۷} لشکر شهریار آمدند
 خروش آمد از گرز و گویال^{۲۰} و تیغ
 ۵۴۵ همی گفت هرکس که خسرو کجاست
 به بالا همی بود خسرو به درد
 چنین تا سپیده برآمد^{۲۸} ز کوه
 چو شد دامن تیره شب^{۳۰} ناپدید
 به گردنکشان گفت: یاری کنید!
 ۵۵۰ که^{۳۴} پیروزگر پشت و یار منست!

۱-ق (نیز و): وی ۲-س (نیز لی، آ، ب): تکینان؛ ک، س ۲ (نیز لن، ل، آن ۲): نقیان؛ (ق ۲: بزرگان)؛ متن = ل، ق ۳-ل، س (نیز لی، آ، ب):
 صد؛ س ۲ (نیز لن ۲): سی؛ متن = ک (نیز لن، ق، ل، ۳، پ، و، بنداری) ۴-(ب: سه) ۵-ک: خاقان (!) ۶-ع: س: آن یلان ۷-ق: بزرگ؛ (ل ۳):
 دلیر) ۸-س، ق: غرّنده؛ ل (نیز آ): غرّنده برسان؛ (لی، و، ب: ارغنده برسان)؛ متن = ک، س ۲ (نیز لن، ق، ۲، ۳، پ، آن ۲) ۹-(ل ۳): شیر؛ در آ
 این بیت پس از بیت ۵۳۷ آمده است؛ بنداری (۵۳۹-۵۳۵): فأعلم بهرام بذلك فانتخب ستة آلاف فارس، و جعل عليهم الأتراك الثلاثة
 المذكورين ۱۰-س (نیز لی، ب): زخم آوران؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-(آ: آن) ۱۲-س، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، پ، آن ۲، آ، ب):
 نهید؛ (ل ۳): دمید؛ و: باره جنگ زین برنهد؛ متن = ل ۱۳-س ۲: به ۱۴-(ب: برز) ۱۵-(لی، ل): لشکرش برسان؛ (س (نیز ب): لشکرش نیز
 برسان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶-(ل ۳): پیشرو) ۱۷-س، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ل، ۳، پ، و، آن ۲، ب): ز ۲۲-ل: بود؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳-ک (نیز لن، ق، ۲، آ):
 وز؛ (ل ۳، و، ب: از)؛ متن = س ۲ (نیز لی، پ، آن ۲) ۲۴-س، س ۲ (نیز لن، ل، ۳، و، آن ۲، ب): گرز؛ (لی، ترک؛ آ: ترک)؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق، ۲، پ)
 ۲۵-ق (۲): رزم؛ ل ۳: دست؛ ب: پیروزگر یار؛ بنداری (۵۴۵-۵۴۰): فساروا و همجما علی مخیم برویز، و انقضوا عليهم. فارتفع صليل
 الأسياف على الأعناق و طنين التبيض تحت البيض الرقاق ۲۶-(آ، ب: لب) ۲۷-س، ق، س ۲ (نیز لن، ل، ۳، آ، ب): لا جورده؛ متن = ل، ک (نیز
 پ، و، آن ۲)؛ بنداری: و كان برويز واقفا على التل ينظر اليهم؛ پ پس از این بیت افزوده است:

فرومانده از کار گیتی شگفت از آن کار اندیشه اندرگرفت

۲۸-ق: برآمد سپیده؛ ک، س ۲: نشان سپیده؛ (ن، ق، ۲، و، آن ۲: سان سپیده؛ ل ۳: شبان سپیده)؛ متن = ل، س (نیز لی، پ، آ، ب) ۲۹-ل: شمشیر و
 کشته؛ ق: همی بود از آن زخم لشکر؛ ک، س ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، و، آن ۲): برآمد شد از زخم لشکر؛ متن = س (نیز لی، پ، آ، ب)؛ س، ق
 سرنویس دارند، س: رزم خسرو یا بهرام چوبینه اول بار؛ (ق چند بیت بالاتر): رزم لشکر بهرام چوبینه با لشکر خسرو پرویز ۳۰-(ل ۳):
 دامن شب ز که ۳۱-ق، ک (نیز لن، ل، ۳، آن ۲، ب): خسته و کشته؛ بنداری: فلما أضاء النهار رأى ذلك الفضاء مملوء بجثث أصحابه مغرقين
 في الدماء، مجذلين بالعراء ۳۲-(لی: بدین) ۳۳-س (نیز لی، آ، ب): نامور؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴-(ل ۳): چو) ۳۵-ق، ک (نیز لن، ق، ۲،
 ل، و، آن ۲): کنون؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز لی، پ، آ، ب) ۳۶-س: گرز و؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ در پ این بیت پس از بیت ۵۵۲ آمده
 است؛ بنداری: فقال لأمرائه: خوضوا غمرة الهيجاء، و أعينوني بالوقوف ساعة. و خاض بنفسه الحرب

نه ترک، آن^۱ دلاور سه گرگی^۲ شترگا
 پرندآوری از میان برکشیدم^۳
 سپر بر^۴ سر آورد شاه سوار،
 بزد تیغ^۵ و انداختش^۶ سر نگون^۷!
 زمانی دگر کرد باید درنگ^۸!
 جهانجوی را خوار بگذاشتند!
 که اکنون شلم زین^۹ سخن^{۱۰} بدگمان:
 همان از در تاج^{۱۱} پیوند^{۱۲} نیست،
 جهان را نماند^{۱۳} یکی شهریار^{۱۴}!
 جهان را به مهر^{۱۵} تو بادا نیاز^{۱۶}!
 که کس در زمانه تو یار نیست!
 کز ایدر برو تازنان^{۱۷} با^{۱۸} نخوار^{۱۹}،
 بر آن^{۲۰} رزمگاه^{۲۱} آنج^{۲۲} یابی^{۲۳} بیار،
 همان بدره و برده^{۲۴} و تخت^{۲۵} عاج^{۲۶}!
 فراوان به بردن کشیدند^{۲۷} رنج

بیامد دمان تا بر آن سه ترک
 یکی^۱ تاخت تا پیش^۲ خسرو رسید
 همی خواست زد بر سر شهریار
 به زیر^۳ سپر تیغ زهرآگون^۴
 ۵۵۵ خروشید کای نامداران جنگ
 سپاهش همه پشت^۵ برگاشند
 به پندوی و گشتم گفت آن زمان
 رسیده مرا^۶ هیچ^۷ فرزند نیست
 اگر من شوم کشته در کارزار
 ۵۶۰ بدو گفت پندوی کای^۸ سرفراز
 سپه رفت، اکنون تو ایدر مه ایست!
 به زنگوی^۹ گفت آن زمان شهریار
 ازین^{۱۰} ماندگان بر سواری هزار
 سراپردی^{۱۱} دبیبه و گنج و تاج^{۱۲}
 ۵۶۵ بزرگان بینه بر نهادند و گنج

۱-ل.س. ۲ (نیز ق. ۲): نه ترک حآن؛ (ا: مهان)؛ متن = س. ق. ک (نیز ل. ن. ل. ل. ۲. ب. ن. ۱. ۲. ا. ب) ۳-ل. س. پیل؛ س. ق (نیز ل. ی): گرد؛ (ل. ۳. ب. ن. ۲):
 ترک؛ (ا. ب. شیر)؛ متن = ک (نیز ل. ن. ق. ۲. ل. ی)؛ (و: که بودند هر سه دلاور) ۳- (ل. ۳. ب. ن. ۲. ب. هعی) ۴-ل. نزد؛ متن = سیزده دستنویس
 دیگر ۵- (ل. ی: برگزید) ۶- (ب: در) ۷- ق: بزد بر؛ (و: ز زیر) ۸- (ل. ی: الماس گون) ۹- ک (نیز ل. ن. پ. تیر): ق: زود؛ ل. ی: و؛ شاه؛ ل. ۳:
 برون کرد؛ متن = ل. س (نیز ل. ن. ۲. ا. ب) ۱۰- س: بنداختش ۱۱- (ل. ن: سر برون)؛ ق: سپر داشت آن زخم او شد زیون؛ س ۲ این بیت را
 ندارد؛ بنداری (۵۵۴-۵۵۱)؛ و رکض الی آن قرب من الأتراک الثلاثة فرغ أحدهم سیفه لیضرب رأس برویز. فرغ المجن علی رأسه و
 ضربه من تحته ضربة أبانت رأسه ۱۲- بنداری: و صاح علی أصحابه و أمرهم بالوقوف ۱۳- س. ک. س ۲ (نیز ل. ن. ب): روی؛ متن = ل؛
 بنداری: فلم یلتفت الیه منهم أحد، و ولوا ظهورهم و ترکوه وحید؛ ق بیت های ۵۷۵-۵۵۶ را ندارد ۱۴- (پ: زان) ۱۵- (ل. ن. ی): که با
 (ل. ۲: بر) آرزوگر رسد ۱۶- (ل. ی: ترا) ۱۷- (ق: ۲: ایچ) ۱۸- ک (نیز ق. ۲. ل. ی. ل. ۳. و. ا. ب): تاج؛ متن = ل. س. س. ۲ (نیز ل. ن. ب. ن. ۲): ۱۹- (و:
 اروند) ۲۰- س. ک. س. ۲ (نیز ل. ن. ۳. و. ا. ب): نباشد؛ متن = ل ۲۱- (پ: نماند کسی تاج را یادگار)؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۲۲- (ل. ن: ای)
 ۲۳- (پ: و؛ فر)؛ متن = ۲۴- (پ: قرار)؛ ل. ی: ب. آمد نیاز؛ و: آید نیاز)؛ ل: بدین روز هرگز عبادت نیاز؛ متن = س. ک (نیز ل. ن. ق. ۲. ل. ۳. ا. ب)؛ س ۲
 ل ۲ این بیت را ندارد ۲۵- س. ک (نیز ل. و. ا. ب. بندوی)؛ ق: ۲: گردوی)؛ متن = ل. س. ۲ (نیز ل. ن. ی. ل. ۲. ا. ب) ۲۶- (ل. ۳: تازیان)؛ در ل. س.
 ق ۲ حرف چهارم نقطه ندارد؛ متن = ک. س. ۲ (نیز ل. ن. ی. ل. و. ا. ب) ۲۷- (ق: ۲. ل. ن. ا. تا) ۲۸- س. ک. س. ۲ (نیز ل. ی. ل. ۳. ا. ب): نخوار؛ در. آ. ب
 حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ل (نیز ق. ۲. و. ن. ۲)؛ ل. ی پس از این بیت افزوده است:

سراپردی دبیبه از رنگرنگ
 ببر هر چه یابی تو از ساز جنگ

۲۹- (ا: از آن) ۳۰- س. ک (نیز ل. ن. پ. ب): وزان؛ ک (نیز ق. ۲. ل. ۳. ل. ا. ن): از آن؛ س ۲ (نیز ل. ی): وزین؛ متن = ل ۳۱- س. ک (نیز ل. ن. ۳. ل. ن. ۲. ا. ب):
 رزمگه؛ متن = ل ۳۲- س. ک (نیز ل. ی. پ. ب): آنچه؛ (ل: هرچه)؛ متن = ل. س (نیز ل. ن. ق. ۲) ۳۳- (ا: دانی)؛ در س. ب بیت های ۵۶۳ و ۵۶۴
 پس و پیش شده اند؛ پایی بیت های متن = ل ۳۴- ک. س. ۲ (نیز ق. ۲. و. ب): سراپردی و ۳۵- س (نیز ق. ۲. و. ب): تخت عاج ۳۶- س ۲ (نیز
 ل. ۳): برده و بندره؛ (پ: برده و برده) ۳۷- س (نیز ق. ۲. و. ب): گنج و تاج ۳۸- س ۲: کشیدند و بردند؛ (ل: ببرند و کشتند)

هم آنکه یکی از دهافش^۱ درفش
 پس اندر همی راند^۲ بهرام^۳ گرد
 رسیدند^۴ بهرام و خسرو بهم
 چو پیلان^۵ جنگی^۶ برآشوفتند
 ۵۷۰ همی گشت بهرام چون شیر نر
 برین^{۱۰} گونه تا خور ز گنبد بگشت
 نخوار^{۱۳} آن زمان پیش^{۱۴} خسرو رسید^{۱۵}
 چو بشنید خسرو به گسته^{۱۶} گفت
 که ماده^{۲۰} تنیم، این^{۲۱} سپاهی^{۲۲} بزرگ
 ۵۷۵ هزیمت به هنگام بهتر ز جنگ
 همی راند^{۲۶} ناکار^{۲۷} دیده جوان
 پس اندر همی تاخت^{۳۰} بهرام تیز^{۳۱}
 چو خسرو چنان دید بر پل بماند^{۳۴}
 بیارید گفت- آن^{۳۵} کمان مرا

پدید آمد و گشت^۲ گیتی بنفش
 به جنگ از جهان روشنایی ببرد!
 -دلور دو جنگی، دو شیر دژم-
 همی بر سر یکدگر کوفتند
 سلیحش^۸ نیامد برو^۹ کارگر
 از^{۱۱} اندازه آویزش^{۱۲} اندرگذشت
 که گنج و بنه زآن^{۱۶} سوی^{۱۷} پل کشید^{۱۸}
 که با ما کسی جنگ را نیست^{۱۹} جفت،
 به پیش اندرون پهلوانی^{۲۳} سترگ،
 چو تنها^{۲۴} شدی^{۲۵} نیست جای درنگ!
 برین^{۲۸} گونه بر تا^{۲۹} پل نهروان
 سری^{۳۲} پُر ز کینه، دلی^{۳۳} پُرسیتز
 جهان دیده گسته^{۳۴}م را پیش خواند
 به جنگ^{۳۶} اندرون ترجمان مرا!

- ۱- (ق: ۲؛ همان ازدهای) ۲- (و: کرد) ۳- (ا: ۱، تاخت)؛ س (نیز ب): پی اندر همی رفت؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ل، ق، ۲، ل، ۳-ن، ۲)؛ در
 س ۲ بیت های ۵۷۰-۵۶۷ درهم ریخته اند: ۵۷۰، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۶۷، ۴- س (نیز ب): بگشتند؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ل، ۲) ۵- (ق: ۲؛
 شیران) ۶- ک: هندی ۷- س (نیز ب): بر او؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ل، ۱) ۸- س، س، ۲ (نیز ل، و، ل، ۲)؛ سلاحش ۹- س، ۲؛ ورا؛ (لی، ب):
 بدو) ۱۰- س، ۲؛ ازین؛ (لی، و، ب: بدین) ۱۱- ک، س، ۲ (نیز ل، ل، ۲، ب، ل، ۲)؛ ز ۱۲- (ب: و پوزش؛ آ: زو ترس و اندازه)؛ بنداری (۵۷۱-۵۵۷):
 فالتقیا و أخذنا بضرایان و يتصلوان الی أن زالت الشمس (= ۵۷۱-۵۶۸) ۱۳- س، ک (نیز ل، لی، ب): نخوار؛ س، ۲؛ نخور؛ متن = ل
 (نیز ق، ۲، ل، ۲) ۱۴- (ق: ۲؛ و: نزد) ۱۵- ل، ک، س، ۲؛ کشید؛ متن = س (نیز ل، ب) ۱۶- س، ۲ (نیز لی، و، ا، ب): سپه را؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ل، ق، ۲،
 ب، ل، ۲) ۱۷- (ل: سوی آن) ۱۸- ل، ک، س، ۲ (نیز ق: ۲)؛ رسید؛ متن = س (نیز ل، لی، ب): لی پس از این بیت افزوده است:
 چه فرمایی ای پهلوان سپاه
 چگونه توان رفت با تخت و گاه
 ۱۹- ل (نیز ب، ب): که با ما (ب: که ما را) کسی نیست در جنگ (ب: امروز)؛ (ل، و: که در جنگ با ما کسی نیست)؛ متن = س، ک، س، ۲ (نیز
 ل، لی، ق، ۲، ل، ۲، ۱)؛ ق ۲ پس از این بیت و ک پس از بیت سپمین افزوده اند:
 اگر چند یاور مرا هست و (ق: ۲؛ ایزد مرا داد) فر
 چو یاران نباشند پیچم (ق: ۲؛ بیاید ازین جنگ پیچید) سر
 ۲۰- ک، دو: ۲۱- (ب: کسیم این؛ و: که آماده بینم) ۲۲- (ق: ۲، ل، ۲، ل، ۲، ۱؛ سپاه) ۲۳- (ل، ۲؛ پهلوان)؛ س این بیت را ندارد ۲۴- ل، ایمن؛ متن =
 دوازده دستنویس دیگر ۲۵- س، ک، س، ۲ (نیز ل، لی، ل، ۲، و، ب): شدم؛ متن = ل (نیز ق، ۲)؛ بنداری (۵۷۳-۵۷۵): فالتقی الی گسته^{۳۴}م و
 قال: الانهرام خیر فی هذا المقام. فإنا عشرة أنفس، ولا نقدر أن نصابر هذا الجمع الكثير ۲۶- ق: تاخت ۲۷- (ق: یا کار؛ ل، ۲؛ باز)
 ۲۸- س، س، ۲ (نیز لی، ب): بدین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹- س، ل، ۲ (نیز ق، ۲، ب): تا بر؛ س، ۲؛ تا نزد؛ (و: سوی؛ ل، ۲؛ شد تا)؛ متن = ل،
 ق، ک (نیز ل، لی، ل، ۲، ا، ب)؛ در ق این بیت با بیت سپمین پس و پیش شده اند ۳۰- ق، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۲، ب): راند ۳۱- (ب: شیر) ۳۲- (ق: ۲؛
 سرش) ۳۳- (ق: ۲؛ دلش)؛ بنداری (۵۷۶-۵۷۷): فرجع قاصدا للعبور علی جسر النهروان. فلما توسط الجسر رأی بهرام خلفه کالأسد
 الثائر ۳۴- ل، ۲، س، ۲؛ نماند؛ در س، ق، ۲، و، ا حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، لی، ل، ۲، ب، ل، ۲)؛ ۳۵- ل، ق؛ گفتا؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۳۶- (ق: ۲؛ رزم)؛ این بیت را ندارد

بر آن^۳ کار گشتم^۴ دستور بود
 به جنگ از هوا^۵ روشنایی ببرد!
 به یک چوبه با^۶ سر همی دوخت ترگ!
 کمائی^۹ به دست^{۱۰}، ازدهایی به زیر!
 بر آن اسب^{۱۱} برگشتوانی نداشت!
 دو زاغ کمان را به زه بر نهاد،
 بشد^{۱۴} کار^{۱۵} آن باره یکبارگی!
 ز^{۱۸} بیچارگی کرگ^{۱۹} بر سر گرفت
 - جهانجوی^{۲۰} کی داشت او را به مرد^{۲۱}! -
 پیاده یلان^{۲۲} سینه از پل^{۲۳} بجست
 هر آن کس که بودند، پیر و جوان^{۲۴}
 پل نهروان سر بر سر باز^{۲۷} کرد

۵۸۰ کمانش^۱ ببرد آنک^۲ گنجور بود
 کمان برگرفت آن سپهدار^۵ گرد
 همی تیر بارید همچون نگرگ
 پس اندر همی تاخت^۸ بهرام شیر
 به دست اندرون جز کمائی نداشت
 ۵۸۵ چو خسرو چنان^{۱۲} دید برگشت شاد
 یکی تیر زد بر بر^{۱۳} بارگی
 پیاده سپهد^{۱۶} سپر برگرفت^{۱۷}
 یلان^{۱۸} سینه پیش اندر آمد چو گرد
 هم اندر زمان اسب او را بخت
 ۵۹۰ سپه بازگشت از پل نهروان
 چو بهرام برگشت خسرو^{۲۵} چو گرد^{۲۶}

۱- (ن: کمانکش) ۲- ک: آنچه؛ (پ: ن: ۲: آنکه)؛ س (نیز ب:): بنزدیک؛ متن = ل، ق، ل (نیز ن- ل) ۳- س، ق، ل (نیز ی، ب:): بدان؛
 (ل: ۳: بدین)؛ متن = ل، ک (نیز ن، ق، پ، ل) ۴- ق: گشتم نیز؛ س، ۲، و، آ این بیت را ندارند ۵- ق: جوانشاه؛ (ل: ۳: جهاندار؛ ب:
 برگرفتند پس آن سه) ع، س، ۲ (نیز ن: ۲): به جنگ از هوا (س: زمین)؛ ل (نیز ی، ب:): به جنگ اندرون؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق، ل، ۳،
 پ، و)؛ س، ۲، آ این بیت را ندارند ۶- ق: بر؛ س، ۲، و این بیت را ندارند ۸- س، ق (نیز و): راند؛ (ق: ۲: همی راند از پیش)؛ متن = ده
 دستنویس دیگر ۹- ل: کمندی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- (پ: جنگ)؛ س، ۲ این بیت را ندارد ۱۱- س: جز آن اسب و؛ ل (نیز
 آ، ب:): همان اسب و؛ (ل: همان اسب و)؛ متن = ق، ک (نیز ن، ق، ل، ۲، پ، ۳، ل، ۲)؛ ل، س، ۲، و این بیت را ندارند؛ در س این بیت پس از بیت
 ۵۸۹ آمده است ۱۲- ل، ورا؛ س: چنین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ س، ۲ این بیت را ندارد؛ در س بیت های ۵۸۹، ۵۸۵، ۵۸۹
 درهم ریخته اند: ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۹۰، ۵۸۷، ۱۳- ق (نیز آ): سر ۱۴- س، س- ۲ (نیز ن- ب:): که شد؛ متن = ل ۱۵- (ق: ۲: جان)؛
 در ل ۲ پس از این بیت، بیت ۵۸۹ و در ب بیت ۵۹۰ آمده است ۱۶- (و: سپهد پیاده)؛ متن = ۱۷- س (نیز ب:): سپر (ب: سپه) را به بر
 در گرفت؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸- س ۲ (نیز ل، ۳، پ:): به ۱۹- ل، ل، س، ق، ل (نیز ق، ۲، ل، ی، و، آ، ب:): دست؛ س، ۲ (نیز ل، ۳، ل، پ، ن: ۲):
 ترگ؛ (ن: گرز)؛ متن = ک: بنداری (۵۸۴-۵۸۷)؛ فوق و أخذ القوس و رمه بهام عدّه حتی اصاب نحر فرسه فترجل ۲۰- س: ۲:
 شهنشاه؛ متن = ۲۱- ق، ک (نیز و): همی هر زمانی (و: سوری شاه ایران) یکی حمله کرد؛ ل (نیز ب:): پل نهروان سر بر سر باز کرد (=
 ۵۹۱)؛ متن = س (نیز ن، ق، ل، ۲، پ، ل، ۳، ل، ۲)؛ ل، ۲؛ آ این بیت را ندارد؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ ک پس از
 این بیت و ق ۲ پس از بیت ۵۸۶ افزوده اند:

جهانجوی کی داشت او را به مرد (ق: ۲: همی هر زمانی یکی حمله کرد)

ابر بارگی دست را راست (ق: ۲: دست) کرد

۲۳- (ل: سپهدار) ۲۳- ل، ۲: از بد؛ س، ۲: خود را؛ (ق: ۲: از وی)؛ ق این بیت را ندارد ۲۴- س، ۲ این بیت را ندارند؛ در آ این بیت با بیت
 سپین پس و پیش شده است ۲۵- س: یلان سینه پیش اندر آمد؛ (آ: به پیش سپاه اندر آمد)؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ن، ق، ل، ۲، ل، ۳، ل، ۲)
 ۲۶- (و: بلدرد) ۲۷- س، ۲: پاره؛ ق، ل، ۲، ب این بیت را ندارند؛ بنداری (۵۸۸-۵۹۱)؛ و تقدّم یلان فرمی برویز فرسه ایضا فترجل و انصرف
 بهرام عن الجسر فأمر برویز بقطع الجسر، و عاد الی هذا الجانب؛ ل، ق در اینجا سر نویس دارند، ل: رفتن خسرو پرویز به روم؛ ق:
 هزیمت خسرو از بهرام چوبینه و آمدن بنزد هر مز

همی راند^۱ غمگین^۲ سوی طیسفون^۳
 در شارسطان را^۴ به آهن^۵ بیست
 ز هر برزنی مهتران^{۱۱} را بخواند^{۱۱}
 ۵۹۵ و ز آنجایگه شد به پیش^{۱۴} پدر
 چو روی پدر دید بردش نماز
 بدو^{۱۷} گفت کین پهلوان سوار
 بیامد چو شاهان که دارند فر
 بگفتم^{۲۱} سخن^{۲۲} هرچ^{۲۳} آمد^{۲۴} ز پند
 ۶۰۰ همه^{۲۷} جنگ و پرخاش بُد کام اوی^{۲۸}
 به ناکام رزمی گران کرده شد
 ز من^{۳۱} بازگشتند یکسر سپاه
 همی شاه خوانند^{۳۲} بهرام را
 پس من کنون تا پیل نهروان
 ۶۰۵ چو شد کار بی برگ^{۳۷} بگریختم^{۳۸}

دلی پُر ز غم^۴، دیدگان^۵ پر ز خون!
 به انبوه^۸ اندیشگان درنشست!
 به دروازه بر پاسبانان^{۱۲} نشانند^{۱۳}
 دو دیده پر از خون و خسته جگر^{۱۵}
 همی بود پیشش زمانی دراز^{۱۶}
 که او^{۱۸} را گزین کردی^{۱۹} ای شهریار،
 سپاهی بیارود بسیار مر^{۲۰}
 بروبر^{۲۵} نبد پند من^{۲۶} سودمند
 که هرگز میادا روان نام^{۲۹} اوی^{۲۸}!
 فراوان کس از اختر^{۳۰} آزرده شد
 ندیدند گفتمی مرا جز به راه
 ندیدند^{۳۳} از آغاز^{۳۴} فرجام را!
 بیارود لشکر چو کوهی^{۳۵} روان^{۳۶}
 به دام بلا در^{۳۹} نیاویختم^{۴۰}

۱-ل: (رفت: ۳). ۲-س (نیز لی، آ، ب): خسرو؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳-ل، ق، ل، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۳): طیسفون ۴- (ن، ب، ن، ۲): پر از درد دل) ۵-ق: ز درد و تنی؛ بنداری؛ و رجع مهموما محزوناً حتی دخل طیسفون ۶-ل، ق: شارسطانها؛ (ل: شارسانها؛ ب: شارسان را)؛ متن = س، ک، س، ۲ (نیز ن، ق، ۲، و، ل، ن، ۲) ۷- (ل: ۳: آیین) ۸-س، ق، ک (نیز ل: ۳): اندوه؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ن، ق، ۲، و، ل، ن، ۲) ۹-ق: برنشست؛ ک: اندیشه اندرنشست؛ ل، ۲، لی، آ، ب، این بیت را ندارند و لی بجای آن افزوده است:

چو آمد گریزان به شهر اندرون
 دو دیده پر از آب دل پر ز خون

۱۰-ق، ک، س ۲ (نیز ن، ب، ن، ۲): مهتری؛ متن = ل، س، ل، ۲ (نیز ق، ۲، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۱- (ل: خوانند) ۱۲-ق، س، ۲ (نیز آ: پاسبانی ۱۳- (ل: ۳): نگاهبان به دروازه نشانند)؛ بنداری؛ و امر بترتیب اسباب الحصار و حفظ الأبواب و الأسوار ۱۴- (ق: ۲، لی، ب: نزد) ۱۵-ل: آب و پر خون جگر؛ س: سپاهی بیارود بسیار مر (= ۵۹۸ ب)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶- (لی: که او را گزین کردی ای شهریار = ۵۹۷ ب) ۱۷- (و: چنین) ۱۸-س: آن ۱۹- (ل: گزیدی تو)؛ لی این بیت را ندارد ۲۰-س: دهان پر ز خاک و پر از کینه سر؛ لی پس از این بیت افزوده است:

یکی لشکری همچو کوهی روان
 همه نامداران روشن روان

۲۱-ق، ک، س ۲ (نیز ن، ل، ۳، ن، ۲): برافتم؛ متن = ل، س، ل، ۲ (نیز ق، ۲، لی، آ، ب) ۲۲- (لی: بدو) ۲۳-س، س، ۲ (نیز ن، ب): هر چه؛ متن = ل، س، ق، ۲ (نیز ق، ۲، ب): باید؛ ک: آید؛ ل: باشد؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ن، لی، آ) ۲۵-ق، ک، س، ۲ (نیز ن، ل، ۳، ن، ۲): بگفتم؛ (لی: بدو بر)؛ متن = ل، س، ل، ۲ (نیز ق، ۲، آ، ب) ۲۶-ل، ل، ۲ (نیز آ): پند من بر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷- (ق: همان؛ ب: همی) ۲۸-ل، س، ق، ل، ۲ (نیز ق، ۲، لی، ل، آ، ب): او؛ ک: تو؛ متن = س ۲ (نیز ن، ب، و، ل، ن، ۲) ۲۹-س، ۲ (نیز لی): کام ((؛ (ق: نیز ق، ۲): روا نا؛ ک: سرانجام؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰- (آ: لشکر) ۳۱-ق: همه؛ آ این بیت را ندارد ۳۲-س، ک (نیز ب): خوانند؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۳- (ق: ۲، ل: ۳): نینند) ۳۴-ل: ز آغاز؛ ل (نیز ل: ۳): از آغاز و؛ س: آغاز و؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ آ این بیت را ندارد ۳۵-ق (نیز ل، ۲، و): کوه؛ س: گروهی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۶-ل، ل، ۲، س، ۲ (نیز ن، ب): گران؛ س: گوان؛ متن = ق، ک (نیز ق، ۲، ن، ۲)؛ آ این بیت را ندارد ۳۷- (ق: بی رنگ) ۳۸-ل، ل، ۲ (بگریختم؛ متن = دو دستنویس دیگر ۳۹-ک، ل، ۲ (نیز ن، لی، ن، آ، ب): بر؛ متن = ل، س، ق، ۲ (نیز ق، ۲، آ، ب) ۴۰-ل، ل، ۲ (نیاویختم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ س: ۲: بگریختن بند آویختن؛ بنداری (= ۶۰۵، ۵۹۵): و دخل علی آبیّه و سجد له ثم أعلمه بالحال و ماجری بیته و بین بهرام، و ذکر أن أصحابه انهرموه، و أن العدو قد جاء خلفه الی جسر النهروان

نباشند^۱ یاور^۲ مگر تازیان
 سواران تازی^۳ برم بی‌شمار^۵
 که اکنون ترا پای بر^۷ جای نیست!
 که آنجا سیلیج^۹ و^{۱۰} تن و گنج نیست!
 چو جایی^{۱۱} نینند^{۱۲} سود و زیان!
 به دشمن سپارند^{۱۴} از بهر^{۱۵} چیزا
 هم آواز تو^{۱۸} بخت خندان بود^{۱۷}!
 از ایدر^{۲۰} برو تازنان^{۲۱} تا به روم!
 چو رفتی یکایک به قیصر بگوی،
 سیلیج^{۲۶} و سپاه وی^{۲۷} آراسته‌ست^{۲۸}!
 چو کارت شود سخت^{۳۱} پیش تواندا!
 بسی آفرین مهان^{۳۳} کرد یادا!

نگه کردم اکنون به سود و زیان
 گر ایدونک^۳ فرمان دهد شهریار
 بدو گفت هرمز که این^۶ رای نیست
 ترا رفتن آنجا جز از^۸ رنج نیست
 ۶۱۰ نباشند یاور ترا تازیان
 به درد دل‌اند از نژاد تو^{۱۳} نیز
 بدین^{۱۶} کار پشت تو یزدان بود^{۱۷}!
 چو بگذاشت خواهی همی مرز و^{۱۹} بوم
 سخن‌های این^{۲۲} بنده^{۲۳} چاره‌جوی
 ۶۱۵ به جایی که دین‌ست^{۲۴} و هم خواسته‌ست^{۲۵}
 فریدونیان^{۲۹} نیز خویش^{۳۰} تواند
 چو بشنید خسرو زمین بوس^{۳۲} داد

۱-ک: نباشید؛ س^۲ (نیز پ)؛ که باشند؛ (ل: نیایم) ۲- (و، ل: یارم)؛ ق این بیت را ندارد ۳- (لی، ل: آ، که) ۴- ق: بیاری ۵- س: آ؛
 برین بر شمار؛ (پ: بیارم بکار؛ و: بیارم همی بی‌شمار؛ ق: از دشت سواران بخوانم سوار)؛ بنداری؛ و قال: إن أذن الملك التجأت الی
 العرب و استعنت بهم علیه ۶- (ق: هرمزد کین) ۷- ک: که آنجا سلاح تن و (ه: ۹۰۹ عب) ۸- (لی: اکنون بجز؛ ق: آنجای جز)
 ۹- (س: نیز لی، و، ل: آ) سلاح ۱۰- (لی، ل: آ، و، ل: آ؛ ب: جوع)؛ ل، ک، س: آ، پ این بیت را ندارند؛ در و این بیت پس از بیت ۶۱۲ آمده است؛
 بنداری؛ فقال: إن هذا بعيد من الصواب. فإن العرب مالهم عدّة و لا خزنة ۱۱- (پ: چو از تو) ۱۲- س: ک، ل: آ، (نیز ل: ق، آ، لی، پ، و،
 ل: ن، ب)؛ نیابند؛ متن = ل (نیز ل: آ)؛ ق این بیت را ندارد ۱۳- ل: ل، ل: آ؛ دل اندر ترازار؛ س (نیز لی، آ، ب)؛ دل اندر بر (به) آزار؛ س^۲ (نیز
 ل: ن، آ)؛ دل اندر نژاد تو؛ (ق: نینند دل در نژاد تو)؛ متن = ک (نیز پ، و؛ نیز ه: س، آ، ق) ۱۴- ل: س، ک، س: آ (نیز ق: آ، ب)؛ سپارند؛ ل: آ؛
 مسازید؛ (پ: بدست آوردند هم)؛ متن = (ل، لی، و، ل: آ، ب) ۱۵- س: بسیار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق، ل: آ این بیت را ندارند
 ۱۶- ق (نیز ل: و)؛ برین ۱۷- ک: بواد ۱۸- (و: با)؛ ق: هم از وی ترا؛ س: هم آوازه ات ۱۹- س: روی؛ ل: آ (نیز لی)؛ مرز؛ (ب: یز و)؛ س: آ؛ ز
 مرز و ز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- ق: ایران ۲۱- ل: آ (نیز ل: آ)؛ تازیان؛ در ل، س، آ، ق، آ حرف چهارم نقطه ندارد؛ متن = س، ق، ک
 (نیز ل: لی، و، ب) ۲۲- س: ق، ل: آ (نیز پ، و، آ، ب)؛ آن؛ متن = ل، ک، س: آ (نیز ل: ل، آ، ل: آ) ۲۳- ق: کز بر؛ در و این بیت پس از بیت ۶۱۶ آمده
 است؛ بنداری (۶۱۴-۶۱۰)؛ و إن کان و لابد من الائتجاع و الاعتصار فالأولی أن تقصد قیصر ملک الروم فتدخل علیه و تستجیر به؛ ک،
 ق: پس از بیت ۶۱۴ افزوده‌اند:

ترا قیصر از گنج یاری دهد هم از لشکرت کامکاری دهد

۲۴- ک: اسبت؛ (ق: هم دین؛ ل: هم دینست) ۲۵- س: (نیز ل: آ، و)؛ خواسته؛ (ن: آ: که جای گزین است و پر خواستست) ۲۶- س: (نیز
 لی)؛ سلاح ۲۷- س: ل: آ (نیز لی، آ، ب)؛ تو؛ ق: سپاهست؛ ک، س: آ (نیز ل: ق، آ، و، ل: آ)؛ سیلیج (و، ل: آ؛ سلاح) است و هم شهر (ق: آ، ل: آ؛
 گنج)؛ متن = ل (نیز پ) ۲۸- س: (نیز ل: آ، و)؛ آراسته؛ ق: بیاراستست ۲۹- (ل: آ؛ فرود از نیا) ۳۰- (ب: یار) ۳۱- (ل: آ؛ نیز)؛ بنداری؛ فانه من
 الشجرة الفریذونیة فهو نییک. و عند الشدائد تذهب الأحقاد و ترق الأکیاد. و هو من أهل الدین، و ذوی المال الجهم، و من بیت
 الملک و أهل الحفاظ و لابد من أن ی نصرک و یعینک ۳۲- س: س: آ (نیز لی، ب)؛ بوسه؛ متن = ل (نیز ل: ق، آ) ۳۳- ق: و دعا؛ ک: نهان؛ (ل: آ،
 ل: ن: آ؛ جهان)؛ ل: بسی بر نهان آفرین؛ (پ: بسی آفرین ها برو)؛ متن = س، ل: آ، س: آ (نیز ل: ق، لی، و، آ، ب)؛ ک؛ در اینجا سرنویس دارد؛ به
 هزیمت شدن پرویز از نزد بهرام

که ما با غم و رنج^۲ گشتیم جفتا
 بر و بوم ایران به دشمن دهیدا
 که ای شاه نیکاختر و داد و^۶ راست،
 درفشی درفشان^۸ میان سپاه،
 که چوبینه بر نهروان کرد^۹ راست!
 درفشی پس پشت او لاژورد^{۱۲}،
 نگه کرد گُستهم و پندوی را:
 خروشید خسرو به آوای^{۱۶} گرم،
 که بدخواهتان همچو خویش آمده‌ست^{۱۹}،
 که بهرام نزدیک پشت شماسا
 دلت^{۲۲} را به^{۲۳} بهرام رنجه مدار،
 که دورست از^{۲۵} ایدر درفش سپاه^{۲۶}!

به پندوی و گردوی^۱ گُستهم گفت
 بسازید و^۳ یکسر بنه برنهد
 ۶۲۰ بگفت این^۴ و از^۵ دیده آواز خاست
 یکی گرد تیره^۷ برآمد ز راه
 درفشی کجا پیکرش ازدهاست
 همی تاخت^{۱۰} خسرو بگردار^{۱۱} گرد
 بپیچید یال و بر و روی^{۱۳} را
 ۶۲۵ همی راندند آن^{۱۴} دو تن^{۱۵} نرم نرم
 که مانا سراننان به^{۱۷} بیش^{۱۸} آمده‌ست^{۱۹}
 وگرنه^{۲۰} چنین نرم راندن چراست؟
 بدو گفت پندوی کای^{۲۱} شهریار
 کجا^{۲۴} گرد ما را نبیند به^{۲۵} راه

۱- (ب: ح)؛ و: پندوی گرد و به) ۲- د: ۲- س: (نیز لی، ل، ۳، و)؛ ح: (ن: سپارید و)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری (۶۱۷-۶۱۹): فقبل الأرض و خرج و اجتمع بکستهم و بندویه، و قال لهما: لا بد لنا من الخروج. فاخرجوا بالأنقال و اللواب حتی توجه الی بلاد الروم؛ ق: ۲ پس از بیت ۶۱۹ افزوده‌اند:

میناد چشمت بد روزگار
 گهی خشم یار (ک: یاد) آورد گاه مهر

بدو گفت گستهم کای شهریار
 چنین گفت خسرو که گردان سپهر

۴- س: ۲: بگفتند ۵- ق: (نیز لن)؛ و: ۶- ح: (ن: ح)؛ ل: راد و؛ س، ق، س، ۲: (نیز لی، و، لن، ۲، ب)؛ اخترا ده؛ ل: ۲: اختر راه؛ ک: اختر راد و؛ (ق: ۲، ل، ۳، آ: اختر داد و)؛ متن = (پ) ۷- ق: تیره گردی ۸- س: درخشان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۹- ق: داشت؛ (و: نشانه ز بهرام چوبینه)؛ بنداری (۶۲۰-۶۲۲): فیینما هو فی هذا الحدیث إذ ارتفعت الأصوات من أبراج المدینة بطولع عسکر العدو؛ ل، ق، ق، ۲، و پس از بیت ۶۲۲ افزوده‌اند:

گریزان برفت او (ق: ۲: همی رفت ترسان؛
 و: روان شد گریزان) ز پیش پدر

چو بشنید خسرو پیامد به در

این بیت در یازده دستنویس دیگر و ترجمه بنداری نیست ۱۰- (ن: ۳: راند؛ ل: برون رفت)؛ متن = ۱۱- ل، ق: (نیز ق، ۲، و)؛ همی شد سوی روم برسان؛ متن = س، ک، ل، ۲، س، ۲: (نیز لن، لی، آ، ب) ۱۲- س، ق، ل، ۲، س، ۲: (نیز لن - ل، آ، ب)؛ لاجورده؛ متن = ل، ک: (نیز و، لن، ۲)؛ پ: این بیت را ندارد ۱۳- (ن: ۴: موی)؛ ق: به پی در همی رفت گردوی و برزوی (ل) ۱۴- (ق: ۳: این) ۱۵- س: (نیز ب)؛ سپه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶- س، ک: (نیز لن، پ، و، لن، ۲، ب)؛ آواز؛ متن = ل، ق، ل، ۲، س، ۲: (نیز ق، ۲، ل، ۱۳) ۱۷- ل: که این ناسزایان به؛ س: ل، ۲: (نیز لی، و، آ)؛ همانا که سر تان به (ل، لی، آ، ز)؛ ق: (نیز لن)؛ همانا سراننان ز؛ ک: که مانا که سر تان ز؛ ۲: که با ناسزایان به؛ (ن: ۳)؛ که مانا سراننان ز؛ پ: که ای ناسزایان چه؛ لن: ۲: که ما را سرافشان به؛ ب: همانا که سر تان به؛ متن = ل، ک: (نیز ق، ل، ۲، و، لن، ۲، ب) با یک نقطه و در دستنویس‌های دیگر بی نقطه (در پ باید با سه نقطه خواند) ۱۹- ل، س: اندرست؛ (ب: اندرست - آمده‌ست)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰- ل، ۲، ل، ۲: (نیز لی، پ، آ)؛ اگر؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری (۶۲۳-۶۲۷): فرکب و خرج و خلفه خلاه. فتأخرا عنه قليلا فالتفت الیهما و استعجلهما ۲۱- (ن: لن، آ: ای) ۲۲- ل، ۲: تو دل ۲۳- ق: ز ۲۴- س: (نیز لن - ب)؛ که او؛ متن = ل، ۲، ل، ز؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۶- س: (نیز ب)؛ ز پیش سپاه؛ ق: به گرد سپاه؛ ۲: درفش و سپاه؛ متن = یازده دستنویس دیگر

که ما را بدین^۳ تاختن نیست روی^۴.
هم‌آنکه^۸ به هرمز دهد تاج^۹ و گاه.
به دریا رسد کارگر^{۱۲} شست اوی^{۱۱}!
نبیسد^{۱۳} که این^{۱۴} بنده‌ی نابکار^{۱۵}،
نباید که آرام گیرد^{۱۷} به روم!
نژندی و کژی^{۲۰} ز بوم شماست^{۱۸}!
دل شادمان را^{۲۵} گزندش کنید!
ممانید تا گردد او سرفراز!
فرستید^{۲۹} گریان^{۳۰} بدین^{۳۱} بارگاه^{۳۲}!
سزد زین نشان هرج^{۳۴} بر ما رسد^{۳۵}!
به یزدان^{۳۷} کنون بازهشتم پشت^{۳۸}!
جهاندار بر تارک^{۴۱} ما نیست^{۴۲}،
مبادا که آید به دشمن نیاز!

۶۳۰ چنین ست یارانت را^۱ گفت وگویی^۲
چو^۵ چوبینه آید به ایوان^۶ شاه^۷
نشیند چو^{۱۰} دستور بر دست اوی^{۱۱}
به قیصر یکی نامه از شهریار
گریزان برفته‌ست ازین^{۱۶} مرز و بوم
۶۳۵ هر^{۱۸} آنکه^{۱۹} که او خویشتن کرد راست
چو آید^{۲۲} بدان^{۲۳} مرز^{۲۴} بندش کنید!
بدین^{۲۶} بارگاهش فرستید باز
بیندید هم در^{۲۷} زمان با سپاه^{۲۸}
چنین داد پاسخ که از بخت^{۳۳} بد
۶۴۰ سخن‌ها درازست و کاری^{۳۶} درشت
برانداسپ^{۳۹} گفت: آنچه^{۴۰} از خوب‌وزشت
بباید^{۴۳}، نگرود به^{۴۴} اندیشه^{۴۵} باز

۱-ق: حرا > ۲-ل، ق، س، آ: گفت‌گویی؛ (آ: گفت‌وگو) ۳-س، ک، ل، س، آ: (نیز ل، ق، ل، ی، پ، ب): چنین؛ متن = ل، ق، ۴- (آ، رو): ل، آ این بیت را ندارد ۵-س، ک، ل، آ: (نیز ل، ل، ی، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): که؛ متن = ل، ق، س، آ: (نیز ق، آ، و) ۶-ق: (آ، و: بنزدیک) ۷-س، آ: بهرام آید بنزدیک راه ۸- (و: بهانه) ۹-ق: تخت: ل، آ این بیت را ندارد ۱۰-س، آ: دو ۱۱-س، ق: (نیز ل، آ، ب): او ۱۲-س، آ: کام بر ۱۳-س، ق: (نیز ل، ن، ل، آ، و، ل، آ): نوید؛ متن = ک، ل، آ (نیز پ، آ، ۱۴-ق: آن؛ س، آ (نیز آ، ب): نویسند کین (آ: کای) ۱۵- (ب: شهریار) ۱۶-ل: زین؛ ق: برفت از بر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷-ق: (آ، ل، آ: یابد) ۱۸-ل: هم (گویا نخست هر بوده)؛ متن = ق، ک، س، آ (نیز ل، ق، آ، ل، آ، و، ل، آ) ۱۹-س، آ: آنکس ۲۰-ق: کندی؛ (ل، آ: کمتی) ۲۱-ل، ق: (نیز ل، ن، ق، آ، پ): ازین (ق: ازو؛ ق: آ: همه) بهر (بوم) ماست؛ (ل، آ، و، ل، آ: به بوم شماست)؛ متن = ک، س، آ: س، ل، آ، ی، آ، ب این بیت را ندارند ۲۲-ق: (نیز آ): آمد ۲۳-ل: بران؛ متن = ق، س، آ (نیز ل، آ) ۲۴-س (نیز ب): هم اندر زمان زود (ب: مرد) ۲۵-س، س، آ (نیز ل، ن، ل، آ، و، ب): بر؛ (پ، ل، آ، ی، آ، پ): متن = ل، آ، ۲۶- (ل، آ: برین) ۲۷-ک: (نیز و): ببیندند اندر ۲۸- (پ: پای شاه) ۲۹-ک: فرستند ۳۰-ق: (آ: پویان) ۳۱-ک: بدان ۳۲-ل: جایگاه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری (۶۳۸-۶۳۸): ق: لا: أیها الملک! اعلم أن بهرام یدخل الساعة الی البلد فیخرج أباک و یقعه علی سریر السلطنة، و یجعله یلواحا، و یشیر علیه بأن قیصر بالقبض علیک و إنفاذک مقیدا مسلسلا الیه. یلوحان بذلک الی إهلاکک؛ ک، ق، آ، ل، آ، و، ل، آ پس از بیت ۶۳۸ افزوده‌اند:

چو بشنید خسرو دلش (ن: سرش) خیره (ق: ل، آ، ۳: تیره) گشت

ز گفتار ایشان چنان (ق: آ: منش؛ ل، آ: سرش؛ ن، آ: رخش؛

و دو چشمش ز رخسارشان) تیره (ل، آ: خیره) گشت

۳۳- (ق: آ: راهی) ۳۴-س، ق، ک، س، آ: (نیز ق، آ، ب): هر چه؛ متن = ل، (نیز ل، ن) ۳۵- (پ: سزد؛ ب: از بدرسد)؛ ق: اندر خورد؛ ل، آ این بیت را ندارد ۳۶- (ق: آ: راهی) ۳۷- (ل: پیروزگر)؛ متن = ۳۸-ل: جهاندار بر تارک ما نیست (۶۴۰) ب و ۶۴۱ و ۶۴۰ و ۶۴۱ ب یک بیت ساخته؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۳۹-ل: آ: < > ۴۰- (ل، ی، پ، و، ل، آ، ب: آنچه)؛ س، آ: برآمد همه هر چه ۴۱-س: او ۴۲-س، س، آ (نیز و، ب): نوشت؛ متن = ک، ل، آ (نیز ل، ن، پ)؛ ل، ق این بیت را ندارند ۴۳-ل: (نیز ل، ی، آ): نباشد (۱) ۴۴-ق: ز ۴۵- (ل: پرهیز)؛ ل، آ، س، آ این بیت را ندارند

نکرد آن سَخُن بر دلیران پدید^۲
بگردید^۵ کامد به تنگی^۶ سپاه
مدارید یکسر تن^۸ از رنج باز^۹
گزین کرد از آن^{۱۰} لشکر^{۱۱} کینه‌خواه،
بدان تا شوند^{۱۳} از پس^{۱۲} شهریار
به بهرام پور سیاوش سپرد

به رخساره شد چون^۱ گل شبلید
بدیشان^۳ چُنین گفت کز شاه‌راه^۴
بیابان گزینید^۷ و راه دراز
چو بهرام رفت اندر ایوان شاه
۶۶۰ زره‌دار و شمشیرزن سی^{۱۲} هزار
چُنین لشکری^{۱۵} نامبردار و^{۱۶} گرد^{۱۷}

گفتار اندر گریختن خسرو از بهرام چوبین و رفتن به روم^{۱۸}

همی از بد^{۱۹} دشمنان جان گرفت!
سر تیغ^{۲۱} دیوار او ناپدید^{۲۲}!
پرستشگهی بود و^{۲۵} فرخنده‌جای
بدو^{۲۷} در سُکوبا^{۲۸} و مطران بُدی
که از^{۲۹} خوردنی چیست کاید^{۳۰} بدست؟
فَطیرست^{۳۳} با تَرّه‌ی^{۳۵} جویبار^{۳۶}

و زآن روی خسرو بیابان گرفت
چُنین تا بنزد^{۲۰} رباطی رسید
کجا^{۲۳} خواندندیش^{۲۴} یزدان‌سرای
۶۶۵ نشستگه^{۲۶} سوگواران بُدی
چُنین گفت خسرو به یزدان‌پرست
سُکوبا^{۳۱} بدو گفت کای^{۳۲} نامدار^{۳۳}

۱- (آ: چون شد) ۲- س: به گردون جهان تیره و تار دید؛ بنداری (۶۵۶-۶۴۸): و خرچا و سارا خلف برویز حتی لحقاه. فلما راهما
أحس بالحال فاصفر وجهه لکنه سکت (= ۶۵۶-۶۵۳) ۳- س، ک، ل، ۲، س (نیز، ن، ی، ب): به لشکر؛ متن = ل، ق (نیز ق) ۴- (ل: ن) ۵- راه
(شاه) ۵- (ی: بگردند) ۶- ل: به نیکی ۷- س: گرفتند؛ س (نیز ق) ۸- و، ب، (گزینید؛ (ی: گزینند)؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز ل، ب،
ن ۱، ۲) ۸- س، ق: یک تن سر؛ (ب: یک تن تن)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹- (و: نهادند تن را به رنج و به آز)؛ بنداری (۶۵۸-۶۵۷):
فقالا: إن الطلب و راما فاعدل عن الطريق. فعدلوا عن الجادة، و أخذوا فی طریق البرية ۱۰- ل: زان؛ (ل: ازین)؛ متن = سیزده
دستنویس دیگر ۱۱- ل (نیز ل): لشکری ۱۲- س، ک، ل (نیز ل، آ): شش؛ س: صد؛ (ق: ده)؛ متن = ل، ق (نیز ل، ب) ۱۳- س: آ:
شود ۱۴- ل: از در؛ (ل: از پی) ۱۵- س: آ: لشکر و؛ (ل، ن، ل، ب، ن، آ: لشکری) ۱۶- س: س (نیز ق) ۱۷- ل، و، ن، آ، (ل: حو)؛ متن = ل (نیز
ن، ب)؛ بنداری (۶۶۱-۶۵۹) پس از بیت (۶۷۸): و أما بهرام فانه لما وصل الی باب المدینة لم یمنعه احد فدخل. و لما تمکن من دار
الملك اختار ثلاثة آلاف فارس و سلمهم الی بهرام بن سیاوش فرکب بهرام اثرهم و سار خلفه؛ ق: پس از بیت ۶۶۱ افزوده است:

بفرمود تا از پس او دندان برفتند برسان باد دمان

۱۷- ب: نامدار بزرگ؛ ۱۸- ل: گریختن خسرو از بهرام چوبین (س: چوبینه) و رفتن (س: به ولایت) روم؛ ق: بازگشتن بندوی و
گشتم از خسرو و کشتن هرمز را بی اذن خسرو و رفتن خسرو به روم و حال او در کلیسا؛ ل، ک، س: سرنویس ندارند؛ متن = ل ۲
۱۹- س (نیز ل، ق) ۲۰- ل: از پی ۲۰- س- ل (نیز ل- ب): به پیش؛ متن = ل، س ۲۱- س: تیغ و ۲۲- (ق: او رانیدید؛ و او برتر از ماه
دید) ۲۳- (ق: همی) ۲۴- س (نیز آ، ب): خواندیدنش؛ (ل: خواندیدیش) ۲۵- س، ق (نیز ل، ب): حو؛ متن = ل، ک، ل، ۲، س (این بیت
راندارد؛ بنداری (۶۶۲-۶۶۴): و ساروالی آن‌تنهوا الی دیر عظیم ۲۶- س: آ: پرستشگه؛ (ن: نشستگهی) ۲۷- (آ: بدان) ۲۸- ک، س (نیز
و، ل، آ): شکوبا؛ (ل: جلیلیا) ۲۹- س: آ: گه؛ (ل: اگر) ۳۰- س، ق (نیز ل، ن، آ، ب): ایدر؛ ل: آ: از ایدر؛ ک: چیزی ایدر؛ متن = ل، س (نیز آ)
۳۱- ک، س (نیز و، ل، آ): شکوبا ۳۲- ق: ای ۳۳- ل، س (نیز ل، آ، ب): شهریار؛ متن = ل، ق، ک، س (نیز ق) ۳۴- س، ل، آ:
فطیره‌ست ۳۵- (ل: پودن) ۳۶- (ی: هم آنان که بودند با او سوار = ۶۶۹ ب)؛ ل: این بیت راندارد

مبادت جز از نوشته^۴ این^۵ پرورش!
 همان آنک^۷ بودند با او^۸ سوار
 گرفت از پی^{۱۰} و از^{۱۱} برسم^{۱۲} به دست،
 بخوردند^{۱۴} بشتاب^{۱۵} چیزی که بود
 نداری تو ای پیر فرخنده پی^{۱۷}؟
 به تموز^{۱۸} هنگام گرما کنیم،
 به سرخی چو بیجاده^{۲۰} در آفتاب!
 که شد رنگ خورشید^{۲۲} ازو^{۲۳} ناپیدا!
 -می و نان کشکین^{۲۷} که دارد به نام^{۲۸}؟-
 هم آنکه بخت^{۳۰} از بر ریگی نرم^{۳۱}
 روانش پر از درد و خسته جگر^{۳۲}
 سکوبای^{۳۳} مهتر^{۳۴} بیامد برش،
 در آن^{۳۵} گرد تیره^{۳۶} فراوان سپاه
 که دشمن بدین^{۳۹} گونه شد خواستار!

گر ایدونک^۱ شاید^۲ بدینسان^۳ خورش
 از^۴ اسپ اندرآمد سبک شهریار
 ۶۷۰ جهانجوی با این^۹ دو خسروپرست
 پس آنکه به زَمَزَم همی گفت زود^{۱۳}
 چنین گفت پس با شکوبا^{۱۶} که می
 بدو گفت: ما می ز خرما کنیم
 کنون هست لختی^{۱۹} چو روشن گلاب
 ۶۷۵ هم آنکه بیورد جامی^{۲۱} نبید
 بخورد آن زمان^{۲۴} خسرو از می^{۲۵} سه جام^{۲۶}
 چو مغزش شد^{۲۹} از بادهی سرخ گرم
 نهاد از بر ران^{۳۰} بندوی سر
 همان چون به خواب اندرآمد سرش
 ۶۸۰ که از راه گردی برآمد سیاه
 چنین^{۳۷} گفت خسرو که بد^{۳۸} روزگار

- ۱-ل ۲ (نیز ل ۳، آ، ب): که ۲-س، ل ۲ (نیز و، آ، ب): باید؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز ق ۳، ل ۳، پ، ن، ی) ۲-ک (نیز آ): برینسان ۴-ک (نیز ل ۳، و-ب): توشه؛ متن ← ۵-و (و؛ ق؛ مبادا که کم آید از؛ س): مبادا جزین توشه و؛ (ق): مبادت که آن توشه این؛ به: مبادت ز توشه جزین؛ متن = ل، س، ل ۳، ن، ی، این بیت را ندارند ۶-ل ۲ (نیز ق ۳، آ، ب): ز؛ متن = (ل ۳) ۷-ل ۳ (پ، ک، س): ل ۲ (نیز آ، ب): هم آنان که؛ (ق ۳) همانا که؛ و: همان کس که؛ متن = ل، س ۲ (نیز ن ۲) ۸-ق، س ۳: وی؛ ن، ی این بیت را ندارند ۹-ق، س ۳: آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰-س: آن زمان؛ (ق ۳) گرفتند با؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-س: باز و؛ ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل-و، آ، ب): باز؛ (ق ۳، ن ۲، باز)؛ متن = ل، ک ۱۲-ن ۳: پرسم؛ ن این بیت را ندارد ۱۳-ل: بگفتند زود؛ ق، ک (نیز ن، ق، ل ۳، و): نشستند بر نرم ریگ (و: بر ریگ نرم؛ ن: آن بر بزم رنگ) کبود؛ س: نشستند بر فرش ریزی که بود؛ متن = س، ل ۲ (نیز ل، پ، آ، ب) ۱۴-ن ۳: بخورد ۱۵-ق ۳: بسیار؛ در لث های این بیت پس و پیش شده اند؛ پایایی متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۶-ک، س ۲ (نیز ن ۳، ل ۳): شکوبا ۱۷-ل ۳: پی ۱۸-ل ۳ (نیز آ): به تموز و؛ (ق ۳) تموزی به؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۱۹-ل ۳: جامی ۲۰-س ۳: یاقوت ۲۱-ق (نیز ل ۳) جام ۲۲-ک: خرشید ۲۳-ل ۳ (نیز ق ۳): زو؛ س، ل ۲ (نیز ب): از آن؛ متن = ک، س ۲ (نیز ن، ل ۳، آ): ل این بیت را ندارد ۲۴-ق: آنکه؛ متن ← ۲۵-پ: حاز می؛ ن، ل: خسروانی → خسرو از می؟؛ و: آن می خسروانی؛ س: آنکه از می دادم؛ متن = ل، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۳، ل ۳، ن، ی، ل ۳، ن ۳، آ): خسرو از می → خسروانی؟ ۲۶-پ: جام می سه چهار ۲۷-ن ۳: نان و پودن؛ متن ← ۲۸-ب: بیار؛ س، ل ۲ (نیز ل، ی): که دارد می و نان (س: جام) کشکین به نام (ل: کشککش تمام)؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز ن، ق، ل ۳، و): بنداری (۶۷۶-۶۶۴): ۳۰-و: بخت آن زمان ۳۱-ل ۳ (نیز ل): گرم (ل)؛ در و این بیت پس از بیت ۲۲-ق این بیت را ندارد؛ ل، س ۲ در اینجا سرنویس دارند، ل: رفتن بهرام سیاوش در پس خسرو؛ س: فرستادن قیصر لشکر به یاری خسرو ۳۳-ک، س ۲ (نیز و، ن ۳، آ): شکوبای؛ (ن: سکوبا و) ۳۴-س: ترسا؛ (ل: رومی)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۵-س، ق (نیز ب): بران؛ ک، س ۲ (نیز ن، ق، ل ۳، ن ۳، ل ۳): پس از؛ ل: بر از؛ (ل: بدان) پ: بر از؛ و: پس؛ ل = ۳۶-ن ۳: جزیره؛ بنداری؛ فطر الرهب من سور الدیر فرأی عجاجا ساطاعامن الطريق فأنذرهم ۳۷-ل ۳: بدو ۳۸-ل ۳: به ۳۹-س ۲ (نیز ن، ق، ل ۳، ن ۳، آ): برین؛ متن = ل، س، ق، س ۲ (نیز ل، پ، ب)؛ و: این بیت را ندارد

فراز آمد آن روز بیچارگی!
 که^۳ آمد سپهبد به تنگی^۴ فرازا!
 مرا اندرین کار بنمای راه^۷!
 ترا چاره سازم^۸ بدین روزگار،
 به پیش جهانگیر^{۱۲} شاه^{۱۳} جوان^{۱۴}!
 یکی خوب زد داستانی^{۱۵} برین،
 بیابد^{۱۷} بدان گیتی اندر^{۱۸} بهشت!
 کلاته^{۲۱} نباید^{۲۲} که ماند^{۲۳} به جای^{۲۴}!
 مماناد^{۲۶} بر پای^{۲۷} بیمارستان^{۲۸}!
 هم^{۳۰} از پاک‌یزدان نهی بی‌نیاز!
 مرا ده، همین^{۳۱} گوشوار و کمر،
 چو من پوشم^{۳۴} این را تو بگزار پای^{۳۵}،
 چو کشتی که موجش براند بر^{۳۷} آب!

نه مردم^۱ بکارست و نه بارگی
 [بدو گفت پندوی پس: چاره ساز^۲
]بدو^۵ گفت خسرو که ای نیکخواه^۶
 ۶۸۵ بدو گفت پندوی کای شهریار
 ولیکن فدا^{۱۰} کرده باشم^{۱۱} روان
 بدو گفت خسرو که دانای چین
 که هر کو کند بر در^{۱۶} شاه کشت
 چو دیوار شهر اندر آمد^{۱۹} ز پای^{۲۰}
 ۶۹۰ چو ناچیز خواهد شدن شارستان^{۲۵}
 تو گر چاره‌ی دانی اکنون^{۲۹} بساز!
 بدو گفت پندوی کین تاج زر
 همین^{۳۲} لعل زربفت^{۳۳} چینی قیای؛
 برو با سپاهت^{۳۶} هم اندر شتاب

۱- (و: اسپم)؛ س^۲ این بیت را ندارد ۲- (ق: آ) ز هر گونه شاه جهان جست راز) ۳- (ق: آ)؛ (چو) ۴- س: آ؛ به تنگی سپهبد؛ ل: آمدت دشمن به تنگی؛ متن = ق، ک، (نیز ل، ق، آ، ل، ن، آ)؛ س، ل، آ، ل، ی، پ، و، آ، ب، این بیت را ندارند؛ در س^۲ بیت‌های ۶۸۲ و ۶۸۳ در و بیت‌های ۶۸۲ و ۶۸۴ پس و پیش شده‌اند ۵- (و: چنین) ع: س؛ سرفراز؛ (ق: آ)؛ به پندوی گفت ای گو نیکخواه) ۷- ی: آ؛ راز؛ متن = ل، ق، ک، (نیز ل، ق، آ، و، ن، آ)؛ س، ل، آ، ل، ی، ل، ل، پ، آ، ب، این بیت را ندارند ۸- (ل: آ)؛ (دانی) ۹- (آ: کارزار)؛ در ل^۳ بیت‌های ۶۸۵-۶۹۰ در هم‌ریخته‌اند: ۶۸۷، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۹۰، ۶۸۸، ۶۸۹؛ س^۲ بیت‌های ۷۶۳-۶۸۵ را ندارد ۱۰- (ل: ن)؛ (دانی) ۱۱- (ق: آ)؛ (کرد باید) ۱۲- ل: جهانجوی؛ ق: جهاندار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳- (ق: آ)؛ (مرد) ۱۴- ک، ل، آ، (نیز ب): جهان؛ (ل: ی)؛ (روان)؛ متن = س، ق، (نیز ق، آ، ل، آ)؛ (بنداری (۶۸۶-۶۸۱)؛ فایض بندویه برویز و قال: قد جاءنا الطلب. و أنا أفدیک بنفسی ۱۵- س- ل^۲ (نیز ل، ن، ی- ب): خوبتر داستان زد؛ متن = ل (نیز ق، آ) ۱۶- (ل: آ)؛ (بردن: ب: در ره) ۱۷- ک (نیز ل: ی)؛ بیاید (در ک حرف یکم نقطه ندارد)؛ (ل، ن، ی، ب: آ، ی: آ)؛ (نیاورد)؛ متن = س، ق، (نیز ق، آ، ب، و، آ)؛ در س حرف یکم و در ل همه حرف‌های نقطه) ۱۸- ق: بدان گیتی اندر بیاید ۱۹- ک (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و): آید ۲۰- ل: ز جا؛ س، ل، آ (نیز ل، ن، ی، و، ب)؛ ز جای؛ ق، ک، به پای؛ متن = (ق، آ، ل، آ، ب، ن، آ) ۲۱- س (نیز ل: آ)؛ (کلاته)؛ ق (نیز و): طلایه؛ ک: گل او؛ (ق، آ، ن، آ: گل آن؛ ب: کلابه)؛ متن = ل، ل، آ (نیز ل، ن، ی، ل، آ، ب) ۲۲- ک: نباشد؛ (ل: ی)؛ بیاید؛ و: که باشد) ۲۳- ق: همانا ۲۴- ل: به پا؛ س، ک (نیز ل، ن): به پای؛ متن = ق، ل، آ (نیز ق، آ، ب) ۲۵- ق، ل، آ (نیز ل، ی، ل، آ، ب): شارسان؛ (ب: شهریار) ۲۶- (ل: آ)؛ (بماند: آ: بماناد) ۲۷- ل: دیوار؛ (آ: در پای)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸- ق، ل، آ (نیز ل، ی، ل، آ، ب): بیمارسان؛ (ب: هر شهر و کار)؛ متن = ل، س، ک، (نیز ل، ن، ق، آ، و، ن، آ، آ: در ل، س، ق، و، حرف یکم نقطه ندارد) ۲۹- ل: آ: سازی اکنون؛ س (نیز آ، ب): چاره‌سازی هم اکنون؛ ک (نیز ل، ن، ق، آ، و، ن، آ): چاره دانی مرین را؛ ق: اگر چاره دانی مرین را؛ (ل: آ)؛ تو چاره که دانی مرین را؛ متن = ل (نیز ل، ی، پ) ۳۰- (ل: آ)؛ (که) ۳۱- (ل: ن)؛ (همان)؛ ق در اینجا سرنویس دارد: مکر بندوی بال لشکر بهرام و گریختن خسرو ۳۲- ل، ک (نیز ل، آ، ب): همان؛ (و: چنین)؛ متن = ق، ک، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ی، پ، ن، آ، و، ن، آ)؛ ل: لعل زرین؛ س: لعل و زربفت؛ (ل: لعل زربفت و)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۴- ل: پوش من؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۵- ق: ایدر تو یکدم مپای؛ ک (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ)؛ این (ل: آن) راتو ایدر مپای؛ (و: آنکه تو ایدر مپای)؛ متن = ل، س، ل، آ (نیز ل، ی، پ، آ، ب) ۳۶- ق: با برادر؛ (ق: آ: بی سپاهت) ۳۷- س- ل^۲ (نیز ل، ن، ب): که ملاح راند بر (س، ق، ل، ن، آ، ب: در: ل: ی: به)؛ ل: چو گیتی (حکشتی) که موجش در آرد ز؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری (۶۸۷-۶۹۴)؛ مسلم تاجک و ثیابک، و خذ فی طریق الجبل. و علیک بالسیر الحیث الی آن تأمن. فانی آرد عنک العدو، و أجمل نفسی و قایه لک (۶۹۲-۶۹۳)

و زان^۳ جایگه گشت با^۴ باد جفت!
 جهان‌دیده^۷ سوی شَقَف کرد^۸ روی،
 ببايد شدن^{۱۰}، ناپدید از گروه
 بزودی در آهین سخت کرد^{۱۲}
 به سر بر نهاد افسر شهریار^{۱۴}
 سپه دید^{۱۸} گرد اندرون^{۱۹} چارسوی^{۲۰}
 رسیدند نزدیک آن دز^{۲۳} فراز
 تنِ خویشان را به لشکر نمود
 چه با طوق و با^{۲۵} گوشوار و کمر
 که با تاج و با جامه‌های نوست
 همی‌بازنشناسد او را^{۲۹} ز شاه،
 بپوشید^{۳۱} و ناکام^{۳۲} بر بام رفت
 که را خوانم اندر شما^{۳۷} پیشرو^{۳۸}،

۶۹۵ بکرد آن زمان^۱ هرچ^۲ بندوی گفت
 چو خسرو برفت از بر^۵ چاره‌جوی^۶
 که اکنون شما را بدین^۹ برزکوه
 خود^{۱۱} اندر پرستشگه آمد چو گرد
 بپوشید پس^{۱۳} جامه‌ی زرنگار
 ۷۰۰ بر آن^{۱۵} بام برشد، نه بر^{۱۶} آرزوی^{۱۷}
 همی‌بود تا^{۲۱} لشکر رزمساز^{۲۲}
 [ابر پای خاست^{۲۴} آنگه از بام زود
 بدیدندش از دور با تاج زر
 همی‌گفت هرکس که^{۲۶} این^{۲۷} خسروست
 ۷۰۵ چو بندوی شد بی‌گمان کان^{۲۸} سپاه
 فرود^{۳۰} آمد و جامه‌ی خویش تفت
 چَنین گفت^{۳۳} کای^{۳۴} رزمسازان^{۳۵} نو^{۳۶}

۱-س (نیز ب): چنان؛ ق، ک، ل، ۲ (نیز ل-ن): جوان؛ متن = ل ۲-ق، ل، ۲ (نیز ل، پ، آ، ب): هر چه؛ ک (نیز ل، ۳، و، ل، ۴): آنچه؛ (ل، ن، ق، آ، آنج):
 متن = ل، س ۳-ق (آ، زان) ۴-ل، ۲ (نیز ل): رفت چون؛ ل، ق پس از این افزوده‌اند:

همی‌راند (ق: رفت) گستمم با او چو گرد
 سری پر ز کینه دلی پر ز درد

این بیت در دوازده دستنویس دیگر و ترجمهٔ بنداری نیست؛ بنداری، فلم ثیابه و تاجه‌الیه، و ركب فیمین معه و لحق بالجبال، و نجا
 برآسه هـ ل: از در ۶- (و: جنگجوی) ۷- ل: جهانجوی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸- (ل: بر سقف آورد) ۹- س- ل: (نیز
 ل، ب): برین؛ متن = ل (نیز ل، ق، آ، ی، پ، و، آ) ۱۰- س، ک، ل، ۲ (نیز ل، ق، آ، ی، پ، ب): بدن؛ متن = ل، ق؛ ل این بیت را ندارد
 ۱۱- ل: چو ۱۲- ل این بیت را ندارد؛ ق، ۲ پس از این بیت افزوده است:

جهان‌دیده بندوی از آن شد نژد
 بنالید در پیش استا و زند
 همی‌خواست از داور کردگار
 که پیروز گردد همی شهریار
 ندانند ایرانیان راز اوی
 چنان تئبل و چاره و ساز اوی

۱۳- (ب: خود) ۱۴- س، ل، ۲ (نیز ل، آ، ب): شاهوار؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، ق، ۲، ل، ۳، ۴) ۱۵- ک (نیز ل): بدان ۱۶- س- ل، ۲ (نیز ل،
 ل- ب): بام شد کش نبود (س، ق، ک، ل: نبد)؛ متن = ل ۱۷- ک (نیز ل، پ، و، ل، ۴): آرزو؛ (ق: برآمد به بام آن گو نیکخوی) ۱۸- س، ق:
 بود؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹- س، ق، ک، ل، ۲ (نیز ل- ب): اندرش؛ متن = ل ۲۰- ک (نیز ل، پ، و، ل، ۴): سو؛ بنداری: و لبس
 بندویه ثیابه، و اعتصب بتاجه، و سعدالی قبه عالیه کانت فی الدیر ۲۱- (ل، ۲، آ، ب): ۲۲- (و: سرفراز) ۲۳- س، ک (نیز ل، ۳، و، ل، ۴، ب):
 مذبح (در س، و حرف سوم و در ب حرفهای دوم و سوم نقطه ندارد)؛ ق: دیرش؛ (ق: خسرو؛ ل: مطبخ؛ پ: مذبح؛ آ: مدنج)؛ ل، ۲ (نیز
 ل، ن): نزدیکی دز؛ متن = ل ۲۴- ق (نیز ق، ۲، و): جست؛ متن = ل؛ این بیت در ده دستنویس دیگر نیست ۲۵- ل: همان طوق و آن؛ (و: ابا
 طوق و با)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶- (و: همی هرکسی گفت) ۲۷- ق: آن؛ بنداری (۷۰۴-۷۰۱): و قعد ساعة حتی شاهده ذلک
 العسکر فلم یسکوا فی أنه بروز ۲۸- س: زان ۲۹- (ا: نشناختندش) ۳۰- س (نیز ب): به زیر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۱- (ل، ن):
 خروشید) ۳۲- ل: ناکام و؛ س (نیز ل، آ، ب): و ناگاه؛ ک (نیز ق، ۲، ل، ۳): و ناباک؛ (ل، و، ل، ۴): و بی‌باک؛ متن = ق، ل، ۲ (نیز پ)؛ بنداری: و آنه قد
 حصل فی قبضتهم. فنزل الی الدیر، و خلع ثیاب الملک، و لبس ثیاب نفسه، و سعدالی السطح ۳۳- (و: خروشید) ۳۴- (ل، ن): ای)
 ۳۵- (ق: سرفرازان) ۳۶- (ل، ۳، ۴، ۵): جهان؛ (ق: میان) ۳۸- (ل، ۳: پیشرو)

بگویم شنیده به پیش میهن^۱
 منم پیشرو - گفت - بهرام نام
 که من سخت پیچانم^۴ از رنج راه،
 ز راه دراز اندر آشوفته،
 از آن آمدم تا بیابم سپنج^۷،
 کنم دل ز کار جهان^۹ ناامید،
 بنزدیک بهرام گردن فراز
 مگر^{۱۳} یارمندی کند^{۱۴} آسمان!
 نگه داشتندی هم آیین و کیش^{۱۷}!
 به^{۲۱} کهر نبرداشتندی^{۲۲} نیاز!
 بگفتم چون بخت ناساز^{۲۴} بود!
 نباشد مگر^{۲۵} رای^{۲۶} یزدان پاک!

که پیغام دارم ز شاه جهان
 چو پور سیاوش بدیدش^۲ به بام^۳
 ۷۱۰ بدو گفت: گوید جهاندار شاه
 سواران^۵ همه خسته و کوفته
 بدین^۶ خانه‌ی سوگواران به رنج
 چو پیدا شود چاکِ روزِ سپید^۸
 بیابیم با^{۱۰} تو به راه دراز
 ۷۱۵ برین^{۱۱} بر^{۱۲} که گفتم نجویم زمان
 نیاگان ما آنک^{۱۵} بودند^{۱۶} پیش
 اگرچه^{۱۸} بُدی بختشان^{۱۹} دیرساز^{۲۰}
 کنون آنچه^{۲۳} ما را به دل راز بود
 ز رخسندۀ خورشید تا تیره‌خاک

به گفتار او گشت همداستان
 پر از دردشان شد دل از کار^{۳۱} اوی^{۳۰}
 همی‌داستی رای^{۳۴} خسرو نگاه
 ز دیوار بر^{۳۵} سوی بهرام شد

۷۲۰ چو سالار^{۲۷} بشنید ازو^{۲۸} داستان
 دگر هرک^{۲۹} بشنید گفتار اوی^{۳۰}
 فرود^{۳۲} آمد آن شب بدانجا^{۳۳} سپاه
 دگر روز پندوی بر بام شد

۱- (ن. ل. ۳، ن. ۲: کهان) ۲- ل: دیدش؛ (ق: شنیدش)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳- (لی: پیام؛ و: ز بام) ۴- ق: نالانم ۵- (ق: نیز) (ن. ل. ۳، و. ن. ۲): ستوران؛ متن = ل، س، ک، ل (نیز لی، پ، آ، ب) ۶- س (نیز ب): درین؛ (ن. ل. ۳: برین)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- ق: بمانم زکنج (- بیابم سپنج)؛ ل، س، ل (نیز ق، آ، لی، پ، آ، ب): فرود آمدستم ابا (ل، ق، آ: آمدستیم با) یار پنج؛ متن = ک (نیز ل، ن. ۳، و. ن. ۲) ۸- (لی، پ، و: سفید) ۹- (لی: ز کار جهان دل کنم) ۱۰- (ل: بیابم ابا) ۱۱- (ن: بدین؛ آ: برین گونه) ۱۲- (لی: سر) ۱۳- س ل (نیز ن: ب)؛ اگر؛ متن = ل ۱۴- (و: بود ز) ۱۵- ک (نیز ن: آ): آنچه؛ (لی: آنکه؛ ل: ب: هرکه) ۱۶- (پ: بودنت) ۱۷- ل: آیین کیش؛ س ل (نیز ن: ب): داشتند (ق: داشتند؛ ک، ل: پ: داشتی) رسم و (و: رسم) آیین (ک، ل، ن: ب: آیین و) کیش (ق، ل، ۳، ل، ن، پ، آ، آ: خویش)؛ متن = ل (با افزودن حرف و) ۱۸- س: بد ۱۹- ل (نیز پ): گفتشان (؟)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ (ق: آ: برین گونه شان) ۲۰- (ل: دیر باز) ۲۱- ل، س، ل (نیز ق، آ، لی، آ، ب): ز (؟)؛ متن = ک (نیز ل، ن، آ، ن) ۲۲- (ب: بهتر چه برداشتندی)؛ ق این بیت را ندارد ۲۳- س، ل (نیز لی، ب): رنج؛ ک (نیز ل، آ): آنچه؛ متن = ل، ق (نیز ل، ن، ق) ۲۴- ق، ک (نیز ل، ن، ق، آ، ن: آ): بدساز؛ متن = ل، س، ل (نیز لی، آ، ب) ۲۵- س (نیز ق، آ، ب): بجز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶- ق، ک (نیز ل، ن، ق، آ، ل، و، ن، آ): خواست؛ متن = ل، س، ل (نیز لی، پ، آ، ب): بنداری (۷۱۹-۷۰۷)؛ فناداهم و قال: إن الملك يقول: إنه لا منجى منكم الآن، ولكن أهملوني الليلة فاني أخرج اليكم غدا، وأضع يدي في أيدىكم، وأصير معكم الي بهرام (۷۱۴-۷۰۷) ۲۷- (و: بهرام) ۲۸- ل: زو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فلما سمع ابن سیاوش هذا المقال أجابہ الى ذلك ۲۹- س ل (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، ن: ب): که؛ (آ: چه؛ لی: هر آنکس که)؛ متن = ل ۳۰- ل، ل، ک (نیز ق، آ، لی، ل، ۳، ب): او؛ متن = ل (نیز ن، پ، آ) ۳۱- ل، ق، شددل (ق: جان) ز کردار؛ ک: شدشان دل از کار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲- (ب: فراز) ۳۳- ق: هم آنجا؛ ک، ل (نیز آ): بر آنجا؛ (ن: در آنجا؛ ل: آنجا همان شب؛ و: از اسب و آنجا)؛ متن = ل، س (نیز ق، آ، لی، پ، ن، آ، ب) ۳۴- ق (نیز پ): راه؛ س، ل (نیز لی، ب): داشت بر (لی: او) راه؛ ک (نیز ل، ن، ق، آ، ل، و، ن، آ): داشتند (ق: داشته) راه؛ متن = ل ۳۵- ل: تا (؟)؛ (و: دز)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و لما أصبح من اليوم الثاني صعد أيضا الى سطح الدیر

همانا نیاید^۳ به کاری^۴ فراز
پرستندهی پاک‌دادار^۵ بود
ز گرما^{۱۰} نباید که یابد^{۱۱} گزندا
همی‌راند اندر میان سپاه
که کاریست این هم سبک، هم گران
مگر تیز^{۱۶} گردد، بیاید^{۱۷} به جنگ
جهانگیر^{۱۹} و بیدار^{۲۰} و گنداورست^{۴۱}
برآرد ز ما نیز بهرام گرد
وگر خوردنی^{۲۴} نیست بسیار چیز
بیاید^{۲۷}، به از جنگ و از^{۲۸} سرزنش

برآمد^{۳۰}، به گرد اندرآمد گروه
همی‌سوختند آتش از هر شوی^{۳۳}
سُخُن‌گوی^{۳۵} بندوی برشد به بام
بدانگه^{۳۶} که برخاست از دشت گرد،
شوی روم با لشکر خویش^{۳۸} تفت

بدو^۱ گفت کامروز^۲ شاه از نماز
۷۲۵ چُنین هم شب تیره^۵ بیدار بود
همان نیز^۷ خورشید^۸ گردد^۹ بلند
بیاساید^{۱۲} امروز و^{۱۳} فردا پگاه
چُنین گفت بهرام با مهتران
چو^{۱۴} بر خسرو این^{۱۵} کارگیریم تنگ
۷۳۰ به تنها تنی او^{۱۸} یکی لشکرست
وگر کشته آید به^{۲۲} دشت نبرد
همان به که امروز باشیم^{۲۳} نیز
مگر کو^{۲۵} بدین^{۲۶} هم‌نشان خوش‌منش

چُنان^{۲۹} هم همی‌بود تا شب ز کوه
۷۳۵ سپاه اندرآمد ز^{۳۱} هر پهلوی^{۳۲}
چو روی زمین گشت خورشید^{۳۴} فام
به بهرام گفت: ای جهان‌دیده‌مرد
چو خسرو شما را بدید او^{۳۷} برفت

۱-س، ک، ل (نیز ل-ب): چنین؛ متن = ل، ق، ۲-ق (نیز ل، ن، ۲): امروز ۳-س (نیز ب): نیامد؛ ق: نیاید؛ (ل: نیابد)؛ متن = ده دستنویس دیگر (در ل حرفهای یکم و دوم و در ل ن حرف چهارم نقطه ندارند) ۴- (ل: به کاری نیاید) ۵- (و: شب تیره تا روز) ۶-س، ک، ل (نیز ل، ن، ۱-ا): پیش جهاندار؛ ق: در پیش دادار؛ (ق: روشن جهاندار؛ ب: بگفتیم چون بخت ناساز = ۷۱۸ب)؛ متن = ل؛ بنداری: و قال لبهرام: إن الملك لم يخرج بعد من الصلاة، و بات البارحة بین یدی ربه ساجدا و راکعا ۷-س: همانا که؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-ک: خورشید ۹-ق، ک (نیز ل، ق، ۲، ل، ۳، و، ل، ۴): برشده؛ متن = ل، س، ل (نیز ل، ی، پ، آ، ب) ۱۰-ل (نیز پ): سرما (؟)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱- (ق: آ: بیند؛ و: آید)؛ بنداری: و قدر نفع النهار و اشتد الحر ۱۲-س (نیز ب): بیاسای؛ ق: بباشید؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳-ق: ح: بنداری: فإن رأیتم ترکه الیوم ایضا فعلتم ۱۴- (ل: ن: که) ۱۵- (پ: آن) ۱۶- (ل: تیره) ۱۷-ل (نیز و): نیاید؛ (ق: شود نیز و با ما در آید) ۱۸- (ل، ۳، ل، ن، ۴): او خود؛ پ: خود) ۱۹-ق، ک، ل: جهاندار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-ق: پیروز ۲۱- (و: و هم داورست) ۲۲-ک: ز؛ ل: این بیت را ندارد ۲۳- (پ: بهرام)؛ س، ل (نیز ب): باشیم امروز؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، ۳، و، ل، ۴) ۲۴- (پ: بسازد و گر)؛ ل: این بیت را ندارد؛ در پ پس از این بیت، بیت ۷۳۵ آمده است ۲۵-ق: او ۲۶-ک، ل (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، ۳، پ، آ): برین؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ی، و، ل، ن، ۲، ۳) ۲۷-ل (نیز ب): نیاید؛ (ل: آ: نیابد) ۲۸-ل (نیز ل، ن، ۲): و: ز؛ ق: و بی؛ (ا: جز از ک)؛ ک (نیز ق، ۲): ابی جنگ و بی؛ متن = ل، ۲ (نیز ل، ی، و، ل، پ)؛ س در اینجا سرنویس دارد: آمدن بندوی با بهرام شاپور بنزد بهرام چوینیه ۲۹- (و: چنین) ۳۰-ق: بیامد؛ (پ: درآمد) ۳۱- (ق: ۲، ل، ی، پ، ب: به) ۳۲-ل (نیز ل، ی، ۲، پ، ن، ۲): پهلویی؛ ق: ز پهلوی وی ۳۳-س، ک، ل (نیز ل، ن، ۲، ب): سویی؛ ق: از چوب نی؛ بنداری (۷۳۵، ۷۲۸): فقال بهرام لأصحابه: الرأی نضعه بهذا، فانا إن لم نفعل قاتلنا وربما قتل فی الوقعة فیؤاخذنا بهرام، ثم سمح بذلک. و عاد بندویه الی مکانه (۷۳۱، ۷۲۸) ۳۴-ک: خورشید ۳۵-س، ل (نیز ل، ی، آ، ب): جهانگیر؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، ق، ۲، ل، ۳، ل، ن، ۴) ۳۶- (پ: برانگه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۷-ل، و: (پ: بدیدش؛ ل: آ: هم آنکه جهانجوی خسرو)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۸- (و: لشکر روم شد باز)؛ بنداری (۷۳۶، ۷۴۰): و لما أصبح أشرف علیهم و قال: اعلموا أن برویز، أول أمس حين ظهر سوادکم، ركب و نجا بنفسه. و هو لا یكون الآن إلا فی أمتع معقل من بلاد الروم

وگر برگذاری^۱ سر از آفتاب،
 که اکنون کهن شد بدان^۲ مرز و بوم
 بیایم بر پهلوان^۳ سوار
 ز کمی و بیشی^۴ آن^۵ انجمن
 به جنگ اندرآرم به خورشید^۶ گرد!
 دل مرد برنا شد از غم^۷ کهن!
 اگر من برآرم ز بندوی دود،
 برم هم برین^۸ گونه روشن روان،
 اگر سر دهد^۹، گر^{۱۰} ستاند^{۱۱} کلاه!
 تو^{۱۲} این داوری^{۱۳} ها^{۱۴} به بهرام گوی^{۱۵}!
 همی راند با نامداران^{۱۶} دلیر!
 سوی روم شد خسرو کینه خواه،
 بدو گفت کای^{۱۷} بدتن^{۱۸} شوربخت،
 همی^{۱۹} بی هنر^{۲۰} خیره^{۲۱} بستودمت!
 همه^{۲۲} خشم بهرام با او^{۲۳} براندا!
 فریبنده مرد از در^{۲۴} سرزنش،

کنون گر تو پزان شوی چون عقاب
 ۷۴۰ نبیند کسی شاه را جز به روم
 کنون گر دهیم به جان زینهار
 بگویم سخن^۳ هرج^۴ پرسد ز من
 وگر نه بپوشم سلیح^۶ نبرد
 چو بشنید بهرام از او^۸ این سخن^۹
 ۷۴۵ به یاران چنین گفت کاکنون^{۱۱} چه سود
 همان به که او را بر پهلوان
 بگوید بدو^{۱۳} هرج^{۱۴} داند ز شاه
 به بندوی گفت: ای بد چاره جوی^{۱۸}
 فرود آمد از بام^{۲۲} بندوی شیر
 ۷۵۰ چو بشنید بهرام کامد^{۲۴} سپاه
 ز پور سیاوش برآشت سخت
 نه کار تو بود اینک^{۲۷} فرمودمت
 جهانجوی بندوی را پیش خواند
 بدو گفت کای^{۳۳} بدتن^{۳۴} بدکنش

۱-ق: بر فرازی؛ ل: ۲ (نیز لن-پ، ن: ۲، ۱). برتر آری؛ متن = س، ک (نیز ب)؛ ل، و این بیت را ندارند ۲-ق، ک (نیز لن، پ، ن: ۲)؛ بران: ل: ۲.
 بکین (حرف یکم نقطه ندارد = بکین؟ نگین؟) شد بران؛ س (نیز ب)؛ که اکنون شد او اندر آن؛ ل: ۳. چو اکنون که او شد بدان؛ متن =
 (ق: ۲، ل: ۲)؛ ل، و این بیت را ندارند ۳-ل: (بی: بدو) ۴-س: ل: ۲ (نیز لن-ب)؛ هر چه؛ متن = ل ۵-ل: (از آن)؛ س، ل: ۲ (نیز بی، آ، ب)؛ و از
 بیشی؛ ق: کم و بیشی آن شه و؛ (و: ز بیشی و از کمی)؛ متن = ل، ک (نیز لن، ق، پ، ن: ۲)؛ بنداری؛ و انا احتلت هذه الحيلة حتى ينجو و
 يسلم. و هاندا بين ايديكم. فان اعطيتموني الامان خرجت اليكم، و حضرت بين يدي بهرام معكم فاجبه عما يسأل ۶-س (نیز بی،
 پ)؛ سلاح ۷-ک: خورشید؛ س (نیز ب)؛ ز خورشید؛ ل: اندرآرم بگردار؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ و إن لم تفعلوا ذلك
 ركبت و قاتلتكم الى أن اقتل ۸-ل: بهرام بشنید زو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹-ل: (ن: آن) ۱۰-ل: ز غم شد؛ ق: پس از این بیت
 افزوده اند:

بگفتند کین چاره بر ما برفت سوی روم اکنون جهاندار تفت

۱۱-ل: (ن: ق، ۲، بی، ن: ۲، کنون) ۱۲-ل: (بی: بدین) ۱۳-ق: (خود او؛ بی: همه) ۱۴-س: ل: ۲ (نیز لن-ب)؛ هر چه؛ متن = ل ۱۵-ل: (و: نهلد) ۱۶-ق،
 ک (نیز لن، بی، ل: ۲، پ، آ)؛ یا؛ متن = ل، س (نیز ق، ۲، و، ن: ۲، ب) ۱۷-ل: ۱-ناستاید (د: یاستاند) ۱۸-ل: (و: جو) ۱۹-ل: (و: رو) ۲۰-ق: (آ: را) ۲۱-ل: (و:
 گو) ۲۲-س: باره؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳-ل، س (نیز آ)؛ نامدار؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری (۷۴۴-۷۴۹)؛ فاعطوه
 الامان و نزل و ركب معهم ۲۴-ل: (و: کاید) ۲۵-ل: (ن: ق، ۲، بی) ۲۶-ل: بدرگ؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-س: ل: ۲ (نیز لن-ل: ۲، ن: ۲)؛
 اینکه؛ ک: آنک؛ (پ: آنکه)؛ متن = ل، ق (نیز و، ب) ۲۸-ق: بسی ۲۹-س: بی: خرد؛ (ب: بی: خیر)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰-ل: (بی:
 نیز)؛ ق: در اینجا سرنویس دارد: سخن گفتن بهرام چوبینه با بندوی و بند برنهان بر بندو ۳۱-ل: (نیز و)؛ همی؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۳۲-س: ک: ل: ۲ (نیز ق، ۲، ب)؛ بروی؛ ق (نیز لن)؛ باوی؛ متن = ل ۳۳-ک: (نیز لن، ق، آ)؛ ای ۳۴-ل: (ن: بدتن و) ۳۵-س: ک،
 ل: ۲ (نیز لن، ق، ۲، بی، و-ب)؛ فریبنده و از (س، ق: ۲، و)؛ دره؛ ق: فریبنده و درخور؛ ل: (سزاوار بیغاره و)؛ متن = ل (نیز ب)

ز بدگوهر^۱ خویش نشکفتی^۲!
جهان‌دیده‌یی کردی از^۴ کودکی!
که من^۶ نو کنم روزگارِ کهن!
ز من راستی^۷ جوی و تندی ماز!
بزرگیش^۸ و زادنش^۹ پیش منست،
تو گر مهتری گرد کز^{۱۱} مگرد!
که کردی، نخواهت کردن تباه،
شوی زود و^{۱۴} خوانی مرا^{۱۵} راست‌گوی^{۱۶}!
به بهرام دادش ز بهر گزند^{۱۷}

۷۵۵ سپاه مرا خیره بفریفتی
تو^۳ با خسرو شوم گشتی یکی
کنون آمدی با دلی^۵ پُرسُخن
بدو گفت بندوی کای سرفراز
بدان کان شهنشاه خویش منست
۷۶۰ فدا^{۱۰} کردمش جان و بایست کرد
بدو گفت بهرام: من زین گناه
ولیکن تو هم^{۱۲} کشته بر دست اوی^{۱۳}
نهادند بر پای بندوی بند

گفتار اندر عهد کردن بزرگان با بهرام چوبین^{۱۸}

بیامد پُر^{۲۰} اندیشه‌ی دل^{۲۱} بخت
پدید آمد آن مِطْرَف^{۲۳} زردفام،
بر افکنده‌ی تاجداران^{۲۴} نشاند

همی بود تا خور شد^{۱۹} اندر نهفت
۷۶۵ چو خورشید^{۲۲} خنجر کشید از نیام
فرستاد و گردنکشان را بخواند

۱- (بی: ز بد کردن) ۲- ل: آ: بشکفتی؛ در س، ک، بی، و، ب حرف یکم بی‌نقطه؛ متن = ل، ق (نیز ن، ق، آ، ل، پ، بی، ن، آ، ا) ۳- س: چو
۴- (پ: جهان‌دیده کردی ابا)؛ ل: آ این بیت را ندارد ۵- (ق: آ: دمی) ۶- ن: آ: می؛ ل: آ این بیت را ندارد ۷- بی: (نیز بی: آشتی؛ متن =
دوازده دستنویس دیگر ۸- س، ق، ل: آ (نیز ن، ل، آ، و، ب): بزرگی؛ (پ: بندگی!)؛ متن = ل، ک ۹- ل: ک (نیز ق، آ، بی، پ، ن، آ، ا)؛ رادیش؛
(و: دانش به → زادنش ۹)؛ متن = ل: آ (نیز ن، ل، آ، و، ب)؛ ک؛ ق: آ پس از این بیت افزوده است:

گر او را نشایم، نشایم ترا بدین کار نادان مخوان مر مرا

۱۰- ل: آ (نیز ن، ق، آ، پ، ب): فدای ۱۱- (بی: بیشتی؛ بنداری (۷۶۰-۷۵۰): و لما وصل الی حضرة بهرام هذده و أوعده فقال: أيها البهلوان! إن
أنصفت علمت أنه كان واجبا علی أن أفدی الملک بنفسی، و أجعلها وقایة له. و هأنا بین یدیک فافعل ما شئت ۱۲- س، ل: آ (نیز بی، آ، ب):
چون؛ متن = ل، ق، ک (نیز ن، ق، آ، ل، ن، آ) ۱۳- ق، ک (نیز ل، آ، ا): او ۱۴- س، ل: آ (نیز بی، ل، آ، ب): جو؛ (و: کشته)؛ متن = ل، ق، ک (نیز ن،
ق، آ، پ، ن، آ) ۱۵- (آ: خواهی برو) ۱۶- ق، ک (نیز آ): گو؛ بنداری: فقال بهرام: ما آنا بقاتلک ولکنه سیقتلک برویز، و ستعلم أنى صادق
ولو بعد حين؛ ق: آ پس از بیت ۷۶۲ افزوده است:

بفرمود کارند بند گران همان بند و مسمار آهنگران

۱۷- بنداری: فأمر به فقید و سلسل، و سلم الی بهرام ابن سیاوخش؛ ک، بی پس از این بیت افزوده‌اند:

ک: بدان داد کاوردش از راه باز که پور سیاوش بدی سرفراز
بی: ببردند بهرام از پیش اوی همان نیز بندوی را نامجوی

۱۸- ل: عهد کردن بزرگان با بهرام چوبین؛ س- ل: آ سرنویس ندارند؛ متن = ل ۱۹- س، ل: آ (نیز بی، آ، ب): چون شب؛ متن = ل، ق، ک، س، آ
(نیز ن، ق، آ، ل، ن، آ) ۲۰- س (نیز ل، آ، ب): به؛ متن = دوازده دستنویس دیگر (در پ- آ با سه نقطه) ۲۱- (پ: پر اندیشه یک دل)؛ در لی
پس از این بیت، بیت ۷۶۷ آمده است؛ بنداری: ثم إن جوبین بات تلك الليلة غائضا فی بحر الفکر؛ در س^۲ بیت‌های ۷۶۵-۱۱۹۴ پس از
بیت ۱۳۳۱ آمده‌اند ۲۲- ک: خرشید ۲۳- ل: آ (نیز ل، و): مطرد؛ ق: جامه؛ ک: مطرح؛ (بی: مطرب → مطرف)؛ متن = س، ل، آ، س، آ (نیز ن،
ق، آ، پ، ن، آ، ب) ۲۴- ل: بر تخت شاهی به زانو؛ ق: سزاوار خود هر یکی را؛ (و: براندازه تاجداران؛ آ: برافکنده بر تاجداران)؛ متن =
یازده دستنویس دیگر

چو شاهان پیروز بنشست شاد^۱
 که هر کس که هست^۳ از شما مستمند^۴،
 نیامد^۷ پدید، از بجویی بسی^۸،
 و ز آن^{۱۰} کشتن ایرانش^{۱۱} آمد به مشت!
 پدر را بکشت، آنگهی شد به روم!
 یکی نامداری ز تخم مهان،
 کلاه و کمر بستن و^{۱۵} تخت^{۱۶} را،
 به جای^{۱۹} آورد رسم و راه^{۲۰} کیان!
 که باشم^{۲۲} شما را بدین^{۲۳} یارمند!
 که آن نامورمهر^{۲۵} افگند^{۲۶} بن
 یکی پیرتر^{۲۹} بود^{۳۰}، بر پای خاست^{۳۱}،
 گوی پیرسر^{۳۳}، مهتری دیرساز^{۳۴}،

به هر جای کرسی ز زین نهاد
 چنین گفت از آن^۲ پس به بانگ بلند
 ز شاهان ز ضحاک بتر کسی^۶
 ۷۷۰ که از بهر^۹ شاهی پدر را بکشت
 دگر خسرو، آن مرد بیداد^{۱۲} شوم
 کنون تا پدید آید^{۱۳} اندر جهان
 که زیبا بود بخشش و بخت^{۱۴} را
 که دارید کاکون^{۱۷} بیند^{۱۸} میان
 ۷۷۵ به دارنده^{۲۱} آفتاب بلند
 شنیدند گردنکشان این^{۲۴} سخن
 نیچید کس دل ز^{۲۷} گفتار راست^{۲۸}
 کجا نام او بود شهران^{۳۲} گراز

۱- این بیت را ندارد؛ بنداری (۷۶۵-۷۶۷): و لما أصبح استحضر جميع الأکابر و الأمائل و احتفلوا فی ایوان دار الملک. فحضر و قعد فی صدر الإیوان شامخ الأنف طامع الطرف ۲- ل (نیز لی): زان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳- س (نیز ب): بود؛ ۲ (نیز آ): بد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴- ق (نیز ق آ و): ارجمند (؟)؛ س (نیز لن، ل، پ، ن، ق): سودمند (؟)؛ متن = س، ل (نیز لی، آ، ب): مستمند (؟)؛ و پس از این بیت افزوده است:

بدانید و آگاه باشید هین ز دارنده آسمان و زمین

هـ: (و: که) ۶- س (نیز و، ب): برتر کسی؛ س: برتر منش؛ ق (نیز لن ق): بدتر کسی؛ متن = ک، ل (نیز لن-ن، آ)، ۷- ک، س (نیز لن، لی، و، آ): نیاید ۸- س: از چه از بدکش؛ س آ: از چه جوید بسی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹- س (نیز لن، ن، ق): مهر ۱۰- ق (نیز آ): که از؛ ل (در آن) ۱۱- ل: آنرا بس (ایرانش)؛ بنداری (۷۶۸-۷۷۰): فقال لهم بصوت رفیع: اعلموا أنه ما وطن سیریر المملکة أظلم من الضحاک الذی قتل أباه و استولى علی ملک ایران ۱۲- ل (نیز لن، ب): بیداد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: ثم بر ویز صاحبکم الذی أراق دم أبیه و هرب الی الروم ۱۳- (ب): آمد؛ ل: ناپدیدست؛ س، ق: ناپدید آمد؛ متن = یازده دستنویس دیگر (در ل) تا نقطه ندارد) ۱۴- س-س (نیز لن-ل، ۳، و، ب): جستن تخت (لن): بخت؛ در س، ل، ق، آ، و، ا حرف یکم تخت نقطه ندارد)؛ (پ): بخشش و تخت)؛ متن = ل، ۱۵- س، ک، ل، س (نیز لی، ل، آ، ب): جرو < ۱۶- ق، س (نیز ق آ، پ): بخت؛ (لی): آ: سخت؛ ب: رخت)؛ در س، ک، ل، آ، ن، و، آ حرف یکم تخت نقطه ندارد؛ متن = ل (نیز لن ق): بنداری (۷۷۲-۷۷۳): و الآن فلا بد من ملک يتولى أمورکم الی أن یظهر ملک من الشجرة الکیانیة یصلح للتاج و التخت ۱۷- ق (نیز لی، ل، ق): اکنون؛ س: که دارد که اکنون؛ س: که اکنون که دارد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸- س، آ (نیز لی): که بندد ۱۹- ل، جا ۲۰- س، ک، ل، آ (نیز لن، ن، آ، ب): راه و رسم؛ ق: رای و رسم؛ س (نیز ل، ق): رسم و رای؛ (پ): راه و رسم و ق: آ: آرد آیین و رسم)؛ متن = ل (نیز لی، و): بنداری: فمن ترونه یصلح لذلك فیشد علی خصره نطاق السلطنة، و یقوم بمراسم الملک فینعوه ۲۱- (ق): برآرندة) ۲۲- (ق): باشد) ۲۳- ق: بران؛ بنداری: فانی، و حق خالق الشمس، لکم معاضد و علی ذلک مساعد ۲۴- س (نیز لن، پ، ن، آ): آن ۲۵- (ق): پهلوی) ۲۶- س: نامورگفت یکسر ز ۲۷- س (نیز لی، ب): به؛ (لن): سرکس ز؛ لن: آ: کس ز (ا)؛ آ: دل کس ز؛ ل: آ: بیچید دل کس به؛ س: آ: بیچید کس دل ز؛ متن = ل، ق، ک، (نیز ق آ، ل، آ، پ، و) ۲۸- (پ): اوی) ۲۹- س: پیرمه؛ ق، ک، (نیز ق آ، ل، و، لن): آ: پیرسر؛ (ا): تیزتر؛ متن = ل، ل، آ، س (نیز لن، لی، ب) ۳۰- ک (نیز لن ق): مرد ۳۱- (پ): یکی خاست از تیز بازار اوی) ۳۲- س: مهران؛ (ق): نهران؛ (ا): شهوران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۳- س (نیز ب): پیر بد ۳۴- ل: دیر بار (حرف چهارم نقطه ندارد)؛ س، ل، س (نیز لی، آ، ب): سرفراز؛ (ق): آ: دیوساز؛ متن = ک (نیز لن، پ، و، لن، ق): ق: پیرسر بود دل پر ز راز؛ بنداری (۷۷۶-۷۷۷): و کان فیهم رجل من عظمائهم یسمی شهران، طاعن فی السن غیر أنه کان ذا طیش و عجلة

توی^۳ در جهان تا بوی^۴ سودمندا!
 که آمد بدین^۶ مرز^۷ ما با^۸ سپاه،
 کجا در جهانش نیدا^{۱۱} همببرد،
 که آن^{۱۳} رنج بگذشت از^{۱۴} ایرانیان،
 همه گرد و شایسته‌ی کارزار^{۱۵}،
 برآسود ایران ز^{۱۸} گرم^{۱۹} گداز!
 برین برگوا^{۲۰} بخت^{۲۱} بیدار تست!
 وگر دور ماند^{۲۵} ز پیمان^{۲۳} ما^{۲۴}،
 وگر -داستان را- همه^{۲۷} خسروست!
 خراسان^{۲۸} اسپهبد آمد به^{۲۹} پیش
 که چندین سخن گفت پیش گروه،
 جهانجوی داننده^{۳۲} مرد کهن:
 دل انجمن زین^{۳۴} سخن شاد کرد!
 -اگر بشنود مردم پاک مغز^{۳۶}!-،
 که هر کس که از کردگار بلند^{۳۷}،

چنین گفت کای^۱ نامدار^۲ بلند
 ۷۸۰ بدی گر^۵ نبودی جز از ساوه شاه
 از^۹ آزادگان بندگان خواست کرد^{۱۰}
 ز گیتی به مردی تو بستی^{۱۲} میان
 سپه چار بار از یلان صد هزار
 به یک چوبه^{۱۶} تیر^{۱۷} تو گشتند باز
 ۷۸۵ کنون تخت ایران سزوار تست!
 کسی کو^{۲۱} بیبچد^{۲۲} ز فرمان^{۲۳} ما^{۲۴}
 به فرمائش آریم اگر^{۲۶} چه گوست
 بگفت این^{۲۸} و بنشست بر جای خویش
 چنین گفت کین پیر^{۳۰} دانش پڑوه
 ۷۹۰ بگویم که او^{۳۱} از چه گفت این سخن
 چو این^{۳۳} نیکوی‌ها ز تو یاد کرد
 ولیکن یکی داستان^{۳۵} ست نغز
 که زردشت گوید به آستا و زند

۱- (ن: ای) ۲- (ق: کز نامداران) ۳- س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل: ب): تویی؛ ک: تویی؛ متن = ل ۴- س، ق، ک: بدی؛ (ب: پدر): ل، ۲، س، ۲ (نیز ل: ل، ۲، و، ن: ۲): تا بدی (ق: ۲: کاملی) در جهان؛ (ب: مهتری در جهان): آ: تو تا بودی اندر جهان؛ متن = ل ۵- (ق: ۲: پدیدار) ۶- س: برین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷- (ق: ۲: شهر) ۸- س، ۲: که آمد بدآموز با ما ۹- ل، ق، ک: (نیز ل: ب): ز؛ متن = س، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق: ۲: آ) ۱۰- (ق: ۲: او برآورد کرد) ۱۱- س، ۲- س، ۲ (نیز ل: ب): کس: (پ: که) او را نبد در جهان؛ متن = ل ۱۲- (ل: بی): تو بستی به مردی؛ و: به گیتی تو بستی کمر بر) ۱۳- ک: (نیز پ): این؛ (ا: از) ۱۴- ل: ز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ (ل: بی): که بگذشت آن بد ز) ۱۵- بنداری (۷۷۹-۷۸۳): فتقدم و قال: اینها شهریار! ما اظلم ایران محنة مثل محنة ساوه ملك الترك حين قصد هذه الممالك في مائة ألف مقاتل ليستعبد أحرارها و يخرب ديارها فكننت الذي شدت منطقة الرجولية على وسطك، و تلقية بأسك و بطشك ۱۶- ل، ۲: حربه ۱۷- (ق: ۲: تیراز) ۱۸- (ن: ۲: به) ۱۹- ق: < و: بنداری: فكفيتها بشأبة واحدة شره، و دفعت عاديتها و ضره ۲۰- س، ل، ۲ (نیز ل، ۲: ب): برین نیکویی؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ۲، ق، ل، ۳- ن: ۲): س پس از این بیت افزوده است:

هر آنکس که او سر ازین بازداشت ازین گفتها سر به یکسو گذاشت

۲۱- س: (نیز ل: ب): گر؛ ل، ۲ (نیز ل، ۲): ۱: سر؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز ق، ل، ۳- ن: ۲) ۲۲- ل، ۲ (نیز ل: بی): نیبچد ۲۳- س: (نیز ل، ۲): پیمان - فرمان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴- (ق: ۲: نیز ل، ۲): ل، ۲: تو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵- ق: سر بتابد ۲۶- س، ۲: ار؛ (ن: گر) ۲۷- س، ل، ۲ (نیز ل، ۲، ب): داستان نیز چون؛ س، ۲: بر همه داستان؛ (و: داستان را مثل): متن = ل، ق، ک: (نیز ل، ۲، ق، ل، ۲، ب، ن: ۲): بنداری (۷۷۷-۷۸۵): فالان نراک بهذا التخت جدیرا، و کفی بسعدتک علی ذلک شهیدا. ثم من صغر بعد ذلک خذنا أوده حتی يتقوم و يتبع الشهريار الأعظم ۲۸- (ق: ۲: او) ۲۹- (ن: آمدش): ل، س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، ل، ۲، بی، پ- ب): خراسان (س، ل، بی): خراسان) سپهبد (ق: ۲: سپهبد خراسان) بیامد به؛ متن = ق: (نیز ل، ۲: نیز ل- ن): ۳۰- س، ۲: شاه؛ (ق: ۲، و: مرد) ۳۱- (ق: ۲: بگویم کو) ۳۲- ل، ۲ (نیز ب): سراینده برنا و مرد (= ۸۰۵)؛ (ن: جهانجوی و داننده مردی)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۳- ل: که این؛ ک، س، ۲ (نیز ق، ل، ۲، ل، ۲): چنین؛ متن = س، ق، ل، ۲ (نیز ل، ن، بی، پ، و، آ، ب) ۳۴- (ل: ۲: زان)؛ بنداری (۷۸۸-۷۹۱): فجلس. و قام شیخ آخر یسمى خراسان فقال: إنما تکلم هذا الشيخ بهذا المقال لیسر قلوب الحاضرين ۳۵- ق: دانشت هست ۳۶- ق: (نیز ل، ۲): مرد پاکیزه مغز؛ س، ۲: مردم نیکبخت (!) ۳۷- و این بیت را ندارد

همان ماهی^۳ سودمندش دهد^۴،
 بیادش کشتن به فرمان شاه^۷!
 سرش زود باید^{۱۰} که بی تن شود!^۸
 بیامد به جایی که بودش نشست^{۱۳}
 وُزان^{۱۶} انجمن سر برآورد راست
 سخن گفتن داد^{۱۹} به گر^{۲۰} پسند^{۲۱}؟
 که باشد به^{۲۲} گفتار بیداد شاد^{۲۳}:
 جهان را به دیدار^{۲۶} توشه بدی!
 -برینست^{۲۸} پیروزگر یار ما-:
 ز تو دور دست^{۳۱} و زبان بدان^{۳۲}!
 خزروان^{۳۴} خسرو بیامد چو شیر^{۳۵}،
 سرایند^{۳۷} برنا و^{۳۸} مرد کهن،

بپیچد^۱، به یک سال پندش دهد^۲
 ۷۹۵ سر سال اگر^۵ بازناید به راه^۶
 چو بر^۸ دادگشا دشمن شود^۹
 خراسان^{۱۱} بگفت این و^{۱۲} لب را بست
 از آن^{۱۴} پس فرخزاد^{۱۵} بر پای خاست
 چنین گفت کای^{۱۷} مهتر سودمند^{۱۸}
 ۸۰۰ اگر داد بهتر بود، کس مباد
 به بهرام گوید^{۲۴} کانوشه^{۲۵} بدی!
 اگر بر پسندست^{۲۷} گفتار ما
 انوشه بدی^{۲۹} شاد^{۳۰} تا جاودان!
 بگفت این و بنشست مرد دلیر^{۳۳}
 ۸۰۵ بدو گفت: اکنون^{۳۶} که چندین سخن

۱-س (نیز لی، آ، ب): بگرد؛ ل: نگرده؛ متن = ل، ق، ک، س: ۲ (نیز لن، ق، ل، آ، پ، ب، ن) ۲-ق (نیز ق، آ، ن، آ، ب): دهند ۳-س (نیز لی، ب):
 نامه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴-ق (نیز ق، آ، ن، آ، ب): دهند؛ ک: نهید؛ و این بیت را ندارد ۵-ک: پس سالی ار ۶-ق: جای (در
 بالا: راه)؛ متن ۷-ق: رای (در بالا: شاه)؛ متن = ل، ک، (نیز ق، آ)؛ س، ل، آ، س، آ، ن، لی، بی این بیت را ندارند ۸-ل (نیز لی، آ، ب): بی
 ۹- (لی: بود) ۱۰-ق: ببیند؛ (و: باشد)؛ بنداری (۷۹۲، ۷۹۶): و معنی مثل حقیق بان یصغی الیه: این زردشت قال فی کتابه: من عصا الله و خرج
 علی مالک رقه و سلطانه ففظوه سنة، فإن استمر علی عصیانه ففرقوا بین رأسه و جثمانه ۱۱-س: سپهبد؛ (و: چو شهران؛ ب: خروشان)؛
 متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲- (و: دو)؛ ک: بگفت و (ل) ۱۳- (لی: به انبوه اندیشگان در نشست)؛ بنداری: و لما فرغ من کلامه هذا عاد
 الی مکانه و جلس ۱۴-س: ل (نیز لن، آ، و، آ، ب): وزان؛ متن = ل، س، آ (نیز ق، آ، بی، پ، ن، آ) ۱۵-س: فرخزاد؛ (و: فره زاد) ۱۶-ل، ق (نیز
 ق، آ، و): از آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷- (ن: ای؛ ب: کین) ۱۸-س: ل (نیز لی، ب): خسرو دادمند؛ متن = ده دستنویس دیگر
 ۱۹-س: راست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰-س، ک، ل (نیز لن، ق، آ، پ، ب): یا؛ ق: به؛ ل: نا؛ متن = ل ۲۱-س، ل (نیز آ، ب): گزند؛
 متن = ل، ق، ک (نیز لن، ق، ل، آ، ن، آ)؛ (لی: تویی بابدی در جهان ارجمند)؛ س آ این بیت را ندارد ۲۲-س: س (نیز لن، ق، آ، پ، ب): ز؛
 (لی: آرد ز؛ ل: گر دبه)؛ متن = ل ۲۳- (لی: یاد) ۲۴- (ق: آ: گفتا) ۲۵-ل، ک، س، آ (نیز لن، آ، و): که نوشه (دکانوشه)؛ متن = (ق، آ، پ، ن، آ)
 ۲۶- (ق: آ: گفتار)؛ س، ق، ل، آ، بی، آ، ب این بیت را ندارند ۲۷-ل (نیز و): ناپسندست؛ س: برپسندید؛ (ب: برپسندیده)؛ ق: اگر پسندست (ل)؛
 (ل: دگر گر پسندست)؛ متن = ک، ل، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ن، آ، ب) ۲۸-ل (نیز ل، آ، پ، ن، آ): بدین نیست؛ س: بدین است؛ ک: برین
 نیست؛ (ق: آ: برین هست)؛ متن = ق، ل، آ، س، آ (نیز لن، لی، و، آ، ب)؛ ک، ق، ل، آ، پ، س از این بیت افزوده اند:

برین گاه (ل: آ) بدین کار) بنشین که زبید ترا
 به (ق، آ: ز) تو پاک شد بد ز (ق: آ: به) هر کشورا
 ۲۹-س: ل (نیز لن، ق، آ، لی، آ، ب): بز؛ متن = ل، س، آ (نیز ل، آ، ن، آ) ۳۰-ل (نیز لن، لی، آ، ب): شاه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱-ق:
 چشم ۳۲- (ق: آ: دست گزند بدان؛ ب: بادا بد بدگمان)؛ س: آ: که بادا ز تو دور دست بدان؛ (لی: همیشه ز تو دور دست بدان) ۳۳- (ب:
 دبیر)؛ س: آن مرد دبیر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری (۷۹۸، ۸۰۴، ۸۰۶): فقام آخر و تکلم بما لیس فیه فائده و قعد ۳۴-س، ل، آ، س، آ
 (نیز لن، ق، آ، لی، و): خروزان؛ ک (نیز ب): خروزان؛ (پ: جزوران؛ ن: آ: خروزان)؛ متن = ل، ق (نیز ل، آ، ب) ۳۵-س، ل، آ (نیز ب): وزیر؛ (آ: و
 خسرو بیامد دلیر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ در پالت های این بیت پس و پیش شده اند ۳۶- (ق: آ: کاکون) ۳۷-ل، ق، ل، آ، س، آ
 (نیز ق، ل، آ، ب): سراینده؛ (لی: سرانند)؛ متن = س، ک (نیز لن، آ، پ، و) ۳۸- (ل: آ: بر ما به)؛ ک، ق، آ، پ، س از این بیت افزوده اند:

بگفتند و گفته همه کس شنید
 که را بیشتر راه باید گزید

هیونی برافگن بکردار باد،
 بکوبد^۶ به بیداد راهی^۷ دراز،
 سوی^۸ تخت گستاخ مگذار^۹ پای،
 سپهبد نباشد^{۱۰} سزاوار گاه
 پی^{۱۲} از پارس و از^{۱۳} طیسفون^{۱۴} برگسل،
 که^{۱۶} آسانی و مهتری را^{۱۷} سزی^{۱۸}،
 مگر خسرو آید به رای تو باز^{۱۹}!
 کجا زادفرخ^{۲۲} نهد^{۲۳} پای^{۲۴} پیش
 که ای نامداران^{۲۷} فرخ نژاد،
 که هستند از^{۲۸} ایران گزیده سران،
 که تا^{۳۰} پهلوانی شود شهریار^{۳۱}،
 کزان کم شود مرد را^{۳۴} آب روی^{۳۵}!

سرانجام اگر^۱ راه^۲ جویی به داد
 ممان دیر^۳ تا خسرو^۴ سرفراز^۵
 ز کار گذشته به پوزش گرای
 که تا زنده باشد جهاندارشاه
 ۸۱۰ وگر بیم^{۱۱} داری ز خسرو به دل
 به شهر خراسان تن آسان بزی^{۱۵}
 به پوزش یک اندر دگر نامه ساز
 نبرداشت^{۲۰} خسرو پی^{۲۱} از جای خویش
 سخن گفت پس زادفرخ^{۲۵} به^{۲۶} داد
 ۸۱۵ شنیدم سخن گفتن مهتران
 نخستین سخن گفتن بنده وار^{۲۹}
 خردمند نپسندد آن^{۳۲} گفت وگویی^{۳۳}

- ۱-ک (نیز و): گر ۲-س (نیز آ، ب): چاره؛ ل ۲ (نیز لی): جاه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳-پ (نیز؛ و: میان بند) ۴-ل: آ: مردم ۵-ق: تیز تا ۶-پ، و: ل: ن: کوبد (نقوید) ۷-ق، ک، س ۲ (نیز ل ۲، ن: آ): راه؛ ل: بنزد تو راه؛ (ق: ۲): به اندیشه راه؛ متن = س، ل ۲ (نیز لی، ن، آ، ب) ۸-ل ۲ (نیز لی، آ): سر ۹-ل، ق، س ۲ (نیز لی، ن: ق، ل ۲، آ، ب): مگزار؛ س: بگزار؛ متن = ک، ل ۲ (نیز لی): ب این بیت را ندارد؛ در لی لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ بنداری (۴۰۴ هـ - ۸۰۸): ثم قام رجل آخر یسمى خزروان (دستنویس دیگر: خزروان) و قال: بعد هذا القال و القیل ایها الپهلوان! ان کنت مفکرا فی العواقب فأرسل الی بروض و اعتذر الیه عما صدر منک، و لا تقدّم رجلک مترسلا الی تخته ۱۰-ل: ن: نشاید؛ ل: نباشد سپهبد؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، ن: آ، ب): ل، لی، آ، ب این بیت را ندارد؛ بنداری: فانه مادام الملك فی قید الحیاة فقیر لائق بالپهلوان أن یجلس علی سریره و یتعصب بتاجه ۱۱-ل: و: بار) ۱۲-ق: آ: تن) ۱۳-ل، س، ق (نیز لی، ن، و: ل: آ، ب): وز؛ متن = ک، ل، س ۲ (نیز ق ۲، ب) ۱۴-ل، ق، ل، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، ن: آ، ب): طیسفون؛ متن = س، ک، ل (نیز لی، ن، آ، ب): ب این بیت را ندارد ۱۵-ل ۲: بری؛ (ق: آ: تری) ۱۶-ق: آ: به) ۱۷-ق: مهتری ری ۱۸-ل ۲ (نیز ق ۲، و): سری؛ ب این بیت را ندارد؛ بنداری: و این کنت لا تأمنه فاترک بلاد فارس و ارجع الی خراسان و أقم فیها متریحا ۱۹-ل: ز راه دراز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ب این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم واصل الکتب الیه معتذرا حتی یرضی عنک؛ ک، ق ۲ پس از این بیت افزوده اند:
- چنانچون به پوزش نگردي سبک
 نگردي به اندیشه دل تنک (ک: گرانی دل شاه خاقان تنک)
 کنون دوست زونداري تو (ک: دوستی زوندارت) کس
 به پوزش دل شاه باز آر (ک: دلش نرم گردان و) بس
- ۲۰-ل: ن: آ: چو برداشت) ۲۱-ک: کس؛ (ق: آ: خروان نبرداشت از) ۲۲-س، ک، ل ۲ (نیز ب): که آزادفرخ؛ (ق: نیز لی - آ): که تا (آ: با) زادفرخ؛ متن = ل (پس از تصحیح راد به زاد) ۲۳-س (نیز ب): نبد (یا: بند = بنهد؟) ۲۴-ل: آ: بیاید به؛ ل: نهاد آن زمان رادفرخ به؛ ق: آ: که آمد همی زادفرخ به؛ س ۲ این بیت را ندارد ۲۵-ل ۲ (نیز لی، و): رادفرخ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶-ک: ز ۲۷-س: نامبردار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ س ۲ این بیت را ندارند ۲۸-ل: ز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل ۲ این بیت را ندارد؛ در س ۲ بیت های ۸۱۵-۸۱۸ در هم ریخته اند: ۸۱۸، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۵، ۲۹-س: بنده را (ل) ۳۰-ل در ل نقطه ندارد؛ (ل: آ: اگر)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۱-س (نیز ب): شهره (ب: بهره) را (ل)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲-ل، ق، ل، س ۲ (نیز ق ۲، و): این؛ متن = س، ک، ل (نیز لی، ن، آ، ب) ۳۳-ل: ک: گفت گوی؛ ق (نیز ل: ک): گفت گوی؛ (و: گفت و گو)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۴-ل: (لی: مرد را کم شود) ۳۵-ل: و: (و: رو)

نگویم^۳ که آن با^۲ خرد بود^۵ جفت! دل مردم پُرخرد^۹ کرد^{۱۱} کندا^{۱۱} که گفتار او با خرد یار بود، پدید آمد این^{۱۳} گردش روزگار، که بیدادگر بود و ناپاک‌رای، به بیداد بگرفت گیتی به مشت، که اندر جهان دیو شده^{۱۵} پادشا! ز توران بدان^{۱۷} گونه^{۱۸} بگذاشت^{۱۹} آب، به شمشیر ببرید و برگشت^{۲۰} کار! به ایران و^{۲۳} ویران^{۲۴} شد این^{۲۵} مرزوبوم! خور و خواب ایرانیان شد درشت^{۲۷} که گم کرد^{۲۸} ازین^{۲۹} بوم و بر نام^{۳۰} و نازا! جهاندار و از نامداران^{۳۱} سری، نگون شد سر^{۳۳} تخت^{۳۴} شاهنشهان^{۳۵} که اکنون به نوی^{۳۷} به ایران^{۳۸} رسید، سوی دشمنان شد ز دست^{۳۹} سپاه

خراسان^۱ سخن بر منش وار گفت
فرخ‌زاد^۶ بفرود^۷ گفتار تند^۸
۸۲۰ چهارم خزروان^{۱۲} سالار بود
که تا آفرید این جهان کردگار
ز ضحاک تازی نخست اندر آری
که جمشید بر ترمنش را بکشت
بر از درد پند مردم^{۱۴} پارسا
۸۲۵ دگر آنک^{۱۶} بدگوه‌رافراسیاب
به زاری سر نوذر نامدار
سدیگر^{۲۱} سکندر که آمد^{۲۲} ز روم
چو دارای^{۲۶} شمشیرزن را بکشت
چهارم چو ناپاک‌دل خوشنواز
۸۳۰ چو پیروزشاهی بلند اختر
بکشتند^{۳۷} هیتالیان ناگهان
کس اندر^{۳۶} جهان این شگفتی ندید
که بگریخت شاهی چو خسرو ز گاه

۱-س: خروزان؛ (لی: ب: سخندان)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲- (لی: بس: پ: ب: پر) ۳- ل: س: ۲ (نیز لی: ان: آ: ب: بگویم: در ل: س حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ق: ک (نیز لن: ق: ل: ۲، پ: و، ۱) ۴- س: س: آ: که با او: ک، ۱ (نیز آ: ب: آ: که او با: متن = ل: ق (نیز لن: ان: ۲) هق (نیز و): نیست؛ (آ: ب: باد)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۶- در ل حرف چهارم بی نقطه ۷- س: بنمود؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸- (ل: پند؛ و اوی) ۹- س: ل: ۲ (نیز ق: آ: لی: آ: ب: بی خرد؛ (لن: دل با خرد مردمان)؛ متن = ل: ک (نیز ل: ۳، پ: لن: ۲) ۱۰- س: (نیز ب: بود؛ (لی: گشت) ۱۱- (ل: ۳: بند؛ و نباشد به گفتار کس یار اوی) ۱۲- س: س: ۲ (نیز ق: ۲، و): خروزان: ق: خزروان که: ک، ل: ۲ (نیز لن: ل: ۲، پ: ب: خزروان؛ (لی: خراسان؛ لن: آ: خروزان)؛ متن = ل (نیز آ: ک، ق: آ: پس از این بیت افزوده‌اند:

چنین گفت آن مهتر پر ز داد
چو اندر سخن او (ق: آ: اندرزگویی) زبان برگشاد

۱۳- (لن: آن) ۱۴- ل: دیدم دل: (ل: ۲، پ: شد مردم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۵- ل: س: ل: ۲ (نیز لی: ب: بد؛ متن = ق: ک، س: ۲ (نیز لن: ل: ۲- ۱)؛ ق: آ: این بیت راندارد ۱۶- (ل: ۳، پ: لن: آ: آنکه) ۱۷- ق (نیز ق: آ: بر آن: (ل: ۲: به صد؛ و برین) ۱۸- س: ک، ل: ۲ (نیز لن: ل: ۳، پ: آ: ب: چاره؛ متن = ل: ق (نیز ق: ۲، پ: و) ۱۹- س: (نیز ب: بگرفت؛ ل: آ: بگشاد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- (ق: آ: برداشت) ۲۱- ل: (نیز لن: ق: ۲، لی: س: دیگر ۲۲- س: ل: ۲ (نیز لی: آ: ب: که اسکندر آمد؛ (ق: ۲، پ: که آمد سکندر)؛ متن = ل: ق: ک، س: ۲ (نیز لن: ل: ۲، و: لن: ۲) ۲۳- ل: ق: ل: ۲ (نیز لن: آ: جو) < ۲۴- (لی: توران) ۲۵- س: س: ۲ (نیز ق: ل: ۲، آ: ب: آن: ۲۶- س: (نیز لی: داراب (ل: ۱) ۲۷- (ب: به بیداد بگرفت گیتی به مشت (۱۳۳) ب، و پس از آن ۸۲۴ را دوباره آورده است)) ۲۸- (ق: آ: شد) ۲۹- ل: زین: (آ: از آن)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۰- ق: ل: ۲، س: (نیز لی: آ: ب: کام؛ (ل: بوم آرام)؛ متن = ل: ک (نیز لن: ق: ۲، پ: و، لن: ۲) ۳۱- س: ۲ (نیز ل: ۳: شهر یاران؛ س: ل: ۲ (نیز لی: آ: ب: چنان کر در شهر یاران (لی: آ: شهر یاری)؛ ق: ک (نیز لن: ق: ۲، پ: و، لن: ۲)؛ جهانگیر و از (ق: لن: آ: و ز) شهر یاران (ق: آ: نامداران)؛ متن = ل (پس از تصحیح وزب و واژ) ۳۲- ق: بیستند ۳۳- ق: ک (نیز لن: لی: پ: سر و ۳۴- در ل: ق: آ: حرف یکم بی نقطه؛ ل: آ: بخت؛ (لی: تاج) ۳۵- ل: (نیز ق: آ: شاه جهان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۶- ک: کسی در ۳۷- همه دستنویس ها: نویی ۳۸- ق: به ایران به نویی؛ س: آ: که آن هم کنون سوی ایران؛ پس از این بیت راندارد ۳۹- (لی: دشت؛ لن: آ: بیم)؛ س: بر شدت آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ پس از این بیت راندارد

ز گفتار او گشت بهرام زرد
 - میان بسته و تیغ هندی به دست-^۵
 بزرگست و^۷ با داد و^۸ روشن روان،
 بیاید ببندد کمر بر^{۱۰} میان،
 که گردست و^{۱۳} جنگاور^{۱۴} و نیکبخت^{۱۵}!
 بزد دست و تیغ از میان برکشید،
 اگر بازیابیم در برزنی،
 ز جانش برآرم دم رستخیز^{۱۹}!
 میان سواران سواری کند^{۲۰}!
 که سالار ناپاک^{۲۳} کرد آن منی^{۲۴}،
 یکی نوشخن دیگر آراستند^{۲۵}،
 سر نامداران^{۲۶} به پی بستیم!
 خردمندی و راستی^{۲۷} برگزید^{۲۸}،
 برآید^{۳۱}، بیازد^{۳۲} به شمشیر دست،

بگفت این و^۱ بنشست گریان بدرد^۲
 ۸۳۵ جهاندیده سنباد^۳ بر پای جست^۴
 چنین گفت کین نامور پهلوان
 کنون تا کسی از نژاد کیان
 همان به که این^{۱۱} برنشید به تخت^{۱۲}
 سر جنگیان کین^{۱۶} سخن ها شنید
 ۸۴۰ چنین گفت کز^{۱۷} تخم شاهان^{۱۸} زنی
 [بیزم سرش را به شمشیر تیز
 نماتم که کس تاجداری کند
 چو بشنید بابوی^{۲۱} گرد ارمنی^{۲۲}
 کشیدند شمشیر و برخاستند
 ۸۴۵ که بهرام شاهست و ما کهتریم
 کشیده چو بهرام شمشیر دید
 چنین گفت کان کو^{۲۹} ز جای^{۳۰} نشست

- ۱- (ق: ح) ۲- س، ل (نیز: ب)؛ ز درد؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ برخی دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س، ل، ۲، لی، ب: پادشاهی بهرام چوبینه یازده (لی: دوازده) ماه بود ۳- ل: سمان (حرف سوم نقطه ندارد) چو؛ س، ل (نیز: ب)؛ بسیار؛ ک: سباز؛ ق: سیاد؛ لی: بسیار؛ ل: سباز؛ پ: سینای؛ و: سمنای؛ ن: ۲: سیسار؛ آ: نیار؛ س: ۲: جهاندیده؛ نیز؛ متن = ق (نیز: ب، بنداری) ۴- س، ل (نیز: ن، پ، و): خاست؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵- س، ل (نیز: ن): برآست؛ ل (نیز: ب): همی گفت کین کارها نارواست؛ (و: کمر بر میان تیغ بر دست راست)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری (۸۱۳-۸۳۵)؛ ثم قام رجل یسمی شَبَّاذ و بیده السیف (= ۸۳۵) ۶- ک، ل، ۲، س، ل (نیز: ن، لی، ل، ۲، پ، ن، ق): مایه ور؛ (ق: ۲، و: کای نامور)؛ س (نیز: ب): که این گفت این مایه ور (ب: که این مایه بر)؛ متن = ل، ق (نیز: آ) ۷- ل، ق (نیز: ب): حو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۸- ل، ۲، س، آ: حو < ۹- س، ۲: روشن جوان؛ (و: با دانش بخردان) ۱۰- س (نیز: ب): نیاید نیندد کمر بر؛ ق: بیاید که بندد به شاهی؛ متن = ک، ل (نیز: ن، ل، ۲، و، ن، ۲، ل، پ، این بیت را ندارند ۱۱- ک، س، ۲ (نیز: ق، ۲، و، ن، ۲)؛ او: ۱۲- (و: گاه) ۱۳- ق: آ: گردیست) ۱۴- س، ل، ۲ (نیز: لی، آ، ب): ناماور؛ (ن: ۲: گنداور)؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز: ن، ق، ۲، ل، ۲، پ، و) ۱۵- (و: نیکخواه)؛ بنداری (۸۳۶-۸۳۸)؛ فقال: إن هذا البهلوان الکبیر القدر، الموصوف بسیرة العبد یقعده علی سریر الملک الی أن ینظر واحد من شجرة الکیان ۱۶- س- س، ۲ (نیز: ن، لی، ل، ۲، ن، ۲، آ، ب): کان؛ (ق: ۲: آن)؛ متن = ل (نیز: پ، و) ۱۷- ق: یگفتا که از ۱۸- (لی: نامداران) ۱۹- س، ک، ل، ۲، س، ۲، ن، لی، ب: این بیت را ندارند؛ متن = ل، ق (نیز: ق) ۲۰- بنداری (۸۳۹-۸۴۲): فانه أولی بالجلوس علیه من فلانة و فلانة ۲۱- ل، ۲ (نیز: ن، ل، ۲، ن، ۲): بانوی؛ در ل، س، ۲، و حرفهای یکم و سوم نقطه ندارند؛ ق: انبوه؛ (ل، ۲، لی، آ، ب): سالار)؛ متن = ک (نیز: ب، بنداری؛ در ک حرف یکم نقطه ندارد) ۲۲- (لی: آ: آن منی؛ ق: ۲: چو دیدند کردار آمر منی) ۲۳- (ل، ۲، ن، ۲، آ، ب): ناپاک) ۲۴- ق: بد امر منی (ل)؛ (لی: این منی)؛ س بجای این بیت افزوده است: چو بشنید لشکر ازیشان سخن که افکند سالار بی باک بن ۲۵- س، ک، ل، ۲، ۲ (نیز: ن، لی، ل، ۲، پ، ن، ۲، آ، ب): گفتن آراستند؛ (ق: ۲، و: را بیاراستند)؛ متن = ل، ق، ۲۶- ل (نیز: ق، ۲): دشمنان را؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری (۸۴۲-۸۴۵): فوثب بابویه الأرمینی، و سلّ سیفه مع آخرین و قالوا: إن بهرام هو الملک المطاع، و نحن له الأتباع و الأشیاع. و من خالف أمره فلا نخاطبه إلا بالسیوف القواصل و الرماح العواصل ۲۷- (لی: خامشی) ۲۸- (ق: ۲، پ: زیر دید)؛ بنداری: فخاف بهرام أن تبدر منهم حركة فاستعمل الرأی و العقل ۲۹- ل: کاکتون؛ (ن، ن، ۲: آن کو)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰- (و: ز بهر) ۳۱- ک، س، ۲: برآرد؛ (و: بیاید) ۳۲- ل: تنازد (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق: نیازد؛ ل، ۲ (نیز: ب): بیارد؛ (ق: ۲: بیازد (حرف یکم نقطه ندارد))؛ متن = س، ک، س، ۲ (نیز: ن، لی، آ)

هشیوار^۲ گردد سر مست اوی^۱
 بیامد سوی^۴ گلشن شادگان^۵
 همه رخ بر از رنگ^۷ و دل پُرشکن!
 درفشان^۸ شد اختر به چرخ اندرون^۹
 قلم خواست^{۱۱} بهرام و قرطاس خواست^{۱۲}
 دویت^{۱۴} و قلم پیش دانا نهاد^{۱۷}
 ببايد نبشتن^{۱۹} برین پرنیان^{۲۰}
 سزاوار تاجست^{۲۳} و زیبایی^{۲۴} تخت^{۲۵}
 چه در^{۲۷} آشکار^{۲۸} چه اندر نهان!
 شب تیره بانديشه بگذاشتند

بیزم هم اندر زمان دست اوی^۱
 بگفت این و از^۳ پیش آزادگان
 ۸۵۰ پراکنده گشت آن^۶ بزرگانجمن
 چو پیدا شد آن چادر قیرگون
 چو آواز دارندهی پاس^{۱۱} خاست
 بیامد دبیری^{۱۳} خردمند و^{۱۴} راد^{۱۵}
 بدو گفت عهدی ز ایرانیان^{۱۸}
 ۸۵۵ که بهرام شاهست و^{۲۱} پیروزیخت^{۲۲}
 نجوید جز از^{۲۶} راستی در جهان
 نبشته^{۲۹} شد آن^{۳۰}، شمع^{۳۱} برداشتند^{۳۲}

گفتار اندر پادشاهی بهرام چوبین^{۳۳}

چو پنهان^{۳۴} شد آن چادر لاژورد^{۳۵} جهان شد ز دیدار خورشید^{۳۶} زرد،

۱-ل-۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): او؛ متن = س (نیز لن، ق، آ، پ، ن، آ) ۲-س، ل (نیز لی، آ، ب): به (لی: نه؛ آ: که) هشیار؛ بنداری: و: قال: کل
 من يتحرک من مکانه و لا یرد سیفه الی غلافه امرت بقطع یده، و فرقت بین رأسه و جسدہ ۳-ق (نیز لن): و ز ۴-س، ل (نیز ب):
 بر ۵-ل، ق (نیز و): سادگان؛ (پ: شایگان؛ ن: آ: شادکام)؛ س: آ: گلشن سادگان؛ (ل: آ: به: سوی کنش شادمان) ۶-ا: (این: ۷-ل، ک، س، آ
 (نیز لن-ن: آ): پر آژنگ؛ متن = س-ل (نیز آ، ب): بنداری: فارتدعوا، و قام من المجلس مغضبا و تفرق الحاضرون ۸-س-س (نیز لن،
 لی، ل، و، ب): درخشان؛ (پ: درفش!؛ متن = ل (نیز ق) ۹-ق، ک (نیز لن، ل، آ، و، ن، آ): به رنگ اندرون؛ س: آ: بزندان (حرف سوم
 بی نقطه) درون؛ متن = ل، س، ل (نیز ق، آ، پ، آ، ب) ۱۰-ق: بار؛ ل: آ: بر پای ۱۱-ا: (آ: خاست) ۱۲-ق: قلم و خواست و قرطاس و
 بنارخواست (!) ۱۳-ل، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، آ): دبیر؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، ل، آ، پ، ن، آ، ب) ۱۴-س، ق، ک (نیز ق، آ، لی، ن، آ، ب): حو؛
 متن = ل، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، پ، آ) ۱۵-و: دبیر خردمند آمد چو باد) ۱۶-ل-ل-س (نیز ق، آ، لی، پ، و، ن، آ، ب): دوات؛ متن = (ل، ل، آ، ب)
 ۱۷-س: آ: او بر نهاد ۱۸-س (نیز ب): به ایران زبان؛ ل: آ: به ایران و یان؛ (لی: به ایران زمان؛ آ: به ایرانیان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹-ل،
 س، ق، ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، ب): نوشتن؛ متن = ک (نیز ق، آ، لی، پ) ۲۰-س، ل (نیز لی، آ، ب): به (لی: آ: ز) ایرانیان؛ (ن: بدین پرنیان)؛
 متن = ل، ق، ک، س (نیز ق، آ، ل، آ، پ): و: نوشت از بر پرنیان؛ ن: آ: نوشتت بر پرنیان) ۲۱-ق (نیز ق، آ، ل، آ): حو ۲۲-ا: (شاه) ۲۳-و:
 شاهی) ۲۴-ل (آ: پیروزه) ۲۵-ا: (گاه) ۲۶-و: (بجز) ۲۷-س، ک، ل (نیز ن، آ): بر؛ متن = ل، ق (نیز ب) ۲۸-س، ق، ک (نیز لن، ق، آ، لی، پ،
 ب): آشکارا؛ متن = ل، ل (نیز ل، آ، و، ن، آ، ل، آ): در س بجای این بیت، بیت ۸۵۹ آمده است؛ بنداری (۸۵۶-۸۵۱): و لما أمسی استحضر
 الکاتب و أمر أن یکتب کتابا مضمونا أن بهرام هو السلطان المستحق للتاج و التخت، السالک سبیل الرأفة و العدل ۲۹-ل، س، ق (نیز و،
 ن، آ، ب): نوشته؛ متن = ک، ل، آ، س (نیز لن-پ، آ) ۳۰-س، ک، ل (نیز لن، ق، آ، لی، ب): این؛ و: (پ، و، و)؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، ل، آ، ب)
 ۳۱-س (نیز ب): عهد و؛ س: شمع و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲-ل: آ: بگذاشتند؛ در ق این بیت بابت سپین پس و پیش شده
 است ۳۳-ل: پادشاهی بهرام چوبین به ایران ده ماه؛ ق: پادشاهی بهرام چوبین در ایران به عهد خسرو که او به روم استظهار نموده بود
 یازده ماه بود؛ ک: پادشاهی بهرام به ایران دو ماه (در دستنویس های دیگر: لن، ل، آ، پ: یکسال؛ ق: آ: یکسال و نیم؛ و: یازده سال؛ ن: آ: دو
 سال؛ آ: نه ماه) بود ۳۴-ل، ق (نیز ق، آ): پیدا؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۵-س، ق، ل، آ، س (نیز لن-ل، آ، ب): لا؛ جورد؛ متن = ل، ک (نیز
 پ، و، ن، آ) ۳۶-ک: خورشید؛ س (نیز لی): بگردار یاقوت؛ ل (نیز آ، ب): بگردار خورشید؛ ق: ز خور همچو دبیبی؛ متن = ل، س (نیز لن،
 ق، ل، آ، ب، ن، آ)

اگر کز باشید^۳، اگر^۴ راستان^۵،
چهارم جو از چرخ^۷ گیتی فروز،
برین بوم و بر^{۱۰} بیش ازین مغنوید^{۱۱}!
که پردخته^{۱۴} از تو مبادا زمین!
بران^{۱۶} پادشاهی^{۱۷} دلش^{۱۸} خسته بود،
پراگنده گشتند از آبادبوم^{۲۲}!

به زندان بهرام هفتاد^{۲۳} روز
کزان^{۲۴} بند^{۲۵} او نیک^{۲۶} ناکام^{۲۷} بود
به بنداندر از چاره^{۲۸} نشکفتی،
اگر^{۲۹} تیره شد^{۳۰} روز، گردد سپید^{۳۱}!
چو شد^{۳۳} بخت^{۳۲} پیروز با خوشنواز^{۳۴}،
بیخشود^{۳۵} و گیتی بدو^{۳۶} باز داد،
چه^{۳۸} اندیشد^{۳۹} این^{۴۰} مردم نیکبخت!

کسی کو برین^۱ نیست همداستان^۲
به ایران مباشد^۶ بیش از سه روز؛
برآید، همه نزد^۸ خسرو شوید
نه^{۱۲} از دل - برو^{۱۳} خواندند آفرین
هر آنکس که با^{۱۵} شاه پیوسته بود
برفتند از آن^{۱۹} بوم^{۲۰} تا مرز^{۲۱} روم

همی بود بندوی بسته چو یوز
نگهبان بندوی بهرام بود
وُرا نیز بندوی بفریفتی
که از شاه ایران مشو نامید
اگر چه شود بخت^{۳۲} او دیرساز
جهان آفرین بر تن کعباد
نماند به بهرام هم^{۳۷} تاج و تخت

۱-ق، س (نیز لن، ل، ن، آ، ب، بدین ۲-س (نیز ب)؛ کو نیشند این داستان؛ (لی، آ: کو به نپسندد این داستان) ۳-س، ق، ک (نیز لن، ق، آ، ن (آ)؛ باشد؛ (لی، گویند؛ ل، آ، ب، باشند؛ و؛ بود)؛ متن = ل ۴-ق؛ و؛ گرس (ل)؛ ک (نیز ق، آ، ن، آ)؛ ک؛ از؛ (لن: از؛ ل، آ؛ ک؛ و؛ ورچه از)؛ متن = ل، س (نیز لی، پ، آ، ب)؛ س؛ اگر از کز بود او وراز ۵-س؛ راست آن ۶-ل؛ نباشید؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷-س (نیز ق، آ، لی، آ، ب)؛ چو بفروخت؛ ق؛ چو خورشید؛ متن = ل، ک، س (نیز لن، ل، آ، ن (آ) ۸-س (نیز لی، آ، ب)؛ برانید و نزدیک؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹- (ن: به این؛ لی، و؛ آ؛ بدین) ۱۰- (و؛ مرز بر) ۱۱- (ل، آ؛ نغنوید)؛ بنداری (۸۶۹-۸۷۲)؛ ثم قال: قد ارتفع القتل و القتال من البین؛ کل من لیس راضیا بسلطاننا فلیخرج من هذه الممالک، و لا یقیمن أكثر من ثلاثة أيام، و لیلحق بکسری فی بلاد الروم؛ ک، ق، آ پس از بیت ۸۷۳ افزوده اند:

ازین (ق: آ: از آن) پس به ایران چو زایشان کسی
۱۲-س (نیز لی، ب)؛ هم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳- (آ: همه موبدان) ۱۴- (لی: پردخت)؛ بنداری؛ فدعاه الحاضرون عن قلوب غیر مخلصه، و اثنوا علیه عن ضمانت غیر صافیة ۱۵-س، ق، ک، س (نیز لن، پ، آ، ب، ل، آ، آ، ب)؛ در؛ متن = ل ۱۶-ق، ک، س (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب)؛ بدان؛ متن = ل، س (نیز ل، آ، ب، ب) ۱۷-س؛ فر شاهی؛ ق؛ شاهی او؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸- (لن: پادشاهیش دل) ۱۹-ل؛ زان؛ س؛ ازین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰-ق (نیز لی، و، آ، ب)؛ مرز ۲۱- (و؛ بوم) ۲۲-س، ق، ک (نیز لن، پ، آ، ب)؛ از آن مرز ک، ل، آ؛ زاد؛ ق؛ جای؛ لن؛ از آباد) و بوم؛ متن = ل، س (نیز و؛ ل؛ ز)؛ بنداری؛ فقاموا من المجلس، و توجه الی بلاد الروم کل من کان من المتصلین بپرویز، مفارقا دیاره و مهاجرا او طانه ۲۳-ل؛ تا هفت؛ س (نیز لن، آ، ب)؛ هشتاد؛ ق؛ بنا کاکم بندو بنا کاکم؛ متن = ک، س (نیز لن، و، آ)؛ بنداری؛ و اما بندویه خال بروز فانه بقی فی حبس بهرام بن سیاوش سبعین یوما ۲۴-س، ق، ک، س (نیز لن، ب)؛ که از؛ متن = ل ۲۵- (ن، آ)؛ بخت؛ ب؛ بند ۲۶-س، ق، ک، س (نیز لن، ب)؛ سخت؛ متن = ل ۲۷- (لی: با کاکم؛ و؛ بی کام) ۲۸- (ق، آ؛ جای؛ لن، آ؛ جاه) ۲۹-ک؛ که این؛ ق؛ آ؛ که از) ۳۰-ک، س (نیز لن، پ، لن، آ، آ، ب)؛ شب؛ متن = ل، ق (نیز و) ۳۱- (لی، و؛ لن، آ؛ سفید) ۳۲- (آ: خود شود تخت) ۳۳-ل؛ شود؛ س؛ چو هم؛ (لن، آ؛ بند؛ ب؛ چو بد)؛ متن = س (نیز لن، و، آ) ۳۴-ق؛ و خاطر نواز؛ ک؛ بدو باز گردد بزرگی و ناز (و سپس افزوده است؛ چو شد کار پیروز با خوش نواز) ۳۵-ل، س، ق، س (نیز لی، و، آ، ب)؛ بیخشید؛ متن = ک (نیز لن، ق، آ؛ جای؛ لن، آ، ب) ۳۶-س (نیز ب)؛ به وی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۷-ک؛ این؛ (لی: بر) ۳۸-ق، ک، س (نیز لن، ل، و، آ)؛ چو؛ متن = ل، س (نیز لی، پ، لن، آ، ب) ۳۹- (ق: آ؛ بر اندیشه) ۴۰- (ل، آ؛ آن)

بگفت این^۱ و شمشیر کین برکشید

سراپای^۲ او پاک^۳ بر هم درید!

چو بندوی از آن^۴ کشتن آگاه شد
 بپوشید پس^۶ جوشن^۷ و برنشست
 ۹۳۰ ابا چند کس رفت ترسان به راه^۹
 گرفتند^{۱۳} از آن شهر^{۱۴} راه گریز
 به منزل^{۱۶} رسیدند و^{۱۷} بفرود^{۱۸} خیل

برو^۵ تابش روز کوتاه شد!
 میان^۸ یلی لرزلرزان^۸ بیست،
 گریزان شد^{۱۰} از بیم^{۱۱} بهرام شاه^{۱۲}،
 بدان تا نبیند کسی^{۱۵} رستخیز،
 گرفتند تازان^{۱۹} رو اردبیل^{۲۰}

ز میدان چو بهرام بیرون کشید
 و زان^{۲۲} پس بفرمود^{۲۳} مهروی^{۲۴} را
 ۹۳۵ به بهرام گفتند کای^{۲۶} شهریار
 که او^{۲۷} چون ازین کشتن^{۲۸} آگاه شد
 پشیمان شد از کشتن یار خویش
 چنین گفت کانکس^{۳۳} که دشمن زدوست

همی دامن از خشم در خون کشید^{۲۱}!
 که باشد نگهدار^{۲۵} بندوی را
 دلت را به بندوی رنجه مدار!
 همانا که^{۲۹} با باد همراه شد!
 کزان^{۳۰} تیره^{۳۱} دانست^{۳۲} بازار خویش
 نداند، مبادا^{۳۳} ورا^{۳۵} مغز و پوست:

۱-س (نیز ب): برد دست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-ق (نیز ق ۲، و): سرو پای ۳-س (نیز لی، آ، ب): جمله؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ فامر به فتاوشه السیوف حتی طارت أشلاؤه، و تفرقت أعضاء؛ س در اینجا سرنویس دارد: گریختن بندوی از بند بهرام چوبینه؛ ک، ق ۲ پس از بیت ۹۲۷ افزوده‌اند:

که بهرام اندرون آگهی فاش گشت
 به شهر اندرون آگهی فاش گشت
 که بهرام کشته شد و درگذشت
 (ق ۲: شد کشته ناگه به دشت)

۴-ل، س، ق: زان؛ س: از؛ متن = ک (نیز لن، ب) ۵-ه (لی: بدو) ۶-س، ق، ک (نیز لن، و، لن، ب): نو؛ متن = ل (نیز ق ۲، پ، آ) ۷-س: آ: بپوشید جوشن بر ۸-ل: لرز و لرزان؛ ق: تاختن را؛ (ق ۲: میان تاختن را از آن پس)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹-ل: تن رفت لرزان براه؛ ک: مهتر ز ایرانیان؛ (ق ۲: کس رفت بر شاه راه)؛ س (نیز لی، و، آ، ب): ابا هر که (ب: آنک) پیوند بهرام بود؛ متن = (ل ۱۰-ق: وی ۲، ق: ۲)؛ (ق ۲: گریزان ز شمشیر) ۱۲-س (نیز لی، و، آ، ب): کسی کش به بندوی آرام بود؛ ک: بیستند از بهر خسرو میان؛ متن = (ه، ق: ۲)؛ س: لن، ل، پ، لن ۲ این بیت را ندارند؛ بنداری (۹۲۸-۹۳۰): و علم بندویه بالحال فلبس السلاح و رکب من ساعته و أفلت فی خف من أصحابه ۱۳-ل (نیز ب): گرفت او؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۴-ل (ن: کاخ)؛ س (نیز ب): برفتند یکسر به راه ۱۵-ق (پ: ازو؛ و: نبینند کس)؛ ل: بدان نبیند ازو (!)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶-س (نیز لی، آ، ب): میدان ۱۷-ق، ک (نیز لن، و): جو؛ (پ: رسید او و) ۱۸-س (نیز ب): بفروخت؛ س: همی خیل؛ (ق ۲: رسید او بیفرود) ۱۹-پ (از آن ره) ۲۰-ک، س: ۲ (نیز لن، ق، پ، و): اردویل؛ بنداری؛ و: أسرع فی الحرب و سلک طریق آذربایجان حتی اتصل بموسیل صاحب الأرمین ۲۱-ق ۲ پس از این بیت و لی پس از بیت ۹۳۶ افزوده‌اند:

بدانست کان کار بندوی بود
 که بهرام شد کشته زان چاره زود

۲۲-ل (نیز ق ۲، لی، پ، آ): از آن؛ متن = ق، ک، س ۲ (نیز لن، ل، و، لن، آ) ۲۳-س (نیز ب): چنین گفت بهرام ۲۴-ق: کندوی ۲۵-س، ق، ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل، آ، پ، ب): نگهبان؛ متن = ل (نیز لن، ب، و، لن، آ)؛ بنداری؛ و لما عاد جوبین الی ایوانه أمر بعض أصحابه بأن یحرس بندویه و یحفظه ۲۶-ق (نیز لن): ای ۲۷-ق: وی ۲۸-س (نیز آ، ب): ز بهرام؛ (و: از آن کشتن)؛ ک، س: ۲؛ چون او ازین کشته (س ۲: کشتن)؛ (لی: که چون او ز بهرام)؛ متن = ل، ق (نیز لن، ق، ل، پ، لن، آ) ۲۹-ق: همان لحظه؛ بنداری: فقیل إنه هرب ۳۰-ل (ن: کزو؛ ق ۲، لی، ل، آ: از آن؛ و: وزان) ۳۱-ه (لی: نیز) ۳۲-ل (دانش)؛ ق، ب این بیت را ندارند ۳۳-س، ق (نیز لن، آ، ب): آنکس؛ متن = ل، ک، ل، س ۲ (نیز ق ۲، لن، آ) ۳۴-ب (مبادش) ۳۵-ق (نیز پ): ازو

دگر^۱ ایمن از موج دریای نیل،
 چهارم که^۵ بگرفت بازوی شیر،
 کزیشان بیچد سر^۶ روزگار!
 بدان^۹ یارگر خواهد^{۱۰} انبوه راه،
 و زان رنج تن باد در^{۱۳} پنجه داشت!
 به آید که بر^{۱۵} کار کردن^{۱۶} شتاب!
 شوی خیره زو^{۲۰} بازگردی به خشم!
 بماند^{۲۲} به راه دراز اندرون!
 شد او کشته و ازدها شد^{۲۴} رها!
 از آن خوردنش درد و مرگست^{۲۶} بهر!
 ز دستم رها شد، در چاره جست^{۲۸}!
 ببینم^{۳۱} تا رای^{۳۲} یزدان به چیست!

چو باد دمان^{۳۵} برگرفتند راه
 به راهی^{۳۷} که مویشیل^{۳۸} رفت^{۳۹} ارمنی

یکی خفته بر تیغ دندان پیل،
 ۹۴۰ سیم^۲ آنک بر^۳ پادشا شد^۴ دلیر،
 ببخشای بر جان این هر چهار
 دگر هرک^۷ جنباند او کوه را^۸
 تن خویشتن را^{۱۱} بدان^{۱۲} رنجه داشت
 به کشتی ویران^{۱۴} گذشتن بر آب
 ۹۴۵ وگر^{۱۷} چشمه^{۱۸} خواهی^{۱۹} که بینی به چشم
 کسی را کجا کور بُد^{۲۱} رهنمون
 هر آنکس که گیرد به دست^{۲۳} ازدها
 وگر^{۲۵} آزمون را کسی خورد زهر
 نکشتم^{۲۷} بندوی را از نخست
 ۹۵۰ برین^{۲۹} کرده‌ی خویش باید^{۳۰} گریست

و زان^{۳۳} روی^{۳۴} بندوی و اندک سپاه
 همی برد هر کس که بُد بردنی^{۳۶}

۱-ل (نیز لی): یکی؛ (پ: وگر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق بیت‌های ۹۳۹-۹۴۸ را ندارد ۲-ل، ک، ج، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، آ):
 دگر؛ س: سوم؛ (لی: سیوم؛ ب: ستوم)؛ متن تصحیح قیاسی است ۳-س (نیز ب): با؛ (لن ۲: آنکه بر) ۴-س، ل ۲ (نیز ق، ۲، لی، ب):
 پادشاهی؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ل ۳-آ): ۵- (ا: چو: ل ۲: دگر آنکه) ۶-ک: سراز؛ (ق: ۲: همی)؛ در پ این بیت پس از بیت ۹۴۲ و در ق ۲
 پس از بیت ۹۴۳ آمده است ۷-ک: آنک؛ ل ۲ (نیز لن-لن ۲): هر که؛ (ا: آنکه؛ ب: هر چه)؛ متن = ل، س، ۸- (ب: بنیاد او کوه بود) ۹-ل
 (نیز آ، ب): بران؛ (لی: همه)؛ متن = س، س، ل ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، لن ۲): ۱۰-س: باز گردد به؛ (ق: ۲: تا که را خواند؛ پ: آ: یار اگر خواهد؛ و:
 بارگی خواهد؛ متن = ک، ل ۲ (نیز لن، لی، ل، ۳، لن ۲، ب)؛ س ۱۱- (ل: خویش را او) ۱۲- (لن ۲: بدین) ۱۳- (و: رنجه در
 تن بدو؛ لی: دگر آنک با آهنین)؛ در لی لت‌های این بیت پس و پیش شده است؛ ب این بیت را ندارد ۱۴- (ق: ۲: سپهر از (ل): ب: و
 ویران) ۱۵-س: ازین؛ ک، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، لن ۲): چو در: ۲: از آن؛ (پ، و، لن ۲: که در)؛ متن = ل (نیز ل ۳) ۱۶- (ق: ۲: آب کردن؛ لی: ز موالیدن
 اندر (ل): ب: به از کار کردن بود در) ۱۷-ل: اگر؛ (لن: دگر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ک: چشم؛ (ل ۳: شید) ۱۹- (ا: خواهم)
 ۲۰- (ق: ۲، ل، ۳، و): س: سوی خیره رو؛ ک: سوی خیرگی؛ متن = ل، ل ۲ (نیز لن، لی، پ، ب)؛ س ۲ این بیت را ندارد ۲۱- (ق: ۲: کو بود؛ لن ۲: او
 بود؛ آ: کوید)؛ س: کجا بر کسی کوسر (مکور شد) ۲۲- (ق: ۲: نماند) ۲۳- (ق: ۲: که بر دست بر؛ ب: که بر دست آن) ۲۴-ل، س، ۲: زو؛ س
 (نیز ب): شد از کینه بر ازدها راه؛ متن = ک، ل ۲ (نیز لن ۱-آ): ۲۵- (و: اگر) ۲۶-س: مرگ و دردست؛ (ب: دردسر گشت)؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۲۷-ک (نیز لی): بکشتم ۲۸-س ۲ (نیز لن، لن ۲، ل، ۳، لن ۲): ره چاره جست؛ (لی: در جان بجست)؛ س (نیز ب): رهانید در
 خاک (ب: و از جای) جست؛ ل ۳: رهانید و ز جان بجست؛ (ل ۳: رها شد ز دستم ره چاره جست)؛ متن = ل، ک، ق، ک (نیز ق، ۲، پ، و؛ ه، لن،
 ل ۳) ۲۹- (ل، لن، لی، ل ۳: بدین) ۳۰-ق: خود باید ۳۱-س (نیز ق، ۲، ب): ببینم که؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲- (ل ۳: راه)؛ پنداری
 (۹۳۷-۹۵۰): فعض علی یده حیث لم یقتله فی الأول فارعا سن الندم علی معاجلة ابن سیاوش بالقتل. و قال متحلا: لأن ترکیب
 السفینة المنکسرة فی البحر خیر من أن تعجل فی أمر. ثم قال أيضا: من أمسک الثعبان فی یده هلك، وأفلت الثعبان ولا یدری آی سبیل
 سلک (۹۴۹، ۹۳۷، ۹۴۴، ۹۴۷) ۳۳-ک: وزین ۳۴- (ق: ۲: جزوی) ۳۵-ک: بزآن؛ س ۲ این بیت را ندارد ۳۶-ق: خوردنی؛ ک: همی بد
 دهر کس کند بردنی (ل) ۳۷-س: بر آیین؛ (ق: ۲: به جای) ۳۸-س: ب: موسیل؛ متن = ل ۳۹-ل (نیز ل ۳): بود؛ س، ۲ (نیز ق، ۲، و؛ بد؛
 متن = س، ک، ل ۲ (نیز لن، لی، پ، لن ۲، آ، ب)

سراپرده‌یی دید^۴ جای^۵ زده
هم آب روان یافت^۹، هم خوردنی
سوی مرغزاران خرامید و تفت^{۱۱}
بگفت آن سخن‌ها که بودش، براز^{۱۳}
که آگاهی آید تو را^{۱۶} نو به نو^{۱۷}،
همی آشتی نو کند، گر^{۱۹} نبرد؟
و زان^{۲۱} دشت^{۲۲} یاران خود را بخواند

بیابان بی‌راه^۱ و جای^۲ دده^۳
نگه کرد موشیل^۶ بود^۷ ارمنی^۸
۹۵۵ جهانجوی بندوی تنها^{۱۰} برفت
چو موشیل^{۱۲} را دید بردش نماز
بدو گفت موشیل^{۱۴} از ایدر مرو^{۱۵}
که با^{۱۸} روم آباد خسرو چه کرد
چو بشنید بندوی آنجا بماند^{۲۰}

نه آب و گیا بود و نه رهنمون
همی‌راند^{۲۸} ناکام^{۲۹} تا باهله

۹۶۰ همی‌تاخت^{۲۳} خسرو^{۲۴} به پیش‌اندرون
عنان^{۲۵} را بدان^{۲۶} باره^{۲۷} کرده یله

۱-س: بی‌اسب؛ ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، لی، لن، ۲، ب): بی‌آب؛ ک: و بی‌آب؛ (آ: بی‌جاء)؛ متن = ل ۳-س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، لی، لن، ۲، ب): راه؛ متن = ل، ق (نیز آ) ۳- (لی: دراز) ((۴-ق: بود؛ س، ک، ل، ۲ (نیز لن، ۳، و، ب): سراپرده دیدند؛ متن = ل، س، ۲ (نیز لی، پ) ۵-س: چادر؛ ق ۲ این بیت را ندارد ۶-س: ۲ (نیز لن، لی، ب): موسیل؛ متن = ل ۷-س (نیز ب): و دید؛ ق، ک، س، ۲ (نیز لن، ۳، پ، لن، ۲، آ): بد؛ ل (نیز لی، و): دید؛ متن = ل ۸- (لی: آن منی) ۹-س، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ب): یافت و؛ (ل: ۳، بود و)؛ متن = ل، ق، ک (نیز لی، پ، ب، آ): ق ۲ این بیت را ندارد ۱۰-س ۲ (نیز پ): پنهان؛ س (نیز لی، ب): چو بندوی آن (لی: را) دید ز (ب: از) آنجا؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱-ل، ق (نیز و): سوی خیمه‌ها (و: خیمه‌اش) روی بنهاد (ل: پنهاد) و تفت؛ س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، پ، آ، ب): سوی (لن، لی، لن، ۲: بدان) مرغزاری (س، لی: مرغزاران؛ لن، لن، ۲: سیزه اندر) خرامید (ک، لن، پ، لن، ۲: شتابید؛ س، ل، ۳: شتابید و؛ آ: که او بود) تفت؛ متن = س (با افزودن حرف و) ۱۲-س: ب: موسیل؛ متن = ل ۱۳-ق (نیز پ، و، آ): دراز؛ س: بودیش راز؛ ل: بگفتند با او زمانی دراز؛ متن = ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ل، ۳، لن، ۲، ب): ۱۴-س: ب: موسیل؛ متن = ل ۱۵- (ل: ۳، مرز) ۱۶-س (نیز ب): آمده‌می؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷- (ل: ۳، نژ) ۱۸-ل (نیز ق، ۲، پ، و): در؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-س: س: ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، لن، ۲، ب): یا؛ (لی: یا؛ آ: راکند یا)؛ متن = ل ۲۰-س، ل، ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، پ، لن، ۲، ب): از (لی: ز) آنجا براند؛ (و: بر جاماند)؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز ل) ۲۱-س (نیز ق، ۲، ب): از آن ۲۲- (لی: دشت)؛ ق: همان نیز؛ بندوی بیت‌های ۹۵۱-۹۵۹ را ندارد؛ ل، ک پس از بیت ۹۵۹ سرنویس دارند، ل: رسیدن بندو بنزدیک موسیل ارمنی؛ ک: رسیدن خسرو به روم؛ برخی از دستنویس‌ها پس از بیت ۹۵۹ بیت‌هایی افزوده‌اند، ل، پ (ق ۲ پس از بیت ۹۶۰):

چو خسرو به سوی (پ، ق، ۲: بنزد) بیابان رسید	همی‌تاخت رخساره چون شنبلیله
وزان روی خسرو به پشت هیون	همی‌تاخت بی آب و بی رهنمون
ز کردار خسرو بگویم کتون	بدانکه که بگریخت از طیسفون (ق: ۲: طیسفون)
همه (و: همان) لشکر او یکان و دوکان	برفتند نزدیک او تازنان (و: تا آذرآبادگان)
ابا مردم خویش شد سوی روم	برانسان (براه) بیابان و آن (وزان، دراز) خشک‌بوم
۳: وزان روی خسرو کزینجا براند	همه شب همی نام یزدان بخواند

۲۳-س، ل، ۲ (نیز لی، ب): رفت؛ متن = ق، ک (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، و، لن، ۲، آ): ۲۴-ل: بزرگان ایران؛ پ این بیت را ندارد؛ ل پس از این بیت افزوده است:

و زانجا همی‌رفت تا مرز روم به راه بیابان در آن خشک‌بوم (۹۵۹-پ)
۲۵- (لن: جان!) ۲۶-س (نیز ب): بان؛ ق (نیز آ): بران؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷-س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، ب): اسب؛ (لی: آب - اسب)؛ متن = ل ۲۸-ق: تاخت؛ (ق: ۲: رفت) ۲۹-س، ق، ل، ۲ (نیز لی، پ، ب): ناگاه؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، و، لن، ۲، آ):

هر آنکس که ش^۱ از مردمی بود^۲ بهر
بدان^۳ شهر^۴ لشکر^۵ فرود آورید
نوندی^۶ بیامد از ایران^۸ دمان^۹،
همان^{۱۰} نامه پوشیده^{۱۱} در جامه^{۱۲} داشت،
که گر لشکر^{۱۶} آید مکنشان^{۱۷} یله^{۱۸}،
به شهر تو آید زمان تا زمان!
هم اندر زمان پیش خسرو دوید^{۲۱}
ز کار جهان در^{۲۲} شگفتی بماند
بدان^{۲۵} ماندگی^{۲۶} تنگدل گشت^{۲۷} شاه
میان کیی^{۲۹} تاختن را بیست!
- ندید اندر آن پادشاهی ثبات^{۳۱} -
یکی بیشه دیدند و آب روان
سپه را بدان^{۳۲} بیشه^{۳۵} اندرکشید!
کمان را به زه کرد و^{۳۷} نخچیر جست!
درخت و گیا بود و آب روان

پذیره شدندش بزرگان شهر
چو خسرو بنزدیک ایشان رسید
همان چون فرود آمد اندر زمان^۶
۹۶۵ ز بهرام چوبین یکی نامه داشت
نشته^{۱۳} سوی^{۱۴} مهتر^{۱۵} باهله
سپاه من^{۱۹} اینک پس اندر دمان
چو مهتر بر آن گونه بر^{۲۰} نامه دید
چو خسرو نگه کرد و نامه بخواند
۹۷۰ بترسید^{۲۳} کاید پس^{۲۴} او سپاه
از آن شهر هم در زمان برنشست^{۲۸}
همی تاخت^{۳۰} تا پیش آب فرات
شده گرسنه مرد پیر^{۳۲} و جوان
چو بسطام نخچیرگر^{۳۳} بیشه دید
۹۷۵ شده گرسنه مرد^{۳۶} ناهار و سست
ندیدند چیزی به جای^{۳۸} دوان

۱-ک.س.۲ (نیز ل.۳.و.)؛ که؛ ل (نیز ق.۲.پ.)؛ کسی را که (ل)؛ متن = س.ق.ل.۲ (نیز ل.ن.لی.ن.آ.۲.ب.) ۲-س.۲ (نیز ل.۳.و.)؛ داشت ۳-ل.بران؛
ق.بدو؛ ک.ل.۲ (نیز آ.)؛ بدین؛ متن = س.س.۲ (نیز ق.۲.ن.۲.ب.) ۴-ق.بوم؛ (لن: به بیرون) ۵-(ب: لشکر)؛ بنداری (۹۶۳-۹۶۰)؛ عاد
الحدیث الی ذکر برویز. قال: ولما خرج برویز من الدیر أخذ طریق البریة الی لاماء فیها ولا مرعی، وأرخی عنان فرسه، و سار بمن
معه من أصحابه الی أن وصل الی مدینة فتلقاء أهلها واحترموه، وأعزوا مقدمه وأکرموه. فنزل برویز عدل، ل.۲.میان؛ (ق.۲.آمدند در
زمان)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷-ل.۲.نوبدی ۸-ق (نیز ل.ن.آ.۲.ب.)؛ ز (آ: به) ایران؛ س.ل.۲ (نیز ق.۲.لی.پ.و.ب.)؛ از (پ.و.ز)
ایران بیامد؛ متن = ک (نیز ل.۳) ۹-ل.ز ایرانیان؛ س.آ: به شهر تو آید زمان تا زمان (۹۶۷) ۱۰-ل.۲.و. (و.ل.۲.آ.همی) ۱۱-ک.پوینده
۱۲-(ل.ن.۲.خامه - جامه) ۱۳-ل.ن.س.ق.س.۲ (نیز ل.۳.و.ل.ن.۲.ب.)؛ نوشته؛ متن = ک.ل.۲ (نیز ل.ن.ق.۲.لی.پ.آ.ب.) ۱۴-س.آ: سر ۱۵-(ق.۲.مردم)
۱۶-ق (نیز ل.۳)؛ خسرو ۱۷-س.ب: به اسبان (ل) ۱۸-(ب: هله!) ۱۹-(لی: سیاوش)؛ بنداری (۹۶۷-۹۶۴)؛ و وصل فی الحال فارس الی
رئیس المدینة بکتاب من جوین يقول له فیه: اذا وصل الیک برویز و من معه فأنزلهم و اشغلهم عن الارتحال فإن عاکری و اصلون
فی الحال ۲۰-(و: جر)؛ لی: بدان گونه (در) ۲۱-س.۲ (نیز آ.)؛ رسید ۲۲-س (نیز ب): کار گذشته؛ متن = سیزده دستنویس دیگر
۲۳-(ل.ن.۲.بیرسید) ۲۴-ق.بر ۲۵-ل.ق.بران؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۶-ل.نامه بر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۷-س.تنگ
برگشت؛ ق: تنگ بر بست؛ (لی: نیکدل گشت)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-ل.برگشت؛ متن = چهارده دستنویس دیگر
۲۹-ل.۲ (نیز لی): یلی ۳۰-(ل.۲.راند) ۳۱-(ب: شتاب)؛ ل: ندید اندرو هیچ جای نیات؛ متن = سیزده دستنویس دیگر (حرف یکم ثبات
در س.ق.ل.۲.آ.با یک نقطه و در ویی نقطه است)؛ بنداری (۹۷۲-۹۶۸)؛ فلما وقف علی الکتاب عرض ما تضمنه علی برویز فرکب و سار
طردا و رکضا الی أن قرب من الفرات ۳۲-ق.پیر مرد؛ ل.۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فوجدوا غیضة کثیرة الماء و الشجر فنزلوا هناك و
قد نال منهم الجوع و العطش ۳۳-(ل.ن.۲.نخچیرگه)؛ ل.ق: چو خسرو به پیش اندرون؛ (پ: چو خسرو بدان جایگه)؛ متن = ک.ل.۲ (نیز
ل.ن.لی.آ.ب.پ.ن.آ.بنداری) ۳۴-ل.بران؛ متن = ق.ک.ل.۲ (نیز ل.ن.لی.پ.ن.آ.۲.ب.) ۳۵-ک.ل.نیز ل.ن.لی.پ.ب.ب.سبزه؛ متن = ق.ل.۲ (نیز ل.ن.۲.آ.ب.)
ب.س.س.۲.ق.۲.ل.۲.و.این بیت را ندارند ۳۶-ق.مرد و ۳۷-ل.۲.ح.س.س.۲.ق.و.این بیت را ندارند ۳۸-(ل.ن.۲.آ.جایی نه) (به)
چیزی؛ س.ق.۲.و.این بیت را ندارند؛ بنداری (۹۷۶-۹۷۴)؛ فرکب کسبهم و رکض بیمن و شمالا فی طلب الصيد فلم یجد شیئا و عاد مخفقا

شتر بود و پیش اندرون^۳ ساروان
 بر آن^۵ نامدار^۶ آفرین گسترید
 کجا رفت خواهی و کام^۷ تو چیست؟
 از^۸ آزادگان^۹ عرب وارثم!
 برین^{۱۱} کاروان^{۱۲} بر منم^{۱۳} ساروان!
 و زانجا^{۱۶} بدین^{۱۷} بیشه^{۱۸} بُد^{۱۸} راه من
 چه داری، هم از^{۱۹} چیز^{۲۰} گستر دنی^{۲۱}؟
 نه توشه ست ما را^{۲۶}، نه بار و بنه
 مرا با تو چیز و^{۲۹} تن و جان یکیست!
 بیاورد فربه یکی ماده سهر^{۳۲}،
 تر و^{۳۳} خشک هیزم همی سوختند
 به خوردن گرفتند یاران^{۳۶} شتاب^{۳۷}
 به خوردن شتابید^{۴۱} دیگر گروه^{۴۲}
 بیاراست هر مهتری جای خواب

پدید آمد اندر زمان^۱ کاروان
 چو مرد جوان^۴ روی خسرو بدید
 بدو گفت خسرو که نام تو چیست؟
 ۹۸۰ بدو گفت: من قیس بن حارثم
 ز مصر آمدم پیش این^{۱۰} کاروان
 به^{۱۴} آب فرانتست بنگاه^{۱۵} من
 بدو گفت خسرو که از خوردنی
 که ما^{۲۲} ماندگانیم^{۲۳} و^{۲۴} هم^{۲۵} گرسنه
 ۹۸۵ بدو گفت تازی که^{۲۷} ایدر بایست^{۲۸}!
 چو بر شاه تازی^{۳۰} بگستر د^{۳۱} مهر
 بکشتند و آتش برافروختند
 بر آتش پراگند^{۳۴} تازی^{۳۵} کباب
 گرفتند و از^{۳۸} آنک^{۳۹} بُد دین پزوه^{۴۰}
 ۹۹۰ بخوردند بی نان^{۴۳} فراوان^{۴۴} کباب

۱-ق: میان ۲-ل.ک (نیز ق: ۲)؛ <و>: متن = یازده دستنویس دیگر ۳-ل(ی: بفرمود و پیش آمدش)؛ در ل ۳ از این بیت، بیت‌های
 ۹۸۳ و ۹۸۴ آمده‌اند ۴-ل: آن ساربان؛ ق: آن ساروان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵-ل.ق.س. ۲ (نیز ل.ق. ۲. ل. ی. ن. ۲)؛ بدان؛ متن =
 س. ک. ل ۲ (نیز ل ۲، پ. و. آ. ب) ۶-ک: نامور؛ بنداری؛ فترای لهم غیر من بعید، بقدمه شاب علی هجین. فلما قرب و رای برویز نزل و
 خلم ۷-ل. ۲: نام (ل) ۸-ل: ز؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۹-ل: (جهان) ۱۰-ل (نیز پ): با یکی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر
 ۱۱-س. ق. (نیز ل. ی. و. ب): بدین؛ متن = ل. ک. ل ۲ (نیز ل. ق. ۲، ل. پ. ل. ن. ۲، آ. ۲) ۱۲-ق: در ۱۳-س. ۲: شتر بود و پیش اندرش (۹۷۷-ب)
 ۱۴-ق. ک. س. ۲ (نیز ق. ۲، و. ل. ن. ۲، آ. ۲)؛ بر؛ متن = ل. س. ل ۲ (نیز ل. ی. پ. ب) ۱۵-ل ۲ (نیز ل. ن. ۲، آ. ۲)؛ بیگاه (ل) ۱۶-ل: از آنجا؛ متن = سیزده دستنویس
 دیگر ۱۷-س. ۲: بدان ۱۸-ل: (و شد)؛ ل: این بیت را ندارد؛ بنداری (۹۷۹-۹۸۲)؛ فسأله عن اسمه فقال: أنا من أحرار العرب، واسمی قیس
 بن حارث (= ۹۷۹ و ۹۸۰) ۱۹-س. و هم؛ ق (نیز ق. ۲، آ. ۲)؛ همان؛ (ل. ن. آ. ب. و. از)؛ متن = ل. ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز ل. ن. ی. و) ۲۰-س. ۲: رنک و (؟)
 حرف دوم بی نقطه ۲۱-س. ل ۲ (نیز ب): افکنندی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲-ل (ن: ۲) هم) ۲۳-س. س. ۲ (نیز ل. ی. ب): بندگانیم؛
 متن = ده دستنویس دیگر ۲۴-س. <و> ۲۵-س. ۲: هر ۲۶-ق. ک. س. ۲ (نیز پ. و. آ)؛ با ما؛ س. ل ۲ (نیز ل. ی. ب): نه ما راست پوشش (ب:
 نوشین)؛ (ل: نه پوششت با ما)؛ متن = ل (نیز ق. ۲، ل. ن. ۲)؛ ل: این بیت را ندارد؛ در ل ۲ آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ بنداری؛ فقال:
 إن کان معک شیء من الطعام فأحضره فإنا جیاع ۲۷-ل (ن: ۲، تو)؛ س. ۲: باری (ح: تازی)؛ که؛ (ل: با ما تو)؛ ق: یکدم که) ۲۸-ل: زان پس
 بدو گفت ایدر مه ایست) ۲۹-س. ۲: خسرو (ح: چیز و)؛ (ل: اکنون) ۳۰-س (نیز ب): بر شادی وی؛ متن = سیزده دستنویس
 دیگر ۳۱-ق: بیفکنند؛ س. ۲: بر آورد؛ (ل: فکنند) ۳۲-س (نیز ب): کهر؛ س. ۲: مهر؛ (پ: مر!؛ و: ساده سهر؛ ق: ماده یکی در به مهر)؛
 متن = ق. ک. ل ۲ (نیز ل. ی. ل. ن. ۲، آ. ۲) ۳۳-ل (ن. ی. و. پرو) ۳۴-ق (۲، آ. پراکنده؛ پ. و. ب. برافکنند) ۳۵-ل (نیز ق: ۲)؛ چندی؛ متن = سیزده
 دستنویس دیگر ۳۶-ق: یکسر ۳۷-ل (ل: اگر رفتند یاران به خوردن شتاب؛ ل: بیاراست هر مهتری جای خواب = ۹۹۰-ب) ۳۸-س (نیز
 ب): بار؛ ل ۲، س. ۲: باز؛ (ق: آ. ل. ی. ل. ۲، آ. باز)؛ متن = ل. ک. ۲۹-ل (که) ۴۰-س. ل ۲ (نیز ب): زین گروه؛ ق (نیز و): چو زان (و: از) خوردنی شد
 گروهی ستوه؛ متن = ل. ک. س. ۲ (نیز ق. ۲، ل. ی. ل. ۲، باز) ۴۱-س. ق. ل ۲ (نیز ق. ۲، ل. ی. و. آ)؛ گرفتند؛ (ل: نشستند)؛ متن = ل. ک. س. ۲ (نیز و، آ)
 ۴۲-س. ل ۲ (نیز ب): پزوه؛ (ل: یکسر گروه)؛ متن = ل. ق. ک. س. ۲ (نیز ق. ۲، ل. ی. و. آ)؛ پ. ل. ن. ۲ این بیت را ندارند ۴۳-س. ل ۲ (نیز ب): یاران؛
 (ل: از آن پس)؛ متن = ۴۴-ق: فراوان بخوردند بی نان؛ متن = ل. ک. س. ۲ (نیز ل. ق. ۲، ل. پ. و. آ)؛ ل ۲ (نیز ب): ۹۹۰ را رانداخته و از
 ۹۹۸ و ۹۹۰ یک بیت ساخته است

یکی آفرین^۱ نو آراستند،
توانایی و ناتوان^۲ آفرید
که هر کس که او بیش دارد^۳ گناه،
و زین^۴ کهتران^۵ نیز نامی ترست!
بگشت از من و از^۶ ره ایزدی^۷،
سراسر به نیکی دهیدش^۸ نوید!
که ای پاک دل^۹ خسرو^{۱۰} پاک دین^{۱۱}!
کدامت^{۱۲} و من^{۱۳} چون شوم^{۱۴} با سپاه^{۱۵}؟
شما را بیابان و کوهست پیش!
به راه آورم، گر نسازی^{۱۶} شتاب!
که با توشه باشیم و با رهنمای^{۱۷}
بدان تا برد راه^{۱۸} پیش سپاه

زمانی بختند و برخاستند
بدان^{۱۹} دادگر کو جهان^{۲۰} آفرید
و زان^{۲۱} پس به یاران چنین گفت شاه
بزد^{۲۲} من آنکس گرامی ترست!
هر^{۲۳} آنکس کجا پیش کرد او^{۲۴} بدی
به ما بیش باید که دارد امید
گرفتند یاران برو^{۲۵} آفرین
بپرسید ازین^{۲۶} مرد تازی که راه^{۲۷}
بدو^{۲۸} گفت هفتاد^{۲۹} فرسنگ بیش
۱۰۰۰ چو دستور باشی^{۳۰} مرا^{۳۱} گوشت و^{۳۲} آب
بدو گفت خسرو جزین نیست رای^{۳۳}
هیونی برافگند تازی به راه

۱- (ق: ۲) آفرینی) ۲- س، س، ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۳-): بران؛ متن = ل، ق، ک، ۲، ل (نیز ل، ن، ی، ب): ۳- ک: روان ۴- س، ۲ (نیز ل، ی): ابا آشکارا نهان
۵- ل (نیز ق: ۲، پ): از آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر (ع: ل، ی: کردار) ۷- ل: به پیش؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۸- ل، س، س، ۲ (نیز ق: ۲، ی، آ): وزان؛ متن = ق، ک، ل (نیز ل، ن، ی، آ، ب) ۹- س، ق (نیز ق: ۲، ل، و): کهتران؛ س: ۲: کهتری؛ متن = ل، ک، ل (نیز ل، ن، ی، ب، ن، آ، پ)؛ در س، ل، ی، ب، این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۰- س، ل (نیز ل، ن، ی، ب): هم؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق: ۲، ل، ن، آ) ۱۱- ل: دارد؛ س، ل (نیز ل، ی): کردار؛ (ب: کرداز)؛ س: ۲ (نیز ل، ق): که او بیش کرداز (ل: کردش)؛ متن = ق، ک (نیز ل، ن، ی، و، ل، آ: ۱۲- ل: وز؛ ق: او ز من وز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳- ل (نیز ب): بخردی؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ آ این بیت را ندارد ۱۴- ل: (دهمیش)؛ آ این بیت را ندارد ۱۵- ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ی): بدو ۱۶- س، ل، ۲: نیکدل؛ س: ۲: پاک تن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷- ق: مهتر ۱۸- س، ق، ل (نیز ل، ی، ب): بافرین؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ل، و، ل، آ): بنداری (۹۹۷-۹۸۵): فأحضر العربی فی الحال سهرأ، أی ناقة بنت ثلاث سنين، فخرها وأوقد ناراً. فجعلوا يضحون من لحمها و يأكلون إلى أن شعبا (= ۹۸۶-۹۹۰)؛ ل، ۳، و پس از بیت ۹۹۷ افزوده اند:

ل: ۳: همیشه ترا باد یزدان پناه
و: سر تخت شاهی نشست تو باد
مبادا تھی از تو تخت و کلاه
جهان جهان زیر دست تو باد

۱۹- ل: زان؛ س، ق (نیز ق: ۲، ل، و): از آن؛ ل (نیز ل، ی، ب): از؛ متن = ک، س، ۲ (نیز ل، ن، پ، ل، آ): ۲۰- آ: براه؛ و: تازی نژاد) ۲۱- س، ۲: چگونست ۲۲- س (نیز ب): خود؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳- س، ک، ل، ۲ (نیز ل، ن، آ، ب): روم؛ متن = ل، ق (نیز ق: ۲، ی، پ) ۲۴- (و: که در پیش ما راه باید گشاد)؛ بنداری: فسألوا العربی عن الطريق ۲۵- ق: چنین ۲۶- (ل: هشتاد)؛ در س: ۲ بیت ها در هم ریخته اند: ۱۰۰۱، ۱۰۰۰، ۹۹۹؛ بنداری: فقال: بینکم و بین العمارة سبعون فرسخا ۲۷- ک، س، ۲ (نیز ل، ن، آ): باشد ۲۸- ل (نیز پ): من از؛ س: آبا؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹- س (نیز و، ل، ق): نان و؛ س: ۲: خورد و؛ (ق: با تو؛ ب: گوشت از)؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز ل، ن، ی، ل، آ، ب) ۳۰- س (نیز ب): نداری؛ (ق: و: نگیری)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: و إن رأیتهم تقدمتکم و کنت لکم دلایلا الی أن أوصلکم ۳۱- (آ: راه) ۳۲- س (نیز ب): که ما با تو آیم و تو (ب: باشیم و یا) رهنمای؛ (آ: بدان تا برد راه پیش سپاه = ۱۰۰۲)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقال پرویز: هذا هو الرأی ۳۳- (و: پدید آمد از دور = ۱۰۰۴)؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فرکیوا و تقدّمهم قیس

پر از^۲ رنج و تیمار با آن^۳ گروه^۴
 پدید آمد از دور^۵ پیش سپاه
 بیامد همانگه^۶ بر شهریار
 کجا رفت خواهی چنین^۷ بوی بوی؟
 یکی مرد بازارگام^۸ دبیر^۹
 چنین داد پاسخ که مهران ستاد^{۱۰}!
 بدو گفت سالار کای نامدار^{۱۱}،
 اگر چهر^{۱۲} بازارگان تازه نیست!
 بیایی، فزونی شود^{۱۳} دستگاه^{۱۴}!
 درمگان به آمد^{۱۵} ز دینارگان!
 همی خواند^{۱۶} بر شهریار آفرین!
 بیامد گرفت آب دستان^{۱۷} به دست
 ز جایی که بُد پیش^{۱۸} خسرو دوید
 بدان تا ندارد جهاندار^{۱۹} شرم
 می آورد برسان روشن^{۲۰} گلاب
 ازو بستند آن جام و شد^{۲۱} نزد^{۲۲} شاه^{۲۳}

همی تاخت^۱ اندر بیابان و کوه
 یکی کاروان نیز دیگر^۲ به^۳ راه
 ۱۰۰۵ یکی مرد بازارگان مایه دار
 بدو گفت شاه: از کجایی؟ بگوی^۴!
 بدو^۵ گفت کز^۶ خز^۷ی^۸ اردشیر
 بدو گفت نامت چه کرد آنک^۹ زاد؟
 ازو توشه^{۱۰} جست آن زمان شهریار^{۱۱}
 ۱۰۱۰ خورش^{۱۲} هست چندانک^{۱۳} اندازه نیست
 بدو گفت خسرو که مهمان به راه
 سر بار بگشاد بازارگان
 خورش بردو^{۱۴} بنشست خود^{۱۵} بر زمین
 چونان خورده^{۱۶} شد مرد مهمان پرست
 ۱۰۱۵ چو از دور خز^{۱۷}د بُرزین^{۱۸} بدید
 ز بازارگان بستند آن آب گرم
 پس آن مرد^{۱۹} بازارگان پر^{۲۰} شتاب
 دگر باره خز^{۲۱}د بُرزین^{۲۲} ز^{۲۳} راه

۱- (ل: آ: راند) ۲- (و: بر آن؛ ن: بدان) ۳- (ن: آ: آ: این) ۴- (و: گشته ستوه)؛ متن = ل، س، ی (نیز ق: ل، پ، ب)؛ ق، ل، س، ن، ی، ب این بیت را ندارند ۵- ک: سخت سنگی به؛ (و: دگر بد به؛ ق: کاروانی ز دیگر به)؛ س: دگر کاروانی بنزدیک؛ متن = ل (نیز ل، پ، ن، آ: ب) ۶- (و: بدیدند ناگاه)؛ ق، ل، س، ن، ی، ب این بیت را ندارند ۷- (ل: هم آنکه بیامد) ۸- ق، س ۹- (نیز ل: بگو ۹- س، ق: همی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- (ل: آ: چنین) ۱۱- س، ل، آ: (نیز ب: از ۱۲- ک: (نیز ن، ل، و): خورده ۱۳- (و: ب: دلیر) ۱۴- ک: آنچ؛ ل: (نیز ل، پ، ن، آ: ب): آنکه ۱۵- س، ل، آ: (نیز پ، ن: آ): شتاد؛ ل: شتاد) ۱۶- ق: (نیز آ: توشه ۱۷- (ب: شاه آن زمان) ۱۸- (ب: ترجمان)؛ س، ل، ی، ب، پس از این بیت افزوده اند (در ل: ی، ب، ل، ت، ها پس و پیش):

هر آنچه بود پشت آرم دمان
 تو پذیری از من به نیکی گمان
 (ل، آ، ی، ب: بدو گفت بازارگان آن زمان)

۱۹- س، ل، آ: (نیز ل، ی، ب: مرا) (در ل: ی با نویسنش خورش یکبار هم پس از بیت ۱۰۰۹)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- ق، ل، آ: (نیز ل، ی، ل، پ، ن: آ): که ۲۱- ق: چند ۲۲- س، ل، آ: (نیز ن: ب): فزونتر بود (پ: شود)؛ س: آ: فزون تر تو بر؛ متن = ل ۲۳- س: (نیز ب: پیشگاه؛ ل: ی) پایگاه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴- (ل: آ: آید؛ ل: درنکان به آید) ۲۵- ک: برد؛ (و: داد و آ: بود) ۲۶- (و: پس) ۲۷- (ب: کرد) ۲۸- (ل: برده) ۲۹- (آ: آسب مهمان) ۳۰- س: آ: چو خز^{۳۱}د بر زمین مرا را ۳۱- ق: ز جای خود او نزد ۳۲- ق، س، آ: (نیز ن، ل، و): آ: جهانجوی؛ متن = ل، س، ک، ل، آ: (نیز ل، ی، ب) ۳۳- س: (نیز ن، ل، ی، ن، آ، ب): جوانمرد؛ ق: جهانگرد؛ ک: (نیز و): شد آن مرد؛ س: آ: جهانجوی؛ (ل: آ: دوان مرد)؛ متن = ل (نیز ق: آ: پ) ۳۴- ق: (نیز و، آ: آ: در؛ ل: ی: به)؛ متن = ل، س، ک، س، آ: (نیز ن، ل، و): آ: ب: در ب ل، آ: ب: یاسه نقطه) ۳۵- س: (نیز ل، ل، ی، ب): روشن بسان؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل، آ: این بیت را ندارد ۳۶- س، ل، آ: (نیز ن، ل، و): به؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۷- س: جام بر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۸- (ن، ق، ل، آ: ل، آ: پ، ن، آ: آ: پیش)؛ متن = ل- ل، آ: (نیز ل، و: ب) ۳۹- س: آ: پیشگاه

بران^۲ برتری برتری‌ها فرود^۳
 که اکنون سپه را کدامست راه؟
 کجا باشد ای مرد مهمان‌پذیر؟
 ز بازارگانان منم کاری^۴
 نبیسد نبیسندهی^۱ روزه
 خرد را به دل^{۱۱} تاره و^{۱۲} بود باش!

پرستش پرستنده را داشت^۱ سود
 ۱۰۲۰ و زان^۲ پس به بازارگان گفت شاه
 نشست تو در خزّه^۵ اردشیر
 بدو گفت کای^۶ شاه بیدار زی^۷
 بفرمود تا نام برنا و^۹ ده
 به بازارگان گفت بدرود باش!

گفتار اندر رسیدن خسرو پرویز به روم^{۱۳}

به تندی^{۱۶} همی‌راند تا مرز روم
 که قیصر و را خواندی^{۲۰} کارستان^{۲۱}
 برفتند پویان به بیراه و راه
 در شارستان^{۲۴} را^{۲۵} بیستند سخت

۱۰۲۵ چو برداشت^{۱۴} لشکر از آن^{۱۵} تازه‌بوم
 چنّین تا بیامد^{۱۷} بدان^{۱۸} شارستان^{۱۹}
 چنّ^{۲۲} از دور ترسا بدید^{۲۳} آن سپاه
 بدان باره اندرکشیدند رخت

۱-ق: بود؛ ل^۲ (نیز ق^۲، و): داد؛ س^۳: چشم؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳-س^۴: از آن؛ (لی، ل^۳، و: بدان) ۳-پ: نمود؛ لن: برترها نمود؛ ل^۳: برتری بر فرزند؛ بنداری (۱۰۰۳-۱۰۱۹): و. و أخذ بهم فی الطريق فرأوا فی البرية قافلة فيها رجل من أردشير خزّه فأحضر الطعام والشراب بین یدی برویز (= ۱۰۰۳-۱۰۱۳) ۴-ل (نیز ق^۲): از آن؛ متن دوازده دستنویس دیگر؛ س^۲: این بیت را ندارد ۵-ک (نیز لن، ل^۳، و): خوره؛ س^۲: ق^۲ این بیت را ندارند و ق^۲ به جای آن افزوده است:

چو بازارگان راه بنمودشان
 بپرسید خسرو ز نام و نشان

ع-ق، ک، س^۲ (نیز لن، ل^۳، و، لن^۲): ای ۷-ل: با داد و رای؛ س، ل^۲ (نیز ب): هشیار زی؛ س^۲: بیدار پی؛ (ق^۲: با داد زی؛ آ: بسیار زی؛ لی: شاهان منم کاری؛ متن = ق، ک (نیز لن، ل^۳، و، لن^۲) ۸-ل: پاک‌رای؛ ق: بارزی؛ (لی: تو هشیار زی؛ ل^۳: ز بازارگانانم از کاری؛ متن = س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق^۲، و، ب): پ این بیت را ندارد؛ ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

مرا جای در خزّه اردشیر
 که گردد ز بومش جوان مرد پیر

ل، پ پس از بیت ۱۰۲۲ و ق^۲ پس از بیت بالا افزوده‌اند:

نشانش یکایک به خسرو بگفت
 همه رازها برگشاد از نهفت

۹-ل^۲ (نیز لی، و): برنای؛ س (نیز ب): نامور نام؛ متن = ل، ق، ک، س^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۲، پ، لن^۲) ۱۰-ل، س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ل^۳، و، ب): نویسد نویسنده؛ متن = ک (نیز پ): بنداری (۱۰۱۴-۱۰۲۳): فشکوه و أمر فکتبوا اسمه ۱۱-ق: همه ۱۲-ل، ک (نیز لی، پ، لن^۲): تار و هم؛ (ل^۳، و: تار و تو؛ ق^۲: خرد تار و تو جاودان؛ متن = س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لن، آ، ب) ۱۳-س: رسیدن خسرو پرویز به روم و حال او با قیصر؛ ل^۲: رسیدن خسرو پرویز به ولایت روم؛ ل، ق، ک سرنویس ندارند ۱۴-ل، س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، لی، و، آ، ب): بگذشت؛ (لن، پ، لن^۲): بگذاشت؛ متن = ک (نیز ل^۲) ۱۵-ل: بران؛ س، س^۲ (نیز لن، پ، و، لن^۲، ب): بدان؛ ل^۲ (نیز لی، آ): بدین؛ متن = ق، ک (نیز ق^۲ ل^۲) ۱۶-س: تنگی؛ ل^۲ (نیز لی، ب): نیکی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷-س (نیز ب): بیامد چنین تا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸-ل: بران؛ (آ: بدین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹-ق، ل^۲ (نیز لی، ل^۲، پ، ب): شارسان ۲۰-س (نیز ب): کرده بد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱-س: خارستان؛ ق (نیز لی، ل^۲، پ): کارسان؛ ل^۲ (نیز ب): خارسان؛ متن = ل، ک (نیز لن، ق^۲، و، لن^۲)؛ بنداری: و سار فی طریقه الی آن وصل الی مدینة من مدن الروم تسمى کارستان ۲۲-ل، س^۲ (نیز لن، ل^۲، ب): چو؛ متن = (آ) ۲۳-ل^۲: دیدند از دورتر؛ ۲۴-ق، ل^۲ (نیز لی، ل^۳، پ، ب): شارسان ۲۵-ق (نیز ق^۲): ها

ز بیرون بماندند^۴ لشکر سه روز
 که نزدیک ما نیست لشکر^۵ بسی
 چه^۶ بر ما^۷ همی^۸ کامگاری کنید؟
 سپاهش همه سست و ناهار^۹ بود
 بغزید برسان جنگی هزبر^{۱۰}
 به^{۱۴} هر برزنی بانگ و فریاد خاست^{۱۵}
 ز باره یکی بهره شد ناپدید^{۱۷}
 به یزدان^{۲۱} شُف^{۲۲} پوزش اندر گرفت^{۲۳}
 سه پیر^{۲۶} سُکوبا^{۲۷} برون تاختند
 همان^{۲۹} جامه‌هایی^{۳۰} که خیزد ز روم^{۳۱}،
 که پیدا شد از داد^{۳۳} بر ما^{۳۴} گناه!
 بدیشان^{۳۶} نکرد از بدی^{۳۷} سرزنش
 که بالاش با ابر گستاخ بود

فرماند از آن^۱ شاه^۲ گیتی فروز
 ۱۰۳۰ فرستاد روز چهارم کسی
 خورش‌ها فرستید و یاری کنید!
 بنزدیک ایشان سَخُن خوار بود
 همانگه برآمد یکی تیره‌ابر
 و زایر اندر آن^{۱۱} شارستان^{۱۲} باد خاست^{۱۳}
 ۱۰۳۵ چو نیمی ز تیره‌شب اندر کشید^{۱۶}
 همه^{۱۸} شارستان^{۱۹} ماند اندر^{۲۰} شگفت
 به هر^{۲۲} برزنی در^{۲۵} علف ساختند
 ز چیزی که بود اندر آن تازه بوم^{۲۸}
 ببردند با لابه نزدیک^{۳۲} شاه
 ۱۰۴۰ چو خسرو جوان بود و^{۳۵} برتر منش
 بدان شارستان^{۳۸} در یکی کاخ بود

۱-ل: زان؛ س، ل^۲ (نیز ب:)، ازو؛ (آ: ازین)؛ متن = ق، ک، س^۲ (نیز ل-ن-آ)^۲-۲- (آ: کار) ۳-ل، س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز ل، ق، ل^۲، ب، پ، ب: به؛
 متن = ک (نیز ل^۳) ۴-ف، ک، ل^۲، س^۲ (نیز ل-ن-ب:)، بماند او و؛ ق: برفتند (در بالا افزوده: بماندند)؛ متن = ل: بنداری (۱۰۲۷-۱۰۲۹):
 فلما رأى أهل مدينة سواد العسكر من بعيد أغلغوا بابها فى وجهه. فنزل برويز، وبقى ثلاثة أيام لا يخرج اليه منهم أحد هـ: ق: توشه؛ ب
 پس از این بیت افزوده است:

بنزدیک این شهر تنگ آمدیم ولیکن نه از بهر جنگ آمدیم

ع، س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز ل-ن-آ، ب:)، نه؛ متن = ل ۷- (آ: بزیرم) ۸- (ل: همین)؛ ق: بر ما همه ۹- (و: پر از گنج و دینار)؛ بنداری
 (۱۰۳۰-۱۰۳۲): و لما كان اليوم الرابع أرسل اليهم و سألتهم أن يخرجوا طعاما و علفا فاستهانوا بأمره، و لم يجيبوه الى ذلك ۱۰- (ل، ب:
 هزیر) ۱۱- س، ک، ل^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، آ، ب:)، ووز (ق^۲: از) ان بر در؛ ق، س^۲ (نیز ل، ن، ب، و، ل، آ): وزان ابر در؛ متن = ل ۱۲- ق، ل^۲، س^۲ (نیز ل،
 ل^۲، ب، ب:)، شارسان ۱۳- (آ: بارخواست) ۱۴- (ق^۲: ل، ن: ز) ۱۵- (آ: آزادخواست)؛ بنداری: فأرسل الله تعالى عليهم سحابة ذات رعد و
 برق، و ريحا عاصفا ۱۶- ق: گذشت؛ س، ل^۲ (نیز ل، ب:)، از آن تیره‌شب در کشید (ب: درگذشت)؛ متن = ل، ک (نیز ل، ق، ل^۲، آ، ل) ۱۷- ق:
 ناچیز گشت؛ س^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما انتصف الليل انقضت حيطان البلد من عصفات الرياح الزاعزع ۱۸- (ل، ن: همان)
 ۱۹- ق، ل^۲ (نیز ل، ل^۲، ب، ب:)، شارسان ۲۰- ق: مانده بد در؛ س^۲: ماند زو در؛ (پ: ماند از آن در؛ ل: شهر ماندند ازو در) ۲۱- (ب: بدید
 آن) ۲۲- س، ل^۲ (نیز ل، ب:)، سپه؛ متن = ل، ق، ک، س^۲ (نیز ل، ن، ق، ل^۲، آ، ب، ل، ن، آ) ۲۳- (آ: گرایند و پوزش گرفت؛ و: همه کس به یزدان
 نیایش گرفت) ۲۴- (ل، آ: همه) ۲۵- ل، ق، س^۲ (نیز ق^۲)؛ بر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶- ل: ستور و؛ (نیز ب:)، سه پور؛ س^۲: سپه
 بر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷- س، ک، س^۲ (نیز و، ل، ن، آ، ب، ل، ن، آ)؛ شکوبا ۲۸- س^۲: بوم و بر؛ (ق^۲: ل، آ: مرزوبوم؛ ب: باره بوم)؛ ق: اندر آبادبوم
 ۲۹- س^۲ (نیز و): همه ۳۰- س (نیز ق^۲): چیزهایی؛ (ب: نیز چیزی)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۱- س^۲: زر ۳۲- ل، س، ک، ل^۲ (نیز
 ل، آ، ب:)، بالا بنزدیک (ب: لابه نزدیک)؛ س^۲: بالای نزدیک (ب: لابه نزدیک)؛ (و: فرستاده آمد بنزدیک)؛ متن = ق (نیز ل-ن-ب)
 ۳۳- ل (نیز ب:)، ای شاه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۴- س، ل^۲ (نیز ب:)، مارا؛ (ل: آ: بر؛ آ: بار)؛ متن = ل، ق، ک، س^۲ (نیز ل، ق، ل^۲، ب، و،
 ل، ن، آ) ۳۵- (ل: حوج) ۳۶- س، س، ل^۲ (نیز ل-ل، آ، ل، ن، آ، ب:)، برایشان؛ متن = ل، ق، ک، ل^۲ (نیز ب، و) ۳۷- س (نیز ب:)، آن زمان؛ ک (نیز ل،
 ق^۲): آن بدی؛ س^۲: آ: زبانه؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل-آ)؛ بنداری (۱۰۳۶-۱۰۴۰): فسلمهم البكاء و الجزع، و فتحو الأبواب، و أخرجوا
 مشايخهم و رها بينهم بالأطعمة و العلف، و سائر المياز و التحف ۳۸- ق، ل^۲ (نیز ل، ل^۲، ب، ب:)، شارسان

نگه کن که فرجام من^۲ چون بود؟
 تو شاهمی، مکن خویشتن شاهجوی^۴!
 مرا هر زمان آزمایش مکن!
 نه کژی^۸ بود^۹ راه و آیین تو!^۷
 سرانجام ازین^{۱۲} بنده^{۱۳} بگریختی^{۱۱}
 چو شرم آمدش، پوزش اندرگرفت
 بپرس از من از^{۱۴} بودنیها سخن!
 جهان را یکی بارور^{۱۷} شاخ باش!
 بلنداخترت^{۱۸} سرفرازی^{۱۹} دهد!^{۲۰}
 یکی دختری ازدر^{۲۲} تاج و گاه!
 جهاندار^{۲۳} بیدار یارت بود!
 فراوان کند روز^{۲۴} نیکیش^{۲۵} یاد!
 بسازد بران^{۲۷} جای^{۲۸} جای^{۲۹} نشست!
 بریزند خونش به فرمان^{۳۱} تو!
 که کردی تو ای پیر^{۳۴} داننده یاد!
 که آید مرا پادشاهی به چنگ؟
 برین^{۳۸} بگذرد، بازیابی کلاه^{۳۹}،

گر این رفتی من^۱ همایون بود
 بدو گفت راهب که چونین^۳ مگوی!
 چو دیدمت، گفتم سراسر سخن
 ۱۰۷۰ نباید^۵ دروغ ایچ^۶ در دین تو^۷
 بسی رنج بردی^{۱۰} و آویختی^{۱۱}
 ز گفتار او ماند خسرو شگفت
 بدو گفت راهب که پوزش مکن!
 بدین^{۱۵} آمدن شاد^{۱۶} و گستاخ باش!
 ۱۰۷۵ که یزدان ترا بی نیازی دهد!
 ز قیصر بیابی سلیح^{۲۱} و سپاه
 چو با بندگان کارزارت بود
 سرانجام بگریزد آن بدنژاد
 و زان رزم جایی فتد^{۲۶} دوردست
 ۱۰۸۰ چو دوری گزیند^{۳۰} ز پیمان^{۳۱} تو
 بدو گفت خسرو: جزین خود^{۳۲} مباد
 چه گویی برین^{۳۵} چند^{۳۶} باشد درنگ
 چنین داد پاسخ که ده با^{۳۷} دو ماه

۱-ق: ما؛ س (نیز ب): جای بر من؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-س، ک، ل، آ، س (نیز لن، لی، لن، ب): این؛ ق: ما؛ (آ: او)؛ متن = ل (نیز ق^۲) ۳-س، آ: چندین ۴- (و: جو)؛ ک: راهجوی ۵-ل (نیز لن، لی، ل، آ، ب): نیاید؛ (و: ننگجد)؛ متن = ل، س، ک، ل (نیز ق^۲، آ: درل حرف دوم بی نقطه) ع:س: آ: آنچه؛ (لی: آنچه) ۶-س، ل، آ (نیز لی، ب): من؛ س: آ: بود؛ متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ، ل، آ) ۷-س، آ: نکویی (-نه کژی) ۸-ق: بر این؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۹-ل، س، آ: دیدی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-س، آ: ز آویختن - بگریختن ۱۱-ل: زین؛ س، ق، ک، س، آ (نیز لن، لی، ب، لن، آ، ب): از آن؛ (ق، آ: واز)؛ متن = ل ۱۲- (لی: بند)؛ ل، آ بیت های ۱۰۷۱-۱۰۷۴ را ندارد ۱۳- (ب: آن؛ ق: به پرسش کن از؛ لن: آ: شتواژ من این) ۱۴- (ل: برین) ۱۵- (ل: برین) ۱۶- (لی: شاخ) ۱۷- (ق: تازه تر؛ لن: آ: مایه ور؛ ب: ساریا) ۱۸- س، ق، ل، آ (نیز ق، آ، ب): اختر و؛ متن = ل، ک (نیز ل، آ، ب) ۱۹- (ق: کارسازی) ۲۰- (لن: ز قیصر بیابی سلاح و سپاه؛ ۱۰۷۵ اب و ۱۰۷۶ اب را انداخته و از ۱۰۷۵ آ و ۱۰۷۶ آ یک بیت ساخته)؛ در ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۱-س (نیز لی): سلاح ۲۲-ک: از بی؛ (ا: درخور) ۲۳- (لی: خداوند پیروز) ۲۴-س: نام؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۵-ق: نیکی به ۲۶-س: شود؛ ک: رود؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-ق، ک (نیز لن، لی): بدان ۲۸-س، ل (نیز لی): بوم؛ ک (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن، آ): روی؛ (آ: سوی)؛ متن = ل، ق (نیز ب، ب) ۲۹-ل: جای و؛ متن = س، ب؛ س: آ: نساژد به ری جایگاه ۳۰-س، آ: کند او ۳۱-ل: فرمان - پیمان؛ متن = س، ب؛ بنداری (۱۰۷۶-۱۰۸۰)؛ و سیز و جک قیصر بعض بناته، و یمدک برجاله و أمواله فتعود و یهرب عدوک الی بلاد بعیده ثم یقتل بأمرک هناک (بنداری بیت های ۱۰۶۱-۱۰۶۴، ۱۰۶۸-۱۰۷۵ را ندارد) ۳۲-س، آ: که جز این ۳۳- (لن: آ: جو) ۳۴-ق (نیز ل، آ، و): مرد ۳۵-ل، ق (نیز لی): بدین؛ (ل: درین)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۶-ق: جنگ؛ بنداری: فقال: لا کائن غیر ما ذکر ت ایها الراهب! ولکن متی یكون هذا؟ ۳۷-س: آ: تا؛ (لن: که رفته) ۳۸-ق (نیز ق، آ، ب، ب): بدین ۳۹-س، ک، ل، آ (نیز لی، و-ب): تو گاه؛ متن = ل، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب)

تو گردی^۳ شهنشاه گیتی فروزی
 که کوشد به رنج و به تیمار^۴ من؟
 گوی^۶ برمنش^۷ باشد و شادکام،
 بدو^۹ تازه دانی^{۱۰} مه و سال خویش،
 که خیزد از او^{۱۲} درد و رنج و گزند!
 که نامت^{۱۵} سخن برگشاد^{۱۶} از نهفت:
 تو گویی که گسستم^{۱۷} اندر^{۱۸} نبرد؟
 به خون بود^{۲۰} با مادر من همال
 ز گسستم بینی بسی^{۲۱} رنج^{۲۲} و کین
 از آن^{۲۴} پس چه گویی^{۲۵} چه خواهد بُدن؟
 کزان^{۲۹} پس نبینی^{۳۰} جز از آفرین!
 مگر سخت کاری^{۳۳} بود ایزدی!
 و زان^{۳۵} پس نباشد جز از^{۳۶} کام تو!
 همانش به دست تو آید^{۳۹} زمان!
 دلت را بدین هیچ^{۴۰} رنجه مدار!

اگر^۱ بر سر آید ده و^۲ پنج روز
 ۱۰۸۵ پرسید خسرو کزین انجمن
 چنین داد پاسخ که بسطام^۵ نام
 کجا خوانی آن مرد را^۸ خال خویش
 پرهیز از آن^{۱۱} مرد ناسودمند
 برآشت خسرو^{۱۳} به گسستم^{۱۴} گفت
 ۱۰۹۰ ترا مادرت نام بسطام^{۱۷} کرد
 به راهب چنین گفت کینست^{۱۹} خال
 بدو گفت راهب که آری همین
 بدو گفت^{۲۳} خسرو که ای رای زن
 بدو^{۲۶} گفت راهب که^{۲۷} مندیش ازین^{۲۸}
 ۱۰۹۵ نیاید^{۳۱} به روی تو هرگز^{۳۲} بدی
 برآشوبد این سرکش آرام^{۳۴} تو!
 اگر^{۳۷} چند بر^{۳۸} گردد این بدگمان
 بدو گفت گسستم کای شهریار

۱-ق: وگر؛ س: آ؛ که گر ۲-ق: آرد پرو ۳-س، ل: (نیز لی، پ): باشی؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقال: بعد سنة أخرى، اذا مضت خمسة عشر يوما من السنة الثانية صرت ملكا ایران، و تسمت النخت و لبست التاج ۴-ل: آزار؛ ۲-س (نیز ق: ۲): بدین (ق: ۲): برین) رنج و تیمار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقال: هل یعی أحد من هذه الجماعة فی إیحاش قلبی؟ ۵-ل: بستام؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۶-س: ب: یکی؛ متن = ل ۷-پ، ل: آ: پرمنش) ۸-ل (نیز پ): دگر آنک (پ: آنکه) خوانی ورا؛ س: س (نیز لی، لی، ب): که خوانی تو آن (و: این؛ آ: او) مرد را؛ متن = (ق: ۲) ۹-س ۲ (نیز و، و): برو ۱۰-ل ۲ (نیز ل، ل، ن: ۲): داری ۱۱-ل (نیز لی): زان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-ل: باشدت زو؛ س، ق، س، ۲ (نیز ق: ۲، ل، و، و، ب): خیزد ازو؛ (آ: آید ازو)؛ متن = ک، ل: ۲ (نیز لی، پ، ل، ن: ۲) ۱۳-ل ۲: مرا گفت خیز و (ب: برآشت خسرو) ۱۴-ل، س، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز لی، لی، ب): بسطام؛ متن = ک (نیز ق: ۲) ۱۵-ق (نیز ق: ۲): راهب؛ س: آ: نامش؛ متن = ل ۱۶-ل: که با من سخن برگشا؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷-ل، س، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز لی، لی، پ، ل، ن: ۲، ب): گسستم بسطام؛ متن = ق (نیز ق: ۲، ل، آ، و) ۱۸-ق: تو گفتی که گسستم در) ۱۹-ل، ن: آ: اینست) ۲۰-ل: (نخویست) ۲۱-س، ل، ۲، س ۲ (نیز ق: ۲، لی، ل، آ، ب): همی؛ ک (نیز لی، پ، آ): همه؛ متن = ل، ق ۲۲-ق، س: آ: درد ۲۳-س (نیز پ): پرسید؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴-ل (نیز ق: ۲، لی، ل، آ، ب): این؛ (و: زان) ۲۵-س (نیز ب): نگویی؛ (آ: چه کوشی؛ و: چه گویی کزین پس)؛ ق: این بیت را ندارد ۲۶-س، س ۲ (نیز لی، ل، آ، و، و): چنین ۲۷-ق: وزان پس بدو گفت ۲۸-ل (نیز لی): زین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۹-س، ق، ل، ۲ (نیز لی، و، ل، ن: ۲، ب): کزین؛ س: آ؛ که زین؛ متن = ل، ک (نیز لی، ق: ۲، ل، آ، پ، آ) ۳۰-ق: (نیایی) ۳۱-ل: (نیارد) ۳۲-ل: دیگر؛ متن = س: ب ۳۳-ق: (و: سخت کاری) ۳۴-ل: از رام؛ ک: از نام؛ (و: از لشکر آرام)؛ س (نیز ب): برو مست ای سرکش آرام؛ (ق: شود ساکن این سرکش آرام)؛ متن = ل ۲ (نیز لی، ل، آ، ب، ل، ن: ۲، آ، و، و): ۳۵-ل: از آن؛ (لی: وزین)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۶-ل، س (نیز پ، ب): بجز؛ ک (نیز و): مگر؛ متن = ل ۲ (نیز لی، ل، ن: ۲، ل، آ، و، و): ۳۷-ل (ن: آ: وگر) ۳۸-ل، س (نیز لی، و، آ، ب): بد؛ متن = ک، ل ۲ (نیز لی، ق: ۲، ل، آ، پ، ل، ن: ۲): بر؛ بد؛ ۳۹-ل (نیز پ، ب): باشد؛ (و: جهانش بدست تو آرد)؛ که جانش بدست تو آید)؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز لی، ل، ن: ۲، آ، ب): ق؛ س ۲ این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۰۸۶، ۱۰۹۷): فقال: نعم. رجل اسمه بسطام، و هو خالك. و سوف یخرج عليك ثم یقتل بالآخرة بحكمك (۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷) ۴۰-س، ک، ل ۲ (نیز ق: ۲، لی، ل، آ، ب): کار؛ متن = ل، ق (نیز لی، پ، آ، ل)؛ س ۲ این بیت را ندارد

جهان را بسان تو شاه آفرید^۲،
 به جان و سر نامبردارشاه^۵،
 نجوید، نکوید^۶ در کاستی^۷!
 بیچد، روانش مبادا بجای^{۱۰}!
 کلید درِ راز او کس ندید^{۱۱}!
 سخن گفتن ناسزا^{۱۴} نشنوی^{۱۵}
 چو^{۱۷} سوگند خوردم، بهانه مجوی^{۱۸}!
 نیاید^{۲۱} سخن گفتن نابکار^{۲۲}،
 نیازی به^{۲۳} کژی و نابخردی^{۲۴}،
 نباشد شگفت از شوی پُر^{۲۵} کزند،
 به یکسو شود^{۲۷} دانش و بخردی!
 که شاداب^{۲۸} باش و به روزگار^{۲۹}!

به پاکیزه یزدان که ماه آفرید
 ۱۱۰۰ به آذگشسپ و به خورشید^۳ و ماه^۴
 [که تا هست گستم، جز راستی
 اوگر بر جزین روی^۸ گستم رای^۹
]جهاندار تا این جهان آفرید
 به گفتار ترسا^{۱۲} نگر نگروی^{۱۳}!
 ۱۱۰۵ مرا ایمنی ده ز گفتار اوی^{۱۶}!
 بدو^{۱۹} گفت خسرو که از ترسگار^{۲۰}
 ز تو نیز هرگز ندیدم بدی
 ولیکن ز کار سپهر بلند
 چو بایسته^{۲۶} کاری بود ایزدی
 ۱۱۱۰ به راهب چنین گفت پس شهریار

بیامد سوی شارستان^{۳۲} وریخ^{۳۳}

و زان^{۳۰} دیر چون برق رخشان ز میخ^{۳۱}

۱-س (نیز ب): بدان پاک؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲-ق: کلید در راز او کس ندید (= ۱۱۰۳ اب)؛ س ۲ این بیت را ندارد ۳-ک: خورشید ۴-ق: آ: به تخت و کلاه) ۵-(ن: آ: سر خورشید شاه) ۶-(ن: آ: نکوید نکوید) ۷-(ی: بکوید در راستی)؛ ل این بیت را ندارد ۸-(ن: آ: راستی)؛ س: کزین و جز این روی؛ ق: ی، س ۲ (نیز ل، ن: آ، ی، ا): اوگر (ی: اگر) جز برین (ی: آ: بدین) روی (ن: داشت؛ ق: آ: گرنه)؛ متن ← ۹-ق: گردد سپهر؛ (و: وگر خود ازین گستم روی و رای؛ ب: کزین روی و جز این روی گستم رای)؛ متن = ل ۲ (نیز ل ۲، پ) ۱۰-ق: بیچاد جان از تنش پاک چهر (در بالا افزوده: مهر)؛ س: آ: مبادا که بیچد روانش ز جای؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۱۱-(ل ۳: رازها گسترید)؛ ل، ق این بیت را ندارند ۱۲-(ق: آ: ساحر) ۱۳-س: ل ۲ (نیز ل، ی، و، آ: ب): چرا بگروی؛ متن = ل (نیز ق ۲)؛ س: آ: ترسحاری بگروی؛ (ن: آ: این ساحر ار بگروی) ۱۴-(و: بیهده) ۱۵-س: س ۲ (نیز ل، ی، و، آ: ب): بشنوی؛ متن = ل (نیز ق ۲) ۱۶-ق: او ۱۷-س ۲ (نیز ل، ن: آ): که ۱۸-ق: مجو؛ بنداری (۱۱۰۵-۱۰۹۸)؛ ففزع کستم من مقده، و قال: لا یدخلن قلبک من کلام هذا النصرانی شیء فإنی وحق خالقی القمر لا أهم بمساء تک ما عشت، و لا أغضی لک علی محذور ما بقیت؛ ل پس از بیت ۱۱۰۵ افزوده است:

که هرگز نسام بدی در نهان براندیش از کردگار جهان

۱۹-س، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ی، و، آ: ب): چنین؛ ک: سخن؛ متن = ل، ق ۲۰-س، ل ۲ (نیز ل، ی، و، آ: ب): که ای راستکار؛ (ل: که ای ترسکار)؛ متن = ل، ق ۲ (نیز ل، ن: آ: پ) ۲۱-ل، ق: س ۲ (نیز ل، ی، و، آ: ب): نیاید؛ در س حرف دوم نقطه ندارد؛ متن = (ل، ن: ق، ی، و، آ: ب، ن، ا، ی، ا) ۲۲-(و: بماند سخن گفتنت یادگار) ۲۳-س: نه تازی و ق: به راهی ز؛ (ق: آ: نیاری به؛ ن: آ: نیازی و به؛ ب: بتاری به)؛ متن = ل، ق ۲ (نیز ل، ی، و، آ: ب، و، ا)؛ در ل حرف های یکم و دوم بی نقطه) ۲۴-(ی: به یکسو شود دانش و بخردی) (= ۱۱۰۹ اب) ۲۵-ل (نیز و، ی، و، آ: ب): س، ل ۲ (نیز ل، ی، و، آ: ب)؛ متن = (پ، ل، ن: آ: ب، و، ل، ن: آ: ب) ۲۷-ک (نیز ل، ن: پ، و، ل، ن: آ: ب): رود؛ متن = ل، س، ل ۲ (نیز ل، ی، و، آ: ب): ق، ل ۲ (نیز ل، ی، و، آ: ب): ل این بیت را ندارند ۲۸-ک: که تو شاددل ۲۹-(و: که شاداب باش و سخن یاددار)؛ بنداری (۱۱۰۶-۱۱۱۰): فقال برویز: إنی لم أرمک سوءاً قط ولكن لآمن تصاریف الزمن أن یخرج عن یدک زمام العقل، و یضلک فی ظلام الغوایة و الجهول (= ۱۱۰۶-۱۱۰۹) ۳۰-س، ل ۲ (نیز ل، ی، و، آ: ب): و زین؛ متن = ل، ق: ی (نیز ل، ن: ق، ل ۲، ی، و، آ: ب، ن، ا، ی، ا) ۳۱-(ز: شارستان وریخ) ۳۲-ق، ل ۲ (نیز ل، ی، و، آ: ب): شارسان ۳۳-س (نیز ل، ی، و، آ: ب): وزیع؛ (ق: آ: فریخ)؛ متن = ده دستویس دیگر؛ (ا: براند اسب چون برق رخشان ز میخ)؛ بنداری؛ ثم انطلق سائرا فی طریقه الی أن وصل الی مدینة تسمى وریخ

هر آنکس که ش^۱ از مردمی بود بهر
سوار آمد از قیصر نامدار،
مدار آرزو را^۶ ز شاهان^۷ نگاه!
ترا با تن خویش داریم^{۱۲} راست!
ز هر بد که اندیشی آزاد باش!
اگر^{۱۷} چند گردنکش و مهترند
نجویم خور و خواب و آرامگاه
روانش از^{۲۲} اندیشه آزاد گشت^{۲۱}!
همان اندیدان جهانجوی را،
چنین گفت پس^{۲۲} شهریار دلیر،
به بالای^{۲۷} بر^{۲۷} زین^{۲۸} زرین کنیدا!
همه یکدل آید و^{۳۰} پاکیزه رای!
بگویند و گفتار او بشنوید!
نیوشنده و^{۳۳} چرب و شیرین زبان^{۳۵}!
کمان خواهد از نی^{۳۷} به چوگان شود،

پذیره شدنش بزرگان شهر
چن^۲ آمد بدان^۳ شارستان^۴ شهریار
که چیزی کزین مرز باید^۵ بخواه!
۱۱۱۵ که هر چند^۹ کین^{۱۰} پادشاهی جداست^{۱۱}
بدان^{۱۳} شارستان^{۱۲} ایمن و شاد باش!
همه روم^{۱۵} یکسر ترا کهترند^{۱۶}
ترا تا نسام^{۱۸} سیلیح^{۱۹} و سپاه
چو بشنید خسرو، بدان^{۲۰} شادگشت^{۲۱}!
۱۱۲۰ بفرمود گستم و بالوی را
به^{۲۳} خُراد بُرزین و شاپور شیر
که^{۲۵} اسپان، چوروشن شود^{۲۶}، زین کنیدا!
بیوشید^{۲۹} زربفت چینی قباي!
از این^{۳۱} شارستان^{۳۲} نزد^{۳۳} قیصر شوید
۱۱۲۵ خردمند باشید و روشن روان!
گر ایدونک^{۳۶} قیصر به میدان شود

۱-ل.ب: کسی را که (ل.۳.و:کش)؛ متن تصحیح قیاسی است (م.بیت ۹۶۲)؛ بنداری: فاستقلته آکابر المدينة و تلقوا مقدمه بالإعظام و الإجلال
۲-ل.س (نیز ل.ن.ل.ن.ب.؛ چو؛ متن = (1) ل.۳.ل (نیز ل.ن): بران؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴-ق.ل.۲ (نیز ل.۳.ب.؛ شارسان
ه.ق.ک (نیز ل.ن.ل.ن.ب.؛ خواهی؛ س.ل.۲ (نیز ل.ب.؛ که باید از ایدر؛ متن = ل (نیز ل.ن.ق.۲.ل.۳.و) ع.ق.ها ۷-ک: به آتین؛ (ق.۲: به دل در؛
ل.ن.۲: آرزو آیین شاهان!) ۸-ل (ز گنج و سلیم و ز تاج و کلاه)؛ بنداری: ولما نزل وصل رسول قیصر يقول: إن هذه المدينة مدینتک، و
أهلها تحت حکمک و طاعتک. فالتمس منها کل ما اشتهیت، و تحکم فیها کما أردت؛ س.۲ بیت‌های ۱۱۱۴-۱۱۹۹ را ندارد ۹-ق: میندار ۱۰-ل
(نیز و): این؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ل (نیز ب.؛ مراسم؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲-ق: دانیم؛ آ.این بیت را ندارد
۱۳-ل: بران؛ س.ق (نیز ق.۲): بدین؛ متن = ک.ل.۲ (نیز ل.ن.ل.ب) ۱۴-ق.ل.۲ (نیز ل.۳.ب.؛ شارسان ۱۵-س (نیز ب.؛ به هر کار
۱۶-ل.۲: بهتراند؛ ل.ق.پ. این بیت را ندارند ۱۷-ق.۲: وگر) ۱۸-ق.۲: و سپارم؛ ل.ن.۲: بسازم) ۱۹-س (نیز ل.ن.ل.ن.۲): سلاح؛ ل.ق.پ.ب
این بیت را ندارند؛ بنداری: فإن ممالک الروم لک و تحت حکمک، و جمیع من فیها من الأكابر من جمله عبیدک و خدمک. و اینی لا آفر
فی نهار و لا سکن فی لیل حتی أعدل لک کل ما تحتاج الیه من سلاح و خیل فأرذک الی بیئتک مسرورا، و علی عذوک منصورا ۲۰-و: از آن
۲۱-ل.۲: شد) ۲۲-ق (نیز ق.۲.ل.۱.و.ن.۲.ل.۲): ز؛ متن = س.ل.۲ (نیز ل.ن.ب.؛ ل.ق.پ. این بیت را ندارند؛ بنداری: فسز پرویز بذلک ۲۳-ق:
چو ۲۴-پ.هم)؛ بنداری: و قال لمن معه من الأكابر، و هم کسهم و بالویه و أندیان و خزاد و سابور ۲۵-ق.۲: چو) ۲۶-س (نیز ب.؛
خود را همه؛ ل.۲: رهوار را؛ (ل.۲: جو خوار را)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷-ل.۲: آن؛ ق.۲: او؛ ق.۳: ستام از زر و؛ (ل.۲: به بالاش بر)؛
متن = س.ک.ل.۲ (نیز ل.ن.ل.ب.؛ و.ب) ۲۸-ق.۲: به بالای زین جامه) ۲۹-ل: بفرمود؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۰-ل (نیز ل.ن.ق.۲): آیند و؛
ل.۲: آید)؛ س.ق (نیز ب.؛ یکدلانید؛ ل.۲: یک یک آید؛ (پ.ل.۲: یکدلانید و؛ و: پاک باشید و)؛ متن = ک (نیز ل.۲) ۳۱-ق.۲: از آن
۳۲-ق.ل.۲ (نیز ل.ل.ب.؛ شارسان ۳۳-ل: سوی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۴-س.ل.۲ (نیز و.ب.؛ نیوشنده)؛ (ل.نویسنده و؛ ل.۲:
نیوشیده و)؛ متن = ل.ق.ک (نیز ل.ن.ق.۲.ل.ن.۲.ل.۲) ۳۵-ق.۲: خوب و روشن روان) ۳۶-ق.۲: (ل.۲: که) ۳۷-ق.ل.۲ (نیز ق.۲.ل.۲.ب.؛ ل.ن.۲: نه؛
ل.ن.و: گر به؛ و.۱: گوی و؛ ب: از مه به؛ س.ب: به تیر و کمان و به؛ متن = ل.ک (نیز ه.ق.۲: پس از این بیت افزوده اند:
شما را بخواد به میدان خویش بکوشد بران راه و سامان (آ: بکوشید با رای و پیمان) خویش

بدان تا شما را نیاید^۳ شکست
 دلیری به نیروی^۶ شیران^۷ برند^۵
 که چینی حریر آر و^۹ مشک سیاه!
 چو خورشید^{۱۱} تابان به خزم^{۱۲} بهشت!
 که^{۱۳} آن یاد گیرد دل^{۱۴} هر کسی،
 بدان کوش تا یاوه‌یی^{۱۶} نشوند^{۱۷}!
 نباید که بر نامه عیب آورند!
 به گفتار با تو ندارند پای^{۲۱}!
 گشاید زبان^{۲۴} بر سر انجمن،
 تو اندر سخن یاد^{۲۶} کن همچو^{۲۷} شهدا
 به هر نیک و بد^{۳۰} ترجمان منی!
 بکوشید^{۳۳} و با آن بسایید^{۳۴} دست!

بکوشید با^۱ مرد خسروپرست^۲
 سوزی - بدانند^۴ - کز ایران برند^۵
 به خُردا بُرزین بفرمود^۸ شاه
 ۱۱۳۰ به قیصر یکی نامه باید نبشت^{۱۰}
 سخن‌های کوتاه و معنی بسی
 که نزدیک او فیلسوفان بودند^{۱۵}
 همان^{۱۸} - داستان را - سخن بشمرند^{۱۹}
 چو نامه بخواند، زبان برگشای^{۲۰}!
 ۱۱۳۵ به بالوی^{۲۲} گفت: آنچ^{۳۳} قیصر ز من
 ز فرمان و سوگند و پیمان^{۲۵} و عهد
 بدان^{۲۸} انجمن تو زبان^{۲۹} منی!
 به^{۳۱} چیزی که بر ما نیاید^{۳۲} شکست

۱-ل، ق، ک (نیز لی، ل، و، ن، ۲): تا؛ (در ل ن نقطه ندارد؛ ق: بدان تا مگر)؛ متن = س، ل، ۲ (نیز ب، آ، ب): ۲-ک: قیصرپرست ۳-س، ل، ۲ (نیز لی، ل، ۳، ب): برین بر (لی: بدین بر؛ ب: بدین تا) شما را نیاید (لی، ل، ۳: نیارد؛ ب: نیاید)؛ ق (نیز ل): به زین بر شما بر نیارد (لن: را نیاید)؛ ک (نیز و، ل، ۲): برین بر شما بر نیارد؛ (ق: به دین شما بر نیاید)؛ متن = ل (تا و نیاید نقطه ندارند)؛ س، ل، ۲ در اینجا سرنویس دارند: نامه فرستادن خسرو بنزدیک (ل: نامه خسرو نزد) قیصر روم ۴-ل، ۲ (نیز ل): بدینا؛ (آ: نداند) ۵-ل (نیز ب): برید؛ (ل: ۳: بدند؛ و: بود) ۶-س، ل، ۲ (نیز ق، ۲، ب، ب): و نیروی؛ ق، ک (نیز ل، ن، ۳، ل، ۲): و نیرو ز؛ متن = ل (نیز و) ۷-ل (لی: و شیری و گردان؛ و بنداری بود) (۱۱۲۲-۱۱۲۸): إذا أصحتم فالیسوا العلابس الفاخرة، و اركبوا الی حضرة قیصر فقولوا و اسمعوا، و اخضعوا له و تملقوا الیه (= ۱۱۲۲-۱۱۲۵) ۸-ق: چنین گفت ۹-ل (و: که چینی بر آرد ز)؛ بنداری: و قال لخرأذ: أحضر المسك و الحریر ۱۰-س، ق، ل، ۲ (نیز ل، ل، ۳، و، ب): نوشت؛ متن = ک (نیز ق، ۲، ب) (پ: ۱۱-ک: خورشید ۱۲-ل (ل: خورم) ۱۳-ل (و: کز) ۱۴-ل (و: بدل) ۱۵-ل (ق: شوند؛ ل: ۲: بود) ۱۶-ک (نیز ل، ن، ۳، ب، و): یاف؛ ل، ۲: یافته؛ (ل: ۲: تافته؛ آ: با لایه تا)؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، ۲، ب): ۱۷-ق: نشمرند؛ ل، ۲ (نیز ل، ۲): بشنوند؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ (لی: مبادا که بر نامه عیب آورند = ۱۱۳۳ اب) ۱۸-ک (نیز ل، ن، ۲، ل، ۳): همه؛ ل، ۲: همین؛ (پ، و، ل، ۲: همی؛ متن = س (نیز ب) ۱۹-س (نیز و، ل، ۲): بشنوند؛ (پ: پرورند؛ آ، ب: نشمرند)؛ متن = ک، ل، ۲ (نیز ل، ن، ۲، ل، ۳): در آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ ل، ق، لی (= ۱۱۳۲ اب) این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۱۲۹-۱۱۳۳): و اکتب الی قیصر کتابا عباراته معسولة، و ألفاظه مشعولة، و معانیه کثیرة، و کلماته قليلة بحيث تعلق بالطبع، و ثبت فی الخواطر، و تسلّم من الحشو حتی لا یبغیه علیک من عنده من فضلاء الفلاسفة، و احمل الکتاب الی قیصر ۲۰-ق: سخن برگشای؛ (ل: زفان برگشای)؛ س (نیز ب): و زبان برگشاد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱-س (نیز ب): با او ندارند (ب: ندارند) یاد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در ک این بیت پس از بیت ۱۱۳۶ آمده است؛ بنداری: و اذا فرغ قیصر من قراءة الکتاب فأطلق لسانک فی مضماری البیان، فإنک تحوی قصب السباق، و تحرز حصل الرهان ۲۲-ل، ۲: به گستم؛ (ل: ثناگوری) ۲۳-ک، ل، ۲ (نیز ل، ۲): آنچه؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، ۲، ب) ۲۴-ق، ک: سخن؛ (ل: زفان) ۲۵-س، ل، ۲ (نیز ب): ز پیمان و سوگند و فرمان؛ ق، ک (نیز ل، ن، ۲، ل، ۳، ب، ل، ۲): ز پیمان و سوگند و پیوند؛ (و: ز پیمان و سوگند و انحرز؛ آ: ز پیمان و پیوند و پیمان)؛ متن = ل ۲۶-س، ک (نیز ب): تازه؛ ل، ۲: پاره؛ متن = ل، ق (نیز ق، ۲، ب) ۲۷-ل (ن، ل، ۲: پاسخش کن (ل: آده) چو ل، ۲، ک، ل، ۲: آده) جوابی چو؛ و تازه تر خواه؛ لی این بیت را ندارد ۲۸-س، ل، ۲ (نیز ب): بران؛ ق: در آن؛ متن = ل، ک، ل، ۲ (نیز ق، ۲) ۲۹-ل (ن: زفان؛ ب: زبان) ۳۰-ق (ق: به نیک و به بد) ۳۱-س (نیز آ، ب): ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲-ل در ل حرف یکم، در س حرفهای یکم و چهارم و در آ حرف چهارم نقطه ندارد؛ (و: نباشد)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۳-ق: بسازید ۳۴-س، ک، ل، ۲ (نیز ل، ن، ۲، آ، ب): بکوشیم و با آن بساییم؛ متن = ل (نیز ق، ۲، ل، ۳، و)

تو پیمانِ گفتار من درپذیر^۱
 ۱۱۴. شنیدند آواز^۲ فرخ جوان
 همی خواندند آفرین سربر
 بنزدیک قیصر نهادند روی
 سخن هرچ^۲ گفتم، همه^۳ یاد گیر!
 جهان دیده^۵ گردان^۶ روشن روان،
 که جز تو مبادا کسی تاجورا!
 بزرگانِ روشن دل و^۸ راست گوی^۹!

گفتار اندر رفتن گُستهم و خُراد بنزدیک قیصر^{۱۰}

چو بشنید قیصر کز ایران مهان^{۱۱}
 رسیدند نزدیک، پویان به^{۱۵} راه^{۱۶}
 ۱۱۴۵. بیاراست کاخی^{۱۷} به دیبای روم
 نشست از بر نامور^{۱۹} تختِ عاج
 بفرمود تا پرده برداشتند
 گرنامه گُستهم^{۲۴} پیشرو^{۲۳}
 چو خُراد بُرزین^{۲۷} و گرداندیان^{۲۸}
 ۱۱۵۰. رسیدند نزدیک قیصر فراز
 همه هم زبان^{۲۹} آفرین خواندند
 نخستین پیرسید قیصر ز^{۳۲} شاه

فرستاده^{۱۲} شهریار^{۱۳} جهان^{۱۴}،
 پذیره فرستاد چندی سپاه
 همه پیکرش گوهر و زر^{۱۸} بوم
 به سر بر نهاد آن دل افروز^{۲۰} تاج
 ز^{۲۱} دهلیشان تیز^{۲۲} بگذاشتند^{۲۳}
 پس او چو بالوی^{۲۵} و شاپور^{۲۶} گو
 همه تاج بر سر، کمر بر میان!
 چو دیدند بردند پیشش نماز
 بر آن^{۳۰} تختِ زر^{۳۱} گوهر افشاندند
 از^{۳۳} ایران و از^{۳۴} لشکر و رنج راه

۱-س-ل^۲ (نیز لن-ب): تو پیمان‌ها (آ: تنها نهان) از (ل^۳: پیمان‌های) من اندرپذیر؛ متن = ل^۲-س، ک، ل^۲ (نیز لن-ب): هر چه؛ متن = ل، ق^۳-ک: ز من؛ بنداری (۱۱۳۵-۱۱۳۹): و قال لبالویه: کن لساننا و ترجماننا بین یدی قیصر اذا افاض فی ذکر العهود و المواتیق، و أجه الی ما یتمس، و التزم له عنا ما یرید من الشروط إلا شینا یورثنا غضاضة فی السلطنة. فإن ذلك مما لا یغضی علیه و لا نرضی به
 ۲-س، ک، ل^۲ (نیز لن-ب): گفتار؛ متن = ل، ق^۵-س: جهانجوی^۶ (و: و گرد و) ۷-ل: همه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-س، ل^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، ل^۳، و، لن، ب): <حو> ۹-س، ک، ل^۲ (نیز لن، ل-ب): راه‌جوی؛ متن = ل (نیز ق^۲)؛ ق: به دل دادخواه و زبان چرب‌گوی؛ بنداری: فیادرو الامتثال و توجهوا مصبحین الی حضرة قیصر ۱۰-ل: رفتن گُستهم و خُراد بنزدیک قیصر؛ ق: رفتن رسولان خسرو با نامه بنزد قیصر ۱۱-س، ران؛ س: کز ایرانیان ۱۲-ل (ن: فرستاده شد) ۱۳-ق: فرستاده آمد ز شاه ۱۴-ل (ن: جوان) ۱۵-ل (نیز ل، لن، آ): ز: ل: ایوان ز؛ متن = س، ک، ل (نیز لن، ق، ل^۲، ب، آ) ۱۶-ب: یونان فراز؛ ق: این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما قربوا منها أمر جماعة من الأمراء الکبار باستقبالهم و أدخلوهم باثم إجلال و أبلغ إکرام ۱۷-س (نیز ل^۲، ب): گاهی ۱۸-ک، ل^۲: زر و (ن: زر و جوهر و زرش؛ آ: زر و گوهرش؛ ب: پیکر و زر و)؛ ق: این بیت را ندارد ۱۹-ق: نشستن گهی خود بران ۲۰-س (نیز ل-ب، و): فروزنده؛ متن = ل، ق، ک، ل^۲ (نیز لن، ق، لن، آ) ۲۱-ب: بنداری و (ل: بنداری و) ۲۲-ق، ک، ل (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ): شاد؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیز ل، ب، ب: در ل حرف‌های یکم و دوم نقطه ندارند) ۲۳-ل: به دهلیشان خوار نگذاشتند ۲۴-س (نیز ق، ل^۲، ب): گُستهمان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵-ق: بالو؛ ل: بابوی ۲۶-س (نیز ق، لن، ب): شاپور و بالوی (ب: بالوی) ۲۷-ل (ب: برزیان) ۲۸-س (نیز ب): کنداوران؛ ل: چون اندیان؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری (۱۱۴۷-۱۱۴۹): و أمر فرغت الحجب فدخلوا و علیهم الملابس الخسروانیة، و التیجان الرفیعة ۲۹-ل (نیز ق، آ): یک زبان؛ ک: یک زمان؛ ل (ن: یک زبان)؛ متن = س ۳۰-ل (ب: بلدان؛ ب: پر) ۳۱-س: بر؛ متن = ک، ل (نیز لن، آ)؛ ق، ل^۲، ب، این بیت را ندارند ۳۲-ق: ز قیصر پیرسید ۳۳-س، ک، ل^۲ (نیز لن، ل، ل^۲، ب، لن، آ): ز؛ متن = ل (نیز ق، و، ب) ۳۴-ل (نیز ل، آ): ز؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق: این بیت را ندارد؛ در ل، س از این بیت، بیت ۱۱۵۶ آمده است

بر تخت با نامی^۱ شاه تفت^۲ نهادند کرسی زرین چهار همی بود خزاد بُرزین به پای^۷ نشیند کسی کو^{۱۰} بپیمود راه! مرا در بزرگی نداده ست راه^{۱۱}، چُنین نامی شاه ایران به دست، به پیغام او^{۱۴} سودمند آیمت^{۱۳}! چه گفت آن خردمند گردنفر از^{۱۶}؟ همی داشت^{۱۷} گفتار خسرو^{۱۸} به یاد^{۱۹} جهان^{۲۱} را بدان^{۲۲} آفرین خوار کرد توانا و^{۲۴} داننده^{۲۵} از هر دری که ما را روان^{۲۸} و خرد داد و مهر^{۲۹} کجا^{۲۹} برترست از مکان و زمان^{۳۰} بدین^{۳۳} چرخ گردان برآورده اند^{۳۲} نخستین گیومرت^{۴۰} را^{۴۱} زنده^{۴۲} کرد

چو بشنید خُزاد بُرزین برفت به فرمان آن نامور^۳ شهریار ۱۱۵۵ نشست این^۴ سه پُرمایه^۵ نیکرای^۶ بدو گفت^۸ قیصر که بر^۹ زیرگاه چُنین گفت خُزاد بُرزین که شاه که در پیش قیصر بیارم^{۱۲} نشست مگر بندگی را پسند آیمت^{۱۳} ۱۱۶۰ بدو گفت قیصر که بگشای راز^{۱۵} [چو خُزاد بُرزین زبان برگشاد نخست آفرین بر^{۲۰} جهاندار کرد که اویست^{۲۳} برتر ز هر برتری [ازو^{۲۶} گشت پیدا نشان^{۲۷} سپهر ۱۱۶۵ به فرمان او گردد این آسمان سپهر و ستاره همه^{۳۱} کرده اند^{۳۲} چو^{۳۵} از^{۳۶} خاک تا^{۳۷} جانور^{۳۸} بنده^{۳۹} کرد

۱- (ن: با نامور؛ ۳: آن نامور) ۲- ۲: رفت؛ ق، ل: این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۱۵۰-۱۱۵۳): فلما قربوا من قیصر قبلوا بین یدیه الأرض و دعوا له و نثروا بین یدی تخته جواهر حملوها برسم النثار ۳- ل: یاور؛ بنداری: فوضعوا لهم کراسی من الذهب، فأمرهم بالجلوس علیها ۴- ق (نیز ق ۲، ل ۳، ن ۳، ل ۲): آن؛ متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز ن، ل، ب) ۵- (و: نشستند سه مایه ور) عمل: نزدیک راه؛ ق: پاکرای؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷- ل: پا ۸- ل، ق (نیز ب): بفرمود؛ (و: چن گفت؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز ن، ل، ب، ن ۲، ب) ۹- ل: در؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰- س: راکه؛ آ این بیت را ندارد ۱۱- آ این بیت را ندارد ۱۲- ق (نیز ق ۲، آ، ب): نیارم؛ در ل، ن حرفهای یکم و دوم و در س، ل ۳ حرف یکم نقطه ندارند؛ (ن: آ: توانم)؛ متن = ک، ل ۲ (نیز ن، ب)؛ و آ این بیت را ندارند ۱۳- ل: آیمش) ۱۴- ق: شه؛ و این بیت را ندارد؛ بنداری (۱۱۵۵-۱۱۵۹): فجلسوا سوی خزاد بن برزین فانه قال: کیف أئجاسر علی القعود بین یدی ملک مثل قیصر مع أنى متحمل الیه رساله ملک مثل برویز؟ ۱۵- (و: که از راه داد) ۱۶- (و: خسرو نژاد)؛ بنداری: فأشار علیه بأداء الرسالة ۱۷- س: گفت و؛ (ل: کرد؛ ب: که او داشت)؛ متن = ک، ل ۲ (نیز ن، ل، ق، آ، و، ن ۲) ۱۸- ک (نیز ن، ل، ق، آ): قیصر؛ ل: قیصر سخن ها)؛ متن = س، ل ۲ (نیز ل، و، ب) ۱۹- (آ: مرا بر بزرگی نداده ست داد = ۱۱۵۷؛ ل، ق، ب: این بیت را ندارند ۲۰- ق (نیز و، آ): آفرین؛ ل: نخستین آفرین (ا)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱- (ل: و، مهان) ۲۲- ل: بران؛ (ل: بدین) ۲۳- ق: که وی هست ۲۴- س: (نیز ل، ب): هم اویست؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵- (ل: داناست) ۲۶- ل: (وزو) ۲۷- س: (نیز ل، ا): ستاره؛ ل ۲ (نیز ن، ن، ا): شمار؛ (و: به گیتی؛ ب: چشمان؛ ق: به فرمان او گشت پیدا)؛ متن = ک (نیز ل ۳) ۲۸- س: (نیز ل، ب): زبان؛ ل: و رو راوان (ا)؛ متن = ک (نیز ن، ق ۲، ل ۲، و، ن ۲، ل ۲)؛ ل، ق، ب: این بیت را ندارند و ب بجای آن افزوده است:

همه پیش اویم سر بر زمین همان روی خواهش دگر همچنین

۲۹- س: ل ۲ (نیز ن، ق، ل، ب، ن ۲، ب): که او؛ متن = ل ۳۰- (ن: گمان؛ ل: آ: زمان و مکان)؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۳۱- (ب: همی) ۳۲- (ن: آ): بنده اند) ۳۳- ق: (ب: برین)؛ متن = ۳۴- س: ل ۲ (نیز ن، ل، ب، ن ۲، آ، ب): همه بنده (ق: همی کرده) آفریننده اند؛ (و: زمان و زمین را بر آورده اند)؛ متن = ل (نیز ق ۲، ب)؛ ل ۳ این بیت را ندارد ۳۵- (ل: که) ۳۶- ل (نیز ب): آن ۳۷- ل نقطه ندارد؛ (س: (نیز ل): راه (ن: نا؛ ق: مر؛ و، آ: ما)؛ ق: خاک و گل؛ ک: خاکمان؛ متن = ل ۲ (نیز ب) ۳۸- ق: تاجور؛ (ب: ناچیز را) ۳۹- ق: زنده؛ ن: چو یزید به قدرت جهان بنده) ۴۰- ق: ک، ل ۲ (نیز ن، ق، ل، ب): کیومرث؛ متن = ل، س (نیز ل) ۴۱- ل: (حرا؛ آ: او) ۴۲- ق: (ب: بنده)؛ ل ۲ این بیت را ندارند

از آن^۲ سرفرازان^۳ ورا برگزید^۴
 بیو^۵ آشکار^۶ آنچ^۷ بودی^۸ نهان
 که تاج^۹ بزرگی به سر بر نهاد
 نگه داشتندی^{۱۰} رو ایزدی
 بیامد به تخت^{۱۱} کیان^{۱۲} بر نشست
 نه افسر، نه تخت و کلاه و کمر!
 خرد دارد^{۱۳} و نامداری^{۱۴} و بخت،
 که را بود^{۱۵} و دیهیم^{۱۶} شاهنشهی!
 برین^{۱۷} بی وفا^{۱۸} کامگاری^{۱۹} کنیدا!
 به شرم^{۲۰} آمدیم^{۲۱} از کیهان^{۲۲} و میهان

به رخساره شد چون گل^{۲۳} شنبلیدا!
 زبان^{۲۴} و روانش^{۲۵} پر از ناله گشت^{۲۶}
 شد آن تخت^{۲۷} بر چشم او لاژورد^{۲۸}

چنین^۱ تا به شاه آفریدون رسید
 پدید آمد این^۲ تخمه اندر جهان
 ۱۱۷۰ روارو^۳ چنین تا سر^۴ کیتباد
 نیامد بدین^۵ دوده هرگز^۶ بدی
 کنون بندهیی ناسزاوار^۷ گشت^۸
 همی داد خواهم^۹ ز بیدادگر
 هر آنکس که او بر نشیند به تخت
 ۱۱۷۵ شناسد که این تخت و این فرهی^{۱۰}
 مرا^{۱۱} اندرین کار یاری کنیدا!
 که پوینده^{۱۲} گشتیم^{۱۳} گرد جهان

چو قیصر بران^{۱۴} سان سَخُن ها شنید
 گل^{۱۵} شنبلیدش پر از زاله^{۱۶} گشت^{۱۷}
 ۱۱۸۰ چو آن نامه^{۱۸} برخواند، بغرود درد

۱-ل: چنان؛ (ل: جهان)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-ل: کران؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳-ق: برکشید؛ (لی: ورا بنده کرد) ۴-ل، ق: (نیز ل، و، آ)؛ آن؛ متن = س، ک، ل، (نیز ل، ن، ق، لی، پ، ل، آ، ب) ۵-ل: (نیز ل، ن، آ، ب)؛ نیو؛ (لی: شود؛ ل: آ، بید) ۶-ک، ل، آ: (نیز لی: آ)؛ آنچه ۷-ک: بدوش؛ (ق: آ، ل، آ، ب: د؛ لی: کردی) ۸-ل: همی رو؛ ق: روارو؛ ل: (نیز ل، ن، ق: آ، ب: آ، ز ابرج؛ ل: آ؛ و زانرو)؛ متن = س، ک، (نیز لی، پ، و، آ، ب) ۹-ل: (ب: در) ۱۰-ک: ازین؛ (و، ل: آ، برین) ۱۱-ل: تخم دوده؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری (۱۱۶۲-۱۱۷۱): فحمد الله وأثنی علیه وقال: إن برویز یواصل بالذعام، ویقول: لا یخفی علی علمک المحیط أن تخت مملکة ایران، من عهد آفریدون الی یومنا هذا، لم یرح کان مصونا من أن تمتد الیه آیدی النواب أو ترمقه عین الحوادث (بیت‌های ۱۱۶۴-۱۱۶۷ را ندارد)؛ س، ق: آ پس از بیت ۱۱۷۱ افزوده‌اند:

همه بنده بودند این دوده را نکرد ایچ بنده تن آلوده را

۱۲-ل: (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب)؛ گشت (پساوند نادرست است)؛ (پ: پست؛ ب: بست)؛ متن = (و) ۱۳-ق: (نیز ق: آ)؛ کیی؛ لی: بیت‌های ۱۱۷۲-۱۱۹۷ را ندارد ۱۴-ل: (نیز ق: آ)؛ خواهد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۵-ل، س، ق: (نیز ب)؛ باید؛ متن = ک، ل، (نیز ل، ن، آ) ۱۶-ق: (ق: نام و رادی) ۱۷-س: (نیز ب)؛ فَر و مهی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ل، ق، ل: (نیز ق: آ، ب)؛ جو؛ متن = س، ک، (نیز ل، ن، آ) ۱۹-ک: دیهیم و ۲۰-ب: (مگر) ۲۱-ق: بدان؛ ک: (نیز ق: آ)؛ بران؛ (آ: بدین)؛ متن = ل، س، ل، (نیز ل، ن، آ، ب، و، ب) ۲۲-ل: (ن: آ: بدین وفا)؛ بنداری (۱۱۷۲-۱۱۷۶): و قد خرج الآن علینا عبد من عیدنا فقتنمه، و سلمه الیه أعداؤنا فقتلناه، و قد اعتصمت الآن بجلک متظلمنا منه، و مستعدیا علیہ. فأجیبا نداء الصارخ، و انصرونا علی هذا الغادر ۲۳-ل: (ن: سرگشته) ۲۴-س: (نیز ب)؛ باشیم؛ (ل: کشتیم به؛ آ: گشتم)؛ متن = ل، ق، ک، ل، (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ل، آ) ۲۵-ل: (آ: آلمد؛ آ: آیدم)؛ بنداری؛ فقد أنجلتنا هذه الأحداث بین الأصغر والأکابر ۲۶-س: (نیز آ، ب)؛ برین؛ ق: ک: (نیز ل)؛ بدان؛ متن = ل، ل، (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ل، آ) ۲۷-ل: (ن: آ، ب، و، ل، آ) ۲۸-س: (نیز ب، آ، ب)؛ کل؛ متن = ل، ق، ک، ل، (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ل، آ) ۲۹-ل، ق، ل: (نیز ل، آ)؛ لاله؛ متن = س، ک، ل، (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ل، آ) ۳۰-ل: (نیز ق: آ)؛ شد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱-ل: (ن: زفان) ۳۲-ق: روان و زبانش؛ بنداری؛ فلما قرع هذا الاستصراخ سمعه اصفر وجهه و اغضب قلبه ۳۳-ل: آ، ماه؛ (ن: زنامه)؛ ک: (آ: رور) ۳۴-ک: کاخ؛ (آ: رور) ۳۵-س، ق، ل: (نیز ل، ن، ق، آ، ب)؛ لا جور؛ متن = ل، ک، (نیز ب، و، ل، ن)؛ بنداری ثم ناوله الكتاب. و لما فاض ختمه، و عرف مضمونه ضاعف داهه و همه

که این نیست بر^۱ مرد دانا نهفت،
 ز جان سخنگوی^۲ دارمش^۵ پیش!
 شما را بین^۸ تا چه اندر خورست!
 که دیده به از گنج^{۱۰} دینار و تیغ!

بر آن^{۱۱} پیشگاه بزرگی^{۱۲} نشانده
 بیاراست چون مرغزار بهشت!
 از آن^{۱۶} روز تا روزگار کهن!
 نگه کرد قیصر سُواری دلیر،
 خردمند^{۲۰} و گویا و گُرد و دبیر،
 که ای شاه بینادل و راهجوی^{۲۲}،
 -نیاورد باید کسی را به رنج^{۲۵}!-،
 درم خواستیمی^{۲۷} ز هر مهتری،
 به ایران گذشتی^{۲۹} به آرام خویش^{۲۸}!
 که اینست^{۳۱} کردارِ چرخ روان^{۳۲}،

به خُراد بُرزین جهاندار گفت
 مرا خسرو از خویش^۲ و پیوند بیش^۳!
 سلیحست^۶ و هم گنج^۷ هم لشکرست
 اگر دیده خواهد^۹ ندارم دریغ

۱۱۸۵ دبیر جهان‌دیده را پیش خواند
 بفرمود تا نامه پاسخ نبشت^{۱۳}
 ز بس بند^{۱۴} و پیوند^{۱۵} نیکو سخن
 چو گشت از نبشتن^{۱۷} نینسند^{۱۸} سیر
 سخن‌گوی و روشن‌دل و^{۱۹} یادگیر
 ۱۱۹۰ بدو گفت: رو پیش خسرو بگویی^{۲۱}
 مرا هم سلیحست^{۲۳} و هم مرد و^{۲۴} گنج
 و گرنه نیستیمان^{۲۶}، ز هر کشوری
 بدان تا تو از روم با کام خویش^{۲۸}
 مباش اندرین بوم^{۳۰} تیره‌روان

۱- (آ: ۱)؛ در و این بیت پس از بیت ۱۱۸۴ آمده است ۲- ل: یار؛ س (نیز ب): جان؛ متن = ک، ل (نیز لن، ق، ۲، ل، پ، ن، ۲، ۳، ل، س، ل، ۲
 نیز ق، ۲، ل، آ، ۲، ب): خویش؛ متن = ک (نیز لن، ل، ۳، پ)؛ ق: که خسرو مرا همچو فرزند خویش؛ (و: مرا گفت خسرو ز پیوند خویش)
 ۴- ق (نیز آ): گرامیش؛ (پ: جان و سخن نیز) ۵- (آ: داریم) ۶- س (نیز و، لن، ۲): سلاحست ۷- (آ: حوج) ۸- س (نیز ب): بتن؛ (لن:
 بدین)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹- ل (نیز پ، ب): خواهی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- ق، ل (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، پ، ن، ۲، آ، ۲، ب): گنج و؛
 متن = ل، س (نیز و)؛ بنداری (۱۱۸۱-۱۱۸۴): ثم قال لخُراد: إن برویز أعز علينا من أرواحنا، ونحن لا نبخل عليه بشيء من خيلنا ورجلنا
 وكنوزنا وأموالنا؛ س در اینجا سرنویس دارد: پاسخ نامه خسرو پرویز از نزد قیصر روم ۱۱- ق (نیز ق، ۲): بدان ۱۲- ق (نیز ق، ۲): بلندی؛
 (آ: پیشگاهش به زانو) ۱۳- ل، س، ل (نیز لن، ل، ۲، ن، آ، ب): نوشت؛ متن = ک (نیز ق، ۲، آ): ق این بیت را ندارد ۱۴- (پ، لن، ۲، ب): پند؛ آ:
 عهد) ۱۵- ک (نیز آ): حو < ۱۶- س (نیز ب): این؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: ثم أمر الکاتب فکتب جواب کتاب برویز، و
 شحه بالإنطاف، مقابلاً مطلوبه بالإنعاف ۱۷- ل، س، ق (نیز ل، ۳، و، لن، ۲): نوشتن؛ ل: نویسنده؛ (ب: نوشته)؛ متن = ک (نیز لن، ق، ۲، پ، آ)
 ۱۸- ل، س، ق (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، و، لن، آ، ب): نویسنده؛ ل: نوشتن؛ متن = ک (نیز پ، آ) ۱۹- ق، ۲: با دانش (و)؛ ق: خردمند روشن‌دل؛ (و:
 سخن‌گوی روشن‌دل) ۲۰- ق: هنرمند؛ در س، ب این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۲۱- (و: بگو) ۲۲- س (نیز ل، ۲، و، آ، ب):
 حو < راست‌گوی (و: گو)؛ ق (نیز ق، ۲): حو < چاره‌جوی؛ ک، ل (نیز لن، لن، آ): حو < تازه‌روی؛ متن = ل (نیز پ) ۲۳- س (نیز و):
 سلاحست ۲۴- ل: زره به؛ ق: شهر و؛ پ: زور و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵- ل: جنگ (آ)؛ س (نیز ب): با تو رنج؛ متن = ده دستنویس
 دیگر؛ پ پس از این بیت افزوده است:

ترا هر چه باید بیاریم زود
 نه خواهش ز کسماں بیاید نمود

۲۶- س (نیز لن، لن، ۲، ب): نیستی تا؛ ق: نیستمانی؛ ل: نیست بر ما؛ (ق: نیستی این؛ آ: نیستی از)؛ متن = ل، ک (نیز ل، ۳، و) ۲۷- ک (نیز پ،
 و): خواستیمان؛ ل (نیز لن، ۲): خواستی من؛ (ل: خواستمانی؛ ب: خواهمی و)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، ۲، آ) ۲۸- (و، لن، ۲، آ: دل)
 ۲۹- ل: گذاری؛ (ق: خرامی) ۳۰- ل: کار ۳۱- ل: چنین است؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲- (و: جوان)

۱۱۹۵ که گاهی پناهست^۱ و گاهی^۲ گزند
کنون تا سلیح و سپاه^۵ و درم
بر خسرو^۸ آمد فرستاده مرد

گهی با زینیم و^۳ گه سودمند^۴
فراز آورم^۶، تو مبادی^۷ دژم!
سَخُن‌های قیصر همه^۹ یاد کرد

ز بیگانه^{۱۰} قیصر بپرداخت جای
به موبد چُنین گفت کین^{۱۲} دادخواه
۱۲۰۰ چه سازیم^{۱۴} تا او بنیرو شود
به قیصر چُنین گفت پس رهنمای^{۱۷}
بباید تنی چند بیداردل
فرستاد کس^{۲۰} قیصر نامدار
جوانان و پیران رومی^{۲۴} نژاد
۱۲۰۵ که ما تا^{۲۵} سکندر بشد زین جهان
ز بس غارت و جنگ و آویختن
کنون پاک‌یزدان ز^{۳۰} کردار بد
یکی خامشی برگزین از^{۳۲} میان^{۳۳}

پُر اندیشه بنشست با رهنمای
ز گیتی گرفته‌ست ما را پناه^{۱۳}،
و زین کِهتر^{۱۵} بد بی^{۱۶} آهو شود؟
که از فیلسوفانِ پاکیزه‌رای^{۱۸}،
که ببنند با ما بدین^{۱۹} کار دل!
برفتند^{۲۱} از آن^{۲۲} فیلسوفان چهار^{۲۳}
سَخُن‌های دیرینه کردند یاد،
از^{۲۶} ایرانیانیم^{۲۷} خسته‌نهان^{۲۸}،
همان بی‌گنه خیره خون^{۲۹} ریختن،
به پیش اندر آوردشان^{۳۱} کار بد،
چو^{۳۳} شد کُندرو^{۳۵} بخت^{۳۶} ساسانیان^{۳۷}!

- ۱- (آ: پناهند) ۲- (ل: پناه آورد گه) ۳- ل: < جو > که: زیانست؛ س: نشاطاند و؛ (ق: زیان و؛ آ: زیانم)؛ متن = س، ق (نیز، ل، ن، و، ل، ب) ۴- ل: (نیز ب)؛ گهی ناز و نوش است و گاهی شرنگ (پ: کمند؛ در ل به کمند تصحیح شده است) ۵- س (نیز، و، ب)؛ سپاه و سلاح؛ ل: سپاه و سلیح؛ (ل: سپاه و سلیح)؛ ۶- (ل: آوری) ۷- ل: ناشی؛ (ل: مبادا؛ ق: آ: مباحثی)؛ س: آ: خود مباحثم؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری (۱۱۸۷-۱۱۹۶)؛ و اختار من اصحابه رجلا مرصوفا بکمال العقل، و وفور الفضل، و أنفذه به الیه، و أمره بأن یقوی قلبه، و یبسط أمله، و یضمن له عنه أنه یبصره و یرده الی دار ملکه و مستقر تخته ۸- (و: قیصر) ۹- (آ: همی)؛ بنداری: فسار الرسول ۱۰- ق (نیز و)؛ پس آنگاه ۱۱- (در پ، ل، ن، آ، ب)؛ آ: با سه نقطه؛ و: به)؛ ب این بیت را ندارد ۱۲- س (نیز ب)؛ این: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳- ک: سپاه ۱۴- ل: بسازیم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵- س-س-س (نیز ل، ن-ب)؛ وزین (ک، پ: وزان) ننگ (ل: نیک) کِهتر (س، س، ب: کمتر؛ ل: آ: و زشتی؛ ل: آ: تنگدستی)؛ متن = ل ۱۶- س: به؛ بنداری (۱۱۹۸-۱۲۰۰)؛ و خلا قیصر یوزیره و صاحب سره و قال له: إن هذا قد استجار بنا و اعتمص بحبلنا کیف التذیر فی أن یبلغ مراده، و ننتقم له من جوبین الخارج علیه؛ ۱۷- ک: نامدار ۱۸- ک: کار ۱۹- س، س (نیز ق، ل، ن، آ، ب، ل، ن، و، ب)؛ درین: ل: آ: برین؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، ن، و، آ)؛ بنداری: فقال الوزير: استحضر جماعة من الفلاسفة حتی نشاورهم فی ذلک ۲۰- ک: فرستاده؛ (و: بخواند آن زمان) ۲۱- س، ق (نیز ب)؛ ببردند؛ متن = ل، ک، ل، س، آ (نیز ل، ن، ب، ل، ن، آ) ۲۲- ل: زان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳- ق: که از فیلسوفان بیارند چهار؛ و: از آن فیلسوفان تنی سه چهار) ۲۴- س (نیز ب)؛ روشن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵- (ل: که تا ما) ۲۶- ل-س-س (نیز ق، ل، ن، آ، ب)؛ متن = (ل، ن، آ، ب، و، ب) ۲۷- س (نیز ب)؛ ایران بماندیم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸- س، ک، ل، ن، آ، ب، و، ب)؛ روان؛ متن = ل، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ب، ل، ن، آ) ۲۹- (ل: آ: بی‌گنه خونها)؛ بنداری (۱۲۰۳-۱۲۰۶)؛ فأحضروا أربعة أنفس من أعیانهم و ساداتهم ففاوضهم فی ذلک، فقالوا: أیها الملک! إننا من عهد الاسکندر لم نسترح یوما من شر الایرانیین لکثرة رکضاتهم الی بلادنا، و شنهم الغارات علینا و سفکهم و فتکهم ۳۰- آ: به ۳۱- (و: اندرون‌نستان)؛ بنداری: و الآن قد أحاط الله بهم، و أذاقهم جزاء فعلهم ۳۲- ق (نیز ب)؛ زین ۳۳- س-س-س (نیز آ)؛ اندر آن ۳۴- ک (نیز ق)؛ که ۳۵- (ل: کندو)؛ ب: کاندوران) ۳۶- ل: آ: تخت ۳۷- ق (نیز و)؛ ایرانیان؛ بنداری: فأثر السکوت فقد قرب انقراض أساس الدولة الساسانیة

به دست آورد، سر برآورد به ماه،
به پای^۲ اندرآرد^۳ همه^۴ مرز و بوم!
سَخُن‌های^۵ ایرانیان باد^۶ دارا!

اگر^۱ خسرو آن خسروانی کلاه
۱۲۱۰ هم اندر زمان باژ خواهد ز روم
کنون درخور خود^۵ خرد یاد دارا!

یکی دیگر^۸ اندیشه افگند بُن:
یکی نامه بنبشت^۹ و بنمود^{۱۰} راه،
سَخُن‌های دیرینه^{۱۲} خوانندگان
بگفت آنچه^{۱۴} بشنید^{۱۵} نامدار،
سَخُن‌های قیصر^{۱۸} برو برشمرد^{۱۹}!
رخانش از^{۲۲} اندیشه بی‌رنگ شد!
که پیش آمد از روزگار کهن،
همه رنج‌ها^{۲۵} باد باید گرفت!
شما را مبادا به^{۳۰} ایران^{۳۱} نیاز^{۳۲}!
گزیده جهاندار^{۳۴} پاکان^{۳۵} ما،

ازیشان چو بشنید قیصر سَخُن
سواری فرستاد نزدیک شاه
ز گفتار^{۱۱} بیدار^{۱۱} دانندگان
۱۲۱۵ چُن^{۱۳} آمد نزدیک خسرو سوار
همان^{۱۶} نامه‌ی قیصر او را سپرد^{۱۷}
چو خسرو بدید^{۲۰} آن^{۲۱} دلش تنگ شد
چنین داد پاسخ که گر زین^{۲۳} سَخُن
همی^{۲۴} بر دل این یاد باید گرفت
۱۲۲۰ گرفتیم^{۲۶} و گشتیم ازین^{۲۷} مرز^{۲۸} باز^{۲۹}
نگه کن کنون تا نیاگان^{۳۳} ما

۱- (و: که گر) ۲- ل: ۳- (ق: ۲: آورد این) ۴- (ا: بدین) ۵- ق: این؛ س، ک، ل، ۲: خور(نیز ل: ب): گرین (ل: ۲، ا: ب: کزین) در (س، س، ۱، ۲، ا: ب: در خرد)؛ با: متن = ل (ب: ق) ع: سخنها از ۷- ل (نیز ل: ۳، ا: ب): باد (ا: ب: بنداری: و اعلم آن پرویز هذا إن عادالی مستقره واعتصب بتاجه عادالی خلقه المذموم، و طلب فی الحال خراج الروم (۱۲۰۹-۱۲۱۰))؛ ق در اینجا سر نویس دارد: پیغام و نامه قیصر بنزد خسرو پرویز ۸- (ل: تازه)؛ ق: آیت‌های ۱۲۱۲ و ۱۲۱۳ و س: آیت‌های ۱۲۱۲-۱۲۱۷ را ندارند ۹- ل: ۲ (نیز ل: ۳، ل: ۱، ۲، ا: ب): بنوشت؛ (و: بنمود)؛ متن = (پ) ۱۰- ل (نیز ب): پیمود؛ (و: بنوشت؛ آ: آمد به) ۱۱- س، ک، ل (نیز ل: ۳، و: ب): آن (ا: این) پیر؛ متن = ل (نیز ق: ۲، پ) ۱۲- (پ: داننده)؛ ق: این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۲۱۲-۱۲۱۴): فلما سمع قیصر ذلک کتب کتابا الی پرویز، و أرسل الیه رسولا، و أعلمه بما جرى بینة و بین علماء الروم ۱۳- ل، س، ک، ل (نیز ل: ۳، ا: ب): چو: متن = (ا) ۱۴- ک، ل (نیز ل: ۳، ا: ب): آنچه ۱۵- س، ک، ل (نیز ق: ۲، ل، و، ا: ب): از آن: ل (نیز ل: ۳، ا: ب): از: متن = ل؛ ق، ب: این بیت را ندارند ۱۶- ل: ۲، ۱۷- س: ل (نیز ل: ۳، ل، ۳، و: ب): آورد پیش؛ متن = ل (نیز ب) ۱۸- (پ: سخنهای یکایک) ۱۹- س: ل (نیز ل: ۳، ل، و: ب): سخن راند (ق، ل: ۳، ا: ب): گفت؛ با و (ق: وی) ز (س، ک، ل: ن: از) اندازه پیش؛ متن = ل (نیز ب: پ)؛ ل: آ پس از این بیت افزوده است:

به پیروزی اندر چنین گش شدی از اندیشه گنج سرکش شدی

۲۰- ق، ک، ل (نیز ا: ب): شنید (ا: ب): ۲۱- ل: ۲ (نیز ل: ۳، ا: ب): ز؛ متن = (ل: ب): ق: آ این بیت را ندارند ۲۲- ل: ۲ (نیز ل: ۳، ا: ب): ق: کزینسان؛ ق: آ این بیت را ندارند؛ ب پس از این بیت افزوده است:

بگفت آنچه بشنید از آن نامدار چو آمد بنزدیک خسرو فراز (ا)

۲۴- (ق: ل: ۲، ل: ۳، ل: ۱، ۲، ا: ب: همه) ۲۵- س، ل (نیز ب): رنج ما؛ (ا: سخنها همه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶- (ل: ۳، ل: ۲، ا: ب: که رفتیم) ۲۷- ل: زین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸- ل: ۲: رزم ۲۹- س (نیز ب): گشتم ازین رزم یاد (ب: باز) ۳۰- ل: ۲: از ۳۱- ل (نیز ق: ۲): به ایران میادا ۳۲- س: نژاد؛ ل: این بیت را ندارند؛ در پ: این بیت پس از بیت ۱۲۲۲ آمده است ۳۳- ل: ۲: نیاگان (ا) ۳۴- س، ک، ل (نیز ق: ۲، ا: ب): جهاندار و؛ متن = س، ل (نیز ل: ۳، ل، و، ل: ۲) ۳۵- ل: ۲: باکار (ا: ل: ق، ب: این بیت را ندارند

به بیداد کردند جنگ^۱ ار به داد
 سزد گر بپرسی^۴ ز دانای روم
 که هر^۸ کس که از روم^۹ شد سرفراز^{۱۰}
 ۱۲۲۵ نیاگان ما نامداران^{۱۲} بُدند
 نبرداشتند^{۱۵} از کسی^{۱۶} این گشی^{۱۷}
 کنون این سَخْن ها نیارد^{۱۹} بها
 یکی سوی قیصر بر از من درود
 بزرگان نیارند^{۲۵} پیش خرد
 ۱۲۳۰ ازین پس نه آرام جویم^{۲۶} نه خواب
 چو رومی نیابیم^{۲۸} فریادرس
 سَخْن هرچ^{۲۹} گفتم^{۳۰} همه خیره بود^{۳۱}
 فرستادگانم چو آیند^{۳۲} باز
 به ایرانیان^{۳۶} گفت: فرمان کنید!
 ۱۲۳۵ که یزدان پیروزگر یار ماست!

نگر تا ز پیران^۲ که دارد به^۳ یاد،
 که این بد^۵ ز زاغ^۶ آمدهست ار ز بوم^۷؟
 همی ز^{۱۱} آفریننده شد بی نیاز!
 به گیتی درون^{۱۳} کامگاران^{۱۴} بُدند،
 بلندی و تند^{۱۸} و بی دانشی!
 که^{۲۰} باشد^{۲۱} سر اندر^{۲۲} دم اژدها!
 بگوش که گفتار بی^{۲۳} تار و بود^{۲۴}،
 به فرجام هم نیک و بد بگذرد!
 مگر برکشم دامن از تیره آب^{۲۷}
 بنزدیک خاقان فرستیم کس
 که آب روان از بنه تیره بود^{۳۱}!
 بدین شارستان^{۳۳} در^{۳۴} نمانم^{۳۵} دراز!
 دل خویش را^{۳۷} زین سَخْن مشکند!
 جوانمردی و مردمی کار ماست^{۳۸}!

فرستاد نامه^{۴۰} به دست^{۴۱} نَخوار^{۴۲}

گرفت آن^{۳۹} سَخْن بر دل خویش خوار

- ۱- (و: ز بیداد کردن بدید) ۲- ک: نیران ۳- (و: تا که دارد ز پیران)؛ ق (نیز ق ۲)؛ ز کردار (ق: گردان و) پیران که کردند؛ متن = س. ل. ۲.
 ۲ (نیز ل. ن. ۳. پ. اب. ۱. ۱). ل. ن. اب. این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۲۱۵-۱۲۲۲): فلما وصل الرسول الی برویز عظم علیه ذلک فقال: إنا ما
 قاتلنا کم قط ابتداء، و لم نحر بکم ظلما و اعتداء ۴- ل: بپرسد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵- (و: که کینه) ۶- ل. ق. ک. (نیز ق ۲،
 ل. ن. ۲)؛ راغ (ل) ۷- ق: روم؛ (ب: کوی)؛ ا: که بیدادی آمد از آن مرزوبوم؛ و بنداری: و حقیق أن تسأل عالم الروم حتی تعلم أن الشر ظهر من
 الزاغ أو البوم ۸- (پ: نه هر؛ و هر آن) ۹- ل: در رزم؛ (ب: در روم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰- ق: بی نیاز ۱۱- (ق: و هم از)؛
 س این بیت را ندارند؛ در ل این بیت با بیت سپهین پس و پیش شده است ۱۲- (ق: سرفرازان؛ ل ۳، و. ل. ن. آ: تاجداران) ۱۳- س. س. آ (نیز
 ل. ن. ۳، و. ب): به دهر اندرون؛ متن = ل (نیز ق ۲، پ) ۱۴- (ق: و: شهریاران) ۱۵- (ل: نبرداختند) ۱۶- (ق: نبرداشندی ز کس)
 ۱۷- س. س. آ (نیز ل. ن. ق. ۲، ل. و. ب): سرکشی؛ متن = ل (نیز پ) ۱۸- (ق: آ: کندی) ۱۹- س. ل. آ (نیز ق ۱، ۲، ا. ب): ندارد؛ متن = ل. ق. ک. س. آ
 (نیز ل. ل. ۲. ل. ن. ۲) ۲۰- (ل: چو) ۲۱- س. ل. آ (نیز ل. ن. ۲، ب): دارد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- س. ن. گه از؛ (ب: سرت از)؛ متن = دووازه
 دستنویس دیگر ۲۳- ل: من؛ (و: ما)؛ متن = ۲۴- (ق: آ: ز گفتار بی بر چه سود)؛ س: به گفتار گوش چه بی تاره بود؛ متن = ده دستنویس
 دیگر ۲۵- س: تازنده؛ (آ: بیارند؛ ب: تارنده)؛ متن = یازده دستنویس دیگر (در ل. و نقطه ندارد)؛ س این بیت را ندارد ۲۶- (ل: نه آرام
 جویم ازین پس) ۲۷- ل: آفتاب؛ س: مرد آب (مرده آب؟)؛ (ل. ن. آ: تیره خواب)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸- س (نیز ب): نیاید
 به؛ (ق: نینیم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹- س. س. آ (نیز ل. ن. ق. ۲، ل. ۲، ب): هر چه؛ متن = ل ۳۰- ق: گشتی؛ س: آ: گفتند ۳۱- ل: شد؛
 متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲- (و. ل. ن. آ: بخوانید) ۳۳- ل. آ (نیز ل. ۳، ب، پ): شارسان ۳۴- س. پس: ک. ل. آ (نیز ل. ن. ق. ۲، ل. ۲، ا. ب):
 من؛ (و: تا)؛ متن = ل (نیز پ، ا) ۳۵- س (نیز ق ۲)؛ نباشم؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۳۶- ل (نیز پ): ایران
 (ل) ۳۷- (ل: و: خویشتن)؛ س. ل. آ، ب این بیت را ندارند ۳۸- بنداری (۱۲۲۴-۱۲۳۵): ثم إن کتتم لاتعرفون حق وفادتنا الیکم،
 ولاتصروحن المستجیر بکم فإنا إذا عاد أصحابنا خرجنا من بلادکم، و قصدنا الخاقان و استجدلناه ۳۹- ل. س. آ (نیز و. ل. ۲)؛ این؛ متن =
 ده دستنویس دیگر ۴۰- (ل: آ: پاسخ) ۴۱- (ق: آ: بنزد) ۴۲- س. ک. ل. آ، س. ل. آ (نیز ل. ن. ق. ۲، ل. ۲، و. ب): سوار؛ (ق: نیز پ)؛ تخوار؛ متن = ل: در ق
 این بیت با بیت سپهین پس و پیش شده است

برین گونه‌بر نامه‌یی خود نبشت^۱
 بیامد ز^۳ نزدیک خسرو نَخوار^۲
 چو قیصر نگه کرد و نامه بخواند
 ۱۲۴۰ و زان^۸ پس به دستور پُرمایه گفت
 نگه کن که خسرو بدین کارزار^{۱۱}
 گر ایدونک^{۱۴} گویی که^{۱۵} پیروز نیست
 بمانیم^{۱۸} تا سوی^{۱۹} خاقان شود
 و ر^{۲۱} ایدونک^{۲۲} پیروزگر باشد اوی^{۲۳}
 ۱۲۴۵ همان به کز ایدر شود با سپاه
 چو بشنید دستور دانا سَخُن
 ببردند^{۲۹} مردان^{۳۰} اخترشناس

نیامدش یاد از در^۲ خوب و زشت^۱
 چُنین تا در^۵ قیصر نامدار
 ز هر گونه اندیشه بر دل^۶ براند^۷
 که این رازها^۹ بازخواه^{۱۰} از نهفت:
 شود شاد اگر^{۱۲} پیچد از روزگار^{۱۳}؟
 از این^{۱۶} پس ورا^{۱۷} نیز نوروز نیست،
 چو بیمار شد، نزد^{۲۰} درمان شود!
 به شاهی بسان پدر^{۲۴} باشد اوی^{۲۳}،
 مگر^{۲۵} کینه در دل ندارد نگاه^{۲۶}!
 بفرمود تا^{۲۷} زیج‌های^{۲۸} کَهن،
 سَخُن راند تا ماند از شب^{۳۱} سه پاس،

۱-س. ل. ن. ۲: نوشت؛ ل: برنوشت؛ ق: ۲: پاسخ او نبشت؛ آ: نام خود برنوشت؛ ب: نامه باید نوشت؛ پ: مران نامه را زود پاسخ نوشت؛
 متن = ک. ل. (نیز ل. ۳) = س. ۲-س (نیز ب): اندر آن (ابن: ل) (نیز ق. ۲. پ): ز هر گونه‌یی اندرو؛ ک: که آمدش یاد از بر؛ متن = ل. ۲ (نیز
 ل. ۳. ن. ۱). ق. س. ۲. و این بیت را ندارند؛ بنداری: فرد الرسول بهذا الجواب؛ س. ۲ بجای آن افزوده است:

برو یکسره پنדהا بود بار فرستاد نامه بدست سوار

۳-ل. ۲ (نیز ق. ۱. ۲): به ۴-ل. ک. س. ۲: سوار؛ س. ق. (نیز ل. ۳. پ. ن. ۲. ب): تخوار؛ در ل. ن حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = ل. ۲ (نیز ق. ۲). ه. ک:
 بر؛ و این بیت را ندارد ۵-س (نیز ب): در دل؛ س: اندیشه خود؛ (ق. ۲. و: اندیشه دل)؛ ق: ز کار گذشته سخنها؛ متن = ۷-س. ۲: نشاند؛
 (ب: اندیشه خوب راند؛ آ: گونه‌ای بر دل اندیشه راند)؛ متن = ل. ک. ل. ۲ (نیز ل. ن. ۳. ق. ۲) = ۸-ل (نیز ق. ۲)؛ از آن؛ متن = دوازده دستنویس
 دیگر ۹-ل: راه؛ (و: ما)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ن. ق. ۲. ل. ۲. ب): بازجوی؛ متن = ل. ق. س. ک. ل. ۲. س. ۲.
 ق. ۲. ل. ۳. پ. آ. ب. پس از این بیت افزوده‌اند:

ردنرا و کنداران را (پ: کنداگران راه ل. ۲. همه نامداران خود را؛
 ب: همه نامداران رومی) بخوان (س. ل. ۲. س. ۲: بخواند)

ل. ق. ل. و. ن. ۲ این بیت را ندارند ۱۱-س (نیز ق. ۲): درین روزگار ۱۲-س (نیز ل. ن): ارا؛ (ل. ۲: وگر؛ و: یا) ۱۳-س (نیز ق. ۲): کارزار؛
 بنداری: ولما وصل الی قیصر و وقف علی کلام برویز خلا بوزیره و قال: انظرو فی احکام النجوم الثواقب، و استشفوا آسار العواقب؛
 در ل. پس از این بیت، بیت ۱۲۵۳ آمده است؛ س. پس از این بیت افزوده است:

همه نامداران رومی بخواند ز کار گذشته فراوان براند (ج. ۱۲۴۰ پ)

۱۴-ل. (ل. ۲. ل. ۳): آکه ۱۵-س. ق. ل. ۲. س. (نیز ل. ن. ب): گویند؛ ک: گویند؛ متن = ل. ۱۶-ل (نیز ب): از آن؛ س. ۲: وزین؛ متن = یازده دستنویس
 دیگر ۱۷-س. ۲: ترا؛ (ن: مرا)؛ ل در اینجا سرنویس دارد: دیدن قیصر اختر خسروپرویز را ۱۸-ل (ن. ۲. ب: نامتیم) ۱۹-ل. (ل. ۳. و. ن. ۲:
 پیش) ۲۰-س. ک. ل. (نیز ل. ق. ۲. پ. ن. ۲. ب): پیش؛ ق. س. ۲ (نیز ل. و. ب): سوی؛ متن = ل. ۲۱-ق: (ب: ک: نیا؛ ل. ۲. ب. آ: که) ۲۳-ل. ک. ل. (نیز
 ل. ۳. و. آ. ب): او؛ متن = ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ق. ۲. پ): (و: باشیم پیروزگر - بود همشان پدر) ۲۴-ک: نیا؛ ل. ۲ این بیت را ندارد ۲۵-ق:
 اگر ۲۶-س (نیز ب): بر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری (۱۲۴۲-۱۲۴۵): فان كان برویز قوی الطالع منصورا علی هذا العذر
 أعتاه و أمدهاه حتی لا تزوع العداوة فی قلبه (۱۲۴۴-۱۲۴۵). و إن كان الأمر علی خلاف ذلك فأعلمونا حتی نخلی سبيله، و نرمی
 بحبله علی غار به ليقصد الخاقان أو من أراد (۱۲۴۲-۱۲۴۳) ۲۷-ق: برفتند با ۲۸-ق. (ن. ۲. ب: رنجهای) ۲۹-س: ببردند و ۳۰-ک: با
 مرد ۳۱-ق (نیز ق. ۲): با نامداران؛ (ل. ۳): تا شب گذشته؛ ا: رانندند تا گذشته؛ بنداری: قاشار الوزير عند ذلك باستحاضا المنجمين

به قیصر چنین گفت کای تاجور!^۱
 کز اختر فلاطون فگندهست بُن^۲،
 ز^۳ شاهنشهی^۴ گردش^۵ نو رسد^۶،
 برو گرد تیره نبارد^۷ گذشت!^۸
 که بیرون شد این راز او^۹ از نهفت،
 بدین کار او رای فرخ نهیم^{۱۰}!^{۱۱}
 که در آسمان اختر افگند بُن،
 جهاندار بادا ترا^{۱۲} یار و^{۱۳} بس^{۱۴}!^{۱۵}
 وُرا^{۱۶} یار خواهد، تن آسان شود،
 ز کین تو هرگز نپردازد اوی^{۱۷}!^{۱۸}
 برین^{۱۹} آرزو بر^{۲۰} تواناتری!^{۲۱}
 فرستیم ناچار نزدیک شاه^{۲۲}،
 کنم خوار^{۲۳} تا دور مانم ز^{۲۴} رنج!
 بران^{۲۵} آفرین^{۲۶}، آفرین^{۲۷} بر فرزند،

سرانجام مرد ستاره شمر
 نگه کردم این^۱ زیج‌های^۲ کهن^۳
 ۱۲۵۰ نه بس دیر شاهی به خسرو^۴ رسد
 برین^۵ گونه تا سال بر^۶ سی‌وهشت
 چو بشنید قیصر به دستور گفت
 چه گویی، مر او را^۷ چه پاسخ دهیم؟
 گرانمایه دستور گفت: این^۸ سخن^۹
 ۱۲۵۵ به مردی و دانش نبرگاشت^{۱۰} کس
 چو خسرو سوی مرز^{۱۱} خاقان شود
 چو لشکر ز جایی^{۱۲} دگر سازد اوی^{۱۳}
 نگه کن تو اکنون که^{۱۴} داناتری!^{۱۵}
 چنین گفت قیصر که اکنون سپاه
 ۱۲۶۰ سخن^۱ چند پیچی^۲، همان به که گنج
 همانگه یکی^۳ نامه بنیشت^۴ زود

- ۱- (ن، و: نامور) ۲- (و: از) ۳- ل ۲ (نیز ل ن)؛ رنجهای ۴- ل ۴: کز آخر فلاطون فگندست تن (ل)؛ ق این بیت را ندارد ۵- (ق)؛
 خسرو به شاهی) ۶- (آ: به) ۷- (ل، ن)؛ شاهنشهان) ۸- ک (نیز ل، پ: گردش)؛ (آ: خسرو) ۹- (ق)؛ همین روز تیره ازو
 بگذرد؛ ق این بیت را ندارد ۱۰- س: بران ۱۱- ق-س (نیز ل، ن، پ، ل ن)؛ بر سال تا؛ متن = ل، س (نیز ق، آ، و، آ، ب) ۱۲- س (نیز ل)؛
 نشاید؛ بنداری (۱۲۴۸-۱۲۵۱): فلما حضرو أمرهم بالنظر فی طالع برویز ففعلوا، ثم قالوا: إنه، علی اختیار أفلاطون، عن قریب یعود
 إلیه ملکه و یفقرز علیه تاجه و تخته، ثم یتمادی ملکه الی ثمان و ثلاثین سنة ۱۳- آرزو؛ (نیز ق)؛ رازها؛ متن = یازده دستنویس
 دیگر ۱۴- س-س (نیز ل، ن، ق، آ، ب)؛ گوئیم و این را؛ متن = ل ۱۵- س-س (نیز ل، ن، ق، آ، ب)؛ یکی (ق، آ: نگر؛ ق)؛ پ: همی) تا
 (ل)؛ (را) برین (ق، ل)؛ بدین گفته (ق: خسته؛ ق: آ: گونه؛ ل: آ: رای؛ پ: ریش؛ و: زخم) مرهم (ل: فرخ) نهیم؛ متن = ل؛ در ل این بیت
 پس از بیت ۱۲۴۱ آمده است ۱۶- س، ک (نیز ل، ن، پ، آ، ب)؛ آن؛ متن = ل، ق، ل، س، آ، س (نیز ل، ن، ق، آ، و، ل، ن)؛ ۱۷- ل: کجا داشت؛ (ق: نیز ل، ن، آ،
 ب)؛ نبرداشت؛ س: بیرگاز؛ (ق: ترا داشت)؛ متن = س، س، ک (ل، ن، پ، آ، و) ۱۸- (ب: برو) ۱۹- (ق: آ: ب: جو) ۲۰- ل: جهانداورد
 باد فریادرس؛ متن = س-س (نیز ل، ن، و، ل، ن)؛ (آ: بنداری: فقال الوزیر عند ذلک لقیصر: إن الرجل مسعود منصور ۲۱- (ب: شهر)؛ س:
 نزدیک؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲- (ن، و، ل، ن، آ، و: زو؛ ق: آ: ازو)؛ ل این بیت را ندارد ۲۳- ل، س، ق، ل، س (نیز ل، ن، ق، آ)؛ جای؛
 متن = ک (نیز ل، آ، ب) ۲۴- ل-ک (نیز ل، ن، آ، ب)؛ او؛ متن = ل، آ، س (نیز ل، ن، پ، و) ۲۵- ل، ق، س؛ اکنون تو (س: تا)؛ که (ق: ل، ن،
 پ، و: که اکنون تو)؛ متن = س، ک (ل، ن، آ، ب) ۲۶- ل، ق، ک (نیز ل، ن، پ، و، آ)؛ بدین؛ متن = س، ل، س (نیز ل، ن، ق، آ، ن، پ، آ)؛ ل-
 ق: ها؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و إن تمدّه أنت التجأ الی الخاقان فأمدّه بالعاکسک و الأموال الی أن یتمکن من الملکک، و
 عند ذلک لا یقصد إلا قصدک، و لایروم غیر بلاد الروم ۲۸- ل: با پیل و گاه؛ س: فرستاد باید نزدیک شاه؛ متن = دوازده دستنویس
 دیگر؛ ق در اینجا سرنویس دارد: نامه قیصر نزدیک خسرو پرویز به پوزش ۲۹- (و: چنین) ۳۰- ل (نیز ل، ن، ق، آ، ب)؛ گوئیم؛ ک (نیز ل، ن، و):
 بیچم؛ متن = س، ق، ل، س (نیز ل، ن، آ، ب) ۳۱- ل: خوا (خوار) ۳۲- ک: به؛ بنداری: فقال قیصر: الأولى أن ندریبه و نصره، و
 لانخذله ۳۳- س (نیز ب)؛ که آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۴- ل، س، ق، ل، س (نیز ل، ن، ق، آ، و، ب)؛ بنوشت؛ متن = ک (نیز پ)
 ۳۵- (ن، ل، ن، آ: بدان) ۳۶- (و: به جان آفرین) ۳۷- ل: کافرین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر

زن و کودکانشان ببرند^۲ اسیرا
 نباید که آید ترا زان^۳ شگفت!
 مبادا بدی^۴ کردن آیین ما!
 همان دوری از^۵ کژی و^۶ کاستی!
 و زین^۷ در فراوان سخن رانندیم^۸،
 همه زهر گیرنده^۹ تریاک شد!
 نگوید^{۱۰} کس از روزگار کهن!
 زبان را^{۱۱} به پیمان گروگان کنم!^{۱۲}
 که^{۱۳} بر^{۱۴} ما نباشد کسی بدگمان!^{۱۵}
 نگیرم چنین رنج‌ها سست و^{۱۶} خوار!
 نفروشم^{۱۷} این رنج‌ها را^{۱۸} به چیز!
 از^{۱۹} ایران کسی نسترد^{۲۰} مرز روم^{۲۱}!
 بسازید^{۲۲} با ما^{۲۳} و خویشی کنید^{۲۴}!
 وگر ناسرا کارزاری بود،
 بود نیز گه‌گه^{۲۵} که کهنتر^{۲۶} شویم^{۲۷}!^{۲۸}

ز خون سران دشت شد^۱ آبگیر
 ۱۲۷۵ اگر مرد رومی به دل^۲ کین گرفت
 خود آزدنی^۳ نیست^۴ در دین ما
 ندیدیم چیزی به از راستی
 ستمدیدگان را همه خواندیم^۵
 به افسون دل مردمان پاک شد!
 ۱۲۸۰ بدین^۶ بر نهادم کزین^۷ در^۸ سخن^۹
 به چیزی که گویی تو^{۱۰} فرمان کنم!^{۱۱}
 شما را زبان^{۱۲} داد باید همان^{۱۳}
 بگویی که تا من بوم^{۱۴} شهریار
 نخواهم من^{۱۵} از رومیان باز^{۱۶} نیز
 ۱۲۸۵ دگر هرج^{۱۷} دارید^{۱۸} ازین^{۱۹} مرز و بوم^{۲۰}
 برین^{۲۱} آرزو نیز^{۲۲} بیشی کنید^{۲۳}
 شما را هر آنکه که کاری بود
 همه^{۲۴} دوستدار^{۲۵} و برادر شویم^{۲۶}

۱-س، ک (نیز، ن، پ، ن، آ، ب)؛ گشت؛ (و: سران شد روان)؛ متن = ل، ق، ل، س، آ (نیز ل) ۲-ق: کودکان نیز بردند؛ س: کودکان را
 ببرند ۳-ق: (دگر) ۴-ل، س، ل (نیز، ن، ن، آ، ب)؛ آن؛ ک (نیز ق، آ، و)؛ این؛ س ۲ (نیز ل، آ، ق)؛ زین؛ متن = ق (نیز پ) ۵-س: آ: آزار را؛
 (پ، ب: آزاردن؛ ق: که آزار خود) ۶-و: (نباشد خود آزار) ۷-ل، آ: بدین ۸-ا: (مبادا ز ما) ۹-ن (آ، و)؛ بنداری (۱۲۶۸-۱۲۷۷):
 و لم یکن هذا التواني إلا من أجل تذکرنا ماتم علينا من الملوك الماضين، من رضائهم الی بلادنا و فتکائهم برجالنا ۱۰-ل (نیز و)؛ -م؛
 متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-ق: (آ: ازین) ۱۲-س: گزنده؛ ق (نیز و)؛ که زهر گزاینده؛ س: آ: ز زهر همه پاک؛ متن = ده دستنویس
 دیگر ۱۳-ل (نیز، ن، پ، ن، آ، ب)؛ بدان؛ س، ک، س، آ: برین؛ ق (نیز ق، آ، ل، آ، و، آ)؛ بران؛ متن = ل، آ ۲-ق: کزان؛ س: آ: درین ۱۵-ا: (پس)؛ ک
 (نیز ق ۲)؛ بر نهادند یکسر ۱۶-ک: نگیرد؛ ا: (بگوید)؛ بنداری (۱۲۷۸-۱۲۸۰): و الآن قد استحضرننا الذین کانوا متألمین من آثار
 سطواتکم فانتزعنا ما کان فی قلوبهم من غل، و ظهرنا بواطنهم من کل حقد، و قزرننا ألا یدکروا ما مضی فی الزمان الأزل ۱۷-س (نیز
 ن)؛ گوئید؛ ق: گفתי تو؛ س: گوئید که؛ (ن: آ: ب: گوئیت؛ آ: گویند)؛ متن = ل، ک، ل، آ (نیز ق، آ، ل، پ، و) ۱۸-س، ک (نیز، ن، ل، آ، پ، و، ب)؛
 کنند؛ ق (نیز ن، آ)؛ کنیم؛ ل، آ، س ۲ (نیز ق، آ، ا)؛ کنید؛ متن = ل ۱۹-ل: روان (ح: زوان؟)؛ را؛ س، ق، ل، آ، س ۲ (نیز، ن، پ، ن، آ، ا، ب)؛ روان
 (ح: زوان؟)؛ ما؛ متن = ک (نیز و) ۲۰-ن: (ن: زان) ۲۱-س: کتون - رهنمون؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۲-ک: <که > ۲۳-ل (آ: با)
 ۲۴-ل (آ: شوم؛ آ: با من بود) ۲۵-ق: جو < ۲۶-ل: نخواهیم؛ (و: نخواهی تو؛ ن: نخواهم ح: من)؛ متن = س، س، س (نیز، ن، ن،
 ق، آ، پ، ب) ۲۷-ل (آ: نه از رومیان باز خواهیم) ۲۸-و: (نفروشی) ۲۹-ا: (نه این رنجها را نفروشم)؛ بنداری (۱۲۸۱-۱۲۸۲): و یکونوا
 ممثلین لأوامرک، داخلین تحت طاعتک، و یحالفوک و تحالفهم علی أنک ما دمت علی تختک لا تطالب الروم بخراج ۳۰-س، س، س ۲
 (نیز، ن، ق، آ، ل، آ، ب)؛ هر چه؛ متن = ل ۳۱-ک (نیز آ)؛ دارند ۳۲-ل: زان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۳-س: آ: روی بوم؛ (و: مرز
 روم) ۳۴-ک (نیز ق، آ، و)؛ ز ۳۵-س ۲ (نیز آ)؛ نشمرده؛ ک: ایران زمین نشمرد ۳۶-س، ل، آ (نیز، ن، ق، آ، ن، آ، و)؛ بوم روم؛ س: آ: مرز و بوم؛
 متن = ل، ک (نیز ل، آ، پ، ب)؛ (و: ویران گیتی و آباد بوم)؛ ق: این بیت را ندارد ۳۷-س ۲ (نیز، ن، ق، آ، ل، آ، ن، آ، ب)؛ بدین؛ (و: بران)؛ متن = ل،
 س، ک، ل (نیز پ) ۳۸-ل: آرزو هام؛ (آ: آشتی نیز)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۹-و: (کنی) ۴۰-س: آ: نیارید ۴۱-و: (که با ما بسازی)؛ آ:
 بیارند و پیوند)؛ ق: این بیت را ندارد ۴۲-س: آ: همان ۴۳-ا: (دوستار) ۴۴-س: آ: شود؛ (ق: آ: شوند) ۴۵-ل (نیز ل، آ)؛ گاهی؛ متن = یازده
 دستنویس دیگر ۴۶-س، ل، آ (نیز، ن، ب)؛ بهتر؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، آ، و، ن، آ، و)؛ (ق: آ: گهی که شوی گاه مهتر)

که سرها بدادند هر دو^۱ به باد
 مسیح پیامبر^۴ چنّین کرد یاد
 بسی چاره کرد اندر آن^۶ خوشنواز
 چو پیروز با او درشتی نمود
 ۱۳۰۵ شد آن لشکر و تخت شاهی به باد
 تو برنایی و نوز^{۱۱} نادیده کار
 مکن یاری^{۱۳} مرد پیمان شکن
 بران^{۱۷} شاه نفرین کند تاج و گاه
 کتون نامه‌ی من سراسر بخوان!
 ۱۳۱۰ سخن‌ها نگه دار و پاسخ نبیس^{۲۱}!
 نخواهم که این راز داند دبیر
 چو برخوانم این^{۲۴} پاسخ نامه را
 همانگه^{۲۶} سلیح^{۲۷} و سپاه و درم
 هر آنکس که بر تو گرمی‌ترست
 ۱۳۱۵ ابا آنک زو^{۳۲} کینه^{۳۳} داری^{۳۴} به دل

-جهاندار پیمان شکن خود^۲ مباد^۳!
 که پیچد خرد، چون بیچید^۵ ز داد!
 که پیروز را سر نیاید^۷ به گاز،
 ندید اندر آن کار جز^۸ تیره‌دود،
 چو پیچیده^۹ شد شاه را سر ز^{۱۰} داد!
 چو خواهی که بر یابی^{۱۲} از روزگار،
 که پیمان شکن کس^{۱۴} نیرزد^{۱۵} کفن^{۱۶}!
 که پیمان شکن باشد و کینه‌خواه!
 -گر^{۱۸} انگشت‌ها^{۱۹} چرب داری به‌خوان^{۲۰} -
 همه خوبی اندیش و فرخ نبیس^{۲۱}!
 تو باشی نبیسنده^{۲۲} و تیزویر^{۲۳}!
 بینم دل مرد خودکامه^{۲۵} را،
 فرستیم^{۲۸} تا دل نداری دژم^{۲۹}!
 وگر^{۳۰} نزد تو^{۳۱} نیز نامی‌ترست،
 به مردی ز دل کینه‌ها برگسیل!

۱- (ق:آ:سه) ۲- س، ک، ل (نیز:ن، ل، ی، ن، آ، ب)؛ کس؛ متن = ل ۳- (ق:آ:ب)؛ چو پیچیده شد شاه راسر (ق:آ:دل)؛ ز داد = ۱۳۰۵؛ در
 ب در کناره تصحیح شده است)؛ ق این بیت را ندارد ۴- ل، ک (نیز:ن، ل، ی، آ)؛ پیمبر؛ متن = ل ۵- ک، ل (نیز:ن، ل، آ، ب)؛ بیچی؛ ق:
 دلت چون بیچی؛ متن = ل، س (نیز:ل، ی، و، ن، آ، ب)؛ ق:آ، ب این بیت را ندارند؛ در آ این بیت پس از بیت ۱۳۰۷ آمده است ۶- ک؛ اندرین؛
 (ل:آ:اندرون) ۷- در ل، ن حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند؛ ک (نیز:ل:آ)؛ نیارد؛ ل:آ: بیزد؛ (آ: برآرد؛ ب: نیامد؛ ل: پیروز سر درنیارد)؛
 متن = س (نیز:ب:ن، آ)؛ ق:آ این بیت را ندارند ۸- ک (نیز:ل، ی، و، آ)؛ جنگ جز؛ ل: بدید (نقطه ندارد) اندر آن جایگه؛ متن = س، ل ۹
 (نیز:ن، ل، آ، ب)؛ ق:آ این بیت را ندارند ۹- ل: بیچید و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- (ل:آ، و: دل ز؛ آ: نکرند از آن پس کس از
 شاه)؛ ق:آ این بیت را ندارند ۱۱- (ل:آ: نیز؛ ن:آ: پور) ۱۲- س، ک، ل (نیز:ن، ل، آ، ب، ن، آ، ب)؛ که یابی بر؛ (ق:آ: ندیده بد و نیک)؛
 متن = ل (نیز:و)؛ ق:ل، ی این بیت را ندارند ۱۳- (ن: یاری از؛ ل: مده بازی) ۱۴- س: خود؛ (ل: خاک؛ ن:آ: کش؛ آ: شاه)؛ متن = ل، ک، ل ۲
 (نیز:ن، ق:آ، ب، و) ۱۵- ل: ببوشد؛ س، ک، ل (نیز:ن، ل، آ، ب)؛ نه اززد؛ (ل: دارد؛ آ: نرزد)؛ متن = (ق:آ، ب، و) ۱۶- (ل:آ: بد بود زانجمن)؛
 ق این بیت را ندارد ۱۷- ل، ک: بدان؛ (ل: همان)؛ متن = س، ق، ل (نیز:ن، ق:آ، ب، و، ن، آ، ب)؛ ل، آ، آ این بیت را ندارند؛ بنداری
 (۱۲۹۱-۱۳۰۸)؛ و تحطبت الینا بعض کرائمنا حتی تلثمح بیننا أواصر الرحم، و يتسق شمل العقد المنتظم، ثم تلزم بعد ذلک الوفاء
 بالعهد فإن التخت و التاج یلعنان من ینقض میرمات الأیمان ۱۸- (ب: که) ۱۹- ک (نیز:ق:آ)؛ انگشت را؛ ل: آن کشنها (مانگشتها)
 ۲۰- ک: بران؛ ق:آ این بیت را ندارند ۲۱- ل، س، ق، ل (نیز:ن، ب)؛ نویس؛ متن = ک ۲۲- ل، ق، س، ل (نیز:ق:آ، ب)؛ نویسنده و؛ س (نیز:ن، ل، آ،
 ب)؛ نویسنده؛ ل (نیز:ل، ی)؛ باش ای (ل: این) نویسنده؛ (ن:آ: باش ای پسندیده)؛ متن = ک (نیز:ب) ۲۳- (ق:نیز:ق:آ، ب)؛ یادگیر؛ ل:آ:
 پرویز (تیزویر)؛ بنداری؛ و کتبت کتابی هذا بخطی حتی لایقف علیه الکاتب، و لایعلم به الدستور و الصاحب. فتدبر معانیه و احفظ
 ما فیه ۲۴- (ل: خوانیم آن) ۲۵- س: بدکامه؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۶- ل، س (نیز:ب)؛ همانا؛ متن = دوازده دستنویس دیگر
 ۲۷- س (نیز:ل، ی، و)؛ سلاح ۲۸- (ل: فرستم که؛ ل: فرستمت) ۲۹- س، س (نیز:ن، ل، ی، و، آ، ب)؛ به غم؛ متن = ل (نیز:ق:آ، ب)؛ (و:و)
 یا) ۳۱- (ل: وزین مهتران) ۳۲- (ل: آن کزو؛ ل: آنکه او؛ پ، ن، آ: آنکه زو؛ آ: آنکه ازو) ۳۳- س:آ: کینه تو ۳۴- (ل:آ: دارد)

مکن^۳ روز بر دشمن و دوست رخس^۴!
 جهاندار^۵ با لشکر و تاج و تخت،
 روان^۶ را سوی راستی راه^۸ کن!
 نگهبان کوشنده^۹ درویش باش!
 نیازد به تاج و به تخت تو کس^{۱۰}!
 جهان را ز دشمن نگهدار بود،
 بیفزودشان فرّو^{۱۴} ایزدی
 تن خویش و هم^{۱۷} پاک فرزند^{۱۶} را،
 زبان را به پندت بیاراستیم^{۱۸}

برو^{۲۱} بر نهادند مْهری ز مُشک،
 فرستاده را داد و کرد آفرین!

گناهِش به یزدان^۱ دارنده^۲ بخش!
 چو خواهی که دardت پیروزبخت
 ز چیز کسان دست کوتاه کن^۴!
 نوازندهی مردمِ خویش باش!
 ۱۳۲۰ چو بخشنده باشی و فریادرس
 ز^{۱۱} شاهان هر آنکس که بیدار بود
 ز دشمن^{۱۲} ندیدند هرگز^{۱۳} بدی
 بزرگی که خواهند^{۱۵} پیوند^{۱۶} را
 کنون ما یکایک ترا خواستیم

۱۳۲۵ چو عنوان آن^{۱۹} نامه برگشت^{۲۰} خشک
 بران^{۲۲} مْهر^{۲۳} بنهاد قیصر^{۲۴} نگین

گفتار اندر رسیدن نامهی قیصر روم بنزدیکِ خسروپرویز^{۲۵}

ز^{۲۸} پیوستن^{۲۹} آگاهی^{۳۰} نو رسید،
 دگرگونه گردهمی بر سپهر:
 سَخُن گفتنش سربرسر سودمند
 بیزد ز روم و ز ایران زمین

چن^{۲۶} آن نامه نزدیک^{۲۷} خسرو رسید
 به ایرانیان^{۳۱} گفت کامروز^{۳۲} مْهر
 ز قیصر یکی نامه آمد بلند^{۳۳}
 ۱۳۳۰ همی راه جوید که دیرینه^{۳۴} کین

۱- (ب: به مردی گناهِش به) ۲- س: دارا؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳- س: بکن؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۴- ق: س (نیز لی: ا): بخش (در س آ: حرفهای یکم و دوم بی نقطه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵- ل: جهاندار و؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۶- ل: دارا؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۷- ک: بدان ۸- س: آ: دانشی راه؛ (و: ب: روشنی راه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- س: آ: مسکین و؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- ل این بیت را ندارد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۱- س: آ: که؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲- (و: ب: گیتی) ۱۳- س: آ: ندیدند هرگز ز دشمن ۱۴- (لی: نگهداشتندی ره)؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ در س آ: تهای این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۵- س: آ: چو خواهند و؛ (ب: بخواهید؛ ل: آ: بزرگان بخواهند) ۱۶- ق: س: آ: (نیز لی: فرزندان پیوند ۱۷- ل: آ: و هر؛ ق: س: آ: (نیز لی: پ، و، آ): خویش را؛ ک: خویشتن؛ (ق: آ: خویش از بهر)؛ متن = س (نیز ل، ن، آ، ب)؛ ل این بیت را ندارد؛ در ک بیت‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۲۴ پس از بیت ۱۳۲۷ آمده‌اند ۱۸- ل این بیت را ندارد؛ بنداری (۱۳۱۲-۱۳۲۴)؛ ثم اکتب جوابه، وثق منی بکل خیر، و آخرج من فلیک کل هم و فکر (۱۳۱۶-۱۳۲۴ را ندارد) ۱۹- ل: آ: حآن > ۲۰- س: آ: را کرد؛ (ق: آ: شد از باد؛ و: کردند) ۲۱- (لی: بدو) ۲۲- س: آ: (نیز آ): بدان ۲۳- ک (نیز ق: آ): نامه ۲۴- ق: مهتر؛ بنداری (۱۳۲۵-۱۳۲۶)؛ ثم ختم الکتاب و نغده الیه ۲۵- س: رسیدن نامه قیصر روم بنزدیک خسروپرویز؛ ق: عهدنامه قیصر از خسروپرویز؛ ل: نامه نوشتن خسرو به قیصر و عهد کردن او؛ س: عهدنامه خسرو جهت قیصر؛ متن = ۲۶- ل: س: آ: (نیز ل، ن، آ، ب): چو؛ متن = (۱) ۲۷- (ق: آ: چونامه بنزدیک) ۲۸- ک: به ۲۹- (لی: بنوشتن) ۳۰- (ل: آ: آگاهی)؛ س: آ: این بیت را ندارد ۳۱- (ن: ایران) (ل: آ: س: ک: س: آ: (نیز ل، ن، آ، ب): امروز؛ متن = ل، ق، ل: آ: (نیز ق: آ: پ، و) ۳۳- س: ل: آ: (نیز ل، ن، ل، آ): به بند؛ (پ، و، ل، آ: ب: به بند)؛ متن = ل، س: آ: (نیز ق: آ: ۱)؛ چوینه؛ متن = چهارده دستنویس دیگر

که هر گه که برخاست^۱ کین از میان،
 بماند^۵ تهیدست^۶ چندین سپاه!
 نیسند بر^۸ تاج‌ها نام تو!
 بپرداخت^{۱۱} خسرو ز بیگانه جای
 بفرمود^{۱۴} تا پیش او شد دبیر
 بر^{۱۶} آیین شاهان خط^{۱۷} خسروی^{۱۸}،
 ز گردنده خورشید و آرمیده خاک^{۱۹}،
 مرا^{۲۱} باشد ایران و گنج و سپاه،
 نه لشکر فرستم^{۲۵} بدان^{۲۶} مرز و بوم^{۲۷}!
 اگر چند بیکار و بی‌ارز بود^{۳۰}،
 ازین^{۳۳} پس^{۳۴} نبشته^{۳۵} فرستیم و^{۳۶} چک^{۳۷}!
 که پاکست و پیوسته‌ی قیصرست،
 بدین^{۴۱} خواستن دل بیاراستیم^{۴۰}!
 از^{۴۵} ایران و اندر پناه تواند^{۴۴}،

چنین یافت پاسخ ز ایرانیان
 نجوید کس از مهتران^۲ باج^۳ شاه^۴
 گر^۷ این راست گردد به هنگام تو
 چن^۹ ایشان بر آن^{۱۱} گونه دیدند رای
 ۱۳۳۵ دویست^{۱۲} و قلم خواست^{۱۳} چینی‌حریر
 یکی نامه بنیشت^{۱۵} بر پهلوی
 که پذیرفت خسرو ز یزدان پاک
 که تا من بوم^{۲۰} شاه در پیشگاه
 نخواهم^{۲۲} ز دارندگان^{۲۳} باز^{۲۴} روم
 ۱۳۴۰ هر آن شارستانی^{۲۸} کزان^{۲۹} مرز بود^{۳۰}
 به قیصر سپارم^{۳۱} همه یک‌بیک^{۳۲}
 همان نیز دختر کزان مادرست
 به همداستانی^{۳۸} پدر^{۳۹} خواستیم^{۴۰}
 هر آنکس که در^{۴۲} بارگاه^{۴۳} تواند^{۴۴}

۱-ل: که هرگز نه برخاست؛ ق: که هر کو نه برخاست؛ ا: که بهتر که برخاست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر (ل: ۲: برخاست)
 ۲-ک، س: ۲ (نیز ل، ل: ۳): کهران؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳-ق، س: ۲ (نیز ل، ل: ۳، پ، ن، آ، ب): تاج؛ در س، ق، آ، و: آ حرف یکم بی نقطه و
 در ک سیاه شده است؛ متن = ل: ۲ (نیز ن: نخست تاج داشته) ۴-ق، س: ۳: و گاه ۵-ل، آ، ن، آ: ۲: نماند؛ در و حرف یکم بی نقطه) ۶-ب:
 چنین دست؛ ل این بیت را ندارد ۷-ل، ق: چو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-ل، س، س: ۲ (نیز ن، ل: ۳، و، ب): نویسد بر؛ ق:
 نویسد ابر؛ متن = ک، ل: ۲ (نیز پ) ۹-ل، س: ۲ (نیز ن، ل: ۳، ب): چو؛ متن = (۱) ۱۰-ق (نیز پ): بدین؛ ک، ل: ۲ (نیز ل: ۳، و): بر این؛ (لی:
 بدان)؛ متن = ل، س، س: ۲ (نیز ن، ق، آ، ن، آ، ب) ۱۱-ل (نیز ق، آ، و): بپرداخت؛ متن = س-س: ۲ (نیز ن، ل، آ، ب) ۱۲-ل، س، س: ۲ (نیز ق، آ، ل،
 پ، و، ن: ۲): دوات؛ متن = ق، ک، ل: ۲ (نیز ن، ل، آ، ب) ۱۳-س: ۲ (نیز ل، ن، آ، ب): چو ۱۴-در ل حرف یکم نقطه ندارد؛ متن = چهارده
 دستنویس دیگر: بفرمود - نفرمود؟ (- ۱۳۱۱، ۱۳۶۰) ۱۵-ل، س: ۲ (نیز ن، ل: ۳، و، ب): بنوشت؛ متن = (پ) ۱۶-ل (لی: به) ۱۷-ب:
 خطی؛ ب: ابر) ۱۸-ق، ل: بیغوی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر: بنداری (۱۳۲۷-۱۳۳۶): فلما وقف برویز علیه خلا بنفسه، و استحضر
 الدواة والقلم، وكتب بخطه جواب ذلك الكتاب ۱۹-ل، س، ق، ل: ۲ (نیز ق، آ، ل، و): تا؛ س: و ز؛ ل: ۲ (از تیره خاک؛ ک: و آمده خاک؛ س: آ:
 چو) آمده خاک؛ (پ: و دارنده خاک؛ ن: آ: و آرمیده خاک)؛ متن = (ن، ل، آ، ب: در ن، آ: حرف چهارم آرمیده بی نقطه) ۲۰-ل، ن: او بود؛
 س: آ: من شوم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱-ل: ورا؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲-ل: نخواهد؛ متن = چهارده دستنویس
 دیگر ۲۳-ق: ۲: دارنده؛ لی: داندگان) ۲۴-ل: (ن: آ: باج) ۲۵-ل: فرستد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۶-ل: بران؛ (لی: ل: آ، و: آ: بدین)؛
 متن = ده دستنویس دیگر ۲۷-ل (ن، ن، ل: ۳، و: آ: مرز بوم) ۲۸-ل: ۲ (نیز ل، ل: ۳، پ): شارسانی ۲۹-ل: ۲ (نیز ن، ل، آ، ب، و، آ: کزین؛ متن = ل-ک،
 س: ۲ (نیز ق، آ، ن) ۳۰-ل (لی: که از مرز روم-بوم) ۳۱-ل: سپارد؛ ک، ل، س: ۲ (نیز ن، ل، ل، آ، ب: سپردم؛ متن = س (نیز ق، آ، پ،
 و) ۳۲-ل (و: سربسر) ۳۳-س: ۲: وزین؛ (ل: آ: از آن) ۳۴-ل (و: هم) ۳۵-ل، ل، س: ۲ (نیز ل، آ، و): نوشته؛ ک: فرستد؛ (ن: سرشته)؛ متن = س
 (نیز ن، ق، آ، ل، پ، آ، ب) ۳۶-س: ۲ (نیز پ، و، ن: ۲): چو؛ (لی: نبشته ازین پس فرستیم) ۳۷-ل (و: فرستم دگر)؛ ق این بیت را ندارد؛
 بنداری (۱۳۳۷-۱۳۴۱): و قال: إني قد جعلت لله عليّ أني ما دمت عليّ تخت إيران لأطلب خراج الروم و لأقصد بلادهم بوجه من
 الوجه ۳۸-ل، ق، ل: ۲ (نیز پ: ا): همداستان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۹-ک: ازو؛ (لی: بدو) ۴۰-س، س، س: ۲ (نیز ل، آ): تم؛ متن = یازده
 دستنویس دیگر ۴۱-ق: ۲: برین) ۴۲-ق، س: ۲ (نیز ن، ل، آ، پ، ن، آ: ا): بر؛ متن = ل، س (نیز ق، آ، ل، و، ب)
 ۴۳-ق: پاکراه؛ ل: تخت و گاه) ۴۴-ل (ل: ویند) ۴۵-س، ل: ۲ (نیز پ، ب): ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر

چو خُزاد بُرزین ز تخم^۲ کیان،
 خردیافته دختر نامدار^۳!
 چو^۴ از^۵ پیش بود آن^۶ بزرگ انجمن:
 کزو بود گیتی به بیم و امید^۷،
 که از آبتین و فریدون بزاد^۸،
 که از داد او میش شد خویش^{۱۵} گرگ،
 به کاس و کیخسرو آید^{۱۸} سخن،
 ز لهراسب آمد^{۲۱} به گشتاسپ شاه^{۲۲}،
 کزو تازه^{۲۳} شد بهمن نامدار،
 کزو شد جوان اختر گشته پیر
 ابا قیصر^{۲۸} یکدل و^{۲۹} یک نهاد،
 نگویم^{۳۱} دروغ و^{۳۲} نجویم^{۳۳} سخن^{۳۴}!
 یکی گشت رومی^{۳۶} و ایرانیان^{۳۷}!
 که از دختران او بدی^{۳۹} افرش!
 برین^{۴۱} نامه بر^{۴۲} پاک بزدان گواست!

۱۳۴۵ چو گسستم و شاپور^۱ و چون اندیان
 چو لشکر فرستی، بدیشان سپار^۳
 به خویشی چنانم کنون با تو من
 نخستین گیومرت^۷ تا^۸ جمشید^۹
 دگر آنک^{۱۱} هستند فرخ نژاد^{۱۲}
 ۱۳۵۰ بدین^{۱۴} همنشان تا قباد بزرگ
 از آن^{۱۶} تاجور^{۱۷} مهتران کهن
 روارو^{۱۹} چنین^{۲۰} تا به لهراسب شاه
 سر سرکشان فرخ اسفندیار
 برین^{۲۴} گونه تا بابکان^{۲۵} اردشیر
 ۱۳۵۵ چو^{۲۶} خسرو که دارد ز هرمز^{۲۷} نژاد
 - کجا سلم بودش نیای کهن^{۳۰} -
 همه کینه برداشتم^{۳۵} از میان
 ز قیصر پذیرفتم آن^{۳۸} دخترش
 ز عیب و هنر هر چه^{۴۰} دارد رواست!

۱- (ن: ل، آ: شاپور و گسستم) ۲- (ق: پشت) ۳- س: ۲؛ بدین شارسان - پارسان؛ ل: ۳ پس از این بیت افزوده است:
 که از جان بر من گرامی ترست پس پرده من خود او درخورست

۴- ق: ک، ل: ۲ (نیز لی، آ: که؛ متن = ده دستنویس دیگر: چو - چن ۵- (و: در) ۶- (ل: تو آن؛ توران) ۷- ل: س، ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز
 ق: ۲- آ: کیومرث؛ (ن: کیومرث)؛ متن = (ب) ۸- در ل نقطه ندارد؛ س (نیز ل: ۳، ب: و پس؛ ک (نیز و، ن: ۲)؛ و هم؛ ل: ۲ (نیز ن، ب: و؛ آ: ۱)
 (با؛ متن = س: ۲ (نیز ق: ۲) ۹- (ل: ۳، جم و شید؛ لی: چنان چون کیومرث و جمشید بود) ۱۰- (لی: جهان را از بیم و امید بود)؛ ق: این بیت
 را ندارد ۱۱- ل: هرج؛ (پ، ن: ۲، آنکه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲- ل: ایرج نژاد؛ ل: ۲؛ که از آبتین و فریدون بزاد؛ متن = سیزده
 دستنویس دیگر ۱۳- (ل: ۳؛ چون فریدون بزاد)؛ ل: که آبتین و فریدون نهاد؛ س، ل: ۲ (نیز ن، ل: ۲، ب: بزرگان دانای خسرو (ب:
 فرخ نژاد؛ ق: ۲؛ که آبتین و فریدون نژاد)؛ متن = ک، س: ۲ (نیز لی، پ، و، آ: ق: این بیت را ندارد ۱۴- س، ک، س: ۲ (نیز ق: ۲- ب: برین؛ متن =
 ل: ۲ (نیز ن) ۱۵- (و: خون)؛ ل: س: ۲ (نیز ب: خویش شد (ن: بد) میش و؛ متن = س، ک، ل: ۲ (نیز ن، ق: ۲، ل: ۲، ن: ۲، آ: ب: ق: لی: این بیت را
 ندارند ۱۶- (ن: ۲، وزان) ۱۷- ل: ۲؛ تاج و وز (تاجور) ۱۸- س، ک، س: ۲ (نیز ن، ق: ۲، و، آ: آمد؛ متن = ل: ۲ (نیز ل: ۳، ن: ۲، ب: آ: ب: در س،
 ل: ن، پ، ن: ۲، آ: ب: این بیت پس از بیت ۱۳۴۹ آمده است؛ پایی بیت های متن = ک، س: ۲، و؛ ل: ۲ بیت ها ۱۳۵۱-۱۳۵۶ را ندارند
 ۱۹- (ق: ۲، وزو رو) ۲۰- ل: ۲ (نیز ن، ل: ۲، ب: و زونیز رو ۲۱- ک، ل: ۲ (نیز ن: ۲، ب: آید؛ (ق: رو تا) ۲۲- (ن: گاه)؛ لی: این بیت را ندارد
 ۲۳- (آ: کزان تخمه) ۲۴- س: ۲ (نیز لی: بدین؛ (ن: آ: زین) ۲۵- ل: ۲؛ بابکان ۲۶- ل: ۲، س: ۲ (نیز ن، لی، و، ن: ۲)؛ که؛ متن = س، ک (نیز ق: ۲، ل: ۳،
 پ، ب: ۲۷- (ق: کسری؛ و ز هرمز دارد) ۲۸- س (نیز ب: قیصران ۲۹- ک، ل: ۲ (نیز لی، ل: ۲، و)؛ حو: متن = س، س: ۲ (نیز ن، ق: ۲، ب: آ،
 ب: ۳۰- (ل: ۳، بزرگ) ۳۱- (ق: ۲، ندیدم؛ ل: ۲، نرانم) ۳۲- (ن: ۲، حو: س: ۲، سخن هم؛ (و: دروغش نگویم) ۳۳- (ق: ۲، نرسم؛ ب:
 نخواهم) ۳۴- (ب: زین) ۳۵- س: ۲ (نیز ق: ۲، لی، ل: ۲)؛ برداشتم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۶- (لی: پس روم) ۳۷- ک: ایرانی و
 رومیان ۳۸- س: ۲؛ این ۳۹- ل: ۳۹- باشد او؛ (ق: نیز لی، و)؛ او بوده؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴۰- (ن: ۲، آنچه؛ و: هنرها چه) ۴۱- (ق: نیز لی،
 پ: بدین ۴۲- ق: عقلم ما؛ (ل: ۳، گفته بر)؛ ل: این بیت را ندارد

۱۳۶۰ نیشته^۱ سراسر^۲ به خط^۳ منست
 نهادم برین^۴ نامه بر مَهر خویش
 پس از تو هر آنکس که قیصر شود^۵
 نیشته^۹ برین بر گوی منست!
 ازین^{۱۱} برنگردم که گفتم یکی
 کنون هرچ ازین^{۱۴} با تو کردیم^{۱۵} راست^{۱۶}
 تو^{۱۹} چیزی که گفتمی^{۲۰} درنگی مساز!

که خط^۳ من اندر جهان روشنست!^۳
 چنان چون بود رسم و^۵ آیین و^۶ کیش!
 جهانگیر^۸ با تخت و افسر شود^۷،
 روان و خرد آشنای^{۱۰} منست!
 ز کردار^{۱۲} بسیار اگر^{۱۳} اندکی!
 دل و^{۱۷} اختر و^{۱۸} پاکیزدان گواست!
 که بودن درین^{۲۱} شارستان^{۲۲} شد^{۲۳} دراز!

چو کرد این سَخُن ها برین^{۲۲} گونه یاد^{۲۵}
 سپهد چو باد اندرآمد^{۳۰} ز جای
 همی تاخت تا پیش قیصر چو باد^{۳۳}
 ۱۳۷۰ چو قیصر از آن نامه بگسست^{۳۷} بند
 بفرمود تا هرک^{۳۸} دانا بُدند
 بنزدیک قیصر شدند انجمن
 که اکنون مرین^{۴۰} را چه درمان کنیم^{۴۱}؟

نیشته^{۲۶} به خورشید^{۲۷} خَرَاد^{۲۸} داد^{۲۹}
 به اسب^{۳۱} کَمیت^{۳۲} اندرآورد پای،
 سَخُن های خسرو^{۳۴} برو^{۳۵} کرد یاد^{۳۶}!
 بدید آن سَخُن های شاه بلند،
 به گفتارها بر توانا بُدند،
 پرسید ازیشان^{۳۹} همه تن به تن،
 ابا شاه ایران چه پیمان کنیم^{۴۱}؟

۱-س۲ (نیز و، ل، ن، آ): نوشته؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲- (آ: سراسر نیشته) ۳-س: روان و خرد آشنای منست (۱۳۶۰-ب: ۱۱۳۶۳-آ) انداخته و از ۱۳۶۰-آ و ۱۳۶۳-ب یک بیت ساخته است؛ ل، ق، این بیت را ندارند ۴- (لی: بدین؛ و: نهادیم بر) ۵- (ب: جوع؛ ق: راه و) عس (نیز ل، لی، پ، و): جوع؛ ل، ق، س، این بیت را ندارند ۷- (ق: آ، لی: بود؛ پ: شوند) ۸- ک، ل (نیز ل، لی، و، آ): جهانگیر و؛ متن = س (نیز ق، ل، ن، آ، ب)؛ ل، ق، س، این بیت را ندارند؛ ق، آ، و پس از این بیت افزوده اند:

تن از پیش تشنان (و: جانشان) چو جوشن کنم همه کارشان خوب و روشن کنم

۹- (و، ل، ن، آ): نوشته؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- (ق: آ، و: رهنمای)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل، ق، س، آ (ب: ۱۳۶۰-پ) این بیت را ندارند ۱۱-ق-س (نیز ل، ن، آ، ل، ن، آ، ب): وزین؛ متن = ل، س (نیز ق، آ، لی، پ، و) ۱۲- (ل: آ، ن: آ، گفتار) ۱۳- ل: تا؛ س، ل (نیز ل، لی، پ، و، ب): یا (و نقطه ندارد)؛ س (نیز ل، آ، ل، ن، آ): و از؛ (ا: ماند)؛ متن = ک (نیز ق، آ) ۱۴- (ق: آ، ما) ۱۵- (آ: بازگویم) ۱۶- (لی: کردم رواست) ۱۷- (پ، و، آ: جوع؛ ل: آ، دگر) ۱۸- (لی: جوع)؛ ل، ق، این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۳۴۲-۱۳۶۵): و قد قیلت نکاح ولده، و أشهدت الله تعالی علی نفسی انی لا أخالفه و لا أخالف من یلی ملک الروم بعده (۱۳۴۴-۱۳۶۱) ۱۹- (ل، ن، آ، ل، ن، آ): ۲۰- (ق: آ: کردی) ۲۱- ل، ل (نیز ل، ن، آ): درین؛ س، آ (نیز آ): برین؛ متن = س، ک (نیز ل، ن، و، ب) ۲۲- ل (نیز ل، ن، پ): شارسان ۲۳- ق: که شد بودن ما برین در؛ (لی: که ماند بدین شارسان)؛ بنداری: ثم سأله أن یفخذ الیه العساکر مع أصحابه الذین کان یفذهم الی حضرته ۲۴- (لی: بدان؛ ل: آ: بران) ۲۵- (آ: راست) ۲۶- ل، ق، س، آ (نیز و، ل، ن، آ): نوشته؛ متن = س، ک، ل (نیز ل، ن، پ، ب) ۲۷- ک: به خورشید؛ (ق: آ: بزودی به؛ ل: آ: به فرخنده) ۲۸- (ب: خرداد) ۲۹- (آ: فرستاده روم را پیش خواست)؛ بنداری: و أنفذ الکتاب علی ید خورشید بن خرداد الیه ۳۰- (ق: آ، ب: چو باد اندرآمد سپهد) ۳۱- ق: اسبی ۳۲- (لی: سمند)؛ ل، آ، این بیت را ندارد ۳۳- (و: گرد) ۳۴- ل (نیز آ): قیصر (ا) ۳۵- ل (نیز لی): بدو؛ (و: همه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۶- ق: برگشاد؛ (و: یاد کرد)؛ س، آ، این بیت را ندارد ۳۷- (ق: آ: بگشاد)؛ ق، آ پس از این بیت افزوده است:

جهاندار قیصر چو آن نامه دید وزان گونه پیغام خسرو شنید

۳۸- س-ب: که؛ متن = ل ۳۹- ل: زیشان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۴۰- (ل: آ، من این) ۴۱- (ل: آ، ب: کنم؛ و: کنید)

همی^۲ روم و ایران یگانه شدیم!
 زبان پاسخش را^۳ بیاراستند،
 جهاندار^۶ با تخت و افسر توی^۵
 ز ما گر بخواهی تن و جان^۸ تراست!
 بران^۹ نامداران با رای^{۱۰} و دین!

بدین^۱ نامه ما بی بهانه شدیم!
 ۱۳۷۵ بزرگان^۱ فرزانه برخاستند
 که ما^۴ کهترانیم و قیصر توی^۵
 نگه کن کنون رای و فرمان^۷ تراست!
 چو بشنید قیصر گرفت آفرین

گفتار اندر طلسم ساختن رومیان^{۱۱}

دگرگونه تر شد^{۱۳} به آیین و چهر^{۱۴}،
 ستاره^{۱۶} به برج^{۱۷} شباهنگ شد،
 که پیش آرد^{۱۸} اندیشه‌های دراز،
 که کس بازنشناسد او را^{۲۲} ز جسم^{۲۳}!
 پر از شرم با جامه‌های طراز^{۲۵}،
 پس پشت و پیش اندرش^{۲۷} بندگان^{۲۸}،
 به گریان زنی ماند آن ماهروی^{۳۲}،

همی بود تا شمع^{۱۲} گردان سپهر
 ۱۳۸۰ چو خورشید^{۱۵} گردنده بی رنگ شد
 بفرمود قیصر به نیرنگ‌ساز
 بسازند^{۱۹} جایی^{۲۰} شگفتی^{۲۱} طلسم
 نشسته زنی خوب بر^{۲۴} تخت ناز
 ازین سو و زان سو^{۲۶} پرستندگان
 ۱۳۸۵ نشسته بران^{۲۹} تخت بی^{۳۰} گفت‌وگوی^{۳۱}

۱-س، ک، ل، س، آ (نیز: ن، ق، آ، و): برین؛ متن = ل، ق (نیز: ل، ل، پ، ن، آ، آ، ب) ۲-س، س، آ (نیز: ن، ل، ی، ب): همه؛ (ق: آ، همان)؛ متن = ل: همی - همه؟! بنداری (۱۳۶۸-۱۳۷۴): فلما قرأه قیصر استحضر أصحابه و عرض علیهم کتاب برویز و معاهده ۳-ل، ق (نیز: و): زبان را به پاسخ؛ (لی: همی پاسخش را)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴-ق: همه ۵-ل، ق: یکیت؛ س، ک، ل، آ، س (نیز: ن، ب): تویی؛ متن تصحیح قیاسی است ۶-ق (آ: جهاندار و؛ آ: جهانجوی) ۷-و: پیمان ۸-ل: همه؛ (لی: همه)؛ بنداری (۱۳۷۵-۱۳۷۷): فقالوا: نحن عبیدک المطیعون لأوامرک، السالکون سبیل طاعتک، لا نحدید عن أمرک و لا نخرج عن حکمک ۹-ل، ک (نیز: ل، ل، ل): بدان؛ (و: برین)؛ متن = س، ل، س، آ (نیز: ن، ق، آ، ب، ن، آ، آ، ب) ۱۰-ل (آ: داد؛ و: فز)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: فأنتی علیهم قیصر و قام ۱۱-ل: طلسم ساختن رومیان؛ ق (ده بیتی پایین تر): آزمون کردن قیصر ایرانیان را به طلسمی که رومیان ساختند؛ ک: آزمون کردن قیصر ایرانیان را به طلسم؛ س، آ (بیست بیتی پایین تر): داستان طلسم قیصر با فرستادگان؛ س، ل، س، نویس ندارد؛ متن = ل ۱۲-ل: تیغ ۱۳-ل: آ: گشت ۱۴-ق، س، آ (نیز: ل، ل، ل): مهر؛ ل: به رای و به چهر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵-ک: خورشید ۱۶-ق (آ: عطارد) ۱۷-آ: بانک؛ (بنداری (بجای ۱۳۷۹-۱۳۸۰): قال: ثم إن قیصر أورد أن یحرب وجوه الأیرانیین الذین نفضهم برویز، و یعرف مقادیر عقولهم و فطنتهم و ذکائهم ۱۸-س، آ (نیز: آ): آور؛ (ق: آ، ب، آ): متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-در ل حرف پنجم نقطه ندارد؛ ک، ل، آ، س، آ (نیز: ق، آ، ب، ل، ن، آ، ب): بسازید؛ متن = س، ق (نیز: و، و) ۲۰-ل (نیز: ن، ن): جای؛ س: نیکو؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱-ل: بسازد یکی فیلسوفی ۲۲-س، ل، آ (نیز: ن، ل، ی، ب): آنرا؛ (ق: آ: که کس خود نداند مر آنرا)؛ متن = ل، س، آ ۲۳-ل: به چشم (ل)؛ س، آ (نیز: ن، ق، آ، ب): به جسم؛ (ل: آ: ز چشم)؛ متن = س، ل، آ (نیز: ل، و، ب) ۲۴-ق (آ: از بر) ۲۵-س، ک، ل، آ، س، آ (نیز: ن، پ، ن، آ، ب): دراز؛ متن = ل، ق (نیز: ق، آ، ل، و، آ) این بیت را ندارد ۲۶-ل: روی وزان روی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۷-س، ک (نیز: ق، آ، ب، و، ب): اندرون؛ (لی: پس و پیش اندر همی)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س، آ (نیز: ل، ل، آ، ب، دگان)؛ بنداری (۱۳۸۱-۱۳۸۴): فاستحضر من علی بایه من السحرة فأمرهم أن یعملوا تمثالا فی صورة جاریة حسناء جمیلة المنظر: خلافة للعیون، سحارة للقلوب، یقعدونها علی تخت، و یصطف علی رأسها الجوارى و الخدم ۲۹-ل: (لی: بدان) ۳۰-س (نیز: ب، ب): بر؛ (ن: آ: زنی خوب بی)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۱-ل: گفت‌وگوی؛ ق: گفتگو؛ (ل: گفتگو)؛ و: گفت‌وگو)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲-ل: خوب‌روی؛ (ق: نیز: و): ماهر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در ل بیت‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ پس از بیت ۱۳۸۷ آمده‌اند

زمان تا زمان دست^۱ بریاختی^۲
 هر آنکس که دیدی مرو^۵ را ز دور
 که بگریستی بر مسیحا بزار

سرشکی^۳ ز مژگان بینداختی^۴،
 زنی^۶ یافتی شیفته^۷، پر^۸ ز نور،
 دو رخ سرخ^۹ و مژگان چو^{۱۰} ابر بهار

طلسم بزرگان چو آمد به جای^{۱۱}
 ۱۳۹۰ ز دانا چو بشنید قصر برفت
 از آن^{۱۵} جادوی^{۱۶} در شیگفتی بماند
 [مر آن جادوان را^{۱۷} ببخشید چیز
 به گستم گفت: ای گو نامدار
 ببالید و آمدش هنگام شوی
 ۱۳۹۵ به راه^{۲۲} مسیحا بدو دادمش
 فرستادم او را به خان^{۲۳} جوان
 کنون او نشسته است با^{۲۵} سوگ^{۲۶} و درد
 نه پندم پذیرد، نه گوید سخن
 یکی رنج بردار و او را ببین
 ۱۴۰۰ جوانی و از گوهر پهلوان

بر قصر آمد یکی رهنمای^{۱۲}
 به پیش^{۱۳} طلسم آمد آنگاه^{۱۴} تفت
 فرستاد و گستم را پیش خواند
 بسی با درم هدیه‌ها داد نیز^{۱۸}]
 یکی دختری داشتم چون نگار^{۱۹}،
 یکی خویش بُد مر مرا^{۲۰} نامجوی^{۲۱}،
 ز بی‌دانشی روی بگشادمش،
 سوی آسمان شد جوان را روان^{۲۴}،
 شده روز روشن برو^{۲۷} لاژورد^{۲۸}،
 جهان^{۲۹} نو از رنج او شد کهن!
 سخن‌های داندگان برگزین!
 مگر با تو او برگشاید^{۳۰} زبان!

۱-ق: تخت؛ (بی: رفت) ۲-ل (نیز لی، و): برآختی؛ س، ک، ل، ۲، س (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، ن، ۲): برتاختی (در س، ل حرف سوم نقطه ندارد)؛
 ق (نیز ب): برتافتی؛ (پ: بفرآختی؛ ا: برساختی)؛ متن تصحیح قیاسی است ۳-ق (نیز و، آ): سرشکش ۴-ق، س، آ: برانداختی
 ۵-ل (آ: مران) ۶-ک: رکی (؟) ۷-ق (۲، پ: بارخی؛ آ: نشسته زنی یافتی) ۸-ل، س، ق (نیز لن، لی، و، ب): بر؛ ک: بر؛ (؟)؛ متن = ل، ۲، س (نیز ق، ۲، ل، ۲، پ، ن، ۲، آ) ۹-ل، ق (نیز آ): زرده؛ س، آ: جرخ (د سرخ؟)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰-س، آ: بر؛ بنداری (۱۳۸۶-۱۳۸۹)؛
 و یهشون الجاریه بیسته محزونه کأنها فی مأمم المسیح تبکی و تسقط عبراتها و هی تکفکفنها و تمسح عینها ۱۱-ل، ج: ا-۱۲-ل: رهنما؛
 ق (آ: پاک‌رای) ۱۳-ک (نیز و): بنزد ۱۴-س، ق، ک (نیز لن): از گاه (د آنگاه؟)؛ (ق، ۲، لی: اندر آمد به)؛ متن = ل، ۲، س (نیز ل، ۲، ب): آنگاه
 (د از گاه؟) ۱۵-(ن: این) ۱۶-ل، ک، س، آ (نیز لن، لی، ل، ۳، و، ن، ۲): جادویی؛ متن = س، ق (نیز ق، ۲، پ، آ، ب)؛ ل، آ این بیت را ندارد ۱۷-ق (آ: فیلسوفان) ۱۸-ل (نیز لی): بسی هدیه‌ها داد و پذیرفت نیز؛ ل، ق، س، آ این بیت را ندارد؛ در ق، آ این بیت پس از بیت ۱۳۹۰ آمده است
 ۱۹-س، ل، ۲، س (نیز ق، ۲، و، ب): بهار؛ ک: دز بهار (؟)؛ (ن، ن، آ: در بهار)؛ متن = ل، ق (نیز آ) ۲۰-ل (نیز پ): روا؛ ل: بودم مرا؛ (و: بودم گوری)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱-(ل: نیکخوی) ۲۲-س، س، آ: دین؛ ل، آ (نیز لن، ل، آ، و، آ): رای؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق، ۲، لی، پ، ن، ۲، ب) ۲۳-س، ل، ۲، س (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، ن، ۲، آ، ب): کاخ؛ ق (نیز پ): خوان؛ ک (نیز لی، و): فرستادمش سوی کاخ؛ متن = ل، ۲۴-ل: روان جوان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۵-س، ل، ۲، س (نیز لی، ب): بر؛ (ن، ن، آ: پر)؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق، ۲، ل، ۲، پ، و، آ) ۲۶-س، آ: خون ۲۷-س، ک، س، آ (نیز لی، ل، ک): بدو؛ (پ: شب و روز روشن بود)؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز لن، ق، ۲، و، ب) ۲۸-س، ق، س، آ (نیز لن، ل، آ، ب): لاچورده؛ متن = ل، ک، ل، آ (نیز پ، و، ن، آ: در ل نقطه ندارد) ۲۹-(پ: جهانی)؛ بنداری (۱۳۸۹-۱۳۹۸)؛ فاستحضر الایرانیین و قال فی أثناء کلامه لکستم و بالویه: إن لی بنتا حزینة واجمة لا تزال دموعها ساجمة. وقد نصت علی العیش من فرط جزعها و حزنها. و لیست تقصر عما هی فیہ، علی کثرة تویبخی لها و تعنیفی إیهاا ۳۰-ل: او را گشاید؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: فآرید أن تدخلها علیها و تعظاها فلعلها تقصر عن هذا الجرع

مگر کز^۲ دلش مهر^۳ بیرون کنم!

گشاده دل و^۵ بر^۶ سَخْن^۷ کامگار^۸
 طلسم از برِ تخت^۹ بردش نماز
 سَخْن گفت با آن زن^{۱۰} سوگوار
 سَخْن‌ها که او^{۱۲} را بُدی^{۱۳} سودمند
 خردمند نخرودش از کار^{۱۶} داد^{۱۷}!
 چه در بیشه شیر و چه ماهی در آب!
 که زن بی‌زبان بود و تن بی‌روان^{۲۰}!
 بینداختی پیش گویا^{۲۱} بزشک
 فرستاد کس قیصر^{۲۳} او را بخواند،
 که از درد^{۲۵} سوگش به رنج اندرم^{۲۶}!
 نبد پند من پیش او کاربند^{۲۷}!
 که امروز با اندیایان باش جفت،
 کند جان ما را بدین^{۳۰} دخت^{۳۱} شاد،
 سَخْن گویی^{۳۷} از نامورشهریار^{۳۸}،

بدو گفت گسَتم کابدون^۱ کنم

بزد طلسم آمد آن نامدار^۴
 چو آمد بنزدیک تختش فراز
 گرانمایه گسَتم بنشست خوار
 ۱۴۰۵ دلاور نخست اندرآمد به^{۱۱} پند
 بدو^{۱۴} گفت کای^{۱۵} دخت قیصرزاد
 رها نیست از مرگ پِزان^{۱۸} عقب
 همه باد بُد گفتن^{۱۹} پهلوان
 به انگشت خود هر زمانی سرشک
 ۱۴۱۰ چو گسَتم ازو^{۲۲} در شِگفتی بماند
 چه دیدی-بدو گفت-ازین^{۲۴} دخترم؟
 بدو گفت: بسیار دادمش پند
 دگر روز قیصر به بالوی^{۲۸} گفت^{۲۹}
 همان نیز شاپور مهترزاد
 ۱۴۱۵ شوی^{۳۷} پیش^{۳۳} این^{۳۴} دختر^{۳۵} سوگوار^{۳۶}

- ۱- (و. ل. ۲: ایدون) ۲- ل. س، ل ۲ (نیز ل. ب): از؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳- ل: رنج؛ س ۲: درد؛ (ل ۲: غم به؛ و: ترس)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴- ل: ق: از بامداد؛ (ب: این نامدار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵- س ۲: دلی؛ متن ← ۶- ق: در؛ (ا: پر)؛ متن ← ۷- (ل: زبانی): متن ← ۸- ل: ق: داد داد؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل ۳ این بیت را ندارد ۹- س (نیز ل: ق: قریبند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۱۰- ل: ق: یاد دختر؛ س ۲: گسَتم با؛ (ب: با او زن)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل ۳ این بیت را ندارد ۱۱- س، ک (نیز ل: ب): ز؛ متن = ل، ق، ل ۲، س ۲، ۱۲- ق: وی؛ (ل ۳: آن)؛ متن ← ۱۳- ک (نیز آ): که بودی ورا؛ (پ: همی راندی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- س: چنین ۱۵- ل ۱۵ (نیز ل، ل: ای ۱۶- (و: راه) ۱۷- س ۲: خردمند و بینادل و خوبزاد ۱۸- ل: پَر؛ ل ۲: بر آن (ج: پِزان)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹- ک: گفته ۲۰- س ۲- س ۲ (نیز ل: ب): که تن (ل: او) بی‌روان (س، ق، آ: بی‌زبان؛ و: بی‌خرد) بود و زن (ق: ل: هم؛ ل ۲: آن؛ ل ۲: پ: سر؛ و: جان؛ ب: تن؛ ل: بُدِ روان) بی‌زبان (س، ق، و، آ: بی‌روان؛ ک: بی‌زبان؛ س ۲: بی‌تن روان)؛ متن = ل ۲۱- (ل: ل ۲، و: دانا)؛ بنداری (۱۴۰۹-۱۴۰۱): فقلا: سمعا و طاعة. فقاما و رفعت دونهما الحجب فدخلوا الی ابوانها فخدمتا بین یدی تختها، و أخذوا بصرحانها و یعظانها، و هی علی حالها تذری دمعها و ترفع یدها و تمسح عینها لا ترید علی ذلک ۲۲- ق (نیز ل ۲): زو ۲۳- ل، ق: قیصر کس؛ (ق ۲، و: قیصر مر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴- ل، ق (نیز ل، ل ۲، و): از؛ (پ: از آن)؛ متن = س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ق ۲، ل ۲، آ، ب): ۲۵- س ۲ (نیز ل: ل: دود؛ (ل ۲: آن ۲: درد؛ ب: در دنج)؛ متن ← ۲۶- ل، ق: کز و تیره گردد همی افسرم؛ (ا: کز و آتش آید همی بر سرم ۱۴۱۶ ب)؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز ل، ق ۲) ۲۷- س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ق ۲، ل ۲، آن ۲، ب): نزد او (و: بر دلش) سودمند؛ متن = ل، ق: ل: این بیت را ندارند ۲۸- س ۲: بالود ۲۹- ک: رفت (ل: آ این بیت را ندارد ۳۰- (ب: ازین) ۳۱- ق: کار؛ این بیت را ندارد ۳۲- س ۲ (نیز ل، ل، ل ۲، و، ل، آ، ب): شود؛ متن = ل (نیز ق ۲، ب) ۳۳- س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل: ب): زنده؛ ق: سوی؛ متن = ل ۳۴- ق: ل ۲ (نیز ل: و): آن؛ متن = ل، س، ک، س ۲ (نیز ل، ل، ل ۲، آن ۲، ب) ۳۵- ل ۲ (نیز ل، ل، ل ۲، آن ۲، ب): کورده؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز ق ۲) ۳۶- (ل: ل ۲): شیرخوار ۳۷- س ۲ (نیز ل، ل، ل ۲، آن ۲، ب): گوید؛ (و: راند)؛ متن = ل (نیز ق ۲، ب) ۳۸- (ل: که خوناب بود همی بر کنار = ۱۴۲۱ ب)؛ این بیت را ندارد

-کزو آتش آیدهمی بر سرم!،
که جویدهمی گاه^۵ اسفندیار،
بپرسید ازین^۸ دختر سوگوار^۹،
بداند^{۱۲} سر مایه و^{۱۳} ارزتان^{۱۴}
چو پاسخ به آواز فرخ دهد^{۱۶}،
که خوناب^{۱۸} بارد^{۱۹}همی بر کنار!

مگر پاسخی یابی^۱ از دخترم
همی^۲ پایمردید^۳ از آن شهریار^۴
سرد گر بدین^۶ رنج باشید یار^۷
مگر بشنود^{۱۰} پند و اندرزتان^{۱۱}
۱۴۲۰ بر آنم^{۱۵} که امروز پاسخ دهد؛
شود رسته زین انده^{۱۷} سوگوار

سخن گفت^{۲۲} هر یک به^{۲۳} ننگ^{۲۴} و نبرد،
زن بی زبان^{۲۶} خامشی برگزید!
به^{۳۰} بیچارگی^{۳۱} نزد^{۳۲} داور^{۳۳} شدند،
نشد سود پیدا ز راه گزند^{۳۴}!
که ما سوگواریم^{۳۵} ازین^{۳۶} سوگوار!
سوی رای^{۳۸} خُراد بُرزین شتافت
گزینِ سر^{۴۰} تخمهی اردشیر^{۴۱}،

برفت این^{۲۰} گرامی سه^{۲۱} آزادمرد
ازیشان کسی^{۲۵} روی پاسخ ندید
از آن^{۲۷} چاره^{۲۸} نزدیک^{۲۹} قیصر شدند
۱۴۲۵ که هر چند گفتیم و دادیم پند
چنین گفت قیصر که بد روزگار
از این^{۳۷} نامداران چو چاره نیافت
بدو گفت کای نامدار دبیر^{۳۹}

۱-س.ک.ل. (نیز ل.ن. ۲، و.ن. ۲، ب.)؛ یابد؛ س. ۲: آرد؛ متن = ل. ق. (نیز ق. ۲، ل. ب.)؛ ۱۴۱۱ اب. ۱۴۱۶ را انداخته و از ۱۴۱۱ و ۱۴۱۶ اب. یک بیت ساخته است ۲-ک. (نیز ل. ن. ب. ل. ن. ۲، ب. ل. ن. ۱، ۲): همه؛ ل. (نیز ق. ۲): همان؛ متن = س. س. ۳-س. س. ۲ (نیز ق. ۲، ب. آ.)؛ مردند ۴-ق. (از شهریار) ۵-ق. (تاج)؛ ل. ق. ل. و این بیت را ندارند ع. س. ق. س. ۲ (نیز ل. ن. ق. ۲، ل. آ. پ. ب.)؛ برین؛ متن = ک. ل. ۲ (نیز ل. ب. و. ن. ۱، ۲). ۷- (و: شاد)؛ ل. ۲: باشند شاد؛ (ل. باشیم یار) ۸-ق. س. ۲ (نیز و): از آن ۹-ل. ۲ (نیز و): بانژاد؛ (ق. ۲، ب. نامدار)؛ ل. این بیت را ندارد؛ در ق. ۲ این بیت پس از بیت ۱۴۱۵ آمده است ۱۰- (ل. نشنود) ۱۱-ک. اندر زمان؛ (ل. اندر زمان) ۱۲- (ب. بیاید) ۱۳-ل. سر و مایه؛ (ل. ۲: براندیش از مایه و)؛ متن = دو اوده دستنویس دیگر ۱۴-ک. ارزمان؛ (ل. ارزبان)؛ س. ۲ بیت های ۱۴۱۹-۱۴۲۵ را ندارد ۱۵-ک. بدانم؛ (ل. ندانم) ۱۶-ق. (نیز و. ل. ۲): نه؛ ۱۷-ک. (نیز ل. ۲): از در داین؛ (ب. از دست او)؛ س. ق. ل. ۲ (نیز ل. ن. ق. ۲، ل. آ. پ. و. آ.)؛ شوم رسته از دست (ق. کار)؛ در. (د. ق. و. این)؛ متن = ل. ۱۸-ق. (نیز آ. ب.)؛ خونابه ۱۹- (ب. ریزد) ۲۰-ل. ق. (نیز ل. ب. و. آ.)؛ آن؛ متن = س. ک. ل. ۲ (نیز ل. ن. ب. ۲) ۲۱- (ق. ۲: گرانمایه) ۲۲-ل. سخن گوی و؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳-ک. (نیز ق. ۲): ز ۲۴-ل. ۲ (نیز ل. ن. نیک ۲۵- (ل. ب. یکی) ۲۶-س. ل. ۲ (نیز ل. ن. ب. آ.)؛ وزان هر یکی؛ ک. زنی بی زبان؛ (ل. ۳: زبان بی زبان)؛ متن = ل. ق. (نیز ق. ۲، ل. ب. و. آ.)؛ در ولت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۷- (ل. ن. این) ۲۸-س. ک. ل. ۲ (نیز ل. ن. آ. ب.)؛ خانه؛ متن = ل. ق. ۲۹- (ق. جایگه نزد) ۳۰- (و. آ. ز) ۳۱- (آ: تیمار دل) ۳۲-س. ق. ک. (نیز ل. ن. پ. ب.)؛ پیش؛ متن = ل. ل. ۲ (نیز ل. ۳) ۳۳-ق. او در؛ (ق. ۲: دست بر سر)؛ ل. این بیت را ندارد ۳۴- (ب. شاه گزند)؛ ل. ق. نید پند ما مرورا (ق. نزد او) سودمند؛ ک. (نیز ل. ۳، و. ل. ۲): نشد (و. نید) سوی پند او (و: سود پیدا) ز راه گزند؛ ل. ۲: بشد پند سود آن ز راه گزند؛ (ق. ۲: نشد سوی آن دلگسل سودمند؛ پ. نشد سوی پند آن دل مستمند؛ آ: نشد سود و بی داد راه گزند)؛ متن = س. (نیز ل. ن. ل. ب.)؛ در ل. این بیت بابت سپسین پس و پیش شده است ۳۵-ق. سوزناکم ۳۶-ل. ق. زین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ س. ق. در اینجا سرنویس دارند، س. رفتن خراد برزین به دیدن طلسم و شناختن آن؛ ق. رفتن خراد برزین بنزدیک طلسم و دانستن آنرا؛ بنداری (۱۴۱۰-۱۴۲۶)؛ فضجرا و خرچا و قالا قیصر: این سكرات الحزن و الجرع قد غمرت هذه البنت فلا تسمع خطابا و لا تحبر جوابا ۳۷-ل. ق. ل. ۲، س. ۲ (نیز ل. ب. آ.)؛ آن؛ متن = س. ک. (نیز ل. ن. ق. ۲، ل. آ. ب. ۲) ۳۸-س. (نیز ل. ب. و. ل. ۲، ب.)؛ راد؛ ل. ۲: زاد؛ س. ۲ (نیز ق. ۲، ب. آ.)؛ راه؛ متن = ل. ق. ک. (نیز ل. ن. ل. ۳) ۳۹- (ل. ب. دلیر)؛ ل. ۲، س. ۲ (نیز آ): نامبردار پیر (س. ۲: شیر)؛ (ل. ب. از نامداران تویی) ۴۰-س. ۲ (نیز ق. ۲): کن سر؛ (و. ن. ۲: و سر) ۴۱- (ل. ب. مگر یک ره آواز او بشنوی = ۱۴۲۹ اب)

مگر یک ره^۴ آواز او بشنوی^۵
 از^۷ ایوان بنزدیک آن سوگوار^۸
 نگه کرد روی و^۹ سر و افسرش،
 طلسم فریبنده^{۱۱} بردش نماز،
 پُراندیشه شد مرد مهتر نژاد^{۱۳}،
 پرستندگان را بر او بدید^{۱۶}،
 پرستنده باری^{۱۸} چرا خامش است؟
 سزیدی^{۲۲} اگر کم شدی^{۲۳} خشم اوی^{۲۱}!
 چپ و راست جنبش^{۲۵} نداند^{۲۶} همی،
 نه جنبان شدش دست و نه پای رفت^{۲۸}،
 جز از دست جاییش جنبان بدی،
 وگر^{۳۲} دست جایی^{۳۳} دگر یاختی^{۳۴}،
 نباشد جز از^{۳۶} فیلسوفی طلسم!

یکی سوی این^۱ دختر اندر^۲ شوی^۳
 ۱۴۳۰ فرستاد با او یکی^۶ استوار
 جو خُزاد بُرزین بیامد برش
 همی بود پیشش زمانی دراز^{۱۰}
 بسی گفت و^{۱۲} زن هیچ پاسخ نداد
 سراپای^{۱۴} زن را همی^{۱۵} بنگرید
 ۱۴۳۵ همی گفت: گر زن^{۱۷} ز غم بیهش است
 اگر خود^{۱۹} سرشکست بر^{۲۰} چشم اوی^{۲۱}
 به پیش برش^{۲۴} برچکاندهمی
 سرشکش که^{۲۷} انداخت، یک جای رفت
 اگر خود درین^{۲۹} کالبد جان بدی
 ۱۴۴۰ سرشکش^{۳۰} سوی دیگر^{۳۱} انداختی
 نبینم همی جنبش جان و^{۳۵} جسم

۱-ق (نیز ق ۲، پ): آن ۲-س: من؛ (ن: ۲، ایدر): متن = ده دستنویس دیگر ۳-س ۲ (نیز ق ۲، و): شویید ۴-ق (ا: راه) ۵-س ۲ (نیز ق ۲، و): بشنویید؛ ن، پ از ۱۴۲۸ و ۱۴۲۹ ب یک بیت ساخته‌اند؛ پ پس از این بیت افزوده است:

که بس سوگوارم من از کار او
 ندانم چه بازی گرفت از زبخت
 گشاده شود از تو کارم مگر
 غمی گشتم از کندبازار او
 فرومانده‌ام من درین کار سخت
 که آزاده‌مردی و با هوش و فر

ع ۳: نزدیک او ۷-ل، س، ق، س ۲ (نیز ن، ق ۲، پ، ا): ز؛ متن = ک (نیز ل، ل، و، ن، آ، ب) ۸-ل: سوار (سوگوار)؛ بنداری (۱۴۲۷-۱۴۳۰): فأقبل علی خُزاد بن برزین و قال له: ادخل علیاً أنت، فإن کلامک بالقلوب أعلیٰ، و نصحک فی النفوس أنجع، فدلعلها قبل منک ۹-ک، ل: رومی ۱۰-ل: همی بد زمانی به پیشش براز) ۱۱-س: از بر تخت؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲-و: (و) ۱۳-ق: فرخ نژاد؛ در س-ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ پایایی بیت‌های متن = ل؛ بنداری؛ فقام و دخل علیها و خدم و کلمها فلم تجبه ۱۴-ل: (ل: سرو پای) ۱۵-س: او را بسی؛ ق: آن زن همی؛ ک (نیز ل): آن زن همه؛ ل، ۲، س ۲ (نیز ن، ق ۲، پ، ن، آ): آن زن همی؛ (و: آن زن یکی؛ ب: او سر بر سر)؛ متن = ل ۱۶-ل: برو برگزید؛ س: پیش او را بدید؛ ق: از بر او دوید) ۱۷-ق، ل، ۲، س ۲ (نیز پ، ن، آ، ب): زن گر؛ (ل: زن کو؛ ق: یکی گفت کین زن)؛ متن = ل، س، ک، (نیز ل، و) ۱۸-ق (ا: و) ۱۹-و (این: ۲۰-ل، ۲-ق، در: ق ۲): از؛ متن = دو آوازه دستنویس دیگر ۲۱-ل، س، و (نیز ق ۲، ل، آ، ا): او؛ متن = ک، ل، ۲، س ۲ (نیز ن، پ، و، ن، آ، ب) ۲۲-ق: بریدی ۲۳-و: که کمتر بدی؛ آ: کزین کم شدی) ۲۴-ق (و: برش)؛ س: به پیشی همی ۲۵-ق (د: دستش) ۲۶-ل: بداند؛ ل: این بیت را ندارد ۲۷-ن: (چو)؛ س ۲ (نیز ل، و): سرشکی که ۲۸-س، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز ن، ل، ۳، ن، آ، ب): هم از (ل، آ، ن: همان) دست و از (ن: وز ل: در) رانش (ب: پاش؛ ن: و رانش به) یک (ل: بر) پای (س: و پایش به یک رای) رفت (س: زفت)؛ متن = ل (نیز ق ۲)، ق: ل، این بیت را ندارند ۲۹-س (نیز ن، ل، ۲، ب): هیچ در؛ ل: هیچ بر؛ س ۲ (نیز ق ۲، ل): گر آنج (ق: آنک) اندرین؛ ل، ۲، پ، و: گر ایچ اندرین؛ متن = ل، ق: آ این بیت را ندارد و در ل پس از بیت ۱۴۴۱ آمده است ۳۰-ق (و: سرشکی) ۳۱-س: دگر سوی ۳۲-ن: دگر؛ و: و یا) ۳۳-ل: جای؛ (و: سوی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۴-ق (نیز ل، و، آ): آختی؛ س، ل، ۲، س ۲ (نیز ن، ق ۲، ب): تاختی؛ متن = ک (نیز پ)؛ ل، ۲، ن ۴ این بیت را ندارند و در ل ت‌های آن پس و پیش شده‌اند ۳۵-ک (نیز ل، و): به؛ (پ: ز) ۳۶-س، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز ن، ل، ب): مگر؛ ق: بجز؛ متن = ل (نیز ق ۲)؛ بنداری (۱۴۳۴-۱۴۴۱): فظنر الیها فرأی دمعها یسقط علی نمط واحد فی هیئته واحده فقال فی نفسه: این هذّه صورة معموله. و لو کانت ذات روح لتساقطت عبراتها مختلفة، و لتحرّک منها عضو آخر سوی یدیها. و لیس هذا إلا طلسمًا فیلسوفیا

همه خانه زان^۱ گوهر نامدار،
 که^۲ رومیش بر^۵ اسپ هندی^۶ نشاند
 بخواند، شود شاد و روشن روان!
 همی تا کجا برکشد پایگاه؟
 همه^{۱۲} بت پرستند، اگر^{۱۵} خود کی اند^{۱۶}؟
 به هند اندرون گاو شاهست و^{۱۸} ماه
 ندارد کسی^{۲۱} بر تن خویش مهرا
 چو ما را ز دانندگان نشمرند^{۲۵}!

چنین گفت کز آنهست این سوار
 که دانا و^۲ را مغنیاطیس^۳ خواند
 ۱۴۶۰ هر آنکس که او^۷ دفتر هندوان
 بپرسید قیصر که هندو^۸ ز^۹ راه
 ز دین^{۱۰} پرستندگان^{۱۱} بر^{۱۲} چی اند^{۱۳}
 چنین گفت خُراد بُرزین که راه^{۱۷}
 به یزدان نگروند و^{۱۹} گردان سپهر^{۲۰}
 ۱۴۶۵ ز خورشید^{۲۲} گردنده^{۲۳} برنگذردند^{۲۴}

۱- (ق: آ: همان خانه از؛ متن = (و)؛ بیت‌های ۱۴۵۲-۱۴۵۸ در ل، ق، چنین آمده‌اند:

همه خانه از گوهر شاهوار (ق ندارد)
 طلسم و نه از کاردانان شنید (= ۱۴۵۲)
 که همتای آن نیست اندر جهان (= ۱۴۵۶)
 بران (ق: بدین) سان برآوردی پای و جسم (= ۱۴۵۷)

بدید ایستاده معلّق سوار
 کجا چشم بینده چونان ندید
 نباید که ماند به (ق: ز) گیتی نهان
 بدو گفت قیصر همان کین طلسم

بیت‌های ۱۴۵۲-۱۴۵۸ در س، ک، ن، ل، ن، ۲، ن، ۲، ب، چنین آمده‌اند:

بیامد بر قیصر نامدار (ک: شهریار) (= ۱۴۵۳)
 همان خانه از گوهر (ک: گوهری) نامدار (لی: آیدار) (= ۱۴۵۸)

بدید ایستاده معلّق سوار
 چنین (لی: بدو) گفت کز آنهست آن (ک، لی: آ: این) سوار

بیت‌های ۱۴۵۲-۱۴۵۸ در ل، چنین آمده است:

همان خانه از گوهر نامدار (= ۱۴۵۳+۱۴۵۸ ب)

بدید ایستاده معلّق سوار

س^۲ تنها بیت ۱۴۵۳ و پ تنها بیت‌های ۱۴۵۳ و ۱۴۵۴ را برابر متن ما دارند ۲- ل: مران؛ س: چو دانا مران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر (ن نخست داشته: که داناش) ۳- ل (نیز ل، و، ن، ۲): مقنیاطیس؛ س، ک، ل (نیز لی): مقنیاطیس؛ س^۲ (نیز آ): مقنیاطیس؛ (ن: مغنیاطیش؛ ق: مقنیاطیس)؛ متن = (ق: نیز ب، پ، ۶- س (نیز لی): به؛ ل (نیز لی): به؛ (ن: چو)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵- ق: قدش ابر؛ س: او پیش بر ۶- (ق: آ: آهن؛ و: جنگی)؛ بنداری (۱۴۵۰-۱۴۵۹): فأسره فقام و دخل الی بیت آخر و رأی فارسا واقفا فی الهواء لا یمسکه شیء. فوقف ساعة ثم خرج و قال: قد عمل هذا الفارس من الحديد و البیت الذی هو فیه منی من حجارة المغنیاطیس. و لا تخفی خاصیتها فی جذب الحديد. و هذا من صنعة الهنود، و إن لهم لعجائب (= ۱۴۵۰، ۱۴۵۳، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹) ۷- س (نیز ن، پ، آ، ب): از؛ متن = (نیز و، ن، ۲)؛ لی این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و من وقف علی کتیبهم ارتاح قلبه و انشرح صدره ۸- ل (نیز لی، و): هندی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- (لی: به) ۱۰- (ن: دین و آ: درد) ۱۱- س: ز دین بر چه کارند یا ۱۲- (ل: ۲: پرستیدان اندر) ۱۳- س: (نیز ن، ق، ۲، لی، پ، ب): چنان؛ متن = ل (نیز ل، ۲) ۱۴- س: (نیز ن، لی، پ، ن، ۲، ب): همی؛ (ق: آ: اگر)؛ متن = ل (نیز ل، و، آ، ۱۵- ل: ل: گرا؛ ق، ۲، لی، پ، یا؛ (ن: و) یا (نخست داشته: اگر))؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶- س: (نیز ق، ۲، ب): که‌اند؛ متن = ل (نیز ن)؛ بنداری: فسألہ الملک عن دین الهنود و ما یدهبون الیه فی أمر المعبود ۱۷- (لی: براه؛ آ: که شاه) ۱۸- (ب: جوی)؛ ل: کار شاهست و س: کار سالست و (ق: نیست برتر ز ل: راه، گاو ست و پ: گاو شان هست و؛ و: زگاه شاهست؛ آ: آفتابست و)؛ متن = س، ک، ل (نیز ن، لی، ن، ۲)؛ ق: این بیت را ندارد ۱۹- ل: کزو بوده ل: نگر وند؛ س: که گردنده؛ (ن: ۲، ب: بگر وند؛ آ: گردنده)؛ متن = س، ک (نیز ن، و) ۲۰- ق: همی نگرود با سپهر ۲۱- ق، س، آ: همی؛ (لی: ندارند کس؛ ل: ندارند ازین)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲- ک: خورشید ۲۳- (ل: تابنده) ۲۴- ل: (نیز آ، ب): برنگذرد (در ل، ا- حرف سوم بی نقطه)؛ ق (نیز و، ن، ۲): برنگذردند (در و حرف سوم بی نقطه)؛ متن = س، ک، ل (نیز ن، پ) ۲۵- ل، س (نیز آ، ب): نشمرند؛ متن = یازده دستنویس دیگر

شد اندر میان خویشتن را بسوخت،
 به فرمان یزدان فرمانروا،
 سخن‌های چرب آرد و دلپذیر،
 گناهش ز کردار شد ناپدید،
 همه^{۱۰} راستی داند آن^{۱۱} سوختن
 برین^{۱۵} بر روان مسیحا گواست^{۱۶}!
 بدان گه که بگشاد راز از نهفت،
 میاویز با او^{۱۷} به تندی^{۱۸} بسی،
 شود تیره زان^{۲۰} زخم^{۲۱} دیدار تو،
 خردمند را نام بهتر ز کام!
 مجوی، ار^{۲۵} نباشدت^{۲۶} گستردنی!
 بی‌آزار ازین تیرگی^{۲۹} بگذرید^{۳۰}!

هر آنکس که او^۱ آتشی^۲ برفروخت
 یکی^۳ آتشی داند^۴ اندر هوا
 که دانای هندوش^۵ خواند^۶ ائیر
 چنین گفت کاتش^۸ به آتش رسید
 ۱۴۷۰ از آن ناگزیر^۹ آتش افروختن
 همان^{۱۲} گفت‌وگوی^{۱۳} شمانیست راست^{۱۴}
 نبینی که عیسی مریم چه گفت
 که پیراهنت گر ستاند کسی
 و گر^{۱۹} برزند کف به رخسار تو
 ۱۴۷۵ [مزن همچنان^{۲۲}، تا بماندت نام
 به سوتام را^{۲۳} بس کن از^{۲۴} خوردنی
 بدین سر^{۲۷} بدی را به بد مشمرید^{۲۸}!

۱-ق: وی؛ (بی: کران) ۲-(ب: که آتش همی؛ بنداری (۱۴۶۳-۱۴۶۶): فقال: إنهم لا يعرفون سوی النار، و هم یرمون بأنفسهم فیها حتی یحترقوا (= ۱۴۶۵، ۱۴۶۶) ۳-(ن: تن (نخست داشته: یکی)) ۴-ل، آ: دید؛ س: آ: دارد؛ (ل: آ: راند؛ ن: آ: آید)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-(بی، ل، آ: هندیش) ۶-(ل: خواند آن؛ ب: خواندش) ۷-ل: نغز آورد؛ ک: خوب آرد؛ (ق: آ: خوب اندرو؛ ل: آ: چرب آرد او؛ ا: چرب آورد)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸-(ن، ب: آتش؛ بی: تا که آتش) ۹-س: آ: نامدار ۱۰-ل: همان؛ س، ک، ل: آ (نیز ل: ب: بی: همی؛ متن = ق، س: آ (نیز و ل: آ) ۱۱-(پ: از؛ ب: او؛ ل: خواند این؛ ل: رامشی داند آن؛ س: آ: راستی را برو؛ ق: آ: خویشتن را بدان)؛ متن = ق، س، ک، ل: آ (نیز ل: بی، ل، آ، و، ن، آ)؛ بنداری (۱۴۶۷-۱۴۷۰): و یقولون: إذا التقت الناران حصلت تطهارة الإنسان، یعنی إذا التقت هذه النار و النار المسماة بالأثیر و باطل ما یظنون، و هبما ما یعملون ۱۲-س: همی؛ (ب: چنین)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳-ل (نیز پ: ب: گفت گوی ۱۴-س: آ: رای ۱۵-ک: بدین ۱۶-س: آ: زبان مسیحا گوی؛ بنداری: ثم قال لقیصر: و أنتم أيضا فلیستم علی بینة من أمرکم، و لا علی محبة بیضاء من دینکم ۱۷-ق (نیز ق: آ): وی ۱۸-س: آ: توبوا و نساوی شدستی (!) ۱۹-س: ک: گر؛ (ق: آ: اگر)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-ل، ک، ل، آ: س: آ (نیز ل: بی، ل، آ، و-ب: آ: از؛ متن = ل، ق (نیز ق: آ، پ) ۲۱-ق (نیز ق: آ): خشم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۲-ق: مرین همچنین؛ (و: مزن دم بدان)؛ متن = ل (نیز ق: آ)؛ س، ک، ل، آ، ن، بی، ل، آ، پ، ل: آ، ب: این بیت را ندارند؛ س، آ: بجای آن و ق: پیش از آن افزوده‌اند:

میاور تو خشم و مکن روی زرد
 بخوابان (ا: مخوابان) تو چشم و مشو پرز
 (ق: آ: مکن دل به) درد (ا: مگوی ایچ سرد)

ب بجای آن افزوده است:

مکافات آنرا مبندی میان
 که خود بازیند ز یزدان زیان

۲۳-ل، ق: مشو نام را؛ س، ل، آ (نیز ل، ن، آ: ب: به اندک خورش؛ ک: به اندک همان؛ س: آ: مشو نام بر؛ (ق: آ: پ: به کمتر خورش؛ بی: برو نام بر؛ ل: آ: بشو نام بر؛ و: بشو نام را؛ آ: پس جام بر)؛ متن = ح: بنداری (۱۵۰۴ پ) ۲۴-(آ: این) ۲۵-ل: مجوار؛ ق: مجوگر؛ (و: همانا)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶-س (نیز ق: آ): نباشد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-ق: بدینسان؛ (ن: بدی سر؛ بی: ازین سر؛ و: برین سر) ۲۸-ل: نشمرد؛ س (نیز آ): مشمرند؛ س: آ: نشمرند؛ (بی: بسپرند)؛ متن = ده دستنویس دیگر (در ن، و: حرف پنجم بی نقطه) ۲۹-ق: تیره‌ره؛ س (نیز ب: از تیرگی؛ س: آ: سرای سپنج بی‌بتر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰-ل: بگذرد؛ س: آ (نیز بی، و، آ): بگذرند؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ در ق: لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند

دل از آز و آرام بیره^۳ گشت^۴!
 شتر کی کشد^۵ گنجتان را^۶ کلید^۷!
 زره‌های^۹ رومی و عادی^{۱۰} کلاه!
 از^{۱۴} آسودگی تیغ‌ها برکشید^{۱۵}!
 مسیحا نبود اندرین^{۱۸} رهنمون!
 که نانش^{۱۹} ز رنج^{۲۰} تن خویش بود،
 فرونیش^{۲۴} روغن^{۲۵} بدی پرورش،
 چو بی یار و بیچاره دیدش بکشت^{۲۶}،
 بران داربر مر ورا^{۲۸} خوار کرد!
 نگهبان^{۳۰} جوینده^{۳۱} خوب وزشت،
 سخن‌گوی و داننده^{۳۳} و یادگیر،
 به برنایی از^{۳۵} زیرکی کام^{۳۶} یافت!

شما را هوا بر خرد^۱ شاه گشت^۲!
 که ایوان‌ها تا^۴ به کیوان رسید
 ۱۴۸۰ ابا گنجتان نیز چندان^۸ سپاه
 به^{۱۱} هر جای^{۱۲} بیداد لشکر کشید^{۱۳}
 همی^{۱۶} چشمه گردد بیابان ز^{۱۷} خون
 یکی بی‌نوا مرد درویش بود
 جز^{۲۱} از ترف^{۲۲} و شیرش^{۲۳} نبود خورش
 ۱۴۸۵ چو آورد مرد جهودش به مشت
 همان^{۲۷} کشته را نیز بر دار کرد
 یکی بی پدر بود او در کنشت^{۲۹}
 چو روشن^{۳۲} روان گشت و دانش‌پذیر
 به پیغامبری^{۳۳} نیز هنگام یافت

۱- (ل. ۳. و: خرد بر هوا) ۲- ق: شد؛ ل: کیست ۳- ل: رزم و آزر کم کوتاه؛ س: ل. ۲ (نیز، لن: ب): آز بسیار بیره؛ ق: آرزو نیز گمراه؛ (ق: آ: داد و آزر کم بیره؛ و: آز و آزر کم بیره؛ آ: روی آزر کم بیره)؛ ک: س. ۲ (نیز ل: ۳): دل (ل: در): آز و آزر کم بیره؛ (ل: از آزر کم و از راه بیره؛ لن: آ: دل آزار و آزر کم بیره)؛ متن = (پ) ۴- ق: ایوان‌ها تا؛ (پ: ایوان‌ها تا) ۵- ل: (نیز ل: ۳): شمارگی که شد؛ س: ل. ۲ (نیز، لن: ب): همه شهر شد؛ ق: نیچی (۹) کشد؛ (ق: آ: به گردون کشد؛ ل: و، لن: آ: شتر می‌کشد؛ آ: سپهری که صد؛ متن = ک (ه: ل): عمق (نیز لن: ۲): گنجها را؛ (ق: آ: گنجها تا) ۷- س. ۲: کلید در راستی کس ندید ۸- س: س. ۲ (نیز، لن: ل: چندین؛ ق: ک (نیز ل: ۳): چندی؛ (ق: آ: جنگها نیز جنگی)؛ متن = ل (نیز و، آ: ب) ۹- (ل: سپهرای؛ ل: همان درج) ۱۰- س: ق: چینی؛ (آ: زرین؛ س: آ: عودی و رومی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱- س: آ: ز ۱۲- ق: جا ۱۳- (ل: کشد) ۱۴- ل: ق: س: آ: ز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵- (ل: برکشد) ۱۶- س: ق: ک (نیز، لن: ب): همه؛ (ق: آ: همان)؛ متن = ل، ل. ۲، س. ۲ ۱۷- ل: آ: به ۱۸- (آ: اندران)؛ ق: نباشد بدین ۱۹- (ق: آ: نازش) ۲۰- (ب: رنج و) ۲۱- (ل: آ: لن: ۲): چو؛ ۲۲- ل: آ: ترب؛ (ل: برف) ۲۳- ق: شیر و ترفش؛ س: آ: برف شیرین؛ (ق: آ: ترش و شیری)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۴- س: آ: و زویش؛ (ق: آ: مرو راز) ۲۵- روغن - زرخین؟ ۲۶- آ این بیت را ندارد؛ در ک بیت‌های ۱۴۸۵ و ۱۴۸۶ پس از بیت ۱۴۸۹ آمده اند ۲۷- ق: چنان؛ (ق: آ: ل: ۲: همه) ۲۸- س: در دین مر ورا؛ ل. ۲، س. ۲ (نیز، لن: و، لن: آ: در دین ورا؛ (ق: آ: در بر مر ورا؛ ل: در دینار را؛ ب: در و ایندو ورا)؛ ق: ک: بدان دار دین ورا؛ (ل: آ: سزاوار دین ورا)؛ متن = ل (نیز ب)؛ آ این بیت را ندارد؛ ل پس از این بیت دو بیت و ق تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

نبودش پدر نیز و او درگذشت همه کار و کردار او باد گشت (ق: برگذشت)
 چو بشنید خواد برزین سخن نگر تاش پاسخ چه افکند بن

۲۹- ل: چنین گفت کورانی بود کشت؛ س: پدر پسر بد چو او درگذشت؛ ل. ۲ (نیز، لن: ل: پ: لن: آ: پدر بر زره (ل: پیرزن؛ ل: بر زره؛ پ: دینور؛ لن: ۲: رنگرز) بود و او در (ل: بر) کشت؛ (ق: آ: تو گویی که او رازنی بود پست؛ ل: آ: ابا راهبان بود اندر کشت؛ و: نبودش پدر نیز اندر کشت؛ آ: پدر بود پنهان و او در کشت؛ متن = ک (۹) ۳۰- ک (نیز ق: ۲: و): حوج؛ (آ: نگهدار و) ۳۱- (ق: آ: گوینده)؛ ق: س. ۲، ب این بیت را ندارند ۳۲- س: آ: ب: (۱) ۳۳- (ب: سخن دان و گوینده) ۳۴- ل: س: ک: س. ۲ (نیز، لن: ب: ل: آ: ب: پیغمبری؛ متن = ق: ل. ۲ (نیز، لن: ق: آ: ل. ۲، و، آ: ب: به بیایی از؛ (ق: آ: به تیزی ازین؛ و: به یزدانی از؛ لن: آ: به ورنایی از)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۶- س: ک: ل. ۲ (نیز، لن: ب: و، لن: آ: ب: نام؛ متن = ل، ق: س. ۲ (نیز ق: آ: ل: ۲): بنداری (۱۴۷۲-۱۴۸۷)؛ فلانک عمدمت الی رجل فقیر کان یأکل من کسب یده و یجتزی بالثوم و البصل فی مطعمه، و تسلطت علیه اليهود حتی قتلوه و صلبوه، و فی الکنیسه یکی علیه آبوه - هکذا قال - (= ۱۴۸۳-۱۴۸۶؛ ع: بیت ۱۵۰۴) (پ)

برو^۳ باد نفرین بی آفرین^۴!
سُخُن‌های او سودمند آمدش^۵!
ترا نامدارِ مِهان^۶ آفرید!
تو داری در رازها^۹ را کلید!
سرش زافسر^{۱۱} ماه برتر بود!
یکی افسری^{۱۳} نامبردار^{۱۴} خواست،
که آباد باد از تو^{۱۶} ایران‌زمین^{۱۷}!

جهان شد ز گرد سواران سیاه،
همه نامدار از در کارزار،
سرآمد برو^{۲۵} روزگارِ درنگ^{۲۶}!
خردمند و باسنگ و با رای^{۲۸} و کام،
همی‌خواست از کردگار آفرین!
به^{۳۰} آیین نیکو به خسرو سپرد!
کران کند^{۳۴} شد بارگی‌های^{۳۵} تیز
ز یاقوت و از^{۳۷} جامه‌ی زرنگار^{۳۸}،

جز از راستی هرک^۱ جوید ز دین^۲
۱۵۰۵ چو بشنید قیصر پسند آمدش
بدو گفت کان^۶ کو جهان آفرید
سُخُن‌های پاک از^۸ تو باید شنید!
کسی را کزین گونه کهنتر^{۱۰} بود
درم خواست از گنج و دینار^{۱۲} خواست
۱۵۱۰ بدو داد و بسیار^{۱۵} کرد آفرین

و زان^{۱۸} پس چو دانست کامد سپاه
گزین کرد از آن^{۱۹} رومیان صد هزار^{۲۰}
سلیح^{۲۱} و درم خواست^{۲۲} و اسپان^{۲۳} جنگ^{۲۴}
یکی دخترش بود^{۲۷} مریم به نام
۱۵۱۵ [به خسرو فرستاد^{۲۹} بآیین دین
[بپذرفت دخترش گستمم گرد
و زان پس^{۳۱} بیاورد^{۳۲} چندان^{۳۳} جهیز
ز زرینه و^{۳۶} گوهر شاهوار

۱-س: کی؛ ک، ل، آ، س، ۲ (نیز، لن، می، ل، پ، ۲، ب): که؛ (ق، ۲، و، آ: چه)؛ متن = ل ۲- (ق: ۲: گوید درین؛ لی: بیجد ز دین) ۳- (لی، ل، ج، آ: بدو) ۴- (می، ب: با آفرین)؛ بنداری (۱۴۹۹-۱۵۰۴ = ۱۴۷۱-۱۴۸۰): بل غرتکم کنوزکم و أموالکم، و نیسم قول عیسی صلوات الله علیه حیث بقول: اجتز بسوتام (= ۱۴۷۶) من المأکول، و لا تتکلف فی الملبوس و المفروش ۵- این بیت را ندارد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر عس، ل، ۲ (نیز، لن، می، ل، پ، ۲، ب): آن؛ متن = ق، ک، س، ۲ (نیز ق، ۲، و، آ) ۷- ق: زمان؛ ک (نیز لی، آ): جهان؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۸- (لی: خوب از؛ ل، ۲: پاک) ۹- (و: رنجه) ۱۰- س، ۲: گوهر ۱۱- (لی: از بر) ۱۲- س، ۲: بسیار ۱۳- ق: (نیز ل، آ، و، آ): افسر ۱۴- (ل، آ: ماه کردار) ۱۵- (ق، ۲، ل، ۲، آ، ب: داد بسیار) ۱۶- س: یادا به تو (!) ۱۷- (آ: روی زمین)؛ بنداری (۱۵۰۵-۱۵۱۰): قال: فاستحسن قیصر کلامه و مدحه و اثنی علیه و خلع علیه خلعة تشتمل علی تاج مرصع بالجواهر مقرونة بأنواع من زبد الذخائر الأخير ۱۸- (ق: از آن) ۱۹- ل: زان؛ متن = س، ب ۲۰- (ق، ۲: سی هزار)؛ ق در اینجا سرنویس دارد: فرستادن قیصر دختر را با لشکر بنزد خسرو ۲۱- س، ک (نیز لی، و): سلاح ۲۲- ک (نیز و): داد ۲۳- ل، ۲: اسباب (= اسپان)؛ (لی: باساز؛ و: مردان) ۲۴- س، ۲: گنج ۲۵- (لی: بدو) ۲۶- س، ۲: روزگاری زرنج؛ بنداری (۱۵۱۱-۱۵۱۳): عاد الحديث الی ذکر ما دبره قیصر فی أمر پرویز. قال: ولما اجتمعت العساكر عند قیصر اختار مائة ألف فارس من الأبطال المذكورین و الفرسان المشهورین، و فرق علیهم الأموال و الخیل و الأسلحة ۲۷- س: دختری داشت؛ (ق، ۲: ب: دختری بود)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸- س، ۲ (نیز لی، پ، آ): با رای و با سنگ؛ بنداری: و کانت له بنت متحلیة بالخلال الحمیدة و الخصال المرصیة تسمى مریم ۲۹- ق (نیز ق، ۲، و): بدادش به خسرو؛ متن = ل؛ این بیت در یازده دستنویس دیگر و ترجمه بنداری نیست ۳۰- ق: بر؛ متن = ل (نیز ق، ۲)؛ این بیت در دوازده دستنویس دیگر و ترجمه بنداری نیست ۳۱- ک: ابا وی؛ س، ۲ (نیز لن، آ): از آن پس ۳۲- (و: بدو داد) ۳۳- ل، ۲ (نیز ل، آ): چندی ۳۴- س، ۲: تند ۳۵- ک: بارکشهای؛ آ: بارگیران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل بیت‌های ۱۵۱۷-۱۵۲۲، ق، و، ۱۵۱۹-۱۵۲۰، ۱۵۲۰، ۱۵۱۸، ۱۵۱۷ و در ق ۱۵۱۷ و ۱۵۱۸ پس از ۱۵۲۵ آمده‌اند ۳۶- (لن: یکی تاج بر) ۳۷- س، ۲ (نیز لن، و، لن، آ، آ): وز ۳۸- (و: جام گوهرنگار)؛ ق: سه تاج گرانمایه گوهرنگار (= ۱۵۲۰ ب)؛ بنداری: فرتب لها جهازا مشتملا، من الذهب و الفضة و الجواهر، علی ما حشرت عنه الحوامل، و عجزت عن ضبطه الأنامل

به ۳ زر پیکر و از ۴ بریشمش ۵ بوم ۶،
سه تاج گرانمایه گوهرنگار ۹،
جلیش پر از گوهر شاهوار ۱۲،
ز گوهر درفشان ۱۴ چو چشم ۱۵ خروس،
از ایوان ۱۸ برفتند با رنگ و بوی،
بیامد به زرین و ۲۲ سیمین ستام ۲۳،
پری چهره و شهره و دلگسیل ۲۴،
خردمند و ۲۷ با دانش ۲۸ و نامدار،
همان نیز با مریم اندر نهفت،
همان ۳۳ بخشش و خورد و شایستگی،
فزون بُد ۳۶ ز سیصد ۳۷ هزاران هزار،
ز گوهرنگار افسری بر سرش،

ز گستردنی‌ها و ۱ دیبای ۲ روم
۱۵۲۰ همان یاره ۷ و طوق ۸ با گوشوار
عماری بیاراست زرین ۱۰ چهار ۱۱
چهل مهد دیگر بُد از ۱۳ آبنوس
و زان ۱۶ پس پرستنده ۱۷ ماه‌روی
خردمند و ۱۹ بیدار سیصد ۲۰ غلام ۲۱
۱۵۲۵ ز رومی همان نیز خادم چهل
و زان ۲۵ فیلسوفان رومی چهار ۲۶
بدیشان ۲۹ بگفت آنچ ۳۰ بایست گفت
از ۳۱ آرام و از ۳۲ کام و بایستگی
پس ۳۳ آن خواسته کرد رومی شمار ۳۵
۱۵۳۰ فرستاد ۳۸ هر کس که بُد بر ۳۹ درش

۱-ک، س، ل (نیز ق ۲، ل ۳): گستردنی‌های؛ متن = س، ل ۲ (نیز لن، لب، لپ، لن، آ، ب) ۲-ل (دینار) ۳-پ، ب: ۴-ل ۲ (نیز لن، ب): وز؛
(ن: آ): او: هک: و ابریشمین (ل): متن = س، ل ۲ (نیز لن، لب، لپ، لن، آ، ب) ع: س ۲: بران پیکر زر بر دوش به بوم؛ (ق: آ): برو پیکر زر و سیمینش
بوم: لب: پر از گوهر ابریشمین بود بوم؛ ل ۳: ز ابریشمین پیکر و زر بوم؛ ا: ز چیزی که خیزد از آن تازه بوم؛ بنداری: فضلا عما سواها
من الملابس الفاخرة و المفارش الرائعة ۷-ل ۲: پاره ۸-ک: طوق و ۹-س ۲: زرنگار؛ بنداری این بیت را ندارد ۱۰-س: رومی؛ متن =
ق-ب ۱۱-س ۲: طراز ۱۲-س ۲: بیاراست شهوار ناز؛ بنداری: و آخر جوارب عماریات معموله من الذهب، علی کل واحدة منها صلیب
مرصع بالجواهر ۱۳-س ۲: بر از؛ (ق: آ): بدند؛ لب: همه؛ آ: زرین پر از؛ س: چهل رش یکی تخت بد ز؛ ق: چهل تخت دیگر بد از؛ ل ۲ (نیز
لن، ب): چهار دگر بودش از؛ ل ۲: چهار دگر بود هم؛ متن = ک (نیز پ، و، لن، آ) ۱۴-س: خروسان (ل: آ): درخشان؛ در ق آغاز واژه
پاک شده است؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۵- (و: پشت)؛ بنداری: و اربعین عمارية آخر مخروطات من الأبنوس مכלلات
بالجواهر ۱۶-ل: از آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷-ق (نیز پ، و، آ): پرستنده صد؛ ک: پرستنده شد (س = صد)؛ (ق: آ): پرستنده
سیصد بد از ۱۸-ک (نیز لب): ز ایوان؛ س، ل ۲ (نیز لن، ب): چو سیصد؛ (ل: آ): از نسان؛ آ: از ایران؛ متن = ق (نیز ق ۲، ب، و، لن، آ): س ۲،
بنداری این بیت را ندارند ۱۹-ل ۲ (نیز لن، ل ۲، ق: آ): جو؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز لب، پ، ب) ۲۰-ل، س، ل ۲ (نیز لن، ب): پانصد؛ متن =
ک، ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۲): ق: ز اسبان تازی به سیمین لگام ۲۲- (ن: آ): جو؛ ۲۳-س ۲: به شمشیر زرینه‌فام؛ ق: بیارود با زرین زرین ستام؛
بنداری: و معها ثلاثمائة و صیف بمنطق الذهب، علی مراکب بَعْدَهُ الفضة ۲۴-س ۲: این بیت را ندارد؛ بنداری: و اربعین خادما بیض
الرجوه (= رومی) کالآقمار الطلع ۲۵- (ق ۲، ل ۲، و: آ): از آن ۲۶-س ۲: ز رومی همان نیز خادم چهار (= ۱۱۵۲۵ + ۱۱۵۲۶) ۲۷-ق: جو <
۲۸- (پ: رامش)؛ بنداری: و أصحابهم اربعة من علماء الفلاسفة ۲۹-ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ب): با ایشان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰-ک، ل ۲،
س ۲ (نیز ق ۲، ب): آنچه؛ متن = ل، س، ق (نیز لن) ۳۱-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، آ، ب): ز؛ متن = ل، ق (نیز ق ۲، لن، آ) ۳۲-ل، ق، س ۲ (نیز لن، آ):
چهار؛ (لب: ای) چون بگردی شمار؛ متن = هم از؛ متن = ل ۳۳-س: ب: هم از؛ متن = ل ۳۴-س: س: از (نیز لن، ل ۲، و: ب): از؛ متن = ل (نیز پ) ۳۵-س، س ۲ (نیز و):
۳۷- (لب: ای) آمد از صد ۳۸-س: فرستاد و؛ (ل: آ): فرستاده؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۹-ل ۲: که آید

ز شایسته هر چیز^۳ بسیار داد،
سزد گر برآرند^۶ گردن^۷ به ماه!
نخیزد^۹ کسی از^{۱۰} میان^{۱۱} مهان!
که اندر سَخْن‌ها میانجی بود!
که نفروشد^{۱۵} آزادگان را به چیز!
وگر^{۱۶} چند ماند به گیتی بسی!
که تا آشکارا^{۱۸} شود زو^{۱۹} نهان!
همه^{۲۱} رای^{۲۲} و کردار او ایزدی‌ست!
به فرمان دریانی^{۲۴} رهنمون،
که تا رفتش کی به آید ز جای^{۲۷}،
به نیک‌اختر^{۲۸} و فالِ گیتی‌فروز،
چهارم^{۳۱} بیامد ز^{۳۲} پیش سپاه،
سَخْن گفت با او از^{۳۳} اندازه بیش،

همان جامه و^۱ اسب^۲ و دینار داد
چنین^۴ گفت کین^۵ زیردستان شاه
ز گسته^۸ شایسته‌تر^۸ در جهان
چو^{۱۲} شاپور مهتر گرانجی^{۱۳} بود
۱۵۳۵ یکی رازدارست بالوی^{۱۴} نیز
چو خُزاد بُرزین نیند کسی
بدان^{۱۷} آفریدش خدای جهان
چو خورشید تابنده او بی بدی‌ست!^{۲۰}
همه یاد کرد این^{۲۳} به نامه درون
۱۵۴۰ ستاره‌شُمَر پیش با^{۲۵} رهنمای^{۲۶}
بجنید قیصر به بهرام‌روز
سه^{۲۹} منزل همی‌رفت قیصر به^{۳۰} راه
بفرمود تا مریم آمد به^{۳۳} پیش

۱-ل: مهان راهمان؛ (لم: مهان جامه و؛ ل: همه جامه و؛ پ: نهاد و همان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-س: زَر ۳-ق: ز هر چیز شایسته؛ س: آ: ز بایسته هر چیز؛ (ق: آ: پ: درم داد و هم چیز)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ک: پ: پس از این بیت افزوده‌اند:

ک: یکی نامه فرمود بر پرنیان
پ: یکی نامه فرمود پس تا دبیر
بدو در کند یاد هر نیک و بد

۴-ل: (نیز لم): همی ۵-ق: (آ: کای) ۶-ق: (آ: برآید) ۷-س: سر را؛ پ: این بیت را ندارد ۸-ا: و بندوی او) ۹-ا: (نیند) ۱۰-س: در؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ا: (آ: کهان و)؛ لم: این بیت را ندارد؛ ق: بیت‌های ۱۵۳۳-۱۵۳۹ را ندارد ۱۲-ک: ز ۱۳-س: ک (نیز لن-ق: آ: لم، پ-ب): کوانجی؛ ل: آ: که ایلچی؛ متن = س ۲ (نیز ل: آ: در س ۲ حرف پنجم با سه نقطه)؛ در لم: بیت‌های ۱۵۳۴-۱۵۵۱ درهم‌ریخته‌اند ۱۴-ل: آ: بابوی؛ (لن: رازوارست باوی) ۱۵-ل: آ: بفروشد؛ درل، س: ب: حرف یکم بی نقطه ۱۶-ل: (نیز ل: آ: پ: ب: اگر؛ س: آ: و یا؛ متن = س، ک، ل: (نیز لن، ق: آ: و، لن، آ: ا))؛ لم: این بیت را ندارد ۱۷-ل: بران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸-ق: (آ: شکارای گیتی) ۱۹-ب: (ب: در)؛ لم: این بیت را ندارد ۲۰-ق: (آ: تابنده و بی بدیست)؛ س: ک: (نیز لن، ل: آ: و، ب: دل و مغز خُزاد (آ: خورشید؛ ل: آ: جان خرسند) کان (ک: خرشید خود؛ و: داننده چون) بی بدیست؛ ل: آ: (نیز لم): دل (لم: سر) و مغزش آکنده از بخردیست (لم: بخردی)؛ متن = ل: (نیز پ) ۲۱-س: (نیز ا))؛ همان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-ل: (نیز ق: آ: پ: و)؛ ک: راه؛ متن = س، ل: (نیز لم، ل: آ: ب: آ: ب: آ: این بیت را ندارد ۲۳-ق: آ: آن؛ و: کردش) ۲۴-ل: برفتند مامانس (حرفهای یکم و سوم بی نقطه)؛ ک: ز داندگان پیش آن؛ ل: آ: به فرمان‌روانش ابا؛ س: آ: به فرمان‌بران داد با؛ (لن: به فرمان روان داد بس؛ ق: آ: گرفتند با دانش و؛ لم: به فرمان‌روانش همی؛ ل: آ: بفرمود کاید برش؛ پ: برفتند یارانش با؛ و: به فرمانش رفتند با؛ لن: آ: به فرمان دارنده؛ آ: به فرمان او یانسان؛ ب: به فرمان دومانس)؛ متن = س (ه-ل: ا: ب: دریانس-سرگانس = سرگیس = سرگیوس؟ ۲۵-ل: آ: یا ۲۶-ل: رهنما ۲۷-ق: (نیز و): بجای؛ ل: کی آید بجا (ا))؛ س: ک: رفتش مهتر آمد ز جای؛ (ب: که رفتش کی بهتر آید ز جای)؛ متن = ل، ک، ل: آ: س: ۲ (نیز لن، ق: آ: پ: و، لن، آ: ا))؛ لم: این بیت را ندارد ۲۸-ل: نیکی اختر (ا) ۲۹-ل: (نیز پ): دو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۰-ق: ز ۳۱-ل: (نیز پ): سدیگر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲-ل: س: (نیز ق: آ: لم، پ: و)؛ به؛ متن = س-ل: آ: (نیز لن، ل: آ: و، ا: آ: ب) ۳۳-ق: ز؛ س: ک، ل: آ: س: (نیز لن، و): آمدش؛ (لم: بفرمود مریم بیامدش)؛ متن = ل: (نیز ق: آ: ل: پ، لن، آ: ب) ۳۴-ل: ک، ل: آ: س: ۲ (نیز لم، ل: آ: پ، لن، آ: ب)؛ ز: ق: باوی ز؛ (ق: آ: و را پندها داد از)؛ متن = س: (نیز لن، و): آ این بیت را ندارد

بدو گفت: دامن ز^۱ ایرانیان^۲
 ۱۵۴۵ بزه نه نباید که خسرو ترا
 بگفت این و پندرود کردش به^۶ مهر
 نیاطوس^۸ جنگی برادرش بود
 بدو گفت: مریم به خون^{۱۱} خویش^{۱۲} نشت
 سپردم ترا^{۱۶} دختر و خواسته
 ۱۵۵۰ نیاطوس^{۱۸} یکسر پذیرفت از او^{۱۹}

نگه دار و مگشای^۳ بند از میان^۴؛
 ببیند که کاری رسد نو^۵ ترا!
 که یار تو بادا به رفتن سپهر^۷
 بدان^۹ جنگ^{۱۰} سالار لشکرش بود،
 بران^{۱۳} بر نهادم^{۱۴} که هم کیش^{۱۵} نشت،
 سپاهی برین^{۱۷} گونه آراسته!
 بگفتند و^{۲۰} گریان^{۲۱} بیچید روی^{۲۲}

گفتار اندر آمدن نیاطوس نزد خسرو بالشکر و دختر و خواسته^{۲۳}

همی رفت لشکر به راه ورغ^{۲۴}
 چو بشنید خسرو که آمد سپاه
 چو آمد پدیدار^{۲۹} گرد سران
 همی رفت لشکر به کردار گرد^{۳۲}
 ۱۵۵۵ دل خسرو از لشکر نامدار

نیاطوس^{۲۵} در پیش با گرز و تیغ^{۲۶}
 از آن شارستان^{۲۷} برد لشکر^{۲۸} به راه
 درفش سواران^{۳۰} جوشن و ران^{۳۱}؛
 سواران بیدار و مردان^{۳۲} مرد^{۳۳}؛
 بختدید چون گل به گاه^{۳۳} بهار!

۱-س.ن.آ: تا (ق: در) مرز؛ (ب: سخن گفت با مرز)؛ متن = ل ۲- (ا: به مریم چنین گفت با آفرین) ۳- (ب: مگشای) ۴- ق: نگه کرد
 باید به سود و زیان؛ (ا: از ایدر چو رفتی به ایران زمین)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۵- (ل: نو آید) ۶- (ق: آ: ز) ۷- ک: خداوند
 مهر؛ (و: خدای سپهر؛ لی: که از جان تو شاد بادا سپهر) ۸- ک: (نیز ب: بناطوس؛ ق: (نیز آ: بناطوش؛ ل ۲: نیز ن، ق: آ، و، ب: نیاطوش؛
 متن = ل، س (نیز ل ۲، ن ۲) ۹- ک: (نیز ق: آ، و، آ: بران ۱۰- س، ق: کار؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ س: آ، لی: این بیت را ندارند ل ۱۱- آ
 (نیز و: که چون ۱۲- (لی: خسرو کنون پیش) ۱۳- ل: آ: برین؛ (لی: ل ۲: بدان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۴- ک: هم نهادم ۱۵- ک: که کم
 پیش؛ (و: کم و بیش من سربر پیش)؛ س: آ این بیت را ندارد ۱۶- (آ: به تو) ۱۷- (لی: س، و، ب: بدین؛ آ: بران)؛ متن = ل، س، ک، ل ۲: (نیز ن،
 ق: آ، ن ۲)؛ ق: س: آ این بیت را ندارند و در لی له‌های آن پس و پیش شده است ۱۸- س، ل، س، آ ۲: (نیز ن، ق: آ، و، ب: نیاطوش؛ ک: (نیز ب: بناطوس؛
 لی: آ: بناطوش)؛ متن = ل (نیز ل ۲، ن ۲) ۱۹- ل ۲: (نیز و، ا: ازو؛ (لی: زوی) ۲۰- ک، ل ۲: (نیز ب: ج: ل ۲: بگفت این و؛ ب: برفتند و)
 ۲۱- (ق: جهاندار ازیشان) ۲۲- ل ۲: (نیز آ: ازو؛ (ن: آ: ازو؛ و: برفتند گریان دل و تازه رو)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری
 (۱۵۲۷-۱۵۵۰)؛ و خلع علی آراءه پرویز، ثم استحضار آخاه نیاطوس و سلم العسکر و البت الیه، و أمره بالارتحال نحو پرویز ۲۳- س: آمدن نیاطوش نزد خسرو بالشکر و دختر و خواسته؛ س: فرستادن قیصر لشکر و دختر پیش خسرو؛ ل، ق، ک، ل ۲: سرنویس ندارند؛
 متن = س- ۲۴- س: وزیغ؛ س: آ: وبریغ؛ (ق: آ: وزیغ؛ ل ۲: بگردار ابر؛ ن: آ: در آن راه و ریغ؛ لی: بیامد گزازان به راه و ریغ)؛ متن = ل، ک، ل ۲
 (نیز ن، پ، و، آ: ب) ۲۵- س: آ (نیز ن، ق: آ، و، ن ۲: ب: نیاطوش؛ ک: (نیز ب: بناطوس؛ ل ۲: بناطوش؛ (لی: آ: بناطوش)؛ متن = ل ۲۶- ل: سپاهی همه غرقه در خود و گیر)؛ ق این بیت را ندارد ۲۷- ق، ل ۲: (نیز ل ۲، پ، ب: شارسان ۲۸- ل: لشکر آمد؛ متن = س- ب؛
 س: س: آ در اینجا سرنویس دارند، س: آمدن بناطوش بنزد خسرو بالشکر و دختر و خواسته؛ س: فرستادن قیصر لشکر و دختر بنزد
 خسرو ۲۹- ل- ب: پدیدار ۳۰- س، ل ۲: (نیز ل ۲، ل ۲، ن ۲، آ: ب: سواران و؛ متن = ل، ق، ک، س، آ (نیز ن، ق: آ، و، ب) و) ۳۱- (آ: کنداوران)؛ درس ۲
 بیت‌های ۱۵۵۳-۱۵۶۵ در هم ریخته‌اند: ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۲، ۵۴ (۵۷ و ۵۴) ندارد ۳۲- س، ک، ل ۲: (نیز ن- ۳،
 ن ۲، آ: ب: ابر و سپاهی (ق: سپاهش) همه غرقه در خود و گیر (ق: آ: بیر؛ لی: در سیم و زر)؛ (و: کرگ + همه غرقه در جوشن و خود و
 ترگ)؛ متن = ل: ق این بیت را ندارد؛ در ل ۲: بیت‌های ۱۵۵۱-۱۵۵۴ در هم ریخته‌اند: ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۵۱، ۳۳- ل، س، ق، ل ۲: س: آ (نیز ن، ق: آ،
 ل ۲: و، ب: (و: ق: متن = ک: (نیز لی، پ)

مران^۳ باره را پاشنه خیز^۴ کرد؛
 به پرسیدن^۵ آزادی^۶ اندر گرفت؛
 ابا رنج، دیگر^{۱۲} تهی کرد گنج؛
 به پرده ندرون^{۱۴} روی مریم^{۱۵} بدید؛
 ز^{۱۹} دیدار آن خوب رخ گشت شادا؛
 نهفته یکی^{۲۰} ماه را ساخت^{۲۱} جای؛
 چهارم چو بفریخت گیتی فروز،
 نیاطوس^{۲۵} را پیش او^{۲۶} خواستند،
 سران سپه را همه^{۲۹} بیش و کم،
 کدامند و^{۳۱} مردان^{۳۲} جنگاوران؟

دل روشن راد^۱ را تیز^۲ کرد
 نیاطوس^۵ را^۶ دید^۷ در بر گرفت
 ز قیصر که برداشت زان^{۱۰} گونه^{۱۱} رنج
 و زان راه^{۱۳} سوی عماری کشید
 ۱۵۶۰ پرسید^{۱۶} و بردست خود^{۱۷} بوس^{۱۸} داد
 بیاورد لشکر به پرده سرای
 سخن گفت و بنشست با او^{۲۲} سه روز
 گزیده شیراعی^{۲۳} بیاراستند^{۲۴}
 ابا سرگس^{۲۷} و کوت^{۲۸} جنگی بهم
 ۱۵۶۵ بدیشان چنین گفت کاکون^{۳۰} سران

۱- ل: زاد؛ (ب: و راد؛ فن: آ؛ و داد؛ ق: آ؛ روشش راد؛ ل: آ؛ روشش داد)؛ متن = ل، س، ک (نیز، لن، لی، و ب، آ؛ س: آ؛ روشن و باده و خیره
 ۳- (لی: همان) ۴- س: آ؛ با سپه تیره؛ (ق: آ؛ میان باره را پاشنه تیز؛ آ: از آن باره تیز و خیز)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: این بیت را
 ندارد؛ بنداری (۱۵۵۱-۱۵۵۶). فارتحل بذلك العسكر الرجراج سائرین كالبحر المتابع الامواج، یخال معها الجبال سائره، و البحار
 ثائرة، و الأرض ماثرة. فلما علم بروزیز باقیالمه ركب و تلقاهم ۵-س (نیز لی): نیاطوش؛ ق، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، آ)؛ نیاطوش؛ ک:
 نیاطوس؛ (و، لن، آ، ب: نیاطوش)؛ متن = ل (نیز ل^۳)؛ ع: ل؛ ج: < ۷- ق: زود؛ ک: دید؛ (و: نیک؛ لی: بیامد نیاطوش) ۸- س، ل^۲ (نیز لن،
 ق، ل، آ، ب، ا، ب: پرسید و؛ متن = ل، ق، ک (نیز، ب، و، آ) ۹- (لی: چو بگشاد بر بورش)؛ بنداری؛ فلما رأى نیاطوس بادره و اعتقه؛ لی پس
 از این بیت افزوده است:

بیرسید لشکرش از رنج راه ز کار مهان و ز کار سپاه

۱۰- س (نیز آ): از آن؛ ک: زین؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ زان (ح: از آن) ۱۱- (لی: کزان گونه برداشت)؛ س: آ؛ برهنه که برداشت بسیار
 ۱۲- س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، لن، آ، آ، ب: لشکر؛ ق: آ؛ و لشکر)؛ ق: ابا لشکر و هم؛ (و: برای دل او)؛ متن = ل (نیز پ) ۱۳- ل: جای؛
 (ب: روی)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۴- ل، ک، س، آ (نیز لن، ب): درون؛ متن = ل ۱۵- س: دختر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛
 بنداری؛ ثم ثنی عنانه و قصد عماریه مریم ۱۶- (ق: آ؛ بیوسید؛ ل: آ؛ بختندید) ۱۷- س (نیز ق: آ)؛ او؛ متن = سیزده دستنویس دیگر
 ۱۸- س، ک، ل، آ (نیز ق، آ، ب، و، لن، آ، ب): بوسه؛ متن = ل، ق، س، آ (نیز لن، لی، ل، آ، ب) ۱۹- (لی: به)؛ بنداری؛ فلما قرب منها رفع و نهها الحجاب
 فرأها كالشمس قد انكشفت عنها السحاب، فخلعها وقيل يد نفسه ۲۰- (ق: آ؛ همی) ۲۱- (ق: نیز ل^۳)؛ کرد؛ بنداری؛ ثم عطف عنانه و
 رجع بهم إلى مخيمه فنزلوا ۲۲- (ق: نیز ق: آ)؛ وی؛ ک: گفت با او نشسته؛ بنداری؛ و خلا بها بروزیز ثلاثة أيام ۲۳- ل، ق (نیز ل، آ، ب، و):
 سزایی؛ متن = س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ، ب) ۲۴- (لی: سرابره آراستند) ۲۵- س (نیز ق، آ، ب): نیاطوش؛ ق، ل، آ، س^۲ (نیز آ):
 نیاطوش؛ ک (نیز پ): نیاطوس؛ (لن: گزین روم؛ و، لن، آ، ب: نیاطوش)؛ متن = ل (نیز ل^۳) ۲۶- (ل: خود) ۲۷- ل، ک (نیز لی، پ، و): سرکت؛
 س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ، ب): سرکش؛ (ل: آ؛ سرکس)؛ متن = ل (ل^۳) ۲۸- ل، آ (نیز لی): کوب؛ متن = سیزده دستنویس
 دیگر ۲۹- (و: سپه سربس)؛ بنداری (۱۵۶۲-ب، ۱۵۶۴): و فی اليوم الرابع استحضرت نیاطوس و سرکس و کوتا، و كان هذا الرجل یلقب
 بهزاره (ح: بیت ۱۷۴۸) لکنونه معدودا بألف فارس ۳۰- (لن، آ، ب: اکون) ۳۱- ل، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی): جو < ۳۲- ق (نیز و): گردان و؛
 (لی: مردان و)؛ لی پس از این بیت افزوده است:

به جنگ اندرون جان ندارد درین
 اگر شیر پیش آیدش گر نهنگ

کسی کو گراید به گرز و به تیغ
 به رزم اندرون باشد او مرد جنگ

که آورد گیرند^۳ روز نبرد،
گزیده سواران^۴ خنجر گزار^۵
سواران^۶ گردنکش^۶ رزم خواه،
که چرخ آفرید و زمان و زمین،
چه^۸ بر نامور قیصر و کشورش^۹!
مرا یار^{۱۲} باشد بدین^{۱۳} کارزار^{۱۴}،
زمین را به^{۱۶} گوهر چو دیبا^{۱۷} کنم^{۱۵}!
گزینید^{۲۱} گفتار^{۲۲} بر خامشی^{۲۳}!
فلک باد و مهر ردان بوستان^{۲۴}!

نیاطوس^۱ بگزید هفتاد^۲ مرد
که زیر درفش^۳ برفتی هزار
چو خسرو بدید آن گزیده سپاه
همی خواند بر کردگار آفرین
۱۵۷۰ همان بر نیاطوس^۷ و بر لشکرش
بدان^{۱۰} مهتران گفت: اگر^{۱۱} کردگار
توانایی خویش پیدا کنم^{۱۵}
بباید^{۱۸} ازین^{۱۹} آمدن رامشی^{۲۰}
نباشد جز اندیشه‌ی دوستان

گفتار اندر بازگشتن خسرو از روم به جنگ بهرام^{۲۵}

سپه را بگردار^{۲۶} گردان سپهر!
هوا شد ز گرد سپاه^{۲۹} آبنوس!

۱۵۷۵ به هشتم^{۲۶} بیاراست خورشید چهر^{۲۷}
ز درگاه برخاست آوای^{۲۸} کوس

- ۱-س. ۲ (نیز ق. ۲، ل. ۱، آ): نیاطوش؛ ق. ۱، ل. ۲ (نیز لن): نیاطوش؛ ک (نیز پ): نیاطوس؛ (و، ل. ۲، ب: نیاطوش)؛ متن = ل (نیز ل. ۳) - ۲ - ق (نیز ل. ۱): هشتاد - ۳ - س. ۱، ل. ۲ (نیز لن، و، ب): گزید به؛ (ق. ۲: جوریند)؛ ق: که هر یک دلیرند؛ متن = ل، ک، م. ۲ (نیز ل. ۱، ل. ۳، ب، ل. ۲، آ) - ۴ - ل، ق - س. ۲ (نیز ق. ۲، و، ل. ۲): درفش؛ (پ: که در زیر هر یک)؛ متن = س (نیز لن، ل. ۲، آ، ب) - ۵ - (ل: نیزه گزار)؛ بنداری (۱۵۶۵-۱۵۶۷): فسألهم برویز عن مقدمی العسکر فعدوا سبعین نفسا من الأمراء الکبار تحت رایة کل واحد منهم ألف فارس - ۶ - (ق. ۲، آ: گردنکش و) - ۷ - س: نیاطوس؛ ک (نیز پ): نیاطوس؛ ل. ۲ (نیز لن): نیاطوش؛ (ق. ۲، ل. ۱، آ: نیاطوش؛ ل. ۲، ب: نیاطوش)؛ متن = ل (نیز ل. ۲، و) - ۸ - س. ۲ (نیز لن. ۲): چو - ۹ - ک: دخترش؛ ل. ۲: افرش؛ س. ۲ (نیز ق. ۲): لشکرش؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد؛ ک پس از این بیت افزوده است: بتی بود کاندز جهان کس ندید / بدان خوب رونی نه هرگز شنید / که وصفش دل مرد دانش پزوه / نداند ز خوبی و گردد ستوه
- ۱۰-س. ۲: بران ۱۱-ل: کز (د، گری)؛ س، ق: گر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲-ل: یاد (د، یار) - ۱۳-ل: گه؛ ق، س. ۲: درین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-س. ۱، ل. ۲، س. ۲ (نیز لن، ل. ۳، ب، ل. ۲، آ، ب): روزگار؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق. ۲، و) - ۱۵- (ل. ۲، آ: کنیم) - ۱۶-ق (نیز ق. ۲، ب، و، آ): ز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ق، ک، ل. ۲ (نیز ل. ۳، و، آ): دریا؛ (پ: ثریا؛ ق. ۲: ز خون همچو دریا)؛ ل: به کوکب ثریا؛ متن = س، ل. ۲ (نیز لن، ل. ۲، ب) - ۱۸-س (نیز لن، ق. ۲، آ): باشد؛ ق. ۲ (نیز ب): نباشد؛ س. ۲: بیاید؛ (ل: بیاید)؛ متن = ک (نیز ل. ۱، و، ل. ۲) - ۱۹-س (نیز لن، ب): از آن ۲۰-ق: جز بهی؛ (آ: راستی) - ۲۱-س: گزینند؛ ل. ۲: گزینی به؛ (ل: گزین کرده)؛ متن = ک، س. ۲ (نیز لن، ق. ۲، ل. ۲، ب) - ۲۲- (ل: از؛ و، با) - ۲۳-ق: ببینند کردار با فرهی؛ (آ: که زبینه گفتار برخاستی)؛ ل این بیت را ندارد؛ در ل. ۲، این بیت پس از بیت ۱۵۷۴ آمده است ۲۴-ل (نیز پ، و): باد (پ: یار؛ و، باغ) و مهر ردان بوستان؛ س (نیز لن، ل. ۲، آ، ب): باد بر (آ: با) مهربان (لن: مهتران؛ لن: مهتران) بوستان؛ ق: باد و بهره زهر دوستان؛ ک، ل. ۲ (نیز ل. ۱): باد مهر آرد از بوستان (ل: دوستان)؛ (ل. ۲: باد مهر و روان بوستان)؛ س. ۲: که گویی همی پیش گردنکشان؛ (ق. ۲: شود کار چون از صبا بوستان)؛ متن = ل؛ بنداری (۱۵۶۸-۱۵۷۴): فشرکم برویز و اثنی علیهم و وعدهم و متأهم - ۲۵-ق: مراجعت خسرو از روم به ایران و آمدن بندوی بنزد او؛ ک: بازگشتن خسرو از روم به جنگ بهرام؛ ل، س، ل. ۲، س. ۲ سرنویس ندارند؛ متن = ک - ۲۶-س. ۲-ل (نیز لن، ق. ۲، ل. ۲، پ، ب): هفتم؛ (ل. ۳: نهفته)؛ متن = ل - ۲۷-س، ق. ۲ (نیز لن، ب): خوب چهر؛ ک: خسرو به مهر؛ متن = ل؛ س. ۲ بیت‌های ۱۵۷۵-۱۷۹۹ را ندارد ۲۸-س (نیز ق. ۲، ل. ۲، آ، ب): آواز؛ متن = ل، ق، ک، ل. ۲ (نیز لن، ل. ۳، و، لن. ۲) - ۲۹-س. ۱، ل. ۲ (نیز لن، ل. ۳، ب، ل. ۲، و، آ): سپه؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق. ۲، و، آ)؛ پ این بیت را ندارد

سپاهی^۱ گزین کرد از^۲ آزادگان دو هفته^۳ برآمد به^۴ فرمان شاه سراپرده زد^۵ شاه بر دشت^۶ دوک^۷ ۱۵۸۰ نیاطوس^{۱۱} را داد لشکر همه و زانجایگه با سواران^{۱۲} گرد شوی راه چپچست^{۱۴} بنهاد روی به جای^{۱۷} که موشیل^{۱۸} بود^{۱۹} ارمنی^{۲۰} به لشکرگهش یار^{۲۲} بندوی بود ۱۵۸۵ چو از جنبش خسرو آگه شدند^{۲۳} برفت این^{۲۶} دو گرد از^{۲۷} میان سپاه^{۲۸} به گستههم گفت: آن^{۳۱} دلار دو مرد یکی^{۳۵} سوی ایشان نگر^{۳۶} تا که اند^{۳۷} چنین گفت گستههم کای^{۴۰} شهریار ۱۵۹۰ برادرم بندوی گنداورست^{۴۲}

بیامد سوی آذربادگان،
دمادم به لشکرگه آمد سپاه^۵،
چنان لشکری^۸ گشن و راهی^۹ سه دوک^{۱۰}
بدو گفت مهتر توی^{۱۲} بر رمه^{۱۳}!
عنان بارهی تیزتگ را سپرد،
همی راند پیچان^{۱۵} دل و راهجوی^{۱۶}،
که کردی میان بزرگان^{۲۱} منی!-
که بندوی خال جهانجوی بود،-
از آن^{۲۴} دشت تازان^{۲۵} شوی ره شدند^{۲۳}
ز لشکر^{۲۹} نگه کرد خسرو به راه^{۳۰}،
چنین اسپ^{۳۲} تازان^{۳۳} به دشت^{۳۴} نبرد،
برین^{۳۸} گونه تازان^{۳۹} ز بهر چنانند^{۳۷}؟
برآنم که آن^{۴۱} مرد ابلق سوار،
همان یارش از لشکری^{۴۳} دیگرست^{۴۴}

۱- (و: سواران) ۲- ل: ز؛ ل: (نیز لی، و): «از» متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری (۱۵۷۵-۱۵۷۷): «و أقام إلى تمام الأسبوع. و لما كان اليوم الثامن ركب في رجالة الإيرانيين و توجه نحو آذربيجان ۳- ل: ۳: (دمادم) ۴- (ق: ز): ۵- ل: به لشکرگه آمد دمادم سپاه؛ ل: ۲: دو هفته که لشکر بیامد براه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر عمل (نیز لی، پ): سراپرده؛ متن = س، ک، ل: ۲ (نیز لن، ل: ۳، و: ب) ۷- ک (نیز لی): توک (در لی بی نقطه)؛ (و: سوک؛ آ: و در)؛ متن = ل، س، ل: ۲ (نیز لن، ل: ۲، ل: ۳، پ، لن، ۲، ب) ۸- ک (نیز ق: ۲، لی، و): لشکر ۹- س، ک (نیز ق: ۲، لی، و): راه ۱۰- س، ل: ۲ (نیز لن، ق: ۲، ل: ۳، و، لن، ۲، ب): سلوک؛ ک: شلوک؛ (لی، پ: سدوک؛ آ: و پیل و سپر)؛ متن = ل: ق این بیت را ندارد؛ بنداری: و سار إلى أن نزل في أرض تعرف بأرض الحلقاء أو أرض المغازل ۱۱- س (نیز ق: ۲، لی): بناطوش؛ ق: ل: ۲ (نیز لن، آ): بناطوش؛ ک (نیز پ): بناطوس؛ (و، لن، ۲، ب: بناطوش)؛ متن = ل (نیز ل: ۳؛ ل: نخست نیاطوس داشته) ۱۲- همه دستنویس ها: تویی ۱۳- ک: همه؛ (و: بنه؛ لی: کای شهریار رمه) ۱۴- ل (نیز ق: ۲): حنجست؛ س (نیز ل: ۳، و، لن، ۲، آ): حنجست؛ ق: حنجست؛ ک: حنجست؛ ل: حنجش (حرف دوم بی نقطه)؛ (لن: حنجست؛ لی: حنجسب؛ پ: کنجشک؛ ب: حنجشت)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵- ل (نیز ق: ۲، ب): شادان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶- (ل: ۳، لن: ۲: کامجوی)؛ بنداری: فخمی هناك، و اتصلت عساكر الروم بعد أسبوعين. ثم فوض أمرهم إلى نیاطوس، و ألقى مقاليدهم اليه. و ركب في رجالة و سار على طريق حنجست ۱۷- (لن: بدانجا) ۱۸- س، ل: ۲ (نیز لن، و، آ، ب): موسیل؛ (لن: ۲: موسیک)؛ متن = ل ۱۹- ل: ۲ (نیز لن، ل: ۳، آ، ب): بد؛ متن = ل- ک (نیز ق: ۲، لی، ب) ۲۰- (لی: آن منی) ۲۱- ق (نیز لی): سواران ۲۲- (لی: جای؛ لن: ۲: باز) ۲۳- (لن، ل: ۳، آ: آگه شد-راه شد)؛ متن = س، ک، ل: ۲ (نیز و، لن، ۲، ب) ۲۴- (لی: بدان) ۲۵- ل: ۲: یاران؛ ل: ۳: یازان؛ ل، ق، و این بیت را ندارند ۲۶- ل: ۲ (نیز ل: ۳، ل: ۲، آ): آن ۲۷- ل: ۲: گردان ۲۸- (و: دولشکر ز هامون براه) ۲۹- (ق: ۲، آ: از آن پس) ۳۰- (و: نگه کرد خسرو به کار سپاه)؛ بنداری (۱۵۸۳-۱۵۸۶): فسمع موسیل ملك الأرمن و بندويه خاله باقیال رایاته فرکا بستقبلاه ۳۱- (ل: ۳، و، لن، ۲، ب: این) ۳۲- س (نیز لن): کیانند؛ ک: چنان اسپ؛ ل: ۲: که آیند؛ (لی، پ: چنین است؛ ل: ۲: چنین اند)؛ متن = ل، ق (نیز ق: ۲، و، لن، ۲، آ): ۳۳- (ل: ۳: یازان) ۳۴- ک: راه ۳۵- ل (نیز پ): برو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۶- ل: ۳: بین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۷- ل (نیز پ): کی اند-چی اند؛ ک (نیز لن، ل: ۳): کی اند-چه اند؛ متن = س، ق، ل: ۲ (نیز ق: ۲، لی، پ، آ) ۳۸- س، ق (نیز لی، ل: ۳): بدین؛ ل: ۲: ازین؛ (پ: دوزین؛ و: بران)؛ متن = ل، ک (نیز لن، ق: ۲، لن، ۲، آ، ب) ۳۹- ل: ۲: یاران ۴۰- س: گفت کای نامور؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴۱- ل: ۲: این ۴۲- ق، و، ل: ۲ (نیز لن، ب): جنگاورست؛ متن = ل، س ۴۳- ل: ۲ (نیز ق: ۲): لشکر ۴۴- (و: نازش لشکر و کشورست)؛ بنداری: فلما تدانی ما بین المُقبل و المستقبل عرف كستههم أمّاه من بعيد فقال لبرویز: إن هذا خالک و عبدک

چنین گفت خسرو به گستمش شیر^۱
 کجا کار بندوی باشد^۳ درشت
 اگر زنده خواهی^۴، به زندان بود
 بدو گفت گستمش: شاها درست
 ۱۵۹۵ گر^۹ آید بنزدیک و باشد جز اوی^{۱۰}
 هم آنگه رسیدند نزدیک شاه
 چو رفتند نزدیک خسرو فراز
 پیرسید خسرو، به^{۱۳} بندوی^{۱۵} گفت
 به خسرو بگفت آنج^{۱۷} بر وی^{۱۸} رسید
 ۱۶۰۰ و زان چاره جستن بدان^{۲۱} روزگار
 همی^{۲۶} گفت و^{۲۷} خسرو فراوان گریست؛
 بدو گفت کای^{۳۱} شاه خورشید^{۳۲} چهر
 که تا تو ز ایران شدهستی^{۳۶} به روم
 سرابرده^{۳۸} و دشت جای وی^{۳۹} است
 ۱۶۰۵ فراوان سپاهست با او^{۴۲} بهم

که این کی بود، ای سوار دلیر^۲،
 مگر پاک یزدان بود یار و پشت،
 وگر کشته^۵ بر دار و^۶ میدان بودا
 بدان سو^۷ نگه کن که او^۸ خال تست!
 ز گستمش گوینده^{۱۱} جز جان مجوی^{۱۰}!
 پیاده شدند اندر آن سایه گاه^{۱۲}
 ستودند و بردند پیشش نماز^{۱۳}
 که گفتم ترا خاک یابم^{۱۶} نهفت!
 همان^{۱۹} مردمی^{۲۰} کو ز بهرام دید،
 و زان^{۲۲} پوشش^{۲۳} جامه^{۲۴} شهریار^{۲۵}،
 و زان^{۲۸} پس بدو گفت^{۲۹} کین^{۳۰} مرد کیست؟
 تو موثیل^{۳۳} را چون نپرسی^{۳۳} ز^{۳۵} مهر،
 نخفته ست هرگز^{۳۷} به آبادبوم!
 ز^{۴۰} خرگاه و خیمه سرای وی^{۴۱} است!
 سلیح^{۴۳} بزرگی^{۴۴} و گنج^{۴۵} درم!

۱-ق: پیر؛ س، ک، ل، ۲- (نیز لن-ل-و، ب): بدو گفت خسرو چه گویی همی؛ متن: ل (نیز پ) ۲-س، ک، ل، ۲- (نیز لن-ل-و، ب): تو بندوی
 را از که (ل، ۲، ا، چه) جویی همی؛ ق: کز نیشان نباشد سخن دلپذیر؛ متن: ل (نیز پ): ق ۲ پس از آن افزوده است:

کزین گفته اندوهت آید به روی نگر تا نگویی چنین گفت و گوی

۳- (و: اگر شد)؛ متن: ل، ق (نیز ق ۲)؛ س، ک، ل، ۲، لن، پ، لن، ۲، آ، ب، این بیت را ندارند و در و پس از بیت ۱۵۹۴ آمده است ۴- (ق ۲: گویی) ۵- (لن: مرده) ۶- ک (نیز لن-ل، ۲، ب): حو؛ متن: ل، س، ق، ل، ۲ (نیز ا)؛ بنداری: فقال هیهات هیهات! إنه لایکون الآن إلا مودعا فی بطون الصفائح و أطباق الضرائح ۷- ل، ۲: سر ۸- س، ق، ک (نیز لن-ل، ۲، ب): آن؛ ل، ۲: این؛ ا: بدان مرد بنگر که آن؛ متن: ل ۹- س-ل ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، پ، ب): چو؛ متن: ل (نیز ل ۲) ۱۰- ل: او-مجو؛ متن: سیزده دستنویس دیگر ۱۱- ل ۲ (نیز ب): جوینده؛ (و: ز جوینده گستمش؛ ا: به گستمش جنگی به)؛ متن: ده دستنویس دیگر؛ س، ل ۲ در اینجا سرنویس دارند، س: باز آمدن بندوی به لشکرگاه ایران بنزد خسرو؛ ل: آمدن بندوی خال خسرو بنزدیک خسرو ۱۲- ل (نیز ا): بارگاه؛ ق: جایگاه؛ (ق ۲: شاه راه؛ ل: پایگاه؛ و: رزمگاه؛ متن: س، ک، ل (نیز لن، ل، پ، لن، ۲، ب): ۱۳- بنداری: فلما قرب اذا هو به فترجل و قبل الأرض فحمد الله تعالی و اثنی علیه ۱۴- ق (نیز ا): ز ۱۵- ل: تندی ۱۶- ق: باشد؛ (ق ۲: یابم) ۱۷- ک، ل ۲ (نیز ل، ب): آنچه؛ متن: ل، س، ق، ل (نیز لن، ق ۲) ۱۸- س (نیز ب): من؛ متن: ل، ق، ک، ل ۲ (نیز لن، ا) ۱۹- ق: چنان ۲۰- (و: مردی)؛ بنداری: ثم حکى له ماجرى علیه و علی بهرام بن سیاوش ۲۱- ل (نیز ل ۳): در آن؛ متن: دوازده دستنویس دیگر ۲۲- (ق ۲: از آن) ۲۳- س، ق، ل (نیز لن، ا): پوشش و؛ متن: ل، ک، ل ۲ (نیز ل، ب، لن، ۲، ب): ۲۴- (ق ۲: جامه پوشش) ۲۵- ل ۲ (کارزار) ۲۶- ک (نیز ل، ۲، پ، و، ا): بسی؛ متن: ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، لن، ۲، ب): ۲۷- ل: حو < ۲۸- ل (نیز ق ۲، ب): از آن؛ متن: یازده دستنویس دیگر ۲۹- ق: پیرسید ۳۰- (لن، ب، این؛ ل: کان) ۳۱- ل ۲ (نیز لن، ق، ۲، ب): ای ۳۲- ک: خورشید ۳۳- س-ل ۲ (نیز لن-ل، و، ا، ب): موسیل (ل: موسیک)؛ متن: ل ۳۴- (ل: سرشتی) ۳۵- س-ب: به؛ متن: ل؛ بنداری: ثم قال: أیها الملک! أقبل علی موسیل صاحب الأرمین ۳۶- ق (نیز ل): شدستی ز ایران ۳۷- ق: یکشب ۳۸- (و: به کوه و در) ۳۹- ل ۲: و جای نشست ۴۰- ل: به؛ متن: س-ل ۲ (نیز لن-ب) ۴۱- ل: یشب (ل: و: منست) ۴۲- ق: وی ۴۳- س (نیز ل، و): سلاح؛ ل: سلیح و ۴۴- (ق ۲: بزرگان) ۴۵- ل ۲ (نیز لن-ل، ۲، ا، ب): گنج و؛ متن: ل، س، ق (نیز پ، و)؛ ک این بیت را ندارد

نیازش به^۳ برگشتن شاه بود!
 که رنج تو کی ماند اندر نهفت،
 همان نامت^۵ از مهتران^۶ مه شود!
 به من بر یکی تازه کن روزگار،
 ستایش^{۱۱} کنم فرّ و زیب^{۱۱} ترا!
 درفشان^{۱۲} کنم زین سَخُن^{۱۳} گنج تو!
 برآرم ز گردنکشان نام تو^{۱۴}!
 شد آن مرد بیدار دل ناشکیب^{۱۷}،
 همی خیره گشت^{۱۹} آن^{۲۰} نهیب^{۲۱} ورا!
 جهانجوی فرمود تا برنشست^{۳۳}،
 همی تاخت تا پیش^{۲۵} آذرگشسپ،
 دلش بود یکسر به درد آزه^{۲۸}!
 به پیش جهاندارِ یزدان پرست
 بر آتش پراگند^{۳۱} چندی گهر^{۳۲}
 به نالیدن از^{۳۴} هیربد برگذشت^{۳۵}

کنون^۱ تا تو رفتی، برین^۲ راه بود
 جهاندار خسرو به مویشیل^۴ گفت
 بکوشیم تا روز تو به شود!
 بدو گفت مویشیل^۷ کای شهریار
 ۱۶۱۰ که آیم^۸ بیوسم رکیب^۹ ترا
 بدو گفت خسرو که با رنج تو
 بجویم بدین آرزو کام تو
 برون کرد یک پای خویش^{۱۵} از رکیب^{۱۶}
 بیوسید پای و رکیب^{۱۸} ورا
 ۱۶۱۵ چو بیکار^{۲۲} شد مرد خسرو پرست
 و زان^{۲۴} دشت بی برانگیخت اسپ
 به واژ^{۲۶} اندر آمد^{۲۷} به آتشکده
 بشد هیربد زند و آستا به دست^{۲۹}
 گشاد از میان شاه^{۳۰} زرین کمر
 ۱۶۲۰ نایش کنان پیش آذر بگشت^{۳۳}

۱-ک: همان ۲-ق (نیز ق ۲-و): بدین: (ب: بران)؛ متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، ۱) ۳-ل ۴-ن: (آ: پناهش)؛ بنداری (۱۶۰۳-۱۶۰۶): فابنہ منذ خرج الملك من أرض إيران لم يبرح في عساكره مخيما على الصحراء منتظرا وصول الموكب الميمون، و معه عساكر كثيرة و كنوز و افره ۴-س-ل ۲ (نیز ل، ن-و، آ، ب): موسیل؛ (ل، ن: موسیک)؛ متن = ل هـ: نامش ۵-آ: (آ: نام تو بر مهان)؛ بنداری: فقال لموسيل: سيتمر لك سعيك، و يعلو ذكر الملوك ذكرك ۷-س-ل ۲ (نیز ل، ن-و، آ، ب): موسیل؛ (ل، ن: موسیک)؛ متن = ل ۸-ا: (ب: بیایم) ۹-س، ق، ل ۲ (نیز ل، ن-و): ركب (!) ۱۰-ا: (ل: نیایش) ۱۱-ق: آب؛ بنداری: فقال له موسيل: أيها الشهبان! إنني أريد أن تنوّه بذكرى و ترفع قدرى و تمكثني من تقبيل ركبك ۱۲-س (نیز ل ۲): درخشان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳-ب: (ب: سپس)؛ و این بیت را ندارد ۱۴-ل، و این بیت را ندارند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵-ق (نیز ق ۲، ل، ن، ۱، ۲): خود ۱۶-س، ل ۲ (نیز ل، ن، و): ركب (!) ۱۷-ک (نیز ل): باشکیب؛ ل ۲: با شکاب (!)؛ (و: بیوسید آن مرد و شد ناشکیب (واژه پسن بی نقطه))؛ متن = ده دستنویس دیگر (در ب نای نقطه) ۱۸-س، ل ۲ (نیز ل، ن، پ): ركب ۱۹-ا: (ب: ماند؛ ل، ن: کرد) ۲۰-س، ک، ل ۲ (نیز ل، ن-ل، آ، ب): از؛ متن = ل، ق (نیز ل، ن ۲) ۲۱-پ: شد فرّ و زیب)؛ و این بیت را ندارد؛ بنداری: فأخرج إحدى رجليه من الركب فبادر موسيل و قبلها مرتدة فرائضه مضطربا قلبه من هیته ۲۲-ق ۲: بکار؛ و پر درخته ۲۳-ل ۲: همی تاخت تا پیش آذرگشسپ (و سپس نوشتن درست را دوباره آورده است)؛ بنداری: ثم أمره بالركوب فركب ۲۴-ا: (و: وزین) ۲۵-ق: برسان (در بالا افزوده: تا خان)؛ (ل: تا خوان)؛ ل ۳: بیامد بگردان؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ تا پیش تا خان؛ (ع، ق، ل، ن: بنداری)؛ بنداری: و ركض پرويز سائرا الى بيت نار اذربيجان الذي يسمي اذركشسب ۲۶-ل، ن: نوان؛ س (نیز ل، ن، پ، آ، ب): بیاز (در ن حرفهای دوم و چهارم بی نقطه)؛ ق: بیاز؛ ل ۲: بیاز؛ (ل ۳: بتاز؛ و: بیاز؛ ل، ن: ز راه)؛ متن = ک، هـ، س، ل ۲) ۲۷-ق ۲: پیاده درآمد؛ ل: به باره درآمد ۲۸-س (نیز ل، ن، پ): آزه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹-ا: (مرد آتش پرست) ۳۰-ا: (ل: باز) ۳۱-ل، ن، ق ۲، و: برانگند ۳۲-ا: (ب: بیامد بغلیبد بر خاک بر)؛ بنداری (۱۶۱۷-۱۶۱۹): فترجل متواضعا و دخل اليه خاشعا صاغرا، فحل المنطقة عن خصره و نثر جملة من الجواهر على النار ۳۳-ل، س (نیز ل، ن، ق، آ، ل، و، ب): آذرگشسپ؛ ق (نیز ل، ن، آ): آتش بگشت؛ (ن: آذر گذشت)؛ متن = ک، ل ۲، ۳۴-ل: بنالید و ز؛ ق: بنالید از؛ (ل، ن، ق، آ، ل، و، ب): بنالید و از؛ ل ۲، ن ۳: ز نالیدن؛ و: بنالید و؛ (ب): متن = س، ک، ل ۲ (نیز پ، آ، ب) ۳۵-ل: (ب: درشکست (!)؛ و: داد اسپ)

همی‌گفت کای^۱ داور داد و پاک^۲
 تو دانی که بر داد نالم‌همی!
 تو مپند بیداد^۸ بیدادگر^۹
 سوی دشت دوک^{۱۱} اندرآورد روی^{۱۲}
 ۱۶۲۵ چو آمد به لشکرگه خویش باز
 فرستاد بیدار کارآگهان
 چن^{۱۸} آگاه شد لشکر نیمروز
 همه کوس بستند بر پشت پیل
 از آن^{۲۰} آگهی سربسر نو شدند

سر دشمنان اندرآورد^۳ به خاک^۴!
 همه^۵ رای^۶ نیکی سگالم^۷ همی!
 بگفت این و بر بست^{۱۰} زرین‌کمر،
 همی‌شد خلیده‌دل و راه‌جوی^{۱۳}!
 جهان تیره گشت از^{۱۴} شب دیرباز^{۱۵}،
 که تا بازجویند^{۱۶} کار^{۱۷} جهان^{۱۸}!
 که آمد ز ره شاه گیتی‌فروز^{۱۹}،
 زمین شد بگردارِ دریای نیل
 به یاری بنزدیک خسرو شدند

گفتار اندر خبر یافتن بهرام چوبین از کار خسرو پرویز^{۲۱}

۱۶۳۰ چن^{۲۲} آمد به بهرام ازین^{۲۳} آگهی
 همانگه ز لشکر یکی نامجوی
 کجا نام او بود داناپناه^{۲۴}
 دبیر^{۲۵} سرافراز را پیش خواند
 بفرمود تا نامه‌های بزرگ

که تازه شد آن فر شاهنشهی،
 نگه کرد با دانش و آب‌روی،
 که بهرام را او یدی نیکخواه،
 سخن‌های بایسته^{۲۶} چندی براند،
 نیسد^{۲۷} بدان^{۲۸} مهتران^{۲۹} سترگ،

۱-ص.ق.ل. (نیز لن.بی.ب.ای؛ متن = ل.ک. (نیز ق.ل. ۲. ۱) - ۲. ص.ق. (نیز لن.ل. ۳. و.ن. ۲. ب.): دادپاک؛ (بی): پاک برتر خدای؛ آ: پاک دادار
 پاک؛) متن = ل.ک. ل. ۲ (نیز ق. ۲. ب.) - ۳. ل. اندرآورد (ل. ۱)؛ (ل. ۳): اندرآری - ۴. (بی): جهاندار و بر نیجوی رهنمای - ۵. (ل. ۳): همی
 عمل. ص. ق. ل. ۲ (نیز لن. پ. و. آ. ب.): راه؛ (بی): کار؛ متن = ک. (نیز ق. ۲. ل. ۳. ن. ۲) - ۷. ل. ۷. نامیم - ۸. ل. بیداد؛ متن = سیزده دستنویس
 دیگر - ۹. بر دادگر - ۱۰. ۲ (نیز لن. ۲): بر پشت (ل. ۱)؛ (ل. ۳): این در بست - ۱۱. (بی): نوک؛ و: دوک (دشت) - ۱۲. (و): رو-جو؛ بنداری
 (۱۶۲۴-۱۶۲۵): ثم جعل بیکی و يتضرع و يدعو الله تعالى و يسأله أن يرزقه الظفر على عدوه الخارج عليه. و لما فرغ من ذلك شد
 المنطقة و ركب و توجه نحو مخيمه بأرض الحلفاء و نزل فيها - ۱۳. همان تیره گشت آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر - ۱۴. ق. ل. ۲
 (نیز ل. ۳. ن. ۲. ب.): دیرباز؛ (ق. ۲): تیره‌تار؛ آ: دیرساز؛ متن = ل. س. ک. (نیز لن. بی. پ. و) - ۱۵. ل. گویند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر - ۱۶. ک.
 (نیز ق. ۲. ل. ۳): راز؛ متن = یازده دستنویس دیگر - ۱۷. (ق. ۲): نهان - ۱۸. ل. ل. ۲ (نیز لن. ن. ۲. ب.): چو؛ متن = (ل. ۱) - ۱۹. (ل. ۳): لشکر فروز
 ۲۰. (و): وزان؛ بنداری (۱۶۲۵-۱۶۲۶)؛ و: تلاهت الأخبار الی بلاد نیمروز بخروج برویز فأعدوا و استعدوا و اجتمعوا و احتشدوا و
 أقبلوا الیه بخيلهم و فيولهم (۱۶۲۵ و ۱۶۲۶ راندارد) - ۲۱. ل. خبر یافتن بهرام چوبین از کار خسرو پرویز؛ س: نامه بهرام چوبینه بزد
 پهلوانان ایران؛ ق: خبر یافتن بهرام از مراجعت خسرو و نامه او به پهلوانان؛ بنداری: ذکر الواقعة التي جرت بين برويز و بين چوبين؛
 متن = ل. ۲۲. ل. ل. ۲ (نیز لن. ن. ۲. ب.): چو؛ متن = (ل. ۱) - ۲۳. ل. (نیز بی.): زین؛ ق. (نیز ق. ۲. ب.): از آن؛ (ل. ۳): آن؛ متن = ل. ک. ل. ۲ (نیز لن.
 و. ب.) - ۲۴. ص. س. ک. (نیز لن. بی. ل. ۲. آ. ب.): داراپناه؛ ل. ۲: داراپناه؛ بنداری: داناستاه؛ متن = ل. ق. (نیز و)؛ بنداری (۱۶۳۰-۱۶۳۲): و لما سمع
 چوبين بانتعاش برويز، و تجدد أسباب سلطانه، و إقباله فی أنصاره و أعوانه استحضرت رجلا كان من خواصه و نصحائه یسمى داناستاه
 ۲۵. ل. ۲. دبیر (حرف سوم بی نقطه)؛ (لن: چو پیر)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر - ۲۶. ق: شایسته - ۲۷. ل. س. (نیز لن. ل. ۳. و. ن. ۲. ب.):
 نویسد؛ متن = ک. ل. ۲ (نیز پ) - ۲۸. ل. س. ک. ب: بران؛ متن = ل. ۲ (نیز لن. ل. ۳. ن. ۲. ب.) - ۲۹. ق. (نیز بی.): نبشتند (ق: نوشتند) از آن نامدار؛
 (ق. ۲): نویسد از مهتران)

که از مهتران نام گردی ببرد،
 هر آنکس که بود از یلان نامدار،^۳
 همی خواهم^۴ اندر نهان^۵ آفرین،
 نگیرد^۸ بر بد ازینسان^۹ شتاب،
 پدید آمد اندر کران^{۱۱} و میان^{۱۲}،
 به گرد جهان جستن^{۱۵} داوری!
 که اندر جهان تازه شد^{۱۶} داروگیر،
 سر نامداران همه^{۱۸} خیره گشت،
 وزان^{۲۱} نامداران روشن روان،
 پُر از درد شد جایگاه میهی^{۲۳}!
 چه آمد ز پیروز ناپاک رای^{۲۶}،
 وزان^{۲۸} مهتری^{۲۹} دادن^{۳۰} او را به داد^{۳۱}،
 هنرها بشست از دل^{۳۲}، آهو گرفت،
 برو^{۳۵} شد دل نامداران درشت!

۱۶۳۵ به گسته و بندوی و گردوی^۱ گرد
 چو شاپور و چون^۲ اندیان سوار
 سر نامه گفت: از جهان آفرین
 که^۶ بیدار گردید^۷ یکسر ز خواب
 که تا در جهان تخم^{۱۰} ساسانیان
 ۱۶۴۰ ازیشان نرفته ست جز^{۱۳} بتری^{۱۴}
 نخست از سر بابکان اردشیر
 زمانه ز شمشیر او تیره گشت
 نخستین سخن^{۱۹} گویم^{۲۰} از اردوان
 که از نام ایشان زمین شد^{۲۲} تهی
 ۱۶۴۵ شنیدی همانا که بر^{۲۴} سوفزای^{۲۵}
 رها کردن از^{۲۷} بند پای قباد
 قباد بداندیش نیرو گرفت
 چنان^{۳۳} نامور^{۳۴} نیک دل را بگشت

۱- (لی: بالوی؛ ب: گردان)؛ ل: گردوی و بندوی؛ و: به بندوی و گردوی و گسته)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲- س- ل- (نیز ل- ن- ل- ۲، و- ب)؛ به شاپور و با (ق: ۲، هم)؛ متن = ل (نیز پ) ۳- س (نیز ل ۲)؛ یادگار؛ متن = دو از ده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ و استدعی کاتبه و امره فکب الی کل واحد من أركان دولة بوزیر، مثل خالیه و سائر الأعیان الذین كانوا حوالیه؛ ق: ۲ پس از بیت ۱۶۳۶ افزوده است:

همان بزدگرد از نژاد کیان
 بزرگان و گردان ایرانیان

۴- ل: خواندم؛ ک (نیز ق ۲، پ، آ)؛ خوانم؛ متن = س، ق، ل ۲ (نیز ل، ن، و، ل، ن، ۲، ب) ۵- (ق: ۲، جهان) عمل؛ چو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷- (ق: نیز ل ۲، آ)؛ کردند ۸- س، ک (نیز لی)؛ مگیرید؛ ق (نیز ق ۲، ل، ۳، ل، ۲، ن، ۳، ل، ۲، آ)؛ نگیرد؛ (و: نچویند)؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ل، ن، پ، ب؛ در ل حرف یکم بی نقطه) ۹- س، ق، ل ۲ (نیز ل، ن، ل، ۲، ب)؛ بدینسان؛ ک: برینسان؛ (ق: ۲، برین بر؛ لی: بدیشان)؛ متن = ل ۱۰- (ل: ۳، نام) ۱۱- ل (نیز ق: ۲)؛ کنار؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، لی، پ، و، آ، ب) ۱۲- (ل: ۲، ل، ۳، ل، ۲، ن، ۳، ل، ۲، میان کیان)؛ ق: بریم و سوردش سر میمان؛ بنداری: کتابا یسدرجه فیه و یخده فی مطاویه، و یذکر أن عیانکم قد بدّ الخیر، و علمتم أن الشجرة الساسانیة کشجرة السخیر ۱۳- (پ: نیامد بجز) ۱۴- ل: برتری؛ ق (نیز ل، ن، و، ل، ن، ۲)؛ بدتری؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز ق ۲، پ، آ، ب) ۱۵- ل: گشتن؛ و؛ س، ق، ل ۲ (نیز ل: ۳)؛ جستن؛ و؛ متن = ک (نیز ل، ن، ق، ۲، لی، پ، ب)؛ بنداری؛ فهم لایعرفون لذی حق قدرها، و لایجزون المحسن الوافی إلا إساءة و غدرا ۱۶- (ق: ۲، کزو تازه شد در جهان) ۱۷- س، ق، ل ۲ (نیز ل، ن، ل، ن، ۲، ب)؛ به؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲، و، آ) ۱۸- ک: از آن؛ (لی: همی) ۱۹- (لی: همی) ۲۰- (ل، ن، ب)؛ گفتم؛ ق: ۲، گفت) ۲۱- ل: از آن؛ متن = س- ل ۲ (نیز ل- ن، ب) ۲۲- ک (نیز ق ۲، لی، ل، ۳، و، آ)؛ نامشان گشت (ل: کرد) گیتی؛ متن = س، ل ۲ (نیز ل، ن، ل، ن، ۲، ب) ۲۳- (لی: بهی)؛ ل: ق، پ، این بیت را ندراند ۲۴- شنیدی که بر نامور؛ ق: همانا شنیدی که با؛ متن = دو از ده دستنویس دیگر ۲۵- س، ق، ل ۲ (نیز لی، و، ل، ن، ۲، ب)؛ سوفزای؛ (ل: ن: سوفزای)؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲، ل، ۳، پ، آ) ۲۶- (ل: ۲، پاکیزه رای؛ لی: پیروزی و پاک رای) ۲۷- ق (نیز ق ۲، ل، ۳، و، آ)؛ کرداز؛ (ل: ن: کرد از آن)؛ که؛ رهانیدن از؛ متن = ل، س، ل ۲ (نیز لی، پ، ل، ن، ۲، ب) ۲۸- (آ: وزو) ۲۹- ل، ق، ل ۲ (نیز ق ۲، لی، ل، ۳، ل، ن)؛ مهتران؛ متن = س، ک (نیز ل، ن، پ، و، آ، ب) ۳۰- ق (نیز ق ۲، لی، ل، ۳، و، آ)؛ داد؛ متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، پ، ن، ۲، ب) ۳۱- س، ق، ل ۲ (نیز لی، ل، ۳، و، ل، ن، ۲، ب)؛ بیاد (در و حرف دوم بی نقطه)؛ ک (نیز ب)؛ بیاد؛ ل: اورساد (حرفهای چهارم و پنجم بی نقطه)؛ متن = (ل، ن، ق: ۲، آ، ب) ۳۲- (آ: وزان مهتری دلش) ۳۳- ک: چون (آ: چنین) ۳۴- ق (نیز ل، ۳، پ، آ)؛ یاور؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۵- ق: بدو؛ (آ: وزان)؛ بنداری (۱۶۴۱- ۱۶۴۸)؛ و لایخفی ما عامل به قباد سوفزای بالأس و کیف عجله مع حسن بلائه الی الرمس (بیتهای ۱۶۴۱- ۱۶۴۴ را ندراند)

هوا برگزیند ز^۲ فرزند خویش،
 نجوید کسی عاج^۵ بمیان شیز!^۴
 مجوید^۹ یاقوت از^{۱۰} سرخید!
 -که فرخنده باد اورمزد شمال-،
 بر و آستی^{۱۳} هم ز^{۱۴} پیراهنستا
 اگر تیره بُد، گر^{۱۶} بلند آفتاب!
 شود روشن این جان^{۱۹} تاریک من!
 به پای^{۲۳} اندرآرم سر^{۲۴} گاهشان!

کسی کو نشاید به پیوند^۱ خویش
 ۱۶۵۰ به بیگانگان هم نشاید^۳ بنیز^۴
 به^۷ ساسانیان تا ندارید^۸ امید
 چو این نامه آرند^{۱۱} نزد شما
 بنزدیک من جایتان^{۱۲} روشنست
 به یک جایمان بود^{۱۵} آرام و خواب
 ۱۶۵۵ چُن^{۱۷} آید^{۱۸} یکسر بنزدیک من
 نیندیشم^{۲۰} از روم و از^{۲۱} شاهشان^{۲۲}

بیامد فرستاده‌ی راهجوی^{۲۶}،
 به درگاه خسرو خرامید و تفت^{۲۷}،
 ابا^{۲۸} نامه‌ها هدیه‌ها داشت^{۲۹} نیز
 که گفتی مگر^{۳۰} بر زمین نیست راه!

نهادند بر نامه‌ها^{۲۵} مَهر اوی
 بکردار بازارگانان برفت
 یکی کاروانی ز هر گونه چیز
 ۱۶۶۰ بدید آن بزرگی و چندان سپاه

۱- (پ: پیوند و) ۲- ک، ل (نیز ق ۲، ل، و، ن ۱، ۲)؛ به: متن = ل، س، ق (نیز ن، ل، ۳، پ، ب)؛ در ن بیت‌های ۱۶۴۹ و ۱۶۵۱ پس و پیش شده اند ۳- س (نیز ب)، خود نشاید؛ ل (نیز ق ۲)؛ برنشاند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴- (ق ۲: به تیر) ۵- (ل: تاج) ۶- ل (نیز و)؛ را در پیش؛ ق: بر جای شیز؛ (ق ۲: از چوب شیز؛ ل ۲: اندر پیش؛ ن ۲: در میان شیز!)؛ متن = س، ک، ل (نیز پ، ل، ۳، ب، آ)؛ ن این بیت را ندارد ۷- (ق ۲: ز)؛ ۸- ل، س، ق، ل (نیز ن، پ، آ، ب)؛ نداری؛ (و: نجوید)؛ متن = ک (نیز ق ۲، ل، و، ن ۳، ل، ۲)؛ ۹- ق: نجوید ۱۰- ق: ک (نیز ن، و، ب)؛ بر: متن = ل، س، ل (نیز ق ۲- پ)؛ در ق ۲ این بیت پس از بیت ۱۶۴۲ آمده است؛ بنداری: فلا تأمنوا من برویز صیره، و لا ترجوا خیره. فان شجرة الصفصاف لا تكون شمرة للجوهر الشفاف ۱۱- س، ق (نیز ق ۲، ل، ل، ۳، و، ن ۲)؛ آید به؛ ک، ل (نیز ن، ب)؛ آرد به؛ (آ: چنین بار آرد به)؛ متن = ل ۱۲- ل: جای من؛ (آ: ب، جانتان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر (در س، و حرف سوم بی نقطه) ۱۳- ک (نیز پ، و، ن ۲)؛ آستین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۴- (ن ۲: همچو) ۱۵- (ق ۲: جابود خورد و؛ ل، پ: جایتان باشد) ۱۶- ق (نیز و، ن ۲)؛ بودار؛ ک (نیز آ)؛ بوداز؛ (ق ۲: شب گر؛ ل ۳: شب از؛ ل: تیره و گر)؛ متن = ل، س، ل (نیز ن، پ، ب)؛ بنداری: فاذا وقفت علی کتابی هذا فاعلموا ان مکانکم عندی عامر، و ان سبحان عنایتی علیکم هام هامر. فانحازوا الی و اقدموا علی ۱۷- ل ۱۷- ل (نیز ن، پ، ل، ۲، ب)؛ چو؛ (و: گر)؛ متن = (آ) ۱۸- ق (نیز آ)؛ آید ۱۹- ل: آن جای؛ (ل ۲: این رای) ۲۰- س، ک، ل (نیز ن، ق، ۲، ب)؛ نه اندیشم؛ متن = ل، ق (نیز ل، ن ۲) ۲۱- ل، ق (نیز پ، ل، ۲)؛ وز ۲۲- (و: شاهنشان) ۲۳- ل: پا؛ ق: خاک؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴- ل (نیز ن، ل، ۳، ن، ۲، ب)؛ سرو؛ متن = س، ق (نیز ق ۲، ل، پ، و)؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فانی أستظهر بکم، و لأحفل بقیصر و رجاله، و سأستولی بوطة القهر علی تخته و تاجه ۲۵- ق: نامه بر متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶- س- ل (نیز ن، پ، و، ن ۲، ب)؛ چاره جوی؛ متن = ل (نیز ق ۲، ل، ل، ۳)؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم دفع الی الکتب الی داناسته ۲۷- س، ق، ک (نیز ن، ق، ۲، ل، و، آ، ب)؛ خرامید تفت؛ ل ۲: خرامید بفت (آ)؛ (پ: گرایید تفت)؛ متن = ل (نیز ل، ۳، ن ۲)؛ بنداری: و أمره أن یرخر فی زئ التجار ۲۸- (ب: از آن) ۲۹- (ن: داد؛ و هدیه بسیار) ۳۰- (ق ۲: تو گفتی همی)؛ بنداری: و أصحبه أحمالا من ملح الطرّف و نخب الثحف. برسمهم لیفذاها مع الکتب الیهیم. فخرج الرجل سائرا فی هیئة التجار الی أن قدم آذربجان؛ ق ۲ پس از بیت ۱۶۶۰ و پ بجای آن افزوده اند:

ق ۲: چنین گفت با خویشان مرد پیر
 پ: چنین گفت با خود کزین انجمن
 که کاری به پیش آمدم ناگزیر
 زبانی ندیدم به مال و به تن

که خواهد ز بهرام یل^۲ زینهار!^۱
 همان^۴ بار دارم شتروار^۵ سی،
 بلندی پدیدار گشت^۶ از مَگاگ!
 بنزدیک او هدیه‌ی^۹ نو برم!
 ابا هدیه و نامه و نیکخواه^{۱۲}،
 سَخْن‌هاش بر شاه گیتی^{۱۶} شمرد^{۱۷}!
 مرو را به کرسی زرین^{۱۸} نشاند،
 تو بهرام را نزد ما^{۲۰} خوار دان!
 فزون زین مجوی^{۲۳} اندرین کار^{۲۴} نام!
 مران^{۲۶} پاسخ نامه را^{۲۷} ناگزیر،
 که ای مهترِ گرد^{۲۹} گردن‌فراز^{۳۰}،
 فرستاده را پیش بنشانیدیم،
 به دل با تو همچون بهار نویم،
 که^{۳۵} اندیشد از روم و مردان^{۳۶} روم،

به دل گفت: با این چَنین^۱ شهریار
 یکی مرد بی‌دشمنم^۳ پارسی
 چرا خویشتن کرد باید هلاک؟
 شوم^۷ نامه‌ها نزد^۸ خسرو برم
 ۱۶۶۵ پُر^{۱۰} اندیشه آمد به درگاه^{۱۱} شاه
 درم برد^{۱۳} و با نامه‌ها هدیه^{۱۴} برد^{۱۵}
 جهاندار چون نامه‌ها را بخواند
 بدو گفت کای^{۱۹} مرد بسیار دان
 کنون زانچ^{۲۱} کردی^{۲۲} رسیدی به کام
 ۱۶۷۰ بفرمود تا پیش^{۲۵} او شد دبیر
 نیست^{۲۸} اندر آن نامه‌های دراز
 همه^{۳۱} نامه‌های تو برخواندیم
 به گفتارِ بیکار^{۳۲} با خسرویم
 چو لشکر بیاری^{۳۳} بدین^{۳۴} مرز و بوم

- ۱- (ق: ۲: چنین فز و اورنگ این) ۲- س: بهرام را؛ (ل: بهرام [ام] یل)؛ ل: نخواهد (حرف یکم بی نقطه) ز بهرام یل؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ب این بیت را ندارد ۳- (آ: بفرستدم) ۴- (ل: همی) ۵- ل: شیروار (ل)؛ (آ: شتربار) ۶- ق: شد؛ ک: هست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷- (ق: همان) ۸- نامه نزدیک؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹- ل: هدیه‌ها ۱۰- ل: به؛ س: ک (نیز ل- ل: ۳، ب: بر؛ متن = ل: (نیز ب- آ) ۱۱- ل: ق: بنزدیک؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲- ک: نامه نیکخواه؛ (ق: نامه کینه‌خواه)؛ س: ل: (نیز ل- ل: ۲، ن: ۲، آ: ب: آ)؛ ابا نامه (ل: نامور) کهنتر کینه‌خواه؛ ق: ابا نامه و هدیه نیکخواه؛ (لی: ب: ابا نامه و هدیه کینه‌خواه؛ و: ابا نامه آن کهنتر نیکخواه)؛ متن = ل ۱۳- (آ: بود) ۱۴- ق: ک، ل: (نیز ل، ن، ب: ب: با هدیه‌ها نامه (ب: نام)؛ متن = ل، س (نیز ق: ۲، لی، ل: ۳، و، ن: ۲، آ: ۱۵- (آ: بود) ۱۶- س: ل: (نیز ل، ن، ب: ب: یکسر؛ ق: (نیز ل: ۳) سخن‌ها بر آن (ل: ۳) (بر: شاه گیتی؛ متن = ل، ک (نیز ق: ۲، ب، و، ن: ۲) ۱۷- (آ: با شاه گیتی سرود؛ لی: سخن‌ها به شاه جهان برشمرد)؛ بنداری (۱۶۶۱-۱۶۶۶): فلما وصل إليها ورأى مخيم برويز، و روتق سلطانه، و عظم شأنه، و كثرة أنصاره و أعوانه، و بسطة جاهه، و رفعة مكانه بداله فقال: مالى أهلك نفسى و أثر جوبين على ملك مثل برويز؟ فقلب ظهر المجن، و حمل الكنب مع هدية سنبة إلى برويز، و خلا به و دفع إليه الكنب ۱۸- (ل، و، ن: ۲: زر بر ز: لی: ابر کرسی زر) ۱۹- ل: (نیز ل، ن، آ: ب: آ)؛ ای ۲۰- ل: (نیز و؛ م: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱- س: جز < آنچه؛ ق: هر چه؛ ک (نیز ق: ۲، آ: ب: آ)؛ ز آنچه؛ ل: (نیز لی، ن: ۲، آ: ب: آ)؛ آنچه؛ (و: تو از آنچه)؛ متن = ل (نیز ل) ۲۲- ق: خواهی ۲۳- ل: فزون‌تر مجو؛ ق: فزونی مخواه؛ (آ: فزونی مجوید!)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴- (ل، ن: ۲: ب: کام)؛ بنداری: فسر برويز ببلک فأكرم الرجل و أحسن إليه، و أفاض سبحانه آیاده عليه ۲۵- ل: نزد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۶- (آ: مرین) ۲۷- ل: (نیز ل، ن، آ: ب: آ)؛ نامه؛ (ق: نامه‌ها)؛ متن = ل، ک (نیز ق: ۲، و) ۲۸- ل: ق: (نیز ق: ۲، و، ن: ۲): نوشت؛ متن = س، ک، ل: (نیز ل، ن، ب: آ، ب) ۲۹- (ل، ن، ب: ب: گردو) ۳۰- (لی، ل: ۳، ن: ۲، آ: کهنتر نواز) ۳۱- (لی: جو ما)؛ درل: آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ بنداری (۱۶۷۰-۱۶۷۲): و أحضر كاتبه و أمره أن يجيب عن تلك الكتب عن لسان كل واحد من المکتوب إليهم، و يقول: إنا وقفنا على کتابک و خلونا برسولک و سمعنا کلامه ۳۲- س: و کردار؛ (ل: و بیکار)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و نحن وإن کنا فى الظاهر مع برويز فإننا بالقلب معک ۳۳- (لی: چو تو لشکر آری) ۳۴- (ل، ن: ۲: ب: برین) ۳۵- (ل، ن: ۲: ب: از گرز مردان؛ (ق: ۲: از رومی و مرز)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ آ این بیت را ندارد

به جنگ اندرون رومیان را^۱ کشیم
همان مردی و پایگاه^۲ ترا،
ز پشت^۳ چو روبه گریزان شود!
برد آن پسندیده^۴ نیکخواه
بر رنج یابی تو زین^۵ کار کرد!
گرانمایه یاقوت بسیار داد
شنیده سخن ها برو بر شمر^۶ ۱۳!

۱۶۷۵ همه پاک شمشیرها برکشیم
چو خسرو ببیند سپاه ترا
دلش روز پیگار^۳ لرزان شود
بر آن^۵ نامه‌ها مهر بنهاد شاه
بدو^۷ گفت شاه: ای^۸ خردمند مرد!
۱۶۸۰ مرو را گهر^{۱۱} داد و دینار داد
بدو گفت کین نزد چوبینه بر^{۱۲}

هوا را بخواند و خرد را براند!
بماندند ایرانیان در^{۱۴} شگفت!

چو مرد جهانجوی نامه بخواند
از آن نامه‌ها ساز رفتن گرفت

۱- (و: اندر آیم و دشمن؛ بنداری؛ و معاذ الله أن ندعک و نختار عليك غيرک. و مهما وصلت إلى هذه البلاد ترکنا برویز و انحرنا إلىک
۲- (ل: ۲، آ: بارگاه؛ و: دستگاه) ۳- ل: زود بیکار و؛ ق: دل او ز بیکار؛ متن: دوواژه دستنویس دیگر ۴- ل: ۲ (نیز ل، ن: ۲، ب: ۲)؛ ز: بیشه؛ (ی: و
زان پس)؛ متن: ل=ک (نیز ق ۲- و، آ: و)؛ بنداری؛ و: حینئذ نضع سیوفنا فی أعدائک الضهب السبال و نبذد شملهم بیض النصول و زرق
النصال. و حینئذ یهرب منک برویز لامحالة هرب الثعلب من الأسد الأغلب ۵- ل: (نیز ل، ن: ۱، ل: ۳)؛ بدان؛ (آ: برین)؛ متن: س=ل ۲ (نیز
ق ۲، ب: و، ل: ۲، ب) ع: س، ل: ۲ (نیز ل، ن: ۲، ب: ۲)؛ سیردش بدان (ل: ۲، بران) پرهتر؛ متن: ل، ق، ک (نیز ق ۲- و، آ: ۷- (ق: ۲، ب: چنین)
۸- ل: ۲ حای < ۹- (و: پسندیده مرد) ۱۰- ک: (نیز ب: ۱)؛ یابی ازین؛ ل: برش گنج یابی ازین؛ (ی: بر و گنج یابی تو زین؛ آ: بسی گنج یابی
تو زین)؛ متن: س، ق، ل: ۲ (نیز ل، ن: ۲، ق: ۲، ل: ۲، و، ل: ۲، ب) ۱۱- ق: درم؛ متن: سیزده دستنویس دیگر ۱۲- (و: که آن نامه را نزد چوبینه برد)
۱۳- (و: بر شمر؛ ل: تن ناسزا مرد بی سر شمر)؛ بنداری؛ و: لما کتب الکتب سلمها إلى الرسول، و وعده و مآه و أعطاه حتی أرضاه، و
أمره بأن یحمل الکتب إلى بهرام؛ ل، ق، ن: ۲ پس از بیت ۱۶۸۱ افزوده‌اند:

بیامد بنزدیک چوبینه مرد شنیده سخن‌ها همه یاد کرد

س، ک، ق، ل: ۲ پس از بیت ۱۶۸۱ افزوده‌اند:

سد مرد نامه سبک (ک: نامه و در زمان؛ آ: چو آن بستد سبک نامه و!) بازگشت

چو باد و چو آتش سبک (ق: ۲)؛ چو آتش بنزدیک او) بازگشت (ک: بنزدیک

بهرام از آن پهن دشت؛ آ: چو آتش که با باد انباز گشت)

ک، ق، ل: ۱، ل: ۲ پس از بیت بالا افزوده‌اند (در ق ۲ بیت نخستین پیش از بیت بالا آمده است):

ترا دارم از چیزها (ی: ل: ۲)؛ اندر جهان) بی‌نیاز

چو روشن شود بخت (ل: ۲)؛ روز) گردنفرز

بکر دار باد اندر آمد ز (ق: ۲)؛ به) راه

برفت از در شاه دارا پناه

شنیده همه پیش (ل: ۲)؛ سخنها شیرین بر) او بر شمرد

همه نامه‌ها نزد چوبینه برد

ق، ل: ۱، بیت سپسین را ندارند و بجای آن افزوده‌اند:

به درگاه بهرام شد همچو دود

ق: ۲)؛ چو آمد بنزد جهانجوی زود

ازو بستد آن نامه را پهلوان

ل: ۱)؛ بیاورد پس نامه مرد جوان

ل: ۲، ن: ۱، ب: و، هیچیک از بیت‌های بالا را ندارند؛ بنداری؛ و: فحملها و عاد علی أعقابہ إلى أن وصل إلى بابہ ۱۶- س، ک، ل: ۲ (نیز ل، ن: ۲، ب: و
ب: زان؛ آ: بماند اندر ایرانیان ار)؛ متن: ل=ق (نیز ق ۲، ل: ۱، ن: ۲)؛ بنداری؛ و: لما وقف جوبین علی تلک الکتب أجاب هوی النفس، و

خالف مقتضى العقل، و عزم علی ملاقة برویز معتمدا علی الکتب

چو دیدند کردار^۳ تاریک اوی^۲،
 ز رفتن^۵ کهن گردد^۶ این روز^۷ تو^۸
 نیند^۹ مگر^{۱۰} گرز^{۱۱} و شمشیر کین^{۱۲}
 همی خیره بفریبت^{۱۳} روزگارا
 بفرمود تا رفت لشکر^{۱۶} به درا
 بزد کوس و از شهر^{۱۷} لشکر براندا
 سپاهی دلاور از^{۱۹} آزادگان
 بیستند بر مور و بر پشه^{۲۱} راه!
 که من کرد خواهم به لشکر نگاه،
 سیاسی سپاهند^{۲۵}، گر بر^{۲۶} چه اند^{۲۳}؟
 یلان سینه و مهر^{۲۹} ایزدگشپ،
 گرانمایگان برگرفتند راه،
 بنزدیک مهرت فراز آمدند،
 از^{۳۴} اندیشه‌ی ما سخن دیگرست^{۳۵}
 برفتند پویان بدان^{۳۸} بارگاه^{۳۹}،

برفتند^۱ پیران بنزدیک اوی^۲
 ۱۶۸۵ همی گفت هرکس کز ایدر مزو^۴
 اگر خسرو آید به ایران زمین
 برین^{۱۳} تخت شاهی مخور زینهارا
 نیامد سخن^{۱۵} ها برو کارگر
 [بته برنهاد و سپه برنشاند
 ۱۶۹۰ همی تاخت^{۱۸} تا آذربادگان
 سپاه اندرآمد به تنگ^{۲۰} سپاه
 چنین گفت پس مهتر^{۲۲} کینه‌خواه
 ببینم که رومی سواران^{۲۳} که اند^{۲۴}؟
 همه^{۲۷} برنشستند گردان بر^{۲۸} اسب
 ۱۶۹۵ به دیدار^{۳۰} آن لشکر کینه‌خواه
 چو لشکر بدیدند^{۳۱}، باز آمدند
 که این^{۳۲} بی‌کرانه یکی لشکرست^{۳۳}
 وژان^{۳۴} روی رومی سواران شاه^{۳۷}

۱- (ل: ۳): ببردند) ۲- س، ق (نیز لی، و، آ، ب): او؛ متن = ک، ل ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، پ، ب، ن) ۳- (ل: ۳): آن رای) ۴- در ل ۲ به زیر دوم و سکون سوم ۵- س-ل ۲ (نیز لن-ب): چو رفتی؛ متن = ل ع-ب: (گردد) ۶- ق: کار؛ ک: بخت؛ (ل: ۳): کین؛ آ: رزم)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸- در ل ۳ به زیر یکم و سکون دوم ۹- ل (نیز ب): نیننی (ننینند؟)؛ (و: بیندا)؛ متن = یازده دستنویس دیگر: نینند (ننیننی؟) ۱۰- (لی: بجز) ۱۱- (لن: کورا) ۱۲- (ب: و تیرا) ۱۳- ل ۲ (نیز لی): بدین؛ (ل: ۳): بر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- ق (نیز ق ۲): بفریقت؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ و کثر عاذلوه و قل عاذروه علی ترک دار الملک ۱۵- (لی، ب: بدو) ۱۶- س: پیش (ل): (لی: تالشکر آمد؛ و تالشکر آید)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷- س، ل ۲ (نیز لن، لی، پ، ن، ۲، ب): در شهر و؛ متن = ک (نیز ق ۲، ل ۳، و، آ)، ل، ق این بیت را ندارند ۱۸- ک: راند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹- ل، س، ل ۲ (نیز لن- ۲، و-ب): ز؛ متن = ق، ک (نیز پ) ۲۰- ق (آ: بنزد) ۲۱- س، ک، ل ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، آ، ب): بر پشه و مور؛ متن = ل، ق (نیز لی- و): بنداری (۱۶۸۸-۱۶۹۱)؛ فلم یسمع مقالة أحد و خرج فی عساکره من طیسفون، و سار قاصدا قصد آذربيجان إلی أن وصل إلیها فخیم علی القرب من مخیم برویز ۲۲- ل ۲ (نیز لن، لی، ل، ن، ۲، ب): کهرت؛ متن = ل، س (نیز ق، ۲، و): ق این بیت را ندارد ۲۳- (لی: سواران رومی) ۲۴- ل (نیز لن، ب): کیند- چیند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵- ل: سپاهی بجایند؛ ل ۲ (نیز ب): سپاهی سیاهند؛ ق ۲: سپاهی کداهند؛ لی، و، ن: سپاهی سپاهند؛ ل: سپاهی شاهند؛ آ: سپاهی سپاهند)؛ متن = س، ک (نیز لن) ۲۶- س (نیز و): یا خود؛ ک، ل ۲ (نیز آ): تا بر؛ (لن، لی، ل، ۲، ب): یا بر؛ ق: و گردان؛ ب: یا پس؛ ب: یا کر؛ متن = ل (ه-ن)؛ ق این بیت را ندارد ۲۷- ل (نیز ل ۳): همی؛ (پ: همان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸- (لی: به) ۲۹- ل، س، ل ۲ (نیز لی، ل، ۲، و-ب): مهتر؛ (لن: مهر و؛ ق: ۲، گرد)؛ متن = ک (نیز ب، ب): ق این بیت را ندارد ۳۰- ل: بدید آمد؛ ق این بیت را ندارد ۳۱- ل (نیز ل ۳): بدیدند و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲- ق (نیز آ): آن ۳۳- ل (نیز ق ۲): لشکرند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۴- ل- ل ۲ (نیز آ، ب): ز؛ (ق: کز)؛ متن = (ن، لی- ل، ن) ۳۵- ل (نیز ق ۲): همی بگذرند؛ (ب: همی برترست)؛ ق: و رای ما برترست؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ ثم إنه رکب فی عساکره لا علی قصد اللقاء، و لکن لیقف علی کمیة عساکر برویز و أحوالهم ۳۶- س، ک، ل ۲ (نیز لن، لی، پ، ن، ۲، ب): وزین؛ (ق: آ: از آن)؛ متن = ل، ق (نیز ل، و، آ) ۳۷- (لی: سپاه؛ و: گردان رومی سپاه) ۳۸- (ل: ۳): بران) ۳۹- (و: رزمگاه)

بیستند بر پیش خسرو میان
 ۱۷۰۰ بدان^۲ کار همداستان گشت شاه
 که ما جنگ جویم از^۱ ایرانیان!
 کزو^۳ آرزو^۴ خواست رومی سپاه

گفتار اندر رزم رومیان با بهرام چوبین^۵

خروشی برآمد ز هر دو گروه،
 گر از^{۱۰} تیغها تیره شد روی مهر^{۱۱}!
 زمین کوه گشت آهنین^{۱۳} یکسره!
 بیابان^{۱۶} همی جست بر کوه راه!
 یکی خنجری^{۱۸} آبگون برکشید،
 دل شیر در بیشه شد به^{۲۰} دو نیم!
 همه^{۲۱} کشور دوک لشکر کشید!
 که دارد نگه^{۲۳} میسره^{۲۲}، میمنه^{۲۵}،
 همی باش تا^{۲۷} پیش روی^{۲۸} سپاه،
 به گاه گریزش^{۳۰} درنگی منم!
 جهان دید یکسر ز لشکر سپاه^{۳۱}،
 همی تیغ بارید گفتی ز^{۳۶} ابرا!

چو خورشید^۶ برزد سر از تیره^۷ کوه
 که^۸ گفتی زمین گشت گردان سپهر^۹
 بیاراستند میمنه^{۱۲}، میسره
 از^{۱۴} آواز اسپان و بانگ^{۱۵} سپاه
 ۱۷۰۵ چو بهرام جنگی بدان^{۱۷} بنگرید
 نیامد^{۱۹} به دلش اندرون ترس و بیم
 به ایرانیان گفت: صف برکشید
 همی گشت گرد سپه یکتا^{۲۴} ته
 یلان سینه را گفت: بر^{۲۶} قلبگاه
 ۱۷۱۰ که از لشکر امروز^{۲۹} جنگی منم!
 نگه کرد خسرو بدان رزمگاه
 رخ شید^{۳۲} تابان چو^{۳۳} کام هزبر^{۳۴}

- ۱-ل: ز؛ متن = س-۲ (نیز ل-ن) ب-۲. س-۲ (نیز ل-ن) ب-۲؛ بران؛ (پ: بدین)؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق ۲، ل، می، ل، و، ن، ۳، ۴) (۳: ل) کجا)
 ۲-ل: آرزو ۵-ل: رزم رومیان با بهرام چوبین؛ س: رزم خسرو و لشکر روم با بهرام چوبین؛ ق: گفتار در نبرد بهرام چوبین با خسرو پرویز؛ متن = ل-ک: خورشید ۷-ق: تیغ؛ و، ل: ن: آ: برز؛ متن = یازده دستنویس دیگر: تیره = تیغ؟ ۸-ک (نیز ق ۲): تو
 ۹-ل: کوه روان ۱۰-س، ق، ل: ۲ (نیز ل-ن، ل، ن، ۲، ب): که از؛ (و: وزان)؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲، ل، می، پ، آ) ۱۱-ل: گشت خیره جهان (ل: ل، ۲: بیاراسته میمن و ق: بیاراسته میمنه؛ ک: برآراسته میمنه؛ ل: بیاراستند میمن و ق ۲، ل: بیاراست با میمنه؛ و: شد آراسته میمنه؛ آ: بیاراسته میمنه)؛ متن = س (نیز پ، ن، ۲، و) ۱۳-ل: (و: کوه آهن شده؛ ل: آ: آهنین کوه شد)؛ ل: آ: این بیت را ندارد ۱۴-س، ق، ل: ۲ (نیز ل، ۲، آ): ز؛ متن = ل، ک (نیز ل، ن، ق، ل، می، پ، و، ل، ن، ۲، ب) ۱۵-ل: (و: گرد) ۱۶-ل: (ز: میشش)؛ بنداری (۱۶۹۸-۱۷۰۴): فرکت فرسان الروم و استاذنوا برویز فی قتاله فزحفا کالبحر الحجی و اللیل الدجوجی ۱۷-ک: بدو؛ ل: آ: بران؛ (ب: برو)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ل، س، ق، ل: ۲ (نیز ل، ن، ل، ب): خنجر؛ متن = ک (نیز ق ۲، ل، می) ۱۹-ق: آ: نباید؛ و: نبود)؛ متن = ده دستنویس دیگر (در ل، س حرف یکم بی نقطه) ۲۰-ق، ک: بر؛ (ل: درنده شده؛ ل: آ: در سینه شد (ل)؛ و: بیشه بد از وی؛ ل: آ: در سینه شد (بر)؛ متن = ل، س، ل: ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب)؛ پ، آ: این بیت را ندارند؛ در ق: آ: بیت‌های ۱۷۰۶ و ۱۷۰۸ پس و پیش شده‌اند ۲۱-ل: (ب: همی)؛ پ، آ: این بیت را ندارند؛ بنداری: و لما راهم چوبین سل سیفه و تقدم و قال لأصحابه: اصطفوا علی فضاء أرض الحلفاء، فإن نار الروم سریعة الانطفاء ۲۲-ل: (و: بگردید گرد سپه یکسره) ۲۳-ل، س، ک: سپه؛ (ل: آ: سپه)؛ متن = ق، ل: ۲ (نیز ل-ن، پ، آ، ب) ۲۴-ل، ل، ۲ (نیز ل: ن)؛ میسر و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵-ل: (و: نگه کرد در میمنه میسره) ۲۶-ق: ۲ (نیز ل: ل)؛ در؛ (و: گر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷-ل: (نیز ق ۲): نا (نقطه ندارد)؛ س، ل: ۲ (نیز ل، ن، می، ل، ن، ۲، ب)؛ در؛ ک (نیز پ، و)؛ بر؛ ق: همی در پیش در (ل)؛ متن = (ل، ۲، ۳) ۲۸-س (نیز آ): رومی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و رتب یلان فی قلب عسکره، و أخذ، مثل الأسد الهصور، یطوف علی صفوفه ۲۹-ل: ۲-ل: چنین گفت کامروز ۳۰-ق: سئیزه؛ (ب: هزیمت؛ و: کرارش)؛ ۳۱-س: ز دشمن سپاه؛ (ل: ن: آ: بر اسب و سپاه)؛ ق: تیره ز گرد سپاه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲-ل: ۲: ز خورشید) ۳۳-ل: (و: ز) ۳۴-ل: (ل: ب: هزبر) ۳۵-ک: همه ۳۶-ل: (ن: از)؛ ق: این بیت را ندارد

به بالا گذشتند^۳ از آن^۴ رزمگاه،
 نهاده دو^۵ دیده به فرمانبران،
 چپ و راست و^۸ قلب و جناح سپاه،
 برفتند مردان^{۱۱} پرخاشجوی،
 سپهر از بر خاک دشمن^{۱۲} شده‌ست!
 فلک تار دید و زمین قار^{۱۵} دید،
 که از برتران پاک و^{۱۸} برتر توی^{۱۹}،
 که داند چنین جز تو ای پاک و داد^{۲۲}؟
 سر نیزه‌ی^{۲۵} او^{۲۶} شود^{۲۷} خار و خَو^{۲۸}!
 جهان پیش چشمش یکی بیشه بود^{۳۰}،
 از^{۳۳} آهن بگردار کوهی سیاه^{۳۵}،
 چو نزدیکتر شد^{۳۹} بدان^{۴۰} برزکوه^{۴۱}،
 نگه کن بدان^{۴۳} بنده‌ی دیرساز^{۴۴}،

نیاطوس^۱ و بندوی و گسستم^۲ و شاه
 نشستند بر کوه دوک آن^۵ سران
 ۱۷۱۵ از آن کوه لشکر^۷ همی دید شاه
 چو برخاست^۹ آوای^{۱۰} کوس از دوروی
 تو گفתי زمین کوه آهن شده‌ست
 چو خسرو بر آن^{۱۳} گونه پیگار^{۱۴} دید
 به یزدان همی^{۱۶} گفت بر پهلوی^{۱۷}
 ۱۷۲۰ که برگردد^{۲۰} از رزم امروز^{۲۱} شاد؟
 که را بخت خواهد شدن^{۲۳} کندرَو^{۲۴}
 دل و جان خسرو پراندیشه^{۲۹} بود^{۳۰}
 که^{۳۱} بگسست کوت^{۳۲} از میان^{۳۳} سپاه
 بیامد^{۳۶} دمان^{۳۷} از^{۳۸} میان گروه
 ۱۷۲۵ به خسرو چنین گفت کای^{۴۲} سرفراز

- ۱-س.ک (نیز پ): بناطوس؛ ق.ل (نیز ن.ق.ل.آ.لی.ا): بناطوش؛ (و.ن.آ.ب: نیاطوش)؛ متن = ل (نیز ل^۳) - ۲-س.ق.ل (نیز ن.و.ب): گسستم و بندوی؛ متن = ل.ک (نیز ق.آ.ب) - ۳-ق: کشیدند؛ (ن.آ: گذشته)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴-ل (نیز لی): زان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۵-ک (نیز ل^۳): این؛ ق: بر تند کوهی؛ (ق: بر که دوان آن؛ لی: بر کوه سر بر؛ آ: برگرد هم آن)؛ متن = ل.س.ل (نیز ن.پ.و.ن.آ.ب) - ۶-ا: (نهادند)؛ بنداری؛ و سعد برویز فی أصحابه الایرانیین تلا ۷-و: (یکسر) - ۸-س.ل (نیز ن.ل.آ.ب.ب): حو؛ متن = ل (نیز ق.آ.لی.و.ن.آ.ب) - ۹-ل: برخواست ۱۰-ل.س (نیز ن.ق.آ.لی.و.ب): آواز؛ متن = ق.ک.ل (نیز ل^۳.ب) - ۱۱-س (نیز لی.و.ب): گردان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲-ق (نیز ل^۳): جوشن؛ (آ: ساکن)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳-ق: بدان؛ (لی: بدین) - ۱۴-ل: پرگار؛ (ن.ق.آ.لی.پ.ن.آ.ب.برکار)؛ متن = ل.ک (نیز ل^۳.و.آ): بیکار - پرگار؟ برکار؟ ۱۵-ل: هوا قار؛ س.ک.ل (نیز لی.ل.آ.ب): فلک بود (ک: تیره) دید و زمین تار؛ ق: زمین بود دید و فلک تار؛ (و: فلک قار دید و زمین تار)؛ متن = (ن.ن.ق.آ.ب.ن.آ.ب): بنداری؛ فلما رأی جوبین و عساکره ارتعدت فرائضه، واضطرب قلبه ۱۶-ق.ل (نیز آ): چنین ۱۷-ل.آ: از برتری ۱۸-س.ک (نیز ل^۳.و): حو؛ متن = ل.ق.ل (نیز ن.لی.پ.ن.آ.ب) - ۱۹-س.ک.ل (نیز ن.لی.ل.پ.ن.آ.ب.ن.آ.ب): تویی؛ (و: بوی)؛ متن = ل (نیز ب): (ق: برتران جهان برتری) - ۲۰-ل (نیز ق.آ): برگردم ۲۱-ق (نیز آ): پیروز و ل (نیز ل^۳.و.آ): امروز از (و: ازین)؛ رزم؛ متن = س.ک.ل (نیز ن.ق.آ.لی.پ.ن.آ.ب) - ۲۲-ل (نیز آ.ب): راد؛ س.ق: پاک داد؛ (ک: نیز ن.ن.آ): پاک راد؛ ل (نیز لی.ل.آ): پاک زاد؛ (ق: همی جز تو این داد داد؛ و: جز او تو ایای پاک داد)؛ متن = (ب) - ۲۳-ق: (خندان شود) ۲۴-ل: کاندرو (ل): در ل^۳ به زیر چهارم و سکون پنجم ۲۵-ل: پیره (ل) ۲۶-ل: کی؛ (پ: که)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷-و: (شوی) ۲۸-ل: خارخو (حرف چهارم هم در بالا نقطه دارد و هم در زیر)؛ (ن: خاز و خو (ل): آ: خارخو؛ آ: خوار و خو)؛ متن = ل.س.ک (نیز ق.آ.لی.پ.و.ن.آ.ب؛ در ک.ل^۳ خو به زیر یکم و سکون دوم)؛ ق این بیت را ندارد ۲۹-حرف یکم در پ.ب با سه نقطه ۳۰-ق: ک: شد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ فجعل یعدو الله تعالی و یسأله أن ینصره ۳۱-ق (آ.لی: چو) ۳۲-ل.آ: کوب ۳۳-لی: (لی: آن میان)؛ ق: چو کوت هزاره (ه ۱۵۶۴.ق: ۱۷۴۸) بدید آن ۳۴-ل.س.ک.ل (نیز آ.ب): ز؛ متن = (ن.ن.آ) ۳۵-ل (کوه سیاه)؛ ق: بر خسرو آمد ز آوردگاه ۳۶-آ: (برآمد) ۳۷-ق: (دوان) ۳۸-ل: تا؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۹-ل: نزدیک بر شد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴۰-ل.س.ن.بران؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴۱-ل: (آ: از آهن بگردار یک لخت کوه)؛ ق این بیت را ندارد ۴۲-ل: آ: ای ۴۳-س.ل (نیز ن.ق.آ.لی.پ.ب.ن.آ.ب): بدین؛ (ک: نیز لی.و.آ): که این؛ (پ.ن.آ: که آن)؛ متن = ل.ق.ق (نیز ل^۳): دیسواز؛ ل: دیرباز؛ (آ: دیرباز)؛ متن = ده دستنویس دیگر

که با او به ایران برآویختی^۱
 بین از چپ لشکر و دست راست
 کنون تا^۲ بیاموش کارزار
 چو بشنید خسرو ز کوت این^۳ سخن
 کجا^۴ گفت کز^۵ بنده^۶ بگریختی
 ورا زان^۷ سخن هیچ پاسخ نداد
 چنین گفت پس کوت^۸ را^۹ شهریار
 چو بیند ترا^{۱۰} پشت آید به جنگ
 چو بشنید کوت^{۱۱} این^{۱۲} سخن بازگشت
 ۱۷۳۵ همی رفت^{۱۳} جوشان^{۱۴} و نیزه به دست
 یلان سینه بهرام را بانگ کرد
 که آمد یکی دیو چون پیل مست
 چو بهرام بشنید^{۱۵} تیغ از نیام^{۱۶}
 چو خسرو چنان دید، بر پای خاست^{۱۷}
 ۱۷۴۰ نهاد^{۱۸} به کوت^{۱۹} و به بهرام^{۲۰} چشم

چُن^۱ او کامران شد، تو بگریختی،
 که تا از میان بزرگان^۲ کجاست؟
 ببیند دل و زور^۳ مردان کار!
 دلش گشت پر درد کین^۴ کهن،
 سلیح^۵ سواران فروریختی!
 دلش گشت پر خون و لب^۶ پر ز باد!
 که رو پیش آن مرد^۷ ابلق سوار،
 تو مگریز تا لب نخایی ز ننگ^۸!
 چنان شد^۹ که با باد همباز^{۱۰} گشت!
 به آوردگه رفت چون پیل مست!
 که بیدار^{۱۱} باش ای سوار نبرد،
 کمندی به فتراک و نیزه^{۱۲} به دست!
 برآهیخت^{۱۳} چون باد و برگرفت نام^{۱۴}
 از آن کوه سر سر برآورد^{۱۵} راست،
 دو دیده پر از آب و دل^{۱۶} پر ز^{۱۷} خشم

۱-ل: به رزم اندر آویختی؛ متن = س-ل-۲ (نیز لن-ب) ۲-ل-۱ (نیز ق-آ، می، و، لن، ۲، ۱)؛ چو: متن = (ل، ن، ۳، پ، ب) ۳-ل: دلیران؛ متن =
 س-ل-۲ (نیز لن-ب) ۴-ق: که تا من؛ ک: بدان تا؛ (می: چنین تا)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵-ل: رزم؛ ل: روز؛ متن = دوازده دستنویس
 دیگر؛ بملطری (۱۷۲۲-۱۷۲۸): فیثا هو کلکک إذ جاءه کوت الرومی مزجوا بر جولیته، و مدلاً بشجاعته، و قال: أیها الملک! أرنی هذا العبد
 الذی هربت منه، وانظر مبارزتی له عبق (نیز لن، ب): آن ۷-ل: س: درد و کین؛ ق: ک، ل-۲ (نیز لن، ق-آ، می، پ، لن، ۲، ب): درد رزم؛ ل: آ: درد
 رنج؛ آ: کین ز رزم؛ متن = (و) ۸-س-ل-۲ (نیز لن-ب): که (و: چو) او؛ متن = ل ۹-ب: (از) ۱۰-ل: (می: رزم) ۱۱-س: (نیز می): سلاح
 ۱۲-ل: (و: زان پس) ۱۳-ل: سر؛ (می: خون سر)؛ س: دلش پر ز خون بُد لیش؛ (ق: آ: دلش پر ز خون و سرش)؛ متن = ق،
 ل-۲ (نیز لن، ۲، لن، ۲، ب): بملطری: معظم علی برویز قوله: «هربت منه، فسکت ۱۴-ل: آ: کوب ۱۵-ل: آ: با کوب پس) ۱۶-ق: (نیز می):
 گرد؛ لن، ب این بیت را نفلوند ۱۷-ل: (ن، ب: بدو گفت رو) ۱۸-ق: (ب: جنگ)؛ بنداری: ثم قال له: علیک بصاحب الفرس الأبلق، فإنه هو. ولا
 تلو عنانک عنه ۱۹-ل: آ: کوب ۲۰-س: (نیز لن، پ، ب): آن؛ متن = ل، ک، ل-۲ (نیز ق-آ، می، ل، و، لن، ۲، ۱) ۲۱-ل: (می: تو گفتی) ۲۲-ل: س، ک
 (نیز ق-آ، می، ل، و، ب): انباز؛ متن = ل-۲ (نیز لن، پ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۳-ق: بشد کوت؛ ل: آ: همی تاخت) ۲۴-ل: (ن: آ: چون پیل)؛
 بملطری: فعاد و خرج من الصف فی درعه الفضفاض یلیح بر مع کالجیة النضاض؛ ل، ق، و پس از بیت ۱۷۳۵ افزودند:

چو نزدیک شد خواست بهرام را
 گونه (!) و: برآشفت و برگرفت پس) نام را

۲۵-ل: (پرویز) ۲۶-ل: (گروزی)؛ بملطری: فلما رأه یلان قال لجوبین: کن علی حذر من هذا الفیل القطم ۲۷-س: (نیز می، و): بشنید
 بهرام؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸-ق: (نیز و، ب): میان ۲۹-ل: ک (نیز لن، ق-آ، می، پ، ب): برآهخت؛ (ب: بیاهخت)؛ متن = ل-۲ (نیز
 ل) ۳۰-ق: چون بند شیر زیان؛ (و: و آمد چو شیر زیان)؛ بملطری: فأقبل جوبین الیه بسیفه؛ س: ق در اینجا سرنویس دارند، س: کشته
 شدن کوت رومی بر دست بهرام جوبینه؛ ق: نبرد کوت رومی و بهرام جوبینه و محاکا بناطوش و خسرو ۳۱-ل: ۲ (نیز آ): خواست
 ۳۲-ک: سوی کوت جنگی دوآیند (پاس و پیشی کت‌ها) ۳۳-ک: نهادش ۳۴-ل: ۲: کوب ۳۵-ل: (می: به بهرام و بر کوت)؛ و: بران ترک بهرام
 نهاد) ۳۶-ک: لب ۳۷-ل: (می: که تا چون کند جنگ هنگام)

جهانجوی بر جای بفشارد^۲ پای^۳
 به روی اندرآورد جنگی^۵ سپر،
 که تا^۸ سینه بیرید^۹ تیره^{۱۰} تنش!
 بخندید کان^{۱۱} زخم بهرام دید
 از آن^{۱۴} خنده‌ی خسرو آمد به^{۱۵} خشم،
 نه نیکو بود خنده در کارزارا
 دلت خیره^{۱۷} بینم به کین^{۱۸} نیا!
 نینند^{۲۰} هرگز به آبادیوم
 چنان دان که بخت تو برگشته شدا
 نخندم^{۲۲} همی وز^{۲۵} بریده تنش^{۲۶}،
 هم او^{۲۹} یابد از چرخ^{۳۰} گردنده کوس^{۳۱}!
 نبودت هنر تا^{۳۲} نیاربختی^{۳۳}
 که زخمش بدینسان^{۳۶} بود^{۳۷} روز جنگا

چو رومی به نیزه درآمد ز جای^۱
 چو نیزه نیامد برو^۴ کارگر
 یکی تیغ زد بر بر^۶ و گردنش
 چو آواز تیغش به خسرو رسید
 ۱۷۴۵ نیاطوس^{۱۲} جنگی بخوابید^{۱۳} چشم
 به خسرو چنان گفت کای نامدار^{۱۶}
 ترا نیست از روم جز کیمیا
 چو کوت^{۱۹} هزاره به ایران و روم
 بخندی کنون^{۲۱} زانک^{۲۲} او کشته شد
 ۱۷۵۰ بدو گفت خسرو: من^{۳۳} از کشتنش
 چنان دان که^{۳۷} هرکس که دارد^{۳۸} فسوس
 مرا گفت کز بنده بگریختی
 از آن^{۳۴} بنده بگریختن^{۳۵} نیست ننگ

وُزان روی بهرام آواز داد که ای نامدارانِ فرخ‌نژاد،

۱-ل: جا ۲-ل: (نیز ق ۲، لی، و، ل ۱، ۲): بفشرد؛ متن = ل-ک (نیز ل، ن، ل، ۲، پ، ب، ۳-ل: ۴-ق: (لی: بدو) ه-ق: لختی؛ س، ق ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

س: چو رد کردش آن نیزه نامدار
 ق ۲: چو آن نیزه نامور کرد رد

ع، ک، ل ۲ (نیز ل، لی، ۱-): بر؛ متن = ل، س (نیز ق ۲، آ، ب)، ۷-ق: بزد تیغ بهرام بر ۸-ل: (ن: آ): ۹-ق: که بیرید تا سینه ۱۰-ل: ۱-نیزه؛ (لی: جنگی)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر (در ل، س، ق، ل، ن حرفهای دوم و سوم بی نقطه)؛ بنفاری؛ فلما وضع الرومی الرمح فی نحره لم یفقد فیه، و رفع المجن علی رأسه و ضربه بسیفه ضربه نزلت من عاتقه الی صدره ۱۱-ق: چون؛ بنفاری؛ فلما سمع برویز صلیب صمصامه جویین ضحک ۱۲-س (نیز لی): نیاطوس؛ ق، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب): بناتوش؛ ک (نیز پ): بناتوس؛ (ن: آ، ب): نیاطوش؛ متن = ل (نیز ل ۲، و، بنفاری؛ در ل حرف یکم بی نقطه) ۱۳-ل: ساید (حرفهای یکم، دوم و چهارم بی نقطه)؛ ل: آ: بخوانند؛ ق: آ: بخوابید؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-ک (نیز ل ۲): وزان ۱۵-ق: دو دیده پراز آب و دل پرز (= ۱۷۴۰ ب): بنفاری؛ وکان نیاطوس أخو قیصر قریبا منه، فأطرق و اجما من ضحک برویز ۱۶-ق: آ: شهریار؛ بنفاری؛ ثم قال له: ایها الملک! لا یحسن الضحک فی مثل هذا المقام ۱۷-س = ل ۲ (نیز ل، ن، پ): خفته؛ متن = ل ۱۸-ق: بروی ۱۹-ل: کوت؛ متن = س = ل ۲ (نیز ل، ن، پ): ۲۰-ل: (ن: نینید) ۲۱-س = ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، پ، ب): همی؛ متن = ل ۲۲-ل: (پ: ل، ن: آ، ک): ل ۲ این بیت را ندارد؛ بنفاری؛ أما علمت أن هزاره کان فارسا لم یعل مثله ظهر فرس علی وجه الأرض ۲۳-ل: (و: ک): ۲۴-ل ۲ (نیز ل ۲): بخندم (ل) ۲۵-ل: آ: از؛ (ا: زو) ۲۶-ل: آ: وزان روز برگشتنش ۲۷-ل: (و: ب): دلنگ ۲۸-ل: (ن: آ: سازد) ۲۹-ل: (نیز و): همی؛ (ب: همان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰-ل: (پ: هم آواز یابد ز) ۳۱-ل: آ: کوش؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳۲-ل: (ن: آ، آ، یا؛ در ق ۲ بی نقطه) ۳۳-ک: برآویختی؛ (ق ۲): نیاربختی؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنفاری؛ فقال برویز: اینی لم أضحک من قتله، و لکن ضحکت من قوله حین قال: دهریت من هیکه ۳۴-س = ک، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، و، ب): این؛ متن = ل، ق (نیز لی، پ) ۳۵-ک: بگریختی ۳۶-س: ک (نیز ل، ن، آ، ب): برینسان؛ (ق ۲): کجا زخم ازینسان؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز لی، پ، و، ل، ن، ق) ۳۷-ل: (چنین بود در)؛ بنفاری؛ و الفرار من مثل هذا العبد لیس بعار

۱۷۵۵ یلان سینه و رام ۱ ایزدگشپ ۲
 فرستید از ایدر ۶ به لشکرگش ۷
 تن کوت را زود ۱۱ بر پشت زین
 دوان ۱۳ اسپ با ۱۴ مرد گردن فراز
 دل خسرو از کوت شد دردمند
 ۱۷۶۰ بدان ۱۸ خستگیش اندر آگند ۱۹ مشک
 به کرباس در ۲۱ دوختش همچنان
 بنزدیک قیصر ۲۳ فرستاد باز
 برین ۲۶ گونه بزدهمی ۲۷ روز جنگ
 همه رومیان دل شکسته شدند
 ۱۷۶۵ همی ریخت ۳۲ بطریق رومی ۳۳ سرشک
 بیامد ز گردنکشان ده هزار ۳۷
 یکی حمله بردند از آنسان که ۳۹ کوه
 چکاچاک ۴۱ برخاست و ۴۲ بانگ سران
 تو گفתי که دریا بجوشدهمی

۱-ل (نیز پ، و): رام؛ (آ: گرد؛ ق: یلان سینه را گفت و) ۲-ق: آذرگشپ ۳-س، ق، ل (نیز لن، ب): مران؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲-آ) ۴-ق (آ: بسته) ۵-س، ق (نیز لی): به؛ (ب: بایست بر)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶-ل: زاید؛ (لی: فرستاد باید)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷-ل (آ: بدان لشکرش) ۸-ق، ک (نیز آ): بدیده؛ (لن: آ: بریدن)؛ متن = ۹-ق: برش (!)؛ (لی: سرش!)؛ ل: آ: بریده ببیند سر تابرش؛ و: که زخم ببیند بر او بر شش)؛ متن = ل، س، ل (نیز ق ۲، پ، ب): بریده - بدیده؛ لن این بیت را ندارد ۱۰-س، ک، ل (نیز ل، آ، ب): نیز - تیز؛ (لی: سر کوه را بست؛ و: همانگه تن کوت)؛ متن = ل، ق (نیز ق ۲، پ) ۱۱-ل (آ: بندی؛ و: برمدی) ۱۲-ق: گردان؛ (لی: بردشت)؛ لن این بیت را ندارد ۱۳-ل (آ: دمان) ۱۴-ق: ابا؛ (ل: آ: تا)؛ بنداری: تم امر جوین فشد المقتول علی ظهر فرسه، و طردالی آن عادالی أصحابه ۱۵-ق: چو بگشاد ۱۶-ل: زان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷-ل (آ: که شادان بند لشکرش زان گزند) ۱۸-ل، ق، ک: بران؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-ل: زخم او برپراکند؛ ق: خستگی برپراکند؛ (و: خستگی اندراکند)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-س، ق (نیز ب): تا بدوزد بزشک (!)؛ (لن، ل، و، آ: تا بدوزند خشک؛ ب: تاش کردند خشک؛ آ: تا بدوزید خشک؛ لی: از آن پس که دوزند خشک)؛ ک، ل (آ: تاپس بدوزند خشک؛ متن = ل (نیز ق ۲) ۲۱-ل (نیز لی): آ: بر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-لی: (لی: درپس؛ آ: بسته) ۲۳-لی: (خسرو) ۲۴-ق: آن ۲۵-ق (نیز ل آ): دیوساز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶-ک (نیز لی، ل، لن آ): بدین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷-ل (آ: باشد همی) ۲۸-ل (نیز و): آ: زوگر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹-س، ق (نیز آ): شوم؛ ل (نیز لن، آ، ب): شوی؛ (ل: آ: شود)؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲، لی، پ، و)؛ ل آ پس از این بیت افزوده است:

نیاطوس را گفت ای شاه روم
 چنین است این مرد بیدار شوم

۳۰-ق: خاک (!) ۳۱-ل (بی: زخم) ۳۲-س: رفت (!) ۳۳-ل (نیز ق ۲): خونین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۴-ل: همی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۵-ق: دیده ۳۶-ل (ن: آ: دل بی (آ: بر) بزشک)؛ بنداری (۱۷۵۹-۱۷۶۵): فعظم ذلک علی برویز وانکسرت قلوب الروم ۳۷-ق: چل هزار ۳۸-ق (آ: ب: حو) ۳۹-ل (نیز لی): زانسان که؛ س: از آن سوی؛ ق: از آن پس که؛ (ق: و: برسان؛ ل: آ: از ایشان که)؛ متن = ک، ل (نیز لن، پ، ل، آ، ب) ۴۰-ل (نیز لن): ز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴۱-ل، س، ک (نیز لن، ق، ل، آ، ب): چکاچاک؛ ل: آ: چکاچاک؛ (لی: چکاچاک؛ ل: آ: چکاچاک)؛ متن = (پ، و) ۴۲-ل (نیز لی): برخاست؛ (آ: برخواست) ۴۳-س (نیز آ): همه؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۴۴-ل (نیز ق ۲، پ، ب): بر؛ ل: آ: چون (ح: خون)؛ متن = س، ک (نیز لن، ل، آ، و، ب)؛ ق این بیت را ندارد

بماندند بر جای بر بسته^۱ راه،
 هر آنکس که بود از^۳ دلیران^۲ سری،
 تن خسته‌ی زندگان^۶ را بیست^۷،
 تلی^۹ گشت^{۱۰} برسان کوهی^{۱۱} بلند!
 بیزید^{۱۵} خسرو ز رومی امید!
 کند هم^{۱۸} برین گونه‌بر کارزار،
 همان^{۱۹} تیغ پلادشان^{۲۰} موم دان!
 که فردا میر جنگیان^{۲۳} را به کار!
 بیارم از^{۲۵} ایرانیان کینه‌خواه!
 شما را ببايد شدن بی‌درنگ^{۲۶}!
 که کوه و بیابان پر از خون^{۲۹} کنیم!

۱۷۷۰ ز بس کشته اندر میان سپاه
 از آن رومیان کشته شد^۲ لشکری
 دل خسرو از درد ایشان بخت^۵
 همه کشتگان^۸ را بهم بفرگند
 همی^{۱۲} خواندندیش^{۱۳} بهرام‌چید^{۱۴}
 ۱۷۷۵ همی‌گفت: اگر^{۱۶} مرد^{۱۷} رومی دو بار
 جهان را تو بی لشکر روم دان!
 به سرگس^{۲۱} چنین^{۲۲} گفت پس شهریار
 تو فردا بیاسای^{۲۴} تا من سپاه
 به ایرانیان گفت: فردا به جنگ
 ۱۷۸۰ همه ویژه^{۲۷} گفتند کایدون^{۲۸} کنیم

گفتار اندر رزم بهرام چوبین با خسرو پرویز^{۳۰}

ستاره شد از تیرگی^{۳۲} ناامید^{۳۳}،
 برفتند با پیل^{۳۴} و با کزه‌نای^{۳۵}،

چو برزد ز دریا درفش سپید^{۳۱}
 تیره‌زنان از دو پرده‌سرای

۱-س، ک (نیز ل، ن، ای، پ، ب، آ، ا، ت، ب)؛ و بر بست؛ ق؛ و برگشت؛ ل؛ و بر پشت؛ ق؛ آ؛ نماندند بر جای و بر دشت؛ ل؛ آ؛ نماندند بر دشت و بر کوه؛ متن = ل؛ (نیز و)؛ در و این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲- (بی: بد) ۳- ق، ک، ل، آ (نیز ل، ن، ای، پ، ب)؛ که بد زان؛ متن = ل، س (نیز ق، آ، ای، پ، ب و) ۴- ق؛ بزرگان؛ آ؛ بودند از ایشان؛ در پ بیت‌های ۱۷۷۱ و ۱۷۷۲ پس از بیت ۱۷۷۴ آمده‌اند ۵- ل؛ آ؛ نخست (ل) ۶- ک؛ خسته مر زندگان؛ (ن؛ آ؛ زنده خستگان) ۷- (و؛ که گشت آنچنان لشکر گشن پست)؛ در ک پس از این بیت، بیت ۱۷۷۰ دوباره آمده است ۸- (ب؛ لشکران) ۹- ک؛ یکی ۱۰- ق (نیز ق، آ، پ، ن، ای)؛ کشته ۱۱- ل (نیز و، ن، ای)؛ کوه؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری (۱۷۶۶-۱۷۷۳)؛ ثم إن الفرسان من الجانیین تشمروا للضراب والطمان فصافحت الصفاح أشاجع الشجعان، و قتل خلق کثیر من الروم ۱۲- س، ق (نیز ل، ن)؛ همه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳- ل؛ آ؛ خواب دیدیش (ل) ۱۴- ق؛ خوید؛ متن = دوازده دستنویس دیگر (حرف یکم در ل، ک، ل، ن، ای، پ، ب، آ، ا، ت، ب یک نقطه، در س، ق، آ، ای، بی نقطه و در پ با سه نقطه)؛ (و؛ بدانست کوی نیست بی بر چو بید) ۱۵- ل؛ آ؛ چو بیزید؛ ب؛ بترسید؛ در ولت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۶- ق؛ گر؛ ۱۷- ل؛ (نیز حرفهای یکم و دوم بی نقطه)؛ متن = س- ل؛ آ (نیز ل- ن) (ب) ۱۸- ل؛ آ؛ او ۱۹- س- ل؛ آ (نیز ل، ن، ای، پ، ب، آ، ا، ت، ب)؛ همه؛ متن = ل (نیز ق، آ، پ، ب و) ۲۰- ل؛ (نیز ل؛ آ)؛ پولاد را؛ (ق؛ آ؛ پولادمان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ فقطع پرویز رجاء منهنم، و علم أنه لا یحییء منهنم شیء ۲۱- ل؛ (نیز ل، ای، پ)؛ سرکت؛ س- ل؛ آ (نیز ل، ن، ای، پ، ب، آ)؛ سرکتش؛ (ن؛ آ؛ رومی)؛ متن = بنداری ۲۲- ق؛ آ؛ بناطوش را (را) ۲۳- ق (نیز ق، آ، ای، پ، ب، آ، ا، ت، ب)؛ رومیان؛ متن = ل، س، ک، ل؛ آ (نیز ل، ن، ای، پ، ب، آ)؛ س، ک، ل؛ آ (نیز ل، ن، ای، پ، ب، آ)؛ بر آسای؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، ای، ل، آ، و، آ) ۲۵- ل، س، ک (نیز ل، ن، ای، پ، ب)؛ متن = ق، ل؛ آ (نیز ق، آ، ای، ل، ن، ای، پ، ب، آ)؛ س، ۲۶- س (نیز ب)؛ شمردن درنگ؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷- حرف سوم در همه دستنویس‌ها با سه نقطه ۲۸- (بی، و، ل، ن؛ آ؛ ایدون) ۲۹- س- ل؛ آ (نیز ل، ن، ای، ل، آ، ن، ای، پ، ب)؛ در و دشت هامون؛ (و؛ ز کوه و در و دشت هامون؛ آ؛ که کین از دل شاه بیرون)؛ متن = ل (نیز ق، آ، پ)؛ بنداری؛ فقال لسرکس: استریحوا أنتم غذا حتی أقاتلهم بأصحابی. ولما أمسوا عادوا الی مضاربهم ۳۰- ل؛ رزم بهرام چوبین با خسرو پرویز؛ س، ل، آ؛ س؛ آ؛ جنگ (س؛ آ؛ رزم) خسرو و ایرانیان (ل؛ آ) خسرو پرویز؛ س؛ آ؛ خسرو) با بهرام چوبینه؛ ق؛ رزم ایرانیان با بهرام چوبینه پیش خسرو پرویز؛ متن = ل؛ ۳۱- (و، ن؛ آ؛ سفید؛ آ؛ بنفش)؛ ۳۲- س؛ روشنی؛ ک؛ نور او؛ متن = یازده دستنویس دیگر (ل؛ تیره گی) ۳۳- (و؛ و تیرگی ناپدید) ۳۴- ق؛ آ؛ گرز) ۳۵- ل، س (نیز آ)؛ کزنای

هم از کوهی پیل^۲ رویینه خُم،
 شده روی خورشید^۵ چون پَر زاغ
 همه نیزه و تیغ هندی به کف،
 ستاره ز نوکِ سینان روشنست!
 همه دل گرفتند یکسر^۷ سپاه!
 که گرد و دلیر و^۹ جهانجوی بود!
 ابا جوشن و تیغ^{۱۰} آهزَمَنی^{۱۱}!
 بر آن^{۱۳} جنگ^{۱۴} بر تنگ بسته میان!
 که دارد مرو را ز دشمن نگاه^{۱۵}
 درنگی شد و خامشی برگزید،
 بیستند و شد گرد لشکر چو^{۱۸} نیل،
 همآوردش از بخت^{۲۲} شد ناامید^{۲۳}!
 به شاپور گفت: ای بد بدتنه^{۲۵}،
 که پیش من آیی بدین دشت^{۲۸} خون؟
 همی تن به کشتن دهی رایگان!
 سرِ خویش در بندگی کرده گش^{۳۱}،
 که گویی کنون^{۳۳} پیش^{۳۴} گردنکشان؟

خروش آمد از نای و از^۱ گاوَدُم
 تو گفتی بجنبد همی^۳ دشت^۴ و راغ
 ۱۷۸۵ چو ایرانیان برکشیدند صف
 زمین سرسِر گفتی از جوشنست!
 چو خسرو بیاراست بر^۶ قلبگاه
 وُرا میمنه دار^۸ گردوی بود
 به دست چپش نامدارارمنی
 ۱۷۹۰ میارز چو شاپور و چون اندیان^{۱۲}
 همی بود گسَتم بر دستِ شاه
 چو بهرام یل^{۱۶} رومیان را ندید^{۱۷}
 بفرمود تا کوس بر پشت پیل
 نشست از بر^{۱۹} پِشتِ پیلی^{۲۰} سپید^{۲۱}
 ۱۷۹۵ همی راند آن^{۲۲} پیل تا میمنه
 نه^{۲۶} پیمانان این بُد به نامه اندرون^{۲۷}
 نه این باشد آیین پُرمایگان^{۲۹}
 بدو گفت شاپور کای دیوفش^{۳۰}
 ازین^{۳۲} نامه کی بود نام و نشان

۱-ق.ل (نیز، ل.ن، آ.ت): وز؛ ل (نیز، و، ب): و؛ ناله؛ ک: از ناله؛ متن = س (نیز ق ۲-ب) ۲-ل، ن، آ، ب: پیل و؛ ل: همان نعره پیل و) ۳-پ، آ: همه؛ ل: بنخند همی؛ (ل: بیبجد همی؛ ق ۲: بجنید گفتی همی)؛ متن = س-ل ۴ (نیز، ل، ن، ل، و، ل، ن، آ، ب) ۴-ک (نیز ق ۲، ل): کوه ۵-ک: خورشید ۶-ق (نیز، ل، و): آن؛ (ب: در): متن = ده دستنویس دیگر ۷-ل (ل: ایران) ۸-ا (و: میمنه گرد) ۹-س (نیز ق ۲، ب): گردی دلیر؛ ک (نیز، ل، آ): گردی دلیر و؛ (ل: گرد دلیر)؛ متن = ل، ق، ل (نیز ل، و) ۱۰-ا (و: گرز) ۱۱-ل (و، ل، آ: اهریمنی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر: اهرمنی ۱۲-ل ل: آ: ابدیان ۱۳-ل، ل، ب: بدان) ۱۴-ل (ل: خنگ)؛ بنداری (۱۷۸۱-۱۷۹۰): ولما أصحابا ركب برویز فی الایرانیین، و صفهم أمام جوبین، فجعل کُردویه علی المیمنه، وجعل موسیل صاحب الأرمین علی المیسره، و أمر سابور و آندیان أن یقذما الصفوف للمبارزه ۱۵-بنداری: ووقف کُستهم محافظا للملک ۱۶-ل (ل: مر) ۱۷-ل (نیز ل، آ، ب): بدید؛ در، ل، س، حرف یکم بی نقطه؛ متن = ق، ک (نیز، ل، ن، آ، ب، ل، ن): (و: آن سپه را بیدید) ۱۸-ق (نیز ل، ل): روی گیتی چو؛ (ق: گیتی از گرد)؛ ل (نیز ب): بیست و شد از گرد گیتی چو؛ متن = س، ک، ل (نیز، ل، ل، آ، و، ب) ۱۹-ل (ل: نشست ابر) ۲۰-ل، س، ل (نیز، ل، ن، ق، آ، و، ب): پیل؛ متن = ق، ک (نیز ل، ل، آ، ب) ۲۱-س (نیز ل، ب، ل، و، ل، آ): سفید ۲۲-ل، آ: تخت؛ حرف یکم در، ل، س، ک، ل، و، آ، ب بی نقطه؛ متن = (ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب، ل، ن) ۲۳-ل (ل: آ: نابدید)؛ ق: ز بخت و ز تخت او شده ناامید ۲۴-ق: راندی؛ (ق: راندبا) ۲۵-ل (ل: آنکه بد یک تنه)؛ در، ل، ن، آ: از این بیت دو بیت ساخته اند ۲۶-ل (ل: چو) ۲۷-ل، ق، ل (نیز ل، ن، ب): درون؛ س: به شهر اندرون؛ متن = ک ۲۸-س-ل (نیز، ل، ن، ب): که پیش آوری داد در دشت (س، ک، ل: دشت)؛ (ل، ل، ن): که پیش آوری داور و (ل، ن، آ: داور) دست؛ ل، آ، و، آ: که پیش آوری بدین دشت (و: روز)؛ متن = ل (نیز ق ۲، ب) ۲۹-س-ل (نیز ل، ن، ب): آزادگان؛ متن = ل: بنداری (۱۷۹۲-۱۷۹۷): فلما رأى جوبین أن عساکر الروم لم یقذموا للقاء ركب فیلا أیض و تقدّم حتی قرب من سابور، و قال: أیها الفارس! بغیر هذا أتانی کتابک ۳۰-ق (نیز و): شیرفش؛ (ب: شاهفش)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱-پ (پ: خوش) ۳۲-ل (ل: از آن) ۳۳-س، ک، ل (نیز ل، ل، ن، آ، ب): همی؛ متن = ل ۳۴-ق: همی کز گویی ز؛ (ق: آ: که کم باد نامت ز؛ آ: چه گویی همی بود)؛ بنداری: فقال له سابور: أیها الشیطان! أیش الکتاب؟ و ما هذا الخطاب؟

همه قلبگه^۱ پاک بر هم^۲ درید
 و زان^۵ جایگه شد سوی میسره^۶
 نگهبان آن دست^۸ گردوی بود
 ۱۸۲۰ برادر^{۱۰} چو روی برادر بدید
 دو خونی برآنسان^{۱۱} برآویختند
 بدینسان^{۱۲} زمانی برآمد^{۱۳} دراز
 بدو گفت بهرام کای بی پدر^{۱۵}
 بدو گفت گردوی^{۱۷} کای^{۱۸} پیسه^{۱۹} گرگ
 ۱۸۲۵ که هرکو^{۲۱} برادر بود، دوست به^{۲۲}!
 تو هم خونی^{۲۶} و بدتن^{۲۷} و ریمنی!
 به پیش برادر^{۲۸}، برادر به جنگ^{۲۹}
 چو بشنید بهرام^{۳۱} ازو^{۳۲} بازگشت
 همی راند^{۳۵} گردوی تا پیش شاه^{۳۶}

درفش جهاندار^۳ شد ناپدید^۴!
 پس پشتش آزادگان یکسره^۷،
 که مردی دلیر و^۹ جهانجوی بود،
 کمان را به زه کرد و اندرکشید،
 که گفتی بهمشان برآمیختند!
 همی یک ز دیگر نگشتند^{۱۴} باز،
 به خون^{۱۶} برادر چه بندی کمر؟
 تو نشنیدی آن^{۲۰} داستان بزرگ،
 چو دشمن بود^{۲۳} بی بی^{۲۴} و پوست به^{۲۵}!
 جهان آفرین را به دل دشمنی!
 نیاید، اگر باشدش نام و ننگ^{۳۰}!
 برآشفت و با او^{۳۳} دژم ساز^{۳۴} گشت!
 از^{۳۷} آهن شده روی جنگی^{۳۸} سیاه،

۱- (ل: قلب را) ۲- س، ل (نیز لن، آ، ب): قلبگه را به (ز: هم بر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳- (و: جهانجوی)؛ متن ۴- ج: جهاندار خسرو چو زانگونه دید؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: و رکب فرسا و حمل علی صف برویز فمزقه ۵- (ق: آ: از آن) ۶- س، ل (نیز لن: ب): میهنه؛ متن = ل ۷- س، ل (نیز لن: ب): پس پشت (ل: پشتش) آزادگان و (ل: ب: بد؛ و: با) بنه؛ متن = ل؛ در س ۲ بیت های ۱۸۱۸-۱۸۳۳ راپاک کرده و بجای آن تصویر کشیده اند؛ س، ک، لن، ل، و-ب پس از بیت ۱۸۱۸ افزوده اند:

چو خسرو بدید آن سوی (ا: سر؛ ل: از سوی؛

ک: بدیدش سوی؛ ل: چنان دید بر) میسره

همی تاخت چون گرگ پیش (لن، لی، لن، آ، ب: بید) بره

ل، ق، ل، آ، ق، آ، پ، بنداری این بیت را ندارند ۸- ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ: ب): دشت؛ متن = ک (نیز ل) ۹- ک (نیز ق، آ، و): دلیر؛ س (نیز لن): گردی دلیر؛ ل: گرد و دلیر و (ل: آ: گرد دلیر؛ آ: مرد دلیر و؛ ب: گردی دلیر و)؛ متن = ل، ق (نیز ل، پ) ۱۰- س: پیاده؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل ۳ این بیت را ندارد ۱۱- ک (نیز لی): بدانسان؛ ل ۳ این بیت را ندارد ۱۲- س، ل (نیز لن، پ، لن، آ، ب): برینسان؛ ق (نیز ل، و، آ): برانسان؛ (لی: بدانسان)؛ متن = ل، ک (نیز ق) ۱۳- ل: درآمد؛ ق (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب): درآمد زمانی؛ متن = ل، س، ک (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب) ۱۴- س، ل (نیز لن، ب): هم از یکدیگر می نگشتند؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق، آ، ب): بنداری (۱۸۱۸-۱۸۲۲)؛ و عاد الی المیسرة فرأی أخواه كُردیه فتعلق أهدهما بالأخر، و أخذنا يتضاربان و يتقاتلان زمانا ۱۵- ک (نیز ق، آ): بدهن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶- (ق: جنگ)؛ ل ۳ این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم قال له جوبین: من رأی أخواه یقصد إراقة دم أخیه؟ ۱۷- (ب: بهرام) ۱۸- ک (ق: کی؛ لن: ای) ۱۹- س، ق (نیز لی، ل، آ، لن): بیشه؛ در ل، لن، ق، آ، و بی نقطه؛ متن = ک، ل (نیز پ، آ، ب) ۲۰- (و، آ: این) ۲۱- ق: که هرکت؛ ک (نیز آ): که گر چه؛ ل (نیز لی)؛ اگر چه؛ (لن، ب): که هر چون؛ متن = ل، س (نیز ق، آ، لن، آ) ۲۲- ل: دوست ۲۳- (پ: شود) ۲۴- ک: رگ؛ ل (سر)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵- ل: پوست ۲۶- ل: دشمن؛ (ل: آ: تو بدخویی؛ لن: آ: تو چون خونی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷- ک: بدرگ؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ در لی این بیت بابت سپسین پس و پیش شده است ۲۸- (لی: برادر به پیش) ۲۹- (و: به جنگ آمدی) ۳۰- (و: وگر از بی نام و ننگ آمدی)؛ بنداری (۱۸۲۴-۱۸۲۷): فقال: یا عدو نفسه! است البان أعلم. و الیادئ أظلم ۳۱- (آ: بهرام بشنید) ۳۲- ل: زو؛ متن = س-ب ۳۳- (پ: خود) ۳۴- ک: باز؛ ق: و آنگاه بدساز؛ (لی: تو گفتی که با باد انباز)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فترکه جوبین و عاد الی صفه ۳۵- (ل: رفت) ۳۶- ل: تا نزد شاه؛ (آ: پیش سیاه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۷- ل، س (نیز ق، آ، ب): ز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۸- ق: زنگی (ا)؛ بنداری: فرکض کُردویه نحو الملک، و وجهه مسود من أثر المغفر، و غرته میضه من السرور و الظفر

که پاداش بادت ز گردان^۲ سپهرا
 چو شد جنب‌جنبان^۳ دلیران شاه^۴،
 که موشیل^۵ را باش فریادرس!
 مگر بخت^۸ روشن به مشت آورید!
 که گر^۹ هیچ^{۱۰} رومی کند کارزار،
 وگر نیز در جنگ خسته شود،
 سخن‌ها از^{۱۳} اندازه بیرون برند،
 به ما بر^{۱۶} کنند اندرین جنگ ناز^{۱۷}،
 بسان^{۱۸} رمه^{۱۹} روزگار دمه!
 ز چوبینه آورد خواهم یکی،
 امیدم^{۲۲} به یزدان^{۲۳} فریادرس!
 به شیرین‌روانت مخور زینهار!
 مکن تن هلاک اندرین دشت کین^{۲۷}!
 که^{۲۸} گفتی، ز لشکر کنون یار جوی^{۲۹}!
 ده و چار گردنکش^{۳۱} نامدار:

۱۸۳۰ برو آفرین کرد خسرو^۱ به مهر
 ز پیش صف آمد^۳ سوی قلبگاه
 فرستاد خسرو به شاپور کس
 بکشید تا پشت پشت^۷ آورید!
 به گستم گفت آن زمان شهریار
 ۱۸۳۵ چو بهرام جنگی^{۱۱} شکسته شود
 همه^{۱۲} رومیان سر به گردون برند^{۱۳}
 نخواهم که رومی شود^{۱۵} سرفراز
 بدیدم هنرهای رومی همه
 همان به که من با^{۲۰} سپاه اندکی
 ۱۸۴۰ نخواهم بدین^{۲۱} کار یاری ز کس
 بدو گفت گستم^{۲۴} کای^{۲۵} شهریار
 چو رایت چنین ست مردان گزین^{۲۶}!
 بدو گفت خسرو که اینست روی
 گزین کرد گستم از^{۳۰} ایران سوار

۱- (لی: چنین گفت خسرو به گردو) ۲- ل: یزدان؛ متن = س-ب؛ بنداری: فذکر له ماجری بینه و بین اخیه. فشکره برویز و اثنی علیه و دعا له ۳- ق: دگر ره بیامد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴- (ق: جنب و جنبان؛ آ: جم‌جنبان)؛ س: چنان جنب‌جنبان؛ ق: بکشید با آن؛ متن ← ۵- (آ: دلیران و شاه؛ و: چو جنگ دلیران چنان دید شاه)؛ متن = ک، ل، ن (نیز ل، لی، ن، آ، ب)؛ ل، بنداری این بیت را ندارند ۶- س-ل (نیز ل، ن، و، آ، ب، موسیل؛ (ن: آ: موسیک)؛ متن = ل ۷- ل: تا او بیشت (ل)؛ (ق: آ: تا زور پشت؛ ن: آ: هم پشت پشت؛ لی: به مردی همه پشت پشت)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸- ل: تخت ۹- ل: اگر ۱۰- (لی: زانک) ۱۱- س: خنکی (ل)؛ ک: کشتی (ل)؛ ل: آ: رومی (ل)؛ س: آ: خنکی (حرف دوم بی‌نقطه)؛ در ل، ق، ن حرف یکم و در و حرفهای یکم و دوم بی‌نقطه؛ متن = (ق: آ-ب، ل، ن، آ، ب) ۱۲- س (نیز ب)؛ همان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳- (ق: آ: گر به گردون رسند) ۱۴- ل، ق، ل، آ، س (نیز ل، لی، و، ن، آ، ب)؛ ز: متن = س، ک (نیز ق، آ، ب، آ، ب) ۱۵- ل، ق، ب؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶- (لی: در) ۱۷- س: آ: کشند اندرین جنگ ساز ۱۸- (ق: آ: میان) ۱۹- س: آ: شبان سیه؛ بنداری (۱۸۳۲-۱۸۳۸)؛ ثم إنه قال لأصحابه: إني لا أريد مقاتلة الروم فإنهم إن كسروا جوبين أو قتلوه شمخوا بأنفهم. و قد جربتهم و عرفت غناهم. و ما هم في مآزق الحرب إلا مثل قطع الفم في اليوم الشديد البرد (۱۸۳۲ و ۱۸۳۳ را ندارد) ۲۰- س: بی؛ س: آ: با من؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱- ل، س، آ (نیز ل، ق)؛ درین؛ س (نیز و، آ)؛ برین؛ متن = ق، ک، ل (نیز ل، لی، ن، آ، ب، ل، ن، آ، ب) ۲۲- (ب: بنام) ۲۳- (آ: فرمان)؛ بنداری: و الأولى أن أبارز جوبين بنفسي، و النصر بيد الله، فاما ملك و اما هلك ۲۴- (لی، ل، ن: آ: گستم گفت) ۲۵- (ل، ن، ب: ای)؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فلم يستصوب ذلك كُتْهم و قال: أشفق على نفسك، و لا تلق بيدك الی التهلكة ۲۶- ل (نیز ق، آ)؛ کین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷- ل: بخواه و بکن تیره روی زمین؛ (ق: آ: بخواه و منه جان خود را برین)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: و إن كان و لابد من المبارزة فالرأى أن تستصحب رجلا تستظهر بهم و تلق بمعاضدهم فيقفون و رامك و يحفظونك ۲۸- ق: آ: چو ۲۹- ک: بار جوی؛ (ق: آ، ب، ل: آ: باز جوی)؛ س: آ: برو یار جوی؛ س، ل، آ (نیز ل، ن، ب): گمتی کنون راز لشکر مجوی؛ (لی: گمتی به لشکر چنین بازگویی؛ آ: گمتی کنون لشکری باز جوی)؛ متن = ل، ق (نیز ل، ن، و؛ در ل، ق، و یار بی‌نقطه) ۳۰- ک، ل، آ (نیز ل، ن): ز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۱- ل: گردنکش و؛ متن = س-ب

نہشت و^۲ بیاورد و بنہاد پیش،
 چو بندوی^۳ و گردوی^۴ پشت کیان^۵،
 چو زنگوی گستاخ^۶ با شیر و پیل^{۱۰}،
 یلان را ازو^{۱۳} زشت پتیارہ^{۱۴} بود،
 چن^{۱۶} آشتاد^{۱۷} پیروز^{۱۸} دشمن گداز،
 کہ دشمن بدی^{۲۰} پیش ایشان^{۲۱} فرزند!
 ز لشکر بہ یکسو خرامید و تفت^{۲۴}
 کہ ای سرفرازان و^{۲۶} فرمانبران^{۲۷}،
 دل خویش را^{۲۹} شاد و خندان کنیدا
 چنیں بود تا بود چرخ کهن^{۳۰}
 کہ در خانہات^{۳۲} بندہ^{۳۳} مہتر^{۳۴} بود!

۱۸۴۵ نخستین ازین^۱ جنگیان نام خویش
 دگر گردشاہپور با آندیان
 چن^۶ آذگشسپ^۷ و دگر شیرزیل^۸
 نخواستہ کہ^{۱۱} در جنگ غمخوارہ^{۱۲} بود
 فرخزاد و^{۱۵} چون خسرو سرفراز
 ۱۸۵۰ چو فرخندہ خورشید^{۱۹} با اورمزد
 چو مردان گزین کرد از ایران^{۲۲} دوہفت^{۲۳}
 چنیں گفت خسرو بدین^{۲۵} مہتران
 ہمہ پشت را^{۲۸} سوی یزدان کنیدا
 جز از خواست یزدان نباشد سخن!
 ۱۸۵۵ بہ رزم اندرون کشتہ بہتر^{۳۱} بود

۱-ق (نیز ق ۲، لی، و)؛ از آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ل، ق: نوشت و؛ س، ک، ل (نیز لی، ل، پ، آ، ب)؛ نبشته؛ س ۲ (نیز، و، ن، ۲)؛
 نوشته؛ متن = (ن، ق ۲)؛ بنداری؛ فامرہ آن منتخب لہ اربعہ عشر نفسا من آساد الضراب و الطعان و اعیان الشجعان. فکتب أسامی القوم و
 جعل نفسہ أول الجریدة، و أحضرها بین یدی برویز؛ و پس از بیت ۱۸۴۵ افزوده است:

چو خزاد برزین ز تخم کیان دگر اندیہ همچو شیر زیان
 دگر اعصہ آن شیر بیدار دل چو بندوی آن پهلوی دلگسل

۳-ل: پیروز؛ (لی، ل، ۳، و)؛ گردوی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴- (لی، ل، ۳، و)؛ بندوی؛ و: شیروی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر
 ۵-ک: بستہ میان ۶-ل س ۲ (نیز لن-ن، ۲، ب)؛ چو؛ متن = (۱) ۷-ق: آیین گشسب ۸- (ق ۲: ویل؛ ل ۳: ریل زیل)؛ زیل -> ذیل؟ ۹-ک:
 استاخ ۱۰- (ل ۳: با شیر زیل)؛ ق: چو ہندی کی جاہ مانند پیل (۱) ۱۱-ل: نثار آنک (دو حرف نخستین تنها یک نقطہ در بالا)؛ س، ک،
 س ۲ (نیز لن، لی، پ، آ)؛ تخواارہ؛ ق (نیز ل ۳): تخواارہ کہ؛ متن = ل ۲ (نیز ق ۲، ب) ۱۲-س: کم خوارہ؛ (و: پتیارہ)؛ متن = سیزده دستنویس
 دیگر ۱۳-س، ک، ل، ۳، آ: (نیز لن، لی، ل، ۳، و-ب)؛ یلان سینہ را؛ متن = ل، ق (نیز ق ۲، پ) ۱۴-ل: زشت و پتیارہ؛ ق: شب چہ پتیارہ؛ ل ۳:
 دشت پتیارہ؛ س ۲: پشت پتیارہ؛ (و: همچو خونخوارہ)؛ متن = دہ دستنویس دیگر ۱۵- (ق ۲: جو) ۱۶-ل س ۲ (نیز لن-ن، ۲، ب)؛ چو؛
 متن = (۱) ۱۷-ل س ۲ (نیز لی، ل، ۳، و-ب)؛ استاد؛ س ۲: آسان؛ (ن: استاد)؛ متن = (ق ۲، پ)؛ در ق ۲ حرف سوم بی نقطہ) ۱۸-ق: بروین
 (حرف چہارم بی نقطہ) ۱۹-ل: پیروز؛ ک: خورشید؛ (ق ۲: شیر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-ق: شدی ۲۱- (لی: اورا)؛ س ۲ این
 بیت را ندارد ۲۲-ل: ز ایران؛ (ق ۲: ازیشان)؛ ق، ک، ل ۲ (نیز لن، لی، ل، ۳، و-ب)؛ ز مردان گزین کرد زینسان (ک، و، ن)؛ از زینسان؛ لی: زینسو؛
 ل ۳: ازیشان؛ آ: از آسان؛ س ۲: ز مردان کرد و زیشان (۱)؛ متن = (پ؛ ب-ل) ۲۳-س: ز مردان بہ یکسو خرامید تفت (۱) ۲۴-ق، ک، ل ۲ (نیز
 لن، ق ۲، لی، پ، ب)؛ خرامید تفت؛ س: ز لشکر گزین کرد زین گونه ہفت (۱)؛ متن = ل، س ۲ (نیز ل ۳)؛ بنداری (۱۸۴۶-۱۸۶۰)؛
 فاستحضرہم الملک و استحلہم علی أن یلازموہ و لا یفارقوہ فحلفوا لہ. فسلم العساکر الی إصبہذ لہ یسمی بہرام، و ساق فی
 أصحابہ الأربعة عشر، و ہم کتہم و بندویہ و آندیان و بالویہ و سابور و گردویہ و ثمانیہ آخرون من اعیان العسکر (= ۱۸۵۶، ۱۸۶۰،
 ۱۸۴۶) ۲۵-س ل ۲ (نیز ق ۲، ل، ۳، و)؛ بدان؛ متن = ل، س ۲ (نیز لن، لی، ل، ۳، و-ب)؛ ۲۶-ل ۲ (نیز لن، لی، ب)؛ < ۲۷- (ل ۳: کنداوران)؛ و:
 فرخ سران؛ آ: ای مہتران ۲۸-ک (نیز لن، ن، ۳)؛ روی را؛ (و: روی ہا)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹-ق (نیز لی)؛ خویشتن؛ متن =
 سیزدہ دستنویس دیگر ۳۰-س ۲ این بیت را ندارد ۳۱- (لی: مہتر) ۳۲- (ق ۲: خان تو؛ پ: خانہ اش)؛ س-س ۲ (نیز لن، لی، ل، ۳، و-ب)؛ چو
 (ق، س، ۲، لی: کہ) بر ما یکی؛ متن = ل (ق ۲، پ) ۳۳- (و: شاہ و) ۳۴- (لی: کہت)

اگر^۲ کمتر آیم^۳ ازو ناکسم^۴
 که مردان ندارند مردی^۵ نهفت^۶
 به خسرو مرا کس نباید به کار^۷
 که تیره شبان برگزیدی به^۸ روز^۹
 همی تاخت^{۱۰} با این^{۱۱} سه بیدار و تفت^{۱۲}
 به ایرانیان^{۱۳} گفت کامد سپاه
 که آمد مرا روزگار درنگ!
 شما رزم سازید^{۱۴} با سرکشان!
 مبادا که بینید هرگز^{۱۵} شکن!
 بیستند ناچار یکسر^{۱۶} میان.
 که دیدار بودی به^{۱۷} هر دو گروه
 چرا^{۱۸} جان^{۱۹} فروشد ز بهر کلاه؟
 شود خیره تنها^{۲۰} سوی کارزار^{۲۱}
 که او^{۲۲} را همی^{۲۳} کشته پنداشتند!

اگر پیشم آید جهان را بسم^۱
 به ایزدگشسپ^۲ و یلان سینه گفت
 ۱۸۷۰ نباید که ما بیش باشیم چار^۳
 یکی^۴ بُد کجا نام او جان فروز^۵
 سه را بدو داد و^۶ خود پیش رفت^۷
 چو بهرام را دید خسرو ز^۸ راه
 کنون هیچ^۹ دل را مدارید تنگ
 ۱۸۷۵ من و گرز و^{۱۰} چوبینه‌ی بدنشان!
 شما^{۱۱} چارده یار و ایشان^{۱۲} سه تن
 نیاطوس^{۱۳} با لشکر رومیان
 برفتند از آن^{۱۴} رزمگه سوی کوه
 همی گفت هر کس که پرمایه شاه
 ۱۸۸۰ بماند بدین^{۱۵} دشت چندین سوار
 همه^{۱۶} دست بر آسمان داشتند

۱-ل: آ. دم: ی (نیز لن ۲): گران بیستند (ک: مشمد) ما چهاران بسیم؛ (ل: آ: بران بیست از ما چهاران بسیم)؛ متن = ل، س (نیز لن، ق: آ، ب، ب) ۲-ک (نیز ق: ل، آ، ن ۲): و گر ۳-ل: برنیام (حرفهای سوم و چهارم بی نقطه)؛ س (نیز ب): کمتر آیم؛ ک: بتر آیم؛ ق: آ: نیز تابم؛ ل: آ: برگراییم؛ ن: آ: کمتر آیم؛ متن = ل ۲ (نیز لن) ۴-ک (نیز لن ۲): ناکسیم؛ ل: ناکهم (ل: آ: ازین ناکسیم)؛ ق: س: آ: لی، و: آ: این بیت را ندارند؛ بنداری: فلما رهم قال لیلان: هذا ابن الفاعلة قد خرج برید المبارزة و معه أربعة عشر فارسا ۵-س: ل: آ (نیز لن، ن: آ، ب): آذرگشسب؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶-و: مردان) ۷-ل: آ: نباشد که ما بیش باشیم شاد (ل: آ: تخت) بیش است (لی: است و) یار (ل: آ: نیز ب): نباید مرا کس بکار؛ ک: ل، ۲، ۳ (نیز لی، و، لن، ۲، ۱): ز خسرو مرا (س: آ: ترا) بخت (ل: آ: تخت) بیش است (لی: است و) یار (ل: آ: یار: آ: نیز ب): متن = ل (نیز ق: آ: در ق: ۲ حرف دوم نباید بی نقطه)؛ س، لن، ل: آ، ب: این بیت را ندارند؛ در لن ۲ بیت های ۱۸۷۰-۱۸۷۳ پس از بیت ۱۸۷۵ آمده‌اند؛ بنداری: و یکفهم منا أربعة ۹-ق (نیز ا): یلی؛ متن = ل، ک، ل، ۲، ۳ (نیز ق: آ-۲) ۱۰-ل: ق: دل فروز؛ س: آ: جان فروز؛ متن = ک، ل، ۲ (نیز ق: آ-۲) ۱۱-ل: ق: ک، س: آ (نیز ق: آ-۲)؛ پ، لن، آ: ز؛ متن = ل، ۲ (نیز و) ۱۲-س: آ: دوش (ل: آ: س، لن، ب: این بیت را ندارند؛ بنداری: فاستصحب یلان و آذرگشسب و شجاعا آخر، و سلم عساکره الی امیر یسعی خان (حاز) فروز (د: جان فروز؟) فتلقی برویز (۱۸۶۹-۱۸۷۱-۱۸۷۲) ۱۳-ل: (لی: حوی) ۱۴-س: آ: برنشست؛ (ا: وز آنجا برفت) ۱۵-ق (نیز ب): پ: رفت؛ لن: آ: راند) ۱۶-ق (نیز آ: و): ل: آ: آن) ۱۷-ق: بیدار بخت؛ ک (نیز ق: آ، ب، لن، ۲): بیدار تفت؛ ل: آ: بیدار خفت؛ س: آ: بیدار پست؛ (لی، و: بیداد تفت)؛ متن = ل (نیز ل: آ: س، لن، ب: این بیت را ندارند ۱۸-ق: ل، ۲، ۳: به؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-س: ک، ل، ۲، ۳ (نیز لن، و: ب): به یاران چنین؛ متن = ل، ق (نیز ق: آ، لی، ب): ل از بیت های ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۱ تنها بیت ۱۸۷۶ را پس از بیت ۱۸۶۳ دارد ۲۰-ق، ۲۰-س: آ (نیز لی): ایچ ۲۱-س: آ: گره: (ا: گرز) ۲۲-ل: ق: آ: جوید؛ (لی: که ما) ۲۳-ل: ق: آ: جو خسرو بدیدش و را با) ۲۵-س: آ: هرگز ببینید (ل: آ: لی: ببینیم هرگز) ۲۶-س: آ: نیاطوش؛ ق: ل، ۲ (نیز لن، ق: آ): نیاطوش؛ ک (نیز لی، ب): نیاطوس؛ (ن: آ، ب): نیاطوش؛ متن = ل (نیز و) ۲۷-و: جمله؛ لی: آنجا کمرب (۲۸-ل: زان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۹-ق: ز: (لی: بدزو به) ۳۰-و: همی) ۳۱-ل: (لی: سر) ۳۲-ل: آ (نیز لن، ق: آ، ب، لن، ۲): برین؛ متن = ل، ک، س: آ (نیز لی، و، ب) ۳۳-ل: تا (د: تنها) ۳۴-ا: تا سوی آن کارزار؛ س: آ: که تنگ اندر آمد مرا روزگار (= ۱۸۸۶ ب) ۳۵-س: آ: همی ۳۶-ق: وی ۳۷-ل: ق: همه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر

سه جنگی پس اندر بسان پلنگ^۱،
 بماند آن جهاندار دور از گروه
 پیاده بران^۶ کوه برشد دوان^۷،
 دل نامداران ازو^{۱۰} خسته شد!
 پس اندر همی رفت^{۱۳} بهرام تیز،
 به پیش فراز^{۱۵} تو آمد^{۱۶} نشیب!
 نهاده برین^{۱۹} گونه بر دوش خویش!
 پس پشت^{۲۲} شمشیر و از^{۲۳} پیش^{۲۴} سنگ،
 توی^{۲۶} برتر از گردش روزگار^{۲۷}،
 تو باشی، نالم^{۳۱} به کیوان^{۳۲} تیرا!
 پدید آمد از راه^{۳۴} فرخ سروش،
 ز^{۳۸} دیدار او گشت خسرو دلیر،
 ز یزدان پاک این^{۳۹} نباشد^{۴۰} شگفت!

به پیش اندر آمد یکی غار تنگ
 بُن^۲ غار هم^۳ بسته آمد ز^۴ کوه
 فرود آمد از اسب فرخ جوان^۵
 ۱۸۹۵ پیاده شد و^۸ راه او^۹ بسته شد
 نه جای^{۱۱} درنگ و نه راه^{۱۲} گریز
 به خسرو چُنین گفت کای^{۱۴} پرفریب
 بر من^{۱۷} چرا تاختی^{۱۸}، هوش خویش
 چو شد زان نشان کار بر^{۲۰} شاه^{۲۱} تنگ
 ۱۹۰۰ به یزدان چُنین گفت کای^{۲۵} کردگار
 بدین^{۲۸} جای^{۲۹} بیچارگی^{۳۰} دست گیر!
 همانگه چن از^{۳۳} کوه برشد خروش
 همه^{۳۵} جامه اش^{۳۶} سبز و خنگی^{۳۷} به زیر
 چو نزدیک شد دست خسرو گرفت

۱-ک (نیز لن، و): نهنگ؛ (ا: چو جنگی نهنگ؛ لی: پس پشت شمشیر و از پیش سنگ = ۱۸۹۹ب)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲-ق: بر؛
 (ل: ۳: ا: تن) ۳-ق: ره؛ (ق: آ: بن) ۴-س: ل، و، ۲: س، ۲ (نیز لن، ل، و، ب): به؛ (لی: از آن غار و پشته چو آمد به)؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق، ۲، ب)؛ در
 ل پس از این بیت، بیت ۱۸۸۵ آمده است؛ بنداری: فسح له طریق فی الجبل فدخل بفرسه فی الشعب خائف القلب منصدع الشعب، و
 جویین فی اثره مع رفقائه کالسبل و اللیل، و إذا بالطریق ماله منفذ ۵- (لی: مرد جوان) ۶- (ل: بدان) ۷- (ا: شد بر دوان؛ لی: بدان
 گونه برشد جوان) ۸- (ن: شده) ۹- (پ: هم؛ و: بر) ۱۰-س: ل، ۲ (نیز ل، ۳، ن، ۲): از آن؛ س: ۲: همه؛ (پ: بدان؛ آ: او)؛ ک (نیز لن، ق، ۲، و):
 نامدار اندر آن؛ متن = ل (نیز ب؛ -ک)؛ ق، لی: این بیت را ندارند ۱۱-س: آ: رای ۱۲-س: ل، و، ۲: س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، ن، ۲، ب): جای (۳)؛
 متن = ق، ک (نیز لی، پ، و، ا) ۱۳-س (نیز ل، و، ا): تاخت؛ س: آ: داشت؛ (آ: راند)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۴- (ن: ای) ۱۵- (پ: فریب)
 ۱۶-ک: به پیش تو از تو درآمد؛ ل: پس از این بیت افزوده است؛

فتاده به چنگال مردان مرد
 نبد مر ترا سود روی سپاه
 نه جای فریست و ننگ و نبرد
 نه از رفتن و آمدن رنج راه

۱۷-ق: ما ۱۸-ل: ۲: باختی ۱۹-ق (نیز لی، و): بدین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰-ق: راه بر؛ س: کار از آسان بران؛ (ن: ن، ۲: ب: کار از
 انسان (ن: آ: زانسان) ابر)؛ متن = ل، ک، ل، و، ۲: س، ۲ (نیز ق، ۲، ل، و، پ، و، ا) ۲۱-ل: ۲: پیش ۲۲-ک: پس اندرش ۲۳-ل، س، ق (نیز ل، ۳، ا): و در؛
 متن = ک، ل، و، ۲: س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، و، پ، و، ن، ۲، ب) ۲۴-س: ۲: کوه؛ لی: این بیت را ندارد (۱۸۹۲-پ)؛ بنداری (۱۸۹۴-۱۸۹۹): فترجل و توفل فی
 الجبل فتعذر علیه الصعود و لم یکن له سبیل الی النزول. فبقی متحیرا؛ امامه الجبل، و وراءه الأجل، و قد ضاقت به الجبل ۲۵- (ن: ای)
 ۲۶-س: س، ۲ (نیز لن، و، ا، ب): تویی؛ (ن: آ: تو)؛ متن = ل ۲۷-ک: قادر و حی و پروردگار ۲۸-س: آ (نیز ق، ۲، ل، و، پ، و، ن، ۲، ا): برین؛ متن =
 ل-ل (۲ (نیز لن، لی، و، ب) ۲۹-س: ۲: جابه ۳۰- (و: بیچاره را) ۳۱-س: س، ۲ (نیز لی): پناهم؛ ق: چه نالم؛ متن = یازده دستنویس دیگر (در ل
 حرفهای یکم و دوم و در ق ۲ حرف یکم بی نقطه) ۳۲-س: ۲: نه کیوان نه؛ بنداری: فلما علم أنه لیم یبق له معتصر ولا معتمس التجأ بصدق
 اللجأ الی کاشف الضّرّ و مجیب المضطر ۳۳-ل-س: آ (نیز لن-پ، و، ن، ۲، ب): چواز؛ (و: کران)؛ متن = (ا) ۳۴- (ن: دور؛ آ: کوه) ۳۵- (پ:
 یکی) ۳۶-س: س، ۲ (نیز لن-ل-و، ۲، ب): جامه؛ متن = ل (نیز پ) ۳۷-ل-ل (نیز ق، ۲): جنگی (ج: خنگی) ۳۸-ل-ل (نیز ق، ۲، ل، ۳، ن، ۲، ا): به؛ متن =
 یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فإذا هو بفارس قد ترامی له فی الهواء علی فرس أشهب فی ثياب خضر ۳۹- (ا: آن) ۴۰- (و: پاکت مباد
 این)

به آسانی آورد و^۱ بگذاشت
 -همی گفت چندی^۲ و چندی گریست-
 چو ایمن شدی، دور باش از خروش!
 نباید که باشی جز از پارسا^۳
 بدین^۴ سالیان بگذرد هشت و سی^۵
 کس اندر جهان این^۶ شگفتی ندید!
 جهان آفرین را فراوان بخواند!^۷
 مبادا^۸ که مردی ز من^۹ گم بود!
 برین^{۱۰} بخت تیره^{۱۱} ببايد گریست

۱۹۰۵ چو از پیش بدخواه برداشتش
 بدو گفت خسرو که نام تو چیست؟
 فرشته^۳ بدو گفت: نامم سروش
 کرین^۴ پس شوی بر^۵ جهان پادشا
 بدین زودی^۶ اندر به شاهی رسی
 ۱۹۱۰ بگفت این سخن نیز و شد^{۱۰} ناپدید
 چو آن دید بهرام، خیره بماند
 همی گفت: تا^{۱۳} جنگ مردم بود
 بر آنم^{۱۶} که جنگم کنون با پریست

۱-ق: <و>؛ بنداری: فأخذ بيده و رفعه إليه بمرأى من عدوه ثم حطه الى السهل، على ما زعم صاحب الكتاب، فوق البكاء على برويز متعجباً من صنع الله القوى العزيز؛ س، ب پس از بيت ۱۹۰۵ افزوده اند:

نیایش کنان پیش برترخدای
 برآرنده گردش روزگار
 حکیم و علم و برآرندهای (ب: در
 بالا افزوده: ستمديدگان را نوازندهای)
 ز تو باز خواهد شدن ناپدید
 که از داد تو در جهان زندهام
 به حق شفیعان یکتاه تو
 ازین بدکنش بنده نابکار
 خرامان بیامد بر نیکخواه

شگفتی فروماند خسرو بجای
 به لابه همی گفت کای (ب: ای) کردگار
 به هر کار دلنا و سازندهای
 به امری که کردی جهان شد پدید
 5 من از بندگانت یکی بندهام
 به تو هم به خاصان درگاه تو
 که نیرو دهمی تا برآرم دمار
 چو از آفرینش برداخت شاه

۲- (ل: ۳)؛ با او؛ بنداری، فقال للفارس: من أنت و ما اسمک؟ ۳- ل، س: فرسته؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴- س، ب: تو زین؛ متن = ل
 ۵- (ن: ۲)؛ در؛ آ: تویی زین سپس در) عس (نیز لن، ا، ب): تو باشی (ا: نباشد) ز تخم کیان پارسا؛ ق: نباشد ز تخم کیی این جزا؛ (لی: نگر تا نباشی جز از پارسا)؛ متن = ل، ک، ل، ۲، س^۲ (نیز ق: ۲، ل، ۲، ن: ۲)؛ بنداری: فأخبره بأنه ملک من الملائكة، و بشره بأنه بعد نجاته من هذه، يملك الأرض ۷- ک: بزودی تو ۸- ک (نیز ق: ۲)؛ بران؛ ل: ۲؛ بدان؛ (ن: ۲: برو)؛ متن = ل، س، ۹- ل: هشت سی؛ ل: بیست و سی (ل)؛ متن = س، ک (نیز ق: ۲، ن: ۲)؛ ق، س، آ، ن، لی، و؛ ا، ب این بیت را ندارند؛ س، ک، ل، ۲، ق: ۲ پس از این بیت افزوده اند:

نباشد (ل: ۲) تو باشی) ز تخم کیان
 (ق: ۲) کسی کو بود) پارسا

ز تو بگذرد بر زمین پادشا

۱۰- ل، س، ک، ل (نیز لن، لی، پ، ا، ب): تیز و شد (در ل، ب حرف یکم تیز بی نقطه)؛ ق: تیز شد؛ (ق: ۲: گشت ازو؛ و: زود و شد؛ ن: ۲: تیز و شد)؛ س: آ: این و از چشم شد؛ (پ: این و پس گشت ازو)؛ متن = (ل: ۳) ۱۱- س، ق (نیز لن، ب): آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و يتسادی ملكه إلى ثمان و ثلاثين سنة- علی ما زعمه- و أوصاه ثم غاب عن عينه ۱۲- ق: ۲ پس از این بیت افزوده است:
 همی گفت با مردم جنگ بود
 به مردی کمرگاه من سنگ بود

۱۳- ل: با؛ در س بی نقطه؛ (ا: بود تا؛ ق: ۲: همان نیز تا)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- (ل: ۳: نباید) ۱۵- (و: مردم ز خود) ۱۶- س، ک، ل، ۲، س^۲ (نیز لن، لی، ب): بدان بد؛ (ق: ۲: بدان شد؛ ۳: بد آمد؛ پ، و، لن: ۲: بد آن بد؛ ا: بر آن بد)؛ متن = ل، ق ۱۷- ل (نیز لن، لی): بدین ۱۸- (ق: ۲: زندگانی)؛ بنداری: فلما رأى جوبين ذلك قضی العجب و قال: قد كنت أفانله حتى أعانته الشياطين. فالآن لا سبيل اليه و رجع

همی خواست از دادگر زینهار
 ز تیمارِ جفتِ جهاندار^۵ خویش
 دل رومیان زو^۷ پر از^۸ درد و داغ^۹
 عمارتِ زرین به یکسو کشید،
 که ترسم^{۱۴} که شد شاه ایران زمین!
 پدید آمد از راه^{۱۶}، دور از گروه،
 دل مریم از درد^{۱۹} آزاد گشت^{۱۸}!
 وزان^{۲۳} کوه خارا^{۲۴} سر اندر کشید^{۲۵}،
 مرا داور^{۲۸} دادگر داد داد!

نیاطوس^۱ از آن^۲ روی^۳ بر کوهسار
 ۱۹۱۵ خراشید مریم دو رخسار^۴ خویش
 سپه بود بر کوه و^۶ هامون و راغ
 نیاطوس^{۱۰} چون^{۱۱} روی خسرو ندید^{۱۲}
 به مریم چنین گفت کاندرنشین^{۱۳}
 همانگاه خسرو بران^{۱۵} روی کوه
 ۱۹۲۰ همه لشکر نامور^{۱۷} شاد گشت^{۱۸}!
 چو آمد، به مریم^{۲۰} بگفت آنچه^{۲۱} دید^{۲۲}
 چنین گفت کای ماه^{۲۶} قیصر نژاد^{۲۷}

۱-س، س: نیاطوش؛ ق (نیز، ن، ق، ی، ا): ۱. نیاطوش؛ ک، ل (نیز پ): بناطوس؛ (و، ن، ب: نیاطوش)؛ متن = ل (نیز ل ۳) = ۲-ل (نیز ل): زان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳-ل: سوی؛ س ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و اما نیاطوس و عساکر الروم فبانهم کائوا واقفین علی الجبل. فلما رأوا ماتم علی برویز قامت علیهم القيامة، و وقع فیهم الخوف و الفزع، و شملهم بفقده الهمم و الجزع ۴-ل، و، ن، ا: ۱: گلنار) ۵: و ز دلدار؛ س ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فخمشت مریم خدّها، و نتفت شعرها، و هموا بالانسلا و الانحلال؛ ل ۳ پس از بیت ۱۹۱۵ افزوده است:

به فندق بکند و خروشید زار
 شده ناامید از رخ شهریار
 ۶-پ (بر دشت) ۷-س، ل (نیز، ن، ل، ن، ب): بد؛ ق (نیز ل ۳): شد؛ ک (نیز ق ۲، پ، و): زان؛ متن = ل (نیز آ ۸-ل): بود پر) ۹-ق: راغ (ل)؛ س ۲ این بیت را ندارد؛ ل، پ، پس از این بیت افزوده اند:

همانگه چو (پ: همانگاه) خسرو به نام خدا (پ: خدای)

۱۰-در ل حرف یکم بی نقطه؛ س، س ۲ (نیز ق ۲): نیاطوش؛ ق، ل ۲ (نیز ا): بناطوش؛ ک (نیز، ی، پ): بناطوس؛ (و، ن، ا: نیاطوش)؛ متن = (۳ ل) ۱۱-س ۲: از آن ۱۲-پ، ن، ا، ی، پدید؛ در ل، س حرف یکم بی نقطه؛ متن = ق-س ۲ (نیز ق ۲، ل، و، ا): ن، ب، این بیت را ندارند ۱۳-ل، ن، ا، ب: ایدر مشین؛ ل، ا: کایدر نشین؛ متن = ل-س ۲ (نیز ق ۲، ل، و، ا) ۱۴-س (نیز، ن، ب): بترسم؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ پ این بیت را ندارد ۱۵-س، ق، ل، ا، س ۲ (نیز، ن، ل، ب): بدان؛ (ق ۲: از آن)؛ متن = ل-ک (نیز ل، و، ا) ۱۶-س ۲ (نیز ق ۲، و): دور؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ پ این بیت را ندارد؛ ق، و، پس از این بیت افزوده اند:

۲: چو آمد جهانجوی نازان براه
 و: پیاده دوان از دگر سو سپاه
 همی شادمان گشت زان شاه راه
 پر از درد و اندوه نزدیک شاه

۱۷-ق: از دیدنش؛ س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز، ن، ل، و، ب): چنان (و: همان؛ ن: چو از) لشکر (س: لشکری) نامور؛ (ق ۲: چو آن دید لشکر همه)؛ متن = ل (نیز پ) ۱۸-ل، ق، ک، س ۲ (نیز ق ۲، ل، و، ن، ا): شد؛ متن = س، ل ۲ (نیز، ن، ل، ب، ا، ب) ۱۹-س، ق، ل ۲ (نیز، ن، ل، ب): دردش؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز ل، و، ا)؛ در و لتهای این بیت پس و پیش شده اند؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:
 همانگاه خسرو از آن تندجای
 فرود آمد آسان به نام خدای

۲۰-ق: لشکر ۲۱-ک، ل، ا، س ۲ (نیز ل ۲-ب): آنچه؛ متن = ل، س، ق (نیز، ن، ق ۲) ۲۲-ل: چو خسرو بنزدیک مریم رسید) ۲۳-ق: کزان؛ (ق ۲: از آن) ۲۴-ل ۲: خاره ۲۵-ل: بگفتش در آن شگفتی که دید؛ در و لتهای این بیت پس و پیش شده اند ۲۶-ق (نیز پ، ن، ا): شاه؛ ک، س، ۲ (نیز و): دخت؛ (ا: یاره؛ ن: بناطوش را گفت؛ ب: بگفت با نیاطوش)؛ متن = ل (نیز ق ۲، ل، و، ا) ۲۷-س: پس با نیاطوش راد ۲۸-ل (و: دلوربان)؛ س ۲: مرا دادگر در جهان؛ ل، ا، ی، پس از این بیت افزوده اند:

چگونه شدی رسته از کارزار
 تو بشنو تمامی سخنهای (ل: سخنهای) من
 بدو گفت مریم که ای شهریار
 بدو گفت خسرو که ای پاک‌تن

که در جنگ بددل^۱ کند کاهلی!،
به درد^۴ آفریننده را خواندم،
برین^۶ بنده^۷ گشت^۸ آشکارا^۹ نهان،
نه تور و نه سلم و نه افراسیاب،
ز پیروزی^{۱۲} شهریاری نشان^{۱۳}!
به رزم^{۱۶} اندرون یاد^{۱۷} خسرو کنید^{۱۵}!

پشیمان شده زان همه^{۱۹} کارکرد،
جهان شد ز گرد سواران سیاه^{۲۰}!
به روز اندرون روشنایی نماند!
خرد باید^{۲۴} و مردی و دستگاه،
همان^{۲۸} پهلوانی سرشت مرا^{۲۷}،
به خاک افکنم نام^{۳۰} نوشین روان^{۳۱}!
کمان را به زه کرد و یک چوبه تیر،

نه از کاهلی بُد، نه از بددلی
بدان غار^۲ بیراه^۲ درماندم^۳
۱۹۲۵ نهان داشت دارنده^۵ کار جهان
فریدون^{۱۰} فرخ ندید این^{۱۰} به خواب
که امروز من دیدم ای^{۱۱} سرکشان
کنون چشم با اختر^{۱۴} نو کنید^{۱۵}!

۱۸. رُزان روی بهرام شد پر ز درد
۱۹۳۰ همانگه ز کوه اندر آمد سپاه
رُزان روی^{۲۱} بهرام^{۲۲} لشکر براند
همی گفت: هر کس^{۲۳} که راند سپاه
دلیران که دیدند^{۲۵} خشت^{۲۶} مرا^{۲۷}
مرا برگزیدند بر^{۲۹} خسروان
۱۹۳۵ ز لشکر بر شاه^{۳۲} شد خیره خیر^{۳۳}

۱-س: ۲. کاهل ۲-س=ل ۳-ل ۴-ل (نیز ل، ن، آ، ب): بی یار؛ س: ۲. بی یاد؛ (ل: ۲. بی نی؛ ل: ۲. بی یار؛ و: کوه بیچاره؛ ب: در آن دم که بی یار)؛
متن = ل ۳-ل ۴-ل (نیز ل، ن، آ، ب): بدین غار بی یار فرماندم ۴-ل: بدل؛ س: ۲. بدر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵-ل: (و: داننده) ۶-س، ق، ل ۲ (نیز
ل، ن، آ، ب، ن، آ، ب): بدین؛ متن = ل، ک (نیز ب، و) ۷-ل (ن: کینه) ۸-ل (ق: ۲. گفت) ۹-ل، س (نیز ق، آ، ب): آشکار و؛ متن = ده دستنویس
دیگر؛ س ۲ این بیت را ندارد ۱۰-ل ۲ (نیز ل، ن، آ، ب): آن؛ س: ندیدی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱-ل (و: ۱۲-ق، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، آ، ب،
ن، آ، ب): پیروزی و؛ متن = ل، س (نیز ل، و، آ، ب) ۱۳-ل (ق: ۲. از کردگار جهان)؛ س ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری (۱۹۱۶-۱۹۲۷): فلما عاد الیه
برویز عاد المأم سورا، و استحال الحزن سرورا فحکی لهم ما نعم الله به علیه، و أنه ما رأى أحد من الملوك من عهد کيخسرو الی
عهد قباذ ما کوشف به فی یومه ذلک؛ ل، ق، پس از بیت ۱۹۲۷ افزوده اند:

بدیشان بگفت آن کجا دید شاه از آن (ق: وزان) پس بفرمود تا آن سپاه

۱۴-ل، ق: همه جنگ را تاختن؛ س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، آ، ب): کنون خشم (ک، و: سربس؛ ل: ۲. چشم؛ ن: ۲. کینه؛ ا: جنگ) را تاختن؛
متن = (ق: ۲) ۱۵-ل، ق: کنند؛ ل ۲، س ۲: کنیم؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶-ل (جنگ) ۱۷-ق (آ، ب): کار؛ بنداری: ثم أمر عساکره
بالرحف الی صفوف العدو. فتراخفوا وتاعدت أركان الصفوف وتلاطمت أمواج الحتوف ۱۸-ق (آ، ب): وزین؛ و: ۱۹-ل (ن، آ، ب): از همه؛
ق ۲: پشیمانی آمدش از آن؛ در دل آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۰-در س ۲ نخست ۱۹۳۰ اب با ۱۹۳۲ اب پس و پیش شده و
۱۹۳۱ افتاده و سپس دوباره تصحیح شده است ۲۱-س (نیز ل): بزودی چو؛ ل: ۲. وزین روی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-ل (ن، آ،
چو بیچاره شد تیز)؛ در ل ۲، ۱۹۳۰، ۱۹۳۲، ۱۹۲۹، ۱۹۳۱ و پس از ۱۹۳۱ افزوده است:

خروش بر آورد بهرام و گفت به مردی جهان نیست جفت

۲۳-ل (بی: همی هر کسی را) ۲۴-ل: باید ۲۵-ق: چو دیدند؛ (ل: ببینند) ۲۶-ل (بی: خسته) ۲۷-ق (آ، ب): (ق: ۲. ورا) ۲۸-ک: هم این ۲۹-ق (آ، ب): (ق:
نیز ل ۲): برگزینند بر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰-ک، س: ۲. یاد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۱-ل ۲ (نیز ل، بی): نوشیروان؛
(و: هر پهلوان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲-ل (ب: راه؛ ل: بی راه) ۳۳-س، ق، ک، س: ۲ (نیز ل، ق، آ، ب): (آ): خیر خیر؛ متن = ل، ل ۲ (نیز
ل ۲، ن، آ، ب)

کز آگند بگرفت^۲ پیکان به^۳ راه،
 بیامد ز دیباش^۵ بیرون کشید،
 زره بود^۹، نگست^{۱۰} پیوند اوی^۸،
 دلِ مردِ بیراه^{۱۴} شد پُر ز بیم^{۱۵}!
 بزد چند^{۱۶} بر میغفر کینه خواه،
 همان^{۱۹} پیکرِ میغفر اندر نشست^{۲۰}
 هم آنکس^{۲۲} که آواز آهن شنید!
 چنان^{۲۳} لشکری را به هم برزدند!
 که ای تاج^{۲۴} تو برتر از چرخ^{۲۵} ماه،
 گرفته بیابان، همه^{۲۷} ریگ و^{۲۸} شُخ،
 نه چون^{۲۹} شاه با بنده آویختن^{۳۰}!
 به از کشته یا خسته^{۳۲} در کارزار^{۳۳}!

بزد ناگهان بر کمرگاه^۱ شاه
 یکی بنده چون^۴ زخم پیکان بدید
 بزد نیزه‌یی^۶ بر کمر بند^۷ اوی^۸
 سیان^{۱۱} سر نیزه شد به^{۱۲} دو نیم^{۱۳}
 ۱۹۴۰ چو بشکست نیزه، برآشفته شاه
 سراسر همه نیزه^{۱۷} برهم شکست^{۱۸}
 همی آفرین خواند^{۲۱} هرکس که دید
 گرانمایگان از پس اندر شدند
 خرامید بندوی نزدیک شاه
 ۱۹۴۵ یکی لشکرست این^{۲۶} چو مور و ملخ
 نه والا بود خیره خون ریختن!
 هر آنکس که خواهد ز ما^{۳۱} زینهار

- ۱-ک. ل. (نیز ق. ۲. و): کمر بند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲-ل. س. ک. ل. ۲. س. (نیز لن. ق. ۲. لی. پ. ن. ۲. ب): به کز (ل. س. ۲. ق. ۲. ک: گبر؛
 ق. ۲. بند: ب. گرد) اندر آویخت؛ (ل. ۳): به فر اندر آورد؛ و: بگردید و آویخت؛ متن = ق (کز با یک نقطه) ۳-ک. ل. ۲. س. ۲. آ: ز؛ متن = یازده
 دستنویس دیگر؛ آ این بیت را ندارد ۴-(و: آن) ۵-س. ل. ۲ (نیز لن. لی. ب): خفتاش؛ متن = ل. ق. ک. س. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۳-ل. ۲): آ این بیت
 را ندارد؛ بنداری: و تقابل جویین و برویز فرمی برویز بنشابه فلعتق بقز خفتانه فلتر عها بعض غلمان؛ ل. ق. ۲ پس از بیت ۱۹۳۷ افزوده اند:
 سبک شهریار اندر آمد دمان (ق: دوان) به بهرام چوبینه (ق: چوبینه آن) بدشان (ق: بدگمان)
 ع: ک: تیزه شه؛ (ن: آ ناگهان)؛ ق: یکی نیزه زد ۷-س. ۲: کمرگاه ۸-ل. س. ق. (نیز آ. ب): او؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹-س. ک. (نیز ق. ۲.
 لی. ن. ۲. آ. ب): بود؛ متن = ل. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز لن. ل. ۳. پ. و) ۱۰-(پ. ن. ۲: بگست)؛ در ل. س. ک. ۲ حرف یکم بی نقطه؛ متن = ق. ل. ۲
 (نیز لن. ۳. و. آ. ب) ۱۱-س. ک. ل. ۲ (نیز لن. ق. ۲. لی. و. ل. ۲. ب): سنان و؛ متن = ل. ق. ۲ (نیز ل. ۳. پ) ۱۲-ک. س. ۲ (نیز و. ل. ۲): بر؛ متن = ل.
 س. ق. (نیز لن. ۳. ب) ۱۳-ل. ۲: شد ناپدید ۱۴-(ل. ۳. ب: بیداد) ۱۵-ل. ۲: چون آن بدید؛ آ این بیت را ندارد ۱۶-س. (نیز لی): چنگ
 (چ: چند؟)؛ ق: تند؛ ک (نیز و. ل. ۲): گرز؛ ل. ۲: خنده (چ: چند؟)؛ (ق. ۲. ل. ۳: تیغ)؛ متن = ل. س. ۲ (نیز لن. پ. ب): آ این بیت را ندارد؛ بنداری:
 فاقبل علیه مشرا لرمحه فطعنه طعنة انکسر فيها رمحه ۱۷-(ق. ۲. ل. ۳: تیغ؛ و. ل. ۲: ترک)؛ متن = ل. ۱۸-ک: سر خویش از آن زخم
 اندر شکست؛ (پ: سراسر بن نیزه هم بر شکست)؛ متن = ل. س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز لن. لی. آ. ب) ۱۹-ل. ۱-ق. (نیز لی. ل. ۲. و. آ): همه؛ (ق: آ: بدان)؛
 متن = س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز لن. پ. ن. ۲. ب): ل. ۲۰-ق: اندر گست؛ (پ: اندر شکست)؛ س. ۲: میغفرش برگست؛ ل. ۲: پیکر و مغزش
 اندر شکست (!)؛ ل. ۲: میغفر پیکر (چ: پیکر میغفر) اندر نشست؛ (ل. ۳: ترک و میغفر بهم بر نشست؛ ل. ۲: فرق و میغفر بهم در نشست)؛ متن =
 س. ک. (نیز لن. ق. ۲. لی. و. آ. ب): بنداری: فقتاربا بالعمد و السیوف حتی تشظت البیض علی رءوسهما، و تظلت البیض من دمانهما
 ۲۱-ل. (نیز آ): کرد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۲-ل. ۲. س. ۲ (نیز و): هر آنکس؛ (ب: همانگه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-س. ۲:
 چنو؛ بنداری: و ظهرت آثار غلبه برویز و کثر القتل فی أصحاب جوبین. و هجم اللیل فافترق الفریقان، و عادوالی مضاربهم من الجانبین
 ۲۴-س. ۲: بخت ۲۵-ک. ل. ۲ (نیز لی. ل. ۳. ل. ۲. و. آ): چرخ و؛ س. ۲: تاج؛ (ق. ۲: که تاج تو باد از بر چرخ)؛ متن = ل. س. ق. (نیز لن. پ. و. ب) ۲۶-ق: آن
 ۲۷-س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز لن. لی. پ. ب): و هم؛ (ق. ۲: گرفته همه رزمگه)؛ متن = ل. ق. (نیز ل. ۳. و. ل. ۲. آ) ۲۸-ل. ۲: جو؛ ک: کوه و ۲۹-ل. (نیز
 ق. ۲): نه این؛ ق (نیز ل. ۲. آ): به خون (ق را نه چون هم می توان خواند)؛ (پ: نه از: و همان)؛ متن = س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز لن. لی. ن. ۲. ب)
 ۳۰-س. (نیز لن. لی. ن. ۲. ب): باید بر آویختن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱-(ل. ۳: تو) ۳۲-ق (نیز ق. ۲. ل. ۳): خسته یا کشته؛ (ل. ۳: و: خسته و
 کشته)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۳-(ل. ۲: روزگار)؛ بنداری: و جاء بندویه برویز و قال: إن الناس فی هذه المعركة أكثر من عدد الرمل. و
 الأولى أن نکف عنهم ید القتل، و ننادی فیهم بالأمان حتی یأمنوا فیستأمنوا

بپیچد، برو^۳ من نیم^۴ کینه خواه^۵
 به تاج^۷ اندرون گوشوار^۸ منند!
 سپه بازچیدن^{۱۲} هر دو گروه^{۱۳}،
 ز لشکر نبد خفته^{۱۶} بسیارکس،
 میان دو لشکر خرامید و^{۱۸} تفت،
 خوش آواز^{۲۰} گویا مُنادی گری،
 به بیدار کردن^{۲۲} میان را بیست،
 کزو تا به دشمن فراوان نماند^{۲۳}،
 گنه کرده و تخت^{۲۵} جویندگان،
 به جنگ اندرون نامبردارتر،
 گناهی که کرد آشکار و^{۲۹} نهان!
 نهادند هرکس^{۳۰} به^{۳۱} آواز گوش،
 به رفتن بیستند^{۳۴} یکسر^{۳۵} میان!
 زمین را به مُلحم^{۳۶} بیاراست روز،

بدو^۱ گفت خسرو که هرک از^۲ گناه
 همه پاک در زینهار منند!
 ۱۹۵۰ برآمد درفش^۹ شب از^{۱۰} تیره کوه^{۱۱}
 چو^{۱۴} آمد عو^{۱۵} پاسبان و جرس
 جهانجوی بندوی از^{۱۷} آنجا برفت
 ز لشکر نگه^{۱۹} کرد گُنداوری
 بفرمود تا تازه بی^{۲۱} برنشست
 ۱۹۵۵ چُنین تا میان دو لشکر براند
 خروشی برآورد کای^{۲۴} بندگان
 هر آنک از^{۲۶} شما او^{۲۷} گنهکارتر
 به یزدانش^{۲۸} بخشید شاه جهان
 به تیره شبان چون برآمد خروش
 ۱۹۶۰ همه نامداران^{۳۲} بهرامیان^{۳۳}
 چو برزد سر از کوه گیتی فروز

- ۱- (و: چنين) ۲- ک: هر که از؛ دستنویس های دیگر: هرکز (= هرک از) ۳- (ل: ازو) ۴- ل، ۲، ۳ (نیز لن): نهم ۵- ه: بروی من ای نیکخواه؛ ک (نیز و): نیم من ازو (و: برو) کینه خواه؛ متن = ده دستنویس دیگر: ل^۲ این بیت را ندارد ع، ق، ل^۲ (نیز لی، ل، آ، و، ب): منید؛ متن = ل، س، ک، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ب) ۶- ل: گوش ۸- ق: مایه دار؛ در ل^۲ این بیت پس از بیت ۱۹۵۷ آمده است؛ بنداری: فقال الملک: کل من أثر ترک قتالنا، واعتصم بحبل أماننا فهو آمن من عصفات سيفنا و سناننا ۹- ق (نیز ق، ل، آ، ب): همانگه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- آ: از پس ۱۱- (ل: آ: برز کوه؛ و: شب قیرگون) ۱۲- ل، س، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، ل، ۲، ب): بازگشتند؛ ق: بازجستند؛ ک: بازخندید (بازچیدن)؛ س: آ: بازحدد (بازچیدن)؛ متن = (ل، آ، ل) ۱۳- (و: دل پر ز خون)؛ در ل^۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۴- س، ل^۲ (نیز لن، لی، و، ب): بر؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز ق، ل، آ، پ، ل، آ، آ) ۱۵- (لی، ب: غو) ۱۶- ق (نیز ب): جسته ۱۷- ل، ق، س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ): ز؛ متن = س (نیز ق، ل، آ، ب) ۱۸- س، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، ب: ب: جوی: متن = ل (نیز ل، آ): در ل^۲ این بیت پس از بیت ۱۹۵۴ آمده است ۱۹- (ل: آ: گزین) ۲۰- ل، س، ل^۲ (نیز پ، و، آ): آواز و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱- ل، ق (نیز ق، ل، آ، ب): بارگی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- ق: بدین کار کردن؛ ک (نیز و): به آواز دادن؛ (ل: زبان برگشاد و؛ آ، ب: به بیدار کردن)؛ متن = ل، س، ل، ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ل، آ) ۲۳- ل^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فرکب بندوی فی اللیل، و استصحاب منادیا، و سارالی أن قرب من مخیم جوبین ۲۴- ق، ل: برآمد که ای؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- س^۲ (نیز ق، ل، لی، آ): بخت؛ در ل، س، ق، ل، آ، ب حرف یکم نقطه ندارد؛ (و: راه)؛ متن = ک، ل (نیز لن، پ، ل، آ) ۲۶- ل، ل، س، ق، ل^۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ل، آ): هر آن کز (= هر آنک از)؛ متن = ک، س^۲ (نیز لن، ب، و، ب) ۲۷- آ: شد ۲۸- ل: ترکان (ل)؛ س^۲ (نیز آ، ب): یزدان ۲۹- (لن: آشکار او)؛ ل^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فآمره فتادی و قال: من کان ذنبه أعظم و أظلع فلیکن لغفونا أرجی و فی فضلنا اطمع. فإنا قد وهبنا المذنبین لله تعالی، و عفونا عنهم أجمعین ۳۰- ق (نیز ق، ل، آ): یکسر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۱- س: آ: بر ۳۲- ق: نامداران ۳۳- (و: ایرانیان) ۳۴- ک (نیز ق، ل، آ، ب): برفتند و بستند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۵- ک، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب): یک یک؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز ل، آ، ل، و، ل، آ): بنداری: فلما سمع أصحاب جوبین ذلک النداء انحازوا بأسرهم الی معسکر پرویز ۳۶- ق (نیز ق، آ): دیبا؛ (و: زیور؛ لن: پنجم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر

که بهرام از آن شب^۳ نه آگاه^۴ بود!
جز از^۶ ویژه یاران بهرام و^۷ بس!
بیامد بدان^{۱۰} خیمه‌ها برگذشت^{۱۱}،
به آید ز^{۱۳} آرام با^{۱۴} رستخیز!
هیونان کفک افگن^{۱۷} نامدار^{۱۸}،
ز گستردنی‌ها و از خوردنی^{۲۰}،
همان^{۲۲} یاره و طوق^{۲۳} زرین و^{۲۴} تاج،
میان از پی بازگشتن^{۲۵} بیست!

همه دشت^۱ بی مرد و^۲ خرگاه بود
بدان^۵ خیمه‌ها در ندیدند کس
چو بهرام از آن^۸ لشکر آگاه گشت^۹
۱۹۶۵ به یاران چنین گفت کاکنون^{۱۲} گریز
شتر خواست از ساروان^{۱۵} سه هزار^{۱۶}
ز چیزی که در گنج^{۱۹} بُد بردنی
ز زرین و سیمین و از^{۲۱} تخت عاج
همه بار کردند و خود برنشست

گفتار اندر گریختن بهرام چوبین از خسرو^{۲۶}

طلایه بیامد ز^{۲۹} نزدیک شاه^{۳۰}،
همان خیمه بر پای بر بس^{۳۱} ندید^{۳۲}،
دل شاه شد تنگ از آن^{۳۴} رزمخواه^{۳۵}،

۱۹۷۰ چو خورشید^{۲۷} روشن^{۲۸} بیاراست گاه
به پرده‌سرای اندرون کس ندید
طلایه بیامد، بگفت این^{۳۳} به شاه

۱-ل: همی دست (ل)؛ (و: همه بر دشت (ل))؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-ق، ک (نیز ل-پ)؛ ح: (و: بر مرد و)؛ متن = ل، س، ج، ل، س
۳-ل (نیز ل، آ، ب)؛ ۳-ل، ق: زن شب؛ س (نیز ل)؛ خود زان؛ ل (نیز ل، پ، ب)؛ شب زان؛ متن = ک (نیز ق، ل، آ، و، ل، آ، ب)؛ ۴-س، آ: جز
از ویژه یاران آن شاه (ح ۱۹۶۳ اب)؛ ۵-ل (بران)؛ ۶-ل (بی: بجز؛ و: مگر)؛ ۷-ل، ق، ل (نیز ل، ق، آ، پ، آ، ب)؛ ح: (و: متن = س، ک (نیز ل، ل، و، ل، آ)؛ ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: و لما طلع النهار لم یر جوین معه غیر خواصه ۸-ل، ل، آ: زان؛ متن = دوازده دستنویس
دیگر ۹-ق (آ: شد)؛ ۱۰-ل، ل (نیز پ، و)؛ بران؛ متن = س، ق، ک (نیز ل، ل، آ، ب)؛ ۱۱-ق (آ: برو روز گفتی که کوتاه شد)؛ س، آ
این بیت را ندارد؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲-س، ل (نیز ل، ل، آ، ب)؛ اکنون؛ متن = ده دستنویس دیگر
۱۳-ک (نیز ل، آ)؛ از؛ ق (آ: که)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-ق، س، آ: وز؛ ل (بی: تا؛ آ: و از)؛ متن = یازده دستنویس دیگر (ل، و
بی نقطه)؛ بنداری: فقال: الإحجام خیر من الإقدام فی هذا المقام ۱۵-ک، س، آ (نیز ل، ل، بی، و)؛ ساریان؛ (آ: کاروان)؛ متن = ل، س، ل، س (نیز
ق، ل، آ، ب)؛ ۱۶-س، ل (نیز ل، ق، آ، ب)؛ دو هزار؛ ل (بی: ده هزار؛ و: شش هزار)؛ متن = ل، ک، س، آ (نیز ل، آ، ب، ل، آ، ب)؛ ق: ساریان هزار
۱۷-ل (نیز ق، آ، ب)؛ افکن و ل؛ کفل افکن (ل)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ک، ل (نیز ل، ق، آ، ب، ل، آ، ب)؛ پایدار؛ س، آ: تاودار؛
متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، آ، ب)؛ ۱۹-ق (آ: از گنج؛ آ: ناچار)؛ ۲۰-س، ل، س، آ (نیز ل، ل، بی، و، ل، آ، ب)؛ و (ل، و ز)؛ افکنندنی؛ ق: ز افکنندنی‌ها
و گستردنی؛ ک: ز پوشیدنی‌ها و افکنندنی؛ ق (آ، ب): ز پوشیدنی‌ها و گستردنی؛ متن = ل (نیز ب)؛ ۲۱-ل، ق، س، آ (نیز ل، ل، و ز)؛ ز
کرسی زرین و از؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲-س: همه؛ ک (نیز و)؛ هم از؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳-ق (آ: تخت)؛ ۲۴-ق،
س، آ: و زرینه ۲۵-ل (میان یلی تا تخت را)؛ ۱۹۷۴ اب)؛ بنداری: فأوقر ثلاثة آلاف جمل من نخب الأموال و زید الأتقال، و ولی ظهرا لم یکن
رئی فی حال من الأحوال، و أخذ فی بعض عوادل الطرق ۲۶-ل: گریختن بهرام چوبین از خسرو؛ س، ق: گریختن بهرام چوبینه از خسرو
پرویز (س: خسرو و رفتن به چین)؛ ک: گریختن بهرام از پیش خسرو؛ ل: گریختن بهرام چوبین و رفتن بستور از پی او؛ س (سی بی بی
بالا تر): رزم خسرو با بهرام و هزیمت بهرام؛ متن = ل، ک، ۲۷-ک: خورشید ۲۸-س، ل (نیز ل، ل، بی، و)؛ تابان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹-ل، ل، س، آ
س، آ (نیز ل، آ، ب)؛ به؛ ل (بر آمد ز)؛ ۳۰-ق: پیش سپاه؛ ق (آ: نزد سپاه)؛ ۳۱-ل (بی: پس؛ ل: آ: بد پس)؛ متن = ل، س، ک، ل (نیز ل، ق، آ، و)؛
در ل و حرف یکم بس بی نقطه)؛ ۳۲-س، آ: خیمه را مرد بر در ندید؛ (ب: خیمه پیدا و کس ناپدید)؛ ق: هم آنگه چو باد دمان بر مید؛ آ این بیت
را ندارد ۳۳-ک (نیز ق، آ)؛ آن؛ ل؛ طلایه بگفت این سخن را ۳۴-ل (نیز ل، ل، زان)؛ آ: بسته شد؛ (و: از آن تنگ شد)؛ ق: دلش تنگ تر
شد از آن)؛ متن = س، ل، ل (نیز ل، ل، آ، ب، ل، آ، ب)؛ ۳۵-س، ق، ل (نیز ق، آ، ب، ل، آ)؛ رزمگاه؛ متن = ده دستنویس دیگر

زره‌دار^۳ و برگشتوانور^۴ سوار،
 میانِ یلی^۵ تاختن را بیست!
 بُد مرد بهرام روز نبرد!
 نبود ایمن از راه^{۱۱} و از^{۱۲} کشورش^{۱۳}،
 همی‌برد با خویشتن زَر و سیم،
 ز یکسوی^{۱۶} لشکر همی‌راند^{۱۷} اسپ،
 سَخْن‌های شاهان^{۱۸} همی‌خواندند،
 کجا^{۲۱} ده نبود اذرِ مردِ مه!
 پشیمان شده، دل پر از درد و^{۲۲} خون،
 بیامد به خان^{۲۷} یکی پیرزن^{۲۸}،
 وُزان^{۳۱} پیرزن آب و نان خواستند
 یکی کهنه‌غریبال^{۳۲} پیش آورید،
 نهاده به غریبال^{۳۴} بر نانِ کشک^{۳۵}،
 نیامدهمی در غم^{۳۷} از باژ^{۳۸} یاد^{۳۹}.

گزین کرد از آن^۱ جنگیان سه‌هزار^۲
 به نستود^۵ فرمود تا برنشست
 ۱۹۷۵ همی‌راند^۷ نستود^۸ دل پر ز درد
 همان نیز بهرام با^۹ لشکرش^{۱۰}
 همی‌راند بیراه^{۱۴} دل پر ز بیم
 یلان‌سینه و گرد^{۱۵} ایزدگشپ
 به بیراه لشکر همی‌راندند
 ۱۹۸۰ پدید^{۱۹} آمد از دور یک پاره^{۲۰} ده
 همی‌راند بهرام پیش اندرون
 چُن^{۲۳} از تشنگی^{۲۴} خشک شدشان^{۲۵} دهن^{۲۶}
 زبان‌ها^{۲۹} به چربی^{۳۰} بیاراستند
 زن پیر گفتار ایشان شنید
 ۱۹۸۵ بروبر بگسترده یک پاره‌مشک^{۳۳}
 یلان‌سینه برسم^{۳۶} به بهرام داد

۱-ل: زان: ل: ۲: ازین: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-ق: سی هزار ۳-س (نیز ب): زره‌دار (۱) ۴-ق: برگشتوان و (۵-ل: نیز ق: ۲): نستوه (در ل حرف یکم بی‌نقطه): س-ل ۲ (نیز ل-ی، و: ب): نستور؛ س: ۲: دستور؛ متن = (ن، ن: ۲، -بیت ۲۰۱۴) ۶-ل: تلی (۱): ۱ این بیت را ندارد ۷-س: ۲: همه راه ۸-ل (نیز ق: ۲): نستوه (در ل حرف یکم بی‌نقطه): س، ق، ک (نیز ل-ی، و: ب): نستور؛ ل: ۲: دستور؛ س: ۲: بستوه؛ متن = (ن، ن: ۲): ۱ این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما علم برویز بذلک أمر نستور فرکب فی ثلاثة آلاف فارس، و سار فی اثره ۹-س، ل: ۲، ۲ (نیز ل: ۲، ل، ی، پ، ا، ب): بر؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل: ۳، و: ل، ۲) ۱۰-س: ۲: کشورش ۱۱-س، ک، ل: ۲، ۲ (نیز ل: ۲، ل، ی، پ، ا، ب): داد (۲): متن = ل، ق (نیز ا) ۱۲-ل، ل، ق: ل ۲ (نیز ل، و: ل، ۲): وز؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز ق: ۲، ل، ی، پ، ا، ب): لشکرش ۱۴-ق: ۲ (ب: بهرام): س ۲ (نیز ل: ۳): راندی راه ۱۵-ق: کوت و (ل): ک: خوی و (۲): (و: با او و؛ ق: ۲: یلان‌سینه گرد و) ۱۶-س، ق، ل ۲ (نیز ق: ۲، ل، ی، پ، ا، ب): به یکسوی؛ ک: به یکسوی؛ س: ۲: به یکسوی و؛ (ن: به یکسو): متن = ل ۱۷-ا: همی‌راند بر گوشه‌لشکر؛ بنداری: وکان جوین یسوق مع یلان و ایزدکسب فی ناحیه ممن مع من الفل ۱۸-ق: ز کینه سخن‌ها) ۱۹-س: ۲: همی ۲۰-س، ک، س، ک، س ۲ (نیز ل: ل، ی، پ، ا، ب): بیچاره (در س حرفهای یکم، دوم و سوم و در ک حرفهای یکم و دوم بی‌نقطه): ق: بر راه؛ ل ۲ (نیز ل: ۲): بیجاده (بیچاره) ۲۱-ق: بالای؛ و: ناگاه؛ ۱: بیچاره؛ متن = ل (نیز ل: ۲): حرف یکم پاره در ل بی‌نقطه و در ل با یک نقطه) ۲۱-س: ب: که آن، متن = ل: در ل ۲ این بیت با بیت سببین پس و پیش شده است ۲۲-ل (نیز ل: ۲): جو < ۲۳-ل: ل، ی، پ، ا، ب: چو؛ متن = (۱) ۲۴-س: ۲: خستگی ۲۵-س، ق، ل: ۲، ۲ (نیز ل-ی، و: ب): خشکشان شد؛ (ق: ۲): ل: خشک گشتش؛ متن = ل، ی، ک (نیز ل، ن، ا) ۲۶-ل (ن: دهان) ۲۷-س، ۲: (نیز ل: ۲): خوران؛ ل: جان (۱): متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-ل (ن: زن چنان) ۲۹-ق (نیز ق: ۲): زبان راه؛ (ن: ز فانهها)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰-ل، ق، ک (نیز ا): به خوبی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱-ق (۲): ل: از آن؛ بنداری: فانهها الی ضیعة و قد نال منهم العطش فرأوا عجوزا فاستسقوها ۳۲-ل، ل، س ۲ (نیز ل، ن، پ، ا، ب): غریبال؛ متن = س-ل ۲ (نیز ق: ۲، ل، ی، پ، ا، ب): ل: این بیت را ندارد ۳۳-س، ک، ل: ۲، ۲ (نیز ل: ۲): یکی پاره پاره بگترد (ک: ل: ۲): بگترده؛ ل: ۲: نمکسود (۲): ا، ب: بگترد و) مشک (و: کشک): متن = ل ۳۴-ل، ل، ک، س ۲ (نیز ل: ل، ی، پ، ا، ب): غریبال؛ متن = ل ۳۵-س، ک (نیز ل: ۲): نان و کشک؛ ل: ۲: نان ز کشک؛ س ۲ (نیز و، ل، ی، پ، ا، ب): نان و خشک (۱): متن = ل (نیز ل: ۲، ل، ی، پ، ا، ب): ۱ این بیت را ندارد؛ بنداری: فسقتم ماء، و قدمت إلیهم غربالا مقطعا علیه أقراص شمیر ۳۶-ک: بستد ۳۷-س: دل؛ ق (نیز ق: ۲): نیامد ز غم هیچ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۸-ل: شاه (۲): ک: کواز (۲): ل: ۲: باز (۱): ل: ۲: باز؛ ل: ۲: متن = س، ق (نیز ل: ل، ی، پ، و: ل، ی، پ، ا، ب): باز (و: اواز) ۳۹-س: ۲: همی از گشپ آنچه یاد؛ (ا: بسی از جگر برکشیدند باد)

چرا دیو چشم ترا تیره^۳ کرد؟
 چو با پورِ هرمز برانگیزد اسپ^۴،
 کس^۷ او را ز گردنکشان نشمرد!
 چُنین کرد، گو می خور اندر^{۱۱} کدوی^{۱۰}!
 همی دار در پیش تا^{۱۶} جودرو^{۱۷}!
 قبا جامه و جوشنی^{۲۰} زیر سفت^{۲۱}!

۲۰۰۰ بدو پیرزن گفت کای^۱ شهره مرد^۲
 ندانی که بهرام^۳ پورِ گُشسپ
 بخندد برو^۵ هرک^۶ دارد خرد
 بدو^۸ گفت بهرام: اگر^۹ آرزوی^{۱۰}
 برین کهنه^{۱۲} غریبال^{۱۳} بر^{۱۴}، نان جو^{۱۵}
 ۲۰۰۵ بران^{۱۸} هم خورش یک شب آنجا^{۱۹} بخت

سپهدارِ جنگی بزد طبل باز،
 گر انمایگان برگرفتند راه،
 بسی اندرو^{۲۷} مردم نی درو^{۲۸}،
 یکی^{۲۹} لشکری^{۳۰} گش^{۳۱} خود کام راه،
 ز^{۳۳} راه نیستان چرا آمدی؟
 همه جنگ را دست^{۳۵} شسته به خون!

چو خورشید^{۲۲} بر چرخ بگشاد^{۲۳} راز
 بیاورد چندانک^{۲۴} بودش سپاه
 به ره بر یکی نیستان بود^{۲۵} نو^{۲۶}
 چو از دور دیدند بهرام را
 ۲۰۱۰ به بهرام گفتند: آنوشه بَدی^{۳۲}!
 که بی مر^{۳۴} سپاهست پیش اندرون

۱-ل (نیز لن، ق، ل، ن، آ): ای ۲-ق: شیر مرد؛ س: آ: بهرام زرد ۳-س، ق، ل، آ، س، آ (نیز لن، لی، ل، و، ل، ن، آ، ل): خیره (۴): متن = ل، ک (نیز ق، آ: ب)؛ بنداری: فضحکت و قالت: کأن الشيطان خاط عینک ۴-پ این بیت را ندارد ۵-ل (نیز لن، لی، ل): بدو عس-س (نیز لن-ل، و، ب): که؛ متن = ل ۷-(و: مر)؛ پ این بیت را ندارد؛ بنداری: أما تعلم أن این کسب اذا قاتل این هرمزد یضحک منه و بیکی علیه؟ ۸-آ (چنین) ۹-ل (نیز ل، ک): گر؛ س، ک (نیز آ): کر؛ س: آ: بر؛ متن = ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، ل، ن، آ، ب) ۱۰-ک، ل (نیز ق، آ، ل، آ، پ، لن آ، ب): آرزو-کدو؛ متن = ل، س، س (نیز لن، لی، و، ل) ۱۱-س، ک (نیز لی، ب): خورد از؛ (ق: آ: خوراند؛ لن: آ: خورد در)؛ س: آ: کو خورد می بر (ل)؛ (ل: آ: می گو خور اندر؛ آ: بد که او می خورد از)؛ متن = ل، ل (نیز لن، پ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۲-ل: برین گونه؛ س: بران کهنه؛ (لی: بدین کهنه؛ لن: آ: تو این کهنه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳-ل، ل، ک، ل، آ، س (نیز لن، پ، و، آ، ب): غریب؛ متن = س (نیز ق، آ، لی، ل، ل، ن، آ) ۱۴-(لن: آ، و این) ۱۵-(ل: آ: جَو) ۱۶-(لی: با)؛ در ل، س بی نقطه؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۱۷-(ل: آ: درؤ؛ آ: وقت جو)؛ بنداری: فقال جوبین: اختیاره لذاک هو الذی أحوجه الی شرب الراح من الیقطين، و القعود الی خوان الغریبال علی أقراص الشعیر ۱۸-ک (نیز و، لی): بدان ۱۹-س: آ: نیز یک شب؛ (و: خوردنش بر همانجا)؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، لی، ل، ل، ن، آ، ب، ق): آ: شب آمد بران جای تیره ۲۰-(ق: آ، لی): جوشنش؛ س: قبا جوشن و جامه در؛ ق: قبا بستر و جوشنی؛ (و: قبا جوشن و خاک در؛ ب: قبا جوشن و جوشنی)؛ متن = ک، س (نیز لن، ل، ل، ن، آ) ۲۱-(ل: ک: کفت؛ آ: قبا جوشن و جامه خو نهفت)؛ ل، ل، آ، پ این بیت را ندارد؛ ل، پ بجای این بیت و ق پیش از آن افزوده اند:

همی کام دل جست (ق: آ، پ: جست او) و ناکام یافت

بران (ق: آ: بدان) هم خورش یک شب آرام یافت

بنداری: فبات فی تلك الضیعة علی تلك الهيئة ۲۲-ک: خورشید ۲۳-س: آ: بگزارد؛ (ل: آ: بگشاد بر چرخ) ۲۴-ل، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، پ، آ): که؛ بنداری: و لما أصبح لحقه أصحابه و أعلم بأن برویز قد نفذ خلفه العسکر فرکب فی أصحابه ۲۵-ل: بوستان بود؛ (و: دهستان بود): آ: شارسانتس)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶-(ل: آ: نَو) ۲۷-ق: در و بر بسی؛ (آ: بدو در بسی) ۲۸-ل (نیز و): جودرو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر (ل: آ: نَوِزَو) ۲۹-ل، ل، ق: چنان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۰-ل، ل، ک (نیز ق، آ، لی، پ، و، ل، ن، آ، ب): لشکر؛ متن = ل، آ، س (نیز لن، ل، ل، ن، آ) ۳۱-ل: گش و؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۲-(لی: بزی (ل)) ۳۳-ق (نیز و): به ۳۴-س-س (نیز لن-ب): فراوان؛ متن = ل ۳۵-س، س (نیز لی): چنگ؛ متن = دوازده دستنویس دیگر

نخواهم که یابم^۱ به دشت^۲ نبردا
که چون تو سوارى به جنگ^۵ آیدم!
ز من هرچ^۷ دیدی، به خسرو بگو!
ببوسید و بسیار^{۱۰} کرد آفرین!
ابا آن^{۱۴} دلیران فرخنده‌بی^{۱۵}
بنزدیک خاقان خرامید و^{۱۸} تفت!

بیامد که بهرام بُد با سپاه،
سپه را همه^{۲۳} بدره و تاج^{۲۴} داد!
میان را ز بهر پرستش بیست،
پیاده^{۲۷} بود^{۲۸} اندر آن کارستان^{۲۹}،
همی^{۳۳} گفت کای^{۳۴} داور داد و پاک^{۳۵}،
همه کار از^{۳۸} اندیشه^{۳۹} بگذاشتی،
به فرمان دارنده^{۴۲} پوینده^{۴۳}!

۲۰۲۵ بدو گفت بهرام: من چون تو مرد
نیزم^۳ سرت را که ننگ^۴ آیدم
چو یابی رهایی ز دستم^۶ بیوی
چو بشنید^۸ نستود^۹، روی زمین
وژان^{۱۱} بیشه^{۱۲} بهرام شد تا به ری^{۱۳}
۲۰۳۰ بود و برآسود^{۱۶} و زآنجا^{۱۷} برفت

وژان^{۱۹} روی^{۲۰} خسرو بدان^{۲۱} رزمگاه
همه رزمگاهش^{۲۲} به تاراج داد!
یکی باره‌ی تیزرو^{۲۵} برنشست
به پیش اندرآمد یکی خارستان^{۲۶}
۲۰۳۵ بغلتید^{۳۰} در^{۳۱} پیش یزدان به خاک^{۳۲}
بلید^{۳۶} دشمن از بوم^{۳۷} برداشتی
پرستنده^{۴۰} و ناسزاینده^{۴۱}

گفتار اندر نامه‌ی خسرو به قیصر روم^{۴۴}

وژان^{۴۵} جایگه شد به پرده‌سرای بیامد بنزدیک او رهنمای،

- ۱-ل (نیز ق^۲، پ): باشد؛ س^۲: بکشتن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ق: روز ۳-ل: آنبرسم (۱) ۴-ل: نیک (۱) ۵-ل: چنگ؛ در ل، س، و حرف یکم بی نقطه ع-س ل (نیز ل، ن، ی، و، ل، ن، آ، ب): ز (ل: به) دستم رهایی؛ متن = ل، س، آن (نیز ل، پ، آ) ۷-س: ب: هر چه؛ متن = ل، ۸-ق، ل (نیز ب): بشنود؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹-ق: نستور؛ ل (نیز ل: ۳): بستود؛ (ق: ل: نستوه؛ پ: نستود)؛ متن = ل، س، ک، س، آن (نیز ل، ن، و، ب: در ل حرف یکم بی نقطه) ۱۰- (ت: و بر شاه؛ ق: ببوسید بسیار) و ۱۱- (ق: آ: از آن) ۱۲-س (نیز ل): جای؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳-ل: آ: با پری (۱) ۱۴-ل (نیز پ، ب): او؛ (ت: این)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۵-ل: آنی (۱) ۱۶- (و: بیاسود) ۱۷-س: آ: وانگه؛ (ب: از آنجا) ۱۸-س: ب: حو؛ متن = ل: بنداری (۲۰۲۵-۲۰۲۶): فأطلقه و سار متوجها الی الی عازما علی قصد حضرة الخاقان ۱۹-ل: ازین؛ (ل: آن: بدین)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-ک: سوی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱-ل: بران؛ متن = س، ب ۲۲- (ل: رزمگاه) ۲۳- (ل: همی) ۲۴-ل: باج (۱) ۲۵- (ت: تیزنگ) ۲۶-ق، ل (نیز ل: آن، پ، ب): خارسان ۲۷- (ت: بیامد) ۲۸-ل: آن نبود ۲۹-ق، ل (نیز ل، ل، پ، ب): کارسان؛ س: بارسان ۳۰- (ل: پ: بغلطید) ۳۱-ل (نیز ل، ن، و، ب): بر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲-س: آ: پاک ۳۳- (و: چنین) ۳۴-س، ل (نیز ل، ق، ل، ی، پ، ب): ای؛ متن = ل، ق، ک، س، آن (نیز ل، و، ل، ن، آ، ب): ۳۵-س، ق (نیز ل، ل، و، ل، ن، آ، ب): داد پاک؛ س: آ: باد و خاک؛ متن = ل، ک، ل (نیز ل، ن، ق، ل، ی، پ، ب): آ: ۳۶-ل: پی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۷-ل: آن: پیش؛ (ل: بنده؛ ب: دور؛ پ: تو دشمن ازین بوم) ۳۸-ل: ز؛ متن = س، ب ۳۹-س، ل (نیز ل، ن، ی، و، آ، ب): اندازه؛ متن = ل، س، آن (نیز ق: ل، ن، آ، ب): پرستنده؛ متن ← ۴۰-ل: پرستنده؛ و: ز ناسزاینده؛ ل: پرستنده و ناسزاینده؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴۲- (ل: آ: دادار)؛ متن ← ۴۳-ق: به فرمان و رایت (ق: یزدان) سزافکنده؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری (۲۰۳۱-۲۰۳۲): و أما برویز فانه دخل الی معسكر بهرام جوبین فنزل فی مخیمه، و أطلق ید النهب فی مخلفه شاکرا لله علی نعمه ۴۴-ل، ک: نامه خسرو به قیصر روم؛ س: نامه خسرو بنزد قیصر و باز نمودن از حال بهرام؛ ق: فتح نامه خسرو به قیصر از حال بهرام چوینیه؛ ل: آن سرنویس ندارد؛ متن ← ل ۴۵- (ق: آ: از آن)

نبنشتند^۲ ازو^۳ نامه‌یی بر حریر،
 به قیصر نبنشت^۴ اندر آن نامه شاه
 کزو دید^۵ مردی و پرهیزگار^۶،
 همه نیکوی^۸ دیدم اندر نهران،
 دوان^۹ پیشباز آمد^{۱۰} کینه‌خواه،
 که بر من بئد جای^{۱۴} پیگار^{۱۵} تنگ،
 بمرد آن دم آتش و^{۱۷} دار و گیر^{۱۸}،
 گریزان به شبگیر از ایدر^{۲۱} براند،
 به لشکرگهش آتش اندرز دیدم^{۲۲}،
 ببندم^{۲۳} برو نیز^{۲۴} راه گذر!
 فرستادگان برگرفتند راه
 بشد تا بر^{۲۶} قیصر نامدار
 فرود آمد آن مرد^{۲۹} بیدار بخت،
 همیشه توی^{۳۲} جاودانه به جای^{۳۳}!
 کشیده^{۳۵} توی^{۳۶} مرد افکنده^{۳۷} را!
 همان^{۳۸} خوردنی‌های بسیار^{۳۹} داد!

بفرمود تا پیش او شد^۱ دبیر
 ۲۰۴۰ ز چیزی که رفت اندر آن رزمگاه
 نخست آفرین کرد بر کردگار^۵
 دگر گفت کز کردگار جهان
 به آدرگشپ آمد^۶ با سپاه
 بدان^{۱۱} گونه^{۱۲} تنگ^{۱۳} اندر آمد به جنگ
 ۲۰۴۵ چو یزدان پاکش نید^{۱۶} دستگیر
 چو بیچاره تر گشت و^{۱۹} لشکر نماند^{۲۰}
 همه لشکرش را بهم برزدیم^{۲۲}
 به فرمان یزدان پیروزگر
 نهادند بر نامه بر مهر شاه
 ۲۰۵۰ فرستاده با^{۲۵} نامه‌ی شهریار
 چن^{۲۷} آن نامه بر خواند قیصر، ز تخت^{۲۸}
 به یزدان چنین گفت کای^{۳۰} رهنمای^{۳۱}
 تو پیروز کردی مرین^{۳۴} بنده را
 فراوان به درویش دینار داد

۱-س: آ. پیش آمد ۲-ل. ق. س. آ. (نیز ق. آ. ل. ق. و. ل. ن. آ.)؛ نوشند: ل. آ. بیستند (ل)؛ متن = س. ک. (نیز ل. ن. ل. پ. آ. ب.) ۳-ل. زو: ق. س. آ. از
 آن؛ (و. ل. ن. آ. پ. س.)؛ متن = س. ک. ل. آ. (نیز ل. ن. پ. آ. ب.) ۴-ل. ق. ل. آ. س. آ. (نیز ل. ق. و. ل. ن. آ.)؛ نوشت: ک. نمود؛ متن = س. (نیز ل. ن. ق. آ. ل. پ. آ. ب.)
 ۵-س. س. ک. ل. آ. س. آ. (نیز ل. ن. ب.)؛ دادگر: متن = ل. ق. ع. (آ: بود) ۷-س. ک. س. آ. (نیز ل. ن. ب.)؛ بخت (ل. آ. ب.): تخت) و هنر: ق. پیروزی
 روزگار: متن = ل. ۸-س. ل. س. ل. آ. س. آ. (نیز ل. ن. ل. ل. ل. ق. و. ل. ن. آ. ب.)؛ نیکویی: (ق. آ: یوری)؛ متن = ق. ک. (نیز پ. آ. ب.) ۹-س. آ. دوم
 ۱۰-ل. آ. پیش آمد (ل. آ. ن. ۱۱-س. ل. آ. (نیز ق. آ. و. ل. ن. آ. ب.))؛ بران: متن = ل. ق. ک. س. آ. (نیز ل. ن. ل. ل. ل. ق. و. ل. ن. آ. ب.) ۱۲-س. آ. رزم ۱۳-ق. آ. پیش)
 ۱۴-ل. کار: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵-ل. آ. نید جای بیدار (ل)؛ (و: که شد بر زمین کار پیکار) ۱۶-ل. آ. نید باکسی) ۱۷-ق. آ. پ. و. آ. حو: آ. ۱۸-ق. (نیز آ.) ز مهریر ۱۹-ل. ن. آ. حو: آ. س. س. آ. (نیز ل. ن. ق. آ. ل. پ. و. آ.)؛ بیچاره برگشت و (ق. آ. حو: آ. در و ب. بر بی نقطه):
 متن = ل. (نیز ل. آ. ب.) ۲۰-س. (نیز ل. و. ل. ن. آ. ب.)؛ براند: ل. آ. ل. آ. (نیز ق. آ.)؛ بماند: متن = ل. ق. ک. (نیز ل. ن. ل. ل. پ. آ. ب.) ۲۱-ل. زنا: ق. آ. ایدر: آ. آ. (ل. آ. ب.)
 لشکر: آ. از ایدر به شب در؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-ق. (نیز و. آ. ب.) زدم ۲۳-س. (نیز ل. ن. ل. ل. پ. آ. ب.)؛ بیستم: متن = یازده
 دستنویس دیگر ۲۴-س. تیره: (ل. ی. بدو تیره: پ. ورا نیز)؛ متن = یازده دستنویس دیگر: (ق. آ. برو بر بیستیم)؛ بنداری (۲۰۳۸-۲۰۴۸):
 ثم استحضار الکاتب و أمره فکتب کتاب الفتح الی قیصر ذاکرافیه جمیع ماجری علیه فی تلك الوقعة، و نفاذ به بعض أصحابه ۲۵-س. آ. (نیز ل. ن.)؛ فرستاده ۲۶-س. ک. ل. آ. س. آ. (نیز ل. ن. ل. ب.)؛ در: متن = ل. ق. (نیز ق. آ.) ۲۷-ل. س. آ. (نیز ل. ن. ل. ن. آ. ب.)؛ چو: متن = (ل. آ. ب.) ۲۸-ل. (ل. ن.)؛
 بخت: (ل. آ. ب.) ۲۹-ل. (ل. ن. ب. آ. ب.)؛ رهنما ۳۲-س. ل. ل. رهنما ۳۱-ل. ل. رهنما ۳۲-س. س. آ. (نیز ل. ن. ق. آ. ل. پ. و. آ. ب.)؛ تویی: (ل. بوی)؛ متن = ل. ۲۳-ل. جا: ل. آ. این
 بیت را ندارد ۳۴-ل. ق. (نیز پ. آ. ب.)؛ مران: آ. س. آ. بدین: متن = ده دستنویس دیگر ۳۵-س. س. آ. (نیز ل. ن. ل. ل. پ. و. آ. ب.)؛ کشنده (در ک حرف
 سوم بی نقطه): متن = ل. (نیز ل. ن. آ. ب.) ۳۶-س. ل. آ. (نیز ل. ن. ل. ل. پ. و. آ. ب.)؛ تویی: متن = ل. ق. آ. (ببخشیدی این) ۳۷-س. آ. تو بودی برافکنده: ل. آ. این
 بیت را ندارد ۳۸-ل. (ن. آ. جز آن) ۳۹-س. ک. ل. آ. س. آ. (نیز ل. ن. ق. آ. ل. پ. و. آ. ب.)؛ خوردنی‌ها به خروار: متن = ل. ق. (نیز و. ل. ن. آ. ب.)؛ ل. آ. این
 بیت را ندارد؛ بنداری (۲۰۵۱-۲۰۵۴): و لما وصل المبشر الی قیصر نزل من تخته، و كشف عن رأسه، و حمد الله تعالی و شکره علی ما
 یسر له من النصر السنی و الفتح النهی؛ ق. پس از بیت ۲۰۵۴ افزوده است:

وزان پس بفرمود تا شد دبیر
 قلم خواست از ترک چینی حریر

بسان درختی به باغ بهشت!
 خداوندی پیروزی^۴ و فرّ و داد!
 خداوندی فرّ و خداوندی زور!^۵
 و زو^۶ دار تا زنده باشی سپاس!^۷
 چه در^۸ آشکار و^۹ چه اندر نهان!
 همی داشتی تا^{۱۰} کی آید بکار،
 صدوشست تا^{۱۱} جامه‌ی زرنگار^{۱۲}،
 همان درّ و یاقوت بسیار بود،
 یکی تخت پرگوهر^{۱۳} شاهوار^{۱۴}،
 سرّ شوشه‌ی زرّ برتافته^{۱۵}
 برفتند با هدیه و با نثار^{۱۶}

۲۰۵۵ مر آن^۱ نامه را نیز^۲ پاسخ نبشت^۳
 سر نامه کرد از جهاندار یاد
 خداوندی ماه و خداوندی هور!
 بزرگی و نیکاختری زو^۶ شناس!
 جز از^۹ داد و خوبی مکن در جهان
 ۲۰۶۰ یکی تاج کز قیصران یادگار
 یکی خسروی طوق و دو^{۱۳} گوشوار
 دگر سی شتر بار^{۱۶} دینار بود
 صلیبی فرستاد گوهرنگار^{۱۷}
 یکی سبزخفتان به زر بافته^{۲۰}
 ۲۰۶۵ از آن^{۲۲} فیلسوفان رومی چهار^{۲۳}

۱-س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز لن، لی، پ. لن، آ. ب): همان؛ متن = ل. ک. (نیز ق. ۲، ل. ۳، و) ۲-ق. زود ۳-ل. ج. ۲. س. ۲ (نیز لن، لی، و. لن، آ. ب): نوشت؛ متن = س. ق. ک. (نیز ق. ۲، پ. آ): س. س. ۲ در اینجا سرنویس دارند، س: پاسخ نامه خسرو پرویز از نزد قیصر روم؛ س: پاسخ نامه قیصر و فرستادن خلعت ۴-ل. ۲ (نیز و): فیروزی ۵-ل. خداوند پیل و خداوند مور؛ متن = س-ب. عمل: آ. رو ۷-ق. آ: ازو) ۸-ل. (آ. سه پاس)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

چو از دیگری در میانه مبین همین است آیین مردان دین

۹-ق. (نیز پ): بجز ۱۰-س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز لن، لی، پ): بر؛ متن = ل. ق. ۱۱-س. س. ۲ (نیز لن، لی، پ): آشکارا؛ متن = ل. (نیز ل. ۳، و. ب): ق. این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم کتب جواب الكتاب یعظه فیه و ینصحه و یرفقه نعم الله عنده ۱۲-س. ل. ۲ (نیز لن، لی): داشتند تا؛ ل. ۳: داشت تا خود؛ لن: داشتم تا؛ متن = ل. ق. ک. س. ۲ (نیز پ، و. آ. ب): ق. این بیت را ندارد ۱۳-ل. ۲: و ده؛ ل: همان خسروی طوق با؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۴-س. ل. ۲ (نیز لن، لی، پ. لن، آ. ب): هزار و صد از؛ ق. ک. س. ۲ (نیز ل. ۳، و): صد و شصت تا؛ (پ: صد و شصت هم)؛ متن = ل. (ق. ۱۵-ق. ۲: یکی تاج پرگوهر شاهوار)؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: و أخرج تاجا قیصریا و طوقا و قرطین و مائة و ستین ثوبا منسوجا بالذهب ۱۶-ک. (نیز ق. ۲، آ. ب): شتروار؛ س. ل. ۲. س. ۲ (نیز لن، لی، پ. لن، آ. ب): ز زر صد (س: سی) شتروار؛ ل. ۳: ز بر سی شتروار)؛ متن = ل. ق: بنداری: و ثلاثین حملا من الذهب و الجواهر؛ در ق. ۲ بیت‌های ۲۰۶۲ و ۲۰۶۴ پس و پیش شده‌اند ۱۷-س. ۲: جوهرنگار ۱۸-ل. (لی: پیروزه) ۱۹-س. ۲: صد و شصت تا جامه زرنگار (= ۲۰۶۱ ب) ۲۰-در ل. لن حرف یکم بی نقطه ۲۱-ل. ق. ک. (نیز پ. آ): سر (ل: بسی؛ ق: همی) شوشه زر برو تافته (در ل حرف یکم تافته بی نقطه)؛ س: سر شفشه‌های گهر تافته (حرف یکم تافته بی نقطه)؛ س: سر شوشه رازر برو تافته (ق: سر سفته زر برو بافته؛ ل: سر شقه‌ها را گهر بافته؛ و سر شوشه زرش بر تافته)؛ متن = ل. ۲ (نیز لن، لی، پ. لن، آ. ب): ل. این بیت را ندارد؛ بنداری: و صلیبا مغرقا فی الیاقوت و الزبرجد، و حقه مملوءة من حبات اللؤلؤ (= ۲۰۶۳)؛ در س. ق. ل. ۲. س. ۲، لن، لی، پ. ب. بیت‌های ۲۰۶۴، ۲۰۶۵ پس و پیش شده‌اند؛ بنیابی بیت‌های متن = ل. ک. ۲۲-س. ل. ۲ (نیز لن، لی، پ. لن، آ. ب): (پ: و زن؛ متن = ل. س. ۲ (نیز ق. ۲، و) ۲۳-ق. هزار ۲۴-ل. (۳: هدیه شهریار (ل))؛ بنداری: و استحضر أربعة من الفلاسفة و نفذهم بتلک الهدایا الی برویز؛ ل. ق. ل. ۳، و پس از بیت ۲۰۶۵ افزوده‌اند:

ز قیصر شدش کار (ل. ۳: از آن فیلسوفان) با فرّهی

چوزان کارها شده شاه (ل. ۳: چو آمده خسرو از آن) آگهی

س. ق. ۲. لی، آ. پس از بیت ۲۰۶۵ افزوده‌اند:

فرستاده گفت آنج (لی: فرستاد و گفت آنچه) دید و شنید

خبر زین خزینه (چون ز قیصر) به خسرو رسید

ک. ل. ۲. س. ۲. لن، لی، پ. لن، آ. ب. هیچیک از این بیت‌ها را ندارند

گرانمایگان^۲ گرامی^۲ هزار
 همه پاک با هدیه‌ی نو شدند
 از آن خواسته در^۵ شگفتی بماند^۶
 که این^۸ جامه‌ی روم^۹ گوهرنگار،
 کجا^{۱۰} جامه‌ی^{۱۱} جاثلیقان^{۱۲} بود!
 نشست^{۱۶} اندر آیین ترسا بود،
 همانا دگرگونه^{۲۰} پندارد اوی^{۱۹}!
 بگویند کین شهریار رمه،
 که اندر میان چلیپا^{۲۵} شده‌ست^{۲۴}!
 که دین نیست شاه‌با به پوشش به پای^{۲۷}!
 اگر چند پیوسته‌ی قیصری^{۳۰}
 بیاویخت آن تاج گوهرنگار^{۳۲}،
 میهن را ز^{۳۳} درگاه بگذاشتند،
 ز هر گونه‌یی مردم اندر^{۳۳} میان
 بدانست کو رای^{۳۶} قیصر گزید،
 همانا که ترسا شد اندر نهان^{۳۷}!

پذیره فرستاد خسرو سوار^۱
 بزرگان بنزدیک^۳ خسرو شدند
 چو خسرو نگه کرد و نامه بخواند^۴
 به دستور گفت آن زمان^۷ شهریار
 ۲۰۷۰ نه آیین پرمایه‌دهقان بود
 چو بر^{۱۳} جامه‌ی ما^{۱۴} چلیپا^{۱۵} بود
 وگر خود^{۱۷} نیوشم بیازارد^{۱۸} اوی^{۱۹}
 وگر^{۲۱} پوشم، این نامداران^{۲۲} همه
 مگر کز^{۲۳} پی چیز ترسا شده‌ست^{۲۴}
 ۲۰۷۵ به خسرو چنین گفت پس رهنمای^{۲۶}
 تو^{۲۸} بر دین زردشت پیغامبری^{۲۹}
 ببوشید پس جامه را^{۳۱} شهریار
 بفرمود تا پرده برداشتند
 برفتند رومی و ایرانیان
 ۲۰۸۰ کسی که ش خرد بود و آن^{۳۵} جامه دید
 دگر گفت کین شهریار جهان

۱- (ب: پراهه) ۲- (ق: آ)؛ گرانمایه شیران جنگی) ۳- (ق: آ)؛ که از پیش) ۴- س: آ؛ خیره بماند ۵- ل: آ؛ خاسته در؛ (ن: آ؛ نامه اندر)
 ۶- س: آ؛ وزان خواسته نام یزدان بخواند ۷- ل: فرمود پس؛ متن = س- ب- ۸- ل، ۲ (نیز ق: آ، ب)؛ آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر
 ۹- (ز: آ)؛ س- ۱۰- س: آ (نیز ن: ل، ۳، و- ب)؛ که این؛ (ق: آ، ب)؛ که آن؛ متن = ل ۱۱- (ق: آ؛ مایه) ۱۲- ل: آ؛ جاثلیقان ۱۳- (ق: آ؛ نو)
 ۱۴- (ن: او) ۱۵- حرف یکم در پ- آ با سه نقطه ۱۶- ل: آ؛ بشب (l)؛ بنداری (۲۰۷۱-۲۰۶۶)؛ فلما وصلوا الیه استحسن تلک الهدایا و
 التحف السیایا ثم قال لوزیره: إن هذه الثیاب لم تنسج علی منوال دینتا، وإن لبس الثیاب المصلبة رسم النصارى و لیس من آیین شرعنا
 ۱۷- س، ق، ل، ۲، س (نیز ن- ب)؛ من: ک؛ نه؛ متن = ل ۱۸- (ل: نیازارد) ۱۹- ل- ک (نیز ل، آ، ب)؛ او؛ متن = ل، ۲، س (نیز ن، ق، ل، ۳، ن: آ)
 ۲۰- س- ل: آ (نیز ن- ب، ن: آ، ب)؛ دگر چیز؛ س: آ؛ دگر خیره؛ (و: همی از دگر چیز)؛ متن = ل؛ بنداری؛ و لو لم ألبس لاستوحش قیصر و
 ظن الظنون ۲۱- (و: اگر) ۲۲- (آ: شهریاران) ۲۳- ل: آ؛ در ۲۴- س: آ؛ بود ۲۵- حرف یکم در ل، ۲، ب، آ با سه نقطه؛ بنداری؛ و إن لبست قال
 الحاضرین: إنه تنصر و اتبع ملة قیصر ۲۶- ل: رهنما؛ (ق: شهریار (l)) ۲۷- ل: که دینست شاه‌با بیوش و ببا (د: متن)؛ (ق: آ؛ که ای شاه‌با
 دانش نیک‌رای)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری؛ فقال وزیر: أیها الملک! إن أمر الدین لا یتعلق بالملاسی
 ۲۸- (ز: آ)؛ (چو) ۲۹- ل، س، ک، ل، ۲ (نیز ن- ب، ن: آ، ب)؛ پیغمبری؛ س: آ؛ بیش تری (l)؛ متن = (ل، آ، ب)؛ (و: نیاید به دین اندرون بدتری)
 ۳۰- س: آ؛ خسروی؛ (و: پوشیدن جامه قیصری)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری؛ فانک علی ملة زردشت و إن کنت متصلا بقیصر ۳۱- ل
 (نیز ل: آ)؛ جامه؛ س، ک، (نیز ن: ل، و- ب)؛ جامه؛ متن = ق، ل، ۲، س، آ (نیز ق: آ، ب) ۳۲- (ق: گوهر زرنگار) ۳۳- س: آ؛ به؛ ل، ق، ب این بیت را
 ندارند؛ در ق این بیت پیش از بیت ۲۰۷۷ آمده است ۳۴- ک: گونه مردم که بد در؛ بنداری (۲۰۷۹-۲۰۷۷)؛ فلبس الملک خلع صهره، و
 علق التاج فوق رأسه، و أذن للناس فدخلوا علیه ۳۵- ل: چون؛ متن = س- ب- ۳۶- (ب: راه) ۳۷- بنداری؛ فلما رأوه فی ملابس الروم زعم
 الجهال منهم أنه قد صبا من دینه. و أما العقلاء فقد علموا أنه اختار رضی قیصر فیما اجتاب؛ ق در اینجا سرنویس دارد: نشستن خسرو
 بر تخت و گفتگوی بندوی با بناطوش برادر قیصر و تدبیر مریم در آن حالت

به سر برنهاد آن کیانی کلاه
 به گز گفت: شو^۳ رومیان را بخوان!
 نشستند با فیلسوفان به خوان^۵
 ابا جامه‌ی روم^۶ گوهرنگار،
 بشد تیز^۸ بندوی^۹ برسم به دست،
 به زرم همی رای زد با مهبان^{۱۳}،
 از^{۱۶} اسقف یکی زاستر شد ز خوان^{۱۷}،
 ز قیصر بود بر مسیحا ستم!
 به خوان بر به روی^{۲۰} چلیپا پرست^{۲۱}!
 به رخساره شد چون گل^{۲۵} شنبلید!
 نباید که بی^{۲۹} داوری می خورد^{۳۰}!
 تنی خویش را کرد ازین جنگ^{۳۳} خوار!

دگر روز خسرو بیاراست گاه
 نهادند در^۱ گلشن سور خوان^۲
 بیامد نیاطوس^۴ با رومیان
 ۲۰۸۵ چو خسرو فرود آمد از تخت بار
 خرامید خندان و^۷ بر خوان نشست
 جهاندار^{۱۰} بگرفت واژ^{۱۱} نهان^{۱۲}
 نیاطوس^{۱۴} کان^{۱۵} دید بنداخت نان
 همی گفت: واژ^{۱۸} و چلیپا^{۱۹} بهم
 ۲۰۹۰ چو بندوی دید آن بزد پشت دست
 غمی^{۲۲} گشت از آن^{۲۳} کار خسرو چو^{۲۴} دید
 به گستم گفت: این^{۲۶} گو^{۲۷} بی خرد^{۲۸}
 ورا با نیاطوس^{۳۱} رومی^{۳۲} چه کار؟

- ۱- (پ: بر) ۲- (ن، ل، ن، آ: خان) ۳- ل (نیز ق: پ): چنین گفت پس: س، ک، ل (نیز ل، ی، ب): بگو گفت شو: ق (نیز ن: آ): بگو گفت رو: س: آ: بگو رو بدر: (ن: ب) به گو گفت شو: ل: یکی گفت رو: و: بدو گفت رو: آ: یکی گفت شو: متن = (ن: نیز ۷- س) ۴- س: نیاطوس: ق: ل (نیز ن، ق: آ): نیاطوش (در ق: آ حرف یکم بی نقطه): ک (نیز پ): نیاطوس: س: آ (نیز ل، آ): نیاطوش: (ن: ب: نیاطوش): در ل بی نقطه: متن = (ل: و) ۵- س: آ (نیز و): میان (ل) ۶- ل: بر بزم: آ: آ این بیت را ندارد: بنداری (۲۰۸۲-۲۰۸۵): قال: و فی الیوم الثانی استحضار نیاطوس فمد السماط و حضر برویز فی الخلع القیصریة ۷- در ل، ق، س: آ حرف یکم خندان بی نقطه: ق: آ: بشد تیز از آن جای) ۸- (ن، ق: آ: نیز): در ل حرف یکم بی نقطه: متن = یازده دستنویس دیگر ۹- س، ق، ل (نیز ن): بندوی: متن = ده دستنویس دیگر: آ این بیت را ندارد: در س: آ این بیت پس از بیت ۲۰۷۷ آمده است ۱۰- س، ک، آ: جهانجوی ۱۱- س، ق، ل (نیز ن، ی، پ، و، ب): باز: س (نیز ل: آ): باز: (ق: آ: باز از: ن: آ: اندر): متن = ل: ک ۱۲- ل (آ: مهبان) ۱۳- (ل: نهان: ل: آ: بار دان!): آ این بیت را ندارد: بنداری: و لما جلس علی الطعام و الشراب أعطاه خاله البرشم فأخذہ بیده و زمزم ۱۴- س، س: آ: نیاطوش: ق: ل (نیز ن، ق: آ): نیاطوش (در ق: آ حرف یکم بی نقطه): ک (نیز پ): نیاطوس: (و، ن، ب: نیاطوش): متن = ل (نیز ل: آ): چون ۱۶- س، س: آ (نیز ن، ل، ی، و، ن، آ): باز: ل (آ: و): متن = ل (نیز ق: پ): ۱۷- ل: آشتنگی واژ سی (بی نقطه) شده خوان (ق: س، ک، ل، س: آ (نیز ن: ل، ن، آ): آشتنگی باز پس (س، پ، ب: باز تر: و: دورتر) شد ز (ق: به) خوان: ق: اسقف یکی راست تر شد به خوان: متن تصحیح قیاسی است (۷- ق: آ این بیت را ندارد ۱۸- س، ق، ل (نیز ن، ب): باز: س: آ: باز: متن = ل، ک ۱۹- حرف یکم در ل، آ، پ، ن، آ: با سه نقطه: بنداری: فلما رأى نیاطوس ذلك تنحى عن السماط و قال: کیف یجتمع الرسم و الصلیب؟ فإنه لیلحق المسیح من ذلك الظلم الصریح ۲۰- س: آ: بربر ۲۱- ل (آ: بخت: ب: بدست): حرف یکم چلیپا در ل، ل، آ، پ، ن، آ: با سه نقطه: بنداری: فلما رأى بندوی ذلك لطم صاحب الصلیب أو حامله بظهر یده ۲۲- (ل: غمین) ۲۳- ل: زان: متن = س، ب ۲۴- س: آ: خسرو چو آن کار ۲۵- ل (نیز ل، ی): گل و ۲۶- ل (نیز آ): ای: ق (نیز ب): آن: متن = س، س: آ (نیز ن، ن: آ) ۲۷- ق (آ: بد): ۲۸- ک: اینک بندوی گرد: ل: آن و گوئی خرد: (ل) ۲۹- س، س: ل (نیز ن، ق: ل، ی، پ، ن، آ): با: متن = ل، ق، س: آ (نیز ل، آ) و ۳۰- ک: نباشد نکوتر ز مردان مرد: (آ: نباید که بار آورد با خردا) ۳۱- س، ک (نیز پ): نیاطوس: ق، ل (نیز ن، ق: آ): نیاطوش (در ق: آ حرف یکم بی نقطه): س: آ (نیز آ): نیاطوش: (و، ن، آ: نیاطوش): در ل بی نقطه: متن = (ل: آ: ۳۲- ق: جنگی ۳۳- ل (نیز پ): کرد امروز: ق: کردن از جنگ: (ق: کردش امروز): متن = یازده دستنویس دیگر: بنداری (۲۰۹۱-۲۰۹۳): فغضب برویز و اصفر وجهه (= ۲۰۹۱)

به لشکرگه خویش شد نیم‌مست^۳،
 ز بهر تبه کردن بزم^۴ راه،
 به درگاه خسرو^۵ نهادند روی
 به خسرو فرستاد رومی‌نژاد،
 زند بر رخ^{۱۱} مرد یزدان‌پرست؟!
 وگرنه بین^{۱۲} شورش انجمن!
 که جویده‌همی^{۱۵} تخت شاهنشهی!
 که کس دین یزدان نیارد^{۱۶} نهفت!
 کسی از^{۱۹} مسیحا نکردند یاد!
 گزیده جهاندار^{۲۰} پاکان خویش^{۲۱}،
 نگیرم^{۲۲} به خوان واژ و^{۲۳} ترسا شوم!
 هنر دیدم از رومیان روز کار^{۲۵}!
 به پای^{۲۷} آورم جنگ^{۲۸} این انجمن!
 که تا^{۲۹} رومیان از پی روی راه،
 کسی بیهده جنگ هرگز نجست^{۳۲}!
 بنزد نیاطوس^{۳۳} با ده سوار،

نیاطوس^۱ از آن^۲ جایگه برنشست
 ۲۰۹۵ پوشید رومی‌زره رزم را
 سواران رومی^۵ همه^۶ جنگجوی^۷
 همانگه ز لشکر سواری چو باد
 که^۹ بندوی ناکس چرا^{۱۰} پشت دست
 گر او را فرستی بنزدیک من
 ۲۱۰۰ ز من بیش بیچی از آن^{۱۳} کز^{۱۴} رهی
 چو بشنید خسرو برآشت و گفت
 گیومرت^{۱۷} و جمشید با^{۱۸} کقباد
 مبادا که دین نیاگان خویش
 گذارم، به دین مسیحا شوم
 ۲۱۰۵ تو تنها همی کز^{۲۲} گیری شمار!
 به خسرو^{۲۶} چنین گفت مریم که من
 به من ده سرافرازبندوی را
 ببینند و^{۳۰} باز آرمش^{۳۱} تندرست
 فرستاد بندوی را شهریار

۱-س، ۲ (نیز لی، ۱) نیاطوش؛ ق، ل ۲ (نیز ق ۲، پ)؛ بناطوش (در ق ۲ حرف یکم بی نقطه)؛ ک (نیز لن)؛ بناطوس؛ (و، ل ن ۲، ب)؛ نیاطوش)؛
 متن = ل (نیز ل ۳) ۲-ل؛ زان؛ متن = س-ب ۳-ک (نیز ل ۳)؛ نیمه‌مست ۴-س؛ آ: مرز (!) ۵-ک (نیز و)؛ جنگی ۶-ق: شده ۷-ق ۲،
 ل ۳: رزمجوی؛ و: پر از گفت‌وگو) ۸-ق (ق: رومی)؛ بنداری (۲۰۹۴-۲۰۹۶)؛ و لما رأی نیاطوس ذلک وثب قائما و رکب و عاد الی
 مخیمه فثارت أصحابه و لبسوا السلاح و رکبوا و أقبلوا علی سراقق برویز ۹-س ۲ (نیز ب)؛ چو ۱۰-س-س ۲ (نیز لن، پ، ل ن ۱، ا)؛
 همی؛ (ب: همه)؛ متن = ل (نیز و) ۱۱-ل (و، ا، دل)؛ ۱۲-س؛ آ: منم (!)؛ (ق: آ: بود) ۱۳-ل: کنون؛ (پ، ل ن ۲: کران)؛ متن = دوازده دستنویس
 دیگر ۱۴-پ (کز؛ ل ن ۲: بد) ۱۵-س (نیز لی)؛ که جست او همی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری (۲۰۹۷-۲۱۰۰)؛ نفذ نیاطوس
 الیه فارسا یسومه إنفاذ بندویه الیه، و یوعده بأنه إن لم یفعل ذلک بلی منه بأشد مما بلی به من جوین ۱۶-ک، س ۲ (نیز لن ۲)؛ ندارد؛
 متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷-س-س ۱۷-س ۲ (نیز لن، ق، ل، و، ب)؛ کیومرث؛ متن = ل (نیز پ) ۱۸-س، ک، ل ۲ (نیز لن، ق، ل، و، ب، ا، ب)؛ تا؛
 در ل، س ۲، و بی نقطه؛ متن = ق (نیز ل ۲) ۱۹-س؛ آ: کز؛ در ل ۲ بجای این بیت، بیت ۲۰۹۴ آمده است ۲۰-ل: سرافراز و ک، س ۲ (نیز ق ۲،
 ل ۳، پ، ا)؛ جهاندار؛ و متن = س، ل ۲ (نیز لن، ل، و، ل ن ۲، ا)؛ ۲۱-ق: جهاندار فرخ بزرگان پیش ۲۲-ک، س ۲ (نیز لی، ل ن ۲)؛ بگورم (!)؛ در آ
 حرف یکم هم در بالا نقطه دارد و هم در زیر ۲۳-ق، ل ۲ (نیز لن-ب)؛ باژ و س؛ آ: باز؛ متن = ل، ک ۲۴-ک: گر بگیر (حرف سوم
 بی نقطه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵-ک: صد هزار؛ ق، ل ۳ این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۱۰۱-۲۱۰۵)؛ فامنت برویز من ذلک و
 کاد یثور من ذلک فتنة عظيمة ۲۶-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، لی، ل ن ۲، ا، ب)؛ بدیشان؛ متن = ل، ق (نیز ق ۲، ل، و، ب) ۲۷-ل؛ با ۲۸-ق (نیز ا)؛
 رزم؛ ل ۲؛ چنگ (!) ۲۹-ل؛ ما؛ متن = س-ب ۳۰-س ۲ (نیز و)؛ < ۳۱-ل ۳: باز آورم)؛ ک: ببینند بازار من (!) ۳۲-ل: که مر (بی نقطه) کی
 دهد حکم (بی نقطه) هر کوه نه جست؛ متن = س-ب؛ بنداری (۲۱۰۶-۲۱۰۸)؛ فقلت مریم له، و کانت ذات رأی و عقل (= ۲۱۱۰)؛ سلم
 الی بندویه فانی أحمله الی نیاطوس حتی یراه الناس فتخمد جمرتهم، و تسکن فورتهم، و أعود به الی حضرت تک ۳۳-س (نیز لی، ا)؛
 نیاطوش؛ ق، ل ۲ (نیز ق ۲)؛ بناطوش (در ق ۲ حرف یکم بی نقطه)؛ ک (نیز پ)؛ بناطوس؛ س ۲ (نیز لن، و، ل ن ۲، ب)؛ نیاطوش؛ متن = ل (نیز
 ل ۳)؛ بنداری؛ فأجابها الی ما قالت، و نفذ بندویه فی عشرة من غلمانہ مع مریم الی معما، و حملها رساله الیه

که نیکی^۲ نجوید^۳ تن^۴ مرد زُفت!
 تو گیتی به ما بر مکن تار و تنگ!
 بمان تا بباشیم^{۱۱} یکچند شاد^{۱۲}!
 کمر بر میان سوگ را بسته‌ام^{۱۵}،
 روانم^{۱۷} پر از رنج و نفرین^{۱۸} اوست،
 تو از بی^{۲۲} خرد هوشمندی معجوی!
 خردمندی از مست^{۲۵} رومی خواه!
 خردمند مردم نگردد ز کیش!
 به لشکرگه آمد نیاطوس^{۲۹} باز

چو خسرو نیاطوس^۱ را دید گفت
 نجسته‌ست^۵ بندوی جز^۶ شور^۷ و جنگ
 به تیزی^۸ مده^۹ رنج^{۱۰} قیصر به باد!
 ۲۱۲۵ به خون^{۱۳} پدر من جگرخسته‌ام^{۱۴}
 دل من^{۱۶} سراسر پر از کین اوست
 گر^{۱۹} او از پی^{۲۰} دین شود^{۲۱} زشت‌گوی
 نیاطوس^{۲۳} گفت: ای جهاندار^{۲۴} شاه
 تو بس کن^{۲۶} به دین^{۲۷} نیاگان خویش
 ۲۱۳۰ برین گونه چون شد سخن^{۲۸} دراز

۱-س. ۲ (نیز لن، آ): نیاطوش؛ ک (نیز پ): بناطوس؛ ل (نیز ق): بناطوش (در ق: ۲ حرف یکم بی نقطه)؛ (لی: بناطوس؛ و، لن: ۲. ب: نیاطوش)؛ متن = (ل ۳) (و: کینه؛ لن: ۲: گیتی) ۳-س (نیز لی): نیبند؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴-س: ۲: دل؛ (لی: مرین؛ و: مگر)؛ ل، ق این بیت را ندارند ۵-ب (نندیدست) ۶-ک: کز ۷-ص (نیز لن، لی): سور (؟)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل، ق این بیت را ندارند؛ در ق: ۲ بیت‌های ۲۱۲۳ و ۲۱۲۴ پس از بیت ۲۱۲۷ آمده‌اند ۸-ق: ۲: به تندی؛ آ: ز کژی ۹-س: ۲: به چیزی منه (ل) ۱۰-و: کج (ل) ۱۱-ل: ۱۲: (بمانیم) ۱۲-ق: ۲: نیاید (آ: مبادا) که پند من آیدت یاد = ۱۱۸ (ب)؛ ل، ق این بیت را ندارند ۱۳-ل: کین؛ متن = س-ب ۱۴-ق: خود جگر خسته داشت ۱۵-ق: بسته داشت ۱۶-ل: او؛ ق: وی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷-ق: زبانش؛ س، ل: ۲: (نیز ق: ۲، لی، پ، و، لن: ۲. ب): زبان؛ (لن: زفانم)؛ متن = ک (نیز ل: ۲) ۱۸-ل: تیمار (ل)؛ متن = س-ب ۱۹-ل: که؛ (ل: ۲: اگر)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰-س: او را از این ۲۱-ل: واژ شد؛ ق (نیز ق): باژ شد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-ق: کم؛ پ این بیت را ندارد؛ ل، ق: ۲: پس از این بیت افزوده‌اند:

چو مریم برفت (ق: برفت و؛ ق: ۲: دگر گفت مریم) سخن‌ها بگفت
 نیاطوس (ق: بناطوش؛ ق: ۲: بناطوش) بشنید کینه نهفت
 هم از کار (ق: کرد) بندوی دل کرد نرم (ق: گرم؛ ق: ۲: بناطوش دل کرد از مهر گرم)
 کجا داشت از روی بندوی (ق: ۲: خواهرش) شرم
 بیامد بنزدیک خسرو چو گرد

دل خویش خوش کرد زان گفته مرد (ق: فعل سرد؛ ق: ۲: دل شاه خوش کرد از آن گفت سرد)

دوازده دستنویس دیگر و ترجمهٔ بنداری این بیت‌ها را ندارند؛ بنداری (۲۱۲۷-۲۱۲۲): ثم خلا بناطوس و اعتذر اليه و قال له فيما قال: إن هذا رجل لثيم بعيد عن الخير. و انه لم يرد بفعله ذلك غير الشر و الضير. فاعمل أنت بمقتضى عقلك، و لا تكدر علينا أمرنا، و لا تقلم غرس الحسنی الذي غرسه قیصر بیننا. و أنا موغر الصدر علی هذا الرجل بسبب قتله لوالدنا ۲۳-س (نیز ق: ۲): بناطوش؛ ق: ل (نیز لن، ب): بناطوش؛ ک: بناطوس؛ (آ: نیاطوس؛ و، لن: ۲. ب: نیاطوش)؛ در ل بی نقطه؛ متن = (ل ۳) ۲۴-ق: جهاندایده؛ (ق: ۲. ب: خردمند؛ لن: ۲. سرافراز)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵-ل: مست و؛ ق (نیز ق: ۲. و): مرد؛ (آ: خردمند از مرد)؛ متن = س، ک، ل: ۲ (نیز لن، لی، ل: ۲. پ، لن: ۲. ب): س این بیت را ندارد ۲۶-ک: تویی بس ۲۷-و: تو هم کین خواه از؛ س، لن، ب این بیت را ندارند ۲۸-س، ل: ۲ (نیز لن، لی، ب): بدین (ب: بدان) باره (لی: حال) تا شد سخنشان؛ ق، ک (نیز ق: ۲. ل: ۳. آ): بدین (ک، ق: ۲. پ: برین) گونه تا شد سخنشان (ق: سخنها)؛ س: ۲: برین گفته باشد سخنها؛ متن = ل ۲۹-س، س: ۲ (نیز آ): بناطوش؛ ق (نیز لن، ق): بناطوش؛ ک، ل: ۲ (نیز پ): بناطوس؛ (لی: بناطوس؛ و، لن: ۲. ب: نیاطوش)؛ متن = ل (نیز ل: ۳) در ل حرف دوم بی نقطه)؛ بنداری، و جرت بینهما مفاوضات و مسازات طویله. ثم قام نیاطوس و عاد الی مخیمه

که رو عَرَضْگه ساز و^۱ دیوان بخواه^۲،
 هر آنکس که هستند نو، گر^۳ کهن،
 به دادن نباید که^۵ بیند رنج!
 کجا روز جنگ از در کار بود^۶،
 ز در اسب پُرمایگان خواستند^۷!
 چه اسب و پرستار و^۹ زرین کمر^۸،
 هم او را ز^{۱۲} پُرمایگان برگذاشت^{۱۱}!
 چه هرمز، چه^{۱۵} کسری فرخ نژاد،
 بر آن^{۱۸} جام حنظل پراگند^{۱۹} شهد!

به خَرّاد برزین بفرمود شاه
 همه لشکر رومیان عَرَضْ کُن
 دو دیوان بده^۴ رومیان را ز گنج
 کسی کو به خلعت سزاوار بود
 ۲۱۳۵ بفرمود تا خلعت آراستند
 نیاطوس^۸ را داد چندان گهر
 کز اندازه‌ی هدیه برتر گذاشت^{۱۱}
 هر آن^{۱۴} شهر کز روم بستند قباد
 نیاطوس^{۱۶} را داد و بنبشت^{۱۷} عهد

که بودند^{۲۱} بینادل و نامدار،

۲۱۴۰ دگر هفته برداشت با^{۲۰} ده سوار

۱-س، ک، ل، ۲ (نیز لی، ب): که جای (آ: جایی) عرض ساز و (لی: جوی)؛ ق: که جای عرض گاه؛ س، ۲ (نیز لن): که جای عرض خواه و؛
 ق: کجا عرضگه ساز و؛ متن = ۲- (لن: سپاه)؛ ل، ۳ پس از این بیت افزوده است:

همه لشکر رومیان را بخوان هر آنکس که هستند پیر و جوان

۳-س، ل، ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب): یا؛ (ل، ۳، ب): متن = ل؛ س، ۲ این بیت را ندارد ۴-ل: درمشان بده؛ ک، س، ۲: همه لشکر؛ ل، ۲: دو بهره بده؛
 (و: چو دیوان بود)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵- (آ: بیاید بباد آنک) عملی این بیت را ندارد؛ در س، ۲ بیتهای ۲۱۳۴ و ۲۱۳۵ پس از
 بیت ۲۱۳۶ آمده‌اند ۷- ق، ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۱۳۱-۲۱۳۵): و آمر الملک خَرّاد بن برزین آن یحضر کاتب جیش الروم، و
 یخلع منهم علی کل من یتحق الخلع السلطانیة فعل ۸- س (نیز لی، ا): نیاطوس؛ ق، ل، ۲ (نیز لن): بناطوش؛ ک (نیز بی): بناطوس؛
 س، ۲: نیاطوش؛ (و، لن، ۲، ب: نیاطوش)؛ متن = ل (نیز ل، ۳) ۹- ک، ل، ۲ (نیز لی، پ، ب): جوی؛ متن = ل، س، ق، س، ۲ (نیز لن، ۳، پ، و) ۱۰- (لن، ۲):
 همان جوشن و خود و زرین کمر؛ آ: چه اسب و چه ساز و چه سیم و چه زر)؛ ق، ۲ این بیت را ندارد ۱۱- ک، ق، ل، ۳، آ، ب: گذشت؛
 متن = ل، س، ل، ۲، س، ۲ (نیز لی، پ، و، لن) ۱۲- ل: سرش را ز؛ ق: چه او را ز؛ ک: هم او را ز؛ س، ۲ (نیز لی، ب): هم آواز؛ (آ: همه راز)؛ متن = س
 (نیز لن، ل، ۲، پ، و، لن) ۱۳- ل (نیز بی، و): بر فراشت؛ ق، ک (نیز لن، ل، ۳، آ، ب): برگذاشت؛ ل، ۲: بزرمایگان برگماشت (ل)؛ متن = س، س، ۲ (نیز
 لی، لن، ۲)؛ ق، ۲ این بیت را ندارد ۱۴- س، ۲: همان ۱۵- س، ۲: هرمزد؛ (آ: چه کسری هرمز چه!)؛ ق، ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری
 (۲۱۳۶-۲۱۳۸): و أعطی نیاطوس من الجواهر الثمينة والخيل والأسلحة والملابس والمغارش ما ضاق عنه نطاق الإحصاء والحصر
 ۱۶- س: بناطوس؛ ق (نیز لن): بناطوش؛ ل، ۲: بناطوس؛ س، ۲ (نیز لی، ا): بناطوش؛ (و، لن، ۲، ب: نیاطوش)؛ متن = ل (نیز ل، ۳): درل حرف یکم
 بی نقطه ۱۷- ل، س، ق، س، ۲ (نیز لن، لی، ل، ۳، و، آ، ب): بنوشت؛ (لن، ۲: پیوست)؛ متن = ک، ل، ۲ (نیز بی) ۱۸- (لن، لی، بدان) ۱۹- ق: فرستاد؛
 (ل، ۲: برافکند؛ و پراگند بر حنظل خام)؛ ق، ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: و کتب له عهداً علی جمیع بلاد الروم التی أخذها قباد و کسری و
 هرمزد منهم؛ برخی از دستنویسها پس از بیت ۲۱۳۹ بیستی افزوده‌اند؛ ک، س، ۲، لن، ق، آ، ب، لن، ۲، آ، ب: بنداری هیچیک از این بیتها را ندارند:

بدان (ق: بران) مرز آباد و آبادبوم
 گسی کردشان گشت پرداخته
 بنزدیک خسرو خرامید تفت
 بدان مرز آباد و آبادبوم
 ورا کرد بدرود و پس گشت باز
 چنان چون بود ساز و آیین راه

ل، ق، و: برفتند پس رومیان سوی روم
 س، لی: به یک هفته شد کار آن ساخته
 ل، ۲: بناطوش از آنجای تازان برفت
 برفتند پس رومیان سوی روم
 دو منزل بشد خسرو سرفراز
 ل، ۳: برفتند رومی ز درگاه شاه

۲۰- ق: خسرو ابا ۲۱- (لن، ۲: بودا)

ز لشکرگه^۱ آمد به آذرگشسپ
 پیاده همی رفت و^۳ دیده پُر آب
 چُن^۴ از در بنزدیک^۵ آتش رسید
 دو هفته همی خواند استا و زند
 ۲۱۴۵ به هشتم بیامد ز^۸ آتشکده
 به آتش بداد^۹ آنچ^{۱۰} پذیرفته^{۱۱} بود
 ز زرین و سیمین و^{۱۲} گوهرنگار
 به درویش بخشید^{۱۶} گنجی^{۱۷} درم
 و ز آنجایگه شد به اندیوشهر^{۱۹}
 ۲۱۵۰ کجا^{۲۰} کشور سورستان^{۲۱} بود^{۲۲} مرز
 به ایوان^{۲۵} که نوشین روان کرده بود
 گرنامه‌ی کاخی^{۲۷} بیاراستند
 بیامد به تخت نیا^{۲۸} برنشست
 بفرمود تا پیش او شد دبیر

به گنبد نگه کرد و بگذاشت^۲ اسپ،
 به زردی دو رخساره چون آفتاب،
 شد از آب دیده رخس ناپدید،
 همی گشت بر گرد آذر^۶ نژند^۷،
 چو نزدیک شد روزگار سده،
 سَخُن هرچ^{۱۲} پیش ردان^{۱۳} گفته بود،
 ز دینار و از^{۱۵} گوهر شاهوار،
 نماند اندر آن بوم و بر کس^{۱۸} دژم!
 که بردارد از روز شادیش بهر
 کسی^{۲۳} خاک او^{۲۴} را ندانست ارزا!
 بسی^{۲۶} روزگار اندر آن برده بود،
 همان تخت زرین بیاراستند،
 جهاندار پرویز^{۲۹} یزدان پرست!
 همان راهبر موبد تیزویر^{۳۰}،

- ۱- (ل: ۳) ز لشکر (چو) ۲- حرف یکم در ل، س، ن بی نقطه؛ در ق ۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بنداری؛ ثم چیزی و ركب فی عشرة من أصحابه قاصدا قصد بیت النار ۳- س: ل ۲ (نیز لی، و، ن: ب)؛ حو: متن = ل، س ۲ (نیز ن، ق، آ، ب)؛ ل ۳ این بیت را ندارد ۴- ل: س ۲ (نیز ن-ن: ب)؛ چو؛ متن = (ت) ۵- ق: س ۲ (نیز لی، آ)؛ دور نزدیک؛ (و: خسرو بنزدیک)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶- س، ل، ق، ل ۲ (نیز ن، ق، آ، و، ن: ب)؛ آتش؛ متن = ل، ک (نیز ل، آ، ب) ۷- (ن: آ)؛ بلند؛ آ: ببند؛ لی این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما رأى قبه من بعيد ترجل و مشى خاشعاً صاغراً إلى أن دخل الیه فاعتكف فيه أسبوعین يطوف حول سقط الزند و یزمزم بقراءة الزند ۸- (ل: ۲، و: به) ۹- (آ: بگفت) ۱۰- ک: ل، س، ل ۲ (نیز لی-آ)؛ آنچه؛ متن = ل، س، ق (نیز ن، ب) ۱۱- (ق: ۲)؛ آن کجا رفته ۱۲- س: ب: هر چه؛ متن = ل ۱۳- س: ۲؛ از نزد آن ۱۴- ل: س، ک (نیز ن، لی، پ، و، ن: آ)؛ حو: (ق: ۲)؛ ز سیمین و زرین و؛ متن = ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل، آ، ب) ۱۵- ل، ق، س ۲ (نیز ن، و، ن: آ)؛ وز؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز ق، لی، ل، آ، پ، آ، ب) ۱۶- (ن: آ: دادند) ۱۷- ل (نیز و)؛ گنج؛ س: ۲؛ گنج و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸- ک: کش (!)؛ ل: ۲؛ بوم بر کس؛ بنداری (۲۱۴۵-۲۱۴۸)؛ و فی بمان نذره من تقریق الاموال علی کل عاف و معتر، و ذی مسکنه و فقر. ثم عاد إلى مخیمه ۱۹- ک: بدان خوب شهر؛ (و: به اندوی شهر؛ ن: آ: برابر به شهر؛ آ: بدان تازه شهر؛ ق: ۲؛ از آنجا شد آنکه به دیوان شهر)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- س (نیز ن، لی)؛ که آن؛ ک: س ۲ (نیز ق، ل، آ، پ، ب)؛ که از ل: که این؛ متن = ل ۲۱- س، ک، ل، آ ۲ (نیز ن، ق، آ، و، ن: آ)؛ شورستان؛ (لی: شورشان؛ ل: شوستان؛ پ: شورسان؛ ب: سورسان)؛ متن = ل ۲۲- س (نیز ق، آ، لی)؛ بود؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- س: ۲؛ که مر ۲۴- (ل: ۳، آن)؛ ق، آ این بیت را ندارند؛ ل ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:
 پذیره شدنش بزرگان شهر
 کسی را که از مردمی بود بهر
 ۲۵- س: ۲؛ دیوان؛ (ن: ایران) ۲۶- س: ۲؛ یا؛ آ این بیت را ندارد ۲۷- (ن: آ: جای) ۲۸- ل: پدر؛ ل: ۲؛ بنا (!)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۹- س: ۲؛ پیروز؛ (ق: ۲)؛ می بود؛ بنداری (۲۱۴۹-۲۱۵۳)؛ و ارتحل من آذربيجان و سار إلى اُندیو من ارض سورستان فتنم فی دار السلطنة تخت جدّه اُنشوران معتصبا بتاج الکيان ۳۰- س، ق، ل، آ، س ۲ (نیز ن، لی، پ، ب)؛ دستگیر؛ متن = ل، ک (نیز ق، آ، ل، ک)

ز لشکر هر آنکس که هنگام کار^۱
 همه^۳ خِلمت خسروی دادشان
 ۲۱۷۰ همی گشت گویامنادی گری
 که ای زیردستانِ شاهِ زمین^۷
 مجوید کین و مرزید خون^۸
 گر^{۱۱} از زیردستان بنالد کسی^{۱۲}،
 نیابد ستمگاره جز دار جای^{۱۶}
 ۲۱۷۵ همه^{۱۸} پادشاهند^{۱۹} بر^{۲۰} گنج خویش
 خورید و دهید^{۲۲} آنک^{۲۳} دارید^{۲۴} چیز
 به هر شارستان^{۲۶} در^{۲۷} یکی گنج ماست^{۲۸}
 به گنجور گفتم^{۳۱} تا هر که چیز
 چو یابد^{۳۳} خورش^{۳۴}، بامداد پگاه
 ۲۱۸۰ به پیمان که خواند^{۳۶} بر آن^{۳۷} آفرین

بماندند با نامورشهریار^۲،
 به شاهی^۴ به مرزی فرستادشان!
 خوش آواز و^۵ بیداردل^۶ مهتری،
 مخوانید کس جز به داد آفرین^۸
 مباشید بر کار بد رهنمون^{۱۰}!
 که^{۱۳} از لشکری رنج یابد^{۱۴} بسی^{۱۵}،
 همان رنج آتش^{۱۷} به دیگرسرای!
 کسی را که گرد آمد از^{۲۱} رنج خویش!
 کسی کو ندارد بخواهد بنیز^{۲۵}،
 ز رنج نیاگان، گر^{۲۹} از رنج ماست^{۳۰}،
 ندارد، دهد پوشش و خورد^{۳۲} نیز،
 سه من می بیاید^{۳۵} ز گنجور شاه،
 که کوشد^{۳۸} که آباد^{۳۹} دارد زمین!

۱- (ق: ک: بد کامکار) ۲- س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ن، ۳، ا، ب): بماندند (س، ک، ن: نماندند) مانند در (س: مانند در، ک، س: آ: مانده که: ل: آ: یابند در: ل: آ: پاینده در: ب: مانند بر) کارزار: ق: یابد بداند در کارزار: (ل: بماند نماند در کارزار: و: نماندند اندر صف کارزار: آ: بماندند بر ما درین کارزار): متن = ل (نیز ق: آ، پ) ۳- ل (نیز پ): همی: متن = سیزده دستنویس دیگر ۴- (ق: آ: بشادی): بنداری: ثم انه شمل بانعامه اصحابه الذين كانوا معه في الوقعة، على اختلاف مراتبهم و تفاوت طبقاتهم، و جاوز الحد في اَعْطيتهم و صلاتهم هـ- (ل: جوب) عـک: یبنا دل ار ۷- ل، ق، س، ۲ (نیز پ): جهان: متن = یازده دستنویس دیگر ۸- ل، ق (نیز پ): مخوانید جز آفرین (ل: آفرین در) نهان: س: آ: مخوانید کس از کهان و مهان: (ا: بخوانید هر کس به داد آفرین: متن = ده دستنویس دیگر ۹- س، ۲: مرزید خون و مجوید کین ۱۰- س: آ: مخوانید کس جز بدو آفرین: ق: آ این بیت را ندارد: در ل ۳ تهای این بیت پس و پیش شده اند ۱۱- (ق: آ: چو: آ: که) ۱۲- ک: همی ۱۳- ل، س (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، و، ا، ب): گر: ق، س، ۲ (نیز ل، ق): ور: متن = ک، ل ۲ (نیز ل، ۳، پ) ۱۴- س، ۲: دارد: (ا: یبند) ۱۵- ق، ل: کسی (ا) ۱۶- ل، جا: س: آ: جای دارد (ا): (ا: داد رای) ۱۷- ل: رنج و آتش: ق: رنج آنکس: (و: رنجش آرید): متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸- س (نیز ل): همان: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹- ق: پادشایند: ک، ل ۲ (نیز ل، و): پادشایید: (ن: آ: پادهیدا) ۲۰- س، ۲: آ: کرد اندر آن: (ق: آ: گرد آید از: ن: آ: بر دارد از) ۲۲- (ل: خورند و دهند: آ: دهید و خورید) ۲۳- ق، س، ۲ (نیز ق: آ، ب): آنج: ل ۲ (نیز ل، ۳، پ): آنکه: (و، ن: آ: آنچه): متن = ل، س، ک (نیز ل، ن، ا) ۲۴- (ل: دارند) ۲۵- س، ک (نیز ل، و، ن، ل، ق): نخواهید نیز: ل: نخواهد نیز (ا): (آ، ب: نخواهید نیز: ل: ندارند خواهید نیز: ل: نیز ق: آ، پ): همان (پ: هر آن) کز شما هست درویش نیز: ق: ندارد ز خم پوشش و خورد نیز: متن = س ۲ (نیز ل ۳) ۲۶- ل ۲ (نیز ل، ل، ا، ب): شارسان ۲۷- (ا: بر) ۲۸- س، ۲: داشت ۲۹- ک: نه از: (ل: کزان) ۳۰- س: آ: کزان رنج داشت: ل، ق، ۲، ب، و این بیت را ندارند ۳۱- س ۲ (نیز ق: آ): فرمود: متن = ده دستنویس دیگر ۳۲- س: آ: دهندش همان چیز: (و: بیاید بخواهند): متن = ده دستنویس دیگر: ل، ق، پ این بیت را ندارند و در ق ۲، و پس از این بیت سپس آمده است ۳۳- س: بیاید: در ل بی نقطه: (ق: آ: نیاید: پ: نیاید): متن = ده دستنویس دیگر ۳۴- س: آ: چو آید خود و ۳۵- ل ۳: بیاید: (ق: آ: ستاند: ل: بیاید: ل: آ: بخواهد): ک: زود یابد: (و: قوت یابد): متن = ل، س، ق، س، ۲ (نیز ل، ن، پ، ن، ا، آ، ب): ق: پس از این بیت افزوده است: برین داستان بر سخن شد به بن همی تا توانی تو نیکی بکن ۳۶- ل: خواهد: س (نیز ل، ق): بخواند: متن = یازده دستنویس دیگر ۳۷- ل ۲ (نیز ق، آ، پ، ا): بر او: (ل، ۳، ا، ن: آ: بدان): متن = ل، س، ک، س، ۲ (نیز ل، ن، و، ب) ۳۸- (و: بکوشد) ۳۹- س: آ: بگویند کاباد: ق این بیت را ندارد

گر ایدونک^۱ زینسان^۲ بود پادشا به از دانشومند^۳ ناپاراسا

داستان بهرام چوبین با خاقان چین^۳

مرا سال بگذشت بر شست^۴ و پنج
 مگر بهره^۵ برگیرم^۶ از پند خویش
 مرا بود نوبت، برفت آن جوان
 ۲۱۸۵ شتابمهی تا مگر یابمش
 که نوبت مرا بود^{۱۳}، بی کام من
 ز بدها تو بودی مرا دستگیر
 مگر همهران جوان یافتی
 جوان را چو شد سال برسی وهفت^{۱۸}
 ۲۱۹۰ همی بود همواره با من درشت
 برفت و غم و رنجش ایدر^{۲۱} بماند
 کنون او سوی روشنایی رسید^{۲۲}
 برآمد چنین روزگاری^{۲۴} دراز
 همانا مرا چشم داردهمی!

نه^۵ نیکو بود گر بیازم^۶ به گنج!
 برانديشم از مرگ فرزند خویش!
 ز دردش منم^۹ چون تنی^{۱۰} بی روان!
 چو یابم^{۱۱}، به پیغاره بشتابمش^{۱۲}،
 چرا رفتی و بردی آرام من؟!
 چرا چاره جستی^{۱۴} ز همراو^{۱۵} پیر؟!
 که از پیش من تیز^{۱۶} بشتافتی^{۱۷}؟!
 نه بر^{۱۹} آرزو یافت گیتی، برفت^{۲۰}!
 برآشفت و یکباره بنمود پشت!
 دل و دیدهی من به خون درنشاندا
 پدر را همی جای^{۲۳} خواهد گزیدا
 کزان^{۲۵} همهران^{۲۶} کس نگشند باز!
 ز دیر آمدن خشم داردهمی!

۱- (لی: که) ۲- ک: چونین؛ س: ازینسان؛ ق: این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۱۷۰-۲۱۸۱): و امر منادیا فنادی فی رعیته بالالتجاء إلی ظل عنایته، و استمطار سحاب نعمته، و الترفه فی کف رحمته، و الاستظهار علی نواب الزمان بقوة سعادتہ؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

کنون بشنو ای مرد با داد و دین که چون دل نداری به دشمن به کین

۳- س: ل: ۲: مرثیت (ل: مرثیه) گفتن فردوسی فرزند (ل: ۲: پسر) خویش را؛ ق: گفتار حکیم فردوسی در مرثیه پسرش رحیم الله؛ س: ۳: تخلص به تربت پسر خود گوید؛ ک: س: نویس ندارد؛ متن = ل: ۴- س: ق: ک: س: ۲ (نیز ل: ۳، پ: و، ا، ب): شصت؛ متن = ل: ۲ (نیز ل: ۱، ق: ۲، لی: ل: ۱) ۵- (ق: ۲: چه) ۶- ل: ق: س: ۲ (نیز ل: ۱، ب): بنازیم؛ ل: ۲: نیارم؛ (ق: ۲: و، بنازیم (در و حرف دوم بی نقطه)؛ ل: ۲: نیازم)؛ در س حرفهای یکم و دوم بی نقطه؛ متن = ک: (نیز لی: پ: ا) ۷- ل: ۸- (ق: ۲: ل: ۸: بهره (l)) ۸- (ق: ۲: ل: ۸: بهره گیرم) ۹- (ق: ۲: کنون مانده ام) ۱۰- ل: ۱۰- س: ۲ (نیز لی: ل: ۳، و، ل: ۲، ا): تن؛ متن = س: ل: ۲ (نیز ل: ۱، ق: ۲، پ: ب) ۱۱- س: ۱۱- س: ۱۲- ل: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، ب): بشتابمش؛ متن = ده دستویس دیگر (در ل: س، و حرف یکم بی نقطه) ۱۳- ق: س: ۱۳- پ: بد تو؛ (ا: کنون وقتی از من تو)؛ متن = دو ازده دستویس دیگر ۱۴- س: همی راه جستم؛ ق: ل: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، و): چرا راه جستی؛ ک: رهایی چه جستی؛ س: ۱۱- رهایی بجستی؛ (ل: ل: ۱، ا: ۲، ب: همی راه جستی)؛ متن = ل: (نیز پ) ۱۵- (ب: همواره) ۱۶- ل: ۱۶- (نیز ل: ۱، و): نیز؛ در ل: آ حرف یکم بی نقطه ۱۷- ق: که از من چنین روی برتافتی ۱۸- س: ۲: بیست و هفت (ب: سی و هشت) ۱۹- س: ۲: از ۲۰- س: ۲: گیتی و رفت؛ (و: نیرسید ازین پیر تنها برفت) ۲۱- ل: ۲ (نیز ا): اندر؛ در س بی نقطه؛ س: ۲: رنجم ایدر؛ (ق: ۲: دردش ایدر؛ و، ل: ۲: درد و رنجش)؛ متن = ل: ق: ک: (نیز ل: ۱، ل: ۳، پ: ب) ۲۲- ل: ۲: گزید ۲۳- س: چاره؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲۴- ل: س: ۲ (نیز و، ل: ۲): روزگار؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۵- ک: بران؛ (ب: کزین) ۲۶- (و: رفتگان)

۲۱۹۵ وُرا^۱ سال سی بُد^۲، مرا شست و هفت^۳
وی اندر شتاب و من اندر درنگ
روان تو دارنده روشن کناد!
همی خواهم از دادگر کردگار^{۱۰}
که یکسر ببخشد گناه وُرا^{۱۳}!

نرسید^۴ ازین^۵ پیر و^۶ تنها برفت^۷!
ز کردارها تا چه آید^۸ به چنگ!
خرد پیش جان^۹ تو جوشن کناد!
ز روزی ده^{۱۱} پاک پروردگار^{۱۲}،
درخشان کند تیره ماه^{۱۴} وُرا^{۱۳}!

آغاز داستان^{۱۵}

۲۲۰۰ کنون داستان‌های دیرینه گوی
که چون او سوی شهر^{۱۶} ترکان رسید
ز گردان^{۱۸} بیدار دل ده هزار^{۱۹}
پسر با برادرش^{۲۱} پیش اندرون
چُن^{۲۲} آمد بر تختِ خاقان فراز

سُخُن‌های بهرام چوبینه گوی،
بنزد دلیر و بزرگان^{۱۷} رسید،
پذیره شدنش گزیده سوار^{۲۰}،
ابا هر یکی موبدی رهنمون
برو^{۲۳} آفرین کرد و بردش نماز،

۱- (آ: ترا) ۲- ق: بد سی ۳- س، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ۳، پ، و، ب): شصت و هفت؛ (آ: شصت و هشت)؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز ل، ن، ۲، ق، ل، ن، ۲)
۴- ل، ک (نیز ق، ۲، پ): بترسید (در ق ۲ حرف دوم بی نقطه)؛ متن = س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ن، ل، ل، ۳، ن، ۲، ب) ۵- ل: زین؛ متن = دوازده
دستنویس دیگر ۶- ق، ل، ۲ (نیز ق، ۲، ن، ۲، پیر؛ ل، ۲، نیز) ۷- (و: نه بر آرزو یافت گیتی برفت (= ۲۱۸۹ ب): آ: مراجام داد و تو تابوت و
دشت) ۸- ک: آرد؛ س، ۲: یابی؛ ل، ۳ پس از این بیت افزوده است:

سرآید به من بی گمان گفت و گو
اگر من شوم زود نزدیک او
سوی آن جهان چون گزیدی سفر
... (؟) رفته و خسته جان پدر

۹- (آ: مغز)؛ در و، ن، ۲ این بیت پس از بیت ۲۱۹۹ آمده است ۱۰- ل: کردگار جهان؛ (لی، پ، و، ن، ۲، آ: داور کردگار؛ ل، ۳: دادگر یک
خدای)؛ متن = س، س، ۲ (نیز ل، ن، ۲، ق، ۲، ب) ۱۱- س، ک، ل، ۲ (نیز ل، ن، پ، ب): روزی ده و متن = ل، ق، س، ۲ (نیز ل، ۳، و، ن، ۲، آ: آشکار و
نهان؛ ل، ۳: داور رهنمای)؛ متن = بازده دستنویس دیگر؛ (ق، ۲: ز دارنده چرخ و هم روزگار؛ لی: که روزی ده اویست و پروردگار)
۱۳- ل، ک، ل، ۲، ۲ (نیز پ، و، ب): مرا؛ (ق، ۲، نیز ل، ۳، آ: ترا؛ متن = س (نیز ل، ن، ق، ۲، لی، ل، ۲) ۱۴- (نیز ل، ۳): گاه؛ س، ۲: راه؛ متن = دوازده
دستنویس دیگر؛ بنداری بیت‌های ۲۱۸۲-۲۱۹۹ را ندارد؛ ک، س، ۲، ق، ۳ پس از بیت ۲۱۹۹ و ل، ۳ پس از بیت ۲۱۹۷ افزوده‌اند:

ک، س، ۲، ل، ۳: چنانم ز مرگت برنج ای پسر
کجا بود خسرو (ل، ۳: برده خسته) ز مرگ پدر
ق، ۲: به مینو روانش پر از نور باد
همه شاد جانش ز بد دور باد

۱۵- س: داستان بهرام چوبینه در ترکستان با خاقان چین؛ ق: حال بهرام چوبینه در ترکستان و عهد خاقان با او؛ ک: رفتن بهرام پیش
خاقان؛ ل، ۲: حدیث بهرام چوبین و خُزاد برزین در ترکستان؛ س، ۲: داستان بهرام با خاقان چین؛ متن = ل (نیز ل، ن، پ) ۱۶- ق، س، ۲: که او
چون سوی شاه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷- ک: دلاور بزرگان؛ (ل، ۳: دلیران و گردان؛ پ: سران و بزرگان)؛ ق: بنزدیک شهر
بزرگان؛ س، ۲: بنزدیک توران بزرگان؛ (ق، ۲: بجای دلیران و شیران)؛ متن = ل، س، ل، ۲ (نیز ل، ن، ل، و، ن، ۲، آ، ب) ۱۸- ق: مردان؛ (و: ترکان)
۱۹- س، ق (نیز لی): دو هزار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰- ق: به ره بر بدیدنش گرد و سوار؛ درک سوار به پیش یکم ۲۱- س، ق،
س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، و، آ): برادر به؛ متن = ل، ک، ل، ۲ (نیز ل، ۳، پ، ن، ۲، ب؛ بنداری (۲۲۰۰-۲۲۰۳): قال: و سار چوبین من الری قاصدا قصد
الخاقان. و لما قرب منه أمر فقتله عشرة آلاف نفس من أعيان الثورانيين، وأدخلوه إلى بلادهم بأنهم إغظام وأوفر إكرام ۲۲- ل، س، ۲ (نیز
ل، ن، ۲، ب): چو؛ متن = (۲) ۲۳- (لی: بدو)

ببوسید^۱ و بسترده^۲ رویش^۳ به دست،
 ز کار^۴ و ز پیگار شاه و سپاه^۵،
 بپرسید و^۶ خُزاد بُرزینه^{۱۱} را
 گرفت آن زمان^{۱۳} دست خاقان به دست،
 سپهدارِ ترکان و سالارِ چین^{۱۴}،
 نباشد کسی ایمن اندر نهان:
 تن آسان زید^{۲۰}، رنج^{۲۱} بفزایدش^{۲۲}!
 به هر نیک و بد دست گیری مرا،
 به هر نیک و بد غمگسار توام^{۲۷}!
 زمین را سراسر به پی^{۲۹} بستم،
 از ایدر شوم سوی^{۳۲} هندوستان!
 بدین روز^{۳۳} هرگز مبادت نیاز!
 چه پیوند، برتر ز^{۳۴} فرزند خویش!
 اگر کهترانند، اگر مهترند^{۳۶}،
 هم از مهتران^{۳۷} بی نیازی دهم!

۲۲۰۵ چو خاقان ورا دید بر پای جست
 بپرسید بسیاریش^۴ از رنج راه^۵
 هم^۸ ایزدگسب^۹ و یلان سینه را
 چو بهرام بر تختِ سیمین^{۱۲} نشست
 بدو گفت کای مهتر بافرین
 ۲۲۱۰ تو^{۱۵} دانی که از شهریار جهان^{۱۶}
 برآساید^{۱۷} از گنج^{۱۸}، بگزایدش^{۱۹}!
 گر ایدونک^{۲۳} اندر^{۲۴} پذیری مرا
 بدین مرز بی یار^{۲۵} یار توام^{۲۶}
 وگر هیچ رنج^{۲۸} آیدت بگذرم
 ۲۲۱۵ گر^{۳۰} ایدونک^{۳۱} باشی تو همداستان
 بدو گفت خاقان که ای سرفراز
 بدارم ترا همچو پیوند خویش!
 همه بوم با من بدین یاورند^{۳۵}
 ترا بر سران سرفرازی دهم!

۱-ل.ق.ل^۲ (نیز پ. و.ن.آ): بپرسید؛ متن = س.ک.س^۳ (نیز ن.ن.ل.آ.ب) ۲-ل.ق.ل (نیز ل.آ): بیود؛ (ن.آ: بپرد)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳-ل: دستش؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۴-س (نیز ل.ی): بسیار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵-و: بپرسیدش از رنج راه دراز) ع.س.ک.ل.آ.س^۶ (نیز ل.ن.ی.ل.ل.آ.و.ب): جنگ؛ (ق.آ.ب: رنج)؛ متن = ل.ن.کار[۷] -و: (آن سرفراز)؛ ق این بیت را ندارد ۸-س^۸ (نیز ب.): چو ۹-ق: آذرگسب ۱۰-ل.س^{۱۰} (نیز و.ن.آ.آ): جوع؛ متن = (ن.پ.ب) ۱۱-ق: دیرینه؛ س: خُزاد و برزینه؛ ل.آ: گرگان بی کینه؛ (ق.آ: از کار دیرینه؛ و: یاران دیرینه)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری (۲۲۰۸-۲۲۰۴): و لما مثل بین یدی تخت الخاقان قام الیه و اعتنقه و قبل وجهه و أجلسه علی تخته معه (۲۲۰۶ و ۲۲۰۷ را ندارد) ۱۲-ک (نیز ق.آ): زرین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳-س.ق.ل.آ.س^{۱۳} (نیز ن.ن.ی.ب): آنگهی؛ ک (نیز پ.آ): آشنا (؟)؛ متن = ل (نیز ق.آ.و.ن.آ) ۱۴-س-س^{۱۴} (نیز ن.ی.ب): سپهدار و سالار (آ: سالار و ترکان و (ل.آ.س.ن.آ.ن.ل.آ.آ): جوع؛ ب: بهرام و) چین؛ متن = ل (نیز ق.آ) ۱۵-ق: (آ: که) ۱۶-ق: مهان ۱۷-آ: ترا شاید جبر آساید) ۱۸-ل: گنج و س.ل.آ.س^{۱۸} (نیز ل.ی.پ.آ.ب): رنج و؛ (ن.ن.ق.و.ن.آ: رنج)؛ متن = ک ۱۹-در.س.ا: حرفهای یکم و سوم، در ل.و حرف سوم بی نقطه ۲۰-ل: کند؛ ل.آ: زند (ج.زید)؛ ل.ی: آ: بود؛ ک: تن آسانی از؛ (ق.آ: چو آسان زید؛ و: شناسان بود)؛ متن = س.س^{۲۱} (نیز ن.پ.ن.آ.ب) ۲۱-ل.ی: گنج) ۲۲-در ل حرف یکم بی نقطه؛ (ل.ی: بگزایدش)؛ ق.ل.ق این بیت را ندارند ۲۳-ل.ی.ل.آ: (که) ۲۴-ب: (ب: ایدر) ۲۵-ق: (ب: بارز) ۲۶-س (نیز ن.ن.ب): یارم تویی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷-س (نیز ن.ب.): غمگسارم تویی؛ (ل.آ: دستیار توام)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل.ی این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۲۱۳-۲۲۰۹): فقال له جوبین: أیها الملک! انی دخلت علیک معترضاً الیک و معترضاً بحبلک. فان کنت تقبلنی فأعلمنی حتی ألام حضرتک، و أندرغ ملابس عبودیتک ۲۸-ل.ن.ن.زنگ) ۲۹-ل.آ: همه ۳۰-س^{۳۰} (نیز ق.آ): ور؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۱-ل.ی.ل.آ.ب: (که) ۳۲-ل: تا به؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: و ان لم تقبلنی تجاوزت بلادک و دخلت الی بلاد الیهند ۳۳-ل.ی: (گونه)؛ بنداری: فقال الخاقان: معاذ الله أن أحوجک الی ذلک! ۳۴-ق: آ: برسان؛ ن: آ: بل همچو؛ آ: ندارم جدایی ز) ۳۵-ل.آ: باورند؛ در ق.آ. و حرف یکم بی نقطه ۳۶-ب: و گر مهترند؛ ق: مهترانند اگر کهترند؛ (ن.آ: کهترند و اگر مهترند؛ آ: کهترند و گر مهترند!)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ در ل.آ: لت های این بیت پس و پیش شده اند ۳۷-س^{۳۷}: مهتری؛ (و: کهتران)؛ ل.آ این بیت را ندارد

زبان^۳ بود^۴، بر جان او بند^۵ خواست!
که هست او مرا و ترا رهنمای^۷،
به هر نیک و بد غمگسار^۹ توام!

۲۲۲۰ بدین^۱ نیز^۲ بهرام سوگند خواست!
بدو گفت خاقان: به برترخدای^۶
که تا زنده‌ام، ویژه^۸ یار توام!

ز هر گونه‌یی جامه‌ها^{۱۲} خواستند،
ز چیزی که بایست گسترده^{۱۴}،
ز دینار^{۱۶} و از^{۱۷} گوهر نامدار^{۱۸}،
درخشنده شد جان تاریک اوی^{۲۰}!
نرفتی^{۲۳}، مگر کو بُدی غمگسار!
همی خواند^{۲۶} بهرام را آفرین!

وژان^{۱۰} پس دو^{۱۱} ایوان بیاراستند
پرستنده و^{۱۳} پوشش و خوردنی
۲۲۲۵ ز سیمین و زرین^{۱۵} که آید بکار
فرستاد خاقان بنزدیک^{۱۹} اوی^{۲۰}
به چوگان و^{۲۱} مجلس به دشت^{۲۲} شکار
برین^{۲۴} گونه‌بر^{۲۵} بود خاقان چین

به رزم‌اندرون دست‌بردار^{۲۹} اوی^{۲۸}،
که خاقان ازو یافتی نام و کام^{۳۲}،
دو لب را به انگشت خود برزدی،

یکی نام‌بردار^{۳۷} بُد یار اوی^{۳۸}
۲۲۳۰ ازو مِه به گوهر^{۳۰} مغاتوره^{۳۱} نام
به شبگیر نزدیک خاقان شدی

۱-س، ک، ل (نیز و، ل، ن، ب): برین؛ (لن: بر)؛ متن = ل، ق، س (نیز ق، ی، آ) ۲-در ل حرفهای یکم و دوم بی نقطه ۳-ل، ۲، س (نیز پ): روان (→ زوان؟)؛ (لن: زفان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴-س (نیز ق، ی): بود و ۵-در ل حرفهای یکم و دوم بی نقطه؛ ک: جان و پیوند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۶-ل: خدا؛ ق: به نام خدای؛ ل: که برترسرای (!) ۷-ل: رهنما ۸-ق (نیز: ق): دوستدار؛ (آ: رازدار)؛ ک: به هر کار من غمگسار؛ (و، ل، ن، ی): همان چاکر و دوستدار؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری (۲۲۲۲-۲۲۱۷): و حلف بالایمان المفلظة أنه ما عاش یواسیه، و یسی فی تحصیل مطالبه و تنجیز امانیه، و یكون له معاضدا و مساعداف فی جمیع ما یریده و یبغیه ۱۰-ل (نیز ق، ی): از آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱-ل (لن: در) ۱۲-ل، ل، آ: جامه؛ (و، ل، ن، ی): گوهران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳-ق (نیز: ب): بر دنداز؛ (پرستنده) ۱۴-آ: آوردنی ۱۵-س (نیز پ): ز شمشیر و از زین؛ (و، ل، ن، ی): ز زرین و سیمین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶-پ (دیبا) ۱۷-ل، ق، ک (نیز ل، و، ل، ن، ی): وز؛ متن = س، ل، ۲، س (نیز ق، ی، ب) ۱۸-ل، ق (نیز ق، ی، و، ل، ن، ی): شاهوار؛ متن = س، ک، ل، ۲، س (نیز ل، ی، پ، ب) ۱۹-ق (بسیار نزدیک) ۲۰-ل، ک (نیز ل، آ، ب): او؛ متن = س، ل، ۲، س (نیز ل، ن، ق، ی، پ، ل، ن، ی)؛ بنداری (۲۲۲۶-۲۲۲۳): فامر فزینواله ایوانین و رتواله فیهما جمیع ما یحتاج الیه من الذهبیاب و الفضیات و الخیل و الأسلحة و الجواری و الغلمان ۲۱-ق (نیز: ب): به خوان (و) ۲۲-س، ک، ل، آ، س (نیز ل، ی، ل، ن، ی): دشت و؛ متن = ل، ق (نیز ل، ن، ق، ی، و، ل، ن، ی): برفتی؛ در ل، س حرف یکم بی نقطه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴-ل (نیز: بدین) ۲۵-ق (نیز: پ، و، ل، ن، ی) (می) ۲۶-ک: خواست؛ (ل، ن، ی): کرد؛ بنداری؛ و اعنتی بأمره و شغف به فکان لا یصبر عنه ساعة و لا یفارقة لحظة؛ ک پس از بیت ۲۲۲۸ افزوده است:

ز مردیش هر گونه بررسید
مرو را به مردیش همتا ندید

۲۷-س، ل (نیز ل، ن، ی، ل، و، ل، ن، آ، ب): نامداری که؛ متن = ل، س (نیز ق، ی، آ) ۲۸-ل، س، ق (نیز ل، آ، ب): او؛ متن = ک، ل، ۲، س (نیز ل، ن، ق، ی، پ، و، ل، ن، ی) ۲۹-س، ک (نیز ل، ن، ی): نامبردار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰-ق (نیز: یکی باگوهر بد) ۳۱-ل: مغاتوزه؛ (س (نیز ق، ی، ب): مغاتوره؛ ق: مقابوره؛ س: مغاتوره؛ (ل، ن، ی): و؛ مغاتوره؛ ل، ن، ی: مقاتور)؛ متن = ک، ل، ۲، بنداری ۳۲-نام و کام → ژیزوکام؟؛ بنداری: قال: و کان فی خدمة الخاقان رجل شجاع یسمى مغاتوره لم یکن له فی جمیع عساکره فی الشجاعة ثان، و لا له عن الاستیلاء علی قصب السبق فی مضمار الرجولية ثان

بران^۳ نامبردار^۴ سالار^۵ چین،
 ز گنج جهان‌دیده نامدار^۸
 به خاقان همی کرد خیره^{۱۰} نگاه،
 توی^{۱۴} بر میهان جهان^{۱۵} ارجمند^{۱۶}،
 چنن^{۱۸} ترک^{۱۹} دینار خواهد^{۲۰} هزار،
 همه بهر او زر^{۲۱} کانی^{۲۳} بود!
 چنن^{۲۵} ست و^{۲۶} افروزش^{۲۶} دین^{۲۶} ما^{۲۶}،
 به هنگام سختی درنگی ترست،
 -همی از ورزد، نه راه نیاز^{۲۸}!
 به دینار خوانیم بر وی فسون^{۳۱}!
 ز لشکر شود روز روشن سپاه^{۳۲}!
 تو کردی ورا چیره^{۳۳} بر خویشتن!

بران^۱ سان که کهر کند^۲ آفرین
 همانگه ز^۶ دینار بردی^۷ هزار
 همی دید^۹ بهرام یک چند گاه
 ۲۲۳۵ ببیچید^{۱۱} یک روز و^{۱۲} گفت: ای بلند^{۱۳}
 به هر بامدادی^{۱۷} به هنگام بار
 ببخشیش، اگر^{۲۱} بیستگانی^{۲۲} بود
 بدو گفت خاقان که آیین^{۲۲} ما^{۲۲}
 که^{۲۷} از ما هر آنکس که جنگی ترست
 ۲۲۴۰ چو خواهد فزونی، نداریم باز
 فزونی مرو^{۲۹} راست بر ما^{۳۰} کنون
 چو زو بازگیرم، بجوشد سپاه
 جهانجوی گفت: ای سر انجمن

۱- (لی: بدان) ۲- ک: کنند؛ (آ: برنیزان ز کهر بدی) ۳- (لی: آ: بدان) ۴- س: (نیز آ: نامداران و؛ ل: ۲: نیز لی، ب: نامداران؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵- (ل: خاقان) ع: ک، س: ۲: (نیز ق: ۲، ل: ۳- آ: همانگاه؛ ب: همانگاه ز؛ متن = ل، س، ل: ۲: نیز لی، ل: ۷- (آ: بودی) ۸- ق، س: ۲: (نیز ق: ۲) شهریار؛ (ل: جهاندار آن نامدار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری (۲۲۳۱-۲۲۳۳): وکان من عادهت آن یدخل کل صیحة علی الخاقان فیخدم و یقف، و یقدم الیه من الخزانه ألف دینار ۹- (نیز ل: ۳): بود ۱۰- س: (نیز لی: چندی؛ ق: نیز آ): همی کرد خیره به خاقان؛ (ق: ۲): که خاقان همی کرد هر سو؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: وکان بهرام یری ذلک و یتعجب منه الی أن مضی علی ذلک زمان ۱۱- س، ک، ل: ۲: (نیز لن، لی، ل: ۳، و: ب): بختدید (ع: بنداری؛ ق: ۲: بیسید)؛ متن = ل، ق، س: ۲: (نیز پ: ۱۲- ل، ق: نیز لن، ق: ۲، لی، پ: ب): چو؛ متن = س، ک، ل: ۲، س: ۲: (نیز ل: ۳) ۱۳- (ل: ۲: پدر) ۱۴- س: ب: تویی؛ متن = ل ۱۵- ک: در میان مهان؛ (ل: در جهان بر مهان؛ لی: بر جهان جهان)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶- (ل: ۲: دادگر) ۱۷- س: ۲: بامداد (ل: ۱)؛ (ل: ق: ۲: ب: نامداری) ۱۸- (ل: ۲: چو ای) ۱۹- ل: ۱۹- (نیز ل: ۳) مرد؛ س: ۲: (نیز پ: هدیه؛ متن = یازده دستنویس دیگر (ع: بنداری) ۲۰- س، ک، ل: ۲، س: ۲: (نیز لن، لی، پ، آ: باید (س بی نقطه)؛ (ق: ۲، ل: ۳، ب: یابد)؛ متن = ل، ق: (نیز و، ن: ۲)؛ بنداری: فضحک ذات یوم و قال للخاقان: ما بال هذا التركي یدخل کل یوم و یأخذ ألف دینار؟ ۲۱- ل: ببخشش کزین؛ ک: (نیز و، ن: ۲)؛ ببخشش اگر؛ (ق: ۲: ببخشش اگر؛ لی: بجشش گر؛ ل: ۲: ببخشش وگر؛ پ: ببخشش کز؛ ب: بجشش اگر)؛ متن = س، ل: ۲، س: ۲: (نیز لن) ۲۲- ل: نیت کانی (ع: بیستگانی)؛ س: ۲: بیشه کانی؛ (ل: ۳، و: دوستگانی؛ لن: ۲، ب: بیشکانی)؛ متن = ل، س، ک: (نیز لن، ق: ۲، لی، پ) ۲۳- ل: (نیز ق: ۲): زندگانی؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: آیین بیت را ندارند؛ بنداری: آیاخذ ذلک ایها الملك؛ کما تؤخذ الأرزاق و العشرینات أم هو جار مجری الصلوات و الهیات؟ ۲۴- س: ۲: (نیز پ): من ۲۵- ل، ل، ق: (نیز ق: ۲، ل: ۳): چو؛ س: ۲: همینست و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶- ل: افروزش (ع: افروزش)؛ (ل: ۳: آرایش)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷- س: گر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۸- ل: ز مردان رزم آور جنگ ساز؛ ق: همین ورزد او نه ز راه دراز (ل: ۱)؛ ک: (نیز ق: ۲، و): همه از (و: ناز) ورزد نه راه نیاز (ق: ۲: دراز)؛ (ل: ۳): همی از فزونی نه راه نیاز؛ لن: ۲: همی آرزو زر (ع: آرزو ورزد)؛ بروز دراز؛ آ: همی ورزد او نه ز راه نیاز)؛ متن = س، ل: ۲، س: ۲: (نیز لن، لی، پ، ب: نیز ع: ک)؛ بنداری: فقال: إن هذا رسمنا فیمن کان من أصحابنا أشجع، و فی مستقم الموت أئبت؛ ل: پس از بیت ۲۲۴۰ افزوده است:

چنین ترک دینار باید هزار (ع ۱۲۳۶ ب)

همی آرزو زد (ع: آرزو ورزد)؛ نه راه دراز

۲۹- (و: چو او) ۳۰- س: آ: ما را ۳۱- (ب: فزون) آ: آیین بیت را ندارد ۳۲- (آ: همی جوشش آید به ما)؛ بنداری: و هذا الرجل إن لم نعامله بماتری کل یوم لم نأمن شره و معرفته ۳۳- س، ل: ۲، س: ۲: (نیز لن، لی، ل: ۳، و: ب): خیره؛ درل، ق: ۲، آ: ب: حرف یکم بی نقطه؛ متن = ق، ک: (نیز پ، و)

چو باشد جهاندار بیدار و^۱ گرد
 ۲۲۴۵ اگر^۳ زو رهانم ترا شایدت؟^۴
 بدو گفت خاقان که فرمان^۷ تراست!
 مرا گر توانی رهانید^۹ ازوی^{۱۰}
 بدو^{۱۳} گفت بهرام کاکنون^{۱۴} بگاه^{۱۵}
 مخند و^{۱۹} برو^{۲۰} هیچ مگشای^{۲۱} چشم^{۲۲}!

عنان^۲ را به کهنتر نباید سپردا
 وگر ویژه آزر^۵م او بایدت؟^۶
 بدین آرزو رای و پیمان^۷ تراست!^۸
 سر آورده باشی همه^{۱۱} گفت وگویی^{۱۲}!
 چُن آید^{۱۶} مغاتوره^{۱۷} دینارخواه^{۱۸}،
 مده پاسخش^{۲۳}، گر^{۲۴} دهی جز^{۲۵} به خشم^{۲۶}!

۲۲۵۰ گذشت آن شب و بامداد پگاه
 جهاندار^{۳۰} خاقان بدو ننگرید^{۳۱}
 ز خاقان مغاتوره^{۳۳} آمد به خشم
 به خاقان چنین گفت کای نامدار
 همانا^{۳۷} که این مهتر پارسی
 ۲۲۵۵ بکوشده می تا بیچی^{۳۹} ز داد

بیامد^{۲۷} مغاتوره^{۲۸} نزدیک شاه^{۲۹}،
 نه^{۳۲} گفتار آن ترکی جنگی شنید!
 یکایک برآشت^{۳۴} و بگشاد^{۳۵} چشم،
 چرا گشتم امروز پیش^{۳۶} تو خوار؟
 که آمد بدین مرز^{۳۸} با یار سی،
 سپاه ترا داد خواهد به باد!

۱-ل: آ: بیدار؛ (ن: بیداد؛ ل: ب: جهاندار و بیدار و)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-۲: آ: جهان؛ بنداری: فقال: أنت سلطت هذا العبد
 علی نفسک حتی طمع کذلک فیک ۳-ک: وگر ۴- (آ: شاید) ۵-ل: س، س ۶- (نیز ن-ن، پ-ن، ۲: ب): آزر^۵م (ح-آزر^۵م)؛ ق: آرام؛ ل: آ: آرم
 بر؛ متن = ک: (نیز و، ۱) ۶- (آ: بیداری)؛ بنداری: فماریک فی آن أخلصک منه؟ ۷-ل: ۲ (نیز ن، ب): پیمان-فرمان ۸- (و: چنان کن بدین
 آرزو کت هراست) ۹-ل: رهانی؛ ل: ۲: توانید رهانید؛ متن = سیرده دستنویس دیگر ۱۰-ق: او ۱۱-ل: همی؛ متن = س-ب ۱۲-ل:
 گفتگوی؛ ق: گفتگو؛ (و: گفت وگو)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقال: إن فعلت ذلک فقد أرحمتی ۱۳- (و: چنین) ۱۴-س،
 ک: (نیز ل، ب): فردا؛ (ن: اکنون)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵-ل: ۲ (نگاه: ۱) ۱۶-ل: س، ق، ل، ۲: آ (نیز ن-ن، ۲: ب): چو آید؛ ک: بیامد؛
 متن = (۱) ۱۷-ل: مغاتوزه؛ س، ل، ۲: س ۲ (نیز ق ۲، ل، ۲، ل، ۲: ب): مغاتوره؛ ق (نیز ن، ل، ۲: ب، و): مغاتوره؛ (آ: مغاتوزه)؛ متن = ک ۱۸-ق: در
 پیش شاه؛ ک، ل: ۲: نزدیک شاه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹-ل: (نیز پ): بخند و (در ل حرف یکم بی نقطه)؛ ق: مجنب و؛ (آ:
 بخنده)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- (ل: ۲: بدو) ۲۱-ق: مگمار ۲۲- (ن: ل: ۲: چهر) ۲۳-ل: پاسخ و؛ متن = سیزده دستنویس دیگر
 ۲۴-ق: (نیز ق: ۲)؛ ور ۲۵-س: آ: رو؛ (ق: ۲: هم: ب: پرز) ۲۶- (ن: مهر؛ ل: ۲: او را هم از روی مهر)؛ در آلت های این بیت پس و پیش شده اند؛
 بنداری: فقال: غدا اذا دخل علیک فلا ترفع به رأسا، ولا ترد له جوابا؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

سخن هر چه گوید ازو نشنوند
 مفرمای کو را ز چیزی دهند

۲۷-ق، ک، ل: ۲: چو آمد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-ل: (نیز ل: ۳)؛ مغاتوزه؛ س، س ۲ (نیز ق ۲، ل، ۲، ل، ۲: ب): مغاتوره؛ ق (نیز ن، پ، و):
 مغاتوره؛ (آ: مغاتوزه)؛ متن = ک: بنداری ۲۹-س، ک، س ۲ (نیز ن-ن، ب): دینارخواه؛ متن = ل، ق، ل، ۲؛ بنداری: قال: فلما أصبح الخاقان و دخل
 علیه الناس حضر مغاتوره، و خدم ۳۰- (ن: ۲: جهاندریده) ۳۱-ل: ۲ (نیز ل، ۲: ب): بنگرید؛ در ل حرفهای یکم و دوم بی نقطه؛ متن = یازده
 دستنویس دیگر ۳۲- (آ: چو)؛ در ک این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بنداری: فلم یلتفت الیه الخاقان، و لم یبال به ۳۳-ل:
 مغاتوزه؛ س، ل، ۲: س ۲ (نیز ق ۲، ل، ۲، ل، ۲، ل، ۲: ب): مغاتوره؛ ق (نیز ن، پ، و): مغاتوره (در و حرف دوم بی نقطه)؛ (آ: مغاتوزه)؛ متن = ک
 ۳۴- (آ: برفاتاد) ۳۵-س، ک: (نیز ن): نگشاد؛ در ل، ق، ق، و، آ، ب، حرف یکم بی نقطه؛ متن = ل، ۲: س ۲ (نیز ل، ل، ۲: ب، ن، ۲) ۳۶-س: ۲: نزد؛
 بنداری: فامتعض و التهب، و قال: أیها الملکک مالی أری الیوم ذلک القرب قد صار ازورارا، و طویل الکلام اختصارا ۳۷- (ل: ۳: از آنکه)
 ۳۸-ل: (نیز و): برین مرز؛ (ل: ۲: برزین)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۹-س، ل: ۲ (نیز ل، ب): بیچید؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛
 بنداری: و لست أشک أن هذا الفارسی الذی اتصل بک فی ثلاثین فارسا یرید أن یبذد شمل جنودک، و یفسد علیک قلوب رجالک

بیامد، یکی تیغ توری^۲ به چنگ!
 همان^۵ جوشن خسرو آرای خواست!
 بر آن شخ^۶ بی آب نهاده چنگ!^۴
 برفتند ترکان^۸ خاقان پرست^۱،
 که را پیشتر خواهد آمد زمان^{۱۲}!
 ز هامون به ابر اندر آورد گرد^{۱۴}!
 که اکنون ز مردی چه داری^{۱۵} به یاد!
 وگر^{۱۷} شیردل ترکی^{۱۸} خاقان پرست؟
 کجا پی تو افکنده بی این سَخُن^{۱۹}!
 دو زاغ کمان را به زه بر نهاده،
 چو شد غَزَق پیکانش^{۲۱}، بگشاد شست^{۲۲}،
 نسفت^{۲۵} آهن از^{۲۶} آهن آبدار^{۲۷}!
 که تا شد^{۲۸} مغاتور^{۲۹} از رزم^{۳۰} سیر^{۳۱}

مغاتور^۱ پوشید خفتان جنگ
 ۲۲۷۰ چو بهرام بشنید^۳ بالای خواست^۴!
 گزیدند جایی که هرگز پلنگ
 چو خاقان شنید این^۷ سَخُن بر نشست
 بدان کار تا زین^{۱۰} دو شیر دمان^{۱۱}
 مغاتور^{۱۳} چون شد به دشت نبرد
 ۲۲۷۵ به بهرام گردنکش آواز داد
 تو یازی بدین جنگ بر^{۱۶} پیش دست
 بدو گفت بهرام: پیشی تو کن!
 مغاتور^{۲۰} کرد از جهاندار یاد
 زه و تیر بگرفت شادان به دست
 ۲۲۸۰ بزد بر کمر بند^{۲۳} مرد^{۲۴} سوار
 زمانی همی بود بهرام دیر

۱-ل: مغاتورزه؛ س، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق ۲، ل، ۱، ۲، ل، ۲)؛ مغاتور؛ (ق: نیز ل، ۳، پ، و)؛ مغاتور؛ (آ: مغاتور؛) متن = ک ۲-ق (نیز ل ۳)؛ هندی؛ (آ: رومی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ پ این بیت را ندارند؛ بنداری: و لما أصبح التركي من الغد لبس خفتانه، و استل صمصامه، و حضر الميدان ۳-ل ۲ (نیز ق ۲)؛ چو بشنید بهرام ۳-۴: آ: دیدش ابر پای خاست ۵-ل: یکی؛ متن = س-ب ع-س-ل ۲ (نیز ل، ۱، ل، ۱، و، ب)؛ بران (س، ل، ۱، ل، ۱، ب)؛ بدان) دشت هامون (ک: هرگز) ترفتی به جنگ؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ق ۲، پ) ۷-ق-س ۲ (نیز ل، ۱، ۲، آ، ب)؛ آن؛ متن = ل، س (نیز ق ۲، و) ۸-ق (نیز آ: گردان ۹-ق، ل، ۱، ۲)؛ خسرو پرست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-ک، ل، ۲ (نیز و)؛ زان؛ (ق: بران کار تازان)؛ متن = ۱۱-س، ۲؛ زیان؛ (س: نیز ل)؛ بدان تا زین هر دو شیر زیان؛ (ق: نیز ل ۳)؛ بدان (ق: بدین) کار تا زان دو شیر زیان؛ متن = ل (نیز ل، ۱، پ، ل، ۲، ب) ۱۲-ق: بر سر آرد زیان؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: و لما علم جوبین بذلک لبس سلاحه و خرج و رکب الخاقان. فاختار اموضا للمبارزة و المقاتلة فصار اليه ۱۳-ل: مغاتورزه؛ س، ل، ۲، ۲ (نیز ق ۲، ل، ۱، ۲)؛ مغاتور؛ (ق: نیز ل، ۱، و، ب)؛ مغاتور؛ (آ: مغاتور؛) متن = ک (نیز ل ۲) ۱۴-ق (و: به بهرام گردنکش آواز کرد = ۱۲۷۵) ۱۵-ق (چ: داری ز مردی؛ و: بیا تا چه داری ز مردی)؛ در و لت های ۲۲۷۴ و ۲۲۷۵ درهم ریخته اند ۱۶-س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ۱، ب)؛ خواهی بدن (ل)؛ بد این؛ پ: بدین) جنگ را (س، ۲؛ در)؛ (ق: نیز ق ۲)؛ باشی بدین (ق: ۲؛ برین) جنگ بر؛ متن = ل (حرف یکم یازی بی نقطه) ۱۷-ل (ل)؛ و یا؛ ب: اگر) ۱۸-ق: مرد؛ (آ: تنددل مرد)؛ بنداری: و لما تقابلا قال التركي: بماذا نفتح في قتالنا؟ ۱۹-ک: زین سخن؛ ل: کزین سخنها فکندی به بن (ل)؛ س، ل ۲ (نیز ل، ۱، ل، ۲، ب)؛ که کینه (ل: ۲؛ اگر پی) تو افکندی از بن (ل)؛ ل، ۲، ب: (ابن: سخن؛ ق: نیز ق ۲)؛ که این بن (ق: ۲؛ پی) تو افکندی اندر سخن؛ س ۲ (نیز پ)؛ که این پی تو افکندی ای دو سخن؛ متن = (و، ل، ۲)؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فألقى قرنه اليه زمام الاختيار ۲۰-ل: مغاتورزه؛ س، ل ۲ (نیز ق ۲، ل، ۱، ۲، ل، ۲، ب)؛ مغاتور؛ (ق: نیز ل، ۱، و)؛ مغاتور؛ (پ: مغاتور؛ آ: مغاتور؛) متن = ک، س، ۲ ۲۱-ل ۲-آ: بیکام (ل)؛ غرقه پیکانش ۲۲-ق (ل، ۱، ۲)؛ (دست) ۲۳-ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ۱، ب)؛ کمرگاه؛ متن = ل، ک ۲۴-ق (آ: گرد) ۲۵-ک، ق (نیز آ: بسفت؛ در ل حرف یکم بی نقطه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶-و، آ: آن)؛ ک: آهنش ز ۲۷-س: تابدار؛ ل ۲ (نیز ل، ۱، ۲، ب)؛ نامدار؛ (ل)؛ تیر جوشن گزار؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق ۲، پ، و، ل، ۲) ۲۸-ل، ک، س، ۲ (نیز ل، ۱، ب)؛ باشد؛ (ق: آ: گرد)؛ متن = س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ۱، ۲) ۲۹-ل ۲-ق: مغاتورزه؛ س، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق ۲، ل، ۱، ۲، ب)؛ مغاتور؛ (ق: نیز ل، ۱، ۲، پ، و)؛ مغاتور؛ (آ: مغاتور؛) متن = ک، س، ۲ ۳۰-س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ۱، ب)؛ جنگ؛ متن = ل، ق، ۳۱-ل ۲: شیر (ل)؛ بنداری: فأخذ القوس و رشقه بالنبال. فلم يتأثر بهرام بشيء من ذلك غير أنه أظهر له أنه أتخذه بالجرار

مغاوره^۱ پنداشت کو شد تباہ
بدو گفت بهرام کای جنگجوی^۳
تو^۶ گفتمی سخن، باش و^۷ پاسخ شنو
۲۲۸۵ نگه کرد جوشن‌گذاری^{۱۰} خدنگ
بزد بر میان سوار دلیر
مغاوره^{۱۴} چون جنگ^{۱۵} را برنشست
به روی اندرآمد دو دیده پُرآب
چو خسته شد^{۲۱} از تیر، بر زین بماند^{۲۲}
۲۲۹۰ به خاقان چنین گفت کای کامجوی^{۲۶}
بدو گفت خاقان که بهتر^{۲۹} ببین
بدو گفت بهرام کای بَرمنش^{۳۲}
تن دشمن تو چنان خفته^{۳۵} باد
سوارِ فرستاد خاقان دلیر^{۳۸}
۲۲۹۵ وُرا بسته و کشته دیدند^{۴۰} خوار

خروشید و برگشت از آن^۲ رزمگاه
نکستی^۴ مرا، سوی خرگه^۵ مپوی!
اگر بشنوی^۸، زنده مانی^۹، برو!
که آهن شدی^{۱۱} پیش او نرم و سنگ^{۱۲}،
سپهبد شد از رزم و دینار^{۱۳} سیرا!
برادر^{۱۶} دو پایش^{۱۷} به زین بر^{۱۸} بیست،
همان زین توری^{۱۹} شدش^{۲۰} جای خواب،
زننده^{۲۳} زد و^{۲۴} اسپ جنگی^{۲۵} براند،
همی گورکن خواهد آن^{۲۷} نامجوی^{۲۸}!
کجا^{۳۰} زنده خفته‌ست^{۳۱} بر پشت زین!
هم‌اکنون به خاک^{۳۳} اندرآید تنش^{۳۴}!
که او خفت^{۳۶} بر اسپ^{۳۷} توری‌نژاد!
بنزدیک آن نامبردار شیر^{۳۹}،
برآسوده از گردش روزگار^{۴۱}!

۱-ل: مغاوره؛ س، ل، آ، س، ۲ (نیز ق، ل، ی، ل، ۳، ل، ۲، ب): مغاوره؛ ق (نیز ل، ن، پ، و): مغاوره؛ (ا: مغاوره)؛ متن = ک ۲-ل: زان؛ (لی: از)؛
متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بندای: فظن التركي انه قد تلف اوكاد فثنى عانه ۳-س، ۳، ل، ی، ۲ (نیز ل، ن، پ، ب): رزمجوی؛ (ل، ۳، ا:
نامجوی)؛ متن = ل، ق، ک، (نیز ق، ۲، و، ل، ۲) ۴-ل: بکشی (ل) ۵-ل: خاقان) ع، ق، ک (نیز و، ل، ۲، ا): چو؛ متن = ده دستنویس دیگر
۷-ق: آ؛ باز؛ ل، ن: باش) ۸-ک، ل: نشنوی؛ در ل، س، و حرف یکم بی‌نقطه؛ متن = ق، س، ۲ (نیز ل، ن، پ، ل، ۲، ب) ۹-ا: اگر زنده مانی
پس آنکه؛ بندای: فناداه جوبین و قال: لم تفرغ منی بعد فلا تعاود الخراکة (= ۲۲۸۳) ۱۰-ل: گذار) ۱۱-ل: بدی) ۱۲-س: (نیز
لی): موم رنگ؛ ک، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، و، ل، ۲، ا، ب): نرم سنگ؛ (ل: موم و سنگ)؛ ل: شدی نرم پیش او سنگ (ل)؛ متن = ل، ق (نیز ب)
۱۳-ق (نیز و، ل، ۲): پیکار؛ س: مغاوره شد زان پس از جنگ؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بندای: و اترع نشابة و اقمها الوتر، و سدداها
نحوه، فلم يحس التركي إلا بها خائضة جوفه صارمة عمره ۱۴-ل: مغاوره؛ س، ل، ۲ (نیز ق، ل، ی، ل، ۲، ب): مغاوره؛ (ل، ن، پ، و، ل، ۲:
مغاوره؛ آ: مغاوره)؛ متن = ک، س، ۲ ۱۵-ل: خنگ)؛ در ل، س، س، ۲، ق، ۲، و، ل، ۲ حرف یکم بی‌نقطه؛ متن = ک، ل، ۲ (نیز ل، ن، پ، آ، ب)
۱۶-س، ل، ۲: باورخ (؟)؛ ک: باورخ (؟)؛ (ل: باورخ (؟)؛ ل: بلحظه؛ و: باوردا؛ آ: باورخ؛ ب: باورخ)؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ق، ۲، پ، ل، ۲):
برادر ۱۷-ل: دو پایش نخستین) ۱۸-س، ۲: در؛ (ب: ابر زین)؛ ق این بیت را ندارد؛ در و این بیت بابت سپسین پس و پیش شده
است؛ بندای: و كان التركي لماركب للمبارزة شد جله علی فرسه ۱۹-ل: (و: توری) ۲۰-ق (نیز و): بدش؛ متن = ل (نیز ق، ۲)؛ این بیت در
یازده دستنویس دیگر نیست ۲۱-ل: شد خسته) ۲۲-ق: آ: نماند) ۲۳-ل: زبنده (زبنده)؛ آ: زبندی (زبنده) ۲۴-ک (نیز ل، و،
ل، ۲): بزده؛ ق: آ: همان)؛ متن = س، ل، ۲ (نیز ل، ی، ل، آ، ب) ۲۵-ل: (و: ز آنجا)؛ ل، ق، س، ۲، پ این بیت را ندارند؛ بندای (۲۲۸۸-۲۲۸۹): فقی
کذلک علی سرجه مینا ۲۶-ق (نیز ل، ی، آ): نامجوی؛ ق: پس نامجوی؛ (ل: کان کامجوی؛ ق: آ: کین جنگجوی) ۲۷-ل: (نیز ل، ن، ق، ۲): از
۲۸-ق (نیز آ): رزمجوی؛ (لی: ل: کمجوی)؛ س: آرام جوی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹-ق: دیگر ۳۰-س، ک، ل، ۲، ۲ (نیز ل، ن، ا): که
او؛ ق: که وی؛ متن = ل ۳۱-ب: که زنده نخفتست) ۳۲-ب: ل، ۲، پ، ل، ۲، ا: پرمنش) ۳۳-ق: ز اسپ ۳۴-س: سرش (ل)؛ (و، ل، ۲: به خای
اندرآمد (ل، ۲: آ: آید) هم‌اکنون تنش) ۳۵-و: خسته) ۳۶-ل: (نیز آ: خفته؛ ل: که خفتست) ۳۷-س: آ: زین ۳۸-ل: (و، ل، ۲: چو شیر) ۳۹-ل:
نامبردار و شیر؛ (ل، و: نامدار دلیر؛ پ: نامدار چو شیر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴۰-س: دیدند و؛ ق: مرده دیدند بر اسپ؛ س، ۲ (نیز
ل، ۲، ن، ۲): کشته و بسته دیدند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴۱-س: کارزار؛ متن = چهارده دستنویس دیگر

شگفت آمدش زان سوار^۱ جهان!
کلاهش ز شادی^۳ به کیوان^۴ رسید!
همان تاج و هم^۷ تخت شاهنشهی،
ز هر گونه‌یی آلت کارزار،
به گنجور بهرام جنگی سپرد^۱!

ببندید خاقان به دل در نهان
پراندیشه شد^۲ تا به ایوان رسید
سلیح^۵ و درم خواست و اسب^۶ و رهی
ز دینار و از^۸ گوهر شاهوار
۲۳۰۰ فرستاده از پیش خاقان ببرد

گفتار اندر داستان شیرکیتی با دختر خاقان چین^{۱۰}

شب و روز آسایش^{۱۳} آموزگار^{۱۴}،
دد^{۱۷} و دام بودی فزون^{۱۸} از گمان^{۱۹}،
به سربر دو گیسو سیه، چون^{۲۱} رسن،
ندیدی کس او را، مگر گرمگاه^{۲۳}،
خروشش همی‌برگذشتی از^{۲۶} ابر،
شده^{۲۹} روز ازوبر به ترکان دژم^{۳۰}،
ز رنجش همه^{۳۲} بوم درماندند،
همیشه دل شادمان زو به غم^{۳۳}!

چو چندی^{۱۱} برآمد برین^{۱۲} روزگار
چنان بُد که^{۱۵} در کوه چین^{۱۶} آن زمان
ددی بود مهتر ز اسبی^{۲۰} به تن
به تن^{۲۲} زرد و گوش و دهانش سیاه
۲۳۰۵ دو چنگش بکردار چنگ^{۲۴} هزبر^{۲۵}
همی سنگ^{۲۷} را درکشیدی^{۲۸} به دم
وُرا شیرکیتی^{۳۱} همی خواندند
سوار و پیاده کشیدی به دم

۱- (ق: ۲؛ دلیر): بنداری (۲۲۹۶-۲۲۹۰): فرکض جوبین و جاء الخاقان و أعلمه بذلک فسر فی الباطن بذلک ۲- ل: بد؛ متن = س-ب-۳- (ن: ۲؛ ز ایوان: ب: ز شاهي؛ ل: ۳؛ شاهي کلاهش) ۴- ل: ۴؛ ایوان (!): بنداری: و عاد إلی ایوانه و قد خلص من مقاساته ۵- س: س: (نیز لی، و: ن: ۲؛ سلاح: (۱): کلاه) ۶- ل: ۲؛ (نیز ن: ۲): خواست اسب و: (۲): خواست اسب از؛ متن = س، ق: ک: (نیز ن: ۲؛ لی، ب: و: ب) ۷- س: ک: ل: ۲؛ س: (نیز ن: لی، و: ب): زیور و: ق: بوده و: (ق: ۲؛ تاج با: ل: ۳؛ زیور): متن = ل (نیز ب) ۸- ل: ۸؛ ق: س: ۲؛ (نیز ن: و: ن: ۲): وز؛ متن = س، ک: ل: ۲؛ (نیز ق: ۲، ب: ب) ۹- بنداری: و أعد لبهرام خلعة سنبة مع تحف و نتف، و بعثها الیه ۱۰- س: صفت شیرکیتی که در ترکستان بود: ق: داستان شیرکیتی (!) با دختر خاقان چینی؛ ک: کشتن بهرام شیرکیتی را؛ ل: ۲، س: ۲؛ س: ۲؛ س: ۲؛ س: ۲؛ س: ۲؛ ق: ۱۱- (و: ن: ۲؛ چنین تا) ۱۲- (لی: بدین) ۱۳- س: ۲؛ شادیش ۱۴- (و: ن: ۲؛ آمد بکار): ب پس از این بیت افزوده است:

همی بود بهرام با خواب با خورد برآسوده از کار تنگ و نبرد

۱۵- (آ: دید) ۱۶- (ن: در چین بدی) ۱۷- ل: ۱۷؛ بد ۱۸- (ن: افزون بود) ۱۹- ق: ددی بود افزون ز اندیشه بدگمان (!) ۲۰- س: ۲؛ از اسبی؛ (آ: از ایشان) ۲۱- (ل: ۲؛ بسان: ق: ۲؛ گیسوی همچون): ل: فرورشته چون مشک گیسو؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۲- س: ک: ل: ۲؛ س: ۲؛ (نیز لی، لی، و: ب): تنش؛ متن = ل، ق: (نیز ق: ۲، ب) ۲۳- (ن: ۲؛ گاه گاه) ۲۴- س: ۲؛ چرم؛ (ن: ۲؛ جنگی) ۲۵- (ن: لی، و: ب: هزبر) ۲۶- ل: ۲؛ س: ۲؛ (نیز ق: ۲، لی، و: ب): ز؛ متن = (ن: ب) ۲۷- ق: (نیز ق: ۲): پیل ۲۸- ل: ۲؛ س: ق: ل: ۲؛ س: ۲؛ (نیز لی، ل: ۲، آ: ب): برکشیدی؛ متن = ک (نیز ن: ق: ۲، و: ن: ۲) ۲۹- ق: شدی ۳۰- ق: س: ۲؛ (نیز ن: ق: ۲، لی، و: ب): بر بزرگان دژم؛ س: (نیز ل: ۳): جنگیان) زو به غم؛ (و: ن: ۲): دل جنگیان زو شده پر ز غم؛ متن = ل؛ ب این بیت را ندارد ۳۱- ق: کیتی ۳۲- (ب: برو)؛ س: ک: ل: ۲؛ این بیت را ندارند ۳۳- ل: ۲؛ (نیز ن: ۲): چینیان پر ز (ن: زو به) غم؛ (ب: چینیان زو دژم)؛ ق: (نیز ب: و): شده (ق: شدی) روز ازو بر بزرگان دژم (در ق: در کناره بر آبر ل: ۲؛ متن = س، ل: ۲؛ (نیز ق: ۲، لی)؛ س: ک: ل: ۲؛ این بیت را ندارند؛ بنداری (۲۳۰۱-۲۳۰۰): قال: و کان إذاک فی جبال الصین ثعبان عظیم - أطال صاحب الکتاب نفسه فی وصفه - و کان الناس منه فی تعب و عناء و شدّة و بلاء

-اگر^۲ ماه دارد دو^۳ زلف سیاه-،
 دو بیجاده خندان، دو^۷ نرگس دژم^۸،
 اگر تافتی بر سرش آفتاب^{۱۱}!
 همی گرد آن مرغزاران بگشت^{۱۳}،
 به دشتی^{۱۴} دگر بود ازین^{۱۵} مرغزار،
 همی رای زد با یکی رهنمون،
 ابا دختران و^{۱۹} می و میگسار،
 فرود^{۲۲} آمد او را به دم درکشید،
 سرآمد بران^{۲۵} خوب چهره^{۲۶} جهان!
 همان مادرش نیز^{۲۹} برکنند موی
 چو بر آتش تیز بریان بُدند^{۳۱}
 که تا چین بیابد ز سختی^{۳۴} رها!
 و زان^{۳۷} مرد^{۳۸} جنگی برآورد گرد،

یکی دختری داشت خاتون^۱ چو ماه
 ۲۳۱۰ دو لب^۴ سرخ و^۵ بینی چو تیغ^۶ درم
 بران^۹ دخت لرزان^{۱۰} بُدی مام و باب
 چنان بُد که روزی بیامد^{۱۲} به دشت
 جهاندارخاقان ز بهر شکار
 همان نیز^{۱۶} خاتون به کاخ اندرون
 ۲۳۱۵ بشد دخترش تا^{۱۷} بدان مرغزار^{۱۸}
 چو آن شیرکچی^{۲۰} ز کوهش^{۲۱} بدید
 به یکدم شد و از^{۲۳} جهان در^{۲۲} نهران
 چو خاقان شنید آن^{۲۷}، سیه^{۲۸} کرد روی
 ز دردش همه ساله^{۳۰} گریان بُدند^{۳۱}
 ۲۳۲۰ همی^{۳۲} چاره جستند از آن^{۳۳} ازدها
 چو بهرام جنگ^{۳۵} مغاوره^{۳۶} کرد

۱-س-ل^۲ (نیز ق^۲، ل^۱، ل^۳، ن^۲): خاقان؛ متن = ل، س^۲ (نیز ل^۱، پ، و، آ، ب) ۲- (ل^۱: کجا) ۳- (ا: اگر داشتی ماه)؛ ل^۲ در کناره افزوده است:

به دنبال چشمش یکی خال بود که چشم خودش هم به دنبال بود

۴- (ل^۲: رخ) ۵- س^۲: کرده عمل، ل^۲، س^۲: دژم؛ (ق^۲، ل^۱، و، ن^۲: قلم؛ آ: تیغ و درم؛ ب: میخ درم)؛ ق: چون گل و بینی از غنچه کم؛ متن = س، ک (نیز ل^۱، ل^۳، پ) ۷- ل (نیز ق^۲: پ): رخشان و؛ ک، ل^۲ (نیز ل^۱، و، آ، ب): خندان و متن = س، ق، س^۲ (نیز ل^۱، ل^۲، ن^۲: ل-۸: نخم (نقطه ندارد)؛ ق: بهم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹- ک، ل^۲ (نیز ل^۱-پ، آ): بدان؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز و، ل^۲، ب) ۱۰- س، ل^۲ (نیز ل^۱، ل^۳، و، ب): گریان؛ (آ: خندان)؛ متن = ل، ق، ک، س^۲ (نیز ق^۲، ل^۳، ل^۲، ن^۲: آ) ۱۱- (ل^۲: آ): ماهتاب؛ بنداری: و کان للخاقان بنت من الخاتون فی غایة الحسن و الجمال. و کان أبوها بری الدنيا بعینها ۱۲- ل: پیاده؛ متن = س-ب ۱۳- (ل^۲: گذشت) ۱۴- (ل^۲: دشت) ۱۵- ل: زان؛ ق، ک (نیز ل^۳: و): آ: از آن؛ متن = س، س^۲ (نیز ق^۲، ل^۱، ل^۲: آ): ل^۲: گذشتی دگر گرد آن (!)؛ ب این بیت را ندارد؛ بنداری: فاتفق أنها خرجت ذات یوم مع الخاقان الی بعض المروج. فربک هو للصید، و بقیة هی فی ذلک المرح ۱۶- ق: جهان بین؛ ل^۲، ل^۱: بنداری این بیت را ندارند ۱۷- (ب: را) ۱۸- (ل^۱: روزگار) ۱۹- ل^۲ (نیز ل^۱، آ، ب): با؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل، بنداری این بیت را ندارند ۲۰- ق: کیتی؛ ل^۲: کیتی < کیتی > ۲۱- ق، ک (نیز ق^۲، ل^۲، ل^۳: ز دورش؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- ق: فراز؛ ل^۲: فرو ۲۳- (ل^۲: و، ب): شدند از؛ ق: بشد زین؛ ل^۲: شده از؛ آ: شد آن ماه چهره از؛ متن = ۲۴- ق: از خشم مردم؛ ل^۲: از چشم هر کس؛ (ل^۲: شدند آن نهران (مهمان))؛ متن = ل، س، ک، س^۲ (نیز ل^۱، پ) ۲۵- (ل^۱، ل^۲): آ: بدان؛ و، ل^۲: مران؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶- س (نیز ل^۱): خوب روی این؛ ک: خوب رخ بر؛ س^۲: خوب رخ در؛ (ل^۱، ل^۲، ب): خوب رویان؛ و، ل^۲: خوب رخ را؛ آ: خوب رخ را؛ متن = ل، ق، ل^۲ (نیز ق^۲)؛ بنداری: فنزل الثعبان من الجبل و ابتلعها ۲۷- ل^۲ (نیز و): این ۲۸- (ل^۲: آ: تبه) ۲۹- (ق: نیز مادرش) ۳۰- س: سال ۳۱- (ل^۲: پ): شدند؛ آ: بدی-شدی) ۳۲- (ق: ل^۲: همه) ۳۳- ل (نیز ل^۱): زان؛ ل^۲: از این؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۴- ل: کی آید ز چنگش؛ س، ق، ل^۲: س (نیز ل^۱، آ، ب): کی آید ز سختی؛ (ق: بباشد ز سختی؛ ل^۲: ز سختی کی آید)؛ متن = ک (نیز پ، و، ل^۲؛ بنداری (۲۳۱۸-۲۳۲۰))؛ فلما سمع الخاقان بذلك اسود وجهه جزعاً و کاد أن یهلک أسفاً ۳۵- (ق: جنگی!) ۳۶- ل: مفاتوره؛ س، ل^۲: س (نیز ق^۲، ل^۲، ل^۳: ب): مفاتوره؛ (ق: نیز ل^۱، و): مفاتوره (در و حرف دوم بی نقطه)؛ (آ: مفاتوره)؛ متن = ک، بنداری ۳۷- ق (نیز ق^۲، ل^۲: آ): از آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۸- (و: ترک)

به هر کس همی گفت کردار^۲ اوی^۱
از^۳ ایران همان^۴ نیز صد نامدار^۵،
همی راند بهرام با رهنمون
که با برز و با فره^۶ ایزدیست!
که بهرام یل^۸ را ندانی به^۹ نام!
سر تاج^{۱۲} او برتر از ماه بود!
که از خسروان^{۱۴} نام^{۱۵} مردی^{۱۶} ببرد!
بلرزدهمی زیر اسپش زمین!
همی^{۲۰} تاج شاهی^{۲۱} نهد بر سرش!
سزد گر بناییم^{۲۶} در پر^{۲۵} اوی^{۱۵}!
چو خاقان نگرداند این رای^{۳۱} سست،
برو بشنود^{۳۳} درد و نفرین من!
بخواند^{۳۶} برو^{۳۷} مهتر^{۳۷} راستان،

همی رفت خاتون به دیدار اوی^۱
چنان بُد که یک روز دیدش سُوار
پیاده فراوان به پیش اندرون
۲۳۲۵ پرسید خاتون که این مرد کیست
بدو^۷ گفت کهتر که دوری ز کام
به ایران به یک^{۱۰} چنگه^{۱۱} شاه بود
بزرگانش خوانند^{۱۳} بهرام گرد
کنون تا بیامد از^{۱۷} ایران به چین
۲۳۳۰ خداوند خواندهمی^{۱۸} مهترش^{۱۹}!
بدو^{۲۲} گفت خاتون^{۲۳} که با^{۲۴} فرّ اوی^{۲۵}
یکی آرزو^{۲۷} زو^{۲۸} بخوام^{۲۹} درست^{۳۰}
بخواهد^{۳۲} مگر زاردها کین من
بدو^{۳۴} گفت کهتر: گر این^{۳۵} داستان

۱-ل، س، ق، س، آ (نیز، ل، آ، ب): او؛ متن: م، ل، آ (نیز، ل، ن، ق، پ، و، ل، ن) ۲-آ: همی گفت با هر کس از کار؛ ل، آ این بیت را ندارد ۳-س، ک، ل (نیز، ل، ن، پ، آ): ز؛ (و، ز): متن: ل، ق، س، آ (نیز، ق، ل، ی، ن، آ، ب) ۴-س-۴: س-۴ (نیز، ل، ی، ن، آ، ب) ۵-ل (نیز، ق، آ، ب) ۶-ل (نیز، ل، ی، ن، پ، آ): ل، آ این بیت را ندارد ۷-ک، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۸-ک، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۹-ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۱۰-س، ق، س، آ (نیز، ق، ل، ی، ن، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۱۱-ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۱۲-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۱۳-ک، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۱۴-س، ق، س، آ (نیز، ق، ل، ی، ن، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۱۵-س، ق، س، آ (نیز، ق، ل، ی، ن، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۱۶-س، ق، س، آ (نیز، ق، ل، ی، ن، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۱۷-ل، ق، س، آ (نیز، ق، ل، ی، ن، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۱۸-ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۱۹-س، ل (نیز، ل، ی، ن، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۲۰-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۲۱-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۲۲-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۲۳-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۲۴-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۲۵-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۲۶-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۲۷-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۲۸-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۲۹-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۳۰-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۳۱-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۳۲-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۳۳-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۳۴-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۳۵-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۳۶-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد ۳۷-س، ق، ل (نیز، ق، آ، ب): ل، آ این بیت را ندارد

به دل گفت کین کار پدram شد

خبر زین سخن نزد بهرام شد

۳۴-پ، ب، برو) ۳۵-ل (نیز، آ): ماهارگر این؛ س (نیز، ل): کهتر بدین؛ ق (نیز، ل): خاقان گر این؛ ک، س، آ: اگر (در ل، ج): بروی این؛ ل، آ: کهتر
کز (در ل، ج): این؛ ق، آ: بهرام از این؛ ل، آ: مویدگر این؛ متن: (پ، ب): (و، ل، ن): به پاسخ چنین گفت کین ۳۶-در ل، س، ق، ل، آ: حرف یکم
بی نقطه؛ ل، آ: نخواند؛ ق، آ: بخوانی؛ و: بخواهد؛ متن: ک، س، آ (نیز، ل، ن، آ، پ، ب) ۳۷-ک، س، آ (نیز، و): همه؛ ق، آ: برین؛ ل، آ: بدو؛ ب:
بران؛ متن: ل، س، ق، ل (نیز، ل، آ، پ، آ): (ل، ن): اگر خوانی ای)

مگر کشته و گرگ^۲ پایش کشان!
 ز تیمار آن دختر آزاد گشت^۴!
 یکایک بگفت آنچه^۵ دید و شنید
 به جایی که چون من^۶ سواری بود،
 بگویم^۸، ننگی^۹ شود گوهرم^{۱۱}!
 همی کوه آهن رباید به دم،
 همان شاه را جان گرمی بود!
 بنخواهم ز بهر جهان بین خویش!
 بگویم، برآید^{۱۵} مگر^{۱۶} کام من!
 زن آن کین ز^{۱۸} هرکس همی داشت^{۱۹} راز
 میهن^{۲۰} را بدان^{۲۱} سور دستور^{۲۲} کرد
 چو آمد، بر^{۲۴} تخت ز^{۲۵} زین نشانند
 بشد تیز^{۲۶} و بهرام یل را بدید
 که آباد بادا به تو ترک و چین!
 که باشد^{۲۹} بران^{۳۰} آرزو کامگار!
 بدین^{۳۱} آرزو کام و پیمان تراست!
 یکی مرغزاریست^{۳۴} زیبای سور،
 یکی جشن^{۳۶} سازند^{۳۷} کاید^{۳۸} بهار

۲۳۳۵ تو از شیرکتی^۱ نیابی نشان
 چو خاتون شنید این^۳ سخن شادگشت^۴
 همی تاخت تا پیش خاقان رسید
 بدو گفت خاقان که عاری بود
 همی شیرکتی برد^۷ دخترم
 ۲۳۴۰ بدانید کان^{۱۱} ازدهای دژم
 اگر دختر شاه نامی بود
 بدو گفت خاتون^{۱۲} که من کین خویش
 اگر ننگ باشد و گری^{۱۳} نام^{۱۴}، من
 برآمد برین نیز روزی^{۱۷} دراز
 ۲۳۴۵ چنان بُد که خاقان یکی سور کرد
 فرستاد و^{۲۳} بهرام یل را بخواند
 چو خاتون پس پرده آوا شنید
 فراوانش بستود و کرد آفرین
 یکی آرزو خواهم از^{۲۷} شهریار^{۲۸}
 ۲۳۵۰ بدو گفت بهرام: فرمان تراست!
 بدو گفت خاتون کز^{۳۲} ایدر نه^{۳۳} دور
 جوانان چین اندر آن^{۳۵} مرغزار

۱-ق: کیتی ۲-س ۲-س (نیز ل: ۳): کرده ۳-ق: آن ۴-ل (نیز ل: ۳): شد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵-ک، ل ۲ (نیز ل: ب): آنچه؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز ل، ن، ق: ۲)؛ ق ۲ بیت‌های ۲۳۳۷-۲۳۴۴ را ندارد ۶-و: (او) ۷-ل: خورد؛ (لی: بود - برد)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-ل (نیز آ): بگویم و؛ (ق: ۲، و: نگویم که؛ ل: ۲: بگویم که)؛ متن = س، ک، ل، س ۲ (نیز ل، ل، ل، پ، ب) ۹-س: ننگن؛ (ل: بتکی!) ۱۰-ک، ل، آ، س ۲ (نیز ل-ب): کشورم؛ متن = ل، س، ل، س ۱۱-س (نیز ل، ب): ندانند که آن ک (نیز و، ل، آ): ندانند کان؛ ل: ندانند که این؛ (ل: بدانند که آن؛ ل: ۳: بدانند کان)؛ متن = ل، س ۲ (نیز ق: ۲، پ) ۱۲-ل (لی: خاقان) ۱۳-ل: مگر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-ل: سنگ باشد و گری بام (۱۵) (ل: براند) ۱۶-ل، س، ل (نیز آ): همه؛ متن = ک، ل، س ۲ (نیز ل، ب، و، ل، ن، پ، ب)؛ لی این بیت را ندارد ۱۷-ل، ل، ک، س ۲ (نیز ل: ۲): روز؛ (و: روزگار)؛ متن = س، ل ۲ (نیز ل-ب، آ، ب) ۱۸-ل: نهانی ز؛ (س: نیز ل): که آن کین ز؛ (ق: ۲): از آن راز؛ ل: زن آن راز؛ و: وی آن کین ز؛ آ: از آن کین ز)؛ متن = ک، ل، س ۲ (نیز ل، ب، ل، آ، ب) ۱۹-س: آ: جست ۲۰-ل (نیز ق: ۲، ب، و): جهان؛ (آ: نهان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱-ل، ق، ل، ف، ل، ق، ل، آ: بران؛ (ق: ۲، پ: از آن)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲-ل (نیز ق: ۲، ب): بر (پ: پر) نور؛ ق-س ۲ (نیز ل: ۲، ل، آ، ب): رنجور؛ (و: معمور)؛ متن = س (نیز ل، ل) ۲۳-ل (لی، پ، ل، آ: جو)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴-و: بران؛ ل، ن، آ: آمدش بر)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵-س، ک، س ۲ (نیز ل، ل، ل، و، ل، ن، آ، ب): سیمین؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز ق: ۲، پ، آ): ۲۶-ل (لی: نیز)؛ در ل، ل، ن حرف یکم به نقطه ۲۷-ق: (آ: ای) ۲۸-س، ک، ل (نیز ل، و): نامدار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹-ق (نیز آ، ب): باشم؛ (ق: ۲: باشی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰-ل (لی، ل، آ، ب: بدان) ۳۱-ل، س، ل، س ۲: برین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲-س ۲ (نیز ق: ۲): از ۳۳-ل: آ: به ۳۴-ل، ل ۲ (نیز ل، ل، ب): مرغزارست؛ متن = س ۲ (نیز ق: ۲) ۳۵-ل ۲ (نیز پ): این ۳۶-ق: همی سور ۳۷-ل: سازید ۳۸-ل، ق (نیز ق: ۲، پ، آ): گاه؛ متن = ده دستنویس دیگر

یکی کوه بینی سیه‌تر^۳ ز قار،
 که این کشور چین ازو در^۵ بلاست،
 دگر^۹ نیز نامش ندانده‌می،
 که خورشید^{۱۲} کردی برو^{۱۳} آفرین^{۱۴}!
 که^{۱۷} خاقان به نخچیر بد^{۱۸} با سپاه،
 کشید آن بهار مرا او^{۲۰} به دم
 چنان هم بیاید ز بهر شکار
 همان نامورپهلوانی نماند،
 برانگیخت از^{۲۶} بوم آباد^{۲۷} خاک!
 بسی تاختند^{۲۹} اندر آن^{۳۰} کوهسار^{۳۱}،
 برو پشت و گوش و سر^{۳۴} و یال اوی^{۳۳}،
 مرو را چه شیر و چه پیل و نهنگ^{۳۶}،
 چو گیرد شمار از کم و بیش^{۳۹} اوی^{۳۸}؟
 بیایم ببینم من این^{۴۰} جشنگاه

از آن بیشه برتر یکی^۱ تیروار^۲
 بران^۴ کوه خارا یکی ازدهاست
 یکی^۶ شیرکتیش^۷ خوانده‌می^۸
 یکی دخترم^{۱۰} بد ز خاقان چین^{۱۱}
 از^{۱۵} ایوان بشد نزد^{۱۶} آن جشنگاه
 بیامد ز کوه ازدهای^{۱۹} دژم
 کتون هر بهاری^{۲۱} بدان^{۲۲} مرغزار
 ۲۳۶۰ بدین شهر مادر^{۲۳} جوانی نماند
 شدند از پی^{۲۴} شیرکتی^{۲۵} هلاک
 سواران چینی و^{۲۸} مردان کار
 چو از دور بینند^{۳۲} چنگال اوی^{۳۳}
 بغرزد به درد دل^{۳۵} مرد جنگ
 ۲۳۶۵ کس اندر نیارد^{۳۷} شدن پیش اوی^{۳۸}
 بدو گفت بهرام: فردا بگاه

۱-ک (نیز ل^۳): یک: ل: پرتاب یک: (ق: آ: از آن پس بران سوی یک:؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ل: آ: تیروار (ل:؛ (ا: نیزه‌وار)
 ۳-س (نیز لی:؛ بلندتر: متن = سیزده دستنویس دیگر ۴-ق (نیز لی، ل:ن ۲): آ: بدان: متن = یازده دستنویس دیگر ۵-ق: بر: (و: پر)
 ۶-ق: همی: (ا: کجا) ۷-ق: کیش: ل: کی همی (ا) ۸-ق: کی بخواند همی) ۹-ک، س، ۱۰-س، ۱۱-ق (نیز ل^۳): یکی: ق (نیز ق^۲): جز
 این: متن = س، ل (نیز ل، لی، و، ل، ن، آ، ب) ۱۰-ق، س، ۱۱-ق (نیز ق^۲): دختر: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ا: (خاقان سرا) ۱۲-ک:
 خورشید ۱۲-ل (نیز لی:؛ بدو ۱۴-ا: (دادی بدو افسرا) ۱۵-س-ل (نیز ق^۲): پ، ل، ن، آ، ب: ز؛ (لی: به:؛ متن = ل، س، آ (نیز ل، ن، آ، و، آ)
 ۱۶-س-س (نیز ل، ن، آ، و، ب): سوی: متن = ل (نیز ب) ۱۷-س، ک، ل، آ، س، ۱۸-س، ل (نیز ل، لی، ل، آ، و، ل، ن، آ، ب): چو: متن = ل، ق (نیز ق^۲): آ
 ۱۸-س، ک، ل، آ (نیز ل، ن، آ، و، ب): شد: متن = ل، ق (نیز پ، و، آ) ۱۹-ک (نیز ل، ن، آ): ازدهایی ۲۰-س، ل، س، ۲۱-ق (نیز ل، ن، پ، ب):
 بزرگان (ل: نگاران) چین را: (نیز و، ل، ن): جهان بین ما را: ق: که شد آن بهار من او را: (ا: فرود برد آن ماه رخ را): متن = ل ۲۱-ق: آ:
 بهاران) ۲۲-ل: بر از (بران): متن = سیزده دستنویس دیگر: ک این بیت را ندارد ۲۳-ل: برین شهر ما را: (پ: بدان شهر ما در): متن =
 دوازده دستنویس دیگر: ک این بیت را ندارد ۲۴-س: دم: ق، ل، آ، س، ۲۵-ق (نیز ل، لی، و، ل، ن، آ، ب): بد: (پ: بر): متن = ل (نیز ق^۲): آ، ۲۵-ق:
 کتی ۲۶-س، ل، آ، س، ۲۷-ق (نیز ل، لی، و، ل، ن، آ، ب): زین: (و، ل، ن، آ، و، ل، ن، آ، ب): متن = ل، ق (نیز ق^۲): آ، ۲۷-ق: آ: بوم ماگردو: ب: بوم ما باد
 و: ک این بیت را ندارد ۲۸-س، ل، آ (نیز ب): چین اندو (۹): ق (نیز آ): جنگی و: (ل، ن، آ، و، ل، ن، آ، ب): چو: (پ: چو:؟): متن = س، ک، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، و، ل، ن، آ، ب)
 ۲۹-پ: تاخته) ۳۰-ل (نیز ل، ن، آ، و، ل، ن، آ، ب): روزگار: س، ۳۱-ل: مرغزار: متن = یازده دستنویس دیگر: در ق، آلت‌های این بیت
 پس و پیش شده‌اند ۳۲-ق: دیدند) ۳۳-ل، س، ق، ۳۴-ق (نیز ل، لی، و، ل، ن، آ، ب): او: متن = ک، ل، آ (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن، آ، ب) پای و
 سر: ل (نیز ل، لی، و، ل، ن، آ، ب): پشت او (ل: اوی) و سر: (ق: پشت و آن شاخ و آن): ق (نیز ل، ن، آ، و، ل، ن، آ، ب): سر و دست و
 بست و بر: و سر و گوش و پشت و بر: متن = ل، ک، س، ۳۵-ق (نیز ل، لی، و، ل، ن، آ، ب): بغرزد دل مرد فرهنگ) ۳۶-ل (نیز ل، ن، آ، و، ل، ن، آ، ب) پای و
 ق، آ، لی، ن، آ، ب: ببر و نهنگ (ق: پلنگ): ل (نیز و): چه ببر و چه شیر و نهنگ (و: پلنگ): متن = ل، ق (نیز ب، آ) ۳۷-ق: (و: کسی می نیارد:
 ل: کسی هر نیارد) ۳۸-س، ق، س، ۳۹-ق (نیز لی، و، ل، ن، آ، ب): او: متن = ک، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، و، ل، ن، آ، ب): شمار کم و بیش: (و: که اندیشد از
 ناخن و نیش:؛ متن = سیزده دستنویس دیگر: بهناری (۲۳۶۵-۲۳۶۱): ثم إنه لما فعل جوبین ما فعل من قتل مغاوتوره التركي سأله
 الخاتون أن يتقم لها من ذلك الثعالب و يقتله ۴۰-ل: مران: (ق: مرین: پ: بدان: و، ل، ن، آ، و، ل، ن، آ، ب): متن = ده دستنویس دیگر

به نیروی یزدان که او داد زور بلند آفریننده‌ی ماه و هور،
بپردازم از ازدها^۲ جشنگاه چو شبگیر ما را^۳ نمایند راه

گفتار اندر کشتن بهرام چوبین شیرکپی را^۴

چو پیدا شد از^۵ آسمان گردماه
۲۳۷۰ پراگنده گشتند و مستان^۷ شدند
چو پیدا شد آن فر^{۱۰} خورشید^{۱۱} زرد
کز آگند^{۱۳} پوشید بهرام گرد
کمند و کمان برد و ده^{۱۴} چوبه تیر
چو آمد بنزدیک آن برزکوه
۲۳۷۵ بدان^{۱۸} شیرکپی^{۱۹} چو نزدیک شد
میان^{۲۲} اندر آن کوه خارا بیست
کمان را بمالید و بر زه نهاد^{۲۴}
چو بر ازدها بر شدی موی تر
شد آن شیرکپی به چشمه درون^{۲۷}
۲۳۸۰ بغزید و برزد بران^{۳۱} سنگ^{۳۲} دست

شب تیره بفشاند زلف^۶ سیاه،
و زانجای^۸ هر کس به^۹ ایوان شدند
بپیچید زلف شب لاژورد^{۱۲}،
گرامی تنش را به یزدان سپرد!
یکی نیزه^{۱۵} دوشاخ^{۱۶} نخچیرگیر،
بفرمود تا بازگردد گروه^{۱۷}،
تو گفתי برو^{۲۰} کوه^{۲۱} تاریک شدا
به خام^{۲۳} کمند، از بر زین نشست،
ز یزدان نیکی دهش کرد یاد!
نبودی برو^{۲۵} تیر کس کارگر^{۲۶}
بغلتید^{۲۸} و برخاست و^{۲۹} آمد برون^{۳۰}
همی آتش از کوه خارا بجست!

۱-ق: همان؛ (ق: ۲: همو) ۲-ق: بترم پی او از آن ۳-ک: از آنجا؛ بنداری (۲۳۶۶-۲۳۶۸): فتلی جوبین امرها بالسمع والطاعة ۴-ل: کشتن بهرام چوبین شیرکپی را؛ س: جنگ بهرام با شیرکپی و کشته شدن شیرکپی؛ ق: رزم بهرام چوبینه با شیرکپی در چین؛ ل: شکار گشتاسپ (۱) شیرکپی را؛ س: جنگ بهرام چوبینه با شیرکپی؛ ک: سرنویس ندارد؛ متن ← ل: ه-س: آ: پیدا کند ۵-ل: گره؛ (ق: رنگ)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷-ل: مردان؛ (ل: آ: گشته چو مستان)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸- (ق: آ: از آنجای) ۹- (ل: آ: همی هر کسی سوی) ۱۰-ق (نیز آ): از کوه ۱۱-ک: خورشید ۱۲-ل: لاژورد؛ س، ق، ک، س: آ (نیز ل-ل: آ، ب): لاژورد؛ متن ← ل (نیز ب، و، ل: ۲) ۱۳-ل (نیز ق: ۲): قراکند؛ ق، س: آ (نیز ل: ۲): کراکند؛ ک: فراکند؛ (و، ل: ۲: قراکند؛ ب: کراکند)؛ متن = س، ل: ۲ (نیز ل، ل، ل: ۱۴-ل: شش؛ س، ک، س: آ (نیز ل، ل، ل، و، ل: ۲): ب: صد؛ ق: کمان و کمند و دوسه؛ متن ← ل: ۲ (نیز ق: ۲): ۱۵- (و: تیر) ۱۶- (آ: در شاخ؛ ل: آ: دوشاخه یکی نیز) ۱۷-آ این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۳۶۹-۲۳۷۴): و لما أصبح من الفدر ركب و لبس سلاحه و جاء الى ذلك الجبل فانفرد عن أصحابه و سار حتى قرب من العثمان ۱۸-ل: ایران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹-ق: کیتی ۲۰- (ل: بدو؛ و: درو) ۲۱-ق: که خورشید؛ ک: بران کوه؛ ل: آ، آ این بیت را ندارد ۲۲- (و: کمر) ۲۳-ل: ک (نیز و، آ): خم؛ متن = س، س: آ (نیز ل، ل، ب، ل: آ، ب)؛ در آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ ق: ل: آ این بیت را ندارند ۲۴-س: و زه بر نهاد؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: ل: آ این بیت را ندارند؛ بنداری؛ و کان بدعی السبع الکبى ۲۵- (ل: بدو) ۲۶-س: آ: کس را گذر؛ آ این بیت را ندارد؛ در ق این بیت پس از بیت ۲۳۸۱ آمده است ۲۷-ل: آ: خشم اندرون (→ چشمه اندرون) ۲۸-س: آ (نیز ل: ۲): بعلطید ۲۹-ل: آ (نیز ل: ۲): حو؛ ک: در آب و ۳۰- (ق: آ: شاهان به آب اندرون)؛ ل، ق، پ، آ این بیت را ندارند؛ بنداری؛ و کان إذا ابل بالماء لم يؤثر فيه شيء. فلما رأه العثمان خاض عينا هناك فخرج و تمرغ في التراب ۳۱- (ل: بدان) ۳۲-س (نیز ل: ل): خاک؛ (ل: کوه)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق: آ این بیت را ندارند؛ بنداری؛ ثم زار زارة عظيمة و ضرب بيده على الحجاره فقدحت ناراً

به تیر از هوا روشنایی ببرد!^۱
 که بهرام را^۳ پیش خواند^۴ به دم!
 تن^۶ شیرکپی^۷ شد از جنگ سیر!
 فروریخت چون آب خون^۹ از برش!
 که بردوخت بر هم دهان و زبانش^{۱۳}!
 به هفتم^{۱۶} بزد تیر^{۱۷} بر چنگ اوی^{۱۵}!
 بجست از بر کوهسار بلند،
 که شد سنگ خارا به خون آرده^{۲۰}!
 تن^{۲۴} اژدها را به دو نیم کرد^{۲۵}!
 و زان^{۲۷} پس فرود آمد از کوهسار

کمان را بمالید بهرام گرد
 همی آمد^۲ آن اژدهای دژم
 خدنگی بینداخت مرد^۵ دلیر
 دگر تیر^۸ بهرام زد بر سرش
 ۲۳۸۵ سیم^{۱۰} تیر^{۱۱} و چارم^{۱۲} بزد بر دهانش
 همی دید نیروی^{۱۴} و آهنگ اوی^{۱۵}
 به هشتم^{۱۸} میانش گشاد از^{۱۹} کمند
 بزد نیزه‌یی بر میان دده
 و زان^{۲۱} پس به شمشیر یازید^{۲۲} مرد^{۲۳}
 ۲۳۹۰ سر از تن جدا کرد^{۲۶} و بفگند خوار

۱-پ پس از این بیت افزوده است:

همی آید از دور چون نزه‌شیر
 شد از کینه او سرش پرستیز

چو دید اژدها کان سوار دلیر
 به کین کرد دندان و چنگال تیز

۲-(و:خواست) ۲-ل: < ۴-س، ک، ل، ۲، ۳ (نیز: ن، ل، و، ب): خواهد؛ متن = ل (نیز: ق، ۲، ل، ۲، ب، ن، ۲): ق، آ این بیت را ندارند
 هل (نیز: ب): شیر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۶-ل: بر؛ ق: دل؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷-ق: کیتی ۸-ل: سز (حرفهای
 یکم و دوم بی نقطه)؛ متن = چهارده دستنویس دیگر (در: س، ن، حرف دوم بی نقطه) ۹-ل: ق: خوناب خون (؟)؛ (ل: ۲: مغز استخوان)؛
 متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-ل، ل: ۲: سیوم؛ ق: سوم؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱-ل (نیز: آ): نیز؛ متن = ق، ل، ۲، ۱۲-(و: با چهارم؛
 ق: آ: سه دیگر چهارم) ۱۳-ق: میانش؛ ل: زبان و دهانش؛ ل: هم بر دهان بر میانش)؛ متن = (ق، ۲، و، آ)؛ س، ک، س، ۲، ن، ل، ل، ۲، ب، ن، ۲، ب
 این بیت را ندارند؛ ق، ل، ۲، ق، ۲، و، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

به ششم (ا: ششم تیر) ازو دور شد زور و کم
 (و: ز تیر ششم زور او گشت کم)

همان پنجمین زدورا (و: پنجمینش بزد بر شکم)

این بیت در ده دستنویس دیگر نیست، ولی ک بجای آن افزوده است:

برد زان خدنگ گزیدارشش (آرشش؟) بدان شیرکپی همین شیرفش

۱۴-س، ق، ک، س، ۲ (نیز: ن، ق، ۲، ل، پ، ب): نیرو؛ (ل: ۲: تیزی؛ و: که بگسست نیرو؛ آ: بی‌زید نیرو)؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز: ن) ۱۵-ل، ل، س، ق، ک،
 س، ۲ (نیز: ل، ل، ۲، و، آ، ب): او؛ متن = ل (نیز: ن، ق، ۲، ل، ۲) ۱۶-ل: به پنجم؛ س: سدیکر؛ (ل: سه دیگر)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر
 ۱۷-س: نیز بر؛ (و: ل، ۲: بر برو)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر (در: ل حرف یکم تیر و در: ک حرف دوم آن بی نقطه)؛ در: ل، ق، ل، ۲، و، آ
 لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ پایایی لت‌ها = س، ک، س، ۲، ل، ل، ل، ۲، ب، ن، ۲، ب، بنداری (۲۳۸۱-۲۳۸۶): فسخ جوین معاطف
 قوسه و رشقه حتی آنچه بسج نشابات وضعهن فی مقاتله ۱۸-س (نیز: ل): چهارم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹-(پ، آ: گشاد از
 میانش) ۲۰-(پ: آرده) ۲۱-ق: آ: از آن ۲۲-ل: ۲: بارید؛ ق: آ: تازید؛ در: س، ۲، ن حرف یکم و در: ل، س، و حرفهای یکم و سوم بی نقطه
 ۲۳-ق (نیز: پ-آ): دست؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۴-(و: سر) ۲۵-ق (نیز: آ): همی کرد پست؛ (و: ل، ۲: بی‌زید پست؛ پ: زو به دو نیم
 گشت)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶-ل: کند؛ (پ: سر از تنش ببرد) ۲۷-ل، ل، ق (نیز: ق، ۲، آ): از آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری
 (۲۳۷۹-۲۳۸۰): ثم طعنه طعنه جانفة ثم اسئل سیفه و وسطه به، و ترکه و نزل من الجبل؛ س، ق، ۲، ل، ی پس از بیت ۲۳۹۰ افزوده‌اند:

بزدیک خاقان خرامید شاد سخن‌های کپی همی کرد یاد

دمان و دندان تا بر کوه تفت^۴
 کز^۵ آواز گفتی بدر^۶ زمین!
 بسی زر و گوهر برافشانند!
 برفتند گردان فرخ^۷ نژاد^۸،
 ورا شاه ایران زمین خواندند^۹!
 و زان^{۱۰} پس ورا خواندی شهریار!
 فرستاده‌یی مهربان برگزید،
 همان بدره‌ی گوهر و^{۱۱} بیش و کم،
 به فرمان او شد همه کشورش^{۱۲}!
 نبشتند^{۱۳} مشور^{۱۴} نو^{۱۵} بر حریر،
 فراوان کلاه و کمر خواستند،

از^۱ آن بیشه^۲ خاقان و خاتون^۳ برفت
 خروشی برآمد ز گردان^۴ چین
 به بهرام بر آفرین خواندند
 چو خاتون بشد، دست او بوس^۵ داد!
 همه هم‌زبان آفرین خواندند
 گرفتش سپهدار چین در کنار
 چو خاقان چینی به ایوان^۶ رسید
 فرستاد ده^۷ بدره گنج^۸ ۱۵ درم
 به بهرام داد آن زمان دخترش
 ۲۴۰۰ بفرمود تا پیش او شد دبیر
 بر^۹ ۲۰ آیین چین^{۱۰} خلعت آراستند

۱-ق: در ۲-ق: بدان جای؛ و: همانگاه؛ آ: وزان روی) ۳-ک (نیز ل، ل، ل): خاتون و خاقان ۴-ل، ۴-ق: رفت؛ (ق: آ: روی بنهاد تفت؛ و: تا بدان بیشه تفت؛ در و این بیت با بیت سپسین پس و بیش شده است ۵-ل: ترکان ع: که؛ (ق: آ: ز) ۷-ل (نیز ل، ل، ل): بلرزد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۸-ل: گوهر و زر برافشانند؛ س، ق، ک (نیز ق، آ، پ، ل، ن، آ، آ، ب): ورا شاه ایران زمین (ق: ایران و چین) خواندند (= ۲۳۹۵ب)؛ متن = ل، ۲-س (نیز ل، ن، ل، ل، ل، ۴، و: ل): و بنده‌ی: و لما راه الناس قد عاد منصورا کادوا بطیرون فرحا و سرورا ۹-س، ک، ل (نیز ل، آ، ن، آ، ب): بوسه؛ متن = ل، س، ل، ۲-س (نیز ق، آ، پ) ۱۰-ق: آ: خاقان نژاد؛ ل: و زان پس ورا خواندی شاهزاده (= ۲۳۹۵ب)؛ ق، ل، ن، و، آ این بیت را ندارند؛ در ق آ این بیت پس از بیت ۲۳۹۶ آمده است؛ بنده‌ی: فجاءت الخاتون و قبلت یده ۱۱-س، ۱-ک (نیز ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): بسی زر (پ: در) و گوهر برافشانند (= ۲۳۹۳ب)؛ متن = ل، ل، ۲-س، ۲-ق، ل، ق، آ، ل، ل، ل، و، آ این بیت را ندارند ۱۲-ق: آ: از آن؛ ل آ این بیت را ندارد؛ بنده‌ی: و حضر الخاقان و اعتقه ثم عاد به الی ایوانه (= ۲۳۹۷آ). و کان بعد ذلك یسمیه شهریار ۱۳-ق: آ: خاقان به ایوان خاتون) ۱۴-س، ل، ۲-س (نیز ل، ل، ل، ب): صد؛ (ل: آ: از)؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲-س (نیز ق، آ، پ، آ) ۱۵-ق، ل، آ، س، ۲-س (نیز ل، ل، آ، و، آ): گنجی؛ ک: زر؛ و: متن = ل، س (نیز ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۶-ل، ق (نیز آ): بدره، و برده و (ل: از)؛ ک، س، ۲-س (نیز ل، آ، و، ل، ن، آ، و، آ): از؛ ل آ: برده (ل: و بدره بر؛ ل: ن: بدره و گوهر؛ ق: آ: برده و جامه و؛ ل: بدره و گوهر و؛ پ: برده و بدره و؛ متن = س (نیز ب): ل پس از این بیت افزوده است:

که رو پیش بهرام جنگی بگوی	که نزدیک ما یافتی آب روی
پس پرده ما یکی دخترست	که بر تارک افران افرست
کنون گر بخواهی ز من دخترم	سپارم به تو لشکر و کشورم
بدو گفت بهرام کاری رواست	جهاندار بر بندگان پادشاست

این بیت‌ها در چهارده دستنویس دیگر و ترجمه بنده‌ی نیست ۱۷-س، ل، ۲-س (نیز ل، ل، ل، ب): بدان تا به چین باشد آبشخورش؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ این بیت در ق، ک، س، ۲-س، ۲-ق، آ، پ، و، ل، ن، آ، ۲-س از بیت ۲۴۰۰ و در س، ل، ۲-س، ل، ب پس از بیت ۲۴۰۶ آمده است؛ پیاپی بیت‌های متن = ل، ل؛ بنده‌ی: ثم أنفذ الیه أموالا کثیرة، و زوجه بنتا له ۱۸-ل، ق، س، ۲-س (نیز ل، ن، و): نوشتند؛ ل آ: بستند (= نبشتند)؛ متن = س، ک (نیز ق، آ، ل، ل، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۹-س (نیز ل، ل، ل، ل، ب): ده؛ (پ: او)؛ ک، س، ۲-س (نیز ل، ن): عهدی از؛ (ق: آ: پس نامه؛ و: عهدی برو)؛ متن = ل، ق، ل (نیز آ)؛ در ک پس از این بیت، بیت‌های ۲۴۰۴ و ۲۴۰۵ آمده‌اند ۲۰-ل، ل، ۳-ب) ۲۱-س (نیز ل): او؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ در ل این بیت با بیت سپسین پس و بیش شده است؛ پیاپی بیت‌های متن = سیزده دستنویس دیگر

به بخشش^۲ نگر تا^۳ که را درخورست!
غم از^۴ گردش روزگارش نبود
ز بهرام^۵ یل داشتندی نشان^۶
ز بهر تو^۷ اندر جهان زنده‌ییم!
بروبر بسی آفرین بود^۸ نیز
بر پادشاه^۹ دلیران رسید،
از آن تو بیش است، نابرده رنج!
دلش گشت پیچان ز کردار^{۱۰} اوی^{۱۱}
بسی^{۱۲} گفت و انداخت بر^{۱۳} بیش و کم

بدو گفت: هر کس کز^۱ ایران سرست
جز از^۲ داد و خورد و شکارش^۳ نبود!
بزرگان^۴ چینی^۵ و گردنکشان^۶
۲۴۰۵ همه چین همی گفت: ما بنده‌ییم!
همی خورد بهرام^۷ و بخشید چیز
چنین تا خبرها^۸ به ایران رسید
که بهرام را پادشاهی و گنج
پر از درد و غم شد^۹ ز تیمار اوی^{۱۰}
۲۴۱۰ همی^{۱۱} رای زد با بزرگان به هم

گفتار اندر نامه فرستادن خسرو بنزد خاقان چین^{۲۱}

سر خامه^{۲۳} را کرد پیکان^{۲۴} تیرا
تو^{۲۵} گفتی که از خنجرش خامه کرد!
توانا و دانا و پروردگار^{۲۶}،
نشاندی شاه^{۳۰} بر^{۳۱} پیشگاه^{۳۲}،

شب تیره فرمود^{۲۲} تا شد دبیر
به خاقان چینی یکی نامه کرد
نخست آفرین کرد بر کردگار^{۲۴}
برآزنده‌ی^{۲۸} هور و کیوان و ماه^{۲۹}

- ۱- (ق: که)؛ ۲- س، ک، س؛ ۳- (نیز ل، ن، ل، آ، پ، ب)؛ ببخش این: ق، ل؛ ۴- (نیز ل، آ، پ)؛ ببخش و؛ متن = ل (نیز ق)؛ ببخش ۳- (ن: نگر هر؛ ل، آ، پ، ب)؛ بین تا)؛ و این بیت را ندارد ۴- (پ: بجز)؛ ۵- (ل: داد و خورد و شکارش؛ و: خوردن و داد کارش)؛ ۶- (ل: نیز ل، ن، ب)؛ غم و؛ ق، س؛ ۷- (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ب، ن، آ)؛ غم؛ متن = س (نیز ل، و، آ)؛ در و؛ ۸- (نیز ل، آ، پ، ب، ن، آ)؛ آفرین بود؛ ۹- (نیز ل، ن، ل، آ، پ، ب، ن، آ)؛ به بهرام برداشتندی نیاز؛ ق (نیز آ)؛ به بهرام برداشتندی نشان؛ متن = ل (نیز ق، آ، پ)؛ ۱۰- (ل: به بهرام)؛ ق، آ این بیت را ندارند ۱۱- (و: و هر گونه)؛ ۱۲- (ن: یافت؛ ل، آ؛ خواند)؛ متن = س، ک، س؛ ۱۳- (نیز ل، ن، و، پ)؛ ق، ل، آ این بیت را ندارند؛ در س، ل، ن، ل، ب پس از این بیت و در ل؛ بجای آن بیت ۲۳۹۹ آمده است؛ بنده‌ی (۲۴۰۶-۲۴۰۰)؛ فار تقع بذلک شأنه و طاول الکیوان ایوانه. فبقی فی تلک البلاد عالی اللواء، راکبا صهوة العلیاء، مرموقا من ملوک الترتک بعین الإجلال، مبسوطا علیه من الخاقان ظل الإنعام و الإفضال، لا یشغل إلا بالعیش و الطرب و الصید و الطرد، علی رسم الملوک و آیین السلاطین ۱۳- (آ: خبر زو)؛ ۱۴- (پ: پادشاهی)؛ ۱۵- (پ: در دزد شده)؛ ۱۶- (ل: ک، س؛ آ: نیز ل، ل، آ، پ، ب، ن، آ)؛ او؛ متن = ل (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ب، و، ل، ن، آ)؛ ۱۷- (ق: نیز آ)؛ برآشفت از آن کاور و بازار ۱۸- (و: بسی)؛ ۱۹- (س، ق، ل: نیز ل، ن، ل، آ، پ، ب)؛ همی؛ متن = ل، ک، س؛ آ (نیز ق، آ، ل، آ، پ، ب، و، ل، ن، آ)؛ از؛ (و: و بشند بر)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنده‌ی؛ و لما تناهت الأخیار الی برویز بجلالة قدره عند الخاقان عظم ذلک علیه، و تخوف صرف الزمان ۲۱- (ل: نامه خسرو به خاقان چین؛ س: نامه فرستادن خسرو بنزد خاقان چین؛ ق: نامه خسرو پرویز بنزدیک خاقان چینی؛ ک: نامه پرویز به خاقان چین از جهت بهرام؛ ل، آ، س؛ ۲۲- (ق: آ؛ از آن پس بفرمود)؛ ۲۳- (ل: نیز آ)؛ نامه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۴- (ل: نیز ق، آ، پ)؛ پیکان و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵- (ل: آ، س؛ ۲۶- (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ب، ن، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۲۶- (س، ک، ل، آ، س؛ ۲۷- (پ: آ؛ نیز ل، ن، ل، آ، و، ب)؛ یک خدای؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، پ)؛ ۲۷- (ل: به روزگار؛ س، ک، ل، آ، س؛ ۲۸- (نیز ل، ن، ل، آ، و، ب)؛ که اویست بر نیکویی رهنمای؛ ق: کز ویست هر نیکوی پایدار؛ متن = (ق: پ)؛ ۲۸- (ل: به دارنده؛ ق: ک: نگارنده؛ ل: فروزنده)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹- (و: ماه و کیوان و تیر)؛ ۳۰- (س: ماه؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۱- (س، ک، ل، آ، س؛ ۳۲- (نیز ل، ن، ل، آ، پ، ب)؛ در؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، پ)؛ (و: پادشاه و وزیر)

فزاینده‌ی^۱ دانش^۲ ایزدی،
 ز کَمی و کُزی و از^۵ کاستی،
 وُرا یار و همتا و همباز^۸ نیست!
 مباد آنک^{۱۱} او دستِ بد را بشتا
 سر از ناسیاسی باید^{۱۳} کشید!
 نه مهترشناس^{۱۵} و نه یزدان‌شناس،
 پدر برکشیدش که هَنگام^{۱۸} بود،
 میان کِهان و میان مِهان^{۱۹}،
 وُ گر در^{۲۱} خرد برترین پایه بود،
 چو پُرمایگان^{۲۴} دست بگرفتیش،
 نِیم من^{۲۷} بدین کار همداستان!
 به بهرام بفروشی آرام خویش!
 پُراندیشه کن رای تاریک^{۳۱} تو!

۲۴۱۵ گزاینده‌ی هر که جوید بدی
 ز دانایی^۳ و دانش و راستی^۴
 بیایی^۶ چو گویی که یزدان یکیست
 بیابد^۹ هر آنکس که نیکی نجست^{۱۰}
 هر آنکس که او^{۱۲} راه یزدان گزید
 ۲۴۲۰ یکی بنده بُد شاه را ناسیاس^{۱۴}
 یکی خُرد و^{۱۶} بیکار و بی‌نام^{۱۷} بود
 نهان نیست کردار او در جهان
 کس او را نپذیرفت که ش^{۲۰} مایه بود
 بنزد تو آمد پذیرفتیش^{۲۳}
 ۲۴۲۵ کسی این نبرگیرد^{۲۵} از راستان^{۲۶}!
 نباید که بی‌بر کنی^{۲۸} نام خویش!
 چُن^{۲۹} این نامه آرند نزدیک^{۳۰} تو

۱- (ب: برزنده) ۲- دل: دانش و؛ س (نیز لن): فزّه؛ ل (نیز لی، ب): فزّه؛ متن = ق، ک، س، ۲ (نیز ق، ۲-آ، ۲): در ل ت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳- ل، ق، ل، ۲، ۴ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳-ب): نادانی؛ متن = س، ک، (نیز لی) ۴- (پ: و هم ز ناراستی)؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۵- ل، و؛ س، ق، س، ۲ (نیز لی، و): و از (ق، س، ۳: وز) کُزی و؛ (ل: ۲: ز کُزی و از کَمی و؛ پ: ز کُزی و کَمی و از)؛ متن = ک، ل، ۲ (نیز لن، ق، ۲، لن، ۱، ۲، ب) عرس (نیز لن): نیایی؛ (پ، و: بتایی)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- (ل: بیایی که گویند که!) ۸- ل-س، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۳، پ، و، آ، ب): انباز؛ (لی: همتاش؛ لن: ۲: همتای)؛ متن = (ن) ۹- در ل حرفهای یکم، دوم و چهارم، در س حرف دوم، در ک حرفهای یکم و چهارم و در س ۲ حرف یکم بی‌نقطه؛ (ل: ۳: بیاید؛ و: نیاید؛ لن: ۲: نیابد)؛ متن = (ن، ق، ل، ۲، لی، پ، ب) ۱۰- (لی، ل، ۲، پ: بجست)؛ در دیگر دستنویسها حرف یکم بی‌نقطه؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱- (پ، لن: ۳: آنکه)؛ ق، ل، ۲، آ این بیت را ندارند؛ در ل این بیت با بیت سپهین پس و پیش شده است ۱۲- (آ: وی) ۱۳- (ن، لن: ۲: نیابد)؛ ق (نیز آ): پادشاهی نباید (آ: بیاید)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۱۴- ل-۱: با سیاس (!) ۱۵- س (نیز لی): خسروشناس؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶- (ک: مرد؛ متن = ۱۷- ل، ۲: بدارم؛ (ق: ۲: خود بیکار بی‌نام (!))؛ ل: ۲: خرد بی‌مایه بی‌باب؛ پ، و: خرد بیکار بی‌نام؛ لن: خرد بی‌کام و بی‌نام)؛ متن = ل، س، س، ۲ (نیز لن، لی، ب) ۱۸- (لی: بهرام)؛ ل: از ایدر کشیدش که بی‌تاب)؛ ق: آ این بیت را ندارند ۱۹- س، ک، ل، ۲ (نیز لن-ل: ۲: مِهان... کِهان؛ (ن: ۲: کیان... مِهان)؛ متن = ل، س، ۲ (نیز پ، و، ب)؛ ق، آ این بیت را ندارند؛ در س، لی پس از این بیت، بیت ۲۴۳۶ آمده است؛ بنداری (۲۴۳۷-۲۴۳۸): فارس‌الی الخاقان رسولاً و نقد الیه کتابا حمد الله تعالی فیه و اثنی علیه ثم قال له: جویین کان لنا عبدا خامل الذکر فتَوّه به ابونا ثم امره مرد ثم خرج علينا و جرى ما جرى ۲۰- ق (نیز آ): که به ۲۱- (لی: بر)؛ متن = ۲۲- (ق: ۲: کمترین؛ پ: بر برین)؛ ک: چند بر برترین؛ (ل: ۳: درخور برترین؛ و: درخور کمترین)؛ آ: که او در خرد کمترین؛ متن = ل، س، ق، ل، ۲، ۳ (نیز لن، لی، ب) ۲۳- س، ل، ۲ (نیز لن، لی، آ، ب): پذیرفتیش؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۳، پ، و) ۲۴- (آ: بی‌مایگان)؛ بنداری؛ و لما طردناه من عندنا لم يتجاسر أحد علی قبوله سواک فأخذت بیده، و جذبت من ضعبه ۲۵- ل: کس این راه برگزید؛ (ن، لن: ۲: کسی را نبرگیرد؛ ل: ۳: کس این برنگزید)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶- (ن، ب: داستان؛ ق: کس این راز نگشاد از و داستان) ۲۷- ک: نعام من؛ (و: نباشم) ۲۸- ک: که تو بد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد؛ در س، لی این بیت پس از بیت ۲۴۳۲ آمده است ۲۹- ل، ۲-ل (نیز لن-ب): چو؛ متن = س، ۲، ۳-ل، ۳: آید بنزدیک) ۳۱- ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز پ): باریک؛ در س، لن، لی، و، ب حرف یکم بی‌نقطه؛ متن = ل، ق (نیز ق، ۲، ل، ۳، لن، ۱، ۲)

فرستی، بر ما، بوی^۲ سودمند،
به توران کنم روز روشن سیاه!

بر آن^۵ گونه گفتار شاهان^۶ شنید،
چُن^۷ آبی به در، پاسخ نامه خواه!
نبود آن شیش^۸ جای آرام و خواب!
به درگاه خاقان چینی^{۱۰} دويد!^{۱۱}
ابا خامه و^{۱۲} مشک و^{۱۳} چینی حریر،
ز من^{۱۶} بنده بر^{۱۷} کردگار^{۱۸} جهان!
فرستاده^{۲۱} را پیش بنشانديم^{۲۰}،
نزيبید^{۲۳} از آن^{۲۲} خاندان کهن،
نه که را شناسند بر جای که^{۲۸}،
به هیتال بر نیز فرمان رواست^{۳۱}!

گر آن^۱ بنده را پای کرده به بند
وگر نه فرستم از^۳ ایران سپاه

۲۴۳۰. چو آن^۴ نامه نزدیک خاقان رسید
فرستاده را گفت فردا پگاه
فرستاده آمد دلی پُرشتاب
همی بود تا شمع رخشان^۹ بديد
بیاورد خاقان همانگه دبیر
۲۴۳۵ به پاسخ نبشت^{۱۴} آفرین مهان^{۱۵}
دگر گفت کان^{۱۹} نامه برخوانديم^{۲۰}
تو با بندگان گوی ازینسان^{۲۲} سَنخُن؛
که مه^{۲۵} را ندارند^{۲۶} یکسر به مه^{۲۷}
همه چین و توران^{۲۹} سراسر مراست^{۳۰}!

۱-س (نیز لی): مرین؛ ل^۲ (نیز لن، ب): مران؛ س^۲ (نیز ق^۲، و، لن^۲): گر این؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل^۳، پ، آ): ل^۲-ل (نیز ل^۳): شوی؛ س^۲ (نیز و): بود؛ (لن^۲): بر ما فرستی بود؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳-ل-س^۲ (نیز لن، ق^۲، لی، پ، و، آ، ب): ز؛ متن = (ل^۳، لن^۲): بنداری (۲۴۲۹-۲۴۲۵): و انا لا أرضی بذلک فإما أن تنفذه الی مکیلا مقیدا و إما أن تشرم لقتال یکی فیہ الحدید دما، و لا تورثک عقبها إلا حرة و ندما؛ ق^۲ پس از بیت ۲۴۲۹ افزوده است:

چو عنوان نامه شد از باد خشک نهادند مهری برو بر ز مشک

۴-س، ک (نیز لی، ل^۲، و): این؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-س (نیز لن^۲): برین؛ ق، ک (نیز ل^۳، و): بدان؛ (لی: بدین)؛ متن = ل، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق^۲، پ، آ، ب): عدل (نیز آ): خسرو؛ ق: خاقان؛ ک (نیز و، لن^۲): گفتارهاشان؛ س^۲: گفتارها را؛ متن = س، ل^۲ (نیز لن-پ، ب): ل^۲-ل، س، ل^۲ (نیز لن-ل^۲، ب): چو؛ متن = س^۲؛ ق، ک، آ این بیت را ندارند ۸-ل (نیز ق^۲، ب): بند زان سپس؛ (ل^۲: نبودش به شب)؛ متن = س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز لن، لی، و، لن^۲، ب): ۹-ق^۲: شب درخشان ۱۰-س: بیامد به درگاه خاقان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-ل^۲: رسید؛ ق، آ این بیت را ندارند؛ در س این بیت با بیت سپین و در ل^۲ لتهای آن پس و پیش شده اند ۱۲-ل: جامه و (ل): (ب: خامه) ۱۳-ل^۲: چو؛ س، ل^۲ در اینجا سرنویس دارند: پاسخ نامه خسرو از نزد خاقان چین ۱۴-ل، س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لی، ل^۲، لن^۲، ب): نوشت؛ (و: بگفت)؛ متن = ک (نیز لن، ق^۲، آ، ب): ۱۵-ل، ل^۲، س^۲ (نیز ل): نهان؛ (لی: بر مهان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶-ق^۲: ازین ۱۷-س: بنده؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸-ق: راستین (ل) ۱۹-س، ل^۲ (نیز لن، لی، ب): آن؛ (آ: کین) ۲۰-ل، ق (نیز ق^۲): دم؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱-لی: بر ستاره؛ بنداری (۲۴۳۰-۲۴۳۶): فلما وصل الیه الرسول و وقف علی الکتاب أجاب عنه و قال: قد وقت علی کتابک ۲۲-ل، ق (نیز لی): زینسان؛ س، ل^۲ (نیز لن، ب): زانسان؛ ق: چونین؛ س^۲: از آنسان؛ (آ: چندین)؛ متن = (ق^۲، ل^۲، لن^۲) ۲۳-ق^۲: براندیش (ل^۲): نه زیبایست زان ۲۵-ل (نیز ق^۲): ما؛ (ل^۳: که)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶-ق (نیز ل^۳): ندانند؛ ل^۲: بدارند؛ ق^۲: بدانند؛ لی: بد ندرید؛ پ: بدانید؛ متن = ل، س، ک، س^۲ (نیز لن، و، لن^۲): در ل حرف پنجم بی نقطه ۲۷-ق: ز که؛ (ل^۳): ز؛ و: بر جای مه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، لی، پ، لن^۲، ب): نشانند بر جای مه؛ ق: چو که را شناسند بر جای مه؛ (ق^۲): نه مه را شناسید (ل^۲: نشانند) بر جای که؛ متن = ل، ک (نیز و) ۲۹-ق^۲: ترکان ۳۰-ل: تراست؛ (و): به پیمان مراست)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۱-ل: تراست؛ س (نیز ق^۲، لی، ل^۲، و): مراست؛ ق، ل^۲ (نیز ل): افسر مراست؛ متن = ک، س^۲ (نیز لن، پ، لن^۲، ب): بنداری (۲۴۳۷-۲۴۴۰): و غیر لاثن بیتک القدیم و أصلک الکرمین أن تخاطبنی بمثل هذا الخطاب، و ألا تعرف الروموس من الأذئاب و أنا الذی تملک رقاب ملوک توران و ملوک الهیاطله قاطبة

تو با من چنين داستانها مزنا
 و زان^۳ پس به عهد^۲ اندر آرم شکست،
 جز از پاک‌بزدان^۸ مرا نيست باکا
 خرد بيستر زين بُدی^{۱۱} شايدي^{۱۱}!

که با باد بايد که باشيد^{۱۴} جفت!
 به يک ماه کمتر^{۱۶} بيمود راه،
 ببيچيد و ترسان^{۱۸} شد از روزگار^{۱۹}!
 سَخُن‌های خاقان سراسر براند^{۲۰}،
 بزرگان به اندیشه^{۲۳} درماندند،
 که ای فز و اورند و^{۲۵} تاج^{۲۶} کيان،
 يکی رای زن با خردمندپير^{۲۷}!
 مکن تيره اين فز و^{۳۰} شمع کهن^{۳۱}!
 خردمند و زيبا^{۳۳} و گرد و دبیر،
 سَخُن گويد و رای او^{۳۴} بشنود،

۲۴۴۰ نيم^۱ تا بُدم، مرد^۲ پيمان‌شکن
 چو من دست بهرام گيرم به دست،
 نخواند^۵ مرا داور^۶ از آب^۷ پاک
 ترا گر بزرگی بيفزايدي^۹

بران^{۱۲} نامه بر مهر بنهاد و^{۱۳} گفت
 ۲۴۴۵ فرستاده آمد^{۱۵} بنزدیک شاه
 چو برخواند آن نامه را^{۱۷} شهریار
 فرستاد و ايرانيان را بخواند
 همان^{۲۱} نامه بنمود و^{۲۲} برخواندند
 چنين يافت پاسخ از^{۲۴} ايرانيان
 ۲۴۵۰ چنين کارها بر دل آسان مگير!
 به نامه^{۲۸} چنين کار نیکو مکن^{۲۹}!
 گزين کن از^{۳۲} ايران يکی مرد پير
 کز ايدر بنزدیک خاقان شود

۱-ک، ل (نيز لن)؛ نعام ۲-ق (نيز ا)؛ نيز ۳-ل (نيز ق ۲)؛ از آن؛ متن = سيزده دستنويس ديگر ۴-ل: مهر (۹)؛ متن = س-ب-ه (۳)؛
 بخواند) ع-ق: عاقل؛ (ق ۲: موبد)؛ متن = سيزده دستنويس ديگر ۷-و: داور داد) ۸-ل: يزد (ج-ايزد؟ يزدان؟)؛ متن = س-ب-ب؛
 بنداری: و قد مسحت بيدي بد بهرام، و لست ممن يخفر الذمام، فلا تسمني ذلك فمالي سوى الله ناه و لا أمر. و لو فعلته لم أكن ذا أصل طاهر
 ۹-ل: ب-ف راندي (ا)؛ (ل ۲: بيفزايدي)؛ متن = سيزده دستنويس ديگر (در ل، ق ۲، و حرف يکم بی نقطه) ۱۰-ق (نيز ا، ب): گر بدي؛ ک:
 باشدت؛ ل ۲: تا شدي؛ س ۲ (نيز ق ۲، ل ۲)؛ بايدي؛ (لن، پ، و: باشدي؛ ل ۲: باشدا)؛ متن = ل، س (نيز لی) ۱۱-ل (ل ۲: شايدي)؛ بنداری: و ما
 أحوجک الی مزيد عقل تورده عنه و تصدرا و السلام ۱۲-ل(ن، پ: بدان) ۱۳-ل(ن: حو) ۱۴-س-س (نيز لن-پ، ل، آ، ب): گردی تو؛
 (و: باشی تو)؛ متن = ل ۱۵-س، ل ۲ (نيز لن، لی)؛ فرستاد نامه؛ متن = يازده دستنويس ديگر ۱۶-ل: کهتر؛ متن = س-ب-ب؛ بنداری: فعاد
 الرسول بجوابه هذا الی حضرة برويز فی شهر واحد ۱۷-ل(ن: نامه) ۱۸-ق، س: بترسيد و پيچان ۱۹-ل(ل: کارزار) ۲۰-ل: بخواند (ا)؛
 متن = س-ب-ب ۲۱-ل ۲ (نيز آ)؛ همه ۲۲-و: (و: فرمود تا نامه) ۲۳-ق: از آن گفته؛ (ق ۲: از اندیشه؛ ا: بايسته)؛ بنداری: و لما وقف علی کتابه
 استشعر الخوف، و استحضر أصحابه، و عرض عليهم کتاب الخاقان، و فواضعهم فی الأمر ۲۴-ل، ق، ک، ل (نيز ق ۲، ل ۲، پ، ب، ا): ز؛ متن =
 س، س (نيز لن، ل، ب) ۲۵-ق (نيز ل ۳)؛ اورند؛ ل ۲ (نيز لن ۲)؛ اورند؛ و؛ س ۲ (نيز ق ۲، و): اورند؛ (ا: اورنگ و)؛ ک: فزاورند؛ متن = ل، س
 (نيز لن، ل، پ، ب) ۲۶-ل (نيز ق ۲)؛ شاه؛ متن = سيزده دستنويس ديگر ۲۷-و: گزين کن ز ايران يکی مرد پير = (۲۴۵۲) ۲۸-ل ۲:
 نيابد ۲۹-ل: آسان مکن؛ (ل ۳: نيابد به بن)؛ متن = ک، ل، س ۳۰-ل (نيز لن، ق ۲، ب، ل، آ، ب)؛ س (نيز لی)؛ ز نامه يدين کار تندي مکن ۳۰-ک،
 ل ۲ (نيز لن، ل، آ، ب)؛ فز؛ (ق ۲: نور؛ آ: آي سمع)؛ متن = ۳۱-س: فز شاهی ز بن؛ (لی: فز شاهی کهن؛ ب: آن شمع فز کهن)؛ متن = ل، س ۳
 (نيز ل ۳)؛ ق، و؛ اين بيت را ندارند ۳۲-ل (نيز ق ۲، ل، پ، ب، ل، آ، ب)؛ ز؛ متن = ل، س، ل، س ۳۳-ق (ق: بيدار؛ ل ۲: دانا)؛ ق، و
 اين بيت را ندارند؛ بنداری: فقالوا: أيها الملك! لا تستصفرن هذا الأمر، و لا تغط بالرماد الجمر، و أرسل إلى الخاقان رجلا ألعيا لاترى
 فی رأيه خلا، و لا فی لسانه عيا؛ ق ۲ پس از بيت ۲۴۵۲ افزوده است:

گزين کن يکی را ز فرمانبران
 فرستش ورا نزد خاقان دمان
 ۳۴-ل: راه او؛ س (نيز آ)؛ پاسخش؛ ق: آن او؛ ل ۲ (نيز لن، لی، ل، آ، ب): راز او؛ (و: گفت او)؛ متن = ک، س ۲ (نيز ق ۲، ل ۳، ب)

که بود و پس از^۱ پهلوانی چه^۲ جست:
 خداوند را زان سپس^۳ بنده^۵ خواست!
 بیاشد^۷، به سالی برد روزگارا
 ازو بد سرودن نه آسان^۸ بود!
 نهانی نباید که داند کسی^{۱۲}!

بگوید که بهرام روزِ نخست
 ۲۴۵۵ همی بود تا کار او^۳ گشت راست
 چو نیکو نگردد^۶ به یک ماه کار
 چو بهرام داماد خاقان بود
 به چربی^۹ سخن گفت^{۱۰} باید بسی^{۱۱}

کز^{۱۴} ایران به خاقان کسی^{۱۵} نامه برد،
 بدو گفت کای^{۱۷} مهتر بآفرین،
 همی نامه سازد یک اندر دگر،
 بدان تا ترا گردد ایران زمین،
 ترا شاه خوانم بران^{۲۲} مرز و بوم^{۲۳}،
 به ایران و نیران^{۲۵} گشایند لب،
 که مه پای ماناد^{۲۷} ازیشان^{۲۸} مه^{۲۹} سر^{۳۰}،
 ز بن برکنم تخم ساسانیان^{۳۱}!
 وُرادردل^{۳۳} اندیشه چون بیشه^{۳۴} گشت^{۳۷}
 سخن گوی و داننده^{۳۶} و یادگیر،

وُزان^{۱۳} پس چو بشنید بهرام گرد
 ۲۴۶۰ بیامد دمان^{۱۶} پیش خاقان چین
 شنیدم^{۱۸} که آن^{۱۹} ریمین بدهنر^{۲۰}
 سپاهی دلور ز چین برگزین
 بگیرم به شمشیر ایران و روم^{۲۱}
 به نام تویر پاسانان به^{۲۴} شب
 ۲۴۶۵ بیزم سر خسرو بدهنر^{۲۶}
 چو من کهتری را بینم میان
 چو بشنید خاقان پراندیشه گشت^{۳۷}
 بخواند آن کسان را^{۳۵} که بودند پیر

- ۱- (و: این؛ ل: آ: <از>): ل: یکی که بُد او؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲- ل: آ: که؛ (ق: نیکویها چه) ۳- س: آ: چو بر دست او کارها
 ۴- ل: شیش (!) ۵- (آ: یار)؛ بنداری: حتی یدخل علیه من باب المدارة واللطف، ویتباعد معه عن الخشونة والعنف، فیفهمه بطریق
 العقل الرزین والرأی الرصین أولیة بهرام، وقامة قدره علی الجملة والتفصیل ۶- ق: بیاشد؛ (ق: آ: بگردد؛ آ: نباشد) ۷- ل: (نیز ق: آ: پ): تمامی؛ ق: نباید؛ ل: آ: س: آ: نباشد؛ (آ: باید)؛ متن = س: ک (نیز لن، لی، ل: و، لن، ب) ۸- س: سپردن نه آسان؛ ل: آ: بس سرودن
 آسان (!)؛ (ل: آ: بر تن ما نه آسان)؛ ل: ازو یک سرو دین نه آسان؛ (و: دل شاه ایران هراسان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹- ل: (نیز آ: بخوبی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- (ل: آ: راند؛ آ: چند) ۱۱- ق: چند راندهمی ۱۲- ق: همی؛ بنداری: فقییم عنده شهر، و إن
 احتاج فحولاً حتی یرم الأمر، ویحمد هذا الجمر ۱۳- ل: (نیز ق: آ: از آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۴- (ل: آ: ز) ۱۵- ل: ق: ل: (نیز ق: آ: پ): یکی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶- ل: (نیز ق: آ: دوان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷- ل: (نیز لن، ب): ای ۱۸- (ل: نباشد)
 ۱۹- س: ل: آ: (نیز لن، و، لن، آ، ب): این؛ متن = ل: ق: ک (نیز ق: آ: لی، ل: آ: پ) ۲۰- ق: کم هنر؛ آ: (نیز لی): بدگهر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: قال: و علم بهرام برمسالة برویز للخاقان فقام و دخل علیه و قال: ایها الملک! بلغنی أن ذاک الخبیث الجاهل
 یواصلک بمکاتباته ۲۱- (و، لن: آ: آن مرز و بوم) ۲۲- س: ک، س: آ: (نیز ق: آ: بی، ب): بدان؛ ل: آ: بدین؛ متن = ل: (نیز لن، ل: آ: ب) ۲۳- (و، لن: آ: به ایران و روم)؛ ق: آ: این بیت را ندارند ۲۴- ل: آ: چه؛ (پ: پاسیان تا به) ۲۵- ل: س: ک (نیز لن، ق: آ: لی، لن، ب): توران (ل: نخست نیران
 داشته)؛ (پ: به ایران زمین بر)؛ متن = ل: آ: س: آ: (نیز ل: آ: و)؛ ق: آ: این بیت را ندارند ۲۶- ل: (نیز ق: آ: بی هنر؛ متن = ده دستنویس دیگر
 ۲۷- ل: بادا؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸- (ق: آ: ل: آ: اورا؛ لی: زیشان) ۲۹- ل: (نیز لی، ل: آ: لن، ب): نه؛ متن = ل: س: ک، س: آ: (نیز لن، ق: آ: پ)
 ۳۰- ک: بری؛ و، آ: این بیت را ندارند؛ بنداری: جهز العساکر حتی أخذ لک بلاد الفرس و ممالک الروم، و أقطع رأس هذا الخبیث ۳۱- ق: آ: این بیت را ندارند؛ بنداری: فأننا إذا شدت بین یدیک نطاق العبودیة استأصلت جرثومة الساسانیة ۳۲- ل: (نیز ل: آ: شد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۳- (و، لن: آ: و رادل ز: آ: و زان در دل) ۳۴- ق: و زان دل براندیشه (!) ۳۵- س: ق: ل: آ: س: آ: (نیز لن، ق: آ: ک: کسی را؛ (نیز ل: آ: و، ب): کسان؛ متن = ل: (نیز لن) ۳۶- ل: (نیز آ): گوینده

گذرهای جیحون بگیرید^۱ پاک
 سپاهی دلاور^۳ بدیشان^۴ سپرد
 برآمد ز درگاه بهرام^۶ کوس
 ۲۴۸۵ ز چین روی یکسر^۹ به ایران نهاد

ز جیحون به گردون برآید^۲ خاک!
 همه نامداران و شیران^۵ گرد!
 رخ خور^۷ شد از گرد چون^۸ آبنوس!
 به روز^{۱۱} سپندارمذ^{۱۱} بامداد^{۱۲}

گفتار اندر آگاهی یافتن خسرو از بهرام و فرستادن خَراد برزین^{۱۳}

چو آگاهی آمد به شاه بزرگ
 سپاهی بیاورد بهرام^{۱۴} گرد
 به خَرادِ بُرزین چُنین گفت^{۱۵} شاه
 [یکی سوی خاقان بی‌مایه پوی
 ۲۴۹۰ به ایران و نیران^{۱۹} تو دانتری!
 در گنج بگشاد و چندان گهر^{۲۱}

که از بیشه بیرون خرامید گرگ،
 که از آسمان^{۱۴} روشنایی ببرد،
 که بگزین برین کار، بر خانه راه^{۱۶}!
 سَخُن هرچ^{۱۷} دانی که باید^{۱۸}، بگوی!
 همان بر زبان^{۲۰} بر توانتری!
 بیاورد و^{۲۲} شمشیر و^{۲۳} زَرین‌کمر^{۲۴}،

۱-ل: بدانند؛ (آ: بگیرند)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-ل (نیز آ): برارند؛ در س، ن حرف پنجم بی‌نقطه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳-س (نیز ل): بدیشان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴-ق (نیز آ): به گردان؛ ل: بدیشان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر هـ، ق، س^۲ (نیز ن آ): مردان؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و کانا اکثر قوایه آبعا و آبشاعا، و جعل تحت رابتهما عساكر عظيمة و أمرها باتباع بهرام و الانتقاد له فیما یورد و یصدر ۶-ل (آ: آوی) ۷-س، ق، ل (نیز ن، ق، آ، ن آ، ب، س: شیری: بی: اوشد)؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز ل، ب، و) ۸-س، ل (نیز ن، ق، آ، ن آ، ب، س: شد؛ (آ: گشت)؛ متن = ل، ق، ک، س، آ (نیز ل، و) ۹-س (نیز ل): لشکر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-ق: مایه ۱۱-ل، ک، س، آ (نیز ن آ): سفندارمذ؛ ل: سفیدارمذ؛ (!): (ن، بی، ل، آ، ب: سفندارمذ؛ در ب زیر ف سه نقطه دارد)؛ متن = (ق، ب) ۱۲-ل آ: نامداد (!)؛ و این بیت را ندارد؛ بنداری: و أشار علی بهرام بالارتحال فشدت الکوسات علی أکتاف الأقیال، و ارتحل بهرام متوجها نحو ایران بعساكر کالجبال فی کثرة الرمال ۱۳-س، ق: آگاهی (ق: خبر) یافتن خسرو از (ق: از کار) بهرام و فرستادن خَراد برزین (ق: به توران)؛ س: پیغام فرستادن خسرو به خاقان؛ ل، ک، ل آسرنویس ندارد؛ متن = س ۱۴-ل: <آسمان> ک پس از این بیت افزوده است:

به ایران برفتاد هر گفت‌وگویی
 ز بهرام و آن لشکر و زور او
 برآورد خسرو ز دل باد سرد
 چو بشنید خواندش ردی پیرمرد

۱۵- (و: بفرمود) ۱۶-ل: چارماه؛ س: خام راه (!)؛ (ب: در خانه راه)؛ ک: کار و این خانه راه؛ (پ: درین کار بر خامه راه (!)؛ و: که مگری بساز و برآرای راه)؛ متن = س، ق، ل (نیز ن، ل، ن آ، ن آ، ب، س: ۱۷-ق، ل (نیز ق، آ، ب، س: هر چه؛ متن = ل ۱۸-آ: شاید)؛ ق: باید تو دانی؛ ل آ: دانی بیاید؛ متن = ل (نیز ق)؛ س، ک، ل، ن، بی، ن آ، ب، این بیت را ندارند؛ در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۹-س، ل آ (نیز ل، ق، بی، ن آ، ب: توران (ن نخست نیران داشته)؛ (آ: ز پیران)؛ ق: ز پیران به ایران؛ متن = ل، ک، س، آ (نیز ل، ب، و) ۲۰- (ن: زغان؛ ل آ: سخن)؛ بندلوی (۲۴۸۶-۲۴۹۰): قال: و لما أتى الخیر برویز بأن ذئب الفتنة قد أضح من غیضه ثانیاً استحضرت خَراد بن برزین و قال: أنت عالم ایران و خطیبهم المصقع و أریبهم الأروع. فأنهض لکفایة هذا الأمر فإن المحذور قد وقع ۲۱-ق (نیز آ): زَرین‌کمر ۲۲-ل، ک (نیز ن آ، ب، س: <حرو>؛ متن = ل، س، آ (نیز ن، و) ۲۳- (بی، ب: حرو) < ۲۴-ق (نیز آ): سپر؛ ل پس از این بیت افزوده است:

همان گوهر و جامه را دید نیز
 بیاورد چندان از این گونه چیز

همی در نهان^۲ نام یزدان بخواند^۳!
 به^۶ جیحون یکی راه دیگر گرفت^۷،
 نگه کرد و^۸ گوینده‌ی برگزید،
 فرستاده آمد بدین بارگاه
 بفرمود تا برگشادند راه^۹
 زبان^{۱۱} کرد کوتاه^{۱۲} و بردش^{۱۳} نماز
 به گفتن زبان^{۱۵} برگشاید رهی!
 دل مردم^{۱۸} پیر گردد جوان!
 سَخْن گفته مغزست و^{۲۲} ناگفته^{۲۳} پوست!
 به یاد آمدش گفته‌های^{۲۵} کهن:
 توانا و داننده^{۲۶} روزگار^{۲۷}،
 توانایی و ناتوان آفرید^{۲۹}،
 چرا نه به فرمان او در^{۳۱}، نه چون،
 بلندآسمان و زمین گسترید^{۳۴}،
 سپهر و زمین را نگارنده اوست^{۳۵}،
 شب و روز و آرام و خواب آفرید،

که خَزاو برزین بران^۱ خیره ماند
 چو با^۴ هدیه‌ها راه^۵ چین برگرفت
 چو نزدیک درگاه خاقان رسید
 ۲۴۹۵ بدان تا بگوید که از نزد شاه
 چو بشنید خاقان بیاراست گاه
 فرستاده آمد^{۱۰} به تنگی فراز
 بدو گفت: هرگه که فرمان دهی^{۱۴}
 بدو گفت خاقان: به^{۱۶} شیرین‌زبان^{۱۷}
 ۲۵۰۰ بگوی^{۱۹} آن^{۲۰} سَخْن‌ها^{۲۱} که سواندروست
 چو خَزاو برزین شنید این^{۲۴} سَخْن
 نخست آفرین کرد بر کردگار
 که چرخ و مکان و زمان^{۲۸} آفرید
 همان چرخ گردنده^{۳۰} بی‌ستون
 ۲۵۰۵ بدان^{۳۲} آفرین کو جهان^{۳۳} آفرید
 توانا و دانا و دارنده اوست
 به چرخ اندرون آفتاب آفرید

۱-س، ک (نیز لی، پ، ب): در آن؛ ق (نیز ا): از آن؛ ل: ازین؛ (ن، و: بدان)؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۳، ن، ۲)؛ ۲- (لی: جهان) ۳- ل، ۳:
 ببرد (!)؛ بنداری: ثم فتح أبواب خزائنه وأخرج من الجواهر والمناطق والأطواق والأقراط وغيرها ما بهر خراد ۴- ک: ابا ۵- ل: ساز؛
 متن = س، ب، ۶- ل، ۲ (نیز ن، لی، ب): ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷- (لی: چین برگرفت!)؛ بنداری: و أمره بأن يحملها إلى الخاقان.
 فأخذ خراد في طريق بلاد الترك وسار وقطع جیحون في مخاضة مجهولة كان يعرفها هو؛ ک پس از بیت ۲۴۹۳ افزوده است:

که بهرام او را نبیند به چشم کزو بود بهرام یل را به چشم

۸- (و، ن، ۲: ح) ۹- ن، ۱ این بیت را ندارند؛ بنداری: فلما وصل إلى باب الخاقان أعلم بقدم رسول صاحب ایران فأمر بإدخاله عليه
 ۱۰- س، ۱۰ (نیز ن، ب): چون شد؛ متن = ل ۱۱- (ن: زفان: آنهان) ۱۲- س، ک، ل، ۲، ۲ (نیز ن، ن، ۲، ب): گویا؛ ق (نیز ا): گفتار؛ متن = ل
 ۱۳- (ن: ب: به روشن) ۱۴- (ل: هرگه فرمان بری) ۱۵- (ن: زفان)؛ ن این بیت را ندارد ۱۶- س، ل، ۲ (نیز ن، ل، ۳، ب): ز؛ (ن: آ: که)؛
 متن = ل، ق، ک (نیز ق، ۲، لی، ب، و) ۱۷- (ن: زفان) ۱۸- (ن: مردا) ۱۹- ل (نیز ل، ۲، پ، و، ا): بگو ۲۰- ل (نیز ن، ب): این ۲۱- ل، ۲: سَخْن
 را ۲۲- (ن، لی، و: ح) ۲۳- (ن: آ: آکنده)؛ ق این بیت را ندارد ۲۴- ل، ق، ک (نیز ن، پ، ن، ۲، ب): آن؛ متن = س، ل، ۲ (نیز ق، ۲، لی، ل، و،
 ا) ۲۵- ل: کینه‌های (گفته‌های؟!؛ ق (نیز ا): روزگار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر: گفته‌های؛ ک در اینجا سرنویس دارد: سخن گفتن
 خَزاو پیش خاقان چین ۲۶- س، ق، ک (نیز ن، لی، ل، ۳، پ، و، ب): دارنده؛ متن = ل، ل، ۲، س، ۲ (نیز ا) ۲۷- (ق، ۲، ن: دانا و پروردگار)
 ۲۸- س، ۲: زمین (س؛ نیز ن، لی، ب): زمان و مکان؛ (ق: زمین و مکان)؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز ل، ۲) ۲۹- س، ۲۹ (نیز لی، ب): بلندآسمان و
 زمین گسترید (ب: آفرید؛ ۳۰- ۲۵۰۵)؛ ق (نیز ن، ا): زمین و بلندآسمان آفرید (۳۰- ۲۵۰۵)؛ ل: شب و روز و آرام و جان آفرید
 (۳۰- ۲۵۰۷) ۳۰- س، ک، س، ۲ (نیز ق، ۲، ن، ۲): یکی چرخ گردنده شد؛ متن = ل ۳۱- (لی: ح)؛ پ: فرمانش اندر؛ ق، ل، ۲، ن، ۲، ب: این
 بیت را ندارند ۳۲- س، ۲ (نیز ق، ۲، ب): بران؛ متن = ل (نیز ل، ۲، پ) ۳۳- ک، س، ۲ (نیز پ): چنین؛ متن = ل (نیز ق، ۲، ل، ۳) ۳۴- ک، س، ۲ (نیز پ):
 آفرید؛ (ق: شب و روز و بهرام از آن آفرید ۳۰- ۲۵۰۷)؛ متن = ل (نیز ل، ۲)؛ س، ق، ل، ۲، ن، لی، و، ن، ۲، ب: این بیت را ندارند ۳۵- ق، ل، ۲،
 و، ا این بیت را ندارند؛ در ق این بیت پس از بیت ۲۵۱۰ آمده است ۳۶- (ن: آ: ح)؛ ق، ل، ۲، ق، ۲، ل، ۲، و، ا این بیت را ندارند

همه^۲ راستی‌هاش گوینده‌بیم^۳،
یکی را کند بنده و^۵ مستمند^۴،
نداند کس این^۹ جز جهان‌آفرین،
به بیچاره تن مرگ را^{۱۱} داده‌بیم
جهاندار طهمورت^{۱۴} بآفرین،
همان^{۱۵} نامداران که داریم^{۱۶} یاد،
چو کیخسرو و^{۱۹} رستم نامدار،
چشیدند^{۲۱} بر جای^{۲۲} تریاک زهر!
همه^{۲۳} شاد و غمگین^{۲۴} به کم‌بیش^{۲۵} نست!
پدر مادرش بود^{۲۷} خاقان چین،
همه کار بر دیگر اندازه گشت!
سر تاجداران^{۳۰} زمین تو باد^{۳۱}!

چنین^{۳۴} گفت کای مرد دانش‌فروش^{۳۵}،
ستاینده‌ی^{۳۸} آسمان او بس‌ست!

توانایی او راست^۱، ما بنده‌بیم
یکی را دهد تاج و تخت^۴ بلند
۲۵۱۰ نه با آتش رای^۷ و نه با اینش کین^۸
که و مهتران^{۱۰} خاک را زاده‌بیم
نخست اندرآیم ز^{۱۲} جم^{۱۳} برین
چنین هم برو تا سر کعباد
برین^{۱۷} هم نشان تا به^{۱۸} اسفندیار
۲۵۱۵ ز گیتی یکی^{۲۰} دخمه‌شان بود بهر
کنون شاه ایران به تن خویش تست
به^{۲۶} هنگام شاهان بآفرین
بدین روز پیوند ما تازه^{۲۸} گشت
ز پیروزگر آفرین بر^{۲۹} تو باد!

۲۵۲۰ همی‌گفت و^{۳۲} خاقان بدو داده^{۳۳} گوش
به ایران اگر نیز چون^{۳۶} تو کس‌ست^{۳۷}

- ۱- (ن: او راست و؛ ق: او را و) ۲- س، ل (نیز ن، لی، ب): هم از؛ س (نیز ق: آ): همان؛ متن = ل، ق (نیز پ: آ) ۳- س، ل (نیز ن: آ):
گوینده‌بیم؛ ک: به فرمان و رایش سرفراکنده‌بیم؛ ل (این بیت را ندارد ۴- ل: چرخ:!)؛ ق (نیز و: آ): تخت و تاج ۵- س، ل (نیز ن، لی،
ب): بسته و؛ ق، ک (نیز ق: آ، ل، و، ن: آ): بنده؛ متن = ل، س (نیز پ: آ) ۶- و: سودمند) ۷- ی: میل؛ (ن: آ): مهر؛ متن = ۸- ل: اینش مهر
و نه با آتش کین؛ ق: نهان و هویدی چرخ و زمین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹- ق: ل (نیز ن، و، ن: آ، ل): کسی؛ متن = ل، س، ک، س (نیز
نیز ق: آ، پ: ب) ۱۰- ل: که یکسر همه؛ ق (نیز و: آ): همه نیک و بد؛ (ق: آ): که و مه همه؛ متن = س، ک، ل (نیز ن، لی، ن: آ، پ: ن: ب)
۱۱- س، ق، ل (نیز ن، ق: آ، لی، و: ب): به بیچارگی تن (ن: آ): دل؛ بدو؛ متن = ل، ک (نیز ل: آ، پ: ب)؛ س (این بیت را ندارد ۱۲- ک: به
۱۳- لی: گزین) ۱۴- ق، ک، ل (نیز ق: آ، پ: ب): طهمورت؛ درس بی‌نقطه؛ متن = ل (نیز ن:!)؛ س (این بیت را ندارد ۱۵- ق، س، ل (نیز ل: آ، و،
ن: آ، ل): همه؛ متن = ل، س، ک، ل (نیز ن، ق: آ، لی، پ: ب) ۱۶- پ: آ: کردیم؛ ن: آ: دادیم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷- س، ل (نیز ن، لی،
ب): بدین؛ (آ: بران)؛ متن = ل، ق، ک، س (نیز ق: آ، ل، آ، ن: آ) ۱۸- ل: با (آ!) ۱۹- ل: ل: جوع؛ ن: این بیت را ندارد؛ در ق: آ، ل: آلت‌های این
بیت پس و پیش شده‌اند ۲۰- ل: حرکی) ۲۱- ق: آ: چشیدیم؛ لی: کشیدند) ۲۲- ی: س (نیز ب): جام؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ن
این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۵۱۵، ۲۴۹۷): فلما مثل بین یدیه خدم و استاذنه فی الکلام فحمد الله تعالی و اثنی علیه ۲۳- س (نیز ق: آ،
ل: آ، پ، ن: آ، ل): همان؛ متن = ل- ل (نیز ن، لی، و: ب) ۲۴- ق (نیز و): شادمانی ۲۵- ل: کم و بیش؛ متن = س- ب: بنداری؛ ثم قال: أیها الملک!
إن برویز قریبک و حمیمک ۲۶- (آ: جو) ۲۷- ل: پدر مادر شاه؛ متن = س- ب: بنداری؛ فان جده من قبل الأم هو الخاقان جدک
۲۸- ل: آ: پاره (آ!)؛ بنداری: فعلیک أن تیل رحمة و تصل قرابته ۲۹- ق (نیز ل: آ، و، ن: آ، ل): جبر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰- ل: نامداران؛
س (نیز ن، لی، ب): تاج ایران؛ متن = ق- س (نیز ل: آ، و، ن: آ، ل) ۳۱- ق: آ: همیشه همی باش پیروز و شاد؛ پ: همه تاجداران ترا باد
یاد) ۳۲- (و: جو) ۳۳- ق: داد؛ متن = س- س (نیز ن، لی، ل: آ، و: ب): بدو؛ متن = ل (نیز ق: آ، پ) ۳۵- ق: آ: باداد و هوش؛ ق: آ: پس از این
بیت افزوده است:

به ایران و توران چو تو نامدار
نباشد به دانش گوی هوشیار

۳۶- س، ل (نیز ن، ب): جز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۷- (ل: آ: بست) ۳۸- ق (نیز ق: آ): شناسنده؛ (آ: پرستنده؛ ب: ستاینده را)؛
متن = یازده دستنویس دیگر

بر آن^۱ گاه^۲ جایی پیرداختش^۳ به نزدیکی خویش بنشاختش^۴
 به فرمان او^۵ هدیه‌ها پیش برد
 بدو گفت خاقان: ز بی^۶ خواسته
 ۲۵۲۵ گر از من پذیرفت خواهی تو^۸ چیز
 و گرنه^{۱۱} تو از هدیه^{۱۲} روشن‌تری!

یکی جای^{۱۵} خرم^{۱۶} پیرداختند^{۱۷}
 به خوان^{۱۸} و شکار و به بزم و به می^{۱۹}
 همی‌جست و^{۲۰} روزیش خالی^{۲۱} بیافت^{۲۲}
 ۲۵۳۰ بدو^{۲۴} گفت: بهرام بدگوهرست
 فروشد جهان‌دیدگان را به چیز
 ورا هر مز تاجور برکشید
 ندانست کس در جهان نام اوی^{۳۲}
 ز هر گونه‌یی جامه‌ها ساختند^{۱۷}
 بنزدیک خاقان بُدی نیک‌یی
 به مردی به گفتارش^{۲۳} اندر شافت،
 از^{۲۵} آهزمین^{۲۶} بدگنش^{۲۷} بترست^{۲۸}!
 که آن چیز گفتن نیرزد بنیز^{۲۹}!
 به ارجش^{۳۰} ز خورشید^{۳۱} برتر کشید!
 ز^{۳۳} گیتی برآمد همه کام اوی^{۳۲}!

۱-ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ۱، و. ۱). بدان: (ق. ۲. در آن؛ ل. ۲. همان؛ ب. پس آن)؛ متن = ل. ک (نیز ل. پ) ۲-س (نیز ق. ۲. ل. ۱). کاخ؛ (و. ۱. کار)؛
 متن = ده دستنویس دیگر ۳-ق (نیز آ): پیرداختند ۴-ل. ۴: بشاختش (!)؛ ق (نیز آ): تخت بنشاختند؛ بنداری: و جری فی مضمار
 الکلام حتی راقه بألفاظه الموشعة و عباراته المنمقة. فمدحه الخاقان و آتئی علیه و أقدعه معه علی تخته ۵-ق: بفرمود تا؛ بنداری:
 فعرض عند ذلك ما استصحبه من الهدایا و التحف. و حضر الخازن قتلهمها عمل (نیز پ): که این؛ س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ۱. و. ۱).
 که بی؛ متن = ک ۷-پ: که بادت همه کاری آراسته ۸-س. س. ۲ (نیز ل. ۱، ل. ۳، ل. ۲، ل. ۱. و. ۱). ب: تو خواهی پذیرفت (و: پذیرفت خواهی
 تو)؛ متن = ل (نیز ق. ۲. ب) ۹-ل. ۲ (نیز ل. ۱): آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰-و: برای تو دارم بسی هدیه ۱۱-ب: اگر نه ۱۲-ل.
 ق: ز هدیه تو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳-ق. ل. ۱. س. ۲ (نیز ل. ۱، ق. ۲. ب. و. ل. ۱. و. ۱). ب: به داندگی؛ متن = ل. س. ک (نیز ل. ۱، ل. ۱۴-ل.
 جهان: ل. ۳)؛ بر چو بر؛ آ. و. سران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری بیت‌های ۲۵۲۴-۲۵۲۶ را ندارد ۱۵-ک (نیز آ): جام (!) ۱۶-ل.
 (نیز ل. ۳): خورم؛ (ل. ۱): یکی خرم ایوان ۱۷-و: پیرداختش-ساختش؛ بنداری: و أمر الملك فأخلا الخزاز بهوا بهیا و قصرًا علیا، و
 رتبوا له جمیع ماکان یحتاج الیه من الملابس و المفارش ۱۸-ل. (ل. بجام) ۱۹-و: به میدان می؛ بنداری: فبقی عند الخاقان یلازم خدمته
 فی الایوان و المیدان ۲۰-ک. ل. ۲ (نیز ل. ۱، و. ۱). ب: چو؛ متن = ل. س. ق. س. ۲ (نیز ق. ۲. ب) ۲۱-ل. جایی: (ق. ۲. فرصت)؛ ق: جاییش خالی؛
 (آ: خالییش جایی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-ل. (نیز ل. ۱): نیافت؛ در س. ق. ل. ۱، ق. ۲. و حرف یکم بی نقطه؛ متن = ک. ل. ۳. س. ۲ (نیز
 ل. ۱، پ. ل. ۱. و. ۱). ب. ۲۳-س. ل. ۲ (نیز ل. ۱، ق. ۲. ل. ۱. و. ۱). ب: گفتار؛ متن = ل. ق. ک. س. ۲ (نیز ل. ۱، ل. ۲۴-ق. ل. ۱): چنین؛ متن = دوازده دستنویس
 دیگر ۲۵-س. ک. ل. ۲ (نیز ل. ۱، ل. ۱، ل. ۲. و. ۱): ز؛ س. ۲ (نیز و. ل. ۱): وز؛ متن = ل. ق (نیز ق. ۲. ب) ۲۶-و. ل. ۱: اهریمن؛ دیگر دستنویسها:
 اهرمن ۲۷-ل. ۲: بدکشیش (!) ۲۸-ل. ۱: برترست؛ ق (نیز ل. ۱، و. ل. ۱): بدترست؛ متن = س. ک. ل. ۲ (نیز ل. ۱، ق. ۲. ب. و. ۱). ب. ۲۹-ل. پشیز؛
 (ب: بچیز)؛ ق (نیز و. ل. ۱): نیرزید نیز؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: فوجده ذات یوم خالیا فانهز الفرصة و قال: أیها الملك! اعلم
 أن جوبین رجل لیم لایعرف قدر من ینعم علیه ۳۰-و: او جوش ۳۱-ک: خورشید ۳۲-ل. س. ق. س. ۲ (نیز ل. ۱، و. ۱). ب: او؛ متن =
 ل. ۲ (نیز ل. ۱، ق. ۲. ب. ل. ۱): ۳۳-ق. ل. ۲ (نیز ل. ۱، و. ۱). ب: به؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: و قد کان فی الأول متطأطأ فی أطمار الخمور
 لایعرف اسمه أحد. فاعتنی بأمره هر مزد و نعشه فرغه من الثری إلى الثریا؛ س. ل. ۲، پ. پس از بیت ۲۵۳۳ و ق ۲ پیش از آن افزودند:

برآمد برین (ل. بدین) کار (ق. ۲): ز فرمان و؛ ل. ۳: برون
 آمد از عهد و؛ پ: برون آمد از امر و) پیمان او (لوی)
 که ایران و توران (پ: نیران) سراسر مرست (س. ل. بخواست)

چو فرمان روان (ق. ۲. پ: روا) گشت فرمان او (لوی)
 به شاهنشهی سر برآورد راست

چنین^۱ گفت با چاره‌گر^۲ کدخدای
 که بهرام چوبینه داماد اوست
 ۲۵۵۰ تو مردی^۳ دبیری یکی چاره^۴ ساز
 چو خزاد برزین شنید این^۵ سخن
 یکی ترک بُد پیر^۶، نامش قلون^۷
 همه پوستین بود پوشیدنش
 کسی را فرستاد و او را بخواند
 ۲۵۵۵ مرو را^۸ درم داد و دینار داد
 چو بر خوان نشست، وُرا خواندی
 پُراندیشه بُد^۹ مرد بسیار دان
 وُزان^{۱۰} روی با کدخدای سرای
 همان پیش خاقان به روز و به شب
 ۲۵۶۰ چنین گفت با مهتر آن مرد پیر^{۱۱}

کز^{۱۲} و آرزوها نیاید^{۱۳} به جای،
 وُ زویست^{۱۴} بهرام را مغز و پوست،
 وُ زین نیز بر^{۱۵} باد مگشای^{۱۶} راز!
 نه سر دید پیمان^{۱۷} او را نه بن^{۱۸}!
 که ترکان وُرا داشتندی زبون^{۱۹}،
 ز^{۲۰} ارزن بُدی نیز جوشیدنش^{۲۱}،
 بران^{۲۲} نامور جایگاهش^{۲۳} نشاند،
 همان پوشش و خورد بسیار^{۲۴} داد،
 بر نامدارانش بشاندی،
 شکبادل و زیرک^{۲۵} و کاردان!
 ز خاتون چینی همی‌گفت رای^{۲۶}
 چو رفتی همی‌داشتی بسته لب^{۲۷}
 که چون تو سرافراز مردی^{۲۸} دبیر،

۱-ل، س، ک، س^۲ (نیز لن، لی، پ، ان، آ، ب)؛ بدو؛ متن = ق، ل^۲ (نیز ق، ل، آ، و) ۲-ل؛ ناچار کز؛ س، س^۲ (نیز و، ان، آ، ب)؛ ناچاره گر (در س، آ، و حرف یکم بی‌نقطه)؛ کد آن چاره‌گر؛ ل^۲ (نیز ق)؛ با چاره‌گر؛ (ل)؛ با چاره بر؛ پ؛ ناچار این؛ آ؛ پس چاره‌گر؛ متن = ق (نیز لن، لی) ۳-ل؛ چنین؛ (و؛ که این)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴-ق؛ بیاید؛ (ق)؛ بیاید؛ و؛ آرزو خود نیاید ۵-ق؛ آرزوست ۶-لن؛ آ؛ (مرد) ۷-س (نیز لی)؛ خانه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸-س، ک، ل^۲ (نیز لن، لی، ب)؛ با؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ، ب) ۹-س^۲ (نیز و، لن)؛ مگشای بر (لن؛ با)؛ باد؛ ق، آ، این بیت را ندارند ۱۰-لن، ان، آ، آن ۱۱-ق؛ درمان؛ ک (نیز ل، و، لن)؛ تیمار؛ متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، پ، آ، ب) ۱۲-ق؛ بیچید از اندیشه مردکهن ۱۳-س (نیز لی)؛ بودی که؛ ل^۲ (نیز لن، ان، آ، ب)؛ بدروی؛ (ل)؛ بد بود؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز ق، آ، پ، و) ۱۴-ل (لی؛ فلون)؛ ق (نیز آ)؛ در آن شهر بودی یکی مرد پیر ۱۵-ق (نیز آ)؛ قلون نام و داننده و یادگیر ۱۶-ق، ک (نیز آ)؛ وز؛ س؛ از ۱۷-ل (آ؛ نان جوشیدنش)؛ ل (نیز ق، آ، ب)؛ ز کشک و ز ارزن بدی خوردنش؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ پوشیدنش - جوشیدنش - جوشیدنش؛ ل پس از این بیت افزوده است:

دلش بُد ز بهرام پر درد و دود	به تن نیز خویش مقاتوره برد
زبان را نبستی ز نفرین او	همیشه به دل داشتی کین او
ابر دست بهرام آن روزگار	مقاتوره چون کشته شد او بزار
شب و روز از غم خروشان بدی	فلون را دل از درد جوشان بدی
وزین انده ترک آگاه شد	5 چو خزاد برزین سوی راه شد

۱۸-س، ق، ل (نیز لن، لی، ل، آ، و، ب)؛ بدان؛ (ق؛ در آن)؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز پ، ان، آ، و) ۱۹-آ؛ پیشگاهش ۲۰-ق (نیز آ)؛ فراوان ۲۱-ل؛ خورد و دینار (!)؛ ل؛ خورد بسیار (!)؛ (و؛ خورد و بسیار)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲-ق (نیز ل)؛ شد ۲۳-لن؛ شکبیا و زیرک دل ۲۴-ق؛ ورا ۲۵-ل؛ کرد رای؛ پ؛ جست رای؛ ق؛ همی‌گفت چندی برای؛ آ؛ این بیت را ندارد؛ در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۶-ل؛ نشست و همی‌داشت بسته دو لب؛ بنداری (۲۵۳۶-۲۵۵۹)؛ و کان خزاد يستعمل الفكر فی الاحتيال لا هلاك جوبين . فحصل بينه وبين رجل كان متولى اُسَاز دارية الخاتون صداقة فكان يجتمع كل واحد منهما بصاحبه ۲۷-ل؛ مهتران دبیر (!)؛ آ؛ همی‌گفت روزی مرین مرد پیر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۸-ل، ق، ل^۲ (نیز ق، ل، آ، ب، ان، آ، و)؛ مرد؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز لن، لی، پ، و، ب)

وگر^۳ نامت از دور شهری^۴ بُدی،
 بویژه^۸ که بیمار شد دخترش^۹
 چوگویی^{۱۰}، بسایم^{۱۱} بدین^{۱۲} کاردست!
 که دانا بزشکی^{۱۴} نو آمد به جای!
 بیارش^{۱۶}، مхар^{۱۷} اندرین کار سرا!
 که این راز^{۱۸} باید که داری نهفت!
 بزشکی^{۲۱} کن از خویشتن تازه روی^{۲۲}!
 تبه دید^{۲۴} بیمار^{۲۵} او را جگر^{۲۶}
 همان تزهی جو بیار آورند،
 تبش^{۲۹} خواست کز مغز بشاندش^{۳۰}،
 شد آن دخت چون ماه گیتی فروز^{۳۱}
 یکی بدره و تایی^{۳۳} زربقت پنج،
 بگیر و بخواه آنج^{۳۴} بایدت نیز^{۳۵}!
 بخوادم هر آنکه که آید بکار^{۳۶}!

اگر در بزشکیت^۱ بهری^۲ بُدی
 یکی تاج^۵ نو بودی^۶ بر سرش^۷
 بدو گفت کین دانشم نیز هست
 بشد پیش خاتون دوان^{۱۳} کدخدای
 ۲۵۶۵ بدو گفت: شادان زی و نوش^{۱۵} خور
 بیامد به خَراد برزین بگفت
 برو پیش او^{۱۹} نام خود را مگوی^{۲۰}
 بنزدیک خاتون شد آن چاره گر^{۲۳}
 بفرمود تا آب^{۲۷} نار آورند
 ۲۵۷۰ کجا تزه گر کاشنی^{۲۸} خواندش
 به فرمان یزدان چو شد هفت روز
 بیاورد دینار خاتون ز^{۳۲} گنج
 بدو گفت کین ناسزاوار چیز
 چنین داد پاسخ که این را بدار

- ۱-ل: ۲: نجشکیت (ج: بزشکیت)؛ (پ: بزشکیت) ۲-ق: دستی؛ ل: نهری (د: بهری)؛ (ن: ل، و، ل، ۲، ب: بهره)؛ متن = ل، س، ک، س، ۲
 (نیز ل، ل، ۲، ب: ۱) ۳- (ن: مگر؛ ل: دگر؛ ب: اگر) ۴- (ن: ل، و، ل، ۲، ب: شهره)؛ ق: از شهر هستی؛ متن = ل، س، ک، ل، ۲، آ (نیز ل، ل، ۲، ب: ۱) هـ: س، ۲: کاخ عس (نیز ن، ل، ل)؛ بودتی؛ ق: بودی ز نو؛ ل: ۲: خواتون بدی؛ (ق: ۲): بودی از آن؛ خاتون بدی؛ متن = ل، ل، ک، س، ۲
 (نیز ل، ل، ۲، ب: در ل حرف چهارم بودی بی نقطه) ۷- س (نیز ل، ل)؛ سرت ۸- ق: بخاصه ۹- س: دخترت؛ (ل: شدت دخترت)؛
 بنداری؛ فافتق آن أستاذ الدار قال یوما لخَراد: لو حصلت علم الطب کما حصلت علوم الکتابه لکت آیه بین الخلق ۱۰- ق: گفتی؛ س، س، ۲
 (نیز ل، ل): چه گویی؛ ل: ۲: چه گویم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱- ل (نیز و): بسازم؛ ک: بکاوم؛ ل: ۲: بشویم؛ (ل: ۲): بساوم؛ ل، ۲، آ: بیازم؛
 متن = س، ق، س، ۲ (نیز ل، ل، ۲، ب: ۱) ۱۲- ل: ۲: درین؛ س، ۲ (نیز ق، ۲، و): برین؛ (ب: بدان)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ فقال خَراد:
 لست تعدم فی ذلک أيضا. فانی قد صرفت طرفا من أوقاتی الی تحصیل ذلک العلم ۱۳- (ل: ۲): روان؛ و: درون
 ۱۴- ل: ۲: نجشکی (ج: بزشکی)؛ (ب: بزشکی)؛ بنداری؛ ففرح أستاذ الدار بذلک، و دخل علی الخاتون و قال: إن هاهنا طیبیا حاذقا. و
 کانت ابنتها مریضة ۱۵- ل، ۲، س، ۲ (نیز و، ل، ل): توشه؛ (ن: ب: توشه)؛ متن = ل، س، ق، م، (نیز ق، ۲، ب: ۱) ۱۶- (ل: ۲): بیاور (۱۷- ل: ۱):
 مخورار ۱۸- ق: کار ۱۹- (ن: روی) ۲۰- (ل، ل، ۳، و، ل، ۲): بگویی؛ ق: بازگویی؛ س، ۲: در بگویی؛ متن = ل، س، ک، ل، ۲ (نیز ل، ل، ۲، ب: ۱) (ب: ۱)
 ۲۱- ل: ۲: نجشکی (ج: بزشکی)؛ (پ: بزشکی) ۲۲- س، ۲: چاره جوی ۲۳- (ل: ۲): چاره کرد ۲۴- (و: بود) ۲۵- (ن: ۲): بیماری ۲۶- (ق: ۲):
 گذر (ل: ۳): جگره = چه کرد؟ ۲۷- ل (نیز ل، ل، ۲): آب و متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۸- ق: کاشنی؛ س، ۲: تیغما؛ ک: تزه کشی
 همی (ل: ۲): تزه کاشنی (ل: ۱)؛ (ن: پ، ل، ۲، ب: تزه کان کاشنی؛ ق: ۲): تزه کش کاشنی؛ ل: ۲: ترک آن زیره با)؛ متن = ل، س (نیز ل، و، ل) ۲۹- (ل: ۲): تشش ۳۰- (ن: بستاندش) ۳۱- بنداری (۲۵۶۵-۲۵۷۱): فأمرت یا حصاره فجاه أستاذ الدار و أدخل خَراد فی زی طیبیب علی
 بنت الخاتون. و کانت بها حمی محرقة فعالجها حتی لبست ففضفاض العافیة بعد أسبوعین ۳۲- ل: ۲: خواتون ز؛ (و، ل، ۲): خاتون ز
 ۳۳- س، ق، ل، ۲ (نیز ل، ل، ۲، ب: ۱)؛ (و، ل، ۲، ب: ۱)؛ جامه؛ ک: تازه؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ل، ل، ۲)؛ بنداری؛ فسرت به الخاتون، و أحضرت له
 هدایا کثیرة ۳۴- ک، ل، ۲ (نیز ل، ل، ۲، ب: ۱)؛ آنچه؛ متن = ل، س، ق، س، ۲ (نیز ل، ل، ۲) ۳۵- ک: باشدت نیز؛ (ق: ۲، آ: باید بنیز) ۳۶- بنداری؛ فلم یقبلها
 و قال: إذا سئحت لی حاجة عرضتها علیک

۲۵۷۵ وُ زان روی بهرام شد تا به مرو
 کس آمد به خاقان که از ترک و چین
 که آگاهی ما به خسرو برد^۳
 منادی‌گری کرد^۵ خاقانِ چین^۶
 شود تا^۸ میانش کنم به^۹ دو نیم!
 ۲۵۸۰ همی بود^{۱۲} خَراد برزین دو^{۱۳} ماه
 به تنگی دل اندر، قلون^{۱۵} را بخواند
 بدو گفت روزی که کس در^{۱۸} جهان
 تو نان^{۲۱} جو و ارزن و پوستین
 کنون خوردنی‌ها تان و برهست^{۲۵}
 ۲۵۸۵ چُنان بود یک چند و^{۲۸} اکنون چُنین

بیازاست لشکر چو پَر تذرُوا
 ممان تا^۱ کس آید^۲ به ایران‌زمین،
 وُرا زان^۴ سَنخَن هدیه‌ی نو برد^۳!
 که بی مُهر ما کس^۷ به ایران‌زمین،
 به یزدان که فروشم^{۱۰} او^{۱۱} را به سیم!
 همی‌داشت این رازها^{۱۴} را نگاه!
 بران^{۱۶} نامورپیش‌گاهش^{۱۷} نشاند
 ندارد^{۱۹} دلی در نهران بی‌نهان^{۲۰}؛
 فراوان بجستی^{۲۲} ز هر در^{۲۳} به چین^{۲۴}؛
 همان پوششت^{۲۶} جامه‌های سرهست^{۲۷}،
 چه^{۲۹} نفرین شنیدی^{۳۰} و چه^{۳۱} آفرین!

۱-س (نیز لی): همانا؛ ک: همان تا؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-ل ۳-ناکس آید (ل)؛ (ن: آ: تا شود کس) ۳-ل: برندا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴-ق، س (نیز ل: آ): زین؛ (ق: آ: وزان بر؛ ب: مرا زان)؛ متن = ل، س، ک، ل (نیز لن، لی، پ، و، ن: آ: آ این بیت را ندارد؛ بنداری: قال: و سار بهرام الی مرو، و کاتب الخاقان بالآیترک أحدای یعبیر جیحون حتی لایتهی الخیر بالحال الی پرویز ه:ق: خواست؛ و، ن: آ: منادی بفرمود)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۵-ک: به چین؛ (پ: ز چین) ۶-۷ (لی: ما را) ۸-س: رود تا؛ س: شوم تا؛ (ن، لی، ب: به ازه؛ ل: شود من؛ و، ن: آ: شود زان)؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز ق: آ، پ، آ) ۹-ق (نیز لن، و، ن: آ: آ)؛ بر: متن = ده دستنویس دیگر ۱۰-ل (نیز ق: آ، پ): بفروشم؛ در ل، ق، س، ۲ حرف یکم بی‌نقطه؛ متن = س، ک (نیز لن، لی، ن: آ، پ) ۱۱-س، س (نیز لن، لی، پ، ن: آ، ب): این؛ ل (نیز آ): آن؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق: آ، ل، و): بنداری: فامر الخاقان فنادی منادی به بالآ یمكن أحد من عبور جیحون إلا بطابع ختمه؛ ق: ۲ پس از بیت ۲۵۷۹ افزوده است:

ببادا کسی کو ابی مهر ما شود سوی ایران ازین شهر ما

۱۲-س: آ: همی خورد ۱۳-ل، ق (نیز ق: آ، پ، آ): سه؛ متن = ده دستنویس دیگر (ب: بنداری) ۱۴-س، ل (نیز لن، لی، ب): اندیشه‌ها؛ ق، ک (نیز ق: آ): آن رازها؛ س (نیز لن: آ): این ازدها؛ (ل: آ: این راهها؛ آ: این آرزوها)؛ متن = ل (نیز پ، و): بنداری: و اقام خَراد شهرین فی تلک البلاد ۱۵-لی: قلون؛ ب: بنداری) ۱۶-(ن، لی، آ، ب: بدان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷-ل (نیز ق: آ، پ): جایگاهش؛ ق (نیز لن: آ، پ): بارگاهش؛ متن = س، ک، ل، ۲ (نیز لن، لی، ل، و، ب): بنداری: فاخذع شیخا طاعنا فی السنّ یسمی فلوا ۱۸-س، ل (نیز لن، لی، ب): روزی کس اندر؛ ق: آنگه که کس در؛ ک: دیدی کسی در؛ (ق: آ: آنکس که اندر؛ و: خَراد کس در؛ آ: آنکس که کس در)؛ متن = ل، س (نیز ل: آ، پ، ن: آ) ۱۹-ک: که دارد ۲۰-ل: کش نباشد نهران؛ س-ل (نیز لن، لی، آ، ب): در جهان بی‌نهان؛ (ق: آ: شاد اندر نهران؛ ل: آ: بی‌غمان در نهران؛ پ: زین جهان بی‌نهان؛ و: بی‌نهان در نهران)؛ متن = س (نیز لن: آ، ب: و)؛ ق: ۲ پس از این بیت افزوده است:

و یا پیش مردم گرامی بود همان نیز هر جای نامی بود
 کجا مرگ او را به از زیستن بدان گونه در خفتن و کاستن

۲۱-ق، بی‌آن؛ (ق: آ: نان از) ۲۲-ل: نجستی ۲۳-ل: تو هر در؛ س، ل (نیز لن، لی، ب): ز هر کس؛ (ن: آ: به هر در؛ و: ز هر در بجستی)؛ متن = ق، ک، س (نیز ق: آ، ل، آ، پ): ترهست؛ س (نیز لی): گوشت برهست؛ ق: ق: نارو برهست؛ (و: جمله برهست؛ آ: بار و برهست؛ ب: خان و برهست)؛ ل: خوردنی‌های نان و بره؛ ک: خوردنی‌ها ز نان و برهست؛ متن = س (نیز لن، ق: آ، پ، ن: آ) ۲۴-س (نیز لی): پوشنی؛ (ق: آ: پوشش از)؛ متن = س ۲۵-س (نیز لن: آ): با مهان یکسرهست؛ (آ: جامه‌ها یکسرست)؛ ل: پوشش و جامه‌های سره؛ متن = ق، ک، ل (نیز لن، پ، و): ل: آ این بیت را ندارد ۲۸-ل (نیز و، ن: آ): < ۲۹-ق: آ: ک: ۳۰-ق: کشیدی ۳۱-س: بسی؛ ک، س (نیز لن، ق: آ، پ، ن: آ، ب): و چند؛ (و: چه از)؛ متن = ل، ق، ل (نیز لی، آ): ل: آ این بیت را ندارد

بسی روز و شب دیدی و کوه و دشت،
 اگر تخت^۴ یابی، اگر^۵ تیره خاک:
 - چنان رو که اندر نوردی^۶ زمین! -
 به مروت فراوان نباید^۷ بدن!
 یکی کارد بستان^{۱۰} و بنورد^{۱۱} راه،
 برو^{۱۳} تا در^{۱۴} مرد^{۱۴} گیتی فروز،
 نگه داشته ستیم^{۱۶} بسیار سال،
 به دیبای چینی^{۱۸} پیوشد سرش،
 رسانم^{۲۳} بدین^{۲۴} مهتر^{۲۴} شادکام،
 همی دار تا خواندت یک تنه^{۲۶}،
 چنین گوی کان^{۲۸} دختر سرفراز،
 سخن^{۳۰}ها ز بیگانه مردم پیوش^{۳۰}
 تو بشتاب و^{۳۳} نزدیک بهرام پوی^{۳۴}،
 و زان پس بجه، گر^{۳۶} بیابی گذر،
 ز پیش سپهبد به آخر^{۳۹} دود،

کنون روزگار تو بر سر^۱ گذشت
 یکی کار دارم^۳ ترا بیمناک
 ستانم یکی مهر خاقان^۴ چین
 بنزدیک بهرام باید شدن
 ۲۵۹۰ پیوشی^۸ همان^۹ پوستین سیاه
 نگهدار از آن ماه^{۱۲} بهرام روز
 وی این^{۱۵} روز را شوم دارد به فال
 نخواهد^{۱۷} که انبوه باشد برش
 چنین گوی^{۱۹} کز دخت^{۲۰} خاتون^{۲۱} پیام^{۲۲}
 ۲۵۹۵ همان کارد در آستین بژهنه^{۲۵}
 چو نزدیک چوبینه آبی^{۲۷} فراز
 مرا گفت: چون راز گویی^{۲۹} به گوش
 چو گوید: چه رازست^{۳۱}، با من بگویی^{۳۲}!
 بزن کارد و^{۳۵} نافش سراسر بدر
 ۲۶۰۰ هر آنکس که آواز او^{۳۷} بشنود^{۳۸}

۱-ک (نیز و): اندر ۲-س-س ۲ (نیز لن، ق ۲، و، ب): همانا که سال تو هشتاد (ق ۲: هفتاد) گشت؛ متن = ل (نیز ب)؛ ل ۲ این بیت را ندارد و در آپس از بیت ۲۵۸۸ آمده است ۳-ق: دانم ۴-ل: بخت؛ در ل، س، ق ۲ حرف یکم بی نقطه؛ متن = ده دستنویس دیگر ه-س، ق ۲، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ل، ن، ا، ب): وگر؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲، پ، و، ا)؛ ل ۳ این بیت را ندارد؛ بنداری: و قال له، بعد أن عاهده علی أن یطیعه فیما یأمره به: إن لی الیک حاجة إن قضیتها لم یخل أمرک من حالتین: إما ملک أو هلك ۵-ل: نوردد؛ متن = س-ب ۷-ل، ل ۲ (نیز ل ۳، پ، ب): بیاید؛ در ق، ک، س، ا، ن، ق ۲، ل، و، ن ۲ حرف یکم بی نقطه؛ متن = س (نیز ا) ۸-ل: نپوشی ۹-ل: ن: آ (یکی) ۱۰-ق: برگیر ۱۱-ل: و رو سوی؛ (ق ۲: و بگزین تو؛ ل ۲: و بنمای؛ پ: تو با خود به)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲-ل: حاز آن ماه؛ س (نیز ق ۲، ا): حاز آن روز؛ ق (نیز و): ازین ماه؛ (پ: تا روز)؛ متن = ل، ک، ا، س ۲ (نیز لن، ل، ن، ا، ب) ۱۳-ل (نیز ل ۳): بود؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۴-ل، ل، س، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ل، ا، پ، ب): مرو؛ (و: مرز)؛ متن = ق، ک (نیز لن، ق ۲، ل، ن، ا)؛ بنداری: أسلم الیک سکینا فتخفیه، تحت فروة تلبسها، فی کمک، و تسیر الی مرو فتقصد باب بهرام فی یوم بهرام، و هو یوم من الایام المسترقة ۱۵-ل، ق، ل ۲ (نیز پ، ا): آن؛ (ل ۲: جاین)؛ متن = س، ک، س، ا، ن (نیز لن-ل، و، ب) ۱۶- (و: داشتست این به) ۱۷-س (نیز ل): نیاید؛ (ل: بخواهد؛ ل: نخواهم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ل ۲ (نیز ا): رومی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فانه یطییر من هذا الیوم و یشام ۱۹-ک (نیز ق ۲، ل): گفت ۲۰-س (نیز ل): گفت ۲۱-ل، ق (نیز و): خاقان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر (- بنداری) ۲۲-ل: بنام) ۲۳- (و: گوزارم) ۲۴-ل: برین؛ متن = س-ب؛ بنداری: ثم تقول: انی جئت فی رساله من عند الخاتون ۲۵-ق: در بنه ۲۶-ل، ل ۲ (نیز لن، پ، و، ل، ب): بدتنه؛ ل ۲: بدتنه؛ متن = س، ق، ک (نیز ق ۲، ل، ا) ۲۷- (ق ۲: رفتی) ۲۸- (ا: کین) ۲۹-ق، ک، ل ۲ (نیز ا): داری؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰- (ل: نپوش) ۳۱- (ا: که پیش آی و) ۳۲-ل: بگو ۳۳-س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ق ۲، و، ب): حو؛ متن = ل، ک (نیز ل، ل ۲، پ، ل، ا) ۳۴-ا: او پوی پوی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۵-س، ق (نیز ق ۲، ل، ا): بدین کارد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۶-س (نیز ل): گریز ار؛ (ا: برو گر)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فانه یحضرک بین یدیه و یسألک أن تؤذی الرساله الیه، فتقول: أمرت أن أناجیک بها، فاذا قربت منه فاهتک بهذا السکین حجاب قلبه ۳۷-ا: تو ۳۸-س، ا: بشنوند ۳۹-ک، س، ا: دوند؛ (و: شود؛ ب: برد)؛ متن = یازده دستنویس دیگر

نیاید ز^۲ کشتن^۳ به روی تو^۴ رنج!
 همه^۵ نیک و بدها پسندیده‌یی،
 که با تو بدانگه بدی^۶ سازی،
 جهان را خریدی و دادی بها:
 همان از جهان نیز بهری دهد!^۷
 که اکنون نیاید^۹ مرا^{۱۰} رهنمون:
 به بیچارگی چند خواهم کشید^{۱۱}!
 به درماندگی بر توی نان^{۱۳} من!
 از آن خانه^{۱۴} تا پیش^{۱۵} خاتون رسید^{۱۶}،
 بگویم ترا ای زن نیک‌خوی^{۱۸}:
 سزد گر گشاده کنی^{۲۰} پای من!
 چنان دان که^{۲۱} بخشیده‌یی جان مرا
 مگر^{۲۳} گِل نهم بر^{۲۴} نگینش به دست
 به بالین مست آمد از حجره راست^{۲۷}،
 بیامد بدان^{۲۹} مرد جوینده^{۳۰} داد

یکی سوی فرش^۱ و یکی سوی گنج؛
 وگر خود کشتند، جهان‌دیده‌یی
 همانا به تو کس نپردازی
 گر ایدونک^۷ یابی ز کشتن رها
 ۲۶۰۵ ترا شاه‌پرویز شهری دهد
 چنین گفت با مرد دانا قلون
 همانا مرا سال بر صد رسید
 فدای^{۱۲} تو بادا تن و جان من!
 چو بشنید خزاد برزین دوید
 ۲۶۱۰ بدو گفت کامد^{۱۷} گه آرزوی^{۱۸}
 به بنداندرون‌اند کس‌های^{۱۹} من
 یکی مُهر بستان ز خاقان مرا
 بدو گفت خاتون که خفته‌ست مست^{۲۲}
 ز^{۲۵} خزاد برزین گِل مُهر^{۲۶} خواست
 ۲۶۱۵ گِل اندر زمان بر^{۲۸} نگینش نهاد

۱- (ق: ۳) اسب) ۲- ک: به ۳- (آ: ز کشتن نیاید) ۴- (و: بروی تو چیزی نیاید)؛ بنداری: و اذا فعلت ذلک اشتغل غلما نه و أصحابه بنهب خزانته و أمواله فیمکنک أن تنجو - ه: ق، س، ۲ (نیز آ:). همان: متن = دوازده دستنویس دیگر ۵- س (نیز لی): هم آنگه بدی: ق: بدی‌ها بدین؛ (و: بدان کاخ بر: آ: بدی را همی)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- (ل: ۳، پ: که) ۸- بنداری: فاذا خلصت فکانک اشتریت بذلک الدنيا و آذیت ثمنها (= ۲۶۰۴)، و ذلک أنى أخذ لک من برویز مدینة تکون فیها سلطانا نافذ الأمر عالی القدر. (= ۲۶۰۵) و إن تکن الأخری و قتلت فقد طال مکثک فی الدنيا، و عالجت فیها المرى. فخلاصک منها غنیمة (= ۲۶۰۲) ۹- ل، ۹- ک، ل، ۲ (نیز لی، ن، ۲، ب): بیاید؛ در س، ق، س، ۲، ن، و حرف یکم بی نقطه و یا دو حرف نخستین یک نقطه در زیر؛ متن = (ق: ۲، ل: ۳، پ: ۱) ۱۰- ل: یکی؛ (پ: ورا)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱- (ن: خمید؛ و: بر سر کشید)؛ بنداری: فأجابه الشیخ الی ذلک و قال: إنی قد شارفت المائة. و من بلغها فقد بلغ الغایة ۱۲- (ق: آ: فدای) ۱۳- ل: به بیچارگی بر جهانیان؛ ق: به بیچارگی در تو درمان؛ ک، س، ۲ (نیز ل: ۳، و): به بیچارگی بر تویی نان؛ (ق: آ: که باشد ز تو جامه و نان؛ پ: به بیچارگی بر تو بر نان؛ آ: به بیچارگی در تویی آن)؛ متن = س، ل، ۲ (نیز ن، لی، ن، آ: پ)؛ بنداری: و قد جعلت نفسی فداک فاحکم فیها بما تری ۱۴- (و: جای) ۱۵- (ن: آ: نزد) ۱۶- ک: کشید؛ لی این بیت را ندارد ۱۷- ک، س، ۲ (نیز ق: آ): آمد ۱۸- ک، س، ۲ (نیز پ، ن، ۲، ب): آرزو - خو؛ لی این بیت را ندارد ۱۹- ل (نیز ق: ۲، آ): اندراند این دو کس‌های؛ س (نیز ن، لی، ب): اندراند آنچه (لی، ب: آنچه) کس‌های؛ ق: اندراند خویش و کس‌های؛ ل: آ: اندراند رنج کش‌های؛ س، ۲ (نیز آ:). اندر اینک کس‌های (!)؛ (ن: اندراند این کسان‌های (!)؛ ن: آ: اندر استند کس‌های؛ آ: اندراند آنک کس‌های)؛ متن = ک (نیز و) ۲۰- (ن: کند)؛ بنداری: قال: فخرج خزاد و دخل علی الخاتون، و قال: إن لی جماعة و راه جیحون ۲۱- س (نیز ب): دانک؛ بنداری: فإن حصلت لی علامة الملک حتی أنفذ الیهم من أصحابی من یعلمهم بحالی عندکم قلدتنی منة عظيمة ۲۲- ک (نیز آ): که جفت منست؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳- (و: شوم) ۲۴- ل: از؛ متن = س، ب ۲۵- ل: چو؛ متن = س، ب ۲۶- ل: گل و مهره؛ ل، ۲ (نیز ق: آ، لی): گل مهره؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷- (لی: خواست) ۲۸- (ق: نیز آ:). میان؛ (لی: میان بر؛ و: گل مهر چون بر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹- ل: بران؛ متن = س، ب ۳۰- (پ: گوینده)؛ بنداری: فأخذت طینة، و دخلت الی الملک و هو سکران فوضعتها علی خاتمه فانطیعت، و خرجت بها و دفعها الی خزاد

برو^۱ آفرین کرد^۲ مرد^۳ دبیر بیامد سپرد آن بدین^۴ مرد^۵ پیر

گفتار اندر کشته شدن بهرام چوبین^۶

فلون بستد آن مهر و تازان چو پرو^۷
 همی بود تا روز بهرام بود^۸
 به خانه اندرون^{۱۱} بود با یک رهی
 ۲۶۲۰ فلون رفت تنها به درگاه^{۱۳} اوی^{۱۴}
 من از دخت خاقان^{۱۶} فرستاده ام
 یکی راز گفت آن زن پارسا
 ز بهر ورا^{۱۹} ازدر^{۲۰} بستن ست
 گر^{۲۲} آگه کنی تا رسانم پیام
 ۲۶۲۵ بشد پرده دار گرامی دوان^{۲۵}
 چنین گفت کامد یکی بدنشان
 همی گوید از دخت خاقان^{۲۷} پیام
 چنین^{۲۹} گفت بهرام کو را بگوی

بیامد ز شهر کشان تا^۸ به مرو
 که بهرام را آن نه پدرام^{۱۰} بود،
 نهاده برش نار و سیب و^{۱۲} بهی،
 به دربان چنین گفت کای^{۱۵} نامجوی^{۱۴}،
 نه جنگی کسی ام، نه^{۱۷} آزاده ام،
 بدان تا بگویم بدین^{۱۸} پادشا،
 همان نیز بیمار و^{۲۱} آبستن ست،
 بدین^{۲۳} تاجور مهتر نیک نام^{۲۴}،
 چنین تا در خانه ی پهلوان،
 فرستاده یی^{۲۶} پوستینی کشان،
 رسانم بدین مهتر شادکام^{۲۸}،
 که هم زان در خانه بنمای روی!

۱-ل، ۲ (نیز لی، ب): بدو؛ (ن ۲: بسی)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲-۲ (و: خواند) ۳-ق: گرد ۴-۲ (نیز ن، لی، و: آ): بدان؛ س (نیز آ): او بدان؛ (ن ۲: سپردش بدان)؛ ق: بداد آن بران؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز ق ۲) هـ س ۲ (نیز ق ۲): ترک: بنداری: فأخذها و خرج و دفعها الی الشیخ المذکور، و أمره بالمسیر و انتهاز الفرصة فی الیوم المعلوم عـ ل، س، ق: کشته شدن بهرام چوبین (س: چوبینه برد دست فلون ترک)؛ ق: چوبینه به زخم فلون به شعبده خرد برزین و سخن گفتن بهرام با خواهرش و نامه او به خاقان)؛ ک: کشتن فلون بهرام چوبینه را؛ س ۲: داستان فلون با بهرام چوبینه؛ ل ۲ سرنویس ندارد؛ متن ← ل ۷-ق: مهر همچون تذرو؛ ل ۲: همچو باران تذرو (ل)؛ ق ۲: مهر همچون هزبر؛ ل ۳: مهر او را چو پرو؛ ن ۲: مهر تازان چو غرو؛ س (نیز ن، لی، آ: ب): آن و چوپز (ن، آ: تازان؛ ب: پزان) تذرو؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز پ، و) ۸-س، ل ۲ (نیز ن، لی، ب): خشن تا؛ ق، ک، س ۲ (نیز ق ۲، و، ل، ن ۲): کشانی؛ (ل ۲: ز شهر کشانی بیامد)؛ متن = ل (نیز پ) ۹-ل: شد؛ متن = س، ب ۱۰-س (نیز لی): روز پدرام؛ (ل ۲، آ: از آن روز پدرام؛ ن ۲: زان نه پدرام)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱-ل، ک (نیز ن، ب، و): خان درون؛ ل ۲ (نیز و): خان اندرون؛ متن = س ۱۲-۲ (ق ۲، ل ۲: جو)؛ س ۲: سیب و نار و؛ بنداری: فأخذها و سار لایسا فروه سواد حتی آتی باب بهرام فی ذلک الیوم. وکان من خوفه من شؤمه قد خلاص غلام له فی دار ۱۳-لی، آ: بنزدیک) ۱۴-ل (نیز لی، و): او-نامجوی؛ ق: در-نامور؛ (آ: او-نامجوی)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵-ن: ای) ۱۶-ل، ن، ق: خاتون) ۱۷-ق: که؛ (ق ۲، و: سوارم نه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸-ک: بدان ۱۹-ق، س ۲ (نیز آ): ز مهر ورا؛ (ق ۲: ز مهرش همی؛ ل ۲: ز بهرام او)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰-س (نیز لی، ب): کز در؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱-ق: از نخمش ۲۲-ل، ک؛ متن = س، ب ۲۳-ق (نیز ق ۲، آ، ب): بدان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴-ل (نیز و): نامور مهتر شادکام (= ۲۶۲۷)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فلما آتی الباب قال للوآب: ائی أنفذت من حضرة الخاتون الی بهرام برسالة ۲۵-س ۲: جوان؛ (و: روان)؛ ل، ق: بیتهای ۲۶۲۵-۲۶۲۷ را ندارند؛ ق: بجای آنها افزوده است:

بیامد هم آنگاه دربان بگفت کجا راز او با خرد بود جفت

۲۶-س، ب، ل ۲ (نیز ن، لی، ب، و، ب): فرستاده و؛ متن = (ق ۲، ل ۲، ن ۲، آ، ب) ۲۷-ق (۲، ل، ن، آ: خاتون) ۲۸-و: نیکنام)؛ بنداری: فأعلم بهرام بذلك (۲۹-آ: بدو)

ز کافِ درِ خانه بنمود^۱ سر
بدو گفت: اگر^۳ نامه داری بیارا
نخواهم که گویم سخن پیش کس!^۲
به گوشم نهانی، بهانه مجوی!
-پدیدار شد^۴ کزوی و کاستی-،
بزد دشته^{۱۱} وز خانه برشد خروش!
برفتند پویان بنزدیک شاه^{۱۲}
بپرسید ازو تا^{۱۴} که راهش نمود؟
مران پیرسر را کشیدند^{۱۶} پای
به سیلی و مشتش همی^{۱۹} کوفتند،
هم از^{۲۱} نیمه‌ی روز تا نیم‌شب،
فگندندش اندر میان سرای
جگرخسته و پُرگداز^{۲۳} آمدندا
لیان^{۲۵} پُر ز باد و رخان^{۲۶} لاژورد^{۲۷}!
همه موی برکنند پاک از^{۲۸} سرش،

بیامد قلون تا بنزدیک در
۲۶۳۰ چو دیدش، یکی پیر بُد سست و زار^۲
قلون^۴ گفت: شاها پیامست و^۵ بس!
وَرَا^۷ گفت: زود اندرآی و بگوی
قلون رفت با کارد در آستی^۸
همی شد که^{۱۰} تا راز گوید به گوش
۲۶۳۵ چو بهرام گفت: آه، مَرْدُم ز راه
چُنین گفت کین^{۱۳} را بگیرید زود
برفتند هر کس که بُد در سرای^{۱۵}
همه^{۱۷} کهتران^{۱۸} زو برآشوفتند
همی خورد سیلی و نگشاد^{۲۰} لب
۲۶۴۰ چُنین تا^{۲۲} شکسته شدش دست و پای
بنزدیک بهرام بازآمدند
همی رفت خون از تن^{۲۴} خسته مرد
بیامد هم اندر زمان خواهرش

۱-ل: یکاف در خانه بهناد؛ س (نیز لی): ز در گاه آن خانه بنمود؛ (ق:آ: ز کاخ در خانه بنمود)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ب: خوار)؛ ل: سست وار؛ س: آ: پیر سست و نزار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳-ل، س، ل: (نیز لن، لی، ل، آ، گ): گری: ق: بگفتش که گری؛ متن = ک، س: آ: (نیز ق: آ، پ، و، لن، آ، ب) ۴-ق، س: آ: (نیز ق: آ، ل، آ، گ): بدو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-پ: (پ: جو) ۶-ق: آ: پیش و پس) ۷-ق: (نیز و، پ): بدو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۸-ل، آ، س: آ: (نیز لی): آستین (ل) ۹-ل: آ: پدید آمد آن؛ و این بیت را ندارد؛ بنداری: و لما سمع باسم الخاتون خرج الی باب الدار فدنا منه الشیخ لیؤدی الرساله و یناجیه بها فضر به بالسکین فی جوفه ۱۰-ل: (نیز پ، لن، آ): همی رفت؛ (و: دوان رفت)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱- (و: کارد) ۱۲-ل: آ: بنزدیک رفتند بر راه آه) ۱۳-ق: (نیز ق: آ، ل، پ): کو؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-ل: زو تا؛ ق: تا خود؛ (ل: از آن تا)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فأن أنه و قال: آه قد هلکت. خذوا هذا الرجل و استنطقوه حتی ینخرکم بالذی امره بهذا الفعل ۱۵- (و: رهنمای) ۱۶-ل، ق: شکستند؛ س (نیز لی، ل): پیر را سر شکستند و؛ ک، س: آ: (نیز لن، ل، آ، ب): پیر تن را کشیدند؛ ل: آ: پیر تن را شکستند؛ متن = (ق: آ، پ، و، لن، آ) ۱۷-ل: همی؛ متن = س-ب ۱۸- (ق: آ، پ، و؛ مهتران)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹-ل: بسی؛ (لن، آ: فرو)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-ک، ل: آ: بگشاد؛ در ل، س حرف یکم بی نقطه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱-ک: همین؛ (پ: از آن) ۲۲-ل: پا؛ بنداری: فأخذوه و أهدقوا به یضربونه و ینسجرونه عن الذی أشار علیه بذلک فلا یزیدهم الشیخ الطالع إلا سکوتا. و لم یزالوا یضربونه کذلک الی نصف اللیل حتی أنخنوه بالضرب، و کسروا یدیه و رجلیه، و ترکوه مرصیا فی صحن الدار ۲۳-ق: دل گداز؛ (ل، آ: با گداز)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴-ق، س: آ: (نیز ل، ل، آ، ب، و، لن، آ، گ): پیر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵- (و، لن، آ: زبان) ۲۶-ق: رخان پر ز خون و لیان ۲۷-س، ق، ک، س: آ: (نیز لن، ل، آ، ب): لا جورده؛ متن = ل، ل: آ: (نیز پ، و، لن، آ)؛ بنداری: و عادوا نحو بهرام و هو غریق فی الدم مضرح به من الرأس الی القدم؛ س: آ: پس از بیت ۲۶۴۲ افزوده است:

چو آگاه شد خواهر از کار او وزان خستگی و دل زار او

۲۸-س-س: آ: (نیز لن-ب): همه (ب: همان) پاک برکنند موی از (پ، آ، ب: موی؛ ل: آ: برکنند موی)؛ متن = ل

همی کرد با خویشتن کارزار^۳،
 کرو^۵ بیشه بگذاشتی نزه شیرا
 بر اندیشه ی بُد که بُد رهنمای^{۱۱}
 جهانگیر و^{۱۲} ناباک^{۱۳} شیراوزنا^{۱۴}
 تنی پیلوار سپهبد^{۱۷} که خست^{۱۸}
 ز دریای^{۲۰} خوشاب^{۲۱} بیخت که کند^{۲۲}
 که افگند خوار این کلاه میهی
 که افگند کوه^{۲۷} روان در^{۲۸} مَغاک!
 به شهر کسان در بماندیم^{۳۱} خوار!
 که شاخ^{۳۳} وفا را ز بُن بر ممکن^{۳۵}
 بماند^{۳۶}، به سر برنهد^{۳۷} افسری،
 از آن تخمه هرگز به دل نگذردن^{۳۸}!

نهاد آن سرا خسته را در^۲ کنار
 ۲۶۴۵ همی گفت: زار ای^۲ شوار دلیر
 که برد این^۶ ستون^۷ جهان را^۸ ز جای^۹
 الا ای^{۱۱} شوار سپهبدتنا!
 نه خسروپرستی^{۱۵}، نه یزدان پرست^{۱۶}
 الا ای^{۱۹} برآورده کوه بلند
 ۲۶۵۰ که کند این^{۲۳} چُنین سبز^{۲۴} سروسهی
 که آگند^{۲۵} ناباک^{۲۶} دریا به خاک!
 غریبیم و^{۲۹} تنها و بی دوستدار^{۳۰}
 همی گفتم^{۳۲}: ای مهتر^{۳۳} انجمن
 که از تخم ساسان اگر دختری
 ۲۶۵۵ [همه شهر ایرانش فرمان برند!

۱- (لی: تن) ۲- ل، ق، ک، س، ۲ (نیز، ن، ق، ل، ۳- آ): بر؛ متن = س، ل، ۲ (نیز، لی، ب) ۳- (لی: کرد زار) ۳- ۳- ۲ (نیز و): این هک (نیز، لی، ل، ۴): ز تو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر (ع: آن): ۷- (ن: ۲: سوار) ۸- س (نیز، لی، ب): بزرگی؛ ق: سپه را؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- ل: جا ۱۰- ل: رهنما؛ س- س، ۲ (نیز، لی، ب: برین (ق: لی، و، آ: بدین؛ ن: بدان) بد (پ: ب): بر) که بُد شاه (ق: ب): بسته: ک، س، ۲، ن، پ، و، آ: پشه؛ ن: ۱: بیشه) راه رهنمای؛ (ق: ۲: که افگند پیل زیان را ز پای؛ ل: ۳: به اندیشه بُد که شد رهنمای؛ متن = ل، ۱۱، س، ل، ۲، ۳- ۲ (نیز، ن، لی، ل، ۲، و، آ: ب): یا؛ متن = ل، ق، ک (نیز، ق، ۲، پ) ۱۲- ک: جهاندار و (پ: و: جهانگیر؛ آ: جهان بین و)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳- ک، س (نیز، ق، ۲، پ): ناباک و (ق: نیز و): بی باک؛ ل: ناباک؛ (لی: دلدار و؛ آ: بی باک و؛ ب: ناباک و)؛ متن = س، ل، ۳- ۲ (نیز، ن) ۱۴- ق: روین تنا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر (اوزن در همه دستنویسها جز لی با حرف ژ)؛ ن: ۲ این بیت را ندارد ۱۵- (ن: ۳: پرست و)؛ متن = ل، ۱۶- ل: پرست و نه این بپرست؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷- (آ: تن پهلوان جهان را) ۱۸- ک، ل، ۲، س، ک، ل، ۲، ۳- ۲ (نیز، ن، لی، ل، ۳، و، ن: ۲، ب): بخت؛ متن = ل (نیز، ق، ۲، پ، آ): ق: این بیت را ندارد ۱۹- س، ل، ۲، ۳- ۲ (نیز، ن، لی، ل، ۳، و، ب): یا؛ متن = ل، ق، ک (نیز، پ) ۲۰- ل، ۲: دریاب ۲۱- ق: نیز آ): جوشان ز؛ (ل: ۳: جوشنده) ۲۲- (ب: جوشان که بیخت بکنند)؛ ق: ۲ این بیت را ندارد؛ در آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ در و، ن آ بیت های ۲۶۴۹ و ۲۶۵۰ پس از بیت ۲۶۵۱ آمده اند ۲۳- ق: آن ۲۴- (ل: زاده؛ و: که برکنند ناگاه)؛ ق: ۲ این بیت را ندارد ۲۵- ل، ق: افگند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۶- س، ک، ل، ۲، ۳- ۲ (نیز، ن- ل، ۳، و، ن: ۲، ب): ناگاه؛ ق: نیز آ): بی باک؛ (پ: این ژرف)؛ متن = ل ۲۷- س: رو؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۸- (ب: بر) ۲۹- س (نیز، لی، ب): جوع؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰- س (نیز، ن، لی، و، ب): دست یار؛ ل: ۲: دست و یار؛ (ق: ۲: دست وار؛ ل: ۳: خواستار)؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز، پ، ن، آ) ۳۱- (ل: ۳: نمادیم؛ بنداری (۲۶۴۳-۲۶۵۲): و حضرت آخته و وضعت رأسه فی حجرها تلذی دمعها، و تنف شعرها، و تلطم خداه، و تندبه و تقول: لهفی علیک ایها الضرغام! لهفی علیک ایها الفارس المقدم! من ذا الذی زعزع طودک الشامخ؟ و من هذ رکنک الباذخ؟؛ ک پس از بیت ۲۶۵۲ افزوده است:

به سوی برادر کند روی خود گشاده در آن انجمن موی خود

۳۴- ک: بگفتمت؛ (ن: ۳: همی گفت) ۳۳- ل: خسرو؛ متن = س، ب- ۳۴- (و: درخت) ۳۵- ل، س، ۲ (نیز، ن، آ): تو از بن مکن؛ ق: ز دنیا بکن؛ ل: ۳: ز بیتهتا (۴) مکن؛ (ل: ۳: ز بیستان مکن؛ آ: ز دنی مکن؛ ب: ... (۴) مکن؛ پ: وفاداری از بن مکن)؛ متن = س، ک (نیز، ن، ق، ۲، و) ۳۶- ل: نمائند؛ متن = س، ب- ۳۷- (و: نهاد او به سر) ۳۸- ق: در آن تخمه هرگز به بد ننگرند؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز، ق، ۲، و، آ)، س، ک، س، ۲، ن، ل، ل، ۲، پ، ن، ب، این بیت را ندارند و در ترجمه بندلوی هم نیست: کم نصحتک و قلت: لا نحم حول الجفاه، و لا تعلق دوحه الوفاء فإن الساسانیة لولیم یبق منهم سوی بنت واحده کانت هی المعصبة بالتاج المشتمه سریر العاج؛ ل آ بجای بیت ۲۶۵۵ افزوده است:

نماند که پور گشایب سوار کند خویشتن را یکی شهریار

سپهدار نشنید^۱ پند مرا
برین کرده‌ها بر پشیمان بری^۲
بد آمد بدین^۳ خاندان بزرگ

سخن گفتن سودمند مرا
گنهار جان پیش یزدان بری^۴
همه میش گشتم^۵ و دشمن چو گرگ!

چو آن خسته بشنید گفتار او^۶
۲۶۶۰ به ناخن^۸ رخان خسته و کنده^۹ موی
به زاری و مُستی^{۱۱} زبان^{۱۲} برگشاد
ز بندت بُند هیچ مانیده^{۱۵} چیز
همی پند بر من^{۱۷} بُند^{۱۸} کارگر
بُند خسروی برتر از جَمشید
۲۶۶۵ کجا شد^{۲۱} به گفتار^{۲۲} دیوان ز راه
همان نیز بیدار^{۲۵} کاوسکی
تبه شد به گفتار دیو پلید
همان^{۳۰} با آسمان شد که^{۳۱} گردان سپهر
مرا^{۳۳} نیز هم دیو بیراه کرد
۲۶۷۰ پشیمانم از هرچ^{۳۵} کردم ز بد!
نَبشته^{۳۷} برین^{۳۸} گونه بُد بر سرم!

بدید آن دل و^۷ رای هشیار او^۶،
پراز خون دل و دیده، پر آب^{۱۰} روی،
چنین گفت کای^{۱۳} خواهر پاکزاد^{۱۴}،
ولیکن مرا خود پُر آمد^{۱۶} ققیز!
ز هر گونه چون دیو بُد^{۱۹} راهبر!
کزو بود گیتی به بیم و امید^{۲۰}،
جهان کرد^{۲۳} بر خویشتن بر سیاه^{۲۴}،
جهاندار^{۲۶} نیک‌اختر و^{۲۷} نیک‌پی،
شنیدی بدی‌ها که او را^{۲۸} رسید^{۲۹}،
ببیند^{۳۲}، پراگندن ماه و مهر،
بُد آن بُد که بیراه ناگاه^{۳۴} کرد!
کنون گر ببخشد، ز^{۳۶} یزدان سزدا
غم^{۳۹} کرده‌های کهن چون خورم!

۱-ل: بشنید (۱) - ۲-ل: بدی؛ س: کردهای پشیمان بری؛ ک: توزین کردهایت پشیمان‌تری؛ (ق: کزین کردها هم پشیمان شوی؛ لی،
و: بدین کردها بر پشیمان شوی (و: شدی))؛ متن = س (نیز ل، ل، ب، ل، آ، ب) - ۳-ل: بدی؛ (لی: شوی؛ و: شدی)؛ س: چون پیش یزدان
بری؛ (ق: جانن به یزدان شوی؛ ل: گنهارک یزدان جان چون بری)؛ متن = س، ک (نیز ل، ب، ل، آ، ب)؛ ق: ل، آ، آ، این بیت را ندارند
- ۴-ل: و، ل، آ، و، ل، ب (برین) - ۵-ل: (ق: جو)؛ ق: آ، این بیت را ندارند؛ بنداری: لکنک لم تسمع مقالاتی النافعة، و لم تکن مواعظی فیک تاجعة
عل-ک (نیز ق، ل، لی، ل، آ، و، ب)؛ او؛ متن = ل، آ، س، آ (نیز ل، ب) - ۷-ل: پدید آمدن آن - ۸-ل: ناخان (!) - ۹-س: آ (نیز ق، آ، و)؛ کنده و
خسته؛ (ل: کنده و کنده)؛ متن = ده دستنویس دیگر - ۱۰-س: ک، ل، آ، س، آ (نیز ق، آ، و، ب)؛ خاک؛ (ل: خاک و)؛ متن = ل، ق (نیز آ، ل، آ، این
بیت را ندارد - ۱۱-ل: ک، س، آ (نیز ل، ب)؛ سستی؛ متن = ل، آ، ۱۲-ل: (ل: زفان) - ۱۳-ل: آ (نیز ل، ن)؛ ای - ۱۴-ل: س، آ، پاک و راد؛ متن = سیزده
دستنویس دیگر - ۱۵-س: س، آ (نیز ل، ب)؛ مانند (در برخی حرف چهارم بی نقطه)؛ ل: ز پند تو کمی بُند هیچ؛ متن = چهارده
دستنویس دیگر با تصحیح مانند به مانیده - ۱۶-ل: ل، آ، ل (نیز ل، ل، لی، ل، آ، ب)؛ برآمد؛ (ق: برآمد)؛ متن = س، آ (نیز ل، آ، ب، و) - ۱۷-س: (نیز
لی: تو گر؛ (ب: من گر)؛ متن = ده دستنویس دیگر - ۱۸-ل: (و: نشد) - ۱۹-ل: (ب: شد)؛ ل: بی دیده بد؛ ق: آ، آیت‌های ۲۶۶۳-۲۶۷۰ را ندارند
- ۲۰-ل: آ، آیت‌های ۲۶۶۴-۲۶۶۹ را ندارد - ۲۱-س: ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، ب، و، ب)؛ بگشت او؛ متن = ل، آ، ۲۲-ق: آ، ز فرمان؛ لی: ز گفتار - ۲۳-س: آ،
گشت - ۲۴-س: (نیز ل، آ)؛ تباه؛ (و: شد آن پادشاهی بر و بر سیاه)؛ متن = ل، ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، ق، آ، ب، ب)؛ ۲۵-ل: (و: بیداد) - ۲۶-ک: (نیز ب)؛
جهاندار و - ۲۷-س: ل، آ (نیز ق، آ، و، ب)؛ جو؛ متن = ل، ک، س، آ (نیز ل، ن) - ۲۸-ل: (و: بروی) - ۲۹-ل: (ب: سزید) - ۳۰-س: ک، س، آ (نیز ل، ب، و، ب)؛
همی؛ متن = ل، آ، ۳۱-ک: ز؛ (و: خواست تا چرخ) - ۳۲-ل: (ب: نبیند) - ۳۳-ق: آ، (و: را) - ۳۴-ل: (و: که بیگاه آگاه)؛ ل (نیز ق، آ، ب)؛ ز خوبی همان
ق (آ، ب: همه) دست کوتاه؛ س (نیز لی: بلدانگه که بیراه (لی: بیراه و) ناگاه؛ متن = ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، ل، آ، ب) - ۳۵-س: ک، ل، آ، س، آ (نیز
ق، ل، آ، ب)؛ هر چه؛ متن = ل (نیز ل، ن) - ۳۶-س: آ؛ پو شد ز؛ (ق: آ، ببخشید) - ۳۷-ل، ق: (نیز ل، آ، و، ل، آ)؛ نوشته؛ متن = ده دستنویس دیگر
- ۳۸-ک: (نیز لی، و)؛ بدین؛ (ب: بران؛ ل، ن)؛ چنین) - ۳۹-ل: آ، غم از

غم و شادمانی همه باد گشت^۱
 نبشته^۵ نه کاهد^۶، نه هرگز^۷ فزودا!
 سخن‌های تو گوشوار منست!
 سخن‌های بی‌بر^۹ مکن نیز^{۱۰} یادا!
 همه پشت با^{۱۳} بخت خندان کنیدا!
 مگوئید از^{۱۶} اندوه و شادی به کس!
 سرآمد کنون، رفتنی‌ام ز دهر!
 سپردم ترا، بختِ بیدار خواه^{۱۸}!
 ز گیتی^{۲۱} بس او مر^{۲۲} ترا رای‌زن!
 جدایی مبادا^{۲۴} میان شما!
 که من رفتم و گشتم از گاه^{۲۶} سیر!
 بگوئید و گفتار او بشنویدا!
 جز او را مخوانید خورشید و^{۲۹} ماه!

ز تارک کنون آب برتر گذشت!
 نبشته^۲ چنین بود و^۳ بود آنچه^۴ بودا!
 همان^۸ پند تو یادگار منست!
 ۲۶۷۵ سرآمد کنون کار بیداد و دادا!
 شما^{۱۱} روی‌ها^{۱۲} سوی یزدان کنیدا!
 ز بدها^{۱۴} جهاندارتان یار^{۱۵} بس!
 نبودم به^{۱۷} گیتی جزین نیز بهر
 یلان‌سینه را گفت یکسر سپاه
 ۲۶۸۰ نگه کن بدین خواهر^{۱۹} نیک‌زن^{۲۰}
 مباشید یک تن ز دیگر^{۲۳} جدا!
 برین^{۲۵} بوم دشمن ممانید دیر
 همه یکسره پیش خسرو شویدا!
 گر آمرزش آید^{۲۷} شما را ز شاه^{۲۸}

۱- و پس از این بیت و لن^۲ پس از بیت ۲۶۷۳ افزوده‌اند:

امیدم به یزدان پروردگار که بر من ببخشد به روز شمار

۲- ل. ق (نیز ل. ۲، و. لن. ۲): نوشته؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳- ل. (نیز لن. ۲): حروجه متن = سیزده دستنویس دیگر ۴- ک. ل. ۲ (نیز لن. ۲): ب. آنچه؛ متن = ل. س. ق. س. ۲ (نیز لن. ۲، ق. ۱). هـ ل. (نیز ق. ۲، ب.): نوشته؛ س. ق. ل. ۲، س. ۲ (نیز لن. ۲، ب.): ز بدها؛ ک. ز رفته؛ متن تصحیح قیاسی است (هـ ل.) ۶- (آ: نه بدها بکاهد) ۷- س. ق. س. ۲ (نیز ق. ۲، و. لن. ۲): نه خواهد؛ متن = ک. ل. ۲ (نیز لن. ۲، ل. ۲، ب. ۸- س. س. ۲ (نیز لن. ۲، ل. ۲، و. ب.): همه؛ متن = ل. (نیز ق. ۲، ب.) ۹- ک. بی مر؛ ل. (نیز ب. ۱): سخن‌ها ت بر من؛ ق (نیز ل. ۲): سخنها بر من؛ ق (سخن‌ها تو بر من)؛ متن = س. ل. ۲ (نیز لن. ۲، و. ب.) ۱۰- ل. ۲: هیچ؛ لن^۲ این بیت را ندارد و در ل. ۳ پس از بیت ۲۶۷۸ آمده است ۱۱- (لن. ۲): همه ۱۲- ل. روی را؛ متن = س. ب. ۱۳- ل. ق (نیز ق. ۲، ل. ۲، ب. ۱): بر؛ متن = س. ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز لن. ۲، ل. ۲، و. لن. ۲، ب.) ۱۴- (رو: زهرید) ۱۵- ل. (نیز ل. ۲) یارو ۱۶- ل. ک. (نیز ق. ۲، ل. ۲): ز؛ ق (نیز لن. ۲): حجاز؛ متن = س. ل. ۲، س. ۲ (نیز لن. ۲، ل. ۲، و. ب.) ۱۷- س. ک. س. ۲ (نیز لن. ۲، ل. ۲، ب.): ز؛ متن = ل. ق. ل. ۲ (نیز ق. ۲، ل. ۲، و. ب.)؛ لن^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۶۵۹-۲۶۷۸): فقال: أيتها الأخت الطاهرة! إن الذي تحذرين قد وقع، فأقلی الجرح. واعلمی أن هذا كان مكتوباً علی فی الأزل فایة فائدة الآن فی هذا اللوم والعذلة! إن الشيطان أسلنى كما أسل جمشید وکیکاس من قبل، وهیات أن تعود علی أفواقها النبل. فكفنى هذا المقال فقد حان لی حين الارتحال ۱۸- س. ل. ۲ (نیز لن. ۲، ل. ۲، ب.): تخت شاهی و گاه؛ ک. (نیز آ): تخت و تاج (کنج) و کلاه؛ س. ۲ (نیز و. لن. ۲): تاج و تخت و کلاه؛ متن = ل. ق (نیز ق. ۲، ل. ۲، ب.): بنداری؛ و قال لیلان: إني قد سلمت اليك هذه العساكر فنولهم ۱۹- ق: خواهرم ۲۰- ل: پاک‌تن؛ ل: نیک‌فن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱- ق (نیز آ): به گیتی؛ ق (ز: نیکي) ۲۲- (ب: بس آمد)؛ بنداری؛ و عليك بملازمة هذه الأخت الطاهرة؛ ک پس از بیت ۲۶۸۰ افزوده است:

دلم بی‌گمانست زین شیرزن که بر وی ز دشمن نیاید شکن

۲۳- (و: ازیشان) ۲۴- (و: مبادا جدایی)؛ بنداری: فلا يفارقن أحدكما صاحبه ۲۵- ق (نیز و. ب.): بدین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶- ل: که رفتم و گشتم از گاه؛ س (نیز ل.): که من مانده گشتم ازین گاه؛ ق: که ماندم کنون گشتم از کار؛ ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز لن. ۲، ل. ۲، و. ب.): که من ماندم و گشتم از گاه (س. ۲، لن. ۲، آ: کار)؛ متن = ق (ق. ۲، ب؛ هـ ل.) ۲۷- س. (نیز لن. ۲): آمد؟ آید؟؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۸- (لن. ۲، ق. ۲، ب. راه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹- ک: خورشید و؛ س. ۲: بر گاه؛ بنداری؛ و لا تمكثوا فی هذه الأرض و توجهوا نحو برویز، و استامنوا اليه

به ری کاخ^۱ بهرام ویران کنید!
 ندیدم که یک روز کرد آفرین!
 که دیوی فرستد^۵ به پرخاش من!
 اگر بشنود، سر نداند ز بُن!
 همان^۸ دیو بُد رهنمون در میان!
 نبیسد یکی^{۱۱} نامه‌یی ناگزیر^{۱۲}،
 به زاری و خواری^{۱۳} و بی‌کام^{۱۴} رفت،
 ز رنج و بد دشمن آزاد دار^{۱۷}،
 همه^{۱۸} راستی جستم و بخردی!
 به بر درگرفت آن گرمی سرش^{۱۹}،
 دو چشمش پر از خون شد و جان بداد!
 به درد دل اندر همی زیستند!
 سَخُن‌های او یک‌به‌یک^{۲۵} یاد کرد!
 یکی تنگ‌تابوت کردش ز سیم^{۲۸}،
 قَصَب کرد در^{۲۹} زیر پیراهنش،
 برین گونه بر تا^{۳۰} نهان شد سرش^{۳۱}!

۲۶۸۵ مرا دخمه در شهر ایران کنید!
 بسی رنج دیدم ز^۲ خاقان چین
 نه این^۳ بود از آن^۴ رنج پاداش من
 ولیکن همانا که او زین^۶ سَخُن
 نبود این جز از^۷ کار ایرانیان
 ۲۶۹۰ بفرمود پس تا^۹ بیامد^{۱۰} دبیر
 بگوید به خاقان که بهرام رفت
 تو این^{۱۵} ماندگان را ز من یاد دار^{۱۶}
 که من با تو هرگز نکردم بدی
 بسی پندها خواند بر خواهرش
 ۲۶۹۵ دهان^{۲۰} بر بناگوش خواهر نهاد
 برو^{۲۱} هر کسی^{۲۲} زار بگریستند
 همی خون^{۲۳} خروشید خواهر^{۲۴} ز درد
 ز تیمار او شد^{۲۶} دلش به^{۲۷} دو نیم
 به دیبا بیاراست جنگی تنش
 ۲۷۰۰ همی ریخت کافور گرد اندرش

۱- (ق: ۲: در کاخ؛ ای: مرین کاخ؛ ل: ۳: برین کار)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲- (آ: به) ۳- (و: همین) ۴- ل: زان؛ ل: ۲: ازین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵- ق: فرستی ۶- ل: (نیز لن، و): این؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ س ۲ این بیت را ندارد ۷- (پ: بجز) ۸- ل: همی؛ متن = س: ب؛ بنداری (۲۶۸۵-۲۶۸۹)؛ علی اُنّی ما اُشک اُن هذا الذی جری علی من غوائل الإیرانیین و مکائدهم (= ۲۶۸۹) ۹- ل: ۲ (نیز ق: ۱، ۲)؛ تاپس؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰- (ن: بیامد پس آنگاه پیشش) ۱۱- ل: س، ق: (نیز ق: ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲)؛ نویسد یکی؛ ل: ۲: بیستند یک؛ (ن: نبشت این یکی)؛ متن = ک، س، ۲ (نیز پ، ب) ۱۲- ل: ۱۳- ق: (نیز ا)؛ بر حریر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳- ک (نیز و)؛ به خواری و زاری ۱۴- ق: بناکام؛ (ق: و ناکام) ۱۵- (ل: ۳: مر) ۱۶- س: س ۲ (نیز لی، ل، ۳، و- ب)؛ مرا شاد دار؛ (ق: ۲: پ: یادگار)؛ متن = ل ۱۷- (ق: ۲: بدار و همی باش آموزگار) ۱۸- ل: همی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ و این بیت را ندارد ۱۹- (ای: برش)؛ و این بیت را ندارد ۲۰- ل: (نیز ق: ۲)؛ دهن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری (۲۶۹۰-۲۶۹۵)؛ ثم اوصی الی آخته وصایا کثیرة ثم وضع خذّه علی خذّها و قضی نجه (= ۲۶۹۵-۲۶۹۵) ۲۱- (ای: بدو) ۲۲- (ق: ۲: برو بر همه)؛ ل: ۳ پس از بیت ۲۶۹۶ بیت ۲۵۱۱ را، و پس از بیت ۲۶۹۸ بیت ۲۵۱۴ را به همان گونه دوباره آورده است ۲۳- (ل: ۳: بر) ۲۴- س: (نیز لی)؛ هر کس؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- ق: سر بسر؛ (پ: سخنش یک یک همی؛ آ: سراسر سخنهاى او)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶- س: ۲ (نیز لن، و، لن، و)؛ بد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷- ق: (نیز لن، و، لن، و)؛ بر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸- س: ۲؛ بران تنگ تابوت کردش نشیم؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۹- ل: بر؛ س: س ۲ (نیز لن، لی، آ، ب)؛ بود در؛ (و: بست در؛ ن: آ: بسته در)؛ متن = (ق: ۲، ۳، ۴، ۵، ۶)؛ بنداری (۲۶۹۶-۲۶۹۹)؛ فعلوا له تابو تا مرکبا من ألواح الفضة، و بطنوه بالقصب و الحریر (۲۶۹۸-۲۶۹۹) ۳۰- ل: بدین گونه بد تا؛ (ق: ۲: بدین گونه تا هم؛ ای: بدین گونه بر تا)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱- (ای: نهاده سرش؛ و: برین گونه تا برگذشت از سرش؛ ن: آ: برین گونه تا شد نهان پیکرش)؛ بنداری؛ و أفرغوا علیه الکافور حتی غمره (و سپس افزوده است)؛ قلت: و قال غیر صاحب الکتاب اُن خرداد خدع الخاتون بجوهر نفیس دفعه الیها فدست الی بهرام من قتلہ، کما ذکر

چنین ست کار^۱ سرای سبج

چو دانی که ایدر نمائی، مرنج!

چو بشنید خاقان که بهرام را
همان^۳ نامه نزدیک خاقان^۴ رسید
از آن آگهی شد دلش پر ز درد
از آن کار او در شگفتی بماند
۲۷۰۵ از آن کار او در شگفتی بماند
بگفت آنک^{۱۰} بهرام یل را رسید
همه چنین برو^{۱۲} زار و گریان شدند
یکایک همه کار او بازجست^{۱۵}
قلون را به توران دو فرزند بود
۲۷۱۰ چو دانسته شد، آتشی بر فروخت
[دو فرزند او^{۱۷} را بر^{۱۸} آتش نهاد
و زان^{۲۰} پس چو^{۲۱} نوبت به خاتون رسید
به ایوان کشید آن^{۲۳} همه گنج اوی^{۲۴}

چه آمد به روی از پی نام^۲ را،
فرستاده گفت و^۵ سپهبد شنید^۶،
دو دیده پر از خون و رخ^۷ لاژورد^۸،
جهانديدگان را همه پیش خواند^۹،
شد از درد گریان کسی کان^{۱۱} شنید،
ابی^{۱۳} آتش تیز^{۱۴} بریان شدند!
بدان تا گنه بر که گردد درست^{۱۶}:
ز هر گونه‌یی خویش و پیوند بود،
سرای و همه برزن او بسوخت،
همه چیز او را^{۱۹} به تاراج داد!
ز پرده به گیسوش^{۲۲} بیرون کشید،
نکرد ایچ یاد از بُنه^{۲۵} رنج اوی^{۲۶}!

۱-ق: رسم؛ (آ: و رسم)؛ ق^۲ پس از این بیت، دو بیت و س، بی تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

دلت پر ز رامش (بی: دانش)، پر از خنده

مخور انده و باده خور روز و شب

ق^۲: به شادی گشاده همیشه دو لب

به تلخی سپردن نه فرزانگیست

دمی را که سرمایه زندگیست

۲-ک: کام؛ س در اینجا سرنویس دارد: خبر یافتن خاقان از کشته شدن بهرام ۳-ل: چو آن؛ متن = س-ب-۴-ق: خاتون؛ (ق^۲: نامه او به خاقان) ه- (ب: جو) - ۶-ل، ق (نیز آ): شد از درد گریان هر آن کان شنید (ق: آ: چو نامه بدید)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷- (ن: آ: لب) - ۸-س، س^۲ (نیز ل-ل^۲: ب): لا-جورد؛ متن = ل، ک، ل^۲ (نیز پ، و، ن: آ)؛ ق: آ این بیت را ندارند؛ بنداری: قال: و لما انتهى الخبر الى الخاقان بذلك فجزت محاجره بينا بيع الدماء، و نطمت أضالعه بتمطى الزفرة الصعداء، و أظلم فى عينه النهار الشامس حتى كأنما كرت عليه الحنادس ۹-ق: آ این بیت را ندارند ۱۰-ک (نیز ل، ل^۲): آنچه؛ ل^۲ (نیز پ، و، ن: آ): آنکه؛ متن = ل، س، س^۲ (نیز ن، ق: ب) - ۱۱- (پ، ب: ک)؛ ل: بشد زار و گریان هر آن کور؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق: آ این بیت را ندارند؛ بنداری: فاستحضر أركان دولته وأعيان حضرته، و فواضهم فيما جرى على بهرام ۱۲- (لی: بدو؛ ل^۲: ازو) - ۱۳- (و: بران) - ۱۴-س-س^۲ (نیز ن، ل، ل^۲: و، آ: ب): از درد؛ (پ: از بیم)؛ متن = ل (نیز ن: آ)؛ ق: آ این بیت را ندارد و در ل^۲ لت‌های آن پس و پیش شده‌اند ۱۵-ل: او را بساخت (ق:؟)؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۶-ل: نگه کرد دین بد بریشان که تاخت (ق:؟)؛ س، ق، ل^۲ (نیز ن-پ، آ: ب): بدان (پ: همی) جست تا (ق:؟) تا همی؛ ل^۲: در که تا بر که گردد (ق: آ: آید) درست؛ متن = ک، س، آ (نیز و، ن: آ)؛ بنداری: و لم يزالوا يبحثون و يتقبون حتى وقفوا على الأمر ۱۷- (ق: آ: وی) - ۱۸- ل^۲: آ (نیز ل، ل^۲): به ۱۹-ک، س^۲ (نیز ن: آ: ب): ایشان؛ ل^۲: جانشان را؛ متن = س (نیز ن-ل^۲: و، آ: ب، ق، پ، آ این بیت را ندارند؛ بنداری: فأحضر ابنين لذلك الشيخ فأحرقهما ۲۰-ل (نیز ق: ب): از آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱-ق، س، س^۲ (نیز ن: آ: ک): متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲- (ق: آ: ل^۲: آ: به یکسوش)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳-ق: به تاراج داد آن؛ (ق:؟: کشیدند از ایوان)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۴-ل، س، ق، س^۲ (نیز ق: آ: ل، ل^۲: و، آ: ب): او؛ متن = ک، ل^۲ (نیز ن، پ، ن: آ) - ۲۵-ل: از در؛ (پ: از بنه یاد از؛ و: از بنه یاد از آن؛ ن: بگرد از بنه یاد از آن)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: و أمر فجزت الخاتون بقرونها، و انتهت خزانتها و دورها

نیامدش خزاد برزین به دست!^۱
 بپوشیدشان جامه‌های کبود!
 که خاقان از آن^۴ کار بدنام^۵ بود!

فرستاد هر سو هیونان مست
 ۲۷۱۵ همه^۲ هرچ^۳ در چین ورا بنده بود
 به یک چند با سوگ بهرام بود

گفتار اندر خبر یافتن خسرو از مرگ بهرام چوبین^۶

بگفت آن کجا کرد و دید^۷ و شنید
 کزان بدگهر^۸ دشمن^{۱۱} آزاد گشت^۹
 ز پوشیدنی‌ها و از^{۱۳} بیش و کم
 نبشتند^{۱۴} بر پهلوی نامه‌یی،
 ز دشمن چگونه برآورد گرد!
 چنان‌چون بود درخور پیشگاه
 به هر برزنی رود و می^{۱۹} خواستند
 بران^{۲۱} موبدان^{۲۲} خلعت افگند نیز
 که زبید ترا گر دهم^{۲۳} تخت و گاه
 بیاگند^{۲۵} و دینار چون^{۲۶} صد هزار^{۲۷}،
 برین^{۳۰} گونه تا تنگ^{۳۱} شد جای اوی^{۲۹}!
 شود روز روشن بروبر^{۳۴} سیاه،

چو خزاد برزین به خسرو رسید
 دل شاه‌پرویز از آن^۸ شاد گشت^۹
 به درویش بخشید چندی^{۱۲} درم
 ۲۷۲۰ به هر پادشاهی و خودکامه‌یی
 که دادار^{۱۵} دارنده^{۱۶} یزدان چه کرد
 به قصر یکی نامه بنیشت^{۱۷} شاه
 به یک^{۱۸} هفته مجلس بیاراستند
 به آتشکده هم^{۲۰} فرستاد چیز
 ۲۷۲۵ به خزاد برزین چنین گفت شاه
 دهانش^{۲۴} پر از گوهر شاهوار
 همی ریخت گنجور^{۲۸} در پای اوی^{۲۹}
 بدو^{۳۲} گفت: هر کس که بیچد ز راه^{۳۳}

۱- بنداری: و فرقة جماعة فی طلب خزاد، و کان قد هرب، فماعترا علیه ۲- همان ۳- س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ن. ل. ۳. و. ل. ۲. ب): هر چه؛ (پ: هر که)؛ متن = ل: ق. آ. این بیت را ندارند ۴- (ل: ۲. بدان) ه. س. ل. ۲ (نیز ل. ن. ۲. ب): بدرام؛ متن = ل. ق. ک. س. ۲ (نیز ن. ق. ۲. ل. ۳. پ. و)؛ آ. این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم قعد فی عزاء بهرام، و أمر جمیع ممالیکه و أصحابه فلبسوا ثياب السواد، و تلبّوا علی ذلک البهلوان الجواد ۵- ل: خبر یافتن خسرو از مرگ بهرام چوبین؛ س: خبر یافتن خسرو از کشته شدن بهرام چوبینه؛ ق- س: سرنویس ندارند؛ متن = ل- ۷. ک (نیز پ): گفت؛ (آ: دید و کرد) ۸- (ل: ۳. ازو) ۹- ل: شد؛ متن = س- ب ۱۰- س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ن. ۲. ب): پرهنر؛ ک: بدهنر؛ متن = ل (نیز ق. ۲. پ) ۱۱- (ق: آ: بنده) ۱۲- ق: گنج و؛ ک (نیز ل. ۲. آ): گنجی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳- ق: ز ۱۴- ل. ج. س. ق. س. ۲ (نیز ل. ل. ۲. و. ن. ۲. ب): نوشتند؛ متن = ک (نیز ن. ق. ۲. آ): ل. آ. این بیت را ندارد ۱۵- ل: (نیز ق. ۲. پ): دارای؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶- (ل: ۳. دارنده دارای)؛ ل. آ. این بیت را ندارد ۱۷- ل. س. ۲ (نیز ن. ل. ۳. و. ب): بنوشت؛ متن = (پ) ۱۸- (ق: آ: یکی) ۱۹- ق (نیز آ): رود زن؛ ل. آ. این بیت را ندارد ۲۰- س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ن. ق. ۲. ل. ب): ها؛ (ق: آ: ۲. در): متن = ل (نیز پ. و. ن. ۲) ۲۱- ق. ک (نیز ل. ل.): بدان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲- س. ل. ۲ (نیز ن. ل. ب): نامور؛ متن = ل. ق. ک. س. ۲ (نیز ق. ۲. پ): ل. آ. این بیت را ندارد ۲۳- س (نیز ل. ل.): تخت و هم؛ س. ۲ (نیز و. ن. آ): ساختن؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق. ۲. پس از این بیت افزوده است:

به گنجور فرمود شاه جهان که در آورد در میان مهان

۲۴- س (نیز ل. ل.): یکی جام؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- س. ق (نیز ل. ب): بیارود؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶- ک: زر ۲۷- آ (نیز ل. ۳. و): سی هزار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸- ل: هرگونه؛ متن = س- ب ۲۹- ل. س. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ب. و. آ. ب): او؛ متن = (ن. ب. ل. ۲) ۳۰- س. ۳۰ (نیز ل. ل.): به هر؛ ق. ک: بدین؛ ل. آ: بران؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱- (آ: گنج) ۳۲- (و: همی) ۳۳- س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ن. ل. ۳. و. ن. ۲. ب): شاه؛ (ل. ل. داد): متن = ل. ق. (نیز ق. ۲. پ. آ): ل. ۳۴- ل. ۳. پ. ر

کز پیرترکس^۲ برآورد^۳ گردا
که بی تو مبیناد کهر^۵ زمینا
نخواهد که رخشان^۷ بود^۸ چهر تو

چو بهرام باشد به دشت^۱ نبرد
۲۷۳۰ همه مهتران^۲ خواندند آفرین
چو بهرام باد آنک^۶ با مهر تو

ز خون شد همه کشور^{۱۱} چین چو گل،
نیاید^{۱۲} مگر کار ناتندرستا
مرا زو همه رامش^{۱۳} و کام بود،
چرا بازماندم چنین سست و خوارا
ازین^{۱۸} پس به سوگند من^{۱۹} نگرودا
نه اندیشه^{۲۱} خویش و^{۲۲} پیوند اوی^{۲۰}
به مهر و خرد جان و دل^{۲۵} بسته^{۲۶} بود^{۲۴}!
سَخُن گفت با او از^{۲۷} اندازه بیش،
برانسان^{۲۹} که در باغ پَزَد تذرود،
فراوان بریشان^{۳۲} بخوان^{۳۳} آفرین،
بدین^{۳۷} سوگ تا زنده ام بسته ام،

وَزان^۹ پس چو خاقان بپرداخت^{۱۰} دل
چنین گفت یک روز کز مرد سست
بدان نامداری که بهرام بود
۲۷۳۵ کتون من^{۱۴} ز کس های^{۱۵} آن نامدار
نکوهش کند^{۱۶} هرک^{۱۷} این بشنود
نخوردم غم خردفرزند اوی^{۲۰}
چو با ما^{۲۳} به فرزند پیوسته بود^{۲۴}
بفرمود تا شد برادرش پیش
۲۷۴۰ [بدو گفت: از ایدر برو^{۲۸} تا به مرو
تو^{۳۰} کس های^{۳۱} بهرام یل را ببین
بگوی^{۳۲} آنک^{۳۵} من خود^{۳۶} جگرخسته ام

- ۱-ق.س ۲ (نیز ل. ۲، ۳)؛ روز؛ س. ۱ (نیز ل. ۱، ۲)؛ یل باشد اندر؛ متن = ل. ک (نیز ق. ۲، ۳، ۴)؛ ترک پیرش؛ (ق. نیز ب. و. ل. ۲)؛ پیرترکی؛ (لی: تیر ترکش؛ ل. ۲: بترین کس؛ آ: تیر و ترکش)؛ متن = س. ک، ل. ۲، س. ۲ (نیز ل. ب) ۳- (۱: نیاورد)؛ در ل. ۲ بیت های ۲۷۳۹-۲۷۳۴ درهم ریخته اند ۴- ل. ق (نیز ق. ۲، ۳، ۴)؛ موبدان (؟)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵- ل. (نیز ل. ب)؛ هرگز؛ (لی: کس این)؛ س: مبادا زمان و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶- (پ. ل. ۲: آنکه)؛ ق (نیز ق. ۲، ۳)؛ بادا که؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- ق (نیز ل. ۱)؛ روشن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸- س (نیز ل. ۱، ۲، ۳، ۴)؛ شود؛ (پ: کند)؛ متن = ل. ق، س. ۲ (نیز ل. ۲، ۳، ۴)؛ ۹- ل. (نیز ق. ۲)؛ از آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- ل. بپردخت؛ متن = س. ب- ۱۱- (لی: چهره) ۱۲- (ل. ۲: نیابد) ۱۳- (ق. ۲: دانش) ۱۴- (ق. ۲: هم) ۱۵- (لی: زکیهای؛ پ: زکیهای)؛ ل. ۲ این بیت را ندارد ۱۶- (ق. ۲: بود) ۱۷- س. ب: هر که؛ متن = ل. ۱۸- س. ق، س. ۲ (نیز ل. ۲، ۳، ۴)؛ ل. ۱: از آن؛ ک: کزان؛ (و: وزان)؛ متن = ل. ۲ (نیز ب) ۱۹- ل. او؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل. ۲ این بیت را ندارد ۲۰- ل. ک، س. ۲ (نیز ل. ۱، ۲، ۳)؛ ب: او؛ متن = ل. ۲ (نیز ل. ۲، ۳، ۴)؛ پ. و. ل. ۲ (۲) ۲۱- س (نیز ل. ۲، ۳)؛ اندیشم از؛ ق، ک، س. ۲ (نیز ب. ۱)؛ اندیشه از؛ (پ: نیندیش از)؛ متن = ل. (نیز ل. ۲) (و) ۲۲- (لی: نه اندیشه کردم نه) ۲۳- ک: بر ما؛ س. ۲ (نیز ل. ۱)؛ با من؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴- ل. شد؛ متن = س. ب- ۲۵- ل. (نیز ب. و)؛ جان او؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶- ل. س، ق، ل. ۲، س. ۲ (نیز ل. ۱، ۲، ۳، ۴)؛ و. آ. ب.؛ شسته؛ متن = ک (نیز ل. ۲، ۳، ۴)؛ پ. ل. ۲؛ در ل. ۲ این بیت پس از بیت ۲۷۴۰ آمده و پس از آن بیت ۲۷۳۷ از نو آمده است؛ بشاری بیت های ۲۷۳۸-۲۷۳۷ را ندارد ۲۷- ل. پ. ل. ۲؛ در ل. ۲ این بیت پس از بیت ۲۷۴۰ آمده و پس از آن بیت ۲۷۳۷ از نو آمده است؛ بشاری بیت های ۲۷۳۸-۲۷۳۷ را ندارد ۲۹- (لی: ل. ۳)؛ بدانسان؛ متن = ل. ۲، س. ۲ (نیز ق. ۲، ۳)؛ و. ل. ۲ (نیز ل. ۱، ۲)؛ س. ک، ل. ۲، س. ۲ (نیز ل. ب. و)؛ ل. ق، ق. ۲، پ. آ. ب. این بیت را ندارند ۳۰- ل. ق (نیز ق. ۲، ۳، ۴)؛ ک: (ل. ۱)؛ که؛ متن = س. ل. ۲، س. ۲ (نیز ل. ۱، ۲)؛ و. ل. ۲ (ب) ۳۱- ک: همه خویش ۳۲- س (نیز ل. ۱)؛ بدیشان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۳- ک: یکن؛ (ل. ۲)؛ همه شهر نفرین بد و (۲۷۴۳ ب) ۳۴- ل. ل. ۲ (نیز ل. ب. و)؛ بگو؛ (و: ب: یکی؛ ل. ۲: دگر)؛ متن = س. ۲ ۳۵- ک: این که؛ ل. ۲ (نیز ل. ۳)؛ آنکه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۶- س (نیز ل. ۱، ۲)؛ خود چون؛ ک (نیز ق. ۲، ۳)؛ و. ل. ۲؛ من چون؛ متن = ل. ق، ل. ۲، س. ۲ (نیز ب. ۱) ۳۷- س (نیز ل. ۱، ۲)؛ پ. و. ل. ۲؛ ب. برین؛ متن = ل. ق، س. ۲ (نیز ل. ۱، ۲)؛ در ق. ل. ۲ این بیت پس از بیت ۲۷۴۵ آمده است

همه شهر نفرین بُد و آفرینا
 وُگَر^۴ آسمان بر زمین آورم^۳،
 -چنین داند آن کس که دارد خردا،-
 همه^۷ تَنبَل^۸ دیو وارونه بود،
 بران^{۱۲} عهد و پیمان نهادیم بُن^{۱۳}
 که ای پاک‌دامن زنِ پارسا،
 سرشت^{۱۶} فزونی و دور از کمی^{۱۷}
 نشسته خرد با دل^{۱۸} من^{۱۹} به رازا
 بیارای ایوان ما را^{۲۱} به رای^{۲۲}
 بکوشم که پیمان تو نشکنم^{۲۳}
 گروگان کنم دل بدانچت^{۲۷} هوستا
 به پیش خردمند گوی^{۳۱} این سخن^{۳۲}
 به روشن‌روانت خرد برگرای^{۳۵}
 مرا زان سگالیده^{۴۰} آگاه کن

به خون روی کشور بستم ز^۱ کین
 بدین^۲ درد هر چند کین آورم^۳
 ۲۷۴۵ ز فرمان یزدان کسی نگلرد
 که او^۵ را زمانه بران^۶ گونه بود
 بران^۹ زینهارم که گفتم^{۱۱} سخن^{۱۱}
 سوی گردید نامه‌یی بُد^{۱۳} جدا
 همه راستی و همه^{۱۵} مردمی
 ۲۷۵۰ ز کار تو اندیشه کردم دراز
 به از تو ندیدم کسی^{۲۰} کدخدای
 بدارم ترا همچو جان و^{۳۳} تنم
 وُزان^{۲۵} پس بدین^{۲۶} شهر فرمان تراست
 کنون هر که^{۲۸} داری^{۲۹} همه گرد^{۳۰} کن
 ۲۷۵۵ وُزان^{۳۳} پس ببین تا چه آیدت رای^{۳۳}
 خرد^{۳۶} را بران^{۳۷} مردمان^{۳۸} شاه^{۳۹} کن

۱-س، ک، س، آ (نیز لن، لی، پ، و، ب)؛ به: ق؛ بشویم ز؛ متن: ه، ل، ل (نیز ق، آ، ل، ن)؛ ن؛ این بیت را ندارد و در ق، ل، آ، بایت سپین پس و
 پیش شده است ۲-س، ل، آ (نیز لن، ق، آ، پ، ن، آ، ب)؛ برین؛ متن: ه، ل، ق، ه، ک، س، آ (نیز لی، ل، و، آ، و، آ، ۳-ق (نیز ق، آ)؛ آوریم ۴-ق (آ، اگر)
 هق (نیز آ)؛ وی ع، ق، ک؛ بدین؛ (لی، ل، آ؛ بدان)؛ متن: ه یازده دستنویس دیگر ۷-ل، آ؛ همان ۸-ل؛ پیش او؛ س؛ تنبل از؛ (ل، آ؛ تنبل و)؛
 متن: ه دوازده دستنویس دیگر ۹-ک؛ برین؛ (لی؛ بدان) ۱۰-ل، آ؛ کردم ۱۱-س، ک، ل، آ؛ س، آ (نیز لن، لی، ل، و، ن، آ، ب)؛ نخست؛ متن: ه ل
 (نیز ق، آ، پ) ۱۲-ل؛ (لی؛ بدان) ۱۳-س، ک، ل، آ؛ س، آ (نیز لن، لی، ل، و، ن، آ، ب)؛ پیمان‌های کهن؛ (ق؛ پیمان‌های کهن)؛ متن: ه ل (نیز پ)؛
 ق، آ این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۷۴۷-۲۷۳۹)؛ ثم إنه بعد ذلك أرسل رسولاً لی مخیم بهرام إلی أخته و أصحابه لیخبرهم عن بهرام، و
 یذکر أنه معهم علی العهد الذی کان بذله لبهرام، و أنه سیبلغ فی الاعتناء بهم الی أقصى الغایة و متنهاها ۱۴-س، ق، ل، آ (نیز لن، لی، ل، و، ن، آ، ب)؛
 ب)؛ بر (ق)؛ (و؛ هم)؛ متن: ه، ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، آ، پ)؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند؛ س؛ نامه خاقان چین بنزد خواهر بهرام چوبینه؛ ق؛
 نامه خاقان نزد گردیده خواهر بهرام و پاسخ او ۱۵-ل (ل؛ جستنی و؛ ق؛ همت راستی و همت) ۱۶-و (و؛ سرشته) ۱۷-ق (ق؛ بزرگی و دور
 از غمی)؛ ق، آ این بیت را ندارند ۱۸-ل؛ تن؛ متن: ه، س، ب ۱۹-ل (ل؛ خود) ۲۰-س، ب، ب؛ به از من (ل، و؛ خود) ندیدم (ق، آ؛ نباشد)؛ تراه
 متن: ه ل ۲۱-س، ب؛ این پرده (ق، آ؛ پ؛ خانه) ما (ق، آ؛ من)؛ متن: ه ل ۲۲-ل (ل؛ راپای) ۲۳-ق؛ بر ۲۴-ل؛ بشکنم (ل) ۲۵-ق (ق؛ ب؛ از آن)؛
 ب؛ ازین) ۲۶-س، آ (نیز ق، آ، ن)؛ برین؛ (پ؛ بدان) ۲۷-س، آ (نیز لن، آ)؛ برانچت؛ (ل؛ بدانکت؛ آ؛ برانکت؛ ق؛ گروگان من کن
 بدانکت)؛ در ک پاک شده است؛ ل این بیت را ندارد ۲۸-س، ق (نیز ق، آ، ل)؛ چه؛ متن: ه، ک، ل، آ، س، آ (نیز لن، لی، ل، و، ن، آ، ب)؛ دانی؛ همد خواهی؛
 متن: ه دوازده دستنویس دیگر ۳۰-ق (نیز آ)؛ یاد؛ متن: ه دوازده دستنویس دیگر ۳۱-ق، ک؛ گو ۳۲-ل؛ آن؛ ل این بیت را ندارد ۳۳-ل (ل؛ نیز
 ق، آ)؛ ازین؛ (پ؛ از آن)؛ متن: ه دوازده دستنویس دیگر ۳۴-و (و؛ ن؛ رای آیدت؛ آ؛ آید ز رای) ۳۵-ق؛ رهنمای؛ ک؛ س، آ (نیز ل)؛ سخن
 برگرای؛ (ق؛ آ؛ روان و خرد پس گرای؛ و؛ ل؛ آ؛ روان رهنمای آیدت)؛ متن: ه، س، ق، ل، آ (نیز لن، لی، ل، و، ن، آ، ب)؛ ۳۶-و (و؛ یکی) ۳۷-ق (ق؛ آ؛ بر؛
 لی؛ ب؛ بدان؛ آ؛ برین) ۳۸-ل (ل؛ رای بر)؛ ق؛ بر این مرز ما؛ ب؛ براندیشگان ۳۹-س؛ آ؛ شاه؛ (ل) ۴۰-ق (ق؛ آ؛ از سگالیدن؛ و؛ سگالیدن)؛ بنداری
 (۲۷۴۵-۲۷۵۶)؛ و کتب الیها کتابا یقول فیہ: اینی تفکرت أینها المرأة الطاهرة فی أمرک ظاهراً و باطناً و اذانت لا یصلح لک شیری و یعلا
 صاحباً. فاجمعی أصحابک و رجالک، و شاور بهم فی ذلک ثم أعلمینی بما یخطر ببالک

بیامد برادرش تازان به^۲ مرو!
 بنزدیک کس‌های بهرام شد!
 که از کین آن کشته آشفته بود!
 پسندیده بیداردل موبدان^۷،
 وُرا آن جهان یار کردار^۹ باد!^{۱۰}
 که کس در جهان زان^{۱۳} گمانی^{۱۴} نبرد!
 سَخْن‌های خاقان همه^{۱۵} کرد یاد،
 چه از نو^{۱۷}، چه از روزگار کهن،
 که هم غمگسارست و^{۱۹} هم رای‌زن!
 ز گفتار او خامشی برگزید!
 سَخْن‌های خاقان خودکامه راه،
 به دل^{۲۵} پاسخ نامه را ساز^{۲۶} کرد،
 خرد را بر خویش بنشاندم^{۲۹}،
 جهان‌دیده و پیشگاهان کنند^{۳۱}!
 که چونین^{۳۴} بجویدهمی^{۳۵} کین من^{۳۳}!

همی‌گفت^۱ برسان قمری ز سرو؛
 جهانجوی با نامور رام^۳ شد
 بگفت آنج^۴ خاقان بدو گفته بود
 ۲۷۶۰ وُزان^۵ پس چُنین گفت کای^۶ بخردان
 شما را به دین^۸ مزد بسیار باد!
 یکی ناگهان‌مرگ بود^{۱۱} این^{۱۲}، نه خرد
 پس آن نامه پنهان به خواهرش داد
 ز پیوند و از^{۱۶} پند و نیکوسَخْن
 ۲۷۶۵ ز پاکي و از^{۱۸} پارسایي زن
 چو آن^{۲۰} گفت و این^{۲۱} پاک‌دامن شنید
 وُزان^{۲۲} پس چو برخواند آن نامه را
 خرد را چو با دانش^{۲۳} انباز^{۲۴} کرد
 بدو^{۲۷} گفت کین^{۲۸} نامه برخواندم^{۲۹}
 ۲۷۷۰ چُنان کرد^{۳۰} خاقان که شاهان کنند^{۳۱}
 بدو باد^{۳۲} روشن جهان‌بین من^{۳۳}

۱-ل.ق (نیز ل.آ): همی‌رفت؛ (ل.آ: چو بشنید؛ و: همانگاه)؛ متن = س.ک.ل.س.آ.س.آ (نیز ل.ن.لی.پ.آ.ب) ۲-ق: همی‌شد برادرش تاشهر؛
 ق ۲ بیت‌های ۲۷۵۷-۲۷۸۲ را ندارد ۳-ق.س.آ (نیز و.آ): با نامه و نام: ک.ب.با نامه و رام؛ (ل.آ: با نامه و کام)؛ متن = ل.س.ل.س.آ (نیز ل.ن.لی.پ.
 ل.ن.ب) ۴-ک.ل.س.آ (نیز ل.لی.ل.پ.ل.آ.ب.ن.آ.ب): آنچه؛ (و: آنکه)؛ متن = ل.س.ق (نیز ل.ن.ق ۲)؛ بنداری (۲۷۶۲-۲۷۵۷): و نفذ الرسول
 بهذا الكتاب. فلما وصل الي مرو احتفل له أكابر ایران الذين كانوا مع بهرام. فعزاهم الرسول عن لسان الخاقان ۵-ل (نیز پ): از آن؛
 متن = سیزده دستنویس دیگر ۶-ل.ن.ب.ب.ای: و. ل.ن.با (با) ۷-ل: و کار دیده ردان: ق: و موبد و مهتران: ک.س.آ (نیز و. ل.ن.آ): و پاک‌دل
 موبدان؛ (ل.آ: و نیک‌دل موبدان: پ: و کار کرده ردان: آ: و مهتر و موبدان: متن = ل.س.ل.آ (نیز ل.ن.لی.پ.ب) ۸-ل.آ.ل.آ: برین؛ دیگر
 دستنویس‌ها: بدین ۹-ل (نیز پ): داور دادگر یار: ک.ل.آ (نیز ل.لی.ل.آ.ب): از: ک.بان: ل.آ: (زان) جهان یار (ک.ل.آ: بار: ل.آ: یاد) کردار؛
 (و. ل.ن.آ: با جهاندار دیدار (ل.ن.آ: کردار))؛ (ق (نیز آ): دل دشمنان پر ز تیمار: متن = س.س.س.آ ۱۰-ل.لی: بود) ۱۱-ق.ل.آ: سوگ بود؛ (لی: مرد
 بود: ل.آ: بود مرگ)؛ متن = ل.س.س.س.آ (نیز پ.آ) ۱۲-ل.ن.آ: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳-س.س.آ (نیز ل.لی.و. ل.ن.آ): این؛ (آ: آن)؛
 متن = ل (نیز پ) ۱۴-س.آ: شگفتی: ل.ن.ب. این بیت را ندارند ۱۵-س.ق.ل.آ.س.س.آ (نیز ل.لی.ن.آ.آ): همی؛ متن = ل.ک.س.آ (نیز ل.آ.ب.و. ل.ن.ب
 این بیت را ندارند و در ل.آ.ب.بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۶-ل.ق.س.آ (نیز ل.و. ل.ن.آ): وز؛ متن = ل.ک.س.ل.آ (نیز ل.لی.ل.آ.پ.ب)
 ۱۷-ل.آ: نُو: ب: تو؛ آ: این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم دفع ذلك الكتاب الى أخت بهرام فى السر، وأدى إليها رسالة حمله إياها فى معنى
 الخطبة ۱۸-ل.ق.س.آ: وز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹-ل.لی: (جو ب)؛ آ: این بیت را ندارد ۲۰-ل.آ: این؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛
 چو آن - جوان؟ ۲۱-ل.س.آ (نیز ل.لی.ل.آ.آ): آن؛ (و: گفته آن)؛ متن = (ل.ن.پ.ل.آ.ب) ۲۲-ل.پ: از آن) ۲۳-س.آ: با جانش؛ (آ: پاداش)
 ۲۴-ل.و: آواز) ۲۵-س.س.آ (نیز ل.لی): یکی؛ (ل.آ: سبک؛ و: در)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶-س.ل.آ (نیز ل.ن.لی.ل.آ.ب): آغاز؛ ق.ک.س.آ (نیز
 ل.آ.پ.و.آ): را باز؛ متن = ل.س.در اینجاسر نویس دارد: پاسخ نامه خاقان چین از نزد خواهر بهرام چوبینه ۲۷-ک.نیز ل.آ.و: چنین؛ (آ:
 بدل) ۲۸-س.س.آ (نیز ل.ن.ب.این؛ ل.ن.آ): متن = ده دستنویس دیگر ۲۹-س.آ (نیز و. ل.ن.آ): بیم ۳۰-س.س.آ: کرد که (ل) ۳۱-ل.آ: کند ۳۲-س.س.آ (نیز
 ل.پ.ب): داد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۳-س.س.آ (نیز ل.لی): خود؛ ل.آ (نیز ل.ن.ل.آ.و. ل.ن.آ.ب): ما؛ متن = ل.ق.ک.س.آ (نیز پ.آ) ۳۴-ک.آ (نیز
 ل.آ.و): در چین؛ (ل.ن.آ: چینی) ۳۵-ک.ن.چویدهمی؛ (ل.ن.آ: نجویدهمی)

بدو شاد بادا کلاه^۲ میهی!
 امید جهان زو گسته میاد!
 بخوانیم^۳ نامه همه سربر!
 یکایک بدین^۴ آرزو بنگرد!
 نه هنگامی این^۵ سخن گفتنت!
 ز فرمان خاقان نباشد^۶ گذر!
 زن پاک را^۷ بهتر از شوی نیست!
 چه گوید مرا آن خردمندشاه^۸؟!
 چو خاقان بی آزم داند^۹ مرا!
 سواری فرستم بنزدیک^{۱۰} شاه،
 ز^{۱۱} گویندگان^{۱۲}، تا چه آید پدید!
 چن^{۱۳} آید بنزدیک او رهنمون!
 به خاقان بگوی^{۱۴} آنچه^{۱۵} دادم^{۱۶} پیام!
 جهانندیده از مرو^{۱۷} برگشت شاد

مماناد^۱ گیتی ز خاقان تهی!
 دل او^۲ ز تیمار خسته میاد!
 کنون چون نشستیم^۳ یک با دگر^۴
 ۲۷۷۵ بدان^۵ کو بزرگست و دارد خرد
 کنون دوده را سربر شیونست
 چو سوگ چنان^۶ مهتر آید بسر
 مرا خود به ایران شدن روی نیست!
 اگر من بدین زودی آیم به راه
 ۲۷۸۰ خردمند بی شرم خواند مرا!
 بدین^۷ سوگ چون بگذرد چار^۸ ماه
 همه بشنوم هرچ^۹ باید شنید
 بگویم یکایک^{۱۰} به نامه اندرون^{۱۱}
 تو اکنون از^{۱۲} ایدر به شادی خرام
 ۲۷۸۵ فراوان فرستاده را هدیه^{۱۳} داد

۱-ل: میاد ایچ؛ متن = س-ب ۲-س-ل ۳-نیز لن، لی، ب: دل و چشم او (س، لی، را) داد و (ن: حو) تخت؛ متن = ل، ق، ک، س، آ (نیز ل ۱)؛ درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۳-ک، س ۴-نیز لی، و: به؛ ل (نیز ب): دلاور؛ متن = س، ق، ل ۲ (نیز ل ۲، آ، ا)؛ ن، ب این بیت را ندارند ۴-ک، ل ۲، س ۵-نیز لن، لی-ن ۶-ن: نشینیم؛ متن = ل، ق (نیز ا) ۷-ل، ق، س، آ (نیز ل ۳، ب، و): با یکدگر؛ متن = س، ق، ل ۲ (نیز لن، لی، ن ۱، آ، ب) ۸-ع (ب: بخوانیم) ۷-س، ل ۲ (نیز لن، لی، ل ۳، ب): بران؛ (و، ن ۲: هر آن)؛ متن = ل، ک (نیز ب، ا) ۸-ک (نیز لی): بدان؛ (ل ۳، ن ۲، آ، ب: برین)؛ متن = ل، س، ل ۲ (نیز لن، ب، و) ۹-ک: ننگرد؛ ل ۲: نیدکرد (!)؛ (ل ۳، آ، ب: بگذرد)؛ متن = ل، س (نیز لن، لی، ب، و، ن ۲)؛ ق، س ۱۰-این بیت را ندارند؛ بنداری (۲۷۷۵، ۲۷۶۶): ثم إنها لما وقفت علی الكتاب أجابته عنه بکتاب تدعو فيه للخاقان و تشکره و تقول فيه ۱۰-ق: آن؛ بنداری: اینی بعد فی المأمم، و لیس هذا الوقت وقت هذا الکلام ۱۱-ل: جهان ۱۲-س: آ: نباید؛ ک: نباشد ز فرمان خاقان؛ پ این بیت را ندارد ۱۳-س (نیز لی): پارسا؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-س-س-ل ۱۵-ل، و، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن = ل (نیز ب، ن ۲)؛ ک، س، ل ۱۶-ن، ل ۱۷-و، ب بجای این بیت و ن ۲ پس از آن افزوده اند:

به سوگ اندر آهنگ شادی (ل ۲: شاهی) کنم
 (ک، س، آ، ل ۳، و، ن ۲: کنیم)
 نه از پارسایی و رادی کنم
 (ک، س، آ، ل ۳، و، ن ۲: کنیم)

ل، ق، ب، پ این بیت را ندارند ۱۵-س، ک، س ۱۶-نیز لن، لی، ل ۱۷-ن: خواند؛ متن = ل، ق، ل ۱۸-نیز و، آ)؛ پ این بیت را ندارد؛ بنداری: و این شریعت فيه عابنی الناس بقلة الحياء. و لعل ذلك لا یقترن من الخاقان أيضا بالارتضاء ۱۶-ک، س ۱۹-نیز ل ۳، و، ن ۲، آ: برین؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز لی، ب) ۱۷-و: پنج) ۱۸-ل (لی: فرستد بنزدیک، و: آ: فرستیم نزدیک)؛ ن، ب این بیت را ندارند و در ن ۲ با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بنداری: و اذا انتهی العزاء بعد أربعة أشهر أنفذ الی خدمة الملك رسولا ۱۹-س-ل ۲ (نیز لی، ب): هر چه؛ س: آنچه؛ متن = ل (نیز لن) ۲۰-ل (نیز ب): به (؟)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱-ق: جویندگان ۲۲-س ۲ (نیز لن ۲): یکایک بگویم ۲۳-ل-ل ۲ (نیز لن، لی، ب): درون؛ متن = س ۲۴-ل-ل ۲ (نیز لن، لی، ب): چو؛ متن = س ۲۵-ن (ن ۲: ز) ۲۶-ل، ق، ک (نیز لی، و): بگو؛ متن = س، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ق، ل ۲، آ، ب) ۲۷-ک: اینک؛ ل ۲، س ۲ (نیز لی، ب): آنچه؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ) ۲۸-ل (دادی)؛ بنداری: و أطلعه بما فی نفسی جملة و تفصیلا. ثم لا أحمید عن أمره و لا أخرج عن حکمه ۲۹-ق (نیز ق ۲): چیز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰-ق: آ: جهانجوی از آن مرو)؛ بنداری: و خلعت علی الرسول و ردته الی الخاقان

به آرام^۴ بنشست با رای زن،
 که جاوید بر دل نگردهد کهن!
 سخن‌ها ز هر گونه پیراسته‌ست^۵؛
 دلیر و خداوند توران‌سپاه،
 بکوشد که خویشی^۹ بود در میان،
 غم و رنج بیند به فرجام کار!
 چه بر خورد جز^{۱۴} تابش آفتاب!
 جوانی که چون او ز مادر نرود!
 از^{۲۰} ایران و توران^{۲۱} برآورد گرد!
 به ایران بریم این سخن^{۲۳} ناگهان!
 هم از پیش تیمار این^{۲۴} خورده‌ام،
 بگوید^{۲۶} بدو رنج و^{۲۷} تیمار ما^{۲۵}،
 بدین^{۳۰} چرب^{۳۱} گفتار من بگردد!
 به ایران و چین پشت و زانو^{۳۴} توی^{۳۳}!

وژان^۱ پس جوان و^۲ خردمندزن
 چنین گفت کامد یکی نوسخن
 جهاندارخاقان بیاراسته‌ست^۴
 ازو^۶ نیست آهو، بزرگست و^۷ شاه
 ۲۷۹۰ ولیکن چو با ترک از^۸ ایرانیان
 ز پیوند و از^{۱۰} بند آن^{۱۱} روزگار
 نگر^{۱۲} تا سیاوش از^{۱۳} افراسیاب
 سر خویش داد از^{۱۵} نخستین به باد
 همان^{۱۶} نیز پور^{۱۷} سپهد^{۱۸} چه کرد^{۱۹}
 ۲۷۹۵ بسازید تا^{۲۲} ما ز ترکان نهان
 به گردوی من نامه‌یی کرده‌ام
 که بر شاه پیدا کند کار ما^{۲۵}
 به نیروی^{۲۸} یزدان چن^{۲۹} بشنود
 بدو گفت هر کس^{۳۷} که بانو توی^{۳۳}

۱- (ق: آ: از آن) ۲- ل، ق (نیز ق: آ: ح)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳- س: آ: به اندیشه ۴- ق: برآراستست؛ ک، س، ۲ (نیز ل: آ: ن)؛ مرا خواستست؛ متن = ل، س، ل ۲ (نیز ل، ق، آ: بی، آ: ب) ه، ک، س ۲ (نیز ل: آ: ن)؛ آراستست؛ (ق: آ: ز هر گونه از ما چنین خواستست)؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز ل، بی، آ: ب)؛ بنداری؛ فحلت بأصحابها و رجالها و أطلعتهم علی ما طالعها به الخاقان ع، س، ک، س ۲ (نیز ل، بی، و، ن، آ: ب)؛ بر او؛ (ل: آ: بران؛ پ: از این)؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز ق: آ: ن) ۷- ل ۲ (نیز ل، ل، آ: ن، آ: ب)؛ ح: متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ق: آ: بی، و، آ: ب)؛ بنداری؛ و قالت: إنه لا عار علی فی الاتصال بمثل هذا الملک ۸- ل، ق، س، ق ۲ (نیز ق: آ: و، ن، آ: ن)؛ ح: متن = س، ق، ل ۲ (نیز ل، بی، و، آ: ب) ۹- ق (نیز آ: ج: چه خوشی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- ل، ق، س، ق ۲ (نیز ل، ن، آ: ب)؛ و: متن = س، ک (نیز ق: آ: بی، و) ۱۱- ق: کان؛ (ن: آ: او؛ و: پند آن؛ آ: پند این؛ ل: آ: و سوگند آن)؛ ل ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و لکنی أعلم أنه لا يتولد من مصاهرتنا للترك غير الشر والهلك ۱۲- ل: مگر؛ متن = س- ب ۱۳- س، ک (نیز ل، بی، آ: ن)؛ ز: ق (نیز پ)؛ و: متن = ل، ل ۲ (نیز ق: آ: ل، و، ن، آ: ب) ۱۴- ن: زان؛ ق: از؛ (پ: از آن)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵- (ق: آ: او)؛ ق (نیز آ: دادش؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶- (ل: بران) ۱۷- ق (نیز آ: گرد؛ ک (نیز پ)؛ تور؛ (ق: آ: و: نوذر)؛ متن = ل، س، ل ۲، س ۲ (نیز ل، بی، ل، آ: ن، آ: ب) ۱۸- ل: سیاوش؛ متن = س- ب ۱۹- س (نیز بی)؛ چو گردد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰- ل- ل ۲ (نیز پ، ن، آ: ب)؛ ز: (ل: کز)؛ متن = س ۲ (نیز ل، ق: آ: بی، و) ۲۱- ل، ق (نیز آ: توران و ایران)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ و استشهدت بقصة سیاوخش و ما جرى عليه فی تلك البلاد ۲۲- (ق: آ: بسازید با) ۲۳- (ق: آ: آن بنه؛ ل: آن سخن؛ و: این بنه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ ثم قالت: والرأی أن نستعد و نعودالی ایران ۲۴- ل (نیز ل: آ: او)؛ ق (نیز ق: آ: بی، و)؛ آن؛ متن = س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز بی، ن، آ: ب)؛ ۲۵- ل: آ: ها؛ (و: من) ۲۶- (بی: نگوید؛ ن: آ: بجوید) ۲۷- ل: ز رنج و ز؛ (ل: برو رنج و؛ ن: آ: غم و رنج)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ و قد کتبت الی أخی کُردویه فی هذا المعنی کتابا یصلح بیننا و بین الملک برویز ۲۸- (بی: به پیروز) ۲۹- س، ل ۲ (نیز ق: آ: و)؛ چو او؛ ق (نیز ل: آ: چو این؛ ب: چنان)؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز ل، ن) ۳۰- ل: آ: بران ۳۱- (ق: آ: و: خوب)؛ بنداری؛ و هو لا یخالفه فیما یقترح علیه لنا من الاعتناء بشأننا ۳۲- ق: سرکش ۳۳- س- ب: تویی؛ متن = ل ۳۴- ل: دشت و زانو؛ س (نیز ل، بی، ب)؛ نقش مانو (در س، ن، حرفهای یکم و سوم بی نقطه)؛ ل: آ: شش مانو (حرفهای یکم و دوم بی نقطه)؛ آ: پیل دانو (ل)؛ (ق: آ: پشت و بازو؛ ل: آ: و: پیل زانو؛ ن: آ: بند زانو؛ آ: دردد و دارو)؛ متن = ق، ک (نیز پ)

یلان را به مردی توی^۲ رهنمای!
 ز دستور داننده^۵ هشیارتر!^۴
 برین^۸ آرزو رای و پیمان^۹ تراست!
 درم داد و او را به دیوان نشاندا!
 هزار و صد و شست^{۱۲} یل برگزید^{۱۳}،
 نبرگاشندی^{۱۵} سر از ده سوار^{۱۶}!
 چنن گفت با لشکر رزمساز^{۱۷}،
 نیچد^{۱۹} دل^{۲۰} اندر فراز و نشیب،
 گر از ابر باشد برو^{۲۵} سرفشان^{۲۶}!
 میان بزرگان^{۲۹} چین سست و خوار^{۳۰}!
 سر^{۳۱} دشمن از خواب خیره^{۳۲} شود!
 گر^{۳۴} از چینیان لشکر آید به جنگ،
 بیایند با گرزهای گران!^{۳۵}
 اگر لشکر^{۳۹} آید دمید^{۴۰} و دهد^{۳۸}!

۲۸۰۰ نجنباندت کوه آهن ز^۱ جای
 ز مرد خردمند^۳ بیدارتر!^۴
 همه کهترانیم^۷ و فرمان تراست!
 چو بشنید ازیشان^{۱۱}، غرض را بخواند
 بیامد سپه سربرسر^{۱۱} بنگرید
 ۲۸۰۵ کزان^{۱۴} هر سواری به هنگام کار
 درم داد و آمد سوی خانه باز
 که هر کس که دید او دوال رکیب^{۱۸}
 نترسد^{۲۱} از^{۲۲} انبوه^{۲۳} مردم^{۲۴} کشان
 به توران غریبیم^{۲۷} بی پشت و یار^{۲۸}
 ۲۸۱۰ همی رفت خواهم چو تیره شود
 شما دل به رفتن مدارید تنگ^{۳۳}
 - که خود^{۳۵} بی گمان از پس ما^{۳۶} سران
 همه جان^{۳۷} یکایک به کف برنهد^{۳۸}

۱-ل: ۲. به ۲-س. ب: تویی؛ متن = ل ۳-ق (نیز آ): هنرمند؛ ل: ز مردان هنرمند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴- (و: هشیارتر) ۵-ک: ز داننده دستور ۶- (و: بیدارتر) ۷-س (نیز لی): کهتراند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-س-س: ۲ (نیز ن، لی، ل، ۳، پ، ل، ۴، آ، ب: بدین؛ ق: آ: بدان؛ متن = ل (نیز و) ۹-ل: ۲ (فرمان (I))؛ (و: عهد پیمان)؛ بنداری (۲۷۹۹-۲۸۰۲)؛ فمدحها الحاضرون و اثنوا علیها بالعقل الكامل و الرأی الصائب، و قالوا: نحن عیبک المطیعون لأوامرک، المذعنون لحکمک. و أنت أعلم فافعلی ما رأیت ۱۰-ل: زیشان؛ (لی: زانسان)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فلما سمعت ذلك أمرت بوضع دیوان العرض فأعطتهم الأرزاق، و أجزلت لهم الصلات ۱۱- (ل: ن راهمه) ۱۲-ق-س: ۲ (نیز ن، ل، ۳، پ، و، آ، ب: شصت؛ متن = ل، س (نیز ق، ۲، ل، لی، ن) ۱۳-ل: ق: و را بدید؛ س: آ: را بخواند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-ق: آ: از آن) ۱۵-س: نبرداشتندی؛ ق: آ: نبرگاشتنند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶-ل: ده هزار؛ ق: (نیز آ): صد سوار؛ (ب: یک سوار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: ثم انتخب منهم ألفا و مائة و ستین فارسا کل واحد منهم عند الحاجة یقابل بعشرة ۱۷-ل: ۲ (سرفراز) ۱۸-س (نیز لی): رکاب (I) ۱۹-ل: ۲ (نیز لی، ل، ۳، ل، ن، ۲، ب: بیچد؛ در ل، س، س، آ، ق: آ حرف یکم بی نقطه؛ متن = ق، ک (نیز ن، پ، و، آ) ۲۰-ل: ۲ (سر؛ ب: دگر) ۲۱- (ب: نترسید) ۲۲-ل: ۲ (نیز لی، ل، پ، ب: ز؛ متن = ق (ل، ۲، ۳) ۲۳-ل: ۲: انبوه ۲۴-ل: آ: گردنکشان؛ پ: لشکرکشان) ۲۵-ق، ک (نیز لی، ل، ۳، و): برو؛ متن = ۲۶- (ب: برو بر سرکشان (I))؛ ق: آ: آید برو بر نشان؛ پ: بخت باشد برو بر نشان؛ متن = ل، س، ل، ۲، س، آ (نیز لی، ن، ۲، آ)؛ ۲ آ پس از این بیت افزوده است:

چنین گفت گردیده با لشکرش
 جوانان بیدار در کشورش

۲۷-س، ق، ل، ۲، س: آ (نیز آ: ب): جو؛ متن = ل، ک (نیز ن، ل، ن) ۲۸- (آ: مرد) ۲۹-ل: ۲ (نیز ن، ل، ۲، و، ل، ن، ۲، آ): چنن؛ متن = (پ، ب) ۳۰- (آ: خورد؛ و: مانده خوار؛ ن: آ: است کار)؛ بنداری: ثم قالت لهم: نحن قوم غرباء فی بلاد توران مالنا معتمضم ولا معتمصر. و لا طاقه لنا بتحمل الملة و الاستکانة فی دار الغیر ۳۱- (ق: آ: بر) ۳۲-ل: ۲: خرم (I) ۳۳-ق: آ: شما از رفتن کنون نیست تنگ) ۳۴-ل: ۲ (نیز آ): که؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۵-س-س: ۲ (نیز ن، ل، ۳، و، ن، آ، ب: که هم؛ ب: که من؛ آ: اگر)؛ متن = ل ۳۶-ل: ۲ (نیز ن، ل، پ، و، بی گمانم که از پس)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۷-س: آ: چو جان را؛ (لی: همی جان) ۳۸- (ق: ۲، و: نیم) ۳۹-ق: دشمن ۴۰-س-س: ۲ (نیز ن، لی، ل، ۳، پ، ل، ۲، ب: خورید؛ ق: ۲، و: خوریم)؛ متن = ل (نیز آ)

وگر بر چنین روی تان^۱ نیست رای^۲
 ۲۸۱۵ به آواز گفتند: ما کهتریم!

برین^۶ بر نهادند و برخاستند
 یلان^۷ سینه و مهر^۸ ایزدگمشپ
 همی گفت هر کس که مردن به نام
 هم آنگه سوی کاروان^{۱۱} شده به دشت^{۱۲}
 ۲۸۲۰ گزین کرد از آن^{۱۵} اشتران^{۱۶} سه هزار^{۱۷}
 چو شب تیره شد، گردیه بر نشست
 برافگند^{۲۰} پرمایه برگشتوان
 همی راند چون باد لشکر به راه

ز لشکر بسی زینهارى شدند
 ۲۸۲۵ برادر بیامد^{۳۳} بنزدیک اوی
 سپاهی^{۲۶} دلاور به ایران^{۲۷} کشید
 ازین^{۲۹} ننگ تا جاودان^{۳۰} بر درت^{۳۱}
 سپهدار چین کان^{۳۳} سخن ها شنید

از ایدر مجنید یک تن^۳ ز جای^۴
 ز رای و ز فرمان تو نگذیریم^۵

همه جنگ چین را^۷ بیاراستند!
 نشستند با نامداران بر^۹ اسپ
 به از زنده و چینیان^{۱۱} شادکام!
 شتر خواست تا پیش او^{۱۳} برگذشت^{۱۴}،
 بدان تا بُنه بر نهادند و^{۱۸} بار
 چو گردی سرافراز و^{۱۹} گزری به دست!
 ابا جوشن و تیغ و ترک گوان^{۲۱}،
 به رخشنده روز و شبان سپاه!

بنزدیک خاقان به زاری^{۲۲} شدند،
 که ای نامور مهتر^{۲۴} جنگجوی^{۲۵}،
 بسی زینهارى بر ما^{۲۸} رسید،
 بخندد همی^{۳۲} لشکر و کشورت^{۳۳}!
 شد از خشم^{۳۵} رنگ رخس ناپدید!

۱-ل: روزتان؛ متن = س-ب-۲-ل: را ۳-ک: یکسر ۴-ل: جا؛ (و: پای) ۵-ل: بگذریم (۱) ۶-ل: (لی، پ: بدین) ۷-ق: و ره را؛ ل: کین را؛ (ا: ساز رفتن)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری (۳۸۱۰-۲۸۱۶)؛ و قد عزمت علی المسیر عند دخول اللیل فاستعدوا لذلك ۸-ل: ق: (نیز ل، پ، ل، ن، آ، ا)؛ مهتر؛ س: (نیز ل، ن، و)؛ مهر و؛ متن = س، ک، ل: (نیز ق، آ، لی، ب) ۹-ل: (بی: به) ۱۰-ق: دشمنان؛ (ق: آ، و: زنده دشمن برو؛ آ: زنده دشمن بدو)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ س: آیین بیت راندارد ۱۱-ق: ک، س، آ: (نیز ل، ن، آ، ا)؛ ساریان؛ متن = ل، س، ل: (نیز ل، ن، ق، آ، لی، پ، ب) ۱۲-ل: برگذشت؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ (و: ساریانان شدند) ۱۳-ق: (نیز آ)؛ وی ۱۴-ل: شد ز دشت؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ (و: شترها سراسر همه بستند) ۱۵-ل: زان؛ متن = س-ب-۱۶-س: اشتران ۱۷-ک: ده هزار؛ (ل: آ: بی شمار) ۱۸-ل: (نیز پ، ل، ن، آ، ا)؛ جوب؛ (ل: بُنه ران نهادند)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-س، ل، آ، س، آ: (نیز و، ل، ن، آ، ب)؛ جوب؛ متن = ک (نیز ل، ن، ق، آ، لی، ل: ل، ق، پ، آ: آیین بیت راندارند ۲۰-ل: بیفکند ۲۱-س: گرز گران؛ (ق: آ: گرز کران)؛ (ق: نیز ل، ن، آ، ا)؛ گرز و تیر (ل: آ: تیغ) و کمان؛ ک، ل، آ، س، آ: (نیز ل، ن، لی، پ، ل، ن، آ، ب)؛ ترک و تیغ گوان (ک، ل، آ، ب: گوان)؛ (و: ترک بسته میان)؛ متن = ل ۲۲-س، ل، آ، س، ل، آ: (نیز ل، ن، ق، آ، لی، و، ل، ن، آ، ب)؛ بیاری؛ (ل: بخواری)؛ متن = ل، ق، ک، (نیز آ)؛ بنداری (۲۸۱۷-۲۸۲۴)؛ فرکب یلان، و ایزدگمشپ، و مهر آذر، و استحضر و ثلاثه آفاد حمل و حملوا الأقال. و لما جن اللیل رکت اللبؤة شاکية السلاح، و انطلقت تحت سجع الظلام طردا و رکضاً لا تُحْم الخیل، و تواصل بالأساد و التأویب السیر ۲۳-ل: (و: آ: بیامد برادر) ۲۴-ل: (ن: دختر) ۲۵-ل: (پ: کامجوی؛ ب: نیکخوی) ۲۶-ل: (نیز ل: آ)؛ سپاه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-ق: ز ایران بر ما ۲۸-س، ک، ل، آ، س، آ: (نیز ل، ن، آ، و، ل، ن، آ، ب)؛ من؛ ق: بدانجا؛ (لی: بایران)؛ متن = ل: (نیز ق، آ، ب، ا)؛ در دولت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۹-ک: از آن ۳۰-ل: (ن: جاوید هم) ۳۱-ل: (و: درش) ۳۲-س، ل، آ، س، آ: (نیز ل، ل، ق، و، ا)؛ همه؛ متن = ل، ق، ک، (نیز ل، ن، ق، آ، لی، ب، ا) ۳۳-س، ل، آ، س، ل، آ: (نیز ل، ن، لی، ل، ن، آ، ب)؛ کشور و لشکرت؛ (و: کشور و لشکرش؛ آ: دوده و کشورت)؛ متن = ل، ق، ک، (نیز ق، آ، ب)؛ در س آیین بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بنداری؛ فاتنهی الخبر بملک الی طبرک أخی الخاقان فقام و دخل علی أخیه و أعلمه بالحال ۳۴-ق: آن ۳۵-ق: (ق: آ: قهر)

نگه کن که لشکر کجا شد به^۲ راه،
 نخستین فراز آر شیرین سَخُن^۳!
 مگر بیمشان کرد^۴ بدخواه ما^۵!
 به مردانگی سر برافراشان!
 تو مردی کن و دور باش از درنگ^۶،
 که گردد زمین همچو پَر نذرو!

بدو گفت: بشتاب و^۱ برکش سپاه!
 ۲۸۳۰ بدیشان^۳ رسی، هیچ تندی مکن!
 ازیشان^۵ نداند کسی راه^۶ ما^۷
 به چربی^{۱۰} سَخُن گوی و بنوازشان!
 وگر هیچ سازد کسی با تو جنگ
 ازیشان یکی گورستان^{۱۲} کن^{۱۳} به مرو

گفتار اندر رزم گردیه با تَبَرگ^{۱۴}

گزیده ز ترکانِ جنگی^{۱۵} سوار،
 زن شیردل چون سپه را بدید،
 ز لشکر سوی ساریان^{۱۹} شد چو باد،
 بیامد نگه کرد جای نبرد،
 نشست از بر بارهی گامزن!
 همه جان‌ها^{۲۳} بر نهاده به کف!
 که خاقان ورا خواندی پیر^{۲۶} گرگ^{۲۷}!
 مگر نیست با این بزرگانجمن؟

۲۸۳۵ بیامد سپهدار با شش‌هزار
 به روز چهارم بدیشان^{۱۶} رسید؛
 ازیشان^{۱۷} به دل بر^{۱۸} نکرد ایچ یاد
 یکایک بُنه از^{۲۰} پس پشت کرد
 سَلِیح^{۲۱} برادر بیوشید زن
 ۲۸۴۰ دو لشکر برابر^{۲۲} کشیدند صف
 به پیش سپاه اندرآمد^{۲۴} تَبَرگ^{۲۵}
 به ایرانیان گفت کان^{۲۸} پاک‌زن

۱-ق.ل.آ: <و> ۲-ل. (نیز ن.لی): ز؛ بنداری: فعظم علیه ذلک، و أشار علیه بأن يستصحب عسکرا و يتبع الهاربین ۳-ل. بریشان؛ س. ک.ل. (نیز ن.لی، ب): بایشان؛ (ا): کزیشان؛ متن = ق.س. ۲ (نیز ق.ل.آ.ن.آ) ۴-(و): سخن گوی و کندی مکن (هق: کزیشان ع.س. ۲ (نیز ب): راز (ا) ۷-ق (نیز آ): را ۸-ل (نیز ق.آ.ب): بشکنی پشت؛ ق (نیز ا): دشمنان کرد؛ (ل.آ): پشیمان مگر کرد؛ متن = س. ک.ل.آ.س. ۲ (نیز ن.لی، و.ل.ن.آ) ۹-ق (نیز ا): را؛ (ب): بیمشان خواست فریادخواه (۱۰-ل.س. ق (نیز ل.آ.ب.ا): بخوبی؛ (ق.آ): به نیکی؛ متن = ک.ل.س. ۲ (نیز ن.لی، و.ل.ن.آ.ب): بنداری؛ و اذا وصل اليهم دخل عليهم من باب المدارة، فان قبلوا و عادوا الى الحضرة فهو المراد ۱۱-ک: کرنک (؟) ۱۲-(لی، ب.پ: گورسان) ۱۳-ق: گورستانی؛ (ل.آ): یکی گورسان کن ازیشان؛ بنداری: و إن ابوا فضع فيهم السيف حتى تحصدهم حصدا ۱۴-ل: رزم گردیه با چینیان؛ س.ق: رزم گردیه خواهر بهرام با تبرک خاقان (ق: با برادر خاقان چین)؛ ل. رزم طبرک خاقان با گردیه؛ س.آ: گریختن گردویه و ایرانیان؛ ک: سرنویس ندارد ۱۵-ق (نیز ق.آ): دلاور؛ ک.س. ۲ (نیز و.ل.ن.آ): چینی؛ (ن.آ): و چینی؛ ا: دلاور ز ترکان؛ متن = ل.س.ل. ۲ (نیز ن.لی، ب.پ.ب) ۱۶-ل: بریشان؛ س.ک (نیز ن.لی، ب): بایشان؛ ل.آ: بایران؛ متن = ق.س. ۲ (نیز ق.ل.آ.ن.آ): بنداری: فرکب طَبَرک فی ستة آلاف فارس، و تبعهم فوصل اليهم بعد أربعة أيام ۱۷-ک: زایشان ۱۸-ق (نیز آ.ب): در؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹-ل: چینیان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ و این بیت را ندارد ۲۰-س.س. ۲ (نیز ن.ل.آ.ن.آ.آ.ب): در؛ متن = ل (نیز ب)؛ و این بیت را ندارد ۲۱-س.س. (نیز لی، و): سلاح ۲۲-س.آ: بر آیین ۲۳-(ب): همان جان خود؛ بنداری (۲۸۳۶-ب): فلما رأَت المرأة ذلک لم تحفل بهم، و جعلت الأتقال خلف ظهرها، و لبست سلاح أخيها، و صفت صفوفها ۲۴-ق: به پیش اندرآمد امیر ۲۵-ل.ق.آ.س. ۲ (نیز ل.آ.ب): طبرک؛ ک: بترک؛ (لی، ن.آ: طورک؛ و: تورک)؛ متن = ل.س. (نیز ن.لی، ب.پ) ۲۶-ق.ک.ل. (نیز ن.آ.ب): تَبَرگ ۲۷-ق.آ: خواند پیر سترگ) ۲۸-س.س. (نیز ن.لی، و.ل.ن.آ.ب): این؛ ق: آن؛ ک.س.آ: کین؛ (ا): کای؛ متن = ل.آ. (نیز ق.آ)؛ ل.آ.ب. این بیت را ندارند

میان بسته برسان جنگاوران،
 بزد پاشنه، شد بر او^۵ فراز،
 کجا جویمش در^۸ میان سپاه؟
 چه از نو، چه از روزگار کهن!
 که بر شیر درنده اسپ افگنم!
 بران^{۱۳} اسپ^{۱۴} جنگی چوشیر^{۱۵} سترگ،
 ترا کرد ازین^{۱۶} پادشاهی گزین،
 ز بهرام شیر، آن^{۱۹} گزیده سوار!
 به جای^{۲۳} آورم، چون سَخُن بشنوی:
 که گرزبانک^{۲۵} گفتم^{۲۶}، ندیدی تو^{۲۷} روی،
 مگر^{۳۰} نیز، باز آدم زان سَخُن،
 مکن^{۳۳}، گر ترا آرزو^{۳۴} شوی نیست!
 وگر پند نپذیردش^{۳۷}، بند^{۳۸} کن،

بشد گردیه^۱ با سلیح^۲ گران
 دلاور تیرگش^۳ ندانست^۴ باز
 ۲۸۴۵ بدو^۵ گفت کان^۶ خواهر کشته شاه
 که با او مرا هست چندی^۹ سَخُن
 بدو گردیه گفت^{۱۰} کاینک^{۱۱} منم
 چو بشنید آواز او را تیرگ^{۱۲}
 شگفت آمدش، گفت: خاقان چین
 ۲۸۵۰ بدان^{۱۷} تا تو باشی ورا^{۱۸} یادگار
 همی گفت^{۲۰}: پاداش آن^{۲۱} نیکوی^{۲۲}
 مرا گفت: بشتاب و او را^{۲۴} بگویی
 چنان دان که آن^{۲۸} خود نگفتم^{۲۹} ز بُن
 ازین مرز^{۳۱} رفتن ترا^{۳۲} روی نیست!
 ۲۸۵۵ سَخُن ها^{۳۵} برین^{۳۶} گونه پیوند کن

- ۱-س (نیز لی): چو گردیه بد، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، و، ل، ن، آ، ب): چو بد گردیه؛ متن = ل، ق (نیز ق، ۲، ۲) ۲-س، ک (نیز لی، و): سلاح؛ (آ): سپاهی؛ ل، ۳، ب، این بیت را ندارند ۳-ق، ل، آ، س، ۲ (نیز آ): طبرکش؛ ک: بترکش؛ (و، ل، ن، آ: طورکش)؛ متن = ل، س، ل، آ (نیز لن، ق، آ، بی، ب؛ در لن به پیش یکم و دوم) ۴-ق (نیز آ): بدانست ۵-ل: حشد-بر او (ل)؛ س (نیز لی): پیش او شد؛ ق (نیز آ): شد بر سر؛ ل (نیز لن): تا بر او؛ (ل، ن، آ): نزد او شد؛ ب: تا بر او شد؛ متن = ک، س، ۲ (نیز ق، ۲، و)؛ ل، ۳، ب، این بیت را ندارند ۶-ل (نیز ق، آ، پ): چنین؛ متن = ده دستویس دیگر ۷-س، این: ل (نیز لن، لی، ب): آن؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ق، آ، ل، ن، ۳) ۸-ب: باشد اندر؛ ل، ن: جویم اندر؛ ق، آ، این بیت را ندارند ۹-ل (نیز ق، چندین)؛ ق، این بیت را ندارد و در آیت های ۲۸۴۳ و ۲۸۴۶ پس و پیش شده اند؛ بنداری: (۲۸۴۶-۲۸۴۱)؛ ولما تقابل الجمعان تقدّم طبرک و قرب منها، وکان لا یعرفها، فسأل عنها و قال: معی الیها رسالۃ، و أرید أن أبلغها الیها ۱۰-س، ق (نیز لی، ل، آ): گفت گردیه؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۱-ل، ل، ۲ (نیز لن، ل، ۲، و، ل، ن، آ، ب): اینک؛ متن = س، آ (نیز ب، آ): بنداری: فقالت: ها هی انا بین یدیک کاللبؤة الضاریة ۱۲-ق، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، آ، ب): طبرک؛ ک: بترک؛ (لی، و، ل، ن، آ: طورک)؛ متن = ل، س، ل (نیز لن، ق، آ، پ) ۱۳-ل، لی، و: بدان) ۱۴-ل، آ (نیز آ): براراست (بران اسب) ۱۵-ق: دیو؛ ک: بر آراسته همچو شیر ۱۶-ل (نیز لی): زین؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۷-ب: بران) ۱۸-ق (آ: بدان) ۱۹-ل (و: حان)؛ ق، آ، این بیت را ندارند؛ بنداری: فتعجب منها ثم قال لها: إن الخاقان قد اختارک لیستظهر بک، ویتسلی عن أخیک بمکانک ۲۰-ل (ز: بهرام) ۲۱-ل (نیز ق، آ، بی، ب): این ۲۲-ل، س، ل، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، لی، ن، آ): نیکویی؛ متن = ق، آ، ب ۲۳-ل: جا؛ ق، آ، این بیت را ندارند ۲۴-س، ک، ل (نیز لن، لی، و، ل، ن، آ، ب): و با او؛ متن = ل (نیز ق، آ، ل، آ، پ) ۲۵-س (نیز لن): زانج؛ ک، ل (نیز لی، ل، آ، ب، این، آ، ب، و): ز آنچه؛ (و: آنچه)؛ متن = ل (نیز ق، آ) ۲۶-ک: گفتی ۲۷-ل (ب: دیدی تو؛ و: تو نیست؛ ل، آ: بد آید به؛ ق، س، آ، این بیت را ندارند ۲۸-ل، آ، این؛ (ق، آ: من)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۹-ل (آ: بگفتم) ۳۰-س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، ل، ن، آ، ب): که من؛ متن = ل؛ ق، آ، این بیت را ندارند؛ بنداری: و هو یقول: إن کان ما قلته غیر موافق لرأیک فاحسبی أنى لم أتلفظ بذلك، و أنا راجع عنه، و أمأنت فرواحک من ها هنا بعید من الصواب ۳۱-ل (و: جای) ۳۲-ل: مرا؛ متن = س، ب ۳۳-س، ل (نیز لی): مگر؛ ق: مرو؛ ک: یکی؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳۴-ل: آرزو گر ترا؛ س (نیز لی): مر ترا آرزو؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۵-ب: را) ۳۶-ق، ک (نیز لی، پ): بدین؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳۷-ق (نیز ق، آ، ل، آ، پ، آ): نپذیردت؛ متن = ل، س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، لی، ب) ۳۸-ل، و، ل، ن، آ: همه گوش سوی خردمند)

سَخُن‌ها از^۴ اندازه بگذاشته‌ست!
 به یکسو شویم از میان سپاه،
 ترا اندرین^{۱۱} رای فَرخ نهم^{۱۲}
 بیامد بر نامدارِ سُترگ،
 از آن میغفر تیره بگشاد روی^{۱۴}،
 شواری^{۱۵} و رزمش^{۱۶} پسندیده‌یی،
 کتون روزگار وی آمد به سر^{۱۷}،
 یکی سوی رزمت نمایش^{۱۹} کنم،
 همانا مرا خود پسندست^{۲۳} شوی^{۲۴}!
 - پس او همی‌تاخت ایزدکشسپ-،
 که بگذاشت^{۲۷} خفتان و پیوند اوی^{۲۶}!
 برانگیخت اسب اندر آن^{۲۹} رزمگاه^{۳۰}!

هم آن را^۱ که او^۲ را بران^۳ داشته‌ست
 بدو گردید گفت^۵ کز^۶ رزمگاه^۷
 سَخُن هرچ^۸ گفتی تو^۹ پاسخ دهم^{۱۰}
 ز پیش سپاه اندرآمد تیرگ^{۱۳}
 ۲۸۶۰ چو تنها بدیدش زن چاره‌جوی^{۱۴}
 بدو گفت: بهرام را دیده‌یی
 مرا بود هم مادر و هم پدر
 کتون من^{۱۸} ترا آزمایش کنم
 اگر^{۲۰} از درِ شوی^{۲۱} یابی^{۲۲}، بگوی!
 ۲۸۶۵ بگفت این و زان^{۲۵} پس برانگیخت اسب
 یکی نیزه زد بر کمر بند اوی^{۲۶}
 یلان‌سینه با آن گزیده‌سپاه^{۲۸}

۱-س (نیز لی): هر آنکس؛ ل^۲ (نیز لن، ب): همان کس؛ (آ: هم او را)؛ متن = ل، ک، س، آ (نیز ق، ل، آ، ن، آ) - ۲- (آ: آن) - ۳- ل (نیز لی، آ):
 بدین؛ س^۴ (نیز ل، ن، آ): برین؛ متن = س، ک، ل (نیز لن، ق، آ، پ، و، ب) - ۴- ل (نیز و، آ): ز، ک، ل (نیز لن، ق، آ، ل، پ، ن، آ، ب): سخنش از
 (ک، ل، ز): متن = س، س، آ (نیز لی)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: و الأصلح لک الاتفارقى هذه البلاد. فإن لم تقبلى هذا فقد امرنى أن
 أقبلك وأحملک الیه ۵-س (نیز لی): گفت گردید ع-ل کین (مکز)؛ متن = س-ب - ۷- ق: روی راه - ۸- س-س^۲ (نیز لن-ب): هر چه؛
 متن = ل - ۹- س (نیز لن، پ، ب): گوییت؛ ق، ک، س^۲ (نیز ل، و، ن، آ، ب، و، ن، آ): گویی تو؛ آ: گویمت؛ (لی: گویند)؛ متن = ل (نیز ق^۲) - ۱۰- ق، س، آ:
 دهیم - ۱۱- (ل، و، اندران) - ۱۲- ق، س، آ: نهیم؛ بنداری: فقالت له: تعال حتى تنتحى عن هذا المعترك لأجوابک عن کلامک - ۱۳- ق، ل، آ، س^۲
 (نیز ل، آ، ب): طبرک؛ ک: بترک؛ (لی، و، ن، آ: طورک)؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، آ، پ) - ۱۴- (آ: جو-رو)؛ بنداری: فانتقلا الی ناحية فحث
 المغفر عن وجهها - ۱۵- (و، ن، آ: سپاهی) - ۱۶- (ل، آ: زورش؛ ن: ز رومی)؛ بنداری: و قالت له: هل رأیت بهرام و عرفت رجولته؟ فقال
 نعم - ۱۷- بنداری: فقالت: اعلم أنى و اياه من أب واحد و أم واحدة - ۱۸- (و: سزدگر) - ۱۹- ک: گرایش؛ (لی، پ: نیایش)؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر؛ بنداری: فلتبאר أنا و أنت الآن - ۲۰- (ل، آ، ل، آ: گرم) - ۲۱- ل، آ: شوره؛ (و: در شدن پای) - ۲۲- (ق، آ: بینی) - ۲۳- ل: سندست
 (حرف یکم بی نقطه)؛ س، ک، ل (نیز لن، لی، پ، و، ن، آ، ب): پسندی تو؛ س^۲ (نیز ق، آ): پسندی به؛ (ل، آ: پس آیی تو)؛ متن = ل - ۲۴- (آ: و
 گونه برو رزم گردان مجوی)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: فان رأیتنى أهلا للزواج أطعت أمرک - ۲۵- ک (نیز ق، آ، ن، آ): بگفت و از آن؛
 متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد؛ س، ق، آ، لی، پس از این بیت افزوده‌اند:

سپهدار چینی همی (ق: آ: همان) حمله کرد برآویختند آن دو شاه (ق: آ: گرد) نبرد
 زن برهنر چیزه شد بر سوار (ق: آ: همان خواهر بهلو نامدار) به نیزه سبق برد آن نامدار (ق: آ: درآمد بنزد سوار)
 ۲۶- ل، س، ق (نیز آ، ب): او؛ متن = ده دستنویس دیگر - ۲۷- ل، ق، ک، س^۲ (نیز لن، آ، آ): بگست؛ (ل، آ: نگذاشت؛ پ: بگشاد)؛ متن = س، ل (نیز
 لن، ق، آ، لی، و، ب)؛ بنداری: فرکلت فرسها و أشرعت رمحها، و انبها ایزدکشب. فطعنن طبرک فی خاصرته طعنة نفذت فیه و
 مات منها؛ س، ق، لی، پس از بیت ۲۸۶۶ افزوده‌اند:

ز زین اندرافتاد و شد سرنگون (ق: آ: چو از پشت باره درآمد نگون)

شد آن ریگ زیر اندرش (ق: آ: همه ریگ شد زیر او) جوی (لی: غرق) خون

۲۸- (ن: آ: سوار) - ۲۹- س، ل، س، آ (نیز لن، لی، آ، ب): برانگیختند اسب از آن؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق، آ، پ، و، آ) - ۳۰- (ن: آ: از پی کارزار)

بسی^۱ کشت و^۲ افگند و چندی بخت^۳
بر اسپان^۴ نماندند بسیار کس!
یکی^۵ بی سر و دیگری سرنگون!

بر شهریار و^۷ دلیران کشید!^۸
-نبدیدی^۹ زنی کو جهانجوی شد!^{۱۰}
به دلش اندرون دآوری^{۱۱}ها^{۱۲} فرود!
نبشت^{۱۳} و ز هر کارش آگاه^{۱۴} کرد،
به تیمار و^{۱۵} درد^{۱۶} برادر بمردا!
روان وی از ما^{۱۷} بی آزار باد!
بگوی^{۱۸} آنچ^{۱۹} از من شنیدی^{۲۰} ز پند^{۲۱}!
همه نامداران^{۲۲} جنگاوران^{۲۳}،
که نه رزم بینند از آن پس^{۲۴}، نه بزما!
نباید که آید بریشان^{۲۵} گزند!

همه لشکر چین بهم بر شکست
دو فرسنگ لشکر همی شد ز پس
۲۸۷۰ سراسر همه دشت شد رود^۵ خون

چو پیروز شد، سوی ایران کشید
به روز چهارم به^۹ آموی شد
به آموی یکچند بنشست^{۱۱} و بود
یکی نامه سوی برادر به درد
۲۸۷۵ نخستین سخن، گفت^{۱۵}: بهرام گرد
ترا و مرا^{۱۸} مزد بسیار باد!
دگر گفت: با^{۲۰} شهریار بلند
پس ما بیامد سپاهی گران
بران^{۲۷} گونه برگاشتمشان ز^{۲۸} رزم
۲۸۸۰ بسی نامورمهران با^{۳۰} مند^{۳۱}

۱- (ق:آ: همی) ۲- س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ن. لی. ل. ۳. ب. پ.): کشته؛ متن = ل. ق. (نیز ق. ۲. و. ل. ن. ۱. ۲) ۳- ق (نیز آ): بهری بخت: (لی: افکنده و چند خست); متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فرحف یلان الی صفوهم فمزها کل ممزق، و قتل منهم قوم و جرح قوم؛ ق: آ پس از بیت ۲۸۶۸ دو بیت و س، لی تنها بیت یکم را افزوده اند:

هزیمت شد آن لشکر چینیان
چو آن لشکر چین بهم بر درید

۴- (آ: وزایشان); ق این بیت را ندارد ۵- ه. ق. س. ۲ (نیز ل ۲. و. آ): جوی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶- س. ۲: بسی؛ بنداری: و انهم الباقون فتعوم مقدار فرسخین فلم یبج منهم إلا قلیل ۷- س. ۳ (نیز ل. ن. لی. ل. ۲. ب. ج. و. آ): بنزدیک شاه؛ متن = ل (نیز ق ۲) ۸- (ل. ن. ۲: رسید) ۹- س (نیز لی): بزودی بنزدیک؛ متن = ل. ق. ک. س. ۲ (نیز ل ۳. و. آ) ۱۰- س (نیز لی): ندیدم؛ ک: تو دیدی؛ (و: شنیدی); متن = ل. ق. س. ۲ (نیز ل ۳. پ. آ): ل. ن. ق. ۲. ب. این بیت را ندارند؛ بنداری: ثم إنها ارتحلت بهم متوجه نحو ایران الی أن وصلت الی أمّل طبرستان؛ س در اینجا سرنویس دارد: نامه فرستادن گردویه بنزدیک برادرش گردوی ۱۱- س (نیز لی): بنشست یکچند؛ متن = ل. ق. س. ۲ (نیز ل ۳. پ. و. آ) ۱۲- س: جادوی؛ ق. ل. آ (نیز آ): روشنایی؛ (ل: ۳: اندر اندیشه ها بر)؛ متن = ل. ک. س. ۲ (نیز لی، ب. و. آ); ل. ن. ۲. ب این بیت را ندارند؛ بنداری: و خیمت بها و استراحت ۱۳- ل. ق (نیز و. ن. ۲): نوشت؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- (ل. آ: ابا و؟)؛ و: زده کارش (آباد) ۱۵- (ق: آ: بد ز لی: همی گفت؛ آ: چنین گفت) ۱۶- ل: ج. و. متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷- ق (نیز آ): دردای؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ واین بیت را ندارد ۱۸- (ل. آ. و. ن. ۲: مرا و ترا) ۱۹- س (نیز لی): روانش (لی: ز دانش) ز ما را؛ (ل. ن. آ: روان و تن ما)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰- ل: کز؛ (لی: یا)؛ ق: آنک با ۲۱- ل. ق (نیز ب.): بگو ۲۲- ق: آنک؛ ل: آ (نیز لی. ب.): آنچه؛ متن = ل. س. س. ۲ (نیز ل. ق) ۲۳- آ: پسندی ۲۴- ک: نباید که آید برایشان گزند (۲۸۸۰ ب) ۲۵- س. س. ۳ (نیز ل. ن. ب.): نامداران و؛ متن = ل ۲۶- (و: کنداوران) ۲۷- (لی: بدان) ۲۸- ق: بادشمنان رفت؛ ق: آ: برداشتمشان به؛ آ: برداشتمشان ز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹- ل: زان پس؛ س. ق. س. ۲ (نیز ل. ن. ق. ۲. ب. آ. ب.): ازین پس؛ ک (نیز لی): زین پس؛ (و: دیگر؛ ل. ن. آ: هرگز)؛ متن = ل ۳۰- (نیز ل ۳)؛ بنداری (۲۸۷۹-۲۸۷۴): و کتبت الی اخیها و أعلمته باقبالها، و ماجری لها من قتال من تبعها من الترك ۳۰- ک: مهتران بلند ۳۱- ق. ل. ۲ (نیز لی، ب.): بدیشان؛ متن = یازده دستنویس دیگر

نشستم به آموی^۱ تا پاسخم بیارد مگر^۲ اختر فرخ^۳م!

گفتار اندر کین خواستن پرویز از خالان^۴

چو برخاست بهرام جنگی ز راه
که با او^۵ به روی اندر آورد^۶ روی
که اندیشه تا کی بود^۷ در نهفت،
همی بگذرد، چون بود^۸ خویش من؟!
همی پادشاهی کنم، چون بود^۹؟!
همان روز بندوی را بند کرد^{۱۰}،
که او را هم اکنون ببر^{۱۱} دست و پای^{۱۲}!
پر^{۱۳} از خون روانش به جویا^{۱۴} سپرد!

وژان^۴ پس به آرام بنشست شاه
ندید از بزرگان کسی کینه‌جوی
به دستور پاکیزه یک روز گفت
۲۸۸۵ کشنده پدر هر زمان پیش من
چو روشن‌روانم پر از خون بود
نهادند خوان و میی چند خورد
وژان^{۱۱} پس چوین گفت با رهنمای^{۱۲}
بریدند و^{۱۵} هم در زمان او^{۱۶} بمرد

فرستاد و اندرز کردش^{۲۰} بسی،
از ایدر برو تا در مرزبان،

۲۸۹۰ وژان پس به^{۱۹} سوی خراسان کسی
بدو گفت: با کس^{۲۱} مجنبان زبان^{۲۲}

۱-س، ل^۲ (نیز ل، می، ل، ب): به ره بر متن = ل، ق، ک، س^۲ (نیز ق^۲، ل، پ، و، ا) ۲-ل (ن: بیاید مگر ز): بنداری (۲۸۸۰-۲۸۸۱): نم قالت: و معی جماعه من اکابر ایران. فکلم الملک فی حقهم حتی یعفو عنهم، و لا یعاتبهم فی شیء. و أنا منتظره لجواب هذا الكتاب. و السلام ۳-ق: کشته شدن بندوی خال خسرو بحکم خسرو پرویز؛ ک: کین خواستن پرویز از خالان؛ ل: کشتن خسرو مینوی (بندوی) خال خود را؛ متن = ک ۴-ل (نیز ق^۲، ل، ق): از آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در ل^۲ لتهای این بیت پس و پیش شده‌اند ۵-(و: وی) ۶-س، ق، ک (نیز ل، می، ب): آرند؛ متن = ل، ل، س^۲ (نیز ق^۲): ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

جهاندار پرویز گرد سوار
پراندیشه بود از بد روزگار

۷-(ق: آ: توان) ۸-س-س^۲ (نیز ق^۲، ل، پ، می، ل، ب): او بود؛ (ل، ن): او بود؛ و: راست چون؛ متن = ل ۹-ق: این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۸۸۲-۲۸۸۶): و اما پرویز فانه لما فرغ سره من جهة بهرام استدعی دستوره ذات یوم و قال: حتام أخفی سری و لا أبوح به؟ کیف أتهنأ بالعیش و قاتل أبی أراه یردد بین یدی؟ ۱۰-ق: این بیت را ندارد ۱۱-ل (نیز ق^۲): از آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲-ل: رهنما ۱۳-س (نیز ل، می، و، ل، ن): ز تن؛ س: آ: تن؛ و: ق: ب: بر هم کنون؛ آ: جداکن ز تن؛ ل: که از تن جداکن ورا؛ متن = ل، ک (نیز ب) ۱۴-ل: پا؛ (ل: دو دست و دو پای؛ ق: ب این بیت را ندارند؛ ک، س، ل، و، ل، آ: پس از این بیت افزوده‌اند:

بیزید تا او به خون کیان
چو بی دست باشد نیندد میان

۱۵-ل، ک (نیز ق^۲): بریدند؛ س: بیزند؛ ل^۲ (نیز ل): بیزید و؛ (ل، ن): بیزیدند و؛ متن = س^۲ (نیز ل، ل، پ، و، ا) ۱۶-(ق: آ: زمان و) ۱۷-س (نیز ل): پس؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ل، س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ل-ل، ن): آ: به خسرو؛ متن = (آ): ق، ب این بیت را ندارند؛ بنداری (۲۸۸۷-۲۸۸۹): فجلس فی مجلس الشرب و لما انتشی أمر بخاله بندویه فقیده ثم أمر فقطعوا یدیه و رجلیه و مات فی الحال؛ ق بجای بیت ۲۸۸۹ افزوده است:

به دژخیم فرمود خسرو که خیز
به درگاه بندوی را خون بریز

۱۹-ل: فرستاد؛ متن = س-ب ۲۰-ل: گسی کرد و اندرز دادش؛ متن = س-ب ۲۱-(ل: می) (من) ۲۲-(ل: ن): زفان)

چو این نامه‌ی من^۳ بخوانی بیای^۴،
 به درگاه مرد تن‌آسان^۵ رسیدی،
 که شاهی^۶ جوان بود و خون‌ریز^۷ بود!
 پراگنده‌لشکر^۸ همه بازخواند،
 ز^۹ ساری و آمل به^{۱۰} گرگان رسید،
 برادرش را او به مستی^{۱۱} بکشت^{۱۲}،
 فرود آمد از پشت اسب^{۱۳} سمند،
 خروشان به سر بر همی‌ریخت^{۱۴} خاک
 به کین^{۱۵} پدر کرد خواهد تباہ
 تو گفتی که با باد همباز^{۱۶} گشت!
 همی‌تاخت تا بیشه‌ی نارون^{۱۷} ۲۴
 سپه را بدان^{۱۸} بیشه^{۱۹} اندرکشید
 بدان^{۲۰} تاختن بود^{۲۱} کین آختن
 به نانی^{۲۲} همه^{۲۳} بنده‌ی او شدند
 که^{۲۴} گشتم از آن^{۲۵} لشکر آگاه بود،
 سپه را یکایک به هم برزدی^{۲۶}!

به گشتم گوی: ایچ گونه مپای^۱،
 فرستاده چون در^۲ خراسان رسید،
 بگفت آنچ^۳ فرمان پرویز بود
 ۲۸۹۵ چو گشتم بشنید^۴، لشکر براند
 چُنین تا به شهر بزرگان رسید
 شنید آنک^۵ شد شاه ایران^۶ درشت
 چو بشنید، گوشت یلانی^۷ بکند
 همه جامه‌ی پهلوی کرد چاک
 ۲۹۰۰ بدانست کو را جهاندارشاه
 خروشان از آن جایگه بازگشت
 سپاه پراگنده کرد انجمن
 چو نزدیکی کوه^۸ آمل رسید
 همی‌برد^۹ بر هر سوی^{۱۰} تاختن
 ۲۹۰۵ به هر^{۱۱} سو که بیکار^{۱۲} مردم بُدند
 به جایی کجا لشکر شاه^{۱۳} بود
 همی^{۱۴} بر سرانشان^{۱۵} فرود آمدی^{۱۶}

۱-ل: گو؛ (لی: گفت) ۲-ل: مپای؛ ل: آنچه گوید میای (۱) ۳-ق، ک، س: (نیز ق: ل، ۳-۱): ما؛ متن = ل، س، ل: (نیز ل، لی، ب) ۴-ل: بیا؛
 بنداری: و کتب کتابا الی خاله الآخر المسمی کشتم بقول فيه: اذا وقت علی هذا المثال فسارع الی الخدمة ۵-س، ل: (نیز ل، لی، ب):
 اندر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶-ک: ز ساری و آمل به گرگان (= ۲۸۹۶ب) ۷-ل: کشید ۸-ک: (نیز لی، ب): آنچه؛ ل: آنکه؛ متن =
 ل، س، ق، س: (نیز ل، ق: ۲) ۹-ل، ق: (نیز و، ل، ق): شاه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰-ل: (ن: نوخیز) ۱۱-ل: (ن: بشنید گشتم) ۱۲-ل، و،
 ن: (مردم؛ بنداری، فلما وصل الیه الرسول بادر الامثال و أقبل الی الحضرة ۱۳-ق: (ب: به) ۱۴-ل: (پ: ز) ۱۵-ل: (ن: آمل) ۱۶-ق: (ب: بشنید گشتم کوشد) ۱۷-س، ل: (نیز ل، لی، ن: ق): بندوی رالو (ن: چون)؛ ک، س: (نیز ق: ل، ۳، ل، و، آ): راشب (ق: آ: بندو) به
 متی؛ متن = ل، ق: (نیز پ) ۱۸-ل: (ب: رانیز بندوی کشت) ۱۹-س: (نیز لی، ب): دوبازو؛ ق: او سفت و یالش؛ متن = دوازده دستنویس دیگر
 ۲۰-ل، ک، ل، س: (نیز ل، لی، ل، ن، آ، ب): زین؛ متن = ل، س، ق: (نیز ق: آ، پ، و، آ) ۲۱-ل: (و: پراکند)؛ بنداری (۲۸۹۶-۲۸۹۹): فلما وصل الی
 جرجان بلغه ما فعل الملك بأخيه فعرض علی یدیه، و مزق ثیابه، و وضع التراب علی رأسه ۲۲-ل: (و، آ: خون)؛ بنداری: و علم أن
 الملك یرید أن یقتله ایضا بأخیه، کصنیعه بأخیه ۲۳-ل، ل: (نیز ل، ل، و، ب): انباز؛ متن = س: (نیز پ) ۲۴-بنداری: فثنی عنانه وعادالی
 مازندران ۲۵-س: شهر؛ (لی، ب: شاه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶-ل: (نیز ل، ل، و، ب): س: (نیز ل، ل، و، ب): (آ: بود) ۲۷-س: (نیز ل، ل، و، ب): (آ: بود) ۲۸-ک: (نیز و، ل، ق):
 چو بردند؛ آ: برو برد)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹-س، س، ک، ل، س، آ: (نیز ل، ب): سویی؛ متن = ل، ق: ۳۰-ک: وزان؛ (آ: بود) ۳۱-س: (نیز و، ل، ق):
 کرد؛ در پ این بیت بابت سسین پس و پیش شده است ۳۲-ل: (و: بدان) ۳۳-ل: بیکاره ۳۴-ل: (پ: به نان بر) ۳۵-ل: (نیز ل، ن، ق):
 همی؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق: این بیت راندارد ۳۶-س: (نیز لی، ب): که لشکر بدان راه؛ (ل، ن، ل، ن): که لشکرگه شاه؛ متن =
 ل، ق، س: (نیز ق: آ، پ، و، آ) ۳۷-ق: (ب: جو) ۳۸-ل: (نیز ل، ل، و، ب): سیزده دستنویس دیگر؛ ب این بیت راندارد ۳۹-ق: (ب: همه) ۴۰-ک، ل، ق: (ب: جو)
 سر ایشان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر: سرانشان → سرایشان؟ ۴۱-ل: (آ: آمدند برزدند)؛ بنداری (۲۹۰۳-۲۹۰۷): و أخذ یثن الغارة
 علی تلك النواحي و من یها من نواب برویز

وُزان^۱ پس چو گردوی شد نزد شاه
 بدان مرزبانان خاقان^۳ چه کرد
 ۲۹۱۰ وُزان^۵ روی گستم بشنید نیز
 همان^۷ گردیده با سپاهی^۸ بزرگ
 پس او سپاهی بیامد^{۱۱} به کین
 پذیره شدن را^{۱۳} سپه برنشانند
 چو آگاه شد گردیده رفت پیش^{۱۵}
 ۲۹۱۵ چو گستم دید آن سپه را^{۱۸} به^{۱۹} راه
 بیامد^{۲۰} بر گردیده پر ز درد^{۲۱}
 همان^{۲۲} درد بندوی با او^{۲۳} بگفت
 یلان سینه را دید و^{۲۵} ایزدگشسپ
 بگفت آنک^{۲۸} بندوی را شهریار
 ۲۹۲۰ تو گفتم نه^{۳۰} از خواهرش^{۳۱} زاده بودا
 به تازک مرو را روا^{۳۳} داشتی!

بگفت آن^۲ کجا خواهرش با سپاه،
 که در مرو ازیشان^۴ برآورد گرد
 که بهرام یل را پُر آمد^۶ قفیز،
 برفت از بر^۹ نامداری^{۱۰} سترگ،
 چه کرد او بدان نامداران^{۱۲} چین،
 وُزان بیشه چون باد^{۱۴} لشکر براندا!
 از آموی با^{۱۶} نامداران خویش^{۱۷}
 برانگیخت اسپ از میان سپاه
 فراوان ز بهرام تیمار خورد
 همی باستین خون^{۲۴} مژگان برفت
 فرود آمد از دور^{۲۶} گریان ز^{۲۷} اسپ
 تبه کرد و بد شد مرا^{۲۹} روزگار!
 نه از بهر او تن به خون داده بودا
 روان پیش خاکش^{۳۳} فدا^{۳۴} داشتی!

- ۱- (ق: از آن) ۲- (و: بگفتا) ۳- (آ: خواهر) ۴- ل: زیشان؛ س: آ: مرز ایشان؛ (ل: به بخت تو زیشان)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۵- س: (نیز، ل: پ، و: ب)؛ وزین؛ (ق: ازین)؛ متن = ل-ل: (نیز ق: آ، ل: ن، آ، ب) (نیز ق: آ، ل: ن، آ، ب)؛ برآمد؛ (ل: سرآمد)؛ متن = س: (نیز، ب، و) ۷- ق: (نیز آ): همی ۸- ل، ل، ق: (نیز ق: آ، ل، و، ل: آ): سپاه؛ متن = س، ی، ل: س، آ، ب)؛ (نیز، ل: ب)؛ او بر (؟)؛ (ق: از در)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۰- ل-ک: (نیز ق: آ، ل، آ، ب)؛ نامدار؛ (ل: نامداران)؛ متن = ل: آ، س، آ (نیز، ل: ب)؛ ۱۱- س، ق، ک: (نیز، ل، ل، پ، ب)؛ بیامد سپاهی؛ متن = ل، ل، آ، س، آ (نیز ق: آ، ل، آ، ب)؛ (و: چه کردند با نامداران)؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۳- ل: آ: شد آنرا (؟)؛ ل: از آنجایکه بیز (حرف یکم بی نقطه)؛ متن = دوازده دستویس دیگر (ق: از آن)؛ ق: آ این بیت را ندارند ۱۵- (ق: پیش رفت؛ ل: خواند پیش) ۱۶- س، ل، ق: (نیز، ل، ل، آ، ب)؛ ابا سرور و؛ (و: از آنجای با)؛ متن = ل، ق، ک، س: (نیز ق: آ، ل، آ، ب، و، آ؛ ق: آ، ل، آ، ب)؛ ز: ۱۷- (ق: آ: بخت)؛ بنداری (۲۹۱۴-۲۹۰۸)؛ ثم إنه سمع بنزل أخت بهرام فی أرض أمل فرکب وسار لیها ۱۸- (ق: سواران) ۱۹- ل، ل، ق: (نیز ق: آ)؛ ز: (؟)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۰- (ل: برآمد) ۲۱- س: آ: برگرد ۲۲- س: (نیز ل، ب)؛ همه؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۳- ل، ق: (نیز آ)؛ او را؛ (ق: با وی)؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۴- ل: آ (نیز، ل: آ)؛ خون به؛ (ل: خون ز)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۵- ق: گفتم و؛ (آ: دید)؛ و: مهر و) ۲۶- ل، ق: (نیز ل، آ، ب)؛ درد؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۷- س: پ؛ (ل: گریان دوا) ۲۸- س: (نیز، ل: آ)؛ آنچه؛ (ل: ب: آنچه، پ: آنکه)؛ متن = ل، ق: س: (نیز ق: آ) ۲۹- ل: آ (نیز ل، ب)؛ بدو؛ (آ: و را)؛ س: (نیز ل)؛ و بر شد برو؛ ک: و شد مرا؛ متن = ل، ق، س: (نیز ق: آ، ل، آ، ب)؛ ک: پس از این بیت افزوده است:
 که گر زنده بودی چنان شیر مرد
 من او را بهم پستی اندر نبرد
 از آن بی وفا خسرو زشت کیش
 رسیدی دل ما به هر کام خویش
- ۳۰- ق: نه بندوی؛ و: تو گوئی نه) ۳۱- (ل: خواهرم)؛ ق: پس از این بیت افزوده است:
 روان پیش پایش برافشاندی
 چو زو دور ماندی دژم ماندی
 ۳۲- س: (نیز ل)؛ ردا؛ (ق: فدای ل: ک: ل)؛ (نیز، ل، ب)؛ بر او رادی (ب: ردا)؛ (ل: ک: پ: بر او روا؛ و: چو تاجش ردی)؛ س: آ: تیازک بر او رادی (ل)؛ (آ: بتاک بر او رادی)؛ متن = ل: روا (ج: ردا ج: ردی) ۳۳- (و: پایش؛ ل: جانش) ۳۴- ک، س: آ (نیز، ل، ق، آ، و: ب)؛ فدای؛ ل: فدای (ل)؛ متن = ل، س، ق: (نیز، ل، آ، ب)؛ فدا (ج: فدای)؛ (؟)

برانسان^۲ که از گوهر او سزید!
 که او کمتر از تیرمه بار^۳ بیدا
 به شهر^۵ اندرون گوشت ارزان^۶ کند
 برآشوبد و نو کند کینه را،
 ازو یافتی در جهان کام را^۷!
 گلوی ورا دشنه^{۱۰} تیز به!
 ز نیم اندرین رای بر بیش و کم!
 همی جست هر کس^{۱۵} ز راه^{۱۶} گزند
 همی کرد کردار^{۱۹} بهرام^{۲۰} یاد
 شد اندیشه‌ها بر دلش نادرست^{۲۳}
 درخشان شد آن رای^{۲۶} تاریک^{۲۷} اوی^{۲۵}
 چه گوید؟ بجوید^{۲۹} بدین^{۳۰} آب روی؟

نخستین ز تن^۱ دست و پایش برید
 شما را بدو چیست اکنون امید
 ابا همگنانتان^۴ بتر زان کند:
 ۲۹۲۵ چو از دور بیند یلان سینه را
 که سالار بودی تو بهرام را
 ازو هرک^۸ داندش^۹، پرهیز به!
 گر^{۱۱} ایدونک باشید^{۱۲} با ما^{۱۳} بهم
 پذیرفت ازو هرک^{۱۴} بشنید پند
 ۲۹۳۰ زبان^{۱۷} تیز^{۱۸} با گردیه برگشاد
 ز^{۲۱} گفتار^{۲۲} او گردیه گشت سست
 ببودند یکسر بنزدیک^{۲۴} اوی^{۲۵}
 یلان سینه را گفت کین^{۲۸} زن به شوی

۱- (لی: زین: آ: تن و) ۲- س، ق، ل (تیز، لن، لی، ن، ب): بدانسان؛ متن = ل، ک، س (تیز ق ۲، آ): بنداری (۲۹۱۵-۲۹۲۲): فلما رآها رکض الیها، و عزاهان عن أنحیها، و شرح لها ماجری علی بندویه ۳- س (تیز و لن، آ): برگ: ق: باد و؛ ل: تیره بار؛ (ل: پنه و باد و): س: بتر از تیرمه برگ: ل: کجا همچو هنگام با دست و؛ (ق: مجوید خرما هم از شاخ بید): متن = ک (تیز، لن، لی، پ، ب) ۴- ق (تیز ل، آ): همگنان او: ک: همگنانتان؛ (لی: همگنان را؛ و همگنان هم): متن = ل، س، ل (تیز، لن، لی، پ، ب) ۵- س (تیز ل، آ، ن، آ): مرو: متن = یازده دستویس دیگر ۶- ق: همه گوش در شهر ایران ۷- ق: این بیت را ندارد ۸- س، ی، س (تیز، لن، ب): هر که: ل: هر چه: متن = ل ۹- س، س (تیز ل، آ، ن، آ): دانید: ل: دادندش (!): متن = ل، ک (تیز، لن، لی، پ، و، آ، ب) ۱۰- ل: خنجر؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ ق: این بیت را ندارد؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

ز بندوی اندازه باید گرفت ز کردار او تا بمانی شگفت

۱۱- (و: ور) ۱۲- س، ی، ل (تیز ق ۲، پ، ب): ایدر باشید؛ متن = ل، ق، س (تیز، لن، و، لن، آ، آ: ایدونکه) ۱۳- ل: من؛ متن = س، ب: بنداری (۲۹۲۳-۲۹۲۸): و قال لها و لمن معها من الأمراء و الأكابر: ماذا ترجون من هذا الغادر؟ اعلموا أنه متى تمکن منکم فعل بکم مثل ما فعل بخاله ۱۴- س، ب: هر که: متن = ل ۱۵- س (تیز، لن، لی، پ، ب): هر یک: متن = ل (تیز ق ۲، آ) ۱۶- (و: ز بیم): بنداری: فایا کم آن تغتر و ابه و تعدوا الیه ۱۷- (ن: ز فان) ۱۸- س، ل، آ، س (تیز ق ۲، لی): تیز؛ در ل حرف یکم بی نقطه: متن = ک (تیز، لن، ل، آ، ب) ۱۹- (ن: آ: گفتار) ۲۰- (آ: پرویز): ق: بجای بیت های ۲۹۳۴، ۲۹۳۵ افزوده است:

زبان تیز کردند با گردیه
 ز گفتار او گردیه کرد یاد
 همی یاد میکرد بهرام مه
 روانش ز اندیشه آزاد و شاد

۲۱- ل: به؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۲- ل، ل، س (تیز ب): کردار؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۳- ل، ل، آ: بر درست؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ ق: این بیت را ندارد ۲۴- (ق: یکچند نزدیک) ۲۵- ل، س، ل (تیز ل، آ، ب): او؛ متن = ک، ل، س (تیز، لن، لی، و، لن، آ) ۲۶- س: جان؛ (و: شده جان)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۷- (لی: باریک)؛ ق: این بیت را ندارند؛ س، لی، آ: پس از این بیت افزوده اند: چو یک چندگاهی برآمد برین (لی: بدین) گهی بود شادان گه اندوهگین (آ: گهی شاد بودند و گاهی غمین)

۲۸- س، ی (تیز، لن، لی): این؛ ل (تیز ب): ازین؛ متن = ل، س (تیز ق ۲، ل، و، لن، آ) ۲۹- س، ی، ل، س (تیز، لن، لی، ن، آ، ب): نگوید نجوید؛ (در ب حرف یکم هر دو واژه بی نقطه)؛ ل: نگوید بجوید؛ (ق: چه گوید چه جوید؛ ل: نگر و نجوید)؛ متن = ل (حرف یکم بجوید بی نقطه) ۳۰- (ق: بدل؛ و: بگوری و بجوی اندرین)؛ ق، پ، آ: این بیت را ندارند

به گفتارِ بسیار دل شومیش!^۱
 به گیتی ترا دیده‌ام^۳ رای‌زن^۲،
 که رای^۵ تو آزادگان را گزید^۴،
 توانگر^۷ سپهدسری^۸ با سپاه!
 ازو^{۱۰} تخمهی ما نه ویران^{۱۱} بود!
 دلاورگوی بود فوخ‌نژاد^{۱۳}!
 که اندر بلندی ندیدی^{۱۵} نشیب!
 برو^{۱۶} روزگار کهن نو شدی!
 کمان را برافراشتی تا به ماه^{۱۸}!

ز گسته‌م پر درد شد جان شاه
 که گسته‌م با گردیه گشت جفت

چنین داد پاسخ که تا گویمش
 ۲۹۳۵ یلان‌سینه با گردیه گفت: زن^۲
 ز خاقان کرانه گزیدی سزید
 چه گویی ز گسته‌م یل، خال شاه؟
 بدو گفت: شویی^۴ کز ایران بود
 یلان‌سینه^{۱۲} او را به گسته‌م داد
 ۲۹۴۰ همی‌داشتش چون یکی^{۱۴} تازه‌سیب
 سپاهی که از نزد خسرو شدی
 هر آنکه که دیدی شکست سپاه^{۱۷}

چنین تا برآمد برین^{۱۹} چندگاه^{۲۰}
 برآشت^{۲۱} روزی، به گردوی^{۲۲} گفت

۱-س، ک، ل، س، آ (نیز لن، لی، لن، آ، ب): جومیش؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ): ق، ب، و این بیت را ندارند و در آ، ب، با بیت سپین پس و پیش شده است؛ س، ق در اینجا سرنویس دارند، س: به زن کردن گسته‌م خواهر بهرام چوبینه را؛ ق: زناشوهری گسته‌م و گردیه و آگاهی یافتن خسرو ۲- (و: با خواهر نامور) ۳- (ق: آ: دیدم ای) ۴- (و: چنین گفت یگروز کای پره‌نر) ۵- (و: زای) ع:ق: مزید؛ آ: (سزید) ۶-س (نیز لن، لی، لن، آ، ب): تونگر ۸-ل، ق (نیز آ): یلی؛ ک: سری داتمیش؛ س: سپه سری (ل)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹-ل: شوی؛ ق: شوم؛ ل: شوری؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-س: ازین؛ ق (نیز لی، ب): از آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-آ: (ت: ایران)؛ ک پس از این بیت افزوده است:

چو بشنید ازو این زن چاره‌گر
 بدین چاره زی شاه تازه شوم
 بدین چاره گسته‌م بی‌جان شود
 به پیمان که سالی نیاید برم
 ۵ چو بگذشت سالی ازین سوک و غم
 به دل گفت کو را درآرم به سر
 به بد کردن گسته‌م نغتم
 ازین شاددل شاه ایران شود
 ز سوک برادر یکی بگذرم
 به شادی نشینم هر دو بهم

۱۲-ک: بدین گفته ۱۳-س، ک، ل، آ (نیز لن، لی، لن، آ، ب، و): خسرو (لن: خسروی) نژاد؛ ق: همی بود از آن کار پیروز و شاد؛ آ: روانش ز اندیشه آزاد و شاد؛ متن = ل، س، آ (نیز ق، ل، لی، لن، آ) ۱۴-ک: همی‌داشت زن را چو یک ۱۵- (و: نیند؛ بنداری: ۲۹۳۰-۲۹۴۰) و ما زال بهم حتی صرف آخت بهرام عن رأیها ذلک. و خطیها الی یلان فخطیها یلان فی ذلک فرضیت. فتزوج بها گسته‌م فاشتد بها ظهرو، و آفرخ روعه؛ ک پس از بیت ۲۹۴۰ افزوده است:

خردمند چون این سخن بشنود
 بداند که کس با سر تاجدار

۱۶- (لی، ل، ب: بدو)؛ ک پس از این بیت افزوده است:

همی‌داشت زن را چو یک تازه‌سیب
 همی‌جست راه شه خسروان

۱۷-ل: نشست سیاه (ل)؛ (ق: ل، آ: شکسته سپاه) ۱۸-س، س، آ (نیز لن، ب): گوان راهمی‌داشتی در پناه؛ متن = ل: بنداری: واجتمعوا و صاروا یدا واحده فاعظم خطبهم علی برویز. و کان کلما أنهض الیهم عسکرا کسروه و نهبوه، حتی أعجزوه ۱۹- (لی: بدین) ۲۰-ک: هشت ماه؛ ق: این بیت را ندارد ۲۱-ک: برآشت ۲۲- (لی: گودرز و!)؛ ق: این بیت را ندارد

بر آنم^۲ که او بودشان رای زن
 همه^۴ فاش گشت^۵ آنچه^۶ بودی^۷ نهان
 ز دیدار^۹ چشم^{۱۰} یلان خیره^{۱۱} گشت
 ز بیگانه ایوان بپرداختند^{۱۴}
 همی گفت خسرو ز هر^{۱۶} بیش و کم
 به آمل فرستادهام کینه خواه،
 پر از^{۲۰} ناله و با^{۲۱} گداز^{۲۲} آمدند
 که آن^{۲۳} رای با^{۲۴} تاج و تخت^{۲۵} اندکیست:
 همیشه بُدی گردیده نیک خواه^{۲۶}،
 -مگوی^{۲۷} این سَخُن بر سر انجمن!-،
 -چو جویی^{۲۹} پر از می به باغ^{۳۰} بهشت!-،
 به هر جای و هر کار^{۳۳} یاری کنم^{۳۲}!
 زبان بر^{۳۶} دلم هیچ نگشاد راز!
 که گردوی ما را بجای^{۳۸} تن ست!
 کزان کم شود^{۴۰} زشت پتیاره بی،

۲۹۴۵ سوی او شدند آن^۱ بزرگانجمن
 از^۳ آمل کس آمد ز کاراگهان
 همی گفت ازین^۸ گونه تا تیره گشت
 چو سازندگان^{۱۲} شمع و می ساختند^{۱۳}
 نشستند^{۱۵} گردوی و خسرو بهم
 ۲۹۵۰ بدو گفت: از^{۱۷} ایدر فراوان سپاه
 همه خسته و بسته^{۱۸} باز^{۱۹} آمدند
 کنون اندرین، رای ما را یکیست
 چو بهرام چوبینه گم کرد راه
 کنون چاره بی هست نزدیک من
 ۲۹۵۵ سوی گردیده نامه باید نبشت^{۲۸}
 که با^{۳۱} تو همی دوستداری کنم^{۳۲}!
 برآمد برین^{۳۴} روزگاری^{۳۵} دراز
 کنون روزگار^{۳۷} سَخُن گفتن ست
 نگر تا چگونه کنی^{۳۹} چاره بی

۱-س، ک، ل، ۲ (نیز، لن، لی، ب): این؛ متن = ل، ق، س، ۲ (نیز ق، ل، ۲، ۳، ۴) -ک: بدانم ۳-س-س-۲ (نیز لن-پ، لن، ۲، آ، ب): ز؛ متن = ل (نیز و)
 ۴-ق: (همی) ۵-ل: کرد؛ (لی: گفت؛ ل: شد)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۶-س، ک، س، ۲ (نیز لن): آنک؛ ل، ۲ (نیز لی، و، آ، ب): آنچه؛
 (پ، لن، ۲: آنکه)؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، ۲، ۳) -۷-ق: (ب: در) ۸-ل: زین؛ (و: از آن)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹-س، ق، ل، ۲، ۳
 (نیز لن-ل، و، ب): گفتار؛ متن = ک (نیز پ) ۱۰-ل (ل: گوش) ۱۱-ب (ب: تیره) ۱۲-ل (ل: شاردنگان) ۱۳-س، ل، ۲ (نیز لن، ق، ل، ۲، لی، پ، ب):
 خواستند؛ ک: شمع می ساختند؛ (آ: شمع بر ساختند)؛ متن = ق، س، ۲ (نیز ل، و، لن) ۱۴-ق: خسرو بیاراستند؛ ل (نیز پ): همه کاخ او
 رایباراستند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل، ق، آ، پ پس از این بیت افزوده اند:

ز بیگانه مردم بپردخت جای (ل: جا)
 نشست از بر تخت بارهنمای (ل: رهنما)

این بیت در دوازده دستنویس دیگر نیست ۱۵-ل (نیز ق، آ، پ): همان نیز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-ق (نیز لن، ۲): هر کس ز
 هر؛ ق: (هر گونه از)؛ ل: همی رفت از گردیه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-س، ل (نیز لن، لی): ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ل،
 س آ: کشته (بگشته؟)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹-ل (ب): ۲۰-ق: (آ: ابا) ۲۱-س، ک، ل، ۲، ۳ (نیز لن، لی): بر؛ (و: ب: پر)؛ متن = ل،
 ق (نیز ق، ل، ۲، آ، ب) ۲۲-ل (ب: تعب) ۲۳-ل: که از؛ ل، ۲ (نیز لن، لی، لن، ۲، آ): که این؛ ق: کران؛ گران؟ گران؛ پ: کزان؛ متن = س، ق، س، ۲ (نیز
 ل، ۲، ب) ۲۴-ل: ما؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵-ک: که رای بی بزرگست و هم؛ (و: که آن رای زن با سپاه) ۲۶-بنداری (۲۹۴۳-۲۹۵۳):
 فالتجأ إلى الحيلة و خلا بگردویه آخی بهرام و قال: إن کسهم قد تقوی بأختک (۲۹۴۴، ۲۹۴۵، ۲۹۴۸) ۲۷-ل (نیز ل، ۲، ب): مگو؛
 متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-س، ل، س، ق، ل، ۲، ۳ (نیز لن، ل، و، ب): نوشت؛ متن = ک (نیز ق، آ، لی، ب) ۲۹-ل (نیز آ): جوی؛ متن =
 یازده دستنویس دیگر ۳۰-ل (ل: چو جامی پر از می به پاسخ؛ و: ز خوبی بکردار باغ) ۳۱-ک، ل، ۲، ۳ (نیز لن، ق، ل، لی، و، لن، ۲، ب): تا؛
 درل، س بی نقطه؛ (ل: بگر)؛ متن = ق (نیز آ) ۳۲-س، ک، ل، ۲ (نیز لن-ل، ۲، ب): کنی؛ س: همی؛ متن = ل، ق (نیز آ) ۳۳-ل: جای هر کار؛ س،
 ک، س، ۲ (نیز لن-ل، ۲، ب): کار هر جای؛ ق: کار و هر جای؛ متن = ل، ۲ (نیز آ) ۳۴-ل (ب: بدین)؛ ق: برین بر بسی ۳۵-ل (نیز روزگار) ۳۶-س
 (نیز ل، ۲، و، ب: از)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۷-ل (ل: روز روز) ۳۸-ل (و: چو جان و) ۳۹-ق (نیز آ): تا چه جویی (آ: بینی) کنون
 ۴۰-ل: کنی؛ متن = س-ب

دل و^۳ خانه‌ی ما به^۴ چنگ آوری،
همان در جهان نیکخواه ترا،
به هر جای هرگز نباشند^۵ خوار،
که گردد بدان^۸ کشوراندر سری،
سر آورده باشی همه کین ما^{۱۰}،
فزایم برین^{۱۳} بندها بند نیز^{۱۴}،
مبادا ز من^{۱۶} شاد پیوند من!

چو ناهید^{۱۹} در برج خوشه بدی^{۱۸}!
بر و بوم^{۲۱} آباد و پیوند^{۲۲} خویش،
-گر این^{۲۴} چیزها ارجمندست نیز!-،
درخشان^{۲۸} کنم رای^{۲۹} تاریک اوی^{۲۷}،
همان^{۳۲} خطّ او چون درخشنده ماه،
کنم دور ازین^{۳۴} در^{۳۵} بداندیش را،
-بویژه زنی کو بود رای زن!-

۲۹۶۰ که^۱ گسستم را زیر سنگ^۲ آوری
چو این کرده باشی سپاه ترا
[بزدیک منشان بود زینهار
کسی^۶ را که خواهی^۷، دهم کشوری
تو آبی^۹ به مُشکوی زَرین ما^{۱۰}
۲۹۶۵ برین^{۱۱} بر خورم سخت^{۱۲} سوگند نیز
اگر پیچم این دل ز سوگند^{۱۵} من

بدو گفت گردوی: انوشه^{۱۷} بدی^{۱۸}!
تو دانی که من جان و فرزند^{۲۰} خویش
به جای^{۲۳} سر تو ندارم به چیز
۲۹۷۰ بدین^{۲۵}، کس فرستم بزدیک^{۲۶} اوی^{۲۷}
یکی رُقعهِ^{۳۰} خواهم، برو^{۳۱} مَهر شاه
بخوام^{۳۳} فرستم زن خویش را
که چونین سَخُن نیست جز کار زن

۱- (ق: ۲) چو: ۲- (ن: ۲) چنگ: ۳- (ن: ۳) بدان: ۴- (ن: ۲) زیر: ۵- (ق: ۲) و: جان ما را به: ۵- ل: نباشید: ۶- ن: نگر دند: ۷- ل: ق: پ: آ این بیت
را ندارند: ۸- ل: مران: متن = س- ب- ۷- س (نیز ن: آ، ب): خواهم: (و: خواهد): متن = ده دستنویس دیگر: ۸- ل: بگردد بران: متن =
س- ب- ۹- (و: بیایی): ۱۰- ل: ق: من: متن = سیزده دستنویس دیگر: ۱۱- ق (نیز ل: ب): بدین: ۱۲- س- س- ۲- س (نیز ن: پ): چند: متن = ل
۱۳- (ل: و: آ: بدین): ۱۴- س: چند چیز: (و: ن: آ: بند نیز: ن: پندها بند چیز: آ: پندها بند نیز: ب: پندها بند نیز): متن = ل، ق- س: ۲- (نیز
ق: ۲- پ): ۱۵- س، س- ۲- (نیز ن: ل، ل: و: ن: ۲، ب): اگر سر پیچم (ب: بیچد) ز فرزند (س: سوگند): متن = ل، ق، ک، ل: ۲- (نیز ق: ۲، پ، آ)
۱۶- ل (نیز و): ازین: متن = سیزده دستنویس دیگر: بنداری (۲۹۵۴-۲۹۶۶): و این آرید آن تکب الیها کتابا فی السر و تسألها أن تحال فی
اغتیاله علی اُنّی مهما فعلت ذلك تزوجت بها، ولم أعرّض لها ولمن معها: ۱۷- ل، ق (نیز ق: ۲، ل، آ، ب): انوشه: ل: انوشه (!): ک: گردو
انوشه: متن = س، س: ۲- (نیز ن: ل، ل: پ، و: ن: ۲): ۱۸- (ل: بزی): ۱۹- س: ۲- (نیز ن: آ): خورشید: متن = سیزده دستنویس دیگر: ۲۰- (ق: ۲):
پیوند: ۲۱- ل: بر بوم: ۲۲- (ق: ۲) فرزند: ل: ۲- (نیز و): آباد پیوند: ۲۳- (و: برای): ۲۴- ق (نیز آ): گر آن: (ل: کران: ل: ۳: بران: پ: که این): متن =
ده دستنویس دیگر: ۲۵- س، ل: ۲- (نیز ن: ق: ۲، پ: ب): برین: متن = ل، ک، س: ۲- (نیز ل، ل: ۳، و: ن: ۲): ۲۶- (ب: فرستم): ۲۷- ل، س (نیز ق: ۲، ل، ل،
ل: آ، و: آ، ب): او: متن = ک، ل، س: ۲- (نیز ن: ل، پ، ن: ۲): ۲۸- ل: درفشان: متن = س- ب- ۲۹- ل، ک، س: ۲- (نیز ق: ۲، پ، آ): جان: متن = س، ل: ۲- (نیز ن: ل،
ل، ل: ۳، و: ب): ق: این بیت را ندارد: ن: ۲ پس از این بیت افزوده است:

بگویم که از رای او برمگرد
چو گردی شود بخت راروی زرد (۱۹۸۸)

۳۰- س (نیز ق: ۲، ل: ۳): نامه: متن = ده دستنویس دیگر: ۳۱- (ل: ل: بدو): ۳۲- (آ: همو): ق: این بیت را ندارد: س: بیت‌های ۲۹۷۱-۱۹۸۷ را
ندارد (۲۹۸۸ را بجای ۲۹۷۰ گرفته و بیت‌های میانه را انداخته است) ۳۳- س: بخواش: ق: بخوانم: ک، ل: ۲- (نیز ن: ق: ۲، ل: ۳، و: ن: ۲): آ: ب: خواهر: متن = ل (نیز ل، پ، ب) ۳۴- ل: زین: متن = سیزده دستنویس دیگر: ۳۵- ل: آ: بد: متن = دوازده دستنویس دیگر

برین^۱ نیز هر چون^۲ همی بنگرم^۳ پیام تو باید^۴ بر^۵ خواهرم،
 ۲۹۷۵ برآید^۶ به کام^۷ تو این^۸ کار زود برین^۹ بیش و کم بر^{۱۰} نباید فرودا

گفتار اندر نامه‌ی خسرو به گردیه و کشتن گسته‌م را^{۱۱}

چو بشنید خسرو، بدان^{۱۲} شاد گشت^{۱۳} همه رنج‌ها بر دلش باد گشت^{۱۴} ز مُشک سیه سوده^{۱۵} آنقاس^{۱۶} خواست،
 یکی نامه بنیشت^{۱۷} چون بوستان پر از عهد و پیوند^{۱۸} و سوگندها^{۱۹} ۲۹۸۰ چو برگشت عنوان آن^{۲۰} نامه خشک
 نگینی^{۲۱} برو^{۲۲} نام^{۲۳} پرویز^{۲۴} شاه یکی نامه بنیشت^{۲۵} گردوی نیز
 سر نامه گفت^{۲۶} آنک^{۲۷} بهرام کرد که بخشایش آراد^{۲۸} یزدان بر او^{۲۹}!
 ۲۹۸۵ هر آنکس که جانش ندارد^{۳۰} خرد^{۳۱} کم و بیشی^{۳۲} کارها ننگرد^{۳۳}!

- ۱-ق (نیز ق: ۲، لی: ۱)؛ بدین؛ (ل: ۲، بدان)؛ متن = ل، س، ل (نیز ل، پ، ن، ۲، ب) - ۲- (ن، ل، ۲، ب: همچون)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ق: ۲، پ، ۱)؛
 ۳-ق: که می بنگرم؛ (ن: همی بگذرم)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴-ق (نیز لی: بیامی بیاید؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-ق: آ: شوی؛ ل: سوی)؛ ک، و این بیت را ندارند ۶-ل: بیاید ۷- (و: به بخت) ۸-ق (نیز آ: بر ۹- (لی: بدین؛ ل: برو؛ ن: ازین) ۱۰-س، ل (نیز ل، ن، لی، پ، ن، ۲)؛ کمتر؛ ک: کتس؛ متن = ل، ق (نیز ق: ۲، ل، ۳، و، ۱، ب)؛ بنداری (۲۹۶۷-۲۹۷۵)؛ فقال کردویه: لا بد من مکتوب بخط الملك مشتمل علی هذا المعنی حتی آفنده الیها، وأعرضها علی قتل زوجها ۱۱-ل: نامه خسرو به گردیه و کشتن گسته‌م را؛ س: نامه فرستادن خسرو بنزد کردویه خواهر بهرام؛ ق: نامه خسرو به گردیه و رفتن زن گردوی جهت غدر با گسته‌م؛ ل: نامه خسرو بنزد یک گردیه؛ متن = ل ۱۲-ل: بران؛ (لی: از آن؛ ب: بدو)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳-ل (نیز ل: ۳)؛ شد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-س، ق، ک، ل (نیز ل، ن، و، ب)؛ کرده؛ متن = ل (نیز ق: ۲، ل، ۳، پ) ۱۵-در، ل، س، ق، ۲، و، ب حرف دوم با یک نقطه یا بی نقطه؛ لی این بیت را ندارد ۱۶-ل-ل (نیز ل، ن-ل، ۳، و، ب)؛ بنوشت؛ متن = (پ) ۱۷-ق (همان) ۱۸-س، ل (نیز ل، ن، لی، پ، ب)؛ پیمان؛ متن = ل (نیز ق: ۲، ل، ۳) ۱۹-ق: سوگند و پیمان‌ها (ل) ۲۰- (ن: آن؛ ل: او) ۲۱-ل، س، ق، ل (نیز ل، ن، و)؛ بندها؛ متن = (ن، ۲، ب)؛ ک این بیت را ندارد ۲۲-ل (ل: این) ۲۳-ل: پر؛ ک: بر و بر نهادند مهری ۲۴-ق (بگیتی) ۲۵- (لی: بدو)؛ ق: نیشته بران؛ (آ: نیشته برو) ۲۶- (آ: مهر) ۲۷-ل: پروین (ل) ۲۸-ق: نهاده ابر؛ (آ: نهاده برو)؛ بنداری (۲۹۷۶-۲۹۸۱)؛ فکتب له الملك خطه بذلک ۲۹-ل-ل (نیز ل، ن، ۳، و، ب)؛ بنوشت؛ متن = (پ) ۳۰-ل (ن: ۳)؛ نهاده ۳۱-ل، ک: بند؛ س، ق (نیز ل، ن-ل، ۳)؛ بندو؛ (و: اندر از پند)؛ متن = ل (نیز ل، ن، ۲، ب)؛ ک پس از این بیت افزوده است:

یکی نامه بنیشت زی خواهرش به فرمان خسرو که بد درخورش
 چنین گفت کز رای شه برمگرد چو گردی شود بخت راروی زرد (ه- ۲۹۸۸)

- ۳۲-ک (نیز لی): سراسر بگفت ۳۳-س، ق (نیز ل، ن، ق: ۲)؛ آنچه؛ ک، ل (نیز لی-ب)؛ آنچه؛ متن = ل ۳۴-س: رارام؛ (ب: بدرام)؛ ق: همه دوده و نام (ل)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۵-س: آورد؛ ل: آزاد (ل)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۶- (لی: بدوی) ۳۷-ک، ل: مبادش پشیمانی؛ (ن، پ، ن: آ: مبادش پشیمان؛ ق: پشیمان مبادا)؛ متن = ل، س، ق (نیز لی، ل، ۳، و، آ، ب) ۳۸- (آ: این) ۳۹-ل، ق (نیز لی، ب): گفت گوی؛ (و: گفت و گو) ۴۰-ل: بدارد؛ (ل: که با جانش باشد) ۴۱- (ن: آ: رایش به نیکی برد) ۴۲-ق: کم و بیش هر؛ ل: کم و بیش (در) ۴۳-ل (نیز ل، ۲، ن، ۲، ب)؛ بنگرد

به داد خدای جهان بگرویم!
درخشان^۲ کند رای^۳ تاریک^۴ تو!
چو گردی^۵، شود بخت رای^۶ روی زرد!

گر او رفت^۱، ما از پس او رویم
چو جفت من آید بنزدیک تو
ز گفتار او هیچ گونه مگرد^۵

بپیچید بر نامه بر^۸ پرنیان،
شنید آن سَخْن‌های خودکامه را،
-فرستاده زن بود نزدیک زن^{۱۰}-
همان^{۱۲} رخ پر از بوی و رنگ^{۱۳} و نگار!
همی آب مژگان برافشانند،
نهانی بدو داد و بنمود راه!
تو گفתי به روی زمین ماه دید^{۱۶}!
ندارد کسی کهش بود یار^{۱۸} پنج!
نهان داشت زان^{۲۱} نامدارانجمن
گرفت آن زمان دست ایشان^{۲۲} به دست
به نزدیکی خوابگه^{۲۴} برنشاند^{۲۵}
لب شوی بگرفت ناگه^{۲۸} به مشت،
به بالین آن^{۳۲} نامدار آمدند،

نهاد آن خط خسرو اندر میان
زن چاره‌گر بستد آن^۹ نامه را
همی تاخت تا پیشی نارون
ازو گردید شد چو^{۱۱} خرم بهار
ز بهرام چندی^{۱۴} سَخْن راندند
پس آن نامه‌ی شوی^{۱۵} با خط شاه
۲۹۹۵ چو آن شیرزن نامه‌ی شاه دید
بخندید و گفت: این^{۱۷} سَخْن را به رنج
بخواند آن^{۱۹} خط شاه بر پنج تن^{۲۰}
چو بگشاد لب، زود پیمان بیست
همان پنج تن^{۲۳} را بر خویش خواند
۳۰۰۰ چو شب تیره شد^{۲۶}، روشنایی بکشت^{۲۷}
ازین^{۲۹} مردمان^{۳۰} نیز یار^{۳۱} آمدند

- ۱-ق (نیز ل^۳، و، آ): که (ق: ۲) چو) او رفت و متن = ل، س، ک، (نیز لن، ق، آ، ی، پ، ن، ب، ل: ۲)؛ ل^۲ این بیت را ندارد ۲-ق (۲: درفشان) ۳-ل، ق (نیز ق: ۲، ل: ۳، آ): جان؛ متن = س، ل، ۲ (نیز لن، ی، پ، ن، ب، آ) ۴- (ی: باریک)؛ ک، و این بیت را ندارند ۵-س: بگویم که از رای او برمگرد ۶-ن: آ (وگر نه) ۷-ق (۲: مر ترا؛ ب: بخت ما)؛ ک، ل، ۲، و این بیت را ندارند ۸-س (نیز لی، آ): نامه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری (۲۹۸۲-۲۹۸۹): فاخذہ کردویہ و جعلہ فی طی کتابہ (= ۲۹۸۹) ۹-ق (۲: گرفت آن زن چاره گر)؛ بنداری: و أعطاه لأخت له ۱۰-ل: ۳ (نیز ل: ۳)؛ س: رفت نزدیک زن؛ ل: فرستاده زن بود نیک زن؛ ق (نیز لی): فرستاده‌ای بود (ی: رفت) نزدیک زن؛ (و: فرستاده آمد بنزدیک زن)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱-ک: ز گردید شد همچو ۱۲-س: س (نیز لن، ی، ل، و، ب): همه؛ متن = ل (نیز ق: ۲، پ) ۱۳-ل: بوی رنگ؛ ق، ک (نیز ل: ۳، ن، ب، آ): رنگ و بوی؛ متن = س، ل، ۲، س (نیز لن، ق، آ، ی، پ، و، آ): و نفضا الیه لتخضعها، فسارت و می نظهر آنها تروح الیها لتعزیها عن بهرام و تجذد عہدہا بها ۱۴- (پ، ن، ب، جندین)؛ بنداری: فلما وصلت الیها فاتحتها بحديث بهرام و حادثه و بکت ساعة ۱۵-س (نیز و، ن، آ): نامه را زود؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: ثم انھا خلعت بها و أعطتها کتاب أخیها ۱۶-ن، ب این بیت را ندارند ۱۷-ل: ۲، آن ۱۸-ق: بخت؛ بنداری: فلما قرأته و قرأت کتاب الملک انخذعت و أخذت فی التذبر و التفکر ۱۹-ق (۲: بخوان این) ۲۰-ق (۲: زن) ۲۱-س، ق، ل، آ: از آن؛ ک (نیز ل: ۳، و، آ): از؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، آ، ی، پ، ن، ب، و، ل: ۲)؛ در لی این بیت پس از بیت ۲۹۹۹ آمده است ۲۲-ل: او را؛ متن = س، ب؛ بنداری: فأطلعت خمسة أنفس من أصحابها علی ذلک السر؛ س: آ پس از این بیت افزوده‌اند: چو گستم باز آمد از بزمگاه شده مست (آ: مست و) تیره شبان سیاه ۲۳-ق (۲: زن) ۲۴-ق (۲: جایگه) ۲۵-س، ق، ک، ی، ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۳، پ، ب، و، ل: ۲)؛ درنشاند؛ متن = ل، ل (نیز لن، ی، و، ن، آ، آ): ق، ک در اینجا سرنویس دارند: کشتن گردید گستم را (ق: به اشارت خسرو پرویز و پاسخ نامه خسرو از گردید و آمدن گردید نزد شاه) ۲۶- (آ: شب تیره بد) ۲۷- (ی: گرفت) ۲۸-ق (۲: آنگه) ۲۹-ل: ۲؛ همان؛ ق (۲: ل: ۳، ن، آ: از آن؛ ج: خوان)؛ متن = ۳۰-ق: همان پنج تن؛ متن = ل، س، ک، س (نیز لن، ی، پ) ۳۱- (ی: باز!) ۳۲-ق (نیز لن، ق: بنزدیک آن؛ آ: بنزدیکی)

سرانجام گویازبانش^۲ بیست!
شب و روز روشن به جویا^۳ سپرد!
به هر برزنی آتش و باد^۵ خاست!
به خفتان رومی ببوشید تن،
سَخُن‌های آن کُشته^۷ چندی براند،
دِلیری و تندی بیفروشان^۸!
بران^{۱۱} نامه بر گوهر افشاندند^{۱۱}!

بکشید بسیار با^۱ مرد مست
سپهد به تاریکی اندر بمرد
به شهر اندرون بانگ و فریاد^۴ خاست!
۳۰۰۵ چو آواز بشنید ناباکزن^۶
شب تیره ایرانیان را بخواند
پس آن نامه‌ی شاه بنمودشان
همه^۹ سرکشان آفرین خواندند

گفتار اندر نامه‌ی گردیه به خسرو^{۱۲}

به آرام بنشست با رایزن^{۱۵}
ز بدخواه و از مردم^{۱۷} نیک‌خواه
بر آن^{۱۸} کس که او^{۱۹} کینه از دل بنشست

دویت^{۱۳} و قلم خواست ناباکزن^{۱۴}
۳۰۱۰ یکی نامه بنیشت^{۱۶} نزدیک شاه
سر نامه کرد آفرین از نخست

۱-س، س^۲ (نیز ق ۱، ۲): تا؛ (و، ل، ن^۲ بی نقطه؛ ل: ۳، آن): متن = ل، ق، ک، ل^۲ (نیز ل، ن، ل، پ، ب). ۲- (ن: زفانش؛ ق: ۲، زبان را)؛ ل: لب با زبانش؛ متن = س-س^۲ (نیز ل، پ). ۳- ل، س، ق (نیز ل: ۳): به خسرو؛ (ل: کسان را؛ آ: بخویان؛ ق: ۲، همان جان شیرین به خسرو)؛ متن = ک، ل، ۲، س^۲ (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن، آ، ب)؛ بنداری: ثم، اینها صادقت کستهم لیلۃ سکران فقتله خنقا؛ ک پس از بیت ۳۰۰۳ افزوده است:

یکی داستان یادم آمد شگفت	برین کار اندیشه باید گرفت
زن آن به که در خاک پنهان بود	کزو فتنه اندر دو کیهان بود
مشو هیچ گونه تو در کار زن	وزو داستان تا توانی مزین
بهین زنان بود کین کار کرد	ز گسته نامی برآورد گرد
ولیکن ورا خون هرمز گرفت	شگفتی بمان ای پسر در شگفت
کشنده کشیدش به فرجام کار	نخبدهمی خون خود برگمار
مکن نیز فرمان زن تا توان	اگر تن به کار آیدت یا روان
همیشه ز زن باش پرهیزکار	چو خواهی که نیکت بود روزگار

۴- ل (نیز ۱): بانگ فراید؛ س (نیز ل): آتش و باد؛ متن = ده = دستنویس دیگر ۵- س، س^۲ (نیز ل): بانگ و فریاد؛ (و: نالۃ داد)؛ متن = ده = دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد و در آلت‌های آن پس و پیش شده‌اند ع: ک: آن پاک‌زن؛ ل: ۲ (نیز ل، آ، و، ل، ن، ۱): ناباکزن؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز ل، ن، ل، پ، و، ل، ن، آ، ب). ۷- (ق: رفته)؛ ک پس از این بیت افزوده است:

بسی شمع و مشعل برافروختند
به هر گوشه آتش همی سوختند

۸- ک: برافروزدشان ۹- (ل: ۳، سر) ۱۰- (ل: ل، پ، ب، د، ن): آفرین خواندند (ل)؛ ق: نامه گوهر برافشاندند ۱۲- ل: نامه گردیه به خسرو؛ ک: نامه گردویه پیش خسرو به مرگ گسته؛ ل: پاسخ نامه خسرو از گردیه؛ س، ق، س^۲ سرنویس ندارد؛ متن = ل ۱۳- ل، س، ق (نیز ق ۲، ل، پ، و، ل، ن، آ)؛ دوات؛ متن = ک، ل، ۲، س^۲ (نیز ل، ن، ل، آ، ب) ۱۴- ل (نیز ق ۲، ل، پ، آ): از (ق: ۲، تا؛ پ: با) رایزن؛ ق: بی‌باک‌زن؛ ل: ۲، باپاک‌زن؛ (ل: ۳، آ: ناباک‌زن)؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز ل، ن، ل، و، ل، ن، آ، ب؛ در ل، ن، ل، و، حرف سوم بی نقطه) ۱۵- ل (نیز پ): ز هر گونه انداخت با رایزن (پ: از حیلۃ زن)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶- ل، س^۲ (نیز ل، ن، آ، ب): بنوشت؛ (و، ل، ن، آ: نامه‌ای کرد)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۷- ق: و ز کهتر؛ ل: برآمد به کام دل؛ متن = دوازده دستنویس دیگر (س^۲ ل، ن، و، ل، ن، آ، و، ز)؛ پ این بیت را ندارد ۱۸- ک (نیز ل): بدان ۱۹- ق، ل: وی؛ س، ل، ن، و، ل، ن، آ، ب این بیت را ندارد

برآمد به کام دل نیک‌خواه!
به بخت جهاندارشاه بزرگ!^۲
چه آویزی از گوشوار رهی!^۳

از آن زن وُرا شادی نو رسید!^۴
بلندآختر و^{۱۰} پاک و روشن‌روان^{۱۱}
نیشتنند^{۱۳} و کردند چند آفرین
به نامه وُرا افسرِ ماه خواند
سَخُن‌های خسرو همه^{۱۵} یاد کرد
چو رخشنده‌گل شد به وقت بهار!^{۱۸}
چو شد روز روشن، بنه برنهاد
سپاهی پذیره شدندش به راه^{۲۱}
دل تاجور زو بی‌آزار^{۲۲} یافت
هر آنکس^{۲۴} که بودند با او سران
یکایک به گنجور او^{۲۶} برشمرد

دگر گفت: کاری که فرمود^۱ شاه
پراگنده گشت آن سپاه سترگ^۲
ازین^۳ پس کنون^۴ تا چه فرمان دهی

۳۰۱۵ چو آن نامه نزدیک^۶ خسرو رسید^۷
فرستاده‌یی خواست شیرین‌زبان^۹
یکی نامه برسان ارتنگی^{۱۲} چین
گرانمایه‌زن^{۱۴} را به درگاه خواند
فرستاده آمد بر زن چو گرد
۳۰۲۰ زنِ شیر^{۱۶} از آن^{۱۷} نامهی شهریار
سپه را به در خواند^{۱۹} و روزی بداد
چو آمد به نزدیکی شهر شاه^{۲۰}
ز ره چون به درگاه شد، بار یافت
بیاورد با او نثاری^{۲۳} گران
۳۰۲۵ همان^{۲۵} گنج و آن خواسته پیش برد

۱-ق. ل. ۲: بدو گفت آری که فرمان: ک: که گفتارهایی که فرمود: متن = ل. س. ۲ (نیز ق ۲-ب. ۱): س. لن. و. لن ۲. ب این بیت را ندارند
۲-س. ل ۲ (نیز ق ۲. لی. ل. ۳. ن. ۲): بزرگ-سترگ؛ س: سترگ-سترگ (!)؛ متن = ل (نیز لن. ب. و. آ. ب) ۳-ل ۲: از آن ۴-س. ۲: دگر؛ (ب: نیشتم کنون) ۵- (مهی؛ لن ۲: و تا چه پیمان دهی)؛ و این بیت را ندارند؛ بنادری (۳۰۱۴.۳۰۰۴): و لما أصبح شاع الخبر و جاش الخلق فأظهرت كتاب الملك فسكنت فورتهم و خدمت جمرتهم (ق ۲: چو نامه بنزدیک)؛ متن = ۷-ل: چو آمد فرستاده و در رسید؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-ل: بر خسرو آمد چنان چون سزید؛ متن = چهارده دستنویس دیگر (ق. پ: شادی)؛ در و این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۹-ل: سخن؛ (لن: زفان)؛ س ۲ (نیز لن ۲): روشن‌روان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰- (ق ۲: شاد و؛ لن: بلندآختری پاک)؛ متن = ۱۱-س ۲ (نیز لن ۲): شیرین‌زبان؛ ل: که داند همه داستان کهن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲-ق. ل. ۲: ارزنگ؛ ک (نیز ب): ارزنگ؛ (لن: آژنگ؛ لی: آ: ارزنگ)؛ متن = ل. س. س. ۲ (نیز ق ۲. ل. ۳. لن. ۲. ب)؛ در س حرف سوم، در س ۲. ل ۳ حرف چهارم، در ب حرفهای سوم و چهارم بی نقطه) ۱۳-ل. ق (نیز لن ۲. ب): نوشتند؛ ک (نیز ل ۲): بیستند؛ متن = س. ل. ۲. س ۲ (نیز لن. ق. لی. پ. ۱)؛ و این بیت را ندارد ۱۴- (و: گرانمایگان) ۱۵-ل: بدو؛ متن = س. ب ۱۶- (و: پیرا) ۱۷-ل: که: زان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸-ق: سپاهی پذیره شدش بی‌شمار (= ۳۰۲۲)؛ (و: درخشنده چون گل [شد] اندر بهار)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ وقت ده‌گاه؛ س: در اینجا سرنویس دارد: آمدن گردیه به ایران زمین بنزدیک خسرو ۱۹-ل: بخواندند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارند؛ بنادری (۳۰۲۱.۳۰۱۵): ثم إنهما کتابت الملك بما جرى فأتاهما الجواب يستقدما ويستجلبها ۲۰-ل. س. ک (نیز ق ۲. ب. ۱): شهریار؛ متن = ل ۲. س ۲ (نیز لن. لی. ل. ۳. ب) ۲۱-س: سوار؛ ل (نیز پ. ۱): شدش بی‌شمار؛ ل ۲: شدش پس براه؛ ک: چو رخشنده گل شد بوقت بهار (= ۳۰۲۰)؛ (ق ۲: پذیره شدش لشکری بی‌شمار؛ و: پذیره شدندش صغار و کبار؛ و: پذیره شدندش سران سوار)؛ متن = س ۲ (نیز لن. لی. ل. ۳. ب)؛ ق این بیت را ندارند؛ در پ بیت‌های ۳۰۲۲ و ۳۰۲۳ پس از بیت ۳۰۲۵ آمده است؛ بنادری: فقدمت علیه فأعظم الملك مقدمها و أركب جميع الأكابر لاستقبالها ۲۲-ل: پر ز تیمار؛ س. ل ۲ (نیز لن. لی. پ. و. ب): زابی آزار؛ متن = ق. ک. س ۲ (نیز ق ۲. ل. ۲. لن. ۲. ب)؛ س. ک. س ۲ (نیز لن. لی. ل. ۳. ب)؛ از آن نثاری؛ ق. ل ۲: از آن پس سپاه؛ (ق ۲: زان پس سپاهی؛ آ: از آن پس سپاهی)؛ متن = ل ۲. ل ۲ (نیز لن. لی. ب): همانکس؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵-س ۲ (نیز لن. لی. ل. ۳. ب): همه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶- (ق ۲. ل ۲: شه)

کس آنرا ندانست کردن شمار!
 همان^۲ تخت زرین و زرین سپر
 به رخ چون بهار و به رفتن تذرو!^۳
 همی در بارد تو^۷ گفتی^۸ ز لبا
 ز هر کس فزون شد^۹ ورا پایگاه!
 همان نزد^{۱۰} دستور فریادرس،
 بپذرفت و^{۱۳} با جان همی داشت راست!
 درم داد و دینار و هر گونه^{۱۴} چیزا

ز دینار و از^۱ گوهر شاهوار
 ز دیبای زربفت و تاج و کمر
 نگه کرد خسرو بدان^۴ زادسرو
 به رخساره روز و به^۵ گیسو چو شب
 ۳۰۳۰ ورا در شبستان فرستاد شاه
 فرستاد نزد برادرش کس
 بر^{۱۱} آیین آن دین مر^{۱۲} او را بخواست
 به بارانش بر خلعت افگند نیز

به خورشید^{۱۵} و ماه و به تخت و کلاه،
 ببندی چنان هم کمر بر^{۱۹} میان!
 روان را به دیدار توشه بدی^{۲۰}!
 کمان و کمند^{۲۲} و کمین^{۲۳} آوردند،
 یکی ترکش آگنده^{۲۴} تیر خدنگ

دو هفته برآمد، بدو گفت شاه
 ۳۰۳۵ که برگویی^{۱۶} آن^{۱۷} رزم^{۱۸} خاقانیان
 بدو گفت: شاها انوشه بدی^{۲۰}!
 بفرمای^{۲۱} تا اسپ و زین آورند
 همان نیزه و خود و خفتان جنگ

۱-ل، ق، س، ۲ (نیز لن، و، لن، آ، ت): و؛ متن = س، ک، ل، ۲ (نیز ق، ۲-پ، ب) ۲- (آ: همه)؛ بنداری ۲۳-۳۰۲۷-۳۰ را ندارد ۳-ل (نیز پ): بران؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴- (و: به بالا چو غرو) ه، س، ل، ۲ (نیز لن، ی، ب): چون روز و (ی: حو)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶-ق (آ: زلفین چو؛ پ: زلفین) ۷- (و: حو)؛ ک: بارید؛ ل (آ: بارید)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۸-ل: گویی؛ متن = س، ب ۹-ق (آ: فزون تر) ۱۰- (پ: مرد)؛ ق در اینجا سرنویس دارد: زن کردن خسرو گردیه را و هنر نمودن او نزد خسرو ۱۱-ق (نیز ی): به؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲- (لن: دینش مر؛ ق: ۲: زردشت؛ ی: دیشان مر)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳-س، ق، ل، ۲ (نیز لن، ی، و، آ، ب): پذیرفت و؛ ک: بپذرفت؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۳، ب، لن، آ)؛ بنداری (۲۸-۳۰۳۲-۳۰): فلما راها الملک دهش لما رأی من جمالها و کمالها فخطبها إلى أخیها و جرى بینهما عقد النکاح، علی رسمهم و آیینهم؛ ک پس از بیت ۳۰۳۲ افزوده است:

چو دیدش همان میوه نازده بود بدو هیچ کس دست ناکرده بود
 بدانست کان پاک تن گوهریست به مردی چو شیر و به خوبی پرست

۱۴-س، ق (نیز ق، ۲، ی): و؛ و بسیار؛ ل: و از هر گونه (!)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: فخلع الملک علی جمیع أصحابها، و أکرهم بالخدم الوافرة و الهدایا الکثیرة؛ ک پس از بیت ۳۰۳۳ افزوده است:

پرستار و زیور و گاه و کلاه (ل) ورا داد چندانک شد خیره ماه
 ۱۵-ک: خرشید؛ ق آ پس از این بیت افزوده است:

که با ترک چون بود پیکار و جنگ چگونه گشادی به میدانش چنگ

۱۶-س، ک، ل، ۲ (نیز لن، ی، ل، ۳، لن، آ، ت): برگوی؛ متن = ل، ق، س، ۲ (نیز پ، و، ب) ۱۷-ق، ک (نیز ب): از؛ (ل: از آن؛ ق: ۲: که پیدا کنی) ۱۸-ل (نیز ق، ۲، ل، ۳، پ): جنگ؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-ل (نیز پ، و، لن، آ): کمر همچنان بر؛ س: ببندی چون بیستی (ل)؛ (ب: به تندی همان هم کمر بر)؛ متن = س، ل، ۲ (نیز لن، ل، ۳، ب): بنداری: ثم بنی علیها و خلا بها أسبوعین. ثم قال لها: أشتهی أن ترینی کیف بارزت أخوا الخاقان و کیف کان جولانک معہ فی المعترك ۲۰- (ی: بزی) ۲۱- (ل: بفرمود) ۲۲-س، ۲: کمند و کمان؛ (ل: کلاه و کمند) ۲۳-ق: کمند و کلاه و نگین؛ ل، ۲ در اینجا سرنویس دارد: مبارزت نمودن گردیه نزدیک خسرو ۲۴- (و: آورد و)؛ (س: نیز ی): به ترکش در آگنده؛ س، آ: یکی بر کزاکند و؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقالت: لیحضرنی الملک فرسا و سلاحا

که در باغ گلشن بیاری^۲ گاه
 ز ترک و ز رومی پرستندگان،
 تو گفتی به باغ اندرون راه نیست^۳
 خرامان به بالای سیمین ستون^۴؟
 زره خواست از^۵ ترک و عادی کلاه^۶،
 کمر بر میان بست و^۷ نیزه به دست،
 یکی چشم^۸ بگشای^۹ و دستور^{۱۰} باش!
 که آید^{۱۱} بنزدیک اسب سیاه^{۱۲}!
 ز بالا به^{۱۳} زین اندر آمد چو^{۱۴} باد!
 چپ و راست بیگانه راهی^{۱۵} گرفت!
 وز^{۱۶} ابر سیه^{۱۷} نعره بگذاشتی^{۱۸}!

پرستنده‌یی را^۱ بفرمود شاه
 ۳۰۴۰ برفتند بیدار دل‌بندگان^۲
 ز خوبان خسرو هزار و دوست
 چو خورشید^۳ شیرین به پیش اندرون
 بشد گردیه تا بنزدیک^۴ شاه
 بیامد خرامان^۵ ز^۶ جای نشست
 ۳۰۴۵ به شاه جهان گفت: گنجور^۷ باش!
 بدان^۸ پرهزنزن^۹ بفرمود^{۱۰} شاه
 بن نیزه را بر زمین بر نهاد
 به باغ اندر آورد گاهی گرفت
 همی هر زمان باره^{۱۱} برگاشتی

۱-س.ک (نیز لی): پرستنده را پس: (ق:آ: فرستاده‌ای را!؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲-ق:آ: بر آرای!)؛ ل^۳ این بیت را ندارد؛ بنداری: فامر باحضار ذلک فی بستان له ۳-س.ک، س^۴ (نیز لن، لی): بردگان (!)؛ ل^۳ این بیت را ندارد ۴-ل^۳ این بیت را ندارد ۵-ک: خورشید ۶-ل: پیش اندرون (!؛ بنداری: و حضرت شیرین زوجه برویز کالشمس المشرقة، و راهما ألف و مائتان من الجوار الحسان کالکواکب الذریة؛ ک پس از بیت ۳۰۴۲ افزوده است:

چو شیرین نبود آشکار و نهان
 شب و روز او را به بر داشتی
 دل شاه را بود شیرین چرخ
 بسان بهاری که بد در بهار

که اندر شبتان شاه جهان
 ز هر زن ورا دوستر داشتی
 چو در کاخ بنشت خسرو به باغ
 نشسته بهم بانو و شهریار

۷-ق (نیز آ): به بالای؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-ا: (با) ۹-ق، ل^۲ (نیز ق^۲، ل^۲)؛ رومی کلاه؛ متن = س.ک، س^۲ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب)؛ ل: که آید بنزدیک اسب سیاه ۳۰۴۳-ب ۳۰۴۶ را انداخته و از ۳۰۴۳ و آ ۳۰۴۶ ب یک بیت ساخته است)؛ (لی): خرامان به بالای سیمین ستون = ۳۰۴۲ (ب) ۱۰-ق: خرامان بیامد؛ (پ: پیاده خرامان) ۱۱-س، ق، ل^۲ (نیز لی، ل^۲، و، آ، ب)؛ به؛ متن = س.ک، س^۲ (نیز لن، ق^۲، پ، لن، آ) ۱۲-ک: بسته؛ (لن، و: بست)؛ ل این بیت را ندارد ۱۳-ک، ل^۲ (نیز لن، آ): رنجور؛ س^۲ (نیز ق^۲، و، لن، آ): دستور؛ (ل: جمهور)؛ متن = س (نیز لی، ب) ۱۴-ل: (چشمه) ۱۵-س، ل^۲ (نیز لن، لی، و، ب)؛ بنمای؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز ل^۲، لن، آ) ۱۶-س، ل^۲ (نیز ل^۲، و): مسور (!؛ لن: در سور)؛ متن = س، ک، ل^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ب)؛ (ق:آ: بگشا ز بد دور)؛ ل، ق، پ این بیت را ندارند؛ در ق^۲ این بیت با بیت سپین پس و پیش و پس از آن افزوده است:

همان پرهزنزن به فرمان شاه
 نشست از بر تازی اسبی سیاه (۳۰۴۶)

۱۷-ق: همان؛ (لی: بران؛ آ: بدین)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-س (نیز لی، پ)؛ پس؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-ق: به فرمان ۲۰-س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ل^۲، لن، آ، ب)؛ زن آمد؛ ق: بیامد؛ (و: که آمد)؛ متن = (پ) ۲۱-ک: که زین زن بجز دوستداری مخواه (= ۵۳۳)؛ ل این بیت را ندارد (۳۰۴۳)؛ بنداری: فلبست الدرغ، و شدت علیها المنطقه، و وضعت علی رأسها المغفر، و أخذت الرمح فاستأذنت الملک و سعت نحو فرس أدهم قزب لها ۲۲-ق: ز پستی به؛ ل^۲: به بالا به؛ (ل^۲: به بالا)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳-س، آ: به زین اندر آمد بگردار؛ بنداری: فوضعت زج الرمح فی الأرض و قفرت علی ظهر الفرس ۲۴-ک (نیز لی): گاهی؛ ق: بیکار راهی؛ متن = ده یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و أخذت فی الجولان فی ذلک المیدان ۲۵-س (نیز لن، ب)؛ اسب؛ متن = ل ۲۶-ق: چو؛ (ق:آ: از؛ پ، و: ز) ۲۷-ک: وزان اسب یک؛ (و: ز زیرش سیه؛ ب: وزان بر سیه) ۲۸-ل، ق، ل^۲ (نیز و)؛ برداشتی؛ متن = یازده دستنویس دیگر

۳۰۵۰ بدو گفت هنگام رزم^۱ تیرگ^۲
 چنین گفت شیرین که ای شهریار
 تو با جامه‌ی پاک^۳ بر تخت زر
 به خنده به شیرین چنین گفت شاه
 همی تاخت گرد اندرش گردیده^۴
 ۳۰۵۵ همی گفت: باری^۳، بداندیش شاه
 هم‌اکنون ز^۴ زینش بسان تیرگ^{۱۷}
 بدو مانده بُد خسرو اندر^{۱۸} شیگفت
 چنین گفت با گردیده شهریار

بدین^۳ گونه بودم چو آرغنده‌گرگ^۴!
 به دشمن دهی آلت کارزار^۵:
 وُرا هر زمان بر تو باشد گذر!
 کزین^۷ زن جز از^۸ دوستداری^۹ مخواه!
 بر^{۱۱} آوردگاهی برش گردیده^{۱۲}!
 به پیش منستی^{۱۴} به آوردگاه^{۱۵}،
 جدا کردمی پیش شاه بزرگ!
 بران برزبالا و آن یال و کفت^{۱۹}!
 که بی‌عیبی^{۲۰} از گردش روزگارا!

۱-ل: جنگ؛ متن = س-ب-ق-۲، ل-۲، س-۲ (نیز ل-۳، آ، ب): طبرگ؛ (لی، و، ل، ن: ۲: طورگ)؛ متن = ل، س، ک (نیز ل، ق، ۲، ب)، ۳-س، س-۲ (نیز ل، پ، آ): برین؛ متن = ل، ق، ک، ل-۲ (نیز ل، ل-۳، و، ل، ن: ۲، ب)، ۴-ل، ق: غرُنده گرگ؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق: ۲: جدا کردمی پیش شاه بزرگ!)؛ بنداری بجای این بیت: و کان الملك قاعدا علی تخت من الذهب ينظر اليها؛ ک، ق-۲ پس از بیت ۳۰۵۰ افزوده‌اند:
 ک: بماند اندرو سخت شیرین شگفت
 ق: ۲: چو دیدش بر آن گونه بر شاه مه
 ۵-ق-۲ این بیت را ندارد؛ ک پس از این بیت افزوده است:

بترسم که چون او بهای آورد

که خون برادر بجای آورد

۶-ل، س، ک (نیز ل، لی): باک؛ در س-۲ بی‌نقطه؛ ق: ترا جامه بزم؛ متن = ل-۲ (نیز ل-۳، ب)؛ ق-۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فقلت له شیرین: أیها الملك! کیف تأمنها و أنت قاتل أخیها، و هی فی السلاح و أنت قاعدها هنا فی ثياب البذلة؛ ک، ق پس از بیت ۳۰۵۲ افزوده است:
 به مردی ببد چنین زن میان
 ۷-ق: کران؛ ک: که زین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۸-ق، ک (نیز ل، پ، آ): بجز؛ متن = ل، س، ل-۲، س-۲ (نیز ل، ل-۳، و، ل، ن: ۲، ب)؛ ۹-س: نیک‌خواهی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق-۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فضحك الملك و قال لها: لا تطنی بها فی محبتها لنا إلا الحسنی؛ ک پس از بیت ۳۰۵۳ افزوده است:

نباشد چنین زن مگر روی و سنگ

به مهر و وفا و به مردی و جنگ

۱۰-ل، س، ل-۲ (نیز ل، لی، پ): اندرون ماه‌چهر؛ ک، س-۲ (نیز ل-۳، ل، ن: ۲): اندرون گردیده؛ (پ: یکچندگه گردیده؛ و: همی تاختی گردیده همچو شیر)؛ متن = ل، ق (نیز آ؛ در آ یکبار هم به گونه: همی بد به گرد اندرون ماه‌چهر) ۱۱-ق، ک: به؛ متن ← ۱۲-ق (نیز آ): که بد یکتنه (در آ یکبار هم برابر ل-۲)؛ ک: کهن یک دیده (؟)؛ س: ۲: کهن یک بیه (؟)؛ (ل، ن: ۲: آوردگاه کهن یک تنه)؛ ل، س، ل-۲ (نیز ل، لی، پ): بسان یلان بر (ل-۲: بد؛ لی: را؛ ب: بود) ابا (ل: یلانی که با) کین و مهر؛ (ل-۳: بنزدیک گاه گزین یک تنه؛ و: نهنگی به کف ازدهایی به زیر)؛ متن = ل؛ ق-۲ این بیت را ندارد؛ ک پس از این بیت افزوده است:

وگر نه بر اسب است سام سوار

تو گفתי که باز آمد اسفندیار

۱۳-س-۲: بادی؛ (ل، ن: ۲: باری) ۱۴-ل (پ: منت این) ۱۵-ک: من آراستی رزمگاه؛ ل، ق-۲ این بیت را ندارند ۱۶-ل (و: که از پشت) ۱۷-ل-۲، س-۲ (نیز ل-۳، آ، ب): طبرگ؛ (لی، و، ل، ن: ۲: طورگ)؛ متن = س (نیز ل، پ)؛ ل، ق-۲ این بیت را ندارند ۱۸-ق: از و مانده خسرو همی در؛ ک: از و مانده بد خسرو اندر؛ س-۲ (نیز ل، ن: ۲)؛ بماند اندر آن (ل، ن: ۲)؛ خسرو اندر؛ (ق: جهاندار مانده بدو در؛ و: بماند اندرو شاه خسرو)؛ متن = ل، س، ل-۲ (نیز ل، لی، ل-۳، پ، آ، ب) ۱۹-ل (نیز ل، ن: ۲)؛ بران (ل: بدان) برز و بالا و آن یال و کفت؛ س، ک، ل-۲، س-۲ (نیز ل، و، ب): چنان (س-۲، ق-۲: پ: بدان) برز (ک، س، ل، پ، ن: ۲: برز و بالا و (ل: بالای) بازو و (ل، ن: ۲، لی، پ: بازور) کفت؛ ق: به آوردگاهی بان یال و کفت (در بالا: سفت)؛ متن = ل (نیز آ) پس از تصحیح برز و بالا به برزبالا ۲۰-ق: ۲: که ای بی‌غم)

یکی^۲ سست باشی، وگر^۳ سخت پی^۱!
 که هستند بر جان نگهدار^۶ من،
 از^۸ ایران بیایند^۹ جنگی سوار^{۱۰}،
 چه^{۱۲} در خانه‌ی گوهرآگین^{۱۳} من^{۱۴}،
 همه^{۱۵} پاک با طوق و با گوشوار،
 که بارنج^{۲۰} و تیمار خویشان^{۲۱} توی^{۱۹}!
 جز از تو، اگر نو بود گر^{۲۳} کهن!
 ز پیغاره‌ی دشمن آزاد گشت^{۲۵}!
 همی آفرین خواند بر فرّ اوی^{۲۶}!

کنون تا بینم که با^۱ جام می
 ۳۰۶۰ به گرد جهان چاره^۵ سالار^۶ من
 ابا هر یکی زان^۷ ده و دوهزار
 چنین^{۱۱} هم به مشکوی زرین من
 پرستار باشد ده و دوهزار
 از این^{۱۶} پس نگهبان^{۱۷} ایشان^{۱۸} توی^{۱۹}
 ۳۰۶۵ نخواهم که گویند از ایشان^{۲۲} سخن
 شنید این^{۲۴} سخن گردیه، شاد گشت^{۲۵}!
 همی رفت روی زمین را به روی!

گفتار اندر سبب خراب کردن خسرو شهری را^{۲۷}

برآمد برین^{۲۸} روزگاری^{۲۹} دراز نخست^{۳۰} اختر^{۳۱} نامور جز فراز^{۳۲}

۱-ک: نشینیم با؛ ل: آ؛ بیینی که در؛ و: بیینم اکنون که با؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-س (نیز ل، و، ان ۲): همی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳-ل (نیز ق ۲، آ، پ، ب): اگر؛ (لی: و یا)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴-ق: سخت باشد اگر سست پی: ل: سخت باشی وگر سست پی؛ ک: پس از این بیت افزوده است:

یکی جام پر باده خسروان	به کف برگرفت آن زن پهلوان
که گشتی گریزان از آن اهرمن	نهاده بدو دیده‌ها انجمن
به یاد سپید به یکدم بخورد	برآورد از آن چشمه زرد گرد
سپید شگفتی بماند اندروی	بدو گفت ای ماه پیکارجوی

۵-س ۲: پاک ۶-ل: سالان-نگهبان؛ (ق: سالار-هر جایگه یار)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق بیت‌های ۳۰۶۷-۳۰۶۰ را ندارد
 ۷-ل: چون ۸-س ۲: ل (نیز ل، ن، لی، پ، آ، ب)؛ ز: متن = ک، س ۲ (نیز ق ۲، ن ۲) ۹-ن: بیای اند؛ ب: بیایند؛ در س حرف‌های یکم، دوم و چهارم بی نقطه؛ متن = ک، ل ۲، س ۲ (نیز لی، پ، ل، ن ۲) ۱۰-پ: گرد و سوار؛ ق: ایرانیان نیز جنگی سوار؛ ل (نیز ل ۳): همه پاک با طوق و با گوشوار (= ۳۰۶۳)؛ (و: بیایند جنگی ز ایران سوار) ۱۱-ک: کنون ۱۲-ک: چو؛ (لی: که)؛ متن = ۱۳-لی: گوهرآئین؛ آ: عنبرآگین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-ل: نخواهم که گویند زیشان سخن (= ۳۰۶۵) ۱۵-س ۲: همان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۱۶-ل (نیز آ): آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷-ل (نیز ق ۲، و): نگهدار؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸-ل: خوبان؛ ک: ایران؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ق ۲، لی، و، ب): تویی؛ متن = ل (نیز پ) ۲۰-ل: گنج ۲۱-ل: ایشان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۲۲-ل، س، ل ۲ (نیز ل، لی، پ، ب): زیشان؛ متن = ک، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲) ۲۳-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، لی، پ، آ، و، ب): کسی جز تو گر (ل: آ؛ ز: س ۲، ن ۲، آ: ن) نو بود یا ک، و، گر؛ س: بوند از؛ آ: بوندار؛ متن = ل (نیز ق ۲، پ) ۲۴-ل، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، لی، پ، آ، و، ب): آن؛ متن = س، ک (نیز ق ۲، لی، ل، و، آ) ۲۵-ل (نیز ل ۳): شد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶-در ل ۳ لتهای این بیت پس و پیش شده‌اند؛ بنداری (۳۰۶۴، ۳۰۵۴): قال: ثم قال لأخت بهرام إن فی خجرتنا اثنی عشر ألف جاریة، و قد جعلنهن کلهن تحت امرک و حکمک، فسجدت له و قبلت الأرض بین یدیه و دعت له (۳۰۶۱، ۳۰۵۴) را ندارد؛ ک: پس از این بیت ۳۰۶۷ افزوده است:

ز شیرین ز مریم ز هر زن که بود به فرمان او کار کردند زود

۲۷-س: در سبب خراب کردن خسرو شهری را؛ ق (پانزده بیته پایین‌تر): خشم گرفتن خسرو بر ری و تعیین کردن بدیهانی به حاکمی ری؛ ک (بیست بیته پایین‌تر): فرستادن خسرو جلاخوش به ری؛ ل، س ۲ سرنویس ندارند؛ متن = س ۲۸-لی: بدین ۲۹-س، ل ۲ (نیز ل، ن، لی، پ، آ، و، ب): نیز روزی؛ (ل: روزگار)؛ متن = ل، س ۲ (نیز و) ۳۰-ق: نرفت؛ و: نگشت ۳۱-ک: آخر (!) ۳۲-س، ق: نیز لی، آ، ب: برآز؛ (ق: بناز)؛ متن = ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، لی، و، آ، و، ل ۲)؛ ل (نیز پ): بند گردیه را به چیزی نیاز

بزرگان و رزم آزموده^۵ ردان^۶،
 نبشته^۸ برو^۹ نام بهرام بود،
 بران^{۱۰} هر کسی^{۱۱} دل بپرداختند:
 بران^{۱۲} جام و آورنده‌ی جام^{۱۳} بر!
 بکوبند پیلان جنگی به پی^{۱۵}!
 همه‌ری به پی^{۱۹} دشت^{۲۰} هامون کنند!^{۱۸}
 چنین^{۲۱} گفت کای از کیان^{۲۲} یادگار^{۲۳}،
 نشاید که کوبند پیلان به^{۲۴} پی،
 نباشد، نه هم بر^{۲۶} زمین راستان^{۲۷}!
 که بدگوهری بایدم بی‌کیار^{۲۹}،
 یکی مرد بی‌دانش^{۳۰} بدزبان!

چنین^۱ می^۲ همی خورد^۳ با بخردان^۴
 ۳۰۷۰ بدان مجلس اندر^۷ یکی جام بود
 بفرمود تا جام بنداختند
 گرفتند نفرین به بهرام بر!
 چنین گفت کاکنون^{۱۴} بر و بوم ری^{۱۵}
 همه^{۱۶} مردم از^{۱۷} شهر بیرون کنند!^{۱۸}
 ۳۰۷۵ گرانمایه دستور با شهریار
 نگه کن که شهری بزرگست ری
 که یزدان بدین^{۲۵} کار همداستان
 به دستور گفت آن زمان شهریار^{۲۸}
 که یک چند باشد به ری مرزبان

۱-س: ۲ (نیز لی، ن: ۲): شیی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ل: ۲: هم ۳- (و: همی خورد یگروز) ۴-ک، س: ۲ (نیز ل، و، ن: ۲): مهتران؛ (ق: موبدان)؛ متن = ل، س، ق، ل: ۲ (نیز لی، ن: ۲، ا، ب): ۵-س، ق، س: ۲ (نیز لی، ن: ۲): کار آزموده؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶-ک، ل، ۲: س: ۲ (نیز لی، ل، و، ن: ۲): سران؛ متن = ل، س، ق (نیز لی، ن: ۲، ا، ب): بنداری؛ و صار الملک فارغ البال من کل عدو و کاشح ففزع للشراب و الطرب و اللهو و اللعب؛ ک پس از این بیت افزوده است:

یکی روز بنشست در بزمگاه جهاندار و پیشش سران سپاه

۷-س: ابر دست خسرو؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۸-ل، ق، س: ۲ (نیز و، ن: ۲): نوشته؛ متن = س، ک، ل: ۲ (نیز لی، ن: ۲، ا، ب): ۹-ل: یکی؛ س: ۲ (نیز لی، ل: ۳): بدو؛ (و، ن: ۲): بران؛ متن = س-ل: ۲ (نیز لی، ن: ۲، ا، ب): (آ: بران جام بر) ۱۰-ق: برو؛ (ق: آ: زنان؛ لی، ل: ۳): بدان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ق: یکی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲- (لی، و: بدان) ۱۳- (ب: نام)؛ ک: جام بهرام و آورنده (ا: ل): نام و سازنده جام؛ آ: جام آورنده و جام)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: قال: فیینا هو یشرب یوما إذ دفع الیه الساقی قدحا فرأی علیه اسم جوبین فذکره و رمی بالقدح، و أخذ یلعنه و یلعن بلده ۱۴- (ن: اکنون) ۱۵- (ل: در اینجا پس از این: زئی- پئی) ۱۶-ل: همی؛ متن = س-ب: ۱۷- (ق: آ: <از>) ۱۸-ک (نیز لی، ن: کتید ۱۹- (ل: چنان؛ ق: آ: همان ری چو با؛ آ: از او هر کسی) ۲۰-ل (نیز ل، و، ن: ۲): دشت و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: ثم أمر بتخریب الری و دوسها بأخفاف الفیلة لأنها کانت مسقط رأس جوبین و جزم القول بذلك ۲۱-ک: بران ۲۲- (و: مهان) ۲۳- (لی: که بدگوهری بایدم بی تبار = ۳۰۷۸ ب) ۲۴-ق: کوبی به پیلان و؛ لی این بیت را ندارد؛ ک پس از این بیت افزوده است:

گنجهکار بهرام و ری بی‌گناه
 چو آن شهر آباد ویران کنی
 نباید که کاری چنین بیهده
 نگه کرد باید بدین کار شاه
 دل بیگناهان غریوان کنی
 بیاید ز داندنده شاه رده

۲۵-ل: در آن ک، س: ۲ (نیز ق: ۲): بران؛ (ل، و، ن: ۲، ا، ب: بدان)؛ س: که باشد بدین؛ متن = ق، ل: ۲ (نیز لی، ن: ۲، ا، ب): ۲۶-ق، ل: ۲ (نیز آ): اندر؛ س: نباشند هم بر؛ متن = ل، ک، س: ۲ (نیز لی، ل، ن: ۲، ا، ب): ۲۷- (ق: آ: نیم هم برین داستان)؛ لی این بیت را ندارد؛ بنداری: فقال له الوزیر: أیها الملک! إن الری مدینة کبیرة فیها خلق کثیر. و کیف یحل لک أن تخریها و تبدد شمل ساکنیها؟ ۲۸- (ق: آ: اگر نیستی تو برین داستان) ۲۹-ق (نیز لی، ن: ۲، ا، ب): ناپاکار؛ ل، ۲: س: ۲ (نیز لی، ن: ۲): بی تبار؛ (و: خاکسار؛ ب: بدتبار)؛ ل: باید و ناپاکار؛ س: که گوید نشان چنین ناپاکار (ع = ۳۰۸۰ ب)؛ (ق: ۲): یکی بی‌گهر بایدم بدیشان؛ متن = ک (نیز ل، و، ن: ۲)؛ لی این بیت را ندارد (ع = ۳۰۷۵ ب) ۳۰-ل (نیز آ): بی دانش و؛ س: ۲: بدانش؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ س این بیت را ندارد

بگوید^۲ نشان^۳ چنین^۴ نابکار،
 نباید که بی^۸ رهنمای^۹ آوریم!
 نژنداختری بایدم^{۱۰} سرخ‌موی^{۱۱}،
 بداندیش و کوتاه^{۱۵} دل پر ز درد^{۱۶}،
 سرش^{۱۹} پر ز کین^{۲۰} و زبان^{۲۱} پر دروغ،
 به راه اندرون کز رود همچو^{۲۴} گرگ!
 که تا^{۲۸} یاد خسرو چنین چون^{۲۹} گرفت!
 ز^{۳۲} شهر کسان از کهان و مهان^{۳۳}
 بیامد کزین گونه مردی به راه^{۳۷}،
 بدان تا فرستدش خسرو به^{۴۰} ری

۳۰۸۰ بدو گفت بهمن که گر^۱ شهریار
 بجویم^۵ و این^۶ را به جای^۷ آوریم
 چنین گفت خسرو که بسیارگوی
 تنش زار^{۱۲} و بینی کز^{۱۳} و روی زرد^{۱۴}
 همان بددل^{۱۷} و سفله^{۱۸} بی‌فروغ
 ۳۰۸۵ دو چشمش کز و سبز^{۲۲} و دندان بزرگ^{۲۳}
 همه^{۲۵} موبدان^{۲۶} مانده زو در^{۲۷} شگفت
 همی‌جست هر کس^{۳۰} به گرد جهان^{۳۱}
 چنان^{۳۳} بُد که روزی کسی^{۳۵} نزد شاه^{۳۶}
 بدیدم^{۳۸}، بیارم به فرمان کی^{۳۹}

۱-ک: مر؛ ق؛ ل؛ ۲ (نیز ۱)؛ دستور گر؛ (ن، ل، ن)؛ ۲؛ ب: دستور ای؛ ل؛ دستور کای؛ و: دستور اگر؛ متن = ل، س؛ ۲ (نیز ۳، ل)؛ ۲-ل (نیز ۲)؛
 بخواهد؛ س؛ ۲ (نیز ۲)؛ نگوید؛ (ن، ل، ن)؛ ب: که گوید؛ متن = ق، ک، ل؛ ۲ (نیز ۳، ل)؛ ۳-س؛ ۴: بریشان ۴-ک، ق؛ (نیز ۱)؛ چنان؛ متن = ده
 دستنویس دیگر؛ س این بیت را ندارد و ق^۲ آنرا با دگرگونی‌هایی سه بار بازنوشت کرده است ۵-س (نیز ل، ب)؛ پیویم؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۶-ق: آن ۷-ل: جا ۸-س (نیز و)؛ نباید که کس؛ ق: نیابم بسی؛ ک، س؛ ۲ (نیز ل، ن، ب)؛ نباید (ن: بیاید) کسی؛ ل؛ ۲:
 برین بر کسی؛ (ن: بزند کسی؛ آ: برین بر بسی)؛ متن = ل (نیز ق^۲، ل، ۳، ل، ب)؛ ۹-ل: رهنما؛ بنفادی (۳۰۸۱-۳۰۷۸)؛ قال: فانی آرید رجلا
 خیثا حتی اولیه ایها الآن، و أجمعه مرزبانها لیخریها بالشوم و فعله المذموم. فقال: لیذکر الملک صفات هذا الرجل حتی یطلب و
 یولی المکان ۱۰- (آ: باید و) ۱۱-ل (نیز ۲)؛ زشت روی؛ (ل، ن)؛ ۲: سرخ‌روی؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ (ق: آ: یکی مرد ناباک
 ناباک‌گوی؛ ل، پ پس از این بیت و ق^۲ پس از بیت سببین افزوده‌اند:

تنش زشت (ل: سرخ) و بینی کز و روی زشت یکی (ل: همان) دوزخی روی، دور از بهشت

۱۲-ق؛ ل؛ ۲ (نیز ۱)؛ سرخ؛ س؛ ۲ (نیز ل، ن، ل)؛ زرد؛ (و، ن)؛ ۲ (کز)؛ س (نیز ل، ب)؛ نفس سرد؛ متن = ک (نیز ۶- بنداری) ۱۳- (ل: کج) ۱۴- (ل)؛
 زرد روی؛ ل (نیز ق^۲، ب)؛ یکی مرد بدنام و رخساره زرد ۱۵-ل؛ س؛ ۲: جو ۱۶- (ل)؛ زشت‌گوی؛ در پ این بیت پس از ۳۰۸۶ آمده
 است؛ ق^۲ این بیت را با دگرگونی‌هایی دوبار دیگر هم بازنوشت کرده است ۱۷-س (نیز ل)؛ بدرگ؛ متن = سیزده دستنویس دیگر
 ۱۸-ک: سفله‌ای ۱۹-س (نیز ل، ن، ب)؛ سری؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-ک: گرد ۲۱-س (نیز ل)؛ دلی؛ (ن: زفان)؛ متن =
 دوازده دستنویس دیگر ۲۲- (ق: آ: پر از خون؛ ل: همان سرخ) ۲۳-ل؛ ۲ (نیز ۱)؛ بینی بزرگ؛ (ل: دندان چو گرگ) ۲۴-ل: کز رو او
 همچو؛ ک: کز ه پوید چو؛ س؛ ۲: کز پوید چو؛ (ق: ۲: کز رو همچو؛ ل: کج رود همچو؛ ل: کز پویی چو؛ و: پوید او همچو)؛ متن = س، ق؛
 ل؛ ۲ (نیز ل، ن، ب)؛ ن؛ ۲؛ ب؛ بنداری (۳۰۸۵-۳۰۸۲)؛ فقال: اطلبوا رجلا کثیر الکلام، قد ولد علی أنحس طالع، أشقر اللون، ضعیف البدن،
 أقی الأنف، أصفر الوجه، قصیر القامة، أحول العینین أزر قهما، کبیر الأسنان، سیء الفکر، دخل القلب، یجمع بین الجبن و الکذب و
 الدناءة و القبح ۲۵-س؛ ۲؛ همان ۲۶-ل: مهتران؛ متن = س-ب ۲۷- (ل)؛ ۳؛ زان؛ س: زواندر (!)؛ ک: اندر ۲۸-ل؛ ۲ (نیز ۱)؛ با ۲۹-ل؛ ۲: خون (!)؛
 (ن: ک)؛ ل؛ ۲: که تا خسرو آن داستان چون)؛ بنداری؛ فتعجب الموابذة من استقصاء الملک الأوصاف الدالة علی الشر و الخبث ۳۰-ق:
 هر یک ۳۱- (ل)؛ به شهر اندرون ۳۲-س (نیز ل، ب)؛ به؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۳- (ل)؛ ۳: به گرد جهان اندرون و برون)
 ۳۴- (ق: آ: چنین) ۳۵-ل؛ ۲: یکی؛ متن = س-ب ۳۶-ک: در جهان؛ (ل)؛ پیش شاه ۳۷-ک: روان؛ ل: برین گونه مردم ز راه؛ متن = سیزده
 دستنویس دیگر ۳۸- (ن: آ: بگیرم) ۳۹- (و: بیاوردم آن شوم بی) ۴۰-ک، س؛ ۲ (نیز ق^۲، ل، ن)؛ ۲: موبد به؛ ل؛ ۲: نزدیک؛ متن = ل، س، ق
 (نیز ل، ۱)؛ ن، ب این بیت را ندارند

۳۰۹۰ بفرمود تا پیش^۱ اوی^۲ آورند
 ببردند ازین^۶ گونه مردی برش
 بدو گفت خسرو: ز کردار^۹ بد
 چنین داد پاسخ که از کار^{۱۱} بد
 سخن^{۱۲} هرج گویم^{۱۳} دگرگون کنم^{۱۴}
 ۳۰۹۵ سر مایه‌ی من دروغست و^{۱۶} بسا
 بدو گفت خسرو که بد^{۱۷} اخترت!
 به دیوان نبشتند^{۲۱} منشور ری^{۲۲}
 سپاهی پراکنده او را سپرد
 چو آمد به ری مرد ناتندرست^{۲۸}
 ۳۱۰۰ بفرمود تا ناودان‌ها ز^{۲۹} بام

۱-ل: نزد؛ متن = س-ب-۲-ل، ق، ک (نیز لن، لی، ل، ن، آ، ا): او؛ متن = س، ل، آ، س، ۲ (نیز ق، آ، و، ب) ۳-س (نیز لن، لی، و زین؛ ق: از آن؛
 ب: بدین)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴-ق: ناری؛ در ل، س، آ بی نقطه؛ ک: کوته تازی (؟)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵-ل (نیز ل، ۳):
 کو؛ (لن: آ، نکو)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۶-ل: زین؛ متن = س-ب-۷-ل (نیز لی، زو؛ ب: از)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر
 ۸-ک (نیز لن: ۲)؛ لشکر و کشورش؛ بنداری (۳۰۸۷-۳۰۹۱: آ): فأخذوا فی طلب رجل علی هذه الصفة الی أن عثروا علی واحد فجاءوا به
 الی حضرة الملك ۹-آ: که از کار) ۱۰-ل (نیز ق، آ، ب): ای بد بی خرد؛ ک، س، ۲ (نیز و، لن، آ): به یاد آر گفتار بد؛ ل: ز یاد و ز گفتار بد؛
 ل: چه دانی تو ای بی منش کم خرد؛ متن = س (نیز لن، لی، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری (۳۰۹۱-۳۰۹۲): فلما راه ضحک من
 ذلك المنظر القیح فقال له: أي شيء تحسن من خصال الشر؟ ۱۱-ل (ن: ز کردار)؛ ل (نیز ق، آ، ب): چنین گفت با شاه کز کار؛ ق (نیز آ):
 به خسرو چنین گفت کز کار؛ متن = س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، و، ب) ۱۲-س-س، ۲ (نیز لن-ب): هر چه؛ متن = ل ۱۳-ل: گویی؛ متن =
 س-ب ۱۴-ل (ب: بود) ۱۵-ل: مردم پر از؛ (لن، ل، آ، ب): پرستند پر؛ ق: که جان پرستنده پر؛ ل: دل و جان پرستنده پر؛ متن = س-س ۲
 (نیز لی، ب، و؛ ک: پس از این بیت افزوده است:

ابا هر که پیمان کنم بشکنم
 نباشد برم قیمت هیچ کس
 برو بیخ رادی به خاک افکنم
 به خوبی روانم نزدیک نفس (!)

۱۶-ق (نیز لن): جرو؛ بنداری (۳۰۹۳-۳۰۹۵: ج): فقال: إني رجل فارغ الکيس من العقل، لأعرف الراحة، ورأس مالی الکذب، والی سبیل
 الی الصدق ۱۷-ل (ب: ز شوم) ۱۸-ل، ق (نیز ل، آ، و، لن، آ): نوشته؛ متن = س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب) ۱۹-ل (و، لن، آ): مبادا نوشته
 ۲۰-ق، س، ۲: جزان؛ بنداری این بیت را ندارد؛ ک: پس از این بیت افزوده است:

بپرسید نامش خللاجوش بود
 غنی ار بد از مال درویش بود

۲۱-ل، ق، ک (نیز ل، آ، و، لن، آ): نوشتند؛ ل: نشنند؛ متن = س، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب) ۲۲-ق (نیز ق، آ، ا): وی؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۲۳-س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، و، ب): به؛ متن = ل (نیز ق، آ، ب) ۲۴-ل (بزرگست)؛ ق: بزرگی به زشتی شد ۲۵-ل،
 س، ق (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب): آن؛ متن = ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، و، لن، آ، ب) ۲۶-ل، ق: بوم پی؛ (ب: نیک پی)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛
 ۲۸-ق (نیز آ): نادین درست؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۹-ل، ق (نیز ق، آ، ب): ناودان‌های؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰-س، ۳ (نیز
 لن، لی، ب): و شد او؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱-ل: بران؛ (لی: بدین)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ک: و شد مرو را

دل کدخدایان از او^۳ شد درشتا
 مُنادی‌گری پیش او بر^۶ به پای^۷.
 بینم^{۱۱}، وگر^{۱۲} گره‌یی در سرای،
 ز برشان همی^{۱۵} سنگ بر سر زنم!
 خداوند او^{۱۷} را فگندی^{۱۸} به غم!
 دل از بوم آباد برداشتند!
 به شهر اندرون پاسبانی نبود^{۱۹}!
 که آمد ز درگاه خسرو به ری،
 به سر بر^{۲۲} همی تافتی^{۲۳} آفتاب!
 کس اندر جهان یاد ایشان نکردا

بیاراست گلبرگ روی زمین،
 همه^{۲۹} کوه و هامون پر از لاله^{۳۰} گشت^{۲۸}،
 زمین همچو دیبای رومی به رنگ،
 همه^{۳۵} میش و آهو به راغ آمدند^{۳۴}،
 همه^{۳۶} چشمی باغ پُر ماغ^{۳۷} دید،

وژان^۱ پس همه گربکان^۲ را بگشت
 به هر سو همی رفت^۳ با رهنمای^۵
 همی^۸ گفت: اگر^۹ ناودانی به جای^{۱۰}
 بران^{۱۳} بوم و زُست^{۱۴} آتش اندرز نم!
 ۳۱۰۵ همی جست^{۱۶} جایی که بُد یک درم
 همه خانه از موش بگذاشتند
 چو باران بُدی، ناودانی نبود^{۱۹}
 از آن زشت^{۲۰} بدکامی^{۲۱} شوم پی
 شد آن شهر آباد یکسر خراب
 ۳۱۱۰ همه شهر یکسر پر از^{۲۴} داغ و درد

چنین تا^{۲۵} بیامد مه فور دین^{۲۶}
 سرشکِ سر ابر چون ژاله^{۲۷} گشت^{۲۸}
 [همه راغها^{۳۱} شد چو^{۳۲} پشت پلنگ
 بزرگان به بازی^{۳۳} به باغ آمدند^{۳۴}
 ۳۱۱۵ چو خسرو گشاده در باغ دید

۱- (ق: ۲، ازان) ۲- (و: گربها) ۳- س-س ۴- (نیز ن-و): بدان؛ (ن: ۲، آ، ب: بدو)؛ متن: دل؛ درک این بیت پس از بیت ۳۱۰۴ آمده است؛
 بنداری: و لما تمکن منها أمر بقلع المآزب من الدور و القصور، و قتل ما يوجد فيها من السنائير ۴- ق: گشت؛ (آ: گفت) ۵- دل: رهنما
 عمل^۲ (نیز ن:): در ۷- ل: یا؛ ک: او کرد پای ۸- (ن: ۲، بدو) ۹- ل: گر؛ متن: س-ب ۱۰- س ۱۱- (نیز آ): پبای؛ (لی: ناودان را بجای) ۱۱- ل:
 بیبی؛ متن: س-ب ۱۲- (لی: با- یا- دگر) ۱۳- ق: ک، س ۱۴- (نیز ق ۲-و): بدان؛ متن: دل، س، ل ۱۵- (نیز ن، ن: ۲، آ، ب) ۱۶- ل ۱۷- (نیز ل ۳، پ): و
 بر؛ (ق: ۲، وی: ن: ۲؛ و دشت -دورست)؛ متن: س، ق، ک، س ۱۸- (نیز ن، لی، و، آ، ب) ۱۹- ق، ل ۲۰- (نیز ن، ل ۳، ب): همه؛ متن: دل، س، ک، س ۲۱- (نیز
 ق ۲، لی) ۲۲- (ن: ۲، تاخت) ۲۳- ق (نیز ب): آن ۲۴- (لی: گرفتی)؛ بنداری: و قال: من أعاد ميزابا الی داره أو وجدت قطعة فی بيته فدمه
 حلال، و ماله مباح. ثم إنه أغرى بكل من له شيء فجعل يصادرهم و يعاقبهم و يعصبهم عصب السلم حتى أتى علی جميع أموالهم
 ۲۵- بجای -بیبای؛ بنداری: فلما جاء الشتاء و تابعت الأمطار خربت الدور، و كثرت الجردان فی البيوت ۲۶- ل (نیز لی): دشت؛ ک:
 ازین زشت و؛ متن: یازده دستنویس دیگر ۲۷- (پ: بدکامه و؛ و زشت و کافر)؛ ق این بیت را ندارد ۲۸- ک: به بومش ۲۹- (پ:
 تافتشان) ۳۰- س، ل ۳۱- (نیز ن، لی، ب): زو (ل: آ، ب: ازو) بود پر؛ ق (نیز آ): همه یکسر ده ل پر از؛ متن: دل، ک، س ۳۲- (نیز ق ۲، ل، ن: ۲)؛ بنداری:
 فخلت من الناس و جلوا عنها، و بقی یسیر بهذه السيرة الی أن خربت الری. و كان الخلق بها يتظلمون فلا یرون مغیثا، و یصرخون و لا
 یجدون مجیبا ۳۳- آ: وزانپس ۳۴- (لی: ل، ق: فرودین) ۳۵- (ق: ۲، بر ژاله)؛ ل (نیز ب): سرشک (ب: سرشت) سرآورده (-سرابر ۹) پر
 (ب: چون) ژاله (در ل سرآورده بی نقطه)؛ ق (نیز آ): همه جویباران پر از لاله؛ ک: سرشک هوا نیز چون ژاله؛ متن: دل، س، ل ۳۶- (نیز ن،
 لی-ن: ۲) ۳۷- آ: کرد-گشت؛ متن: سیزده دستنویس دیگر ۳۸- (ل: در) ۳۹- (نیز آ): ژاله ۴۰- (ق: ۲، ن: ۲)؛ (باغها) ۴۱- (ل: ۳):
 گشت؛ ک: باغ شد همچو؛ متن: س، س ۴۲- (نیز ن، لی، و، ن: ۲، ب): ل، ق، ل، پ، آ، این بیت را ندارند ۴۳- س ۴۴- (نیز ل ۳): به
 بازی بزرگان) ۴۵- (و: آمده) ۴۶- (ن: ۲، ل، ق: ۲، ن: ۲، آ، ب): همان؛ بنداری: قال: و لما دخل فصل الربیع و رینت الأراهير و وجه الأرض، و
 تصندل الماء، و تمسک الهواء، و خرجت النظارة للفُرج، و ظفرت أسرى البيوت بالفُرج ۴۷- (نیز و): همان ۴۸- ک: راغ؛ (ل: ۳): چشمه
 و باغ چون ماغ؛ در ل آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند

بیاورد پس تشت‌های^۳ خَلوق^۴،
به^۷ شادی روان^۸ را بیاراستند،
که پیدا نبد گربه از کودکی^{۱۰}،
به زراندرن چند گونه گهر،
به ناخن بر از لاله کرده نگار^{۱۳}،
چومی خورده‌یی^{۱۵} چشم او پر خمار^{۱۶}،
فروشته از باره^{۱۸} زرین جُنَاغ
همی^{۲۰} کهنتر^{۲۱} آن خنده رابنده^{۲۲} گشت^{۱۹}!
چه^{۲۳} خواهی^{۲۴} بگوی^{۲۵} ای زن نیک‌خوی^{۲۶}!
چنین^{۲۹} گفت کای^{۳۰} شاه گردن‌فراز،
دل غمگنان از غم آزاد کن!
وُرا مرد بدکیش و^{۳۷} بدساز دان^{۳۳}!

بفرمود تا دردمیندند^۱ بوق^۲
نشستند^۵ بر سبزه^۶، می خواستند
بیاورد پس گردیه^۹ گربکی
بر^{۱۱} اسپیی نشانده^{۱۲}، ستامی بزر
۳۱۲۰ فروشته از گوش او گوشوار
به دیده چو قار و^{۱۴} به رخ چون بهار
همی تاخت چون کودکی^{۱۷} گرد باغ
لب شاه ایران پر از خنده گشت^{۱۹}
ابا گردیه گفت کز آرزوی
۳۱۲۵ زن چاره‌گر^{۲۷} برد پیشش^{۲۸} نماز
به من بخش ری را، خرد یاد^{۳۱} کن!
ز ری مردک شوم را بازخوان!

۱- (ن: آ: بردمیندند) ۲- (ق: آ: تاخیمه بیرون برند) ۳- ل: جامهای؛ ک: ل: ۲ (نیز و ب): طشت‌های؛ (ل: آن طبقه؛ ل: آ: پ: شیشه‌های؛ آ: پست‌های؛ متن = س، ق، س: ۲ (نیز ن، ن: ۲) ۴- (ن: خذوق (؟)؛ ق: ۲: همان ساز شادی به هامون برند) ۵- ک: ل: ۲ (نیز ن، ل: آ: پ، و، ا): نشستند و متن = ل، س، س: ۲ (نیز ق: آ: ل، ی، ن: ۲) ب: ۶- (ق: ۲: سفره) ۷- س: ۲: ۸- ل (نیز پ): زبان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: و عزم برویز علی البروز الی الصحراء و النزول بین الخضرة و الماء؛ ک: ل: ۲، آ: پس از بیت ۳۱۱۷ افزوده‌اند:

ک: کس آمد ز گردوی و از شهر ری
برش داستانی بیفکنند پی
از آن درد گردوی غمخواره گشت
بر اندیشه دل سوی چاره گشت
یکایک برادر به خواهر بگفت
از آن داستان گفت کار شگفت
یکی ناتوانی یکی چاره کرد
که گردد دل شاه ازین درد سرد
چو سر سهی در میان بنه
ل: ۲: آ: چو آمد به باغ اندرون گردیه (ل: ۲: کرده)

۹- ل: ۲: با خویشان؛ س: ۲: گردیه پس ۱۰- ق: ز کودک نبود اندکی؛ ل: ۲: سراپای آراسته کودکی ۱۱- (ل: به) ۱۲- (ل: ۳: اسپش نشانند و؛ در ق این بیت با بیت سپمین پس و پیش شده است ۱۳- ق: کردند کار؛ (و: رنگ و نگار؛ ل: ۲: برش لاله کرده به تاجش نثار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴- (آ: قارون)؛ س: ۲: به بالا چوسرو و ۱۵- ل: میخواره به؛ ق: می خورده‌ای؛ (ق: ۲: می خورده دو؛ پ: می خورده بر)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶- (ل: ۲: برکتار)؛ ک: چومی خورده چشمی پر از خمار (ل) ۱۷- (و: کودکان) ۱۸- س، ق، ل: ۲، س: ۲ (نیز ن: ب): اسب؛ ک: چشم؛ متن = ل: بنداری (۳۱۲۲-۳۱۱۸): عمدت زوجه اُخت بهرام‌الی سنور کبیر لها فشنفته بأقراط، و زینته بأنواط، و أركبة فرسا، و أمّرت بأن یعدی الفرس بین یدی برویز ۱۹- ل، ق، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۳، و، ا): شد؛ متن = س، س، ک: ل: ۲ (نیز ن، ل: ۲) ۲۰- س، ک: ل: ۲ (نیز ن، ل: ۲) ۲۱- ق: شکر؛ س: ۲ (نیز آ): گوهر؛ (ب: مهتر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲- ک: از خنده بر بنده؛ س: ۲: گوهر از خنده زاینده ۲۳- (ل: چو) ۲۴- ل: باید؛ متن = س: ۲۵- ل، ق، س: ۲ (نیز ق: آ: ل: ۳): بگو؛ (و، ا): بخواه؛ متن = س، س، ک: ل: ۲ (نیز ن، ل: ۲) ب: ۲۶- ل: خوب روی؛ متن = س: ۲۷- ل: بنداری: فلما رأه فیهقه ضاحکا فقال لها: سلینی حاجتک ۲۷- ق: چاره‌بر ۲۸- س، ک: ل: ۲، س: ۲ (نیز ن، ل: ۲، و، ن: آ: ب): زود بردش؛ متن = ل: ق (نیز ق: ۲، ا: ۱)، ۲۹- ل: بدو؛ ق (نیز آ): همی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰- (ن، ل: ب: ای) ۳۱- (و: دلم شاد؛ ق: ری وز خرد) ۳۲- ق (نیز و): چو؛ متن = ۳۳- ک: س: ۲ (نیز ق: ل: ۲، ل: ۳، ن: ۲): بدکیش بدساز خوان؛ س (نیز ل): مردک شوم بدساز خوان؛ (ن، ب: مردم شوم و بدساز خوان)؛ ل: ۲: وی از مردم شوم بدساز خوان؛ متن = ل

همی^۱ گریه از خانه بیرون کند
 بخنیدید خسرو ز گفتار زن
 ۳۱۳۰ ز ری بازخوان آن^۵ بداندیش را
 دگر ناودان یک‌بیک برکند!^۲
 بدو گفت کای^۳ ماه^۴ لشکرشکن،
 چو آهرمن آن زشت^۶ بدکیش را!
 از آن^۸ تاجور^۹ خسروانی درخت!
 همی هر زمانش^۷ فزون بود بخت

گفتار اندر تدبیر کردن خسرو در آبادانی^{۱۰}

وزان^{۱۱} پس چو گسترده شد دست^{۱۲} شاه
 همه تاجدارانش کهنتر شدند!
 گزین کرد از ایران^{۱۵} چهل و هشت هزار^{۱۶}
 در گنج‌های کهن برگشاد
 سراسر جهان شد^{۱۳} ورا نیک‌خواه!
 همه کهران زو توانگر^{۱۴} شدند!
 جهان‌دیده و گرد^{۱۷} و جنگی سوار!
 که بنهاد پیروز و فرخ‌قباد^{۱۸}

۱-س (نیز لی، ل. ۱، ۳، ۴): همه؛ ک: که او؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲-ل: بشکند؛ س، ل. ۲ (نیز لی): یک‌بیک همه (ل. ۲: زبان) ناودان برکند؛ ق، ک، س. ۲ (نیز ق. ۲، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸): همه (ک: زبام؛ س، ۲: زبان؛ و، ل. ۲: همی) ناودان یک‌بیک برکند (ق. ۲، ل. ۳، ۴): بشکند؛ (لن) همی ناودان‌ها ز بن برکند؛ ب: یک‌بیک زبام ناودان را کند؛ متن = (پ): بنداری. فقالت: حاجتی آن نهب لی السور فلا تقتله و أن تصرف عن الری عامل الشوم الذی قتل سنائیرها و قلع مآزبها حتی خرجت دورها و تداعت قصورها ۳-س، ل. ۲ (نیز لن، لی، ب): ای؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ق. ۲، ل. ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸): (نیز لن، لی، ب): شوخ (۹): ق: شیر؛ متن = ل، ق (نیز آ): برخی از دستنویس‌ها پس از این بیت افزوده‌اند:
 ک، ق. ۲، لی: به تو دادم آن شهر و آن روستا
 تو بفرست اکنون (ق: آنجا) یکی پارسا
 ل. ۲: به نیکی همی چون سزا دیدمت
 همان شهر ری نیز بخشیدمت
 ۵-ل. ۲ (نیز پ): خواند آن؛ (ق: خوانم) عمل: مرد؛ (ق: اهریمن زشت؛ لن: چنان اهرمن زشت)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر:
 اهرمن بجای آهرمن؛ بنداری: فامر الملك حیثذ باسترجاج مخزب الریاع من تلك البقاع. و خلص الناس من شؤمه. ولله الحمد، ل. ق. ۲
 پس از بیت ۳۱۳۰ در بیت، و ک: بیت یکم را پس از بیت ۳۱۳۱ افزوده‌اند:

فرستاد کس زشت‌رخ را بخواند
 بکشند او را به زاری و درد
 همان خشم بهرام با او (ک، ق: ری را برو بر) براند
 کجا بد (ق: که بود او) بداندیش و بیکار مرد
 ک در اینجا افزوده است:

خلاجوش کامد به ره بر بمرد
 کس او درهما به خسرو سپرد

این بیت‌ها در دوازده دستنویس دیگر و ترجمه بنداری نیامده‌اند ۷-ق (نیز آ): زمانی ۸-ل: وزان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹-ق: (بارور؛ لی، و: تاج و آن)؛ پ این بیت را ندارد ۱۰-س: داستان خسرو در تدبیر ملک‌داری؛ ق: تدبیر کردن خسرو در آبادانی مملکت؛ ک (ده بینی پایین تر): ملک بخشیدن خسرو به ایرانیان؛ ل، ل. ۲، س. ۲ سرنویس ندارند؛ متن = ۱-ل، ک، ل. ۲، س. ۲ (نیز لن، ق. ۲، ل. ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰): ازیشان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶-ل: دوره صد هزار؛ (ق: ۲: صدوسی هزار؛ لن، ل. ۲، آ: چل و شش هزار)؛ متن = س، ک، ل. ۲، س. ۲ (نیز لن، پ، و، ب)؛ (ل: از ایرانیان چهل هزار) ۱۷-ل: جهان‌دیده گردان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۱۸-س (نیز ق. ۲، لی): پیروز فرخ‌نژاد (لی: نهاد)؛ ک، ل. ۲: فیروز فرخ‌قباد؛ (ل، و، ب: پیروز فرخ‌قباد)؛ متن = ل، ق، س. ۲ (نیز لی، پ، ل. ۲، ۳): بنداری: اختار من الایرانیین ثمانیة و أربعین ألف فارس کلهم معن مارسوا الامور و کابدوا تصاریف الدهر حتی صاروا افراد الزمان، و آساد الضراب و الطعان

یکایک همه نامزد کرد شهر:
سواران هشیار^۲ خنجرگزار^۳،
نگهبان آن فرخ آباد^۴ بوم،
نیاید که کشور شود زو^۵ تباه،
بداند سر مایه‌ی و^۶ ارز خویش!
گزین کرد از ایران و نیران سوار^۷،
ز بوم سه^{۱۲} در گلستان^{۱۵} شوند
بگرده، ندارد زبان^{۱۷} را نگاه^{۱۸}،
کزین^{۲۰} بگذرد، بند و چاه آورید،
بدان تا نماند^{۲۲} سخن در نهان،
مخسپید^{۲۴} در خیمه بی^{۲۵} پاسبان!
دلاورسواران^{۲۷} پرخاشخر^{۲۸}،
به راه^{۳۰} الانان فرستادشان،
بدان تا نباشد^{۳۳} ز دشمن گذر^{۳۴}،

جهان را ببخشید بر چار بهر
از آن نامداران ده‌دو هزار^۱
فرستاد خسرو سوی مرز روم
بدان تا ز روم^۵ اندر ایران^۶ سپاه
۳۱۴۰ مگر هر کسی بس کند^۸ مرز خویش
هم از^{۱۰} نامداران ده‌دو هزار^{۱۱}
بدان تا سوی زاولستان^{۱۳} شوند
بدیشان چنین گفت: هر^{۱۶} کو ز راه
به چربی^{۱۹} مرو را به راه آورید
۳۱۴۵ به هر سو فرستید^{۲۱} کارآگاهان
طلایه ببايد^{۲۳} به روز و شبان
ز لشکر ده‌دو هزار^{۲۶} دگر
بخواند و بسی پندها^{۲۹} دادشان
بدیشان^{۳۱} سپرد آن^{۳۲} در باختر

۱-ل: دوره سی هزار؛ متن = س-ب-۲- (لن، پ، لن: ۲، هشیار و)؛ متن = س، ک، ل، ۲، س^۲ (نیز، لی، ل، ۲، و، ب) ۳-ل، ق (نیز آ): گزین کرد ز ایران و نیران (ق: از ایرانیان مر؛ آ: از ایران نبرده) سوار (← ۳۱۴۱ب)؛ (ق: گزین کرد شایسته کارزار) ۴-ل: آزاد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق: ک این بیت را ندارند؛ در آیت‌های ۳۱۳۸-۳۱۴۰ پس از بیت ۳۱۴۶ آمده‌اند ۵-ل (بزم) ۶-ل: تا بران روی رومی) ۷- (ل: زان)؛ ق: ک این بیت را ندارند؛ در ل آیت‌های ۳۱۳۹ و ۳۱۴۰ پس از بیت ۳۱۴۱ آمده‌اند ۸-ل: بر کند؛ (ق: ک هر کس همی بس کند؛ پ: مگر بس کند هر کسی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹-ل: سر و مایه؛ ب: بداند سرمایه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: ک این بیت را ندارند؛ بنداری (۳۱۳۶-۳۱۴۰): قسم الأرض أربعة أقسام. فنفذ اثني عشر ألف فارس منهم الى حدود بلاد الروم ۱۰-ل (نیز پ): همان؛ (ل: زوان)؛ متن = س، س^۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، و، ب) ۱۱-ل: دوره چل هزار؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ک: گزین کرد با خنجر آبدار ۱۲-س (نیز لی، ب): توران سوار؛ (ق: نبرده سوار؛ ل: از آن پهلوان و سوار)؛ ل (نیز آ): سواران هشیار خنجرگزار (← ۳۱۳۷ب)؛ ک: همان نیز برگستاور سوار؛ (ب: همه جنگجوی از در کارزار)؛ متن = س^۲ (نیز لن، و، لن، ۲)؛ ق، ل آ این بیت را ندارند ۱۳-س، س^۲ (نیز ق، ۲، لی، پ، و، ب)، زابلستان؛ متن = ل، ق، ک (نیز لن، ل، ۳، لن، ۲، ۱۴-ب)؛ آن سپه؛ ق: ۲: ز بیم آن سپه) ۱۵-ل (ل: به نزدیکی کابلستان)؛ ل آ این بیت را ندارد؛ پ پس از این بیت افزوده است:

که تا هیچ بدخواه را سر ز راه نیچند که کشور شود زو تباه

۱۶-س، ل آ (نیز لن، لی، پ): آن؛ ق، ک، س^۲ (نیز ق، ۲، پ-آ): کان؛ متن = ل (نیز ل، ۳) ۱۷-ل آ: روان (← زوان؟)؛ (لن: زفان) ۱۸-ل (ق: نگارا) ۱۹-ل، س (نیز ق، ۲، ل، ۳، و): بخوبی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰-ل (لی: ازین) ۲۱-ل (نیز ق، ۲، ل، ۳، و): فرستاد؛ (لی، ب: فرستند)؛ متن = س-س^۲ (نیز لن، پ، لن، ۲، ۲۲-ک: بماند؛ در ل حرف یکم بی نقطه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در ل ۳۱۴۴ ب دوباره بازنوشت شده است ۲۳-ک: بیامد ۲۴-ل (نیز ق، ۲): نخسبند؛ س (نیز لی): مجنبید؛ (آ: نخفتند)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵-ل (ق: با؛ آ: بی خیمه بی) ۲۶-ل: دو پنجه هزاری؛ متن = س-ب-۲۷-س-س^۲ (نیز ق، ۲، ل، ۳، ب): بزرگان؛ (لی: ز ترکان)؛ متن = ل (نیز لن) ۲۸-ق: فریادرس (در بالا: پرخاشخر) ۲۹-ل، ق (نیز و، آ): هدیه‌ها؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰-ل (و: بسوی) ۳۱-ک: بایشان ۳۲-س، ل، س، ک، س^۲ (نیز لی، و، لن، ۲، ۳)؛ از (؟)؛ متن = ل آ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، پ، ب) ۳۳-ل: ساند (بی نقطه)؛ (آ: نیابد)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴-ل (ق: ناز دشمن نباشد گذر؛ و: تا ز دشمن رساند خبر)؛ ق این بیت را ندارد

همه در پناه جهاندار بید!
 ز مردان جنگی، چنان چون سزید،
 بسی پند و اندرزها دادشان،
 نباید که کس پی نهده^۵ بر زمین!
 روان^۹ بسته دارد به پیمان ما^۸!
 که کس را نباید شدن دوردست^{۱۰}،
 خردمند باشید و بی‌غم زیید!^{۱۲}

که بودی ز هرمز بروبر^{۱۵} رقم^{۱۶}،
 چو درویش پیوسته^{۱۸} پد^{۱۹} بیش داد
 بنزدیک گسته^{۲۲}م و زنگوی^{۲۲} بود،
 ز تن‌های ایشان جدا کرد^{۲۵} سرا!

به دانش یکی^{۲۷} دیگر آورد^{۲۸} راه^{۲۹}،
 نشست و ببخشید بر چار بهر:

۳۱۵۰ بدان سرکشان گفت: بیدار بید!
 ده‌دو هزار دگر برگزید
 به سوی خراسان فرستادشان
 که از مرز هیتال تا مرز^۴ چین
 مگر باگهی و^۶ به^۷ فرمان ما^۸
 ۳۱۵۵ به هر کشوری گنج آکنده هست
 چو باید^{۱۱} بخواهید و خرم زیید!^{۱۲}

در گنج بگشاد و چندی^{۱۳} درم^{۱۴}
 بیاورد و^{۱۷} گریان به درویش داد
 هر آن^{۲۰} کس که او^{۲۱} یار بندوی بود
 ۳۱۶۰ که بودند یازان^{۲۳} به خون^{۲۴} پدر

چو از کین و نفرین بپرداخت^{۲۶} شاه
 از آن^{۳۰} پس شب و روز^{۳۱} گردنده‌دهر

۱-ل: دید(!); ق این بیت را ندارد؛ ۲-ق این بیت را ندارد؛ در آیت‌های ۳۱۵۱ و ۳۱۵۲ پس از ۳۱۵۴ آمده‌اند ۳-ق این بیت را ندارد
 و در ل^۲ آلت‌های آن پس و پیش شده‌اند ۴-(و: پیش) ۵-(ل: که پی بر نهید)؛ ک این بیت را ندارد ۶-ل: ناگهی او؛ ق: تا کسی کو؛ ل: ۲
 س^۲ (نیز ل: ۲)؛ با گهی ما؛ (ل: با کلاه و؛ ق: آگهی و؛ و: ناگهی جز)؛ متن = س (نیز ل: ل، آ، ب، آ، ب، ۷-س: آ، و: ۸-ق: شاه
 ۹-(ل: ۲) زبان؛ ک این بیت را ندارد ۱۰-(ق: زور دست؛ و: بران گنج دست؛ آ: درو دسترس!) ۱۱-(ب: خواهد) ۱۲-ل: (نیز ق: ۲)؛ بویده؛
 (ب: شویده)؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز ل: ل، و، ل، آ، ب)؛ ق: آ این بیت را و ل^۲ بیت‌های ۳۱۵۶-۳۲۱۳ را ندارند؛ بنداری (۳۱۴۱-۳۱۵۶):
 و نفذ اثنی عشر ألفا الی بلاد زابل (= ۳۱۴۱، ۳۱۴۲)، و اثنی عشر ألفا الی اللان و حدود الخزر (= ۳۱۴۷، ۳۱۴۸)، و اثنی عشر ألفا
 الی خراسان و حدود بلاد الترك (= ۳۱۵۲، ۳۱۵۳). و أوصی الكل بالتیظ و التحفظ و حفظ الممالک و ضبط الممالک
 ۱۳-س، ق، س^۲ (نیز ل: ۳)؛ (ب: چندان؛ ک: چندان؛ متن = ل (نیز ل) ۱۴-(ق: و روزی بداد) ۱۵-س (نیز ب، و): بر و بر ز هرمز؛ ق،
 س^۲ (نیز ل: ل، آ، ب)؛ که دیدی برو (ل: بدو)؛ بر ز هرمز؛ (ل: که بر وی بدی مهر هرمز؛ ل: که دیدی ز هرمز برو بر)؛ متن = ل، ک
 ۱۶-(ق: چو درویش پوشیده بدیش داد = ۳۱۵۸) (ب: ۱۷-(و: ب: جو) ۱۸-س، ک، س^۲ (نیز ل: ل، آ، ب)؛ پوشیده؛ متن = ل، ق ۱۹-(ق: (نیز
 ب، و، آ، ب)؛ شد؛ (ل: چو پوشیده درویش بد)؛ ق: آ این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم فتح أبواب الخزان، و أخرج كل درهم و دينار وجد من
 ضرب أیبه هرمزد فتصدق بها علی الفقراء و المحتاجین ۲۰-ل: (نیز ق: آ، ب)؛ از آن؛ (آ: بدان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱-(نیز آ):
 وی ۲۲-س، ک، س^۲ (نیز ل: ل، آ، و، ل، آ، ب)؛ گسته^{۲۲}م بدگوی؛ (ق: (نیز آ): گسته^{۲۲}م یک‌روی؛ متن = ل (نیز ق: آ، ب) ۲۳-س، ق، ک، س^۲ (نیز
 ل: ل، آ، و، ب)؛ شادان؛ (ق: آ: تازان)؛ متن = ل (نیز ب: در ل بی نقطه) ۲۴-(ل: ز خون؛ و: بمرگ) ۲۵-س (نیز ل: ۲)؛ کرده؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر؛ بنداری: و نقب عن كل من كان معاضدا و معاوناً لخالیه علی خلع هرمزد و قتله قتلهم حتی أهلك كل من أظهر بذلك
 شمانة و سرورا ۲۶-ل، ک (نیز آ، ب)؛ بپردخت؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷-(و: دری) ۲۸-ل، ل، آ، ب)؛ افکند
 ۲۹-(ل: ۲)؛ گاه؛ بنداری: ثم قسم ساعاته و آیامه و شهره علی مصالح الملك و الدین و مناحج العالمین (بجای ۳۱۶۱ و سپس ترجمه
 ۳۱۶۲-۳۱۷۲ را پس از ۳۱۷۳-۳۱۸۴ آورده است) ۳۰-(و: وزان) ۳۱-ل: شب روز؛ ک: شب تیره؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛
 بنداری: و قسم ساعات ليله و نهاره علی أربعة أقسام أيضا

که دارد^۲ سخن‌های نیکو به یاد،
 بگفتی^۴ به شاه آشکار و نهان،
 ز لشکر، گر از^۶ مردم زبردست،
 گذشته بجستی^۹ و دریافتی!
 نشسته^{۱۱} به آرام با مهتران،
 چنان کز^{۱۴} ره نامداران سزد!
 جهان‌آفرین را^{۱۷} ستایش بُدی!
 همی^{۱۸} برگرفتی چه و^{۱۹} چون و چند،
 که بودی به دانش وُرا رهنمای^{۲۱}،
 نشستی همی^{۲۲} با بتان طراز!
 ببخشید تا شاد باشد ز^{۲۵} دهر:
 یکی نامور پیش او یادگیر،
 کزان^{۲۸} تازه گشتی وُرا روزگار^{۲۹}
 به رخشنده‌روز و شبِ دیرپاز^{۳۲}،
 بیستی به شهراندر آیین به^{۳۴} راه

از آن چار، یک بهر^۱ موبد نهاد
 ز کار سپاه و ز کار^۳ جهان
 ۳۱۶۵ چو در پادشاهی بدیدی^۵ شکست
 سَبک دامن داد^۷ بر تافتی^۸
 دگر جز به^{۱۰} شادی و رامشگران
 نبودی^{۱۲}، نه اندیشه کردی^{۱۳} ز بد
 سیم^{۱۵} بهره گاه^{۱۶} نیایش بُدی
 ۳۱۷۰ چهارم شمار سپهر بلند
 ستاره‌شمر پیش او بر^{۲۰} به پای
 وُزین^{۲۲} بهره نیمی^{۲۳} شب دیرپاز
 همان نیز یک ماه بر چار بهر
 یکی بهره میدانِ چوگان^{۲۶} و تیر
 ۳۱۷۵ دگر بهره زو کوه و دشت^{۲۷} و شکار
 هر آنکه^{۳۰} که گشتی ز^{۳۱} نخچیر باز
 هر آنکس که بودی وُرا دستگاه^{۳۳}

۱- (ل: آ.) بخش) ۲- (ل: آ.) گیرد) ۳- (و: راز) ۴- (ل: آ.) بگوید) ۵- (نیز ل: آ.) ب: ندیدی؛ در س، ک، ل، ن، ق، و حرف یکم بی‌نقطه؛ متن = ق، س، آ (نیز ل: ل، آ، ب، ا) ۶- (ق: آ.) اگر) ۷- (ق: از داد؛ (ق: آ.) باد) ۸- (نیز ب: در تافتی (در ل حرف سوم بی‌نقطه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- (ق: گذشته و جستی)؛ بنداری: فقسّم منها للحضور مع موبد الموبدان والاستماع الی کلامه فی مصالح الملك و احوال الأجناد و ما يتعلق بذلك ۱۰- س (نیز ل: چون به؛ ق (نیز ل: آ.) بهره؛ (ق: آ.) بهره؛ متن = ل، ک، س، آ (نیز ل: ن، پ، و، ل، ن، آ، ب) ۱۱- (ل: آ.) نشستن؛ و: نبود؛ آ: نشستی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲- س، ک، (نیز ل: ل، ی، ب: نکردی؛ س، آ (نیز و: ل، ن، آ.) نه گفتی؛ (ل: آ.) برامش؛ آ: بکردی)؛ متن = ل (نیز ق: آ، ب) ۱۳- (آ: بودی) ۱۴- (ل: چنانک از)؛ بنداری: و قسم للإصفاء الی الظلمات و قضاء الحاجات ۱۵- س، ق، ک، س، آ (نیز ق: ل، آ، ب: سوم)؛ (ل: ن، ی، و، ل، ن، آ، ب: سیوم)؛ متن = ل ۱۶- (ق: آ: کارش؛ ل: ل، آ: کار) ۱۷- (ق: آ: چرا)؛ بنداری: و قسم للعبادة والطاعة ۱۸- (ل: آ: همه) ۱۹- ل: کة (؟)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰- ک: در ۲۱- ل: رهنما؛ آ: بدانندیش رارهنمای؛ ق: آ: همی بود با دانش و رهنمای)؛ بنداری: و قسم للنظر فی علم النجوم و غیره و الاستماع لأصحابه ۲۲- ق (نیز آ: ازین؛ س: آ: رزان ۲۳- (ق: آ: همان نیمه از) ۲۴- س، ق، ک، (نیز ل: ل، ی، پ، و، آ، ب: به می متن = ل، س، آ (نیز ق: ل، آ، ل، ن، آ.)؛ بنداری: و فی هذا القسم کان یجلس فی مجلس الأنس، و یشغل بالهجو و اللعب و العیش و الطرب، و ذلك نصف اللیل ۲۵- (و: به)؛ بنداری: فقسّم شهوره أربعة أقسام ۲۶- ک: چوگان و میدان؛ س، آ (نیز ل: آ، و، ل، ن، آ.) میدان و چوگان؛ س (نیز ل: ل، ی، ب: از او (ب: آن) بهره گوی و میدان؛ ق (نیز آ: ز یک بهره چوگان و میدان؛ ق: آ: زنده بهر میدان و چوگان؛ ب: ز بهره میدان و چوگان)؛ متن = ل؛ در ل این بیت دو بار آمده است؛ بنداری: قسم للمیدان و مبارزة الأقران و ما يتعلق بها ۲۷- س، ک، س، آ (نیز ل: ل، ی، و، آ، ب: دشت و کوه؛ (ق: آ: گور و دشت)؛ متن = ل، ق (نیز ل: آ) ۲۸- ل: از آن؛ س (نیز ق: آ.)؛ ک: او؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹- ک: یادگار ۳۰- س (نیز ل: ل، ی، آ، ب: هر آنکس؛ متن = ل، ق، ک، س، آ (نیز ق: ل، آ، ن، آ) ۳۱- ق: رفتی به ۳۲- ق (نیز ل: آ.) شبان دراز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۳- ق: پیش گاه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۴- ل (نیز ق: ل، ی، آ: آیین و؛ ق: ک (نیز ل: آ) آذین و؛ س، آ (نیز ل: ل، ی، ب: آذین به؛ (ل: آ، ن، آ: آذین و)؛ متن = س (نیز ب: بنداری (۳۱۷۵-۳۱۷۸)؛ و قسم للصید و الطردة و بجای بیت ۳۱۷۸ افزوده است:

نشستی به می با بتان طراز
 برین گونه بد روزگارش بساز

سخن گفتن^۱ از روزگار نبرد
 فزاینده‌ی چیز و^۲ خواننده بود،
 سخن‌های دیرینه برخواندی
 همی‌خواندندی^۵ بنزدیک شاه،
 بدادی بدان مرد^۹ گردن‌فراز^{۱۰}،
 ز در بازگشتی^{۱۲} به آرام خویش
 نبشتی^{۱۴}، سپردی^{۱۵} به هر مهتری
 که رخشان شدی در^{۱۸} دل از هور^{۱۹} دین،
 که نشناختی کهری^{۲۲} در جهان

دگر بهره شطرنج بودی و نرد
 سدیگر^۲ هر آنکس که داننده بود
 ۳۱۸۰ به نوبت ورا پیش بنشاندی
 چهارم فرستادگان را ز^۴ راه
 نبشتی^۶ همه^۷ پاسخ نامه باز^۸
 فرستاده^{۱۱} با خجعت و کام خویش
 همین^{۱۳} روز منشور هر کشوری
 ۳۱۸۵ چو بودی سر سال نو^{۱۶} فوردین^{۱۷}
 نهادی^{۲۰} یکی گنج خسرو^{۲۱} نهان

گفتار اندر زادن شیرویه از مادر به پیروزی^{۲۳}

به گیتی^{۲۵} نبودش سراسر^{۲۶} هَمال
 یکی پورش^{۲۹} آمد همانند شاه^{۳۰}
 به گوش^{۳۲} چنان^{۳۳} پروریده به ناز^{۳۴}،

چو بر پادشاهیش شد پنج^{۲۴} سال
 ششم سال از آن^{۲۷} دختِ قیصر چو ماه^{۲۸}
 نبود آن زمان رسم بانگ^{۳۱} نماز

۱- (ن. ل. ی. گفستی)؛ بنداری: و قسم للعب بالشطرنج و النرد و غیرهما ۲- (نیز ق ۲، ل. ی. آ): سه دیگر؛ س ۴: چهارم؛ متن = س، ق، ک (نیز ل، ن، ۳- ل، ن، ۲، ب) ۳- س، س ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل. ی. ب): فزاینده و چیز؛ (ل ۳): گزاینده و چیز؛ پ: نیبسنده و چیز؛ ن ۴: نویسنده و چیز؛ (متن = ل، ق، ک (نیز و، آ) ۴- ق (نیز پ، آ): به ۵- (و: خواندی تا) ۶- ل، ق (نیز ل ۳، و-ب): نوشتی؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل. ی. پ) ۷- س، س ۲ (نیز ل، ن، ل، و، ب): همی؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق ۲، ل ۳، پ، ل، آ، و، آ) ۸- (و: را) ۹- س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ل. ی. ل ۳، ب): بدان نامداران؛ (آ: بدان نامبردار)؛ متن = ل (نیز ق ۲، ل، ن، آ) ۱۰- (و: چنان نامداران خودکامه را) ۱۱- ک (نیز ل، ن): فرستاد ۱۲- س (نیز ل، ن، ل. ی. ب): ز دریا و خشکی (حد ز در بازگشتی)؛ ک: ز دینار گشتی (حد ز در بازگشتی)؛ متن = ل، ق، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۳، آ) ۱۳- ل، ق، ک (نیز ق ۲، ل ۳، و، آ): همان؛ س ۲: همش؛ متن = س، ک (نیز ل، ن، ل، ن، ۲، ب) ۱۴- ل، ق (نیز و-ب): نوشتی؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز ل، ن، پ) ۱۵- (ل ۳، و، آ): بنداری: و قسم لإحضار الرسل و الإجابة عما صحیحهم من الکتب و الرسائل، و من یری إقطاعه و التوقيع لهم علی المناشير و المهود ۱۶- (پ: در) ۱۷- ق: فرودین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸- ک: از ۱۹- س، ک (نیز ل، ی، و، ل، آ، و، آ): دل هور؛ متن = ل، ق، س ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل ۳، پ، و، پس از این بیت افزوده است:

در آن سال چون خرم و خوش بدی همی دست در شادی اندرزدی

۲۰- س ۲: نهاده ۲۱- (یکی گنج خسرو نهاده) ۲۲- ق: کهران؛ (ق ۲): هیچکس؛ ل: کشوری؛ آ: بشناختی کهر آن؛ بنداری (بجای ۳۱۸۵-۳۱۸۶): ثم جعل یدیر الأمور، و یوسس الجمهور علی هذه الطریقه. و کان کل سنة یتکثر کنزاً من آثار العدل و العماره ۲۳- ل: اندر مولود شیرویه؛ ق: گفتار در مولود شیرویه پسر خسرو پرویز؛ س ۲: اندر مولود شیرویه پسر خسرو؛ ک (جای سرنویس خالی مانده)؛ متن = س (پس از تصحیح فیروزی به پیروزی) ۲۴- س، ک (نیز ل، ن، ل، ی، ن، آ، و، ب): بگذشت؛ س ۲ (نیز و): پادشاه پنج بگذشت؛ (ل ۳): شاه بگذشت بر پنج)؛ ق: به پنجم ز گیتی به شاهیش؛ (آ: چو بگذشت شاهیش بر پنج)؛ متن = ل (نیز ق ۲، چو از، ب) ۲۵- ق: به دوران ۲۶- س، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ل، ی، ل، ۳، پ، ل، ن، آ، و، ب): سراسر نبودش؛ متن = ل، ق (نیز ق ۲، و، آ) ۲۷- ل: زان؛ س ۲ (نیز ل ۳): ازین؛ (ق ۲، ل، ن، آ، و، آ): فر (نیز و): سالت از؛ (آ: نهم ماه از)؛ متن = س، ک (نیز ل، ن، ل، ی، پ، ب) ۲۸- (ق ۲: ز شاه) ۲۹- س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ب): کودک؛ متن = ل ۳۰- (ق ۲: چو تابنده ماه)؛ بنداری: و لما أنت علی ملکه ست سنین رزق من بنت قیصر ابنا کالقمصر ۳۱- (ق ۲، ل، ن، آ، و، ب): بانگ و ۳۲- (ل ۳): بگویی! ۳۳- ل: جهان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۴- (ل، ن، آ): نیاز

نهانی دگر، آشکارا دگر،
همی خواندی آشکارا^۴ برون^۵،
همی خواند^۶: شیروی فرخ نژاد!
بیامد بر خسرو اخترشناس
که هر^{۱۱} کس که کرد اندر^{۱۲} اختر نگاه،
ز زیج^{۱۶} اختر این جهاندار چیست^{۱۷}؟
که بر چرخ گردان نیابی گذر!
نخواند سپاهش^{۱۹} برو^{۲۰} آفرین!
ازین بیشتر چون سراییم چیز!
وژان^{۲۳} ناسزاوار گفتارشان!
که به زین کنیدی این سخن^{۲۵} نگاه!
به پیش بزرگان^{۲۶} ایران زمین!

۳۱۹۰ یکی نام گفתי مرو را^۱ پدر
نهانی بگفתי^۲ به گوش اندرون^۳
به گوش اندرون نام گفتش^۶ قباد
چو^۸ شب کودک آمد گذشته سه پاس
از^۹ اخترشناسان بپرسید^{۱۰} شاه
۳۱۹۵ چه دیدندو^{۱۳} فرجام^{۱۴} این^{۱۵} کار چیست؟
چنین داد پاسخ ستاره شمّر^{۱۸}
ازین کودک آشوب گیرد زمین
هم از راه یزدان بگردد^{۲۱} بنیز^{۲۲}
دل شاه غمگین شد از کارشان
۳۲۰۰ چنین گفت^{۲۴} با مرد داننده شاه
نگر تا نگرده زبانتان^{۲۶} برین

نهاده بران^{۲۹} بسته بر مهر شاه^{۳۰}

همی داشت آن^{۲۷} اختر بد^{۲۸} نگاه

۱-س، ق، ک، س^۲ (نیز لن-ب): به گوشش (و: نهانی) یکی نام (ک: بانگ؛ ل: آ: راز) گفתי؛ متن = ل = ۲- (ق: آ: بگفتش)؛ ق: نهانیش گفתי
۳- (و: به گوشش درون) ۴- س (نیز لی، پ، ب): آشکار از؛ ق (نیز آ): همی آشکاراش خواندی؛ (ن: همی خواند ای آشکار از؛ و: همی آشکارا بخواند از)؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز ق^۲، ل، آ، لن، آ) ۵- ک: ربون (ل): بنداری؛ و: کان من عادتهم اذا ولد لهم مولود حضر أبوه و نجاه فی أذنه بالاسم الذی یرید أن یسمیه به بحیث لا یطلع علیه أحد، و یسمیه باسم آخر علی رءوس الملائم فیشهر به ۶- ج: خواند خسرو؛ س (نیز لی): گفت نام؛ (ن: گفت فرخ؛ ب: نام گفتند)؛ ک: اندرین نامه (ج: اندرون نام) گفتش؛ (پ: اندرش نام گفتا؛ ق: آ: به گوشش ورا خواند خسرو)؛ متن = ق، س^۲ (نیز لن، و، لن، آ، ل) ۷- ل: گفت؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فحضر برویز و ناجی المولود باسم قباد، و دعاه بین الناس شیرویه؛ در ل^۲ بیت های ۳۱۹۲ و ۳۱۹۳ پس از ۳۱۹۵ آمده اند ۸- ل، ق (نیز آ): به؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ک، لن^۲ پس از این بیت افزوده اند:

برو آفرین کرد اخترپژوه برش ایستادند یکسر گروه

۹- ک: به؛ (و: آ: ز) ۱۰- ک: بفرمود ۱۱- س: آ: زهر؛ (ق: هر آن) ۱۲- ل: که دارند؛ س (نیز لی): که داند به؛ ق: که داند ز؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ک: پس از این بیت افزوده است:

بگوئید چون هست یک یک بهم فزون زان نباید که باشد نه کم

۱۳- ل: بدیدیدی که؛ س (نیز لی): چه دانید (و: لن، ق، آ، ب: چه دیدی و؛ پ: چو دیدند و؛ و: ببیند که؛ لن: آ: چه دیدید و)؛ متن = ق، ک، س^۲ (نیز ل) ۱۴- س: فرمان ۱۵- (لن: آن) ۱۶- ل، ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، ل، آ، و، ب): رنج؛ متن = س، ق (نیز لن، پ، ب) ۱۷- (و: کیست)؛ بنداری: قال: ولما مضی ثلاث ساعات من اللیل حضر المنجمون عند الملک فسألهم عن طالعه المولود ۱۸- (ل: آ: به خسرو چنین گفت اختر شهر) ۱۹- ل: سپاه؛ س: آ: سپاهش نخواند؛ متن = دو ازده دستنویس دیگر ۲۰- (لی: بدو) ۲۱- (لی: نگرده) ۲۲- ک: بگرددت نیز؛ بنداری: فقالوا: أیها الملک! إن الأرض تملیء من هذا المولود شراً، و لا یحمد أحد سیرته. و هو یمرق عن الدین، و یمخرج عن طاعة رب العالمین. ولسنا نریک علی هذا شیئا ۲۳- (ق: از آن) ۲۴- س: آ: کرد ۲۵- ل: که نیکو کنیدی اندر اختر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۶- (لن: زفانتان) ۲۷- (ق: آ، ل، آ: این) ۲۸- ل (نیز پ): اختران را؛ ق (نیز آ): اختر او؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹- (لی: بدان) ۳۰- (و: مهر و ماه)

بدان^۲ هفته کس را ندادند بار^۳
 بدان^۵ چندگه روی او کس^۶ ندید
 ز هر گونه‌یی داستان‌ها زدند،
 که بریست بر کهتران^۹ راه را؟
 یکایک بداد آن^{۱۰} پیام سپاه
 که من تنگ‌دل گشتم از روزگار
 ز گردون گردان شدم ناسپاس^{۱۲}
 بیاور، یکی^{۱۴} رُقعہ اندر میان!
 دلش تنگ شد، خامشی برگزید^{۱۵}
 کجا^{۱۸} برتر از دانش هرکس‌ست!
 دگرگون نماید به جوینده^{۲۲} چهر^{۲۳}،
 چُنین گفته^{۲۵} از دانشی کی سزَد؟!

پُراندیشه شد^۱ زان سَخُن شهریار
 ز^۴ نخچیر و از می به یکسو کشید
 همه مهتران^۷ پیش^۸ موبد شدند
 بدان تا چه بُد نامورشاه را
 چو بشنید موبد، بشد نزد شاه
 چُنین داد^{۱۱} پاسخ وُرا شهریار
 ز گفتار این مرد اخترشناس
 ۳۲۱۰ به گنجور فرمود کان^{۱۳} پرنیان
 بیاورد گنجور و موبد بدید
 وُزان^{۱۶} پس بدو گفت^{۱۷}: یزدان بس‌ست!
 گر^{۱۹} ایدونک^{۲۰} ناچار^{۲۱} گردان‌سپهر
 به تیمار کی بازگردد ز^{۲۴} بد؟!

۱-ل. ق: بد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-ل: بران؛ (ق ۲، پ، ل، ن، آ، ا: در آن)؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز: ل، لی، ل، و، ب) ۳-ق: که من تنگ دل گشتم از روزگار (۳۲۰۳-۳۲۰۸ از ۳۲۰۳ و ۳۲۰۸ یک بیت ساخته است)؛ بنداری (۳۲۰۳-۳۱۹۹)؛ فقطم ذلک علیه، و خلا فی بینه مهموما محزونوا، و حجب الناس أسبوعا (۳۲۰۳-۳۲۰۸ و ندارد) ۴-س، ک (نیز: لی)؛ به؛ متن = ل، س ۲ (نیز: ق ۲، ل، ب) ۵-ک: بران؛ (و: در آن) ۶-ل (نیز: و): روی کس را؛ ک: روی خسرو؛ متن = س، س ۲ (نیز: ق ۲، لی، ل، پ، ل، آ، ب)؛ ق: ان این بیت را ندارد ۷-ل (نیز: موبدان) ۸-ل: سوی؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: ان این بیت را ندارند ۹-س (نیز: لی)؛ مهتران؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما طال الحجاب إجتمع الأمراء والقواد علی موبذ الموبذان، و قالوا: ما للملک قد احتجب لیس یقعده للناس؟ ۱۰-ل: بدو داد یکسر؛ (ل: سراسر بداد آن)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: این بیت را ندارد؛ بنداری: فرکب الموبذ و استأذن و دخل علی الملک و أذی الیه ما قالوا؛ ک پس از بیت ۳۲۰۷ افزوده است:

به موبد چنین پاسخ آورد شاه
 که ای نیکدل مرد داننده‌راه

۱۱-ل (نیز: چو بشنید)؛ ق: ان این بیت را ندارند ۱۲-ل (و: پُر هراس؛ ل: شده ناسپاس)؛ ان این بیت را ندارد؛ بنداری: فقال برویز: إنی ضیق الصدر مما ذکر المنجمون فی طالع هذا المولود ۱۳-ل (نیز: ق ۲، پ، آ)؛ گفت آن (ق: این) یکی؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز: ل، لی، ل، و، ل، ن، آ، ب) ۱۴-س (نیز: ل، لی، ن، آ، ب)؛ بیاورد و (لی: جو)؛ آن؛ (ل: برآورد یکی)؛ متن = ل، ق، ک، ب، س ۲ (نیز: ق ۲، پ، آ) ۱۵-ل ۱۶-س (نیز: لی)؛ این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم أمر خازنه فأحضر حریرة فیها رقعة فدفعها الی الموبذ. فلما قرأها ضاق صدره و سکت ساعة ۱۶-ل (نیز: ق ۲، و)؛ از آن؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز: ل، لی، ل، و، ل، ن، آ، ب) ۱۷-ق (نیز: آ)؛ بدو گفت زاپس که ۱۸-س، ق، ک، س ۲ (نیز: ل، ن)؛ که او؛ متن = ل ۱۹-س، ک، س ۲ (نیز: ل، ل، و، ل، ن، آ، ب)؛ و؛ (پ: ار)؛ متن = ل، ق (نیز: آ) ۲۰-ق (لی، ل، آ، که) ۲۱-ل (نیز: تا چند) ۲۲-ق (گوینده) ۲۳-ک: گهی کین و پرخاش و که داد و مهر؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ س این بیت را ندارد ۲۴-ل (لی: به) ۲۵-س، ل (نیز: لی)؛ و)؛ گفت؛ ق: س ۲ (نیز: ل، ن، پ، ل، آ، ب)؛ گفتن؛ متن = ل (نیز: ق ۲، ل)؛ بنداری: ثم قال: کفی بالله معینا. و إن کان قد جرى القلم بشيء فلا مردله، و لا یدفع الهم شینا منه؛ ک بجای بیت ۳۲۱۴ و ق ۲، لی پس از آن افزوده‌اند:

چنان چون بکارد فلک بدرویم (ق: به کار زمانه دریم)
 نیاید بدن جز به داد (ق ۲، لی: بیاید بدن چون بدارد) سپهر
 ازو کالبد راست سود و زیان
 بدو کام و ناکام ما (لی: به کام و به بدهای او) یگرویم
 (ق: به کام و به ناکام زو بگذریم)
 گهی کین و پرخاش و گه (ق: به کین و به پرخاش یا) داد و مهر
 چو دانا شود (ق: بود) زو نترسد روان

ز گفتار ایشان مکن هیچ^۳ یاد!
 سر اختر اندر^۴ کنار تو باد!
 بخندید و کاری نو افگند بن^۵.
 سخن گفت با او از^۹ اندازه بیش^{۱۰}،
 که برنه سزوار شاهی کلاه^{۱۱}،
 که هرگز ندیدی چنو^{۱۴} کودکی^{۱۵}!
 وگر در هنر بخشش^{۱۷} و تخت^{۱۶} را!
 که شاهی^{۱۹} و گردنکشی را سزی!

جز از^۱ شادمانیت^۲ هرگز مبادا
 [جهان آفرین پشت و یار تو باد!
 ز موبد چو بشنید خسرو سخن
 دبیر^۶ نبیسنده^۷ را خواند پیش^۸
 به قیصر یکی نامه فرمود شاه
 ۳۲۲۰ که مریم پسر زاد شنید^{۱۲} یکی^{۱۳}
 نشاید مگر دانش و بخت^{۱۶} را
 چو من شادمانم، تو شادان بزی^{۱۸}!

نگه کرد و^{۲۱} توقیع پرویز دید،
 دمیدند و پر^{۲۲} بانگ شد کشورش!
 بر آواز^{۲۴} شیروی^{۲۵} پرویزشاه!
 همه شهر روم از کران تا کران!
 نسیم گلان^{۲۹} آمد و بوی^{۳۰} طیب!

چو آن نامه نزدیک^{۲۰} قیصر رسید
 بفرمود تا گاودم^{۲۱} بر درش
 ۳۲۲۵ ببستند آیین^{۲۳} به بیراه و راه
 برآمد هم^{۲۶} آواز رامشگران
 به درگاه بردند چندی^{۲۷} صلیب^{۲۸}

۱-ق (نیز پ، ل، ت، ۱): بجز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-س، ک، ل (نیز ل، ن، و، پ): شادکامیت؛ (لن: ۲: کام و شادیت)؛ متن = ل، ق، س ۳ (نیز پ، ل، ۳): (ق: آ: ایچ) ۴- (ب: اختران در): ل، ق، ل، ق، ۲، پ، آ، این بیت را ندارند ه: بنداری: فدعاله و سلاه و طیب قلبه حتی سزی عته و ضحک؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند، س: نامه خسرو به قیصر و مزده دادن از زادن شیرویه؛ ق: نامه خسرو بنزد قیصر به آگاهی ولادت شیرویه؛ ل: نامه خسرو نزدیک قیصر ۵- (ن: ۲: دبیری) ۶- ل، ک، س ۲ (نیز ل، ۳، پ، ب): پسندیده؛ س، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، ی، و، ل، ن، ۱): نویسنده؛ متن تصحیح قیاسی است ۸- (ل، ن، ب: شاه)؛ ل، ۲، س ۲ (نیز ق، ۲، ل، ن، ۲): پیش خواند ۹- ل (نیز ل، ی، ل، ۳، و، آ): ز؛ متن = س، ک (نیز پ) ۱۰- ل ۲ (نیز ل، ن، ۲): سخن بیش از (لن: ۲: سخن های بی!) اندازه با او براند؛ س: آ: ابا او ز هر در فراوان براند؛ (ل، ن، ب: که برنه سزوار شاهی کلاه = ۳۲۱۹ ب: ق: ۲: فراوان ز هر در سخن ها براند)؛ ق: این بیت را ندارد ۱۱- (و: شادی کلاه؛ ق: ۲: سراسر به شادی کلاه)؛ ل، ن، ب: این بیت را ندارند ۱۲- ل: زیبا؛ س (نیز ق، ۲، ی): در شب؛ ق: امشب؛ ک: بشنو؛ ل، ۲، س ۲ (نیز و: شنبه؛ ل، ۳: شیرو؛ پ، ل، ن، ۲: مهوش)؛ متن = (ل، ن، ب: شنید)؛ ل، ۲: بنداری) ۱۳- (آ: زاده و کودکی) ۱۴- ل، ک، ۱: ل، چو او؛ (ل، ن: چنان؛ آ: چنین؛ ل، ۳: بینی چنین) ۱۵- ق: که از ماه پیدا نبود اندکی ۱۶- ل، ی، ک (نیز ل، ن، ق، ۲، و، ل، ن، ۱): تخت - بخت؛ در س، ل ۲ حرفهای نخستین بی نقطه؛ متن = ق، س ۳ (نیز ل، ۳، پ، ب) ۱۷- (ق: ۲: دانش)؛ بنداری (۳۲۱۶-۳۲۲۱): و خرج من بیت الاحزان و قعد فی الابوان، و استحضر الکتاب و امره فکتب الی قیصر کتابا یلکمر فیه انما رزقنا یوم السبت من شهر کذا ولدا مبارکا لم یر مثله أحد یصلح للنتاج و التخت؛ ل، ن ۲ پس از بیت ۳۲۲۱ افزوده است:

نخواهم بجز آنکه تا کردگار
 به خوبی نهال وی آرد به بار

۱۸- (ل، ن: بدی) ۱۹- س، ل، ۲، س ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، ی، و، ل، ن، ۱): شادی؛ متن = ل، ق، ی (نیز ل، ۳، پ، ب): بنداری: و قد فرحنا بمقدمه و أعلمناک لتشارکتنا فی السوریه ۲۰- ل: نزد (ل) ۲۱- (ل، ن، ۲: جو) ۲۲- ل: زدند و پراز؛ ک: دویزدند و پر؛ (ل، ی، پ، ب: مزیدند و پر؛ و: دمیدند پر)؛ متن = س، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، ن، ۱، ۲) ۲۳- س، ک، س ۲ (نیز ل، ن، پ، ب): آذین؛ (ق: ۲، ی، ل، ۳، و، ل، ن، ۲: آذین)؛ متن = س، ل، س ۲ (نیز ب) ۲۴- (و: آوای) ۲۵- ل: شیرویه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق: این بیت را ندارد ۲۶- ل، ق: بر؛ (آ: ز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷- (و: چندان) ۲۸- ل، ۲: حبیب (ل) ۲۹- ک (نیز ق، ۲، ل، ۳، و، ل، ن، ۱): گلاب؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰- (ل، ی: بانگ)

ببودند شادان ز شیروی کی^۱
 بیامد به درگاه با^۲ ساروان^۳،
 چو پنجه شتر بار دینار کرد^۴،
 که^{۱۱} گفتی ز زر جامه بازر یکیست^{۱۲}،
 - چنان کرد^{۱۵} در^{۱۶} شهریاران^{۱۷} سزد!،
 به^{۲۱} گوهر بز و^{۲۲} چشمشان آزده^{۲۳}،
 یکی نزه^{۲۵} طاوس کرده به^{۲۶} زر،
 ز دز^{۲۹} و زبرجد یکی آنگیر،
 ز دینار^{۳۲} رومی هزاران هزار،
 کجا هر چهل بود بیدار دل!
 که همتا نبودش به فرزانیگی^{۳۶}!
 شتروار^{۴۰} دینار ده کاروان^{۴۱}

به یک هفته زین گونه با رود و می
 به هشتم بفرمود^۲ تا کاروان^۳
 ۳۲۳۰ صد استر^۶ ز گنج^۷ درم بار کرد^۸
 ز دیبای زر بقیه رومی^{۱۱} دو بست
 چهل خوان^{۱۳} زرین پایه بست^{۱۴}
 همان چند^{۱۸} زرین و سیمین^{۱۹} دده^{۲۰}
 به مریم فرستاد چندی^{۲۴} گهر
 ۳۲۳۵ چه از جامه ی بزم^{۲۷} رومی^{۲۸} حریر
 همان^{۳۰} باژ کشور که بد^{۳۱} چار بار
 فرستاد با مرد^{۳۳} رومی چهل
 گوی پیشرو^{۳۴} نام او^{۳۵} خانگی
 همی شد برین^{۳۷} گونه بر^{۳۸} ساروان^{۳۹}

۱- (ل: ۲، ک: ۱؛ شیروی و کی)؛ بنداری (۳۲۲۸-۳۲۲۳): فلما وصل الی قیصر و بشر بولاده شیرویه استبر و أمر بضرب البشائر
 علی بابہ. فطنت أرجاء أنطاکیة بأصوات البوقات و النایات، و أغارید المسمعین باسم شیرویه و المسمعات حتی مضی علی ذلک
 أسبوع ۲. (ق: ۲؛ بفرمود هشتم که) ۳- (و: ساروان) ۴- (ق: ۲؛ بار!) ۵- (ل: ۳، ن: ۱؛ ساریان؛ و: کاروان) ۶- (س: ۲؛ نیز لن، و، آ، ب؛
 اشتر؛ متن = ل، س؛ نیز لن) ۷- (ب: گنج و) ۸- (نیز ق: ۲، ل: ۲، و)؛ کردبار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹- س، ل: ۲؛ نیز لن، بی، ب؛ ز
 دینار پنجاه خروار کرد؛ ک: ز دینار بد صد هزاران زرد؛ س: ۲؛ (نیز ق: ۲، ل: ۲، و)؛ ز دینار پنجه ز بهر نثار؛ متن = ل، ق، ک؛ (نیز ب، ل، ن، آ، ۱، ۲)؛ درک
 این بیت یکبار هم برابر س: ۲ آمده است؛ بنداری: و فی الیوم الثامن أوفر مائة حمل من الدرهم، و خمسين من الدنانیر ۱۰- (ل: ۲؛ چینی؛
 ب: و رومی) ۱۱- (ق: ۲؛ تو) ۱۲- س: ۲؛ (نیز لن، ب، ل، ن، آ، ۱)؛ جامه را تار (س، ق: ۲؛ تار؛ ک، ل: ۳، ن: ۱، آ، ۱)؛ بار) نیست؛ (و: جامها مار
 بی نقطه) نیست؛ ب: ز زرخانه را بار نیست؟؛ متن = ل؛ بنداری: و مائتین من أنواع الثیاب ۱۳- (لن، و: خان) ۱۴- س: (نیز لی: زرین
 گرانمایه بد!)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵- (لن: چنانک از) ۱۶- س، ق، س: ۲؛ (نیز لی: ره؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷- س:
 هوشیاران؛ لی: نامداران)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: و أحضر أربعین خوانا من العقیان بقوائم المرجان ۱۸- (لن: ۲؛ طوق)
 ۱۹- ل: ۲، س: ۲؛ (نیز ب: سیمین و زرین ۲۰- ل: ۲؛ نیز لن) ۲۱- زده؛ ل: ۲؛ زده؛ (ل: ۳؛ سده)؛ متن = س، س: ۲؛ (نیز لن، ق: ۲، لی، ب، و، آ، ۱)؛ س: (نیز لن،
 لی، ن، ب، ۲؛ ز؛ متن = ل، ک، س: ۲؛ (نیز ق: ۲، ل: ۲، پ، آ، ۱) ۲۲- س: (نیز لی، ب؛ بدو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- (و: چشمه اشان زده؛ ل: ۲؛ آ:
 چشمه آزه)؛ ق: ل: ۲؛ این بیت را ندارند؛ بنداری: و تماثل عده معموله أبدانها من الذهب و أحداقها من الجواهر ۲۴- (ل: ۳؛ و: چندان)
 ۲۵- س، ک، ل، ۲؛ (نیز لی، ل، ن، آ، ۱)؛ پز (در س بی نقطه)؛ (نیز و)؛ چتر؛ (لن، ق: ۲، ل: ۲، ب؛ نزه؛ آ: که بر پز)؛ متن = ل، ق، ک؛ (نیز ل: ۳)؛ ز: متن =
 یازده دستنویس دیگر؛ ب، بنداری این بیت را ندارند ۲۷- ل: ۲؛ (نیز لی، ل: ۳)؛ نرم؛ ق، س: ۲؛ (نیز و)؛ نرم و؛ (ق: ۲؛ خز و؛ آ: رومی بزم و؛
 متن = (ب، ل، ن، آ، ۱)؛ (و: چینی) ۲۹- (و: ل: ۲؛ زر)؛ س، ک، ل، ب؛ این بیت را ندارند؛ بنداری: و حوضا معمولا من الذهب مرصعا بالجواهر
 ۳۰- (ل: ۳؛ همی) ۳۱- ل: ۲؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲- (ق: ۲، ل: ۲؛ دیبای)؛ ک، ب؛ این بیت را ندارند؛ بنداری: و نفذها کلها مع خراج
 الروم، و هو أربعة آلاف ألف دینار قیصری، الی برویز ۳۳- چون مرده؛ (و: مردان)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: و أصحاب
 الهدایا أربعین شخصاً من أعیان الروم ۳۴- (ب: برهنه) ۳۵- (لی: آن) ۳۶- ک: به پیش اندر آمده بیگانگی (۳۲۴۴؛ ب)؛ بنداری: مقدّمهم
 رجل یسمی خانگی ۳۷- (ق: ۲؛ لی: بدین) ۳۸- ل: (نیز ق: ۲، و)؛ با؛ متن = ق، ک، س: ۲؛ (نیز لن، لی، ل: ۲، ب، ل، آ، ۱)؛ ۳۹- س: ۲؛ (نیز لن، ل، ن، آ:
 ساریان؛ ل: ۳؛ کاردان) ۴۰- ل: شتریار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴۱- (ل: ۳؛ با ساروان)؛ ل: ۲؛ این بیت را و س، ب؛ بیت های ۳۲۳۹-۳۲۴۴ را
 ندارند

۳۲۴۰ چو آگاهی آمد به پرویز شاه
 به فَرخ^۵ بفرمود تا برنشست
 که سالار او بود بر^۷ نيمروز
 برفتند با او سواران^۹ شاه
 چو از دور دید آن سپه خانگی
 ۳۲۴۵ چنين تا بنزدیک^{۱۱} شاه آمدند
 چو دیدند زیبارخ شاه را
 نهادند همواره^{۱۴} سر بر زمین
 بمالید پس خانگی رخ به خاک^{۱۶}
 ز پیروزگر آفرین بر^{۲۰} تو باد!
 ۳۲۵۰ بزرگانش از جای برخاستند
 چنين گفت پس شاه را خانگی
 ز^{۲۵} خورشید^{۲۶} بر چرخ تابنده تر!
 مبادا جهان بی چنين شهریار!
 میناد کس روز بی کام تو!
 ۳۲۵۵ جهان بی سر و افسر تو مباد!
 ز قیصر درود و ز ما آفرین

که پیغامبر^۲ قیصر^۳ آمد ز^۴ راه،
 یکی مرزبان بود^۶ خسرو پرست،
 گرانمایه گردی و لشکر فروز^۸،
 به سر بر نهادند زرین کلاه،
 به پیش اندر آمد به بیگانگی^{۱۰}
 بدان نامور بارگاه^{۱۲} آمدند
 بران^{۱۳} گونه آراسته گاه راه،
 برو^{۱۵} بر همی خواندند آفرین
 همی گفت کای^{۱۷} داور^{۱۸} داد و پاک^{۱۹}،
 مبادی همیشه مگر شاه و شاد^{۲۱}!
 همه دست بر دست بگذاشتند^{۲۲}
 که چون تو که باشد^{۲۳} به فرزانی^{۲۴}!
 ز جان^{۲۷} سَخَنگوی پاینده تر^{۲۸}!
 برومند بادا وُرا^{۲۹} روزگار!
 نشته^{۳۰} به خورشید^{۳۱} بر نام تو!
 بر و بوم بی لشکر تو مباد^{۳۲}!
 برین^{۳۳} نامور شهریار زمین!

۱- ق، س^۲ (نیز پ، و، آ)؛ پیروز؛ (ل^۳: فیروز)؛ متن = ل، ک، ل^۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن^۲)؛ ۲- ل، س^۲ (نیز ل، ی، ب)؛ پیغمبر؛ متن = ک، ل، ک^۲ (نیز ل، ن، آ، و، ل، ن^۲)؛ ۳- (ق^۲: که از پیش قیصر کس)؛ ۴- ک، به؛ ۵- (ل: تفرج)؛ ۶- (پ: حیود)؛ ۷- (ل، و، ل، ن، آ: در؛ آ: که او بود سالار بر)؛ ۸- ل (نیز آ)؛ گیتی فروز؛ ک (نیز ق^۲، ل، ی، ل^۲)؛ گرانمایه و گرد و لشکر فروز؛ ل^۲ (نیز ل، ن، پ، ل^۲)؛ گرانمایه ای گرد و (ل^۲: پ: جو)؛ لشکر فروز؛ متن = س^۲ (نیز و)؛ بنداری (۳۲۳۹-۳۲۴۲)؛ و لما قریوا من برویز امر سالار نیمروز المسمی فرخ زاد باسقبالهم؛ ۹- (ق^۲: دلیران)؛ ۱۰- ق: ز فرزانی؛ ل^۲ (نیز ل، ن): به مردانگی؛ (ل^۲: ز بیگانگی؛ آ: به فرزانی؛ ل: آمد افکند بیگانگی؛ و: که همتا نبودش ز بیگانگی)؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز ق^۲، پ، ل، ن^۲)؛ ۱۱- (ل^۲: به درگاه)؛ ۱۲- ل: بران نامور پیشگاه؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: فخرج و تقاهم و دخل بهم الی حضرة الملک؛ ق در اینجا سرنویس دارد: پاسخ نامه خسرو از قیصر با باز و تحف روم و التماس دار عیسی از خسرو و پاسخ خسرو به قیصر؛ ۱۳- (ل، ی، و، ب: بدان)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ۱۴- (ل: هموار)؛ ۱۵- (ل: ن): به سر؛ ل: ی: بدو)؛ ۱۶- (آ: بر زمین)؛ ۱۷- س، ک، (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ی، ب): ای؛ ۱۸- س، ک، ل، س^۲ (نیز ل، ی، ل، آ، و، ل، ن، آ، ب): مهتر؛ متن = ل، ق (نیز ق^۲، پ، آ)؛ ۱۹- ل (نیز ل^۲، و، ل، ن، آ، ب): داد پاک؛ (آ: داد و دین)؛ متن = ل، س، ک، ل، س^۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ی، پ)؛ ۲۰- (و: جریر)؛ ۲۱- ل: راد؛ ک: راد و شاد؛ (ق^۲: شاد و راد؛ آ: مگر همیشه شاه شاد!)؛ ل^۲: بجز شاه و شاد؛ و: مبادی مگر شاه و پیروز شاه؛ متن = س، ق، ل، س^۲ (نیز ل، ن، ی، ل، پ، ب)؛ ۲۲- (و: آراستند)؛ ل، ق، ل^۲ (نیز ق^۲، پ، ل، ن، آ): بنزدیک شه جایش آراستند؛ (ل^۲: ز دیر آمدن پوزش آراستند)؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز ل، ن، ی، ب)؛ ۲۳- (ق^۲: نباشد)؛ ۲۴- ل: به مردانگی؛ ۲۵- (ل: ن): به؛ ل: ی: چو)؛ ۲۶- ک: خورشید؛ ۲۷- ل: خاک (ل)؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ ۲۸- (پ، ل، ن): پاینده تر؛ ب: تابنده تر؛ س در اینجا سرنویس دارد: آمدن فرستادگان قیصر بنزد خسرو با خواسته؛ ۲۹- ل: برو؛ ق: و به؛ (ق^۲: چنين)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ و این بیت را ندارد؛ ۳۰- ل (نیز ل^۲، و، ل، ن، آ): نوشته؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ۳۱- ک: خورشید؛ ۳۲- این بیت در وپس از ۳۲۵۷ و در ل^۲ پس از ۳۲۵۶ آمده است؛ ۳۳- (ل: بدین)

نباشد، وُرا روشنایی^۳ مبادا!
بدین^۵ نامبردار بوم آمدیم^۴
بدان تا نباشد کس^۹ از ما^{۱۰} دژم
که با باژ و چیز^{۱۲} آفرینست^{۱۳} نیز^{۱۴}

کسی کو به پیوستگی^۱ شاه شاد^۲
ابا هدیه و باژ روم آمدیم^۴
برفتیم با فیلسوفان^۷ بهم^۸
۳۲۶۰ ز قیصر پذیرد مگر باژ و چیز^{۱۱}

نهادند زرین^{۱۷} یکی زیرگاه^{۱۸}
بدو گفت: چندین نایست^{۲۱} رنج^{۲۲}!
که این^{۲۴} نامه برخوان به پیش سپاه!
که گوینده‌یی^{۲۵} بود و^{۲۶} هم یادگیر!
سرافراز^{۲۸} پرویز یزدان‌پرست!
که یزدانش تاج و خرد داد بهر^{۳۲}!
که زیبای تاجست و زیبای^{۳۵} گاه!
که پاینده^{۳۶} بادا^{۳۷} بدو^{۳۸} نام و کام!

بخندید^{۱۵} از آن پُره‌نمرد^{۱۶} شاه
فرستاد^{۱۹} پس چیزها سوی گنج^{۲۰}
به خَرّاد برزین چُنین گفت^{۳۳} شاه
به عنوان نگه کرد مرد دبیر
۳۲۶۵ چُنین گفت کین نامه سوی مِهشت^{۲۷}
جهاندار و^{۲۹} بیدار و^{۳۰} پَدرام شهر^{۳۱}
جهاندار^{۳۳} فرزند هرمزدشاه^{۳۴}
ز قیصر پدرمادر شیرنام

۱-ل، ق، ل، س، آ (نیز آ): درین سایه؛ (ب، ل، ن، آ: به پیوستن؛ متن = س، ک (نیز ل-ن، ل، و، ب، ۲: (ب: باد) ۳-۲: (ل، ن: زندگانی)
۴-ل: آمدیم؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۵-ل: برین؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۶-س (نیز ل، ل): نامداران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در ل، ن، آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۷-ل: نامداران) ۸-ل: (ل: روم) ۹-ق: (نیز آ): نباشید ۱۰-و: (و: نباشیم دره) ۱۱-ل: باژ نیز؛ (ل، ن: شاه چیز؛ آ: باژ و ساو) ۱۲-ل: (که با هدیه‌ها) ۱۳-س، ک، ل، ن، آ: (نیز ل، ل، ب): بود؛ (و: باد)؛ متن = ل، ق (نیز ق، ل، ب، ل، ن، آ، ۲) ۱۴-ل: (که با باژ ساوست و با گنج کاو) ۱۵-س: ۲: همی دید ۱۶-ق: (آ: از آن پس خردمند) ۱۷-س، ک، ل، ن، آ: (نیز ل، ل، ب، ل، ن، آ، ۲): زیرش؛ متن = ل، س، آ (نیز ق، ل، و، ۳) ۱۸-ل: پیشگاه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق: چو آن نامه بنهاد در پیشگاه؛ (آ: که آن نامه برخواند پیش سپاه = ۳۲۶۳)؛ بنداری (۳۲۶۱-۳۲۶۶): فلما مثلوا بین یدیه وضعا جباهم علی الأرض و خدموه، و تکلم مقدّمهم و دعا لبرویز، و مدحه و هتاه بالولد الذی رزقه؛ س ۲ در اینجا سرنویس دارد: نامه قیصر بنزدیک خسرو پرویز ۱۹-س: آ: نهادند ۲۰-ل: (شاه) ۲۱-و: (چه بایست) ۲۲-ل: نهادند زیرش یکی زیرگاه = ۳۲۶۱)؛ ق، آ این بیت را ندارند؛ بنداری: ثم قدّم تلك التحف الفاخرة و الهدايا الرائعة فتسلمها النخازن؛ ک، ل، ن، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

هم از بهر مریم نثاری که بود
سوی او فرستاد آنگاه زود

۲۳-ل (ن: آ: بفرمود) ۲۴-س، ک، س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، ل، ب): آن؛ متن = ل، ل، آ (نیز ل، ل، و، ل، ن، ق)؛ ق، آ این بیت را ندارند؛ بنداری: و دفع الیه کتاب قیصر فئاوله الملک خَرّادین برزین قرقره علی رؤوس الأشهاد ۲۵-س، ک، ل، ن (نیز ل، ل، و، ل، ن، آ، ب): گوینده او؛ (ل: گوینده هم)؛ متن ← ۲۶-ل (نیز ل): < و: (پ: گوینده بود او)؛ متن = ل، ق، س، آ (نیز ق، ل، آ) ۲۷-ق (نیز ب، ل): نزد مهست؛ ق: آ: زین مهترست؛ ل: زی خسروست؛ ل، ن: نزد شهست؛ ل، ن: نامه مبهمست (!)؛ ک: نامه سومهست (!)؛ (و: نامه قیصرست)؛ متن = س، ل، ن، آ (نیز ل، ل، ب) ۲۸-ل (نیز ق، ل، آ، ۲): جهاندار؛ ق (نیز آ): سزاوار؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹-س، ق، س، آ (نیز ل، ل، ب، پ، ب): چو ک (نیز ل، آ): سرافراز و؛ متن = ل، ل، آ ۳۰-س، ق، س، آ (نیز ل، ل، ب، پ، و، ل، ن، آ، ب): چو ک؛ متن = ل، ل، آ (نیز ل، آ، ۲): ق: پرویز شاه؛ ک: گیرنده شهر؛ س، آ (نیز و): بیرام شهر (!)؛ (ل، ن: بهرام شهر)؛ متن = ل، س، ل، آ (نیز ل، ل، ب، آ، ب)؛ ق: سرافراز دانای بدران و شهر) ۳۲-ل: (ی: یاد بهر)؛ ق: که زیبای تاجست و درخور دگاه (= ۳۲۶۷) ۳۳-ل: جهاندار و؛ (ل، ن: بیدار پرویز شاه؛ ب: هرمزد فرزند شاه) ۳۵-س، ک، س، آ (نیز ل): اورنگ و؛ ل، ن، آ (نیز ل، و، ب): اورند و؛ (ل، ن، آ: اورند و)؛ متن = ل (نیز ق، آ، ب، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۳۶-س (نیز ق، آ، ل، آ، ب): تابنده؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۷-ل: باشد ۳۸-س، آ (نیز ل، و، ب): برو؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ در ل، ن، آ این بیت پس از ۳۲۷۱ آمده است

ابا^۱ فز و با برز و پیروز^۳ بادا
 ۳۲۷۰ به ایران و نیرانش بر^۲ دسترس
 همیشه به دل شاد و روشن روان
 گرانمایه شاه^۷ گیومرتی^۸
 پدر بر پدر بر^{۱۱} پسر بر پسر^{۱۲}
 برین^{۱۵} پاکیزدان کند^{۱۶} آفرین
 ۳۲۷۵ نه چون تو^{۱۸} سوار^{۱۹} و نه چون تو^{۱۸} بهار!
 همه مردمی و همه^{۲۲} راستی
 به^{۲۵} ایران و نیران^{۲۶} و هندوستان
 ترا داد^{۲۹} یزدان به پاکیزان
 فریدون چو^{۳۱} ایران به ایرج سپرد
 ۳۲۸۰ برو^{۳۳} آفرین کرد روز نخست
 همه^{۳۶} بی نیازی و نیکاختری،
 تو گویی^{۳۸} که یزدان شما را سپرد
 هنر پرور و راد^{۴۱} و بخشنده گنج
 نهادند^{۴۲} بر دشمنان باز و ساو

همه روزگاران^۵ش نوروز بادا
 به شاهی مباداش^۵ همباز^۶ کس!
 همیشه خرد پیر و دولت جوان!
 همان پور^۹ هوشنگ و^{۱۰} طهمورتنی^۸
 مبادا که این^{۱۳} گوهر^{۱۴} آید به سرا!
 بزرگان ملک و بزرگان دین^{۱۷}
 نه چون تو^{۱۸} بر^{۲۰} ایوان چین بر^{۲۱} نگارا
 میناد جانت^{۲۳} در^{۲۴} کاستی!
 همان^{۲۷} ترک تا روم و^{۲۸} جادوستان،
 کسی چون تو^{۳۰} از پاک مادر نژاد
 ز روم و ز چین^{۳۲} نام مردی^{۳۳} ببرد،
 دلش را ز کژی و تازی^{۳۵} بشتا
 بزرگی و مردی و^{۳۷} افسونگری،
 و زان دیگران^{۳۹} نام مردی^{۴۰} ببرد!
 ازین^{۴۲} تخمه هرگز نبد^{۴۳} کس به رنج!
 بداندیستان^{۴۵} بازکش همچو گاو!

۱-س،ک،س ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ن، ب)؛ که با؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز ق، آ، پ، آ) ۲-ق، ل ۲ (نیز ق، آ، پ)؛ جو؛ ک؛ و برزست و؛ (لن، ب)؛ برز و با
 فز؛ آ؛ فز و برزا؛ متن = ل، س، س ۳ (نیز لی، ل، آ، ن، ق) ۳-ل ۲ (نیز لن، ق)؛ فیروز؛ و این بیت را ندارد ۴-ل، س، ق (نیز لی، ل، آ، ن، ب)؛
 تورانش بر؛ ق؛ توران و را؛ پ؛ نیران برش؛ ک؛ بر ایران و توران بود؛ متن = س ۲ (نیز لن، و) ۵-لی؛ مبادا تن = مباداش ۶-ل ۲
 (نیز ق، آ، ب)؛ انباز؛ (لن؛ همباز)؛ متن = س ۲ ۷-ل ۲ (نیز آ)؛ شاهی؛ در لن ۲ پاک شده است؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸-ق، ک، س ۲
 (نیز لن، پ، ن، آ، ب)؛ ثی؛ در س، و بی نقطه؛ متن = ل ۹-ک؛ نیز ۱۰-ق، ک (نیز ق، آ، پ)؛ جو؛ متن = س، س ۲ (نیز لن، و، ب) ۱۱-ق؛
 هم؛ ک؛ و؛ (ق؛ جر) ۱۲-ل ۲؛ پدر بر پسر بر پسر بر پدر؛ و؛ پسر بر پسر چون پدر بر پدر ۱۳-ق؛ آن ۱۴-ل ۲؛ (تخمه)؛ ل ۲ این بیت را
 ندارد؛ در ل ۲ آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۵-لی، ل، آ، بدین ۱۶-پ؛ پاکیزان کنند ۱۷-ق؛ ایران و توران و چین؛ ق این
 بیت را ندارد ۱۸-ک، س؛ آ؛ او ۱۹-ل ۲ (نیز آ)؛ خزان (ق)؛ ل ۲؛ خزان (ل)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-ل، ک، ل ۲ (نیز ل، آ، پ، آ)؛ به؛ متن =
 س، س ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب) ۲۱-ق، ل، آ، و؛ چینی؛ ل ۲ (نیز آ)؛ به درگاه چینی؛ ق این بیت را ندارد؛ در لی بیت های ۳۱۱۳-۳۱۱۵
 دوباره آمده اند ۲۲-لی؛ مردمی جستی و ۲۳-س، ک، س ۲ (نیز لن، لی، و، ب)؛ جانش؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز ق، آ، پ، ل، ن، ب) ۲۴-ل ۲؛ بد؛
 متن = چهارده دستنویس دیگر؛ در ل ۲ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۵-س (نیز ب)؛ ز؛ متن = دوازده دستنویس
 دیگر ۲۶-ل، س، ک، ل ۲ (نیز ق، آ، ل، ل، ن، آ، ب)؛ توران؛ متن = س ۲ (نیز لن، و، ب) ۲۷-ل، و؛ (همه) ۲۸-ل ۲؛ جو؛ ک؛ با نوم (حرف
 یکم بی نقطه)؛ ق؛ روم با ترک؛ آ؛ و با روم و؛ ق این بیت را ندارد ۲۹-لی؛ کرد ۳۰-ک؛ وی ۳۱-ل، و؛ که ۳۲-و؛ و زان دیگران
 ۳۳-ق؛ آ؛ کردی ۳۴-لی؛ بدو ۳۵-لی؛ بازی؛ لن ۲؛ تازی؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۳۶-ق؛ همی؛ ق؛ همان ۳۷-ل ۲؛ جو؛ ل ۲ این بیت
 را ندارد ۳۸-س (نیز لی)؛ گفنی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۹-ل ۲؛ دیگری ۴۰-ل، ن؛ آ؛ کردی؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۴۱-ل، ن؛ داد
 ۴۲-ق؛ و زان؛ ق؛ آ؛ از آن ۴۳-ل، ن؛ نشد ۴۴-ل، ن؛ نهادید ۴۵-س (نیز ق، آ، و، لن، ق)؛ بداندیشان؛ ک؛ بداندیشیان؛ لی؛ بداندیشگان؛
 ل ۲؛ بداندیشه؛ ن؛ متن = ل، ق، ل، س ۲ (نیز لن، آ، ب)

۳۲۸۵ ز هنگام کسری^۱ نوشین روان^۲
 که از^۴ ژرف دریا برآورد پی^۵
 ز ترکان همه^۸ بیشه‌ی نارون
 ز دشمن برستند^{۱۱} چندی^{۱۲} جهان^{۱۳}
 ز تازی و هندی و^{۱۶} ایرانیان
 ۳۲۹۰ روارو پُچنین^{۱۷} تا به مرز^{۱۸} خزر
 ز هیتال و^{۲۰} ترک و سمرقند و چاج
 همه کهتران^{۲۳} شما بوده‌اند
 که^{۲۶} شاهان ز تخم^{۲۷} فریدون بُدند
 بدین خویشی اکنون که من کرده‌ام
 ۳۲۹۵ بدان^{۲۹} گونه شادم^{۳۰} که تشنه بر^{۳۱} آب
 جهاندارِ بیدار فرخ^{۳۳} کناد
 یکی آرزو خواهم از شهریار
 که دارِ مسیحا به گنج شماس

۱- (ن: پیروز و): س: ز دور قباد و ز؛ (ن: ب: به (ب: ز) هنگام قباد و!)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲- ل: ۲ (نیز ل: ۲ و): انوشین روان
 ۳- ک (نیز ل: ۲ و): روانش همیشه؛ ق: ل: ۲، ق: ۲، پ: ۲، آ: ۱ پس از این بیت افزوده‌اند:

که چون او یکی شاه اندر جهان نبود و نباشد ز تخم مهان

۴- س: ۲، آن ۵- ل: ۲، پ: ۲، ک: راه؛ س: ۳، برین گونه؛ (ن: بدان گونه) ۷- ق: ۲، به فرزانی شاه) ۸- (ق: ۲، خردمند در) ۹- س: ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ن، ل: ۲، پ: ۲، ب: برستند و؛ ق (نیز ل: ۱) نشستند و؛ (ق: ۲، و: ب: پرستنده؛ ن: ۲، پرستند و)؛ متن = ل ۱۰- (ق: ۲، شد ز؛ ل: ۲، شد) ۱۱- ق: ل: ۲، بشتند؛ (ا: نشستند) ۱۲- س: ک، س: ۲ (نیز ل: ن، ل: ۲، و: ب: چندان؛ ق: روی؛ (ن: ۲، جمله)؛ متن = ل، ل: ۲ (نیز ل: ۱۳- ق: ۲، برستند فرزانتگان) ۱۴- (ن: بی بدو) ۱۵- (ن: بهان) ۱۶- ک: هندوز ۱۷- س: ل، س: ۲ (نیز ل: ن، ل: ۲، و: ب: ز دریای چین؛ ک، س: ۲، زوار و چنین (ل: ۱)؛ (ق: ۲، رواز چین چنین؛ ل: ۲، زاوند چین)؛ متن = ل (نیز ل: و، ن: ۲) ۱۸- س: ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ن، ل: ۲، و: ب: شهر؛ متن = ل (نیز ق: ۲، و: ب) ۱۹- ک: وز؛ س: ۲ (نیز و): از؛ ق: این بیت راندارد و در ل: ۲، آبا بیت سپسین پس و پیش شده‌اند ۲۰- (ن: ۲، حوب) ۲۱- ق: تخت ۲۲- س: ق، س: ۱ (نیز ق: ۲، ل: ۲، و: ب: اورنگ؛ (ن: و، ن: ۲، آروند)؛ متن = ل، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۲، ب) ۲۳- (ن: بندگان) ۲۴- س: ق، ل: ۲ (نیز ل: ن، ل: ۲، و: ب: ن: ۲، آ، ب: بران؛ (ن: بدان؛ و: بدین)؛ متن = ل، س: ۲ ۲۵- س: ۲ (نیز ل: بندگان؛ س: ۲، کهنری؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ک: برآیندگی (ل) ۲۶- س: ۲، ل: ۲ (نیز ل: ن، ل: ۲، و: ب: چو؛ متن = ل، ک، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، و: ب: آ، و: ب) ۲۷- (ن: شادان ز بخت) ۲۸- (ن: آزاد - از داد)؛ در ل: ۲، ل: ۲، س: ۲، ل: ۲، آبا بیت سپسین پس و پیش شده است؛ ق: این بیت راندارد ۲۹- س: ۲ (نیز ل: ب: بدین؛ ق (نیز ق: ۲، ل: ۲، و: ب: بران؛ ل: ۲، برین؛ متن = ل، ک، س: ۲ (نیز ل: ن، ل: ۲، و: ب: و: ن: ۲) ۳۰- (پ: بیودم) ۳۱- س: ق، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ن، ل: ۲، و: ب: به؛ ک: از؛ (ق: ۲، ک: بر تشنه؛ ل: شادم اکنون چو تشنه به)؛ متن = ل (نیز ل: ۱) ۳۲- ق: دل؛ (ب: و یا) ۳۳- س: ۲ (نیز ل: ن، و: ب: آ، و: ب: از؛ س: ۲ (نیز ل: ب: شب بود تیره بر؛ ک: سیر نیز از بر؛ (ق: ۲، تیره از آب و از)؛ متن = ل، ق: ل: ۲ (نیز ل: ۲، پ: ۲) ۳۴- (و: ن: ۲، پاسخ) ۳۵- س: ۲ (نیز و، ن: ۲)؛ فرخ؛ بنداری (۳۲۶۴-۳۲۹۶) و کان مشحون با بدعاه برویز، و وصف طهاره اصله، و کبر قدره، و قدم پسته، و مآثر آبانه، و مفاخر أسلافه ۳۶- س: ۲ (نیز ل: ب: ک: آن (و: این) آرزو؛ متن = ل؛ بنداری؛ ثم قال فی آخر کتابه: و لنا الی الملک حاجه واحده یسهل إنجازها علیہ ۳۷- ک: ک: ۳۸- س: ۲ (نیز ل: ب: بیبند داند؛ ق: ک: بیبند و داند؛ (ل: ۲، ب: بیبند داند؛ و: بیبند دارید؛ ن: ۲، بیبند و دارید؛ متن = ل، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ن، ق: ۲، و: ب: آ؛ در ن حرف چهارم در هر دو واژه بی نقطه)

سزد گر فرستد به ما شاه باز،
 ببخشاید^۴ از ما^۵ کهان و میهان،
 که بی او^۶ مبادا^{۱۰} زمان و زمین!
 نیایش کنم روز و هر شب^{۱۳} سه پاس!
 فرستم بنزدیک آن انجمن^{۱۷}،
 میناد روی تو چشم^{۲۱} بدان!
 درخشان شود در جهان دین ما!
 ز هر در^{۲۶} پرستیدن^{۲۷} ایزدی!
 برو^{۳۰} بر فراوان بسوزند بوی^{۳۱}،
 که از کینه دلها^{۳۲} بخواهیم^{۳۳} شست،
 که با^{۳۴} سلم و تور^{۳۷} اندر آمد به راز^{۳۸}،
 به هر گوشه‌یی^{۳۹} کینه‌ها ساختن!
 دل ما ز هر گونه آزرده‌اند^{۴۰}!
 همه کار^{۴۳} بیهوده پدram^{۴۴} گشت^{۴۲}

برآمد برین^۱ سالیان دراز
 ۳۳۰۰ بدین^۲ آرزو^۳ شهریار جهان
 ز^۶ گیتی برو^۷ برکنند^۸ آفرین
 بدین^{۱۱} من ز خسرو پذیرم^{۱۲} سیاس
 همان هدیه و^{۱۴} باز و ساوی^{۱۵} که من^{۱۶}
 پذیرد^{۱۸}، پذیرم سیاسی^{۱۹} بدان^{۲۰}
 ۳۳۰۵ شود فزخ این جشن و^{۲۲} آیین ما
 همان^{۲۳} روزهی^{۲۴} پاک یکشنبه‌ی^{۲۵}
 برو^{۲۸} سوگواران بمالند^{۲۹} روی
 شود آن زمان بر دل ما درست
 که بود از گه^{۳۴} آفریدون فراز^{۳۵}
 ۳۳۱۰ شود کشور آسوده از تاختن
 زن و کودک رومیان برده‌اند^{۴۰}
 بدین^{۴۱} خویشی ما جهان رام گشت^{۴۲}

۱-ل.س ۲ (نیز ل. ۲، پ. ۱)، بران؛ (لی: بدین)؛ متن = س-ل ۲ (نیز لن، ق. ۲، و. ۲، ب.)؛ بنداری؛ و هی آن یغذ الینا صلیب المسیح. فیان له فی خزانتمک مدّة. و نحن نرجو أن یمنّ الملک به علینا، و یردّه الینا ۲-ق: برین؛ (ق: بدان) ۳-ل: آرزوی ۴-در ل.س، ان حرف یکم بی نقطه هـ:ق: آن بر ۶-پ: (به) ۷-ل: (لی: بدو) ۸-ق: (نیز آ): خود کنند؛ (ق: ز کهنتر برو برکنند؛ لن: ۲: همه روم بر وی کند) ۹-ل (نیز ق: ۲): تو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-س: ۲: که او شاد باد از ۱۱-ل، ق: ک، س ۲ (نیز لن، ق. ۲، و. ۳، آ، ب.)؛ بدان؛ متن = س، ل ۲ (نیز لی، پ، ب، ن) ۱۲-ک، س ۲ (نیز ق: ۲): پذیرم ز خسرو ۱۳-ل (نیز ق: ۲، و، ب.): و شب در؛ س، س ۲ (نیز لی، ل: ۲): و در شب؛ متن = ق، ک، ل ۲ (نیز لن، پ) ۱۴-س (نیز لی): نیز هر؛ (ب: هم همه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵-ل: باز ساوی؛ س ۲ (نیز پ، آ): ساو و بازی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶-ک: گران ۱۷-ک: سروران ۱۸-ک: پذیری؛ س ۲: بدین بر؛ متن = ۱۹-ق: ۲: سیاسی پذیرم ز خسرو؛ و. لن: ۲: پذیره فرستم سپاهی)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰-ل، س ۲ (نیز لی، ل، ۳، پ، ن، آ، ب.): بران؛ متن = (لن، ق. ۲، و) ۲۱-ل، ق، س ۲ (نیز ق: ۲، پ، آ): چشم توری؛ متن = س، س، ک، ل ۲ (نیز لن، لی، ل، ۳، و، لن، آ، ب) ۲۲-ک: خسرو ۲۳-س، ک، ل، ۲ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ، ب.): همین؛ (ل: ۲: که این)؛ متن = ل، ق، (نیز آ) ۲۴-ل (ن: روز ما) ۲۵-ک: با یک شب شنبدی ۲۶-س ۲ (نیز و): بد ۲۷-ق (نیز آ): پرستنده؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: آ این بیت را ندارد ۲۸-ک (نیز لی): بدو؛ (پ، لن: ۲: بدان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹-ک: (ب: بمالید) ۳۰-ل: (لی: پ: بدو) ۳۱-ل ۲ (نیز لن): موی؛ ل، س، ق (نیز ق: ۲، پ، لن): بسایند موی؛ (آ: بساوند موی؛ ب: بسوزید موی)؛ متن = ک، س ۲ (نیز ل، ۲، و، لن: ۲): بنداری (۳۳۰۰-۳۳۰۷): فانه اذا فعل ذلك فکانه أتمم علی جمیع سکان بلاد الروم صغیرهم و کبیرهم. لأنهم قوم أصیبوا فی المسیح، و فجعوا به. و فی ذلک ما یقلل جزعهم، و یشفی غلظهم ۳۲-ل (ن: دل را)؛ ک: کینه‌ها دل ۳۳-س، ک، ل، ۲ (نیز لن، ل، ۲، ن، آ، ب.): بخواهید (در س، و حرف ششم بی نقطه)؛ (لی: بخواهند)؛ متن = ل، ق (نیز ق: ۲) ۳۴-ک: آنکه از ۳۵-ک: (پ: نژاد)؛ ق: آن زمان فریدون فراز ۳۶-ک: (پ: ابا) ۳۷-ل (نیز و، آ): تور و سلم؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۸-ک: (پ: بداد)؛ ق: این بیت را ندارد و در لن ۲ با بیت سپین پس و پیش شده است ۳۹-س-س ۲ (نیز لن، لی-ب): ز هر (ق، پ، آ: به هر؛ ل: ۲: همه) گونه‌ای؛ متن = ل (نیز ق: ۲) ۴۰-ک: بود؛ در ک این بیت با بیت سپین و در ق ۲ با بیت پیشین پس و پیش شده است ۴۱-ل، ق (نیز لن، آ): برین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴۲-ق: شدا؛ (و: کن) ۴۳-ل (ک: کام) ۴۴-ق: فرجام؛ (ق: ۲: بدنام)

جهان ^۱ آفرین زمین بر ^۲ تو باد ^۳ !	درد جهان آفرین بر تو بادا
جهاندار بشنید چندان ^۵ سخن،	چو آن ^۴ نامه‌ی قیصر آمد به بن
برو ^۹ تازه شد روزگار مهان ^{۱۰} !	۳۳۱۵ از آن نامه ^۶ شد شاه ^۷ خرم نهان ^۸
بدو گفت: بس کن ز ^{۱۳} بیگانگی!	بسی آفرین خواند ^{۱۱} بر خانگی ^{۱۲}
دو ^{۱۵} ایوان خرم ^{۱۶} برداختند،	گرانمایه را ^{۱۴} جایگه ساختند
بنزدیک آن مرد بیدار ^{۱۷} گرد،	ببرند چیزی که بایست برد
و زان ^{۱۹} پس همی بود نزدیک شاه،	بیامد بدید آن گزین جایگاه ^{۱۸}
همی بود با شاه ^{۲۲} مهترپرست	۳۳۲۰ به خوان ^{۲۰} و نبید ^{۲۱} و شکار و نشست
بیوندند ^{۲۴} شادان دل و نیک خواه	برین ^{۲۳} گونه یک ماه نزدیک شاه
سخن‌های با مغز و ^{۲۸} فرخ نبشت ^{۲۷}	چو یک ^{۲۵} ماه شد ^{۲۶} ، نامه پاسخ نبشت ^{۲۷}

گفتار اندر پاسخ نامه‌ی قیصر از خسروپرویز^{۲۹}

سر نامه گفت^{۳۰}: آفرین مهان^{۳۱} بران^{۳۲} باد کو باد^{۳۳} دارد جهان^{۳۴}!
بد و نیک بیند^{۳۵} ز یزدان پاک و زو دارد^{۳۶} اندر جهان بیم^{۳۷} و باکا

۱- (پ: همه) ۲- س، ک (نیز لی): بر زمین (ل): ل، ز: زمان بر (ل): (ل: آ: بهین بر): ق (نیز و): خم چرخ گردان زمین (ل): متن = ل، س ۲ (نیز لن، پ، ل، آ، ب): زمین → مهین؟ بهین؟ ۳- ق (ق: روان مسیحا ز جان تو شاد): بنداری (۳۳۱۸-۳۳۲۰): و متی ما رددم ذلك إلینا صح بین الناس أنکم أخرجتم العداوة من قلوبکم، و حصل الصفاء بیننا و بینکم ۴- ک: این ۵- (لی، پ، ب: چندین؛ آ: چندی): متن = یازده دستنویس دیگر ۶- (ل: گفته) ۷- ک، ل، س ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، و، ل، ن): شاد و: متن = ل، س، ق (نیز لی، پ، آ، ب) ۸- ک: مهان ۹- (لی): بدو ۱۰- ل: بهان؛ بنداری؛ فلما وقف برویز علی کتابه استبشر، و ازداد سروره ۱۱- ل: کرد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲- ل، آ، س: خوانگی؛ (ب: خیرگی) ۱۳- (ق: آ: به): بنداری؛ ثم أثنی علی مقدم الرسل و حمده و شکره ۱۴- (ل: گرانمایگان) ۱۵- ک: یک؛ (ن: آ): در ۱۶- ل: فرخ (؟)؛ (ق: آ: خسرو): متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷- س ۲ (نیز پ): بیدار و: (آ: بیداد) ۱۸- (ل: گرانمایه جاه) ۱۹- ک: وزین؛ (ق: آ: از آن) ۲۰- (ب: جام) ۲۱- ل: نه بید (→ نبید): س، ق (نیز لی، ب): به برز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- (ق: آ، ل): یزدان پرست؛ ب: خسرو پرست؛ در ق ۲، آ، ل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بنداری؛ ثم أمر بإزالة لهم و إداره الأنزال علیهم ۲۳- ک (نیز لن، لی): بدین؛ ل: آ: ازین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴- ل (نیز و): همی بود؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ در آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ بنداری؛ فأقام الرسول عنده شهرا ۲۵- س (نیز لی): سر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۶- (ن: بد) ۲۷- ل، س، ل (نیز لن، ل، ن، آ، ب): نوشت؛ ق: نبشت - سرشت؛ متن = ق، ک، س ۲ (نیز ق، آ، لی، ل) ۲۸- ق (نیز ق، آ، لی، ل، و، ل، ن، آ، ب): حو؛ متن = ل، س، ک، ل، س ۲ (نیز لن، پ، آ) ۲۹- ل، س، آ: پاسخ نامه قیصر از خسرو (س: آ: خسروپرویز)؛ س: پاسخ نامه قیصر روم از نزد خسروپرویز؛ ق، ک، ل ۲ سرنویس ندارند (در کجای آن خالی مانده)؛ متن = س ۲ ۳۰- س ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، و، ل، ن) ۳۱- ق (نیز ب): برو؛ (لی، ل، بدان)؛ دیگر ۳۱- ل (نیز آ): نهان؛ س ۲ (نیز لن، ب): بهان؛ (ل: آ: خدای)؛ متن = س، ل ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، و، ل، ن) ۳۲- ق (نیز ب): برو؛ (لی، ل، بدان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۳- س (نیز لی): کاباد؛ ق: کز داد؛ ل، آ، س ۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، ل، ن، آ): کو پاک؛ (ب: کو یاد)؛ متن = ل (نیز آ) ۳۴- س ۲ (نیز لن، ل، ن، آ): نهان؛ (لی: ماند جهان)؛ ک: کس که او پاک دارد نهان؛ (ل: آ: خداوند روزی زده رهنمای) ۳۵- (ق: آ: دادند)؛ س، ق (نیز آ، ب): نیکویری (ق: آ: نیکوری) بین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۶- س، ق (نیز آ، ب): دار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۷- س، س، س ۲ (نیز لن، ب): ترس؛ متن = ل

کزین گونه بر پای دارد سپهر!
 به نامه نمودی نمایش^۴ مرا،
 سخن گفتن تاجور^۷ بخردان!
 نخواهم^{۱۰} که چندین^{۱۱} بود رنج تو!
 برآورد بوم^{۱۳} ترا بر^{۱۴} سِماک!
 چُنین ارجمند آمد آن^{۱۶} بوم و برا
 ز یزدان شما را رسید^{۱۹} آفرین!
 به هر دانشی غمگسارم بُدی^{۲۷}!
 بدین^{۲۵} پرهیز پاک فرزند تو،
 به بوم و بر و پاک پیوند^{۲۸} خویش!
 مرا در جهان خوار بگذاشتند،
 همان از پدر بیشتر بودیم^{۲۷}!
 پدر بیند^{۳۴} آزاده و^{۳۵} نیکخواه!
 از آن پاک‌تن پشت و^{۳۷} نیروی من،

۳۳۲۵ کند^۱ آفرین بر خداوند مهر
 نخست آنک^۲ کردی^۳ ستایش مرا
 بدانستم^۵ و شاد گشتم بدان^۶
 پذیرفتم آن^۸ نامور گنج تو
 ازیرا^{۱۲} جهاندار یزدان پاک
 ۳۳۳۰ ز هند و ز سقلاب و چین و خزر^{۱۵}
 چه مردی، چه^{۱۷} دانش، چه پرهیز و^{۱۸} دین
 جو کار آمدم^{۲۰} پیش^{۲۱}، یارم بُدی^{۲۲}
 چنان شاد بوم^{۲۳} ز^{۲۴} پیوند تو
 که مهتر^{۲۶} نباشد به فرزند^{۲۷} خویش
 ۳۳۳۵ همه مهتران پشت^{۲۹} برگاشتند^{۳۰}
 تو^{۳۱} تنها به جای پدر بودیم
 ترا همچنان^{۳۳} دارم^{۳۳} اکنون که شاه
 دگر هرچ^{۳۶} گفתי ز شیروی من

- ۱-س (نیز لی): کنند؛ (آ، ب: کنید)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ل (نیز لی-آ): آنکه؛ متن = ل-ک، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، ب) ۳-(و: گفتی) ۴-ل، ق، ک، ل (نیز لن-ب، لن، آ): نیایش (؟)؛ س: ۲-نموش (حرف چهارم بی نقطه)؛ (و: نباید به مردی نیایش)؛ متن = س (نیز آ، ب) ۵-ک: پذیرفتم ۶-پ، ب: بران) ۷-(ق، آ، لن: نامور) ۸-(پ، آ، ب: این) ۹-(لن، ق: آ: نامه و) ۱۰-س: بخواهم؛ در ل، ق، ل، لن، ق، آ حرف یکم بی نقطه؛ متن = ک، س، ۲ (نیز لی-ب) ۱۱-ل، ک، ل، س، ۲ (نیز لن، ل، ۳، پ، و): چندان؛ متن = س، ق (نیز ق، آ، لن، ل، آ، ب) ۱۲-(پ: از ایران) ۱۳-س (نیز لی): برآورده بود؛ ک: برآورده بوم؛ (ب: برآورده بوم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-(ل: آ: تا؛ پ، ب: از؛ ق: شما از)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۵-(لن: هند و خزر)؛ س (نیز لی): و از چین و جر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-(لن: این؛ ب: از)؛ س: ارجمند از پی؛ (ق: آ: ارجمندان با؛ لی: ارجمندان بی)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ک: دین و چه؛ (ل: آ: مردی و) ۱۸-ل (نیز و: جو) ۱۹-س، ک، س، ۲ (نیز لی، لن، آ، ب): رسد؛ ق: رساد؛ (ق: بود)؛ متن = ل، ل (نیز لن، ل، ۳، پ، و)، ک، لن، ۲ پس از این بیت افزوده‌اند: که نیکو سگالید و نیکو (لن: نیکو سگالید و نیکو) خصال پرستنده دادگر ماه و سال ۲۰-(آ، ب: آیدم) ۲۱-(و: کارم بیامد تو) ۲۲-س، ق (نیز لی، آ، ب): تویی؛ (ق، آ، لن، پ، و): یار آمدی - غمگسار آمدی)؛ متن = ل، ک، ل، س، ۲ (نیز لن، ل، و)؛ در ق این بیت پس از ۳۳۳۵ آمده است ۲۳-ق: هستم؛ (ق: آ: گشتم)؛ ل ۲ (نیز لن، ل، ۳-لن، آ): شادم اکنون؛ ک: کنون شادمانم؛ س: آ: چنین شادم اکنون؛ متن = ل، س (نیز لی، آ، ب) ۲۴-س-س-س (نیز لن، لی-ب): به؛ متن = ل (نیز ق) ۲۵-(ق: آ: وزین) ۲۶-ل: کهنتر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۷-(ق: آ: ز پیوند) ۲۸-ک: یال و پیوند؛ (ق: آ: برو بوم و آرام و پیوند) ۲۹-(پ: روی) ۳۰-(لی: برداشتند) ۳۱-(پ: جو) ۳۲-(لن: آ: نیز بغزودیم) ۳۳-ق (نیز لن، ل، ۳، و، لن، آ): دانم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴-(ق: آ: دانم؛ ل: بود) ۳۵-ق: جو) ۳۶-س، ک، ل، س، ۲ (نیز لن، ل، ۳، و، لن، آ): هر چه؛ متن = ل ۳۷-س (نیز لی): پاک پشت و ز؛ متن = ل، ک، ل، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن، آ)؛ ق، پ، آ، ب این بیت را ندارند

بران دین^۱ ترا پاک‌دین خواندم!
 ز یکشندی^۳ روزهی بآفرین^۲،
 سخن‌های بایسته و^۷ دلپذیر!
 به گیتی به از دین هوشنگ نیست!
 نگه کردن اندر^۹ شمار سپهر!
 همیشه سوی داد کوشاتریم^{۱۰}!
 نگرده نهران و نخواهد^{۱۳} نهفت!
 به هستی همو باشدت^{۱۶} رهنمای^{۱۷}
 به یاد آمد از^{۱۹} روزگار کهن،
 بدان^{۲۳} دین نباشد خرد رهنمای!
 که کردند پیغامبرش^{۲۵} را به دار^{۲۶}،
 بران دار^{۲۹} بر کشته خندان بُد اوی^{۲۸}،

بدانستم و آفرین خواندم
 ۳۳۴۰ دگر هرچ^۲ گفתי ز پاکیزه‌دین
 همه خواند^۵ بر ماء یکایک دبیر
 به ما بر^۸ ز دین کهن ننگ نیست
 همه داد و نیکی و شرمست و مهر
 به هستی یزدان نیوشاتریم^{۱۱}
 ۳۳۴۵ ندانیمش^{۱۱} انباز و فرزند^{۱۲} و جفت
 در اندیشه‌ی دل ننگجد^{۱۴} خدای^{۱۵}
 دگر که ت^{۱۸} ز دار مسیحا سخن
 هر آن دین^{۲۰} که باشد به چوبی^{۲۱} به پای^{۲۲}
 کسی را که خوانی همی^{۲۴} سوگوار
 ۳۳۵۰ که گوید که^{۲۷} فرزند یزدان بُد اوی^{۲۸}

۱-س. ل^۲ (نیز ل^۱، ق^۲، ل^۱)؛ بدان دین؛ (و؛ بدل در؛ ل^۱؛ بدین مر)؛ متن = ل. ک. س. ۲ (نیز ل^۳)؛ ق. پ. آ. ب. این بیت را ندارند. ۲-س. س-س
 (نیز ل^۱-ب)؛ هر چه؛ متن = ل. ۳-ک. که بشندی آن؛ (ق^۲، ل^۲؛ ز یکشبه و)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴-س (نیز ل^۱)؛ روز با
 آفرین؛ س^۲ (نیز ق^۲، ل^۱، ن^۲)؛ روزه و آفرین؛ (ل^۱، و؛ روز و آفرین؛ ل^۱)؛ روزه پاکدین؛ پ. روزه و آفرین؛ متن = ل. ق. ک. ل^۲ (نیز ل^۲، ۱، ۲)
 ۵-س (نیز ق^۲، ل^۱)؛ چو برخواند؛ ل^۲ (نیز ب)؛ چو خواند؛ متن = ل. ک. س. ۲ (نیز ل^۱، ۲-آ)؛ عک؛ من ۷-س. ل^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، و. ل^۱)؛
 شایسته؛ ک. س^۲ (نیز ل^۱، ن^۲)؛ شایسته و؛ (ل^۱، ب. دانسته؛ آ؛ بایسته)؛ متن = ل. ق. این بیت را ندارد ۸-س (نیز ل^۱، ب)؛ جهان را؛ متن =
 دوازده دستنویس دیگر ۹-ل (ق^۲؛ کن که) ۱۰-س (نیز ل^۱، آ. ب)؛ -ترم؛ س^۲؛ -شویم؛ ل. نیوشان ترم-کوشان ترم؛ متن = ق. ل^۲ (نیز ل^۱، ق^۲،
 ل^۲-ل^۱)؛ ک. این بیت را ندارد؛ در ق^۲؛ ۳۳۴۴، ۳۳۴۵، ۳۳۴۶، ۱۱-ل. س. ق. س. ۲ (نیز ل^۱، آ. ب)؛ ندانیم؛ متن = ل^۲ (نیز ل^۱، ق^۲، ل^۲، ل^۱)؛
 ۱۲-ل. س. ق. (نیز ل^۱، پ. آ. ب)؛ پیوند؛ (ق^۲؛ همتا)؛ متن = ل^۲، س. ۲ (نیز ل^۱، و. ل^۱)؛ ۱۳-ل (نیز ل^۱)؛ نگرده؛ س (نیز ل^۱)؛ نباشد؛ (و؛
 نماند)؛ متن = ق. ل^۲، س. ۲ (نیز ل^۱، ن^۲)؛ ب. این بیت را ندارد ۱۴-در ل. س. ل^۲، و. ب. حرف یکم بی نقطه؛ (ل^۱، ن^۲)؛ نگرده؛
 متن = ق. ک. س. ۲ (نیز ل^۱، ق. ل^۱، پ. آ)؛ ۱۵-ل (ن^۲؛ ب. جدا) ۱۶-س (نیز ل^۱، ب)؛ باشدم؛ ک. هستی او باشدت؛ متن = یازده دستنویس دیگر
 ۱۷-ل (نیز ل^۱، ن^۲)؛ ب. رهنما؛ بنده‌اری (۳۳۴۶-۳۳۲۱)؛ ثم کتب جواب الکتاب، و آجاب عن جمیع فصوله ببالغ إعجال و اتم إعظام
 ۱۸-ق^۲؛ دلت گر) ۱۹-س (نیز ل^۱)؛ آن؛ (و. ل^۱)؛ متن = ل. ک. س. ۲ (نیز ل^۱، ق^۲، ل^۲، پ. آ)؛ ق. ل^۲، آ. ب. این بیت را ندارند ۲۰-س (نیز ل^۱)؛
 دراز (ل^۱)؛ آن دین؛ ک. هر آن کس؛ متن = ل. س. ۲ (نیز ل^۱، ق^۲، ل^۲، ل^۱)؛ ۲۱-ک (نیز ل^۱، پ. آ)؛ خوبی؛ در ل. س. ۲، و حرف یکم
 بی نقطه؛ متن تصحیح قیاسی است (گویا ل را بتوان برابر متن خواند) ۲۲-ل؛ یا ۲۳-س. ک (نیز ل^۱، ق. ل^۲، و. ل^۱)؛ بران؛ متن = ل. س. ۲
 (نیز ل^۱، ل^۲)؛ ق. ل^۲، آ. ب. این بیت را ندارند ۲۴-س. ق. ل^۲ (نیز ب)؛ خواهد همی؛ (ق^۲؛ خوانی و را؛ ل^۱)؛ خواند همی؛ آ؛ خواهی همی؛
 متن = ل. ک. س. ۲ (نیز ل^۱، ل^۲)؛ ۲۵-ل. س. ک. ل^۲، ل^۲، س. ۲ (نیز ل^۱، ن^۲)؛ ل. پ. ب. پیغمبرش؛ متن = ق. (نیز ق^۲، ل^۲، ل^۱)؛
 ۲۶-ل (و؛ که گرده به پیغمبری نامدار) ۲۷-ل (ق^۲؛ گویند) ۲۸-ل. س. ق. س. ۲ (نیز ق^۲، ل^۲، آ. ب)؛ او؛ متن = ک. ل^۲ (نیز ل^۱، پ. و. ل^۱)؛ ۲۹-ک؛
 بدان دین؛ (ل^۱)؛ بدان (دار)

تو اندوه^۳ این^۴ چوب پوده^۵ مخور!
 بخندد برین کار^۸ مرد کهن!
 که شاهان نهادند آترا به گنج^{۱۰}!
 بخندد به ما بر^{۱۳} همه مرز و بوم!
 گر^{۱۵} از بهر مریم^{۱۶} شکوبا^{۱۷} شدم
 شما را سوی ما^{۲۰} گشادهست^{۲۱} راه!
 کجا رنج بردی ز^{۲۴} هر گونه چیز
 پی افگندم او را یکی تازه گنج

چو پور پدر رفت^۱ سوی^۲ پدر
 ز قیصر چو بیهوده^۶ آمد^۷ سخن
 همان دار عیسی نیرزد به^۹ رنج
 از^{۱۱} ایران چو چوبی^{۱۲} فرستم به روم
 ۳۳۵۵ به موبد نماید^{۱۴} که ترسا شدم
 دگر آرزو هرچ^{۱۸} باید^{۱۹} بخواه
 پسندیدم آن^{۲۲} هدیه‌های^{۲۳} تو نیز
 به شیروی بخشیدم این^{۲۵} برده رنج

۱-س (نیز لی، آ، ب): چو او (آ: آن) پور پذیرفت؛ ک: چو فرزند بر رفت؛ ل: (نیز و، ان): چو فرزند بد (باید؟) رفت؛ س: آ (نیز، ن، ق، آ، ب): چو فرزند پذیرفت؛ (ل: آ: چو فرزند رفتست)؛ متن: ل، ق، (ک: ۲- (ق: آ: پیش) ۳- س: آ: تیمار ۴- ق: (نیز، ن، آ: آن ۵- س: آ (نیز، ق، آ، ل): توده؛ (ن: آ: دوده)؛ ک، ن: آ: پس از این بیت افزوده‌اند:

مسیح‌ست یکباره بیزار از او
 چو ما بنده‌ای بود از یک‌خدای
 برون کرد چون (ن: آ: بیارود از) آدم پاک‌برای
 یکی بنده‌ای بود با شرم و داد
 که بر آسمان زنده مانده‌ست و بس
 بر (ن: آ: فر) افکند بر آن جهود نژند
 بر آویختندش به گردن عمود

هر آنکس که داند چنین گفت‌وگوی
 مسیح پیام‌آور رهنمای
 به قدرت ورا بی‌پدر رهنمای (ن: آ: یک‌خدای)
 که (ن: آ: گر) آدم بد از خاک و از آب و باد (ن: آ: او بد ز باد)
 مگویند کو را بیاویخت کس
 جهاندار پیدا و او فرهمند (ن: آ: دیدار آن فرهمند)
 که مهتر بد اندر میان جهود

ع:س (نیز لی، ب): پیموده (؟)؛ متن: دوازده دستنویس دیگر ۷- ق، ک، ل: (نیز، ن، ق، آ، ل، پ، ب، ن، آ، ت): آید؛ س: آ (نیز و): باشد؛ متن: ل، س (نیز ب) ۸- (ن: آ: گفت)؛ س: س: آ (نیز، ن، ق، آ، ل، پ، ب، و، آ، ب): بران نامه؛ (لی: بخندید بر نامه)؛ متن: ل؛ در ن: آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۹- ک، ل، آ: س: آ (نیز، ن، ل، ن: آ): نیرزید؛ متن: ده دستنویس دیگر ۱۰- س، ق، ل: آ (نیز لی، آ، ب): که آن شاه گیتی نهادش (ق: نهادی) به گنج؛ ک: که شاه آورد و نهادی به گنج؛ س: آ (نیز، ن، ق، آ، ل، ن: آ): که شاه آفریدون نهادش (س: آ، ق، آ، ل: آ: نهاد آن) به گنج؛ متن: ل ۱۱- ل: آ (نیز، ن، پ: ز؛ (ن: آ: وز) ۱۲- (لی: خوبی) ۱۳- ک، ل، آ: س: آ (نیز، ن، ق، آ، ل، ن: آ): بخندند (ل: بخندید) بر ما (و: من)؛ متن: ل، س، ق: (نیز لی، ب): بنداری (۳۳۴۷-۳۳۵۴): و اُجاب عن استدعاء الصلیب بأن قال: إنه لَیُضَحَّک منا اذا تصدَّنا لِانْفِاذِ خَشْبَةِ بَالِیَةِ مِنْ اِیرَانَ الی اَرْضِ الرُّومِ ۱۴- ل: آ (نیز پ): گماند؛ (آ، ب: که ماند)؛ ق: چو موبد بگوید؛ ک: دیدید گمان‌اند (ن: آ): دهبود گماند؛ (ن: رهوبد گماند (؟)؛ ق: آ: گمان برد موبد؛ ل: آ: ز موبد گمانم؛ و: چو موبد گماند؛ ن: آ: بگویند مانا)؛ متن: ل، س (نیز لی: س: آ) ۱۵- ل: آ (نیز ل، آ، آ، ب): که؛ (ق: آ: هم)؛ متن: س، ق، ک، س: آ (نیز، ن، ل، ن، پ، و، ن: آ) ۱۶- (ل: آ: مردم) ۱۷- س، ک، آ (نیز و، ن: آ): شکوبا؛ (ق: شکوبا)؛ بنداری: و نحن نخاف لو اظهرنا امرها، و نحترز من أن یضغ الناس فینا ألتتهم فیوسعوا قِدادحنا بریا، و جلودنا فریا، و یقولوا: صبا برویز عن ملته، و انتقل الی دین زوجته؛ ک، لی، پس از بیت ۳۳۵۵ افزوده‌اند:

بهرسیدم آخر ز موبد سخن
 در آتشکده بد نهاده برآز
 فرستادم اینک بنزد تو باز

۱۸- ق، س: آ (نیز ق، آ، آ، ب): هر چه؛ متن: ل، س (نیز، ن، لی) ۱۹- ک (نیز ل: آ): خواهی؛ (پ: آید)؛ متن: دوازده دستنویس دیگر ۲۰- (و: و) من) ۲۱- (ب: گشادست شما را سوی ما)؛ بنداری: ثم مهما سنحت لکم حاجة أخرى سواها فاعرضوها ففی لکم مبدولة، و أومرکم فیها مسموعة ۲۲- (ق: آ، ل، ل: آ: این) ۲۳- ک: رنج‌های ۲۴- س: آ: به ۲۵- ک (نیز و، ن: آ): آن

شب تیره اندیشه شد پیشام^۱
 رساند به روم و به^۳ ایران گزند
 ز^۷ اسکندر آن کینه‌دار سترگ^۸
 مگر در^۹ جهان تازه گردد سَخْن
 چنان دان که او تازه کرد^{۱۱} افسرت
 سَخْن‌های ما کم^{۱۲} نیوشدهمی
 بدین^{۱۵} خسروانی^{۱۶} نوآیین درخت
 سرِ اختر اندر کنار تو باد^{۱۷}!

همی داشت خَراد برزین نگاه^{۱۸}
 کجا گرد کرد او به روز دراز
 که پنداوسی^{۲۲} خواندش پارسی^{۲۳}،
 نهادند بر هر یکی مَهر^{۲۵} تنگ
 درم^{۲۸} بود بر دفتر^{۲۹} شهریار^{۳۰}
 سیه‌چشم و آراسته راه‌جوی^{۳۱}!

ز روم و ز ایران پُراندیشه‌ام
 ۳۳۶۰ بترسم که^۲ شیروی گردد بلند
 نخست اندرآید^۴ ز^۵ سلم بزرگ^۶
 ز کین نوآیین و کین کَهَن
 سَخْن‌ها که پرسیدم^{۱۰} از دخترت
 به دین مسیحا بکوشدهمی
 ۳۳۶۵ به آرام^{۱۳} شادست و^{۱۴} پیروزبخت
 همیشه جهاندار یار تو باد!

نهادند بر نامه‌بر مهر شاه
 گشادند از آن^{۱۹} پس در گنج باز
 نخستین صدوشست^{۲۰} پنداوسی^{۲۱}
 ۳۳۷۰ به گوهر بیابگنده^{۲۴} هر یک جو سنگ
 مران هر یکی را بها^{۲۶} صد هزار^{۲۷}
 بیاورد سیصد شتر سرخ‌موی

۱. س. ق. ز اندیشه چون پیشام؛ ک: باندیشه چون پیشام؛ س: ۲. اندیشه سوی پیشام (I)؛ (لی، آ. ب. اندیشه چون پیشام)؛ متن = ل. ل. ۲. (نیز لن، ق. ۲. ل. ۳. ن. ۲) ۲- ق: چو ۳- (و. آ. و. ا. بر و بوم) ۴- ل. ۲. (نیز ق. ۲. ل. ۲)؛ آیم ۵- ک: به عس (نیز آ. ب.)؛ سترگ؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۶- س: آ. از ۸- س. ک. ل. ۲. س: ۲. (نیز لن، لی، پ. ب.)؛ کینه‌ور (و: نامور) پیر (لن، آ. تیز)؛ گرگ؛ (ل. ۲. شهریار سترگ؛ ق. ۲. اسکندر شهریار سترگ)؛ متن = ل. ق. این بیت را ندارد ۹- س. (نیز لی، آ. ت.)؛ به گردد؛ (ب: بگردد)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق. این بیت را ندارد ۱۰- س. ک. ل. ۲. س: ۲. (نیز لن، ق. ۲. لی، ل. ل. ۲. ب.)؛ بشیدی؛ (ل: بشنیدم)؛ متن = ۱۱- س. کزو تازه شد؛ (لی: که زان تازه شد؛ آ: گو که تازه بود؛ ب: دانک تازه بود)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق. این بیت را ندارد ۱۲- (ق: ۲. کی)؛ (س: نیز لی، آ. ب.)؛ سخن از نیام؛ متن = ل. ک، ل. ۲. س: ۲. (نیز لن، ل. ۲. ن. ۲)؛ ق. این بیت را ندارد و در ل. ۳. با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۳- س. ل. ۲. س: ۲. (نیز لن، لی، آ. ب.)؛ آرام و؛ متن = ل. ک. (نیز ق. ۲. ل. ۳. ن. ۲) ۱۴- (لی: حو) ۱۵- ل. ۲. (نیز ل. ۲. و)؛ بدان؛ (لن: برین) ۱۶- ل. (نیز پ. آ. ب.)؛ خسروآیین؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق. این بیت را ندارد ۱۷- بندلوی ۳۳۶۶-۳۳۵۷ را ندارد ۱۸- بندلوی؛ ثم ختم الکتاب ۱۹- لن: زان؛ متن = س. ب ۲۰- ق. ۲. (نیز لن، لی، ب.)؛ شصت؛ متن = ل. س. (نیز ق. ۲) ۲۱- ق. (نیز ل. ۳. پ. لن، ق. ۲. بندلوی؛ در ل. س. ک، س. ۲. لن، پ. حرف یکم و در ب حرفهای یکم و دوم بی نقطه؛ ل: بندلوی؛ (لی: بندلوی؛ ق: شست و سه اوسی)؛ متن = (I)؛ بندلوی → پنداوسی؟ ۲۲- لن: بندلوی (حرف یکم بی نقطه)؛ س. ق. ک، س. ۲. (نیز لن، ق. ۲. ل. ۳. ن. ۲. ب.)؛ بندلوی (در ق. ۲. حرف یکم و در ب حرفهای یکم و دوم بی نقطه)؛ ل: ۲. بندلوی؛ (لی: بندلوی)؛ متن = (I) ۲۳- (لن: ۲. فارسی)؛ بندلوی؛ و امر فاعلوا مائة و ستین درجا او کیسا بالجواهر الثمينة ۲۴- س. ک. ل. ۲. (نیز لن، لی، پ. ب.)؛ بیابگنده؛ (ق: سگالیده؛ و: پراکنده)؛ متن = ل. ق. س: ۲. (نیز ل. ۲. ل. ۲. آ. ب.) ۲۵- ل. (نیز لن)؛ مهر و؛ در ق. ۲. این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۶- ل. س. ق. (نیز لی، پ. آ. ب.)؛ بران (لی: بدان) هر یکی دانه‌ها؛ متن = ک. ل. ۲. س: ۲. (نیز لن، ق. ۲. ل. ۳. و. لن، ق. ۲) ۲۷- (ق: سی هزار) ۲۸- ل. بها؛ متن = ۲۹- ک. س: ۲. (نیز لن)؛ چهره؛ متن = ل. ل. ۲. (نیز ق. ۲. ل. ۳. ن. ۲) ۳۰- س. ق. (نیز لی، آ. ب.)؛ بها داده بُد نامور شهریار (= ۳۳۷۳ ب)؛ در ل. آیت‌های ۳۳۷۸-۳۳۷۱ در هم ریخته‌اند ۳۱- (و. لن: ۲. کارجوی)؛ س. ک. ل. ۲. س: ۲. (نیز لی، ل. ۲. اورسته (ک. لی: اورشته)؛ ل. ۲. اورسته؛ س: ۲. ل. ۲. آفرشته) و کارجوی؛ (ق: آفرشته راه‌جوی)؛ متن = ل. ق. لن، پ. آ. ب. این بیت را ندارد؛ در ق. ۲. این بیت با بیت ۳۳۷۴ پس و پیش شده است

بها داده بُد نامورشهریار^۲
 ازو^۴ چند زربفت^۵ گوهرنگار،
 که هر دانه‌یی^۸ قطره‌ی آب^۹ بود!
 پسندیده‌ی مردم^{۱۱} کاردان!
 ز جَزَی^{۱۴} و از^{۱۵} جامه‌ی پهلوی^{۱۶}،
 که چونان^{۱۸} بُتد در جهان دیگری^{۱۹}!
 از^{۲۲} ایران^{۲۳} بر قیصر نامدار
 فزون‌تر^{۲۴} ز خویشی و^{۲۵} بیگانگی:
 ز پوشیدنی‌ها^{۲۸} که بردند^{۲۹} نام،
 از آن^{۳۱} ده^{۳۲} شتر بار^{۳۳} دینار کرد
 ز دینار و هر گونه از^{۳۵} بیش و کم^{۳۶}،
 بنزدیک قیصر ز ایران به روم^{۳۷}

ایران هر یکی را درم^۱ دوهزار
 ز دیبای چینی^۳ صدوچل هزار
 ۳۳۷۵ دگر^۶ پانصد از دَر^۷ خوشاب بود
 صدوشت^{۱۰} یا قوت چون ناردان
 ز هندی و چینی و از^{۱۲} برسوی^{۱۳}
 ز چیزی که خیزد ز^{۱۷} هر کشوری
 فرستاد سیصد^{۲۰} شتروار^{۲۱} بار
 ۳۳۸۰ یکی خلعت افگند بر خانگی
 همان^{۲۶} جامه‌ی تخت و اسب^{۲۷} و ستام
 چُنین هم شتروارها^{۳۰} بار کرد
 ببخشید بر فیلسوفان درم^{۳۴}
 برفتند شادان از آن مرز و بوم

۱-س (نیز لی، و): بها؛ متن = ل ۲-س (نیز لی): ز دینار گنج از در نامدار؛ (و: حسابی برآورده از روزگار)؛ متن = ل؛ این بیت در یازده دستنویس دیگر نیست ۳-س (نیز لی): رومی؛ (ل ۳): ز زربفت دیبا؛ و: ز دینار چینی؛ متن = ل، ق، ل، ق، ل، س، ۲ (نیز لی، ق، ۲، ب، ل، ۴-ل، ق) (نیز و، ل، ۲): از آن؛ متن = س، ل، ۲، س (نیز لی، ق، ۲، ل، ب، ۱) ه-ق (نیز ق ۲): زربفت و؛ (ل ۳): چه مایه ازو بود؛ ک، ب این بیت را ندارند ۵-ل: از آن؛ (ل، ۲، و، و) ۶-ل، ق، ل، ق، ل، ۲ (نیز لی، ب، ۱): پانصد دَر؛ س ۲ (نیز و، ل، ۲): چارصد دَر؛ متن = س (نیز ق ۲، ل، ۲، ب) ۸-ل (ن ۲): دانه چون) ۹-ل (ن ۲): دَر خوشاب؛ ک این بیت را ندارد ۱۰-ل، ق-س ۲ (نیز لی، ل، ۳، ب، ل، ۲، ا، ب): شصت؛ متن = س (نیز ق ۲، ل، و) ۱۱-ل (ن ۲): موبد؛ در ک بیت‌های ۳۳۷۶ و ۳۳۷۷ پس از ۳۳۷۸ آمده‌اند ۱۲-ل، ق (نیز آ): وز؛ س (نیز لی، و، ل، ۲، ب): و از چینی و؛ متن = ک، ل، ۲، ل ۲ (نیز لی، ق، ۲، ل، ۲، ب) ۱۳-ل، ک (نیز ق ۲، ل ۱): ل ۲ (نیز لی، ۲): برسویی؛ (ل ۳): خسروی؛ متن = س، ق، ل، ۲ (نیز لی، ل، ب، و، ب): برسوی (برقوی؟ برکوی؟) ۱۴-ل، ق، ق-س ۲ (نیز لی، ق، ۲، ل، ۲، ب): مصری؛ (لی: خزی)؛ متن = س (نیز ب) ۱۵-ل، ق، و؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶-ق (۲): ششتری؛ و، ل، ۲: خسروی؛ آ: که چونان نبد در جهان دیگری = ۳۳۷۸ (ب) ۱۷-ل (ب): به ۱۸-س (نیز لی): چون او؛ متن = ۱۹-ک، ل، ۲، س ۲ (نیز لی، ل، ۲، و، ل، ۲): که پسندد اندر (ک: آن از) جهان مهتری؛ متن = ل، ق (نیز ق ۲، ب، ا، ب)؛ در آ این بیت پس از ۳۳۸۰ آمده است ۲۰-س، ق (نیز آ، ب): خسرو؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱-ق: شتر بار ۲۲-ک (نیز لی، ل، ۳، ب): ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-ل (ن ۲): ایوان؛ بنداری؛ و: اوقروا ثلاثاً جمل من طرائف الصین و الهند و مصر و غیرها ۲۴-ل (بیر): ۲۵-و (به): ۲۶-س، ق (نیز لی، ل، ۲، ب، ا، ب): هم از؛ متن = ل، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز لی، ق، ۲، و، ل، ۲) ۲۷-ل، ق، ل ۲ (نیز ب): جامه و تخت و اسب؛ س، س ۲ (نیز ق ۲، ل، ۲، ب): جامه و اسب و تخت؛ (و: تیغ و جامه هم اسب)؛ متن = ک (نیز لی، ل، ۲) ۲۸-س (نیز لی): هم از (لی: زهر) بودنی‌ها؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۹-ل، س، ق (نیز لی، ب، ب): بردیم؛ (ا: کردیم)؛ متن = ک، ل، ۲، س ۲ (نیز لی، ق، ۲، ل، و، ل، ۲) ۳۰-ق: شتر بارها؛ ل: بدینسان چنین صد شتر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۱-و (ل، ۲، ا، و): ۳۲-ک، ق (نیز لی، ل، ۲، ب، ا، ب): یک؛ ل ۲: چند؛ (ل، ۲): صد؛ متن = ل، س، س، ۲ (نیز ق ۲، ل، و، ل، ۲) ۳۳-ک (نیز لی، ل، ۲، ب، ب): شتروار؛ متن = ل، س، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز ق ۲، و، ل، ۲، ا) ۳۴-ک، س ۲ (نیز لی، ق، ۲، ل، ۲، و، ل، ۲): روم؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز لی، ب، ا، ب) ۳۵-ل (نیز ب): و هر گونه؛ متن = س، ق، ل ۲ (نیز لی، ا، ب) ۳۶-ک، س ۲ (نیز لی، ق، ۲، ل، ۲، و، ل، ۲): برفتند شادان از آن مرز و بوم (= ۳۳۸۴) (ب) ۳۷-ک، س، ل، ق، ل، ۲، و، ل، ۲، و، ل، ۲ این بیت را ندارند (= ۳۳۸۳)؛ متن = ق، س، ق، ل ۲ (نیز لی، ب، ا، ب): بنداری (= ۳۳۸۰-۳۳۸۴)؛ و: أفاض الخلق علی الرسل و أجزل لهم الصلوات و الأعطیات، و ردّم بذلک کله الی قیصر (بنداری پس از این (ص ۲۲۵) چند سطر درباره موضوع صلیب افزوده که باید از جایی دیگر گرفته باشد)

۳۳۸۵ همه مهران خواندند آفرین بران^۱ پُرهنر شهریار زمین!
کنون داستان کهن نو کنیم! سَخُن‌های^۲ شیرین و خسرو کنیم!

داستان خسرو با شیرین^۳

ز گفتار و کردار آن راستان^۴،
کجا یادگارست از آن^۵ سرکشان^۸!
سَخُن‌های شایسته و غمگسار^{۱۰}!
نیشته^{۱۱} به^{۱۲} ابیات صد بار سی^{۱۳}!
همانا که کم باشد^{۱۷} از پانصد^{۱۸}!
به گیتی ز شاهان درخشنده‌یی،
ز بدگوی و بختِ بد آمد گناه^{۲۰}!
تبه شد بر شاه بازار من!
بخواند، ببیند به^{۲۳} پاکیزه مغز،
کزو دور بادا بدِ بدگمان!

کهن گشته این نامه‌ی باستان
همی^۵ نو کنم نامه‌یی زین نشان^۶
بود بیت^۹ شش بار بیور هزار
۳۳۹۰ نبیند کسی نامه‌ی پارسی
اگر^{۱۴} بازجویی^{۱۵} درو^{۱۶} بیت بد
چنین شهریاری و بخشنده‌یی
نکرد اندرین^{۱۹} داستان‌ها نگاه
حسد کرد^{۲۱} بدگوی در کار من
۳۳۹۵ چو سالار شاه این^{۲۲} سَخُن‌های نغز
ز گنجش من ایدر^{۲۴} شوم شادمان

۱-ل^۲ (نیز لی): بدن؛ ک پس از این بیت افزوده است:

رسید اندر آن شهر و آبادبوم
همی آفرین خواند بر تاج و تخت
ز شادی دل مهربان برپرید
بران تاج و تخت و کلاه بهین

از ایران بشد خانگی سوی روم
بزدیک قیصر شد آن نیکبخت
چو قیصر چنان پاسخ نامه دید
ابر شاه پرویز کرد آفرین

۲-ک: درو یاد ۳-ل: ق: گفتار اندر (ق: در) داستان خسرو و شیرین؛ ک، ل، ۲، س: ۲: داستان خسرو و شیرین؛ متن = س ۴-(آ، ب: این داستان)؛ ل^۳ ۳۳۸۷-۳۳۹۴ و بنادری ۳۳۸۷-۳۴۰۱ را ندارند ه- (ق: آ: کنون) ع-ل: گفتار زین سخن؛ س (نیز لی، ب): نامها بر نشان؛ ق (نیز آ): نامها زین نشان؛ ک: مرو را زین نشان؛ س: نامه زان نشان؛ (پ: نامه نو کنیم زین نشان)؛ متن = ل^۲ (نیز لن، ق: ۲، و، ن: ۲) ۷-ق: از؛ (لی: زان؛ ب: ازین)؛ ک: که تا یاد دارند از؛ متن = س، ل، ۲، س^۲ (نیز لن، ق: ۲، پ، آ) ۸-ل: ز گفتار بیدار مرد کهن ۹-(و: بیست؛ و، ن: ۲: بیست و)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰-س، ق (نیز لی، آ): شایسته آبدار؛ ک، ل^۲ (نیز و، ن: ب): شایسته غمگسار؛ (ق: ۲: شایسته شاهوار)؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیز لن، ب) ۱۱-ل، س، ق (نیز آ، ب): نوشته؛ متن = ک، ل، ۲، س^۲ (نیز لن، ق: ۲، لی، پ) ۱۲-ق: (نیز ق: ۲) ز: ۱۳-(و، ن: ۲: مهذب نوشته دو صد بار سی) ۱۴-ک: وگر ۱۵-ک، ل^۲ (نیز لن، و): جویند؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز ق: ۲، لی، پ، و، ن: ب) ۱۶-س-س: (نیز لن، ق: ۲، لی، پ، و، ن: ب)؛ ازو؛ متن = ل ۱۷-س-س: (نیز لن، ق: ۲، لی، پ، و، ن: ب)؛ که باشد کم؛ متن = ل ۱۸-س، ک (نیز لی، پ، و، ن: ب): پنج صد؛ (ق: چار صد)؛ متن = ل، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ب)؛ آ این بیت را ندارد ۱۹-ل (نیز آ): نکر دند ازین؛ (ب: نکر دند این)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-س (نیز لن، ق: ۲، ب): ز بدگوی بدبخت آمد گناه؛ ق: ز بدگوی بخت من آمد بخواست (در بالا: نگاه)؛ متن = ل، ک، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق: ۲، پ، و، آ) ۲۱-ق (نیز ب، پ): برد؛ ک: درافتاد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲-ک: آن؛ س (نیز لی): سالارشان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳-س (نیز لی): بدانند به؛ ق (نیز آ، ب): ببیونند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۴-ل، س، ق (نیز ل^۲): اندر؛ در، ک، ن حرف یکم بی نقطه؛ (رو مگر من؛ لن: ۲: من آن گنجه ز گنجش)؛ متن = ل، ۲، س^۲ (نیز ق: ۲، لی، پ، آ، ب)

وژان^۱ پس کند یاد^۲ بر شهریار
 مگر تخم^۳ رنج من آید به بار،
 که جاوید باد افسر و تخت اوی^۴!
 ز خورشید تابنده تر^۵ بخت اوی^۴!

آغاز داستان^۶

چنین^۷ گفت دانددههقان^۸ پیر
 ۳۴۰۰ غم و شادمانی بیاید کشید!
 جوانان داندده و^{۱۷} باگهر
 چو پرویز ناباک^{۱۳} بود و جوان
 ورا بر^{۱۵} زمین^{۱۶} دوست شیرین بُدی
 پسندش نبودى جز او در جهان^{۱۹}
 ۳۴۰۵ ز شیرین جدا بود^{۲۱} یک روزگار
 به گرد جهان در^{۲۳} بی آرام بود
 که دانش^۹ بود مرد^{۱۰} را دستگیر!
 ز هر تلخ و شوری^{۱۱} بیاید چشید!
 نگیرند بی آزمایش هنر!
 پدر زنده و پور چون^{۱۴} پهلوان،
 برو^{۱۷} بر چو روشن^{۱۸} جهان بین بُدی،
 ز خوبان و از دختران^{۲۰} مهان
 بدانگه که شد در^{۲۲} جهان شهریار
 که کارش همه رزم بهرام بود

۱- (ق: ۲، از آن) ۲- (ن: ۲، بار) ۳- ن: تخم و؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۴- ف، س، ق، س، ۲ (نیز ق: ۲، ای، و، آ، ب)؛ او؛ (ن: ۳، تو)؛ متن = ک، ل (نیز ن، پ، ن، ق) ۵- هـ، ل (نیز ل، ای، ن: ۲)؛ بر (ح: تر) ۶- ع، ل، ق، ک سرنویس ندارند؛ متن = س، ل، ۲، س، ۲ (نیز ن، ل، ب) ۷- (ل: ۳، چنان) ۸- دهقان داندده؛ (ق: ۲، و؛ گوینده دهقان)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- س: منش بر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- (ای: که مردان منش) ۱۱- ل (نیز و)؛ شور و تلخی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲- ق، س، ۲ (نیز ق: ۲، ل، و، ن: ۲)؛ داندده؛ س (نیز ب)؛ چنان بود داندده؛ متن = ل، ک، ل، ۲ (نیز ن، پ، آ)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

هنر ز آزمایش پدید آمدی همه کارها را کلید آمدی

۱۳- ق: بی باک؛ ل (نیز ن: ۲، آ، ب)؛ ناباک (ل) ۱۴- (آ: خود؛ ق: ۲، زنده پور جهان)؛ ک پس از این بیت افزوده است:

یکی روز شد تا به نخجیرگاه به نخجیر دل کرد نخجیر ماه

همان ماه شیرین و شایسته بود به برنائی شاه بایسته بود

بیستند با مهر در یکدگر ازایشان ز هر گونه آید خبر

چو هرمز پسر را نکو داشتی وی از مهر شیرین سرافراشتی

۱۵- ل، س (نیز ل، ل، آ، ب)؛ در؛ متن = ق، س، ۲ (نیز ن، ق، آ، پ، و، ن: ۲) ۱۶- (ل: ۲، جهان) ۱۷- ق، ک (نیز ق: ۲، آ)؛ بدو؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- ل: خروش؛ متن = س، ب، ۱۹- س: چو این در نهان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۰- س: و نیک اختران و؛ متن = چهارده دستنویس دیگر (ل، ق، س، ۲، و؛ ز)؛ بنداری (۳۴۰۲-۳۴۰۴)؛ قال صاحب الکتاب: کان برویز، فی مقتبل عمره و ریعان شبابه فی حیاة اُبیهِ، لا یعمل من نسانه و جواریه الا الی شیرین. و کانت عنده بمثابه العین الباصرة، لا یشی علی غیرها خصاصه؛ ک پس از بیت ۳۴۰۴ افزوده است:

به پیش پدر تا بد او پهلوان شده نزد شیرین روشن روان

۲۱- (ق: ۲، ماند) ۲۲- ق، س، ۲ (نیز ن، ق، آ، ب)؛ بر؛ ل: بد در؛ متن = س، ک، ل، ۲ (نیز ل، آ، پ)؛ در، ک، س، ۲ (نیز ن، ل، ن: ۲)؛ لت‌های این بیت

پس و پیش شده‌اند؛ بیایی آن در متن = ل، س، ق (نیز آ، ب) ۲۳- س، ل، ۲ (نیز ل، پ، ب)؛ بر؛ (ن: او)؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ق: ۲، ل)

شب و روز گریان بدی خوب چهر

همی آرزو کرد نخبچیرگاه،
 که بودند ازو^۵ پیشتر در جهان:
 ببردند با خسرو نیک‌نام،
 پیاده همی رفت زوپین به دست،
 که دیبا ز بر بر، زره^{۱۰} زیر داشت،
 چه با^{۱۳} باشه^{۱۴} و چرخ^{۱۵} و شاهین کار^{۱۶}،
 پس بازداران او^{۱۸} یوزدار،
 به دیبای چین اندرون^{۲۰} بسته^{۲۱} تنگ^{۲۲}،
 به زنجیر زرین دهان^{۲۳} دوخته^{۲۴}،

چو خسرو نپردخت^۱ چندی به^۲ مهر

چنان بُد که یک روز^۳ پرویزشاه^۴
 بیاراست برسان شاهنشاهان
 ۳۴۱۰ چو بالای^۶ سیصد به^۷ زرین‌ستام
 هزار و صد و شست^۸ خسرو پرست
 هزار و چهل چوب و^۹ شمشیر داشت
 پس اندر دوان^{۱۱} هفتصد^{۱۲} بازدار
 و زان^{۱۷} پس برفتند سیصد سوار
 ۳۴۱۵ به زنجیر هفتاد^{۱۹} شیر و پلنگ
 پلنگان و شیران آموخته

۱-س (نیز لی، ب): بپردخت؛ در ک، ق، ل، و، آ حرف یکم بی نقطه؛ متن = ل، ق، ل، آ، س (نیز لن، ب، ن، ل، ی) ۲-۲. (و، لی، و، ز)؛ بنداری: فلما ملک اشتغل عنها بسبب ما بلی به من وقائع بهرام جوبین. فلم تکن تخطر بباله لا شغاله فی حاله. فلما انتهت تلک النبوة، و تصرمت تلک النبوة، و قتل بهرام، و ارتفعت العوائق و الموانع، و تفرغ الملک، و دار علی ما یریده الفلک استمر علی اعراضه عنها و اطراحه لها. [فجملت تبکی و تجزع، و علی عباده تتوجع؛ ک پس از بیت ۳۴۰۷ افزوده است:

شب و روز شیرین ز دوری شاه
 بهشت نوائین چو دوزخ بدی
 چو شاه جهان از بد بدسگال
 شدش همچو کاه آن رخان چو ماه
 وزان ... (؟) بیرون همی نامدی
 بپرداخت از رزم آن ناهمال

۳-ل (نیز لن، ب): یکچند؛ متن = ۴-س، ق (نیز لی، آ، ب): که پرویز یک چندگاه؛ متن = ل، ک، گ، س (نیز ق، ل، آ، و، لن، ی)؛ بنداری: فاتفق أنه عزم علی الخروج للصيد ۵-ل، ک، گ، س (نیز ل، ق)؛ زو؛ متن = ل (نیز لن، ب، و، لن، ی، س، ق، آ، ب این بیت را ندارد؛ ک در اینجا سرنویس دارد: در بزرگی خسرو گوید عقی: بالا ۶-۷- (لی: چو سیصد ز بالای)؛ این بیت در س، ق، ل، آ، بی (یکبار نیز برابر متن)؛ آ، ب پس از بیت ۳۴۱۳ آمده است؛ بنداری: و کان من عادته اذا ركب للصيد أن یقاد له ثلاثمائة جنیبة بعدة الذهب ۸-س، ق (نیز لن، ل، آ، ب): شصت؛ متن = ل، س (نیز ق، آ، لی)؛ در ب پس از این بیت، بیت‌های ۳۴۱۶ و ۳۴۱۷ آمده است؛ بنداری: و یسمی بین یدیه ألف و ستة وستون و اجلا بأیدیهم المزاریق ۹-س (نیز لن، ق، آ، لی، ن، ی): خوب (در س، لی حرف یکم بی نقطه)؛ متن = ل، ک، ل، آ، س (نیز ل، آ، ب، و) ۱۰-س: مرزره؛ ل، و، زره؛ (ب: بد زره؛ و: بره در)؛ ل: که دینار در بر زره؛ ک: که دینار بر بر زره؛ (ق: که دیبای زربفت در؛ ن، آ: که دیبای زر بر زره)؛ متن = س (نیز لن، لی، ل، ق، آ، ب این بیت را ندارد؛ بنداری: و ألف و أربعون بأیدیهم السیوف والعصی ۱۱-ل (نیز ب، آ، بدی؛ ل (نیز لن): جوان؛ س (نیز و): همان؛ متن = س، ق، ک (نیز ق، آ، لی، ل، ن، آ، ب) ۱۲-ل: پانصد؛ متن = س، ب ۱۳-ل: هم از؛ ک (نیز ل، آ، ب): چو با؛ (ق: جز از)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۴-ل: واشه؛ متن = س، ب ۱۵-س، ل، آ، س (نیز ل، آ، ب): چرخ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶- (و: شکار؛ ب: و باز)؛ بنداری: و ینخرج معه سبعمائة من البازدارية ۱۷-ل: از آن متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸-ل: با؛ س، آ، همه؛ س (نیز لی، آ، ب): نامداران او (و، لن، آ: همه بازدار و همه)؛ متن = ل، ک، ل (نیز لن، ل، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: و ثلاثمائة من الفهادین ۱۹-ق: هشتاد؛ ل: به زنجیرها ده ز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰-س (نیز ب، آ، اندرو)؛ ل: به دیبا بدی اندرون) ۲۱-س (نیز لی): کشته؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲-ک، ل، آ، س (نیز لن، ل، و): چنگ؛ متن = ل، س، ق (نیز لی، ب، لن، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۳-ل (نیز ق، آ، لن): دهن؛ س: بدی؛ متن = ل، آ، س (نیز لن، ل، آ، ب، و، آ، ب) ۲۴- (لی: که بد دوخته)؛ ک: برو خود و غیر همی سوخته (۳۴۲۲ ب)؛ ق این بیت را ندارد؛ در ک این بیت با بیت سسین پس و پیش شده است؛ بنداری: و سبعون أسدا و نمرا معلمة، مجللة بالدیباچ، مشدودة الأفواه بسلاسل الذهب

که در^۳ دشت آهو گرفتگی به نگ،
 همه^۴ ساخته رود^۵ روز شکار،
 به سر^۷ بر نهاده ز زر افسری،
 همان^۸ خیمه و آخر^۹ چارپای،
 همه^{۱۱} کرده آن بزم^{۱۲} را نامزد،
 برو^{۱۶} عود و عنبر همی سوختند^{۱۷}،
 ابا هر یکی^{۱۹} نرگس و^{۲۰} زعفران،
 چو آید، ز هر سو رساند^{۲۴} بدوی،
 همی رفت با مشک صد آبکش،
 نشاند بران^{۲۸} شاه فرخ نژاد،
 همی راند با نامور شهریار،
 شهنشاه با کاویانی درفش،

قلیده^۱ به زر بسته صد بود^۲ سگ
 پس اندر ز رامشگران دوهزار
 به زیراندرون هر یکی استری^۶
 ۳۴۲۰ ز کرسی و خرگاه و پرده سرای
 شتر بود پیش اندرون پانصد^{۱۰}
 دوصد بنده^{۱۳} تا^{۱۴} میجرم افروختند^{۱۵}
 دوصد مرد برنا ز^{۱۸} فرمانبران
 همه^{۲۱} پیش بردند تا^{۲۲} باد^{۲۳} بوی
 ۳۴۲۵ همان^{۲۵} پیش آنکس که با بوی خوش
 که تا ناورد^{۲۶} ناگهان^{۲۷} گرد باد
 ز شاهان برنا چو^{۲۹} سیصد سوار
 همه جامه‌ها سرخ و زرد^{۳۰} و بنفش؛

۱-ل، س، ق، ک (نیز ق ۲-پ، آ، ب)؛ قلاذه؛ متن = ل ۲، س ۲ (نیز ل، و، ن ۲) ۲-ک، س ۲ (نیز ل ۳)؛ هفتصد بود؛ ل ۲ (نیز ل، ی، و)؛ هشتصد بود؛ (ق ۳)؛ هفتصد یوز و؛ س؛ یرو بسته بودند؛ (ن ۳)؛ به سگ (!) هفتصد بود؛ متن = ل، ق (نیز پ، آ، ب) ۳-ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، پ، و، ن ۲)؛ بر؛ متن = ل، س، ق (نیز ق ۲، ی، ل، آ، ب)؛ بنداری این بیت را ندارد ۴- (ن ۳)؛ همان ۵-ک، رود و؛ ع-ل؛ اشتری؛ ک؛ اسطری؛ (ق ۳)؛ به گردن همی هر یکی چنبیری؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷- (ن ۳)؛ بزرا؛ بنداری؛ و؛ یستصحب ألف عواد علی ره وسهم اُکالیل الذهب ۸-س ۲ (نیز ل ۳)؛ همه ۹-ل، ک، س ۲ (نیز ل)؛ آخر و؛ (آ؛ پرده و خیمه و)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰-س، ۱۰-س ۲ (نیز ل، ی، ل ۲)؛ و؛ پنج صد؛ ق؛ هشتصد؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، پ، ن، آ، ب) ۱۱-ک؛ همان ۱۲-ق = س ۲ (نیز ل، ق ۲، ل ۳)؛ (۳)؛ رسم (۳)؛ (ب)؛ کار؛ س (نیز ل)؛ کردشان رسم؛ متن = ل؛ در ل پس از این بیت، ۳۴۲۷ و ۳۴۳۰ و در س ۲۴۲۴، ۳۴۲۵ و ۳۴۲۶ آمده است؛ بنداری ۳۴۲۰ و ۳۴۲۱ را ندارد ۱۳-ل، ق، ل ۲ (نیز پ، ب)؛ برده؛ (آ؛ بدره)؛ متن = س، ک (نیز ل، ن، ل ۲، و، ن ۲) ۱۴-ل (نیز ق ۲، ل ۲، آ، ب)؛ با؛ در س، ل، ی، و بی نقطه؛ متن = ق، ل ۲ (نیز ل، ن، آ، ب) ۱۵- (ن ۳)؛ افروخته؛ ک؛ به زنجیر زرین دهان دوخته (= ۳۴۱۶) ۱۶- (ل، ی)؛ بدو ۱۷- (ن ۳)؛ سوخته؛ ک؛ دو صد بنده با میجرم افروخته؛ س ۲ این بیت را ندارد؛ در ک این بیت پس از ۳۴۲۵ آمده است؛ بنداری؛ و؛ مائتی غلام علی یدکل واحد منهم میجرم یوقد فیه العود و العنبر فی الموکب ۱۸-ل؛ برنای؛ (ل، ی)؛ برنا و؛ ب؛ دانا و؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-ک؛ فوفل و؛ (ن)؛ نیله و؛ ل ۳، لاله و؛ و؛ سنبل و؛ آ؛ هر کسی؛ ب؛ همه با گل و؛ ن؛ آ؛ ز نیلوفر و؛ متن = ل ۲۰-ل؛ ابا نرگس و سوده؛ (ق ۳)؛ ابا مشک و با عود و با؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ی، ب)؛ س ۲ این بیت را ندارد و در ک پس از ۳۴۱۶ آمده است ۲۱- (ن، و)؛ همی ۲۲-ک، ل، ک، ل ۲ (نیز ل)؛ با؛ در س ۲ نقطه ندارد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-ب؛ باد؛ ۲۴-س؛ تناید (۳)؛ (ل، ی)؛ ستاند؛ ق؛ ک؛ رساند؛ ز هر سو؛ (ل ۳)؛ آ؛ آن سو رساند؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ و؛ مائتی نفس من الشبان معهم الترجس و الزعفران یقذمون الموکب حتی ترد الريح ريحها الی مشام الملك ۲۵-ل (نیز ق ۱، ۲)؛ همه؛ س (نیز ل، ی، ب)؛ شتر؛ س ۲ (نیز و، ن ۲)؛ همی؛ (ل ۳)؛ هم از؛ متن = ق، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، پ)؛ ک پس از این بیت افزوده است؛

همی ریختند آب بر خاک راه بدان سو که بد راه آن پادشاه

۲۶-س؛ آورد؛ (ل، ی)؛ تار آورد؛ متن = ۲۷-ک، ل ۲ (نیز ل، ن، آ، و)؛ که تا ناگهان ناورد؛ متن = ل، ق، س ۲ (نیز ق ۲، پ، ن، آ، ب) ۲۸- (ن)؛ بدان؛ بنداری؛ و قدام هؤلاء مائة سقاء معهم قرب الماء یرشون الطريق حتی لو هب هواء لم یحمل غبارا من الأرض فیسمه به ۲۹-ل؛ برنای؛ (ل، ی)؛ چو شاهان برنای؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق، آ، ب این بیت را ندارند؛ در ل بیت های ۳۴۲۷ و ۳۴۳۰ پس از بیت ۳۴۲۱ آمده ۳۰-ک؛ جامه زرد و سرخ؛ متن = ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل، ی، ل ۲، و، ن ۲)؛ ل، س، ق، پ، آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری؛ و؛ حوالیه ثلاثمائة فارس من شباب اولاد الملوك فی ملابس الرشی، و علی رأسه الدرشف الکابیانی ینخف

به زر بافته جامه‌ی^۱ شهریار،
به هر مهره‌ی درنشاندۀ گهر^۲

به پیش سپاه^۳ آن جهاندارشاه،
پوشید و گلنارگون کرد روی،
همه پیکرش گوهر و زر^۷ بوم،
نگارش همه پیکر^۹ پهلوی،
به^{۱۲} روز جوانی بید^{۱۳} شادکام،
سرشکش ز مزگان به رخ^{۱۴} برچکید،
به پرویز بنمود بالای راست،
همی گفت^{۱۵} از آن^{۱۶} روزگار کهن،
که بیمار بُد نرگس و گل درست،
زبان^{۲۳} تیز بگشاد بر پهلوی^{۲۴}،

همی راند با تاج و با گوشوار
۳۴۳۰ ابا یاره و طوق و زرین کمر

چو بشنید شیرین که آمد سپاه
یکی زرد^۴ پیراهنِ مشک‌بوی
یکی از برش^۵ سرخ‌دیبا^۶ روم
به سر برنهاد افسر^۸ خسروی
۳۴۳۵ از^{۱۰} ایوان خزم^{۱۱} برآمد به بام
همی بود تا خسرو آنجا رسید
چو روی ورا دید بر پای خاست
زبان کرد گویا به شیرین سخن
به^{۱۸} نرگس گل ارغوان^{۱۹} را بنشست^{۲۰}
۳۴۴۰ بدان آبداری و آن^{۲۱} نیکوی^{۲۲}

۱- (و: جامه چون)؛ در ق^۲ آلت‌های ابن بیت پس و پیش شده‌اند؛ ل، س، ق، پ، آ، ب این بیت را ندارند ۲- ق، آ، ب این بیت را ندارند؛ ک پس از این بیت افزوده است:

بدان قصر شیرین همی راه جست
به برجی دوپیکر همی ماه جست
که می‌داشتی دل پر از مهر اوی
همان نیز شیرین‌تر از چهر اوی

۳- (ن: سپه) ۴- (ل، و: سبز) ۵- ک: بر ۶- (ن: یکی سرخ گوهر ز دیبا) ۷- س، ۲ (نیز ن^۲، آ، ب): زر و (ب: زر و گوهرش)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸- (ن: افسری) ۹- س، ۹- س، ۲ (نیز ن، ل، ی، ل، ۳، پ، ن، آ، ب): گوهر؛ متن = ل (نیز ق، آ، و): ک پس از این بیت افزوده است:

چنان بد به خوبی که کس نعت او
نگفتی تمامی از آن روی و موی

۱۰- ک، ل، ۲ (نیز پ، ل، ن، ۲)؛ ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱- ل: خسرو؛ متن = س، ب، ۱۲- (ق: ز)، ۱۳- ک، ل، آ (نیز پ): نبذ؛ در ل، ن، ی، و حرف یکم بی نقطه؛ (ا: نیدا)؛ متن = س، ق، س، آ (نیز ق، ل، آ، ن، آ، ب)؛ بندارقی (۳۴۳۵، ۳۴۳۱)؛ فخر ج پرویز علی هذه الهیة. و سمعت به شیرین فطاهرت بین حُلَّها و حُلَّها، و تبرجت فی و شائنها و رفارها، و صعدت الی سطحها؛ ک پس از بیت ۳۴۳۵ افزوده است:

پرستاد صد بود پیرانش
سراینده یاران همه چوب (خوب) زن
چو رفتی گرفتندی آن دامش
ابا نعت خسرو ازو رودزن

۱۴- (ق: آ: به خون)؛ ک در اینجا سرنویس دارد: عتاب شیرین با خسرو و عقد خسرو و شیرین و خشم ایرانیان ۱۵- (ن: سخن گفت) ۱۶- ل: زان؛ (و: از)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷- (ق: آ: روزهای) ۱۸- ق: ک: ز ۱۹- ل، س، ک، ل، آ (نیز ن، ل، ی، آ، ب): گل و ارغوان؛ (ق: آ: گلاب ارغوان؛ ل، آ، ن، آ: گل و زعفران)؛ متن = ق ۲۰- (ی: بخت)؛ ک پس از این بیت افزوده است:

ابر لاله بر زلفکان سپاه
چو مشکین زره کرد رخشنده ماه

۲۱- (ق: آ: بدان) ۲۲- ل، س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ن، ل، ی، و، ن، آ): نیکوی؛ متن = ق (نیز ق، پ، آ، ب) ۲۳- (ن: زان) ۲۴- (ن: پهلوی)؛ ل^۳ این بیت را ندارد؛ بنداری (۳۴۳۶، ۳۴۴۰)؛ و لما قرب موبک الملک اشرفت علیه، و وقتت بمرأی و مسمع منه و بکت، و قالت بصوت

رخیم

خجسته کیا^۳، گرد شیراوزنا^۴!
 که دیدار شیرین بُد او^۷ را بزشک^۸!
 دل و دیده گریان و خندان به^{۱۱} لب!
 کجا^{۱۴} آن همه عهد و سوگند ما!
 همی ریخت بر جامه‌ی^{۱۶} لاژورد^{۱۷}!
 به زردی رخس گشته^{۲۰} چون آفتاب!
 ز رومی چهل خادم نیک‌نام،
 سوی خانه‌ی گوهرآگین^{۲۲} برند^{۲۳}!

ابا باده و رود و با میگسار^{۲۵}
 همی رفت شادی‌کنان سوی شهر

که تنها، هزیرا^۲، سپهدتنا!
 کجا^۵ آن همه مهر و^۶ خونین سرشک
 کجا^۹ آن همه روز کردن ز^{۱۰} شب
 کجا^{۱۲} آن همه بند^{۱۳} و پیوند ما!
 ۳۴۴۵ همی گفت و از^{۱۵} دیده خوناب زرد
 به چشم اندرآورد ازو^{۱۸} خسرو^{۱۹} آب
 فرستاد بالای زرین‌ستام
 که او را به مشکوی زرین برند^{۲۱}

و زان^{۲۴} جایگه شد به دشت شکار
 ۳۴۵۰ چو از کوه و از^{۲۶} دشت^{۲۷} برداشت بهر

۱-ل. ۲ (نیز، ل. ن. ۲): شاها؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲- (ل. ن. ۲): هزیرا (۳-ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز، ل. ن. و. ۲. ب.): گوا؛ (ق. ۴: تنا)؛ متن = ل. س. ق. (نیز، ل. پ. ۱) ۴-ل. س. ۲ (نیز، ل. ق. ۲. پ. ب.): اوژنا؛ متن = (ل. ۳) این بیت را ندارد ۵- (ق. ۴: کجات) ع. س. ۲: < ۷-س. ۲ (نیز، ب.): آن ۸-ل. ۲: بجشک؛ ق. ل. ۳ این بیت را ندارند؛ در و بیت‌های ۳۴۴۲ و ۳۴۴۳ پس از ۳۴۴۴ آمده‌اند ۹- (ق. ۲: کجات) ۱۰-ل. س. ک. ل. ۲ (نیز، ل. ق. ۲. ل. و. ب.): به؛ متن = س. ۲ (نیز، ل. پ. ن. ۲) ۱۱-ل. ل. س. ک. ل. ۲ (نیز، ل. پ. ن. ۲) ۱۲- (ق. ۲: کجات) ۱۳-س. ق. ل. ۲ (نیز، ل. ب.): مهر؛ س. ۲ (نیز، و.): پند؛ (ا: عهد)؛ متن = ل. ک. (نیز، ل. ق. ۲. ل. ۳. پ. ل. ۲) ۱۴- (ق. ۴: کجات)؛ ک پس از این بیت افزوده است:

که چون شاهی آمد مرا از بوی (د. نوی) شبستان ما را تو بانو بوی

۱۵-ل. ق. س. ۲ (نیز، ل. ۲. آ. ب.): وز؛ متن = س. ک. ل. ۲ (نیز، ل. و) ۱۶- (پ: چهره) ۱۷-س. ق. س. ۲ (نیز، ل. ن. ۳. ل. ۲. ب.): لاچورد؛ متن = ل. ک. ل. ۲ (نیز، پ. و. آ)؛ بنداری: این تلک الموائیق و العهود؟ تری تلک الأيام تعود؟ [دو بیت به تازی] و طفتت تشکو الیه بنها و حزننها، و تدری دمعها، و تمری جفنها، ک پس از بیت ۳۴۴۵ افزوده است:

چو آواز در گوش خسرو رسید نکه کرد و رخسار شیرین بدید

۱۸-ل. ک. زو؛ س. ۲ (نیز، آ): از؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- (ق. ۲: شاه؛ و: پرویز) ۲۰-س. س. ۲ (نیز، ل. ن. ب.): گشت؛ متن = ل. ۲۱- (پ: برید) ۲۲-س. ۲ (نیز، و. ل. ۲): عنبرآگین ۲۳- (پ: برید؛ ل. ن. سخن‌ها ز گوهر برو بشمرند)؛ ک این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما سمع الملک ذلک اصفر وجهه، و اغرو رقت بالدموع عینته فنقد لها أربعین خادما، و مرکبا من المراكب الخاصة، و أمر بان تحمل الی حجرته المذهبة المرصعة ۲۴-ل. ل. ازان ۲۵-س. ک. ل. ۲ (نیز، ل. ق. ۲. ل. و. آ. ب.): چو یوزان (ل. ۴: یوزانش) و بازانش آمد بکار؛ متن = ل. ق. س. ۲ (نیز ل. ۳. ل. ن. ۲)؛ بنداری: و سار فی طریقه الی متصیده؛ ک پس از این بیت، سه بیت و س. ل. ۲. ل. ن. ل. ن. ل. ۲. آ. ب. تنها بیت یکم را افزوده است:

به شادی همی کرد چندی شکار ابا باده (ک: دوده) و رود و با میگسار

(ل. ن. ۲: چو یوزان و بازانش آمد بکار)

به شادی کنون کام دل یافتم
 خوش آمدش خسرو همی این به فال

ک: سراینده گفتی که بشتافتم
 برآورد یال آن نشانده نهال

۲۶-ل. ق. س. ۲ (نیز، ل. ن.): وز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷- (و: از دشت و از کوه)

که^۳ شاه آمد از دشتِ نخچیرگاه
 هوا گشت از^۵ آواز^۶ بی‌تاروپود
 ز شهر^۸ اندرآمد به کاخ بلند^۹
 بیوسید پای و زمین^{۱۲} و برش^{۱۳}
 که بر ما مبر^{۱۵} جز به نیکی گمان:
 جهان را بدین مژده‌ی نو دهیدا!
 که آن^{۱۸} رسم و آیین بُد آنگاه راست

بنزد بزرگان و نزد^{۲۰} سپاه،
 کهن بود کار^{۲۲} جهان^{۲۳}، نوشده‌ست^{۲۱}،
 پُر اندیشه و^{۲۶} درد و نفرین^{۲۷} شدند
 چهارم چو بفروخت گیتی فروز،
 به گاه^{۳۰} گرانمایگان^{۳۱} برنشانند
 ندیدم شما را^{۳۴}، شدم مستمند،

ببستند^۱ آذین^۲ به شهر و به راه
 ز نالیدن بوق و^۴ بانگ سرود
 چنان خسروی برز و شاخ^۷ بلند
 ز^{۱۰} مُشکوی شیرین^{۱۱} بیامد برش
 ۳۴۵۵ به موبد چُنین گفت شاه آن^{۱۴} زمان
 مرین خوب‌رخ را به خسرو دهیدا!
 مرو را به^{۱۶} آیین پیشی^{۱۷} بخواست

چُن^{۱۹} آگاهی آمد ز خسرو به راه
 که شیرین به مُشکوی خسرو شده‌ست^{۲۱}
 ۳۴۶۰ همه شهر^{۲۴} از آن^{۲۵} کار غمگین شدند
 نرفتند^{۲۸} نزدیک^{۲۹} خسرو سه روز
 فرستاد خسرو مهان را بخواند
 بدیشان^{۳۲} چُنین گفت کین روز^{۳۳} چند

۱-س: بسته به ۲-ل. ۳-آ: آیین؛ (لی، ل، ۳، ن، ۲، ب: آذین)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳-ق: چو؛ بنداری: و لما قضی و طره من الصید و القنص و طاف فی السهل و الجبل ثنی عتانه نحو البلد فی تلك المواقب الرائقة، و الكواكب المونقة ۴-ل(۳: نای و؛ ق: ۲: آوای نای وز) ۵-ل: ز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۶-ع(۲: آوای)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: و الأرض تنن بأغارید القیان، و نغمات السمعات الحسان ۷-ل. ۲-آ (نیز لی، و، ن، ۲)؛ ب: برز شاخ؛ (ق: ۲: شاه برز و؛ ب: چنین خسروی شاخ و برز)؛ متن = ل، س، ق، ک، (نیز ل، ن، ل، پ، ۲، ا) ۸-ل (نیز ق ۲)؛ ز دشت؛ ل، ق، ک، (نیز لی، ل، ۲، ۳، ا، ب)؛ به شهر؛ متن = ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ن، پ، و، ن، ۲) ۹-ق: ز نیرو کمند ۱۰-ق: به ۱۱-ل: ز زین؛ متن = س، ب ۱۲-ق(۲: رکیب) ۱۳-س، ک، (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، ۲، پ، ل، ن، ۲، ا، ب)؛ سرش؛ متن = ل، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لی، و)؛ بنداری: فلما دخل الی الایوان خرجت شیرین و خزرت تقبل الأرض تحت قدمه؛ ک پس از این بیت افزوده است:

همان کار شیرین بدانگاه بود
 به آمل همی کرد گردنکشی
 که گسهم خالش نه همراه بود
 ز گردنکشی دید آن بیبشی
 چو خسرو به شیرین چنان بسته شد
 دل موبدان از غمان رسته شد

۱۴-ق(۲: <آن>) ۱۵-س (نیز لی)؛ من؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶-پ(بر) ۱۷-س، س، ۲ (نیز ل، ن، ب)؛ پیشین؛ متن = ل ۱۸-پ(ب: این)؛ بنداری: فدعا الملك موبد الموبدان و أمره أن یزوجہ شیرین علی رسمهم و آیینهم ففعل ۱۹-ل، س، ۲ (نیز ل، ن، ب، ۲، ا، ب)؛ چو؛ متن = (۱) ۲۰-ق(۲: پیش) ۲۱-س، ق (نیز لی، ا، ب)؛ رسید؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲-ل(۲: نیز ل، ن)؛ روزگار؛ (پ: بوده کار؛ و، ن، ۲: گشته کار)؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۳، ا، ب) ۲۳-ب(ب: جهان را بدین مژده)؛ بنداری: و استغاضت الأخبار فی المدینة بتحول شیرین الی قصر الملک ۲۴-ک: بزرگان ۲۵-ل: زان؛ متن = س، ب ۲۶-س: اندیشه؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۷-و(و: شیرین) ۲۸-ل، ک، س، ۲ (نیز ا)؛ برفتند؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹-ق(۲: در پیش) ۳۰-س، ق، (نیز ق، ۲، لی، ب)؛ جای؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱-ک (نیز ل، ن)؛ گرانمایگی؛ بنداری: فعظم ذلك علی أكابر الدولة و أعیان الحضرة، و سائر الموابذة و العلماء فلم یدخلوا ثلاثة أيام علی پرویز. فقعده فی الیوم الرابع و استحضرهم و استدعاهم ۳۲-ک: بایشان؛ س، ۲: برایشان ۳۳-س، ق، (نیز لی، ب)؛ کامروز؛ ک: این روز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴-س، ق، (نیز لی، ا، ب)؛ شما را ندیدم؛ متن = ده دستنویس دیگر

بیازدم^۱ از بهر^۲ آزارتان^۳
 ۳۴۶۵ همی گفت و^۵ پاسخ نداد ایچ^۶ کس^۷
 هر آنکس کرو^{۱۱} داشت آزار و خشم
 چو موبد چنان دید برپای خاست
 به روز^{۱۳} جوانی شدی شهریار
 شنیدی بسی^{۱۳} نیک و بد در جهان
 ۳۴۷۰ که چون^{۱۸} تخمه مهتر آلوده گشت^{۱۹}
 [چنان دان^{۲۱} که هرگز گرمی پسر
]مگر مادرش تخمه^{۲۳} را تیره^{۲۴} کرد
 [چو ضحاک تازی کشنده پدر^{۲۷}
]سکندر که او خون دارا^{۲۹} بریخت
 ۳۴۷۵ [که دارا برادر^{۳۱} خواندی
 پدر پاک و مادر بود بی هنر^{۳۴}

پراندیشه گشتم ز بازارتان^۴
 ز گفتن^۸ زبانها^۹ بستند و^{۱۰} بس!
 یکایک به موبد نمودند چشم
 به خسرو چنین گفت کای داد و^{۱۲} راست،
 بسی نیک و بد دیدی از روزگار،
 ز^{۱۵} کار بزرگان و کار^{۱۶} مهان^{۱۷}،
 بزرگی از آن^{۲۰} تخمه پالوده گشت^{۱۹}
 نبوده است یازان^{۲۲} به خون پدر،
 پسر را به آلودگی^{۲۵} خیره^{۲۶} کرده،
 که جمشید را زو بد^{۲۸} آمد به سر
 چنان آتش کین به ما بر^{۳۰} بییخت،
 همی^{۳۲} فیلقوشش^{۳۳} پسر خواندی،
 چنان دان که پاکی^{۳۵} نیاید به بر^{۳۶}

۱- (ن: بأزارم) ۲-س، ق (نیز لی، آ): از کار، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ۳، و، ن، ۲، ب): از بیم؛ متن = ل (نیز ق، ۲، پ) ۳-س، ق (نیز ق، ۲، لی، آ): آزارگان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴-ن: تیمارتان؛ س (نیز لی، آ): بازارگان؛ ق: آزارتان؛ ق: پرمایگان؛ متن = ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ۳، و، ن، ۲، ب): بنداری؛ فلما حضر واسألهم عن غیبتهم واستوحش لانتقاطهم ۵-ق: جرو < ۶-س، ق (نیز لی، ن، ۲، آ، ب): ندادند؛ متن = ل، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، پ، و) ۷- (ن: آ: بس) ۸- (ل: آ: تو گفتی) ۹- (ن: ز فانها) ۱۰-ل، ق، ک، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، پ، و، آ، ب): جرو؛ متن = س، ل، ۲ (نیز ل، ۳، ن، ۲) ۱۱-ل: که او؛ متن = س-ب؛ بنداری: فلم یتکلم منهم أحد و أوتوا الی موبد الموبدان لیجیب الملک عنهم ۱۲-س، ۲: راد و ک (نیز لی، و، ن، ۲، آ، ب): داد؛ ق: آ: شاه؛ ل: ۳: راد؛ ق: کای داور داد (ل): (کای داور داد و)؛ متن = س، ل، ۲ (نیز لن، پ) ۱۳-ق: روزی ۱۴- (ل: آ: یکی) ۱۵-ک: به ۱۶-ق: حال ۱۷-س، ۲: مهان ۱۸-ل، ق (نیز پ): کنون؛ (و: کجا)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-ل: شده؛ متن = س-ب ۲۰-ل، ق: زن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱-ک: بد ۲۲- (ن: آ: نازان؛ ب: نازان)؛ ل، ق، ک، ل، ۲، پ بیت های ۳۴۷۵، ۳۴۷۶ و آیت های ۳۴۷۵ و ۳۴۷۶ را ندادند و در ترجمه بنداری هم نیست ۲۳- (ب: بچه) ۲۴-س، ک (نیز ق، ۲، لی، آ، ب): خیره؛ متن = ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، و، ن، ۲) ۲۵-ک (نیز و): ز پالودگی ۲۶-س، ک (نیز لی، ب): تیره؛ (آ: چیره)؛ متن = ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، و، ن، ۲) ۲۷-ک: که شد بی پدر ۲۸-ک: بر؛ س (نیز لن، ق، ۲، و، ن، ۲): چه؛ متن = س، ل، ۲ (نیز لی، آ، ب): در؛ س، لی، پ، این بیت پس از ۳۴۷۰ آمده است؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

چو افراسیابی که از بهر تخت بکشت او چو اغریث نیکبخت

۲۹-س (نیز لی، ب): که خون برادر؛ متن = ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، و، ن، ۲) ۳۰-س (نیز لی، ب): به سر بر؛ ق: آ: به ایران؛ متن = ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، و، ن، ۲) ۳۱-س، ک، ل (نیز لن، ق، ۲، لی، و، ب): برادر پدر؛ متن = س (نیز لن، ۲) ۳۲-س، ک، ل (نیز ق، ۲، لی، ب): ورا؛ متن = س (نیز لن، و، ن، ۲) ۳۳-ک، ل (نیز و، ب): فیلقوش؛ ک، ل، ۲، س، ۲، و، ن، ۲، و، پس از این بیت افزوده اند:

به کین اندرون تخمه آلوده گشت بزرگی از آن تخمه پالوده گشت (۳۴۷۰)

۳۴-س، ق (نیز پ، آ، ب): بد هنر؛ (لی: بدش پرهیز)؛ ک، ل، ۲: بد مادرش بد گهر؛ س، ۲ (نیز و): بد مادرش پرهیز؛ (ن، ل، آ): بد مادرش بد هنر؛ ل: بد مهرش بد پسر؛ (آ: متن = ل (نیز ق، ۲) ۳۵-ق: نیکو ۳۶-ک: که باشی بتابد بر) (۴)

گر از راستی برکنند آستی^۴!
 که شد یار با^۴ شهریار^۵ بزرگ!
 که خسرو بدو^۶ خوانندی آفرین،
 به هر جای روشن بُدی جوی^۹ اوی^۸!
 نکردند یاد از^{۱۰} چنین داستان!

ز کژی نجوید کسی راستی^۱
 دل ما غمی^۳ شد ز دیو سترگ
 به ایران اگر زن نبودی جزین
 نبودی چو شیرین^۷ به مشکوی اوی^۸
 نیاگانت آن دانشی رستان

شهنشاه پاسخ نداد ایچ باز
 بیاییم یکسر بدین^{۱۲} بارگاه،
 که^{۱۳} امروزمان شد^{۱۴} سخن‌ها دراز
 همه بندگی را بیاراستند
 دگر گفت کان^{۱۶} با خرد بود جفت!
 سزد زو که آواز^{۲۰} فرخ دهد^{۲۱}!
 خرامان برفتند نزدیک شاه
 بیامد یکی مرد و^{۲۴} تشتی^{۲۵} به دست،
 یکایک بران^{۲۹} مهتران برگذشت^{۳۰}،

چو گشت آن^{۱۱} سخن‌های موبد دراز
 چنین گفت موبد که فردا پگاه
 مگر پاسخ شاه یاییم باز
 ۳۴۸۵ دگر روز شبگیر برخاستند
 یکی گفت: دی آن نیاست^{۱۵} گفت!
 سیم^{۱۷} گفت کامروز^{۱۸} پاسخ دهد^{۱۹}!
 همه موبدان برگرفتند راه
 بزرگان^{۲۲} گزیدند^{۲۳} جای نشست
 ۳۴۹۰ چو خورشید^{۲۶} رخشنده مالیده^{۲۷} تشت^{۲۸}

۱-س (نیز ب): کاستی (ل)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-ق: بگذری کاستی؛ (ق: برکنی آستی)؛ ل (نیز ب، ل، ن، ۲): که از راستی برکنی (ل، ن، ۲): برکنند آستی (ل: کاستی)؛ س (نیز ل، ب): کران کاستی برکنند آستی؛ (و: که از راستی بگذری کاستی)؛ متن = ک، ل، ۲، ۳ (نیز ن، ل، ۳)؛ بنداری (۳۴۶۷-۳۴۷۷): فقام الموبد و تکلم بفصل ۳-ق، س، ۲ (نیز ل، ب): غمین؛ ل ۲: قوی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴-ک، ل، ۲، ۳ (نیز ل، ن، ۲، ۳، ۴): یاور؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، ۲، ل، ب، و، آ، ب) ۵-ک: شهریاری ع، س، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، ۳، ب، پ، ب، بر او؛ ک، س، ۲ (نیز و، ن، ۲)؛ ورا؛ متن = ل، ق (نیز ل، آ) ۷-ب: (چو شیرین نبودی) ۸-ل، س، ق، ل، ۲، ۳ (نیز ل، ن، پ، ن، ۲، آ، ب): او؛ (و: شاه - ماه)؛ متن = ک ۹-ل، ق (نیز آ، ب): خوی؛ س (نیز ل، ب): حوی (بی نقطه)؛ ک، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، ۳، ن، ۲): دین (ل): (و: نور)؛ متن = (ب) ۱۰-ک (نیز ب): این؛ بنداری (۳۴۷۸-۳۴۸۱): ثم قال: ائها الملك! اما ضاقت صدورنا منك لأنک اعدت شیرین الی بیتک، و ذکر فصلافی مساویها ۱۱-(و: این)؛ بنداری: فسکت الملک و لم یحر جوابا ۱۲-س، برین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۱۳-ک: چو ۱۴-(و: امروز باشد)؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فقال الموبد: خدا یجینا الملک عن کلامنا فقاموا ۱۵-ل (نیز ب): موبد ندانست؛ س (نیز ل، ب): این (ل: کین) را نیاست؛ ق (نیز ب): موبد نیاست؛ ق (و: ی رانیاست؛ ل ۳، و: کان (و: آن) دی نیاست)؛ متن = ک، ل، ۲، ۳ (نیز ل، ن، ۲، ۳، ۴، ۵-س، ۲ (نیز ل، ن، ۲): آن ۱۷-ل، س (نیز ل، ب): دگر؛ ق: یکی؛ ک، س، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۳، پ، ب، و، ن، ۲): سیوم؛ متن = (ل، ۳) ۱۸-(و: کان روز) ۱۹-ک، ل، ۲ (نیز ب): دهید ۲۰-ل، ۲ (نیز ل، ن): زود کاو از ۲۱-ل، ق (نیز و): نهید؛ ک، ل، ۲: دهید؛ (ب: نهید)؛ متن = س، س، ۲ (نیز ل، ن، پ، ن، ۲، ۳): در لالت‌های این بیت پس و پیش شده اند ۲۲-ک: بزرگی ۲۳-ل، ۲: بدیدند ۲۴-ل، ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، ۳، پ، و): چو؛ س، ق (نیز ل، آ، ب): بنده؛ متن = ک، ل، ۲ (نیز ل، ن، ۲) ۲۵-س، س، ۲ (نیز ق، ۲، ب): طشتی؛ متن = ل (نیز ل، ن)؛ س، ق، ل، ۲، ۳، ل، آ، ب، پس از این بیت افزوده اند:

یکی طشت (ل، ۲: تشت) ز زین بکرده بلید شده زر پاکش ز خون ناپیدا

در س، ق، ل، ب، پس از این بیت بالا، بیت ۳۴۹۶ آمده است ۲۶-ک: خرشید ۲۷-ل: پالوده؛ س (نیز ب): بالیده (د: مالیده)؛ ک (نیز ق، ۲): بالنده (د: مالیده)؛ ل ۲: مالید؛ (ل: نالنده (د: مالیده)؛ ل، ن: تابنده رخشنده)؛ متن = س، ۲ (نیز ل، ن، ل، ۳، پ، و) ۲۸-ل: شد؛ س (نیز ل، ب، و، ب): طشت؛ ک (نیز ق، ۲، ن، ۲): گشت؛ متن = ل، ۲، ۳ (نیز ل، ن، ۲) ۲۹-ل، ۲ (نیز ل، ب): بدان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰-ل: از آن مهر آلوده شد؛ ق، ل این بیت را ندارد ند

به تشت^۱ اندرون ریختش^۲ خون گرم
 از آن تشت^۲ هر کس بیچید^۵ روی
 همی کرد خسرو به هر کس^۹ نگاه
 به ایرانیان گفت کین^{۱۱} خون کیست؟
 ۳۴۹۵ بدو گفت موبد که خون^{۱۳} پلید
 چو موبد چنین گفت^{۱۶}، برداشتند^{۱۷}
 ز خون^{۱۸} تشت^{۱۹} پر مایه کردند پاک
 چو روشن شد و^{۲۲} پاک تشت^{۲۳} پلید
 به می^{۲۵} بر پراگند مُشک و گلاب
 ۳۵۰۰ [ز شیرین بدان^{۲۸} تشت بُد^{۲۹} رهنمون
 به موبد چنین گفت خسرو که تشت^{۳۱}
 بدو گفت موبد کانشه^{۳۳} بدی^{۳۴}:

چو نزدیک شد تشت^۳ بنهاد نرم،
 همه^۶ انجمن گشت پُر^۷ گفت وگویی^۸
 همه انجمن خیره از بیم^{۱۰} شاه
 نهاده به تشت اندر^{۱۲} از بهر چیست؟
 کرو دُشمَنیش^{۱۴} گشت هر که ش بدید^{۱۵}!
 همه دست بر دست بگذاشتند^{۱۷}،
 بشستند روشن^{۲۰} به آب و به^{۲۱} خاک،
 بگرد آنک شسته بُدش پر نیید^{۲۴}،
 شد آن تشت^{۲۶} بی ژنگ^{۲۷} چون آفتاب!
 که آغاز چون بود و فرجام چون^{۳۰} [؟]
 همانا بُد این، گر^{۳۲} دگرگونه گشت؟
 پدیدار شد نیکوی^{۳۵} از^{۳۶} بدی!

۱-س، ک، ل، ۲، ۲ (نیز لی، پ، ب)؛ طشت؛ (ق: کشت)؛ متن = ل (نیز لن) ۲-س، ک، ل، ۲، ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، و-ب)؛ ریخته؛ متن = ل (نیز لن)؛ (ل: ۳: چنین گفت خسرو که این) ۳-س، ک، ل، ۲، ۲ (نیز ق، ۲، لی، پ، ب)؛ طشت؛ (ل: ۳: تخت)؛ متن = ل (نیز لن)؛ ق این بیت را ندارد؛ بناری (۳۴۹۱-۳۴۸۵): و لما أصبحوا عادوا الی ایوان الملک فامر برویز باحضار طست من الذهب الأحمر فیه دم عیبط
 ۴-س، ک، س، ۲ (نیز ق، ۲، لی، و، ل، ۲، ب)؛ طشت؛ متن = ل، ل (نیز لن، ل، ۲) ۵-ل: که بیچید؛ متن = س-ب ع، ک، همی ۷-ل: شد پراز
 ۸-ل: گفت گوی؛ ق، ۱ این بیت را ندارند ۹-ل: هر کس به خسرو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-ل: گشته ز؛ ق، ۱ این بیت را
 ندارند؛ بناری: فوضع بین الناس فرأوا ذلک فتعجبوا ۱۱-ل، و، ل، ۱۲-س، ک، ل، ۲، ۲ (نیز لن، ل، ۲، و-ب)؛ به پیش من؛ متن = ل
 (نیز ق، ۲، ب: طشت)؛ ق این بیت را ندارد ۱۳-ک: که چون خون ۱۴-س (نیز ق، ۲)؛ در: منش؛ ک (نیز لی، ل، ۲)؛ درمنش (در: منش)؛ ل (نیز
 لن، ل، ۲)؛ بدمنش؛ (پ: پرمنش؛ و: روترش؛ آ: برمنش؛ ب: بی منش)؛ متن = ل (نیز ع-در: منش) ۱۵-س، ک، ل، ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، و-ب)؛ هر
 کس که دید؛ (ل: ۳)؛ هر کس بدید؛ پ: شد هر آنکس که دید؛ متن = ل؛ ق، س، ۲ این بیت را ندارند ۱۶-ق: همه یک بیک طشت
 ۱۷-ل: ش؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ پ این بیت را ندارد ۱۸-س (نیز لی)؛ چو آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹-س-س، ۲ (نیز
 ق، ۲، پ، ب)؛ طشت؛ متن = ل (نیز لن، ل، ۲) ۲۰-ک، ل، ۲ (نیز لن، پ)؛ زرش؛ س، ۲ (نیز و، ل، ۲)؛ پاکش؛ (ل: ۲: رویش؛ آ، ب: زیرش)؛ ق: از آن
 پس؛ متن = ل (نیز ق، ۲) ۲۱-ک: به خون و به؛ س: بر آب گردش ز؛ (لی: با خاک و کردند به!) ۲۲-س (نیز لی، و، ل، ۲)؛ ق (نیز لن، ق، ۲)؛ چو
 شد روشن و؛ متن = ل، ک، ل، ۲، ۲ (نیز ل، ۲، پ، ل، ۲، ب) ۲۳-س، ق، ک، س، ۲ (نیز ق، ۲، لی، پ، ب)؛ طشت؛ متن = ل، ل (نیز لن، ل، ۲)
 ۲۴-س، ق، ل، ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، و-ب)؛ آنک (ل: آن: که)؛ او شسته بد (و: شد)؛ پرنیید؛ ل: چنان پاک تشت انجمن چون بدید؛ متن = ک
 (نیز ل، ۲، ب: س) ۲۵-س، ک، ل، ۲ (نیز لی، پ، ب)؛ همی (ب: بی)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶-س-س، ۲ (نیز ق، ۲، لی، پ، ب)؛ طشت؛ متن =
 ل (نیز لن، ل، ۲) ۲۷-ک، ل، ۲، ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، و-ب)؛ آنک (ل: آن: که)؛ بی رنگ؛ س، ق (نیز لی، آ، ب)؛ رارنگ (در: آبی نقطه)؛ متن تصحیح قیاسی است؛
 بناری (۳۴۹۹-۳۴۹۴): ثم أمر فرعوا الطست وأراقوا الدم، وغسلوه ونظفوه وطیبوه ثم صقلوه حتی صار كأنه ضرة الشمس الطالعة،
 وأعادوه الی المحفل ۲۸-ل (نیز ق، ۲)؛ بران؛ متن = س، ق، ل، ۲ (نیز لی، آ، ب) ۲۹-س (نیز لی، پ، ب)؛ داشته؛ متن = ل، ق، ل، ۲ (نیز ق، ۲، لی، و-ب)؛
 طشت ۳۰-س، ق، ل، ۲ (نیز ق، ۲، لی، آ، ب)؛ که آنکه چگونه بُد (ق: آ: که آن روز چون بود)؛ امروز چون (س: لی: اکنون چگونه)؛ متن = ل؛
 ک، س، ۲، ل، ۲، پ، و این بیت را ندارند ۳۱-س، ق، س، ۲ (نیز لی، پ، ب)؛ طشت؛ (ق: ۲: طشت)؛ متن = ل، ل (نیز لن، ل، ۲) ۳۲-ق (۲، لی، و-ب)؛
 س، ق، ل، ۲ (نیز لن، ل، ۲، و-ب)؛ بدیدن؛ متن = ل؛ ک این بیت را ندارد ۳۳-ل، ق، ل، ۲، ۲ (نیز ق، ۲، لی، و، ل، ۲)؛ که نوشه؛ س (نیز لی، ل، ۲، و،
 ب: نوشه؛ لن: به موبد چنین گفت نوشه)؛ متن = (پ) ۳۴-لی: بزی) ۳۵-ل، س، ل، ۲، ۲ (نیز لن-ل، ۲، و، ل، ۲)؛ نیکویی؛ متن = ق (نیز
 پ، ل، ۲، ۲، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، پ، ل، ۲)؛ زان؛ متن = ل، س (نیز ق، ۲، لی، ل، ۲، و، ب)؛ ک این بیت را ندارد

به فرمان، ز^۱ دوزخ تو کردی^۲ بهشت!
چنین گفت خسرو که شیرین به شهر
۳۵۰۵ کنون تشت^۹ می^{۱۰} شد به مشکوی ما
ز من گشت^{۱۳} بدنام شیرین نخست
همه مهتران خواندند آفرین
بهی زان^{۱۸} فزاید که تو به کنی!
که هم شاه و هم موبد^{۲۱} و هم ردی!

همان^۳ خوب پیدا ز کردار^۴ زشت^۴
چنان بُد که آن بی منش^۷ تشت^۸ زهر،
برین^{۱۱} گونه بویا شد از^{۱۲} بوی ما!
ز پُرمایگان^{۱۴} دوستاری^{۱۵} نجست!
که بی تاج و تخت مبادا^{۱۶} زمین^{۱۷}!
می آن شد^{۱۹} به گیتی که تو می کنی^{۲۰}!
مگر^{۲۲} بر زمین فزه^{۲۳} ایزدی!

۳۵۱۰ و زان^{۲۴} پس فزون شد بزرگی^{۲۵} شاه
همه^{۳۰} روز با دخت قیصر بُدی
ز مریم همی بود شیرین به درد

که^{۲۶} خورشید^{۲۷} گشت^{۲۸} آن کجا بود^{۲۹} ماه!
همو بر^{۳۱} شهبانش مهتر بُدی،
همیشه ز رشکش^{۳۲} دو رخساره زرد،

۱- (لی: ح ز): ۲- (ل: آ): ز دوزخ تو کردی به فرمان (۳- س: ق (نیز لی: آ، ب): همه: متن = ده دستنویس دیگر ۴- ل: ق: خوب کردی تو کردار؛ س (نیز لی: آ، ب): خوب کردی تو گرفتار؛ س (نیز لن: ق): خوب کردار و دیدار؛ (ل: آ: خوب شد از تو کردار؛) متن = ۲ (نیز لن: ق: آ. ب): (و؛ بدیدار شدنیک و کردار) ۵- ک: خوب بیغاره زرد هشت (۹) ع: (لی: این؛ ق: آ، ل: و، ن: آ: بودکان) ۷- س (نیز لی: و): برمنش؛ (ب: لن: آ: پرمنش)؛ متن = ک، ل: آ، س، ۲ (نیز لن: ق: آ، ل: آ، ب) ۸- س، ک، ل: آ، س، ۲ (نیز ق: آ، لی: ب، پ): طشت؛ متن = (لن: ل: آ، ل: ق: این بیت راندارند ۹- س، ک، ل: آ، س، ۲ (نیز ق: آ، لی: ب، پ): طشت؛ متن = (لن: ل: آ) ۱۰- س، ل: آ (نیز لن: لی: آ، ب): زر؛ س ۲ (نیز لن: آ): نو؛ متن = ک (نیز ق: آ، ل: آ، ب، و) ۱۱- س، ک (نیز لی: ب: بدان؛ ل: آ (نیز آ): بران؛ (ل: آ: بدین)؛ متن = س ۲ (نیز لن: ق: آ، ب، و، ل: آ) ۱۲- ک: آن؛ س، ل: آ (نیز لی: آ، ب): شد رنگ (آ: رنگش)؛ از؛ س (نیز لن: آ): نو باشد از؛ (ق: آ: پر بو شد از)؛ ل، ق: این بیت راندارند و در س، لی: ب: ل: های آن پس و پیش شده اند؛ ک: پس از این بیت افزوده است:

پلیدی به صندوق شد طشت زر جز از من کسی را نبیند دگر

۱۳- ل (نیز آ): گشته؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴- (پ: بی مایگان؛ و: وگرنه ز کسی) ۱۵- ل: نامداری؛ س، ک، ل: آ، س، ۲ (نیز لن: ق: آ، ب: ب: دوستداری؛ لی: روزگاری)؛ متن = (ل: ق): ق: این بیت راندارد؛ ک: پس از این بیت افزوده است:

کنون تا به مشکوی ما او شدست همه گنדה مشکبوی آمدست (۱)

۱۶- س، ق، ل: (نیز لی: آ، ب): که بی تو مبادا زمان و متن = ل، ک، س ۲ (نیز لن: ق: آ، ل: آ، ق: نخت و تاجت) ۱۷- (ل: آ: نگین) ۱۸- ل: آن؛ (ب: به از آن)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹- (ل: آ: آنست؛ پ: آن مه) ۲۰- (لن: همان راز گیتی تو مه میکنی) ۲۱- س (نیز لی: ب): مهتر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲- (ق: آ: همان) ۲۳- ل: سایه؛ ک، س ۲ (نیز لن: برده؛ ل: آ (نیز ق: آ، لی: و، ب): فزه؛ (پ: برده)؛ متن = س، ق (نیز ل: آ): در ل: آ: های این بیت پس و پیش شده اند؛ بنداری (۲۵۰۹-۳۵۰۰): فقال الملک: هذا مثل شیرین. و إنهما لما تحوّلت الی بیتنا عادت طاهرة و ان کانت من قبل مساویها ظاهرة. فرضوا عن الملک و دعوا له، و انقض المجلس و عادوا الی منازلهم؛ ک: پس از بیت ۳۵۰۹ افزوده است:

چو چندی برآمد برین ماه روز همی بود از داد گیتی فروز

۲۴- ل (نیز پ، آ، ب): از آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵- س (نیز لی: ب: درگاه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶- س ۲ (نیز لن: ق: آ، ل: آ): (چو؛ متن = ل، س، ک، ل: (نیز لی: ب) ۲۷- ک: خورشید ۲۸- ل: س ۲ (نیز ق: آ، لن: آ): شد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹- (ل: آ: بد چو)؛ ق: این بیت راندارد ۳۰- ل: آ: همی ۳۱- س (نیز پ): همان بر؛ (لی: ب: همه بر؛ و: هم اندر)؛ متن = ل، ق، ک، ل: آ (نیز لن: ق: آ، ل: آ، ل: آ)؛ س ۲ این بیت راندارد ۳۲- ق: ز رشکش همیشه

شد آن ناموردخت^۱ قیصر نژاد^۲!
که او داشت آن راز تنها و^۳ بس!
شبهستان زین^۵ به شیرین^۶ سپرد

به فرجام شیرین ورا زهر داد
از آن چاره آگه نبد هیچ^۳ کس
۳۵۱۵ چو سالی برآمد که مریم بمرد

به بالا ز^۹ سی سالگان برگذشت!
بدان تا شود نامور پرهیز^{۱۱}
شب و روز شادان به فرمان شاه^{۱۲}
بیامد بنزدیک آن نیک‌بخت^{۱۴}،
همیشه به بازیش بودی^{۱۷} نیاز^{۱۸}،
نشسته^{۲۰} کلیده بران^{۲۱} دفترش،
بریده یکی خشک‌چنگالی^{۲۲} گرگ،
همی این بران برزدی چونک خواست^{۲۴}

چو شیروی^۷ را سال شد بر دو هشت^۸
بیاورد فرزنانگان^{۱۱} را پدر
همی داشت موبد مرو را نگاه
چنان بُد که یک روز موبد ز تخت^{۱۳}
۳۵۲۰ چو آمد بنزدیک شیروی^{۱۵} باز^{۱۶}
یکی دفتری دید^{۱۹} پیش اندرش
به دست چپ آن جوان سُترگ^{۲۲}
سروی سِر^{۲۳} گاو میشی به راست

۱-س-۲ (نیز لن، لی، ب): دختر خوب؛ (ق: ۲: خوب رخ ماه)؛ متن = ۲-ق: فرخ نژاد؛ ک پس از این بیت افزوده است:

از آن کس که شیرین ازو زاده بود
همان گردیده نیز بیمار گشت
بدان چندگه نیز اندرگذشت

۳- (و: زبس چاره آگه نبود ایچ) ۳-س (نیز ق: ۲، لی، و، آ، ب): پنهان و؛ ق: پنهان؛ ل: ۲: پنهان ز؛ متن = ل: ک، س، ۲، لن، ل، ۳، ب، لن، ۲: بنداری این بیت را ندارد؛ بنداری: قال: وکان الملك لیلًا و نهارًا مع مریم بنت قیسر فغارث منها شیرین حتی سقطها سما فماتت ۵-س، ق، ل، ۲ (نیز لی، آ، ب): مریم؛ س ۲ (نیز لن ۲): سراسر؛ (ق: ۲: شهنشه؛ و: شاهان)؛ متن = ل (نیز لن، ل، ۳، پ) ۶-ل (نیز ل ۳): ک این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم جعل الملك بعد سنة مکانها ل شیرین؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند؛ ق: حال شیرویه با موبد و تدبیر خسرو در باب او؛ س ۲: داستان شیرویه ۷-ل (نیز ل ۳): شیرویه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸-ل (نیز ل ۳): هفت؛ متن = یازده دستنویس دیگر (بنداری) ۹-ق (نیز ل ۳): ز بالای؛ (و، آ، ب: به بالای)؛ متن = ل، ۲، س ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، پ، لن، ۲)؛ س، ک این بیت را ندارند ۱۰-ک، ۲ (نیز ل ۳، و): فرهنگیان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ک، س ۲ (نیز پ، و، لن، ۲)؛ با هنر؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: و اما ولده شیرویه فانه لما بلغ ست عشرة سنة طاول بقده أبناء الثلاثین فأحضره الملك المؤمنین والمعلمین ۱۲-بنداری: وکان الموبد المعلم یرقبه و یضبط حركاته و سکنااته، علی مقتضی أمر الملك ۱۳-ک: دشت؛ متن = سیزده دستنویس دیگر (حرف یکم در لن، ب، پ با دو نقطه و در دیگر دستنویسها بی نقطه) ۱۴-س، ق (نیز لی، آ، ب): بنزد خداوند تخت (ق: بخت؛ در س، ب حرف یکم بی نقطه)؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز لن، ق، ۲، لن، ۲)؛ س ۲ این بیت را ندارد ۱۵-ل: شیرویه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶- (و: شیرو فرزاز) ۱۷-ق، ک، ل ۲ (نیز لن، ل، ۳، لن، ۲): دیدی؛ متن = ل، س (نیز ق: ۲، پ، و، آ، ب) ۱۸- (لی: نیازش نبودی بتاز)؛ س ۲ این بیت را ندارد ۱۹-س (نیز لی، آ، ب): بود؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-ل، س، ق (نیز لی، و، ب): نوشته؛ متن = ک، ل، س ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، ب، لن، ۲)؛ ق، ک (نیز لی، آ، ب): بدان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲- (ق: ۲: بزرگ) ۲۳-ک (نیز ق: ۲): یکی؛ (ب: سرو)؛ ل: سرو سرو (ا)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴-ل: آن برآست (ا)؛ س ۲ (نیز لی، ب): هر که خواست؛ ک، س ۲ (نیز لن، ل، ۳، پ، لن، ۲، آ، ب): بدان (ن ۲: بآن) برزدی هر که (ب: چونکه) خواست؛ (و: بآن برزد آنگه که خواست)؛ ق: آن بدین برزدی هر چه خواست؛ متن = (ق: ۲: نیز ب)؛ بنداری (۳۵۱۹-۳۵۲۳): فدخل علیه یوما وراه و بیده کف ذئب و قرن جاموس یضرب أحدهما بالآخر، و یلعب لعب الصبی العارم

۳۵۳۵ پر از درد شد جان خندان اوی^۱
 ابا آنک همشیره بودی وُرا
 هم آن راه^۵ که پیوسته او بُدند
 [یسی دیگر از مهتر و کهتران^۹
 همی^{۱۰} برگرفتند ازیشان^{۱۱} شمار
 ۳۵۴۰ همه کاخها را^{۱۴} یک اندر دگر^{۱۵}
 ز پوشیدنی‌ها و از^{۱۷} خوردنی
 به ایوان‌هاشان بیاراستند
 همان^{۱۹} می فرستاد و رامشگران
 به هنگامشان رامش و خورد بود

وُ زایوان^۲ او کرد زندان اوی^۱،
 کجا آب ازو^۳ تیره بودی وُرا^۴،
 گه^۶ رای^۷ جُستن بر او شدند^۸،
 که بودند با او به بند گران،
 که و مه^{۱۲} فزون آمد از سه‌هزار^{۱۳}
 بُرید آنک بُد شاه را کارگر^{۱۶}
 ز بخشیدنی، هم ز گستردنی،
 پرستنده و بندگان خواستند^{۱۸}،
 همه^{۲۰} کاخ دینار بُد بی‌کران،
 نگهبان بر^{۲۱} ایشان چهل مرد بود

گفتار اندر داستان تختِ طاقدیس^{۲۲}

۳۵۴۵ کنون داستان گوی در داستان^{۲۳} از آن یک‌دل و^{۲۴} یک‌زبان^{۲۵} راستان،

۱-ل. س. ق. س. ۲ (نیز ق. ۲، و. آ. ب.)؛ او؛ متن = ک. ل. ۲ (نیز ل. ن. ۲) ۲-ق. ک. س. ۲ (نیز ل. و. آ. ب.)؛ از ایوان؛ (ق. ۲؛ پس ایوان)؛ متن = ل. ل. ۲ (نیز ل. ن. ۲، ل. ۲، پ. ن. ۲)؛ بنداری؛ فلما بلغ الشَّاب ثلاثا و عشرين سنة ضاق منه صدر أبيه، لما كان يصدر منه من حرکاته الموحشة، فالزَّمة إیوانه، و جعله سجانه لا یمكن من الخروج منه ۳- (ب. از آن) ۴- ک. مر. ا. ل. ق. ق. ۲، پ. این بیت را ندارند ۵- س. (نیز ل. ۱)؛ آنان؛ ۲ (نیز ۱)؛ او را؛ (ق. ۲؛ همانا)؛ متن = ل. ق. (نیز و) عمل^۲ (نیز ۱)؛ که از؛ (ق. ۲؛ که در) ۷- (و. راز) ۸- (ق. ۲؛ بودند)؛ در ق. ۲ این بیت پس از ۳۵۳۸ آمده است؛ ک. س. ۲، ل. ن. ۲، ق. ۲، پ. ل. ن. ۲ این بیت را ندارند ۹- (ق. ۲؛ پ. مهتران و سران)؛ متن = ل. این بیت در دوازده دستنویس دیگر نیست ۱۰- س. ق. (نیز ل. ل. ۲، ل. ن. ۲، آ. ب.)؛ همه؛ متن = ل. ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز ل. ن. ۲، و. پ.) ۱۱- ل. (نیز ل. ل. ۱)؛ زیشان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲- ل. که برسه (یعنی پرسه؟)؛ متن = س. ب. ۱۳- (ل. ۲؛ دو هزار)؛ بنداری (۳۵۳۶-۳۵۳۹)؛ وأحصوا رضعاء و غلمانه فبلغوا ثلاثة آلاف نفس من صغیر و کبیر ۱۴- (ل. کاخهای)؛ متن = ۱۵- س. ق. (نیز ل. ب.)؛ یک اندازه کرد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶- س. ق. (نیز ل. ب.)؛ به زندان که بد (ق. آن) شاه را تازه (ل. باره؛ ب. کازه) کرد؛ که به زندان کند شاه را کارگر؛ ل. ۲ (نیز ل. ن.)؛ بدیدند (ل. ن.)؛ بریدند)؛ به فرمان آن دادگر؛ س. ۲ (نیز و. ل. ن. ۲)؛ برید (س. ۲؛ بدید) آنک (ل. ۲؛ که) بد شاه را چاره گر (آ. کارگر)؛ (ق. ۲؛ به زندان شیروی بد سربر؛ ل. ۲؛ به ایوان که بد شاه را کارگر)؛ متن = ل. (نیز ب. که) ۱۷- ق. (نیز ۱)؛ وز ۱۸- ق. ۲ این بیت را ندارد ۱۹- س. (نیز ل. ن. ل. ۲، آ. ب.)؛ همی؛ ق. همو؛ متن = ل. ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز ق. ۲، و. ل. ۲) ۲۰- ل. همان ۲۱- ل. س. ق. (نیز ل. و. آ.)؛ خبر؛ (ب. از)؛ متن = ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز ل. ن. ۲، ب. ل. ن. ۲)؛ ق. ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری (۳۵۴۰-۳۵۴۴)؛ فنفاوا البعض، و أبتوا البعض، بعد أن كانوا یدزون علیهم أرفاقهم. و خرقوا القصور بعضها الی بعض حتی کان شیرویة یتردد فیها. و کلوا به و یمن معه أربعین نفسا یحفظونهم لیلًا و نهارًا؛ ک. پس از بیت ۳۵۴۴ افزوده است:

به شیروی یاران برآمد زبان
 که نیکو نشد شاه را بدگمان
 بگویم از آن پس که آن بد چه کرد
 ابا شاه‌پرویز با رنج و درد
 بدی روزگاراننش آموزگار
 برین گونه رفتی برو روزگار
 که را بخششی کرد این آسمان
 همان یابد از نیک و بد بی‌گمان

۲۲- ل. ق. صفت تخت طاق دیس (ق. وزینتی که خسرو بر آن افزود)؛ ک. صفت تخت خسرو؛ ل. داستان تخت و طاق کیخسرو (۱)؛ س. ۲؛ داستان تخت طاقدیس؛ متن = س. ۲۳- (و. از باستان) ۲۴- ق. ح. و. س. (نیز ل. ب.)؛ نیک‌دل؛ (آ. تنگ‌دل)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵- (ل. ۳؛ زمان)

که بنهاد پرویز در^۴ اسپریس،
که ناپاراس^۵ بود و ناپاک^۶ بود؛
و زان تازیان نام مردی^{۱۰} ببرد،
که شاهش جدا داشتی^{۱۱} از^{۱۲} گروه،
رسیده به هر کشوری کام^{۱۵} اوی^{۱۴}،
گهر گرد بر^{۱۸} گرد او درنشاخت^{۱۹}،
چو آن^{۲۲} تخت^{۲۳} پرمایه آباد شد^{۲۱}،
یکی تاج^{۲۶} زرین و دو گوشوار،
که بُد مرز^{۳۰} منشور^{۳۱} او^{۳۲} چون بهشت!
- کزان^{۳۳} نامدارانش او بود خُرد^{۳۵} -،
بران^{۳۸} پادشاهی برافزود^{۳۹} نیز:

ز^۱ تختی که خوانی^۲ و^۳ را طاقدیس
سر مایه‌ی آن^۵ ز ضحاک بود
به^۸ گاهی که رفت^۹ آفریدون گرد
یکی مرد بُد در دماوندکوه
۳۵۵۰ کجا جهن^{۱۳} برزین بُدی نام اوی^{۱۴}
یکی نامور شاه را^{۱۶} تخت ساخت^{۱۷}
که شاه آفریدون^{۲۰} بدان شاد شد^{۲۱}؛
درم داد مر جهن^{۲۴} را سی هزار^{۲۵}
همش^{۲۷} عهد ساری و آمل^{۲۸} نبشت^{۲۹}
۳۵۵۵ بدانگه که ایران به ایرج سپرد^{۳۳}
جهاندار^{۳۶} شاه آفریدون^{۳۷} سه چیز

۱- (ب: که) ۲- (و: خواندی) ۳- (ق: ۲: همی) ۴- س. ق. ک. (نیز ب. و. ب.): بر؛ ل. ۲ (نیز ن. ن. ۲): که موبدش بنهاد بر؛ متن = ل. س. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۱. ۲. آ. ۲). ۵- (ب: او) ۶- س (نیز ل. ۱): یکی پادشا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷- ل. س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ن. ن. ۲. ل. ۱. ب. و. آ. ب.): ناپاک؛ ق: بی پاک؛ متن = (ل. ۳. ن. ۲) ۸- س (نیز ل. ب.): ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹- ک. س. ۶ (نیز آ.): گرفت؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: وزانگه که شد ۱۰- س. ۱۰: یزدان؛ (ن: گردی؛ ق: شاهی)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱- س: جدا بستی (→ جدا داشتی؟) ۱۲- س. ق. (نیز ل. آ. ب.): زان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳- س (نیز ل. ب.): مهر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴- ل. س. ق. س. ۲ (نیز ل. ل. ۳. و. آ. ب.): او؛ متن = ک. ل. ۲ (نیز ن. ق. ۲. ب. ن. ۲) ۱۵- ک: به افسون و رنگ و به دستان (ا)؛ بنداری (۳۵۴۵-۳۵۵۰): قال صاحب الکتاب: کان فی عهد آفریدون رجل مهندس يدعى جهن بن برزین، و کان مشهوراً مذکوراً فی الآفاق (۳۵۴۸-۳۵۴۵ را ندارد)؛ ک پس از بیت ۳۵۵۰ افزوده است:

به هر پیشه‌ای سهمگین اوستاد گرفته ز هر دانشی نیز یاد
چو او هندسی در زمانه نبود بدان حکمت او بهانه نبود

۱۶- (ل: شاه را نامور) ۱۷- ل. ۱۷ (نیز ن. ن.): کرد ۱۸- (ق: ۲: در)؛ ل: کرد و بر ۱۹- ل. ۱۹ (نیز ن. ن.): سخت کرد؛ س. ۲: برنشاخت؛ س. ق. ل. آ. ب. این بیت را ندارد؛ بنداری: فعمل لأفریدون تختا مرضعا قد أبدع فی وضعه ۲۰- ل: که شاد فریدون (!) ۲۱- ل. ۲: شد. آزاد شد؛ (و: گشت گشت)؛ ل. س (نیز ل. ب.): بدو شاد بود. آزاد بود؛ متن = ق. ک. س. ۲ (نیز ن. ن. ۲. ل. ۱. ۲) ۲۲- ل: که آن؛ ک. ل. ۲ (نیز ن. ل. ۳. و): چنان (= چنان؟)؛ متن = ۲۳- س (نیز ل. ب. ب.): جوانبخت و (ب: حوب)؛ متن = ق. س. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۱. ۲) ۲۴- س (نیز ل. ۱): مهر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- ل: صد هزار؛ متن = س. ب (بنداری) ۲۶- س. ۲ (نیز و): طوق؛ (ل: ۲: تخت)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر (بنداری) ۲۷- ل. س. ۲ (نیز ق. ۲. ب. و. ن. ۲): همان؛ (ل: ۲: همی)؛ متن = س. ل. ۲ (نیز ن. ل. آ. ب.) ۲۸- (و: ساری مراورا) ۲۹- ل. ۲ (نیز ن. ل. ۳. و. ب.): نوشت؛ متن = س. ل. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ب. پ) ۳۰- ل. س. ل. ۲ (نیز ن. ل. ب. آ): مرز و؛ ق: حکم و؛ س. ۲: عهد؛ (ق: ۲. ل. ۲): عهد و؛ و: نوشتند؛ ب: که یک مرز و؛ متن = ل. ک (نیز ل. ۳) ۳۱- س (نیز ل. ۱): بستان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲- ل. ۳: آن؛ بنداری: فتعجب منه آفریدون فأعطاه ثلاثین ألف دینار و تاجا و قرطین، و أقطعہ آمل و ساوه ۳۳- ل. ق: رسید؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۴- (ق: ۲: که از)؛ ب: کزو) ۳۵- س. ۲: مرد؛ ق: بد کلیلد؛ ل: نامداران وی آمد پدید؛ (ب: نامداران که او بود خرد)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و أعطی التخت لولده ایرج ۳۶- (ل: ۲: بدو داد) ۳۷- ل: فریدون؛ ک: ما آفریدون؛ (ل: از آفریدون)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۸- ک (نیز ل. ۱): بدان؛ (و: برین) ۳۹- ک (نیز ل. ۳. و. ن. ۲): بیفزود؛ (ق: نیز ق. ۲): همان (ق: ۲: همی)؛ شاد بد زو منوچهر (۳۵۵۶-ب-۳۵۵۹) را انداخته و از ۳۵۵۹ و ۳۵۵۶ ب یک بیت ساخته‌اند)؛ بنداری: قال: و خلف آفریدون بعده ثلاثة أشياء مذکورة؛ ل. ۲ پس از بیت ۳۵۵۶ افزوده است:

نخستین ازین اختر کاویان خجسته بدان در میان کیان

که مانده‌ست از او^۳ در جهان^۴ یادگار
 همی خواندی نام او^۶ دادگر
 همان^۹ شاد بُد زو^{۱۰} منوچهر^{۱۱} نیز
 بران^{۱۵} تخت چیزی همی^{۱۶} برافزود
 فراوان بیفزود بالای^{۱۷} تخت
 و زو همچنین^{۲۰} تا به^{۲۱} گشتاسپ شد^{۱۹}
 که کار^{۲۳} بزرگان نشاید نهفت!
 فزونی چه داری برین^{۲۶} کارکرد^{۲۷}،
 پس از^{۲۹} مرگ ما را^{۳۰} که خواهد ستود^{۳۱}!
 بدید^{۳۲} از در^{۳۳} گنج دانش^{۳۴} کلید:
 همی کرد^{۳۶} پیدا چه و چون و چند،
 بران^{۳۸} تخت کرد او به فرمان شاه

یکی^۱ تخت و آن^۲ گرزهی گاوسار
 سدیگر کجا هفت چشمه کمر^۵
 چو ایرج بشد^۷، زو بماند این^۸ سه چیز
 ۳۵۶. هر آنکس که او تاج^{۱۲} شاهی^{۱۳} بسود^{۱۴}
 چو آمد به کیخسرو نیک بخت
 برین^{۱۸} هم نشان تا به لهراسپ شد^{۱۹}
 چو گشتاسپ آن تخت را دید^{۲۲} گفت
 به جاماسپ گفت: ای^{۲۴} گرانمایه مرد^{۲۵}
 ۳۵۶۵ یکایک ببین تا چه خواهی^{۲۸} فزود
 چو جاماسپ آن تخت را بنگرید
 بروبر^{۳۵} شمار سپهر بلند
 ز کیوان همه^{۳۷} نقش‌ها تا به ماه

۱-ک، ل، ۲، س (نیز ل، ن، و، ۳): همین؛ (ن: ۲: همان)؛ متن = ل، س (نیز ل، پ، آ)، ۲-س (نیز و): این ۳-ل: زو؛ س (نیز ل، آ): ماند آن ازو؛
 ۴-ک (نیز ل، ۲): ماند این سخن؛ ل: ماند ازو؛ (ن: مانده ازو)؛ متن تصحیح قیاسی است (= ل) ۴-س (نیز و، ن، ۲): سدیگر درفش
 ازو؛ ق، ۲: ب این بیت را ندارند ۵-ل: مکر (= کمر)؛ متن = س، ک، ل (نیز ل، ن، پ، آ) ۶-س (نیز ل): خواندندی ورا؛ متن = ل، ک،
 ل (نیز ل، ن، پ، آن، آ): ق، ۲: ل، ۳: و، ن، ۲: ب این بیت را ندارند؛ بنداری: أحدها هذا التخت، والثانی الجزر المعمول علی صورة رأس
 الثور، والجوهرة المعروفة بذات العیون السبع؛ س، ل، ۲، ل، آ: پس از بیت ۳۵۵۸ افزوده است:

به ایرج سپرد آفریدون همه که ایرج بدش سرشبان (ل: سرشبان و) رمه

۷-س (نیز ل، آ): شد و؛ متن = ل، ک، ل، ۲، س (نیز ل، ن، ۳، ن، ۲) ۸-س، ک (نیز ل، پ، آ): آن؛ متن = ل، ل، ۲، س (نیز ل، ن، و، ن، ۲) ۹-آ:
 همو) ۱۰-ل، ل، ۲، س، ۳: زان؛ (ن: همان تا به گاه) ۱۱-ک: شد به دست منوچهر؛ س: بران پادشاهی بیفزود (= ۳۵۵۶ ب)؛ (ل: بدان پادشاهی
 برافزود = ۳۵۵۶ ب)؛ ق، ۲: ب این بیت را ندارند؛ بنداری: ولما احترم انتقلت الأشياء الثلاثة الی منوچهر ۱۲-س، ق (نیز ل، آ، ب):
 تخت؛ ک: نام؛ (ل: ۳: گاه)؛ متن = ل، ل، ۲، س (نیز ل، ن، ق، ۲، و، ن، ۲) ۱۳-پ: همان کس که او تاجداري) ۱۴-و: ربود) ۱۵-ل: بدان)
 ۱۶-س: بر او؛ (ل: بدو)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: وکان کلما ملک ملک زاد فی هذا التخت شینا ۱۷-ل: بالا و؛ متن =
 س، ب؛ بنداری: فلما انتهت التوبة الی کیخسرو زاد فی طوله كثيرا ۱۸-ل: بدین) ۱۹-و، ن، آ: شاه) ۲۰-ل: همچنان؛ متن = س، س، ب
 ۲۱-س، ۲: باز ۲۲-ل: دیدو) ۲۳-ک: گاه ۲۴-پ: آن) ۲۵-ل، ۲: شاه ۲۶-ل، ق، ک، ل، ۲: (نیز ل): بدین؛ (ق: ۲: بران؛ ل: بدان؛ آ: دانی برین)؛
 متن = س، س (نیز ل، ن، ۲، ن، ۲) ۲۷-و: (باز گاه) ۲۸-پ: خواهد) ۲۹-ل: (باز) ۳۰-س: تو این؛ ل: ۲: مانا؛ (ن: ماتا)؛ متن = ده
 دستنویس دیگر ۳۱-ل، ۲: (نیز ل، ن، ب): بسود؛ س: خواهی ستود؛ (ق: ۲: چه خواهی ستود؛ ل: مرگ را تا که خواهد شنود)؛ بنداری: وبعده
 زاد فیه لهراسپ. ولما ملک کشتاسپ قال لجاماسب الحکیم: اعمل فی هذا التخت شینا بقی ذکره أبد الدهر، و یخبر الخلق بعلمک و
 حدقک ۳۲-در ل، س حرف یکم بی نقطه ۳۳-س (نیز ل، پ، آ): آن در؛ (ل: ۲: برون داداز) ۳۴-ل، ن، ۲: از در دانش آنرا)؛ ق: پدیدار کرد او
 ز دانش؛ متن = ل، ک، ل، ۲، س (نیز ق، ۲، و، آ) ۳۵-ک: بدو بر؛ (ل: بروز) ۳۶-س، ق، ل، ۲: (نیز ل، ن، ل، آ، و، ب): همه کرد؛ س: ۲: همه کرده؛
 متن = ل، ک (نیز ق، ۲) ۳۷-ل: (ن: همی) ۳۸-ل: بدان)؛ بنداری: فنقش جاماسب علیه البروج الاثنی عشر، والكواكب السبعة السيارة، و
 غیرها من الساعات وما یتعلق بالنجوم

ز شاهان هر آنکس که آن گاه^۲ دید،
 ز زر و ز سیم و^۴ ز عاج و ز شیز^۵
 ز بی‌دانشی^۹ کار یکباره^{۱۰} کرد
 همی^{۱۳} دست بر دست بگذاشتند
 کجا گشته بُد نام آن تخت پیر^{۱۶}
 به شادی سوی گرد کردن^{۱۹} شافت
 از آن پس که کام^{۲۰} بزرگی براند^{۲۱}

چنین تا به گاه^۱ سکندر رسید
 ۳۵۷۰ همی برفزودی برو^۳ چند چیز
 مران^۶ را سکندر همه^۷ پاره^۸ کرد
 بسی زان^{۱۱} بزرگان نهان داشتند^{۱۲}
 بدین^{۱۴} گونه بُد تا سر^{۱۵} اردشیر
 از آن تخت جایی^{۱۷} نشانی بیافت^{۱۸}
 ۳۵۷۵ بمرد او و آن تخت ازو بازماند

۱-ک: کار ۲-س (نیز و ب): کار؛ ق: تخت؛ س: ۲؛ او: تخت؛ متن = ل، ک، ل، ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، پ، لن، ۲، آ)؛ در لی ۳۵۶۸ دوباره آمده و پس از این بیت افزوده است:

ز شاهان هر آنکس که آن کار دید بسی کرد پیدا ز گفت و شنید

۳-ل ۲ (نیز ب): بران؛ س (نیز لی، آ، ب): بسی برفزودش (ب: برفزودی) از او؛ ق: بسی برفزودی بدو؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، و، لن ۲) ۴-ق (نیز ب): ز سیم و زر ز (ق: لعل) و؛ (لی: ز سیم و زر هم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر (هـ، ل، ۳، ب: بشیز)؛ در ل ۳ لت‌ها پس و پیش شده‌اند؛ بنداری: و زاد ایضا فیه من بعده الی أن انتهت النبوة الی الاسکندر ۶-ک: هم آن؛ (ب: مر او) ۷-س، ق، ل ۲ (نیز لی، ب): همی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸-س: تازه؛ (لی، ب: تازه؛ آ: یاره)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹-س، ق (نیز لی): بر دانشی؛ (ب: ز شادی همی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰-ق: تخت بی‌کاره؛ بنداری: فخالف الکل، و نقضه و فرق أجزاءه و مزقه کل ممزق ۱۱-ل از: (آ: زین؛ ق: ۲؛ پس آنرا)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲-ل ۲: نگهداشتند ۱۳-س، ق، ک (نیز لی، آ، ب): همه؛ متن = ل، ل ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، لن ۲)؛ س ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: ففترقت ألواحہ فی الایدی السالبة، و کانوا یحتفظون بها ۱۴-س، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، پ، لن ۲، ب): برین؛ (و: بدان)؛ متن = ل، ق، ک (نیز لی، ل، ۲، آ) ۱۵-و (و: گه)؛ ک، س، ۲: گونه تا بر سر ۱۶-ل (ن: زیر)؛ س: بخت برناش پیر؛ (لی: بخت با بنده پیر)؛ ق: از ایران هر آنکس که بد تیزویر (= ۳۵۷۹ ب)؛ (و: از آن نیز هر کس که بد تیزویر = ۳۵۷۹ ب)؛ س: بسی نیز استاد برناو پیر)؛ متن = ل، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز ل، ۳، پ، لن، ۲، آ)؛ ق ۲ این بیت را ندارد ۱۷-ق (آ: ب: شاهی) ۱۸-ل، ک (نیز ق، ۲، ل، ۳، و، ب): بیافت؛ در س، ل، ۲، س ۲ حرف یکم بی‌نقطه؛ متن = (لن، پ) ۱۹-و (آ: زوها)؛ ل، س، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، و، ب): آ، ب: بدان) آرزو سوی دیگر (= ۳۵۷۸ ب)؛ متن = (پ)؛ بنداری: فلما ملک اردشیر تتبع فوجد من ذلك التخت ألواحا مکسرة فجمعها و أعاد منه رسما؛ برخی از دستنویسها پس از بیت ۳۵۷۴ افزوده‌اند:

ر شادی بدو اندر آورد پای ک: چو آورد آن تخت بهری ز جای

بپیوست و بر وی برد کزهنای ز هر جای آورد لختی بجای

وزان نیز او شادمانی ندید ل، ۲، لن، ۲: بکرد و نیامد چنان چون سزید

۲۰-ل: نام؛ متن = ک، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، لن ۲) ۲۱-ب: برفت و زانپس سزوار بماند)؛ س، ق، لی، آ این بیت را ندارند؛ ک پس از این بیت افزوده است:

چو آن بارها جمله گرد آورد یکی جایگه بود شاهنشهی

نشست بزرگان و جای تهی بدان شادمان چندگاهی نشست

که دانا چگونه بیارد پدید بدین گونه بد تا به کسری رسید

بیاراستی از پی بخت را به هر ماه یک راه آن تخت را

انوشیروان شاه گیتی فروز نشستی برو روز هر مزد و روز

رسید آن گرامی سزاوارگه
 و زان تخت چندی سخن‌ها براند
 بدان آرزو سوی دیگر^۶ شتافت:
 و زایران هر آنکس که بد تیزویر^۹
 به هنگام آن شاه پیروزبخت
 ز مکران^{۱۳} و بغداد^{۱۴} و ایران‌زمین
 که^{۱۶} کردار آن^{۱۷} تختشان یاد بود،
 به رای و به تدبیر^{۲۰} جاماسب کرد
 ز رومی و^{۲۴} بغدادی و^{۲۴} پارسی
 به دو^{۲۶} سال تا تخت^{۲۷} بر هم^{۲۸} زدند
 درخشنده شد^{۲۹} روی بخت بلند
 چو هفتاد رش برنهی^{۳۲} از برش^{۳۳}

بدین^۱ گونه بُد تا^۲ به پرویزشاه
 ز هر کشوری مهران را بخواند
 از^۴ ایشان فراوان نشته^۵ بیافت
 بیاورد پس تخت شاه^۷ اردشیر
 ۳۵۸۰ به هم برزدند^{۱۰} آن سزاوار^{۱۱} تخت
 و را^{۱۲} دگر آمد ز روم و ز چین
 هزار و صد و بیست^{۱۵} استاد بود
 که او را بنا^{۱۹} شاه گشتاسپ کرد
 ابا^{۲۱} هر یکی مرد^{۲۲} شاگرد^{۲۳} سی
 ۳۵۸۵ نفرمود^{۲۵} تا یک زمان دم زدند
 چو بر پای کردند تخت بلند
 به رش بود بالاش^{۳۰} صد شاه‌رش^{۳۱}

- ۱-س (نیز ق ۲، ن ۲)؛ برین؛ (ل ۲، ا ۲، ا ۲)؛ متن = ل (نیز پ) ۲-ک: به میراث از آن سان؛ س، ق، ل ۲، ن ۲، ل، و، آ، ب این بیت را ندارند ۳-ل: بران؛ متن = ک، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۳، پ، ن ۲)؛ س، ق، ل ۲، ن ۲، ل، و، آ، ب این بیت را ندارند ۴-ق (۲، و: ل ۲، ز) ۵-ل (نیز و، ن ۲)؛ نوشته؛ (ن، پ: شکسته)؛ متن = ک، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲)؛ عمل، ک، س ۲ (نیز ن، ق ۲، و)؛ به شادی سوی گرد کردن ۳ (۳۵۷۴)؛ (ل ۲)؛ شادی سوی کردن آن؛ (پ: به شادی دل سوی دیگر)؛ متن = (پ)؛ س، ق، ل ۲، ن ۲، ل، و، آ، ب این بیت را ندارند ۷-ص، ل ۲ (نیز ل ۱)؛ تخت را؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، پ، ن ۲) ۸-ل: ز ایران؛ (ل ۲، ا ۲، ا ۲)؛ س ۹-س (نیز ل)؛ بسی نیز استاد برنا و پیر؛ (ق ۲)؛ هر آنکس که بودند برنا و پیر؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق، و، ب این بیت را ندارند ۱۰-ل ۱-س ۲ (نیز ن، و، ن ۲)؛ در زدند؛ (ل ۲)؛ همی در زدند؛ آ: همی بر زدند؛ متن = ۱۱-ا (دلاری)؛ ق: بر زدندی دلاری؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲)؛ س، ل، ب این بیت را ندارند؛ آ: پس از این بیت افزوده است: بگرد و بیامد چنان چون سزید و زان نیز او شادمانی ندید (۳۵۷۴ پ) بگرد او و آن تخت ازو بازماند از آن پس که خسرو بزرگی براند (۳۵۷۵)
- ۱۲-ل (ن ۲، زرگر) ۱۳-ق (ک: کرمان) ۱۴-ل (ب: نبداد؛ و: ز بغداد و مکران) ۱۵-ل ۲ (نیز آ: شصت؛ ق ۲: شصت) ۱۶-ق (آ: ز) ۱۷-پ (این) ۱۸-ا (تخت را یاد؛ ل: که برگرد آن تختشان کار) ۱۹-ک: او راستی (د: اوراشته = افزاشته؟)؛ ل ۲ (نیز ن)؛ او را تبه (د: اوراشته = افزاشته؟)؛ (ل: آنرا بنا؛ ب: ایرانیان)؛ متن = ل، ق، س ۲ (نیز ق ۲، پ-ا) ۲۰-ل: بر او به تدبیر؛ ک: به رای خردمند؛ ل ۲ (نیز ن)؛ بر آن کار تدبیر؛ متن = ق، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، پ-ا)؛ س، ل، ن این بیت را ندارند؛ بنداری (۳۵۸۲-۳۵۷۵)؛ و لما انتهت التوبة الی برویز حشر صنایع جمیع ببلاد حتی اجتمع عنده ألف و مائة و عشرون أستاذًا كانوا یعرفون وضع ذلك التخت علی وضعه جاماسب ۲۱-ل (نیز ق ۲، پ)؛ از آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-ک: بود ۲۳-ق (ک: کرد او مرد)؛ بنداری؛ و کان مع کل أستاذ ثلاثون تلمیذًا ۲۴-س (نیز ل)؛ هندی و از؛ (ق ۲)؛ و از تازی و ل ۲؛ و، بغداد و از؛ ن: ز روم و ز بغدادی و؛ ب: ز روم و ز بغداد و از؛ متن = ل، ق، س ۲ (نیز پ، ن ۲، ل ۲) ۲۵-س-س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، ل ۲، ا ۲، پ)؛ بفرمود؛ در ل ۲؛ حرف یکم بی نقطه و در ل ن یک نقطه هم در بالا و هم در زیر؛ متن = (پ و) ۲۶-س-س ۲: بیک ۲۷-س، ک، ل ۲، ل ۲ (نیز ن-ب، ن ۲، ا ۲، پ)؛ ک: کار؛ متن = ل، ق (نیز و) ۲۸-ک، ل ۲ (نیز پ)؛ در هم؛ س ۲: ز هم (ل)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فاشتفلوا بعمله ستین ۲۹-س (نیز ل)؛ پ: بد؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ک: لت دوم را ندارد ۳۰-ل: بالای؛ (ل: بالا چو)؛ س: بود و بالا چو؛ ق، ل ۲ (نیز ن، و-ب)؛ بود و بالاش؛ (ل ۲: درازای آن بود)؛ متن = س ۲ (نیز ق ۲، پ) ۳۱-ل: شاه‌ارش؛ (ل: ماهرش)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲-س، ق، ل ۲، ل ۲ (نیز ن، ل، ل ۲، ن ۲، ا ۲، پ)؛ برنهی؛ متن = ل (نیز پ) ۳۳-ق (۲)؛ چو هفتاد بر سر نهی باسه شش؛ و: چنان بد که بر ابر سودی سرش = ۳۵۸۹ پ)؛ ک این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و جعلوا طوله مائة و سبعین ذراعا

که پهناش کمتر^۳ ز بالاش بود
 - چنان بُد^۵ که بر^۶ ابر سودی^۷ سرش -
 کزان سر^{۱۱} بدیدی^{۱۲} بن^{۱۳} کشورش^{۱۴}
 یکی فرش بودی به دیگر نهاد
 جهانی سراسر همه^{۱۷} تخت^{۱۸} بود
 ز پیروزه بر^{۲۱} زَر کرده^{۲۲} نگار
 یکی صد به مثقال با^{۲۵} شست و شش^{۲۶}
 پیش دشت بودی و در^{۲۸} پیش باغ^{۲۹}
 مران تخت را سوی او بود پشت^{۳۱}
 گه میوه و جشنگاه آمدی،
 بلدان تا بیابد^{۳۴} ز هر میوه^{۳۵} بوی

صدویست رش^۱ نیز^۲ پهناش بود
 بلندیش پنجاه و صد شاه رش^۴
 ۳۵۹۰ همان^۸ شاه رش هر رش^۹ زو^{۱۱} سه رش
 بسی روز در ماه هر^{۱۵} بامداد
 همان تخت بدوازده لخت بود^{۱۶}
 برو بئ^{۱۹} ز زین^{۲۰} صد و چل هزار
 همان^{۲۳} نقره ی خام بُد میخ بئ^{۲۴}
 ۳۵۹۵ چو اندر بره خور^{۲۷} نهادی چراغ
 چو خورشید در شیر گشتی درشت^{۳۰}
 چو هنگامی تیرماه^{۳۲} آمدی
 سوی^{۳۳} میوه و باغ بودیش روی

۱-ل: صد و سی ارش؛ متن = ک، ل، ۲، ۳ (نیز ل، ق، ۲، پ، و، ل، ۲)؛ بنداری؛ و عرضه مائة و عشرين ذراعا ۲- (پ: باز) ۳- ل (نیز پ): برتر؛ (ق: بهتر)؛ متن = ک، ل، ۲، ۳ (نیز ل، و، ل، ۲)؛ س، ق، ل، ۱، ا، ب، این بیت را ندارند؛ در و این بیت بابت سپهین پس و پیش شده است ۴- ل: پنجاه و شش بار ارش؛ س، ق (نیز ل، ل، ۱، ا، ب): پنجاه و شش (ل: آسه) شاه رش؛ ۵- (نیز پ): همان شاه رش هر رش زان سه (پ: پنج) رش (= ۳۵۹۰)؛ متن = ک، ل (نیز ل، و، ل، ۲)؛ بنداری؛ و سمکه مائة و خمسين ذراعا بالذراع الشاهي، و مقداره ثلاثة أذرع بذراع اليد (= ۳۵۹۰) ۵- (ل، ل، ۲، ب: شد) ۶- ک: در ۷- (پ: بودی)؛ ق ۲ این بیت را ندارند و در ل، ل، ن، ل، ت های آن پس و پیش شده اند ۸- ک: همه ۹- (ق: یکی) ۱۰- (ل: ۳، دو) ۱۱- (ق: ۲، سو) ۱۲- (ل: ۳، ن: ۲، ندیدی) ۱۳- ک: همه؛ ل: ۲، برین؛ (ق: همی؛ ل: ۲، سر)؛ متن = (ل، ل، ۲) ۱۴- (و: چو هفتاد رش برنهم از برش = ۳۵۸۷)؛ ل، س، ق، س، ۲، ل، ۱، ا، ب، این بیت را ندارند؛ در ک، ل، و، ل، ۲ این بیت پس از بیت ۳۵۸۸ آمده است ۱۵- ک: و در؛ (ق: هر ماه در)؛ ل، ق: روز بر هم چنین؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۶- (ل، ۲: تخت)؛ ل، س، ق، ل، ۲، ۳ (نیز ق، ۲، ل، ۱، پ، ا، ب): تخت (ق: نیز) پیروزه (س: پرویز) ده لخت (ل، پ: تخت) بود؛ (و: تخت اندر خور بخت بود)؛ متن = ک (نیز ل، ل، ۲)؛ بنداری؛ و کان من اثني عشر لوحا ۱۷- س، ک (نیز ل، ب): پر از؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۸- (ل: لخت؛ پ: رخت) ۱۹- ل: برش میخ؛ س (نیز ب): برو برش؛ ک: بدو شیر؛ ل: برو ویش؛ س: برویش؛ (ق: برویش ز؛ ل: برو فرش؛ ل: و؛ برویش ز؛ پ: بدو بش؛ ا: برو میخ)؛ متن = (ل، ل، ۲) ۲۰- (ل: بودی)؛ بنداری؛ و فيه مائة الف و سبعون (ل) ألف ضبة من ذهب مرصع ۲۱- (ل: پر) ۲۲- ل: نکرده؛ س (نیز ل، ا، ب): و زربکرده؛ (و: زربکرده؛ ل: نکرده؛ پ: بر؛ ل: نکرده؛ پ: بر)؛ متن = ک، ل، ۲، ۳ (نیز ل، ق، ۲، ل، ۲)؛ ق این بیت را ندارند ۲۳- ک، ل، ۲، ۳ (نیز ل، ق، ۲، ل، ۱، پ، و، ا)؛ همه؛ (ل: هم از)؛ متن = ل (نیز ل، ۲) ۲۴- ک: پیش؛ ل: ۲؛ ویش؛ (ق: ۲؛ فش؛ ل: و؛ وش؛ ل: و؛ کش)؛ ل: تیغ فش؛ متن = س، س، ۲ (نیز ل، پ، ل، ۱، ۲) ۲۵- ل (نیز پ): تا؛ ل، س، س، ۲ (نیز ل: یکی بد؛ س: ۲؛ شد) به مثقال چون (ل، س): بر؛ س: آ تا؛ متن = ک (نیز ل، ق، ۲، ل، ۲، و، ل، ۱، ۲) ۲۶- س، ۲ (نیز پ، ا): شصت و شش؛ (ل، ۳): و شصت رش؛ ق، ب، این بیت را ندارند؛ بنداری؛ و مسامير الضبات من الفضة وزن كل مسمار مائة وستة وستون مثقالا ۲۷- ل، ک: بر خود؛ س: ۲؛ آمد بره خور؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۸- ک (نیز ل، ل، ۲): بودی در؛ (ب: ز پس دشت بودی و از) ۲۹- س، س، ۲ (نیز ل، و، ب): راغ؛ ک: زاغ؛ متن = ل، ۲ (نیز ل، ق، ۲، ل، ۱، ۲، ۳)؛ ق این بیت را ندارند و در ب بابت سپهین پس و پیش شده است؛ بنداری؛ و كان اذا حلت الشمس فی برج الحمل يكون وجه هذا التخت الی البساتین و ظهره الی الصحراء ۳۰- ک: چو خورشید در شد بکشتی درست (ق: ۳۱- در ب، ل، ت های این بیت پس و پیش شده است؛ بنداری؛ و اذا حلت الشمس الی الأسدکان ظهره الیها و وجهه الی البساتین ۳۲- (ل: ۳) مهر ماه) ۳۳- (ل: ۳، سر) ۳۴- (ق: ۲، ل، ۱، ۲: بیابد)؛ در ل، بی نقطه؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۵- (ق: سوی)؛ بنداری؛ و عند فصل الخريف و إبتاع الثمار يكون وجهه الی البساتین حتی تصل روانح الفواکه الطيبة الی مشام القاعدين علیه

بران^۳ تخت بر کس^۴ نبودی دژم
 ز خز^۵ و سمور^۶ ازدی شهریار
 بر^{۱۰} آتش همی تافتی^{۱۱} جامه دار
 کز آتش شدی سرخ همچون^{۱۲} بُسند
 دگر^{۱۷} پیش گردانِ سرکش بُدی
 همان ماه^{۲۰} تابان به برجی که رفت
 بدیدی به چشم سر^{۲۳} اختر گرای^{۲۴}
 سپهر از بر خاک بر چند گشت^{۲۶}
 چه مایه ز زر^{۲۹} گوهر آگین^{۳۰} بُدی
 وگر^{۳۱} چند بودیش دانش بسی
 کمابیش^{۳۳} هفتاد دینار بود
 همی گیر ازین^{۳۶} گونه از^{۳۷} نیک و بد^{۳۸}

زمستان که بودی گه^۱ باد و^۲ نم
 ۳۶۰۰ همه طاق‌ها بود بسته^۵ ازار
 همان^۷ گوی^۸ زرین و سیمین^۹ هزار
 به مثقال از آن^{۱۲} هر یکی پانصد^{۱۳}
 یکی نیمه روز^{۱۵} اندر^{۱۶} آتش بُدی
 شمار ستاره^{۱۸} ده و دو و هفت^{۱۹}
 ۳۶۰۵ چه زو^{۲۱} ایستاده، چه مانده به جای^{۲۲}
 ز شب نیز دیدی که چندی^{۲۵} گذشت
 از آن تخت‌ها^{۲۷} چند زرین^{۲۸} بُدی
 شمارش ندانست کردن کسی
 هر آن^{۳۲} گوهری کهش بها^{۳۳} خوار بود
 ۳۶۱۰ بسی نیز بگذشت بر هفتصد^{۳۵}

۱-ق: همی ۲-س: ناو؛ س (نیز لی، با): بودی همه کشت؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳-(لی: بدان) ۴-ک: کش ۵-ک: طاقها بسته بودی ۶-ک: همور؛ بنداری: و فی فصل الشتاء تشد طاقاته بازر الخبز و الحریر ۷-(ق: همی) ۸-س (نیز لی): خشت؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹-س، ک، ل، آ، س ۱۰-(نیز لی، ل، آ، ب، و، ا، ب): سیمین و زرین؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، لی، ن، آ) ۱۰-(لی: به) ۱۱-(آ: بافتی)؛ در ل، س حرف یکم بی نقطه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲-ک: خاز-آن؛ (ق: آزو) ۱۳-س (نیز ق، آ، لی، ل، و، ا، ب): پنجصد؛ س: هر یک از آن پنجصد؛ متن = ل، ق، ک، ل، آ، س (نیز لی، ب، آ، ب) ۱۴-ل: شدی همچون (ا): ق (نیز ق، آ، ل)؛ بُدی (ق: شدی) هر یکی چون؛ س: بُدی سرخ همچون؛ س (نیز لی، ب): کزانسان (ب: کزین پس) بُدی هر یکی چون؛ (و: که از آتش سرخ بودی؛ ل: ز آتش شده سرخ همچون)؛ متن = ک، ل، آ (نیز لی، ل، آ، ب) ۱۵-ل ۱۶-(نیز لی، پ، ل): زو؛ (ق: آ، ل، آ: روی)؛ س، ک (نیز لی، ب): که یک نیمه زو؛ متن = ل ۱۶-(ل: پیش) ۱۷-س: وگر؛ ق، س: آ این بیت را ندارد؛ بنداری: و يحضر بین یدی الحاضرين ألف كرة محماتا من الذهب و الفضة، وزن کل واحدة خمسمائة مثقال؛ س، لی، آ، ب پس از ۳۶۰۳ و ق بجای آن افزوده اند:

یکی نیمه از روز چونین بُدی (آ: بود)

دگر پیش گردان برمی (آ: بُدی)؛ ق: چه مایه زر و گوهر

آگین بُدی (آ: بود)؛ ب: دگر نیمه با تاج زرین بُدی

۱۸-ک: چهار و ۱۹-(ق: دو ده باد و هفت ۲۰-ک: بران نامه؛ ق این بیت را ندارد ۲۱-ک: کزو ۲۲-ل: جا؛ (ب: بهای) ۲۳-س (نیز لی): ندیدی بجز سر ز؛ (ب: ندیدی بجز آن سر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴-ل: گرا؛ ق این بیت را ندارد ۲۵-ل: نیما؛ (آ: چندان)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶-س (نیز لی): چرخ چندی بگشت؛ آ (نیز ق، آ، لی، ل، و، ا، ب): خاک چندی بگشت؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز لی، ل، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد و در ق ۲ پس از بیت ۳۶۱۳ آمده است؛ بنداری: و عملوا علی التخت صور البروج و السیارة و أفلاکها و منازل القمر و مقیاس ساعات اللیل و النهار حتی کأنما وضعت فیہ السماء بما فیها ۲۷-(ل: برجه) ۲۸-س: زیرین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۹-ل، ک، ز، و؛ س (نیز لی، آ): همه جامها؛ (ل: آ، ب، و، ل، آ، ب): آزو؛ متن = ل، آ، س ۳۰-(نیز لی، ق) ۳۰-(ب: دگر نیمه با تاج زرین)؛ ق این بیت را ندارد ۳۱-ل (نیز ل، آ، ب): اگر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲-س (نیز لی، آ، ب): همان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۳-س (نیز لی): گوهر گنجها؛ (ب: گوهرین کیسها)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۴-ل (نیز لی، ل، آ، ب): کم و بیش؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۵-(ق: هشتصد) ۳۶-ل: زرین؛ (ق: آکن ازین)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۷-س، ق، ک، س ۳۸-(نیز لی) ۳۸-(لی: گیر نیکو ز نیک و ز بد)؛ بنداری: و کانت تلک التخت بعضها من الذهب و بعضها من الفضة، مرصعة بجواهر أصغرها فی وزن سبعین مثقالا، و أكبرها فی وزن سبعمائة مثقال

ندانست کس مایه و منته^۳
 چو ناهید رخشان بُدی بر^۵ سپهر
 ز گوهر بسی مایه بر پایه^۸ بود
 سر میش بودی بروبر نگار
 که هرگز ندیدی ورا^{۱۲} باد و^{۱۵} گرد
 بدو^{۱۹} هرک^{۲۰} دیدیش^{۲۱} دلسوزه بود
 همه^{۲۵} پایه^{۲۶} ز زین و^{۲۷} گوهرنگار
 ورا میش سر بود جای^{۲۹} نشست
 شدند ی بران^{۳۱} گنبد^{۳۲} لاژورد^{۳۳}
 که از^{۳۵} کدخدایش رنجور^{۳۶} بود
 خردمند بودی و مهتر پرست^{۳۷}

بسی سرخ گوگرد^۱ بُد که ش^۲ بها
 که روشن شدی زو^۴ شب تیره چهر
 سه تخت^۶ از بر تخت پرمایه^۷ بود
 کهین^۹ تخت را نام بُد^{۱۰} میش سار
 ۳۶۱۵ مهین^{۱۱} تخت را خواندی^{۱۲} لاژورد^{۱۳}
 سدیکر^{۱۶} سراسر^{۱۷} ز پیروزه^{۱۸} بود
 ازین^{۲۲} تا بدان، پایه^{۲۳} بودی چهار^{۲۴}
 هر آنکس که دهقان بُد و^{۲۸} زیر دست
 شوارانِ ناباک^{۳۰} روزی نبرد
 ۳۶۲۰ به پیروزه بر جای دستور^{۳۳} بود
 چو بر تخت پیروزه بودی نشست

۱- (ق: ۲، یا قوت: ۲، گوهر) ۲- س (نیز لی: کس بد؛ ق: بد کر؛ ل: آ، بدی کس)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳- ل، س (نیز پ): ماند
 بی منته؛ س، ک (نیز لی، ا): پایه و منته؛ ل: قیمت و ارزش؛ ق: ندانست داننده پارسا)؛ متن = ق، ل (نیز ن، و، ن، ا، ب)؛ در ق این بیت
 با بیت سیسین پس و پیش شده است؛ بنداری ۳۶۱۱ و ۳۶۱۲ را ندارد ۴- بدی در؛ ق: شدی زو به؛ ل: آ، بدی زو؛ ا: بدی روز و؛
 متن = یازده دستنویس دیگر ۵- ل، س (نیز ق، ا، ی، ب): شدی برا (و: شدی زو)؛ ک (نیز ن، ا): زینسان بدی بر متن = ق، س (نیز ن،
 ل، ا، ب، ا): عمل (نیز ق، ا، ب، و)؛ دو تخت؛ س، ک، ل، س (نیز ن، ل، ن، ا، ی، ب): ز تخت (بخت)؛ متن = ق (نیز ل) ۷- س (نیز لی، ب): بر
 سایه؛ متن = دو یازده دستنویس دیگر ۸- مایه (ا): س، س (نیز ن، ق، ا، ی، ن، ا، ب): سرمایه پرمایه؛ ق، ل (نیز ب، ا): سرمایه پرمایه؛
 ک: سرمایه سرمایه؛ ل: سر ماه بر سایه؛ و: سرمایه پروایه؛ متن تصحیح قیاسی است (۹)؛ در ق این بیت پس از ۳۶۰۶ و در ل، ن
 پس از این بیت، بیت ۳۶۱۷ آمده است ۹- س (نیز لی): گهرا ق (نیز ا): که آن؛ ق: یکی؛ ب: که هر؛ متن = ل، ک، ل، ا، س (نیز ن،
 ل، ن، ق) ۱۰- ق: تخت بد نام او؛ بنداری؛ و: کان تحتها تخت یسمی میش سر ای رأس الضان ۱۱- س (نیز ن، ل، ا، و، ب): دگر؛
 متن = ل (نیز پ) ۱۲- (و: نام بد)؛ س: تخت خواندی ورا ۱۳- س، ق، س (نیز ن، ل، ا، ب): لاچورد؛ متن = ل، ک، ل (نیز پ، و، ن، ق)؛
 بنداری؛ و: فوقه تخت آخر یسمی اللاژوردی ۱۴- ل، ل، ا، بدو، ل، س (نیز ق، ا، ی، ب، ا، ب): نبود ی برو؛ ق: نبود ی درو؛ متن = ک، س (نیز ن،
 ل، و، ن، ق) ۱۵- (لی: یاد) ۱۶- ل (نیز ق، ا، ب): سه دیگر ۱۷- (ل: س را و) ۱۸- س، ق: فیروزه؛ بنداری؛ و: الذی فوق هذا یسمی الفیروزجی
 ۱۹- س (نیز ل، ا، و، ا، ب): برو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- س (نیز ن، ب): که؛ متن = ل، ۲۱- ل (نیز ن، ل، ا): بودیش؛ متن =
 یازده دستنویس دیگر ۲۲- ق: ازو، ک، ل، س (نیز ا): از آن؛ متن = ل، س (نیز ن، ق، ا، ی، ب، و، ن، ا، ب) ۲۳- ل، س، ق (نیز لی، ب، ا، ب):
 تخت؛ متن = ک، ل، س (نیز ن، ق، ا، و، ن، ق) ۲۴- ق: هزار (در بالا: چهار) ۲۵- س (نیز لی، و، ا، ب): همان؛ ق: از آن؛ متن = ل، ک، ل، ا، س (نیز ن،
 ل، ق، ا، ب، ل، ق) ۲۶- ک: بود ۲۷- س، ق، ل (نیز ن، ق، ا، ی، و، ب): جوع؛ متن = ل، ک، س (نیز ب، ل، ا)؛ ل (نیز ن، ل، ا، و، ن، ق)؛ بنداری؛
 و: کان بر ترقی من کل واحد الی الذی فوقه بأربع درجات من ذهب ۲۸- س: ارا (لی: ازا و بدی)؛ متن = دو یازده دستنویس دیگر ۲۹- ل:
 جای و ا متن = س (ب: بنداری)؛ فکان رأس الضان مجلس الدهاقنة والرعیة ۳۰- ق، ل (نیز ن، ل، ن، ق): بی پاک؛ ا: ناپاک؛ متن = ده
 دستنویس دیگر ۳۱- س، ق، ک (نیز لی، ب، ا، ب): بدان؛ متن = ل، ل، ا، س (نیز ن، ق، ا، و، ن، ق) ۳۲- ق: گوهر؛ و: پایه) ۳۳- س، ق، ک،
 س (نیز ن، ب، ا، ب): لاچورد؛ متن = ل، ل (نیز و، ن، ق)؛ در ل، ن این بیت پس از ۳۶۲۲ آمده است؛ بنداری؛ و: اللاژوردی مجلس
 الأمراء والقواد ۳۴- س، ق (نیز لی، ا، ب): گنجورا؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ و: الفیروزجی مجلس الدستور والوزیر ۳۵- س (نیز
 لی، ل، ا، ب): در ا ق: آن متن = ده دستنویس دیگر ۳۶- ق: دستور ۳۷- ق: خردمند دانای خسرو پرست)

مگر یافتی نزد^۳ پرویز جای^۴
 به رش^۵ بود بالاش^۶ پنجاه و هفت^۷
 ز بر شوشی^{۱۱} زر برو تافته^{۱۲}
 ز کیوان و بهرام و از ماه^{۱۵} و مهر
 پدیدار کرده به هر^{۱۸} دستگاه^{۱۹}
 ز دهقان و از مردم سرکشان^{۲۲}
 پدیدار کرده سر^{۲۶} تاج و گاه
 چنان جامه^{۲۹} هرگز نبُد در جهان^{۳۰}!
 همی بافت^{۳۲} آن جامه را^{۳۳} هفت^{۳۴} سال
 بیامد بر شاه ایران زمین^{۳۸}

چو رفتی به دستوری^۱ رهنمای^۲
 یکی جامه افکنده بُد ز زلفت
 به گوهر همه^۸ ریشهها^۹ بافته^{۱۰}
 ۳۶۲۵ برو^{۱۳} کرده^{۱۴} پیدا نشان سپهر
 ز ناهید^{۱۶} و تیر و ز گردنده^{۱۷} ماه
 همان^{۲۰} هفت کشور برین هم^{۲۱} نشان
 بروبر^{۲۳} نشان^{۲۴} چل و هشت^{۲۵} شاه
 به زر^{۲۷} بافته تاج^{۲۸} شاهنشهان
 ۳۶۳۰ به چین در^{۳۱} یکی مرد بُد بی همال
 سر سال نو^{۳۵}، هرمز^{۳۶} فوردین^{۳۷}

۱- (آ: بنزدیک او) ۲- ل: رهنما؛ ل: شهریار ۳- س: ق (نیز لی، آ، ب): سوی؛ ل: س، ۲ (نیز لن، ق، ل، ۳- لن: آ): پیش؛ متن = ل ۴- ل: جا؛ ل: آ: بار؛ ک: مگر پیش یافتی بر او بجای؛ بنداری: و من عند الدستور یرتقی الی مجلس پرویز ۵- (ل: آ: ارش)؛ دیگر دستنویسها: برش عمل، س: ل (نیز لن، لی، ل، آ، و): بود و بالاش؛ ق: سی و بالاش؛ ق: آ: بود بالای؛ آ: بود بیجاده؛ متن = ک، س: آ (نیز ق، آ، پ، لن، آ، ب): ۷- ک: هفتاد و هفت؛ بنداری: و هو قاعد علی بساط طوله سبع و خمسون ذراعا فی عرض مثله ۸- س: سر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۹- س: ک: رستها؛ ق: رشتها؛ (لی: دستها؛ لن: شوشها؛ ب: دشنها)؛ متن = ل، ل، س، آ (نیز لن، ق، ل، ۳، و، آ، ا): ۱۰- (ب: یافته؛ درل، و حرف یکم بی نقطه ۱۱- ک: ششفه؛ س: آ: سر رشته؛ لن: آ: سر شوشه) ۱۲- (ل: آ: یافته؛ ق: آ: لی: بدو تافته؛ س: آ (نیز لن، پ، لن، آ، ا): زر بر تافته؛ متن = ل، ل، آ (نیز و، ب: درل، س، و حرف یکم تافته بی نقطه)؛ بنداری: منسوج من الذهب و الجواهر ۱۳- ل: آ (نیز لی، و): بدو؛ (آ: بره)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- س: (نیز لی): کرد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵- ل: (نیز ب): چو بهرام و کیوان و چون ماه؛ ک: ز بهرام و کیوان و ناهید؛ (ل: آ: ز بهرام و کیوان و از ماه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر (ق، س، آ، و، آ: وز) ۱۶- ل: ز کیوان؛ متن = ۱۷- س: (نیز لی): تابنده؛ (ل: آ: هرمزد؛ و: و برجیس تاج برج)؛ ک: ل (نیز لن): ز کیوان (ک: هرمزد) و تیر و ز پوینده؛ س: آ: ز کیوان و ز تیر و پوینده؛ (ق: آ: ز کیوان همه نقش ها تا به؛ لن: آ: ز کیوان و از تیز پوینده)؛ متن = (پ) ۱۸- ل: (نیز ل): ز هر؛ (و: همه)؛ س: (نیز لی): کرد او به هر؛ متن = ک، س: آ (نیز ب، لن) ۱۹- ل: آ (نیز لن): سر و تاج و گاه (= ۳۶۲۸)؛ (ق: آ: بدو نیک شاه)؛ ق، آ، ب: این بیت را ندارند ۲۰- ل: (نیز ق، آ، پ): هم از؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱- ل: ۳- هم < (وزن ندارد)؛ س: (نیز لی، ب): بدو هم؛ س: آ (نیز ق، ل، ۳- لن: آ): بروبر؛ (آ: برو هم)؛ ک: هفت بروی بروی (!)؛ متن = ق (= ل) ۲۲- س، ق، س، آ (نیز لی، و، ب): و از (ق، س، آ، و، آ: وز) روم و (س، لن، آ: ج) گردنکشان؛ ک (نیز ق، آ، پ): و از رزم گردنکشان؛ (ل: آ: و آرم گردنکشان)؛ متن = ل: وز؛ ل، لن: این بیت را ندارند ۲۳- س: (نیز ب): برو هم؛ ک: بدو بر؛ (لی: بدو هم)؛ متن = ل، ق، س: آ (نیز ق، ل، ۳، آ، ا): ۲۴- ل: ک (نیز ب): نشان بد؛ متن = س، ق، س: آ (نیز ق، آ، ا): ۲۵- (ق: آ: و، لن، آ: هفت؛ ل: آ: ده و هشت) ۲۶- س، ق، ک، س: آ (نیز لی، و، ب): سر و؛ متن = ل: (نیز ق، آ، لن، آ، ا): ل، این بیت را ندارند (= ۳۶۲۶) (پ) ۲۷- ل، ق، ل، س، آ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): برو (ب: بر؟)؛ (ل: آ: بدر؛ و: بران)؛ متن = س، ک (نیز لی، آ، ب): ۲۸- (ل: آ: نام) ۲۹- ک: نامه؛ (و: خنامه) ۳۰- (و: نماند نهان)؛ بنداری: قد صورت فیه صور البروج و الکواکب مع صور جمیع من ملک الأرض الی عهد پرویز ۳۱- ل: آ: بر ۳۲- (لی: بافت) ۳۳- س: (نیز لی، ب): بر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۴- ق: هشت؛ س: آ: این بیت را ندارد ۳۵- (پ: بد) ۳۶- س: آ: هرمز و ۳۷- (لی: فردین) ۳۸- ک، ل، آ، س: آ (نیز لن، ل، ۳- لن: آ): بیامد به (ل: آ: ز) درگاه سالار چین؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، لی، آ، ب): بنداری: و کان هذا البساط قد جاء به صانع من بلاد الصين، و أهداه یوم التیروز الی برویز، و کان قد بقی عمله سبع سنین، فاستحسنه؛ ک: پس از بیت ۳۶۳۱ افزوده است:

شه چین ز خوبی که آن جامه بود بر شاه کسری فرستاده بود (!)

ببرد آن کیی^۱ فرش نزدیک شاه
 بگسترد روز نو^۳ آن جامه را
 بران جامه بر مجلس آراستند^۵
 ۳۶۳۵ همی آفرین خواند سرگس^۶ به رود
 بزرگان برو^۸ گوهر افشاندند
 گرانمایگان برگرفتند^۲ راه
 ز شادی جدا کرد بدکامه^۴ را
 نوازندهی رود و می خواستند
 شهنشاه را داد چندی^۷ درود
 که فریش بزرگش همی خواندند^۹

گفتار اندر داستان بارید با خسرو^{۱۰}

همی هر زمان شاه برتر گذشت
 کسی را نبتد^{۱۳} بر درش کار بد؛
 چو شد سال شاهش^{۱۱} بر بیست و هشت^{۱۲}،
 ز^{۱۴} درگاه^{۱۵} آگاه شد بارید

۱-س: همه؛ (ب: یکی؛ لی: حکیی<؛ ل۳: بیاورد پس)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ک، ل۲، س۲ (نیز ل، ق۲، ب): برگشاندند؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، و، ل، ن، آ، ب) ۳-ق۲: نوروز؛ ل۳: آن روز) ۴-ل (نیز ب): خودکامه؛ س: آن خانه؛ (لی: آن خامه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ک، ل۳ پس از این بیت افزوده‌اند:

بدید آن سر و تاج شاهان همه
 به دیبا نگاریده نقش مهان
 نخستین ز ضحاک بیدادگر
 فریدون و کیخسرو و کیقباد
 سیاوش و لهراسب و گشتاسب گو
 چو بهرام گور آن شه خسروان
 چو پرویز خسرو که تابنده‌هور (ل۳: و هرمزد بافز و زور)
 ز شاهان هر آنکس که بد اختیار
 درو (ل۳: در آن) خیره ماندند شاه و رمه
 سر و افسر و تاج شاهنشهان (ل۳ ندارد)
 که بر خون به بیداد بستی کمر (ک ندارد)
 منوچهر و کارس فرخ‌نژاد
 که تاج بزرگان بدو گشت نو
 چو پیروز و (ک: هرمزد) کسری نوشین‌روان
 ندیده چنو شاه با فز و زور (ل۳: تابنده‌هور)
 بگفتم کنون نامشان یادگار (ل۳ ندارد)

۵-س، ق (نیز لی، آ، ب): بدان جامه (آ: خانه) مجلس بیاراستند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶-ل، س، ق (نیز ق۲، لی، و-ب): هر کس؛ ک، س۲ (نیز ل، ن، آ، ب): سرکش؛ متن = ل۲ ۷-ل (چندین) ۸-ق، ک، س۲ (نیز ل، ق، و، ل، ن، آ): بران؛ (لی: بدو؛ ب: جیرو<)؛ متن = ل، س، ل۲ (نیز ل، ب) ۹-س، ق، ک (نیز لی، آ، ب): بزرگی می خواندند؛ (ق۲: بزرگی همی خواندند)؛ متن = ل، ل۲، س۲ (نیز ل، ن، آ)؛ بنداری: و لما بسطه فی مجلسه استحضر الندماء و اشتغل بالعیش و الطرب. و کاتوا یسمونه البساط الکبیر؛ ک پس از بیت ۳۶۳۶ افزوده است:

ز جهرم بد و مرد استاد بود
 یکی بارش از چرخ بیداد بود

۱۰-ل، ل۲، س۲: داستان بارید (ل۳: بارید رامشگر) با خسرو (س۲: خسرو پرویز)؛ س: داستان خسرو پرویز با بارید رامشگر در باغ؛ ق: داستان بارید رامشگر در بزمگاه خسرو پرویز؛ ک: صفت آمدن بارید به درگاه خسرو ۱۱-ق (آ: پادشاهش)؛ متن = ۱۲-ق (نیز ل، آ، ب): سی و هشت؛ ک: پنج و هشت (ل)؛ س۲ (نیز ل، ن، آ): روز شاهش بر پنج و هشت؛ (و: روز شاهی برو پنج و هشت)؛ متن = ل، س، ل۲ (نیز ل، ن، آ، ب، ل، آ): ۱۳-ل: نشد؛ متن = س-ب ۱۴-و (ب): ۱۵-ک (نیز ق۲، ل۲، ب، آ): درگاهش؛ بنداری: و شملت آیدای برویز کل ذی آدب و صاحب صناعت حتی توفرت حظوظهم و سعادت جدودهم سوی بهربذ العواد ذی الذکر الشهیر و العلم الغزیر فی صناعة الغناء، و صاحب الأصوات المعروفة؛ ک پس از بیت ۳۶۳۸ افزوده است:

یکی مرد بد بارید رودزن
 چنو رودزن کس نشاید بدن

گزیده‌ست رامشگری^۳ از مهان^۴
ترا بر سر^۷ سرگس^۸ افسر کند^۶
وگر^{۱۰} چه نبودش به چیزی نیاز
همی‌کرد رامشگران را نگاه^{۱۳}
به زخم و^{۱۷} سرود اندرو^{۱۸} خیره شد^{۱۶}
درم کرد^{۲۰} و دینار^{۲۱} چندی نثار
که از من به سال^{۲۲} و هنر برترست^{۲۳}
که ما کهنه گشتیم^{۲۴} و او^{۲۵} نو شود
ز رامشگر ساده^{۲۸} بربست راه
همش کار بد بود و هم بار^{۳۰} بد

بدو گفت هر کس که^۱ شاه جهان^۲
۳۶۴۰ اگر^۵ با تو او را برابر کند^۶
چو بشنید مرد آن، بجوشیدش^۹ آرز
ز کشور بشد تا به درگاه^{۱۱} شاه^{۱۲}
چو بشنید سرگس^{۱۴} دلش تیره^{۱۵} شد^{۱۶}
بیامد بنزدیک^{۱۹} سالار^{۱۸} بار
۳۶۴۵ بدو گفت: رامشگری بر درست
نباید که در پیش خسرو شود
ز سرگس^{۲۶} چو بشنید دربان^{۲۷} شاه
چو رفتی بنزدیک او^{۲۹} بارید

۱-ل: ۲. بدو هر کسی گفت (ن: و، ل: ۲. از جهان؛ متن = ک: س: ۲. (نیز ق: ۲. ل: ۳. پ: بنداری؛ وکان قد قیل له: إن الملك استصفى من المغنین رجلا اسمه سرگس، وجعله ملك المظربین؛ ک: پ: پس از بیت ۳۶۳۹ افزوده‌اند:

ک: کجا نام او سرکش رودساز
پ: که رامشگری هست سرکش بنام
که دارد مرا (دورا) شاه ایران بنام
ز شاهست او را همه روزه کام

ه: س: ق: ل: ۲. س: ۲. (نیز ل: ۲. ق: ۲. ل: ۲. پ: پ: ب: ک: گر؛ متن = ل: ک: (نیز ل: ۳) ع: س: ق: س: ۲. (نیز ل: ۱. ل: ۳. پ: آ: ب: ک: کند؛ ک: کم؛ متن = ل: ل: ۲. (نیز ق: ۲. و، ل: ۲. -حسر) ۱! -ل: ب: سرکش؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: و لو راک و علم بدکانک و حسن صنعتک لعزله، لامحالة، وولاک ۹-ل: ۳. بجوشید) ۱۰-و: اگر؛ ک: پس از این بیت افزوده است:

ک: که او اندر آن سال شد سوی اوی
بدو طالع سعد بنمود روی

۱۱-س: ۲. بنزدیک ۱۲-آ: (بار) ۱۳-آ: رامشگری را بکار؛ بنداری: فقصد باب برویز، وکان یغشی المغنین ۱۴-ل: ق: س: ۲. (نیز ل: ب: سرکش؛ متن = س: بنداری ۱۵-ک: شاد (!) ۱۶-ک: ل: ۲. (نیز ل: ۲. ق: ۲. پ: و: گشت؛ س: ۲. (نیز ل: ۲) خیره گشت -تیره گشت ۱۷-ل: ک: (نیز ق: ۲. ل: ۲. پ: ب: ج: متن = س: ۲. ل: ۲. س: ۱۸-س: ق: ل: ۲. س: ۲. (نیز ل: ۲. پ: ل: ۲. اندرون؛ ک: اندر آن؛ ب: اندرش؛ و: اندرون رود او)؛ متن = ل: (نیز ل: ۲. ق: ۲. ل: ۲. این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما وقف سرگس علی جودة صناعته خاف أن یكون السبب لکساد سوقه، و نضوب مائه؛ ک: پس از بیت ۳۶۴۳ افزوده است:

همی‌گفت بازار او نو شود
اگر بارید پیش خسرو شود

۱۹-ل: به درگاه؛ متن = س: یزیده دستنویس دیگر ۲۰-س: ق: (نیز ق: ۲. ل: ۲. آ: ب: داد؛ متن = ل: ک: ل: ۲. س: ۲. (نیز ل: ۲. و، ل: ۲) ۲۱-ل: س: (نیز ق: ۲. ل: ۱. دینار؛ متن = ق: س: ۲. (نیز ل: ۲. و، ل: ۲. پ: ل: ۲. این بیت را ندارد ۲۲-ق: آ: رای) ۲۳-و: خرد مهترست؛ ل: آ: خرد برترست؛ بنداری: فصار الی حاجب الباب، ورشاه پدراهم کثیرة و دنائیر وافرہ، و قال: اعلم أنه قدم مغنّ هو أحسن منی غناء، و أوفر غناء ۲۴-س: ق: (نیز ل: ۲. ل: ۲. پ: ب: گردیم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵-ب: و هم) ۲۶-ل: ق: س: ۲. (نیز ل: ۲. پ: ل: ۲. آ: ب: سرکش؛ متن = س: (نیز و) ۲۷-س: ق: (نیز آ: سالار؛ ل: دربار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸-ب: پاک؛ س: رامش سخن پاک؛ ق: (نیز ل: ۲. آ: رامشگران پاک؛ ک: (نیز ق: ۲. ل: ۲. رامشگران ساده؛ س: ۲. رامشگران شاد؛ پ: ب: فرمان او تنگ؛ و، ل: آ: به رامشگران شاد)؛ متن = ل: ل: ۲. (نیز ل: بنداری: ولو رأه الملك لاختاره علی ملثنا لجذته، ومانثلا الی جودته، فیخمد جمری و یتراجع امری. و سألہ أن یحول بینہ و بین الدخول علی برویز. فضمن له الحاجب ذلک ۲۹-ک: آن؛ ل: آ: بدرگاه او) ۳۰-ق: ل: ۲. آ: ب: یار؛ ل: آ: بود هم یار؛ (ل: بند همش یار؛ پ: و، ل: آ: بارید بود و هم کار)؛ متن = ل: ک: س: ۲. (نیز ل: ۲. در س: بار بی نقطه)

نه نیزش^۲ بُدی مهتری^۳ خواستار
 ابا بریبط آمد^۴ سوی باغ شاه
 شد^۵ از دیدنش بارید^۶ شادکام
 دو هفته ببودی بدان^{۱۲} جشنگاه^{۱۳}
 همان روز با مرد هم‌بوی^{۱۴} شد
 که گویی تو^{۱۶} جانی و من کالبد!
 کجا^{۱۷} هست نزدیک تو^{۱۸} اندکی:
 مرا راه ده تا بینم نهان،
 بینم نهفته یکی^{۲۱} روی شاه^{۲۲}
 ز مهر^{۲۴} تو اندیشه بیرون کنم
 دل میزبان^{۲۶} شد چو روشن چراغ
 همی‌رفت خواهد بدان^{۲۹} جشنگاه

ندادی وُرا بار^۱ سالار^۱ بار
 ۳۶۵۰ چو نومید برگشت از آن^۴ بارگاه^۵
 کجا^۷ باغبان بود مردوی‌نام
 بدان^{۱۰} باغ رفتی به نوروز شاه^{۱۱}
 سبک بارید نزد مردوی شد
 چنین^{۱۵} گفت با باغبان بارید
 ۳۶۵۵ کنون آرزو خواهم از تو یکی
 چو آید بدین باغ شاه^{۱۹} جهان
 که تا چون بود شاه را^{۲۰} جشنگاه
 بدو گفت مردوی کایدون^{۲۳} کنم
 چو خسرو همی‌ساخت^{۲۵} کاید به باغ
 ۳۶۶۰ بر^{۲۷} بارید شد، بگفت آنک^{۲۸} شاه

۱- (و: راه) ۲- (ق: سرکش) ۳- ل، س، ل (نیز ق ۲، پ، آ، ب): مردمی (۹)؛ ق، ک (نیز و): مردم (۹)؛ متن = س (نیز ل ن ۲)؛ ل ن این بیت را ندارد؛ بنداری: فکان کلما حضر الباب منه، و اذا سأله أن ينهي حالة دفعه. فبقی هذا الأستاذ الحاذق لیس له علی باب الملک مصادق و لامعاق ۴- ل: زان؛ متن = س- ب ۵- س (نیز لی): پادشاه (!) ۶- (و: از ایوان بیامد) ۷- س- ۲ (نیز ل ن، ق، آ، لی، پ، ب): که آن؛ متن = ل (نیز ل ۳) ۸- (و: بند) ۹- س، ق (نیز ق، آ، لی، آ، ب): باغبان؛ (و، ل ن: آ: پادشا)؛ متن = ل، ک، ل، آ، ل، س (نیز ل ن، ل، پ، آ، ل، ۱۰- (و: در آن) ۱۱- (ل ۳): گاه) ۱۲- ک: درو؛ (پ: بران) ۱۳- ق: بزمگاه؛ (ل: باغ شاه)؛ در ل ۲ پس از این بیت، بیت ۳۶۶۱ آمده است؛ بنداری: فتحیر فی امره. و کان للملک بستان یخرج الیه کل سنة یوم التیروز، و یقیل فیهِ علی الشرب و الطرب أسبوعین، و کان لهذا الباغ «باغبان» اسمه مردویه ۱۴- س، ق (نیز لی، و، آ، ب): هم خوی؛ متن = ل، ک، ل، آ، س (نیز ل ن، ق، آ، ل، ۳، پ، ل ن ۲)؛ بنداری: فقصده بهربذ و اختلف الیه حتی حصلت بینهما صداقة ۱۵- ک: چنان ۱۶- (ق: آ: چو) ۱۷- س- ۲ (نیز ل ن، ق، آ، لی، پ، ل ن، آ، ب): که آن؛ متن = ل (نیز ل ۳) ۱۸- ق، ل (نیز ل ن، ق، آ، ل، ۳، پ، آ، ب): نزد تو سخت؛ متن = ل، س، ک، س (نیز لی، ل ن، ۲)؛ (و: که نزد تو هست این سخن) ۱۹- (و: بدین پادشاه) ۲۰- (و: در) ۲۱- (ل ۳): یکی هفته من) ۲۲- (و: جشن شاه)؛ ق: بیاراست پیروزگر جای شاه (= ۳۶۶۵)؛ بنداری: فقال له ذات یوم: إن لی الیک حاجة یسهل فضاؤها علیک؛ و هی أن تمکننی، اذا صار الملک الی هذا الباغ، من النظر الی مجله حتی أراه فی حال آنسه؛ ک پس از بیت ۳۶۵۷ افزوده است:

مرا در جهان آرزو این بس است مرا نزد شاه ار نهانی کس است

۲۳- س، ل (نیز لی، ل، ۳، و، ب): ایدون؛ متن = ک، س (نیز ل ن، ق، آ) ۲۴- ک، س (نیز ق، آ، ل، ۳، و، ل ن، ۲)؛ مغز؛ متن = س، ل (نیز ل ن، لی، آ، ب)؛ بنداری: فأجابہ الی ذلک، و تقبل له بقضاء حاجته؛ ل، پ بیت ۳۶۵۸ و ق بیت‌های ۳۶۵۸، ۳۶۵۹ را ندارند؛ ک پس از بیت ۳۶۵۸ افزوده است:

ولیکن نباید که داند کس ازین در که گفتی تو با من بسی
 نمایی که خود سوی باغ آمدی به باغ اندر از راه راغ آمدی
 بدو بارید گفت اینست راه اگر زین بپرسد جهاندار شاه

۲۵- ل، س (نیز لی): خواست؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶- س (نیز لی): مرزبان؛ س (نیز ق، آ): باغبان؛ متن = ل، ل (نیز ل ن، ۳، ل، ب)؛ ی این بیت را ندارد ۲۷- (و، ل ن: آ: سوی) ۲۸- (ل ۳): آنچه؛ پ، ل ن، آ، آنکه؛ و: که امروز) ۲۹- ل: بران؛ (بهد بدین؛ و: سوی)؛ متن = س، ل، آ، س (نیز ل ن، ق، آ، ل، ۳، و، ل ن، ۲)؛ ک این بیت را ندارد؛ بنداری: و لما قرب وقت خروجه الی ذلک البستان آتاه و أعلمه بذلک

همان بربط و رود ننگ و^۴ نبرد
بهاران نشستگهی^۷ نو شدی^۶
برو^۹ شاخ^{۱۰} چون رزمگاه^{۱۱} پشن
زمانی همی بود تا^{۱۳} شهریار،
بیاراست^{۱۷} پالیزگر^{۱۸} جای^{۱۹} شاه
یکی جام بر کف بر^{۲۰} شهریار
بلور از می سرخ شد^{۲۳} ناپدید

همه^۱ جامه را^۲ باربد^۳ سبز کرد
بشد^۵ تا به جایی که خسرو شدی^۶
یکی سرو بُد^۸ سبز و برگش گشن
بران^{۱۲} سرو شد، بربط اندر کنار
از^{۱۴} ایوان بیامد بدان^{۱۵} جشنگاه^{۱۶}
بیامد پرچهره‌ی میگسار
جهاندار^{۲۱} بستد ز کودک^{۲۲} نپید

همی بود تا گشت شب^{۲۶} لاژورد^{۲۷}
همان ساخته^{۲۹} پهلوانی سرود^{۳۰}
کزان خیره شد مرد بیدار بخت^{۳۱}
که اکنون تو خوانیش^{۳۳} «داد آفرید»^{۳۴}

بدانگه^{۲۴} که خورشید^{۲۵} برگشت زرد
زنده بران^{۲۸} سرو برداشت رود
۳۶۷۰ یکی نغزدستان بزد بر درخت
سرودی به آواز^{۳۲} خوش برکشید

۱- (ن: همان) ۲- ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ۳، و-ب): ها؛ متن = ل، ک، (نیز پ) ۳- (ل: ۳) بارید جامه‌ها) ۴- س، ۲: <ج>: (ن: ۲: روز)؛ ل، ۲،
س ۲ (نیز ل: ۳)؛ رود و ننگ و؛ (و: ساز ننگ و)؛ ک: بربط رود سد (بی نقطه) و؛ (ق: ۲) بربط رود ننگ و؛ (س: نیز لی، ب): همی داشت از بهر
ننگ و؛ متن = ل (نیز ل، ب، ا) ۵- ک: چنین ۶- س، ل، آ، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، ب): بدی؛ (و: رسید-وی بدید)؛ متن = ل، ک (نیز ل، ق، آ،
ل، ۳، ب) ۷- ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ق، آ، ل، و، ل، ۳، و، ل، ۳، ا): نشستگه؛ (پ: نشستگهش)؛ متن = ل، ک (نیز لی، ب) ۸- (ل: ۳) که سروی بدی
۹- ل: ورا؛ (لی: بیدو)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰- ک: بر شاه؛ (پ: برو خاک؛ و: بروگاه) ۱۱- س: زرسجه (؟)؛ (ق: ۲) نیزه‌های؛ لی: زر
بخته؛ و: خوابگاه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲- س، ک، (نیز لی، ل، ۳)؛ بدان؛ (ب: برو)؛ متن = ل، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ق، آ، ب) ۱۳- (لی: با)؛
بنداری: فرتب بهرید لفسه دست ثوب أخضر، و عمل عودا أخضر، و حمله و سار الی البستان فلبس تلک الثیاب، و حمل العود، و
صعد الی أعلى شجرة سرو کان الملك یجلس تحتها، و توارى فی أغصانها المشابكة ۱۴- ک، ل، آ (نیز ل، ب، ل، آ، ا): ب: متن = س ۲
(نیز ق، آ، لی، ل، ۳، و) ۱۵- (ل: ۳) پ: بران؛ (سوی) ۱۶- آ: جایگاه ۱۷- (ب: بیاری) ۱۸- ق، ل، آ (نیز ل، ق، آ، ل، آ، ب): پیروزگر (؟)؛ (لی:
پالیزبان)؛ متن = س ۲ (نیز و، ل، ن) ۱۹- ک: جان؛ ل، س این بیت را نذرند؛ ق ۳۶۵۷- ب ۳۶۶۵ آ را انداخته و از ۳۶۵۷ و ۳۶۶۵ ب یک بیت
ساخته است (۳۶۵۷ پ)؛ ک پس از بیت ۳۶۶۵ افزوده است:

خرم گشت و یاران او شاددل
چو مجلس سراسر بیاراستند
به دیدار آن شاه دشمن گسل
می و رود و رامشگران خواستند

۲۰- ق: را برکف؛ ک: می درکف؛ (و، ن: آ): می برکف؛ متن = ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ب، آ، ب): ل، س این بیت را نذرند ۲۱- ل: چونبشت و؛
متن = س-ب ۲۲- (ق: ۲) بخورد آن ۲۳- (نیز ل، ن، ل، ۳)؛ بد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فحضر الملك و قعد تحت تلک
الشجرة، و حضرت المغانی، و سعت الفلمان الصباح بمصابیح الراح مقددة فی زجاجات الأقداح ۲۴- (ق: ۲) ب: برانگه) ۲۵- ک:
خرشید ۲۶- ل (نیز ب): برگبید؛ (ق: ۲)؛ تا شد شب؛ ک: پیش شب؛ س ۲ (نیز ل، ۳)؛ بیم از شب؛ (و: بیم شب)؛ متن = س، ل، ۲ (نیز ل،
لی، ن، آ، آ، ب) ۲۷- س، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ن، آ، ب): لاچورده؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز و، ل، ن)؛ بنداری: فکت الی أن صارت الشمس کعین
الأحول، و توارت فی حجاب الطفل ۲۸- س، ک، (نیز لی، ا): بدان؛ ق: ابر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹- (ق: ۲) همی ساختنش؛ آ: همه
ساخته ۳۰- س (نیز لی): خسروانی درود؛ ق (نیز آ، ب): خسروانی سرود؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱- س (نیز لی، ب): مردم
شادبخت؛ ق، س، آ: مردم نیکبخت؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۲- (ل: ۳) آ: آوی ۳۳- س (نیز لی، ب): بخوانیش؛ (ق: ۲) تو خوانی تو؛ ل، آ،
س ۲ (نیز ل، ل، ۳، و، ل، ۳، ا): اکنونش خوانی تو؛ متن = ل، ق (نیز پ، ا) ۳۴- ک: دانیش خواند آفرید (!)؛ بنداری: و عند ذلک رفع صوته، و
جش و تره، و غنی بصوت یسمى الآن «داد آفرید»

همی^۲ هر کسی رای دیگر گرفت
 که جویند^۳ سرتاسر آن^۴ جشنگاه
 بنزدیک خسرو فراز آمدند^۵
 که از بخت شاه این^۸ نباشد شگفت،
 که جاوید بادا سر و افسرش^{۱۰}!
 چو^{۱۲} از خوب رخ بستند آن^{۱۳} شهریار،
 برآورد ناگاه دیگر^{۱۵} سرود،
 چنین نام از^{۱۶} آواز او راندند
 به آواز او جام می درکشید،
 همه باغ یکسر به پای^{۲۰} آورید!
 بیردند زیر درختان چراغ،
 خرامان به زیر گل اندر تذر!
 بر^{۲۶} آواز آن^{۲۷} سر برآورد راست^{۲۸}
 همان^{۳۰} ساخته کرده آواز^{۳۱} رود،

بماندند یک مجلس اندر^۱ شگفت
 بدان نامداران بفرمود شاه
 فراوان بجستند و باز آمدند
 ۳۶۷۵ جهاننیده اینگاره^۶ اندرگرفت^۷
 که گردد گل و سرو^۹ رامشگرش^{۱۰}
 بیاورد جامی^{۱۱} دگر میگسار
 زننده دگرگون بیاراست^{۱۴} رود
 که «بیکارگردد»ش همی خواندند
 ۳۶۸۰ چو آن^{۱۷} رامشی^{۱۸} گفت و^{۱۹} خسرو شنید،
 بفرمود کین را به جای^{۲۰} آورید!
 بجستند^{۲۱} بسیار هر سوی^{۲۲} باغ
 ندیدند^{۲۳} چیزی جز از^{۲۴} بید و سرو
 شهنشاه پس جام دیگر بخواست^{۲۵}
 ۳۶۸۵ برآمد دگر باره بانگ سرود^{۲۹}

۱-س: یکسر بدو در؛ (ق: ۲: مجلس همه در؛ ل: بی: یکسر همه در)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲- (و، ن: ۲: همان)؛ بنداری: فتحیر
 جمیع الحاضریں، و دهشوا أجمعین ۳- (ل، ن: ۳: جویند) ۴- س، ل، ۲، ۳، ۴ (نیز ق ۲- پ، ن، آ، ب): این؛ ک: سرتاسر؛ (و: سرتاسر)؛
 متن = ل (نیز لن)؛ ق این بیت را ندارد ۵- ق این بیت را ندارد؛ بنداری: و امر الملك بتطلب صاحب الصوت فلم يهتدوا الى مكانه
 عل: آنکه ره؛ س: آگاهی؛ (ل، ۲، ۳: آنگاه؛ و: گفتار؛ ن: ۲: آن کار؛ ب: اندازه)؛ ل (نیز لن): جهاننیده ای این سخن؛ (ن: جهاننیده سرکش)؛
 متن ← ۷- ک: از کار او درگرفت؛ (ق: ۲: دانا سخن درگرفت)؛ متن = س ۲ (نیز پ) ۸- ل (نیز پ): شاهان؛ ق این بیت را ندارد ۹- ل:
 گل سبز؛ (ق: ۲: گل سرخ)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- ق: رامشگرت - افسرت؛ بنداری: فقالوا: لا بعد فی سعادة الملك و لا غرو
 أن تغتیه فی مجلس آنسه أعضان السرو ۱۱- س: ۲: جام ۱۲- (ن: ۲: که) ۱۳- ل (نیز ق: ۲): آن خوب رخ بستند از (!)؛ متن = سیزده دستنویس
 دیگر ۱۴- س (نیز ب): دگر گونه آراست؛ (ل: دگر آن زننده بیاراست)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵- س، ق (نیز ل، آ، ب): بانگ؛
 متن = ده دستنویس دیگر ۱۶- ل (نیز ل): ز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فطاب وقته، و أمر الغلام أن يناوله جاما من المدام.
 فلما وضعه علی کفه عاد و رفع صوته من أعلى الشجرة و غناه بصوت آخر یسمى الآن «تی کار کرده» ۱۷- (ل: ۲: چنین) ۱۸- ل، س، ک، ل، ۲،
 س ۲ (نیز لن، ق: ۲، ل، پ، و، ن، آ، ب): دانشی (رامشی؟)؛ متن = (ل، ۲، ۳: ۱۹- ل (نیز و، ب): حو؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: فشرب
 برویز علی ذلك الصوت ذلك الجام، و طربا طربا عظیما ۲۰- ل: جا-پ؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- (ل: ۳: بگشتند) ۲۲- (و، ن: ۲: هر سوبه)
 ۲۳- ل: ندید (!)؛ ک: ندادند (!) ۲۴- (ل: بیج)؛ بنداری: و امر بتتبع صاحب الصوت فظلموه تحت الأشجار بالشموخ و المشاعل فلم
 یعثروا علیه ۲۵- (ق: ۲: گرفت) ۲۶- (ل، ۲، ۳، و، ن: ۲: به) ۲۷- س ۲ (نیز لن، ق: ۲، ۳، و، ن: ۲)؛ او؛ متن = ل (نیز ل، پ، آ، ب) ۲۸- س، ق (نیز
 ل، آ، ب): سرو بن داشت (ل: خواست) راست؛ ل: ۲: سر بیردند راست (؟)؛ (ق: ۲: جام می خواست تفت)؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز لن،
 ل ۲- ن: ۲) ۲۹- (پ: آواز رود) ۳۰- س ۲ (نیز ل: ۳): همه؛ (ق: ۲: بهم) ۳۱- (پ: بانگ؛ ل: ۳: ساز کرده به آوای)؛ ک: پس از این بیت افزوده است:
 یکی خوش نواز بدین زادسرو
 که شد مست از آواز رودش تذر

همی^۱ «سبز در سبزه»^۲ خوانی کنون^۳
 چو بشنید پرویز بر پای خاست
 که بود اندر آن جام یک^{۱۰} من نبید
 چنین^{۱۱} گفت کین گر^{۱۲} فرشته بُدی
 ۳۶۹۰ وُگر دیو بودی، نگفتی سرود
 بجوید در باغ تا این^{۱۵} کجاست
 دهان و برش^{۱۷} پر ز گوهر کنم^{۱۸}!
 چو بشنید رامشگر آواز اوی^{۲۰}
 فرود آمد از شاخ^{۲۲} سرو سهی
 ۳۶۹۵ بیامد، بمالید بر خاک روی
 بدو^{۲۴} گفت: شاها^{۲۵} یکی بندهام
 سراسر بگفت آنج^{۲۷} رفت^{۲۸} از بنه

برین^۴ گونه سازند مردان^۵ فسون^۶
 یکی^۷ جامه^۸ گلشن آرای^۹ خواست،
 به یکدم می روشن اندرکشید
 ز مُشک^{۱۳} و ز عنبر سرشته بُدی!
 همان ساخته کرده آواز^{۱۴} رودا
 همه باغ^{۱۶} و گلشن چپ و دست راست،
 برین^{۱۹} رودسازانش مهتر کنم^{۱۸}!
 همان خوب^{۲۱} گفتار دمساز اوی^{۲۰}،
 همی رفت با رامش و فرهی
 بدو گفت خسرو: چه مردی؟ بگوی^{۲۳}!
 به^{۲۶} آواز تو در جهان زنده‌ام!
 که بود^{۲۸} اندر آن یکدل و یک‌تنه

۱-ک: کجا؛ (ق: ۲، ل: ۳) همه؛ پ: همان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-س (نیز لی، ب): سیر در سیر (س بی نقطه)؛ ک (نیز ل: ۳): سبزه در سبزه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳-ک: فرون (۴)؛ (ق: ۲، همی) ۴-س، ق (نیز لی، ل: ۳، آ: ب): بدین؛ متن = ل، ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز لن، پ، و، ن: ۲) هل (نیز پ): مکر و ق: مردم؛ (ل: ۲، مرد)؛ متن = س، ک، ل: ۲ (نیز لن، لی، و، ن: ۲، آ: ب): سازید مرد جوان (ا: ۱)؛ ق: ۳: جزین نیز دیگر ندانی همی؛ بنداری: فاستدعی الملک جاما آخر. فلما وضعه الساقی علی یده رفع صوته ثالثا، و نقر مزهره، و غنی بصوت آخر یسمی «سبز در سبزه»؛ ک پس از بیت ۳۶۸۶ دو بیت افزوده و سپس بیت ۳۶۸۴ را بازنوشت کرده است:

تذرو و سرای پرستندگان هم آزاد مردان و هم بندگان
 ... (سفیدمانده) کس یار خسرو شدند به رای و به اندیشه نو شدند

۷-س: ۲ گهی ۸-ل: ۲ (نیز لن-ل: ۳): جام می (ن: ۲): خامه - جامه؛ متن ← ۹-ل، س، ق (نیز آ: ب): به آواز او بر یکی جام؛ متن = ک، س: ۲ (نیز پ، و، ن: ۲) ۱۰-ق: پنج ۱۱-ل: ۳ (همی) ۱۲-ق: ۱: اگر این؛ ل: ۳: این (گر) ۱۳-ق: عود؛ ک پس از این بیت افزوده است:

بدین گونه بر رود بناختی بگفتن سرود و نوا ساختی

۱۴-ق (نیز ق: ۲، لی، پ): آوای؛ ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز لن، ل: ۳): نیز نشناختی زخم (ل: ۲): بانگ؛ (آ: زخم طنبور و آواز)؛ متن = ل، س (نیز و، ن: ۲، ب): بنداری؛ فلما سمع برویز ذلک الصوت وثب من فرط الطرب، و أخذ رطلیة و شربها و قال: لیس هذا بصوت ملک و لا جتی ۱۵-ق: او (ن: ۱۶) (ن: ۱۷) ۱۷-ق: ۲: دهان و ثراهش - و پژه‌اش؟؛ ن: ۲: دهان و ثره (۴)؛ - بنداری) ۱۸-ق: (و: کنید) ۱۹-ق: ۲، لی، پ: بدین؛ بنداری: اطلبوا صاحبه حتی نملأ فاه دررا، و حجره جوهرها، و نجعله علی العوادین أمیرا، و نفیض علیه خیرا غزیرا؛ ک پس از بیت ۳۶۹۲ افزوده است:

مران هر یکی را بها دو هزار درم بود بر چهره شهریار

۴۰-ل، س، ق (نیز ق: ۲، لی، ل: ۳، و، آ: ب): او؛ متن = ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز لن، پ، ن: ۲) ۴۱-ک: ۲ (نیز ل: ۳): چرب؛ متن = سبزه دستنویس دیگر ۴۲-لی: بار)؛ ق: ۲ این بیت را ندارد ۴۳-ق: ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فنزل بهربذ عند ذلک من أعلى الشجرة، و وضع خذّه علی التراب بین یدی برویز، و انتصب قائما ودعاه، فسأله الملک عن حاله ۴۴-ل: ۲، پ: چنین) ۴۵-ق: ۲ (ب: شه را) ۴۶-ق: ۲: ک پس از این بیت افزوده است:

بود شهر جهرم مرا زاد و بوم ز تخم بزرگان مرا تار و بود

به درگاه تو آمدم شهریار بماندیم دیر و ندادند بار

۴۷-ک، ل: ۲ (نیز لی: ب): آنچه؛ متن = ل، س، ق، س: ۲ (نیز لن، ق: ۲) ۴۸-ل: بود-رفت؛ متن = س-ب؛ بنداری: فشرحه له من أوّله الی آخره

بسان گلستان به ماه^۲ بهار
 تو چون حظلی^۵، باربد چون شکر،
 درین آمدت^۷ رود او زانجمن^۸؟
 همان جام یاقوت بر^{۱۲} سر کشید
 دهانش پر از دَرِ خوشاب کرد!
 یکی نامداری شد از مهتران!
 مبادا که باشد ترا^{۱۶} یار^{۱۷} بدا!

به^۱ دیدار او شاد شد شهریار
 به سرگس^۳ چنین گفت کای بدهنر^۴
 ۳۷۰۰ چرا دور کردی تو او را ز من^۶
 به^۹ آواز او شاه می^{۱۰} درکشید^{۱۱}
 برین^{۱۳} گونه تا سر سوی خواب کرد
 بُد^{۱۴} باربد شاه رامشگران
 سرآمد کنون گفتن^{۱۵} باربد

۱-س، ق (نیز لی، آ): ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-س، ق، س^۲ (نیز لی، و-ب): وقت؛ ل: باغ؛ (ق: آ: بسان می و گل به باغ)؛ متن = ل، ک (نیز لی، ل، پ): ماه - گاه؟ ۳-ل، ق، س^۲ (نیز لی، ب): سرکش؛ متن = س، بنداری ۴- (ق: آ: بی هنر) ۵-س (نیز لی، ب): حظل و؛ (ل: آ: تویی حظل و)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فنظر الی سرکس نظر عاتب و قال: یا سئین الادب! أنت کالحظل، و هذا کالسكر ۶-ق، وی از انجمن ۷- (لی: آمدم) ۸-ل: او درین انجمن؛ س، ک، ل^۲ (نیز لی، ن-پ، آ): رود ازین (س، آ: بر: ک: از آن؛ ل: آ: این) انجمن؛ ق: رود لشکرشکن؛ (ب: رود پرداختن)؛ متن = س^۲ (نیز و، ل، ن^۲)؛ بنداری: لهماذا حسدته و حلت بینه و بین مجلسی؟ ۹-ک، ل، آ، س^۲ (نیز لی، ن، پ، ل، ن^۲): بر؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، آ، لی، ل، ۳، و، آ، ب) ۱۰-ل (نیز ل، ن^۲): شادمی؛ (پ: شادمان)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-ق-س^۲ (نیز لی، ن، پ، ل، ن^۲): برکشید؛ متن = ل، س (نیز ق، آ، لی، ل، ۳، و، آ، ب) ۱۲- (ق: آ: تالی: در) ۱۳-س، ق (نیز لی، و، آ): بدین؛ متن = ل، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لی، ن، ق، آ، ن^۲، ب): ک پس از این بیت افزوده است:

چو برزد سر از کوه زرین سهر
 بشد باربد نزد شاه جهان
 بدو داد خسرو یکی بدره زر
 همه خور بدو داد شاه رمه
 5 به هر روز نو خلعت آراستی
 جهان را بیفزود فرّ و هنر
 ابر شاه خواند آفرین مهان
 دهانش بیاکند پر از گهر
 به توفیق منشور جهرم همه
 بر خویشتن نیک بنشاختی

۱۴-س (نیز لی، آ، ب): بشد؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و أقبِل علی بهرید، و أمره فاندفع فی الغناء، و اندفع هو فی الشرب و أكثر حتی شمل، و أمر فحشوا فاه، و جعلوه ملک المطربین، و قدّموه علی أقرانه من أهل زمانه؛ ک پس از بیت ۳۷۰۳ افزوده است:

چنان شد که دستان زنان جهان
 بیابند از راه را گمراهان

۱۵-ل-ک (نیز لی، ل، پ، آ، ب): قصه؛ ل: س^۲ (نیز لی، ق، آ): روز بر؛ متن = (و، ل، ن^۲) ۱۶-ک: باشیدی با ۱۷- (ق: آ: روز؛ لی: بار؛ پ: کار)؛ ل، ک پس از این بیت افزوده اند:

ل: از ایوان خسرو کنون داستان
 ک: که شاه جهانی و امید ما
 به محمودیان روز محمود گشت
 مکن جفت دل تا توانی نو رشک
 تو چون خویشتن دیگران را مخواه
 5 مگو راز دل خیره با هر کسی
 ز رنجش فزونی نیابی، میوی
 همه بودنی خواست یزدان بود
 به داد و دهش کوشی به بود

بگویم که پیش آمد از راستان
 شب تیره را همچو خرشید ما
 رموس (دعروس؟) مرا بخت مسعود گشت
 که آن در دل مرگ باشد بزشک
 از اندوه بیشی مکن جان تباه
 که شایسته مردم نیابی بسی
 چو گفتن نه سودست، خیره مگوی
 همان به که بنده به فرمان بود
 چنین رای بر رایها مه بود

ازیشان^۱ دلاور^۲ گزیدند^۳ سی
بر خسرو آمد جهان دیده مرد
گرانمایه رومی^۹ که بُد هندسی
۳۷۲۰ بدو گفت شاه: این ز من در پذیر
یکی جای خواهم که^{۱۳} فرزند من،
نشیند بدو در^{۱۵}، نگرود خراب
مهندس پذیرفت^{۱۷} ایوان ز^{۱۸} شاه
فرو برد^{۱۹} بنیاد ده شاهرش^{۲۰}
۳۷۲۵ ز سنگ و ز گچ بود^{۲۲} بنیاد کار
چو دیوار ایوانش آمد به جای
که گر شاه بیند، یکی کاردان
فرستد تنی صد^{۲۶} بدین^{۲۷} کارگاه^{۲۸}

از آن سی^۴، دو رومی و یک^۵ پارسی
برو کار و^۶ زخم بنا^۷ یاد کرد^۸
به گفتار بگذشت از^{۱۰} پارسی
سُخُن هرج^{۱۱} گویم، ز من^{۱۲} یاد گیر:
همان^{۱۴} تا دو صد سال پیوند من،
ز باران و از برف و از^{۱۶} آفتاب
بدو گفت: من دارم این دستگاه
همان شاهرش^{۲۰} پنج کرده برش^{۲۱}
- چُنین باید^{۲۳} آنکو دهد دادِ کار^{۲۴} -
بیامد به پیش جهان کدخدای،
گذشته برو^{۲۵} سال و بسیار دان،
پسندیده با موبد^{۲۹} نیک خواه^{۳۰}

۱- (ن، پ: وزیشان؛ و: برایشان) ۲- س = (نیز و): کل آور (۹) ۳- ل = (نیز ن): گزین کرد ۴- ل = (نیز ن، ل، ۳، ن، ۲، ب): ازین سی؛ (ق: آ: ازیشان؛ ل: از آن سه) ۵- ل، ق (نیز آ): دو؛ (ل: ۳، دگر): متن = س، ک، س، ۲ (نیز ن، ق: ۲، ل، پ، ب، ن، ۲، ب): ل: ازین بیست رومی و ده؛ (و: ز هندی و از رومی و): بنداری؛ فاختاروا منهم مائة، و من المائة ثلاثة: فارسیا و رومیین؛ س، ل، ا، پ، س از بیت ۳۷۱۷ افزوده اند: وزان پس گزیدند رومی یکی
۶- ق، ک (نیز و، آ، ب): حو؛ متن = ل، ل، ۲، س، ۲ (نیز ن، ل، ۳، پ، ن، ۲، ب) ۷- ک: نیا (د: بنا): (ق: آ: ز هر گونه گفتارها) ۸- س (نیز ل): جهان دیده و آزموده نبرد؛ در س، ل، ب، ل، ت، های این بیت پس و پیش شده اند ۹- (و: هندی)؛ س: گرانمایه ای را ۱۰- س، ل، ۳، س، ۲ (نیز ن، ل، ۳، و، آ): بر: ک: بگذاشت بر؛ متن = ل (نیز ق: ۲، پ، ن، ۲)؛ ب این بیت را و ق بیت های ۳۷۱۹-۳۷۲۳ را ندارند؛ بنداری: فحضر و عند برویز فاقاضوا فی حدیث البناء فظهر أحد الرومیین علی الفارسی ۱۱- س، ک، ل، ۲ (نیز ق: ۲، ب): هر چه؛ متن = ل (نیز ن) ۱۲- س، ل، ۲ (نیز ن، و، ن، ۲، آ): ترا؛ (ق: ۲، ب): همه؛ ل: به تو؛ پ: گفتم همه؛ متن = ل، ک (نیز ل: ۳)؛ در ب این بیت پس از ۳۷۲۳ آمده است؛ در س ۲ بیت های ۳۷۲۸-۳۷۳۰ را پاک کرده و بجای آن تصویر کشیده اند ۱۳- ک: ز ۱۴- (آ، ب): همی ۱۵- ک: بدانجا؛ س (نیز ل، آ، ب): بدو در نشیند؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز ن، ق: ۲، ل، ۳، ن، ۲) ۱۶- ل (نیز ن، آ): وز برف و ز؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: فاستدناه الملک و قال: اینی آرید آن تنبی لی ایوانا یدوم حتی یجلس فیهِ ولدی و من یلیهِ من أعقابی الی مائتی سنة، لا یخر ب و لا یثأر بالثلج و المطر و غیرهما؛ ب پس از بیت ۳۷۲۲ افزوده است:

از آن گونه می باید اندازه کرد که کس را نباید مران تازه کرد

۱۷- ل = (نیز ن، ل، ۳، ن، ۲): پذیرفت ۱۸- ل (نیز ل، پ، و، آ): ایوان؛ (ق: آ: از ایوان)؛ متن = س، ک، ل، ۲ (نیز ن، ل، ۳، ن، ۲، ب) ۱۹- (ن: آ: برده) ۲۰- ل: ارش؛ ک: رش - حرش؛ (ل: رش - و ش)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱- (و: کرده بر پنج خوش)؛ بنداری: فتقبل بذلک و خرج و شرع فی الأمر، و أمر فحضروا الأرض مقدار خمسين ذراعا بذراع الید ۲۲- (ل: کرد) ۲۳- ق، ک، ل، ۲ (نیز ن، ق: ۲، ل، پ، ب): خواهد؛ (ل: باشد)؛ متن = ل، س ۲۴- ق (نیز ل، و، ب): کرد کار؛ ک: یادکار؛ (ق: آ: بود شهریار)؛ متن = ل، س، ل، ۲ (نیز ن، ل، ۳، پ، ن، ۲، آ) ۲۵- (ل: ل: بدو) ۲۶- س (نیز ل): همیلون؛ (پ: تنی چند؛ و: ازیشان؛ ب: همی صد؛ ق: فرستاد باید)؛ متن = ل، ق، ک، ل، ۲ (نیز ن، ل، ۳، ن، ۲، آ) ۲۷- ک، ل، ۲ (نیز ن، ق: ۲، ل، ۳، و، ن، ۲، آ): بدان؛ (پ: بر؛ ب: برین)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل) ۲۸- ل، س، ق، ل، ۲ (نیز ن، ق: ۲، ل، و، ب): بارگاه؛ (پ: جایگاه)؛ متن = ک (نیز ل، ۳، ن، ۲، آ) ۲۹- س، ق، ل، ۲ (نیز ق: ۲، ل، ۳، ن، ۲، ب): مردم؛ (پ: موبدی؛ آ: مردم؛ و: پسندیده مردم)؛ متن = ل (نیز ن، ل، ۳) ۳۰- ک: و نامور کینه خواه؛ بنداری: و وضع أساس البناء، و أخذ یبني بالحجارة و الجص إلى أن صعد البناء، و بلغ حدّه المعلوم، و لم یبق غیر ضرب طاقه علیه، فحضر عند الملک و سأله أن یفئذ مع جماعه من الموابذة حتی یسحوه و یدرعوه

برفتند و دیدند^۴ دیوار راست
بتابند^۷ باریک تایی^۸ رسن
ببیمود تا^{۱۰} خاک دیوار^{۱۱} گاه
ببیمود در^{۱۳} پیش آن انجمن،
ابا مهر^{۱۴}، گنجور او را سپرد
که دیوار ایوان برآمد به ماه!
نگیرم^{۱۸} بدین^{۱۹} کار کردن شتاب،
ز کاریگران شاه^{۲۲} بگزیندم^{۲۳}
بلندی ایوان^{۲۶} چو کیوان بود^{۲۵}،
مرا نیز رنجی نباید^{۳۰} فزود!
چرا خواهی از من تو ای بدگمان؟
به آزر^{۳۲} نوزت^{۳۳} نیامد^{۳۴} نیاز!
بدادند تا او نباشد دژم

بدو داد از آن^۱ گونه^۲ مردم^۳ که خواست
۳۷۳۰ بربیشم^۵ بیاورد تا^۶ انجمن
ز^۹ بالای دیوار ایوان شاه
چو^{۱۲} بالای آن تابداده رسن
رسن سوی گنج شهنشاه برد
و زان پس بیامد به^{۱۵} ایوان شاه
۳۷۳۵ چو فرمان دهد خسرو^{۱۶} زودباب^{۱۷}
چهل روز، تا^{۲۰} کار بنشیندم^{۲۱}
چو هنگامی^{۲۴} زخم ایوان بود^{۲۵}،
بدان^{۲۷} زخم^{۲۸} خشم^{۲۹} نباید نمود!
بدو گفت خسرو که چندین زمان
۳۷۴۰ نباید که داری تو زین^{۳۱} دست باز!
بفرمود تا سی هزارش درم

که عیب آورد مرد دانا بر اوی^{۳۶}،

بدانست کاریگر راست گوی^{۳۵}

۱-ل: زان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-ک: آن مرد و ۳-(ن:آ: مردی) ۴-ق: کردند) ۵-ک: بریسم ع-ق (نیز ق، ۲، ن:آ): با؛
(ل، ۳، و: با) ۶-ق (نیز ل، ۳، و: ن:آ): بتابید؛ ق: آ: بیارید؛ آ: بیابند) ۸-ل: تا سی (۹:ک: یک تا؛ آ: تابی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر
(حرف سوم در، ن، و، ب بی نقطه) ۹-ق (آ: ل: به) ۱۰-(ن:آ: آ: با) ۱۱-(و: راه؛ پ: دیوان شاه)؛ ل: ق این بیت را ندارند؛ بنداری: فنقد معه
جماعة فأخذوا خطها من الإبریسم مفتولا، و وقفوا على مقدار سمك البناء من أعلاه إلى أسفله ۱۲-ل: ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر
۱۳-ک: آ (نیز ل، ن: ب)؛ بر؛ ق: آ این بیت را ندارند؛ در ب ۳۷۳۲-۳۷۳۴ پس از ۳۷۳۸ آمده اند ۱۴-(ن: مهر و)؛ ق این بیت را ندارند؛ بنداری:
ثم ختموا على الخيط و سلموه الى خازن الملك ۱۵-ق: به بالای دیوار (۱۳۷۳۱)؛ بنداری: ثم حضر عند الملك و قال: قد فرغت من
بناء أركان الإيوان؛ ک پس از این بیت افزوده است:

ابر شاه بر آفرین گسترید چو تو شاه گفتا زمانه نندید

۱۶-ک: دهی خسرو؛ س (نیز ل): فرمان خسرو بود؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ل (نیز ب): رودباب؛ (و: کامیاب)؛ متن = یازده
دستنویس دیگر ۱۸-ق (آ: ل، پ، و، ن: آ: بگیرم)؛ در ل، س، ک، ل حرف یکم بی نقطه؛ متن = ق، ل^۲ (نیز ل، و، آ، ب) ۱۹-ل، ک (نیز و، ن: آ):
برین؛ ق: آ: بدان)؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز ل، ن: ل، پ، آ، ب) ۲۰-ک: با ۲۱-س: بستیدهام (؟)؛ (ب: بشنیدهام)؛ متن = دوازده دستنویس
دیگر (در ل، ک حرف یکم بی نقطه) ۲۲-ق (نیز پ): کاریگر آنگاه؛ ک: ز کاری که مر شاه؛ آ: ز کاری کران شاه)؛ متن = ده دستنویس
دیگر ۲۳-س: نیز نشنیدهام؛ (ب: نگزیدهام)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴-ک: هنگام آن ۲۵-(و: شود) ۲۶-(ل، ۳، ن: آ: به) ۲۷-س: ق
(نیز ل، ب: بدین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸-(پ: کار؛ ب: زخمه) ۲۹-ل^۲ (نیز آ): چشمت؛ در ل، ق، ل^۲، ل، ۳، ن: آ حرف یکم بی نقطه؛
متن = س، ق، ک (نیز ل، ن: ل، پ، و، ب) ۳۰-ک: بایید؛ بنداری: و الصواب أن نصبر أربعين يوما حتى تتراض أجزاؤه، و يتهدم بناؤه ثم نقعد عليه
الطاق حتى لا يتطرق إليه خلل ۳۱-ل: ازین؛ متن = س-ب ۳۲-س، س، آ (نیز ب): آرزوم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۳-ل: بودن؛ ک:
نورت؛ (ن: نوزت؛ ل: نورت؛ ن: آ: پورت؛ ب: بورت)؛ متن = س، ق، ل^۲، س (نیز ل، ۳، و، آ؛ در س حرف یکم بی نقطه) ۳۴-در ل حرف
یکم و در س حرفهای یکم و دوم بی نقطه؛ (ن: آ: ب: نیاید؛ ق: به ز و به سمیت نیامد) ۳۵-ق (نیز آ): گو؛ س: خوب گوی؛ (ل: خوب روی؛
ق: آ: کاری گرانست اوی)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۶-س، ک (نیز ل، آ: ب: بدوی؛ ق: بدو؛ متن = ل، ل^۲، س (نیز ل، ن: آ: ل، ۳، ن: آ)

اگر بشکند^۳ کم^۴ کند نان و^۵ آب!
چنان شد^۷ کزان پس کس او را ندید
به گوینده بر خشم داور^۹ بریخت:
چرا پیش ما در^{۱۲} فزونی نمود؟!
همه رومیان را به زندان برند!
گج و خشت و سنگ^{۱۶} گران آورید!^{۱۵}
ز بوم و بر شاه شد^{۱۹} ناپدید
همی^{۲۱} گوش و دل^{۲۲} سوی اهواز^{۲۳} داشت،
نماند چنان^{۲۶} کار بی بر بسی
ندیدند^{۲۸} کاریگری بی^{۲۹} همال
به سال چهارم پدید آمد او
به خسرو رسانید ازو^{۳۲} آگهی
بدو گفت شاه^{۳۳}: ای گهتکار مرد،

که گیرد بدان^۱ زخم^۲ ایوان شتاب؛
شب آمد، بشد^۶ کارگر ناپدید
۳۷۴۵ چو بشنید خسرو که فرعان^۸ گریخت
چنین گفت کان را که^{۱۰} دانش^{۱۱} نبود
بفرمود تا کاروان^{۱۳} بنگرند^{۱۴}
دگر گفت: کاریگران آورید!^{۱۵}
بجستند^{۱۷} هر کس که دیوار^{۱۸} دید
۳۷۵۰ به بیچارگی دست از آن^{۲۰} بازداشت
کزان شهر کاریگر آید^{۲۴} کسی^{۲۵}
همی جست استاد آن تا^{۲۷} سه سال
بسی یاد کردند از آن^{۳۰} کارجوی
یکی مرد بیدار^{۳۱} با فرهی
۳۷۵۵ همانگاه رومی بیامد چو گرد

- ۱-ل (نیز و ل: آن): بران؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ق: که گوگرد از کار) ۳-ق: (بگسلد) ۴-س: آ: گر ۵-ل: (جاء و: ب: رود؛ بنداری: فاستطال الملك المدّة ثم أمر له بثلاثين ألف درهم يسط ذلك في أمه، و لا يفتر نشاطه في عمله ۶-س: س: (نیز) ل: ب: شد آن؛ متن = ل ۷-ک: بد؛ بنداری: فلما جن الليل تواری و هرب بحيث لم يعرف به أحد ۸-س: ق: س: (نیز) ل: ب: و: ب: فرغان: ق: (قرحان: ل: رومی): متن = ل، ک: ل (نیز) ل: ۹-ل: فرعان: س (نیز) ل: دارو (داور): ک: ل (نیز) ل: ل: و: ب: رومی: ب: فرغان: ق: (فرمان): متن = ق ۱۰-ل: آنرا که؛ ق: آ: کوراکه؛ و: کانهاز؛ ل: آ: کاینهاز) ۱۱-س (نیز) ل: آ: که؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-س (نیز) ل: ب: که؛ در پی ما؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳-ل: ک: ل: آ: س: (نیز) ل: ق: ل: ۳-ل: آ: کار او؛ متن = س: ق (نیز) ل: آ: ب) ۱۴-ب: بگذرند؛ بنداری: و لما علم الملك بذهابها به عظم عليه، و أمر بحبس جميع صناع الروم ۱۵-ل (ن: آ: آورند) ۱۶-س: ک: (نیز) ل: ب: سنگ و خشت؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷-س: ل: آ: بجستند و؛ (ل: بگفتند)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸-ک: دیدار ۱۹-ل: (بر او بشد)؛ در کلت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۰-ل (ن: آ: زو) ۲۱-س: س: س: (نیز) ل: ب: همه؛ متن = ل (نیز) ق: آ: (نیز و: ل: آن): گوش دل؛ ک: گوش را؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-ل (ن: آ: ب: آواز)؛ ک: پس از این بیت افزوده است:
- | | |
|----------------------------|------------------------------|
| بیاورد از اهواز یک مرد پیر | که بود اندر آن کار او تیزویر |
| چو دیوار ایوان شه بنگرید | شد از ترس رنگ رخس ناپدید |
| بدو گفت شاهان نه کار منست | که این کار داننده ریمنست |
| چو شد کار در دست ایشان خله | بکردند از ایشان کجا شد یله |
- ۲۴-ق (نیز ق: آ: آرد؛ ل: آ: آمد؛ ل: کاری که داند)؛ متن = ۲۵-ک: چو کاریگران هیچ نامد بسی؛ (ب: کاری که راند بسی)؛ متن = ل: س: ل: آ: س: (نیز) ل: ق: آ: ل: ب: و) ۲۶-ق: س: س: (نیز) ق: آ: ب: ل: آ: ب: بماند آن چنان؛ (ل: بماند چنان)؛ متن = ل: س (نیز) ل: ق: و: در ل: س حرف یکم بی نقطه)؛ بنداری: و أمر جماعة من الصناع بإتمام البناء فعجزوا ۲۷-س (نیز) ل: آ: آنرا؛ ک: او تا؛ (ل: تا او ستاد آن)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸-ل: (ب: بدیدند) ۲۹-ل: با؛ (ق: آ: را)؛ ل: (نیز) ب: کاریگری بی؛ (ل: کاریگران بی؛ و: ل: کاریگران را)؛ متن = س: ق: ک: س: (نیز) ل: آ: ب: آ: بنداری: و بقى على ذلك الى تمام ثلاث سنين ۳۰-ل: زان؛ ک: (نیز) ل: ق: کرد اندر آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فظهر الأستاذ الرومي في السنة الرابعة ۳۱-س: آ: بیدار و؛ ۳۲-ل: زو؛ متن = س: ب ۳۳-ل: (ش: ل: آ: س: ل: آ: س: ل: ل: آن): شاه گفت؛ متن = ل: ک: (نیز) ق: آ: و: آ: ب)

بگو^۱ تا چه بود اندرین پوزشت^۲؟
 چنین گفت رومی^۳ که گر^۴ شهریار
 بگویم بدان کاردان^۵ پوزشم
 فرستاد و^۶ رفتند از^۷ ایوان شاه
 ۳۷۶۰ همی برد دانای رومی رسن
 بیمود بالای کار و^۸ ۱۲ به رش^۹
 رسن بازبردند نزدیک شاه
 چنین گفت رومی که گر^{۱۰} زخم کار
 نه دیوار ماندی، نه طاق و نه کار
 ۳۷۶۵ بدانست خسرو که او^{۱۱} راست گفت
 رها کرد هر که ش^{۱۲} به زندان بُدند
 مرو را یکی^{۱۳} بدره دینار داد
 بران^{۱۴} کار شد روزگاری^{۱۵} دراز
 چو شد هفت سال^{۱۶}، آمد ایوان به جای^{۱۷}

به گفتار پیش آید آمرزشت^۱!
 فرستد مرا با یکی استوار،
 به پوزش به جای^۲ آید آمرزشم!
 گرانمایه استاد با نیک خواه
 همین^۳ مرد را نیز با خویشتن
 کم آورد کار^۴ از رسن هشت^۵ ارش^۶
 بگفت آنک^۷ با او بیامد به راه^۸
 برآوردمی^۹ بر سر، ای^{۱۰} شهریار،
 نه من ماندمی^{۱۱} بر در^{۱۲} شهریار^{۱۳}
 -کسی راستی را نیارد^{۱۴} نهفت!
 بداندیش اگر^{۱۵} بی گزندان بُدند
 به زندانیان چیز بسیار داد
 به کردار، آن شاه را بُد^{۱۶} نیاز!
 پسندیدهی خسرو^{۱۷} پاک رای^{۱۸}

۱-ق.س. ۲ (نیز ق. ۲): نگر ۲-س (نیز لی. ۱): کار زشت؛ (ب: بوم و رست؛ ق. ۲: داری همی پوزشت)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳- (آ: آر کردار زشت؛ ب: آمد امر رست؟)؛ (نیز ب): چه گفتمی که (ب: ز) پیش آمد آموزشت؛ س (نیز لی): که دوری زینکی و دور از بهشت؛ (و: که کرد اندرین کار آموزشت)؛ متن = ق-س ۲ (نیز لی، ق. ۳، ل. ۳، ق. ۳، ک. ق. ۳: آمد؛ ل: بد آمد؛ بنداری: فأخبر الملک بذلک وأحضر عنده، وسأله عن عذره فيما فعل ۴-ل: جرومی)؛ (ل: ۵-۵: اگر؛ ل: ۳: که ای) عس (نیز لی): کار من؛ (ق: ۲: کارها؛ ب: کارگر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷-ل: جا ۸-ل: افزوزشم (؟)؛ س (نیز و، ل. ۲): آموزشم؛ (ب: آرم آموزشم؛ آ: اندر آمرزشم؛ ق: ۲: کجا باید آموزشم)؛ متن = ق-س ۲ (نیز لی، ل. ۳، ل. ۳، ب): بنداری: فقال: إن نفذ الملک معی بعض فقاته حتی ینهی الیه ما یشاهده عذرنی و غفر لی ذنبی ۹-ک: فرستاده ۱۰-ق (نیز لی. ۱): ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فنفذ الملک مع بعض أمانته ۱۱-ل: ل (نیز ق. ۲، ل. ۳، ل. ۲، آ، ب): همان؛ متن = س ۲ (نیز ل. ۳، و) ۱۲-س ۲ (نیز و، ل. ۲): از؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳-همه دستنویسها: برش (= به رش؟ بر + ش؟) ۱۴-ک: کم آمد زکار؛ س (نیز لی): بیاورد کاس؛ (ب: که آورد کاست)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۵-ل: ل (نیز ل. ۳، و): هفت؛ متن = ده دستنویس دیگر (نیز بنداری) ۱۶-ل: ل-س ۲ (نیز ق. ۲-ب): رش؛ متن = (ل: بنداری: و أخذ الخیط الذی قدر به البناء، و عاهد تقدیره فنقص ثمانية أذرع بأراعهم ۱۷-ک (نیز ل. ۳، ل. ۳، ب، ل. ۲): آنکه ۱۸-ک: گرانمایه استاد با نیک خواه (= ۳۷۵۹ ب): ق، آ این بیت را ندارد ۱۹-ل (نیز ل. ۳): از؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-س، ق، ک (نیز لی، ب): بیفزودمی؛ ل. ۳، س ۲ (نیز ل. ۳، و، ل. ۲): برافزودمی؛ (آ: نیفزودمی)؛ متن = ل (نیز ق. ۲، ب) ۲۱-ق (آ: ار؛ ل: آن؛ ج: ای) ۲۲-س (نیز آ، ب): ماندی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-س، ق، ک (نیز ب): درای؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۴-ک، ل. ۳، س ۲ (نیز ل. ۳، ن: نامدار؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل: این بیت را ندارد؛ بنداری: فرجع الی حضرة الملک و قد أعلم بذلک فقال: أیها الملک! لو عقد الطاق علیه قبل الیوم لم یثبت إلا قلیلاً، و لم یجد عملی قلیلاً ۲۵-س، ق (نیز لی، آ، ب): وی: که آن ۲۶-س، ک، ل ۲ (نیز ق. ۲، ل. ۳، ب): نیاید؛ متن = ل، ق، س ۲ (نیز ل. ۳، آ): بنداری: فصدق الملک قوله، و استصوب حزمه ۲۷-ل: کو؛ (ل: و، کس)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-ل، ق، ل (نیز و): گر؛ س (نیز لی، ب): و گر؛ ک: بر؛ متن = س ۲ (نیز ل. ۳، ل. ۳، ب، ل. ۳، آ): بنداری: بیت های ۳۷۶۶ و ۳۷۶۷ را ندارد ۲۹-ل: دو صد؛ (ل: بنده) ۳۰-س-س ۲ (نیز ل. ۳، ل. ۳، و، آ، ب): بدان؛ (ب: در آن)؛ متن = ل (نیز ق. ۲، ل. ۳) ۳۱-ل (نیز و، ل. ۲): روزگار؛ س، ق (نیز لی، آ، ب): روزگار ش؛ متن = ک، ل. ۳، س ۲ (نیز ل. ۳، ل. ۳، ب) ۳۲-ک: بگردند آن شاه را می ۳۳- (و: چو در سال هفت) ۳۴-ق: ج: ۳۵- (ق: ۲، ب: مردم) ۳۶-س، ک، ل. ۳، س ۲ (نیز ل. ۳، ل. ۳، آ، ب): رهنمای؛ ق: رهنما؛ (ق: ل. ۳، و: نیک برای)؛ متن = ل (نیز ب): بنداری: و اشتغل الرومی بإتمام العمل، و یقی یعمل فیهِ الی تمام سبع سنین

درم داد و دینار و^۱ کرد آفرین
 به نوروز^۴ رفتی بدان^۵ جایگاه^۶
 نه از نامور کاردانا^۹ شنید
 از آن کاف چرخ^{۱۲} اندر آویخته^{۱۳}،
 به هر^{۱۵} مهربی در نشانده گهر،
 بیاویختندی^{۱۶} ز^{۱۷} زنجیر تاج^{۱۸}
 بنزدیک او^{۱۹} موبد^{۲۰} نیک بخت،
 بزرگان و روزی دهان^{۲۴} را بدی
 بیاراستندی همه کاریان^{۲۷}
 کجا خوردش از کوشش خویش بود
 بسی گشته افکنده^{۳۰} بر در سرای^{۳۱}
 کز آوازا دل^{۳۳} به جوش آمدی^{۳۵}،
 مباشد تیره دل و بدنهان^{۳۶}

۳۷۷۰ مرو را بسی آب داد و زمین
 همی کرد هر کس^۲ به ایوان^۳ نگاه
 کس اندر جهان زخم^۷ چونان^۸ ندید
 یکی حلقه^{۱۰} ز زین بدی^{۱۱} ریخته
 فروهشته زو^{۱۴} سرخ زنجیر زر
 ۳۷۷۵ چو رفتی شهنشاه بر تخت عاج
 به نوروز چون برنستی به تخت
 فروتر^{۲۱} ز موبد^{۲۲}، مهان را^{۲۳} بدی
 به زیر مهان^{۲۵} جای بازاریان^{۲۶}
 فرومایه تر جای^{۲۸} درویش بود
 ۳۷۸۰ فروتر بریده بسی^{۲۹} دست و پای
 از^{۳۲} ایوان از آن پس خروش آمدی^{۳۳}
 که ای زیردستانِ شاه جهان

۱-ل ۲ (نیز آ، ب): جوع؛ بنداری: و لما فرغ منه أنعم علیه بأموال و أراض و أمواه ۲-س (نیز لی): هر آنکس که کردی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳-ق: بدان در؛ (و: در ایوان) ۴-س (نیز لی، ب): همه روز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۵-ل: رفتن بران (!)؛ (و: حرفتی < بدان!)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۶-س ۲، ۳ (نیز لن، ق، آ، و، ن، ۳): جای شاه؛ متن = ل-ک (نیز لی، پ، آ، ب)؛ بنداری: قال: و كان من عادة الملك أن يجلس في هذا الأيوان يوم النيروز ۷-ق: (آ: کاخ) ۸-ل، ق: چونین؛ س (نیز لی، ب): چندان؛ ل ۳: چنان (!)؛ متن = ک، س ۲ (نیز لن، ق، آ، و، ن، ۳، ۹-ل، ق: کاردانا پیشین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری این بیت را ندارد ۱۰-ل: جام؛ متن = س-ب، بنداری ۱۱-ق: از زر همه؛ ل ۳: حلقه‌ای بد ز زر؛ لن ۳: حلقه زر بدی) ۱۲-ل: چرخ ماه؛ س، ق (نیز لی، ب): کار چرخ؛ ک: کارگر؛ س ۲ (نیز لن، ب، و): چرخ کار؛ (ل ۳: چرخ طاق؛ لن ۳: خوب کار؛ آ: بدان زخم کار)؛ متن = ل ۲ ۱۳-ق: (آ: جای خرم در آویخته) ۱۴-ل (ن ۳: زان؛ و: فروهشت ازو) ۱۵-ل (ن ۳: یکی)؛ بنداری: و كان في طاقه حلقه كبيرة من الذهب فيها سلسلة متدلية من الذهب الأحمر مرصعة باللؤلؤ والجوهر ۱۶-س، ق (نیز لی، ب): بر آویختی او؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷-ک، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، و، ن، ۳، ۲، ۱): به؛ متن = ل، س، ق، س ۲ (نیز لی، پ، ب) ۱۸-و: (ساج)؛ بنداری: فاذا جلس الملك في الأيوان علق تاجه من هذه السلسلة فيجلس تحت التاج على تخت العاج ۱۹-ق: (آ، ب: آن) ۲۰-ک: موبدی ۲۱-ل: (فزونتر) ۲۲-ق: فروتر ز ایوان ۲۳-ل: (ردن را)؛ ک: فزونتر از آن نیک مهتر ۲۴-ک: موبد دهان (!)؛ بنداری: و كان الي جانب هذا الأيوان مجلس أصحاب الدواوين والوزراء والكتاب ۲۵-س ۲ (نیز و): به زیرش همان ۲۶-ل: روزی دهان؛ س (نیز لی، ب): بازارگان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷-ل: در نهان؛ س (نیز لی، ب): رایگان؛ ل ۲ (نیز لی): کار آن؛ متن = ق، ک، س ۲ (نیز ق، آ، و، ن، ۳، ۲)؛ بنداری: و دونهم الأسواق المشتملة على النفائس والأعلاق ۲۸-س (نیز لی، ب): فروتر از او (ب: آن) جای؛ ک: فرومایه جانی که؛ متن = یازده دستنوی دیگر؛ بنداری: و دونها موضع فقراء الناس و أوساطهم ۲۹-س (نیز لی، ب): بدی؛ ک: یکی؛ (ل ۳: همه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰-و: (افکنند) ۳۱-ل، س (نیز لی، ب): در زیر پای (ل: جا؛ لی: جای)؛ ق: (آ: پیش سرای)؛ متن = ک، ل، س ۲ (نیز لن، آ، ۲)؛ ق: این بیت را ندارد؛ بنداری: و تحت الكل موضع إقامة الحدود و إجراء السياسات ۳۲-ل، س، ق، ل ۲ (نیز ق، آ، بی، پ، ب): ز؛ متن = ک، س ۲ (نیز لن، ل، آ، و، ن، ۳، ۲) ۳۳-ل: (برآمد از آن پس خروش) ۳۴-س (نیز ق، آ، بی، ب): آواز اول؛ ق (نیز ل، ۳، ۲): آواز دلها؛ ل ۲: کزو از دهان دل؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز لن، پ، و) ۳۵-ل: (برآمد به جوش؛ لن ۳: کجا آن مهان را به گوش آمدی) ۳۶-ل، ک (نیز ب): بدگمان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر

که بر جان^۱ بدبخت باید گریست!
بخسید بر گاه^۳ ایمن ز شاه!
بود^۷ خشم^۸ ما سوی آنکس رسان!^۹

بینید تا از شما زیر کیست
هر آنکس که او راه^۲ دارد نگاه
دگر هرک^۴ یازده^۵ به چیز^۶ کسان

گفتار اندر بزرگی خسرو پرویز^{۱۰}

بگویم، کنم^{۱۱} تازه روز^{۱۲} کهن،
ندارد^{۱۵} به یاد از کهان و مهان!
ز گیتیش دامن^{۱۶} بیاید فشانند!^{۱۷}
که باشد خردمند همداستان:
که از پای زهرش فزونست زهر!^{۱۹}
ز منزل^{۲۲} مکن جایگاه نشست!
تو^{۲۴} گردی کهن، دیگر آرند^{۲۵} تو^{۲۶}!
زمانی به منزل چمد، گر^{۲۹} چرد^{۳۰}.

کنون از بزرگی خسرو سَخُن
۳۸۰۰ بر آنسان^{۱۳} بزرگی کس اندر^{۱۴} جهان
هر آنکس که او دفتر شاه خواند
سُرد گر بگویم یکی داستان
مبادا که گستاخ باشی^{۱۸} به دهر
مسای^{۲۰} ایچ با آز و با کینه^{۲۱} دست!
۳۸۰۵ سرای سپنجست پُر آی و زو^{۲۳}
یکی اندر^{۲۷} آید، دگر^{۲۸} بگذرد

۱-س: نای (بی نقطه)؛ (لی: بای)؛ (ب: جای)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق، و این بیت را ندارند؛ ک: پس از این بیت افزوده است:

وگر نه پشیمانی آید ز کار
سگالش کند راه دشخوار خوار

- ۲-س (نیز لی، ب): رای؛ ک: نام؛ (لن: آ: راز)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳-ل: بخسید برین گاه (؟)؛ ک: بخسید ایر گاه و؛ ل: آ: بخسید بر گاه؛ س: آ (نیز لن، لی، ب): بخسید بر گاه؛ (ق: بخسید به درگاه (؟)؛ ل: آ، ب: نخسید بر گاه؛ و: بخسید به گاه اندر)؛ متن: ق (نیز آ)
۴-س: آ (نیز لن-و، آ، ب): که؛ متن = ل ۵-س: آ: تازد؛ (لی: یارد)؛ در ل، ق: آ بی نقطه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶-ک: خون ۷-ق: نگر؛ (آ: وگر) ۸-در ل، س حرف یکم بی نقطه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹-ک: روان؛ (ل: آ: او را سوی جان رسان)؛ لن: آ این بیت را ندارد؛ بنداری ۳۷۹۱-۳۷۹۸ را ندارد و بجای آن از خود حدیث شکاف برداشتن طاق مداین را افزوده است؛ پس از بیت ۳۷۹۸ ک شش بیت و ل ۳ دو بیت افزوده اند ۱۰-ق: گفتار در بزرگی خسرو که چگونه بود؛ ل ۶، س: آ: صفت (س: آ: در) بزرگی خسرو پرویز؛ بنداری: ذکر الخیر عن عظم سلطان برویز، و انتظام أسبابه، و ما تعقب ذلک من زوال ملکه؛ ل، ک: سرنویس ندارند؛ متن = س ۱۱-ل: آ: کنون ۱۲-ل: روی؛ (پ: دور)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳-س (نیز لی): بدینسان؛ (ق: نیز ل، آ، ب): بدانسان؛ ک: که زانسان؛ س: آ: برینسان؛ متن = ل، ل: آ (نیز لن، ق: آ، پ، لن، آ، ب): ۱۴-ل: که اندر؛ س (نیز لی): کسی در؛ (ق: نیز ل: ک)؛ ک: که در؛ متن = ک، ل، آ، س: آ (نیز لن، ق: آ، پ، لن، آ، ب): ۱۵-ک: نیارد؛ و این بیت را ندارد ۱۶-ل: زکشتن دل من (ج: زگیتیش دامن)؛ متن = س، ب: ۱۷-ک: نشانند ۱۸-ق: آ: بگردی ۱۹-ک: فزون نیست زهر ۲۰-ل: ق: مسا؛ س (نیز لی، ل، ک): مسا؛ (ق: آ: میاز)؛ متن = ک، ل، آ، س: آ (نیز لن، و، ب): ۲۱-س (نیز لی): با او به کینه دو؛ ک (نیز ل، آ، ب): با او ابر (ل: آ: زیبا؛ ب: ابا) کینه؛ (لن: آ: با کینه و آز)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: آ (نیز لن، ق، و، آ): ۲۲-س، ق (نیز لی): به منزل؛ (ب: به بددل)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ب این بیت را ندارد؛ بنداری (۳۷۹۹-۳۸۰۴): قال صاحب الکتاب: ینبغی لمن یطالع أحوال برویز و یقرأ أخباره أن ینفض ذیله من الدنیا الغرارة الغدارة فلا یترسل الیها، فإن سها یغلب تریاقها، و آمال ینها تتجج إخفاقها، و لا یعدّ الیها ید الحرص و الأمل. و قیبح بالعالم أن ینوی الإقامة فی المراحل ۲۳-ل: با راه و رو؛ س، س: آ (نیز لن، و، ب): برای و رو؛ ک (نیز ل، آ، ب): برای و رو؛ ل ۲۴-س: آ: چو ۲۵-ک: آیند ۲۶-در ل: آ: زو؛ بنداری: آ: اینها دار بنیت علی المجیء و الذهب ۲۷-ق: دیگر؛ متن = س، ب ۲۸-ل: آ: یکی ۲۹-س، ق، ک، س: آ (نیز لن، ق: آ، ل، ب، لن، آ، ب): یا؛ متن = ل ۳۰-ل: آ، و: با خرد؛ ل: آ: بمنزل بمنزل جهد (ل: بنداری: فواحد یدخل من ذالالباب و آخر خارج من ذلک الباب. و لو أمکن صرف صرف الزمان

به خاک اندر آید^۱ سر شیر^۲ و پیل!
 ز من بشنوی یاد باید گرفت،
 بزرگی و اورنگ^۷ و فرّ و سپاه^۸،
 اگر چند پرسی^{۱۱} ز دانامیهان^{۱۲}!
 ز هر کشوری کان بُد^{۱۵} آبادبوم^{۱۶}،
 به رخشنده روز و شبان سیاه،
 ز دَر و ز یاقوت و هر گوهری^{۱۸}،
 چنو خسرو^{۲۱} اندر زمانه نبود!
 ز شیر و پلنگ و نهنگ^{۲۳} اندر آب،
 چو خورشید^{۲۴} روشن بُدی^{۲۷} جان اوی^{۲۵}!
 ز چین و ز برطاس^{۲۸} و از^{۲۹} روم و روس^{۳۰}
 که بالاش یک تیر پرتاب بود،

چو برخیزد آواز طبل رحیل
 ز پرویز چون داستانی^۳ شگفت
 که^۴ چندان^۵ سزواری^۶ و دستگاه
 ۳۸۱۰ کزان^۹ بیشتر نشنوی^{۱۰} در جهان
 ز توران و از هند و از^{۱۳} چین و روم^{۱۴}
 همی^{۱۷} باژ بردند نزدیک شاه
 غلام و پرستنده از هر دری
 ز دینار^{۱۹} گنجش کرانه نبود^{۲۰}
 ۳۸۱۵ ز شاهین و از باز^{۲۲} و پزان عقاب
 همه برگزیدند پیمان^{۲۴} اوی^{۲۵}
 نخستین که بنهاد گنج عروس
 دگر^{۳۱} گنج پر دَر^{۳۲} خوشاب بود

۱- (ن: آ: آرد) ۲- ل: (نیز پ:): مور: متن = سیزده دستنویس دیگر: ک، پ: پس از این بیت افزوده اند:

چه رستم چه سام و چه اسفندیار
 که در یاش ژرفست و پایاب نیست
 به فرجام هم تن ببوشد به گل
 اگر شوربخت ار چه فرخنده ای
 اگر بخردی سوی رادی گرای
 نازد برو مرد سنگ و خرد

ک: بر مرگ چه پیر زار نزار
 کسی را که با موج او تاب نیست
 اگر مرد ماند سه باره چهل
 اگر شهریاری و گر بنده ای
 5 بیاید شدن زین سپنجی سرای
 پ: جهان یک بیک را همی بشکرد

- ۳- ک: داستان ۴- ق: چو ۵- ک: چندین؛ (پ: چونان) ۶- ک: (نیز ق: آ، ل: و): سرافرازی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷- س، ق: ل: (نیز ن: آ، ب:): اورند؛ س^۲ (نیز ن: و، آ): ارونند؛ متن = ل، ک: (نیز ق: آ، ب) ۸- (ق: آ: کلاه؛ آ: دشت و سپاه): در ق: لت های این بیت پس و پیش شده اند ۹- (ق: آ: از آن؛ ن: آ: کزین؛ ب: کزو) ۱۰- س: نشنود؛ ل: آ: بشنوی؛ (لی: بشنود) ۱۱- ل: آ: (نیز ن:): باشی ۱۲- ک: نهان؛ (ل: آ: نشان)؛ بنده ای؛ و دفع طارق الحدثان بالملک و السلطان، و التمكن و الإمکان، و الأنصار و الأعران لکان خلیقا بذلک برویز الذی عم أمره طلاع الأرض؛ ل، س: سرنویس دارند، ل: اندر گنجهای خسرو پرویز؛ س: آغاز داستان ۱۳- (ن: آ: وز)؛ ل، س: آ: (نیز ن:): وز هند و؛ متن ← ۱۴- ک: و چین و ز روم؛ ق: وز هند و ز روم و چین؛ (ق: آ: و چین و ز هند و ز روم؛ ل: و از روم و از هند و چین؛ پ: و از چین و از هند و روم؛ آ: زمین و ز هند و ز روم)؛ س: (نیز لی، ب:): ز تور و ز هند و ز چین و ز روم؛ ل: ز تور و ز چین و ز هند و ز روم؛ متن = (و) ۱۵- ک: اندر؛ (آ: تاز؛ ب: زان بد) ۱۶- ل: آ: کشور آباد اندر زمین)؛ ق: ز شهری که آباد بد همچنین ۱۷- س، ق، ک، س: آ: (نیز ن: لی، و، ب:): همه؛ (ن: آ: همان)؛ متن = ل، ل: (نیز ق: آ، ب:): بنده ای؛ و اطاعته ملوک الشرق و الغرب، و کان یحمل الیه خراج الهند و الروم و الترتک و الصين ۱۸- (ق: آ: یاقوت هر کشوری؛ آ: هر گونه زری) ۱۹- ل، ل: (ق: نیز ق: آ، ل: پ، و): دینار و؛ متن = س، ک، ل، س: آ: (نیز ن: لی، ن: آ، ب) ۲۰- (آ: گرنامه بود) ۲۱- (ق: آ: چو خسرو که) ۲۲- ل، ق، ق، س: آ: (نیز ن:): وز باز؛ (ن: آ: و بازان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- (ب: نهنگ و پلنگ) ۲۴- س: س: آ: (نیز ن: ل: و، ب:): فرمان؛ متن = ل: (نیز ب) ۲۵- ل، س، ق، س: آ: (نیز لی، آ): او؛ متن = ک، ل: آ: (نیز ن: ق، آ، ل: ن: آ، ب) ۲۶- ک: خورشید ۲۷- س، ل، س: آ: (نیز ن: ب:): شدی؛ ک: شود؛ متن = ل، ق: بنده ای (۳۸۱۳-۳۸۱۶): فلم تکن تدخل تحت یدی الإحصاء کنوزه، و یستصی علی العاذین مدخره و مخزونه ۲۸- ل: (نیز ن:): بلغار؛ (ل: سقلاّب) ۲۹- ل، ق، ک، س: آ: (نیز ن: لی، ل: آ، و، ن: آ، ب:): وز؛ (ق: آ: جو)؛ متن = س، ل: آ: (نیز ب: ب) ۳۰- (ق: آ: سوس)؛ بنده ای؛ و کان أول کتز کنزه کنز العروس الذی ملأه من خراج الهند و الروم و الروس ۳۱- ل: (نیز ن: آ): در؛ (ل: آ) ۳۲- س: آ: ز؛ (پ: کز دَر)؛ در پ ۳۸۱۸ و ۳۸۱۹ پس از ۳۸۲۳ آمده اند

که خضرا^۱ نهادند نامش ردان
 ۳۸۲۰ دگر گنج بادآورش خواندند
 دگر آنک^۵ نامش همی بشنوی^۶
 دگر نامورگنج افراسیاب
 دگر گنج کهش خواندی^{۱۳} سوخته
 دگر آنک^{۱۵} بُد شادوزد^{۱۶} بزرگ
 ۳۸۲۵ بسی^{۱۹} سرخ‌گوهر برو^{۲۰} بافته^{۲۱}
 ز رامشگران سرگس^{۲۵} و بارید
 به مُشکوی زرین^{۲۷} ده‌دو هزار
 دگر پیل بُد دو^{۲۹} هزار و دو بیست
 فغستان چینی^{۳۲} و پیل سیاه^{۳۳}
 همان تازیان^۲ نامور^۳ بخردان
 شمارش گرفتند^۴ و در ماندند
 تو گویی^۷ همه^۸ دیبه^۹ خسروی^{۱۰}
 که کس را نبودی^{۱۱} به خشکی و^{۱۲} آب
 کزان گنج بُد کشور^{۱۴} افروخته
 بگویند^{۱۷} رامشگران^{۱۸} سترگ،
 به زر^{۲۲} اندرون رشته‌ها^{۲۳} تافته^{۲۴}
 که هرگز نگشتیش بازار^{۲۶} بد!
 کنیزک بکردار خرم‌بهار^{۲۸}!
 که گفتی^{۳۰} از آن^{۳۱} بر زمین جای نیست!
 که در^{۳۴} زین^{۳۵} زرین بُدی سال و ماه

۱- (ل: خضرش) ۲- ل (نیز ل: پ)؛ کاردان؛ متن = س، ق، ل، ۲، س (نیز ل، و- ب) ۳- (ق: کاردانان و هم)؛ ک: هم از نامور تازیان؛ لی این بیت را ندارد؛ بنداری: و کان له کنز آخر یسمى الخضراء طوله مقدار غلوة سهم، وکان مملوءا من اللؤلؤ ۴- (نیز پ): بگردند (در ل حرف یکم بی نقطه)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: و کنز آخر یسمى باذورد (و سپس وجه تسمیه آنرا افزوده است) ۵- (لی، پ، ل، ن: آنکه) ۶- س: نشنوی؛ در ل، ک، ل حرف یکم بی نقطه؛ (ل: دگر گنج بد دیبه خسروی) ۷- (ق: دانی) ۸- (ق: نیز پ): همی؛ ک، س، ۲ (نیز ل، و): همان؛ (ل: جهان)؛ متن = ل، ل (نیز ق) ۹- (ق: نیز ق، ۲، و، ل، ۲)؛ دیبه؛ س (نیز لی، ب): مگر زینت ۱۰- (ل: آنکه نامش ز داندگان بشنوی)؛ آ: بنداری این بیت را ندارد؛ در و: ۳۸۲۳، ۳۸۲۱، ۳۸۲۲ ۱۱- س، ک، س (نیز لی، ل، ۳، ب): تید آن؛ ق: ل (نیز ل، ن، ق، ۲، و)؛ نبود آن؛ متن = ل (نیز ل، ۲) ۱۲- س، ق، ک (نیز لی، ل، ۲، ن، ۲، ب): به خشک و به؛ متن = ل، ل، ۲، س (نیز ل، ن، ق، ۲، پ، و)؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: و کان له کنز آخر یسمى کنز افراسیاب ۱۳- س، ق، ک، س (نیز ل، لی، آ): خواننده؛ ل: خواننده بد؛ متن = ل (نیز ق، ۲، ل، ن، ۳، ب) ۱۴- (ق: گیتی)؛ بنداری: و کنز آخر یسمى المحزق؛ در س- س، ل، ب پس از ۲۸۲۳ بیت ۲۸۲۶ آمده است؛ پیایی بیت‌های متن = ل، ق، ل، ۲، ن، ۳، ل، ۲، ن، ۳، ب، و، ل، ۲) ۱۷- ل (نیز ق، ۲، ب): که گویند؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- (ل: خنیاگران)؛ ل این بیت را ندارد؛ در ق این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بنداری: و کنز آخر یسمى الشادورد الکبیر ۱۹- ل: بزر؛ ک: بری (۹)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- ل: بران؛ (لی، ل: بدو)؛ س (نیز لی): دز و گوهر برو؛ (ق: گوهر و زر بُد) ۲۱- در ل، س، و حرف یکم بی نقطه ۲۲- س: بمرز (۹) ۲۳- س (نیز ل، ۳، ب، ل، ن، ۲، آ): ریشه؛ (لی: ریشه)؛ و: شوشها)؛ ل: و به گوهر سرش؛ متن = ل، س (نیز ق، ۲، ب): رشتهها ۲۴- (لی: بافته)؛ در ل، ل، ۲، س (نیز ل، ۲، ب): ریشه؛ (لی: بافته)؛ ق، ل این بیت را ندارند ۲۵- ل: ب: سرکش؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۶- ل: نگشتی به آواز؛ ق: نگشتی به آزار؛ (ل: نبودیش بازار؛ و نرفتی به بازار؛ ل: نگشتند بازار)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: و للمغنین صوت معروف باسمه؛ در ل، ۳، و این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۷- ک، ۲، س (نیز ل، ن): زرش ۲۸- ل، ۲، چو صد بارگی کان نید در شمار (= ۳۸۳۰)؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: و کان له اثنا عشر ألف جاریه ۲۹- س- س (نیز ل- ل، ۳، و، ل، ۲): پیل جنگی؛ متن = ل (نیز پ) ۳۰- س، ق، س، ۲ (نیز ل، ل، ۳): که گفتند؛ (و، ل، ن: تو گفتی)؛ متن = ل، ک، ل (نیز ق، ۲، پ) ۳۱- (و، ل، ن): کزان؛ بنداری: و مانند فیل؛ آ این بیت را و ب ۳۸۲۸- ۳۸۳۰ را ندارد؛ در ل ۳۸۲۸ و ۳۸۳۰ پس از ۳۸۳۲ آمده‌اند ۳۲- (ل: جنگی) ۳۳- ل، س، ق، س (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، پ، آ): پیل و سپاه؛ متن = ک، ل (نیز ل، ۳) ۳۴- ل (نیز ل، ن، پ، آ): بر؛ س (نیز ق، ۲، ل، ۳): با؛ متن = ق- س (نیز و، ل، ۲) ۳۵- (ل، ن: زیر؛ آ: پیل)؛ بنداری این بیت را ندارد

۳۸۳۰ دگر^۱ اسب جنگی دهوشش^۲ هزار
دهودو هزار استر^۶ بارکش
که هرگز کس اندر^۹ جهان آن ندید

دو^۳ صد بارگی^۴ کان بُتد در شمار^۵
عماری کش و^۷ گام زن شست و شش
نه از پیرسرکار دانان^{۱۰} شنیدا

چنوی^{۱۱} به دست یکی پیشکار^{۱۲}
تو بی رنجی از کارها برگزین
۳۸۳۵ که نیک و بد اندر جهان بگذرد
اگر تخت یابی، اگر^{۱۶} تاج و گنج
سرانجام جای تو خاکست و خشت
ز پرویزت اندازه باید گرفت

تبه شد، تو تیمار بیشی^{۱۳} مدارا!
چو خواهی که یابی به^{۱۴} داد آفرین،
زمانه دم ما همی^{۱۵} بشمرد
وگر چند پوینده^{۱۷} باشی به^{۱۸} رنج،
جز از^{۱۹} تخم نیکی نیایدت کشت^{۲۰}!
ز دفتر بخوانی بمانی^{۲۱} شگفت!

۱- (همان) ۲- ل: صد و دو؛ س: ق: ل (نیز لی، پ): ده و دو؛ (ق: چل و شش؛ ل: چو سیصد؛ آ: در و شش؛ متن = ک: س: ۲ (نیز لن، و: لن ۲)
۳- (ن: چو) ۴- ک: با یکی ۵- (ل: که بد بر جریده بر یاد دارا)؛ بنفاری: و سته عشر آلف فرس مذکور؛ در ق: لت های این بیت پس و
پیش شده اند؛ س: ی پس از این بیت افزوده اند:

ده و دو هزار اشتر (س: استر) سرخسوی
که کس را نبد آن زمان یک چنوی
عمل، س: ق: (نیز ق: ل: ۲، آ: ب: ۱، اشتر؛ متن = ک: س: ۲ (نیز لن، ی: پ: و) ۷- ق: ج: ۸، ک: س: ۲ (نیز آ: ب: شصت و؛ ل: باز؛ (ن: بار؛ پ:
عماری کشان ششصد و شصت و؛ ل: ۲ این بیت را ندارد ۹- (ق: کسی در) ۱۰- (و: نه از کار دانان دانان)؛ بنفاری: و اثنا عشر آلف بغل
لأنقاله الی غیر ذلک مما لم تر العیون مثله؛ ق: ۲ پس از این بیت افزوده است:

دگر تخت کش نام بد طاقدیس
دگر بزم زر آنک برسان موم
دگر اسب شبذیز کز تاختن
چو شیرین زن اندر شستان او
که پرویز بنهاد در اسپریس
که هرگز ندیدند در چین و روم
نماندی به هنگام کین آختن
که روشن بدی زو گلستان او

۱۱- س: ق: ک: س: ۲ (نیز لی، ل: ۳، و: پ: ۱، که چون او؛ (ق: آ: چو اوی؛ لن: آ: چنین کس؛ متن = ل: ل: ۲ (نیز لن، پ: ۱) ۱۲- س: (نیز لی): بدست این
چنین شهریار ۱۳- ل: و تنگی؛ س: ق: ک: (نیز لی، و): چندین؛ س: آ: چندی؛ (پ: گیتی؛ ق: آ: به تیمار گیتی؛ پ: گشت و تیمار چندین؛
متن = ل: ۲ (نیز لن، ل: ۲، لن: ۲)؛ این بیت را ندارد ۱۴- ل: ۱۵- (آ: همه) ۱۶- س: ق: ک: س: ۲ (نیز لن، پ: ۱)؛ وگر؛ متن = ل: ل: ۲ (نیز و: لن، آ: ب)
۱۷- س: ق: ک: س: ۲ (نیز لی، و: پ: ۱)؛ فرسوده (ل: کوشیده)؛ متن = ل: ل: ۲ (نیز ق: آ: پ: لن، آ: ۱) ۱۸- س: (نیز لی، پ: ۱)؛ متن = دوازده دستنویس
دیگر ۱۹- ک: (نیز پ: ۱)؛ بجز ۲۰- (و: خنک آنک جز تخم نیکی نکشت)؛ در ل: لت های این بیت پس و پیش شده اند؛ س: آ: ل: ۲ پس از
این بیت افزوده اند:

همان به که کردار نیکو کنی
بود داد و نیکو سخن نیکخوی
به گرد بلی تا توانی مگرد
روان را به مینو بی آهو کنی
که را جای نیکان بود آرزوی
ز مرد بدآموز کن دلت سرد

۳۶- (ل: بمانی بخوانی؛ آ: بخوان تا نیایی)؛ ل: این بیت را ندارد و در ل: ۲ پس از ۳۸۳۴ آمده است؛ بنفاری (۳۸۳۳-۳۸۳۸): فاذا صار هو
فی الحال کین؛ و حاله ما وصفناه من الروعة و المهابة و البسطة و الجلالة، فلا تطمعن أنت فی البقاء

گفتار اندر برگشتن روزگار خسرو^۱

بزرگی و دیهیم^۲ شاهنشهی،
از^۵ ایران و نیران^۶ برآورد گردا
به^۹ بیدادی کهتران شاد گشت^۸
دزم روی^{۱۱} با زبردستان زکان^{۱۲}
همی این بران، آن برین^{۱۳} برزدی
که چون^{۱۶} گمرگ بیدادگر گشت^{۱۷} میش
نکرد آرزو^{۲۱} جز همه^{۲۲} گنج^{۱۹} نو^{۲۰}
از^{۲۴} ایران سوی شهر^{۲۵} دشمن شدند
همی دود^{۲۷} نفرین برآمد^{۲۸} شهرا
کزو یافتی خواب^{۲۹} و آرام و ناز،
یکی دیوسر بود^{۳۱} بیداد و^{۳۲} شوم،

بدان^۴ نامور تخت و جای^۳ میی
۳۸۴۰ جهاندار همداستانی نکرد
چُن آن^۷ دادگر شاه بیداد گشت^۸
بیامد فرخزاد^{۱۰} آزریمگان^{۱۰}
ز هر کس همی خواسته بستدی
به نفرین شد آن^{۱۴} آفرین های پیش^{۱۵}
۳۸۴۵ بیاراست^{۱۸} بر خویشتن رنج^{۱۹} نو^{۲۰}
چو بی نان و بی آب^{۳۳} و بی تن شدند
هر آنکس کزان بتری^{۲۶} یافت بهر
یکی بی هنر بود نامش گراز
که بودی همیشه نگهبان^{۳۰} روم

۱. س. ق. گفتار اندر انقلاب (ق. در برگشتن) روزگار خسرو؛ ل. بیرون آمدن لشکر بر خسرو پرویز؛ ل. که، س. ۲ سرتویس نلدارند
۲. س. ق. ک. (نیز ق. ۲)؛ بران؛ س. ل. از آن؛ متن = ل. ل. ۲ (نیز، ل. ۱)؛ ۳-ق. (نیز ق. ۲)، تاج و تخت؛ که تخت جای؛ (ل. ۱)؛ تخت و تاج؛ آ. تا
بدانی که تخت؛ متن = ل. س. ل. ۲؛ س. ل. ۲ (نیز، ل. ۱)؛ (و)؛ ۴-ک. دیهیم و؛ ب. این بیت و اندلارد. ه. ل. ۲ (نیز، ل. ۱)؛ ز؛ متن = ل. س. س.
که، س. ۲ (نیز، ل. ۱)؛ پ. و، ل. ۲. ب. ع. ل. ق. (نیز ق. ۲)؛ ل. ۱)؛ توران؛ ک. (نیز ل. ۱)؛ بران (دیران)؛ متن = س. ل. ۲؛ س. ۲ (نیز، ل. ۱)؛ پ. و؛ ب.؛
بنداری؛ و اذآردت الذکر الجمیل و الثناء الحسن فعامل رعیتک بالعدل و الإحسان، و تجنب فیهم طریق الظلم و العصیان ۷-ل. (نیز
ب.؛ چو آن؛ س. س. ۲ (نیز ق. ۲)؛ ل. ۱)؛ و؛ ب.؛ چنان (دچن آن)؛ (ل. ۱)؛ بجان؛ متن تصحیح قیاسی است ۸-ق. شد ۹-ل. ز؛ متن =
س. ب. ۱۰-س. (نیز، ل. ۱)؛ ب.؛ از آن (ل. ۱)؛ زان؛ ب. از) رزمگاه؛ ل. ۲ (نیز، ل. ۱)؛ آذرمکان؛ (ق. ۲)؛ را در مکان؛ ب. آذرمکان؛ و؛ زادر مکان؛
متن = ل. ق. که، س. ۲ (نیز ل. ۱)؛ ۱۱-ل. (و؛ روی و؛ ل. ترش روی) (و)؛ ۱۲-س. (نیز، ل. ۱)؛ ز گام؛ ق. ز کان؛ (ق. ۲)؛ ۱۳-ق. ز؛ متن = ل. ک. ل. ۲.
س. ۲ (نیز، ل. ۱)؛ پ. و؛ آ. این بیت و اندلارد ۱۳-س. ق. که، س. ۲ (نیز، ل. ۱)؛ پ. و؛ ب.؛ این بدان آن بدین؛ (ل. ۱)؛ آن برین این بران؛ متن = ل. ل. ۲
(نیز ق. ۲)؛ ل. ۱)؛ آ. این بیت و اندلارد؛ در ل. ۲ بیت های ۳۸۴۳ و ۳۸۴۵ پس و پیش شده اند ۱۴-ق. ل. ز؛ ل. بران؛ متن = سیزده دستویس
دیگر ۱۵-ل. ۱)؛ (خویش) ۱۶-ق. که؛ آن؛ (ل. ۱)؛ کجا؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۷-ل. (ل. ۱)؛ گشت) (و)؛ ۱۸-ق. بیاراست ۱۹-س. (نیز، ل. ۱)
ب.؛ گنج رنج؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۰-ل. (ل. ۱)؛ تو)؛ ۲۱-ل. آرزوی ۲۲-ق. (ل. ۱)؛ هیچ جز)؛ ۲۳-ق. (ل. ۱)؛ گنج؛ ل. (نیز، ل. ۱)؛ بی آب و
بی نان؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۴-ل. ل. ۲ (نیز، ل. ۱)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۵-ق. (ل. ۱)؛ مرز)؛ ۲۶-ل. ل. برتری؛ س. (نیز
ل. ۱)؛ تیرگی؛ ل. ۱)؛ تیزیش؛ آ. آگاهی؛ ب. که از بتری؛ ب. که از تیرگی؛ و؛ همه کس از آن بدتری؛ متن = ق. که، س. ۲ (نیز، ل. ۱)؛ ۲۷-س. ق.
که، س. ۲ (نیز، ل. ۱)؛ و؛ ب.؛ بانگ؛ (ل. ۱)؛ دود؛ و؛ متن = ل. ۲ (نیز ق. ۲)؛ ل. ۲؛ ۲۸-ک. س. ۲؛ ب.؛ ل. ۱)؛ این بیت و اندلارد؛ بملفوی (۳۸۴۷، ۳۸۴۱)؛ و.
لما استتبت أمور پرویز، كما ذکر، أثر التمر و الطغیان، و لازم الظلم و العداوان فسلط علی رعیته علی ظالمًا کان علی حرس سبله یسمى
زاد فرخ (۳۸۵۲) فیسط یده فی مصادرتهم و استنواف أموالهم و قلعهم و استصلالهم. و صار لا مقصد له غیر جمع الرغائب و کتز
الحرائب. و تأذت منه الأجناد، و وجدت علیه الأمراء و القواد فکیا من سعاده الزناد ۲۹-ق. (ل. ۱)؛ شاه؛ ل. ۲؛ ب. کام و؛ و؛ ل. ۱)؛ خورد)؛
۳۰-ل. (نیز، ل. ۱)؛ بوم؛ متن = سیزده دستویس دیگر و بملفوی ۳۱-ل. ۲ (نیز ق. ۲)؛ ل. ۱)؛ بود و؛ ق. تیرس بود ۳۲-س. ق. (نیز، ل. ۱)؛ ل. ۲؛ ب.؛
چو؛ متن = ل. ک. ل. ۲؛ س. ۲ (نیز، ل. ۱)؛ ق. ل. ۲؛ ب.؛ بملفوی؛ و؛ کان له بصیبه یسمى جزوا، و کان قائد قواده و زعیم أجناده، و إلیه حفظ شعور
الروم

از^۳ ایران نخست او^۴ بیچید سر
بنزدیک خسرو گرامی بُدی
مگر^۸ زادفرخ^۹ بُدی^{۱۰} بارخواه^{۱۱}
دل زادفرخ^{۱۴} تبه گشت^{۱۵} نیز
ز کشور به کشور بیبوست راز^{۱۶}
به^{۱۷} قیصر، ورا نیز بدکامه^{۱۸} کرد
نخستین من آیم ترا^{۱۹} دستگیر!
فراز آورید از پی^{۲۰} رزمگاه
همی داشت آن کار دشخوار^{۲۱} خوار
که گفته ست^{۲۲} با قیصر رزمساز^{۲۳}
همی داشت آن^{۲۵} نامه‌ی شاه سست^{۲۶}
ز درگاه او، هم ز^{۲۸} گردنکشان
هر آنکس که بودند از^{۲۹} ایران سران^{۳۰}
فراوان ز هر گونه‌ی چاره^{۳۲} جست

۳۸۵۰ چو شد^۱ شاه^۲ باداد^۲ بیدادگر
دگر^۵ زادفرخ^۶ که نامی بُدی
نیارست رفتن کسی نزد^۷ شاه
شهنشاه^{۱۲} را چون پُر آمد^{۱۳} قفیز
یکی گشت با سالخورده گراز
۳۸۵۵ گراز سپهد یکی نامه کرد
بدو گفت: برخیز و ایران بگیر!
چو آن نامه برخواند قیصر، سپاه
چو آگاه شد زان سخن شهریار
بدانست کان هست کار گراز
۳۸۶۰ بدانش بسی خواند و او^{۲۴} چاره جست
ز پرویز ترسان بُد^{۲۷} آن بدنشان
شهنشاه بنشست با مهتران
ز^{۳۱} اندیشه‌ی پاک دل را بشت

۱- (ن: حشد) (۱) ۲- س (نیز ق ۲، ل): دادگر شاه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳- ل، ل: ز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴- س (نیز ل): بجست و؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ فلوی رأسه عن طاعته و قطع مکاتبة صاحبه ۵- ق: بجز؛ (ل: آ: که!) ۶- ل: زاد فرخ؛ متن = س- ب ۷- (ق: آ: پیش؛ ل: کس رفت نزدیک؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸- ل: همه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹- ل: س: زاد فرخ؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰- (ن: ب: شدی) ۱۱- ق: پیشگاه؛ (ل: باز خواه؛ ل: آ: گاه گاه؛ ب: ز مهتر نه از کهنتر نیکخواه) ۱۲- (پ: بند شاه) ۱۳- ل- س ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل، و- ب): برآمد؛ متن = (ل: آ: ب) ۱۴- ل: زاد فرخ؛ متن = س- ب ۱۵- (پ: که برگشت) ۱۶- بنداری (۳۸۵۱-۳۸۵۴): و مالا زاد فرخ المذكور و صار معه یدا واحده لکنه لم یفارق حضرة پرویز، و لم یتظهر العدوة و کان یواصل کتبه الی جراز و یعلمه بجمیع أسرار پرویز ۱۷- س ۲: ز ۱۸- (ق: آ: خودکامه) ۱۹- (آ: ترا من بوم)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: و کاتب جراز قیصر و حرضه علی قصد بلاد ایران ۲۰- ل: از در؛ ق: اندر آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل، ق ۲، ل: پس از این بیت افزوده‌اند:

ل: ق ۲: بیاورد لشکر هم آنگه ز روم
بازد کوس روئین و روزی بلاد
۲۱- ق، ک، س ۲ (نیز ق ۲، ل: آ: دشوار؛ متن = س، ل ۲ (نیز ل، ل، پ، و، ل، ن، ب)؛ ل این بیت را ندارد ۲۲- ق: جفتست؛ (آ: خویشت)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳- (آ: سرفراز)؛ ل این بیت را ندارد ۲۴- ق: خواست و؛ ل، ل ۲ (نیز ل، پ): بدان کش (پ: کس) بسی (ل: همی) خواند او (ل: و آن)؛ س (نیز ل): بدان کس بسی خواند و زو؛ ک، س ۲: بدان کش بسی خواند و؛ (ق: آ: همی خواندش شاه و آن؛ و ن: آ: به نامه بسی خواندش و؛ آ: پس آنگه ز هر در بسی؛ ب: بدان کس بسی خواند زو)؛ متن = (ق ۲) ۲۵- (و، ل، ن: آ) ۲۶- ل: از نامور شاه پشت (ل: ق (نیز ب): وی آن چاره (ب: نامه) شاه میداشت سست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷- س، ق (نیز ل، و، ب): شد؛ متن = ل، ک، ل ۲، ل ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل، پ، و، ل، ن) ۲۸- س: گردان و؛ ق، ک، س ۲ (نیز و): و گردان و؛ (ب: و گردان؛ ل: ز گردان درگاه و)؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل، پ، و، ل، ن) ۲۹- ل: آ: این بیت را ندارند؛ بنداری (۳۸۵۷-۳۸۶۱): و لما کاتب جراز قیصر جد و اجتهد، و جمع عاکره، و خرج لیتصل به و یقصد بلاد پرویز. فعلم پرویز بذلک، و کان قد اُیس من جراز أن یعود الی طاعته ۲۹- ل: ز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰- (ل: مهتران)؛ ب: ایرانیان؛ پ: همان کس که بودند از ایشان سران)؛ آ این بیت را ندارد ۳۱- س- س ۲ (نیز ل- ل، و، ل، ن، ب): به؛ متن = ل (نیز پ) ۳۲- س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، و، ب): راه؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل، ن، ب)؛ آ این بیت را ندارد

یکی نامه بنیشت^۳ سوی^۴ گراز،
ستودم^۶ ترا پیش^۷ مردان مرد
سرِ قیصر آوردی اندر نشیب^۹
پُراندیشه کن رای باریک^{۱۱} تو:
تو با لشکر خویش بگزار پای!
شود در سَخُن^{۱۳} رای قیصر تباہ!
همه رومیان را اسیر آوریم^{۱۴}!

سَخُن دان و گویا^{۱۷} چنان چون سزید
همی بر بکردار کارآگهان،
به ره بر سَخُن پرسد از تو بسی،
گرت نزد^{۲۱} سالار لشکر^{۲۲} برد،
بگوش که من کهتری^{۲۳} چاره جوی^{۲۴}،
یکی نامه دارم^{۲۷} به سوی گراز
گر ایدونک بستاند^{۲۹} از تو رواست!

به بازو^{۳۰} مر^{۳۱} آن نامه را کرده^{۳۲} بند

چو^۱ اندیشه‌ی روشن^۲ آمد فراز
۳۸۶۵ که از تو پسندیدم این^۵ کارکرد
ز کردارها بر فرودی فریب^۸
چو این نامه آرند^{۱۰} نزدیک تو
همی باش تا من بجنم ز جای
چو زین روی و زان^{۱۲} روی باشد سپاه
۳۸۷۰ به ایران وُرا دستگیر آوریم

ز درگه یکی^{۱۵} چاره گر^{۱۶} برگزید
بدو گفت کین^{۱۸} نامه اندر نهان
چُنان کن^{۱۹} که رومیت بیند^{۲۰} کسی
بگردد ترا نزد قیصر برد
۳۸۷۵ پرسد ترا کز کجایی بگویی؟
بیمودم^{۲۵} این رنجِ راه^{۲۶} دراز
تو این نامه بر بند^{۲۸} بر دست راست

برون آمد از پیش خسرو نوند

- ۱- (آ: پ) ۲- س (نیز لی: نیک؛ (ب: روزه؟)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳- ل-س ۲ (نیز ل-آ، و-ب): بنوشت؛ متن = (پ)
۴- ل (نیز ل ۳): نزد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵- ق: آن عمل: ستودن (ل: ۷-ل: نزد؛ (پ: سوی)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر
۸- ق: برگزیدی نشیب ۹- ق: نهیب؛ بنداری (۳۸۶۲-۳۸۶۶): فاحشال علیه و کتب الیه کتابا بشکره فیه و یحمدہ و یصف غناء و عقله و
دهاء و مکره ۱۰- (ق: آ: آید به) ۱۱- ل-ک، س ۲ (نیز ل، ق، ل، آ، ب): تاریخ؛ در س، ق، ل، آ، و حرف یکم بی نقطه؛ متن = (لی، پ)
۱۲- س (نیز لی، ل، آ): وان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳- س، ق، ک، س ۲ (نیز لی، ل، آ، ب): میان؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ل، ق، آ، ب-آ)
۱۴- بنداری (۳۸۶۷-۳۸۷۰): و یقول فیه: اینک بعد آن اجتررت قیصر، و استخرجه من بلاهه فالزم مکانک. فانی واصل علی الأثر. و اذا
وصلت بعساکری نهضت من ذلک الجانب فیصیر قیصر بیننا فنحیط به و بمن معه فلا یفلت منهم أحد ۱۵- ل (نیز ل): درگاه یک
۱۶- ق، ک، س ۲: چاره بر ۱۷- ک: دانا؛ س، ق (نیز ق، آ، ب): سخن گوی و (لی: جو)؛ دانا؛ متن = ل، ل، آ، س ۲ (نیز ل) ۱۸- ک، ل، آ (نیز ل، ق، آ،
ل، ن): این ۱۹- ق (نیز پ، ل، آ): رو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰- س-س ۲ (نیز ل، لی، ل، آ، و): بنیشت رومی؛ (ق: آ: رومی بیند؛ ل، ن، آ:
آ: رومی نبیند؛ ب: بنیشت رومی)؛ متن = ل (نیز پ) ۲۱- ل، آ (نیز پ): چو بردت به؛ ق (نیز ل، آ): و گر نزد؛ متن = یازده دستنویس دیگر
۲۲- (ل، ن: ۲: کشور) ۲۳- س (نیز لی، ب): مهتری؛ (و، ل، ن: آ: منم کهتری؛ ق: آ: بدیشان که من کهترم؛ ل، آ: از ایران یکی کهتری)؛ متن = ل،
ق-س ۲ (نیز ل، ن، پ، آ) ۲۴- (و: جو)؛ ق: راه جوی ۲۵- (آ: چو بنمودم) ۲۶- ل، ل، ک، ل، آ، س ۲ (نیز آ): رنجِ راه؛ (ق: آ: راه دور)؛ متن = س، ق
(نیز ل، ل، لی، ن، آ، ب) ۲۷- س (نیز لی): آرم؛ متن = سیزده دستنویس ۲۸- (ل، ن: آ: نامه را دار) ۲۹- ل، آ: بشتاید (ب: بستاند)؛ بنداری
(۳۸۷۱-۳۸۷۷): و استدعی بعض ثقاته و شد ذلک الکتاب علی عضده و قال له: سر بهذا الکتاب، و اجعل طریقک الی جراز، و ارم
بنفسک بین أصحاب قیصر حتی یأخذوک و یأخذوا الکتاب الذی معک و یحملوک الیه. فیفتح الکتاب و یقرؤه و یسألک عن حالک
فتقول: أنا رسول برویز الی جراز یرید بذلک أن یفرق بینهما ویشت شملهما ۳۰- ل، بازو ۳۱- ل، آ (نیز ق، آ، ل، آ، ب): بر؛ متن = ل،
س، ق، س ۲ (نیز ل، لی) ۳۲- ل، س، ق، س ۲ (نیز ل، لی، پ، ل، آ، ک): کرد؛ (ق: آ: نامه کرده به)؛ متن = ک، ل ۲ (نیز ل، آ، و، ب)

یکی کارجویش به ره بر^۱ بدید
 دو رخ زرد و لبها شده لآزورد^۲!
 بیایدت^۴ گفتن به ماه^۵ راه^۶ راستا
 ز بیمش به پاسخ^۹ دژم کرد روی
 بداندیش و بدنام^{۱۱} و بدگوی^{۱۲} را
 گشاد^{۱۵} آنک دانا بُد و^{۱۶} راهجوی^{۱۴}
 که آن^{۱۹} پهلوانی بخواند درست
 رخ نامور^{۲۱} شد بکردار قیر
 دلیر آمدهستم^{۲۵} به دامش^{۲۶} فراز^{۲۷}
 کس از پیل جنگش^{۳۰} نداند شمار^{۳۱}،
 که تاریک^{۳۴} بادا سرانجام^{۳۵} اوی^{۳۳}!
 شد آن آرزو^{۳۶} بر^{۳۷} دلش ناپدید

بیامد چو نزدیک قیصر رسید
 ۳۸۸۰ سوی قیصرش برده، سر پر ز گرد
 بدو گفت قیصر^۳ که خسرو کجاست؟
 ازو خیره شد کهنتر^۷ چارهجوی^۸
 بجویید^{۱۰} -گفت- این بلاجوی را!
 بجستند و آن^{۱۳} نامه از دست اوی^{۱۴}
 ۳۸۸۵ از آن مرز^{۱۷} داناسری را^{۱۸} بجست
 چو آن^{۲۰} نامه برخواند مرد دبیر
 به دل^{۲۲} گفت کینت^{۲۳} کمین گراز^{۲۴}!
 شهنشاه و لشکر چو^{۲۸} سیصد هزار^{۲۹}
 مرا خواست افکند در^{۳۲} دام اوی^{۳۳}
 ۳۸۹۰ و زانجایگه لشکر اندرکشید

۱-ل (نیز پ): مرد بطریق او را؛ (هی: کار خویشش بره بر!؛ و: کار خویش بره بر!)؛ ل^۲ (نیز لن): همانگه نگهبانش بر ره؛ متن = س، ق، ک، س
 ۲ (نیز ق، ل، آ، ل، آ، ل، آ، ب): ۲-س-س (نیز لن-ل، آ، و، آ): لاجورد؛ متن = ل (نیز پ، لن، آ، ب)؛ بنداری؛ فخرح الرجل بالکتاب و فعل ما
 أمره برویز فوق الکتاب الی قیصر ۳- (و: برسید گفتا) ۴-ق: بیاید ۵-ل، ن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ، من؛ لی: به ما بیایدت گفت این؛ و، آ: بیاید
 نمودن به ما؛ متن = ل، س، ک، ل، آ، س (نیز ب): ۶-ل (راز): ۷-ل: مهتر؛ متن = س-ب-ب-ا-ق، ل، آ: راهجوی؛ متن = سیزده دستنویس
 دیگر ۹-ق: به پاسخ ز بیمش ۱۰-ل (نیز ب): بجویینده (ل)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-ل، س، آ، س (نیز لن-ل، آ، ب): بدکام؛ ق
 (نیز پ): جو- بدنام؛ (و، آ: جو- بدگوی)؛ متن = ل، ک ۱۲-ل (نیز لن): بدروی؛ (و: دو روی؛ آ: بدکام)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ لن^۲
 این بیت را ندارد ۱۳-ک (نیز ق، ل، آ، ل، آ): جو- آن؛ ق: بیگفت این و پس ۱۴-ق: او- جو؛ (لن، آ: او- جوی) ۱۵- (ب: بجست) ۱۶-س (نیز
 لی): بجست آنک (لی: آنکه) او رانده بُد؛ ک: گشادند آنکس که بد؛ (آ: گشادند دانادل و)؛ متن = ده دستنویس دیگر (پ، لن، آ: آنکه)
 ۱۷-س (نیز لی، ب): مرد؛ (ب: پس آنگاه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- (آ: دانادلی را؛ ل، آ: مرز و آن بوم پیری) ۱۹-س، ق، ک، س (نیز
 لی، و، آ، ب): او؛ متن = ل، ل (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ) ۲۰-س، آ: این ۲۱- (آ: تاجور)؛ س، ق، آ، پی پس از این بیت افزوده‌اند:

چنین گفت با لشکر خود برآز که ما را تبه خواست کردن گراز

۲۲-ق، ک، س (نیز و، ب): همی؛ ل (نیز لن، پ، لن، آ): بدو؛ (ل: چنین)؛ متن = ل (نیز آ) ۲۳-ل: کین بد؛ ل (نیز لن، لن، آ): ایست؛ متن = ق،
 ک، س (نیز ل، آ، پ، و، آ، ب): ۲۴-س (نیز لی): بدین لشکر و این چنین حزم و ساز؛ (ق: بدین چاره کردن کمین گراز) ۲۵-س-س (نیز
 لن-ب): آدمم من؛ متن = ل ۲۶-س (نیز لی): به دشمن؛ (ل: به دام؛ و، لن، آ: به دامت؛ ب: بدانش)؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، ق، آ، پ): ۲۷- (آ):
 بدین چاره ساز؛ در ق^۲ آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۸-س، ق، ک، س (نیز لی، ب): را مرد؛ ل (نیز لن، ق، آ، ل، آ): با مرد؛
 متن = ل ۲۹-س، ک، س (نیز لی، ب): ششصد هزار؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰-ل: پیل و جنگش؛ س-س (نیز لن، ق، آ، لی): پیل و
 گنجش؛ (و: گنج پیشین؛ ب: گنج و پیشش)؛ متن = (ل، آ، پ، آ) ۳۱- (ل، آ): همانگاه از آنجای بر بست بار)؛ لن^۲ پس از این بیت افزوده است:
 بترسید از آن روز ننگ و نبرد
 دلش گشت پر درد و رخساره زرد

۳۲-ل (نیز ل، آ، ل، آ): بر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۳-ل-س (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): او؛ متن = (لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۳۴-س (نیز ب): که با
 رنگ (ق) ۳۵-س-س (نیز لن-ل، آ، و، آ، ب): دل و کام؛ متن = ل (نیز ب): در لن^۲ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳۶-ل:
 آرزو ۳۷- (پ: از)؛ بنداری (۳۸۸۱-۳۸۹۰)؛ و لما وقف علیه اتخلع و ظن أن بین برویز و بین صاحبه مواطاة علیه، و أن جراز قد احتال
 علیه و مکر به. فان نحل بخيله و رجله و نکصوا علی أعقابهم، و عادوا الی بلادهم راضین من الغنیمه بیابهم

که آن نامور شد سوی روم باز،
سواری^۲ گزید از دلیران مرد،
که بر من چرا گشت قیصر دژم^۵؟
مرا کردی اندر جهان چاره جوی^۶!
دلش گردد^۹ از من پر از درد و کین^{۱۰}
ز لشکر گرانهایی برگزید^{۱۳}،
کز آن^{۱۶} ایزدت کرده بد^{۱۷} بی نیاز،
به آتش بسوزی^{۱۸} سپاه مرا،
نیامد مرا از تو ای بدنژاد!
که هرگز مبادت بهی و میهی^{۲۱}!
چو بیند شاه از نژاد کیان^{۲۲}،
نه قیصرنژادی، نه فرزانه‌یی!
به کوشش نیامد به دامش^{۲۵} فراز^{۲۶}!

سُخَن گوی و^{۲۹} دانا فرستاده‌یی^{۲۸}،
که ای بی‌بها ریمن^{۳۲} دیوساز^{۳۳}،
همی دور مانی ز فرمان^{۳۵} و راه،
به نیران^{۳۷} ماه^{۳۷} اورمزد^{۳۸} تواند،

چو آگاهی آمد به سوی گراز
دلش گشت پُر درد و رخساره زرد^۱
یکی نامه بنیشت^۳ با^۴ باد و دم
از^۶ ایران چرا بازگشتی؟ بگوی!
۳۸۹۵ شهنشاہ داند^۸ که من کردم این
چو قیصر نگه کرد^{۱۱} آن^{۱۲} نامه دید
فرستاد تازان^{۱۴} بنزد^{۱۵} گراز
که ویران کنی تاج و گاه مرا
کز آن نامه جز گنج دادن^{۱۹} به باد
۳۹۰۰ مرا خواستی تا به خسرو^{۲۰} دهی
ببایست دانست کارانیان
به ایران نخواهند^{۲۳} بیگانه‌یی
به قیصر بسی کرد پوزش^{۲۴} گراز

گزین کرد خسرو پس^{۲۷} آزاده‌یی^{۲۸}
۳۹۰۵ یکی نامه بنیشت^{۳۰} سوی^{۳۱} گراز
ترا چند خوانم بدین^{۳۳} بارگاه
کنون آن^{۳۶} سپاهی که نزد تواند

۱- (ن: ۲): دلش آنچنان شد ز بیم و ز درد (۲): سواران؛ متن = س-ب-۳-س-۲ (نیز ل-ن: ۳، و-ب): بنوشت؛ متن = (پ: ۴-ق: نیز ق: ۲): بر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵-ل (نیز، ن: و، ن: ۱، ۲): کرد قیصر ستم؛ س، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ل: ۳، پ): که قیصر چرا کرد بر من (ق: ما) ستم؛ متن = ل (نیز ق: ۲، پ): ع-ل (نیز ن، ن، ب): ز: ۷- (و: زشت رو) ۸- (ا: گوید) ۹- ق: گشت ۱۰- س: درد کین؛ (ب: ترس و بیم) ۱۱- (ل: ج) ۱۲- (پ: این) ۱۳- ک، س، ۲ (نیز ق: ۲، و، ب): گرانهاییگان بر (ق: را) گزید؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۴- (پ: قیصر) ۱۵- (ن: بسوی) ۱۶- (ل: ن: ب: کزین) ۱۷- (ا: کرد از آن) ۱۸- درک از آغاز بیت تا اینجا سفید مانده است ۱۹- (ق: کردن) ۲۰- ق: دشمن ۲۱- (نیز پ، و، ن: آ): مهی و بهی؛ ل: آ: تهی و مهی (ل) ۲۲- ل، پ، آ این بیت را ندارند؛ در کت یکم آن سفید مانده است ۲۳- ل (نیز پ): نخواهید؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ آ این بیت را ندارد ۲۴- (و: کوشش) ۲۵- س (نیز ب): بدانش؛ (پ: برایش)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶- (ق: که ای بی‌بها ریمن دیوساز = ۳۹۰۴)؛ بنداری (۳۹۰۳-۳۸۹۱)؛ و کتب الی جراز بیره و بونجه و يقول: اینک قصدت آن تسلیم الی برویز تاجی و بستلغفه و بستلغه و یسائله و یسائله الرجوع و العود. فکان من جواب قیصر له: کیف أعود و هذا أثر فاسک؛ و آئی آمن و قد عرفت ربوضک لانترا سک؟ (۳۸۹۵-۳۸۹۱). فلم يرجع قلبه له (۳۹۰۳) ۲۷- (ب: پس خسرو؛ آ: پس مرد) ۲۸- ق: فرستاده: آزاده ۲۹- (ل: ج)؛ ق: آ این بیت را ندارد ۳۰- ل-س-۲ (نیز ل-ن: ۳، و-ب): بنوشت؛ متن = (پ: ۳۱-ل: ۳) (نزد) ۳۲- (و: دشمن) ۳۳- (پ: دیوساز) ۳۴- ک، ل (نیز ق: ۲): برین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۵- س-س-۲ (نیز ن، ل، ب: آ) از (ز) آیین؛ متن = ل (نیز ق: ۲)؛ بنداری؛ و أما برویز فانه کتب الی جراز کتابا یقول فيه: أیها الخیث الفادر! کم آکاتبک و أستدعیک و أنت مصر علی المخالفة؟ ۳۶- ل (نیز ن، و): این ۳۷- ل: به سال و به مه؛ ق: در آبان مه؛ ک: بنیران ماه؛ ل: س: بنیران مه؛ (ن: بنیران مه؛ ق: آ: نه بهرام و نه؛ ل: بران روز ماه؛ پ: به هر سال و ماه؛ و: بنیر از مهان؛ ن: آ: اسیران روز؛ آ: که در تیر ماه؛ ب: بمهران ماه؛ متن = ک ۳۸- س-س (نیز ل): به پیمان سالار مزد (ل: مرد)

به رای و به دل ویژه با^۱ قیصرند
بر ما فرست آنک^۲ پیچیده‌اند

نهانی بر^۲ اندیشه‌ی دیگرند،
همه سرکشی را بسیچیده‌اند!^۴

۳۹۱۰ چو این^۵ نامه آمد^۶ بنزد گراز
گزین^۹ کرد از آن^{۱۰} نامداران سوار
بدان^{۱۳} مهتران گفت: یک‌دل شوید!
بباشید یک چند ازین^{۱۵} روی آب
چو هم‌پشت باشید، اگر هم‌زوان^{۱۸}

پُراندیشه شد کهنتر^۷ دیرساز^۸،
از^{۱۱} ایران و نیران^{۱۲} ده‌دو هزار،
سَخُن گفتن هر کسی مشنوید^{۱۴}!
مگیرید یکسر^{۱۶} به رفتن^{۱۷} شتاب!
تن کوه برکندن از بُن توان^{۱۹}!

۳۹۱۵ سپه^{۲۰} رفت تا^{۲۱} خوزو^{۲۲} اردشیر
کشیدند لشکر بدان^{۲۳} رودبار^{۲۴}
چو آگاه شد خسرو از کارشان^{۲۶}
بفرمود تا زادفرخ^{۲۸} برفت
چنین بود^{۳۰} پیغام نزد سپاه

هر آنکس که بودند برنا و پیر،
بدان تا چه فرمان دهد شهریار^{۲۵}
نمود^{۲۷} آرزومند دیدارشان
بنزدیک آن^{۲۹} لشکر شاه تفت
که از^{۳۱} پیش بودی^{۳۲} مرا نیک‌خواه،

۱- (پ: ویژه) ۲- (نیز لی): به: متن = سیزده دستنویس دیگر ۳- (پ: و آنکه: لن ۲، آ: آنچه) ۴- (ق: آ: پسندیده‌اند: و: همی قیصران را پسندیده‌اند): بنداری: و قد بلغنی أن العساکر الذین جعلناهم تحت رایتک یکتبون قیصر، و یصادقونه. فإذا وقت علی کتابی هذا فنفذ إلی من تتهمه منهم بذلك ۵- (ل ۳، ن: آن): ۶- (و: چو نامه بیامد) ۷- (ل ۳، و، لن ۲: مهتر) ۸- (ق: ل ۳، و، لن ۲: دیوساز): متن = یازده دستنویس دیگر ۹- س: کنون (!) ۱۰- ل: زان: متن = س- ب- ۱۱- ل: به: ل ۲ (نیز لن، آ): ز: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲- س: گردان: ک، س: آ: بیران: (ق: آ: دلاور: لی: توران: آ: < و: بیران): متن = ل، ق، ل ۲ (نیز لن، ل ۳، لن ۲، ب): بنداری: فلما قرأ کتابه نفذ إلیه ممن معه من العساکر اثنی عشر ألف فارس ۱۳- س (نیز ب): به آن ۱۴- س (نیز لی، ب): مهتران بشنوید: متن = یازده دستنویس دیگر: ب بجای این بیت افزوده است:

بديشان چنین گفت آنگه گراز
از اینجا سوی مرز ایران روید
کزان پیش کین کار گردد دراز
بنزدیک شاه دلبران روید

۱۵- ل (نیز لن ۲): زین: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶- س (نیز لی، ب): یک تن: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷- (و: بگیرید یکسر به دشمن) ۱۸- ل: باهم‌رهان: س- س ۲ (نیز لن- ل ۳، ن: آ: ب): اگر (ل ۳، ن: آن، لن ۲، ن: یا! ل ۳: گر) هم زبان: (پ: باهم روان: و: یک پشت باشید و هم یک‌زبان): متن تصحیح قیاسی است ۱۹- ل- س ۲ (نیز لن- پ، لن ۲، آ: ب): یکی کوه کنند ز بن بر (لن، ق: ل ۲، ق: کی) توان: متن = (و): بنداری: وأمرهم بالنظائر والتوافق ۲۰- ل: به شب: متن = س- ب- ۲۱- ق (نیز لی): با: درس بی نقطه ۲۲- ل، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ق: ل ۲، ن: آ: ب): خزّه: س (نیز لی): خزّه: ک (نیز لن، ل ۳): خورّه: (آ: خرده): متن = (و) ۲۳- ل، ک، س ۲ (نیز لن ۲): بران: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴- س (نیز لی، ب): روزگار: (و: جویدار): متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵- س، ق (نیز لی، ب): کردگار: متن = یازده دستنویس دیگر: س در اینجا سرنویس دارد: خبر یافتن خسرو از کار گراز و لشکر روم: بنداری: فساروا إلی أن وصلوا إلی أردشیر خزّه فنزلوا جميعا فی مکان واحد ینتظرون أمر برویز ۲۶- (ق: آ: سرکشان) ۲۷- س، س ۲ (نیز لی، ل ۳، پ، آ): بیود: درل، ک، ب حرف یکم بی نقطه: ل: آ: نبد: (ق: آ: ببند): متن = ق (نیز لن، ن ۲) ۲۸- ل: زادفرخ: متن = س- ب- ۲۹- (آ: بنزدیکی) ۳۰- ل ۲ (نیز لن، آ): برد: ک: چنان کرد: متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱- س- س ۲ (نیز لن، لی، ل ۳، ب): که چون: (ق: ل ۲، لن ۲، کزین): متن = ل (نیز پ) ۳۲- (ب: بودی اکنون: و: که پیشین چو بودی)

۳۹۲۰ چرا راه دادی^۱ که قیصر ز روم
که بود آنک^۲ از راه یزدان بگشت

بیاورد لشکر بدین مرز و بوم؟
ز راه^۳ و ز پیمان^۴ ما^۵ برگذشت^۶؟

چو پیغام خسرو شنید آن^۷ سپاه
کس آن^۱ راز پیدا نیارست^{۱۱} کرد
پیامبر^{۱۳} یکی بُد به^{۱۴} دل با گراز
۳۹۲۵ بیامد نهانی به نزدیکشان^{۱۷}
مترسید^{۱۸} - گفت - ای بزرگان که^{۱۹} شاه
مباشید جز یکدل و یکزبان^{۲۳}!
وگر شد^{۲۶}، همه زیر یک چادریم
همان^{۲۸} چون شنیدند آواز اوی^{۲۹}
۳۹۳۰ مهان^{۳۱} یکسر^{۳۲} از جای برخاستند

شد از بیم رخسارگانشان^۸ چو گاه^۹!
بماندند با درد و^{۱۲} رخساره زردا
همی داشت از آب و از^{۱۵} باد^{۱۶} رازا
برافروخت جانهای تاریکشان^{۱۷}!
ندید^{۲۰} از شما آشکارا^{۲۱} گناه^{۲۲}
مگویند^{۲۴} کز ما که شد بدگمان^{۲۵}!
به مردی همه یار همدیگریم^{۲۷}!
بدانست^{۳۰} هر مهتری راز اوی^{۲۹}
بدان^{۳۳} هم نشان^{۳۴} پاسخ^{۳۵} آراستند

بر شاه شد زادفرخ^{۳۶} چو گرد^{۳۷}
بدو گفت: رو پیش ایشان بگوی^{۴۱}

سَخُن‌های ایشان^{۳۸} همه^{۳۹} یاد کرد^{۴۰}
که اندر شما کیست آزاده‌خوی^{۴۲}،

- ۱- (ل: ۳) دادت) ۲- (لی، ل: ۲، پ، ن: ۲، آنکه) ۳- س، ق (نیز ق: ۲، لی، پ، ن: ۲، ب): رای؛ متن = ل، ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز ن: ل، آ: و، ا)
۴- (ق: ۲) تیمار؛ پ: فرمان؛ آ: زنهار) ۵- (ل: ۳، ا: و) ۶- (لی، ن: آ: درگذشت)؛ بنداری: فغذ الیهیم برویز زادفرخ (ل)، و آمره آن یقول لهم:
لم فتحتم طریق قیصر حتی جاوز طوره، و وطنی بلادنا؛ ک پس از این بیت افزوده است:
که او را نه آخر هلاک آمدست مرا این ز یزدان پاک آمدست
۷- (ق: ۲) چو بشنید پیغام یکسر) ۸- ل (نیز ق: ۲، ب): رخسار ایشان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- ل: ۲ س: ۲ (نیز ن: لی، پ، و، آ: ب):
سپاه؛ متن = (ق: ۲، ل: ۳، ن: ۲) ۱۰- س: ۱۰ (نیز لی): کسی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱- (ل: ۳، ن: ۲، ب: ندانست) ۱۲- ق: حوج؛ بنداری:
فسار زادفرخ و اذی رساله برویز. فعمهم الوجوم و ارتعدت فرائضهم من الفزع ۱۳- ل: ۱۳ س: ۱۳ (نیز ق: ۲، لی، پ): پیمبر؛ (ن: پیغمبر (ل))؛ ل: ۳:
بیامد؛ متن = ق: ۳- س: ۲ (نیز و: ب) ۱۴- ک: بود ۱۵- ل: ۱۵ س: ۱۵ (نیز ن: ن: ۲، ا: و) ۱۶- س: ۱۶ س: ۱۶ (نیز ق: ۲، لی، پ، ب): از باد و از (پ: وز) آب؛ متن = ل:
ق: ل: ۲ س: ۲ (نیز ن: ل: ۲، و، ن: ۲، ا: و) ۱۷- ل: ۱۷ س: ۱۷ (نیز ل: ۲، ا: و) ۱۸- (ب: برسید و) ۱۹- ل: ۱۹ س: ۱۹ (نیز آ: ب): ک: که؛ س:
ل: ۲، س: ۲ (نیز ن: ل: ۳، و، ز: ۲)؛ (ن: آ: چو)؛ متن = (ق: ۲، لی، پ) ۲۰- ل: بدید؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱- س: ۲۱ (نیز ل: ۲، ا: و) ۲۲- (ل: ۲، ا: و) ۲۳- (ن: زفان) ۲۴- س: ۲۴ س: ۲۴ (نیز ن: لی، و، ن: ۲): بگویند؛ متن = ل: ک: (نیز ق: ۲، لی، پ، آ: ب)
۲۵- (ل: مدارید گفت آشکارا نگاه) ۲۶- (ل: ۲، ا: و) ۲۷- ل: ۲۷ س: ۲۷ (نیز ن: ق: ۲، لی، ا: و) ۲۸- س: ۲۸ س: ۲۸ (نیز ن: لی، پ، و، آ: ب):
۲۹- (ل: ۲، ا: و) ۳۰- ل: ۳۰ س: ۳۰ (نیز ن: لی، و، ن: ۲): بگویند؛ متن = ل: ک: (نیز ق: ۲، لی، پ، آ: ب) ۳۱- ل: ۳۱ س: ۳۱ (نیز ن: لی، و، ن: ۲): بگویند؛ متن = ل: ک: (نیز ق: ۲، لی، پ، آ: ب)
۳۲- (ل: ۲، ا: و) ۳۳- ل: ۳۳ س: ۳۳ (نیز ن: لی، و، ن: ۲): بگویند؛ متن = ل: ک: (نیز ق: ۲، لی، پ، آ: ب) ۳۴- (ل: ۲، ا: و) ۳۵- ل: ۳۵ س: ۳۵ (نیز ن: لی، و، ن: ۲): بگویند؛ متن = ل: ک: (نیز ق: ۲، لی، پ، آ: ب)
۳۶- (ل: ۲، ا: و) ۳۷- ل: ۳۷ س: ۳۷ (نیز ن: لی، و، ن: ۲): بگویند؛ متن = ل: ک: (نیز ق: ۲، لی، پ، آ: ب) ۳۸- (ل: ۲، ا: و) ۳۹- ل: ۳۹ س: ۳۹ (نیز ن: لی، و، ن: ۲): بگویند؛ متن = ل: ک: (نیز ق: ۲، لی، پ، آ: ب)
۴۰- (ل: ۲، ا: و) ۴۱- (ل: ۲، ا: و) ۴۲- ل: ۴۲ س: ۴۲ (نیز ن: لی، و، ن: ۲): بگویند؛ متن = ل: ک: (نیز ق: ۲، لی، پ، آ: ب)

به گنج و سلیح^۳ و به تاج و به تخت،
 و زین تاج و اورنگ^۵ بیزار شد،
 کسی را که بوده‌ست ازین بر گناه^۶!
 ز لشکر هر آنکس^۸ که گم کرد راه!
 رخ^{۱۱} لشکر نو ز غم شد^{۱۲} کهن!
 پر از درد^{۱۴} خامش بماندند و^{۱۵} بس!
 همی کرد گفتار ناخوب یاد،
 نینم کس^{۱۸} اندر میان^{۱۹} ناتوان،
 به گیتی پراکنده از در^{۲۱} سپاه!
 که روشن کند اختر و ماه اوی^{۲۳}!
 گسته‌ست و^{۲۶} هم دل^{۲۷} ز پیمان اوی^{۲۵}،
 مترسید یکسر^{۲۸} ز آزار من!
 چه بر من، چه بر شاه گردنفرزا!
 بدانست کان بخت^{۳۴} نو شد کهن!
 به دشنام لب‌ها^{۳۶} بیاراستند

که بفریفتش^۱ قیصر شوم‌بخت^۲
 که^۴ نزدیک ما او گنه‌کار شد
 ۳۹۳۵ فرستید یکسر بدین بارگاه
 و گرنه همه دار بینید و چاه
 بشد زادفرخ^۹، بگفت این^{۱۰} سخن
 نیارست لب را گشاد^{۱۳} ایچ کس
 سبک زادفرخ^{۱۶} زبان برگشاد
 ۳۹۴۰ کزینسان سپاهی دلیر و^{۱۷} جوان
 شما را چرا ترس باید^{۲۰} ز شاه
 بزرگی نینم^{۲۲} به درگاه اوی^{۲۳}
 برادرزم رستم ز فرمان^{۲۴} اوی^{۲۵}
 شما خوار دارید گفتار من!
 ۳۹۴۵ به دشنام لب را^{۲۹} گشاید^{۳۰} باز
 هر آنکس که بشنید^{۳۱} ازو^{۳۲} این^{۳۳} سخن
 همه^{۳۵} یکسر از جای برخاستند

۱-ک: بفرستیش ۲-ق، ل ۳-نیز ل، ن ۴-ن: شوربخت؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳-س، ق، ک، س ۲-نیز ل، ی، و: سلاح؛ (ق: کلاه)؛
 متن = ل، ل ۲-نیز ل، ن، ل، آ، ب ۴-ن: چو؛ و: به ۵-ل، آ، ا: اورند؛ ل: آ: اورند؛ ل: تاجور (نیز)؛ ل: هم از تاج اورنگ؛ (و: زوز تاج و
 اورند)؛ متن = س-س ۲-نیز ق، ل، ی، پ، ب، ع ۲-نیز ل، ن: بد؛ (پ: پس؛ و: سر)؛ ل: زین سر؛ (ق: آ: زیشان)؛ س: که بد اندرین بر؛ س ۲
 (نیز ل، ی، ب): که بود اندرین بد؛ (آ: نبودست ازین بد)؛ متن ← ۷-ق: که بود اندرین رزمگاه؛ ک: نبودست ازین دستگاه؛ (ل: آ: ز لشکر
 هر آنکس که گم کرد راه = ۳۹۳۶)؛ متن = (ل) ۸-ک: هر آنکه؛ ل، ن ۲-این بیت را ندارند (ل، ن) از ۳۹۳۵ آ و ۳۹۳۶ ب یک بیت ساخته
 است) ۹-ل: رادفرخ ۱۰-ل، ل، س ۲-نیز ل، ن، آ؛ آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-و: دل ۱۲-ق، ل، ن، آ، ا: شد از غم ۱۳-ل: گشود؛
 متن = س-ب ۱۴-ل، ل، س، ل ۲-نیز ل، ن، ب، د، درد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵-ک، ق، س ۲-نیز ل، ن، ق، آ، ی، پ-ب: چو؛ (ل: خاموش
 ماندند و)؛ متن = ل، ل، س، ل ۲ ۱۶-ل: رادفرخ ۱۷-و: چو؛ (س: نیز ل، ی، ب): گزین کن؛ ک: گزین سپاهی و مرد؛ متن = ده دستنویس
 دیگر ۱۸-ل، ل، ن: نمی‌بینم ۱۹-ل: جهان؛ متن = س-ب ۲۰-ل: بیم باشد؛ متن = س-ب ۲۱-ل: دارد؛ س: نیز ل، ی، ب: آرد؛ (ق: آ: کردن)؛
 متن = ده دستنویس دیگر ۲۲-ل: نینمی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳-ل، ل، س، ق، ل، ن، آ، ا: نیز ل، ی، ل، آ، و، آ، ب: او؛ متن = ک، س ۲-نیز ل، ن، ق، آ،
 ن ۲)؛ پ این بیت را ندارد ۲۴-ق، ل، پیمان ۲۵-س، ق، س ۲-نیز ل، ی، ل، آ، و، آ، ب: او؛ متن = ک، ل ۲-نیز ق ۲) ۲۶-ل، ل، آ، ا: چو؛ ک: نیز ق ۲)؛
 بگشتت و؛ (ل، ن، آ، ا: بگشتت)؛ متن ← ۲۷-ق: گشتت و دلش هم؛ (و: گشتت و همان دل)؛ متن = س: نیز ل، ی، ب: ل، ن، ی، ب این
 بیت را ندارند ۲۸-س، ق، نیز ل، ن، ب: یک تن ز؛ ک: یکسر تن (ل)؛ ل، آ، س، آ: یک تن از؛ متن = ل ۲۹-ل، ل، آ، ا: نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ، ب؛
 (ب: بر)؛ متن = ل-ل-ک: نیز ل، ی، آ) ۳۰-ک: گشادند ۳۱-بشود ۳۲-نیز ل، ی، ل، ن، آ، ا: بشود ۳۳-ل، ل، ن، آ، ا: بشود ۳۴-ل، ل، ن، آ، ا: بشود
 تخت؛ در ل-س، ق، آ، پ-ب حرف یکم بی نقطه؛ متن = (ل، ل، آ)؛ بنداری (۳۹۳۶-۳۹۳۷)؛ فان پرویز لا بقدر علی مقاومتکم-ولم یبق
 علی بابہ أحد یعمل الیه-و قد استوحش منه أخی رستم و هو فی عشرة آلاف فارس (۳۹۵۲)؛ و آراهه لیم یبق من ملکه إلا قدر مض نواة:
 فحز شهیم به و أغرامهم، و من جلباب الحشمة عزاهم ۳۵-آ: سپه ۳۶-س، ق، نیز ل، ی، آ، ب: را؛ متن = ل، ک، س ۲-نیز ق، ل، ل، ن، آ، ل؛ ل، آ،
 ن این بیت را ندارند؛ بنداری: ففعلوا ما أمرهم من السفه و الإهجار و الإفحاش

که لشکر همه^۲ یار^۳ گشتند و جفت فرستد به^۶ پیغام نزد^۷ سپاه همی آب و^۸ خون اندرآرد به جوی! همی^۹ داشت آن راستی در^{۱۰} نهفت، به جایی خود و^{۱۳} تیغزن ده هزار^{۱۴}، سپه را همه^{۱۷} روی برگاشت نیز ز لشکر همه^{۱۹} زو شناسد گناه نیارست شد نیز^{۲۲} در پیش شاه^{۲۳} همی کرد از آن^{۲۵} آزمایش بسی بیچید^{۲۷} یکسر^{۲۸} ز فرمان شاه شدند اندر آن کار همداستان، کزین^{۳۱} دور شد فر و آیین و بخت! که در^{۳۳} کارها کردن^{۳۴} آزریر^{۳۵} بود همی^{۳۸} از تو بیند گناه سپاه^{۳۹} نیاری^{۴۰}، فزون^{۴۱} زین نباید چخید^{۴۲}، از^{۴۴} آشوب^{۴۵} ایران^{۴۶} چو نیران^{۴۷} شود!

بشد زادفرخ^۱ به خسرو بگفت مرا بیم جانست، اگر^۴ نیز^۵ شاه ۳۹۵۰ بدانست خسرو که آن کزگوی ز بیم برادرش چیزی نگفت که بیچیده^{۱۱} بُد رستم^{۱۲} از شهریار دل زادفرخ^{۱۵} تبه^{۱۶} داشت نیز بدانست هم زادفرخ^{۱۸} که شاه ۳۹۵۵ چو آمد^{۲۰} برون آن بداندیش شاه^{۲۱} به دربر همی بود و با^{۲۴} هر کسی همی ساخت همواره تا^{۲۶} آن سپاه همی راند با هر کسی داستان که شاهی^{۲۹} دگر برنشید^{۳۰} به تخت ۳۹۶۰ بر زادفرخ^{۳۲} یکی پیر بود چنین^{۳۶} گفت با زادفرخ^{۳۷} که شاه کنون تا یکی شهریاری پدید که این^{۴۳} بوم آباد ویران شود

۱-ل: رادفرخ ۲-(ب: همی) ۳-(آ: باز) ۴-ک: (نیز ل: آ، ۲): گر ۵-(و: بیم) ۶-و: فرستاد ۷-(ل: ۳): پ: پیش؛ بنداری: فعاد زادفرخ و أعلم پرویز بتمزدهم علیه و طغیانهم ۸-س، (نیز لی): ح: متن = دوازده دستنویس دیگر ۹-(ل: ۳): همه ۱۰-(آ: را): ق: راز را در؛ ک: داشتی آن سخن در؛ (ل: ۲): راستی داشت اندر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-(ب: بیچیده) ۱۲-ل: قصر (ل): متن = س-ب ۱۳-ل: (نیز ب): ابا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۴-ل: ق: (نیز ق: ۲): سی هزار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر و بنداری (س- ۳۹۴۶ پ) ۱۵-ل: س: ۲: رادفرخ ۱۶-ل: (نیز پ): تبه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷-س، ک، ل: ۲: س: ۲: (نیز ل، لی، ل: ۲، ب): همی؛ متن = ل: (نیز ق: ۲، آ): ق: این بیت را ندارد؛ بنداری: فعلم من این آتی، و آن زادفرخ هو الذی أغرامهم بذلك. فسکت و لم يتجاسر علی البطش به لخوفه من رستم آنچه ۱۸-ل: رادفرخ ۱۹-س، ق، ل: ۲، س: ۲: (نیز ل-ن: ۲، ل: ۲، ب): همی؛ متن = ل: ک: (نیز ب، و، آ) ۲۰-ق: ل: ۲: بیامد ۲۱-ل: راه؛ متن = س-ب ۲۲-(و، ل: ۲): باز ۲۳-ک: پیش گاه؛ (ل: ۲): پ: پیش گاه؛ ق: ۲: رفتن بدان پیش گاه ۲۴-ل: س: (نیز ل: ۲): ب: ح: و؛ تا؛ ق: ک: (نیز ق: ۲، و، آ): ح: و؛ متن = ل: ۲، س: ۲: (نیز ل: ۲): زان؛ متن = س-ب ۲۶-(لی، و، آ: ب: با) ۲۷-ک: بیچید ۲۸-س، ک، ل: ۲، س: ۲: (نیز ل، لی: ب): یک یک؛ متن = ل: ق: (نیز ق: ۲) ۲۹-(و: شاه) ۳۰-س، ل: ۲، س: ۲: (نیز ل، ق: ۲، لی، و، آ: ب): برنشاند؛ ک: برنشاندند (ل): متن = ل: ق: (نیز ل: ۳، و، ل: ۲) ۳۱-ک: (نیز ل: ۳، ل: ۲): کزو؛ بنداری: فقعد زادفرخ علی باب الملک و قال: قد حان حین خلعہ، و نقل الملک عنه الی بعض اولاده ۳۲-ل: رادفرخ ۳۳-ل: بر؛ متن = س-ب ۳۴-(و، ل: ۲): سخت؛ ل: ۲: (نیز ل: ۲): کار کردن بر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۵-(ق: ۲): از ریر؟ ۳۶-(ل: ۲): همی ۳۷-ل: رادفرخ ۳۸-(ل: ۲): چنین ۳۹-(ق: ۲): سراسر گناه ۴۰-(ق: ۲، ل: ۲، ب): ل: ۲: یابید؛ آ: یاری؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴۱-(ل: ۲): برون ۴۲-س: ۲: (نیز ق: ۲): جمید (در س: ۲، ق: ۲ حرف یکم و در آ حرفهای یکم و سوم بی نقطه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر (در ل همه حرفها، در س، ق، لی حرفهای دوم و سوم و در ل، و، ل: ۲، ب: آ حرفهای یکم و دوم بی نقطه) ۴۳-س: (نیز لی): آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴۴-ک: وز؛ ل: ۲: (نیز ل، ل: ۲): ز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴۵-ل: (نیز پ): اندوه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴۶-ل: ۲: بیران ۴۷-(لی، ب: ویران)

نگه کرد باید که^۱ فرزند اوی^۲
 ۳۹۶۵ ورا شاد^۳ بر تخت باید نشاندا!
 وزان^۴ پس به کاری^۵ دگر برخیزیم^۶
 چو^۷ شیروی^۸ بیدار مهترپسر
 همی رای زد زین نشان هر کسی
 که^۹ برخاست گرد^{۱۰} سپاه نَخوار^{۱۱}
 ۳۹۷۰ پذیره شدش زادفرخ^{۱۲} ۲۵ به راه^{۱۳}
 رسیدند پس یک به دیگر^{۱۴} فراز^{۱۵}
 همان^{۱۶} زادفرخ^{۱۷} ۳۰ زبان برگشاد
 همی^{۱۸} گفت: لشکر به مردی و رای
 سپهد^{۱۹} ۳۵ چُنین داد پاسخ بدوی^{۲۰}
 ۳۹۷۵ اگر با سپاه اندرآیم به جنگ
 گرامی بُد این^{۲۱} شهریار^{۲۲} جهان^{۲۳}

کدامست با^۱ شرم و بی^۲ گفت وگویی^۳،
 بران^۴ تاج^۵ دینار باید فشاندا!
 چو^۶ تلخی مزیدیم^۷، شیرین^۸ مریم!
 به زندان بود، کس نباید^۹ دگر^{۱۰}!
 برین^{۱۱} روز و شب برنیامد بسی^{۱۲}،
 همه کارها^{۱۳} ۲۳ زو^{۱۴} گرفتند خوار
 فراوان برفتند با او^{۱۵} ۲۷ سپاه
 سَنخُن رفت چند آشکارا و راز
 بدی‌های^{۱۷} ۳۱ خسرو همه^{۱۸} ۳۲ کرد یاد
 همی کرد خواهند شاهی به پای^{۱۹}
 که من نیستم جامه‌ی^{۲۰} ۳۷ گفت وگویی^{۲۱}،
 کنم بر یلان^{۲۲} ۳۸ جهان جای^{۲۳} تنگ!
 بنزد کنارنگ و هم پهلوان،

۱- ل (نیز پ): به؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲- ق (نیز آ): او ۳- ل (و: بی) ۴- س- ل (نیز ق: بی، پ، آ، ب): با؛ ل (بر): متن = ل،
 س ۵- ل (نیز ل، و، ل، ن، آ) ۶- ه- ق (نیز و، آ): گو؛ ل: گفت گوی عم: و راستاد (۴) ۷- ک (نیز ل، ن، ای): بدان ۸- ا (ق: آ: تخت) ۹- ل (نیز ل، ن):
 ازین؛ (ق: ل، ن، آ: آ: آ: آن) ۱۰- ا- ق (نیز ل، ن): کار ۱۱- س، ق، ل (نیز ل، ن، آ: آ: برودیم (۴)؛ س: بر دریم؛ (ق: آ: برجریم؛ ل: بریزیم؛ ل: آ:
 برخیزیم؛ و: پروریم؛ ب: بریزیم)؛ ک: از آن بکاری دیگر زبیم (ل)؛ متن تصحیح قیاسی است (ل- ۱۴) (و: لشکر)؛ ل، پ این بیت را ندارند ۱۵- ل (نیز ل، ن): که؛
 متن = س، ق (نیز ق: آ، ل، آ، ل، ن، آ) ۱۳- ک: مزیدیم و؛ (آ: چشیدیم) ۱۴- (و: لشکر)؛ ل، پ این بیت را ندارند ۱۵- ل (نیز ل، ن): که
 ۱۶- در ل، ل ۱۷- حرفهای یکم و دوم، در س، و حرفهای دوم چهارم و در ق ۲ حرف دوم بی نقطه؛ ق (نیز ل): نیابد؛ ک، س ۱۸- (نیز ل، ن): نیابد؛
 متن = (ل، ن، ل، پ، آ، ب) ۱۷- ق (نیز ل): گذر؛ بنداری: و کان بصبجه شیخ طاعن فی السن فعزم علیه بما فی نفسه و استعجله فیه
 ۱۸- (ل، ل، ن، آ: بدین) ۱۹- (آ: همی کرد از آن آزمایش بسی = ۳۹۵۶ ب) ۲۰- س (نیز ل): چو ۲۱- (ل: که ناله برآمد) ۲۲- س، ق، س (نیز ل، ن،
 ق: آ، ل، پ، ب): تخوار (در و بی نقطه)؛ ی (نیز ل، ن): تخار؛ متن = ل، ل، ل، ل ۲۳- ل: کردها؛ متن = س- ب ۲۴- (پ: را) ۲۵- ل (نیز و):
 رادفرخ ۲۶- ل: که شاه (ل)؛ متن = س- ب ۲۷- (ق: آ: برفتند با او فراوان) ۲۸- (آ: چو دیدش به نزدیکتر شد) ۲۹- (ق: آ: همی) ۳۰- ل (نیز
 ل): رادفرخ ۳۱- (آ: سخن‌های) ۳۲- س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ن، ب): همی؛ متن = ل، ک؛ ک پس از این بیت افزوده است:

از آن کو به دل دشمن لشکرست
 نیارد ابر نیگوی هیچ کار
 به رای و خرد این زمان دیگرست
 سراسر گذارد به بد روزگار
 همی پند و اندرز کس نشنود
 به رای و هوای دل خود رود
 ز بن موبدان را ندارد به چیز
 ز راد و ز رادی تنش گشت سیر
 5 تخارش همی گفت ای مهربان
 سپه را کنون چیست اندر نهان
 ۳۳- س، ق، ک، س (نیز ق: آ، ل، ی، ب): بدو؛ متن = ل، ل، آ (نیز ل، ن، آ- ۳۴- ل: پا؛ ک: بمردی بجای ۳۵- (ل: کس اندر) ۳۶- (و: بدو- گو)
 ۳۷- (نیز ل): چاره؛ ق: از بی؛ (ق: آ: از در؛ و: خامه؛ آ: جامه و؛ ب: مایه)؛ متن = ل، ک، ل، آ، س (نیز ل، ن، ل، پ، ل، ن، آ) ۳۸- ل: بدان؛ متن =
 س- ب ۳۹- (ل، ل، ک، آ: کار) ۴۰- س (نیز ل، ی، ب): بدین؛ (ق: آ: بدان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴۱- (ق: نامدار ۴۲- ل، ک، س (نیز ق: آ: ب):
 جوان؛ متن = ل (نیز ل، ن)

مبادا که بیند کسی تاج و گاه!
 به بیدادگر^۵ بندگان شاد شد!
 مر او را از^۸ ایرانیان برگزید
 بنزدیک آن^{۱۱} مستمندان شویم!^{۱۰}
 جوان و^{۱۴} دلیر^{۱۵} جهانجوی را!
 -کزو داشتی بیشتر^{۱۶} مغز و پوست-،
 همی دارد آن^{۱۸} بستگان^{۱۹} را بزار^{۲۰}
 که کار سپهد گرفتیم خوار،
 نماند^{۲۵} به ایران^{۲۶} یکی پهلوان،
 نماند به ایران کسی^{۲۹} بی‌گزندا!
 همی‌تاخت^{۳۲} برسان آذرگشپ!
 سپهد پذیره شدش^{۳۳} بی‌درنگ
 سپهد به جنگ اندرون کشته شد
 سیه گشت روز و تبه گشت کار!^{۳۴}
 بدان چاره با جامه‌ی^{۳۷} کارزار

چو روز چنان مرد گردد^۱ سیاه^۲
 نزند آن^۳ زمان^۴ شد که بیداد شد
 سخن‌هاش چون^۶ زادفرخ^۷ شنید
 ۳۹۸۰ بدو گفت کاکنون^۹ به زندان شویم!^{۱۰}
 بیاریم^{۱۲} بی‌باک^{۱۳} شیروی را
 سپهد نگهبان زندان اوست
 ابا شش‌هزار آزموده‌سوار^{۱۷}
 چنین گفت با زادفرخ^{۲۱} نخوار^{۲۲}
 ۳۹۸۵ گرین^{۲۳} بخت^{۲۴} پرویز گردد جوان
 مگر^{۲۷} دار دارند، گر^{۲۸} چاه و بند
 بگفت این و از^{۳۰} جای برکنند^{۳۱} اسپ
 سپاه اندرآورد یکسر به جنگ
 سر لشکر نامور گشته شد
 ۳۹۹۰ پراکنده شد لشکر شهریار
 به زندان تنگ^{۳۵} اندرآمد نخوار^{۳۶}

۱-ل: کرد او؛ (ق: شاه‌گردد)؛ ق: ل: جوانمرد گردد؛ س: ۲ (نیز، ل، و، ل: ۲): چنو مرد گردد؛ س (نیز، ل): جوانمرد را روز گردد؛ ک: چنو
 مرد گردد به اسب (؟)؛ متن = (ل: ۳، پ، آ: ۴، س: ۲) ۲-آ: (تباه)؛ ب این بیت را ندارد ۳-ل: (نیز ل: ۲، ب): بزندان (در ل حرف سوم
 بی نقطه) = بزند + آن؟ به زندان؟؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴-ک: از زما؛ (آ: آنگهی) ۵-س (نیز، ل): به بیداد بر؛ (آ: به بیدادی)؛
 متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل: ۲ این بیت را ندارد؛ ک: پس از این بیت افزوده است:

به کژی گرانید و نابخردی بیژید ازو فزّه ایزدی
 کنون چون ازو گاه گردد تهی به فرزند او زبید این فرهی

ع: (ل: سخن‌ها چو از؛ ق: ۲: سخن‌های چون) ۷-ل: زادفرخ ۸-ل، س: (نیز ق: ۲، ل، و، ل: ۲): ز؛ متن = ک: ل: ۲ (نیز، ل: ۲،
 پ، ب) ۹-س: ۲ (نیز، ل، ق: ۲، و، ل: ۲): اکنون ۱۰-ل: شوم ۱۱-ل: (وبدان‌خانه) ۱۲-ل: (ن: برایم؛ آ: بیازیم) ۱۳-ق: (آ: بیدار) ۱۴-س: ق: ل: ۲،
 س: ۲ (نیز، ل، ق: ۲، و): حو:؛ متن = ل: ک: (نیز، ل، پ، ل: ۲، آ: ب) ۱۵-ک: (نیز، ل، پ، ل: ۲، آ: ب): دلیر و؛ متن = ل، س: ق: ل: ۲ (نیز، ل،
 ق: ۲، و): بنداری (۳۹۶۸-۳۹۸۱): فیما هما فی ذلک الحدیث إذ جاء الخبر بقدوم قائد من قواد برویز یسمی تخوار فوافق زادفرخ علی
 رأیه. فتم الباب و شرعوا فی خلع برویز و إخراج ولده شیرویه من الحبس، و تقریر الأمر علیه ۱۶-ک: مغفر؛ س (نیز ق: ۲، ل، پ): بیشتر
 داشتی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ک: سران ۱۸-ک: این ۱۹-س: ۲: خستگان ۲۰-ک: روان؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: و کان شیرویه
 محبوسا فی عقر بابل، و حارسه اصهبید فی سته آلاف فارس ۲۱-ل: زادفرخ ۲۲-ق: ک، س: ۲ (نیز، ب): تخوار؛ در، س، ل، و، حرف یکم
 بی نقطه؛ (ل: ۲: نخار (حرف یکم بی نقطه)؛ آ: سوار)؛ متن = ل: ۲ (نیز ق: ۲) ۲۳-ل: (نیز ل: ۲، آ: ب): کزین؛ ق: (نیز ق: ۲، ل: ۲): اگر متن = س، ک،
 ل: ۲ (نیز، ل، پ، و، ل: ۲) ۲۴-آ: (تخت) ۲۵-ل: (بماند) ۲۶-ل: (ب: به ایران نماند) ۲۷-پ: (دگر) ۲۸-ل: ۲ (نیز، ل، و): یا (در ل
 بی نقطه)؛ (ق: آ: بینند با)؛ س، س: ۲ (نیز، ل، پ): مگر دارد او را در آن (س: بدان)؛ ک: (نیز آ: بکر دار دارند (آ: تابد)؛ با؛ متن = ل: ۲۹-ق: ۲، و:
 یکی)؛ ق: ل: ۲ این بیت را ندارند ۳۰-ل: ۲، آ: س: ۲؛ و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۱-س: ۲ (نیز، ل، پ): برگرد؛ متن = ل: ۳۲-ق: ۲:
 رفت؛ و: (راند)؛ در، س، ل، این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳۳-آ: (بنزدیک شد) ۳۴-ل: ۲ این بیت را ندارد ۳۵-ل: ۲ (نیز، و،
 ل: ۲): تنگ؛ (ق: آ: چونگ) ۳۶-ق: ک، ل: ۲ (نیز، ل، پ، ل: ۲، آ: ب): تخوار؛ (ل: ۳: نخار)؛ متن = ل، س، ل: ۲ (نیز ق: ۲، و) ۳۷-ق: جامه با آلت

سَبک نامور پاسخش^۱ باز داد
 بدانگه به زندان چرا شد فراز
 از^۷ اندوه خندان^۸ دلش بردمید^۹
 رها کردن ما^{۱۱} نه^{۱۲} کار شماسه!
 که گر^{۱۴} مردمی^{۱۵} کام شیران^{۱۶} مخار!
 نباشی، تو کم گیر ازین^{۱۸} راستان^{۱۹}!
 بماند برادر^{۲۱} ترا پانزده،
 بدیشان^{۲۳} بود شاد تخت^{۲۴} مِهی!
 از^{۲۷} آن خانه^{۲۸} تنگ^{۲۹} بگذارد^{۳۰} پای^{۳۱}!
 همی بود و کس را ندادی^{۳۳} گذر^{۳۴}،
 به درگاه بر بود با ده سوار^{۳۵}

به شیروی گردنکش آواز داد
 بدانست^۲ شیروی کان سرفراز^۳
 چو روی نَحوار^۴ فروزان^۵ بدید^۶
 ۳۹۹۵ بدو گفت گریان که^{۱۰} خسرو کجاست؟
 چُنین گفت با شاهزاده نَحوار^{۱۳}
 اگر تو بدین کار^{۱۷} همداستان
 یکی کم بود، شاید^{۲۰} از شانزده!
 که شایند هر یک^{۲۲} به شاهنشهی
 فروماند شیروی گریان^{۲۵} به جای^{۲۶}
 همان زادفرخ^{۳۲} به درگاه بر
 که آگه شدی زان سَخُن شهریار

همی ساخت هر مهتری جای خواب،

چو پژمرده شد چادر^{۳۶} آفتاب

۱- ل (نیز پ): پاسخش نامور؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲- (پ: ندانست) ۳- س، ق، س، ۲ (نیز ل، ی، ب): گردن فراز؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری (۳۹۹۳-۳۹۸۴): فسار نخوار الی محبس شیرویه فالثقی مع الإصبهید و جرت بینهما واقعة فقتله نخوار، و دخل الی الحبس فی سلاحه لإخراج شیرویه؛ س در اینجا سرنویس دارد: رها نیدن نخوار شیروی را از زندان ۴- ل: نخوار او؛ س، ق، ک (نیز ل، ی، ی، ن، آ، ا): نخوار؛ ک، س، آ: نخار؛ (ل: نخار؛ پ: نخار از)؛ متن = ل (نیز ق، آ، و، ب) ۵- س، آ: فرودان ۶- (ق: فریبنده دید) ۷- س، ق، ل، س، آ (نیز ل، ی، ل، آ، ا، ب): ز؛ متن = ل، ک (نیز ق، آ، و) ۸- س، ق، س، آ (نیز ل، ی): شادان؛ (ق: جان و؛ ب: شادی)؛ متن = ل، ک، ل (نیز ل، ی، ل، آ، ا؛ در ل حرف یکم بی نقطه) ۹- س، آ: بترکید؛ (پ: بترکید)؛ ک (نیز ل، و): لبش بترکید؛ (ل، آ، ن، آ: لبش را گزید؛ آ: لبش بنگرید)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ق، آ، ب) ۱۰- س (نیز ل، ی، ب): گویا که؛ (ا: فرمان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱- س، س، ۲ (نیز ل، ی، و، ب): من؛ متن = ل (نیز ق، آ، ل، آ، پ) ۱۲- ق، س، ۲ (نیز ل، ی، ب): چه؛ متن = ل، س (نیز ق، آ، ل، ی، ل، آ)؛ بنداری: فلما رأه علی تلك الهيئة کاد تنشق مرارته من الفزع و بکی و قال: ما الذی حل بالملک حتی جتتم فی طلبی؟ و خاف علی أویه من القتل ۱۳- س، ق (نیز ل، ی، ی، ب، آ): نخوار (در و حرف یکم بی نقطه)؛ ک، س، آ (نیز ل، آ): نخار؛ متن = ل، ج، ل (نیز ق، آ، ب) ۱۴- (ب: گه) ۱۵- س (نیز ل، ی): خرمی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶- س، ق (نیز ل، ی، ب): کژی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷- (و: اگر می نباشی تو) ۱۸- ل، ک: زین؛ (آ: این)؛ س (نیز ل، ی، ب): و کم گیری این؛ متن = ق، ل، س، آ (نیز ل، ی، ل، آ، ب، ل، آ) ۱۹- س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ی، ب، آ، ا): داستان؛ (ل: آ: استان)؛ متن = ل (نیز ق، آ، ل، آ، ا)؛ (و: ترا گیرم از جمله باستان) ۲۰- (ل: شاه) ۲۱- ل، ق: برادر بماند؛ (و: چو باشد برادر)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲- ل، آ: هر کس؛ ل: بشایند هر کس؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳- س، ل، آ (نیز ل، ی، ل): بایشان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴- س، آ: بخت؛ در ل، و، ب حرف یکم بی نقطه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵- (آ: گردان؛ ب: و گریان) ۲۶- ل: جا؛ ق: گردن فراز ۲۷- ق: در ۲۸- (و: جاگه) ۲۹- س، ل، آ (نیز ل، ی): ننگ؛ در ل حرف یکم بی نقطه؛ (آ: نیک)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰- ل، س، ۲ (نیز ل، ی، ق، آ، ل، ی، ب، آ): بگزارد؛ (ل: آ: نگزارد)؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۱- ق: راز؛ بنداری (۳۹۹۶-۴۰۰۰): فقال له نخوار: إن لأبیک خمسة عشر ابنا سواک. فان سکت و خرجت و لیناک و لإقتلاک و لینا بعض إخوانک. فأجابہ عند ذلک الی الخروج، و جاء مع الی الملائن ۳۲- ل: زادفرخ ۳۳- ک: نبودی ۳۴- (ل: تو بارا) ۳۵- ک، ل، آ (نیز ل، ی، ل، آ، ب، و، ی، ن، آ): یک؛ (ق: آ: چون) پرده دار؛ س، س، ۲ (نیز ل، ی، ب): بد یکی پرده دار؛ ق: بد یکی نيزه دار؛ (آ: همی بود بر در یکی پرده دار)؛ متن = ل: بنداری؛ و أما زادفرخ فانه کان ملازما لباب برویز لا یخلی أحدا یدخل علیه ۳۶- ق: تابش؛ (و: چهره؛ آ: پرده)؛ ک این بیت را ندارد

هر^۲ آنکس که از مهتری^۳ داشت بهر،
بدان جای شادی و آرام شاه^۵،
دگرگونه‌تر کرد باید ز^۷ دوش:
همی‌کرد باید به هر پاس^۸ یاد!
ز سر^{۱۱} نام پرویز بیرون^{۱۲} کنیم!^{۱۰}

ز شهر و ز بازار^{۱۴} برخاست عَو^{۱۳}،
چو آواز دادند و^{۱۵} کردند یاد،
به هر کشوری نام او یاد باد^{۱۷}،
که^{۱۸} شیرین به بالینش آشفته^{۱۹} بود،
غمی گشت و شادان^{۲۲} دلش بردمید^{۲۳}،
برین^{۲۵} داستانی^{۲۶} ببايد^{۲۷} زدن!
دلش زان سَخُن پر ز آزار^{۲۹} شد
چه‌داری^{۳۲} به‌خواب‌اندرون^{۳۳} گفت‌وگوی^{۳۴}؟
خروشیدن پاسبانان نیوش!

بفرمود تا پاسبانان^۱ شهر
۴۰۰۵ برفتند یکسر^۴ سوی بارگاه
بدیشان چنین گفت کامشب^۶ خروش
همه پاسبانان به نام قباد
چنین داد پاسخ که ایدون^۹ کنیم!^{۱۰}

چو شب چادر قیرگون کرد تو^{۱۳}
۴۰۱۰ [همه پاسبانان به نام قباد
کائوشه^{۱۶} زیاد از بزرگان قباد
شب تیره شاه جهان خفته بود
چُن^{۲۰} آواز^{۲۱} آن پاسبانان شنید
بدو^{۲۴} گفت: شاها چه شاید بُدن؟
۴۰۱۵ از^{۲۸} آواز او شاه بیدار شد
به شیرین چنین گفت کای^{۳۰} ماه‌روی^{۳۱}
چنین^{۳۵} گفت شیرین که بگشای گوش

۱-ل: پاسبان (۱) ۲-ل: هم؛ متن = س-ب ۳-ل: (نیز، ن، و)؛ کهتری؛ (ق: آ: مردمی)؛ س، س ۲ (نیز، ی، ب): کزان کار بر؛ ق: کزان شهر بر؛
متن = ل (نیز ل، ۳، پ، ن، ۲)؛ (ت: ا)؛ ک این بیت را ندارد ۴-ک: یکسو ۵-س، ق، س ۲ (نیز ل، ۳، آ، ب): آرام‌گاه؛ متن = ل، س، ل ۲ (نیز ن، ق، آ، پ،
و، ن، ۲) ع: (ن: امشب؛ و: بدو گفت چندین که آمد) ۷-ق: (نیز ب): (و: دگرگونه باید کردن ز)؛ ک این بیت را ندارد ۸-س، ق،
س ۲ (نیز ی، ب): جای؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ن، ق، آ، ل، آ، ت)؛ ک این بیت را ندارد ۹-ب: (چونین) ۱۰-ل، ل، س، ل ۲ (نیز ن، ی، و-ب): کنم؛
متن = ق، ک، س ۲ (نیز ق، ل، ۳، پ) ۱۱-و: (ازو) ۱۲-ب: (همان نام او را بدآیین)؛ بنداری (۴۰۰۸، ۴۰۰۳)؛ و: آمر حراس اللیل آن یرفعوا
أصواتهم فی اللیل بالدعاء لقباده، و هو شیرویه، و ینادوا بذلک کما کانوا یرفعون أصواتهم بالدعاء لبرویز ۱۳-در ل ۳ به زبر یکم و
سکون دوم؛ و: برکشید-آوا شنید؛ آ: برآمد از آن پاسبانان عو) ۱۴-س (نیز ی): لشکرش؛ (ق: آباد)؛ متن = یازده دستنویس دیگر
۱۵-ب: (کردند)؛ متن = ل، س-س ۲ (نیز ن-ل، و-ب) این بیت را ندارند ۱۶-س-س ۲ (نیز ن-ل، و، آ)؛ که نوشه؛ متن = (پ، ن، ۲، ب)
۱۷-ق: (و: یاد یاد؛ بماناد بر تخت پرویز و شاد)؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری؛ فلما جنَّ اللیل رفع الحراسُ أصواتهم و ذکرُوا قباده، ولم
یذکروا برویز ۱۸-ل (نیز ن، ق، ل، و، ن، ۲)؛ چو؛ متن = س-س ۲ (نیز ل، ل، ۳، ب، پ) ۱۹-ل (نیز ن): بر جفته؛ ک: بنشسته (ل)؛ (ل: آ:
برشسته)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و کانت شیرین عند رأس برویز ۲۰-ل س-س ۲ (نیز ن-ل، و-ب): چو؛
متن = (ت) ۲۱-و، ن، و، ن، ۲، آ، آوی) ۲۲-ق: (آ، ل، ۳، و، زیشان) ۲۳-و: (و: رنگ رخس ناپدید) ۲۴-ق: به شه، ک، ل ۲ (نیز ن، ل، و، ن، ۲، و، ن، ۲)؛ همی؛
متن = ل، س، س ۲ (نیز ق، ل، ی، ب، پ) ۲۵-س، ق، س، ۲ (نیز ل، ل، ۳، ب، آ، ب): بدین؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز ن، ق، ل، و، ن، ۲) س-س ۲ (نیز ل، و،
ن، ۲، ب): داستانه؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق، ل، ۳، آ، ب، ت) ۲۷-ل ۲ (نیز ن): داستان بر چه باید؛ بنداری؛ فلما سمعت ذلک أیقظت برویز و قالت:
أیها الملک! قد حدثت حادث عظیم فإنی أسمع الحراس یدعون لقباده، ولا یذکرون الملک (۴۰۱۳، ۴۰۱۴، ۴۰۱۷)؛ در و: ۴۰۱۵،
۴۰۱۶، ۴۰۱۶، ۴۰۱۶، ۲۸-ل (۳، ل، ز) ۲۹-س، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز ق، ل، ی، ل، ۳، ن، ۲، ب): تیمار؛ متن = ل، ک (نیز ب، و، ت)؛ ن این بیت را ندارد
۳۰-ل (ن: ای) ۳۱-ت: (راه‌جوی) ۳۲-س (نیز ی): دیدی؛ (ت: آری)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۳-س، ل، س، ۲ (نیز ن، ل، ن: اندرین؛
پ: به یاد اندرین؛ ن: جواب اندرین)؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق، ل، ۳، آ، ب) ۳۴-ل: گفت‌وگوی؛ ق: (نیز ل، ل، ۳، ب): گفت‌وگوی؛ (ت: گفت‌وگو؛
و: جواب این سخن را بگوی) ۳۵-ل ۳-ل (نیز ل، ۳، ن، ۲)؛ بدو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر

به رخساره شد چون گل شنبلیله
 بیاید^۲ گفتارِ اخترشناس،
 نهانی ورا نام کردم قباد،
 دگرنامش^۷ اندر نهفتم همی!
 قبادش همی خواند این^{۱۰} پیشکار!
 وگر^{۱۲} سوی ماچین و مکران زمین^{۱۳}،
 ز فغفور چینی بخوام^{۱۶} سپاه!

سَخْن‌های او بر زمین خیره بود^{۱۸}
 همی آمدش کار دشخوار^{۲۰} خوار!
 بر^{۲۲} افسون ما چیره^{۲۳} شد بدگمان!
 همیشه ز تو دور دستِ بدی،

چو خسرو بدان^۱ گونه آوا شنید
 چُنین گفت کز شب گذشته سه پاس
 ۴۰۲۰ که این^۳ بدگنش^۴ چون^۵ ز مادر بزاد
 به آوازِ شیرویه^۶ گفتم همی
 ورا نام شیروی بُد^۸ آشکار^۹
 شب تیره باید شدن سوی چین
 بریشان^{۱۴} به^{۱۵} افسون بگیریم راه

۴۰۲۵ از آن کاخترش با آسمان^{۱۷} تیره بود^{۱۸}
 شب تیره افسون نیامد^{۱۹} بکار
 به شیرین چُنین گفت کامد^{۲۱} زمان
 بدو گفت شیرین کانشه^{۲۴} بدی

۱-س، ق، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، پ، ن، آ، ب): بران؛ (و: برین؛ آ: بدین)؛ متن = ل، ک، (نیز لی، ل، آ): در س آ پس از این بیت، بیت‌های ۴۰۲۵ و ۴۰۲۶ آمده است ۲-ل: بیاسد (حرفهای چهارم و پنجم بی نقطه)؛ س: نیابند؛ ق: بیارید؛ ک: بدآمدز؛ ل: آ: بیاید (حرف چهارم بی نقطه)؛ س: آ: بیاید (حرف دوم بی نقطه)؛ (ن، و، ل، آ: نیابید؛ ق: آ: که آمد به؛ لی: نیاید (حرفهای دوم و پنجم بی نقطه)؛ ل، آ، ب: ساند (بی نقطه)؛ آ: بیامد به؛ متن = (پ) ۳-ق: آن ۴-ل: بدگهر؛ س (نیز لی، ب): بدنهان؛ ق: بدهنز؛ ل، آ، ۲ (نیز ب): بدجوش (؟)؛ (ن: بدزهدش (؟)؛ ل: بدمنش)؛ متن = ک (نیز ق، آ، و، ل، آ، ۲): ۵-ل: تا؛ متن = س-ب، ع-س، ۲ (نیز لن، ب): شیروی؛ متن = ل، ۷-ل (ل: با من؛ و: نام) ۸-ک: بود؛ ل ۲ (نیز لن): خود؛ (آ: خواند)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹-ل (و: در جهان) ۱۰-س (نیز لی): آن؛ ل ۲: همی خواندی)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱-ک، ل ۲ (نیز ق، آ، ن، آ، ۲): نابکار (در ل ۲، آ، حرف یکم بی نقطه)؛ (ن: پای‌کار (بی نقطه)؛ ل ۲: رازدار؛ و: همی کرد نام نهان)؛ متن = ل، س، س، ۲ (نیز لی، پ، ب)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری (۴۰۲۲-۴۰۱۵): فقام برویز و تنفس الصعداء و قال: الآن قد ظهر صدق قول المنجمين؛ إن قباد هو شیرویه. و أنا سمیته بهذا الاسم و لم أطلع علیه أحدًا ۱۳-ل (و: یا) ۱۳-آ: توران زمین)؛ ک (نیز و): مکران و ماچین زمین؛ ق این بیت را ندارد ۱۴-ک، س، ۲: بایشان؛ (بی: بدیشان) ۱۵-ل ۲ (نیز آ، ب): بر ۱۶-ک: بخوام ز فغفور چینی؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: و الرأی أن أخرج مفلأ هاربا لی ملک الصین و أستعین به علی هؤلاء البغاة؛ ک پس از بیت ۴۰۲۴ افزوده است:

هم آنگه یکی طشت پر آب خواست همی خواند افسون بر آن طشت راست

۱۷-ق (آ: ز آسمان)؛ س (نیز لی): کاختر پادشه؛ ک، ل، آ: اخترش ز آسمان؛ س، ۲: ز آن اخترش پاسبان؛ (ن: از آنک اخترش ز آسمان)؛ متن = ل (نیز ل، آ) ۱۸-ک: شد؛ (لی، آ: خیره بود- تیره بود)؛ ق، ب این بیت را ندارند؛ در س ۲ ۴۰۲۵ و ۴۰۲۶ پس از ۴۰۱۸ آمده‌اند ۱۹-س (نیز ق، آ، لی): نیابند؛ متن = ل، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، ل، آ، پ، ن، آ) ۲۰-ل (نیز ق، آ): دشوار؛ متن = س، ک، ل، آ، ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، پ، ن، آ)؛ ق، و، آ، ب این بیت را ندارند ۲۱-ل: اندر؛ (ن: آ: هم در؛ پ: بدو گفت شیرین که آمد)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲-ق (نیز لی): به ۲۳-س، ک، ل ۲ (نیز ق، آ، لی، ن، آ): خیره؛ در ل حرف یکم بی نقطه؛ متن = ق، س، آ (نیز لن، ل، آ، پ، ب)؛ و، آ این بیت را ندارند؛ ق در اینجا سرنویس دارد: گریختن خسرو از ایرانیان و گرفتاری او در باغ ۲۴-س-س، ۲ (نیز لن-ل، آ، و): که نوشه؛ (ب: انوشه)؛ متن = (ن: آ)؛ ل، پ این بیت را ندارند

مبادا که ت^۱ آید به دشمن نیاز!
 نهد بی گمان سوی این کاخ^۳ روی!
 چو^۴ شمشیر هندی^۵ و عادی^۶ کلاه،
 یکی بندهی^۹ گُرد^۹ پرخاشخ^۸
 بدانگه که برنجیزد از خواب^{۱۱} راغ^{۱۲}
 بُد شاه را بر^{۱۵} چمن^{۱۶} جای تخت
 به جایی کزو دور بودی گذر^{۱۸}
 یکی تیغ در زیر زانو گران

سوی کاخ شد دشمن دیوساز^{۲۱}
 تهی بُد^{۲۲} ز شاه سرافراز^{۲۳} جای
 نکرد ایچ کس یاد^{۲۴} رنج وُرا!

به دانش کتون چاره‌ی خویش ساز
 ۴۰۳۰ چو روشن شود، دشمن چاره‌جوی^۲
 هم آنگه زره خواست از گنج شاه
 همان ترکش^۷ تیر و زرین سپر^۸
 شب تیره‌گون اندرآمد به باغ
 به باغ بزرگ اندر^{۱۳}، از بس درخت^{۱۴}
 ۴۰۳۵ بیاویخت از شاخ زرین سپر^{۱۷}
 نشست از بر نرگس و^{۱۹} زعفران

چو خورشید^{۲۰} برزد سنان از فراز
 یکایک بگشتند گرد سرای
 به تاراج دادند گنج وُرا

۱-ل (نیز پ): که؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲- (و، آ: جو): ک: چاره راه‌جوی ۳- س، ک (نیز لی): کار؛ ق، ل، ۲، س (نیز ل، ۳، آ): گاه؛ (ن: ۲: درگاه)؛ متن = ل (نیز ق، ۲، پ، و، ب): ک پس از این بیت افزوده است:

ترا زو بد آید، مرا دردسر بیچی، چو پیچند از تو بر (دپسر)

۴- س، س ۲ (نیز ل، ب): دو؛ متن = ل ۵- (هندی < وزن ندارد)؛ ق (نیز آ، ب): زرین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۶- س، ق، ک، س ۲ (نیز لی): زرین؛ ل ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۳، ن: ۲): رومی؛ (ل: رومین)؛ متن = ل ۷- س، ک، س ۲ (نیز لی، ل، ۲، آ، ب): ترکش و؛ متن = ل، س، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، ۳، پ، و) ۸- (ن: ۲: کمر) ۹- ل (نیز ل، ن، پ): گرد و؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰- ک: به جایی کزو دور بودی گذر (= ۴۰۳۵ ب) ۱۱- ل (نیز آ): باغ؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲- ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، ۳): زاغ؛ متن = ل، س، ل ۲ (نیز لی، ب-ب) ۱۳- (ق: ۲: آمد)؛ متن = ۱۴- س، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز لی، ب): اندر آورد رخت؛ متن = ل، ک (نیز ل، ۳، آ) ۱۵- ل (نیز لی): در؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶- (آ: زمین؛ ق: ۲: بر چمن شاه‌را)؛ (ن: این بیت را ندارد ۱۷- (ن: همان ترکش از شاخ بر) ۱۸- ق: رهگذر؛ و): باشد گذر)؛ ک: یکی بنده گرد پرخاشخ (۴۰۳۲ ب) ۱۹- ک: جو؛ بندهای (۴۰۲۵-۴۰۳۶): فاستدعی بسلاحه فلبسه، و استصحاب غلامارو خرج من دارالسلطنة، و دخل الی باغ له قریب من قصره یذعی باغ الهندوان، فاخضع فی شجراته (= ۴۰۳۱-۴۰۳۳) ۲۰- ک: خورشید ۲۱- س، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز ل، لی، ب، آ): دیرساز؛ متن = ل، ق (نیز ق، ۲، ل، ۳، ب): ک پس از این بیت افزوده است:

ز هر گونه مردم فراز آمدند ز خسرو همی بی نیاز آمدند

۲۲- ک: شد ۲۳- ک: سزاوار؛ ل، آ، این سزاوار؛ (ل، ب، و، ل، آن سزاوار؛ ق: آن دلاری)؛ متن = ل، س، ق، س ۲ (نیز لی، ل، آ، ب) ۲۴- س، ق، س ۲ (نیز لی، ب): نکردند یاد ایچ؛ ل ۲ (نیز ل، ن، ل، ۳): نکردند کس یاد؛ متن = ل، ک (نیز ق، ۲، ب-آ)

به گوهر ز مهره بسی دیده^۴ رنج
 که این مهرها تا کت^۵ آید^۶ بکار،
 دگر نان و بی‌راه جایی گذر^۷ آ-
 درم بُد^۸ کسی را که بودی بکار!
 بدان^۹ شاخ زرین ازو^{۱۰} خواست نان
 ندانم^{۱۱}، نیارمت^{۱۲} کردن رها!
 که این را بها کن، به دانش بکوش^{۱۳}!
 بدو گفت کین^{۱۴} را که یارد^{۱۵} خرید؟!
 برین^{۱۶} گونه هر سال صد^{۱۷} نو بُدی
 گر از بند یک خفته^{۱۸} ببریده‌یی
 ابا گوهر و زر^{۱۹} با^{۲۰} کارکرد
 سوی شهریار نو اندردوید^{۲۱}
 بریده یکی شاخ زرین کمر

۴۰۴۵ بران^۱ شاخ بر مهری زر^۲ پنج^۳
 چنین گفت با باغبان شهریار
 به بازار^۴ شو بهره‌یی^۵ گوشت خر
 مر آن^۶ گوهران را بها^۷ سی‌هزار
 سوی نانبا^۸ شد سبک^۹ باغبان
 ۴۰۵۰ بدو^{۱۰} نانبا^{۱۱} گفت کین را بها
 ببردند هر دو^{۱۲} به گوهرفروش
 چو داننده آن^{۱۳} مهرها را بدید
 چنین شاخ در گنج خسرو بُدی
 تو این گوهران از که دزدیده‌یی^{۱۴}
 ۴۰۵۵ سوی زادفرخ^{۱۵} شدند این سه مرد
 چُن آن^{۱۶} گوهران زادفرخ^{۱۷} بدید
 به شیروی بنمود از آنسان^{۱۸} گهر:

۱-ک (نیز لی، پ، و، آ): بدان؛ (ل: آ: بدین) ۲-س، ق، س (نیز ب): مهره بودند؛ ل: آ (نیز لی): مهره بر بود؛ (ن: مهره بد ز؛ ق: آ: مهره بُد نیز؛
 پ، و، ن: آ: بُد مهره زر؛ ل: آ: شاخ مهره بر زر؛ آ: شاخ زر مهره بُد نیز؛) متن = ل: ۳-ک: شاخ در مهره بُد بر سنج ۴-ق: برده: ک (نیز و):
 دید؛ ل: ز هر گونه مهره بسی برده؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵-ه (پ: کی): س، ق، ک، س (نیز ق، آ، بی، ب): راکی؛ ل: آ: بر که؛ (ن: مهره
 را بر که؛ ل: آ: مهره را تاکی؛) متن = ل: ۶-و، ن: آ: گیر کاید؛ آ: را که داری) ۷-۷ (بی آزار) ۸-ک (نیز ق، آ، ل): پاره؛ (پ: بر مهره)؛
 متن = یازده دستنویس دیگر ۹-ل: بی‌راه جای دگر؛ ق: ز بازار جای گذر؛ (ل: آ: و بی‌راه ره کن گذر؛ و: لیجار و چیزی دگر؛) متن =
 یازده دستنویس دیگر؛ در ک ۴۰۴۷ و ۴۰۴۹ پس و پیش شده‌اند و پس از ۴۰۴۹ افزوده است:

به سوی من آر این که گفتم ترا که این چیزمان هست اندر خورا

۱۰-ق: مرین ۱۱-س، ق، س (نیز لی، ب): درم-بها بُد؛ (ا: حها< به-بدادی)؛ متن = ل، ک، ل (نیز ن، ق، آ، ل-ن: آ): بنداری
 (۴۰۴۸-۴۰۴۱): قال: و احتاج برویز ضحوة النهار الى الطعام فقطع علاقة من علاقتك منقطة المرصعة، و دفعها الى غلامه، و امره
 فأعطاه باغبانا هناك ليشتري له بها طعاما ۱۲-س، ق، ک (نیز ن-ل، آ، و-ب): نانوا؛ ل: آ: تانبا (د-نانبا)؛ متن = ل، س، آ (نیز پ) ۱۳-ا: (سوی)
 ۱۴-ل: بدین ۱۵-س، س، آ (نیز لی، ب): وزو؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶-س: بدان؛ متن = سی‌زده دستنویس دیگر ۱۷-ل،
 س، ق (نیز ن، آ): نانوا؛ متن = ک، ل، آ، س ۱۸-ک (نیز لی): نندارم ۱۹-س، ق، ک، س (نیز ق، آ، بی، ل، و، آ): نیارمش؛ متن = ل، ل (نیز ن، پ،
 ن: آ): ب این بیت را ندارد ۲۰-ق (گوهر) ۲۱-آ: نبوش (حرف یکم بی نقطه و حرف دوم با یک نقطه) ۲۲-ل: آ (نیز ل، ب): این
 ۲۳-س: آ: این ۲۴-و (نباید)؛ ن این بیت را ندارد ۲۵-ل، ل، آ، پ، ب: بدین ۲۶-ک: بر ۲۷-و (از کجاده) ۲۸-س، ق، ل، آ (نیز ن، لی،
 ل، آ، پ، ن: آ، ب): بنده خفته؛ (ق: مهتری خفته؛ و: از خفته بند)؛ متن = ک: ل این بیت را ندارد؛ بنداری (۴۰۵۴-۴۰۴۹): فلما عرضه فی
 السوق أخذ و قیل: من أين سرقته هذه العلاقة المرصعة؟ ۲۹-ل، س، س، آ: رادفرخ ۳۰-ق، ک (نیز ل، ب): آن؛ متن = ده دستنویس
 دیگر ۳۱-ل، س، ق، ل، آ، س (نیز ن، لی، ل، آ، پ، ن: آ، ب): زر و با؛ (ق: زر ابا؛ و: زر بدین)؛ متن = ل: آ (نیز ن-پ، ن: آ، ب): چو
 آن؛ (و: چو این؛ آ: وزان)؛ متن = س ۳۲-ل، س: رادفرخ ۳۳-ل: اندر کشید؛ متن = س-ب ۳۵-ل (نیز ق، آ، بی): زانسان؛ ل: آ: زیشان؛ (پ:
 چندان؛ و: فرخ؛ ن: آ: گفت اینت فرخ)؛ متن = س، ق، ک، س (نیز ن، ل، آ، ب): بنداری؛ فحملوه الى زادفرخ فأدخله علی شیرویه، و کان
 قد وصل مع تخوار، فأعلم بما عثر علیه علی یدیه. و هو العلاقة المرصعة

که گر زین خداوند گوهر نشان،
همان^۳ را که او^۴ باشد از^۵ گوهرت!
زره پوش مردی، کمائی به دست^۶،
به هر چیز مانده ی شهریار
چو خورشید^{۱۱} تابنده در جوشن ست!
یکی بنده در^{۱۴} پیش او با کمر،
مرا داد و^{۱۸} گفتا کر^{۱۹} ایدر بیوی^{۲۰}،
هم اکنون^{۲۲} برفتم چو باد از برش!

چنین گفت شیروی با^۱ باغبان
نگویی، هم اکنون بیزم^۲ سرت
۴۰۶۵ بدو گفت: شاه، به باغ اندرست
به بالا چو^۷ سرو و^۸ به رخ^۹ چون بهار
سراسر همه باغ ازو^{۱۰} روشن ست!
فروهشته^{۱۲} از شاخ^{۱۳} زرین سپر
برید^{۱۵} این چنین^{۱۶} شاخ گوهر ازوی^{۱۷}
۴۰۶۵ ز بازار نان آور و^{۲۱} نان خورش؛

که دیدار او در زمانه^{۲۴} نوشت!
چو باد دمان تا لب جویبار
پیژمرد^{۲۶} و شمشیر کین برکشید
همه بازگشتند گریان^{۲۷} ز راه
همی^{۲۹} هر کسی^{۳۰} داستانها^{۳۱} زدند،
بدان^{۳۲} شاه روز بد^{۳۳} اکنون نوشت^{۳۴}!
چه در باغ باشد، چه اندر نبرد!

بدانست شیروی کو^{۲۳} خسروست
ز درگاه رفتند^{۲۵} سیصد سوار
چو خسرو ز دور آن سپه را بدید
چو روی شهنشاه دید آن سپاه
۴۰۷۰ یکایک بر زادفرخ^{۲۸} شدند
که ما بندگانیم و او خسروست
نیارد زدن کس برو^{۳۵} باد سرد

۱- (آ: را) ۲- ل (نیز، ل: ق)؛ ۳- س، ق (نیز، ل: ق)؛ همانا؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴- ق: که به؛ ک: نیز؛ (آ: را کجا) ۵- (پ: که باشد بد)؛ بنداری؛ فأوعده بالقتل وهذده وسأله عن الذي أعطاه تلك العلاقة ع: بنداری؛ فقال: الذي أعطاني هذه هو في الباغ. و هو رجل شاكى السلاح ۷- ک، ل (نیز، ل: ق، و، ل: آ)؛ بالای؛ متن = ل، س، ق، س (نیز، ل: پ، ب)؛ ۸- ل: ح < ۹- (و: سرو سهی)؛ ل (آ: این بیت را ندارد؛ بنداری؛ فی قدّ السرو، كأنه أنت بالشمال والشکل ۱۰- ل (نیز: آ)؛ زو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱- ک: خرشید؛ ل (آ: این بیت را ندارد ۱۲- ق: فروسته ۱۳- ک: تاج؛ (لی: باغ) ۱۴- ق، ل: آ، س (نیز، ل: پ، آ)؛ بر؛ ک: از؛ س (نیز، ق: آ، لی: ب)؛ بنده؛ متن = ل (نیز، و، ل: آ)؛ ل (آ: این بیت را ندارد ۱۵- ک: بدید ۱۶- س (نیز، ل: ب)؛ بیژید این ۱۷- ق: همو؛ ک، س: آ؛ بدوی؛ (ل: بر وی) ۱۸- س: دید و؛ (ل: آ: داد)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹- س، ق، ک، س (نیز، ل: و، آ، ب)؛ از؛ (ق: آ: که)؛ متن = ل، ل (نیز، ل: ن)؛ ۲۰- ل، ل: پ؛ بیو (بی نقطه) ۲۱- (ق: آ: آر با؛ آ: آر و خود) ۲۲- (و: همانگه؛ ل: آ: هماندم)؛ بنداری؛ و معه ترس من الذهب قد علقه ببعض الأشجار، و جلس تحته، و بیده قوس (- ۴۰۳۵ و ۴۰۶۰) و تحت ركبته سيف (- ۴۰۳۶)؛ ل: آ پس از بیت ۴۰۶۵ افزوده است:

بر نانوا آمدم دادم بدوی (!) سر آمد مرا این همه گفت و گوی

۲۳- س (نیز، ل: ق، ل: آ، ب)؛ کان؛ متن = ل- ل (نیز، لی) ۲۴- ک، س (نیز، و)؛ بران (ک: بدان) شاه روز بد اکنون (= ۴۰۷۱)؛ بنداری؛ فعلم أنه أبوه برویز ۲۵- س، ق (نیز، لی، ب)؛ ز: درگه فرستاد؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ س (آ: این بیت را ندارد؛ بنداری؛ فنغد ثلاثائة فارس ليقبضوا عليه ۲۶- (آ: برآهیخت)؛ س (آ: این بیت را ندارد ۲۷- ل: آ: کهتر؛ پ: یکسر)؛ س (آ: این بیت را ندارد ۲۸- ل: رادفرخ ۲۹- ک، ل (نیز، ق: آ، ل، پ، ب، ل: آ، ب)؛ بسی؛ متن = ل، س، ق (نیز، ل: لی، و) ۳۰- ق: یکی ۳۱- ل: داستانی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ س (آ: این بیت را ندارد ۳۲- س، ل (نیز، ل: ن)؛ بران؛ متن = ل، ک (نیز، ق: آ، پ، آ، ب) ۳۳- (لی: نو)؛ س: شاه نور روز؛ متن = ده دستنویس دیگر (ل: هم بد دارد هم نو) ۳۴- ق: همان کی نژادست و کنداورست؛ (و: که دیدار او در زمانه نوشت = ۴۰۶۶)؛ س (آ: این بیت را ندارد ۳۵- س- س (نیز، ل: لی، ل: ن)؛ بدو؛ ل: نیارد برو زد کسی؛ متن = (ق: آ، ل، پ، و، آ، ب)؛ بنداری (۴۰۶۸-۴۰۷۲)؛ فلما قربوا من الباغ منعهم هیته من القرب منه فرجعوا

ز درگاه او برد^۴ چندی سپاه،
 فراوان سخن گفت و خسرو^۷ شنود
 برین^{۱۱} کرده‌ها^{۱۲} زینهارم دهد،
 وگرنه بیویم^{۱۵} به سوی^{۱۶} نشست
 -نه انده گساری، نه پیگارجوی^{۱۹}-
 که در کار هشیارتر کن نگاه:
 سرانجام سیر آیی از کارزار!
 به پیگار تو یک‌دل و یک‌تن‌اند،
 مگر کینه‌ها^{۲۳} بازگردد به مهرا
 همه بیمم^{۲۴} از مردم ناسزاست،
 به من بر مگر^{۲۷} کامگاری کنند^{۲۶}!
 دلش بد^{۳۰} شد از روزگار کهن،
 -زگفتار ایشان^{۳۱} برآشفته بود!-
 به دست یکی بنده دور از گروه،
 نشسته^{۳۳} تو اندر میان، دل به بیم^{۳۲}،

بشدا^۱ زادفرخ^۲ بنزدیک^۳ شاه
 چو نزدیک او رفت و^۵ تنها بود^۶
 ۴۰۷۵ بدو^۸ گفت: اگر^۹ شاه بارم^{۱۰} دهد
 بیایم بگویم سخن^{۱۳} هرج^{۱۴} هست
 بدو گفت خسرو: شگفتی^{۱۷} بگوی^{۱۸}!
 چنین گفت پس مرد گویا^{۲۰} به شاه
 بر آن نه^{۲۱} که کشتی تو جنگی هزار^{۲۲}
 ۴۰۸۰ همه شهر ایران ترا دشمن‌اند
 بیا تا چه خواهد نمودن سپهر
 بدو گفت خسرو که آری رواست
 که پیش من آیند و خواری^{۲۵} کنند^{۲۶}
 چو بشنید از^{۲۸} زادفرخ^{۲۹} سخن
 ۴۰۸۵ که او را ستاره شمر گفته بود
 که مرگ تو باشد میان دو کوه
 یکی کوه زرین، یکی^{۳۲} کوه سیم

۱-س: ۲. چو باشد ۲-ل: رادفرخ ۳-(و: ز نزدیک) ۴-ک: بود؛ بنداری: فرکب زادفرخ فی جماعة من الفرسان ه-س: ۲ (نیز
 ل-ب): <و>: متن = ل = ۶-ل: نبود ۷-(ل: ۲: چندی) ۸-ق: چنین ۹-س: ک (نیز ل: ۱): گر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-(ل: ۱):
 یارم) ۱۱-ک (نیز ق: ۲، ل: ۳، پ، ل: ۲، آ): بدین؛ ل: ۲: بران؛ متن = ل، س، س: ۲ (نیز ل، ب) ۱۲-س: کار ما؛ (آ: کارها)؛ متن = سیزده
 دستنویس دیگر: کردها ۱۳-ک (نیز ل: ۲): همه ۱۴-س-س: ۲ (نیز ل-ب): هر چه؛ متن = ل ۱۵-(ل: ۲: نویم؛ ق: ۲: وگر باز پویم) ۱۶-ق
 (نیز ل: ۲، آ): به (ل: ۲: ز) جای؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷-ل: چه گفتی؛ س، ق، ل: ۲ (نیز ل، ب): نگفتی (در س حرف یکم بی نقطه)؛
 س: ۲: مه گفتی (؟)؛ (ل: ۲: گفتی (؟))؛ و، ل: ۲: چه گویی؛ ل: ۲: چو گفتی؛ ب: مکفتی (؟)؛ متن = ک (نیز آ) ۱۸-(و: بگو: آ: مگوی) ۱۹-(و:
 جو؛ ق: ۲: چرخشجوی؛ ل، ب: بیگانه جوی)؛ بنداری: و دخل الباغ و قرب منه و جرت بینه و بین برویز مقالات ۲۰-(و: دانا) ۲۱-ل: ۲
 (نیز ل: ۲): بدان نه؛ (ب: بران به)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-س (نیز ب): سوار؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ در ل: ۲ این بیت
 با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بنداری: ثم إنه قال له: هب أنك قتلت ألف فارس. فما الذي يكون بعد ذلك؟ ۲۳-(ل: ۲: گفتها)؛
 دیگر دستنویسها: کینها؛ ک پس از این بیت افزوده است:

نباید ز یزدان گسستن امید
 شیان سپاه و به روز سپید
 ۲۴-س: همی کینم؛ (ل، ب: همی بیمم)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵-(ل: ۳: یاری) ۲۶-ل: ۲: کنید ۲۷-(و، ل: ۲: همی)؛ ک بجای این
 بیت افزوده است:

برو باد نشانند از راه گرد
 که یارد همی زین سخن یاد کرد
 ۲۸-ل: زو؛ (ق: ۲، ب، و: از)؛ متن = س، ک، ل: ۲ (نیز ل، ل: ۲، ل: ۲، آ) ۲۹-ل (نیز ق: ۲): رادفرخ ۳۰-ک، س: ۲ (نیز ل: ۳، و): نو (ل: ۳) نخست بد
 داشته؛ ق، ب این بیت را ندارند؛ بنداری (۴۰۸۴، ۴۰۸۰): إن جميع أهل هذا الاقليم قد خرجوا عليك، و لا يمكنك أن تنجو منهم
 (= ۴۰۸۰) ۳۱-(ل: ۲: ز کار سپهری) ۳۲-(ق: ۲: دگر؛ ل: ۲: زرو یکی) ۳۳-ک: نشست ۳۴-س (نیز ل: ۲: بر ز بیم؛ ق: ۲: در به بیم؛ ل: ۲):
 ل: ۲: دل دو نیم؛ ب: بر یتیم؛ (ا): متن = ل، ک، ل: ۲ (نیز ل، ل: ۲، پ، و، آ)

ز بر آسمان تو زرین^۱ بود
کنون این زره چون زمین منست
۴۰۹۰ دو کوه، این دو گنج نهاده به باغ
همانا سرآمد کنون روز من!
کجا آن همه کام و آرام من^۶

زمین آهنین، بخت بر^۲ کین بود!
سپر^۳ آسمان برین^۴ منست!
کزین گنج‌ها بُد دلم چون چراغ
کجا^۵ اختر گیتی افروز من؟!
که بر تاج‌ها^۷ بر بُدی نام من^۸؟!
بر از درد شد^۹ جان تاریک اوی^۸

ببردند پیلی بنزدیک اوی^۸
بران^{۱۰} کوهی پیل بنشست شاه
۴۰۹۵ سَخُن^{۱۱} گفت از آن^{۱۲} پیل بر پهلوی^{۱۳}
مکن^{۱۴} دوستی نیز با دشمنم
به سختی نبودیم فریادرس
به دستور فرمود از آن^{۱۸} پس قباد
بگو^{۲۱} تا سوی طیسفونش^{۲۲} برند^{۲۳}
۴۱۰۰ بیاشد به آرام ماروسپند^{۲۵}
برو^{۲۸} بر موکل کنند^{۲۹} استوار

ز باغش بی‌وارد لشکر به راه
که ای گنج^{۱۴} اگر دشمن^{۱۵} خسروی،
که امروز در دست آهرمنم^{۱۷}!
نهان باش و منمای رویت به کس!
کزو^{۱۹} هیچ^{۲۰} بر بد مکن نیز یاد!
بدان خانه‌ی^{۲۴} رهنمونش برند^{۲۳}،
نباید که دارد^{۲۶} کس او را گزند^{۲۷}!
گلینوش را با سُواری^{۳۰} هزار

شد آن^{۳۲} شاه را سال^{۳۳} بر سی‌وهشت،

چو گردنده گردون به سربر بگشت^{۳۱}

- ۱-س (نیز ب): زیرین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-(پ، ب: پر) ۳-س (نیز ب): زیر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴-ل (نیز و، آ)، زرین؛ کد: بر زرین؛ (ل: آ: برترین)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-(لن: آ: همان) ۶-ع: آ: ما ۷-ق: آ: که تا بر جهان؛ ل این بیت را ندارد؛ بندهای (۴۰۹۲، ۴۰۸۵): فقال: لقد صدق قول المنجم حين قال: اذا رأيت سماءك من ذهب، وأرضك من حديد فقد قرب انتهاء أمدك. وعنى بذلك ترسه الذى علق من الشجر فوق رأسه، وسيفه الذى كان تحت ركبته ۸-س، ق، س: ل (نیز ل ۳، و، آ، ب): او؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، بی، پ، ن) ۹-س، ق، ک، س: ل (نیز لن، بی، ل، آ، بن، آ، آ، ب): بد؛ (و: آن)؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ق، آ، پ) ۱۰-(بی: بدان)؛ بندهای: ثم جاءوا بغيل عظيم فرکبه برویز ۱۱-ل: جتین؛ متن = س، ب ۱۲-ل: زان؛ (ق: آ: با: آ: از)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳-(ب: خسروی)؛ س: آ: پیلتن خسروی ۱۴-(ق: آ: پیل؛ و: چرخ) ۱۵-(ق: آ: یاور) ۱۶-ل ۲ (نیز لن): وگر ۱۷-ل ۲ (نیز ل، و، بن، آ: آهریمنم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر: آهرمنم ۱۸-ل: زان؛ متن = س، ب ۱۹-ک: که بر ۲۰-(ق: آ: ایچ) ۲۱-س (نیز ل، ق، آ، بی): یکی؛ س: آ: نگر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲-ل، ل ۲ (نیز ق، آ، ل): طیسفونش؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-(بی: برید) ۲۴-ل ۲ (نیز لن، بن، آ): بدر؛ خانه؛ (ل: آ: ز درگاه با)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵-س، ک (نیز ق، آ، بی): تا (ق: آ: ما) روز چند؛ ق: و شاد و بلند؛ ل (نیز و): و ناز و پسند (درو تنها حرف هشتم نقطه دارد)؛ س: آ: و ناز و سپند؛ (لن: آ: نباشد به ایوان مادر پسند)؛ متن = (لن، آ) ۲۶-ک: آرد؛ ل ۲ (نیز لن): نماید؛ (پ: آرنند)؛ متن = س، ق، س: ل (نیز ق، آ، بی، و، بن، آ، آ) ۲۷-س (نیز ق، آ، بی، و، بن، آ): نژند؛ متن = ق، س: ل (نیز لن، پ، آ): ل، ل ۲، با این بیت را ندارند ۲۸-ک (نیز بی): بدو ۲۹-ل: آ: کنی؛ س: آ (نیز لن، آ، آ): کنید؛ (ق: آ: کند) ۳۰-ل: آ: یار مردی؛ (لن: با یار مردی)؛ بندهای (۴۱۰۱، ۴۰۹۵): و أمر شیرویه أن یدخلوا به الی طیسفون و یحبسوه فیها، و یولکوا به کلینوس مع ألف فارس. فحبسوه علی هذه الصفة (۴۰۹۸، ۴۰۹۹، ۴۱۰۱) ۳۱-(ل، و: گذشت)؛ ق: برو برگذشت؛ کد: چو گردون گردنده بر سرگذشت؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲-س (نیز بی، ب): شده؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۳-ق: سال شاهیش؛ (ق: آ: از شاهیش سال)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بندهای: و کان ذلک الیوم تمام ثمان و ثلاثین سنة من ملکه

شیرویه

پادشاهی شیرویه^۱ هفت^۲ ماه بود

چو شیروی بنشست بر تخت ناز^۳
 برفتند گوینده^۵ ایرانیان
 چنان^۸ هم^۹ که یزدان ترا داد تاج^{۱۰}
 بماناد گیتی به فرزند تو!
 ۵ چنین داد پاسخ بدیشان^{۱۵} قباد
 نباشیم^{۱۸} تا جاودان بدگمش!
 به سر برنهاد آن کیی تاج آز^۴،
 برو^۶ خواندند آفرین کیان^۷:
 نشستن^{۱۱} به آرام بر تخت^{۱۲} عاج^{۱۲}،
 چنین^{۱۳} هم به خویشان^{۱۴} و پیوند تو!
 که همواره^{۱۶} پیروز باشید و^{۱۷} شاد!
 چه^{۱۹} نیکو بود داد با^{۲۰} خوش منش^{۲۱}!

۱-س.ق: شیروی پسر خسرو؛ ل.آ: قباد خسرو؛ متن = ل.ک، س. ۲-۲ (لن، و: هشت)؛ بنداری: ذکر نوبه قباد بن برویز بن هرمز بن کسری. و هو الملقب شیرویه و کانت ولایته سبعة أشهر؛ ق بیتهای ۲۰۸-۲۰۰، ل بیتهای ۲۲۶-۲۰۹ و ۳۳۶-۳۶۴، لن، ق. ۲، ل. ۳، پ. لن. ۲، آ. بیت های ۲۲۶-۲۰۹ و ق بیتهای ۳۵۳-۳۸۰ و ۴۸۵-۵۰۸ را ندارند ۳- (و: شاه؛ ب: داد) ۴- س. ۲ (نیز ق ۲): باز؛ (ب: ناز (!): و: کیانی کلاه؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ک پس از این بیت و لی پس از بیت سپین افزوده اند:

چنین گفت لشکر به شیروی شاه که ای درخور تاج و دیهیم و گاه

۵-س (نیز لی، ب): گردان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۶- (لی: بدو) ۷- (ب: مهان)؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت افزوده اند:

ل. ق. ۲، پ: چنین (ن: همی) گفت هر یک به بانگ بلند که ای پرهنرخسرو ارجمند
 ک: بگفتند هر کس که ای شاهزاد که هستی ز شاه جهاندار یاد

۸-ق (نیز لن): چنین ۹- (ق: آ: دان) ۱۰-س (نیز لی، ل. ۳، ب): تاج داد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ک، ل (نیز لن، و، لن. ۲): نشستی؛ متن = ل. س. ق. س. ۲ (نیز ق ۲، لی، پ، ب) ۱۲-س (نیز لی): داد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ (ل: همان زیرت آن تخت از عاج داد) ۱۳- (ل: چنان) ۱۴-ک (نیز لن، ل. ۳، آ): هم به خویش؛ (ق: آ: هم ابا خویش)؛ متن = ل. س. ق. ل. ۲، س. ۲ (نیز لی، ب)؛ بنعلوی (۴-۱): قال صاحب الکتاب: فلپس شیرویه تاج آبی، و تسنم تخته. و حضره الایرانیون فتکلم علیهم، و دعا له الحاضرون و أنثوا علیه ۱۵-س، ک (نیز ب): بایشان؛ س. ۲: بایشان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶- (لن: هموار) ۱۷- (لن: حوج) ۱۸-س: بیاشیم (!) ۱۹- (ل: نه) ۲۰- (و: پادشا؛ لن: شاه را؛ آ: چو نیکو خرد دادمان) ۲۱- (ق: آ: شاه نیکومش)

جهان را بداریم با ایمنی!
 ز بایسته‌تر کار^۳ پیشین^۴ مرا
 پیامی فرستم بنزد^۶ پدر
 ز^۹ ناخوب‌کاری که او را بدهست^{۱۱}
 به یزدان کند پوزیش آن^{۱۲} گناه
 بپردازم آنگه به^{۱۴} کار جهان
 بجای نکوکار نیکی کنیم!^{۱۶}
 دو تن بایدم^{۱۷} راد و نیکوسخن
 بدان^{۱۸} انجمن گفت کین^{۱۹} کار کیست؟
 نمودند گردان سراسر به چشم^{۲۱}
 بدانست شیروی^{۲۵} کایرانیان^{۲۶}
 چن^{۲۸} اشتاد و خزاد^{۲۹} برزین پیر
 بدیشان چنین گفت کای^{۳۱} بخردان

بیریم^۱ کردار^۲ آهرمنی^۳
 که افزون کند فزه و دین^۵ مرا،
 بگویم بدو^۷ این سخن^۸ در به در،
 به بد نام او در جهان مانده‌ست^{۱۱}،
 گراینده گردد^{۱۳} به آیین و راه،
 بکوشم به داد^{۱۵}، آشکار و نهان!
 دلی مرد^{۱۷} درویش را نشکنیم!^{۱۶}
 کجا یاد دارند کار کهن
 از^{۲۰} ایرانیان پاک و بیدار کیست؟
 دو استاد را - گر^{۲۲} نگیرند^{۲۳} خشم^{۲۴} -
 که را برگزیدند^{۲۷} پاک از میان
 دو دانا و گوینده^{۳۰} یادگیر
 جهان‌دیده و کارکرده^{۳۲} ردان،

۱- (ن: آ: نجویم) ۲- س: ۲ (نیز ق: ۲، و: ن: ۲، ا: ۱)؛ اهریمنی؛ دیگر دستنویس‌ها: اهرمنی ۳- ک: ترکان (ل)؛ (ن: بایسته کاری که؛ ق: آ: بایسته آیین؛ ل: آ: شایسته کاری به؛ ن: ۲: بایسته بر کار)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴- ل (نیز ن: پ:): بیشی؛ (ل: آ: پیش)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵- س: س: ۲ (نیز ل: ی: ن: آ:): فزه دین؛ ک: (نیز آ:): فزه و دین؛ (ل: آ:): فزه و کیش؛ پ: فزه و خویشی؛ ل: گر افزون بود فزه و خویشی؛ متن = ق: ل: ۲ (نیز ن: ن: ق: ۲، و: ب: ع: و: ن: آ:): فرستیم نزد ۶- ک: (نیز ل: ۳:): ورا؛ (ن: آ:): که گوید بدو ۷- ا: ۸- (و: بگویم با او همه) ۹- س: (نیز ل: ی: ب:): که؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰- ا: (راه جست) ۱۱- (و: بر شدست؛ ا: نادرست؛ ق: آ: در جهان نام او ماندست)؛ ل: (نیز پ:): برین (پ: بدین) گونه کاری به پیش آمدست؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲- ل (نیز پ:): او از؛ (ق: آ:): وز؛ و: او زان؛ ل: ۲ (نیز ن: ن: آ:): پوزشی از؛ متن = س: ق: س: ۲ (نیز ل: ل: ۳، ا: ب: ۱۳- ق: آ:): باشد؛ ک: این بیت را ندارد؛ ق: آ: ی: پس از این بیت افزوده‌اند:

چو او رام گردد به گفتار من
 بی‌آزار گردد دل‌آوار (ی: دل گردد از کار) من

۱۴- ک: ز ۱۵- (ق: آ: همی)؛ ل: ۲ این بیت را ندارد ۱۶- س: (نیز ن: ل: ی: پ: و:): کتم - نشکنم؛ ک: (نیز پ:): کتم - بشکنم؛ ل: آ: کتم - بشکنم؛ س: آ: کند - نشکند؛ متن = ل: (نیز ق: ۲، ل: ۲، ا: ۲)؛ ق: ل: ۳ این بیت را ندارند؛ بنداری (۱۳۵): فقال: أول ما بدأ به مراسلة برویز ثم شرع فی أمر السلطنة و ترتیب قواعد المملكة ۱۷- (ی: بایدت)؛ ل: ۳ این بیت را ندارد ۱۸- ق: بدو ۱۹- ق: (نیز ی:): کان ۲۰- ل: س: ۲ (نیز ن: ل: ی: ل: ۳، پ: ا: ب:): ز؛ متن = (ق: ۲، و: ن: ۲)؛ بنداری: فقال: أريد شيخین طاعتین فی السن عارفين بأحوال الملوك حتى أرسلهما اليه ۲۱- ا: ب: خشم)؛ در ل: ک: س: ۲، و: ۱ حرف یکم بی‌نقطه ۲۲- س: (نیز ب:): کو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳- ل: ۲ (نیز پ:): بگیرند؛ در ل: س: ۱ حرف یکم بی‌نقطه ۲۴- در ل: ک: و: ۱ حرف یکم بی‌نقطه ۲۵- (ق: آ: استاد) ۲۶- س: (نیز ل: ل: ۳): شیروه که ایرانیان ۲۷- ل: (نیز و: برگزینند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۸- ل: ۲ (نیز ن: ب:): چو؛ متن = ۲۹- ل: ک: ل: ۲، س: ۲ (نیز ن: ق: ۲)؛ استاد (ن: اشتاد) خزاد و: س: ق: (نیز ل: و: ب:): استاد و خزاد؛ (ی: استاد خزاد)؛ متن = (پ: ۳۰- س: (نیز ق: ۲، ی: ب:): دانای داننده؛ ق: س: ۲ (نیز ل: ۳، و: ن: آ:): دانای گوینده)؛ (ن: پ:): دانای گوینده و؛ متن = ل: (نیز ا:): بنداری؛ فأشاروا عليه بخزاد بن برزین و رجل آخر من مشایخ الدولة یسمى أسفاد کسشب ۳۱- ل: ۲ (نیز ن: ب:): بایشان چنین گفت ای ۳۲- ک: ل: ۲ (نیز ن: ب:): دیده

که از رنج^۲ یابد^۳ سرافراز گنج!
 پر^۵ از آب^۶ مزگان بیاراستند
 به فرمان نشستند هر دو بر^۸ اسپ،
 بیاید گرفتن ره^{۱۱} طیسفون^{۱۲}
 سخن یاد گیری همه^{۱۵} در به در
 نه^{۱۸} ایرانیان را بُد این^{۱۹} دستگاه^{۲۰}،
 چُن^{۲۱} از نیکوی^{۲۲} روی برتافتی:
 نریزد^{۲۴} ز بن^{۲۵} پاکزاده پسر،
 که پیشش^{۲۸} کسی گوید این داستان^{۲۹}!
 رسیده به هر کشوری رنج نُست^{۳۱}،
 پر از درد کردی دل راستان^{۳۳}!

مدارید^۱ کار جهان را به رنج
 دو داننده بی‌کام^۴ برخاستند
 چو خزراد برزین و اشتا^۷ گشسب
 بدیشان^۹ چُنین گفت کز دل کنون^{۱۰}
 پیامی بری^{۱۳} نزد فرخ‌پدر^{۱۴}
 ۲۵ بگویی که^{۱۶} ما را نبذ زین^{۱۷} گناه
 که بادافره ایزدی یافتی
 یکی آنک ناپاک^{۲۳} خون پدر
 نباشد^{۲۶} همان^{۲۷} نیز همداستان
 دگر آنک^{۳۰} گیتی پر از گنج تست
 ۳۰ [نبودی بدین^{۳۲} نیز همداستان

۱- (ب: مدار ایچ) ۲- س: رزم ۳- ک: ناید؛ (ا: بید)؛ پس از این بیت، ق سه بیت و ک. لی تنها بیت‌های دوم سوم را افزوده‌اند:

به رنج اندرست ای خردمند گنج
 شما را بیاید شدن نزد (پیش) شاه
 بگویند پیشش چو باید سخن
 چه از نو چه از روزگار (ق: داستان) کهن

۴- س (نیز ب): برکام؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۵- (ن: آ: رخ) ۶- (ن: به خواب)؛ و این بیت را ندارد ۷- ل، س، ق، ل، ۲، س
 (نیز ل- ل، ۲، و- ب): استا؛ ک: آذر؛ متن = (پ) ۸- س: ۲ (نیز ل): به؛ (ق: ۲: نشستند هر دو به فرمان بر) ۹- (ن: ل: ۳: بایشان) ۱۰- س:
 خسرو کنون؛ (ب: گردان کنون)؛ ق: دو داننده بی‌کام بارهنمون؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱- ل: ۱۱- سوی ۱۲- ل، ق (نیز ق ۲، ل: ۳):
 طیسفون؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

به خزراد گفتا نگر نغوی بویژه که دستور خسرو توی

۱۳- (ق: ۲: بیز؛ ل: ۳: بر؛ و، ل: ۲: ز من؛ متن = ۱۴- ل: رسانید نزد پدر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵- (و: گیر و ببر)؛ برخی از دستنویس‌ها
 سرنویس دارند، ق: پیغام شیرویه به پدرش خسرو پرویز؛ ک: پیغام دادن شیرویه خسرو را ۱۶- ک: بگویند ۱۷- ل، ل، ۲ (نیز ل): این؛ ق:
 ک (نیز ق ۲، ل، ۳، ل، پ، ل، ۲، آ، ب): نبود این؛ س (نیز ل): از من نبدا این؛ متن = (و) ۱۸- (ل: ۳: که) ۱۹- ک: بد آن؛ ل ۲ (نیز پ): بدین؛ س، ق، س، ۲
 (نیز ل): راست این؛ متن = ل (نیز ل، ق، ۲، ل، ۳، و، ل، ۲) ۲۰- (ا: بدین بدگناه) ۲۱- ل- ل، ۲ (نیز ل: ب): چو؛ متن = ۲۲- ل، ل، س، ک،
 ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ل، ۲، و، ل، ۲، آ، ب): نیکویی؛ (ا: راستی)؛ متن = ق (نیز ق ۲، آ، ب): بنداری (۲۶- ۱۹): فقال لهما: تریدا أن ترکبا لی طیسفون، و
 تقولاً لأیننا: اعلم أن الذی جرى علیک ماکان لی فی ذنب، و لا لأحد من الإیرانیین بل کان ذلک جزءک علی سیرک القبیحة ۲۳- ق: بی‌باک؛
 (ل: تا پاک؛ آ: با پاک؛ ل: ۲: آنکه ناپاک)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۴- ل، ل، ۲ (نیز ل، ۲، آ، ب): بریزد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵- ل، ل، س،
 س، ۲ (نیز ل، پ، آ، ب): تن؛ ک، ل، ۲ (نیز ل، ق، ۲، و): ز تن؛ (ن: آ: همی)؛ متن = ق (نیز ل ۳) ۲۶- (نیز پ): بودی؛ متن = سیزده دستنویس
 دیگر ۲۷- س: برین؛ ق، س، ۲ (نیز ق، ل، ۲، ن، آ، ب): بران؛ (ل: بدین؛ ل: ۳: بدان؛ و: کسی)؛ متن = ل، ک، ل، ۲ (نیز ل، پ، آ، ب): ۲۸- ک (نیز ق ۲):
 پیش؛ متن = ۲۹- ل: گویدی داستان؛ س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل- ل، و، آ، ب): پر از درد کردی دل راستان = (۳۰- ب): متن = (ل، ن، ل، ۲)؛ بنداری؛ و
 أفعالک الذمیمه الّتی منها سعیک فی دم أوییک ۳۰- ل، ۲، ل، ۲، آ، ب): آنکه ۳۱- ق، ل، ۲، و، ب، این بیت را ندارند و در س، ل، ۲ پس از بیت ۳۲ آمده
 است ۳۲- ک (نیز ل): بدان؛ (ق: برین؛ ل: ۲: بران)؛ متن = ل (نیز ل ۳) ۳۳- (ل: ۳: که پیش کسی گوید این داستان = ۲۸- ب): س، ق، ل، ۲، س، ۲،
 ل، پ، و، آ، ب، این بیت را ندارند؛ بنداری؛ و بسطک ید الظلم فی رعیتک، و إجحافک بمن تحت أمرک؛ ک پس از بیت ۳۰ افزوده است:

دگر آنک فرزند آزادگان
 نیند یک تن جز از دار و چار
 ازین مرز تا آذربایگان
 به زندان درون کرده‌ای بی‌گناه

که بود اندر ایران همه نامدار^۴،
 ز بوم و بر و پاک‌بیوند خویش،
 پراگنده گشته به هر^۸ مرز و بوم!
 ز^{۱۱} هر گونه از تو چه^{۱۱} تیمار خورد،
 همان گنج و با گنج^{۱۲} بسیار چیز،
 بدان تا شود تازه آن مرز و بوم^{۱۳}،
 که قیصر به چوبی^{۱۶} همی شاد بود!^{۱۷}
 ز^{۱۹} نفرین به روی^{۲۰} تو آمد بدی!
 براندیش از آن^{۲۲} زشت‌کردار خویش!
 سَنَن را نخست^{۲۵} آستانه^{۲۶} منم!
 نجستم^{۲۸} که ویران شود گاه شاه^{۲۹}!
 بدین^{۳۱} نامدارانِ ایران بگوی!

سدیگر که^۱ چندان^۲ دلیر و سوار^۳
 نبودند شادان ز^۵ فرزند خویش
 یکی سوی چین بُد^۶، یکی^۷ سوی روم
 دگر آنک^۹ قیصر بجای تو کرد
 سپه داد و دختر ترا داد نیز
 ۳۵ همی‌خواست دار مسیحا به روم
 به گنج تو از^{۱۴} دار عیسی چه سود^{۱۵}
 ز بیچارگان^{۱۸} خواسته بستدی
 ز یزدان شناس اینک آمدت^{۲۱} پیش!
 ۴۰ بُد آن^{۳۳} بُد کزین بُد^{۲۴} بهانه منم
 به یزدان که از من نبود این^{۲۷} گناه
 کنون پوزش این^{۳۰} همه بازجوی

۱-ل: دگر آنک؛ س، ق (نیز لی)؛ و دیگر که؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲-ل(۳): که چندین سپاه) ۳-ل: سپاه؛ ک: سوار دلیر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴-ل: بدین پیشگاه؛ ک: همه شیرگیر؛ ل: ابوان همه نامدار؛ س (نیز ق ۲): که بودند از ایران همه نامدار؛ (و: که بودند ایرانی و نامدار)؛ متن = ق، س ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ب، ن، آ، ب) ۵-ل(ق ۲، و: به) ۶-س، ق، س ۲ (نیز لی، و، ب)؛ و: ک (نیز ق ۳، ل، پ، آ): شد؛ متن = ل، ل ۲ (نیز لن، آ) ۷-ل(ق ۲، ل: دگر) ۸-ل: ز هر؛ س (نیز لی، پ، و، ب)؛ همه؛ (ا: گشتند هر)؛ متن = ق-س ۲ (نیز لن، ق ۲، ل، ن ۲)؛ در ق‌لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ بنداری: و منها إساءة تک إلى جميع أجنادک بتفریقک بینهم و بین أولادهم وإخوتهم؛ فجهزت البعض الی الروم و البعض الی الصين ۹-ل(ن ۲: آنکه) ۱۰-ل(ب: به) ۱۱-ل(ق ۲، ل: نیز لن، و، ل، آ): گونه‌ای از تو؛ (ق ۲: بسی او به جای تو)؛ متن = ل، س، ک، س ۲ (نیز لی، ل، آ، ب، ب) ۱۲-س (نیز لی): گنج بی رنج و؛ (ق ۲، ل: نیز لن، و، ل، آ): گنج با گنج؛ و: گنج با رنج و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳-ق: کهنه بوم؛ ل: خرم آباد بوم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر (ل، و، آ: این) ۱۴-ل(نیز پ): آن؛ ک: در؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵-ل(نیز پ): کرد (؟)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶-ل، ک، ل ۲ (نیز ق ۲، ل: نیز ق ۲، ل: نیز لن، و، ل، آ، ب، حرف دوم بی نقطه؛ متن = ق، س ۲ (نیز لن، ل، آ) ۱۷-ل(نیز پ): ندادی تو از بهر ننگ و نبرد (؟)؛ س (نیز لی): که جویی همی تار (لی: گویی همی دار) راهمچو بود؛ بنداری (۳۴-۳۷): و منها إساءة تک أيضا إلى الروم، مع ما عملوا معک من الجمیل حین ردوک إلى ملکک و سلطانک، و لما استقام أمرک أرسلوا الیک یطلبون منک خشبة بالیة لا تضرو ولا تنفع فلم تسعفهم بها ۱۸-ل(ب: بیچارگی) ۱۹-ل(آ: به) ۲۰-ک: به پیش؛ ک پس از این بیت افزوده است:

بکشتی دو خال نکوخواه را	کز ایشانت بغروخت این گاه را
هر آن شه که بیداد را پیشه کرد	برآرد ازو این جهان دود و گرد
تو تا دادگر بودی و راست‌گوی	به تو دادگر بخت بنمود روی

۲۱-ل: آنج [آمد] به؛ ل ۲ (نیز ل ۳): آنکه آمدت؛ (لی: آنچه آمد به)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-ل(نیز لی، ل، ن ۲): زان؛ ک: از؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-ل، س، ک، ل، آ، س ۲ (نیز لن-ل، و، ب): بدان (=بد آن؟)؛ متن = (پ) ۲۴-ل(نیز ق ۲): که کردی؛ (لی: کران بد)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵-س (نیز لی): راستست؛ (ل: ها نخست)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶-ل(پ: نخستین نشانه)؛ ق این بیت را ندارد ۲۷-ل، ل، آ: نبد این؛ (ب: نیامد)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-ل: نبودم؛ متن = س-ب ۲۹-ل(ق ۲: تاج و گاه؛ ل، ن ۲، آ: کار شاه) ۳۰-س، ق (نیز لی)؛ آن: آن ۳۱-س ۲ (نیز ق ۲): بدان

کجا هست^۳ بر نیکوی^۴ رهنمای^۲،
بدین^۶ رنج‌هایی^۷ که بودت گزیر!^۸
شب و روز^{۱۱} ایشان به زندان گذشت^{۱۲}
ز بیم تو بگذاشتندی^{۱۴} نهفت

برفتند و دلها^{۱۶} پر از داغ^{۱۷} و درد
همه دیده پر آب و^{۲۰} دل پر ز خون
که بود اندر او^{۲۵} شهریار بلند
که گفתי زمین زو پر از جوش بود،
همان^{۲۹} تازی اسپان به برگشتوان،
کشیده همه تیغ و^{۳۲} پیراسته،
همه^{۳۴} دل پر از^{۳۵} آتش و باد داشت!

ز هر بد^۱ که کردی به یزدان گرای^۲
مگر مر ترا او بود^۵ دستگیر
دگر آنک^۹ فرزند بودت دو هشت^{۱۰}
به دربر کسی ایمن از تو^{۱۳} نخفت

چو بشنید پیغام او این^{۱۵} دو مرد
برین گونه تا^{۱۸} کشور طیسفون^{۱۹}
و زان^{۲۱} شهر^{۲۲} تا خان^{۲۳} ماروسپند^{۲۴}
نشسته به دربر گلینوش^{۲۶} بود
ابا جوشن و خود^{۲۷} بسته میان^{۲۸}
همه^{۳۰} لشکرش یکسر^{۳۱} آراسته
به چنگ اندرون گرز پولاد^{۳۳} داشت

۱-س-ب: ز بدها؛ متن = ل ۲-ل: گرا- رهنما ۳-س-ب: که اویت؛ متن = ل ۴-ل-س، ک، ل، ۲، س (نیز لن، لی، و، ل، ۲، ب): نیکویی؛ (آ: نیک و بد)؛ متن = ق (نیز ق ۳، پ) ۵-ه(ق): او بود مر ترا؛ آ: همو بود ما را ز بد) ۶-و: برین) ۷-ل: رنجاها بر ۸-ق: ازین رنج‌هایی که بنمودی ای تیزویر (ل: در ل ۱-ل: ت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ بنداری (۳۸-۴۱ را ندارد و ۴۲-۴۴ را پس از ۴۶ آورده است)؛ و یبغی لک الان ألا تحیل ما ألم یک إلا علی أمر الله فتقلع عما کنت علیه و تنوب الیه. فلعل الله یاخذ بیدک، و یختم بالخیر عمرک ۹-ل(ن ۲، آ: آنکه) ۱۰-آ: دو هفت) ۱۱-س(نیز آ): روز از ۱۲-س: بگشت؛ س، ق (نیز ب): نوان درگذشت؛ ل: ۲: تواند گذشت؛ متن = ده دستویس دیگر؛ بنداری؛ و منها أنه کان لک سته عشر اینا فحبستهم أجمعین فشدت و نالهم و ضیقت خناقم ۱۳-س-س ۲ (نیز لن-ب): بدین (آ: برین) سرکشی (ل ۳: هر کسی؛ پ: سر کسی) از تو ایمن (ق ۲، ل ۳: ایمن از تو)؛ متن = ل ۱۴-ق، ک: بگذاشتی در؛ (ل ۳، ب: نگذاشتندی)؛ متن = یازده دستویس دیگر (در ل، ۲ حرف یکم بی نقطه)؛ بنداری: فکانوا معذبین فی یدک لیلا و نهارا یشکونک سرا و چهارا ۱۵-ل: شاه این؛ (لن ۲، این هر)؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۶-س، ق (نیز لی): برفتند یک دل؛ ک، ل، ۲، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۳-ب): برفتند دل‌ها؛ (لن: برفتند هر دو)؛ متن = ل ۱۷-س: باد ۱۸-س(نیز لی): بدین تادر؛ ک: برفتند تا؛ متن = دوازده دستویس دیگر (ق، ل ۲، و، لن ۲، ب: بدین) ۱۹-ل، ق، ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۳): طیسفون؛ (آ: طیسفون) ۲۰-ل(ی: جوع)؛ بنداری: فلما سمع خزاد و أسفاذ هذه الرسالة توجهنا نحو طیسفون ۲۱-ق(آ: از آن) ۲۲-س: دست؛ (لی، ب: دشت)؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۳-ل(ن: خوان) ۲۴-س(نیز لی، ب): مارسند؛ ک: مارویست؛ ل: مارویبند؛ س: ماروسفند؛ (ق: ماز و شدند)؛ متن = ق (نیز لن، ب-آ: حرف ششم در پ با سه نقطه)؛ (ل: بدان کاخ رفتند دل مستمند) ۲۵-ق(۲، پ، و، آ: آن)؛ ل، بنداری این بیت را ندارند؛ ک پس از این بیت افزوده است:

دو موبد پر از غم همی‌رانندند سخن‌های خسرو همی‌خواندند

۲۶-ل (نیز و، ب، بنداری): کلینوس ۲۷-ل: خود و ۲۸-پ: و تیغ گوان) ۲۹-س، ق، ک، س، ۲ (نیز لن-ل ۳، و، ب): همه؛ ل ۲: همی؛ متن = ل (نیز ب)؛ درل این بیت و بیت سپین پس و پیش شده‌اند ۳۰-ب: همان) ۳۱-ک: همه تگیری (؟) لشکر ۳۲-س، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، لی، ل ۳، و، آ، ب): جوع؛ (ق ۲: همه تیغ‌ها را به)؛ متن = ل (نیز ب، لن ۲)؛ ق این بیت را ندارد ۳۳-ک: فولاد؛ (آ: و کوبال) ۳۴-ب: همان) ۳۵-ل: (به جنگ اندرون)؛ بنداری: فلما قربا من المحبس صادقا کلینوس الموکل به قاعدا علی بابہ مع رجاله فی عددهم و أسلحتهم

فرود آمدند این^۲ دو دانا از^۳ اسپ،
 ز دیدار ایشان بید^۴ شادمان!
 همی^۵ مهتر نامور خواندشان!
 زبان^۶ را به آب دلیری بست!
 به آرام تاج کیان^۸ بر نهاد،
 که شیروی بر^{۱۲} تخت شاهنشهیست،
 چه داری همی، کیست^{۱۴} بدگمان؟!
 به کام تو بادا همه کار کرد،
 کجا آهنین بود پیراهنم^{۱۶}،
 سزایی که گوهر برافشانمت،
 که خورشید^{۲۰} بادا نگهدار^{۲۱} تو،
 پس آنگه سخن های من^{۲۲} بازجوی^{۲۳}!
 به خسرو مرا چند پیغام^{۲۴} داد
 پیام^{۲۸} جهاندارشاه^{۲۹} رمه
 که داند سخن ها چنین^{۳۲} یاد کرد،
 بسی اندرین پند و اندرز داد^{۳۳}،

جو خراد برزین و اشتا^۱ گشسپ
 ۵۵ گلینوش بر پای جست آن زمان
 به جایی که بایست بنشاندشان
 سخن گوی^۶ خراد برزین نخست
 گلینوش را گفت: فرخ قباد
 به^۹ ایران و نیران^{۱۰} و روم^{۱۱} آگهیست
 ۶۰ تو این جوشن و خود و گرز و کمان^{۱۳}
 گلینوش گفت: ای جهان دیده^{۱۵} مرد
 که تیمار بردی ز نازک تنم
 برین مهرب^{۱۷} آفرین خوانمت
 نباشد^{۱۸} جز از^{۱۹} خوب گفتار تو
 ۶۵ به کاری کجا آمدهستی بگوی
 چنین داد پاسخ که فرخ قباد
 اگر^{۲۵} باز خواهی^{۲۶}، بگویم^{۲۷} همه
 گلینوش^{۳۰} گفت: ای گرانمایه^{۳۱} مرد
 ولیکن مرا شاه ایران قباد

۱-س-س^۲ (نیز لی، ق^۲، و-ب): استا؛ (ل^۳، آذر)؛ متن = (ن، پ) ۲-س، ق، ک (نیز لی، پ، ن، ا، ۲، ب): آن؛ متن = ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۲، و)
 ۳-س-س^۲ (نیز لی-ب): ز؛ متن = (ن)؛ ل این بیت را ندارد ۴-ل: نبد؛ درل، س، ق، ک، ق^۲، و^۲، و حرف یکم بی نقطه ۵-س، ک (نیز ل^۲،
 پ): همه؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقام و تلقاهما و اکرهما و اجلسهما ثم سألهما عن مجئهما ۶-س، ک (نیز لی، ب):
 سخن گفت؛ ق: همی گفت؛ (و: جهان دیده)؛ متن = ل، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۲، پ، ن، ا، ۲، ب، ۱۰) ۷-س: زوان؛ (ن: زفان؛ و: زمین) ۸-س، ق،
 س^۲ (نیز ق^۲، لی، و-ب): کیی؛ متن = ل، ک، ل^۲ (نیز لن، ل^۲، پ) ۹-ک: بر ۱۰-ل-ل^۲ (نیز لی، ق^۲، ب): توران؛ متن = س (نیز لن، ل^۲، ا)
 ۱۱-س: از آن؛ (ق: کنون؛ لی: ازو)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲-و: (با) ۱۳-ل: گیر و کمان؛ ق، ل: گرز گران؛ (ن: گرز گوان)؛
 متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-س (نیز لی): جویدت؛ (ب: جستن)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵-ل: (پسندیده) ۱۶-ن این
 بیت را ندارد ۱۷-س: بران؛ (ق: آرزین؛ لی: بدان؛ و: بدین)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ن این بیت را ندارد ۱۸-ن: (مبادا) ۱۹-ل (نیز
 پ): بجز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰-ک: خورشید؛ (ق: خرسند) ۲۱-ق: جهاندار؛ ل: مه و یار؛ س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز لی، ن،
 پ-ب): باد از جهان یار؛ متن = ل؛ ق این بیت را ندارد ۲۲-ق: سخن ها همه) ۲۳-ل: (بازگو)؛ ک پس از این بیت افزوده است:

کسی کو نگیهان خسرو بود سلیحش به تن در همه نو بود

۲۴-س (نیز و): بسی اندرین پند و اندرز (۹=ب)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق پس از این بیت افزوده است:

بسی پند و اندرزها یاد کرد کجا هر چه او کرد بر داد کرد

۲۵-س^۲ (نیز ب): از او؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶-س (نیز ل^۲، پ، ن، ا، ۲، ب): بار خواهی؛ ق: بازجویی؛ س: بار خواهم؛ ک: ولیکن
 مرا آن ۲۷-ق: (بجویم) ۲۸-س (نیز لی): بنزد؛ (ل: بنام)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹-س (نیز ب): پیش؛ و بیت های ۶۷-۶۹ را
 ندارد؛ بنداری (۵۷-۶۷): فقال خراد: إن شیرویه حملنا رسالة الی برویز، و جئنا لأدائها الیه (۶۵، ۵۷) را ندارد) ۳۰-ل، س: بنداری: کلینوس
 ۳۱-ق: جهان دیده ۳۲-ل، ک (نیز ب): همه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۳-س (نیز لی): به خسرو همان چند پیغام داد (۶۶=ب)؛ (ق: ل^۲،
 ل: بسی پند و اندرزها کرد یاد (ل^۲، یاد داد))؛ متن = ده دستنویس دیگر

که کس^۲ پیش خسرو گشاید دو^۳ لب،
 اگر پارسی گوید^۵، ار پهلوی!
 من اندر نهانی ندارم پیام،
 سر سرکشان در کنار^{۱۰} آورد!
 بدان تا بگویم پیامش ز^{۱۳} شاه^{۱۴}
 همه بندها را به تن بر^{۱۸} بست^{۱۹}
 چنان چون نباید پرستارفش^{۲۰}
 مبادا دل تو نژند از بدی^{۲۱}،
 پیام آوریدند از آن^{۲۴} بارگاه
 که این رای تو با خرد نیست^{۲۵} جفت،
 بدین^{۲۷} تنگ‌زندان ز بهر چم^{۲۶}،
 اگر کز^{۳۰} گویند^{۳۰}، اگر^{۳۱} راه راست!
 بگفت^{۳۲} آن^{۳۵} سخن گفتن پهلوان^{۳۶}:

۷۰ که همداستانی مکن^۱ روز و شب
 مگر آنک^۲ گفتار او بشنوی
 چنین گفت اشتاد کای^۶ شادکام^۷
 پیامیست^۸ کان^۹ تیغ بار آورد!
 تو اکنون ز خسرو برین^{۱۱} بار خواه^{۱۲}
 ۷۵ گلینوش^{۱۵} بشنید^{۱۶} بر پای جست^{۱۷}
 بر شاه شد، دست کرده به کش
 بدو گفت: شاها انوشه بدی
 چو اشتاد و خزاد^{۲۲} برزین به^{۲۳} شاه
 بخندید خسرو، به آواز گفت
 ۸۰ گر او شهریارست، پس من کیم^{۲۶}
 که از من همی بار^{۲۸} بایدت^{۲۹} خواست
 بیامد گلینوش نزد^{۳۲} گوان^{۳۳}

۱-س: مگر (مکن) ۲-ل (نیز پ): که در؛ س: که گر؛ (و: مگر): متن = یازده دستنویس دیگر ۳-ل (نیز و): گشایی دو؛ (پ: گشایند):
 متن = دوازده دستنویس دیگر ۴-ل (پ، ن، آ، آنکه؛ و: بگویی) و ۵-ق (باشد): بنداری: فقال کلینوس: إن شیرویه امرنی ألا نمکن
 أحدًا یکلم بروریز إلا بما لا یخفی علیّ ۶-ل، ق-س: آ (نیز ق، آ، ب): استاد کای؛ س (نیز ن، ی، و، ن، آ): استا (ن: اشتا) که ای؛ متن = (پ)
 ۷-ق (نیکنام): ل بیت‌های ۷۲، ۷۳ را ندارد ۸-ل، ل (نیز و، ن، آ، ب): پیامست؛ متن = س، ق، ک، س، آ (نیز ن، ق، آ، پ، ی، آ) ۹-ل (ب: کو)
 ۱۰-ل (ب: زیر پای) ۱۱-ق، ک، ل (نیز ن، ق، آ، ی، آ، ب): بدین؛ متن = ل، س، س، آ (نیز و، آ) ۱۲-ک (نیز پ): راه خواه؛ (آ: راه جوی)
 ۱۳-س-س آ (نیز ن، ق، آ، ی، و-ب): بگویم پیغام؛ متن = ل (نیز پ) ۱۴-آ (روی): بنداری: فقال أسفاد: الرسالة التي معنا ليست برسالة
 سر. فاستأذن علی بروریز، و اسمع ما نخطبه به ۱۵-ل (نیز و): کلینوس ۱۶-س، ک (نیز و): بشنید و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر
 ۱۷-ک (نیز و): خاست ۱۸-ل (ی: در): ق: بند آهن به تن در؛ متن = ۱۹-ل: به هم برشکست؛ (و: بند و جوشن به خود کرد راست؛ ب: بر
 شاه شد دست کرده به کش = ۱۷۶)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰-ب این بیت را ندارد؛ بنداری: فقام و دخل علی الملک، و کفر فی خدمته
 ۲۱-ب این بیت را ندارد ۲۲-ل: استاد خزاد و؛ س-س آ (نیز ن، ق، آ، ل، و، آ، ب): استاد (ن: اشتا؛ آ: استا) و خزاد؛ (ل، ی، ن، آ: استا خزاد)؛
 متن = (پ) ۲۳-ل (ن، و، ل، ن، آ: ز؛ ل: ز؛ ح: به)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴-ل (نیز ل، ی): زان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ در ب
 لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ بنداری: فقال: أيها الملک إن علی الباب خزاد وأسفاد، وقد نفذنا من تلک الحضرة برسالة الیک، و
 هما یستأذنان فی الدخول ۲۵-س-س آ (نیز ن-ل-و-ب): که گفتار تو با خرد باد (ن: بود؛ ق: نیست)؛ متن = ل (نیز پ) ۲۶-ل (ن، آ، ن، آ، ب):
 ب: کیم-چهام؛ ک: کهام-چهام) ۲۷-ل (نیز و): درین؛ ک: برین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-ل (ی: یار؛ آ: باز) ۲۹-ل (ن: بایدت بار)
 ۳۰-ل: گویی؛ ک (نیز پ): گوید؛ (ی: بگویند؛ ن: آ: بپویند؛ آ: روید)؛ متن = س، ق، ل، آ، س، آ (نیز ن، ق، آ، ل، و، ب، آ) ۳۱-ل (ن، ی، و: گر)؛
 بنداری: فقبسم و قال: لست بملک حتی یحتاج الی الاستذنان فی الدخول علیّ؛ ک: پس از بیت ۸۱ افزوده است:

بگو تا بیایند نزدیک ما درفشان کند رای تاریک ما

۳۲-ق (آ: پیش) ۳۳-س، ق، ی، س آ (نیز ل، ی، ب): مهان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴-ل: نگفت؛ در س، ل، ک، ب حرف یکم بی نقطه؛ متن =
 یازده دستنویس دیگر ۳۵-ل (نیز ل، ی): این؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۶-ق، ل، آ، س، ق، ل، آ، س (نیز ن، ل، ی، و): خسروان؛ متن = ل، ک (نیز
 ق، ل، ن، آ، ب)

بگویند و گفتار او بشنوید!^۱
 به دستار^۲ چینی بیستند^۳ روی،
 بودند هر دو^۴ زمانی دراز
 نبشته همه^۵ پیکرش میش^۶ و گرگ،
 سراسر یک^۷ اندر دگر تافته^۸،
 پس پشت او مسندی^۹ لاژورد^{۱۰}،
 دژم خفته بر جایگاه نشست،
 به دانایی اندر سر مایه^{۱۱} را،
 -جهان آفرین را نهان^{۱۲} یار خواست،
 بدان تا ببرد ز هر دو رهی،
 بی آزار گردان ز^{۱۳} مرقد گذشت^{۱۴}،
 همی گشت تا شد به روی زمین^{۱۵}

کنون دست کرده به کش، درشوید
 دو مرد خردمند^{۱۶} پاکیزه گوی
 ۸۵ چو دیدند^{۱۷} بردند پیشش نماز
 جهاندار بر شادوردی^{۱۸} بزرگ
 همان^{۱۹} زَر و گوهر پرو^{۲۰} بافته^{۲۱}
 نهالیش در زیر، دیبای زرد
 بهی بی^{۲۲} تناور^{۲۳} گرفته به دست^{۲۴}
 ۹۰ چو دید آن دو مرد^{۲۵} گران سایه^{۲۶} را
 از آن خفتگی خویشتن کرد راست
 به بالین^{۲۷} نهاد آن گرامی بهی
 بهی زان دو بالش ز^{۲۸} نرمی بگشت
 بدین^{۲۹} گونه تا^{۳۰} شادورد^{۳۱} مهین^{۳۲}

۱-ک پس از این بیت افزوده است:

خرد را بدین جایگه راه نیست

وگر تان گمان است کوشاه نیست

۲-ل: خردمند و متن = س-ب-۳- (ق: آ: دیبای: پ: دستان) ۴-ل: پوشید؛ متن = س-ب: بنداری: فخرج و رفع دونهما الحجاب فتلتما
 بمندیلین إمامن الحیاء أو من الهیبة ۵-س (نیز ل: ب): رفتند: ق: رفتند و؛ متن = یازده دستویس دیگر ۶-ل: آ: بر یا؛ بنداری: و دخلا
 علیه فسجد له ثم مٹلا قانمین بین یدیه ۷-ل: ق: ل: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۳، پ): شادورد: ک: شاه ورد؛ (ن: شادروان؛ آ: شاه اورمز)؛ متن = س،
 س ۲ (نیز ل: و، ب): ۸-ل: نوشته همی؛ س-س ۲ (نیز ل: ب، و، ل: ۲، پ): نبشته (نبشته) همه؛ متن = (ق: ل: ۲، آ: ۱؛ ل: ۱)؛ (ب: آ: ۱)
 ۱۰-س، گ، ل: ۲، س ۲ (نیز ل: ۳، و، ب): همه؛ متن = ل (نیز پ) ۱۱-ل: ۲ (نیز ل: ب): بدو؛ (پ: بران) ۱۲-ک: تافته -یافته؛ (ل: ب: یافته -یافته)
 ۱۳-س، س ۲ (نیز ل: ب): یکایک سر؛ متن = ده دستویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۱۴-ل: س (نیز ق: ۲، ل: ۲، و، ل: ۲): مسند؛ (ب: بسند)؛
 متن = ق-س ۲ (نیز ل: ۲، پ، آ): ۱۵-س، ق، ک، س ۲ (نیز ل: ۳، ل: ۱، ب): لاجورد؛ متن = ل، ل: ۱۶-ل: س ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، و، ل: ۲): بنداری: و هو قاعد علی بساط
 کبیر منسوج من الذهب، مرصع باللؤلؤ و الجواهر، و تحته لحاف من اللیباچ الأصفر ۱۷-ل: ل (نیز ل: ب): تراور (در ل: بی نقطه)؛ (و: داشت از زر)؛ متن = ده دستویس
 ل: ۲، ل: ۲): بهی؛ ق: یکی به؛ (ل: ب: بهی)؛ متن = (ل: ب) ۱۸-ک: نشستن گهی باز گسترده بست (!)؛ (ق: آ: بهی راهمی برگرفته به دست)؛ بنداری: و فی یدیه سفرجله، و هو محزون منکب
 علی وسادة عنده ۱۹-ق: گورد ۲۰-ل: س، گ، ل: ۲ (نیز ل: ۲، ل: ۲، آ، ب): گرانمایه؛ (ل: گران پایه)؛ متن = ق، س ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، و) ۲۱-ق: دو
 پر مایه؛ ک: سران مایه؛ (ل: گران سایه)؛ ق: آ: و فرهی پایه)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۲- (و، ب): همی؛ ل: جهان آفریننده را؛ متن =
 دوازده دستویس دیگر؛ ک پس از این بیت افزوده است:

یکی زو دمنده چو بوی بهان

بهی داشت در دست شاه جهان

۲۳-ق: ل: ۲، س ۲ (نیز ل: ۲، و، ب): بالش؛ متن = ل، س، ک (نیز ق: ۲، ل: ب) ۲۴-ق: س ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، آ، ب): ل: آ: جز؛ (ب: بالین)؛ س (نیز
 ل: ب): زان ز بالین؛ (ل: آ: ز بالش به)؛ متن = ل، ک (نیز پ، و) ۲۵-س-س ۲ (نیز ل: ب، و، ل: ۲، آ، ب): آ: کرد و به)؛ متن = ل ۲۶- (ل: آ: ز
 مسند بگشت؛ پ: ز مسند گذشت) ۲۷-ل: ۲ (نیز ل: ق: آ): برین؛ س ۲ (نیز ل: ب): بدان؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۸-ل: ۲ (نیز ل: آ: ز: ل: آ:
 بر)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۹- (ل: شادروان) ۳۰-ک، ل: ۲ (نیز ل: ل: آ): همی -زمی؛ (ل: همی -زمین)؛ متن = ده دستویس
 دیگر؛ بنداری: فاستوی لهما و وضع السفرجله علی الوسادة فلزقت و سقطت علی اللحاف و تدرجت حتی نزلت من البساط إلی
 الأرض

بمالیدش^۳ از خاک و بر سر گرفت
بدان تا بدید^۷ از^۸ بهی رنگ و بوی^۹
همی بود بر پای پیش این^{۱۰} دو مرد
ندید اندرو^{۱۲} هیچ فالِ بهی!
چُنین گفت کای^{۱۳} داور راست‌گوی،
که پیوند آن را که تو بشکنی؟!
غم آورد، چون روز شادی^{۴۰} گذشت^{۴۱}!
از آن بی‌منش^{۴۴} کودکی زشت‌کام^{۴۵}،
ز بی‌دانشی ویژه بی^{۲۷} رامش‌اند،
بداندیشه^{۲۹} و تیره‌دل بندگان^{۳۰}،
نماند بدین^{۳۳} تخمه^{۳۴} کس شادمان،
تبه گردد این^{۳۶} خسروانی درخت،

۹۵ بپوید^۱ اشتاد^۲ و آن برگرفت
جهاندار از^۴ اشتاده^۵ برگاشت^۶ روی
بهی را نهادند بر شادورد
پُراندیشه^{۱۱} شد نامدار از بهی
همانگه سوی آسمان کرد روی
۱۰۰ که برگرد^{۱۲} آن را که تو بفگنی^{۱۵}!
چُن^{۱۶} از دوده‌یی^{۱۷} بخت^{۱۸} روشن بگشت^{۱۹}
به اشتاد^{۲۲} گفت: آنچه^{۲۳} داری پیام
و زان بدسگالان که^{۲۶} بی‌دانش‌اند
همان زان سپاه پراگندگان^{۲۸}
۱۰۵ - بخواهد شدن بخت^{۳۱} ازین^{۳۲} دودمان
سوی ناسزایان شود^{۳۵} تاج و تخت

۱-ل: ببوسید؛ س (نیز لی): دو تاگشت؛ ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ق، ۲، ل، ۳، ل، ۲، ۱): بپوید (=بپوید؟): ک: ترسید؛ (ب: ببوسید و): متن = (پ، و)
۲-ل-س، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۱، و، ل، ۲، ب: اشتاد؛ (ل: اشتاد؛ (ل: اشتاد؛ آ: استا؛ بندهاری: آسفاد؛) متن = (پ) ۳- (ل: بمالید؛) بندهاری: بنادرها آسفاد، و
آنخذا من الأرض، و مسح التراب عنها، و وضعها علی رأسه ثم خطها بین یدیه ۴-ل (نیز ل، ۲، ۳): ز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر
۵-ل-س، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۱، و، ل، ۲، ب: اشتاد؛ (ل: اشتاد؛ آ: استا؛) متن = (پ) ۶- (ل: برگاشت ز استاد) ۷-ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ب، و،
ل، ۲): ندید؛ در ل، س حرف یکم بی نقطه؛ متن = ک (نیز ق، ۲، ل، ۱، ل، ۳، ب) ۸- (ق: آن؛ ل: کو بدید آن) ۹- (آ: چنن گفت کای داور
راست‌گو = ۹۹ب) ۱۰- (ق: آن)؛ آ بیت‌های ۹۹، ۹۷ و ۹۶ و ۱۰۰ پس و پیش شده‌اند ۱۱- (ب: بداندیشه)
۱۲- (ق: آ: از بهی)؛ ل، ۲: ندیدند از و ۱۳-ک: ای ۱۴-ک: که گیر مر؛ ل، ۲: که بردارد ۱۵-ل: افگنی؛ متن = س-ب: بندهاری: فاعرض برویز و
تطیر من تدرج السفرجله، و امثلاً هماً ثم رفع رأسه الی السماء و قال: إلهی: لا رافع لمن وضعت، و لا جابر لمن کسرت ۱۶-ل-ل، ۲
(نیز ل-ب: ب: چو؛ متن = س، ۲ ۱۷-ل (نیز ق، ۲): دودمان؛ ک: دوده‌ات؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸-ل، ۲ (نیز لی): تخت (!) ۱۹-ک:
نگشت؛ (و: کنی) ۲۰-ل: روشنایی (؟)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱- (و: غمش پیش شادی چو جوشن کنی)؛ ل، ۲ این بیت را
ندارد ۲۲-ل-س، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۱، و، ل، ۲، ب: اشتاد؛ (ل: اشتاد؛ بندهاری: آسفاد؛) متن = (پ) ۲۳-ق، ل، ۲ (نیز ل-ب): آنچه؛ متن = ل، س، ک، س، ۲
(نیز ل، ق، ۲) ۲۴-ق: بی خرد ۲۵-س-س، ۲ (نیز ل-ب): نام؛ متن = ل ۲۶-س-س، ۲ (نیز ل، ل، ب: همه بدسگال‌اند و؛ متن = ل ۲۷-ق:
کم؛ (و: نیز بی؛ ل، ۲: ویژه؛ ق، ۲ این بیت را ندارد؛ در س-س، ۲، ل، ب-ب این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است و ک در میانه آنها
افزوده است:

چه داری نهفته بیاور بگویی بران بی‌گناهی و با آب روی

۲۸-س-س، ۲ (نیز ل، ل، ب: ب: هم از نزد (ل: دست؛ ل: راه؛ ل، ل، ۲، ۱): همان راز) مشتق (ق، ل، ۲، س، ۲، ل، ۲، و، ل، ۲، ب: معجب؛ ک، ب:
همان زان پلید) گنه کردگان (و: پرستندگان؛ ق، ۲: همان از گنهکار بدبندگان؛ آ: هم از نامداران و وز بردگان)؛ متن = ل ۲۹-ل، س، ل، ۲،
س، ۲ (نیز ل، ل، ب: بر اندیشه؛ (ل: بر اندیشه)؛ متن = ق، ک (نیز ب، و، آ) ۳۰-س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ل، ب: بردگان؛ متن = ل،
ق (نیز ل، و، آ، ب)؛ ق، ۲: بداندیش تیره‌روان کردگان) ۳۱-ل، ۲ (نیز ل، ۲): تخت؛ در ل، ک، ل، ب، ل، و-ب حرف یکم بی نقطه؛ متن = س، ۲ (نیز ب)
۳۲-ل: زین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۳-ل: درین؛ ق (نیز و): ازین؛ (ل: برین)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴- (دوده)؛ ق، ۲ این
بیت را ندارد ۳۵- (و: دیگران گردد این) ۳۶- (ل، ۲، ۳، ل، ۲، ۱): آن؛ ق، ۲ این بیت را ندارد

پر از غم^۱ شود جان آن^۲ کو مهست،
 نه بر دوده^۴ و خویش و پیوند ما^۳،
 بدین^۷ دوده^۸ بدگوی و بدتن شوند،
 که بی بر^۹ شود تحخت شاهنشهی^{۱۰} -
 پیامش^{۱۳} مرا کمتر از آب جوی^{۱۴}!
 سخن هر چه^{۱۸} فرزند او یاد کرد^{۱۹}
 بر آورد^{۲۱} بیجان^{۲۲} یکی باد سرد^{۳۳}!

سرافراز گردد کسی کو کهست
 نماند بزرگی به فرزند ما^۳
 همه دوستان ویژه دشمن^۵ شوند^۶
 ۱۱۰ نهان آشکارا بکرد این بهی
 سخن هرج^{۱۱} بشنیدی اکنون^{۱۲} بگوی
 گشادند^{۱۵} گویازبان^{۱۶} این^{۱۷} دو مرد
 جهاندار بشنید گفتار مرد^{۲۰}

گفتار اندر پاسخ دادن خسرو پرویز پیغام شبرویه را^{۲۴}

یکایک ببر سوی سالار نو،
 جز آنرا که برتابی از ننگ^{۲۷} روی!
 مماناد گویای این تندرست^{۲۹}!
 ز^{۳۳} گفتار بیهوده شادان شود،
 که مغزت به دانش سخن^{۳۶} پرورد^{۳۷}!

بدان^{۲۵} نامور گفت: پاسخ شنو
 ۱۱۵ بگوش که زشت^{۲۶} کسان را مجوی
 سخن هرج^{۲۸} گفتی، نه گفتار^{۲۸} توست
 مگوی^{۳۰} آنچه^{۳۱} بدخواه تو بشنود^{۳۲}
 بدانند^{۳۴} که چندان نداری^{۳۵} خرد

۱- (آ: بیم) ۲- س-س (نیز لی، ب): او؛ (و: هر)؛ متن = (لن، ق: ل، آ: ل، ب: این بیت را ندارند ۳- من: متن = س-ب ۴- س، ق، ل (نیز لن، لی، و، لن، آ: ب): در تخمه و ک: درین تخمه؛ س: آ: بر تخمه و؛ (ل: آ: در تخمه؛ آ: یاد دوده و)؛ متن = ل (نیز ق: آ: ب) ۵- (ق: آ: دشمنان ویژه ایمن) ۶- (ل: آ: شوید) ۷- (لن: برین؛ لن: آ: وزین) ۸- ک، ل، آ (نیز ق: ل، آ: گونه؛ آ: تخمه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹- ل: تو؛ (لن: بن)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- ل: شاهی تھی؛ متن = س-ب: بنداری (۱۰۱-۱۱۰): ثم قال لأسفاد: إن هذه السفرجلة أخیر تنا بخروج الملك من یدنا و ایدی اولادنا و مصیره الی غیرنا (= ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۰) ۱۱- س-ل (نیز لن: ب): هر چه؛ متن = ل ۱۲- ق: از وی؛ (لن: آ: آنجا)؛ س: آ: بدو گفت چه شنیدی اکنون ۱۳- ل: نباشد؛ (ب: نیایش)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۴- ل، ک: روی؛ (آ: خوی)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در ل^۲ بیت های ۱۱۱ و ۱۱۶ پس و پیش شده اند و ۱۱۴ و ۱۱۵ پس از ۱۱۷ آمده اند ۱۵- (و: بگفتند) ۱۶- (لن: زفان) ۱۷- ق (نیز ق: آ: و): آن ۱۸- ق: برو آنچه؛ متن = ل ۱۹- ل، ک (نیز لن): بر آورد بیجان یکی با سرد (= ۱۱۳)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- (ق: آ: گفتارشان) ۲۱- ل: آ: بیاورد ۲۲- (لی: از دل) ۲۳- (ق: آ: بیچید از آن نامور سرکشان)؛ ل، ک، لن این بیت را ندارند (= ۱۱۲) ۲۴- س: پاسخ پیغام شبرویه از پدرش خسرو پرویز؛ ق: پاسخ دادن خسرو پرویز پیغام شبرویه را؛ ک: پاسخ خسرو به شبرویه؛ ل، ل، آ، س ۲ س: سرنویس ندارند؛ متن = ق ۲۵- ق: چنان؛ س: آ: یکی ۲۶- س-س (نیز لن: ب): عیب؛ متن = ل ۲۷- س-س (نیز لن: ب): جز (لن: چو) آنگه که برتابی از عیب؛ متن = ل ۲۸- س-س (نیز ق: آ: ب): هر چه؛ متن = ل (نیز لن) ۲۹- ل، ق (نیز ق: آ): گویازبانست درست؛ ل: گویایان و ما درست؛ (ل: آ: مبادی تو شادان دل و تندرست؛ و: مماناد بدگوی ناتندرست؛ آ: که گوینده این مبادا درست)؛ متن = س، ک، س (نیز لن، لی، ب، لن، آ: ب)؛ بنداری؛ ثم قال: فهات ما معک من عند ذلک الصبی الخیث الدخلة القصیر العمر. فاندفعا فی أداء الرسالة. فلما فرغا منها تنفس الصعداء و قال: احفظا الجواب و بلغاه الی شهریارکم الجدید، و قولاً: العاقل من شغله عیبه عن عیوب غیره ۳۰- ل، ق، ک (نیز ل، آ: ب): مگو؛ ل، آ: (نیز لی): بگوی؛ متن = س (نیز لن، ق: آ: و، لن، آ: ب)؛ آ: آنچه؛ ل، آ، س (نیز لن، ل، آ: ب): آنک؛ (ب: لن: آ: آنکه)؛ متن = ل ۳۲- ک: نشنود ۳۳- س-س (نیز لن، لی، و، ب): به؛ متن = ل (نیز ق: آ: ب) ۳۴- س، ق، س (نیز لی، ب): ندانی؛ متن = ل ۳۵- ل: بدان گاه خندان نداری (= چندان نداری؟)؛ (ل: آ: بدان گاه که چندین نداری)؛ متن = ک، ل (نیز لن، ق: آ: ب) ۳۶- ل، ق (نیز ل، و، لن، آ: ب): خرد؛ متن = ک، ل، س (نیز لن، ق: آ: ب، ب) ۳۷- (ق: آ: بشنود)

روان^۴ و خرد را پی آهو^۵ کنی!
 و زان^۸ پس جهاندار خواند^۶ ترا^۷،
 بگیرد^۹ کم و بیش کاری^{۱۰} به دست!
 که دشمن شود بر تویر شادکام!
 نهاده بدان^{۱۴} گیتی ام^{۱۵} خواسته ست!
 بنزد^{۱۷} بزرگان نگیری^{۱۸} فروغ!
 بدان تا بگویند^{۱۹} پیش ره!
 سخن گفتن راست یاری^{۲۱} بودا
 بدانی که از رنج ما خاست^{۲۴} گنج^{۲۵}
 - نه بی مست^{۲۶} و آن روزگار^{۲۷} کهن! -
 برآشفت^{۳۰} و شد کار زیر و زبر^{۳۱}
 از^{۳۴} ایران شب^{۳۵} تیره بی ره شدیم^{۳۳}
 به دام بلا در^{۳۷} نیابو یختیم
 جز از^{۴۰} جستن از شاه^{۴۱} راهم نبود

به^۱ گفتار بی بر چو^۲ نیرو^۳ کنی
 ۱۲۰ کسی کو گنهکار داند^۶ ترا^۷
 نباید که یابد بر تو نشست
 میندیش^{۱۱} ازین^{۱۲} پس برینسان^{۱۳} پیام
 به یزدان مرا کار پیراسته ست
 بدین گفتن^{۱۶} عیب های دروغ
 ۱۲۵ بیارم کنون پاسخ این همه
 پس از مرگ من^{۲۰} یادگاری بود
 چو پیدا کنم بر تو انبوه^{۲۲} رنج^{۲۳}
 نخستین که گفتی ز هر رمز سخن
 ز^{۲۸} گفتار بدگوی بر ما^{۲۹} پدر
 ۱۳۰ از^{۳۲} اندیشه ی او چو آگه شدیم^{۳۳}
 همان^{۳۶} راه جستیم و بگریختیم
 از^{۳۸} اندیشه ی او^{۳۹} گناهم نبود

- ۱- (لی: ز) ۲- (ل: بی وجه) ۳- (لن: ۲: نیکو) ۴- س: س ۵- (نیز لی: ب): زبان؛ متن = ل، ک، ل ۶- (نیز لن، ق: ۲، ل: ۲، پ، ل: ۲، آ، ا) ۷- ل، ک، ل ۸- س ۹- (نیز لن، آ): بی آهو؛ (نیز ق: ۲، ل: ۲، ک، ل: ۲، ب): بر آهو؛ (پ: بر آهو؛ لن: ۲: به آهو)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ق، و این بیت را ندارند
 ۱۰- س، ک (نیز لی، ل: ۲): خواند - خواند؛ س ۱۱- س ۱۲- (نیز لن، پ، و، لن: ۲، ب): خواهد - خواهد؛ (آ: خواند - داند)؛ متن = ق (نیز ق: ۲) ۱۳- (ل: ۲، آ: ۲)
 ۱۴- ل (نیز ق: ۲): از آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵- ل، ل ۱۶- (نیز و): بگیرد (حرف یکم بی نقطه)؛ س (نیز لن، لی، ل: ۲، ب، پ): بگیرد؛ ک (نیز ل: ۱): نگیرم؛ متن = ق، س ۱۷- (نیز ق: ۲، لن: ۲) ۱۸- ل: چیزی؛ متن = س - ب ۱۹- س (نیز لی): مه اندیش؛ ل: بیندیش ۲۰- لن: زین؛ متن = س - ب ۲۱- س، س ۲۲- (نیز لی، پ، آ، ب): بدینسان؛ ق: بدینسان؛ ک: بدین و؛ (ل: آ: ازینسان؛ و: بر من)؛ متن = ل (نیز لن، ق: ۲، ل: ۲، ک، ل: ۱۶- (نیز ل: ۲): بران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳- (ل: ۱۵- (ل: نهادم بران دل که او) ۲۴- ل، س (نیز لی، و، لن: ۲): گفتن و؛ ق: گفته و؛ ل ۲ (نیز لن): گفتنی؛ (ق: ۲: جستن؛ آ: برین گفته و)؛ متن = ک، س ۲۵- (نیز ل: ۲، ب، پ، ب) ۲۶- (پ: به پیش) ۲۷- ل، ک، ل ۲ (نیز و، لن: ۲، آ): نگیرد؛ (ب: ننداری)؛ متن = ل، س، ق، س ۲۸- (نیز لن، پ، س) ۲۹- س - س ۳۰- (نیز لن، لن: ۲، ب): بگویی به؛ (آ: بگویی تو)؛ متن = ل ۳۱- س، ق، ل: ۲، س ۳۲- (نیز لن، لی، ل: ۲، ب): ما؛ متن = ل، ک (نیز ق: ۲، ل: ۲، ب): ناری (بی نقطه)؛ ق، س ۳۳- (نیز ل: ۲): باری؛ س، ل ۳۴- (نیز لن: ۲): کاری؛ متن = (ل، لی، پ، آ) ۳۵- س، ک، ل ۳۶- (نیز لی، ل: ۲، و): اندوه؛ (لن: ۲: اندوه)؛ متن = ل، س ۳۷- (نیز لن، ق: ۲، ب، پ، آ): تو بر تاج و گنج ۳۸- ل: هست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۹- (ل: آ: گنج خواست رنج)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری بیت های ۱۱۷-۱۲۷ را ندارد ۴۰- س، ق، ل: ۲، س ۴۱- (نیز لن، لی، پ، لن: ۲، آ): بی (در س بی نقطه و در ق با یک نقطه: ل: تنی؛ لن: پنی؛ آ: بی) و سست؛ متن = ک: نیی ۴۲- ل: بیهوده از آرزوی؛ (ق: ۲: از آن بیهوده روزگار؛ ل: از آن چشم و آن روزگار؛ و: از آن سست پی روزگار) ۴۳- (آ: به) ۴۴- ل: ما؛ متن = س - ب ۴۵- (نیز لن، پ، آ): بیاشفت؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴۶- (ل: روزگارش ببر!) ۴۷- ل ۴۸- (نیز لن، ل: ۲، آ): ز ۴۹- س، ک: کم؛ (و: شدم) ۵۰- (نیز لن): ز ۵۱- س (نیز لی): سوی؛ (ب: شده)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در بیت های ۱۳۰ و ۱۳۲ پس و پیش شده اند؛ ک پس از این بیت افزوده است:

مرا خود همی خواست کشتن به زهر ندیدم جز از رفتنم پای زهر

- ۳۶- س (نیز لی، پ): همه؛ ق - س ۳۷- (نیز لن، ق: ۲، ل: ۲، و، ب): همی؛ متن = ل ۳۸- ل، س، ک، س ۳۹- (نیز لن، لی، ب): بر؛ متن = ق، ل ۴۰- (نیز ق: ۲) ۴۱- (لن: ۲: روز؛ آ: ز) ۴۲- ک: اندیشه کو ۴۳- (پ: و: بجز) ۴۴- س (نیز ق: ۲، لی، لن: ۲، آ): جستن شاه؛ ل: جستن ازار (۴۵): به کشتن شاه؛ متن = ل، ق، ک، س ۴۶- (نیز لن، پ، و): ل این بیت را ندارد

ز^۲ بر د^۳ برفتم^۳، چو گوش آن^۴ شنید
 بیاراست^۶ در^۷ پیش من^۸ رزمگاه
 بدان تا نیایم^{۱۰} مر^{۱۱} او را^{۱۲} به چنگ
 دلاور به جنگش^{۱۴} فراز آمدم
 جهانی بران^{۱۶} جنگ نظاره بود
 که اویست بر نیک و بد رهنمای^{۱۸}،
 همه کار بهرام ناکام^{۲۱} گشت!
 نخستین به کین^{۲۵} پدر تاختم^{۲۶}
 به هر کشوری بی‌همالان بُدند،
 به دل مهربان و^{۳۱} به تن خویش من،
 نکردیم سستی به خون^{۳۳} پدر،
 کجا^{۳۴} کرد بر^{۳۵} شاه تاریک جای!
 ز گیتی یکی گوشه‌یی برگزید،
 سر و رای^{۳۷} خون‌خوارگان^{۳۸} گشته شد!

شنیدم که بر شاه من^۱ بد رسید
 گنهار بهرام خود^۵ با سپاه
 ۱۳۵ ازو نیز^۹ بگریختم روز جنگ
 و زان^{۱۳} پس دگر باره باز آمدم
 نه^{۱۵} پر خاش بهرام یکباره بود
 به فرمان یزدان نیکی فرای^{۱۷}
 چو ایران و نیران^{۱۹} به ما رام^{۲۰} گشت
 ۱۴۰ چو از جنگ^{۲۲} چوینه^{۲۳} پرداختم^{۲۴}
 چو^{۲۷} بندوی و گسهم خالان بُدند
 فدی^{۲۸} کرده^{۲۹} جان را همی^{۳۰} پیش من
 چو خون پدر بود و درد^{۳۲} جگر
 بریدیم بندوی را دست و پای
 ۱۴۵ چو گسهم شد^{۳۶} در جهان ناپدید
 به فرمان ما ناگهان کشته شد

۱- (ل: ق: ما) ۲- ل: آ: چو ۳- س: بری شد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۴- ق: این؛ (ل: و، ل: آ: گوشم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵- ل: بد؛ متن = س: ب ۶- (ل: آ: برآراست) ۷- ی: س، ی: ل، آ: س (نیز ل: ن: پ، آ: ب)؛ بر: متن = ل، ق: (نیز و: ن، آ) ۸- س: ق، ل: آ، س: آ (نیز ن: ل: ی: ب)؛ ما: متن = ل، ک: (نیز ق: آ) ۹- ل: ازو من چو؛ متن = س: ب ۱۰- (ل: ی: بیایم؛ ب: بیایم) ۱۱- ل: ق: ی ۱۲- (نیز ن: ق، ل: آ، ب)؛ من: متن = س (نیز ل: ی، و: ل، آ: ب) ۱۳- (ل: نیارد مرا او)؛ بنداری (۱۲۸-۱۳۵)؛ اما قولک: سعیت فی دم ابیک فاعلم أنه لایخفی علی العالمین أن المفسدین سعوا بیننا و بینه حتی خفنا علی أنفسنا فأثرنا ترک الوطن، و خرجنا من دار الملک الی أن جری ما جری ۱۴- ل: (نیز ق: آ)؛ از آن: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۴- ق: به جنگش دلاور؛ بنداری؛ و لما رجعنا دهمننا قتال بهرام و تابعت محنه الی أن جلونا الی الروم؛ ک: پس از بیت ۱۳۶ افزوده است:

چو آشفته‌اختر ز ما درگذشت همان رفت و دولت به من بازگشت

۱۵- (ل: به) ۱۶- (ل: ی: بدان)؛ ل: جهان‌دیده بر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷- س: ی، س: ی (نیز ل: ی، ب)؛ نیکی‌نمای؛ ق: نیکی‌نما؛ (ل: نیکی‌گرایی)؛ متن = ل، ک: ل (نیز ن: ق، آ، پ، آ) ۱۸- ق: رهنما ۱۹- ل: ی (نیز ق: آ)؛ توران؛ (آ: بیران)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- ل: س، ق: س (نیز ق: آ، ن: آ، ب)؛ به آرام؛ (آ: مرارام)؛ متن = ل (نیز ن: ل) ۲۱- ک: باکام؛ (و: بی‌کام؛ ل: بدرام)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲- س: (نیز ل: ی)؛ کار؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳- (ق: آ: بهرام) ۲۴- ک: (نیز ل: ن)؛ پرداختیم ۲۵- ی: خون ۲۶- ق: (نیز ب: ساختم؛ ک: (نیز ن: ن)؛ ساختیم؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷- (ب: که) ۲۸- ل: فدای؛ س، ق: ک، س (نیز ق: آ)؛ فدا؛ متن = ل (نیز ن: ب) ۲۹- س: (نیز ل: ن، ل: ی، آ: ب)؛ کرد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰- ل: ق، ک: (نیز ق: آ، ل: آ)؛ همه؛ (آ: بتن)؛ متن = س، ل: س (نیز ل: ن، ل: ی، ب، و: ل، آ، ب) ۳۱- ل: هم زبان و؛ ک: ل (نیز ل: ن)؛ مهربان بد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲- (پ: کین) ۳۳- ق: کار؛ (ل: آ: کین) ۳۴- س: س (نیز ل: ن: ب)؛ که؛ او؛ متن = ل ۳۵- س: (نیز ل: ی)؛ کرده بد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری (۱۳۷-۱۴۴)؛ ثم لما رزقنا الظفر وعدنا الی منقرنا افتتحنا بالانتقام لآبینا فقطلنا أطراف بندویه و قتلناه ۳۶- (ق: آ: بد) ۳۷- ل: روی؛ (ق: آ: پای؛ ب: آ: سربخت)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۸- (آ: آن پهلوان)؛ بنداری؛ و تبعنا کسهم حتی فرغنا منه کما ذکر - و هما اللذان لایخفی غناؤهما، و ما نبت لهما من الحقوق حیث جملا أرواحهما و قایة لنا، و خاصا غمرات المهالک دوننا. فلم نبال بذلک حتی أهلكناهما طلبا لتشفی و الانتقام

از آن تنگ‌زندان و بازار^۳ خویش،
نیاید^۶ کزان بر سرش بد رسد،
همان نیز^۹ خواری و بیم گزند
همه^{۱۱} گنج پیش شما داشتم^{۱۲}
نه بیکار و^{۱۶} بر دیگر آیین^{۱۷} بدیم^{۱۵}
ز کاری^{۲۰} که اندرخور^{۲۱} مهتران،
ز دینار و از^{۲۳} گوهر و یوز و باز
همی‌زیستید^{۲۵} اندرو شادکام
که ما را همی از تو دادی هراس،
بینداختم^{۲۸} اخترت را ز دست^{۲۹}

دگر آنک^۱ گفتی تو^۲ از کار خویش
بدان^۴ تا ز فرزند ما^۵ کار بد
به زندان نئید^۷ بر شما تنگ^۸ و بند
۱۵۰ بدان روزتان خوار نگذاشتم^{۱۰}
بر^{۱۳} آیین شاهان پیشین^{۱۴} بدیم^{۱۵}
ز نخچیر و از^{۱۸} گوی و^{۱۹} رامشگران
شما را به چیزی نبود^{۲۲} نیاز
یکی کاخ بد، کرده زنداش^{۲۴} نام
۱۵۵ همان^{۲۶} نیز گفتار اخترشناس
که از تو بد آید بدینسان^{۲۷} که هست

۱- (ل: ۳، پ: ۱، ن: ۲، آنکه) ۲- ل: گفته بد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳- ق (نیز ق ۲، و، ل: ۲): آزار؛ (ب: از کار)؛ متن = ل، س، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۱، ل: ۱، پ: ۱)؛ ک: آ این بیت را ندارند؛ ک بجای این بیت افزوده است:

چنان دان که بی‌دین و گمراه بدم	گر از کشتن هرمز آگه بدم
که من بی‌گناهم همان پاک‌دین	گواه است دادار و آگاه ازین
شد آواره از دستم اندر جهان	شکستم من او را و لشکر همان

۴- (ق: ۲، از آن) ۵- ل (نیز پ: ۱)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۶- ک: نیارش؛ (و، ب: نباید)؛ آ این بیت را ندارد؛ ک پس از این بیت افزوده است:

یکی خرم ایوان بیرداختم در آن کاخشان جایگه ساختم

۷- (ق: ۲، بود) ۸- ل، س، ل: ۲ (نیز ل: ۱، پ: ۱)؛ ننگ (تنگ؟)؛ ق: غل؛ (ب: جنگ)؛ متن = ک، س: ۲ (نیز ل: ۲، ل: ۲)؛ ۹- ل: زخم؛ (ل: بند و)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ و، آ این بیت را ندارند ۱۰- ق (نیز ل: ۳، پ: ۱): نگذاشتم؛ ک (نیز ق: ۲، ل: ۱، پ: ۱): بگذاشتم (ل: ۱)؛ در ل، س، آ حرف یکم بی‌نقطه؛ متن = ل، س: ۲ (نیز ل: ۱، ن: ۲) ۱۱- (ق: ۲، همان) ۱۲- ق (نیز ل: ۳، پ: ۱): داشتم؛ و این بیت را ندارد؛ ک پس از این بیت افزوده است:

به دل همچنان کامی آمد فراز	ستاره بدان کام ناکار ساز
کجا شست آنجا به زندان بود	که از کام لبهات خندان بود

۱۳- (ل: ۱، پ: ۱)؛ پیشی (ل: ۱۴)؛ ۱۵- ل، ک: رویم- بویم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶- ل: برین کار؛ س (نیز ل: ۱): به بیکار؛ (آ: ب: به بیکار و)؛ متن = ق- س: ۲ (نیز ل: ۱، ق: ۲، و، ل: ۱، پ: ۱)؛ ۱۷- (آ: بادرده و نفرین)؛ ل: آ این بیت را ندارد ۱۸- ل، ق، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۱، ن: ۲، پ: ۱): و؛ متن = س، ک (نیز ق: ۲، ل: ۱، پ: ۱، و، ب) ۱۹- (پ: بزم) ۲۰- ک: خواری ۲۱- (و، ن: آ: بد درخور) ۲۲- (ب: که بودی؛ ق: نبود)؛ به چیزی ۲۳- ل، ق: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۱، و، ل: ۲): و؛ متن = س، ک (نیز ل: ۲، ل: ۲، و، ل: ۲): و؛ متن = س، ک (نیز ق: ۲، ل: ۱، پ: ۱، و، ب) ۲۴- ل (نیز پ: ۱): زیباش (در ل حرفهای دوم و سوم بی‌نقطه)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- ل، ق (نیز ل: ۳، پ: ۱): زیستی؛ س، ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۱، پ: ۱، و، ب): زیستند (در س، ق: ۲ حرف پنجم بی‌نقطه)؛ متن = (ل: و، ل: ۲)؛ بنداری (۱۴۷-۱۵۴): و أما قضیه حیک و إخوتک فإنا فعلنا ذلک خوفا من الذی حصلنا فیہ الیوم. و لم یکن علیکم من الحسب إلا الاسم. فإنا جعلناکم فی قصور منخرقة مفتّح بعضها الی بعض، و فی باتین تمکنتم فیها من الطرد و الصید و اللعب و اللهو (۱۴۹-۱۵۲) پس از ۱۵۴؛ ک پس از بیت ۱۵۴ افزوده است:

همی از پی این بد آن تنگ و بند که تا از تو بر ما نیاید گزند

۲۶- (ن: همین) ۲۷- ک: بدینسان؛ س: آ (نیز و): برینسان ۲۸- در ل، س، ق حرف یکم بی‌نقطه؛ س: آ (نیز ل: ۱): بینداختم (در س: ۲ حرف یکم بی‌نقطه)؛ (ق: نه انداختیم)؛ متن = ک، ل: ۲ (نیز ل: ۱، پ: ۱)؛ ۲۹- ک: اختر راست دست (؟)

به شیرین سپردیم از آن^۳ گفت و گوی^۲
 میان چنان^۸ روزگاران خوش^۹،
 - اگر چند بگذشت بر ما^{۱۲} زمان :-
 بدم من بدان^{۱۴} نیز همداستان
 گهر بود و هر^{۱۷} گونه‌یی جامه بود^{۱۸}
 - جزین بود ما را^{۲۲} به گیتی امید-
 ز هر گونه‌یی^{۲۵} گوهر نابسود^{۲۶}
 نیشته^{۲۸} چو دیدم من^{۲۹} از خط هند،
 سخن گوی و داننده و^{۳۲} یادگیر،
 بران^{۳۳} آب^{۳۵} دیده همی پرفشاند^{۳۶}،
 که با تاج زر^{۳۹} خسروی^{۴۰} را سزی،
 جهان را تو باشی^{۴۳} جهاندارکی^{۴۴}!
 ستاره برین^{۴۶} گونه خواهد گذشت:

و زان^۱ پس نهادیم مهری بر او^۲
 چو شاهیم^۵ شد سال^۶ بر سی و شش^۷
 تو داری^{۱۰} به یاد این^{۱۱} سخن بی گمان
 ۱۶۰ ترا^{۱۳} نامه آمد ز هندوستان
 ز رای برین^{۱۵} نزد ما^{۱۶} نامه بود
 یکی^{۱۹} تیغ هندی و پیلی^{۲۰} سپید^{۲۱}
 ابا تیغ^{۲۳}، دیبای زربفت بود^{۲۴}
 سوی تو یکی^{۲۷} نامه بُد بر پرند
 ۱۶۵ بخواندم^{۳۰} یکی مرد هندی دبیر^{۳۱}
 چو آن نامه‌ی رای هندی^{۳۳} بخواند
 بدان^{۳۷} نامه در^{۳۸} بُد که شادان بزی
 که چون^{۴۱} ماه آذر بُد و^{۴۲} روز دی
 شده پادشاهی پدر^{۴۵} سی و هشت

- ۱- (ق: از آن) ۲- ل: (نیز): بدوی؛ (و: بر او) ۳- ل: زان؛ ق: ل: بی؛ (ق: آن؛ ل: این؛ و: آ: ب: ازین)؛ متن = س، ک، س (نیز ل، ن، ق، پ،
 ن) ۴- ل: گفت گوی؛ ق: گفت گوی؛ (و: گفت و گو) ۵- س- س (نیز ل- ن، ق، و- ب)؛ به (ق: ز) شاهی چو (ل: که)؛ متن = ل ۶- (پ: چو شد سال شاهیم) ۷- ق، ی: هشت ۸- (ا: چنان دان که آن) ۹- ی: گذشت؛ (و: کش)؛ ق: میان مان چنان روزگاری گذشت ۱۰- س: دانی ۱۱- ق: آن؛ (ق: دادی به باد آن؛ پ، ل، ن: دادی به باد این) ۱۲- (ا: بر ما گذشت این) ۱۳- (ق: پ: مرا)؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۴- س: بران؛ ک: بدین؛ (ا: بران موبدان نیز)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۵- (ن: گزین)؛ ک: گرامی تری ۱۶- ق: تو؛ (ب: بود با؛ و: که از رای نزدیک ما) ۱۷- س: و هم ۱۸- ل: ز هر گونه گوهر نابسود (= ۱۶۳ پ) ۱۹- (و: همان) ۲۰- ل (نیز ل، ن، و، ل، ن، ق: بیل؛ متن = س، ق، ک، س (نیز ق: پ، ب) ۲۱- س (نیز ل، ی، پ، و، ل، ن، ق: سفید ۲۲- ل: جزین هرچ بودم؛ س: جزین بوده اورا؛ (ق: کزو بود ما را)؛ متن = یازده دستویس دیگر؛ ل: این بیت را ندارد ۲۳- ل: تیغ و ۲۴- ل: پنج؛ متن = س، ق، ک، س (نیز ل، ن، ق: پ) ۲۵- (ن: همان جامه و) ۲۶- (پ: نابسود)؛ ل: اندرو برده رنج؛ متن = یازده دستویس دیگر؛ ل: این بیت را ندارد (= ۱۶۱ پ)؛ در ل: آلت های این بیت پس و پیش شده اند؛ در ل پس از این بیت، بیت ۱۸۴ آمده است ۲۷- س (نیز ل: مایکی؛ (ق: ما چو آن؛ ا: من یکی)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۸- ل، س، ک (نیز و، ل، ن، ق، ب)؛ نوشته؛ متن = ق، ل، ق، س (نیز ل، ن، پ، ا) ۲۹- ل (نیز پ)؛ من دیدم؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۳۰- س (نیز ل)؛ بخواندش؛ (ب: بخوام)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۱- ک: هندو پیر؛ س (نیز ب)؛ هندوی پیر؛ (ل: ا: هندو دبیر؛ و: دانای پیر؛ ل: هند دبیر)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ل، ن، ق، ی، پ) ۳۲- س، ل، س (نیز ل، ی، ا، ب)؛ جوینده و؛ (ق: نیز ل، ن)؛ گوینده و؛ ک: گوینده؛ (ل: خواننده و)؛ متن = ل (نیز ق: پ، و، ل، ن، ق) ۳۳- ل: نامه را او به من بر؛ ل: نامه را رای هندی؛ (ق: نامه شاه هندی؛ پ: نامه را مرد هندی)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳۴- ل، س، ل، س (نیز ل، ی)؛ براز (بران؟ پر از؟)؛ ک: (نیز ق: آ)؛ بدان؛ (پ، ب: پر از؛ ا: همی)؛ متن = ق (نیز ل، و، ل، ن، ق) ۳۵- س، ق، ل، س (نیز ل، ی، ب)؛ خون؛ متن = ل، ک: (نیز ل، ن، ق، آ) ۳۶- ل، س (نیز ل)؛ سرفشانده؛ (ا: برخ پرفشانده)؛ متن = یازده دستویس دیگر؛ در ل: پس از این بیت، بیت های ۳۹۸، ۳۹۸، ۳۹۸ از پادشاهی پرویز آمده است ۳۷- (ل: بران) ۳۸- (و: به نامه درون) ۳۹- ل: تاج و ر (تاج زر)؛ س، ل، س (نیز ل، ی، ل، ن، ق، ا، ب)؛ که شادانی و؛ ق: که زیبایی و؛ ک: که خود شادی و؛ (ق: که تو شادی و؛ ل: که شادابی و؛ و: که هم شادی و)؛ متن = (پ) ۴۰- (ق: خرمی) ۴۱- ک: چو با؛ (ق: آ: کجا) ۴۲- ق، ل، ق، س (نیز ل، ن، ق، ی، ب)؛ بود؛ متن = ل، س، ک (نیز ل، ن، ق، ا، ی، ل) ۴۳- (ق: آ: به شادی) ۴۴- (ل، ن، پ، ل، ن، ق: ا: جهاندار و کی) ۴۵- (ق: آ: پادشاهیش پر) ۴۶- س، ق، ک (نیز ل، ل، ن، ق، ب)؛ بدین؛ متن = ل، ل، س (نیز ل، ن، ق، و، ل، ن، ق، ا)

تو^۲ تاج بزرگی^۳ به سر بر نهی! ز دل مهربانی نشایست^۵ شست! ز گاه^۷ درخشیدن^۸ تخت^۹ تو، شده^{۱۱} روز روشن چنین لا زورد^{۱۲}! نکر دم دژم هیچ از آن^{۱۳} نامه^{۱۴} چهار! ز هر گونه اندیشه ها راندم^{۱۵} ندانند کسی^{۱۷} زان^{۱۸} سخن^{۱۸} بیش و کم اگر^{۲۱} خود کنی بیش و کم را نگاه! و زین^{۲۲} کرده^{۲۵} ها^{۲۵} سوی درمان شوی!

که^{۲۷} آمد^{۲۸} ز ما بر کسی بر^{۲۹} گزند، بزرگان و شاهان و رای مهان^{۳۰}، کند زین سخن^{۳۱} مر ترا تازه روی^{۳۳} ورا در جهان زنده مانی^{۳۴} بدست! که نیکان ازیشان غریوان بُدند،

۱۷۰ درخشان شود روزگار بهی^۱ مرا آن زمان این سخن شد^۴ درست: من آگاه بودم که از بخت^۶ تو نباشد مرا بهره جز رنج و درد^{۱۰} ز بخشایش و دین و پیوند و مهر ۱۷۵ به شیرین سپردم چو بر خواندم بر اوست با^{۱۶} اختر تو بهم گر ایدونک^{۱۹} خواهی که بینی^{۲۰}، بخواه بر آنم^{۲۲} که بینی^{۲۳}، پشیمان شوی

دگر آنک^{۲۶} گفتی ز زندان و بند ۱۸۰ چنین بود تا بود کار جهان اگر^{۳۱} تو ندانی^{۳۲}، به موبد بگوی که هر کس که او دشمن ایزدست به زندان ما^{۳۵} ویژه^{۳۶} دیوان بُدند

- ۱- (ل: ۳) مهی) ۲- ل: که؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳- ل: (نیز لن): مهی را؛ (ب: شاخ بزرگی)؛ ق بیت‌های ۱۷۴-۱۷۰ را ندارد
- ۴- ل: ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز لن، ق: ۲، ان: ۲)؛ بد؛ س (نیز لی): آن سخن این زمان شد؛ (ل: ۳): این سخن بد بدیشان؛ ب: این سخن آن زمان بد؛ متن = (و، آ، ب) ۵- ل: (نیز ل: ۲)؛ نیایست (در ل حرف یکم بی نقطه)؛ (ن: ۲: بشایست)؛ متن = یازده دستنویس دیگر (در س، ک، ق: ۲، و حرف یکم بی نقطه) ۶- (ل: ۱، تخت: ۷- ل: ک، ل: ۲ (نیز لن، ق: ۲، ل: ۳، ان: ۲): کار؛ متن = س، س: ۲ (نیز لی، و، ب) ۸- (ق: ۲: درخشندگی) ۹- (ل: ۲، بخت)؛ ب بیت‌های ۱۷۲-۱۷۴ را ندارد ۱۰- ل: ک (نیز ق: ۲، ل: ۳): درد و رنج؛ س (نیز لی، ب): جز دروغ و خرد (!)؛ متن = ل: ۲، س: ۲ (نیز لن، و، ان: ۲، ۱۱- (لی: مر) ۱۲- س، س: ۲ (نیز ب): لا جور د؛ (لی: پرورد)؛ ک: به ما بر شکنج؛ (ل: س: رای سپنج)؛ ل (نیز ق: ۲): ترا گردد این تخت شاهی (ق: ۲: لشکر و تاج) و گنج؛ متن = ل: ۲ (نیز لن، و، ان: ۲، ۱۳- ل: زان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴- (نیز لی، ل: ۱، ۱۳): گونه، ک، ل: ۲؛ ماه؛ متن = ل: ۲ (نیز لن، و، ان: ۲، ۱۴- ل: زان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵- (نیز لی، و، ب): بندهای؛ و قد کنت أخبرت بما قد شاهدته منك في كتاب عالم الهند فلم أبطش بك مع كونك حقيقا بذلك ۱۵- بندهای؛ و المكتوب مودع عند شیرین ۱۶- ک: تا ۱۷- (ق: نیامده می) ۱۸- (و، ان: ۲؛ ل: این؛ ب: شان)؛ ق این بیت را ندارد ۱۹- (ل: ۳، ک: ۱): ۲۰- (و: ز شیرین)؛ س: بینی چو بینی (ل): ک: بینی بخوای؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱- (ن: ۲: مگر)؛ ق، لی این بیت را ندارند؛ بندهای: فان أزدت الوقوف عليه فأحضره ۲۲- ک: بدانم ۲۳- ل: ۲: بیخ ۲۴- (ل: ۳، و، ان: ۲): ۲۵- (ق: ۲: کارها؛ پ: دردها؛ آ: کار تو)؛ ق این بیت را ندارد ۲۶- (ل: ۳، ب، ان: ۲): ک: ۲۷- ل: مگر؛ متن = س- ب ۲۸- ل: ۲: آید ۲۹- ک: ز گیتی به ما بر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۰- ل: ۲: آیین مهان؛ (ل: ۳): راه و مهان؛ ب: داد و مهان؛ ب: شاهنشاهان؛ ل: بزرگی و شادی بود در نهان؛ س (نیز لی): بزرگان پیشین و شاهنشاهان؛ متن = ک، ل: ۲ (نیز لن، و، ان: ۲، ۳۱- ل: س، و، ق: ۲، ان: ۲، ب): وگو؛ متن = ل: ک، ل: ۲ (نیز لن، و، ان: ۲، ۳۲- ل: ۲: بدانی؛ (ق: ۲: بندهای) ۳۳- ل: س، و، ق: ۲، ان: ۲، ب): که بد زین سخن مر ترا آبروی؛ ک (نیز ق: ۲): کند مر ترا زین سخن تازه روی؛ (ن: ۲: دهد مر ترا زین سخن آبروی)؛ متن = ل: ۲ (نیز لن، ل: ۳، و، ان: ۲، ب: این بیت را ندارند؛ در ل این بیت پس از بیت ۱۷۴ آمده است ۳۴- ل: ل: (نیز لن، و، ان: ۲): زندگانی؛ متن = س: ۲ (نیز ل: ۳، ل: ۲، ب: این بیت را ندارند ۳۵- (ن: او؛ و: درون؛ ل: ۲: مگر) ۳۶- (ق: ۲: نزه)؛ ل: ب: این بیت را ندارند ۳۷- (ن: ب؛ پ: این بیت را ندارد

بدان^۲ کار ننگ^۳ اندرآویختن،
 گزند کسان^۵ خوار نگذاشتم^۶،
 ز تخم^۷ بداناند و آمرمناند^۹،
 سخن‌ها همی^{۱۰} خوار بگذاشتم^{۱۱}!
 مر آن را که بُد بتر^{۱۳} از ازدها!
 به گفتار و کردارها بد^{۱۷} شدی^{۱۶}!
 ندانی تو، داننده را^{۱۹} یار کن!
 اگر^{۲۳} چند امید^{۲۴} گنجست ازوی^{۲۲}!
 نبینی، مر او را چه کمتر^{۲۹} ز بند^{۳۰}!

چو^۱ ما را نید پیشه خون ریختن
 ۱۸۵ بدان را به زندان همی‌داشتم^۴
 [بسی گفت هر کس که آن^۷ دشمن‌اند^۸
 [چو اندیشه‌ی ایزدی داشتم
 کنون من^{۱۲} شنیدم که کردی رها
 ازین بد^{۱۴} گنهکار ایزد^{۱۵} شدی^{۱۶}
 ۱۹۰ چو مهتر شدی، کار هشیار^{۱۸} کن!
 میخشای^{۲۰} بر هرک^{۲۱} رنجست ازوی^{۲۲}
 هر^{۲۵} آن‌کس^{۲۶} کزو^{۲۷} در جهان جز گزند^{۲۸}

-خردمندی و رای^{۳۲} بنهفته‌یی-
 هر آنکس که او داشت با باژ تاو^{۳۳}

دگر آنک^{۳۱} از خواسته گفته‌یی
 ز کس ما^{۳۳} نجستیم جز باژ و ساو

۱- (ب: که) ۲- (آ: بران) ۳- در ل. س. ب. حرف یکم بی نقطه: ک، س^۲ (نیز لی، و، ا): تنگ؛ (ل: نیک)؛ متن = ق، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، ن: ق)، پ
 این بیت را ندارد و در ل پس از بیت ۱۶۳ آمده است ۴- ک (نیز ق، آ، ل، ن: ق): داشتم ۵- سخن را همی: ک: به زندانشان: ل:
 سخن‌ها همی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۶- در ل، س، ل^۲. ۲ حرف یکم بی نقطه: ک (نیز لن: ق): بگذاشتم؛ (ق، ل، ن: نگذاشتم؛ و:
 بگذاشتم)؛ متن = ق، س، آ (نیز لن، لی، پ، ب)؛ ک: پس از این بیت افزوده است:

ز بدپیشه نیکان خروشان بدی جهان از بدان پاک جوشان بدی

۷- (ق، ل، ن: آ، و) ۸- (ن: آ: دشمنست) ۹- (ق، و: اهریمن‌اند؛ ن: آ: بدانست و اهریمنست)؛ ل، ق، ل، آ، س، آ، و، ب: بیت‌های ۱۸۶ و ۱۸۷
 را ندارند (ل از ۱۸۵ و آ ۱۸۷ ب یک بیت ساخته)، در ل^۳ این دو بیت پس از ۱۸۸ و در س، ن، ق، آ، لی پس از ۱۹۴ آمده‌اند ۱۰- ک: همه؛
 (ن: آ: مر این را همان) ۱۱- در س حرف یکم بی نقطه؛ (ن، پ: نگذاشتم؛ ق، آ، ن: آ: بگذاشتم؛ ل: آ: نگذاشتم)؛ متن = ک (نیز لی، ا)
 ۱۲- (ل: آ: هم) ۱۳- س (نیز لی، و، ن: آ): بدتر؛ (ب: برتر)؛ متن = ل، ق، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، پ)؛ آ این بیت را ندارد ۱۴- (ق، ل: ن: آ): پس؛
 س، آ: بر ۱۵- (ق، آ: یزدان) ۱۶- (و: شوی) ۱۷- (ق: کردار نادان) ۱۸- (پ: بسیار) ۱۹- س، ک، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، پ، ن: آ): داننده؛ (لی:
 تو داننده را بدین)؛ متن = ل، ل^۲ (نیز و)؛ ق، آ این بیت را ندارند ۲۰- ل، آ (نیز لی، ن: آ): نبخشای؛ س، آ (نیز ل، آ، ل، پ: ب: ببخشای؛ در ل، س، ک،
 ن، ل حرف یکم بی نقطه؛ متن = (ق، آ، و) ۲۱- س، ک، س، ل، آ، س (نیز لن: ب): هرکه؛ متن = ل، ۲۲- (نیز ل: زوی؛ س، ل، آ، س (نیز لی، و، ن: آ):
 رنجت ازوست - گنجت ازوست؛ متن = ک (نیز لن، ق، آ، ل، پ، آ) ۲۳- س (نیز لن، ق، آ، ل، ن: آ): وگر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۴- ل، ل: امید
 و؛ ق این بیت را ندارد ۲۵- ل (نیز لن، ق، آ، ل، پ: بر (ل)؛ س، ل، س، آ، س (نیز لی، آ، ب: از (ل)؛ متن = (ن: آ): ۲۶- (و: بدانی) ۲۷- (ن: آ: که او)
 ۲۸- ک: که او در جهان جور دید ۲۹- (ن: کهنتر؛ ن: آ: بهتر) ۳۰- ک: گزید؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری (۱۷۹-۱۹۲): و اما اللّٰهین حسنا هم
 فإنا لم نتموّد إرأقة الدماء فاقصرنا لذلك فی المذنبین و من یتحقّق القتل علی الحسب، کما جرت به عادة الملوک (= ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۰)
 ۳۱- (ن، پ، ل: آ: آنکه) ۳۲- ل، س، آ (نیز آ): راد (در رای ۹)؛ (ق، آ، ب: راه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۳- س، ل، آ (نیز لی، پ: ز ما کس؛ متن =
 یازده دستنویس دیگر ۳۴- ک (نیز آ): ساو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: و اما ما ذکر ت من ظلمنا للرعية فإنا لم نطالبهم قط إلا
 بواجب الخراج

فراوان کشیدم^۳ از آن^۴ رنج سخت^۵
 همی^۸ روزگاری^۹ دگرگونه خواست
 فزونی نجویم در^{۱۳} کاست اوی^{۱۲}
 ز بخشش به کوشش ندیدم^{۱۵} گذر!
 بگویم بدو آشکار و نهان،
 به هر نیک و بدبر^{۱۷} توانا ترست!
 نه تیماردار و نه^{۱۸} خویش تواند،
 شوند این گره بر تو بر^{۲۲} بدگمان!
 کسی را نباشند^{۲۵} فریادرس!
 گناه مرا جای^{۲۷} پالایش^{۲۸} است!
 نه زین جان آن بدتنان^{۳۰} بر خورد،
 که برخواند^{۳۲} این^{۳۳} پهلوی^{۳۴} نامه را،
 خردمند را غمگساری بود،

۱۹۵ ز یزدان پذیرفتم آن^۱ تاج و تخت^۲
 جهان آفرین داور^۶ داد و^۷ راست
 نیم دژمنش^{۱۰} نیز در^{۱۱} خواست اوی^{۱۲}
 بجستم خشنودی دادگر^{۱۴}
 چو پرسد ز من کردگار جهان
 ۲۰۰ پرسد که^{۱۶} او از تو دانا ترست
 همین پرگناهان که پیش تواند
 ز من هرج^{۱۹} گویند، ازین پس^{۲۰} همان^{۲۱}
 همه^{۲۳} بندهی سیم و زرند^{۲۴} بس
 ازیشان ترا دل بر آسایش^{۲۶} است
 ۲۰۵ ننگجد ترا این سخن در^{۲۹} خرد
 ولیکن من از بهر بدکامه^{۳۱} را
 همان در جهان یادگاری بود

۱-س، ل، ۲، ۲ (نیز ق، ۲، پ، و، ل، ۲، ب)؛ این؛ (ل، ۲، و)؛ متن = ل، ک (نیز ل، ۱، ۲)؛ ک: ۲-ک: گنج ۳- (پ، آ: کشیدیم) ۴-س (نیز ل، و، ل، ۲، ب)؛ از او؛ متن = ل، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ق، ۲، ل، ۲، پ، ۱)؛ ۵-ک: گنج رنج؛ ق: این بیت را ندارد ۶-س، ۷-س، ق، ک (نیز ل، ل، ۲، و، ل، ۲، ب)؛ جوع؛ متن = ل، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ق، ۲، پ، ۱)؛ ۸- (ل: بسی) ۹- (ل: روزگار) ۱۰-س، ق، ک (نیز ق، ۲، ل، ۲، ب)؛ درمنش؛ متن = س، ۲ (نیز ل، ل، ۲، پ، و، ۱)؛ ۱۱- (و: از) ۱۲-س، ق، س، ۲ (نیز ل، ل، ۲، ل، ۲، ب)؛ او؛ ک: زوی؛ متن = (ق، ۲، پ، و) ۱۳-ق: نجویم به کم؛ (ق، ۲: نجویم که در)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل، ۲ این بیت را ندارند ۱۴- (پ: داد و فر) ۱۵- (ل: نباشد)؛ ل: ندیدم به کوشش؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ک: پس از این بیت افزوده است:

وگر نه توانستی جنگ جست
 زده تن تو نیز با من بدی
 نکردم نجستم به زرمزت گزند
 من و آنک او مهر ما در بشت
 هم آزارش جان دشمن بدی
 به داد خداوند کردم پسند

۱۶-ک: نپرسد که؛ (ق، ۲، ل، ۲: به پرسیدن) ۱۷-ک: نیک و هر بد؛ ق: بیت های ۲۰۰، ۲۰۸ را ندارد ۱۸-س (نیز ل، ب)؛ ز تیمارداران که؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ب)؛ هر چه؛ متن = ل، ۲۰-ک (نیز ل، ب)؛ زین پس؛ س، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ب)؛ بیشت؛ ک: زین کس؛ (ق، ۲، ل، ۲: از آن پس؛ آ: بر تو)؛ متن = (پ، و، ل، ۲) ۲۱- (ق: مهان؛ و: مصان) ۲۲-ک: گره را به تو ۲۳- (پ: همی) ۲۴- (پ، ب: جوع؛ ق: زرز و سیم اند؛ و: ل، زرز و سیم اند؛ و: ل، کرده از سیم و زرند) ۲۵-س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ب)؛ نیای تو؛ متن = ل، ۲۶-ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ق، ۲، ل، ۲، و، ل، ۲)؛ بر آرایش؛ (پ: پر آرایش)؛ س (نیز ل)؛ آ: ز و آرایش؛ متن = ل، ۲۷- (ق: نیز) ۲۸- (آ: پادایش)؛ حرف یکم در ل، ۲، پ، ل، ۲ با سه نقطه ۲۹-ک: جز ۳۰-ل: نه زین بد که گفتی کسی؛ س، س، ۲ (نیز ل، ب)؛ نه زین جان و تن مر ترا؛ ک: نه زین جان به تو بدنشان؛ (ق، ۲: نه جان تو زین داستان)؛ ل، ۲: نه زین جان تن بدتنان؛ پ: نه با جان آن بدتنان؛ و: نه زین بد که کردی کسی؛ ل، ۲: نه زین جای من مر ترا؛ آ: نه زین جان و آن بدتنان؛ متن = ل، ۳۱-ل (نیز ل، ۲)؛ خودکامه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲- (و: فرو خواندم) ۳۳-ل، ک (نیز ل، ۲)؛ آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۴-ک: فهلوی

پس از ما هر آنکس که گفتار ما بخوانند، دانند بازار^۱ ما!

[دگر آنک^۲ گفتی که از تاختن
۲۱۰ [اگر پاسخ گفته‌ها بشنوی
[ز چیزی که پرسد ز من کردگار^۵
[به ایران هر آنکه که آسود شاه
نیاسودی^۳ از رنج و کین آختن^۴،
به گفتار بیدار من بگروی
همانا نییچم به روز شمار^۵،
به هر کشوری بر ندارد^۶ سپاه،]

۱- (ن: بدانند به آزار؛ آ: بداننده بازار)؛ س، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق ۲-ب، پ: بخوانند بدانند (س: ندانند) بازار (ل: کردار)؛ ک (نیز و، ن: ۲): بخوانند بدانند ز بازار (ک: همه کار)؛ متن؛ ل: س، ک، ل، ۲، س، ۲، ل، و، ب، پس از این بیت افزوده‌اند (این بیت‌ها در ل، ق، ن، ۲، ل، ۲، پ، ن، ۲، آ و ترجمه بنداری نیست؛ از ثبت نسخه بدلهای چشم‌پوشی شد):

مهان جهان اندرین بنگرند
دگر آنک گفتی تو از خواسته
به یزدان گنهکار گشتی بدین (از آن)
نه آیین ما بود باز از نخست
5 که آیین شاهان پیشین بُد این
بدین‌اند همداستان موبدان
به دیوان‌ها شاد بگزارندند
که شاهان به اسب و به مردان مرد
چو آباد دیدند گنج از خراج
همان نیز آباد گیتی ز شاه
10 سپهبد که بی‌گنج شاهی کند
بخواهد درم بنده از شهریار
زن پاکدامن ز پاکیزه‌شوی
برادر چو که باشد از مهترش
15 چو دهقان پرمایه از بیم تاج
ز کهنتر بخواهد همان کشت و زر
نجوید ز بیم دهش کار خویش
چو اندر جهان کم شود تاجور
جهان یکسر آباد باشد به تاج
20 همان شنیدی که دانا (دهقان) چه گفت
که هرگه که گردد جهاندار سست
چنان هم که در خانه‌ها کدخدای

ز گفتار و کردار ما نگذرند
ز دینار و از گنج آراسته
به چشم جهان خوار گشتی بدین (از آن)
که از داد ازین دل نبایست شست
که ایشان نهادند آیین و دین
بزرگان و بیدار دل بخردان
کران پس کی را نیازارندند
به دینار شاهی توانند کرد
همان لشکر و کشور و تخت عاج
همان لشکر و مردم نیکخواه
ز لشکر جهان پر تباهی کند
همان کهنتر از مهتر پایکار (نامدار)
همان از پدر پور دینارجوی (س، ل، و ندارند)
بخواهد، چو بیند گشاده درش (برش)
درم بسته دارد ز بهر خراج
پدید آید از چیز نالرز ارز
بسجیده باشد به بازار خویش (س، ل، ۲، س، ۲، ل، ب ندارند)
نیاید بسی رنج دهقان به بر
نبیند کی تاجور بی خراج
چو راز کهن برگشاد از نهفت
نگردد (نماند) جهان بی‌گمان تندرست
چو سستی کند، سست گردد سرای

۲- (و: آنچه) ۳- ک: نیاسود و ۴- ل، ق، ل: رنج پرداختن؛ متن؛ س، ک، س، ۲ (نیز ل، و، ب؛ ل، ن، ق، ل، ۲، ل، ۲، پ، ن، ۲، آ، بنداری بیت‌های ۲۲۶-۲۰۹ را ندارند؛ این بیت‌ها تنها در س، ق، ک، ل، ۲، س، ۲، ل، و، ب آمده‌اند ه- (ل: کدخدای-سرای) ع-س (نیز ل: نداری؛ ق: بدلرد؛ متن = ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز و، ب))

پراشوب گردد سراسر^۲ زمین!
 که گرد از بزرگان^۳ برآورده‌ام،
 ستوده‌تن و نیکخواهان ما،
 به هر سو ز دشمن بیستند راه!
 نیابند گنج ار نبینند^۴ رنج!
 بداندیش و بدگوهر^۵ و شوم‌پی،
 به هر کشوری کشتن^۶ اندرگرفت،
 ز یاقوت و از^۷ تاج گوهرنگار،
 بیردند و شد گنج‌هامان^۸ تهی!
 همه^۹ گنج‌های کهن برفشانند
 که ما را دهد زاختر^{۱۰} نیک بر
 خود و نامداران ایرانیان
 گزیده بزرگان آزاده‌خوی^{۱۱}
 سوی^{۱۲} کشور نيمروز و خزر^{۱۳}
 سپهد به هر جای بنشانديم^{۱۴}
 نیارست کس گردن افراختن!
 همه گنج^{۱۵} ما یکسر^{۱۶} آگنده شد!
 ز دریا کشیدند چندان^{۱۷} گهر،
 مرا بود هامون و دریا^{۱۸} و کوه!
 ز دینارها بدره^{۱۹} آگنده شد،

[بیايد^۱ ز هر جای دشمن به کین
 انه این گنج‌ها گرد من کرده‌ام
 ۲۱۵ [نیاگان بیدار و شاهان ما
 میان‌ها بیستند خود با سپاه
]به هر کشوری درنهادند گنج
 [کنه‌کار چوبینه^۵ آمد ز ری
 همه گنج‌های کهن برگرفت
 ۲۲۰ [ز دینار و از^۸ گوهر شاهوار
 همان جامه و^{۱۱} تخت شاهنشهی
]جز از^{۱۲} آلت جنگ^{۱۳} چیزی نماند
 [چنان^{۱۵} خواست یزدان پیروزگر
]به رای و به کوشش بیستم میان
 ۲۲۵ [سپهد فرستادم از چار سوی^{۱۷}
]یکی زی^{۱۸} خراسان، دگر باختر
 ز برطاس و از^{۲۱} چین سپه^{۲۲} رانديم^{۲۳}
 ببردیم^{۲۴} بر دشمنان^{۲۵} تاختن
 چو دشمن ز گیتی پراگنده شد
 ۲۳۰ همه بوم شد نزد ما^{۲۸} کارگر
 که ملاح گشت از کشیدن ستوه
 چو گنج درما پراگنده شد

۱-ق: نیاید ۲-س (نیز ب): به ایران؛ ق: نگردد پراشوب یکسر؛ متن: س، ک، ل (نیز بی، و) ۳-ک: که کردار نیکان ۴-و: نیاید که
 بی‌گنج بینند) ۵-ک: جوینده عقیق، س: آ: <ج> ۷-ک (نیز و): جستن؛ متن: س، ق، ل (نیز بی، ب) ۸-ق، ک، ل (نیز و): وز؛
 متن: س، ل (نیز بی، ب) ۹-ق، س، ل (نیز بی، ب) ۱۰-ک (نیز بی، ب) ۱۱-جامه: متن: س، ق، ل (نیز و): گنج شاهان؛ ک:
 گنج‌هاشان؛ متن: س، س (نیز بی، ب) ۱۲-ل (بی، و: بجز) ۱۳-ل (بی: گنج) ۱۴-س (نیز بی، ب): همان؛ متن: ق، ک، ل (نیز و) ۱۵-ل (و:
 چنین) ۱۶-ق، ک، ل (نیز و): دهداختر؛ متن: س، س (نیز بی، ب) ۱۷-ک، س (نیز و، ب): سو-خو ۱۸-ک: زان؛ (و: از) ۱۹-ل: سیوم؛
 س: سوم؛ (و: دگر)؛ متن: ← ۲۰-س: یکی کشور روم و مرز خزر؛ (بی، ب): که ما را دهد جمله آن بوم و (ب: ز اختر نیک)؛ متن: ق، ک
 (نیز ل، س، ل، و)؛ ک: پس از این بیت افزوده است:

همان کارهایی که کردم نخست هر آنکس که خواند ایدر درست (!)

۲۱-ل، ک، س (نیز ل، ق، ل، ب): وز؛ متن: ل (نیز بی-آ) ۲۲-ل: سخن (؟)؛ متن: دوازده دستنویس دیگر؛ س: و چین بر سه ۲۳-ل:
 راندم - بنشاندم؛ متن: سه‌زده دستنویس دیگر؛ ق: این بیت را ندارد ۲۴-س، ک، ل (نیز بی، ب): ببردند؛ متن: ل (نیز بی-ن) (؟
 ۲۵-ق): نبردند بر دیگران؛ ق: این بیت را ندارد ۲۶-ل (بوم) ۲۷-ک: ز دینار نو بدره (۲۲۲) ۲۸-س (نیز بی، ب): پیش او؛ ل: ۲،
 س (نیز ل، ق، ل، ب، و): پیش ما؛ متن: ل ۲۹-و: کشیدیم چندی؛ ق، ک، ل، آ: آیت‌های ۲۳۰، ۲۳۱ را ندارند ۳۰-ل: دریا و هامون)
 ۳۱-س (نیز بی، ب): همه گنج ما یکسر (۲۲۹)؛ ل، آ، س (نیز ل، ق، ل، ب، و): ز دینار نو (ل، ب): تو) بدره (۲۲۹)؛ متن: ل

ز یاقوت و از^۱ گوهر شاهوار
 چو دهبیم ما بیست و شش ساله^۴ گشت^۵
 ۲۳۵ درم را یکی میخ نو ساختیم^۷
 بدان سال چون باز جستیم^{۱۰} شمار
 پُر آکنده افکنده^{۱۳} پنداوسی^{۱۴}
 به هر بدره‌یی در^{۱۶} ده و دوهزار^{۱۷}
 جز^{۲۰} از باژ دینار^{۲۱} هندوستان
 ۲۴۰ جز^{۲۲} از هدیه و باژ^{۲۵} هر کشوری
 جز از^{۲۶} رسم و آیین نوز و^{۲۷} مهر
 جز^{۳۰} از جوشن و خود^{۳۱} و گوپال و تیغ
 جز^{۳۳} از مشک و کافور و خز و^{۳۴} سمور

همان^۲ آلت و جامه‌ی زرنگار^۳
 ز هر گوهری گنج ما ماله گشت^۶
 سوی شادی و فرخی^۸ تاختم^۹
 چو^{۱۱} صد بار دینار بُد صد هزار^{۱۲}،
 همه چرم پنداوسی^{۱۵} پارسی،
 پُر آکنده^{۱۸} دینار بُد شاهوار^{۱۹}!
 جز^{۲۲} از کشور روم و^{۲۳} جادوستان،
 ز هر نامداری و هر مهتری،
 از^{۲۸} اسپان و از^{۲۹} بنده‌ی خوب چهر،
 - ز ما این نبود کسی را^{۳۲} دریغ -،
 ز کرگی^{۳۵} سید^{۳۶} و ز کیمال^{۳۷} بور،

۱-ل.س (نیز ل.ن، و.ن، آ.ت)؛ وز؛ متن = س.ک.ل (نیز ق.آ.پ.ب)؛ ۲-ل.همه؛ س (نیز ل.آ.و.آ)؛ هم از ۳-س.ک.ل.س (نیز ل.ن.ب)؛
 جامه و (س.لی.ب.با؛ آ.گنج و هم) آلت کارزار؛ متن = ل.ق.این بیت را ندارد ۴-ل.بیست و سه سال؛ ق.ل.آ.سی و سه ساله؛ ک.بیست
 و یک ساله؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵-ل.ک (نیز ل.آ)؛ شد؛ (ب.بود)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۶-ل.آ.و.گنجها) ماله گشت
 گونه‌ای گنج بر مال شد؛ س.ک (نیز ل.ن.ق.آ.پ.پ.و.ن.آ.ب)؛ ز هر گونه‌ای (س.لی.ب.کشوری) گنج ما (ک.ن.ق.آ.و.گنجها) ماله گشت
 (ک.شد؛ و.ن.آ.برگذشت؛ ب.ناله بود؛ ب.گنج پر کار گشت)؛ متن = ق.ل.س (نیز ل.آ) ۷-ل.س.ق (نیز ل.ن.لی.ق.آ.و.ب)؛ ساختم؛ متن =
 ک.ل.س (نیز ل.آ.پ.ن.آ) ۸-ل.مهتری؛ س (نیز ق.آ.لی.و.ن.آ.ب)؛ خز می؛ متن = ق.س (نیز ل.ن.پ) ۹-ل.ن (نیز ق.آ.و)؛
 آختم (۹)؛ س.ق (نیز ل.ن.لی.ب)؛ تاختم؛ (پ.یافتیم؛ ن.آ.آختم)؛ متن = ک.ل.س (نیز ل.آ)؛ آ این بیت را ندارد ۱۰-س.گشتم؛ ل.تاباز
 جستیم (حرفهای یکم، سوم و پنجم بی نقطه)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱-ل.ن (دو) ۱۲-ق.صد بد هزار؛ ل.چو شد باژ دینار بر
 صد هزار؛ (و.چو دینار صد بار بد صد هزار)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳-ل.ن (نیز ل.لی)؛ پراکنده افکنده؛ ک.پراکنده و افکنده؛ (ق.آ.
 پراکنده و آکنده؛ ن.آ.پراکنده آکنده)؛ متن = س.ق.س (نیز ل.ن.آ.و.ب)؛ پراکنده افکنده ۱۴-ل.س.ق (نیز ل.ن.لی.و.ب)؛ پنداوسی (در
 ل حرف یکم بی نقطه)؛ ک.بد صدوسی؛ س (نیز ل.ن.آ)؛ نیداوسی؛ (ق.آ.بداوسی)؛ متن = (ل)؛ (پ.پراکنده پنداوسی پارسی) ۱۵-ل.س.
 ق (نیز ل.ن.لی.و.ب)؛ پنداوسی (در ل حرف یکم بی نقطه)؛ س (نیز ل.ن.آ)؛ نیداوسی؛ ک.همه پنداوسی بسی (ل)؛ (ق.آ.همان نیز
 پنداوسی؛ ل.چه پنداوسی چرم بد)؛ متن = (ل) ۱۶-ل.ن (بر)؛ ک.بدره اندر؛ (پ.بدره در بد)؛ متن = ۱۷-س.ق.س (نیز ل.لی.و)؛ بدی ده
 هزار؛ متن = ل (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.آ.ت) ۱۸-همه دستنویسها؛ پراکنده ۱۹-س (نیز ق.آ.لی)؛ صد هزار (ل)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل.آ.
 ب این بیت را ندارند ۲۰-ل.آ.چه (آ.چه) ۲۱-ل.ن (نیز ق.آ)؛ و دینار؛ (پ.از ساو)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲-ل.ن (نیز ل.ن.آ.ت)؛ چه؛
 (و.که) ۲۳-ل.ن (نیز و)؛ چو؛ ب این بیت را ندارد؛ ل پس از این بیت افزوده است:

جز از مصر و شام و دیار یمن
 جزین شهرها تا به مرز ختن

۲۴-ق (آ.چو؛ آ.چه) ۲۵-ل.باژ و ساو؛ (آ.هدیه باژ)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل.آ.پ.این بیت را ندارند ۲۶-ل.بجز؛ ل.آ.چه از
 ۲۷-ل.وز برز و؛ (ق.آ.رسم نوز و آیین؛ ب.رسم آئین و نوز)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸-س.ک.س (نیز ق.آ.لی.و.ن.آ.ت)؛ ز؛
 متن = ل.س (نیز ل.ن.ب) ۲۹-ل.ن (نیز ل.ن.آ.ب)؛ وز؛ متن = س.ک.ل.س (نیز ق.آ.لی.و.ن.آ.ت)؛ ق.پ.این بیت را ندارند ۳۰-ل.ن (آ.چه)
 ۳۱-ل.ن (نیز و)؛ گرز؛ (ق.آ.ترک)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۲-س (نیز ل.ب)؛ کسی را نبود؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق.پ.این بیت
 را ندارند و در و پس از ۲۴۵ آمده است ۳۳-ل.ن (آ.چه) ۳۴-ک.عود و؛ (آ.موی) ۳۵-ل.ن (نیز پ)؛ سیاه و؛ ک.ز گردن؛ ل.آ.گور؛ س.آ.ز
 کرد (ل)؛ (ن.کیود و؛ ز سبز و)؛ متن = س (نیز ل.آ.ب) ۳۶-ل.پ.و.سفید (ل)؛ تور؛ س.ل.ن (نیز ل.ن.لی.پ.و.آ)؛ کیمال و بور؛
 متن = ک.س (نیز ب)؛ (ق.آ.ز هر گونه هر جای کیمال و سور؛ ل.ن.آ.ز هند و ز سند و ز کیمال و تور (ل.آ.فور)؛ ق.این بیت را ندارد

چنین بازها^۱ بر هیونان مست^۲،
 نیبچید گردن کس^۳ از راه^۴ ما!
 بدان تا بیاگند ازین^۵ گونه گنج
 کجا داشتیم^۶ از پی روز بوس^۷،
 سرانجام^۸ بادآورش^۹ خواندیم
 بجز بآرزو چرخ بر ما نگشت!
 بداندیش یکسر هراسان بُدند^{۱۰}!
 جهان را بد آمد^{۱۱} ز پیمان^{۱۲} تو!
 نباید^{۱۳} گزیدن جز از^{۱۴} خامشی!
 پر از درد کاری و^{۱۵} ناسودمند!
 که^{۱۶} تیره شبان اورمزد تواند،
 بدان تا نباشی به^{۱۷} گیتی تو^{۱۸} شاد!
 که روشن شدی^{۱۹} جان تاریک تو،
 که گنجی^{۲۰} رسیدی به^{۲۱} ارزانیان^{۲۲}!

هر آنکس که ما را بُدی زیردست
 ۲۴۵ همی تاختندی به درگاه ما
 ز هر در^۵ فراوان کشیدیم^۶ رنج
 دگر^۸ گنج خضرا و گنج^۹ عروس
 فراوان ز نامش^{۱۲} سخن راندیم
 چُنین بیست و شش سال تا^{۱۵} سی و هشت
 ۲۵۰ همه کهتران مان^{۱۶} تن آسان بُدند^{۱۷}
 چنان^{۱۸} چون شنیدیم، ز^{۱۹} فرمان^{۲۰} تو
 نماند کس اندر جهان رامشی
 همی کرد^{۲۴} خواهی جهان پرگزند
 همان پرگزندان که نزد تواند
 ۲۵۵ همی داد خواهند تختت به باد
 چو^{۲۹} بودی خردمند نزدیک تو
 به دادن^{۳۱} نبودی کسی را زیان

۱-ل: ازدها (بازها؟)؛ س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ب)؛ بارها؛ متن تصحیح قیاسی است ۲- (ل، ا، ب: بیست)؛ ق این بیت را ندارد
 ۳- (نیز و)؛ کس گردن؛ ک (نیز ق، ا، ل، ب)؛ نیبچید کسی گردن؛ (پ، ل، ن، آ: نیبچند کس گردن)؛ متن = ل، ل، ۲، ۲ (نیز ل، ن، ا، ۳)؛ ۴- ف
 (نیز ب)؛ کار (ل)؛ س، ۲ (نیز ل)؛ گاه؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد؛ ک پس از این بیت افزوده است:

همی تا بدین روزگار آرمید
 مرین گنجها راز کرد و کلید

۵-ک (نیز و)؛ دو؛ (ل، ن: ز هر مز) عس (نیز ل، ب)؛ کشیدند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷- ل، ق (نیز ل)؛ زین؛ (ا: هر)؛ متن =
 یازده دستنویس دیگر ۸- ک (نیز ق، ا)؛ در ۹- ک؛ و آن ۱۰- (ق، ا)؛ داشتم؛ ق: که می داشتم ۱۱- ل: بوق و کوس؛ (پ: رنج و بوس)؛
 متن = سیزده دستنویس دیگر؛ در ق، ۲ این بیت با بیت سپمین پس و پیش شده است ۱۲- ل: ز رامش؛ (ق: ز زامش؛ ب: ز نامه)؛ متن =
 دوازده دستنویس دیگر ۱۳- ک، ل، ۲ (نیز ل، ن، ق، ا، ل، و، ل، ۲، ۳، ۴)؛ بفرجام؛ متن = ل، س، ق، ۲ (نیز ل، ب)؛ ۱۴- س، ق (نیز ل، ب)؛
 دادآورش؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۵- ل: حیا؛ در س، ل، ۳، ب بی نقطه؛ (آ: و تا)؛ ل: سه سال یا؛ متن = ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ن، ۲)
 ۱۶- ل: کهترامان (کهتران مان؟)؛ س، ق، ۲ (نیز ل)؛ مهترانشان؛ ک: مهتران تان؛ ل، ۲ (نیز ل)؛ مهتران خود؛ (ق: کهتران زو؛ ل، ۳، ن، ۲؛
 مهتران زان؛ و: مهریانان؛ ا: مهتران مان؛ ب: مهتریشان؛ متن = (پ) ۱۷- (ق، ل، ۲، ۳، ن، آ: شدند)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- ل:
 همان؛ متن = س، ب ۱۹- (ق: شنیدیم) ۲۰- ق: پیمان - فرمان ۲۱- ل: ندانم؛ متن = س، ب ۲۲- ل، س، ق (نیز ل، ب)؛ بیاید (در ل، ق حرف
 دوم بی نقطه)؛ (ل، ن: نیارد)؛ متن = ل، ک، ل، ۲، ۳ (نیز ل، ن، ق، ا، ل، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸)؛ ۲۳- ل (نیز پ)؛ بجز؛ س، س، ۲ (نیز ل، ب)؛ در؛ ق: ره؛ ک: به از؛ (ل، ن:؟
 کس از)؛ متن = ل، ۲ (نیز ل، ن، ق، ا، ل، ۲، ۳، ۴)؛ در ق آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۴- (و: گشت) ۲۵- (ا: جو)؛ ل: درد و بیکار؛ و:
 درد از کار) ۲۶- (و، ل، ن، ۲، ب: به؛ ب: ز)؛ ک پس از این بیت افزوده است:

بسا کس کزیشان نگون گشت بخت
 نگر تا چه آید بدیشان ز تخت

۲۷- س، ق، ک، ۲ (نیز ق، ا، ل، ب، ۱، ۲)؛ ز؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز ل، و، ل، ن، ۲) ۲۸- (ل، ۳: تواز بخت) ۲۹- (ل، ۳: چه) ۳۰- (ق: آ: کند) ۳۱- س، ک، (نیز
 ل، ۳)؛ به (ل، ۳: ز)؛ دادت؛ ل: بدان تا؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ا، ب، ۲)؛ ۳۲- (نیز ل)؛ که گیتی؛ (ل: نه اندوه؛ و: چو گنجی)؛ متن = ده
 دستنویس دیگر ۳۳- ک: از ۳۴- ل، ک (نیز ل، ۲، و)؛ ایرانیان؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد

روانت از^۲ اندیشه رامش^۳ برد،
 زمانه کنون پاک^۸ در مشت^۹ تست!
 جهان بی درم بر^{۱۰} تباهی بود!
 تهیدست را نیست هوش و هنر^{۱۲}!
 وُرا تخت چون جای^{۱۴} ماتم بود!
 بزرگان فسوسیش خوانند^{۱۵} شاه!
 همی بت به دست^{۱۸} برهمن رسد!
 وُرا نام و آواز تو^{۱۹} خوار^{۲۰} گشت!
 ترا زیردستان نخوانند شاه!
 چو سیرش^{۲۴} کنی دشمن جان بود!

که در بومها برنشاندم^{۲۶} به راه^{۲۷}،
 ندانی همی^{۲۹} راه سود از^{۳۰} گزند!
 فراز آمد این نامورگنج من،
 همه دشمنان را به هم برزدیم^{۳۲}،

ایا پور کمروز^۱ اندکخرد
 چنان دان که این^۲ گنج^۵ ماء پست^۷ تست
 ۲۶۰ هم آرایش پادشاهی بود
 شود^{۱۱} بی درم شاه بیدادگر
 [جهاندار بی گنج پر^{۱۳} غم بود
 به بخشش نباشد وُرا دستگاه
 گر^{۱۶} ایدونک^{۱۷} از تو به دشمن رسد
 ۲۶۵ ز یزدان پرستنده بیزار گشت
 چو^{۲۱} بی گنج باشی نباید^{۲۲} سپاه
 سگ آن به^{۲۳} که خواهندهی نان بود

دگر آنک^{۲۵} گفתי ز کار سپاه
 ز بی دانشیت آن نیامد^{۲۸} پسند
 ۲۷۰ چُنینست پاسخ که از^{۳۱} رنج من
 ز بیگانگان شهرها بستدم^{۳۲}

۱-ل (نیز آ): کم روز و س. ق. س. (نیز لی. ب): کم بوده؛ (ل: کم راه)؛ متن = ک. ل. (نیز لن. ق. پ. و. لن. ق.) ۲-ل. س. ک. ل. (نیز لن-لن. ق.) ز؛ (ب: روان باز)؛ متن = ق. س. (نیز آ) ۳-ق. (ق: کيفر) ۴-ک: آن ه. س. س. (نیز لی. ب): رنج؛ ق: پند؛ متن = ل. ک. ل. (نیز لن. ق. پ. آ) ۵-ل: من؛ متن = س. ب. ۷-ک: نزد ۸-ق. (ق: باد) ۹-ق: به شاهی نگین اندر انگشت؛ ل. (نیز آ) این بیت را ندارد ۱۰-ل (نیز لن. ق.): در: ک: بی بد و بی؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق. ل. (نیز آ) این بیت را ندارند ۱۱-س (نیز لی. ب): جهان؛ (ب: شدم)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲-ل. و. لن. آ: آیین و فر؛ ق. ل. (نیز آ) این بیت را ندارند ۱۳-ک: بی ۱۴-ل (لی: بخت چون جام)؛ ل. ق. لن. ق. ل. (نیز آ). پ. آ. این بیت را ندارند ۱۵-س. س. (نیز لی. و. لن. آ. ب): فسوسیش خوانند هر کس (لی: هر یک؛ لن. آ: مردم) نه؛ متن = ل. ک. (نیز لن. ق. ل. آ. پ. آ)؛ ق. ل. (نیز آ) این بیت را ندارند ۱۶-ل. (نیز لن): ار ۱۷-ل (لی. ل. آ: که) ۱۸-ل. آ: بت پرست؛ ک: سوی زن پرست و؛ ل. ق. ب. بیت های ۲۶۴-۲۶۶ را ندارند؛ این بیت ها در س. پ. س. از ۲۶۷ و در ک. پس از ۲۶۸ آمده اند ۱۹-ق. (ق: بر: آ: او)؛ ل. آ: آزار تو؛ (ل: نام از آن نزد تو)؛ متن = ۲۰-س. (نیز لی): آوازه بر عار؛ متن = ک. س. (نیز لن. پ. و. لن. ق.) ۲۱-ق. (ق: تو) ۲۲-س. (نیز لی): نمائد؛ ک. ل. س. (نیز لن. و. آ): نیاید (در ل. س. آ. و حرف دوم بی نقطه)؛ (ق: ل. آ. پ. نباشد)؛ متن = (لن. ق.) ۲۳-آ: (کسانی) ۲۴-ل. آ. س. آ: شیرین (سیرش)؛ ق. این بیت را ندارد؛ در آیت های ۲۶۷ و ۲۶۸ پس از ۲۷۰ آمده اند؛ بنداری (۱۹۵-۲۶۷). و ما طالبانهم بذلک لإلایشد ظهر ملکننا بالکنوز التي کنزناها. و هی الآن کلها بین یدیک، و مفتاحها لمقاة إلیک (س. ۲۵۹) ۲۵-ل (ل. آ. پ. لن. آ: آنکه) ۲۶-ل (لی: در نشاندم)؛ ل: بوم بر بر نشاندم؛ ک: بوم ما بر نشاندم؛ (ق. آ. و. لن. آ: بومهاشان نشاندم؛ ل: بز مهها بر نشاندم)؛ ل: ترا زیردستان نشاند؛ متن = س. ق. س. (نیز پ. آ. ب) ۲۷-س. (نیز لی. و. آ. ب): گاه؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ لن این بیت را ندارد ۲۸-ق: نیاید؛ آ: این نیامد؛ لن: آ: این نامد؛ ل: (نیز ق)؛ بی: دانشی این بیاید (ق: نیامد)؛ ک: بی دانشی شان نیامد؛ (ل: بی دانشی اینست نامد)؛ متن = س. ل. س. (نیز لن. لی. پ. و. ب) ۲۹-س. (نیز لی. ب): همی بایدت؛ (آ: نداندهمی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰-ق. (نیز ق. ل. آ. لن. آ. ب): سود و؛ (ب: دور از)؛ متن = ل. س. ک. ل. س. (نیز لن. لی. پ. و) ۳۱-س. (نیز لی. ب): پاسخ آن (ل)؛ ل: چنین پاسخ آرای کر؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق. این بیت را ندارد ۳۲-ل. ک. (نیز ق. آ. و. آ): بستدم بر زدم؛ متن = س. ل. س. (نیز لن. لی. ل. آ. پ. و. لن. آ. ب)؛ ق. این بیت را ندارد

نشتیم^۲ بی رنج و گرم و گداز!
 پدید آمد^۴ اکنون ز نالرز ارزا
 گشاده ببیند^۸ بداندیش راه،
 شکفته همیشه^{۱۱} گل کامگار،
 چو پالیز^{۱۴} گردد^{۱۵} ز مردم تهی،
 همه^{۱۸} شاخ نار و بهی^{۱۹} بشکنند^{۱۷}!
 به پَرچینش بر^{۲۲} نیزه^{۲۳} خار اوی^{۲۱}!
 چه باغ و چه دشت^{۲۷} و چه دریا، چه^{۲۸} راغ^{۲۶}!
 دل و پشت ایرانیان نشکنی!
 خروش سواران و^{۳۲} کین آختن^{۳۱}!
 به اندیشه‌ی بد منه^{۳۳} در میان!
 خردمند خواند ترا بی خرد^{۳۴}!
 همی^{۳۶} مردم ناسزا را دهی!
 به اندرزنامه چُنین کرد^{۳۹} یاد،
 همی خویشتن را به کشتن^{۴۱} دهد!

بدان تا به آرام^۱ بر تخت ناز
 سواران پراگنده کردم^۳ به مرز
 چُن^۵ از هر سوی^۶ بازخوانی^۷ سپاه
 ۲۷۵ که ایران چو باغیست^۹ خرم بهار^{۱۰}
 بر از^{۱۲} نرگس و نار و سیب^{۱۳} و بهی؛
 سپرغم یکایک^{۱۶} ز بُن برکنند^{۱۷}
 سپاه و سلیحست^{۲۰} دیوار اوی^{۲۱}
 اگر بگفتی^{۲۴} خیره^{۲۵} دیوار باغ^{۲۶}
 ۲۸۰ نگر تا تو دیوار او^{۲۹} نگفتی
 کزان^{۳۰} پس بود غارت و تاختن^{۳۱}
 زن و کودک و بوم ایرانیان
 چو سالی چُنین بر تویر بگذرد
 من ایدون شنیدم که جای^{۳۵} میهی
 ۲۸۵ چُنان^{۳۷} دان که نوشین روان^{۳۸} قباد
 که هر کو سلیحش^{۴۰} به دشمن دهد

۱.س (نیز لی): تا برآییم؛ (ب: تا برآیم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲.س: نشینم؛ ک: ل. ۲.س: (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ، ب): نشینیم؛
 (ق: نشینند)؛ متن = ل (نیز ل، آ، ب): ق این بیت را ندارد ۳.ل: کرده؛ متن = س. ب. ۴. (و: آید) ۵.ل. س. ۲. (نیز لن، آ، ب): چو؛ متن =
 (ا) ۶.س، ک، ل. ۲.س: (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ، ب): سویی؛ متن = ل، ق (نیز ق ۲) ۷.ق: باز یابی ۸.ل، ق: نبیند (ا)؛ در س حرف یکم بی نقطه؛ (ل: آ:
 شود بر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹.ک (نیز لن، ق، آ): باغست ۱۰. (و: در نوبهار) ۱۱. (ل: آ: همیشه شکفته) ۱۲.ک: بران ۱۳.ک:
 ل. ۲.س: (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ، ب): سیب و نار ۱۴.س: پاکیزه (ا) ۱۵.ل (نیز و): کردم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶.ل (نیز پ): چو ببخش
 یکایک؛ ق: سپرغمش یکسر؛ ک: بن و بیخ آترا؛ ل. ۲.س: (نیز ب): سپرغمش یکایک؛ (ل: سپرغمش یک یک؛ آ: سومش یکایک؛ آ:
 سپهرش یکایک)؛ متن = س (نیز ق ۲، لی، و) ۱۷. (ل: آ، ب: برکنند - بشکنند) ۱۸.ک (نیز ق ۲، پ، و، آ): همان؛ متن = ده دستنویس دیگر
 ۱۹. (پ: سیب و؛ لن: ناز و؛ ل: شاخ و نار)؛ ک: بار و شاخ و؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰.س (نیز لی، و، لن، آ): سلاحست؛ ق: سلج
 و سپاهست؛ (ل: سوار و سلیحست) ۲۱.ل. ک. س: (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ، ب): او؛ متن = ل (نیز ق ۲، پ، و، لن، آ) ۲۲.ل: بهرحس بر
 (حرفهای چهارم و پنجم بی نقطه)؛ س: ل (نیز لی، پ، و، لن، آ، ب): ببریجش بر (حرف پنجم در س بی نقطه)؛ ق: ببریجش همه؛ ک (نیز و): ببریجست
 بر؛ (لن: بربحش بر (حرفهای دوم و چهارم بی نقطه)؛ ق: آ: به هر جای بر؛ ل: ببریجش از؛ ل: آ: دیوار بر؛ آ: درختش بهر)؛ متن =
 س ۲ (نیز پ) ۲۳.ک (نیز لی، و): تیرها ۲۴. (لن: برکتی) ۲۵.ل: تیره؛ (پ: نیز)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۶. (و: دیوارها - چه
 بازارها) ۲۷.ک: راغ ۲۸.س، ک، س: (نیز لی، پ، و): (آ: چه هامون چه دشت و چه)؛ متن = ل، ق، ل (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ) ۲۹. (و، لن، آ:
 دیوارها) ۳۰.ل: آ: از آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۱. (ق: آ: سوختن - توختن) ۳۲.ک: حوج؛ (و: به)؛ ق این بیت را ندارد ۳۳.ل (نیز
 پ): بود؛ (ب: تنه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۳۴.ق، ل: آ این بیت را ندارند ۳۵.ل: کجا تو؛ (لی: که جان)؛ متن =
 سیزده دستنویس دیگر ۳۶.ل: همه؛ متن = س. ب. ۳۷.س (نیز ل، آ، پ، آ): چنن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۸. (لن، ل، آ، ب: آ: ب:
 نوشین روان و) ۳۹.ل (نیز لن، پ): درین کرد؛ س: آ: اندرین کرد؛ ل: به اندرز این کرد در نامه؛ متن = س، ک (نیز ق ۲، ل، آ، ب، و، آ، ب)؛ ق
 این بیت را ندارد ۴۰. (ق: آ، لی، و، لن، آ: سلاحش) ۴۱.س، س: (نیز ق ۲، لی، و، لن، آ): به شیون (ق)؛ (آ: به دشمن)؛ متن = ک، ل (نیز لن، ل، آ،
 پ، لن، آ)؛ ق این بیت را ندارد

که چون باز خواهد کهش آید^۱ به کار بداندیش با او^۲ کند کارزارا

مرا خواندی^۵ دودل^۶ و خویشکام^۷
که گفتار^۹ آموزگار تو بودا
تو خود کی شناسی جفا از^{۱۱} وفا؟
-نگویم^{۱۴} جز آن چیز^{۱۵} کاندرخورد،
چنین مرد دانش^{۱۸} ندارد روا-
به مردی^{۲۰} چو پرویز داماد جست!
به مغز اندرش هیچ باشد^{۲۲} خرد،
ابا او یکی گشته ایرانیان،
نساید^{۲۶} روانریگ با کوه دست^{۲۷}
سپاه جهان نزد^{۳۱} من^{۳۲} خوار بود^{۳۰}
ترا^{۳۵} نیز ازیشان^{۳۶} بیاید شنودا
به جای نیاطوس^{۳۷} روز نبرد،

دگر آنک^۳ دادی ز^۴ قیصر پیام
سخن‌ها نه از یادگار^۸ تو بود
۲۹۰ وفا کردن اوی و از ما^{۱۰} جفا^{۱۱}؟
بدان پاسخ این آید ای^{۱۳} کم‌خرد
تو^{۱۶} دعوی کنی، هم^{۱۷} تو باشی گوا
چو قیصر ز گرد بلا رخ^{۱۹} بشست
هر آنکس که گیتی به پی بسپرد^{۲۱}
۲۹۵ بدانند که^{۲۳} بهرام بسته میان
به^{۲۴} رومی سپاهی نشاید شکست^{۲۵}
بدان^{۲۸} رزم یزدان مرا^{۲۹} یار بود^{۳۰}
شنیدند^{۳۳} ایرانیان آنچه^{۳۴} بود
مرا نیز چیزی که بایست کرد

۱- (ن: که آید)؛ ق: خواهی نیاید؛ (ن: آ: یا خواهد که آید)؛ ۲- ق: تو؛ ل: این بیت را ندارد ۳- (پ، ن: آ: آنکه) ۴- (و: به) ۵- (ن: لب، و، ب: ب) خواننده‌ای؛ متن = یازده دستنویس دیگر ع، س، ق، ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، و، ۳، ب: ده؛ ل: متن = ل، ل، آ (نیز ل، ن، پ، ن، آ، ل، ق، ل، س، آ: شادکام؛ ک: بیشکام؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸- (و: نه درخورد کار؛ ق: آ: سخنهای ما یادگار) ۹- س، ق (نیز ل، ب: ز گفت بد؛ س، آ (نیز ل، ن، آ، ل: ز گفتار؛ متن = ل، ک، ل، آ (نیز ل، ق، آ، ب، و) ۱۰- ل، س، آ (نیز ل، آ، ب: او و از ما؛ س (نیز ل، ب: او را و از من؛ ق (نیز آ: او و ز ما؛ ک، ل، آ: او و از ما؛ و از ما و از تو؛ ن: آ: از ما و از وی؛ متن = (ن: ل، ع، ق) ۱۱- (ق: آ: جفا کردن تو و از ما وفا) ۱۲- ل: را؛ متن = س، ب ۱۳- (ل: آ: آمد ای؛ ن: پاسخش ای بد؛ ل: آ: پاسخ اندای کم (ل)؛ (ن: آ: پاسخ آید که ای؛ ق: آ: بدین پاسخ این ای بد؛ و: ترا پاسخ این بود کای؛ متن = س، ق، ک، س، آ (نیز ل، ن، پ، آ، ب: ک پاک شده است ۱۴- ل، ک، ل، آ: بگویم؛ و: نگفتم) ۱۵- ل: نیز؛ ل: جزین نیز؛ ل، آ: ب: جز از چیز؛ ن: آ: جز این چیز؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ در ق آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۶- ک: چو ۱۷- (ن: و) ۱۸- ل (نیز ب): بخرد؛ (ق: آ: دانا)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹- ک: بلارک ۲۰- (ق: آ: گیتی) ۲۱- س، ق، س، آ (نیز ل): بشمرد؛ ل (نیز ق، آ، ب، ن: آ: به بد نسپرد؛ ل (نیز ل): به بد نشمرد؛ (ب: بدین نشمرد)؛ متن = ک (نیز ل، آ، و، آ: ع) ۲۲- ل: اندرون باشد او را؛ (ق: آ: اندرون دان که دارد)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳- ک، ل: ناندانکه؛ (ق: آ: بدانگه که) ۲۴- ق: ز ۲۵- (ب: گذشت) ۲۶- ک، س، آ (نیز ل، و، ن، ب، آ: نشاید؛ ل: نباشد؛ متن = ۲۷- (ل، آ: کوه و دشت)؛ ک: روان کوه باریگ (بی نقطه) دست؛ (و: بران ریگ پالوده بست (دو واژه سپین بی نقطه)؛ ن، آ، ب: روان رنگ پالوده بست (ب: گشت)؛ ل: دل مرد دانا برین برشکست)؛ متن = ل، س، ق، ل، س، آ (نیز ل، ن، ب: ق آ این بیت را ندارد ۲۸- (ل، آ: بران) ۲۹- س (نیز ل، ب: ب: ترا (ل) ۳۰- س: باد ۳۱- س: س- س، آ (نیز ل، ن، ب: پیش؛ متن = ل ۳۲- (و، ل، آ: ما)؛ ک ۲۹۷ آ و ۲۹۸ ب را انداخته است و سپس افزوده است:

سروش اندر آن رزم بد یاورم چو گویم نداری همی باورم

۳۳- ق، س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ: شنودند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴- (ل، ب: آنچه) ۳۵- س: مرا (ل) ۳۶- ل: زیشان؛ متن = س، ب: بنداری (۲۹۸-۲۹۹)؛ و اما ما ذکر مت من أمر الروم و سعيهم فی إعادة الملک إلینا فاعلم أننا لما ظفرتنا فی تلك الوقعة لم نعرف ذلك إلا من فضل الله وقوته ۳۷- س (نیز ل، آ: نیاطوس؛ ق، ل، آ (نیز ل، ن: نیاطوش؛ س، آ: نیاطوش؛ ق، و، ل، ن، ب: نیاطوش؛ ب: بناطوس)؛ متن = ل، ک (نیز ل، آ)

۳۰۰ ز خوبی و از^۱ مردمی کرده‌ام^۲
 بگوید ترا^۵ زادفرخ^۶ همین
 گشسپ آنک^۸ بُد نیز^۹ گنجور ما
 که از^{۱۲} گنج ما بدره بُد صد^{۱۳} هزار
 نیاطوس^{۱۷} را مهره^{۱۸} دادم هزار
 کجا سنگ هر مهره‌یی بُد هزار
 ۳۰۵ تَبنگوی، پر^{۲۳} دَر خوشاب، صد^{۲۴}
 که هر حَقّه‌یی را^{۲۷} چو پنجه‌هزار^{۲۸}
 همان^{۳۰} جامه^{۳۱} دیبای چینی^{۳۲} هزار
 مران هر یکی را درم صد هزار
 ۳۱۰ صد اسب گرانمایه، پنجه^{۳۶} به زین
 دگر ویژه^{۳۹} با جَلّی دِبه^{۴۰} بُدند

به پاداش او^۳ روز بشمرده‌ام^۴
 -جهان را به چشم جوانی مبین^۷-
 همان موبد^{۱۱} پاک^{۱۱} دستور ما،
 که^{۱۴} دادم بدان^{۱۵} رومیان یادگار^{۱۶}
 همان زر^{۱۹} سرخ ازدر^{۲۰} گوشوار^{۲۰}،
 ز مثقال گنجی^{۲۱} چو کردم شمار^{۲۲}
 درو^{۲۵} مرد دانا ندید^{۲۶} ایچ بد،
 بدادی درم مرد گوهرشمار^{۲۹}
 ازو^{۳۳} پنج زربفت^{۳۳} گوهرنگار^{۳۴}،
 بها کرد استاد پرهیزگار^{۳۵}
 همه کرده^{۳۷} از آخر^{۳۷} ما گزین^{۳۸}،
 که در دشت با باد همره^{۴۱} بُدندا

۱-ل. ق. س (نیز ق ۲، ۳)؛ وز؛ (و: بسی خوبی و)؛ متن = س، ک، ل (نیز ن، ل، ل، ل، پ، ن، ۲، ب) ۲-ن، ب: کرده‌ام (۳-ق: آن) ۴-ن، ب: بشمرده‌ام؛ ق: آ (پژمرده‌ام)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر (در ل، س، ل، و حرف یکم بی نقطه) ۵-ق: آ (با) ۶-ل: زادفرخ؛ متن = س-ب ۷-و: همان هم بزرگان ایران زمین) ۸-ل (نیز ل، ۳، ب، ن): آنکه ۹-ک: که آن شب که بد مرد ۱۰-س، ل (نیز ن، ب): موبد؛ و: ک؛ بود؛ با؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱-ق: آ (پاک و) ۱۲-ق: آ (در) ۱۳-س، ل، ۲، س (نیز ن، ل، و، آ، ب): صد؛ ق: سی؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲، ل، ۳، ب، ن، ۲) ۱۴-ن، ب: (چو) ۱۵-ن: (بران) ۱۶-ل: (روزگار)؛ س (نیز ل): همه (ل): همین) زر سرخ از در کارزار (۳۰۴)؛ (و: ز مثقال گنجی چو کردم شمار = ۳۰۵)؛ ب: همان زر سرخ از در گوشوار = ۳۰۴)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-س (نیز پ): نیاطوس؛ ق، ل (نیز ن): نیاطوش؛ س (نیز ق ۲): نیاطوش؛ (ل): نیاطوش؛ و، ن: آ: نیاطوش؛ متن = ل، ک (نیز ل ۳) ۱۸-س (نیز ل، ۲): بدره؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-س (نیز ق ۲، ل): ز یاقوت؛ متن = ۲۰-ل (نیز ن، ن، ۲): و همان گوشوار؛ ل، ک، س (نیز ل، ۲، ب): ز مثقال (س، ل: دینار) گنجی چو کردم شمار (۳۰۵)؛ متن = ق (نیز و، آ)؛ ب این بیت را ندارد؛ در ک: ۳۰۵، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۱ (ن: جنکی (۲)؛ آ: سنکی) ۲۲-ک، س (نیز ل، ۲): همه (س): همان؛ ل: آ: مرا) زر سرخ از در گوشوار (۳۰۴)؛ متن = س، ل (نیز ق ۲، ل، ل، ل، ۲)؛ ل، ق، ب، ب این بیت را ندارند ۲۳-ل، ک (نیز ب): ز یاقوت وز (ب: و از)؛ س: بنیکوی از؛ ق: همان دانه؛ ل: بسکوی (حرفهای دوم و سوم بی نقطه) بد؛ س: بشکوه (حرف سوم بی نقطه) بر؛ (ل): بیویی پر از؛ ل: بنیکوی بد؛ و، ن: آ: بشکوی بر؛ آ: بدان کوی بد؛ ب: شکوه بر؛ (متن تصحیح قیاسی است ۲۴-س: آ: شد (دست د صد)؛ (ن: همان در خوشاب بد چار صد؛ ق: همان در خوشاب بگریده صد) ۲۵-ق: آ (کز و؛ ل: بر) ۲۶-ل: آ (نبد)؛ در س، ل، ۲، ق، ل، بی بیت‌های ۳۰۶ و ۳۰۷ پس از ۳۰۹ آمده‌اند ۲۷-ق: دانه‌ای را؛ ل: مهره‌ای را؛ (ن: دزی از آن؛ ق: گهری را؛ ل: سفته‌ای را؛ آ: حلقه‌ای را) س (نیز ل): دگر زر حَقّه؛ (ک: بد حَقّه‌ای را؛ ب: که زو خفته راهم)؛ متن = ل، ک، س (نیز ن، ۲) ۲۸-ق: درم سی هزار) ۲۹-ق (نیز ن، ل، ۲): بها کرد استاد پرهیزگار (۳۰۹)؛ (ق: بدادی بها مرد پرهیزگار)؛ و این بیت را ندارد ۳۰-ل: (هم از) ۳۱-ک، ل، ۲، س (نیز ل، ۲، ب): تازه (د: تای (تا؟)؛ متن = س (نیز ق ۲، ل) ۳۲-و: دگر تخت جامه چو پنجه) ۳۳-و: (از آن) ۳۴-ل: ز مثقال گنجی چو کردم شمار = ۳۰۵)؛ ب: بها کرد استاد پرهیزگار = ۳۰۹)؛ ل، ق، ن، ل، ۲، آ این بیت را ندارند ۳۵-ل: بدادی درم مرد جامه شمار = ۳۰۷)؛ متن = س، ک، ل، ۲، س (نیز ق ۲، ل، ب، و، ل، ق، ن، ل، ۲، آ، ب این بیت را ندارند ۳۶-ل: گزیده هزار اسب پانصد؛ متن = س-ب ۳۷-ل (نیز ن): هم او کرد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۸-ق (نیز ن، ۲): بزین (ل) ۳۹-و: دگر چند؛ ن: آ: همه ویژه؛ ب: دگر پنجه) ۴۰-ق: آ (د: دیبا)؛ ک: باحک (۲) دیبا؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل: دگر شست پوشیده دیبه ۴۱-ک (نیز ق ۲): همتا؛ ل: دست و پا جمله همتا؛ ل این بیت را ندارد

بنزدیک قیصر فرستادم این پس از خواسته، خواندمش^۱ آفرین!

به^۲ گنج اندر افکنده چوبی^۳ کهن،
ز ترسا شنیدی تو آواز^۵ آن!
سرافرازمردی^۷ و گنداوری^۸،
همش فیلسوفان و هم موبدان^{۱۱}،
گر این^{۱۴} چوب خشک^{۱۵} ته گشته را؟!
سر ماه را^{۱۸} اورمزد آن بُدی!
مسیحا شد او نیستی^{۱۹} در جهان!

کنون تویه^{۲۳} کن، راه یزدان بجوی^{۲۴}،
زبان و دل^{۲۷} و دست و پای قباد!

ز دار مسیحا که گفتی سَخُن
نَبْد زان^۴ مرا هیچ سود و زیان
۳۱۵ شگفت آدم زانک^۶ چون قیصری
همه^۹ گرد بر گرد او^{۱۰} بخردان
که یزدان^{۱۲} چرا خواند^{۱۳} آن کُشته را
گر آن^{۱۶} داری بیکار^{۱۷} یزدان بُدی
برفتی خود از گنج ما ناگهان

۳۲۰ دگر آنک^{۲۰} گفتی که پوزش^{۲۱} بگوی^{۲۲}
وُرا پاسخ این بُد که^{۲۵} ریزنده^{۲۶} باد

۱- (ن، ل، ۳: خواندم؛ ن، ۲: خواندیم)؛ س، ق، ۳: (نیز ق، ۲، لی، و، ب): از آن (ب: این) پس برو خواندیم (ق، ۲: و: خواندم)؛ متن = ل، ۲: (نیز پ)؛ بنداری (۳۱۲-۲۹۹): و مع قلة غنائهم فی تلك الرقعة فقد عرف واشهر ما افنضاه علی نیاطوس و حیوانه به من الجواهر و الذهب و الفضة و الخیل و الأسلحة ۲: ک: ۳- (ب: بودی) ۴- (ن، ۲: زو؛ ق، ۲: نبودی) ۵: گفتار؛ (ق، ۲: تو و آ: تو او را ز: ل، ۳: شنیدم من)؛ س (نیز لی): ز ترسیدن تو ز آواز؛ متن = ل، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ن، ب، و، ن، ۲، ب) ۶- (ل، ۳: پ، که) ۷- (ق، ۲: گردی) ۸- ل: نام آوری؛ متن = س، ب- ۹- (پ: همان) ۱۰- (ن: وی) ۱۱- س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ن، لی، و، ن، ۲، ب): همه فیلسوف و رد و موبدان؛ ق (نیز ق، ۲، ل، ۳): همه فیلسوفان گرامی (ق، ۲: و نامی) ردان (ل، ۳: ورد موبدان)؛ (ب: همه فیلسوفان زو موبدان)؛ متن = ل (نیز پ)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

همی از خرد بهره‌ها بودشان
خرد بر روان‌ها برافزودشان
نه هرگز بگفتند با دل براز
نه اندیشه‌شان شد به دل بر دراز
نه با دل خرد نیز کردند جفت
نه هم باروانشان سروش این بگفت

۱۲- (ق، ۲: که بردار!) ۱۳- (پ: خواست) ۱۴- ل، س، ۲ (نیز ۱): که این؛ ک: ازین؛ (ق، ۲، لی، ب: کزین؛ ن، ۲: همان)؛ متن = س، ق، ل، ۲ (نیز ن، ل، ۳، پ، و) ۱۵- س، ک (نیز لی، ل، ۳، پ، ب): خشک چوبی؛ ل (نیز ن، ق، ۲، و): خشک چوب؛ متن = ل، ق، س، ۲ (نیز ن، ۲، ۱۶- ل، ۲ (نیز ن، ل، ۱۱: کزان) ۱۷- ل: بر کار (؟)؛ ک: از کار؛ ق: عنوان ز؛ (ق، ۲: کار بی‌کار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- ل: مایه (؟)؛ ق: گاه (در بالا افزوده: ماه)؛ ر: که ماه نو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹- (ل، ۲: آن راستی؛ ب: آن نیستی)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ک پس از این بیت افزوده است:

طلب کردم آخر ز آتشکده
بدو دادم این چوب کهنه شده
بدو پاسخم گر نبودی چنین
همان مهم گشتمی من بدین

بنداری (۳۱۹-۳۱۳): و أما امتناعنا من إنفاذ خشبة الصلیب الیهیم فان ذلک لأننا استحیینا من إهداء عود بال من أفلیم. فاننا لو فعلنا ذلک لصرنا ضحکة بین الخلق، و نسبنا الی الجهل و قلة العقل ۲۰- (پ، ل، ۲: آنکه) ۲۱- س، س- ۲ (نیز ل، ل، ۳، و، ب): حجت (؟)؛ متن = ل (نیز پ)

۲۲- درس حرف یکم بی‌نقطه؛ ک، ل، ۲ (نیز و، ۲، ب: مگوی ۲۳- ل، ۲: پویه) ۲۴- (ق، ۲: مجوی) ۲۵- ل، ل، ۲، س، ۲: آن بدکه؛ س: آمدکه؛ ق: آن ده که؛ (ن، پ: آن بر که؛ ق، ۲: اینست؛ لی، ب: آید که)؛ ک ناخواناست؛ متن = (ل، ۳، و، ل، ۲، ۲۶- ل، ۳، ۲۷- ل، ۲، س، ۲ (نیز ن،

لی-ن: ب: لب؛ س: روان و لب؛ متن = ل، ق (نیز ق: ۱، ۲)

پذیرفتم و بودم^۱ از تاج^۲ شادا!
 ندانم زبان^۳ در^۴ دهانت چراست^۴ -
 که نشناسد او بد ز نیک^۸ اندکی!
 همان^{۱۰} شور و تلخی بسی دیده‌ام^{۱۱}!
 کس از شهریاران^{۱۳} نبودم^{۱۴} هَمال!
 نه بر من^{۱۷} سپاسی همی^{۱۸} برنهد!
 که آباد بادا به دانا^{۲۱} زمین!
 نیازد^{۲۲} به نفرین ما هیچ کس!
 که ما را کنون تیره گشت آب‌روی^{۲۵}،
 سر و کار ما باد با موبدان!
 سَخُن‌گوی و پرمايه آزادگان،
 سَخُن جز شنیده مگوئید چیز^{۲۸}!

ما تاج یزدان به سر برنهاد
 به یزدان سپردم چُن او^۳ بازخواست
 به یزدان بگویم، نه با^۷ کودکی
 ۳۲۵ همه^۹ کار یزدان پسندیده‌ام
 مرا بود شاهی سی^{۱۲} و هشت سال
 کسی کین^{۱۵} جهان داد^{۱۶}، دیگر دهد
 برین^{۱۹} پادشاهی کنم^{۲۰} آفرین
 چو یزدان بود یار و فریادرس
 ۳۳۰ بدین^{۲۳} کودک تیز و^{۲۴} نادان بگوی^{۲۵}
 که پدرود بادی تو^{۲۶} تا جاودان!
 شما^{۲۷} ای گرامی فرستادگان
 ز من هر دو پدرود باشید نیز!

۱-س، ق، س: ۲ (نیز لی، ب): گشتم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲- (و، ل، ن: ۲، داد) ۳- س، ک (نیز لی، ب): چو او؛ (ل: ۳، کنون)؛ ل، ق، س: ۲ (نیز ق: ۲، ب: ۱) - سپردیم چون؛ متن = ل ۴ (نیز ل) ۴- (ل: زفان) ۵- (لی: و) ۶- (ل: ۲، چه خواست؛ ب: دهان از چه راست)؛ ک: زبانم نداند دهانم کجاست؛ (ل: ۳، بدانم زبان در دهانت راست)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- که با؛ (ق: ۲، که تا؛ و: که نه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸- س، س، س: ۲ (نیز لی، ل، ۳، ن: ۲)؛ نیک و بد؛ ک: بیش از؛ ل ۲ (نیز ل، ن: ۲)؛ از نیک و بد؛ متن = ل (نیز ب، و، ل: ۱)؛ ق، ب این بیت را ندارند ۹- (ن: ۲، همان) ۱۰- (و: همی) ۱۱- س (نیز لی، ب): که من دیده‌ام؛ س: ۲؛ پسندیده‌ام (!)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ب این بیت را ندارد ۱۲- س (نیز لی، ب): بودسی و دگر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳- (آ: پادشاهان) ۱۴- ک: نبودم کس از شهریاران؛ ک پس از این بیت افزوده است:

مرا بود ملک جهان سربسر ز خاور برو تا در باختر

۱۵- (ل: ۲، زین) ۱۶- ل: جداد؛ (ق: ۲، داد و) ۱۷- ل ۲ (نیز ل، ن: ۲)؛ کس؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- س: برین؛ ک: بسر؛ (لی: بدین)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ آ این بیت را ندارد ۱۹- ک (نیز لی، ب، پ، آ): بدین؛ (ق: ۲، ل: ۳، بران؛ ل: ۳، بدان)؛ متن = ل، س، ل، س: ۲ (نیز ل، و، ب) ۲۰- (ب: کنیم) ۲۱- (آ: ب: داد این؛ ق: ۲، ل: ۳، ن: ۲، دارد بد دانش)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۲۲- ل، س: ۲ (نیز ل: ۳، ۱)؛ نیارد؛ (لی: نتازد؛ و: نیاید؛ ب: نتازد)؛ متن = ل - ک (نیز ل، ن: ۲، ق: ۲، ب، ل: ۲) ۲۳- ل، ق (نیز ل: ۲، ب، بدان)؛ (ب: برین)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۴- ل: زشت و؛ س، ق، ک، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل، و، ل، ن: ۲، ب): تیز؛ متن = ل ۲ (نیز ل، ن: ۲، آ) ۲۵- ق: همو-رو؛ (و: بگو-رو؛ آ: بگوی-آب و روی)؛ ک پس از این بیت افزوده است:

کنون گر پرستش بدی کار من
 نکرد او ز ما را به دل هیچ یاد
 ولیکن من از کژی و شوربخت
 بدانم که بازار ما برگذشت
 5 چو اینجا رسیدندی آن بخردان
 به گیتی به پیش جهاندار من
 که ما خود نگیریم یاد قباد
 نترسد از آن مرد با تاج و تخت
 مرا چرخ منشور شاهی نوشت
 بگریید هر دو به مرد جوان

۲۶- ق: کردیم؛ (ل، ن: آ، باشی تو) ۲۷- (و: والا)؛ درک این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۲۸- بنداری: ثم أمرهما بتبلیغ جوابه لی شبرویه، و دعهما و کلهما بما فاضت منه العیون، و اضطرت منه القلوب (۳۲۰-۳۲۹ را ندارد)

که او را ندیدم مگر^۲ بر گذرا
 ز کیخسرو آغاز تا کیقباد^۱!
 کزیشان بدی جای^۷ بیم و امید،
 چو روز درازش سرآمد بمرد^۸!
 بدی دور کرد^{۱۰}، آشکار و نهان،
 به مردی ز جنگ^{۱۲} زمانه نرسد^{۱۳}!
 چو پیروزگرفارن شیرگیر^{۱۶}!
 به مردی جهاندار شد با^{۱۹} گروه،
 و زان^{۲۰} خانه گیتی پر افسانه کرد!
 ز یاقوت رخشنده بودی درش^{۲۲}!
 که کشتش به روز جوانی دو پیر^{۲۵}!
 و زان رنج برده^{۲۶} ندید ایچ^{۲۷} گنج!
 کزیشان سخن ماندمان^{۲۹} یادگار!
 سواران میدان و شیران^{۳۰} کین!

کنم^۱ آفرین بر جهان سربس
 ۳۳۵ بمرد کسی^۳ کو ز مادر بزد
 [چو^۵ هوشنگ و طهمورت^۶ و جمشید
 [که دیو و دد و دام فرمانش برد
 [فریدون فرخ که او از^۹ جهان
 [ز بد دست^{۱۱} ضحاک تازی بیست
 ۳۴۰ [چو^{۱۴} آرش که بردی^{۱۵} به فرسنگ تیر
 [قباد آنک^{۱۷} آمد ز^{۱۸} البرزکوه
 [که از آبگینه همی خانه کرد
 [همه دز خوشاب بُد پیکرش^{۲۱}
 [سیاوش همان نامدار^{۲۳} هزیر^{۲۴}
 ۳۴۵ [کجا کنگدز کرد جایی به رنج
 [کجا رستم^{۲۸} زال و اسفندیار
 [چو گودرز و هفتاد پور گزین

۱-س، ق، ک، س (نیز لی، ب): کنون؛ (و: کنیم)؛ متن = ل، ل (نیز لن، ق، ل، پ، ب، ن، آ): ۲-ل (نیز لن، ق، ل، پ، ب، ن، آ): ۱-بجز: س، ق، ک، س (نیز لی، و، ب): ندیدیم جز: متن = ۳-ک: هر آن ۴-س (نیز لن، ب): ز خسرو که (آ: چه؛ ب: به) یاد آوری تا (ل: آ: یا؛ آ: وز) قباد (س، لی، ب: یاد باد)؛ متن = ل ۵- (ق: آ: ز): عک، ل (نیز ل، پ، ب، ن، آ): ۱-طهمورت؛ در و، ب حرف ششم بی نقطه؛ متن = س، ق، س ۲ (نیز لن، ق، آ: لی) ۷- (ق: آ: پ: جهان بد به)؛ ل بیت های ۳۳۶-۳۴۴ را ندارد و در ترجمه بنداری هم نیست ۸- (ن، و: روزش سرآمد برفت و: همانگه) بمرد ۹- (ق: آ: د): ک: وی در ۱۰- (ق: آ: بدی در جهان)؛ ل آ این بیت را ندارد ۱۱- (ل: آ: فریدون که) ۱۲-ک: رنج ۱۳-ق، ل، آ، س (نیز لن، ل، پ، ب، ن، آ): ۱-نجست؛ ک (نیز ق: آ): برست؛ متن = س (نیز لی، پ، و، ب) ۱۴- (آ: چن) ۱۵- (و: که میزد) ۱۶- (ل: آ: پیروز و چون قارن شهرگیر؛ پ: پیروز قارن یل شیرگیر؛ و: سام نریمان یل شیرگیر) ۱۷- (ل: آ: آنکه) ۱۸- (ب: از) ۱۹- (ل: آ: نیز آ): بر؛ (ق: آ: بی)؛ ک، ق، آ، پ، پس از این بیت افزوده اند:

ک: چو کاوس که شد سوی آسمان
 ق: آ: همان نامبردار کاوس کی
 پ: همان نیز کاوس رزم آزمای
 که آگه کند راز گشت زمان
 جهاندار با داد فرخنده بیی
 که بگرفت گیتی به تدبیر و رای

۲۰-ک: از آن ۲۱- (و: گوهرش) ۲۲-ک (نیز لن، آ): ۱-برش؛ ل: سرش؛ (و: بد افسرش)؛ متن = س، س (نیز لن، پ، ب): ق این بیت را ندارد ۲۳- (پ: نامدار و): ک: هم از نامداران ۲۴-س (نیز ق: آ): هزیر ۲۵-ل (نیز لن): دبیر (۲): (ق: آ: دوبر؛ ل: آ: دوبر؛ و: دوبر؟) ۲۶-ل (نیز پ): دیده؛ (و: لن: آ: بردن)؛ ق: رنجها؛ و: متن = س، ک، س (نیز لن، ق، آ: لی، آ: ب) ۲۷- (ب: ندیدند)؛ ل آ این بیت را ندارد ۲۸-ک، س (نیز لی، ل، پ، ب): رستم؛ و: متن = ق، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ: و، لن، آ): ۲۹- (ل: آ: ماند (I)؛ آ: ماند از آن)؛ ک، پس از این بیت افزوده است:

بسان فراهمز و سهراب گو
 چو اسکندر و اشک [و] داراب گو

۳۰- (ق: آ: مردان؛ و: شیران و مردان)؛ ک، ق، آ، پس از این بیت افزوده اند:

ک: که بد شاهان خسرو فرزند
 چو کیخسرو آن شیر آزادمرد
 ق: آ: شهشاه کیخسرو نیکیخت
 که کین پدر خواست از بد گزند
 کجا شیر بگرفتی اندر نبرد
 کز انسان ندیدند بیدار بخت

پذیرفت^۱ و زو تازه شد فرهی!
 فروزنده‌تر بُد ز گردنده‌مهر!^۲
 سواران جنگی و خوانندگان^۳
 به سال آن یکی از^۴ دگر مه^۵ بُدی!
 بمانند^۶ میدان و ایوان^۷ و کاخ^۸!
 اگر سال را چند بالا نبود!
 نماندم^۹ که روزی به من^{۱۰} بد رسد!
 بسی دشمن از پیش برداشتم^{۱۱}!
 کجا آب و خاکست رنج^{۱۲} منست!
 همه^{۱۳} تیره گردد امید مهان^{۱۴}!
 بگردد ز^{۱۵} تخت^{۱۶} و سر آیدش بخت!
 بگویم بدو^{۱۷} جانم آسان ستان!
 به^{۱۸} زیر پی ما^{۱۹} همه گُل بود!

[چو گشتاسپ شاهی که دین بهی
 [چو جاماسپ کاندز شمار سپهر
 ۳۵۰ [شدند آن بزرگان و دانندگان^۳
 [که اندر هنر این از آن به^۵ بُدی
 [بپرداختند^۶ این جهان فراخ
 [ز شاهان مرا نیز همتا^۷ نبود
 [جهان را سپردم به نیک و به بد
 ۳۵۵ [بسی راه^{۱۵} دشخوار^{۱۶} بگذاشتم^{۱۱}
 [همه بوم‌ها پر ز گنج^{۱۲} منست
 [چوزین گونه بر من^{۲۰} سرآمد^{۲۱} جهان^{۲۲}
 [نماند به فرزند من^{۲۵} نیز تخت
 [فرشته بیاید یکی^{۲۸} جان‌ستان
 ۳۶۰ [گذشتن^{۳۰} چو بر چینیود^{۳۱} پل بود

- ۱-س. ل. ۲ (نیز لن، لی، و، آ، ب): پذیرفت؛ متن = ق، ک، س. ۲ (نیز ق، ل، آ، ب، پ، ن، ۲). ۲-س. س. ۲ (نیز لی): تابنده مهر (س: چهره): ق: ناهید و مهر؛ (ب: زبانه مهر)؛ متن = ک، ل. ۲ (نیز لن، ق، ل، آ، ب، پ، ن، ۲، ۱). و این بیت را ندارد؛ ق. ۲ از این بیت افزوده است:
- کجا رفت اسکندر نامور
 همان نامور شاه بهرام گور
 ز بخشندگی شه چو او خود نبود
 همان هم بنالم به روشن‌روان
 کجا آن چل و هفت شاه جهان
 5 بسی کاخ و ایوانها ساختند
- ۳-ک (نیز ل، و، ن، ۲، ۱): فرزندگان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴-ک، س. ۲ (نیز لن، ق، ل، آ، ب، و، لن، ۱): مردانگان؛ ل. ۲: فرزندگان؛ متن = س. ق. (نیز لی، پ، ب) ۵-ل (ن: مه) ۶-ق (زین)؛ س (نیز لی، و): از یکی آن؛ ک: این یکی را؛ (آ: به سالی یکی از؛ ب: به سالش یکی آن)؛ متن = ق، ل. ۲، س. ۲ (نیز لن، ل، آ، ب، پ، ن، ۲) ۷-ک: که؛ ل. ۲ (نیز لن، ۲) ۸-ا: (ب: بیداختند) ۹-س. ۲ (نیز و، لن، ۱): ب: ما ماند؛ (پ: مماناد)؛ متن = س. ق. ل. ۲ (نیز لن، پ) ۱۰-ل. ۲، س. ۲ (نیز پ، لن، ۲): ایوان و میدان؛ (ق: این باغ و ایوان؛ ل: ایران و میدان) ۱۱-ا: (ایوان و کاخ فراخ)؛ ک: این بیت را ندارد ۱۲-س. ۲: والا؛ (ب: بالا)؛ ک: بیت‌های ۳۵۳-۳۸۰ را ندارد ۱۳-ق. ل. ۲ (نیز لن، ق، آ، ب، و، لن، ۲): نه آنرا؛ س. ۲: نه ما آن؛ (ل: نه آگه؛ آ: که آنرا)؛ متن = س (نیز لی) ۱۴-ق: ما؛ متن = دو زده دستنویس دیگر ۱۵-ب: (ب: رای) ۱۶-س. ۲-ل (نیز لن، ق، ل، لی، و-ب): دشوار؛ متن = س (نیز ل، پ) ۱۷-ق (نیز لن)؛ س-ب: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ق: رنج) ۱۹-س. ۲: گنج؛ ق: گنج؛ ب: و رنج؛ در ق. ۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۰-ق: آ: ما) ۲۱-ل. ۲ (نیز لن): آید ۲۲-ق: زمان ۲۳-ق: آ: همی) ۲۴-س. ۲: جهان (ل) ۲۵-ق: ما ۲۶-ق، ل. ۲ (نیز ق، آ، ب، آ): بگردش؛ متن = س، س. ۲ (نیز لن، لی، ل، و، لن، آ، ب) ۲۷-ق: آ: روز؛ ل. ۲: بخت) ۲۸-س. ۲: ق (نیز لی، آ): فرشته بیاید (لی: بیاید) یکی؛ (و: گر آید فرستاده)؛ متن = ل. ۲، س. ۲ (نیز لن، ق، ل، آ، ب، لن، آ، ب) ۲۹-ب: (ب: بدان) ۳۰-ا: (ل: گذشته) ۳۱-س: بر خشک و بر؛ ق، ل. ۲ (نیز لن، پ، آ): بر دینور؛ س: بر حینور؛ (ق: بر حنیز؛ لی: بر خشک بر؛ و: بر حنیز؛ لن: بر چنبر؛ ب: بر خشکی و؛ ل: خنیور که ما را همی)؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۲-ا: (که) ۳۳-ق: آ: اندر)

[به توبه^۱ دل راست^۲ روشن کنیم^۳
 درستست گفتار خوانندگان^۴
 [که چون^۵ بخت بیدار گیرد نشیب
 [چو روز بهی بر کسی^۶ بگذرد
 پیام من اینست^۷ سوی جهان^۸
 [شما نیز پدرود باشید و شادا!

بی آزاری خویش^۹ جوشن^{۱۰} کنیم^{۱۱}
 جهان دیده و پاک دانندگان^{۱۲}
 ز هر گونه‌یی دید باید نهیب!
 اگر خواند او را^{۱۳}، ندارد خرد!
 بنزد کهان و بنزد مهان^{۱۴}!
 ز من^{۱۵} نیز هرگز^{۱۶} مگیرید یاد!

چُن^{۱۷} آشتاد و خَرَادِ بُرُزین^{۱۸} گُو
 به پیکان^{۱۹} دل هر دو دانا بخت
 ز گفتار، هر دو پشیمان شدند
 به بربر همه جامه‌شان^{۲۰} چاک بود^{۲۱}
 برفتند گریان ز پیشش دو پیر^{۲۲}
 بنزدیک شیرویه^{۲۳} رفت این^{۲۴} دو مرد
 یکایک بدادند پیغام شاه

شنیدند پیغام^{۲۵} آن پیشرو،
 به سر برزدند آن زمان هر دو دست!
 تپانچه^{۲۶} به رخسارگان برزدند^{۲۷}!
 سر هر دو دانا پر از خاک بود^{۲۸}!
 پر از درد، دل پر ز پیکان تیر^{۲۹}!
 پر آژنگ^{۳۰} رخسار^{۳۱} و دل پر ز درد^{۳۲}!
 به شیروی بی مغز و^{۳۳} بی دستگاه!

چو بشنید شیروی بگریست سخت
 چو از پیش برخاستند آن^{۳۴} گروه

دلش گشت ترسان^{۳۵} از آن تاج و تخت!
 -که او را همی داشتندی ستوه،

- ۱- (ل: آ: پوزش) ۲- (و: پاک؛ ق: آ: دل و دست) ۳- (ق: آ: پ: آ: کنم) ۴- (ق: آ: داد) ۵- (و: برین تاج و این تخت شیون)؛ ق این بیت را ندارد و در ق^۲ پس از ۳۵۸ آمده است ۶- (ن: ق: ل: آ: و: ن: آ: و: ن: آ: فرزندگان)؛ متن = س: ق: ل: آ: س: (نیز لی، پ: ب) ۷- (و: مردانگان؛ آ: بینندگان؛ ق: آ: پاک دل بندگان؛ پ: بیدار دانندگان)؛ متن = س: ق: ل: آ: س: (نیز لی، ل: آ: ن: آ: ب) ۸- (ق: آ: کنون) ۹- (ق: آ: چو این روز بی بر همی) ۱۰- (ن: ق: ل: آ: پ: آ: باز خواند؛ و: ن: آ: باز خواهد)؛ متن = س: ق: ل: آ: س: (نیز لی، ب) ۱۱- (ن: آ: من است این به) ۱۲- (ق: آ: مهان) ۱۳- (ق: آ: بزرگان و نزد کهان؛ ب: مهان و بنزد کهان)؛ ل در اینجا سرنویس دارد: پیغام خسرو به شیرویه ۱۴- (ق: ز بد ۱۵- (ق: آ: پ: بر بد؛ ل: آ: جز به نیکی)؛ ل این بیت را ندارد ۱۶- (ل: س: آ: (نیز لی- ن: آ: ب)؛ چو: متن = (آ: ۱۷- (ل: استاد برزین و خَرَاد؛ س: ق: ل: آ: س: (نیز لی، ل: آ: و: ن: آ: ب)؛ استاد (ن: اشناد) و خَرَاد (س: آ: خَرَاد و) برزین (س: برزین و)؛ (ق: آ: استاد خَرَاد و برزین دو؛ ل: آ: استاد خَرَاد برزین)؛ متن = (پ) ۱۸- (ق: آ: ن: آ: گفتار) ۱۹- (ل: ز گفتن؛ (ق: آ: زانده؛ و: برانسان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- (س: (نیز لی): طینچه؛ ق: س: آ: (نیز لی، ل: آ: پ: آ: تپنچه؛ (ب: طینچه)؛ متن = ل: آ: (نیز ق: آ: و: ن: آ: ب) ۲۱- (ل: به رخسارگان بر تپنچه زدند ۲۲- (ل: آ: جامه‌ها؛ (ن: جامه بر؛ ق: آ: به بر جامه‌هاشان همه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳- (ل: آ: شد)؛ بنداری؛ و: قاما من عنده یلطمان وجوهما، و خرجا و قد شقانم الأسف والجرج جیوهما ۲۴- (ل: ن: بدر؛ ل: آ: دبیر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵- (س: آ: (نیز آ: پیکان و تیر؛ ل: جان و پرانندو سر؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۲۶- (س: ق: ل: آ: س: آ: (نیز لی- ن: آ: ب)؛ شیروی؛ متن = ل ۲۷- (ق: (نیز لی، ل: آ: پ: ب): آن ۲۸- (ق: (نیز لی): پر از رنگ؛ ل: پر از رنگ؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹- (ق: رخشان ۳۰- (ن: آ: آ: گرد) ۳۱- (س: س: آ: (نیز لی، ل: آ: ل: بی، ن: آ: ل: آ: حو: (ل: بی: کام)؛ متن = ل: ل: آ: (نیز و)؛ ق: ب: این بیت را ندارند ۳۲- (ل: بیجان؛ (ق: آ: پریم؛ ب: بریان)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۳۳- (ق: برخاستندی؛ در ق بیتهای ۳۷۵ و ۳۷۶ پس از ۳۷۷ آمده‌اند

جوان^۱ را همی سوختندی جگر-،
دو دست گرامی به سر برنهاد!^۲
چُن^۳ آگاهی او^۴ به دشمن رسید!

بداندیش را سر برآمد ز خواب^۵
چو بشنید، بنشست بر تخت^۶ شاه
ز گردان^۹ بیگانه و^{۱۰} خویش اوی^۸
زبانان^{۱۲} نجنید^{۱۳} بر بیش و کم^{۱۴}!
نشسته چرایند با^{۱۷} درد و غم!
کجا باشد از پشت^{۲۰} پروردگار،
نخوانمش^{۲۳} جز بدتن و بدگهر!^{۲۴}

به گفتار زشت و به خون پدر
فرود آمد از تخت شاهی قباد
ز مزگان همی بر برش خون چکید

چو برزد سر از تیره کوه آفتاب
۳۸۰ برفتند یکسر سوی^۶ بارگاه
برفتند گردنکشان پیش اوی^۸
نشستند با روی کرده^{۱۱} دژم
بدانست کایشان بدانسان^{۱۵} دژم^{۱۶}
بدیشان^{۱۸} چُنین گفت کان^{۱۹} شهریار
۳۸۵ که^{۲۱} غمگین نباشد به درد^{۲۲} پدر

۱- (آ: چن او)؛ لی پس از این بیت افزوده است:

گرفتی سرانگشت هرمان به گاز
ز اندوه خسرو دو دیده پر آب

چو اندیشه شد بر دل او دراز
از آن غم فروماند از خورد و خواب

۲- س، ق، س^۲ (نیز لی، ب)؛ بداندیش را سر برآمد ز (ق: به) باد؛ متن = ل، ل^۲ (نیز لن، ق، ل، آ-۳) - ل، س، ق، س^۲ (نیز لن-ن، آ، ب)؛ چو؛
متن = ل^۲ (نیز آ) - ۴- س (نیز لی)؛ آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ب این بیت را ندارد؛ بنداری (۳۷۱-۳۷۸)؛ و عاداتی شبیرویه، و بلغاه
جواب آیه فآخذ یکی و يتوجع و لما خلا المجلس من الذين خلعوا آباءه نزل من التخت، و أخذ فی البکاء و العویل؛ ق، آ، لی پس از بیت
۳۷۸ افزوده اند:

پر از بیم گشتند یکسر سپاه
شدند آن همه لشکرش ترساکر
ز خسرو همی داستانها زدند
بود دار جای سران سپاه

ق: بیوندند ترسان ز بیم گناه
لی: از آن گریه و زاری شهریار
به یک جای یکسر به گرد آمدند
که پرویز اگر برنشیند به گاه

۵- ب این بیت را ندارد ۶- (ق: آ: بدان) ۷- ل: گاه؛ (و: بر تخت بنشست)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در لی این بیت با بیت
سپسین پس و پیش شده است و پس از آن افزوده است:

بدان سرفرازان شد اندر زمان

چو سالار بار آگهی یافت زان

۸- ل، س، ق، س^۲ (نیز لی، ل، ن، آ، ب)؛ او؛ متن = ک، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و) ۹- ق: مردان؛ (لن: گردان و) ۱۰- ل: آ: وز ۱۱- ک: جمله به
روی ۱۲- (لن: زفانشان) ۱۳- (ب: بجنید)؛ در ل، س، ل^۲ حرف یکم بی نقطه؛ ک: بایشان بیچید ۱۴- ق: بپرسید شیروی با درد و غم؛ در
ل آلت‌های این بیت پس و پیش شده اند ۱۵- ل^۲ (نیز پ، لن، آ)؛ برانسان؛ (ل: شیروی کایشان؛ لن: بپرسید شیروی از ایشان) ۱۶- س، آ:
ستم ۱۷- س^۲ (نیز لن)؛ بی؛ ق این بیت را ندارد ۱۸- (لن: بایشان) ۱۹- ل، ل^۲؛ کای؛ ق: آن؛ ک: (نیز ق)؛ پس؛ (آ: کز)؛ متن = س، س^۲ (نیز لن،
لی-لن، آ، ب) ۲۰- ک: آن نیست؛ (و: او پشت و) ۲۱- س، س^۲ (نیز لن، لی، آ، و، ب)؛ چو؛ متن = ل (نیز ق، آ، پ) ۲۲- ق: مرگ؛ ک: بخت؛ (و:
خون)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳- ل: نخوانیمش؛ (ق: آ: نخوانند)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۴- س (نیز لن، لی، پ، آ، ب):
بدهنر؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز ق، ل، و، لن، آ)

که او^۲ بوده تر باشد از پوده بید؛
 که هر کس که گوید پرستم دو^۳ شاه،
 و گر ارجمندی^۶ بود، خوار خوان^۴
 چو بی گنج باشد، نیابد^۸ سپاه^۵؛
 ز راه درشتی^{۱۲} نگوییم چیزی؛
 که گنجست سرتاسر این^{۱۶} مرز اوی^{۱۵}؛
 سوی خانه‌ها رفتن آراستند^{۱۷}
 که چیزی ز خسرو نیابد^{۱۹} نهفت؛
 خورش‌ها برو^{۲۲} چرب و شیرین نهید؛
 ز چیزی که دیدی به خوان^{۲۶} گرم و سرد؛
 که شیرین به خوردنش^{۲۸} غمگین بدی^{۲۷}؛

نیاید که دارد بدو^۱ کس امید
 چنین یافت پاسخ ز مرد گناه
 تو او را به دل ناهشیوار^۴ خوان^۳؛
 چنین داد شیروی پاسخ که شاه^۷
 ۳۹۰ سخن چرب^{۱۰} رانیم یک ماه^{۱۱} نیز
 مگر شاد باشیم از^{۱۳} اندرز^{۱۴} اوی^{۱۵}
 چو پاسخ شنیدند برخاستند
 به خوالیگران^{۱۸} شاه شیروی گفت
 به^{۲۰} پیشش همه^{۲۱} خوان زرین نهید؛
 ۳۹۵ برنده^{۲۳} همی برد^{۲۴} و خسرو نخورد^{۲۵}
 همه خوردش از دست شیرین بدی^{۲۷}

۱-ل: داری بدان؛ متن = س-ب ۲-ک: از ۳-ل، س (نیز و، آ)؛ ز؛ (ق: ۲: ز رستم ز؛ ل: ۲: که رستم ز؛ متن = ق-س ۲ (نیز ل، ل، آ، پ، ب)؛
 ۴-ل: به دانش هشیوار (ل)؛ متن = س-ب ۵-ق (نیز ق، آ، و)؛ دان؛ ک (نیز ل، پ، ل، ن)؛ (۲: خوان - دان؛ متن = ل، س، ل، آ، س ۲ (نیز ل، ل، آ، ب)؛
 ۶-ق (آ: از گرامی) ۷-ص (نیز ل، ل)؛ بدوی؛ (و: چنین یافت پاسخ هم از شیر شاه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۸-ل، ک (نیز پ، آ)؛
 بنزد (نیز زد؟)؛ ل ۲ (نیز و، ل، ن)؛ نباشد؛ س ۲ (نیز ق، آ)؛ نیاید؛ (ل: ۲: نیرزد؛ ل: ۳: شد خوار شد با)؛ متن = ق (نیز ب) ۹-س (نیز ل)؛ که
 ای پره‌نر مرد پرخاشجوی؛ ک پس از این بیت افزوده است:

نیابد به مقدار هم جاه و آب

۱۰-ل (نیز ل، آ، و)؛ خوب؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-ل (ن: ۲: راه) ۱۲-س (نیز آ)؛ درستی ۱۳-ک (نیز ل)؛ ز؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۱۴-ل (ن: ۲: ایدر به) ۱۵-ل، س، ق، س، آ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب)؛ او؛ متن = ک، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ب، ن) ۱۶-ک، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، و،
 ل، ن، آ)؛ سرتاسر؛ متن = ل، س، ق، س، آ (نیز ل، ل، آ، پ، ب) ۱۷-بنداری ۳۹۲-۳۷۹ راندارد ۱۸-ل (ن: ۲: خوالیگری) ۱۹-س، س، آ (نیز ل، ل، ب)؛
 نباید ز خسرو؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-پ (ز)؛ ۲۱-ک: همین؛ (ق: همان) ۲۲-س (نیز ل، آ، ب)؛ همه؛ ل: ۲: بدو؛ ق: خورش
 در برش؛ ک: خورش راهمه؛ متن = ل، س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن)؛ بنداری؛ ثم أمر صاحب طعامه بأن یفقد الأطفعة الیه، و لا یمنعه شینا
 مما یرید ۲۳-پ (پ: پزنده؛ ب: بریده) ۲۴-ک: خورنده همی خورد ۲۵-س، آ (نیز ق، آ، ل، ن، آ، ب)؛ بخورد؛ در ل، س، ق، ل، و، حرف یکم
 بی نقطه و در ل هم در زیر و هم در بالا یک نقطه؛ متن = (ل، آ، پ) ۲۶-ل (و: برو؛ ق: آ: که بر خوان بدی؛ پ: که بداندرو) ۲۷-ل (ن: بدوی)
 ۲۸-ل: شیش (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه)؛ (ق: آ: ز غمهاش؛ و: بران داغ؛ ل: آ: بران کار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری؛
 فکان لا یأکل شینا مما یحملونه الیه، و إنما کان یأکل مما تصلحه شیرین؛ ک، ل پس از بیت ۳۹۶ افزوده‌اند (در ل بیت‌های سوم و
 چهارم پس و پیش شده‌اند):

همو بود روز و شب انده‌گسار
 که لرزان بدو بُد چو از باد بید
 ندانست زان زندگانی مزه
 شب و روز خسرو به درد و گداز

نبودی جز او شاه را نیک یار
 ابا شاه بودی به بیم و امید
 همی یاد کرد از گناه و بزه
 برآمد برین (لی: بدین) کار یک‌ماه باز

گفتار اندر شیون کردن بارید رامشگر بر خسرو پرویز^۱

کنون شیون بارید گوش دار^۱ / سر مهر مهتر در^۳ آغوش^۴ دار^۲!
 چو آگاه شد بارید زانک^۵ شاه / بپرداخت بی‌داد و بی‌کام^۶ گاه^۷،
 ز جهرم بیامد سوی طیفون^۸ / پر از آب مژگان و دل^۹ پر ز خون!
 ۴۰۰ بیامد بدان^{۱۰} خانه او را بدید / شده لعل رخسار او شنبلید^{۱۱}!
 زمانی همی بود بر^{۱۲} پیش شاه / خروشان بیامد سوی بارگاه،
 همی پهلوانی برو^{۱۳} مویه کرد / دو رخساره زرد و دلی^{۱۴} پر ز درد!
 چنان بُد که^{۱۵} زاریش بشنید^{۱۶} شاه / همان^{۱۷} کس کجا داشت او را نگاه^{۱۸}،
 نگهبان که بودند گریان شدند / چو بر آتش مهر^{۱۹} بریان شدند!
 ۴۰۵ همی گفت: الا یا^{۲۰} ردا، خسروا، / بزرگا، سترگا^{۲۱}، تناورگوا^{۲۲}!

۱-ل، ۲: نوحه کردن بارید بر خسرو؛ س: شیون کردن بارید رامشگر بر خسرو پرویز؛ ق: شیون بارید بر خسرو و وفاداری او؛ ک: آمدن بارید و شیون کردن بر خسرو؛ س: اندر شیون بارید با خسرو؛ متن = س ۲- (ا: کن) ۳- (نیز ا: ۱)؛ به؛ ق: سخنهای خوب اندر؛ ل ۲ (نیز لن، پ) سر مهتران را به؛ (ق: ۲) سر مهتران اندر؛ و، لن ۲: سر مهتری را در؛ متن = س، س ۲ (نیز لی، ب) ۴- (ل ۲) سر مهتر خویش با هوش؛ ل این بیت را ندارد ۵- (ل، پ، ن ۲، ا: که) ع، س، س ۲ (نیز لی، ب)؛ بی‌رای و بی‌کام؛ (ق: ۳) ناکام بایسته؛ ل ۲: بی‌کام و بی‌راه؛ و بی‌کام از تاج و؛ پ: بی‌کام و بیداد؛ ن ۲: بی‌کام و بی‌گاه؛ ا: بی‌کام و ناکام؛ متن = ک، ل ۲ (نیز لن؛ نیز = س، پ، ن ۲) ۷- ل: بینداخت ناکام تخت و کلاه؛ ک، ل: پس از این بیت افزوده‌اند:

همه (لی: همی) چاره سازند بر کشتن / سپه رادریفت از ماندنش (لی: از آن بستنش)

۸- ل، ۲ (نیز ق ۲، ل ۲)؛ طیفون؛ (ا: طیفون)؛ متن = ده دستویس دیگر ۹- (و: لب)؛ بنداری؛ و بلغ الخبر بما جرى علیه الی بهربذ العواد الذی سبق ذکره، و کان بجهرم، فخرج باکیا مهموما مصفر الوجه محترق القلب، و سار حتی قدم طیفون ۱۰- (ل ۲)؛ بران ۱۱- س (نیز لی، ب)؛ ناپدید؛ ل (نیز ل ۲)؛ رخساره چون شنبلید؛ (و: شده گونه لعل او شنبلید)؛ متن = ق- س ۲ (نیز لن، ق ۲، پ، ن ۲) ۱۲- ل، س (نیز ق ۲، لی، و، لن ۲، ب)؛ در؛ متن = ق- س ۲ (نیز لن، ل ۲، پ، ا: که)؛ ق ۲، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

ک، ق: ۲ به دلش آتش مهر او بر فروخت / ز تمار خسرو دل و جانش سوخت (ق: ۲)؛ روانش بسوخت
 بیارید چشمش چو ابر بهار / کنارش ز دیده چو دریا کنار
 بسازید از آن پس هم (ق: ۲)؛ ره را بر) آواز رود / به بربط همی مویه‌ای (ق: ۲)؛ مویه زد) بر سرود
 پ: غمی بود و پیچیده در خود ز غم / ز گیتی که میکرد بر شه ستم

۱۳ (لی: بدو؛ ق ۲، لن ۲: ابر پهلوانی همی) ۱۴- (ا: لی)؛ بنداری؛ فدخل علی برویز ورآ فی محبسه فکاد یهلك من الأسف و الحرج، ثم خرج و هو یندبه بالفناء الفهلوی ۱۵- (و: چو آواز) ۱۶- (ا: آواز بشنید) ۱۷- ک: هر آن ۱۸- (و، بفرمود کور انخواند ز راه) ۱۹- س، ق (نیز ق ۲، لی، ا: ۱)؛ نیز؛ س ۲ (نیز ل ۲)؛ درد؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز لن، پ، و، لن ۲)؛ ب این بیت را و بنداری ۴۰۳-۴۰۴ را ندارند ۲۰- ق (نیز ل ۲، و)؛ شاها؛ (پ: الا ای)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۱- ک: پاک شده ۲۲- ق، ک، ل ۲ (نیز ق ۲، لن ۲)؛ دلاور گوا؛ (ل ۲)؛ گوا پهلوا؛ و: گوا موبدا)؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز لن، لی، پ، ا: ب)؛ بنداری؛ و يقول: لهفی علیک ایها الملک اللهم! لهفی علیک ایها الشهیر! المقدم!؛ ق ۲ پس از بیت ۴۰۵ افزوده است:

کجات آن همه رادی و زور و فر / که گیتی تهی کردی از بدگهر
 کجات آن همه زاد و مردانگی / کجات آن همه فز و فرزانی
 کجات آن همه دانش و مال و گنج / که دشمن میناد جز درد و رنج

کجات آن بزرگی^۱ و آن دستگاه^۲؛
 کجات آن چنان^۵ برزبالا و^۶ تاج^۷؛
 کجات^{۱۰} آن همه مردی^{۱۱} و زیب و فر^{۱۲}؛
 کجات^{۱۵} آن شبستان و رامشگران؛
 ۴۱۰ کجات^{۱۷} افسر و کاویانی درفش؛
 کجات^{۱۹} آن سرافرازجانوسپار^{۲۰}؛
 کجات^{۲۳} اسپ شبدیز و^{۲۴} زرین رکیب^{۲۵}؛
 کجات^{۲۷} آن ززر^{۲۸} خود و زرین زره^{۲۹}؛

کجات^۳ آن همه فر و تخت و^۴ کلاه؛
 کجات آن بر و یاره^۸ و تخت عاج^۹؛
 جهان را^{۱۳} همی داشتی زیر پر^{۱۴}؛
 کجات^{۱۵} آن در و^{۱۶} بارگاه سران؛
 کجات^{۱۷} آن بر و^{۱۸} تیغهای بنفش؛
 که با^{۲۱} تخت زر بود و^{۲۲} با گوشوار؛
 که زیر تواندر^{۲۶} بُدی ناشکیبا؛
 ز^{۳۰} گوهر فگنده گره بر گره^{۳۱}؛

۱-ل: بزرگان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-(ب: جشنگاه) ۳-(و: کجا) ۴-ل: برز؛ س: بخت و؛ (ب: آن فرو بخت و تخت)؛ متن = یازده دستنویس دیگر (در ک، ن، ق، آ: حرف یکم تخت بی نقطه)؛ لی این بیت را ندارد؛ بنداری: این روعتک و جلالتک؟ این بسطتک و مهابتک؟ ک پس از بیت ۴۰۶ افزوده است:

کجات آن همه رای و فرمان تو جهان سربس زیر پیمان تو

۵-ل: س (نیز لی، پ، ب: همه؛ و: کبی)؛ متن = ق-س: ۲ (نیز ل، ن، ق، ل، آ: ۲)، عمل، ق، ک (نیز ل، ن، ق، ب: ۲)، برز و بالا و؛ ل: ۲ (نیز و): برز بالای؛ متن = س، س: ۲ (نیز ل، ن، ق، پ، آ: ۱)، ۷-(ق: بزرگان با تخت و تاج) ۸-ل: همه یاره؛ (و: برو سینه؛ آ: چنان یاره)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹-(ق: بزرگی و آن تخت عاج؛ ل: کف و یاره و طوق و تاج)؛ در س، ق، س: ۲، ب: این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بنداری: این ذاک الطاق؟ این ذاک الرواق؟ ۱۰-ق: کجا ۱۱-(ق: لشکر) ۱۲-ل: فر و زیب؛ ل: ۲ (نیز ل، ن، ق: زور و فر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳-(ق: که کیتی) ۱۴-ل: جهانی همی داشتی بر فریب؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵-ل: کجا؛ متن = س-ب ۱۶-ل (نیز ل، ن، و): برو؛ (ق: آ: دل و؛ آ: همه؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: این تلک المجالس؟ این تلک الأوانس؟ ۱۷-ل: کجا؛ متن = س-ب ۱۸-ل (نیز و): همه؛ ک: در و؛ (ل: آ: سر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: این تلک الرايات و الأعلام؟ این تلک السیوف و الأعلام؟ ل پس از این بیت افزوده است:

کجا آن دلبران جنگاوران کجا آن رد و موبد و مهتران
 کجا آن همه بزم و ساز شکار کجا آن خرامیدن کارزار
 کجا آن غلامان زرین کمر کجا آن همه رای و آیین و فر

این بیت ها در چهارده دستنویس دیگر و ترجمه بنداری نیست؛ ک پس از بیت ۴۱۰ افزوده است:

کجات آن گرانمایه ایوان زر کجات آن نگین و کلاه و کمر

۱۹-ل: کجا؛ متن = س-ب ۲۰-س، ق (نیز لی): سر و افسر جان سپار؛ (ب: سر و جان افسر و سپاه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱-ل: یکی؛ (لی: کجا)؛ متن = ۲۲-ل (نیز لی): حرم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل پس از این بیت افزوده است:

کجا آن همه لشکر و بوم و بر کجا آن سرافرازی و تخت زر

۲۳-ل (نیز لی): کجا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۴-(ل: ن: حرم) ۲۵-ل، س: ۲ (نیز ب): رکاب؛ س (نیز لی): زین و رکاب؛ (ل، ن: آ: زین و رکیب) ۲۶-(ل: آ: ایدر)؛ و این بیت را ندارد و در ل پس از ۴۱۳ آمده است؛ بنداری: این شبلدازک الذی کان تحتک یقمص، و من فرط المراح فی الميدان یرقص؟ ۲۷-ل: کجا؛ متن = س-ب ۲۸-ل (نیز ل، ن، ق، آ: ۱)، ۳۱-(ل: ن: در گره؛ ل، ن: آ: بر و کرده نقش دو بر)؛ و این بیت را سپر) ۳۰-س، ق، س: ۲ (نیز لی، ب: به؛ متن = ل، ک، ل، ق، آ: ۲)، ۳۱-(ل: ن: در گره؛ ل، ن: آ: بر و کرده نقش دو بر)؛ و این بیت را ندارد؛ بنداری: این تلک الجواشن المعضیه؟ این تلک المغافر الفضیه؟

که دشمن بُدی تیغشان را نیام^۲
 عماری زرین و فرمانبران^۳!
 کجات^۴ آن دل و رای^۵ روشن روان!
 همه گشته^{۱۱} از جان تو^{۱۲} ناامید!
 ز دفتر چُنین^{۱۴} روز کی^{۱۵} خواندی^{۱۳}!
 که زهرش فزون آمد^{۱۷} از پای زهر!
 کنون از پسر بندت^{۲۰} آمد به مشت!
 ز رنج زمانه بی‌آهو شوند^{۲۱}،
 چو بالای فرزند او گشت راست؟!
 به گیتی نبایدش^{۲۴} گستاخ بود^{۲۵}!
 کُنام پلنگان و شیران شُمرا!
 که چون او نبیند دگر^{۲۸} تاج و گاه!

کجات^۱ آن سواران زرین‌ستم
 ۴۱۵ کجات آن همه راهواراستران
 کجات^۴ آن سَخَنگوی^۵ شیرین‌زبان
 هیونان^۸ و بالا^۹ و پیل سپید^{۱۰}
 ز هر چیز تنها چرا ماندی^{۱۳}
 مبادا که گستاخ باشی^{۱۶} به دهر
 ۴۲۰ پسر^{۱۸} خواستی تا بود یار^{۱۹} و پشت
 ز فرزند، شاهان نیرو شوند^{۲۱}
 شهنشاه را چونک^{۲۲} نیرو بکاست
 هر آنکس^{۲۳} که او کار خسرو شنود
 همه بوم ایران تو ویران شُمرا!
 ۴۲۵ سرِ تخم^{۲۶} ساسانیان^{۲۷} بود شاه

۱-ل: کجا؛ متن = س-ب ۲-ل: تیغ ایشان بنام (۱)؛ (ق: ۲: تیغ‌هاشان نیام)؛ س، ق: ۲، لی: پس از این بیت افزوده‌اند:

کجات آن همه مال بسیار و گنج
 که گرد آوری تو با درد و رنج

۳-ل، پ این بیت را ندارد؛ بنداری: این آساده فرسانک؟ این رجالک الأخذون برکابک و عنانک ۴-ل: کجا؛ متن = س-ب ۵-ل (نیز ل ۳، ن ۲): سخن‌ها به؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۶-ق: کجا ۷-ل: دلاری؛ ن: دل و رای شاهی و؛ در ن، ق: ۲، و، ن: ۲، بنداری این بیت پس از بیت ۴۱۷ آمده است؛ ل، ک: پس از این بیت افزوده‌اند:

ل: کجا آن همه راز و آن بخردی
 کجا آن همه بخشش روز بزم
 ک: کجات آن دو گفت چو ابر بهار
 کجا آن همه فزّه ایزدی
 کجا آن همه کوشش روز بزم
 که دینار و در بد همه زو نثار

این بیت‌ها در دستنویس‌های دیگر و ترجمه بنداری نیست ۸-س، ک (نیز ن، ق: ۲، لی، و: ب): حو؛ ل: هیولان (۱)؛ متن = ل، ق، س: ۲ (نیز پ) ۹-س: ۲: بالای؛ ل: کجات آن هیونان و ۱۰-س (نیز لی، و، ن: ۲): سفید ۱۱-س (نیز لی): کشور؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-ل: خود؛ متن = س-ب؛ بنداری: این تلک الخیول الطوامح؟ این تلک الفیول الجوامح؟ ما لک جالسا وحید، و عن ندمانک و جلاسک فریدا؟؛ ک: پس از بیت ۴۱۷ افزوده است:

کجات آن همه گنج آراسته
 کجات آن همه برده و خواسته

۱۳-س، ک (نیز ق: ۲، و: ب): مانده - خوانده؛ متن = ل، ق، ۲، س، ۲ (نیز ن، ل، ن: ۱، ۲) ۱۴-ل: (چنین دفتر) ۱۵-ل: (ل: ۳، و: ب) (چون) ۱۶-س: ۲: نگر تا نباشی تو شادان ۱۷-ل: (ن: آید) ۱۸-ل: (ب: همی) ۱۹-ل: (لی: روز!) ۲۰-ل: رنجت؛ (پ: بخت)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: طلبت الولد حتی یشد آزرک، و لم یخطر ببالک أنه یرید أسرک ۲۱-س، س: ۲ (نیز ن، لی، و: ب): شدند؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ک: پس از این بیت افزوده است:

پسر خواستی تا بود رهنمای
 کنون از پسر بینمت های‌های

۲۲-س (نیز لی، ل، ق، ن: ۲، آ، ب): چونکه؛ (پ: چون ز؛ و: پشت و)؛ متن = ل، ک، ل، س: ۲ (نیز ن، ق: ۲)؛ ق این بیت را ندارد ۲۳-ل: (ن: همانکس) ۲۴-ل (نیز ل: ۲): به گیتی نباید که؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵-س (نیز لی): به گیتی نباید که بی‌خوشه؛ ل: پس از این بیت افزوده است:

کسی را که کارش بی‌آهو شود
 به گیتی نباید که خستو شود

۲۶-س: ۲: ابر رسم ۲۷-ل: (پ: ایرانیان) ۲۸-س، ق، س: ۲ (نیز ن، ق: ۲، و: ب): یکی؛ ک: ل (نیز ل، پ، ن: ۲): کسی؛ متن = ل (نیز و: ۱)

شد این^۱ تخمه ویران^۲ و ایران همان^۳
 فزون زین نباشد کسی را سپاه^۴
 گزند آمد از پاسبان^۵ بزرگ
 نباشد سپاه تو هم پایدار
 روان ترا دادگر یار باد!
 ۴۳۰
 به یزدان و نام تو ای شهریار
 که گر^{۱۳} دست من زین سپس نیز^{۱۴} رود
 بسوزم همه^{۱۷} آلت خویش را
 بیزید مر چار^{۲۰} انگشت خویش
 ۴۳۵
 چو در خانه شد آتشی^{۲۲} بر فروخت

گفتار اندر کشته شدن خسرو پرویز^{۲۴}

هر آنکس که بد کرد با^{۲۵} شهریار
 چو^{۲۶} شیروی ترسنده^{۲۷} و خام^{۲۸} بود^{۲۹}،
 شب و روز ترسان بُد از روزگار،
 همان^{۳۰} تخت^{۳۱} پیش اندرش دام^{۳۲} بود^{۲۹}،

۱- (ق ۲، ل ۳: آن) ۲- ک: نیران (دیربان) ۳- ل: همه؛ متن = س-ب ۴- ل: گله گشت اکنون همه بی رهم؛ متن = س-ب ۵- ق: گناه؛ بنداری: لقد نقص بدرک حین نشأ هلاک، و تقصد رمحک لما انبری خلالک. من رأی أكثر من عساکرک الجرارة، و اطمی من بحارک الزخارة؛ ما أكثر ما کانوا یوم الطمع، و ما أقل ما وجدوا عند الفزع؛ ک پس از بیت ۴۲۷ و لی پس از بیت ۴۲۶ افزوده اند:
 شهنشاه ایران چنین شد نژند
 ز مرد بداندیش آمد (ل: او را) گزند
 ۶- ک: آمدش از شبان ۷- س (نیز ق ۱، پ، ب): آمد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸- ل ۲: زخم؛ ک، لی پس از این بیت افزوده اند:
 به شیروی گویند بی شرم شاه
 نه این بد سزا از تو ای (لی: سزاوار این) پیشگاه
 ۹- (و: هر سویی) ۱۰- ل ۱- (نیز ق ۲، ب): بدسگالان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱- ل ۲ (نیز ل ۳): نگوسار؛ بنداری: قال: فبکی الحرس من غنائه هذا (۴۰۴) ۱۲- ک این بیت را ندارد ۱۳- س-س ۲ (نیز ل-ن، و، ا، ب): اگر؛ (ل: ن؛ و: گر)؛ متن = ل ۱۴- س: نای و؛ (ا: سوی)؛ ک: من نیز از آن پس به؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵- ق: بساید؛ س (نیز ل، ن، ق، ا، لی، و، ل، ن): بسازد؛ (ب: بسازم)؛ متن = ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل ۳، پ، ا) ۱۶- (ا: مراتار و یود)؛ (ق: نیز پ): به من بر مبادا درود؛ (لی: ل: مباد ایمن و پر درود)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: ثم انه نذر أنه لا یمس بعده مزهرا، و لا یجس و ترا ۱۷- (ق: آ: کنون) ۱۸- (ب: وزان) ۱۹- ل: بیمن (ا)؛ در س، ک حرف یکم بی نقطه؛ (ل: نیند)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ک پس از این بیت افزوده است:

از آن پس چو خسرو ز گیتی برفت
 از آن پس که این مویه کردش دو هفت

۴۰- ل: بیچاره؛ س: هر پنج؛ ق، ک، س، آ (نیز ق ۲، ل ۲، و، ب): هر چار؛ متن = ل ۲ (نیز ل، ن، لی، پ) ۲۱- (لی: پیش)؛ ک پس از این بیت افزوده است:
 بیامد سوی خانه دل پر ز غم
 غریبان و گریان و گشته دژم
 بنداری: و قطع أریعة من أصابعه، و قبض علیهن، و جعل فیض علیها من مدامعه ۲۲- (ل: آلتی - آتشی) ۲۳- ل: خویشتر را؛ ق: و رود یکسر؛ (ا): رود یکسر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و دخل داره، و أوقد ناراه، و أحرق ما کان له من ملامیه. و عاش بعد برویز ما عاش حلیف الهم و الحزن، ندیم الویل و الحرب ۲۴- س: کشته شدن خسرو پرویز بر دست مهرهمزد؛ ق: گفتار در کشته شدن خسرو پرویز؛ ک: تدبیر کردن لشکر به کشتن خسرو؛ ل، ل ۲، س ۳: سر نویسی ندارد؛ متن = ق ۲۵- ل ۲ (نیز ل، ن): نژد آن؛ (و: بر در) ۲۶- ل: که؛ متن = س-ب ۲۷- (ق: آ: ترسیده) ۲۸- ک: شیرین پرستنده جام (!) ۲۹- (ل: آ: گشت) ۳۰- ک: همه ۳۱- در ل، س، ک، ل، ا، پ، ب حرف یکم بی نقطه؛ (و: ننگ) ۳۲- (و: نام)

همی^۳ کوه^۴ گردن آویختی^۵ -
 چُنین تا^۶ دیدند مردی به راه،
 تنی^۸ خشک و^۹ پر موی و لب^{۱۰} لاژورد^{۱۱}،
 سر^{۱۲} مرد بیدادگر بزه‌نه،
 میان کهان و میان مِهان^{۱۳}!
 -که هرگز میناد خرم بهشت! -
 چو سیرم^{۲۰} کنی^{۲۱}، این شکار منست!
 و زین بیش^{۲۳} مگشای لب بر^{۲۴} سخن!
 چو فرزند او یار^{۲۶} دارم^{۲۵} ترا!

که خون چنان^۱ خسروی ریختی^۲
 ز هر سو همی جست بدخواه شاه
 دو چشمش^۷ کبود و دو رخساره زرد
 پر از خاک پای و شکم گرسنه
 ۴۵۵ ندانست کس نام او در جهان
 بر^{۱۴} زادفرخ^{۱۵} شد این^{۱۶} مرد زشت
 بدو^{۱۷} گفت کین^{۱۸} رزم^{۱۹} کار منست!
 بدو گفت: رو، گر توانی^{۲۲} بکن!
 یکی کیسه دینار دارم^{۲۵} ترا

۱- (و، ل، ن، آ، جنو) ۲- (ن، آ، ریختن) ۳- س (نیز لی): همان (ن، آ، همه): متن = ق، ل، آ، س (نیز ل، ن، آ، و، ب) ۴- ل (نیز ل، ن، آ، و، ل، ن، آ): در: متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ل، آ، ب) ۵- (ن، آ، آویختن؛ ق، آ): همان از در کین در آویختی؛ ل، ک، ب این بیت را ندارند: بنداری: فانصروا ولم یجدوا أحدا یقدم علی ذلک و یتجاسر علیه. و علموا أن من تعرض لذلك الأمر الجلیل فکانما یعلق من عقه رکانا من جبل عقی: همان گه؛ ل، ک، ب این بیت را ندارند ۷- (ن، ل، چشم) ۸- ل (نیز ل، ن، آ): تن؛ س، آ، تک؛ (و، تنش) ۹- س، ق (نیز ل، ن، آ، ب) ۱۰- رخ: متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ک: تنی پر ز موی ولی ۱۱- س، ق، س، آ (نیز ق، آ، ل، آ، ب): لاچورد: متن = ل، ک، ب (ل، ن، آ، و، ل، ن، آ) ۱۲- ل، ن، آ، تن: متن = س، ب ۱۳- ک، مِهان و میان کهان: بنداری: و ما زالوا یطلبون من یقوم بذلک حتی صادفوا رجلا ما را فی الطریق قبیح الصورة حافیا حاسرا جانعا؛ ک، ل، آ پس از بیت ۴۵۵ افزوده‌اند:

بدين گونه پتياره زشت‌روي
 كزو شد جهاني پر از گفت‌وگوي

۱۴- (ب، بدین) ۱۵- ل: زادفرخ؛ متن = س، ب ۱۶- ق، ل، ک (نیز ل، آ، و، ل، ن، آ): متن = ده دستنویس دیگر: بنداری: فعرضوا علیه ذلک؛ س، ک، ق، آ، بی پس از بیت ۴۵۶ افزوده‌اند؛ س، ق، آ، بی:

بدان (ق، آ، بدو) زادفرخ چو همدستان (ق، آ، همه داستان)
 برو باد لعنت از ایزد هزار
 همیشه به آتش گرفتار باد
 روانش به دوزخ نگونار باد

۱۷- ق: چنین ۱۸- (ن، ن، این) ۱۹- (آ، رنج) ۲۰- ک (نیز ق، آ، ل، ن، آ، و، ل، ن، آ): شیرم ۲۱- س (نیز ل، ن، آ، ب): کنند؛ ق، ل، آ (نیز ل، ن، آ، ب): کنید (در س حرف سوم بی نقطه)؛ ک: کند؛ متن = ل (نیز ب، و، آ)؛ ل آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فقال: أنا لکم بهذا الأمر، ولكن بعد أن تشبهونی؛ ب پس از بیت ۴۵۷ افزوده است:

همی زادفرخ ز نافرخي
 که بدکار بود آن بد دوزخي

۲۲- (ق، آ: این که گفتی) ۲۳- س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ن، آ، و، ل، ن، آ، ب، ن، آ، ب): ک (نیز و): راز؛ متن = ل (نیز ل، آ، ب): س، آ (نیز ل، ن، آ، ق، آ، ب، ن، آ): لب در؛ ق (نیز و): بر کس؛ ک، ل، آ، بر لب؛ (آ، در لب)؛ متن = ل (نیز ل، آ، ب) ۲۵- ل: دادم؛ (ل، آ، آرم؛ و: آرم-دارم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶- در ل نقطه ندارد؛ ق، بار؛ (ق، آ، یاد؛ و: شاد)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فقال له زادفرخ: افرخ من هذا وعجل فإني أعطيك كیسا من ذهب؛ برخی از دستنویس‌ها پس از بیت ۴۵۹ افزوده‌اند:

ل، آ: چو بشنید بدخوی ازو داستان
 به گفتار او گشت همداستان

ل، ک، ق، ل، آ:

یکی خنجری تیز داشت (ل، آ، خنجر تیز بستد) چو آب
 بیامد کشته سبک (ق، آ، دلی) پر شتاب

ک: چو بشنید چونین ... (ل، آ، ل)

بدان تا رخ جانستان را ندید
در خانه‌ی پادشا را بیست،
جگرگاه شاه جهان بردید!^۴

همی^۶ راز خویش از تو دارد نهان!
نبیند ز کردار او^۸ جز گراف!
نمانی همی^{۱۰} در سرای سپنج!
چو خواهی که یابی به داد آفرین!

که خسرو بران^{۱۳} گونه بر شد تبا،
به ایوان^{۱۵} آن مستمندان شدند،
به^{۱۶} ایوان شاه آنک با^{۱۷} بند بود،
بدان گه^{۱۹} که سرگشته شد^{۲۰} بخت شاه!

یکی چادری^۱ نو به سر درکشید
بشد مهرهمزد و^۲ خنجر به دست
۴۷۵ سبک باز شد، جامه زو درکشید^۳

برین^۵ گونه گردد جهان جهان
سخن سنج بی رنج، اگر^۷ مرد لاف
اگر گنج یابی، وگر گرم^۹ و رنج
بی آزاری^{۱۱} و راستی برگزین

۴۸۰ چو آگاهی آمد به بازارگاه^{۱۲}
همه^{۱۴} بدگمانان به زندان شدند
گرامی ده و پنج فرزند بود
به زندان بکشندشان^{۱۸} بی گناه

۱-ل، س، ق، ل، س، ۲-س، ۲-نیز ل، ل، ل، و، ل، ۱، ۲-جادر؛ متن = ک (نیز ق، ۲-پ)؛ ب این بیت را ندارد؛ بندهای: فلما أتاه الغلام بذلك زمزم و تاب و غطی و وجهه بذلك الأزار حتى لا يرى وجهه قاتله ۲-س، ق، ل، ۲-س (نیز ل-۱، و، ۱)؛ ج-ک: زود هرمزد؛ متن = ل (نیز پ، ل، ۲-ا) ۳-ب: برکشید؛ و: بر برکشید؛ ل (نیز ق، ۲-ب)؛ سبک رفت و جامه ازو درکشید؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴-س: جهان را دید؛ ل، ل، ۲-س از این بیت افزوده‌اند:

به زاری بران جامه بر جان بداد
چه آن هوش مغز و چه یکمشت خاک

ل: بیچید و برزد یکی سردباد
ل: ز رای و خرد مغز و دل داشت پاک

بندهای: فباده العليج الفاجر بخنجره، و هتك عن قلبه حجاب صدره فانصرم حبل عمره ۵-ک (نیز ل، ل، ۲-ب)؛ بدین: متن = یازده دستنویس دیگر ۶-ق: همه ۷-ل: گر؛ (ق: ۲-ار)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-ق: بد) ۹-س (نیز ل)؛ اگر درده؛ ق، س، ۲-نیز ل، و، ب)؛ اگر گرم؛ ل: اگر کام؛ متن = ک (نیز ل، ۲-ل، ۱، ۲) ۱۰-ب: همان)؛ ک پس از این بیت چهار بیت و ق، ل، ۲-ن تنها بیت‌های یکم و چهارم را (ق، ۲-پ از ۴۷۹) افزوده‌اند:

که فرجامش از مرگ باید گریست
شگفت ار بمانی نباشد شگفت
وزین گونه فرسود او را چه سود
ابا هیچکس نیک‌کردار نیست

پس این (آن) بیهده رنج و آن (این) آر چیست
چنین داستان یاد باید گرفت
بدان ناز پرورد و این را چه بود
چو دانی که گیتی وفادار نیست

۱۱-ل (خرمندی)؛ آ این بیت را ندارد؛ بندهای: و تلك عادة الزمان يتقلب بأهله حتى يصير العزيز ذليلا، والعظيم ضئيلا. والعاقل من الملوك يعتبر ببيرويز، ويحذر في سلطانه القوي العزيز. فلا يتكبر طريق العدل والساد، ولا يقدم إلا على ما فيه صلاح البلاد والعباد (و سپس هفت بیت افزوده است) ۱۲-ل، س، ۲-نیز ل، ل، ۲-ب)؛ بازار؛ راه؛ متن = (پ ۱۳-ق: از آن؛ ل)؛ بدن ۱۴-س، ۲-نیز ل، ل، ۲-ب)؛ همان؛ متن = ل، ق، ل، ۲-نیز ق، ۲-ب)؛ شاهان که در؛ س، ۲-نیز ب)؛ شاهی که بی؛ (ل: ایشان که خود)؛ متن = (ق، ۲-ب) ۱۸-ل: همه سرکشان ۱۹-ل (و تا) ۲۰-س (نیز ل)؛ برگشته بد؛ ق، ل، ۲-س (نیز ل، ق، ۲-ل، ۲-ب)؛ برگشته بد؛ متن = ل، ک (نیز پ-۱)

همی داشت آن انده اندر نهفت!
 و زان پس^۳ نگهبان فرستاد بیست،
 بدارد، پس از مرگ آن کشته شاه

بزرگی و مردی^۵ و آن دستگاه،
 نه از نامداران پیشین شنود،
 نیابد،^۸ نبیند^۹ در^{۱۰} و باغ و کاخ^{۱۱}!
 هر آنکس که ایمن شد از^{۱۲} ازدها:
 بخاید به دندان، چو گیرد به چنگ!

شد آن نامور تخت و گنج و سپاه^{۱۴}!
 ز شیروی و^{۱۸} شیرین گشایم^{۱۹} سخن

جهاندار چیزی^۱ نیارست گفت
 ۴۸۵ چو بشنید شیرویه^۲ چندی گریست
 بدان تا زن و کودکش^۴ نگاه

شد آن پادشاهی و چندان سپاه
 که کس را ز شاهنشهان آن نبود
 یکی گشت با آنک نانی^۷ فراخ
 ۴۹۰ خردمند گوید^{۱۲}: نیارد^{۱۳} بها
 جهان را مخوان جز دلاورننگ

سرآمد کنون کار^{۱۵} پرویزشاه
 چن^{۱۷} آوردم این روز خسرو به بُن

۱-ق: که او هیچ خود می؛ در ق این بیت پس از ۴۸۶ آمده است؛ بنداری: قال: و لما شاع خبر قتله بادر الطغاة الملاحین، و الیغاة الشیاطین الی محابس اولاده، و كانوا خمسة عشر نفسا ذکورا، فقتلوهم جميعا، و لم یکن شیرویه لدفعهم مستطیعا ۲-س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ن-ب): شیروی؛ متن = ل ۳-ل: از آن پس؛ (ا: پس آنکه)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ک بیت های ۴۸۵-۵۰۸ را ندارد ۴-ل، ۲، س، ۲ (نیز ن، ق، ۲، ل، ۳-ب): کودکانشان؛ ق: کودکان را؛ متن = ل، س (نیز ل؛)؛ بنداری: لآنه کان فی ایدیهم اسیرا و لأوامرهم مطیعا. فبکی کثیرا ثم نفذ جماعة من الحرس الی حجر نساء اُبیہ لیحفظوا أستارهن ۵-ب: مردان)؛ ق بیت های ۴۸۷-۴۹۱ را و بنداری ۴۸۷-۴۹۳ را ندارند ۶-ق، ل، ۲، بی پس از بیت ۴۸۸ و ل، ۲ پس از بیت ۴۸۹ افزوده اند:

چنان پادشاهی و آن دستگاه
 چو بگذشت و بگذاشت آن روزگار
 که اندر جهان داشت پرویزشاه
 نه سودش ز گل نه زبانی (ل: بد نه تابی؛
 ق: نبودش ز گل پرنیانی) ز خار

۷-ل، ۳: آن کیانی؛ پ، ن، ۲: آنکه نانی؛ ا: آنکه یابی)؛ ل، ۲: او را که نانی ۸-ل، ۳: نیاید؛ و: بیاید) ۹-ل، ۲: ببیند) ۱۰-س (نیز ن، ل، ۲، و، ب): بر؛ متن = (ق، ۲، ب) ۱۱-ل: بیاید ببیند بر و بوم و کاخ؛ ل: ندید و نبیند همی بوم و کاخ؛ س: آ: بیاید (حرف دوم بی نقطه) نبیند برو کاخ و باغ (ل)؛ در ل این بیت پس از ۴۹۰ آمده است ۱۲-ل: گویا (ل)؛ س (نیز ل، و، ب): گویا؛ متن = ل، ۲، س، ۲ (نیز ن، ق، ۲، ل، ۳، ب، ل، ۲، ل، ۱۳-س، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ب): ندارد؛ (پ: نیابد)؛ متن = ل (نیز ن، ق، ۲، ل، ۲، و، ل، ۲، ل، ۱۴-س، س، ۲ (نیز ل، ب): که دارد سر اندر دم؛ متن = ل، ل (نیز ن، ق، ۲، ل، ۲، ل، ۱۵-ق: روز ۱۶-س، ق، ل، ۲ (نیز ن، ل، ب، و): تاج و تخت و سپاه؛ س: آ: تاج و تخت فیه (ل)؛ (ق: شاه و آن دستگاه؛ ل، ۱۰، آ: گنج و تخت و سپاه)؛ متن = ل (نیز ل، و) ۱۷-ل، س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ن-ل، ن-۲، ب): چو؛ متن = (ل) ۱۸-ل: < ۱۹-س، ۲: گشادم؛ ل: ز شیرین و شیرویه گویم)؛ ق، ل، ۲، بی، ن، ۲ پس از این بیت افزوده اند:

هر آنکس که دارد به گیتی امید
 چه پویی بدین (ق: جویی برین) گونه گم کرده راه
 ازو هر چه یابی (ق: خواهی) به دل کن پسند
 5 میدان خویشان را جز از ناتوان
 ببخش و بخور تا توانی درم
 چه نیکوتر از یار هشیار و دوست
 چو جوینده خرماست بر شاخ بید
 به روز سپید و شبان سیاه
 ار ایدونک جانرا نخواهی گزند
 اگر دسترس باشدت باسماں (ق: بر زمان)
 جزین دو درم جمله در دست و غم
 وفاداری از دوستان پس نکوست

گفتار اندر داستان شیرویه با شیرین^۱

چو پنجاه‌وسه^۲ روز بگذشت ازین^۳
 ۴۹۵ به شیرین فرستاد شیروی^۶ کس
 همه جادوی^۸ دانی^۹ و بدخوی^{۱۰}
 به تئیل همی‌داستی شاه را
 بترس^{۱۵} ای گنهکار و نزد^{۱۶} من آی!
 برآشفست شیرین ز پیغام اوی^{۱۸}
 ۵۰۰ چنین گفت کانکس که خون پدر
 نبینم^{۲۲} من آن بدکنش را ز دور
 دبیری بیاورد انده‌بری^{۲۴}
 بدان مرد داننده اندرز کرد
 همی‌داشت لختی به صندوق زهر
 ۵۰۵ همی‌داشت آن^{۲۸} زهر با خویشتن
 فرستاد پاسخ به شیروی باز

۱-ل: داستان خسرو با شیرویه (ل)؛ س: داستان شیروی با شیرین و زهر خوردن شیرین؛ ق: داستان شیرویه و شیرین و آمدن شیرین
 بنزد شیرویه در مجمع ایرانیان و التماس شیرین از شیرویه و چگونگی هلاک شیرین در مرقد خسرو؛ ل: ۲، س: ۲، ن: ۱، ل: ۱، آ: ۱، داستان
 شیرویه (س: ۲، ل: ۱، ن: ۱، شیروی) با (ل: ۲، س: ۲، و) شیرین؛ متن = (ل: ۲، آ: ۲، ل: ۳، شش: ۳-ل: ۳، زین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴-س: ۲،
 کشته شد ۵-ل: ۲ با داد و دین ۶-ل: ۳، شیرویه) ۷-س: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۱، ب: ۱، بدهنر (س: ۲، بدکنش؛ ب: بدتن) جادوی دسترس (س:
 پرهوس)؛ ق: ریمن زشت بی دسترس؛ ل: ۲ (نیز و)؛ پیر (و: دیو) جادوی بی دسترس؛ (ل: ۳، بوده بر جادویی دسترس؛ ق: ۲، که بر جادوی
 مر ترا دسترس؛ ل: ۲، که [ای] بر همه جادوان دسترس)؛ متن = ل (نیز ل: ۱، پ: ۱، آ: ۱، جادویی؛ ل: ۲، ن: ۸-ل: ۱، ل: ۲، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۱، و،
 ل: ۲، جادویی؛ متن = س، ق (نیز پ: ۱، آ: ۱) ۹-ل: ۱، ندانی جز از جادو) ۱۰-ل: ۱، س: ۲، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۱، ن: ۱، آ: ۲) بدخوی؛ متن = ق (نیز ق: ۲،
 آ: ۱، ب: ۱) ۱۱-ل: ۱، ز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-ل: ۲، ل: ۱، ایوان) ۱۳-س: ۲، ل: ۲، س: ۲، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۱، ل: ۲، و-ب: ۱، تویی؛ متن = ل (نیز ق: ۲، ب)
 ۱۴-در ل: ۲، ل: ۱، های پس و پیش شده‌اند؛ پ پس از این بیت افزوده است:

بجز جادویی هیچ کاریت نیست جز افسون دلارام و یاریت نیست

۱۵-ل: ۱، ن: ۱، مباح؛ ل: ۱، مترس) ۱۶-س: ۲، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۱، ب: ۱) پیش؛ متن = ل ۱۷-ل: ۱، ن: ۱، خندان؛ ل: ۱، آ: ۱، خرم؛ و: آن شاه چندین؛ در ل: ۱، این
 بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است؛ بندای: و بعد ثلاث و خمسین یوما من مقتله أرسل الی شیرین، و أوعدها و هددها، و
 خاطبها بالساحرة الفاجرة، و استدعاهال الی حضرته ۱۸-ل: ۱، س: ۲، ق: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۱، و، ب: ۱) او؛ متن = ل (نیز ل: ۱، ق: ۲، ل: ۳، ن: ۱، ب: ۱، ل: ۱) ۱۹-ل: ۱، ن: ۱،
 ل: ۱، ب: ۱، رگنه؛ ق: ۲، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۱، ق: ۲، ل: ۳، ن: ۱، ب: ۱) بی‌گنه؛ متن = س ۲۰-ل: ۱، زشت شد نام؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ (ل: ۱، نکته (حرف
 یکم بی‌نقطه) زشت و دشنام) ۲۱-ل: ۱، ن: ۱، آ: ۱، فر؛ آ: ۱، پر؛ و: آیین و فر)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲-س: ۲، ل: ۲، س: ۲ (نیز و)؛ ن: ۱، بدیدم؛ ل: ۳،
 نیننی) ۲۳-ق: ۲، شادی؛ ل: ۱، این بیت را ندارد ۲۴-س: ۲، ق: ۲، دانابری؛ (ق: ۲، و: داناسری؛ ل: ۲، آ: ۱، انده‌وری؛ آ: ۱، زنده‌بری؛ ب: دانابری)؛ متن = ل،
 ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۱، ل: ۱، ل: ۲، س: ۲، ق: ۲، ۲۵-ق: ۲، دفتر بهتری؛ (ق: ۲، پهلوی ساخته دفتر) ۲۶-بندای: فلما أتاهال الرسول خلت، و استحضرته کاتبها،
 وأوصت الیه وأطلعت علی جمیع أحوالها وأسرارها ۲۷-ق: ۲، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۱، آ: ۱) زهر؛ (و: زهر؛ ل: ۲، نبودی خریدن زهر)؛ متن = ل،
 س (نیز ق: ۲، ل: ۱، ب: ۱، ل: ۲، ب: ۱) ۲۸-ق: ۲، ازین) ۲۹-ل: ۱، س: ۲، ب: ۱، س: ۲، ق: ۲، آن سرو سهی (ل)؛ بندای: ۵۰۴ و ۵۰۵ را ندارد ۳۰-ل: ۲،
 نامور؛ س: که این تاج را؛ متن = دوازده دستنویس دیگر

دل و جان آن بدگنش پست باد،
 شوندهست^۵ و بودهست از آن^۶ شادکام!
 که رای^{۱۰} وی از جادوی^{۱۱} تازه بود،
 به دیده بدیدی^{۱۴} همان^{۱۵} روی اوی^{۱۳}؟!
 که^{۱۹} شبگیر چون چشم بگماشتی^{۲۰}،
 به دیدار من جان بیاراستی^{۲۲}!
 چه بندی^{۲۴} سخن کز^{۲۵} شهریار؟!
 به پیش کس^{۲۷} اندر مگوی^{۲۸} این سخن!^{۲۹}

سخن‌ها که گفתי تو پرگست باد،
 کجا در^۳ جهان جادوی^۴ جز به نام
 وگر^۷ شاه ازین^۸ رسم و اندازه بود
 ۵۱۰ که جادو^{۱۲} بدی کس به مشکوی اوی^{۱۳}
 مرا از پی^{۱۶} فرخی^{۱۷} داشتی^{۱۸}
 ز^{۲۱} مشکوی زرین مرا خواستی^{۲۱}
 ز گفتار^{۲۳} چونین سخن^{۲۳} شرم دار!
 ز دادار^{۲۶} نیکی دهش یاد کن!

برآشت شیروی از آن^{۳۱} بی‌گناه^{۳۰}
 چو تو^{۳۳} در زمانه سخن‌خواره^{۳۴} نیست!
 بیچید و رنگ رخش زرد گشت^{۳۵}!

۵۱۵ ببرند پاسخ بنزدیک شاه^{۳۰}
 چنین^{۳۲} گفت کز آمدن چاره نیست
 چو بشنید شیرین، پر از درد گشت^{۳۵}

۱-ل.س.ق.س. ۲ (نیز لن، ق.آ.لی.ب.آ.ب): برگست و باد؛ ل.آ: برگست و باد؛ ل.آ: برگست یاد - پرگست باد؟؛ و: برگشته باد؛ لن: آ: برپست باد؛ متن تصحیح قیاسی است (؟) ۲-س. ۳ (نیز لی.ب): نیست باد؛ (و: بدتن بدنهاد)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳-س. ۳ (نیز لی.ب): که ای در؛ ق.ل.آ.س. ۴ (نیز لن، ق.آ.و.آ.ب.و.آ): که او در؛ (ل.آ.ن.آ: که اندر)؛ متن = ل. ۴-ل.ل.آ.س. ۴ (نیز لن، لی.ن.آ): جادویی؛ متن = س.س. ق (نیز ق.آ.۲.آ.ب) ۵-س. ۵-س. ق.ل.آ.س. ۲ (نیز لی.ل.آ.و.آ.ب): شنیدست؛ متن = ل. (نیز لن، ق.آ.پ.ل.ن.آ.آ) ۶-ل.ن.زان؛ س.س. ۲ (نیز ل.آ.ن.آ.ب): ازین؛ ل.آ: زرو؛ (لی: زین)؛ متن = ق (نیز لن، ق.آ.۲.آ.ب): بنداری؛ ثم ردت جواب شیرویه، و قالت للرسول: قل لشیرویه تسربل الحیاء، و لا تخاطبنی بمثل هذا المقال، و حاشا أن أنسب الی شیء مما ذکرک من قبیح الفعّال ۷-ق: نه آن؛ (ق: آ: اگر؛ دگر) ۸-ق.ل.آ: از آن ۹-ک: جوع؛ ل.آ: رسم شاه از تن!) ۱۰- (ب: پای) ۱۱-ل.ل.آ.س. ۲ (نیز ل.آ.ن.آ.ب): جادویی؛ س.س. ۲ (نیز لی): که بخت وی اندر جهان؛ (ن: گراز جادویی رای او؛ آ: گراز جادوی در جهان)؛ متن = ق.ک (نیز ق.آ.۲.۱۲-ق.ل.آ: چو جادو؛ آ: کجا زان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳-ل. شاه؛ س.س. ۲ (نیز ق.آ.۲.پ.ل.ن.آ.آ.ب): او؛ متن = (لن) ۱۴-ق.ل.آ.س. ۲ (نیز لن): ندیدی؛ در س.ل.آ. ق. ۲ حرف یکم بی نقطه؛ (آ: بدیدی ندیدی؛ ب: بدیده بدیده) ۱۵-ک (نیز ل.آ.ب): همه؛ (آ: همی)؛ و این بیت را ندارد ۱۶-ل: او ازین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷-آ: (آ: فرهی) ۱۸-ل.ن.آ: (خواستی) ۱۹-ک (نیز ق.آ.ب): به ۲۰-س.س.ک.س. ۲ (نیز ل.آ.ب): بگذاشتی؛ ق.ل. ۲ (نیز ق.آ.ب): برداشتی؛ (ب: نگماشتی)؛ متن = ل. (نیز لن، لی.آ: در آ حرف یکم بی نقطه)؛ (ن: آ: به دیدار من دیده آراستی = ۵۱۲)؛ و این بیت را ندارد ۲۱-ل.ن.آ: به ... داشتی) ۲۲- (و: دیده آراستی؛ ل.آ: که شبگیر چون چشم بگماشتی = ۵۱۱)؛ ک این بیت را ندارد ۲۳- (ن: گفتارهای چنین) ۲۴-س.س. (نیز لی.ب): نزدیک؛ ل.آ.س. ۲: بندم؛ (ل.آ: ندیدم؛ پ: نباید؛ ن: نشاید)؛ متن = ۲۵-ل.آ.ز: ق: نه نیکوست کز وی ابر؛ (ن: بندم سخن کرد بر (؟)؛ ق: آ: نگوید سخن‌های کز؛ و: نگوید چنین مردم)؛ متن = ل.ک. آ این بیت را ندارند؛ بنداری: این آباک لما توسم الیمن فی ناصیتی، و تقرّس البرکة فی عقبی اجبتانی، و من بین نسانه اصطفا نی ۲۶-ق: آ: دارای؛ پ: دیدار) ۲۷- (آ: من) ۲۸-ل. (نیز پ.ن.آ): مگو؛ (ل.آ: بندیش و زین پس مگو) ۲۹-آ: آن؛ ل. این بیت را ندارد؛ بنداری: فحف الله و احذر عقابه، و لا تنسینی الی القییح ۳۰- (و: اوی گفت و گو) ۳۱-ل.ل. (نیز لی): زان؛ (ق: آ: زان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲-س.س. ۲ (نیز لن، لی.ن.و.ب): بدو؛ متن = ل. (نیز ق.آ.ل.آ.پ) ۳۳- (ق: آ: چنو) ۳۴-س. (نیز لی.ب): به خون خواره؛ ل.آ: هیچ غمخواره؛ (ق: آ: گنه کاره)؛ ق: در زمان هیچ پتیاره؛ متن = ل.ک. س. ۲ (نیز لن. ل.آ.۲.آ): بنداری: فلما آتاه هذا الجواب اغتاض، و ردّ الیها الرسول و قال: لا یدلک من الحضور؛ ک.ن.آ: پس از بیت ۵۱۶ افزوده ماند: بیای و سر و تاج ما را ببین اگر زبیلد پس یکن (ن: آ: هست زبینه کن) آفرین ۳۵-ل.ق. ش؛ متن = سیزده دستنویس دیگر

که ای شاه^۲، پیروز بادی^۳ و شاد^۴،
 ز پاکی و از^۵ راستی یک سویم^۶؟
 ز تیزی جوانان نگیرند^{۱۱} کین^{۱۲}!
 که بودند در^{۱۳} گلشن شادگان^{۱۴}،
 ز تازی^{۱۶} و کژی و نابخردی؟!
 به هر کار^{۱۸} پشت دلیران بدم!
 ز من دور بُد کژی و کاستی!
 به هر باره‌یی^{۲۲} از جهان بهر^{۲۳} یافت!
 وگر^{۲۴} سایه‌ی تاج و پیرایه‌ام؟!
 همه کار از این پاسخ آمد^{۲۶} پدید!

ز شیرین به خوبی نمودند^{۲۸} راه،
 چه در^{۲۹} آشکار و^{۳۰} چه اندر نهان!
 جهان‌دیده و کارکرده^{۳۱} سران^{۳۲}،
 که باشند زیبای گاه^{۳۴} مهی^{۳۵}!

زنی مهتر از^۱ برده آواز داد
 تو گفתי^۵ که من بدتن و^۶ جادویم^۷؟
 بدو گفت شیرویه^۹: بود این چنین^{۱۰}!
 چنین گفت شیرین به آزادگان
 که از من چه دیدی^{۱۵} شما از بدی
 به^{۱۷} سی سال بانوی ایران بدم!
 نجستم همیشه جز از^{۱۹} راستی
 بسی کس به^{۲۰} گفتار من شهر^{۲۱} یافت
 به ایران که دید از بُنه سایه‌ام؟!
 ۵۴۰ بگوید هر آنکس^{۲۵} که دید و شنید

بزرگان که بودند در^{۲۷} پیش شاه
 که چون او زنی نیست اندر جهان
 چنین گفت شیرین که ای مهتران
 به^{۳۳} سه چیز باشد زنان را بهی

۱- (و: نشست از پس) ۲- س (نیز لی، ب): که شاها تو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳- ق، ک، س (نیز لی، و، ل، ن، آ، ب): باشی؛ متن = ل، س، ل (نیز ل، ن، ق، آ، ل، پ، ۳، ۱، ۴) ۴- ک: راد (پ: دانی) ۵- س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ن، لی، پ، آ، ا): بدزن و؛ ق: بددل؛ (ق: آ، ل، ۳، ب: بدزن)؛ متن = ل (نیز و، ل، ن) ۶- ل- س (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ۳، آ، ب): ام؛ متن = (لی، پ، و، ل، ن، آ) ۷- ل، ق، س، آ: وز؛ (ل: ز: ناپاکی و)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقالت من وراء الحجاب: أيها الملك! إنک رمیتنی بالفجور والسرور، وزعت أتی بعیده من الطهارة والعفة ۸- س (نیز ل، ن، ب): شیروی؛ متن = ل ۹- س (نیز لی): بود آنچه (لی: آنچه) بود؛ ق، س، ۲ (نیز ق، آ، ل، ۳): بد این (ق: آن) چنین؛ ک: بود این سخن؛ (آ: این خود مباد)؛ متن = ل، ل (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن، آ، ب) ۱۰- ل: نندارند؛ متن = س- ب ۱۱- س (نیز لی): زود؛ (آ: یاد)؛ ک: پاک شده؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقال شیرویه: قد صدر منی ذلک عن رأس الحدّة والغزّة. والشباب لا یؤاخذون بمثل ذلک ۱۲- ل، آ، س، ۲: بر ۱۳- ک: نشست از پس برده شادان روان (!) ۱۴- (ق: آ: چه دیدید از من)؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۵- (لی: بازی) ۱۶- (لی: بازی) ۱۷- (ق: آ: چو) ۱۸- ل، ق، آ: جای؛ بنداری: فلما سمعت ذلک قالت للحاضرين: إنی کنت ست ایران ثلاثین سنة ۱۹- (لی: بجز)؛ ک: ق، آ، ل، ن، پ: پس از این بیت افزوده‌اند:

خداوند داند ز راز جهان
 که او داند از آشکار و نهان
 کز آنکه که در برده خسروم
 نه برید غنومدم نه هم (ک: نه نون) بغموم
 ۲۰- س (نیز و، ل، ن، آ، ب): ز ۲۱- (ق: آ: بهر) ۲۲- ل (نیز ق، آ): تاره؛ (ب: یاره و)؛ ل، ک (نیز پ): ز هر گونه؛ متن = س، ق، س، ۲ (نیز ل، ن، حرف یکم باره بی نقطه)، ل، آ، و، ل، ن، آ، ۱، ۲) ۲۳- (ق: آ: شهر) ۲۴- (ب: مگر)؛ ق: آ این بیت را ندارد ۲۵- ک: بگوئید هر کس ۲۶- س، ک، س، آ (نیز ل، ن، لی، ب): آید؛ متن = ل، ق، ل، آ، ق، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: فان کنتم سمعتم فی هذه المدة المدیة أتی فرقت یوما بریة أو رأیتموها علی فاذکروا ذلک ۲۷- ل، آ، س (نیز آ): بر ۲۸- (آ: گشادند) ۲۹- س- س (نیز ل، ن، لی، و، آ، ب): بر؛ متن = (نیز ق، آ، ل، ۲) ۳۰- س، ق، ک، ل (نیز ل، ن، ق، آ، ب): آشکارا؛ متن = ل، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، و، ب)؛ بنداری: فرفعوا أصواتهم براءعها و تزکیتها، و شهدوا لها بطهارة اللذیل و نقاء الجیب ۳۱- ل: جهان گشته و کار دیده؛ متن = س- ب ۳۲- (آ: ردان) ۳۳- (ل: ز) ۳۴- س- س (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن، آ، ب): تخت؛ (و: باشد سزاوار تخت)؛ متن = ل ۳۵- (ق: بهی (!))؛ بنداری: فقالت: اعلموا أن النساء یحمدن بثلاثة أشياء

۵۴۵ یکی آنک^۱ با شرم و با خواسته^۲ است
 دگر آنک^۵ فرخ‌پسر زاید اوی^۶
 سدیگر^۸ که بالا و رویش^۹ بود
 بدان گه که من جفت خسرو شدم^{۱۳}،
 چو بی‌کام و^{۱۵} بی‌دل بیامد ز^{۱۶} روم
 ۵۵۰ و زان پس^{۲۰} بدان^{۲۱} کامگاری رسید
 و زو نیز فرزند بودم^{۲۳} چهار
 چو نستود^{۲۷} و چون^{۲۸} شهریار و^{۲۹} فرود
 ز^{۳۰} جم و فریدون چن^{۳۱} ایشان نژاد
 بگفت این و بگشاد چادر ز روی
 ۵۵۵ سدیگر^{۳۷} چنچینست رویم که هست

که جفتش بدو^۳ خانه آراسته^۴؛
 ز شوی^۷ خجسته بیفزاید اوی^۶؛
 به پوشیدگی^{۱۰} نیز مویش^{۱۱} بود^{۱۲}؛
 به پیوستگی در^{۱۴} جهان نو شدم^{۱۳}،
 نشستش^{۱۷} نبود^{۱۸} اندرین^{۱۹} مرز و بوم،
 که کس در جهان آن ندید و شنید^{۲۲}؛
 بدیشان^{۲۴} چنان^{۲۵} شاد بُد^{۲۶} شهریار،
 چو مردان‌شه آن تاج چرخ کبودا
 زبانم^{۳۲} مباد ار پیچم^{۳۳} ز دادا!
 همه روی ماه^{۳۴} و همه پشت^{۳۵} موی^{۳۶}؛
 یکی گر دروغست بنمای دست!

۱- (ل، پ، ن، آ، آنکه) ۲- س (نیز لی، آ): خواسته؛ ک: آنک شرم است با خواسته؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳- (ب: بدان) ۴- س (نیز لی): سرای بزرگان بیارسته؛ (و: وزو خانه شوهر آراستست؛ آ: که باشد بدو خانه آراسته)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: أحدها یمن الأثر مع الحیاء و موافقة الزوج ۵- (ل، پ، ن، آ: آنکه) ۶- ل، س، ق، ن، آ، ب، ا، و: او؛ او؛ او؛ متن = ک (نیز ل، پ، ن، آ) ۷- ل: ز شیریں؛ متن = س؛ ب: بنداری؛ و: الثانی النجابه فی الولد ۸- ل (نیز ق، ل): س: ده دیگر؛ (پ: سوم آن)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹- (و: مویش؛ آ: رایش) ۱۰- س، ل، س، آ (نیز ل، ن، آ، ب): پوشندگی؛ متن = ق (نیز ل، ن، ل، و) ۱۱- س (نیز لی، ب): خویش؛ (و: رویش)؛ متن = ق، ل، س، آ (نیز ل، ن، ل، پ، ن، آ، ب، ن، آ) ۱۲- ل: بپوشد که نیرو و مویش بود (!)؛ ک: بکوشد که نیروی مویش بود؛ (ق، آ: به زیب اندرون نیز مویش بود)؛ بنداری: و: الثالث و فور الجمال و الحسن؛ ک، ق، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

بگفت این و آنکه (شیرین) زبان برگشاد
 به شیروی گفت ای شه نامدار
 روز گذشته همی کرد یاد
 سخن‌ها که گفتم همه (چو گفتی سخن پاسخش) گوش‌دار

۱۳- ل، ک (نیز ل، ن، آ): بدم؛ (ل، آ: بدم - شدم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- س، ل، س، آ (نیز ل، ن، آ): پوشندگی در؛ (ق: نیز ل، ن، ل، و، آ، ب): پوشیدگی در؛ ک: بپوشد کاندلر (!)؛ متن = ل (نیز ق، ل، پ) ۱۵- ک: به بی‌گاه ۱۶- (ب: به؛ و: همی شد) ۱۷- ک: نشسته؛ ل (نیز ق، ل، پ، آ، ب): نشستن؛ متن = ل، س، ق، س، آ (نیز ل، ن، ل، و، آ، ب) ۱۸- ق (نیز و): نبد؛ (ل، آ: بدی) ۱۹- (لی، ب: اندر آن؛ و: جز در آن)؛ بنداری: و قد عرف و اشهر حال الملک لما قدم من بلاد الروم ۲۰- ل (نیز ق، ل، آ): از آن پس؛ (ل، آ: پس آنکه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱- ل (نیز ل، ن، آ): بران؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۲- ق: شگفتی ندید؛ بنداری: و قد رأیت ما صار الیه من الجلالة و البهاء یمن نقیبتی فی آخر الأمر ۲۳- (پ: فرزندانم آمد) ۲۴- ک: بایشان؛ (لی: بدینسان) ۲۵- (ق: همی) ۲۶- ل، س، س، آ (نیز ل، ن، آ، ب): شد؛ متن = ق، ک، آ (نیز ل، ن، آ، ل، ن، آ) ۲۷- ل (نیز ق، ل، آ): نستوه؛ (ق: نیز پ، و): نستور؛ ک: نستوی؛ (ل، آ: بستود)؛ متن = س، ل، س، آ (نیز ل، ن، ل، و، آ، ب: در ل، آ، ا حرف یکم بی نقطه) ۲۸- (ل: ن) (و: هم) ۲۹- ک: مهریاد و؛ (و: شاهزاده؛ آ: شهر یاری) ۳۰- س (نیز لی): که؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۱- ل، س، آ (نیز ل، ن، آ، ب): چو؛ متن = (ل) ۳۲- ل، ک (نیز آ): زمانم؛ (ل: زفانم؛ ل، و: زروانم)؛ متن = س، ق، ل، س، آ (نیز ق، ل، پ، ن، آ، ب) ۳۳- (و: مبادا که پیچم)؛ بنداری: و أما النجابه فقد رزقت منه أربعة من البنین لم یولد أمثالهم من جمشید و لا أفریدون؛ ق، ک، ل، آ، س، و پس از بیت ۵۵۳ افزوده‌اند:

که هر چار اکتون (و: که آن هر چهارم) به خاک اندرند
 گرازان به مینوی پاک اندرند

۳۴- (و: ماه‌روی؛ در ن به رو چو ماه تصحیح شده است) ۳۵- س (نیز ل، ن، ل، و): مشک؛ (پ: ماه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۶- ل، ک: روی (!)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۷- ل (نیز ق، ل، پ، ن، آ): س: ده دیگر؛ س (نیز لی): و دیگر

که آن^۴ را ندیدی کس اندر جهان^۵،
نه^۸ از تئبل و مکر و از^۹ بدخوی^{۱۰}!

نه از مهتران^{۱۳} نیز بشنیده بود!
خیو^{۱۶} زیر لبها^{۱۷} برافشانند^{۱۸}!
روان نهانش^{۱۹} ز تن^{۲۰} برپرید!
چو تو جفت یابم به^{۲۲} ایران بسم^{۲۳}!
که از شاه ایران نیم^{۲۲} بی نیاز،
که بر تو بماناد شاهنشهی^{۲۴}!
دگر^{۲۷} آرزو هرچ باید^{۲۸} رواست^{۲۹}!
که بودم^{۳۱} بدین کشور آراسته،
همه^{۳۴} پیش این^{۳۵} نامدار^{۳۶} انجمن!

مرا از هنر^۱ موی بُد^۲ در نهان^۳
نمودم همه، نیست این^۶ جادوی^۷!

نه کس موی^{۱۱} او پیش از آن^{۱۲} دیده بود
ز دیدار^{۱۴} پیران^{۱۵} فروماندند
۵۶۰ چو شیروی رخسار شیرین بدید
و^{۲۱} را گفت: جز تو نباید کسم!
زن خوبرخ پاسخش داد باز
سه^{۲۵} حاجت بخوام، چو فرمان دهی
بدو گفت شیروی: جانم تراست!
۵۶۵ بدو گفت شیرین^{۳۰} که هر خواسته
ازین^{۳۲} پس یکایک سپاری^{۳۳} به من

۱-ک: آرزو ۲-ل: (نیز آ): موبدی؛ (ل: ۳: روی بد) ۳-ل: ک (نیز ل: پ): جهان؛ متن = دستنویس دیگر ۴-ل: این؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵-ل: (لی، پ، آ: نهان)؛ ق این بیت را ندارد ۶-ل: س، س، آ (نیز لی، پ، و، ب): همه پشت (د نیست) این؛ ک: که بنشت این؛ (ل: ۳: به پشت همه؛ ل: ۳: همیشه چنین؛ آ: همیست و این؛ ق: ب مردم همیست این)؛ متن = ق (؟) ل: ۲ (نیز ل: ۷) ۷-ل: ل، ل، س، آ (نیز ل: لی، ل، ل، ن: آ): جادویی؛ متن = س، ق، ک (نیز ق: آ، ب) ۸-ل: (پ: هم) ۹-ل: ل، ق، ک، س، آ (نیز آ): وز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰-ل: ل، س، ل، س، آ (نیز ل: لی، ل، ن: ان، آ، ب): بدخویی؛ متن = ق، ک (نیز ق: آ، ب): ک پس از این بیت افزوده است:

به پیش تو کردم همه آشکار
بگفت این و آنگاه بگریست زار

۱۱- (و: روی) ۱۲-ل: مثل این موی من؛ (ق: آ: موی من پیش ازین؛ ل: آ: موی من در جهان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳-س (نیز ل: ب): نه مهتر چنان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴- (و: دیدنش) ۱۵- (ل: ۳: او چون) ۱۶-س ۲ (نیز آ، ب): خدو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷- (لی: کبها؟)؛ ل: ۳: ز شادی همه جان ۱۸-ق: نهان نام یزدان برو خوانند؛ بنداری؛ و أما الجمال فهو معلوم، وإن لم تصدقونی فانظروا إلین. و کشف الحجاب، و حطت النقاب. فدهشوا لما رأوا من وجه کالنهان الشامس، و شعر کاللیل الدامس ۱۹-س: پلیدش؛ ک: و روانش (!)؛ (آ: و نهانش؛ ق: آ، لی، ل: ۳: روانش نهانی)؛ متن = ل، ق، ل، آ، لی، ل: ۲ (نیز ل: پ، ل، ن: آ، ب) ۲۰- (و: تو گفتی روان از تشن)؛ ک، ق (پس از ۵۶۱)، ل: ۲ افزوده اند:

چنان خیره ماند اندر آن (مانده بد از) چهر اوی
دلش گشت آکنده از مهر اوی

۲۱- (لی: بدو) ۲۲-س، ل، س، ز؛ (لی: از؛ ل: آ: باشد به)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-ک: رسم؛ بنداری؛ فلما رآها شیرویه کادت ترهق روحه شغفا بها، و قال: اذا كنت لی فلا أرید من الدنیا غیرک. و قد اجتزبت من ملک ایران بک؛ ک، ق: ل، ل، ن: آ پس از بیت ۵۶۱ افزوده اند: نیام برون من ز فرمان تو (ق: آ: فرمان تو سر نیام برون) ابا جان بنیدیم (ل: نگاریده بر دیده؛ ل: آ: مگر جان بنیدم به) پیمان تو (ق: آ: و گر کشور از من شود جوی خون)

۲۴- (ن: نهام) ۲۵-ل: آ: دو ۲۶- (ن: ۲: فرمان دهی)؛ بنداری؛ فقالت: أرید من الملک إسعافی بال حاجات الثلاث ۲۷- (ق: آ: کجا) ۲۸-س-س: آ (نیز ل: ن، ق: آ، لی، و، ب): هر چه خواهی؛ (ل: آ: هر آن آرزویی که خواهی)؛ متن = ل ۲۹-ک (نیز ق: آ، لی، پ): تراست (!)؛ پ این بیت را ندارد؛ بنداری؛ فضمن لها إنحاجها، و سألتها عنها ۳۰- (پ: یکی آنکه باید) ۳۱-ق: هستم ۳۲-ک، س، آ (نیز ق: آ، ب): از آن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۳-ق: گذاری؛ س، ک (نیز ل: پ، ل: ۳): سپاری یکایک؛ متن = ل، ل، س، آ (نیز ل، و، آ، ب) ۳۴- (ق: آ: همان) ۳۵- (ل: ۳: آن) ۳۶-ل: نامور؛ متن = س-ب؛ بنداری؛ فقالت: إحداهان ترد إلى جمیع ماکان لی من صامت و ناطق

که بیزارم^۴ از چیز او^۵ کم و بیش!
 زن از^۸ آرزوها چو^۹ پاسخ شنود،
 ز^{۱۷} پیش بزرگان و آزادگان،
 بدان^{۱۳} خواسته بنده را شاد کرد،
 بدان کو^{۱۴} ورا خویش بُد^{۱۵} بیش داد،
 چه بر^{۱۸} جای نوروز و جشن سده^{۱۹}،
 رباطی که آرام^{۲۳} شیران بُدی^{۲۲}،
 به نیکی روان ورا^{۲۵} کرد شاد^{۲۶}!
 نشست از بر خاک^{۲۸} بی رنگ و بوی^{۲۹}،
 مران هر یکی را به خوبی نشانند^{۳۱}،
 که هر کس که هست از شما ارجمند^{۳۳}،
 -نبیند کسی نیز دیدار^{۳۴} من-،
 -نیايد^{۳۵} ز داندگان کاستی!-

بدین^۱ نامه اندردهی^۲ خط^۳ خویش
 بکرد آنچه^۶ فرمود، شیروی زود^۷؛
 به راه^{۱۰} آمد از گلشن شادگان^{۱۱}
 ۵۷۰ به خانه شد و بنده آزاد کرد
 دگر هرچ^{۱۴} بودش به درویش داد
 ببخشید چندی^{۱۶} به^{۱۷} آتشکده
 دگر بر^{۲۰} کنامی^{۲۱} که ویران بُدی^{۲۲}
 به مزد جهاندار خسرو بداد^{۲۴}
 ۵۷۵ بیامد بدان^{۲۷} باغ^{۲۸} و بگشاد روی
 [همه بندگان را بر خویش^{۳۰} خواند
 چنین گفت از آن^{۳۲} پس به بانگ بلند
 همه گوش دارید گفتار من
 مگویید یکسر جز از راستی

۱-س. ق. (نیز لن-و، آ. ب.)؛ بدان؛ س. آ. بران؛ متن = ل. (نیز لن) ۲-ل. بنده؛ س. ق. س. ق. ۳. ل. (نیز لن، ای. ل. ب. ن. آ. ب.)؛ زنی؛ (ق. آ. نهی)؛ و؛
 کنی؛ متن تصحیح قیاسی است (ج. ل.) ۳. (ا. نام)؛ ک. بدان شاه کاندرد پی نام (ا) ۴-س. (نیز ای.)؛ بیزاری؛ (ق. آ. بردارم)؛ متن = یازده
 دستنویس دیگر ۵-ل. (ق. ل. تو)؛ ل. این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و الثانية أن تکتب خلطک فی هذا المکتوب باعضاء جمیع ما فیہ ۶-س. (ای. ب. آ. آنچه) ۷-ل. (ای. شیرین بزود) ۸-ل. (ق. ل. آن)؛ از آن؛ ب. دل از ۹-ل. (و؛ چو زن آرزوها به)؛ ک. این بیت را ندارد؛ بنداری؛ فاسعفا
 بالحاجتین ۱۰-ل. (ق. آ. فرود؛ لن. برون) ۱۱-ل. (نیز و، آ. ب.)؛ سادگان؛ ق. شایگان ۱۲-ل. (ن. به)؛ ک. این بیت را ندارد ۱۳-ل. بران؛ ل. آ. از
 آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ک. ق. آ. پس از این بیت افزوده‌اند:

چو سیصد بدش بنده خوبروی (ق. آ.) همان بنده از خاص خود نه هزار

نر و ماده هر دو بها سخته اوی (ق. آ.) هر یک چو خرّم بهار

۱۴-س. س. (نیز لن-ا.)؛ هر چه؛ متن = ل. ۱۵-ل. (ن. پیش بد؛ ق. آ. هر آنکس که درویش تر)؛ ب. این بیت را ندارد و در ل. بابت سپسین پس
 و پیش شده است ۱۶-ک. گنجی؛ (و؛ چیزی) ۱۷-ل. (ق. آ. بر) ۱۸-ل. (ن. آ. همان) ۱۹-ب. (پ. شده؛ لن. آ. مهر سده؛ ل. آ. جشن و سده)؛ ل. آ.
 نوروز جشن و سده؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰-ل. (ای. بد) ۲۱-ق. رباطی؛ (و؛ گذاری)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۲-ل.
 شدست-بدست؛ (ن. بود)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳-ق. کنامی که ماوی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۴-ل. (ب. یاد) ۲۵-ک. (ا. ترا) (ا. آ. ق. یاد؛ بنداری؛ فعادت الی دارها، و أعتقت ممالیکها، و أعطتهم بعض تلك الأموال، و فرقت الباقي علی الفقراء و
 المساکین و المحتاجین صدقة عن برویز ۲۷-ل. بران؛ متن = س. ب. ۲۸-ک. کاخ ۲۹-س. بی گفت و گوی؛ ک. بر رنگ و بوی؛ (ای.)
 بی آب روی؛ و، لن. آ. با رنگ و بوی؛ ب. پر آب روی)؛ متن = ل. ق. ل. ۳۰-س. (نیز لن، ق. ل. ب.) ۳۰-ک. ل. آ. س. ۳۱-ل. (نیز ق. آ.)؛ همان مردمان
 را بدان جای؛ متن = ل. ۳۱-ل. به نیکی نشانند؛ (ق. آ. به خوی درفشاند)؛ متن = ل. ک. س. آ. س. ق. ن. ای. ب. این بیت را ندارند ۳۲-ل.
 زان؛ متن = س. ب. ۳۳-س. ک. ل. آ. س. (نیز لن، ای. ل. آ. ب.)؛ بی (ب. پر) گزند؛ متن = ل. ق. (نیز ق. آ. ب. و، لن) ۳۴-ل. بسی نیز بازار (ق. آ.)
 (ق. آ. مپیچید یکسر ز کردار؛ ب. نبیند کس نیز دیدار)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ک. ق. آ. پس از این بیت افزوده‌اند:
 برسید از دار دادخواه (ک. نیکخواه)
 فروزنده اختر و هور و ماه

۳۵-در ل. حرفهای یکم و دوم و در ق. آ. حرف دوم بی نقطه؛ س. (نیز ل. آ. ب.)؛ بیاید (در س. ل. آ. حرف دوم بی نقطه)؛ متن = ده دستنویس

۵۸۰ کزان^۱ پس که من نزد^۲ خسرو شدم^۳،
سر بانوان^۵ بودم و فر شاه،
نباید^۷ سخن هیچ گفتن بروی^۸
همه یکسر از جای برخاستند
که ای ناموریانوی^{۱۲} بانوان
۵۸۵ به یزدان که هرگز ترا کس^{۱۵} ندید
همانا ز هنگام هوشنگ باز
همه خادمان و پرستندگان
به آواز گفتند کای^{۱۹} سرفراز
که یارد^{۲۲} سخن گفتن از تو به بدا
۵۹۰ چنین گفت شیرین که این^{۲۵} بدگوش
پدر را بکشت از پی تاج و تخت
مگر^{۲۸} مرگ را پیش دیوار کرد
پیامی فرستاد نزدیک من
بدان^{۳۳} گفتم این من که تا^{۳۴} زنده‌ام^{۳۵}
۵۹۵ پدیدار کردم همه راه^{۳۷} خویش

به مشکوی زین او^۴ نو شدم^۳،
از آن پس چه^۶ پیدا شد از من گناه؟
چه^۹ رو باید اندر زنی^{۱۱} چاره‌جوی؟
زبان‌ها^{۱۱} به پاسخ بیاراستند،
سخن‌گوی و^{۱۳} دانا^{۱۴} و روشن‌روان،
نه نیز از پس پرده آوا شنید!
چو تو نیز ننشست بر تخت ناز^{۱۶}!
جهانجوی^{۱۷} و بیدار دل‌بندگان^{۱۸}،
ستوده^{۲۰} به روم و به چین^{۲۱} و طراز،
بدی کردن^{۲۳} از روی تو کی^{۲۴} سزد!
که چرخ بلندش^{۲۶} کند سرزنش،
کزین پس دو چشمش میناد^{۲۷} بخت!
که جان پدر زین نشان^{۲۹} خوار کرد
که تاریک^{۳۰} شد جان^{۳۱} باریک^{۳۲} من!
-جهان‌آفرین را پرستنده‌ام^{۳۶}،-
-پر از^{۳۸} درد بودم ز بدخواه خویش-،

۱-ل: که زان؛ (و: از آن؛ آ: وزان)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-س-س: (نیز ل-ن، ۲، ب)؛ پیش؛ (آ: به مشکوی)؛ متن = ل-۳-ل (نیز ب)؛ بدم؛ ک: شوم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴-س، س: (نیز ل، ا، ب)؛ وی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-ک، س: نه من بانوا ۶-س: چو؛ متن چهارده دستنویس دیگر ۷-ل-۲: نباید ۸-ک: سخن گفتن از هیچ روی ۹-س، ل: (نیز ل، ب)؛ چو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰-ل، ل: زن؛ س، س: (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، ب، ا، ب)؛ روی آید (ب: آمد) اندر زنی (آ: زن)؛ ک: روی و چه پشت و چه با؛ (ل: دیدید اندر زن)؛ متن = (و: و)؛ ق: این بیت را ندارد ۱۱-ل(ن: زفانها)؛ در ل: آلت‌ها پس و پیش و در ک: ۵۸۵۸۳ پس از ۵۸۸ آمده است ۱۲-ک، س: نباید سخن گفتن ۱۳-ک: چو < ۱۴-ق: بیضا؛ (ل: بیدار) ۱۵-ک: کس او را ۱۶-ب(ب: اما)؛ ل: گردن‌فراز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷-س، ق، ل، ۲، س: (نیز ل، ب)؛ جهاندار؛ متن = ل، ک(نیز ل، ن، ق، ۲، ل، ۳) ۱۸-ب(ب: بیدار داندگان)؛ ۱۹-ل(ن: ای)؛ ۲۰-ک: ستودم ۲۱-ل(نیز ب، و)؛ به چین و به روم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲-س: یازد ۲۳-ل(ن: آ: گفتن) ۲۴-س: آ: از چون تویی کم؛ (آ: از تو به پاک) ۲۵-ل(ل: ب، ب: آ؛ ای) ۲۶-ک: بلندت ۲۷-ل(نیز ق: ۲)؛ پس میناد شادی و (ن: پس میناد خود ایچ)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-ل(ا: دگر) ۲۹-ل: رابه تن؛ س، س: (نیز ل، ب)؛ زین سپس؛ ق(نیز ق: ۲)؛ را چنان؛ ل: زین سبب؛ (ل: زان سخن؛ و: زین نشان)؛ متن = ک(نیز ل، ن، ب، ا، ۲، ل)؛ ک؛ س: پس از این بیت افزوده‌اند:

همه روز او سربر کور باد
ورا بهتر آن جایگه گور باد

۳۰-ق: بیدار؛ س: (نیز ق، ۲، ن، ۱، ۲)؛ باریک؛ در س حرف یکم بی نقطه؛ متن = ل، ک، ل(نیز ل، ن، ل، ب) ۳۱-ل(ل: رای) ۳۲-ل، ق، س: (نیز ق، ۲، ب، ا)؛ تاریک؛ در س، ل حرف یکم بی نقطه؛ متن = ک، ک(نیز ل، ن، ل، ا، ب) ۳۳-س: (نیز ا)؛ بدو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۴-ل، ق، ل، ۲، س: (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، ۲)؛ این بد (ل: ن)؛ من؛ آ: دل) که من (ل: تا)؛ ک: گفت آن بد که من؛ متن = س(نیز ل، ن، ل) ۳۵-ق: دیده‌ام ۳۶-س، ک، س: (نیز ل-ن، ل-۲، و، ب)؛ به دل بنده‌ام؛ ق: پسندیده‌ام؛ متن = ل، ل(نیز ب، س) ۳۷-ک: رای ۳۸-ل(ن: ک: پر)

بمرد^۱ و ز گیتی^۲ ستایش^۳ ببرد^۴!
 ز دیدار^۵ او پر ز تیمار گشت^۶!
 ز مشک و ز کافور^۷ افسر کنند!
 برین برنیامد بسی^۸ روزگار،
 جهان را ز شاهان پُر آمد^۹ قَفیز!
 همان^{۱۰} تخت شاهی^{۱۱} پسر را سپرد^{۱۲}!
 به هشتم^{۱۳} ز کافور یابد^{۱۴} کلاه؟
 بدی بتر^{۱۵} از عمر کوتاه نیست!

به دیوار پشتش نهاد و بمرد
 چو بشنید شیروی^۵ بیمار گشت^۶
 بفرمود تا دخمه برتر^۸ کند!
 ۶۱۰ در دخمه‌ی شاه کرد^{۱۰} استوار؛
 که شیروی را زهر دادند نیز
 به شومی بزاد و به شومی بمرد
 کسی پادشاهی کند هفت ماه
 به گیتی بهی بهتر^{۱۸} از گاه نیست!

بگویم که پیش آمدم ناگزیر^{۲۰}

۶۱۵ کنون پادشاهی شاه‌اردشیر

۱- (ق: آ، برفت) ۲- س: آ، گوهر ۳- ل: نشان؛ متن = س-ب ۴- حرف یکم در ل، ل، آ، ق، و بی نقطه؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ک: همه تخت شاهی مر او را سپرد؛ بنداری؛ فدخلته وهی تبکی وتندب فوضعت خذها علی خذ برویز ثم تناولت السم الذی کان معها فماتت من ساعتها؛ برخی از دستنویس‌ها پس از بیت ۶۰۷ افزوده‌اند، ق: آ، ب، ن: آ:

سرانجام چون او رود مشکوی (بران مهربانی و آن رای و خوی)

هزار آفرین باد بر آنکه (بر جان) اوی

ک، س: آ:

هر آن زن که چون او نباشد مباد (بود رای زن)

هزار آفرین بر چنان زن بواد (بادا بران زن!)

ک، س: آ، بی:

مر او را جهان کی شناسد بها
 به گیتی ازو نام نیکو بماند

چو زن خوبرخ باشد و پارسا
 گر او نامه مهربانی بخواند

۵- (لی: شیروی بشنید) ۶- (آ: شد) ۷- (ن: آ: کردار)؛ ق: آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فانتھی الخیر بذلک الی شیرویہ فعضم علیہ، و أخذ فی البکاء و العویل حتی مرض من فرط الجزع ۸- (ن، ن: آ: دیگر)؛ س-س: ۳ (نیز لی-و، ا، ب): کان دخمه را (ق: ب: جزا) بر؛ متن = ل ۹- س: ک (نیز لی، ل، و، ب): کافور؛ متن = ل، ل، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ن، پ، ا، ن، آ، ا)؛ ق: آ این بیت را ندارد ۱۰- ل: را؛ متن = س-ب (ن: دخمه بر) ۱۱- ل: بگردند و بگذشت بس؛ متن = س-ب (لی: بدین) ۱۲- حرف یکم در پ، و با سه نقطه؛ بنداری: ثم اینهم سموه بعد سبعة أشهر ومات ۱۳- ک (نیز ل: آ): همه؛ (ب: همو) ۱۴- (ن، پ، ا، ن: آ: شاهان) ۱۵- (ب: شمرده)؛ بنداری: وانتقل الأمر الی ولده من بعده ۱۶- ک: هفتم ۱۷- ق، س: ۲ (نیز لی): باید (در ق، س: ۲ حرف سوم بی نقطه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر (در ل، ن، حرف یکم بی نقطه)؛ ک، ل: ۳ پس از این بیت افزوده‌اند:

از آن (این) پادشاهی چه یابد مزه

کند گرد بر گردن خود بزه

۱۸- (آ: یکی بتر) ۱۹- (ق: آ، بی، و، ن: آ: بدتر)؛ ق: آ پس از این بیت افزوده است:

کزینسان همی تاج بر سر نهی
 ترانام باید که تن مرگ راست (ع: پنجم ۴۰۳/پ ۱)

ازین پادشاهی چه باید بهی
 به نام نکو گر بیماری رواست

۲۰- ب این بیت را ندارد

اردشیرِ شیروی

پادشاهی اردشیر^۱ یک سال^۲ بود

چو بنشست بر^۳ تخت شاه اردشیر
 بسی نامداران گشته کهن
 زبان^۴ برگشاد اردشیر جوان
 هر آنکس که بر گاه^۵ شاهی نشست
 ۵ بر^۶ آیین شاهان پیشین رویم!
 ز یزدان نیکی دهش یاد باد^۷!
 پرستندگان را همه برکشیم^۸!

از^۹ ایران برفتند برنا و پیر،
 بدان تا چگونه سراید سخن^{۱۰}:
 چنین گفت کای^{۱۱} کار دیده گوان،
 گشاده زبان^{۱۲} باد و یزدان پرست!
 همان^{۱۳} از پس^{۱۴} فزه و^{۱۵} دین رویم!
 همه کار^{۱۶} و کردار^{۱۷} ما داد^{۱۸} باد!
 ستمکارگان را^{۱۹} به خم^{۲۰} درکشیم^{۲۱}!

۱-ق: اردشیر بن شیروی؛ گ: اردشیر پسر شیرویه ۲-س، ق، س، ۲ (نیز و، ب): یکسال و شش ماه؛ ل: یکسال و هفت ماه؛ (لن: شش ماه)؛ متن = ل (نیز ل، ۲، لن، ۲)؛ بنهاری: نم ملکو اردشیر بن شیرویه بن برویز و کانت مدّة ولایتہ سنة واحدة ۳-س (نیز لی، ب): نشست از پر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴-ل، ۴: ز ۵-آ: کشاند سخن؛ س (نیز لی): تا چه گوید چه جوید ز بن (لی: سخن)؛ (ق: ۲: تا چه گوید سراید سخن)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ گ، س، ۲، ق، ۲، لی، پس از این بیت افزوده‌اند: بر شاه بنشسته از هر سوی + همان (هران) نامداری و (ز) هر (ق: ۲: به جایی که بد نامور) پهلوی ۶- (لن: زفان) ۷- (لن: ای) ۸-ک (نیز پ): تخت ۹- (لن: زفان) ۱۰-س-ل (نیز لی، ب): به؛ متن = ل، س، ۲ (نیز لن، ق، ل، ۲، لن، ۲، لن، ۲، لن، ۲): از پی؛ متن = ل، س، ک، س، ۲ (نیز ق، ۲، لی، پ، و، ب) ۱۳-ک، ل: فرّه؛ (آ: فز و از) ۱۴-س، ۲: کرد یاد ۱۵-ل، ۲: کام ۱۶- (پ: کردن و کار) ۱۷- (ل: او باد) ۱۸-ل: برکشید - درکشید؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹-ک: ستمکاره را هم ۲۰-س-س، ۲ (نیز لن، لی، ل، ۳، و، ب): خون؛ متن = ل (نیز پ)؛ ق، ۲ این بیت را ندارد؛ بنهاری: قال: فلبس التاج بعد أبيه. و حضره الناس فوعدهم من نفسه بحسن القول والعمل، و سلوک سبیل السلاطین الأول فی بسط العدل، و إفاضة الأمن؛ ق، ۲، و، لن، ۲ افزوده‌اند (تصحیح به پیروی از لن، ۲): کتم تازه آیین نوشین روان + شود شاد آزادگان را روان / ز گنجم جهان گردد آراسته + پر از باغ و پر موبد و خواسته / از من گستر در جهان ایمنی + نهان گردد آیین اهریمنی / سه را ز اندازه پایه دهم + به هر کارشان نیز مایه دهم / همه شهر ایران کنم چون ارم + نمانم که باشد کس از من دژم / به دینار دلها کنم شادمان + نباید که دلها بود بدگمان / هر آنکس که دارند حاجت به ما + بگویند حاجت کنمشان روا / ز لشکر یکی گرز فرمان من + برون آید از عهد و پیمان من / جز از کشتن او را نباشد جزا + چنین است بادافره ناسزا / چو دارند فرمان ما را نگاه + بنزدیک ما هستشان دستگاه

از^۲ آرام او هر کسی کام یافت
که از داد شادست^۲ و شادان ز شاه^۵،
بماناد^۸ شادان و روشن‌روان^۹!

کزو بود^{۱۱} خسرو به گرم^{۱۲} و گداز
که در خاک شد تاج شیروی شوم،
سر دخمه^{۱۵}ی او نگونسار^{۱۶} باد^{۱۴}!
به باغ از گیا یافت خواهد گزند^{۱۷}!
نبیند چنُو^{۱۸} نیز یک شهریار^{۱۹}،
همه شهر ایران به خواری دهد^{۲۰}!

بسی کس به^۱ گفتارش آرام یافت
به پیروزی خسرو سپردش^۳ سپاه
۱۰ به ایران که باشد^۶ چنُو^۷ پهلوان

پس آگاهی آمد بنزد^{۱۰} گراز
فرستاد گوینده‌یی را ز^{۱۳} روم
که جانش به دوزخ گرفتار باد^{۱۴}!
که دانست هرگز که سرو بلند
۱۵ چو خسرو که چشم و دل روزگار
چو شیروی را شهریاری دهد^{۲۰}

۱- (و، ن: ۲)؛ ۲- (نیز، ن: ۱، ۳)؛ ز؛ (پ: ۷)؛ بنداری: فدعوا له، و سزا بمکانه؛ در، ک: ق، ۲، و، ن: ۲، این بیت پس از بیت ۱۰ آمده است
۳- (نیز، پ: ۱)؛ سپرد آن؛ ک، ل، ۲، س، ۲، (نیز، ن: ۳، ۴، و، ن: ۲، ب)؛ سپردم؛ متن: ل، س، (نیز لی) ۴- (پ: بد بشاد) ۵- حق: شادان بود
پیشگاه؛ ل: شاهست شادان سپاه؛ (۱: که او بود شادان بدان تاج و گاه)؛ متن: = یازده دستنویس دیگر ۶- ک (نیز ق، ۲، و): نباشد؛ (ن: ل، ۳،
ن: ۲، ۱: چو باشد)؛ متن: ل، س، ل، ۲، س، (نیز ب) ۷- (ل: ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶،

بدو^۳ شادمان جان^۴ برنا و پیرا
 نخواهم^۵ که بروی جهد^۶ باد شهر!
 به گفتار آن بدنتان^۹ شد تباه
 ز روم^{۱۱} و ز ایران^{۱۲} گزیده سران،
 که باشد پسندش^{۱۴} بدین^{۱۵} گونه رای^{۱۶}!
 کزان^{۱۷} پس نراند^{۱۸} ز شاهی^{۱۹} سخن!

بنزدیک پیران^{۲۰} ایران سپاه
 به پیروز خسرو یکی نامه کرد^{۲۱}،
 جهانجوی باید که بندد میان^{۲۴}،
 ز هر گونه اندیشه انداختن^{۲۶}،
 جهان را بپردازی از اردشیر!
 شوی ایمن و شاد از آرام^{۳۰} خویش!

چُنوا^۱ رفت^۲، شد تاجدار اردشیر
 مرا گر ز ایران رسد هیچ^۵ بهر
 نبودم من آگه^۸ که پرویز شاه
 بیایم کنون با سپاهی^{۱۱} گران
 ببینیم تا کیست^{۱۳} این کدخدای
 چُنان برکنم بیخ او را ز بُن

نوندی برفاگند پویان به راه
 دگرگونه آهنگ بدکامه کرد:
 ۲۵ که شد تیره این^{۲۲} بخت^{۲۳} ساسانیان
 توانی^{۲۵} مگر چاره‌یی ساختن
 بجویی بسی^{۲۷} یار^{۲۸} برنا و پیر
 و زان^{۲۹} پس بیایی همه کام خویش

۱-ق.ک (نیز ل.۳، و.لن.۲): چو او ۲-ل: رفته؛ س.ک.م.۲ (نیز ل.ی.و.ب): رفت؛ متن: ق.س.۲ (نیز ل.ق.۲، ل.پ.۲) ۳-ق.۲: از و؛ ب. (بدان) ۴-س.س.۲ (نیز ل.۲، ل.پ.لن.۱، ل.ب): شادمانند؛ (ل.ق.۲: شادمانید؛ ل.ی.و.شاد باشند)؛ متن: ل.بنداری؛ وقد جاء البشير بموته و قيام ولده مقامه ۵-ق.۲: رنج) (ع.لن.۲: نمانم) ۷-ل.س. (نیز ل.ی.ب): رسد؛ ک: زنده؛ متن: ق.ل.س.۲ (نیز ل.ق.۲، ل.و.لن.۱، ل.ب): پ. این بیت را ندارد؛ ق.۲، و.لن.۲ افزوده‌اند: نخواهم که باشد چنو شهریار + اگر چند بی شاه شد روزگار / که او را بسی داوری در سرست + همان رای بر لشکرش (بالشکر؛ بر لشکری) دیگرست ۸-ق.۲، ل.ن.۲: (ز) ۹-س.ق.ل.س.۲ (نیز ل.ی.ب، و.لن.۲): بدنتان؛ متن: ل.ک (نیز ل.ق.۲، ل.۱، ک) افزوده است: چنان خسرو را د فرخنده داد + کزو بود گیتی به هر گاه شاد / در یفا چنان شاه و آن دستگاه + کز آهر مان گشت ز انسان تباه ۱۰-ق. (نیز ل.۲): سپاه ۱۱-س. ایران ۱۲-ل. (ل.۲: از ایران و نیران) ۱۳-س. (نیز ل.ی.ل.۲): چیست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-ق.بسنده ۱۵-س.۲ (نیز ل.ن.۲): برین ۱۶-ک: رهنمای ۱۷-س.ق.ل.س.۲ (نیز و.لن.۲، ل.ب): کزین؛ متن: ل.ک (نیز ل.ن.پ، ل.۱۸-ل.ب: براید؛ ل.پ: نترانم)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹-ل.۲: ز ایران؛ (ق.۲: بشاهی)؛ بنداری: و انا غیر راض بذلک، و ساقدم علیکم بعساکر الروم و الفرس، و اقلع جر ثومته و أحسم مادته، ثم أنظر من يصلح لهذا الأمر؛ ک: افزوده‌اند: چنو بوشتن نامه شد اسیری + کزید او یکی را به پیغامبری ۲۰-س.۲: پیران ز؛ (ق.۲: گردان) ۲۱-ک: سلیح و تبریزین را جامه کرد؛ ک: افزوده است: فرستاده را گفت پس در میای + به پیروز بر زود اینجا میای / چو تشریف ... (؟) یکی خامه کرد + به پیروز خسرو یکی نامه کرد ۲۲-س.۲ (نیز ل.پ): آن ۲۳-ل. (ن.ل.۲): پ.تخت؛ در ل.س.ک.ل.ق.۲، و.ب. حرف یکم بی نقطه؛ متن: ق.س.۲ (نیز ل.ی.۲): ک: که بد تازه این تخت کاویان (ل.۱): (ق.۲: سیه گشت ازو اختر کاویان)؛ بنداری: و کتب فی السالی فیروز کتابا یقول فیه: اعلم أن دولة الساسانیة قد انتهت، و معاهد أمورهم قد انحلت و هت؛ ک: ق.۲ سه بیت و و.لن.۲ تنها بیت سوم را افزوده‌اند: بنفرید ازو موبد پاک (بگوید بر موبد نیک) رای + زمانه ازیشان بپرداخت (بپرداز از شاه) جای / اگر شاه خواهند ایرانیان + جهانجوی باید که بندد میان / که این شاه بنشاندای (که او را که بنشانداند؛ کجا این نشاندای) ناسزاست + بر ایرانیان تاج و تختش بلاست ۲۵-س. (نیز ل.ی.ل.۲): تودانی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶-ل. (و.اندیشها تاختن)؛ بنداری: و لا بد من سانس مهیب یتولی الأمور، و یسوس الجمهور ۲۷-ل. مگر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۸-ک: یکی را ز؛ بنداری: فدر الآن فی اهلاک اردشیر؛ ک: ق.۲، و.لن.۲ افزوده‌اند: چو گردد سر و تاج او ناپدید + چو خواهیم شاهی توان (دگر) برگزید ۲۹-ل. (نیز ق.۲، ل.ب): از آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰-ل. (نیز ل.ی.و.لن.۲): ز آرام؛ (ل.۲: شاد و ایمن ز آرام؛ ل.ب: ایمن از سایه داران؟)؛ بنداری: و مهما فعلت ذلک فقد أدرکت جمیع أمالک

گر^۱ ایدونک^۲ این راز بیرون دهی^۳
 ۳۰ من از روم چندان سپاه آورم
 به زرفی نگه دار گفتار من!
 همی خنجر کینه را^۴ خون دهی^۵،
 که گیتی به چشمت^۶ سپاه آورم!
 مبادا که خوار آیدت کار من^۷!

چو پیروز خسرو چنان نامه دید همه^۸ پیش و پس راه^۹ بدکامه^{۱۰} دید

۱-ل^۲ (نیز لن، لن^۲)؛ و ر ۲-ل^۳ (که) ۳-ق (نیز آ)؛ نهی؛ (لن: کنی) ۴-ل: همه خنجر کینه از؛ متن = س-ب ۵-لن: کنی) (ع: لن): چشمت؛ ۶-ق^۲ پس از این بیت، دو بیت و، و لن^۲ تنها بیت دوم را افزوده اند: نباید که گردی به خیره هلاک + ز گاه بزرگان مشو سوی خاک / پشیمانی آنگه نداردت (نیایدت) سود + که شمئیر من سر به کینه درود ۷-بنداری: و أحفظ هذا السر فانک إن أطلعت علیه أهدالم تلق خیرا. وأعمل بمقتضى أمری، ولا تستصفرن شأنی. والسلام ۸-ق (نیز ق^۲): همی ۹-ک (نیز ق^۲): رای؛ (لن: کام)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-ل^۲ (نیز ق^۲: پ): خودکامه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ک، ق، و، لن^۲ افزوده اند (تصحیح به پیروی از لن^۲):

بسی کرد اندیشه در این سخن
 که این کار پیش آمدم ناگهان
 گر ایدونک این شاه گردد تباه
 چنین پاسخ آمد ز پیران بدوی
 5 چنین بد مکن تو به گفت گراز
 بکن پاسخ نامه را در خورش
 بگویش مکن راه یزدان تباه
 بیندیش از کار پرویزشاه
 چو او را فرود آوردی ز تخت
 10 دگر گشت گیتی از آنسان که بود
 چه باید که ارمیده گیتی چنین
 چو کوید درهای بد را به مشت
 نباید که این گنبد تیزگرد
 چو پیروز بشنید ازین گونه پند
 15 بنزد گراز آن بد بدنزاد
 چو آگاه شد زان سخن ها گراز
 ز پیروز خسرو برآشفقت سخت
 بفرمود لشکر که بیرون شوند
 ازین آگهی سوی پیروز رفت
 20 بنزد تخوار و مر او را بخواند
 ز کار گرازش بداد آگهی
 به پیروز خسرو ز نزد تخوار
 به خون خود و این بزرگان مکوش
 که بنوشته ام نامه ای سوی اوی
 چو پیروز خسرو چنان نامه دید 25

بزد رای با مهران کهن
 بود آشکارا بدو بر نهان
 تبه گشتن ما سزد زین گناه
 که ای پرهز مهر نامجوی
 تو درمان این کار نیکو بساز
 ازین جهل بیدار کرد آن سرش
 مکن دیو را زی دل خویش راه
 از آن ناسزاوار کار تباه
 شد از تخت شاهان به یکبار بخت
 ابی مایه شد کشور و زاد و بود
 پر آشوب گردد پر از درد و کین
 نه فزخ بود بی گنه شاه کشت
 از ایران برآرد به یکبار گرد
 نوشت او یکی نامه پندمند
 که چون او سپهد جهان را مباد
 تو گفتی کسی دل گرفتش به گاز
 هم اندر زمان او برون کرد رخت
 از آن شهر یکسر به هامون شوند
 هیونی برافکند پیروز تفت
 وزین در فراوان سخن ها براند
 وزان کینه بر تاج شاهنشهی
 چنین پاسخ آمد که ای نامدار
 سخن هر چه گوید گراز آن نبوش
 که ناید بنزدیک تو کینه جوی
 از اندیشه بد دلش بردمید

که تا چون کند بد بدان پادشاه^۲
 که گوینده^۳ مردی بُد و یادگیر^۴
 همان نیز گنجور بودی وُرا^۵
 می روشن و چرب^۶ گفتار یافت
 تنی چند با او ز برنا و پیر
 تو گفتی ز^۷ گردون برآمد سرش!
 شد ایوان او پر ز بانگ^۸ سرود
 سپهد می^۹ یکمنی^{۱۰} درکشید^{۱۱}،
 نماند ایچ رامشگر و یادگیر^{۱۲}،
 جز از^{۱۳} شاه و پیروز خسرو^{۱۴} نماند
 لب شاه بگرفت ناگه به دست

دل روشن نامور شد سیاه^۱
 وُرا خواندی هر زمان^۲ اردشیر
 ۳۵ بر آسای^۳ دستور بودی وُرا
 بیامد شب^۴ تیره گون بار یافت
 نشست به ایوان خویش^۵ اردشیر
 چو پیروز خسرو بیامد برش
 بفرمود تا برکشیدند رود
 ۴۰ چو نیمی^۶ شب تیره^۷ اندرکشید^۸
 شده مست یاران شاه اردشیر
 بدانندیش یاران او را براند
 جفایشه از پیش‌خانه^۹ بجست

۱-ل: تباه؛ متن = س-ب ۲- (ن، ل، آ، رادشاه؛ پ: زادشاه)؛ ن: چون بیندازد آن بد ز شاه؛ ل: که تا بد چگونه کند او به شاه؛ متن = س، ق، ک، س ۳- (نیز ق، آ، لی، و، ن، آ، ب)؛ بنداری: فلما وصل الکتاب الی فیروز ترک رشاده، و ملک الشیطان قیاده، و أخذ فی التدبیر علی الملک اردشیر؛ برخی از دستنویس‌ها پس از بیت ۳۳ افزوده‌اند:

ز هر برانگیخت بدخواه را (د)
 نبودی یکی روز بی‌پهلوان
 مر آن تخت از آن شاه پرداختند

ل: همی ساخت او کشتن شاه را
 همان نیز شاه اردشیر جوان
 ک: دراستاد و تدبیر آن ساختند

ک، ق، آ، و، ن، آ:

که آن چرخ فرماید (که بنماید این چرخ و)
 این اخترت (که بنوشت اختر همی بر سرت)
 ترا اندر آن کامکاری دهد

ز کار آن کنی از به (بد) و بترت (بدترت)

مگر داد یزدانت یاری دهد

۳- (ن: همیشه ورا خواندی) ۴- (پ: جوینده) ۵- ل: تنی چند با او ز برنا و پیر (= ۳۷)؛ ک این بیت را ندارد و در ق، ل ۳۴ و ۳۶ پس و پیش شده‌اند ۶- (ق: بر آسای؛ و: بر آسین؛ و: برانسان که؛ ن: آ: بدانسان که) ۷- (مرا (د)؛ ک این بیت را ندارد ۸- س: س (نیز ن، لی، ن، آ، ب: شبی؛ متن = ل، ق، ل (نیز ق، آ، ل، آ، پ، و، آ) ۹- (ق: آ، ل، آ، ب: خوب) ۱۰- ل، ق: شاه؛ (ب: خود)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ک، ل، آ این بیت را ندارند ۱۱- ل (نیز ل: آ)؛ ب؛ ک این بیت را ندارد ۱۲- س: آ (نیز لی)؛ بانگ و؛ ل: ایوان پر از بانگ رود و؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ک این بیت را ندارد؛ بنداری: فاستصحب جماعة من غلمانه ذات لیلۃ و حضر بابیه. ففتح له الطريق فدخل فوجده فی مجلس الشرب. فرحب به و أظهر السرور بحضوره، و اندفع معه فی الشرب ۱۳- س: آ: نیم از ۱۴- (ق: نیز ق، آ، ل: آ)؛ ز تیره شب ۱۵- س (نیز لی، ب: از آن تیره شب درکشید؛ ل: چو یک نیمه از تیره شب درکشید؛ متن = ل، ک (نیز ن، پ، ل) ۱۶- ق: می ۱۷- ل (نیز پ)؛ یکدمی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸- ک، س: آ: برکشید ۱۹- س، ل: آ: یادگیر (یادگیر؟ باده گیر؟)؛ (ن: بازگیر؟) ۲۰- (پ: بجز: آ: جز آن) ۲۱- (ب: کس را)؛ ل (نیز ق، آ)؛ پیروز و خسرو؛ س: آ: شاه پیروز و خسرو؛ بنداری: و قعد فیروز عنده الی أن ثمل الندماء و قاموا و خلا المجلس، و بقی هو مع اردشیر و حده؛ ک، ق، آ، و، ن، آ پس از بیت ۴۲ افزوده‌اند:

که تا چون ستاند (برآرد)
 ز خسرو روان (ز خسرو برآرد زمان)

بسی بدتن (چو پیروز) اندیشه کرد اندر آن

۲۲- ل (نیز پ، آ)؛ خسرو؛ ک: از خانه ناگه؛ متن = یازده دستنویس دیگر

همی داشت تا شد تباہ^۱ اردشیر
 همه یار پیروز خسرو بُدند^۲
 هیونی برافگند نزد گراز
 فرستاده چون شد بنزدیک اوی^۳
 بیاوردش از روم^۴ چندان سپاه
 همی تاخت^۵ چون باد تا طیسفون^۶
 ۵۰ ز لشکر نیارست دم زد^۷ کسی

همه کاخ شد بر^۸ ز شمشیر و تیر^۹
 اگر نوجهانجوی^{۱۰}، اگر گُو بُدند^{۱۱}
 یکی نامه‌ی نیز با آن^{۱۲} دراز^{۱۳}
 چو خورشید^{۱۴} شد جان تاریک^{۱۵} اوی^{۱۶}!
 که بر مور و بر پشه برست راه!
 سپاهش^{۱۷} همه دست شسته به خون!
 بُد خود در آن^{۱۸} شهر مردم^{۱۹} بسی!

۱- (ق: ۲: تا مرده شد) ۲- (ن: پر شد) ۳- س: برنا و پیر؛ (ا: که گوینده مردی بد و یادگیر = ۳۴ب)؛ بنداری: فوئب علیه و وضع یدہ علی فمه حتی طفن و مات ۴- ل: ق، ل (نیز ق: ۲، ل، پ، ن، ۲)؛ شدند: متن = س، ک، س (نیز ن، ل، و، آ، ب) ۵- ق: جهانجو ۶- (ق: ۲: ب: شدند)؛ ل: گو جهانجوی اگر نو شدند؛ بنداری: فماج الناس بعضهم فی بعض، و شهرها السیوف غیر أنهم کاتوا موافقین لفیروز فیما فعل فسکوا؛ ک افزوده است:

بشد کار چون کام او بد هجیر تهی‌گاه نو شد ز شاه‌اردشیر

۷- ق، ل (نیز ق: ۲)؛ او ۸- (ا: اگر نوجهان خواهی اکنون بناز)؛ بنداری: ولما أصبح فیروز کتب الی جراز بما فعل ۹- ل، س، ق، ل، س، ۲ (نیز ن، ل، ی، ب)؛ او؛ متن = ک (نیز ق: ۲) ۱۰- ک: خورشید ۱۱- ل، ۲: رای باریک ۱۲- ل، ک، س (نیز ن، ق، ۲، پ، ۱)؛ بیاورد از آن (ن: زان) بوم؛ متن = س، ق، ل (نیز ل، ی، ب)؛ (بیاورد)؛ ب) ۱۳- (ل: راند) ۱۴- ل، ل، ۲ (نیز ق: ۲، ل، ۲)؛ طیسفون ۱۵- (ق: ۲: سپاهی)؛ بنداری: فلما وصل الیه الکتاب أقبل فی عسکر عظیم حتی قدم طیسفون؛ ک، ق، ۲، ن، ۲ افزوده‌اند:

چو آورد او سوی ایران سپاه پذیره شدندش بزرگان به راه

۱۶- (ن: زد دم) ۱۷- ک، س (نیز ق: ۲، ل، ۲، پ، ۱)؛ بدان؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ن، ل، ی، و، ن، ۲، ب) ۱۸- (ن: لشکر؛ ق: جای لشکر)؛ ن افزوده است:

بیامد به ایران میان را بیست

ک، ق، ۲، و، ن، ۲، افزوده‌اند (تصحیح به پیروی از ن: ۲):

یکی جای بگزید خالی گراز
 چو بگشاد پیروز خسرو زبان
 که را برگزیدی به شاهنشهی
 چنین داد پاسخ نهبه گراز
 ببیند فردا یکی شاه نو
 به دانش بود مرد را آب‌روی
 سخن آن به آید که گوید خرد
 نکوتر هنر مرد را بخردی
 به کاری که زیبا نباشد کسی
 که خود را بدان خیره رسوا کند
 همه نیکویی پیشه کن تا توان
 همه مردمی باد آیین تو

نشتند با او بزرگان به راز
 چنین گفت کای نامور بهلوان
 که زبینه باشدش تاج مهی
 که چیز از بزرگان نداریم باز (راز)
 نشسته ابر گاه چون ماه نو
 به بی‌دانشی تا توانی مپوی
 چو باشد خرد رسته گردد ز بد
 ز کار جهان و ز ره ایزدی
 نباید که یاد آورد زان کسی
 اگر چند کردار والا کند
 که بر کس نماند جهان جاودان
 همه رادی و راستی دین تو

فرايين

پادشاهی فرایین^۱ پنجاه روز^۲ بود

فرایین چو تاج کیان^۳ بر نهاد
همی گفت: شاهی کتم^۷ یک زمان
به از بندگی توختن^{۱۱} شست^{۱۲} سال
پس از من^{۱۶} پسر برنشیند به گاه

همی گفت چیزی که آمدش^۴ یاد^۵
نشینم^۸ برین^۹ تخت بر^{۱۰} شادمان،
برآورده^{۱۳} لَفَج^{۱۴} و فروربرده^{۱۵} یال
نهد بر سر این^{۱۷} خسروانی کلاه

۱-ق.س.۲: فرایین که او را گراز گفتندی؛ ک: فرایین؛ ل: ۲: گراز فرایین ۲-ل: یکسال و نیم؛ ل: ۲: یکسال و دو ماه؛ متن = س.ق.س. ۲؛ بنداری، ثم ملکوا فراین فلم یبق سوی شهر و ثمانیة أيام ۳-ک: (نیز و): کبی ۴-س.ق.ک.س. ۲: (نیز لی، ل. ۳، ب): کش آمد؛ متن = ل: ۲ (نیز) ل.ق. ۲، پ. ۲) ۵-این بیت درل چنین آمده است:

فرایین چو تاج کیانی بیافت
سوی افسر شهریاران شتافت
و زان پس چو او تاج بر سر نهاد
به بیداد بنشست بر تخت داد

ع.س.ک: (نیز لی): چنین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷-س.ک.س. ۲: (نیز ل.ن.پ.آ، ب): کنی؛ متن = ل.ق. ۲: (نیز ل.ن. ۲) ۸-س.س.ک.س. ۲: (نیز ل.ن.پ.آ): نشینی؛ ل.ق. ۲: (نیز ب): نشسته؛ متن = ل: (نیز ل.ن. ۲) ۹- (ل.ن. لی: بدین) ۱۰-ک: یک؛ (ق: ۲: به تخت کیان؛ ل: ۳: ابر تخت نو)؛ و این بیت را ندارد؛ ک، ق، ۲، و، ل: ۲ افزوده اند:

که چه بهتر از شاهی و برتری
نه فرمانبری باشد و کهری

۱۱- (ل: ۳): در چنین؛ ل: ۲: کز چنین؛ آ: تو چنین) ۱۲-س.ک.س. ۲: (نیز ل. ۲، آ): شصت؛ ق: بیست ۱۳-ل: (نیز ل.ن. ۲): بر آورد؛ ک: فرو برده؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-ل.س.ک.س. ۲: (نیز ل.ن. ۲، ق. ۲، ل.ن. ۲، آ، آ): کنج (۴)؛ س (نیز لی): رنج؛ ل: ۲: (نیز آ): کفج؛ متن = ق: (نیز ل. ۳، پ. ب) ۱۵-ل: فروربرد؛ ک: بر آورده؛ ل: فروهشته؛ ل: (ن: ۲: فرود برد)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ و این بیت را ندارد؛ ک، ق، ۲، و، ل: ۲ افزوده اند:

بمانم به شاهی بسی سالیان
همه پوشش از خَز و از پرنیان

۱۶- (ل: ۳: ازین پس) ۱۷-ل: (نیز آ): آن؛ (ق: ۲: سرش)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: قال: فلما لبس التاج فرح بالسلطنة، و قال: لأن أعیش یوما واحدا علی التخت خیر من أن أعیش ستین سنة و علی أمر لأحد؛ ک، ق، ۲، و، ل: ۲ افزوده اند:

بسان پدر شهریاری شود (بود)
هر آن کو به ما شادمانی کند
که بزم دل شادمان می خوریم
که رزم بدخواه را بشکریم

فرازد سر و نامداری شود (بود)
ابر مردم او کامرانی کند

که ما را که بود از^۲ پدر تاجور^{۱۳}
جهانبان شدی، کار یکباره کن^۴
بباید^۵، نمائی تو ایدر^۷ بسی^۸
که اکنون به گیتی توی^۹ تاجور^{۱۰}،
چو با گنج باشی، نمائی^{۱۱} به رنج،
مر او را که بُد پیش ازو تاجور^{۱۲}؟
نزاید ز مادر کسی شهریار^{۱۴}!
به مهترپسر^{۱۸} گفت: خامی مکن!
سپه را سراسر به درگاه خواند^{۲۱}،
بسی خلعت ناسزاوار داد،

۵ نهانی بدو گفت مهترپسر
مباش ایمن و گنج را چاره کن!
چُن^۵ از تخمهی شهریاران کسی
و زان پس چُنین گفت کهترپسر
سزاوار^{۱۱} شاهی سپاهست و گنج
۱۰ فریدون که بود^{۱۳} آبتیش پدر
به مرد^{۱۴} و به گنج این^{۱۵} جهان را بدارا
و را خوشتر آمد بدینسان^{۱۷} سَنُحْن
عَرَض را به دیوان^{۱۹} شاهی^{۲۰} نشاند
شب تیره و^{۲۲} روز دینار داد

۱-ک: خسرو ۲-س، ک، ل، ۲، س ۳-نیز، ل، ل، ۳، و، ل، ۲، ۱: ای؛ (ب: بودی)؛ متن = ق (نیز ق ۲) ۳-ل (نیز ب): که اکنون به گیتی توی (ب: تویی) تاجور (۵ب-۸ را انداخته و از ۵ و ۸ ب یک بیت ساخته اند) ۴-ل، ب این بیت را ندارند ۵-س، ل ۲ (نیز ل-ن، ۲، ب): چو؛ متن = س ۲ (نیز ۱) عدس: بباید؛ (ن: نهاید؛ آ: نیاید؛ ب: بماند) ۷-ق: تو ایدر نمائی) ۸-ل: که اکنون به گیتی توی تاجور = ۸ب؛ ل، ب این بیت را ندارند؛ ک، و، ل، ۲ افزوده اند:

ز شاهی به دل ماند (مانده) اندوه و درد شوی زار و بیچاره و روی زرد

۹-س ۲ (نیز ل، ل، ۳، ن، ۲، ب): تویی؛ متن = ق (۲) ۱۰-ق: چاره بر؛ ل، ل، ب، آ این بیت را ندارند ۱۱-س، س ۲ (نیز ل، ل، ۲، ب): سرافراز؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز ل ۳-۱) ۱۲-ب: نباشی؛ ک این بیت را ندارد و در ل، ۲ لهای آن پس و پیش شده اند؛ بنداری: و کان له این فقال له: إن السلطنة تتعلق بالمال والعسكر، و إذا كان ذلك فقد ملكت (ع ۸ را ندارد) ۱۳-ل، س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ب، ل، ۲، ب): بد؛ متن = (ن، ق، ل، ۲، و، ۳، آ)؛ ک این بیت را ندارد؛ بنداری: فان افریدون کان ابن آبتین، و لم یرث منه التاج و التخت، و إنما ملک بالمال و العسكر؛ ل، ۲ افزوده اند:

جهان را به سه پور فرخنده داد که اندر جهان او بُد از داد شاد

۱۴-ق: بباش؛ ل، ۲، ب (داد): ۱۵-و: به گنج و به مردی) ۱۶-س (نیز آ): تاجدار؛ ب افزوده است:

زمانه ترا داد شاهشهی بزرگی و دیهیم و هم فرهی

۱۷-س: ز مرگ؛ س ۲ (نیز ل، ن): برینسان؛ (و: ز آسان؛ ن: برانسان)؛ ل: خوش نیامد بدینسان؛ (آ: خوب نامد بدینسان)؛ ک: و زان خوشتر است این بدینسان؛ متن = ق، ل ۲ (نیز ل، ب، ب) ۱۸-ق (نیز ل، ب): چنین؛ ق ۲، ل ۲ این بیت را ندارند؛ بنداری: قطاب قلبه بهذا الکلام؛ ک، ق ۲ افزوده اند:

چو فرمان مرا باشد و تاج (نام) و ننگ به فرمان من تانیاری درنگ (بنازد بدو مردم نیکبخت)

هم اکنون برواز بر بیغزود این بر شده بخت من بیغزود این فره و بخت من (به کیوان رساند سر بخت من)

ق ۲: جهان را به سه پور فرخنده داد کجا در جهان بود از داد شاد (۱۰، ۱۰، ۱۰)

۱۹-ق: بر ایوان ۲۰-ل، ن، ۲، شاهان) ۲۱-ک: به دیوان بخواند؛ در ل، ۲، و لهای این بیت پس و پیش شده اند ۲۲-ل (نیز ل): تا؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد

نماند از بهایی^۱ یکی پز نیر^۲؛
نیردی^۳ جز از شمع^۴ عنبر چراغ
چو زرین بَدی، گوهرآگین^۵ بَدی
پس شمع^{۱۲} یاران^{۱۳} فریادرس
دل مهتران پر شد^{۱۶} از کین اوی^{۱۵}]
به پالیزها، گر^{۱۸} به میدان^{۱۹} بَدی
شکست اندرآمد به آموزگار^{۲۱}
ابی داد و بی‌بخشش و^{۲۳} خورد گشت

۱۵ به دو هفته از گنج شاه‌اردشیر
هر آنکه که رفتی به می^۳ سوی باغ
همان^۶ تشت^۷ زرین و سیمین^۸ بَدی
چو هشتاد در^{۱۰} پیش و هشتاد^{۱۱} پس
[همه شب بَدی^{۱۲} خوردن آیین اوی^{۱۵}
۲۰ شب تیره همواره گردان^{۱۷} بَدی
نماندش به ایران یکی^{۲۰} دوستدار
فرابین^{۲۲} همان ناجوانمرد گشت

۱- (آ: نهانی؛ و: نماندش بهای؛ ب: نماندش نهانی) ۲- ل: آ: مرد پیر؛ بنداری؛ و امر بوضع دیوان الجیش، و استحضار الأجناد، و بَدَر فی الإعطاء، و أفاض الخلع علی من لم يستحقها من الأجناد فأفرغ خزائن أردشیر فی أسبوعین حتی لم یبق فیها ولا ریشة نشابة؛ ک، ق، و: ن: آ: افزوده‌اند:

که از بن نداند ز بیداد داد
درو جغد سالار و مهتر شود
دل زیردستان همه تیره گشت
ز بد روز و شب باشد اندر هراس
همی‌راند شاهی و دولت سپوز

جهان را چنین شاه هرگز میاد
هر آن ده که ویران و بی‌بر شود
چو آن تخت ساسانیان خیره گشت
کسی کو به نیکی بود ناسپاس
فرابین بدینسان همی چند روز

۳- ل: ۲: همی؛ س: آ: یکی ۴- س: (نیز لی، آ، ب): نبودی؛ ق: نماندی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵- ل، س، ک، ل: آ: (نیز لی، آ، ب): شمع و؛ متن = ق: س: آ: (نیز لن، ق، آ، ل، ن: ۲) ۶- س: همی؛ ق: س: آ: (نیز لن، ل، ۳، و: ب): همه؛ متن = ل: (نیز ب) ۷- س، ق، س: آ: (نیز لی، پ: ب): طشت؛ ک: (نیز لن): دشت؛ (ق: ۲: جام)؛ متن = ل، ل: آ: (نیز ل: ۳) ۸- س: سیمین و زرین ۹- ک: به پالیزها مجلس آیین ۱۰- (ق: ۲: از) ۱۱- (ق: ۲: هفتاد) ۱۲- س: (نیز لی): یکی شمع و (۹)؛ متن = ۱۳- ک: تابان ز؛ (ل: ۳: یازان؛ لن: بر شمع‌داران)؛ متن = ل: (نیز ق: آ، ب، و: لن: ۲)؛ ق: ل: ۲، س: آ، ب: این بیت را ندارند و در س با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۴- ک: به شب بود می ۱۵- س: (نیز ق: آ: ۱): او؛ متن = ک: (نیز لن) ۱۶- (ق: ۲، و: ۲: شد پر)؛ ل، ق، ل: ۲، س: آ، ب: این بیت را ندارند ۱۷- ل، ک: خندان (در ل حرف یکم بی‌نقطه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- س: س: آ: (نیز لن، ق: ۲، ل: ۲، پ، لن: ۲، ب): یا؛ (آ: و)؛ متن = ل: ۱۹- (ق: ۲: ایوان)؛ لی، و این بیت را ندارند و در ل: ۲: ت‌های آن پس و پیش شده است؛ بنداری: ثم أقبل علی الأکل و الشرب و الإسراف فیهما و فی الإنفاق و الإئتلاف بسببهما؛ ک، و: لن: ۲: سه بیت و ق: آ: بیت سوم را افزوده‌اند:

ندانست آن خیره‌سر مرد خرد
به دستار چین سر نهفته بدی
پر آشوب و پر درد کشور همه
۲۰- (ق: آ: کسی)؛ ک: (نیز لن، پ، لن: ۲): از ایران کسی (ک: یکی)؛ س، ق، ل: ۲، س: آ: (نیز لی، ل: ۲، ب): نماند اندر ایران کسی (ل: ۲: کش)؛ (و: آ: نماندند از ایران کسی)؛ متن = ل: ۲۱- س: س: آ: (نیز لن: ب): بدان روزگار؛ متن = ل: ک، ق: آ: افزوده‌اند:
ز دستش نهاده به سر بر دو دست

جزاز خفت و خیز و جزاز داد و خورد (خورد و برد)
ز می مست و همواره خفته بدی
دل آزرده زو گشت لشکر همه
۲۰- (ق: آ: کسی)؛ ک: (نیز لن، پ، لن: ۲): از ایران کسی (ک: یکی)؛ س، ق، ل: ۲، س: آ: (نیز لی، ل: ۲، ب): نماند اندر ایران کسی (ل: ۲: کش)؛ (و: آ: نماندند از ایران کسی)؛ متن = ل: ۲۱- س: س: آ: (نیز لن: ب): بدان روزگار؛ متن = ل: ک، ق: آ: افزوده‌اند:
به مردم شده زندگانی کبست
(ق: ۲: جهانی ز بیداد او گشت پست)

۲۲- ک، س: آ: (نیز ب: آ): فرابین ۲۳- ک: بی‌دین و بی؛ س: آ: (نیز لن، ل: ۳، لن: ۲): بی‌بخش و بی؛ (آ: ابی‌بخشش و داد و بی)؛ متن = ل، س، ق: ل: ۲: (نیز ق: ۲، لی، پ، و: ب، ک، ق: ۲، و: لن: ۲: افزوده‌اند:
چنان زفت شد سفله و تنگدل
که بودی درفش ز دیوار گل

جهان را به دینار بفروختی
از آن پس^۳ برآفت بر وی^۴ سپاه
جهانی همه^۶ مرگ او خواستند
سخن‌ها همی گفت چندی^{۱۰} به راز^{۱۱}،
که آن مهتران^{۱۴} را بدو بود^{۱۵} فخر،
شد این^{۱۷} روزگار فرابین^{۱۸} گران!
چرا شد چنین مغز و دلتان تَنگ؟!
جگر پر ز خون شد، بیاید بزشک^{۲۰}!
که چون کس نماند از در پیشگاه،
که پردازدی^{۲۳} دل بدین^{۲۴} بدنژاد^{۲۵}!

همی^۱ زَر بر^۲ چشم بردوختی
همی ریخت خونِ سِر بی‌گناه
۲۵ به دشنام لب‌ها بیاراستند^۵
شب^۷ تیره هرمز^۸ شهران‌گراز^۹
گزیده سواری ز^{۱۲} شهر سطر^{۱۳}
به ایرانیان گفت کای^{۱۶} مهتران
همی دارد او مهتران^{۱۹} را سبک
۳۰ همه دیده‌ها زو شده پر سرشک
چنین داد پاسخ مر او را^{۲۱} سپاه
نه کس را همی آید از رشک^{۲۲} یاد

۱- (ب: همه) ۲- (نیز لی، ب): روز بر؛ ل^۲ (نیز ق: ۲): روی بر؛ (ل: ۳: زرش را)؛ متن = ل، ق-س^۲ (نیز لن، ق: ۲، ب، و، آ) ۳- (لی: بدو بر)
۴- س، ق، ک، ۲ (نیز لن، لی، ن، آ، ب): روزی؛ ل^۲ (نیز ق: ۲): روی؛ متن = ل (نیز ل: ۲، ب، و)؛ ق: ۲ افزوده است:
از آن خیره‌سر مرد بی‌داد و دین
ز بی دانشی نیستش رای و هوش
همی هر زمانی برآید به جوش
همی (نیز ب): برآراستند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ع-س-ل^۲ (نیز لی، آ، ب): همی؛ متن = ل، س^۲ (نیز ق: ۲، ل-ن: ۲)؛ بنداری:
تغییرت علیه القلوب؛ ک، ق: ۲، و، ن^۲ افزوده‌اند:

نهانی به یک جای گرد آمدند
ابر کار او داستانها زند
۷- (ن، ب، ن: ۲: شبی) ۸- (لی: فرمود) ۹- ق: نواز؛ (ق: ۲: مهتران گراز؛ ل: ۳: شمران گراز) ۱۰- ل: چندان؛ (ل: ۳: آن شب)؛ متن = سیزده
دستنویس دیگر ۱۱- (ق: ۲: سخن‌های او گفت چندی دراز) ۱۲- س (نیز لی): به؛ (ق: نیز و): سواران ز؛ (ق: ۲: سپاهی ز)؛ ل: گزین بد
سواری ز؛ متن = ک، ل، ۲، س^۲ (نیز لن، ل، ۳، ب، ن، آ، ب) ۱۳- ل، ق، ک، ۱ (نیز لی): صطر^{۱۴} (و: که آزادگان) ۱۵- س^۲ (نیز ل: ۱، ۲): بدان بود؛
ک: که از مهتران بد بدو نیز ۱۶- (ق: نیز لن): ای ۱۷- (لی، ل: ۳: آن) ۱۸- ک (نیز ب، آ): قرابین ۱۹- (ق: ۲: آن مهر او)؛ ک، ق: ۲، و، ن^۲ افزوده‌اند:
بتابید یکباره از داد اوی
ازین پادشاهی شده (بشد) رنگ و بوی
کسی را بنزدیک او نیست آب
ازو گشت ایران چو پَر غراب (بی آب و خراب)
۲۰- س: همی زوز رشک؛ ل^۲: بد بند از بزشک؛ ک: دل هر کسی زو بجوید بزشک؛ (ن، ق: ۲، ل: ۳: آ: جگر بر (ب: می) نجوشد یکی (آ:
کسی) راه (ق: ۲، ب: ز) رشک (ل: ۳: بزشک)؛ لی: جگر برخروشد همی روز رشک؛ متن = ل، ق، س، ۲، ب، این بیت را نندارد؛ بنداری: فقال
بعض أمراء اصطر لقراد ایران: إن أمر هذا الرجل قد قل علی قلبنا، فانه يستخف بالأکابر و لا یلتفت الی الأمثال، فلا تسکتوا عنه؛
ک، ق: ۲، و، ن^۲ افزوده‌اند:

نه ساسانی و نه ز تخم کیان
چرا پیش او بست باید میان
همانا که دلتان ز بر بریرید
و یا زهره شد در شکم ناپدید
۲۱- (ب: بدو آن) ۲۲- س (نیز لی، ب): شرم؛ (آ: سیل؟)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳- س، س^۲ (نیز لن، ق: ۲، لی، ب): بر داری؛ متن = ل،
ق، ل^۲ (نیز ل: ۳، ن: ۲) ۲۴- (ن: ازین؛ ق: ۲: لب برین) ۲۵- ک: بپردازدی مرد نام و نژاد؛ بنداری: فقالوا: إنه لما تبدلت السلطنة لم یبق فی
قلب أحد غیرة حتی یقتل هذا الدعی الخبیث الأصل؛ ک، ق: ۲، و، ن^۲ افزوده‌اند:

به رای تو گشتم همداستان
بگو هر چه دانی تو از داستان
کزین شاه دیوانه تیزمغز
نه گفتار نیکو نه کردار نغز (و، ن: ۲ نداوند)
چگونه رهانیم ایران‌زمین
که بروی مبادا به داد آفرین (و، ن: ۲ ندارند)

بدیشان^۱ چنين گفت شهران گراز^۲
 گر ايدونک بر^۳ من نسايزد^۴ بد
 ۳۵ هم اکنون به نيروی يزدان پاک
 چنين يافت پاسخ از^۵ ايرانيان
 همه لشکر امروز يار تويم^{۱۱}!
 چو بشنيد ازيشان^{۱۲} ز ترکش بجست^{۱۳}
 برانگيخت از جای اسپ سياه
 ۴۰ کمان را به بازو همی درکشيد^{۱۵}
 به شورش گری^{۱۸} تير^{۱۹} بازه^{۲۰} بيست^{۲۱}
 بزد تير ناگاه بر^{۲۵} پشت اوی^{۲۶}
 همی^{۲۸} تير تا پَر در^{۲۹} خون گذشت^{۳۰}
 که اين کار از^۳ ايرانيان شد دراز!
 کنيد آنک از زادمردی^۶ سزد،
 مر^۷ او را ز تخت اندرآرم^۸ به خاک!
 که بر تو مبادا که آيد زيان^{۱۰}!
 گرت زين بد آيد، حصار تويم^{۱۱}!
 يکی تير پولا دييگان نخست^{۱۴}،
 همی داشت لشکر مر او را نگاه،
 گهی در بر^{۱۶} و گاه بر سر^{۱۷} کشيد،
 چو^{۲۲} شد غرق^{۲۳} پيکانش، بگشاد^{۲۴} شست،
 بيفتاد تازانه^{۲۷} از مشت اوی^{۲۶}!
 سر آهن از^{۳۱} ناف بيرون گذشت^{۳۲}!

۱- (ق: ۲، بريشان) ۲- نواز؛ (ق: ۲، مهران گراز؛ ل: ۳، شمران گراز) ۳- ل، ک، ۲- ل (نيز ق: ۲، پ، ل، ۲، ۱): <از> متن = س، ق، س، ۲ (نيز ل، ل، ۲، و، ب)؛ ک، ق، ۲ افزوده‌اند:

بين تا چه آيد به ايرانيان
 چه بايد که درمان اين من کنم
 همانا که اين آرزوی شما
 ز دشمن چه آيد به تخم کيان
 بکوشم که رنج از شما بفکنم
 سرآرم من اين گفت‌وگوی شما

۴- (ق: ۲، آ، با) ۵- س (نيز ل): نشايد ز: ع-ل داد و گردی؛ س، ق (نيز ل): رادمردان؛ (ل، ن): رادمردی؛ ب: زادمردان؛ ک: آنچه از رادمردی؛ (ل: ۳، آن کز آزادمردان؛ آ: آن کز آزادمردی)؛ متن = ل، ۲، س، ۲ (نيز ق: ۲، ب، و) ۷- س، ق، ک، س، ۲ (نيز ل، ن، پ، ل، ۲، آ، ب)؛ من؛ متن = ل، ل، ۲ (نيز و) ۸- ل: ز باره درآرم؛ متن = س-ب؛ بنداری: فقال جراز: إن وافقتوني في الأمر ولا تمدوا إلي يدا الشر، ولا تتجنبا طريق الحرية نكته اليوم من التخت ۹- ل (نيز ق: ۲، و، ل، ۲)؛ ز؛ متن = يازده دستنويس ديگر ۱۰- (ل، آ، ب: زمان) ۱۱- ل، س، س، ۲ (نيز ل، ن، ق، ۲، ل، پ-ا): توایم؛ ق، ل، ۲ (نيز ل، آ، ب): توایم؛ ک: توایم؛ بنداری: فقالوا: نحن كلنا معك. وحاشا أن نمسك بسوء، ونقصك بمكروه؛ ک، ق، و، ل، ۲ افزوده‌اند: چو بشنيد اين گرد خسرو پرست + همی جست بر شاه بی‌مايه دست / يکی روز آراست آن شهر يار + شد از شهر بيرون ز بهر شکار / ابا او ز ايرانيان لشکری + هر آنکس که مه بود يا کهنتری / بدانگه که زی شهر گشتند باز + نگه کرد ناباک شهران گراز ۱۲- ل: زيشان؛ ک (نيز و، ل، ن): بدان شاه شوم و؛ (ق: ۲، بران نامور او)؛ متن = ده دستنويس ديگر ۱۳- ق: نخست ۱۴- ق: پيکان پولاد جست؛ بنداری: فأخرج نشابة عليها نصل من الفولاذ ۱۵- ل، ۲، ل، ۱۶- ل (نيز و، و، بر؛ ک: در سر؛ ل: ۲، بر در؛ متن = يازده دستنويس ديگر ۱۷- س، س، ۲ (نيز ق: ۲، پ، ل، ۱): در سر؛ ک: در بر؛ متن = ل، ق، ل، ۲ (نيز ل، ن، ل، و، ل، آ، ب) ۱۸- (ل: ۲، سور گری؟) ۱۹- در ل، و، ب، بی نقطه؛ س (نيز ل، ۳): تيز؛ ک، س، ۲ (نيز ل، ن، ل، و، ل، آ): تيز؛ (ق: ۲، کزو تير و)؛ متن = (پ) ۲۰- در ل، س، آ، ب، بی نقطه؛ س، ۲ (نيز ل، ن، ق، ۲، بازو؛ ق: ۲، ل، بی، باره؛ و، بارو)؛ متن = (پ) ۲۱- ل، ۲، کمان رابه زه کرد و بيوست شست ۲۲- (ب: ککه) ۲۳- ق: (نيز ل، ن، ق، ۲)؛ غرقه ۲۴- ک: آمد به؛ ق اين بيت را نداد؛ بنداری: وقد حضروا مع الملك في الميدان، فأخذ يترق في قوسه تارة من اليمين وتارة من الشمال ۲۵- (ل، ن: ابر؛ ل: ۳، در) ۲۶- ل، س، ق (نيز ل، ل، آ، ب)؛ او؛ متن = ک، ل، ۲، س، ۲ (نيز ل، ن، ق، ۲، و، ل، آ، ب)؛ همه) ۲۹- س، ۲؛ ل: تا پَر پَر از؛ (و: تا ناف در؛ ل: چو آن تيرش از پشت در)؛ متن = يازده دستنويس ديگر ۳۰- ق: کشيد؛ ک (نيز ل، ل، آ): نشست ۳۱- ل: سر تير تا؛ س؛ که پيکانش از؛ ل: به پيراهن از؛ متن = دوازده دستنويس ديگر ۳۲- ق: جهيد؛ ک (نيز ل، ن): نشست؛ آ: کشيد؛ بنداری: فسدد في أثناء ذلك يده نحو الملك فوضعها في وسط ظهره حتى خرج نصلها مع روحه من صدره؛ ل افزوده است:

ز باره درافتاد سر سرنگون
 بپيچيد و برزد يکی باد سرد
 روان گشت زان زخم او جوی خون
 به زاری بران خاک دل پر ز درد

سپه^۱ تیغ‌ها برکشیدند پاک
 همه شب همی خنجر انداختند
 ۴۵ همی این از آن بستدی، وان^۳ از این
 پراکنده گشت آن سپاه بزرگ
 برآمد شب تیره از دشت خاک!
 یکی^۲ از دگر باز نشناختند!
 یکی یافت^۴ نفرین، دگر^۵ آفرین!
 چو میشان بددل که بینند^۶ گرگ!
 ندیدند از آن^۸ نامداران^۹ کسی
 بجستند فرزند^۷ شاهان بسی

۱-ب: همه) ۲-ل: همی ۳-ک: نیز ب، ۱: بستد و آن؛ س، ل: (نیز ق، ۲، لی، و، ن، ۲، ب): بستدی آن؛ ۳: بستدی این از آن؛ متن = س (نیز ن) ۴-ک: (نیز ۱): گفت ۵-و: به از؛ ق این بیت را ندارد؛ ک، ق، ۲، لی، و، ن، ۲ افزوده‌اند:
 چو پیدا شد آن مطرد (مطرف، دیبه، چادر) زرد رنگ
 بی خسته بود بسی (ز لشکر بسی کشته و) کوفته
 ع:ق: بدیدند؛ ل: ۲: گریزان ز؛ س: ۲: گزیدند؛ (ن: ببینند)؛ س (نیز لی): که دیدند دیدار؛ (ق: ۲: که یابند ناگاه؛ ب: که دیدند از دور)؛ متن = ل، ک (نیز ل-۲)؛ بنداری: قنار الأجناد فی الميدان، و سلوا الأسیاف یضرب بعضهم بعضاً الی أن تفرقوا؛ ل افزوده است:
 چو خورشید تابنده بنمود روی
 برآسود از لشکر جنگجوی
 س-س-۲، ق، ۲، لی، و، ن، ۲، ب افزوده‌اند:

فرآوان بماندند بی شهریار
 نیامد کسی تاج را خواستار
 ل، ن، ل، ۲، ب، آ، بنداری این بیت را ندارند ۷-ل: (فرزانه) ۸-ل: (نیز لی): زان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹-ق، ل: ۲: تاجداران؛
 بنداری: قال: فطلبوا من یملکونه (من أولاد الملوک) فلم یجدوا أحدا؛ ک، ق، ۲، لی، ۱۵ تا ۱۸ بیت، و، ن، ۲ دهم تا پانزدهم را افزوده‌اند
 (تصحیح به پیروی از ق ۲):

نیدند اگر بود پنهان شدند
 چو از تخم شاهان بریدند امید
 بنزدیک موبد شدند آن مهان
 که ما را بگو چاره اندرین
 5 بدیشان چنین پاسخ آورد پیر
 چگونه بود زندگی در برش
 چو تن بود لشکر، چو سر شهریار
 ازین پس هر آنکو زند داستان
 مجوئید بر چرخ گردنده کین
 10 بکن کار گیتی به یزدان یله
 دگر هر چه باشد بیاید پدید
 اگر هست دانا گل افشان کند
 و گر چرخ ازین کار آگاه نیست
 همه نیک و بد را فریبده دان
 15 ترا نز پی این جهان آفرید
 سرانجام بنگر که جایب کجاست
 پراکنده هر سو نگیان شدند
 نیامد به شاهی کسی را نوید
 بگفتند با او سخن در نهان
 که بی پادشا گشت ایران زمین
 که شد بختشان تیره از هور و تیر
 تنی را کزو دور باشد سرش
 چو شد سر ز تن، بر نیاید بکار
 به شاهی شمائید همداستان
 که نفرین شودتان همه آفرین
 نشایدت کردن ز گردون گله
 چنان گردد او کایزدش آفرید
 ز باغ گل افشان بیابان کند
 سوی کینه او ترا راه نیست
 خداوند دانا و بیننده دان
 ز چرخ روان مر ترا برگزید
 که گر ایمنی خواهی و راه راست

بوران دخت

پادشاهی بوران دخت^۱ شش ماه^۲ بود

-چو زن شاه شد، کارها گشت خام!-
 بزرگان برو گوهر افشاندند
 نخواهم پراگندن انجمن!
 توانگر^۸ کنم، تا نماند به^۹ رنج!
 که از درد او بر من آید گزند!
 بر آیین شاهان کنم گاه^{۱۲} را!

یکی دختری بود بوران^۳ به نام
 بران^۴ تخت شاهش بنشانند
 چنین گفت پس دخت^۵ بوران^۶ که من
 کسی^۷ را که درویش باشد ز گنج
 ۵ مبادا ز^{۱۰} گیتی کسی مستمند^{۱۱}
 ز کشور کنم دور بدخواه را!

نشانی ز پیروز خسرو بچست بیاورد ناگاه^{۱۳} مردی درست

۱-ل، ق، ک، س، آ (نیز ل-ن، آ، و-ب): توران دخت؛ در پ حرف یکم بی نقطه؛ ل، آ: توران؛ متن = س ۲-ل: یکسال؛ متن = س-ب؛ بنداری:
 ثم ملکوا بوران بنت کسری ابرویز. و کانت ولايتها ستة أشهر ۳-ل، ق، ک، ل، آ (نیز ل-ن، آ، و-ب): توران؛ حرف یکم در س، آ بی نقطه؛
 متن = س (نیز پ)؛ بنداری: و کانت لبرویز بنت تسمی بوران فملکوها ۴-ل: (بی: بدان)؛ ک، ق، آ، بی افزوده‌اند: به ایران هر آنکس که بد
 نامدار + برفتند نزدیک این کامکار ۵-س (نیز ل، ل، آ): شاه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۶-ل، ق، س، آ (نیز ل-ن، آ، و-ب):
 توران؛ در س، و حرف یکم بی نقطه؛ متن = (پ)؛ (ق: آ: توران از آن پس)؛ بنداری: و لما لبست التاج و تسمنت التخت و عدت الحاضرين
 بأنها تسیر فیهم بأحسن سیرة و أعدل طریقة ۷-آ: (من او) ۸-س (نیز ل: ن): تونگر ۹-آ: (تا ندارند) ۱۰-ق (آ، و، آ: به) ۱۱-ل: (ن:
 دردمند) ۱۲-ق (آ، آ: راه)؛ بنداری: فنشروا علیها الجواهر، و أظهروا البشائر؛ ک، ق، آ چهار بیت، و، و، ل، ن آ بیت‌های سوم چهارم را افزوده‌اند:

ز ایران بیزم پی بی‌رهان چنان چون بود رسم و ساز مهان
 سخن بشنوم از لب بخردان نیچم ز آیین و راه ردان
 بدان را ز بد دست کوتاه کنم سوی داد و نیکی همه ره کنم
 به دردم من از کشته شاه اردشیر نمانم به گیش بدخواه دیر (کم چند بدخواه را دل به تیر)

۱۳-س، ق، س، آ (نیز ل، ل، و، ل، ن، آ، ب): بی‌گاه؛ ک: یکباره؛ (ق: آ: بیگانه؛ آ: بدخواه)؛ متن = ل، ل، آ (نیز ل، آ، ب)؛ بنداری: ثم انھا تبعت فیروز
 قاتل اردشیر، و ارسدت له حتی قبضت علیه؛ ک، ق، آ، و، ل، ن، آ افزوده‌اند: که نزد گزاست بی‌درد و غم + نشسته شب و روز با (بی) دل دژم

خبر شد^۱ بنزدیک بوران^۲ رسید ز لشکر بسی^۳ نامور برگزید

۱-ک: چو خسرو ۲-ق، ۳-ب، ۴-نیز ۵-نیز ۶-نیز ۷-نیز ۸-نیز ۹-نیز ۱۰-نیز ۱۱-نیز ۱۲-نیز ۱۳-نیز ۱۴-نیز ۱۵-نیز ۱۶-نیز ۱۷-نیز ۱۸-نیز ۱۹-نیز ۲۰-نیز ۲۱-نیز ۲۲-نیز ۲۳-نیز ۲۴-نیز ۲۵-نیز ۲۶-نیز ۲۷-نیز ۲۸-نیز ۲۹-نیز ۳۰-نیز ۳۱-نیز ۳۲-نیز ۳۳-نیز ۳۴-نیز ۳۵-نیز ۳۶-نیز ۳۷-نیز ۳۸-نیز ۳۹-نیز ۴۰-نیز ۴۱-نیز ۴۲-نیز ۴۳-نیز ۴۴-نیز ۴۵-نیز ۴۶-نیز ۴۷-نیز ۴۸-نیز ۴۹-نیز ۵۰-نیز ۵۱-نیز ۵۲-نیز ۵۳-نیز ۵۴-نیز ۵۵-نیز ۵۶-نیز ۵۷-نیز ۵۸-نیز ۵۹-نیز ۶۰-نیز ۶۱-نیز ۶۲-نیز ۶۳-نیز ۶۴-نیز ۶۵-نیز ۶۶-نیز ۶۷-نیز ۶۸-نیز ۶۹-نیز ۷۰-نیز ۷۱-نیز ۷۲-نیز ۷۳-نیز ۷۴-نیز ۷۵-نیز ۷۶-نیز ۷۷-نیز ۷۸-نیز ۷۹-نیز ۸۰-نیز ۸۱-نیز ۸۲-نیز ۸۳-نیز ۸۴-نیز ۸۵-نیز ۸۶-نیز ۸۷-نیز ۸۸-نیز ۸۹-نیز ۹۰-نیز ۹۱-نیز ۹۲-نیز ۹۳-نیز ۹۴-نیز ۹۵-نیز ۹۶-نیز ۹۷-نیز ۹۸-نیز ۹۹-نیز ۱۰۰-نیز

بیستند پایش به بند استوار

فرستاد و او را گرفتند خوار

ک، ق، ۲، و، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰

که پیروز بودی گه کارزار
ابا ترگ رومی و برگستان
شد آن لشکر گشن آراسته
بسی پند و اندرزا دادشان
بنزد من آردشان بسته زار
به پیش سپاهش سپاه آورید
سر نیزه از کشته در خون کشید
ز کینه همی بی درود آمدند
تو گفתי ببودند با هم گروه
جهان شد ز گرد سپه آبنوس
گرفته یکی تیغ هندی به چنگ
همه گوشها کز دلها به رنج
نبد با سواران همی هوش و رای
شکست او همه میره یکسره
فراوان ز لشکر نمودند پشت
یکی جوشن مهتر آرای خواست
نموده دلیری به بالای برز
درآمد بکردار آذرگشسب
نیامد برو زخم نیزه فراز
گراز بداندیش نامهربان
سپهدار درد از دلیری بخورد
که تا ناف بیرید تیره تنش
سپاهش هزیمت گرفتند ساز
سران را به خاک و به خون درنهد
که از کشته هر سو نهان گشت راه
چه خسته به تیغ و چه خسته به تیر
سپهدار ز پیکار بیزار شد
به ایوان توران ز راه آمدند
ابر تاج او آفرین گسترید
دل آزار مرد جگرسوز را

کجا نام او بهمن نامدار
بدو داد توران سپاهی گران
بپرداخت گنجی پر از خواسته
بنزدیک ایشان فرستادشان
که گر کشته گر زنده آن دو سوار
چو بهمن سپه را به راه آورید
سپاهی چو دریا به هامون کشید
برابر به کینه فرود آمدند
از آن سوی دریا وزین سوی کوه
ز هر دو سپه خاست آوای کوس
چو آن دید بهمن برون شد به چنگ
شد از بانگ روین و آوای سنج
همان از تف کشید و از تنگ جای
برد میمنه جمله با میسره
ازیشان سواران فراوان بکشت
گراز آن چنان دید بالای خواست
نهاد به گردن یکی لخت گرز
چو بهمن بدیدش برانگیخت اسب
یکی نیزه زد بر میان گراز
ز باد اندر آورد گرز گران
فرو کوفت بر کتف بهمن ز درد
یکی تیغ زد بر سر و گردنش
چو شد کشته بر دست بهمن گراز
به لشکر چنین گفت بهمن: دهید
فکندند چندان بدان رزمگاه
ازیشان فراوان گرفتند اسیر
چو پیروز خسرو گرفتار شد
از آن جایگه نزد شاه آمدند
چو بهمن سر و تاج او را بدید
بنزدیک او برد پیروز را

بدو گفت کای بدتن^۲ کینه جوی^۳،
چنان چون بود در خور^۵ ناسزا^۴!
چنان چون بود درخور رهنمون^۷!
به زین اندرون نوز ناگشته^{۱۰} راست
فگنده به گردن درون^{۱۳} پالهنگ
به میدان کشید آن خداوند کین،
به فتراک بر گرد کرده کمند،
زمان تا زمانش برانداختی^{۱۹}،
بران^{۲۱} کزه بر بود چند^{۲۲} آفرین،
همی رفت خون^{۲۵} از برش^{۲۶} نرم نرم،
چرا جویی از کار بیداد داد؟!

نجست^{۲۹} از بر خاک باد^{۳۰} سپهرا
بند^{۳۳} ناگهان کز پرگار اوی^{۳۲}!

ببردند پیروز را پیش اوی^۱
ز کاری^۴ که کردی بیابی جزا
مکافات یابی ز کرده کنون
از^۸ آخر همانگه یکی^۹ کزه خواست
بیستش بران^{۱۱} باره بر همچو^{۱۲} سنگ
چُن آن^{۱۴} کزه تیز^{۱۵} نادیده^{۱۶} زین
سواران به میدان فرستاد چند
که تا^{۱۷} کزه او را^{۱۸} همی تاختی
زدی هر زمان خویشتن بر^{۲۰} زمین
چنین تا برو^{۲۳} بر بدرید^{۲۴} چرم
سرانجام جانش^{۲۷} به خواری بداد؛

همی داشت این زن^{۲۸} جهان را به مهر
چو شش ماه بگذشت بر^{۳۱} کار اوی^{۳۲}

۱-ق (نیز آ): او؛ ک (نیز ق ۲، و، ن ۲): چو پیروز را شاه نوید روی ۲-ل (آ: بدل) ۳-ق (نیز آ): چاره جو؛ ل این بیت را ندارد؛ ک افزوده است:

سگانت همانا که دادند شیر به جایت چه بدر کرده بدارد شیر

۴-ل کرده ۵-پ: مردم) ۶-س، ق، ل، ۲، س (نیز لی، ب): پادشا؛ متن = ل، ک (نیز ن، ق، ل، ۳، ا) ۷-س: بدقنون؛ ق، ک، س (نیز ن، ب، ب): سرنگون (؟)؛ ل، ن، آ: برانم زگردن ترا (ل: ز جان تو من) جوی خون؛ متن = (لی، ق، ل، ن، ق): ل، و، آ این بیت را ندارند و در ق با پس و پیشی لت ها پس از ۱۳ آمده است ۸-ل، ل، س، ل، ۲، س (نیز ن، ق، ل، بی، و، ب): ز؛ متن = ک (نیز ل، پ) ۹-س، ل، ۲ (نیز لی، ب): همانگاه یک؛ (ق، ل، ن، ۲): همانگه ز آخر یکی؛ متن = ل، ک، س (نیز ن، ل، ۲، پ، و، ا) ۱۰-ل: نیز نابوده (بی نقطه)؛ س: رام ناگشته؛ ک، ل (نیز آ): بود ناگشته؛ (ن: کام ناکرده؛ ل، ۳، ن، ۲: نیز ناگشته؛ پ: نوز نابوده؛ و: نیز ناکرده؛ متن = س (نیز ن، ق، ل، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۱-ق: ابر؛ (لی: بدان) ۱۲-س، س، ۲ (نیز ن، ل، و، ب): اسب بی زین چو؛ (پ: اسب بر همچو)؛ متن = ل ۱۳-س، ک (نیز لی): درش؛ ق: برش؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-ل، ق (نیز ن، ل، ۳، ا): چنان؛ س، ک، ل (نیز ق، ل، بی، و، ب): چو آن؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵-ل: تند؛ متن = س، ب ۱۶-ل (ناکرده) ۱۷-ق، ک، ل، ۲ (نیز ق، ل، ۲، آ): با؛ متن = ده دستنویس دیگر (در س بی نقطه) ۱۸-ک: کزه وی ۱۹-ل (نیز ق، آ): بینداختی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-س، ل، ۲ (نیز لی، ب): خویشتن هر زمان بر؛ (ق: هر زمانش به روی)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱-لی: بدان) ۲۲-ق (آ: چند بود؛ و، ن، آ: خوانده بود؛ ا: چند باد)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-ل، ک (نیز لی): بدو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۴-ن (در بندند) ۲۵-ک: همی خون براند ۲۶-س (نیز ن، ل، ۲، پ، ن، آ): تنش؛ متن = ل، س، ک، ل (نیز ق، ل، بی، و، ب)؛ ق، آ این بیت را ندارند ۲۷-س (نیز لی، و، ن، آ): جان را؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فأمرت به فکفت و ربط بهر بریض، و أمرت غلمانها فعلاً المهر فی الميدان حتی تطایرت أشلاؤه، و تفرقت أجزاؤه؛ ک، ق، ل، و، ن، آ افزوده اند:

بجز (جز از) بد نباشد مکافات بد چنین از ره داد دادن (یزدان) سزد

۲۸-س، ق، ل، ۲ (نیز ل، ۳، ن، ۲، ب): آن زن؛ (ق: توران)؛ متن = ل، ک، س (نیز ن، ل، پ، ا) ۲۹-د، ل، ک حرف یکم بی نقطه؛ ل، ۲: نخست؛ س (نیز ل، ۳، ن، ۲، ب): بجست؛ متن = (ن، ل، ق، ل، بی، و، ب) ۳۰-س، آ: سال (؟)؛ لی این بیت را ندارد؛ بنداری: و بقت ترعی الرعیة و تحسن السیرة ۳۱-پ: از) ۳۲-ل، ل، س، ل، ۲، س (نیز ل، ل، ۲، و، ب): او؛ متن = ک (نیز ن، ق، ل، پ) ۳۳-ن (آ: بشد)؛ ق این بیت را ندارد

به یک هفته بیمار گشت^۱ و بمرد
چُنین ست آیین چرخِ روان
ابا خویشان نام نیکی ببرد!
توانا به هر کار و ما ناتوان!^۲

۱-س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، لی، پ، لن، ۲، ا، ب): بود؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز ق، ۲، ل، و)؛ بنداری: فلما انقضت من ولایتها سته أشهر مرضت و ماتت
۲-ک، ق، نه بیت و و، لن، آ شش بیت افزوده‌اند (تصحیح به پیروی از ق^۲):

چه درویش باشی چه مرد درم	5	چه افزون بود زندگانی چه کم
چه بر کام دل کامکاری بود		چه از آرزو تن به خواری بود
اگر مرد رنجی اگر مرد گنج		نه گنجت بود جاودانه نه رنج
چه صد سال شادی بود چه هزار		چه شست و چه سی و چه ده یا چهار
چو گشت اسپری روزگارش یکیست		گر افزون بود سال اگر اندکیست
ترا یار کردارها باد و بس		که باشد دو گیتی فریادرس
پله کن ز گنج این سنجی سرای		که پرمایه‌تر زین ترا هست جای
به آموختن گر بیندی میان		به دانش شوی بر سپهر روان
نداری سپهر روان را به چیز		برآری ز خورشید و از مه قفیز

آزرم دخت

پادشاهی آرم دخت چهار ماه بود

یکی دخت دیگر بُد^۲ آرم نام
 بیامد^۶ به تخت کیان^۷ برنشست
 نخستین چنین گفت کای^۹ بخردان
 همه کار بر داد و آیین کنیم^{۱۱}
 ۵ هر آنکس که باشد مرا دوستدار^{۱۲}
 کسی کو ز پیمان^{۱۵} من^{۱۶} بگذرد
 ز^۳ تاج بزرگان^۴ رسیده به کام^۵،
 گرفت این جهان^۸ جهان را به دست
 جهان دیده^{۱۰} و کار کرده ردان،
 کزین پس همه خشت بالین کنیم^{۱۱}!
 چنانم مر^{۱۳} او را که^{۱۴} پروردگار!
 بیچند ز آیین و راه^{۱۷} خرد،

۱-ل: شش ماه؛ متن = س-ب؛ بنداری؛ ثم ملکوا آرم دخت بنت کسری ابرویز ایضا. و کانت ولايتها اربعة أشهر ۲-س (نیز لی، ب):
 دختری داشت؛ ق، ک (نیز لن، ل^۲): دختری بود؛ ل، ۲، س (نیز ق، ل، ۲، پ، و، ا): دختری دیگر؛ متن = ل ۳-س ۲: به ۴-س، ل (نیز لی،
 ل، ۲، و): بزرگی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-س (نیز لن، لی، ب): بد او (لن: بدو) شادکام؛ ق، ک، س (نیز ق، ل، ۲، ا): شاد او (و: شده)
 شادکام؛ متن = ل، ل، ۲؛ ک افزوده است:

کجا دختر از تخم لهراسب بود سپهبد ... (سفید مانده) بود

۶- (لن: برآمد) ۷-س (نیز لی، و، ب): کبی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸- (و: جهنده)؛ س: او همی این؛ (لی: گرفتش همی این)؛
 متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- (لن: ای) ۱۰-ل: گشته؛ متن = س-ب ۱۱-س (نیز لی، ب): کنیدی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛
 بنداری: قال صاحب الكتاب: فملکت بعد أخذها. و لما لبست التاج و جلست علی التخت قالت: إنا نضع أمورنا علی قواعد العدل، و
 نبني أحوالنا علی قوانین السداد ۱۲-ک: نامدار؛ (ل: دوستدار) ۱۳-س، ق، ل (نیز لن، لی، ب-پ): من؛ متن = ل، ک، س (نیز ل ۲) ۱۴-ل،
 ق-س (نیز لن، ل، ۲، پ، ا): چو؛ متن = س (نیز لی، و، لن، ا، ب)؛ ق ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: و کل من أحبنا أحسننا إليه؛ ک، و، لن ۲ افزوده اند:

مر او را به دینار یاری کنم گنه گر کند بردباری کنم

۱۵- (ل: تیمار) ۱۶-ق، ک (نیز ق، ل، و، لن، ا): ما؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-س ۲: راه و؛ ل: آیین و راه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ک
 افزوده است:

ز بنده به پیش برآرم هلاک ز دهقان و تازی کنم جای پاک

به زنده^۱ تنش را^۲ برآرم به دار
 ز دهقان و^۳ تازی و رومی‌شمار!^۴

همی بود بر تخت بر^۵ چار ماه
 از^۶ آزرم گیتی بی‌آزرم^۷ گشت!
 ۱۰ شد او نیز و آن تخت بی‌شاه ماند^{۱۰}
 همه^{۱۱} کار گردنده چرخ^{۱۲} این بود:

به پنجم شکست اندر آمد به گاه!
 به رفتن پی اخترش^۸ نرم^۹ گشت!
 به کام دلی مرد بدخواه ماند^{۱۰}!
 ز پرورده‌ی خویش پرکین بود!

۱-ل (نیز پ): چو زنده؛ س: آ: که زنده؛ (لن، ل): به خواری؛ ق: آ، و، ل: آ: بریده؛ آ: ز زنده؛ متن = س، ق (نیز لی، ب) ۲- (ق: ل، آ: سرش را)؛ ک: تن زنده او؛ ل: آ: تنش را بزنده ۳- ل، س، ق، ل: آ (نیز لی، ل، و، آ، ب): جوع؛ متن = ک، س: آ (نیز لن، ق، آ، پ، ل، ن: آ) ۴- (و: سوار؛ آ: نژاد؛ ب: روزی شمار)؛ بنداری: و کل من لوی رأسه عن طاعتنا قتلناه کائنا من کان؛ ک، ق: آ، و، ل: آ افزوده‌اند:

همه شهر ایران ازو شادمان
 ز دادش بخورد آب با میش گرگ
 بزرگان برو آفرین خواندند (ورا آفرین خوان شدند)
 ز ترک و ز روم و ز هند و ز چین

همانند اندر ایران یکی بدگمان
 به شاهی بید چون قباد بزرگ
 همه کشور (سه کشور مر) او را به فرمان شدند
 مر او را بدی هدیه و آفرین

۵- (ق: آ) (تا) ع، س، ق، ل: آ (نیز لن، ق، ل، آ، ب، آ، ب): ز؛ س: آ: وز؛ (لن: آ: زرا)؛ متن = ل، ک (نیز و) ۷- (ب: پر آزرم) ۸- ل (نیز ل: آ: بی (ل: آ: به پی) اختر رفتش؛ ک، س: آ (نیز لن، ق، آ، پ، آ): بی رفتن اخترش؛ متن = س، ق، ل: آ (نیز ب) ۹- (و: گرم)؛ لی این بیت را ندارد؛ بنداری: فبیت تنهی و تأمر الی تمام أربعة أشهر من ولایتها فقصت نجیها ولحقت صحبها ۱۰- (لن، ل: آ: شد؛ آ: گشت) ۱۱- س، س: آ (نیز لی، آ، ب): همان؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۲- (ل: آ: دهر)؛ ق افزوده است:

ز یکدست بستد به دیگر بداد
 جهان را چنین است ساز و نهاد

ک، ق: آ، و، ل: آ افزوده‌اند:

ورا بر جهان کامگاری دهد
 نه (که) گردون به کام دل پادشاست (و، لن: آ ندارند)
 همانست کاول ترا بود نرخ
 گر آن شهر یاری بود پایدار
 چنین است آیین چرخ دژم

که را دولت و بخت یاری دهد
 چو گم کرده‌ای باز یابد روست
 نه کاهد نه افزایش از بخش چرخ
 چه نیکو بود داده شهریار
 ق: آ: نه زافزون فریاد نه کاهد ز غم

فرّخ زاد

پادشاهی فرخزاد یک‌ماه^۱ بود^۲

ز جهرم فرخزاد را خواندند
 جو بر تخت بنشست و^۴ کرد آفرین
 منم - گفت - فرزند شاهانشان^۷
 به^{۱۱} گیتی هر آنکس که جوید گزند
 هم^{۱۳} آنکس که جوید به دل^{۱۴} راستی

۵

بران^۳ تخت شاهی بنشانند
 ز^۵ نیکی دهش^۶ بر جهان آفرین،
 نخوانم جز از^۸ ایمنی^۹ در جهان^{۱۰}!
 چو من شاه باشم^{۱۲}، نگرود بلند!
 نیارد به کار^{۱۵} اندرون کاستی،

۱- (پ: یکماه و شش روز) ۲- ل: پادشاهی یزدگرد آخر ملوک عجم سی سال (ل: بنداری: ثم ملک فرخزاد. و کانت ولایته شهرا
 ۳- ک (نیز لن، پ: بدان؛ در لن این بیت با بیت سببین پس و پیش شده است ۴- ق، ل، ۲، س (نیز ق ۲، ل، ۲، و-ب): جو-؛ (پ: شاهیش)؛
 س: چو بنشست بر تخت؛ متن = ل، ک (نیز لن) ه-ق، ل، ۲، س (نیز پ، ب): به؛ متن = ل، س، ک (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، و، لن، ۲، آ) ع-س: گمان؛
 (پ: جهش)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ لن این بیت را ندارد؛ بنداری: و هو من ولد برویز. و کان عند مقتله هرب إلى حصن بناحیه
 نصیین یقال له حصن الحجارة. فجاءوا به و توجوه. فملک بعد آرم دخت، و اعتصب بتاج الملک ۷- ل، س، ک (نیز لن-ب):
 شاهنشاهان؛ ق، ل: شاه جهان؛ متن = س ۲ ۸- ق (نیز لن، ق، ۲، ل، پ، آ): بجز؛ متن = ل، س، ک، ل، ۲، س (نیز ل ۳، و، لن، ۲، ب) ۹- (آ: نیکوی)
 ۱۰- ق: نهان؛ ک افزوده است:

نه بد نیک باشد نه کمتر فزون اگر بخش شاهست اگر بخش دون

۱۱- ل، ک (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، آ): ز (۲)؛ متن = س، ق، ل، ۲، س (نیز ب) ۱۲- س (نیز ب): گشتم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ لن این بیت را
 ندارد ۱۳- س، ل (نیز لن، پ، لن، ۲، آ، ب): هر؛ متن = ل (نیز و) ۱۴- ک: در؛ (آ: دلش؛ ل: کوبید در) ۱۵- (لن: به داد)؛ س، ق (نیز لن، ب):
 ندارد به داد؛ ل: ندارد به کار؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲، ل، ۲، آ)؛ س ۲ این بیت را ندارد

بدارمش چون جانِ پاک^۱ ارجمند نجویم ابر^۲ بی‌گزندان گزند!

چو یک ماه بگذشت بر تخت^۳ او^۴ به خاک اندر آمد سر^۵ بخت^۶ او^۴!
همین^۷ بودش^۸ از روز^۹ آرام بهر؛ یکی بنده با می^{۱۰} برآمیخت زهر،
بخورد و یکی^{۱۱} هفته زان پس بزیست^{۱۲} هر آنکس که بشنید بر وی^{۱۳} گریست!

۱- (ل: ۲) پاک جان) ۲- ل، س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لی-ب): نجویم بر؛ متن = ق (نیز لن، ق؟)؛ س-س، ۲، ق، ۲، لی، لن، ۲، ب افزوده‌اند (ق بیت پنجم، ل، ۲ دوم و پنجم، لی یکم و سوم و پنجم را ندارند؛ ل، لن، ل، ۲، پ، و، آهیچک از این بیت‌ها را ندارند؛ تصحیح به پیروی از س):

کسی کو بود از بی ما به رنج	مکافات آن رنج بخشیم گنج
همه دوستان را گرمی کنیم (کنم)	مهان را به هر جای نامی کنیم (کنم)
بدان را کنم پست سوی (زیر، روی) زمین	چو توبه کند زو نگیریم (چو بیزار گردد نگویم به) کین
همه زبردستان در امن مانند	اگر دوستدارند اگر دشمنند
5 به رزم آن سپه کهتران مند	چو بزم بود مهتران مند
سپه خواند یکسر برو آفرین	که بی تو مبادا زمان و زمین (کلاه و نگین)

۳- ق، س، ۲: بخت؛ در س، ک، ل، ۲، و حرف یکم بی نقطه ۴- ل، س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لی، ل، ۲، و، آ، ب): او؛ متن = ک (نیز لن، ق، ۲، پ) هـ-ل، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، ۲): سرو؛ متن = س، ک (نیز لن، لی، و، آ، ب) ع-ک، س، ۲: تخت؛ در ل، س، ل، ۲، و، آ حرف یکم بی نقطه؛ لن، ۲ این بیت را ندارد؛ س-س، ۲، ق، ۲، لی، و، لن، ۲، ب افزوده‌اند (ل، لن، ل، ۲، پ، آ، بنداری این بیت‌ها را ندارند؛ تصحیح به پیروی از س):

یکی بنده بودش چو سرو سهی	ابا خوبی و زیب و با فرهی (ل، ۲ ندارد)
سپه چشم بُد نام آن بدهنر	که چون وی میاراد گیتی دگر
یکی پرستارش به دل دوست گشت	که ناگاه روزی برو برگذشت (ق ندارد)
برین بر پرستار پیغام کرد	که با من گر آیی به یکجای گرد (ق ندارد)
5 بیایی ز من بی‌کران خواسته	به گوهر کنم تاجت آراسته (ق ندارد)
پرستار بشنید و پاسخ نداد	ببزد فرخ‌زاد این کرد یاد (ق ندارد)
چو بشنید این شاه پرتاب شد	ز اندوه بی‌خورد و بی‌خواب شد (ق، و ندارند)
سپه‌چشم را بند بر پای کرد	به زندان درون مر او را جای کرد (ق، ۲، و ندارند)
چو بگذشت چندی بدان بدهنر	که بسته بدش آن شه دادگر (ق، ۲، و ندارند)
10 ازو شاه برداشت بند گران	چو بسیار گشتند خواهشگران (ق، ۲، و ندارند)
دگر باره زی خدمت شاه شد	از او شاه را عمر کوتاه شد (ق، ۲ ندارد)
همی‌جست از کینه بر شاه جای	چنان بدکنش بنده زشت‌رای

۷- (لن: چنین؛ ل، ۲، و، لن، ۲، ب: همی؛ پ: هنر؛ متن = ل-س، ۲ (نیز ق، ۲، لی، آ) ۸- ک: بود؛ (و: برد) ۹- ل، ق (نیز و): روز و؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل، ۲، همی بود او را ز ۱۰- ل: در می؛ س، ک، س، ۲ (نیز ق، ۲، لی، لن، ۲، پ): سپه‌چشم با می؛ ق، ل، ۲: سپه‌چشم نامی؛ (و: ز ناگاه با می)؛ متن = (لن، ل، ۲، پ، آ) ۱۱- س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لی-ب): به یک؛ (ق: ۲: بخورد او و یک)؛ متن = ل، ق (نیز لن) ۱۲- (ل، ل، ۲: نزیست) ۱۳- س-س، ۲ (نیز لن، ل، ۲، و، ب): مرگش؛ (لی: بهر ش)؛ متن = ل (نیز ق، ۲، پ): بنداری؛ و بقی شهران من الزمان ثم سقی سما فعاش سبعة أيام

و مات

۱۰ همی^۱ پادشاهی به پایان رسید ز هر سو همی دشمن آمد پدید!

چُنین ست کردار گردنده دهر
بخور هرج^۳ داری^۴، به فردا مپای
ستاند ز تو، دیگری را دهد
بخور هرج^۷ داری، فزونی بده!
۱۵ هر آنکه که روز تو اندرگذشت
نهاد همه^۹ باد گردد به دشت!

چو بگذشت ازو^{۱۰}، شاه شد یزدگرد
به ماه سپندارمذ^{۱۱} روزِ اِرد^{۱۲}

۱- (ق ۲، ل ۲: همان؛ ب: همه؛ آ: همین)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ س-س ۲، ق ۲، ل ۱، و، ل ۲، ب افزوده اند (ل، ل ۲، پ، آ، بنداری این بیت‌ها را ندارند):

نگونار شد بخت (ل ۲، ل ۱، و: تخت) ساسانیان
چه سود از دلیری ایرانیان (ک، و، ل ۲: از آن زشت کردار

ایرانیان (ک: تورانیان)؛ ق ۲: از آن زشت بدخواه ایرانیان)

همی گشت هر کس به هر سو بسی

ک: نذیندند از تخم شاهان کسی

۲- (آ: زهر)؛ در ل این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۳- س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل ۲، ق ۲، ل ۲، ب): هر چه؛ متن = ل، ق ۴- (ل ۲: یابی) هل (نیز و): آیدت؛ (ل ۲: دیگرش آید!)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۶- (ب: دگر کس کلاه کیی برنهد؛ آ: اگر مهتری کهنتری را دهد)؛ ل این بیت را ندارد ۷- س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل ۲، پ، ل ۲، آ، ب): هر چه؛ (و: آنچه)؛ متن = ل، ق ۸- (ق ۲: بخش)؛ ک افزوده است:

نگه کن ببین تا به فرجام چیست
که یک روز بر تو بیاید گریست

۹- (ل ۲: همی)؛ س-س ۲، ل ۱، ب افزوده اند:

بخور (س، س ۲، ل ۱: بده) تا روانت نباشد به رنج

به دشمن رسد آنچه بودت (س، س ۲، ل ۱: باشد) به گنج

ل، ل ۲، ق ۲، آ این بیت را ندارند؛ ل ۲ سه بیت، ک، ق ۲ دوم و سوم و سوم را افزوده اند:

جز از خاک ما این ندارند بهر

نگه کن که چندین بزرگان دهر

ببایست گردد همه کاسته

پس آن به که چون روز شد خواسته

چو بخشی روانت بنیرو شود

ز خوردن ترا نام نیکو شود

۱۰- ل: زو؛ (ل ۲: او)؛ ک: چنو بگذرد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱- ل، ک، س ۲ (نیز ل، ل ۱، و-ب): سفندارمذ؛ ل ۲: سفید از بد (ل)؛ متن = (ق ۲، پ) ۱۲- در ک، ل ۲ به زیر یکم

یزدگردِ شهریار

پادشاهی یزدگرد^۱ بیست سال^۲ بود

چه گفت آن سخن‌گوی مرد دلیر^۳
 که کاجی^۴ نژادی مرا مادرم
 به پرگار تنگ و میان دو گوی
 نه روز بزرگی، نه روز نیاز
 ۵ زمانه ز ما نیست چون بنگری
 بیارای خوان و بیبمای^{۱۲} جام
 اگر چرخ گردان کشد زین تو
 دلت را به تیمار چندین^{۱۵} میندا!

چو^۴ از گردش روز برگشت سیر^۵،
 نگشتی^۷ سپهر بلند از برم^۸!
 چه گویم که جز^۹ خامشی نیست روی!
 نماند همی بر کسی بر دراز^{۱۰}!
 ندارد کسی آلت^{۱۱} داوری!
 ز تیمار گیتی مبر هیچ^{۱۳} نام!
 سرانجام خشتست^{۱۴} بالین تو!
 بس ایمن مشو بر سپهر بلند^{۱۶}،

۱-س (نیز ق^۲، و): یزدگرد شهریاری؛ ق، ک (نیز پ، ل، ن، ۲): یزدگرد (ک: یزدجرد) شهریار آخر ملوک عجم ۲-ل، ۲: پانزده؛ س^۳ (نیز ل، ۳): سی؛ (ق^۴: چهارده؛ پ: شانزده؛ ل، ن، ۲: سی و شش)؛ متن = س، ق (نیز ل، ن، ل، و، پ)؛ ل: آغاز داستان (!)؛ بنداری: ذکر توبه یزدجرد بن شهریار بن کسری ابرویز. و هو آخر ملوک العجم. و کانت مدّة ولايته عشرین سنة؛ آیت‌های ۲۴۵-۲۳۰ و ۴۶۳-۴۷۶، ل، آیت‌های ۳۲۶-۳۰۰ و ۷۲۶-۷۱۶، ق بیت‌های ۳۹۶-۳۸۸ و ۷۱۶-۷۲۵، ل، آیت‌های ۸۰۰-۸۴۴ را ندارند ۳- (ل، ن، ۲، آ: دبیر) ۴-س، س-۲ (نیز ل، ن، ب): که؛ متن = ل ۵-ک: شیر ۶-ل، س، ل، ۲، س^۷ (نیز ل، ن، ب): باری؛ متن = ق، ک ۷-ک: بگشتی ۸-ل، ۲، س، آ: سرم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹-ل: جزا؛ ق: به از؛ ک (نیز آ): بجز؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل، این بیت را ندارد ۱۰-ق^{۱۱}: افزوده است:

به دولت نماز و ز محنت مثال
 نه شادی بماند نه اندوه و غم
 به هر گونه بگذرد روزگار
 که این هر دو را زود باشد زوال
 نه بیداد ماند نه داد و ستم
 تو تخم بدی تا توانی مکار

۱۱- (ق^{۱۲}: برین (بدین) مایه با او ممکن) ۱۲-ق: بیارای ۱۳- (ل، ۲، ل، ایچ) ۱۴-ل (نیز آ): خاکست؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ س، ل، ۲، ل، بیای این بیت، ق، س، ۲، ب، پس از این بیت و ک، ق، ۲، ل، ن، ۲، پس از بیت ۱۲ افزوده‌اند (ل، ن، ل، ن، ۳، پ، و، آ این بیت را ندارند):
 اگر شاه گردی سرانجام چه
 نه (به) آغاز مرگست (ملکست) فرجام چه
 ۱۵-س، آ: چندی؛ (ق^{۱۶}: بیشی) ۱۶- (آ: در سرای گزند)

که^۱ با پیل و با شیر بازی کند!^۲
 ۱۰ تو بی‌جان شوی، او بماند دراز
 تو از آفریدون^۶ فزون‌تر^۷ نه‌یی،
 [چو جمشید دیوت به فرمان نبود،
 به ژرفی نگه کن که با یزدگرد

چنان دان که^۳ از بی‌نیازی کند!^۴
 درازست گفتار^۴، چندین مسازم
 چو پرویز با تخت و افسر نه‌یی،
 چو کاوس جایث گزُزمان^۸ نبود،
 چه کرد این برافراخته هفت‌گرد!^۹

آغاز داستان^{۱۰}

چو بر خسروی‌گاه^{۱۱} بنشست^{۱۲} شاد
 ۱۵ چُنین گفت کز دور^{۱۴} چرخ روان^{۱۵}
 پدر بر پدر پادشاهی مراست!
 بزرگی دهم هرک^{۱۸} کهتر^{۱۹} بود
 بجویم^{۲۲} بزرگی^{۲۳} و فرزاتگی
 که بر کس نماند همی روز و بخت^{۲۷}

کلاه بزرگی^{۱۳} به سر بر نهاد،
 منم پاک‌فرزند^{۱۶} نوشین‌روان!
 خور و^{۱۶} خوشه و برج^{۱۷} ماهی مراست!
 نیازم آنرا^{۲۰} که مهتر^{۲۱} بود!
 همان^{۲۴} رزم و تندی^{۲۵} و مردانگی^{۲۶}!
 نه گنج و نه دیهیم شاهی، نه تخت!

۱-س-۳ (نیز لن، لی-ب): چو؛ متن = ل (نیز ق ۲) ۲-ل (۳: کنی) ۳-س (نیز و، ب): دانک؛ (ل: ۳: ز تیزی و)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴-س-۳ (نیز لن-ب): حدیثی (و: حدیث) درازست؛ متن = ل ۵-ل، س، ق، ل، آ، س (نیز لی، ب): مناز (در ل، س حرف دوم بی‌نقطه)؛ متن = ک (نیز لن، ق، ل، آ، آ) ۶-ل (۲: ل، ز جم و فریدون) ۷-ل (۳: تو برتر)؛ لی این بیت را ندارد ۸-س: جانت به پژمان؛ ک: جانت به پیمان؛ (لی: جانت به نیران؛ ب: جانت به گردون)؛ متن = ق، ل، آ، س (نیز ق، ل، آ)؛ ل، لن، ل، آ، ب، و، آ این بیت را ندارند ۹-س افزوده است:

کون گر کند مغرم اندیشه گرد بگویم جهان جستن یزدگرد

ق، ل^۲ افزوده‌اند:

نبیره جهاندار پرویزشاه بخستند و بر تخت بنشاندند
 خداوند تیغ و نگین و کلاه به شاهی برو آفرین خواندند

بنداری ۱۳-۱ را ندارد ۱۰-ل: رزم رستم با سعد و قاس (!)؛ متن = س، ل (نیز لن، ق، آ، ب، و، آ، ب) ۱۱-ق-س (نیز لن، ق، ل، آ، ب، و، لن، آ، ب): تخت؛ س (نیز ب): چو خسرو ابر (ب: بر) تخت؛ متن = ل (نیز ب) ۱۲-ل (لی: بشد یزدگرد اندر آن تخت) ۱۳-ل: بلندی؛ متن = س-ب ۱۴-ل (آ: داد) ۱۵-ل: آ زمان ۱۶-ل (ن: جدو؛ ب: زبر)؛ متن = ۱۷-ق: چرخ؛ ک، س (نیز لن، آ، ب): چرخ و؛ (ل، آ، و، لن، آ، ماه و)؛ س: ز افلاک تا گاو و؛ (لی: زبر دین تا گاو و)؛ متن = ل، ل (نیز ق، آ، ب)؛ در کلمات‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ بنداری: و لما تسنم یزدگرد سریر الملک، و لبس تاج السلطنة، و حضرته الأمراء و الأكابر و الأعیان و الأمائل قال: أنا الولد الطاهر الذی ورثت هذا الملک کابرا عن کابر ۱۸-س-۳ (نیز لن-ب): هرکه؛ متن = ل ۱۹-ق: مهتر ۲۰-ب: او را) ۲۱-ق: کهتر؛ لی این بیت را ندارد؛ بنداری: و ساجذب بأعضاء الأصاغر، و أزید فی مراتب الأكابر ۲۲-س (نیز لن-ل، و): نجویم؛ در ل، ق-س، آ، ب، حرف یکم بی‌نقطه؛ متن = (پ، آ) ۲۳-س، ق، ل، آ، س (نیز لی، پ، لن، آ، ب): بلندی؛ متن = ل، ک (نیز لن، ق، ل، آ، و، آ) ۲۴-س: همه ۲۵-ل (نیز لن، ق، آ): رزم تندی (در ل واژه دوم بی‌نقطه)؛ ک: رزم بندی (؟)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶-ق: دیوانگی؛ در ل، ق، س، آ، ل، آ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۷-ک: روز تخت؛ ل (نیز ب، لن، آ، ب): روز بخت (در ل حرف‌های یکم و سوم و چهارم بی‌نقطه)؛ (و، آ: تاج و تخت)؛ متن = ل، س، ق، س، آ (نیز لن، ق، ل، آ)؛ لی این بیت را ندارد

۲۰ همی^۱ نام جاوید باید^۲، نه کام
[ز نامست تا جاودان زنده مرد
]چه نیکو بود شاه را داد و دین
[بر آنم که تا زنده ماند تنم
بینداز^۳ کام و برافراز نام^۴
که مرده شود کالبد زیر گرد^۵]
ز نامش^۶ زبانها پر از آفرین!
بر^۷ و بیخ بد از جهان برکنم!^۸

برین^۸ گونه^۹ تا سال شد^{۱۰} بر دو هشت^{۱۱}
۲۵ عمر^{۱۲} سعد و وقاص را با سپاه
چُن^{۱۳} آگاه شد زان^{۱۴} سخن یزدگرد
همی ماه و خورشید بر سر^{۱۲} گذشت^{۱۳}،
فرستاد تا جنگ^{۱۵} جوید ز شاه
ز هر سو سپاه اندر آورد گرد

۱- (ب: همان) ۲- ل. ۲، س. ۲ (نیز: ل. ۱، و. آ. ب.)؛ ماند؛ (ل: خواهم ز گیتی)؛ ق: نام باید که ماند؛ در س این لت در زیر تصویر رفته؛ متن = ل. ک (نیز ق: ۲، ب: ل. ۲) ۳- ل. ۲، ل. ۲: برانداز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴- ق: نام و برافراز کام (پساوند ندارد)؛ بنداری: و أتجنب فیکم العتو و الطغیان، و لا أوتر إلا العدل و الإحسان. فانه لایبقی للملوک سوی ذکر جمیل هو لالانسان عمر ثان ۵- ل. ۵، ق. ۱، ل. ۲، ب. آ این بیت را ندارند؛ س. ل. ۲، ب. آ افزوده اند:

بزرگان بر او (همی) آفرین خواندند
س. ب. افزوده اند: نبیره جهاندار پرویزشاه
ع. س. زمامها (؟)، ل. ۱، ل. ۲، ب. آ این بیت را ندارند؛ بنداری: و ما أحسن حلیة العدل و الدین علی نحو السلاطین ۷- ک: بن: ل. ۱، ل. ۱، ل. ۲، ب. آ این بیت را ندارند؛ بنداری: و رأیی فیکم أن أفرغ و سعی فی قلع شأفة الشر، و أقصر جهدی علی إحياء معالم الحق ۸- (ق: ۲، ل. ۱، بدین) ۹- ل. ۹: گفته؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- ق: بد ۱۱- (ق: ۲، هفت) ۱۲- ک: خورشید برتر ۱۳- (ق: ۲) همه آرزو روز بر شاه رفت؛ ل. ۳ این بیت را ندارد؛ س. ق. ک (پس از ۲۵ پ)، ل. ۲، س. ۲، ل. ۱، ب. آ افزوده اند (بیت دوم تنها در ک، س. ۲):

چنان بد کجا سرفراز عرب
که بد شمع دین و چراغ بهشت
که از تیغ او روز گشتی چو شب
که در کشور او مرد بی دین نهشت
عمر آنک بد مومنان را امیر
ستوده ورا خالق بی نظیر

بنداری: قال: فبقی ینهی و یأمر، و یریم و ینقض، و یورد و یصدر حتی أتت علی ملکه ستة عشر عاما فأذن بناء الدولة الساسانية بالانقضاء، و تسلطت من المسلمین علی قواعد ملکهم أیدی الانتقاض و حینئذ امتلاً صاع ملوک العجم و استعلت الأتوار الإسلامية ففرحت تلك الظلم ۱۴- س. ق. ۲، ل. ۲ (نیز ل. ۱، ب: ک: بن: ل. ۱، و. آ. ب.)؛ ک: بن: ل. ۱، و. آ. ب. آ این بیت را ندارند؛ بنداری: فنقد أمير المؤمنین عمر بن الخطاب رضوان الله علیه سعد بن أبی وقاص رضی الله عنه لقتالهم؛ س. س. ۲، ق. ۲، ل. ۱، و. آ. ب. آ افزوده اند (ل. ۱، ل. ۲، ب. آ این بیتها را ندارند):

که بخت عرب بر عجم چیره (عجم از عرب خیره) شد
پر آمد ز شاهان جهان را (جهان راز شاهان) قفیز
همه زشت شد خوب و شد خوب زشت
دگرگونه شد چرخ گردان به چهر
5 به داد جهاندار ما کردگار
با راز (رای) او بنده را پای (رای) نیست

۱۶- ل. ۱، س. ۲ (نیز ل. ۱، ل. ۲، ب: ک: بن: ل. ۱، و. آ. ب.)؛ چو؛ متن = (T) ۱۷- (ل: زین)؛ ک، س. ۲ افزوده اند:
سپاهی بشد همچو کوهی گران
بدمست نیبران روشن روان

بفرمود تا پور هر مزد راه^۱
 که رستم بدش نام و بیدار بود
 ستاره شُمر بود و بسیار هوش^۵
 ۳۰ برفت و گرانمایگان را ببرد^۶
 برین^۸ گونه تا ماه^۹ بگذشت سی
 بدانست رستم شمار^{۱۲} سپهر
 بیماید و برکشد با^۲ سپاه^۳
 خردمند و گرد و جهاندار^۴ بود
 به گفتار موبد نهاده دو گوش
 هر آنکس که بودند بیدار^۷ و گرد
 همی^{۱۰} رزم جستند بر^{۱۱} قادسی
 ستاره شُمر بود و^{۱۳} با داد و مهر

۱-س، ق، ل^۲ (نیز لن، ق^۲، لی، لن، آ، ا): شاه؛ س^۲: هر مز براه؛ متن = ل، ک (نیز ل^۲، پ، و) ۲-س (نیز لی، ب): برگشاید؛ (لن: برگزیند)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳-ا: سپه سازد و برگشاید براه) ۴-ق: سپه راز دشمن نگهدار؛ س این بیت را ندارد ه-ق: آ: گوش؛ س، ب این بیت را ندارند؛ ل پس از این بیت افزوده است (این بیت‌ها در چهارده دستنویس دیگر و ترجمهٔ بنداری نیست):

چو آگاه شد زان سخن پهلوان	بیامد بر شاه روشن‌روان
زمین را ببوسید و بردش نماز	همی‌بود پیشش زمانی دراز
یکی آفرین خواند بر شهریار	که ای از کیان جهان یادگار
که داری تن پیل و چنگال شیر	نهنگ دمان اندر آری به زیر
5 سر سرکشان را به هنگام جنگ	بیزی، چو تو تیغ گیری به چنگ
شنیدم که از تازیان بی‌شمار	سپاهی همه رخ بگردار قار
بدین مرز ما رزمخواه آمدند	اگر چند بی گنج و شاه آمدند
سپهدارشان سعد و قاص نام	که جویای گاهست و جویای کام
درفش بزرگی و گنج و سپاه	ترا دادم ای پهلو نیکخواه
10 سپه را بیارای و بر ساز جنگ	نباید که گیری زمانی درنگ
از ایدر چو رفتی چنین جنگجوی	سپه را چو روی اندر آید به روی
تو خود را نگهدار از آن تازیان	به هر کار بنگر به سود و زیان
بدو گفت رستم که من بنده‌ام	به پیش تو اندر پرستنده‌ام
بیزم سر دشمن شاه راه	به بند آورم جان بدخواه را
15 زمین را ببوسید و آمد به در	همه شب همی‌بود پرکینه سر
چو خورشید تابنده بنمود روی	بیامد دمان رستم کینه‌جوی

ع-ل: بخواند (ل) ۷-ک (نیز لن، ق^۲): بیدار بودند ۸-س (نیز لن، لی): بدین؛ (ب: بدان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹-و: روز) ۱۰-س (نیز لی، ب): همه؛ ل: بسی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱-ک (نیز لن، ق^۲): در؛ (ق: آ: با؛ و: آ: کردند بر)؛ ل^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما بلغ ذلک یزدجرد جمع عساکر کثیرة خذلهم التوفیق، فجعلهم تحت رایة رستم الذی سبق ذکره، وکان بهلوانا شجاعا و فارسا مقداما، فجهزه بهم الی القادسیة حین وصلت الیها عساکر الإسلام؛ ل افزوده است:

شب و روز آویزش و جنگ بود دل رستم نامور تنگ بود

ک، س، ق، و، لن، آ افزوده‌اند:

بسی کشته شد لشکر از هر دو سوی
 همی چاره تازیان کم شناخت
 سپه یک ز دیگر نبرگاشت روی
 اگر چند در جنگ او (وی) سر فراخت

بنداری: قالفتوا هنا لک و جرت بینهم رقعة عظيمة... و كانت الحرب بینهم أولا سجالا فقتل من الجانبین خلق کثیر. ثم ظهرت الغلبة الاسلامیة ۱۲-ک: ندانست رستم که گردان ۱۳-ل-ل^۲ (نیز ب): ج-و؛ متن = س^۲ (نیز لن، ق^۲، لی، و-ب)؛ ل^۲ این بیت را ندارد

۱ همةٔ بودنی‌ها بی‌نیم^۲ همی
 به^۴ ایرانیان زار و^۵ گریان شدم^۶
 ۴۵ دریغ این^۸ سرو تاج و این داد^۹ و تخت^{۱۰}!
 کزین^{۱۳} پس^{۱۴} شکست آید^{۱۵} از تازیان
 برین^{۱۶} سالیان چارصد بگذرد
 ازیشان فرستاده آمد به من
 که^{۲۰} از قادسی^{۲۱} تا لب رودبار
 ۵۰ و^{۲۳} برکشایند^{۲۴} راه
 بدان تا خریم و فروشیم^{۲۵} چیز
 پذیریم ما ساو و باژ^{۲۷} گران
 شهنشه را نیز فرمان بریم
 چنّین ست گفتار و کردار نیست!
 ۵۵ برین^{۳۱} نیز جنگی^{۳۲} بود هر زمان
 و زو^۳ خامشی برگزینم همی!
 ز ساسانیان نیز^۷ بریان شدم^۶!
 دریغ این^۸ بزرگی و این^۹ و بخت^{۱۰}!
 ستاره نگرده مگر بر زیان!
 کزین تخمه گیتی کسی نسپرد^{۱۷}!
 سخن رفت^{۱۸} هر گونه بر انجمن^{۱۹}،
 زمین را ببخشیم با^{۲۲} شهریار
 به شهری کجا هست بازارگاه،
 و^{۲۶} زان^{۲۶} پس فزونی نجویم نیز،
 نجویم^{۲۸} دیهیم گنداوران!
 گر از ما بخواهد گروگان بریم^{۲۹}!
 جز از گردش کز^{۳۰} پرگار نیست!
 که کشته شود صد هیزبر^{۳۳} دمان!

۱-س (نیز لب): همی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲- (ق: ۲، نینیم) ۳- ل (نیز لن): وزان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ و
 الأولى أن أوثر السكوت وأفوض الأمری مالک الملک والملکوت؛ س، ۲، ق، ۲، و، لن، ۲ افزوده‌اند:
 چو آگاه گشتم ازین راز چرخ
 ۴- ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، پ، و، لن، ۲): بر؛ متن = ل، س (نیز لی، ل، ۲، آ، ب) ۵- (پ، لن، ۲: حوج) ع:ک: شدیم ۷- (ل: ۳، سخت): ق این بیت
 را ندارد ۸- س، ل، ۲ (نیز ق، ۲، پ، و، لن، ۲): آن؛ س، ۲ (نیز آ): آن ... این ... آن ... این ... آن؛ متن = ل، ق، ک (نیز لن، ۲) ۹- (ل: ۳):
 گاه؛ آ: فز؛ س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، ۲، پ، و، لن، ۲): اورنگ؛ ک: داد و این تاج؛ (لن: کار و این تاج)؛ متن = ل (نیز و، لن، ۲) ۱۰- (پ: تخت و داد)
 ۱۱- ک (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، آ): آ؛ و آیین؛ متن = ل، س، ل، ۲، س، ۲ (نیز لی، پ، و، لن، ۲، ب) ۱۲- (پ: بزاد): در ق پس از ۱۱۷ آمده ۱۳- ل: ازین ۱۴- (ل: ۳):
 که بر ما ۱۵- (ل: ۲، آمد): ک، س، ۲، ق، ۲، ل، ۲، و، لن، ۲، آ، افزوده‌اند:
 شود تیره این تاج (برج) ساسانیان
 ۱۶- س (نیز لی، پ): بدین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷- ل (نیز آ): نشمرد؛ (لن: به کس نشمرد؛ پ: به کس نگردد)؛ متن = یازده
 دستنویس دیگر ۱۸- ل (نیز لن، ۲): گفت؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹- (لن: ۲، انجمن؛ آ: از خویشتن)؛ بنداری؛ و قال فی کتابه: و
 إن الرسل تختلف بیننا و بینهم؛ در ویس از ۴۸، بیت‌های ۸۸-۱۱۵ آمده‌اند ۲۰- (لن: گر) ۲۱- (لن: پ: پارسی) ۲۲- (لی، و، آ: بر) ۲۳- س،
 س، ۲ (نیز لی، پ): پس کجا؛ ق، ل، ۲: جا کجا؛ ک: سه کجا؛ (ق: ۲، ل، ۲: پس یکی؛ و: سو کجا؛ آ: سر یکی)؛ متن = ل (نیز لن، پ، لن، ۲) ۲۴- ل:
 برگشاییم؛ ک، س، ۲ (نیز و): برگشاند؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵- س (نیز لی، پ): تا فرستیم و جویم؛ ک، س، ۲ (نیز ل، ۲، پ):
 فروشیم و خریم؛ متن = ل، ق، ل، ۲ (نیز لن، ق، ۲، و، لن، ۲) ۲۶- ل (نیز پ): ازین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷- س، ک، س، ۲ (نیز لی، ل، ۲):
 پ، پ: با ساو باژ؛ ق (نیز لن، ۲): با باژ و ساو؛ ل، ۲ (نیز ق، ۲): با باژ ساو؛ (و: ندیدیم با ساو باژ؛ آ: بگیریم با ساو باژ)؛ متن = ل ۲۸- (آ:
 بجویم)؛ لن این بیت را ندارد ۲۹- ل: تریم (؟)؛ ک، لن، لی این بیت را ندارند؛ بنداری (۴۹-۵۳)؛ و هم یلتمسون آن نقاسهم الأرض
 فیکون لهم ما وراء الفرات، و یکون لنا ما دونه علی أن نفتح لهم الطريق الی السوق حتی یدخلوا إليها و یتسوّقوا (۵۲ و ۵۳ را ندارد)
 ۳۰- س، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن): اختر کز بر کار؛ ق: اختر کز و بیکار؛ (آ: اختر کز و بر کار؛ ب: اختر کز بگردار)؛ ک (نیز لی): بجز اختر کز بر کار؛
 (ل: بجز آواز گفتار بر کار)؛ متن = ل (نیز ق، ۲، پ، و، لن، ۲: در ل، ق، ۲، و: بر کار)؛ بنداری: هذا قولهم، و یالیته واقفه فعلهم ۳۱- (لی، ل: بدین)
 ۳۴- ک: هر یک ۳۳- (لی، ب: هر پز)؛ بنداری؛ ثم إنه یجری کل یوم وقعة یهلک فیها خلق من الایرانیین

به گفتار ایشان همی ننگرند^۲
 - به جنگ‌اند با کیش آهرمنی^۵،
 که گوپال دارند و گرز گران،
 به^{۱۱} ایران و مازندران بر چینه^{۱۰}؟!
 به گرز و به^{۱۴} شمشیر باید ستند!
 بریشان^{۱۵} جهان^{۱۶} تنگ و تار آوریم!
 که جزگونه گشته‌ست با^{۱۸} ما سپهر^{۱۹}!
 برانداز و برساز و لشکر بران^{۲۱}!
 پرستنده و جامه‌ی برنشت^{۲۴}،
 - به^{۲۶} جای بزرگان و آزادگان،
 بپر سوی^{۲۹} گنجور آذرگشسپ^{۳۰}
 هر آنکس که آیند زینهارخواه^{۳۳}،
 نگه کن بدین گرد^{۳۵} گردان سپهر،
 زمانی فرازست و گاهی^{۳۹} نشیب!

بزرگان که با من^۱ به جنگ اندرند
 چو گیلوی^۳ طبری^۴ و چون ارمنی
 چو گلبوی^۶ سوری^۷ و این مهتران
 همی سر فرازند^۸ کایشان^۹ کیند^{۱۰}
 ۶۰ اگر مرزو^{۱۲} راهست، اگر^{۱۳} نیک و بد
 بکوشیم و مردی به کار آوریم!
 نداند کسی^{۱۷} راز گردان سپهر
 چو نامه بخوانی تو با مهتران^{۲۰}
 همه گرد کن خواسته^{۲۲} هرچ^{۲۳} هست
 ۶۵ همی تاز^{۲۵} تا آذربادگان
 همیدون گله هرچ^{۲۷} داری ز^{۲۸} اسپ
 ز زاولستان^{۳۱} گر^{۳۲} ز ایران سپاه
 به داد و به پوزش بیارای^{۳۴} مهر
 کزو^{۳۶} شادمانی^{۳۷} و زو با^{۳۸} نهیب

۱-ل (نیز ل ن آ)؛ ۲-س (نیز ل ن آ)؛ بنگرند؛ در ل، ق، ل، آ، ق، پ، و حرف یکم بی نقطه؛ (آ: بگروند)؛ متن = س (نیز ل، ل ن آ)؛ ک، ل ن
 این بیت را ندارد ۳-ک (نیز ل ن آ)؛ م ربوی (در ل، ک بی نقطه)؛ س، س، آ (نیز و، آ)؛ کلبوی؛ ق: کلبوس (در بالا: کلبو)؛ ل: آ: می بوی؛
 (ق: آ: پ: میروی)؛ متن = (ل: آ: پ: کلبوی)؛ ۴-ل: ل: آ: طبری؛ (ل ن آ: و چون راد)؛ ۵- (ق: آ: و، آ: اهریمنی)؛ ل ن، ل، ل این بیت را ندارد ۶-س
 (نیز ق: آ: ل)؛ مردوی؛ ق: مزبوی؛ ل: آ (نیز ب: کلبوی)؛ س: آ (نیز ب: م ربوی؛ ل: آ: مردی؛ آ: ماهوی)؛ متن = ل، ک (نیز ل ن، و ل ن آ)؛ ۷-ک:
 سرزی؛ (ل ن: رازی و؛ شوروی)؛ ۸-ل: فرازید (!)؛ ۹-س (نیز ل)؛ آنان؛ ک: و ایشان ۱۰-س، ک، ل: آ (نیز ل ن، آ)؛ ک: کی اند چه اند؛ (ق: آ: ل،
 پ، و: که اند - چه اند)؛ ۱۱-ل (نیز پ)؛ ز: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲- (ل ن، ق: آ، ل، و، ل ن: آ: حو)؛ ۱۳-ک، س: آ (نیز ل، ل ن آ)؛ و: گر؛ ل: آ:
 گر؛ (ل: آ: یا)؛ ۱۴-ق: مران رابه؛ (ل: آ: به کوپال و)؛ ۱۵- (ل: ل)؛ بدیشان)؛ ۱۶- (ق: آ: بایران شان)؛ ۱۷- (ل ن: ندانست کس)؛ ۱۸-ل: دگر گونه تر
 گشت بر؛ (ق: نیز و، آ)؛ دگر گونه گشتت با (و: بر)؛ ک (نیز ل، ل: پ)؛ که جز گونه تر (ل: آ: بر)؛ گشت با؛ (ل ن: که اکنون چگونه است با؛ ل ن آ: که
 این چنگه گشت با)؛ متن = س، ل، س، آ (نیز ق: آ: پ)؛ ۱۹- (ل: آ: بچهر)؛ ل، ل این بیت را ندارد؛ در و پس از این بیت، بیت های ۱۱۶-۱۳۱
 آمده اند؛ بنداری؛ و الذین معی منهم قوم معترون بشجاعتهم و رجولیتهم و فورة عددهم و غددهم، و مستغفرون أمر العبدو القادر، و
 لا یدرون سر الفلک الدائر ۲۰-ک (نیز ق: آ، ل، آ، پ، ل ن آ)؛ ۲۱-ل: خرد را مران؛ متن = ل، ۲۱-ک (نیز ل، آ، پ، ل ن آ)؛ پیراز (ک، ل، ل ن آ)؛ بینداز
 و برساز با مهتران؛ (ق: آ: براندیش و بر در ساز مهتران؛ آ: باندازه برساز با مهتران)؛ متن = س، ق، ل، آ، س، آ (نیز ل، ل، و)؛ ل ن این بیت را ندارد
 ۲۲-ق: ل: خواسته گرد کن ۲۳-ق: س (نیز ق: آ: ل)؛ هر چه؛ متن = ل، س (نیز ل ن)؛ ۲۴-ک (نیز ل ن، ل، ل، و، آ)؛ جامه های نشست؛ (پ، ل ن آ):
 جامه و برنشت؛ متن = ل، ق، ل، ل، آ (نیز ق: آ)؛ با این بیت را ندارد ۲۵- (ل ن: باز)؛ ۲۶-س: که؛ ل، پ این بیت را ندارند؛ بنداری؛ فاذا وقت
 علی کتابی هذا فاجمع أموالک و خزانتک، و خیلک و رجلک، و انهض الی آذربيجان، و اعصم بتلک البلاد ۲۷-س: س: آ (نیز ق: آ: ل)؛ هر
 چه؛ متن = ل (نیز ل ن)؛ ۲۸-س: و؛ ک: توزه؛ (ب: یابی و)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹-ک: کز: د ۳۰-ق: در برکشت (؟)؛ ۳۱-س: س: آ
 (نیز ل ن، ل، و)؛ ب: زابلستان؛ متن = (ق: آ، ل، ل)؛ ۳۲- (آ: یا)؛ ۳۳-س، ک، ل، آ (نیز ل ن، ل، و)؛ ب: زینهارخواه؛ متن = ق، س، ل، ل، پ این بیت را
 ندارد ۳۴-ل، س، ق، ل (نیز ل ن، ل، و)؛ ب: بدار و بیوش (ل: بیوش؛ ق: بیوش) و بیارای (س: بر آرای)؛ متن = ک، س، آ ۳۵-س: س: آ (نیز
 ق: آ، و، آ)؛ ب: کار؛ متن = ل (نیز ل، ل، آ، پ، ل ن آ)؛ ل این بیت را ندارد ۳۶- (ل ن: از و)؛ ۳۷- (و، ل ن: شادمانم)؛ ۳۸- (ل ن: در)؛ ۳۹-ک: سالی؛
 (ل ن، ل: روزی)؛ س: فرازی و یکره؛ (ق: آ، ل، آ: ل)؛ فراز و زمانی؛ متن = ق، ل، آ، س، آ (نیز و، ب)؛ ل، ل، پ این بیت را ندارند

نیبند همانا مرا نیز روی^۱
 بدان تا نباشد^۲ به گیتی نژند^۳!
 مباحش اندرین^۴ کار غمگین بسی!
 کسی کو نهد گنج، بادست و^۵ رنج!
 بپرداز دل زین سنجی سرای!
 نیبند مرا زین سپس^۶ شهریارا
 اگر پیر، اگر^۷ مرد برنا^۸ بود،
 شب تیره او^۹ را ستایش کنیدا!
 ز خوردن به فردا ممانید چیز^{۱۰}!
 به رنج و غم و شوربختی درم!
 خوشا باد^{۱۱} نوشین^{۱۲} ایران زمین^{۱۳}!
 تو گنج و تن و جان گرامی مدار^{۱۴}!

۷۰ سخن هرج^۱ گفتم به مادر بگوی
 درودش ده از ما و بسیار پند
 گر^۲ از من بد آگاهی آرد^۳ کسی
 چنان^۴ دان که اندر سرای سپنج
 همیشه به یزدان پرستان گرای!
 ۷۵ که آمد به تنگ اندرون روزگار
 تو با^۱ هر که از دودهی^۲ ما بود
 همه پیش^۳ یزدان نیایش کنیدا
 بکوشید و بخشنده^۴ باشید نیز^۵
 که من با سپاهی به سختی درم^۶
 ۸۰ رهایی^۱ نیام^۲ سرانجام ازین
 چو گیتی شود تنگ بر شهریار

۱-س-۲ (نیز لن-ب): هر چه؛ متن = ل-۲-ک: که مان نیست روی؛ س، ق، ل، ۲، س (نیز لی، ب): درودش ده و بوسه بر (ل، ۲، س، ۲: ده) چشم و روی؛ (ل، ۲، ل، ۱: آ، درودش ده و چشم و رویش بیوی)؛ متن = ل (نیز ق، ۲، پ، و، ل، ن، ۳) -ک (نیز پ): نباشی -۴-س: آ: گزند؛ س، ق، لی این بیت را ندارند؛ بنداری: و اشرح لامی حالی و سلها الدعاء -س، ق، ل، ۲، س (نیز لی، ل، ۲، و، آ، ب): ور؛ متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ، پ، لن ۲) ع-س (نیز لی، ب): از من نبود آگاهی از؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷-س (نیز لن، ق، ۲): اندر آن -۸-س، ق، ل، ۲، ل، ۱، و، آ): چنین؛ متن = ل، س، ک، ل (نیز ق، ۲، لی، پ، لن، ۲، ب) -۹-س-۲ (نیز لن، لی، و، ب): جوع؛ (ل، ۲): ماند به؛ لن، ۲: پاداش؛ آ: جایست؛ ق، ۲: هر آنکو نهد گنج بی دست)؛ متن = ل (نیز پ، ب): س-۲، ق، ۲، لی، و، لن، ۲، ب، افزوده اند (ل، لن، ل، ۲، پ، آ، این بیت ها را ندارند):

جز از (همان، چو آن) ناز تیمار پیش آیدش (ک):
 آیدت؛ س، لی، ب: از آن رنج او دیگران برخوردار
 از آن رنج او دیگری برخوردار (س، لی، ب ندارند)
 که از بیشتر کم نگردد نیاز

ز گنج جهان رنج پیش آیدش (س، لی، ب: آورد؛ ک: آیدت)
 چو گاه آیدش کز جهان بگذرد
 چه سودست (بودست) پس (با) این همه رنج و آز (رنج آز)

۱۰-ق، ۲: نیبند زین پس کسی) ۱۱-ق، ۲: که تا؛ لن، ۲: دگر)؛ متن = ۱۲-ل: تو با مردم خویش کز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳-ل: گر؛ ک (نیز آ): و گر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-ل، ق، ل، ۲ (نیز لی، ب): دانا؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵-س (نیز لی، ب): همیشه به؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-س-۲ (نیز لن-ل، ۲، آ، ب): جهان آفرین؛ متن = ل (نیز پ، و، لن، ۲)؛ بنداری ۷۲-۷۷ و ائندارد؛ ک، ۲، س، ق، لن، ۲، افزوده اند:

جز او را (بجز وی) مدانید (مباشید) فریادخواه

به ایزد کتید از زمانه پناه

۱۷-س (نیز ب): بخشید و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸-ق، ۲: چیز) ۱۹-س-۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، و، آ، ب): که جز (ق، ۲: بجز) نام (س: تخم) نیکو (س: ب: نیکو) ممانید (ق، س، ۲، و: نمانید؛ ک، لن، آ: نماند به؛ ب: نماندت) چیز (ق، ۲: نیز)؛ متن = ل (نیز ل، ۳، ب، لن، ۲، لن، ۲: نیز)؛ لی این بیت را ندارد ۲۰-ق: به جنگ اندرم ۲۱-لن: زمانی) ۲۲-و: نیام رهایی) ۲۳-ل، ق، ل، ۲ (نیز ل، ۳، پ، لن، ۲): نوشین به؛ ک، س (نیز لن): خوش آن باد نوشین به؛ متن = ۲۴-س (نیز لی، ب): خوش آن باد (ب: یاد) نوشین روان همچنین؛ متن = ق، ۲، و، آ): بنداری: فانی و أصحابی فی عناء و تعب و هم و آسف. و أنا أعلم أنى لا أسلم بالأخرة من هذه الواقعة؛ ل افزوده است:

خنک روز شادی و به روزگار

خنک شهر ایران و آن شهریار

۲۵-لی این بیت را ندارد؛ ک، س، ۲، افزوده اند:

نگه کن همیشه کم و بیش ازی

سپر کن تن خویش را پیش اوی

نماندهست جز شهریار بلند!
 به گیتی جز او نیست پروردگار!^۴
 کزین پس نبیند ازین^۷ تخمه^۸ کس!
 که خواهد شدن^{۱۰} تخت^{۱۱} شاهی به باد!
 ز بهر تن شه به تیمار^{۱۴} باش!
 به شمشیر بسپار و یافه مگوی^{۱۷}!
 همه نام بوبکر^{۱۹} و عمر کنند^{۱۸}!
 نشیبی درازست پیش^{۲۰} فراز!
 از^{۲۱} اختر همه تازیان راست بهرا!

کزین^۱ تخمهی نامدار ارجمند
 ز^۲ کوشش مکن هیچ^۳ سستی به کار
 ز ساسانیان یادگار اوست^۵ بس
 درخ این^۶ سر و تاج و این^۹ مهر و داد
 ۸۵ تو پدرود^{۱۲} باش و جهاندار^{۱۳} باش!
 گر او را^{۱۵} بد آید، تو سر^{۱۶} پیش اوی
 چو با تخت منبر برابر کنند^{۱۸}
 تبه گردد این رنجهای دراز
 ۹۰ نه تخت و نه دیهیم بینی، نه شهر

۱-س، ۲ (نیز، آ، ب): ازین؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم عليك بحفظ الملك فانه لم يبق من هذه الشجرة أحد سواه؛ ک، ق، ۲، و، ل، ن، ۲ افزوده‌اند:

نگهدار او را به روز و به شب
 که تا چون بود کار من با عرب
 ۲-ک: تو؛ (پ، ل، ن، آ، ب) ۳- (ق، ۲: ایچ) ۴- ل: نیستمان یادگار؛ (ق، ۲: که چون او نباشد دگر شهریار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل، ن، لی این بیت را ندارند؛ بنداری: فالله يحفظه و يتولا هـ س (نیز ق، ۲، لی، ل، ن، آ): یادگارست و؛ ک: یزدگرد دست و؛ متن = ده دستنویس دیگر
 عس، ق، س، ۲ (نیز، ل، لی، و، ل، ن، آ): ازین؛ ل، ۲: وزان؛ متن = ل، ک (نیز ق، ۲، ل، ۳، پ، آ) ۷- ل، ۲: از آن؛ ل: نبینند زین؛ ق: نباشد ازین؛ متن =
 دوازده دستنویس دیگر ۸- س (نیز، لی، ب): خانه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- ق، ل، ۲ (نیز، ل، ق، ۲، ل، ۳، و، آ): آن؛ متن = ل، س، ک، س ۲ (نیز، لی، پ، ب) ۱۰- ل (نیز، پ): شد این؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱- (ب: تخم)؛ ل، ۲ این بیت را ندارد ۱۲- (پ: پیروز)
 ۱۳- س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز، ل، ن، آ، و، ب): بی آزار؛ متن = ل، ک (نیز، پ) ۱۴- س، س، ۲ (نیز، ل، ق، ۲، لی، و، ب): همیشه به پیش جهاندار؛ (ل، آ):
 همیشه جهاندار و بیدار)؛ متن = ل (نیز، پ)؛ درل پس از این بیت، بیت ۸۹ آمده است ۱۵- ک: که روز ۱۶- ل (نیز، ل، ن، پ): شو؛ متن =
 یازده دستنویس دیگر ۱۷- ل: بسیار پرخاشجوی؛ (ق، آ، ل، ن، آ): بسیار و پرخاشجوی؛ پ: بسیار پرخاشجوی؛ متن = ده دستنویس دیگر
 (ب: یاوه)؛ ق این بیت را ندارد؛ ل، ل، ۲، ق، ۲ افزوده‌اند:

ز ساسانیان یادگاری (ق، ۲: شهریاری) نماند

که این کیش را روزگاری نماند
 ک، س، ۲، ل، ن، ۲ پس از بیت ۸۷ و ق، ۲ پیش از بیت بالا افزوده‌اند:

شود بی‌بها مرد یزدان‌پرست
 ازین دیوخوا بی‌هنر (ق، ۲: بی‌هنر خیره‌سر) تازیان

به ایران چو گردد عرب چیره‌دست
 بمیرد فروزنده این آذران

۱۸- ک: بود؛ (ق، ۲: شود، لی، ب: کند) ۱۹- ل (نیز، پ): عثمان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ و افزوده است:

ز عثمان و حیدر بگیرد شمار
 نماند به گیتی یکی نامدار

۲۰- س (نیز، لی، آ): پیش از؛ ق: پیش؛ (ل، ن، آ: پیش؛ پ: شود ناسزا شاه گردن؛ آ: به پیش آمدست نشیب و)؛ متن = ل، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز، ل، ق، ل، ۲، و)؛ درل این بیت پس از ۸۶ آمده است و پس از ۸۸ بیت ۹۱ آمده و پس از آن افزوده است:

گر از چهرشان برگشایم سخن
 به دیده چو خون و به رخ همچوقار
 خورش دوغ دارند و نان جوین
 سر و پا تهی و شکم گرسنه
 5 نه افسر نه طوق و نه زرینه کفش
 همانا که هرگز نیاید به بن
 به جای بره‌شان بود سوسمار
 نخوانند یک بر دگر آفرین
 ز جامه تن خوارشان برهنه
 نه هنگام پیکار کوس و درفش

۲۱- ل، ک (نیز ق، ۲، ل، ن، آ، ب): ز؛ متن = س، س، ۲ (نیز، ل، ن)؛ ق، ل، و، ل، ن، ۲ این بیت را ندارند

شودشان سر از خواسته بی‌نیاز!^۲
 ز دیبا^۴ نهند از بر سر کلاه^۵
 نه گوهر، نه افسر^۷، نه بر سر درفش^۸
 به داد و به بخشش کسی^۹ ننگرد!
 نهفته کسی^{۱۲} را خروشان کند^{۱۱}!
 کمر بر میان و کله بر سرست!
 گرمی شود کژی و کاستی!
 سوار آنک لاف آرد و^{۱۹} گفت‌وگوی^{۲۰}!
 نژاد و هنر کمتر آید به بر^{۲۱}!
 ز نفرین ندانند باز آفرین^{۲۲}!
 دل شاهشان^{۲۴} سنگ خارا شود!
 پسر بر پدر همچنین^{۲۶} چاره‌گر^{۲۷}!
 نژاد و بزرگی نیاید به کار^{۲۸}!

چو روز اندرآید^۱، به روز دراز
 بپوشند^۳ ازیشان گروهی سیاه
 نه تخت و نه تاج^۵ و نه زربینه‌کفش^۶
 برنجد یکی، دیگری برخورد
 شب آید، یکی چشم^{۱۰} رخشان کند^{۱۱}
 ستاینده^{۱۳} روزشان^{۱۴} دیگرست
 ز پیمان بگردند^{۱۵} و از^{۱۶} راستی!
 پیاده شود^{۱۷} مردم جنگجوی^{۱۸}
 کشاورز جنگی شود بی‌هنر
 ربایدهمی این از آن، آن ازین!
 نهان بتر از^{۲۳} آشکارا شود!
 بداندیش گردد پدر بر پسر^{۲۵}
 شود بندهی بی‌هنر شهریار

۱- (لن: آمد)؛ ک: روزی درآید؛ (پ: چو یکی درآید) ۲- لن: شود ناسزا شاه گردنفر از؛ (پ: نشیب درازست پیش فراز = ۸۹)؛ متن = ده دستنویس دیگر (لن: شودتان)؛ ق، ل، و، این بیت را ندارند ۳- لن: بپوشد؛ ک، ل، ۲ (نیز آ)؛ (ب: بپوشید؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴- لن: نه دیبا؛ (لن: بدریا)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد؛ در ل این بیت پس از ۸۸ آمده است ۵- (ق: نه تاج و نه تخت) ع: نه تخت و نه دیهیم بینی نه گنج ۷- س، ک، س، ۲ (نیز ق ۲- پ، آ، ب)؛ اختر؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز لن، و، لن، ۲) ۸- (لی: زربینه‌کفش (ل)؛ ل، ۲: رخشان درفش)؛ ق: بزرگان گیتی پر از درد و رنج ۹- لن (نیز ل ۳)؛ همی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- ل، س، ک (نیز لن، ق، ل، ۲، آ، ب)؛ چشمه؛ متن = ل ۲ (نیز لی، ل، ۲، پ) ۱۱- لن: کنند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲- (ق: یکی)؛ ل: برهنه بسی؛ ل، ۲: برهنه کسی؛ متن = س، ک (نیز لن، ل، پ، لن، ۲، آ، ق، س، ۲، و، این بیت را ندارند؛ در ل از ۹۴ ب و ۹۵ یک بیت ساخته‌اند ۱۳- ستاننده؛ در س، ل، ۲، لن، ق، ۲، لن ۲ حرف چهارم بی‌نقطه؛ (ل: ۲: شتابنده)؛ متن = ق، ک، س، ۲ (نیز لی، پ، و، آ، ب) ۱۴- (ق: نیز ق ۲، ل، ۲)؛ روز و شبان؛ ک، س، ل، ۲ افزوده‌اند: از آن پس زمانه دگرگون شود همان مردم پرهیز دوز شود

۱۵- ل (نیز ل ۳، ب)؛ نگردند (ل) ۱۶- ل، ق (نیز لن)؛ وز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در ق، ل، ۲ بیت‌های ۹۷-۹۹ پس از بیت ۱۰۲ آمده است ۱۷- س: بود ۱۸- س، ق (نیز لی، ب)؛ راهجوی؛ س، آ: لاف‌جوی؛ (لن، ل، ۳، و، لن، ۲: رزمجوی)؛ ک پاک شده؛ متن = ل (نیز ق ۲، ل، ۲، پ، آ) ۱۹- لن: آورد؛ (ب: آرد از؛ لن: سواران شوند از در؛ ق: سواران که لاف بر؛ ل، ۲: سواران که لاف آرد از؛ پ: سواری که لاف آورد؛ آ: همه لاف پیش آرد و)؛ متن = س = س-س ۲ (نیز لی، و، لن، ۲) ۲۰- (و: گو)؛ ل: گفت‌گویی؛ ق (نیز ل ۲)؛ گفتگویی؛ در ل ۲ از اینجا صفحه‌های دستنویس اساس آن در هم ریخته بوده است ۲۱- (لن: گستراند)؛ س، ق، ل، ۲ (نیز لی، ب)؛ و بزرگی نیاید به (ب: نیابند) بر؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ق ۲، ل، ۲- آ: گهر)؛ ک، ق، ۲ افزوده‌اند:

نباشد بدین فز آزادگان بلندی کند بخت (گزینند) بی‌مایگان

۲۲- لی این بیت را ندارد ۲۳- لن: برتر از؛ (لن: ترا؛ لن: آ: بدتر)؛ س (نیز ق ۲، ب)؛ نهانی بتر؛ متن = ق-س ۲ (نیز ل ۳، و، آ، ل) ۲۴- س-س ۲ (نیز لن، ق، ل، ۲، و، آ، ب)؛ شاه چون؛ متن = ل (نیز لی، پ، لن، ۲)؛ لی این بیت را ندارد ۲۵- (ل ۳، ب: پسر بر پدر) ۲۶- س-س ۲ (نیز لن، لی، و، ب)؛ همچنین بر پدر؛ (ل ۳، ب: پدر همچنین بر پسر؛ لن: همچنین نیز بر پدر)؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲، ل، ۲) ۲۷- (لی: کارگر) ۲۸- ل ۲ این بیت را ندارد

روان و زبانها^۲ شود پُر جفا!
 نژادی پدید آید اندر میان،
 سخنها بگردار بازی بود!
 بمیرند^۷ و کوشش به دشمن دهند!
 بکوشند ازین تا^۹ که آید به دام^{۱۰}!
 که^{۱۲} رامش^{۱۳} به هنگام بهرام گور!
 همه چاره‌ی ورزش و سازِ دام^{۱۷}!
 خورش کشک و پوشش گلیم آورد!
 بجویند و دین اندر آرند^{۲۱} بیش!
 نیارند^{۲۳} هنگام رامش نیید^{۲۴}!

به گیتی کسی را نماند^۱ وفا
 ۱۰۵ از^۳ ایران و از^۴ ترک و از^۴ تازیان
 نه دهقان، نه ترک و^۵ نه تازی بود
 همه گنجها زیر دامن نهند^۶
 بود زاهد و دانشمند نام^۸
 چنان^{۱۱} فاش گردد غم و رنج و شور
 ۱۱۰ نه جشن^{۱۴} و نه رامش، نه بخشش^{۱۵}، نه کام^{۱۶}
 پدر با پسر^{۱۸} کین سیم^{۱۹} آورد
 زیان کسان^{۲۰} از پی سود خویش
 نباشد بهار از^{۲۲} زمستان پدید!

۱-ق، ل، ۲-س، ۳-نیز، ل، ق، ۴-ی، و): نماند کسی را؛ (ل: ۳-نماند به گیتی کسی را)؛ متن = ل، س، ک، (نیز، ب، ل، ۲-آ، ب، ۳-ک-نیز، ل): زبان و روان ۳-س (نیز، ق، ۲-پ، ل، ۲-ن): ز؛ متن = ل، ق، ۲-س (نیز، ل، و، آ، ب، ۴-ل، ق، س، ۲-نیز، ل، آ): ز؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ درک این بیت پس از ۱۱۱ آمده است؛ ک، ق، ۲-ن، ۲-افزوده‌اند:

به دین و به دولت فرازند (به آرایش زیب جویند) نام
 ز هرچه بجویند یابند (ز هر گونه نیز جویند) کام
 نه دولت دهدشان زین تاج و گاه (ق: ۲-بدینسان به یزدان نمایند راه)
 نه دینشان به یزدان نمایند راه (ق: ۲- نه افزایش از فرزندان تاج و گاه)

گریزند از رادی و راستی نینند ازیشان جز از کاستی

۵-ک: زبانشان نه ترکی ع-و: بر زمین برنهند) ۷-س، ق، ل، ۲-س (نیز، ل، ب): بکوشند؛ متن = ل، ک (نیز، ق، ۲-ل، ۳-آ)؛ ل، ن این بیت را ندارد
 ۸- (ل: خوار)؛ ق، ل، ۲-دانشی مرد نام؛ (ل: دانشی بد به نام)؛ ل: بود دانشمند و زاهد به نام؛ متن = س، ک، س، ۲ (نیز، ق، ۲-ل، ۲-ن، ۲-ب)
 ۹-س، ق، ل، ۲-س (نیز، ب): تا زین؛ ک (نیز، ل): زین تا؛ (ب: بکوشد ازین تا)؛ متن = (ل، ق، ۲-و، ل، ۲-آ، ۱۰-آ: بکار)؛ ل: بکوشد ازین تا
 کی آید به کام؛ ل، این بیت را ندارد ۱۱- (ل: چنین) ۱۲-س، ک، ل، ۲-س (نیز، ل، ۲-ب): چو؛ متن = ل، ق (نیز، ل، ق، ۲-آ، ۱-آ) ۱۳-ل (نیز
 ب: شادی؛ ل: ۳-راهب راحت؟؛ ل: ۲-دانش)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ک، س، ۲-افزوده‌اند:

نینند ایرانیان جز که غم فرومایه گردد سپاه عجم
 به بالا شود دولت تازیان که هستند ایشان از ارزانیان

۱۴- (ل: گنج) ۱۵-ل (نیز، ب): کوشش؛ (ل: ۲-بخش و)؛ س، ق، ل، ۲-س (نیز، آ، ب): نه بخشش نه رامش؛ (ل: نه بخشش نه دانش؛ و: نه بخش و
 نه رامش)؛ متن = ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، ۲) ۱۶-ق، ل، ۲-ل، ۲-گاه؛ (ق: ۲-نه فو و نه دانش نه گوهر نه نام) ۱۷- (ب: تنبیل و ساز دام)؛ س (نیز، ل): همه
 کوشش و جوشش و شادانام (!)؛ ق: نه کوشش نه ورزش نه ساز و نه راه؛ ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، ۲-آ): همه کوشش و ورزش و ساز دام (ل: و
 نام)؛ ل: ۲-همه کوشش و ریش و ساز راه؛ (ق: ۲-به کوشش ز هر گونه سازند دام؛ ب: همه کوشش و بخشش و کام)؛ متن = ل (نیز، ل، ۲)
 ۱۸-ک: پسر با پدر ۱۹-س (نیز، ب): و بیم؛ (ل: و سیم؛ ل: جنگ سیم)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل، این بیت را ندارد و در آس از ۱۰۸
 آمده است ۲۰-ل، ۲-ل (نیز، ل، ۳-ب): کسی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱-ق: اندر آید ز؛ ۲-افزوده است:

نه گنج و نه رامش نه بخشش بود به چاره ز هر گونه کوشش بود (ع: ۱۱۰)

۲۲-ل، ک، ل، ۲-نیز، ل، ق، ۲-آ، ب): و؛ (ل: ۲-حاج)؛ متن = س، ق، س، ۲ (نیز، ل، و، آ، ب، ۲۳-و: نتوشند) ۲۴-س (نیز، ل، آ، ب): بدید؛ متن =
 یازده دستنویس دیگر؛ س، ک، س، ۲، ق، ۲، ل، ۲، ن، ۲، آ، ب، ۲-افزوده‌اند (ل، ق، ل، ۲، ن، ۲، ب، و، این بیت را ندارند):

ز بیشی و پیشی ندارند هوش خورش نان کنکین (نهان بر برد و دوش) پشمینه پوش

کسی سوی آزادگی^۳ ننگردا
 شود روزگار بد آراسته!^۴
 دهان^۵ خشک و لبها شده لآزورد،
 چنین تیره شد بخت ساسانیان!
 دژم گشت و از ما^۹ بیزید مهرا
 همی بر برهنه نیاید به کار!^{۱۱}
 نگشتی^{۱۳} به آورد زان زخم سیر^{۱۴}،
 ز دانش زیان آمدم بر زیان!^{۱۶}
 گر آگاهی^{۱۹} روز بد^{۲۰} نیستی!
 درشتند^{۲۱} و بر^{۲۲} تازیان دشمنند،
 ز دشمن زمین رود^{۲۵} جیحون شود!
 ندانند^{۲۷} کین رنج کوتاه نیست!
 چه سود آید از رنج^{۳۰} و از^{۳۱} کارزار^{۳۲}!
 دل شاه ایران به تو شاد باد!
 کفن جوشن و خون کلاه^{۳۵} منست!

چو بسیار^۱ ازین داستان^۲ بگذرد
 ۱۱۵ بریزند خون از پی خواسته!
 دل من پر از خون شد و روی زرد
 که تا من شدم پهلوان از میان^۷
 چنین بی وفا گرد^۸ گردان سپهر
 مرا تیز^{۱۰} پیکان آهن گذار
 ۱۲۰ همان تیغ کز^{۱۲} گردن پیل و شیر
 نیزد^{۱۵} همی پوست بر تازیان!
 مرا کاجکی^{۱۷} این^{۱۸} خرد نیستی!
 بزرگان که در قادسی با منند،
 گمانند^{۲۳} کین بیش^{۲۴} بیرون شود
 ۱۲۵ ز راز^{۲۶} سپهری کس آگاه نیست!
 چو بر^{۲۸} تخمه بی^{۲۹} بگذرد روزگار
 ترا ای^{۳۳} برادر تن آباد^{۳۴} باد!
 که این قادسی گورگاه منست!

۱- (ن: ۲: یکچند) ۲- (و: سالیان) ۳- س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۲، و، آ، ب): آزادگان؛ متن = ل، ک (نیز، ب، ن، ۲): ن این بیت را ندارد و در ق، ۲ با بیت سپسین پس و پیش شده است ۴- (نیز ب): مهان کاسته؛ ق، ل، ۲: روز بد نیز (ل: آ: دین) آراسته؛ (ن: روزگاری بدان کاسته)؛ متن = س، ک، س، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۲، و، ب): ل این بیت را ندارد ۵- (نیز و): دهن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ع(ق، ۲، ل، ۲: لاجورد)؛ س، س، ۲ (نیز، ل، ن، ل، ن، ۲، آ، ب): و یک دل (ک: لب؛ ق، ن، ۲: لبها؛ ل، ۲: دولب) پر از باد سرد؛ متن = ل (نیز، ب، و) ۷- ق، ل، ۲: پهلوان جهان ۸- ق، ل، ۲ (نیز، ن، ق، ۲، ل، ۲، آ، ب): گشت؛ متن = ل، س، ک، س، ۲ (نیز، ل، ب) ۹- ل، ق (نیز، آ): و ز ما؛ ک: از ما و؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ک، ق، ۲، ن، ۲ افزوده اند:

اگر نیزه (تیغ، تیر) بر کوه رویین زخم گذاره کند زانک رویین تنم

۱۰- ل (نیز، ن، ق، ۲، ل، ۲، آ، ب): نیز (در ل حرف یکم بی نقطه)؛ س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز، ل، ب، ن): تیر و؛ ک: تیر؛ متن = (و، ن، ۲) ۱۱- (ق، ۲: نیاید گذار) ۱۲- ل: کوه؛ س (نیز، ل): کان؛ ل (نیز و): کوه؛ (ن، ل، ن، ۲: بر): متن = ک (نیز ق، ۲، ل، ۲، پ، آ) ۱۳- س (نیز، ل): فکندی؛ ک (نیز، ن، ل، ۲): بکشتی؛ متن = ل، ل (نیز ق، ۲، ل، ۲، و، ب): و در ل حرف یکم بی نقطه ۱۴- س، ک، س (نیز، ل، ل): زیر؛ متن = ل، ل (نیز ق، ۲، پ، آ): ق، س، ۲، ب این بیت را ندارند؛ ل، ۲ افزوده است:

چو بستی ز گرد سیه تیره میخ ببردیمی سنگ و سندان به تیغ

۱۵- (آ: ندرد) ۱۶- (ن: چنین تیره شد تخت ساسانیان ۱۷ اب، سپس ۱۱۸ دوباره آمده) ۱۷- ل، ل، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز، ن، ق، ۲، ل، ۲): کاشکی؛ متن = س (نیز، ل، ب) ۱۸- ل: زین؛ (ن: ۲: کین)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹- س، ۲: آگاهی و؛ (ن، ل، ۳: آگاهی از؛ آ: ک آگاهی؛ ب: خود آگاهی)؛ متن = ۲۰- ل (نیز ب): اندیشه نیک و بد؛ متن = س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز، ل، و، ن، ۲): ک این بیت را ندارد ۲۱- ق، ل، ۲ (نیز، ن، ق، ۲، ل، ۲): درستند ۲۲- س، ق (نیز، ل، ب): با؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ک این بیت را ندارد ۲۳- (ن: که مانند) ۲۴- (و: کار) ۲۵- (ل، ۲: همچو؛ ن: تنش همچو)؛ ق، ک این بیت را ندارند ۲۶- ک: راه؛ (آ: رای) ۲۷- (ن، ل، ۳: بدانند) ۲۸- (آ: چن از) ۲۹- (ن، ل، ن، ۲: تخمه مان) ۳۰- (ن: تیغ) ۳۱- ل، ل (نیز، ن، ل، ۲، آ، ب): وز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۲- (و: از رنج آموزگار) ۳۳- س (نیز، ل، ب): بی ۳۴- (آ: آزاد) ۳۵- (ل، ۳: دخمه گاه؛ آ: خود کلاه)

تو دل را به درد من اندر^۳ میندا
فدی^۶ کن تن خویش در^۷ کارزار!
چو^{۱۰} گردونِ گردان کند دشمنی!

چنین ست راز^۱ سپهر^۲ بلند
دو^۴ دیده ز شاه^۵ جهان برمذار!
که زود آید^۸ این روز آهرمنی^۹

که پوینده با^{۱۲} آفرین باد^{۱۳} جفت،
بگوید جزین هرچ^{۱۵} اندر خوردا!

چو نامه به مهر اندر آورد^{۱۱}، گفت
که^{۱۴} این نامه نزد برادر برد

گفتار اندر نامه فرستادن رستم بنزدیک سعد وقاص^{۱۶}

فرستاد ازین سو^{۱۹} بنزدیک سعد!
نباشند پر بیم و چندی امید^{۲۱}!
جهان پهلوان رستم نیک خواه^{۲۳}،
جهان کرده بر خویشان^{۲۴} تار و تنگ^{۲۵}!
بباید^{۲۶} که باشیم با بیم^{۲۷} و باک!

فرستاده یی نیز چون^{۱۷} برق^{۱۸} و رعد
۱۳۵ یکی نامه یی بر حریر سپید^{۲۰}
به عنوان بر از^{۲۲} پور هرمزدشاه
سوی سعد وقاص جوینده جنگ
سر نامه گفت: از جهاندار پاک

۱-ک: رای؛ (ل: ۲: رسم) ۲- (ل: ۲: سرای) ۳- (پ: برادر؛ س: نیز لی): به مهر وی اندر؛ ک (نیز لن): ز بهر من اندر؛ (ل: ۲: و: آ: به مهر من اندر)؛ متن = ل: ل: ۲ (نیز ق: ۲: لن: ۲)؛ ق: س: ۲: ب: این بیت را ندارند ۴- س: ق: (نیز ق: ۲: لی: ب): تو؛ متن = ده دستنویس دیگر ه: ک: ز بهر ع: س: ۲ (نیز لی، ل: ۲: ۱): فلدا؛ متن = ل: (نیز لن، ق: ۲: پ، و: لن: ۲: ب) ۷- (ق: ۲: ب: بر) ۸- (آ: نبینی تو) ۹- (ق: ۲: و: اهریمنی)؛ دستنویس های دیگر: اهرمنی ۱۰- (لی: ب: که)؛ ل: ۲ این بیت را ندارد؛ بنفاری (۱۳۱-۸۴): ثم أطال ذیل الکتاب فی هذا المعنی ۱۱- ل: (نیز آ): آورد و ل: ۱۲- ق: ل: ۲: س: ۲ (نیز لن، لی، پ: لن: ۲)؛ را؛ (ل: ۲: برنده را؛ آ: برنده)؛ متن = ل: (نیز ق: ۲: و) ۱۳- س: گوینده این خرد باد؛ ک: باد آفرین بر فرستاده؛ (ب: گوینده این با خرد باد) ۱۴- ل: چو؛ متن = س: ب: ۱۵- س: س: ۲ (نیز ق: ۲- آ): هر چه؛ (لن: نیز که؛ ب: آنچه)؛ متن = ل: بنفاری: و لما ختمه نغذه الی اخیه؛ ل: افزوده است:

فرستاده برگزید از سپاه گسی کرد نزد برادر براه

۱۶- ق: ل: ۲: ک: ل: ۲: نامه رستم به (ل: ۲: نزد) سعد وقاص و (ل: وقاص؛ ق: وقاص رضی الله عنه)؛ س: نامه فرستادن رستم بنزدیک سعد وقاص؛ س: ۲: سرنویس ندارد؛ متن = س: ۱۷- ۲ (نیز پ: و: لن: ۲)؛ با ۱۸- (لن: آ: باد) ۱۹- ل: (نیز ق: ۲: پ): تا زان؛ (ب: ازین سر)؛ ق: فرستاده آمد؛ متن = س: ک: ل: ۲: س: ۲ (نیز لن، لی، و: لن: ۲: آ)؛ ل: ۲ این بیت را ندارد ۲۰- س: ک: (نیز لی، پ: و: لن: ۲): سفید ۲۱- ل: (نیز ق: ۲: ل: ۲: پ: لن: ۲): نویسنده بنوشت (پ: نویسنده بنبشت) تابان (ل: تا زان) چو شید؛ س (نیز لی، ب): نوشتند (ب: نبشتند) نزدش به چندین نوید؛ (آ: نبشتند چندی به بیم و امید)؛ متن = ق: ل: ۲: س: ۲ (نیز لن، و: و: نوشتند)؛ ل: ۲ این بیت را ندارد؛ بنفاری: و کتب کتابا الی سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه، علی الحریر الأبيض. و شحنه بالوعد والوعید؛ س: ق: س: ۲: لی، آ: افزوده اند:

ز رستم پی و خون هرمزدشاه سوی سعد وقاص و سوی (ق: میر: آ: سعد) سپاه

ل بجای ۱۳۴ و ۱۳۵ آورده است:

پس آنکه یکی نامه دیگر نوشت پدیدار کرد اندرو خوب و زشت

۲۲- (ل: ۲: ز پیش مهین) ۲۳- ک: (نیز لی، ل: ۲: لن: ۲: پ): کینه خواه؛ متن = ل: ق: ل: ۲ (نیز ق: ۲: پ)؛ س: ۲: لن: ۲ این بیت را ندارند ۲۴- ک: دشمنان؛ (ق: خسروان)؛ متن = ل: (نیز ل: ۲: لن: ۲) ۲۵- س: ق: ل: ۲ (نیز بی): ابا رای و باداش و با درنگ؛ س: ۲: لن: ۲، ای این بیت را ندارند؛ بنفاری: و جعل عنوانه من رستم بن هرمز الی سعد بن ابی وقاص ۲۶- ل: ۲ (نیز لی، پ: و: لن: ۲): بنیاید ۲۷- س: س: ۲ (نیز ق: ۲- و: آ: با: ب: بی) ترس؛ ک: (نیز لن، ل: ۲): با شرم؛ (ب: باشند با ترس)؛ متن = ل

همه پادشاهش دادست و مهر
 که زیبای تاجست و تخت^۳ و نگین!
 خداوند شمشیر و تاج بلند^۴!
 به بیهوده این رنج و این کارزار!^۵
 چه مردی و آیین و راه تو چیست^۶؟
 برهنه سپهبد، برهنه سپاه!
 نه پیل و نه تخت و نه بار و بُنه!
 که تاج و نگین^{۱۲} بهر^{۱۳} دیگر کسست!
 پدر بر پدر نامبردار شاه!^{۱۶}
 به بالای او بر زمین^{۱۸} شاه نیست!
 گشاده لب^{۲۰} و سیم دندان شود،
 که بر گنج او زان نیاید زیان^{۲۲}!

کزویست بر پای^۱ گردان سپهر
 ۱۴۰ و زو^۲ باد بر شهریار آفرین
 که دارد به فر^۴ اهرمن را به بند^۵
 به پیش آمد این ناپسندیده کار
 به من بازگویی آنک^۸ شاه تو کیست؟
 بنزد که جویی همی^{۱۰} دستگاه؟
 ۱۴۵ به نانی تو سیری و هم^{۱۱} گرسنه!
 به ایران تو را زندگانی بسست!
 که با پیل و گنجست^{۱۴} و با فز و گاه^{۱۵}
 به دیدار او بر^{۱۷} فلک ماه نیست!
 هر آنکه که در بزم^{۱۹} خندان شود
 ۱۵۰ ببخشد بهای سر تازیان^{۲۱}

۱-س، ک، س، ۲ (نیز، ن، و، آ، ب): کیوان و؛ متن = ل، ق، ل، ۲ (نیز ق، ۲، پ، ل، ن، ۲) ۲-ک، ل، ک (نیز ق، ۲، ل، ۲): ازو؛ متن = یازده دستنویس دیگر
 ۳-(ن: گاه؛ آ: نام؛ ک: نامست و تاج؛ پ افزوده است:

درخشان ازو فر شاهنشهی بزرگی و پیروزی و فرهی

۴-(لی: به فن) ۵-(و: به بند اهرمن را به فر) ۶-س-۲ (نیز، ن، ل، ل، ۳، و، آ، ب): تیغ و کلاه و کمند (و: کمر؛ ق، ل، ۲، ب: کلاه بلند)؛
 متن = ل (نیز ق، ۲، پ، ل، ن، ۲) ۷-ل، ک: روزگار؛ (ن: با کارزار؛ آ: رنج چنین کارزار)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل^۲ این بیت را ندارد؛
 بنداری: و افتتاح کتابه بحمدالله و الثناء علیه ثم الدعاء لیزدجرد صاحب التاج و التخت (۱۴۱ و ۱۴۲ را ندارد) ۸-ک (نیز ق، ۲، ب): این
 که؛ ل، ق: گویی که؛ متن = ده دستنویس دیگر (ل، ۲، ن، ۲: که) ۹-س: کیست (ل)؛ بنداری: ثم قال: أعلمنی بما أنت علیه من دینک، و
 رسمک و آیینک. و آخرین من سلطانک و بمن اعتضادک و اعتصامک ۱۰-ق: ابی ۱۱-ک (نیز، ن): وگر؛ س، س، ۲ (نیز، ب): چو سیری به
 نانی و زو؛ (آ: چو شیر بیابی و زو)؛ متن = ل (نیز ق، ۲، ل، ۳، ن، ۲؛ ل، ۲: نیایی)؛ ق، ل، ۲، ل، ابی این بیت را ندارند؛ بنداری: فقد جثت فی عاکر
 حفاة عرأة بلا ثقل و لا رحل و لا فیل و لا تخت ۱۲-س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز، ن، ل، ل، ۲، آ، ب): که مهر و کله؛ ک: که مهر تو از؛ متن = ل (نیز ق، ۲،
 پ، و، ل، ۲) ۱۳-(ل، ۲: نزد)؛ ک افزوده است:

بیابی به ایران بنزدیک شاه ترا شاه بدهد بسی دستگاه

ل، ن، ۲ افزوده اند:

کنون یزدگردست شاه جهان پرستنده باشند (ستاینده باشد به) پیش مهان

۱۴-س (نیز، ل، ب): فرست؛ ک: تختست؛ س، ۲: تاجست؛ ق: فیل و تاجست؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز، ن، ق، ۲، ل، ۲، آ، ب) ۱۵-ل، جاه؛ س، ک (نیز، ن، ل،
 ل، ۲، ن، ۲، ب): با تاج و گاه؛ (ق، ۲: دهیم شاه؛ و: با فرهی)؛ متن = ق، ل، ل، س، ۲ (نیز، پ، آ) ۱۶-ل، س، ل، ۲ (نیز، ل، ب، آ): و شاه؛ (و: تخم
 شاهنشهی)؛ متن = ق، ک، س، ۲ (نیز، ن، ق، ۲، ل، ۲، ن، ۲، ب) ۱۷-(لی: در) ۱۸-س، ق، س، ۲ (نیز، ل، ل، ۳، و، آ، ب): تخت را؛ (ن: تخت چون)؛
 متن = ل، ک (نیز ق، ۲، پ، ل، ن، ۲)؛ ل^۲ این بیت را ندارد و در س، ق، س، ۲، ل، و، آ، ب، ل، ت های آن پس و پیش شده است؛ بنداری: ثم بلغ بکم الأمر
 من شریکم ألیان الإبل و أکلکم أضباب القیمان إلى تمنی أسرة الملوک العجم أرباب التخت و التیجان (۱۵۴) ۱۹-س، ق، ک، س، ۲
 (نیز، ن، ل، ل، ۲، و، ب): بر گاه؛ (پ: بر بزم)؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز ق، ۲) ۲۰-ل، رخ؛ ک (نیز، ن، ۲): دل؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱-(ب:
 ناتوان) ۲۲-س-س، ۲ (نیز، ن، ل، ل، ۲، آ، ب): که گنجش نگیرد کمی (ک، ل، ۲، س، ۲: یکی) زان (ق: ک: راه؛ ن: ز: کئی؛ ل، ۲: همی زان نگیرد)
 زیان (لی: میان؛ ب: دین جهان)؛ متن = ل (نیز ق، ۲، پ، و، ل، ۲)؛ بنداری: فأقبل الی خدمة الملک حتی تری من اذا تبسم و هب أثمان جمیع
 رموس العرب، و لا ینقص ذلک کنزه شیئا

که با زنگ ززند^۲ و با گوشوار،
نیازند^۳ خورد^۴، از کران تا کران،
که بر^۷ دشت نخچیر گیرد^۸ به نگ!
که شاه آن به چیزی همی نشمرد!^{۱۰}
ز راه^{۱۲} خرد مهر و آرم نیست؟!
چنین^{۱۴} تاج و تخت آمدت^{۱۵} آرزوی^{۱۶}؟!
سَخُن بر گزافه نگویی^{۱۹} همی،
جهان دیده و^{۲۰} گرد و زیبا^{۲۱} فرست،
به تخت کیان رهنمای تو کیست؟
بخوام^{۲۴} ازو، هرج گویی بخواه^{۲۵}!
که فرجام کار انده آید^{۲۹} به روی^{۲۸}!

سگ و یوز و بازش ده و دوهزار^۱
به سالی همه دشت نیزه وران
که او را بیاید^۵ به یوز^۶ و به سگ
سگ و یوز او بیشتر زان^۹ خورد
۱۵۵ شما را به دیده ندرون^{۱۱} شرم نیست؟!
بدان چهره و زاد و آن مهر و خوی^{۱۳}
جهان گر بر^{۱۷} اندازه جویی^{۱۸} همی،
سَخُن گوی مردی بر ما فرست
بدان تا بگوید که رای^{۲۲} تو چیست؟
۱۶۰ سواری فرستم بدین نزد^{۲۳} شاه
تو جنگ چنان^{۲۶} پادشاهی^{۲۷} مجوی^{۲۸}!

۱-ق: بوده هزار ۲-ق: زَرین ل ۳-ق: این بیت را ندارد ۳-ل، ک (نیز پ): نیابند (در ل حرف یکم بی نقطه)؛ س: آ: بیاوند؛ (ن: نیابند (I))
ن: آ: بیاید؛ آ: بیابند؛ متن: س، ق (نیز ق ۲، ل، ک، ب) ۴-ک (نیز ل ۳): خود؛ ل ۲، و این بیت را ندارند هـس (نیز ب): به باز و؛ ک: بیاید؛
پ: بر آید؛ متن: ل، ق (نیز ل، ق، ل، ک، ن، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹،

نیرجهاندار^۱ نوشین روان
 پدر بر پدر شاه و خود^۳ شهریار
 جهانی مکن پر ز نفرین خویش!
 ۱۶۵ که تخت کیان چون^۶ نباشد نژاد
 نگه کن بدین^۹ نامه ی پندمند

که با داد او پیر گشتی^۲ جوان
 زمانه ندارد چنو^۴ یادگار!
 مشو بدگمان اندر آیین خویش^۵
 نجوید^۷ خداوند فرهنگ^۸ و داد!
 مکن^{۱۰} چشم و گوش^{۱۱} خرد را به بند^{۱۲}!

چو نامه به مهر اندر آمد بداد^{۱۳}
 بر سعد وقاص شد پهلوان
 همه غرقه^{۱۷} در جوشن و^{۱۸} سیم و زر
 ۱۷۰ چو بشنید سعد آن^{۱۹} گرانمایه مرد
 فرود آوردندش اندر زمان^{۲۰}
 هم از شاه و دستور و از^{۲۲} لشکرش^{۲۳}
 ردی^{۲۶} زیر^{۲۷} پیروز بفرگند^{۲۸} و گفت
 به^{۲۹} دیبا نگویند^{۳۰} مردانِ مرد

به پیروز شاپور فرخ نژاد^{۱۴}
 از^{۱۵} ایران بزرگان^{۱۶} روشن روان
 سپه‌های زرین و زرین کمر
 پذیره شدش با سپاهی چو گرد
 بیرسید سعد از تن^{۲۱} پهلوان
 ز سالار بیدار^{۲۴} و از^{۲۵} کشورش^{۲۳}
 که ما نیزه و تیغ داریم جفت!
 به زر و به سیم و به خوان^{۳۱} و به خورد!

۱-س، ق، س (نیز، آ، ب): سپهدار؛ متن = ل، ک، ل (نیز، ل، ق، ل، ل، ل، ق، ک، ل (نیز، پ، ل، آ): گردد؛ متن = س، س (نیز، ل، ق، آ، ل، و، آ، ب)؛ لی این بیت را ندارد ۳-س، ق، ل، آ، س (نیز، ب): هم؛ (و، او): متن = ل، ک، ل (نیز، ل، ق، آ، ل، پ، ل، آ، آ): جز او؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد ۵-پ: و کیش ۶-ل: به تخت کیان تا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷-آ: ببیند ۸-س، س، س (نیز، ل، ل، و، ب): آیین؛ متن = ل (نیز، ق، آ، ب)؛ لی این بیت را ندارد؛ ک، ل، آ، افزودند:

خداوند او را کند آزمون به فرجام او (فرجامشان) هم بود رهنمون

ک افزوده است (= ۱۶۹) ۹-ل: برین؛ متن = س، ب ۱۰-ک: بکن ۱۱-ل: گوش و؛ (ق: گوش و چشم)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲-س، آ: میند؛ (و: بدگمان چشم خود را میند)؛ بندای ۱۶۲-۱۶۶ را ندارد ۱۳-ق: اندر آورد داد ۱۴-ق: خسرو نژاد ۱۵-ل، پ، ل، آ: (ز) ۱۶-س، آ: بزرگان و ۱۷-پ: غرق ۱۸-س، ق (نیز، ل، ب): آهن و؛ (ق: جوشن؛ ل: گوهر و)؛ متن = ل، ک، ل، آ، س (نیز، ل، پ، آ)؛ در ک این بیت پس از ۱۶۵ آمده است؛ بندای: فخرم الكتاب و بعثه الی سعد رضی الله عنه علی یدی فیروز بن شاپور أحد امرائه، فی جماعة من أمائل الفرس، فی الملابس الخسروانیة، و المناطق المرصعة، و الأسلحة المحلاة بالذهب ۱۹-ق: ل، آ: <آن>؛ ل: بجوشید سعد حآن > ۲۰-ق: آ: آوردش به روشن روان؛ پ: آوردش هم اندر زمان؛ س-ل (نیز، ل، آ، و، آ، ب): سپهد فرود آمد و هم گوان (س) اندر کمان (حرف دوم واژه دوم بی نقطه)؛ ق، آ: از مرکبان؛ ک، ل، آ: اندر میان؛ ل، ب: اندر زمان؛ و: بدگوان؛ متن = ل، ۲۱-س-ل (نیز، ل، ل، پ، ل، آ، ب)؛ ز: لشکر بیرسید و از (ق، ل، ق، ل، آ، و، ز)؛ (ق: سپهد بیرسیدش از؛ ل: بیرسید از لشکر و)؛ متن = ل، ک، ل (نیز، و)؛ س، آ این بیت را ندارد ۲۲-ل، ق، ک، ل (نیز، ل، آ): وز ۲۳-ق، ل (نیز، ل، آ): کشورش - لشکرش ۲۴-س، ق: و پیلان (ب: و پیران) ۲۵-ل، ق (نیز، پ، ل، آ): وز؛ س، آ، ل، ل، آ، آ این بیت را ندارند ۲۶-س، ل، آ، س (نیز، ل، آ): ردا ۲۷-ک: ز در بر به ((؛ ل، آ: نظر پس به) ۲۸-ل: او در بیفکند؛ ل، آ: و؛ س، آ، ل، ل، آ، آ این بیت را ندارند؛ بندای: فاستقبلهم سعد و أکرهم ثم أنزلهم فی منزله، و طرح رداه تحت فیروز، و اعتذر الیه عن رثانة العلبوس و المیسوط و قال: إنا قوم لناعول إلا علی الصفاح و الرماح ۲۹-پ: (ز) ۳۰-و: نکوشند؛ ل، آ: به دنیا نکوشند ۳۱-ک: (نیز، ق، آ، و): خواب؛ متن = ل، ل (نیز، ل، آ، ب)، ل، ل، ل، آ، ب این بیت را ندارند؛ بندای: و لا نقول بالذبیح و الحریر و المسک و العبیر، و لا نقتخر بالمطعم و المشرب؛ ق، آ، افزوده است:

همه چون زنان رنگ و بوی و نگار
 دگر نقش بام و در آراستن (!)

شما را به مردانگی نیست کار
 هنر تان به دیباست آراستن

همه ساله با بوی و^۳ رنگ و^۴ نگارا
تنش^۶ چون گلاب مَصْعَد^۷ بود!
نباید^۹ به باغ بلا کینه^{۱۰} کشت!
چُنین^{۱۳} باغ و میدان و ایوان^{۱۴} و کاخ،
نخزم^{۱۸} به دیدار^{۱۹} یک^{۲۰} موی حورا!
چُنین خیره گشت^{۲۱} از پی^{۲۲} تاج و گنج!
بدین^{۲۵} یوز و باز و بدین مهد^{۲۶} و تاج!
نیز زد، تو دل زو^{۲۸} چه داری به درد^{۲۹}!
نبیند بجز^{۳۱} دوزخ و گور تنگ!
نگر تا چه آید^{۳۳} کنون رای اوی^{۳۳}!
درد محمد^{۳۵} همی کرد یاد!

همان تاج یابد^۱، همان^۲ گوشوار
شفیع از گناهش^۵ محمد بود
۱۸۵ به کاری^۸ که پاداش یابی بهشت
تن^{۱۱} یزدگرد و جهان^{۱۲} فراخ
همه^{۱۵} تخت و گاه^{۱۶} و همه^{۱۵} جشن و^{۱۷} سور
دو چشم تو اندر سرای سپنج
بس ایمن شده سستی^{۲۳} بدین^{۲۴} تخت عاج
۱۹۰ جهانی کجا^{۲۷} شربتی آب سرد
هر آنکس که پیش من آید^{۳۰} به جنگ
بهشتت اگر بگردد^{۳۲} جای اوی^{۳۳}
به فرطاس مَهر عرب برنهاد

۱-ل: دارد؛ ل^۲ (نیز ق^۲، بی، ب): یابد؛ ل^۳: یابی؛ متن = س، ق، س^۴ (نیز ل^۵، پ، و، ل^۶) ۲- (ل^۷: یاره با تاج و با؛ آ: ترا تاج و تختست و هم) ۳- ل: جو؛ س، س^۴ (نیز ل^۵، پ، ل^۶، آ، ب): بویست و؛ (و: همان سایه و فز و)؛ متن = ق، ل^۷ (نیز ق^۲) ۴- (ل^۵: همان بوی بارنگ و نقش)؛ ک: این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم قال: و إن تبع ملککم هذا النبی الطاهر، و زین بقبول رسالته الباطن و الظاهر، فملک الدارین له مسلّم، و هو علی التاج و التخت مقرر محکم هـ (ل^۸: آ: گناهت؛ ل^۹: گناهان) ع (ل^{۱۰}: آ: تنت) ۷- س: مصعد؛ ق^{۱۰}: مسعد؛ ل^{۱۱}: معقد؛ ک: این بیت را ندارد؛ بنداری: و کان رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه و سلم له شافعا مشفعا ۸- (ل^{۱۲}: و، آ: بجایی) ۹- (ل^{۱۳}: گل اندر) ۱۰- س، ق، ل^{۱۴}، ل^{۱۵} (نیز ل^{۱۶}، و، ب): خار؛ ک: کسب (بی نقطه)؛ متن = ل (نیز پ) ۱۱- (ل^{۱۲}: ازین) ۱۲- (ل^{۱۳}: جهانی) ۱۳- (و: پراز) ۱۴- ق (نیز ق^۲، پ، آ): ایوان و میدان ۱۵- (ق^{۱۶}: همان) ۱۶- ل، ق، س^{۱۷} (نیز ل^{۱۸}، ل^{۱۹}، ب): تخت گاه؛ ک: تخت (نیز ق^۲، ل^{۲۰}، و): تخت و تاج؛ متن = س، ل^{۲۱} (نیز ل^{۲۲}، پ، آ): ۱۷- ل، ق (نیز ل^{۱۸}، ب): جو < ۱۸- (ق^{۱۹}: ل^{۲۰}: نیز زد) ۱۹- (ل^{۲۱}: دیدار و) ۲۰- (ب: آن)؛ بنداری: ثم قال: ما باله يستعظم هكذا أمر تاجه و تخته، و یُعجب بسواره و طوقه، و یزهی بمجالسه و ملابسه؟ ألا یعلم أن شعرة واحدة من حورية خیر من جمیع ذلک؟ ۲۱- ل: شد؛ متن = س، ب ۲۲- ک: (نیز ل^{۲۳}، و، آ): اندرین؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ در و این بیت با بیت سپهین پس و پیش شده است ۲۳- (ل^{۲۴}: ل^{۲۵}، ل^{۲۶}، ق^{۲۷}، آ): برین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵- ک: برین ۲۶- س، ک، س^{۲۷} (نیز پ، ب): مهر؛ (ل^{۲۸}: فز)؛ س (نیز ل^{۲۹}): گنج و مهر و بدین تخت؛ (ل^{۳۰}: بدن زور بازو و آن مهر؛ ق^{۳۱}: به یوز و به باز و بدین مهر)؛ متن = ل، ق، ل^{۳۲}، س، ق، ل^{۳۳} (نیز ب): نیز دهمی؛ متن = ل، ک (نیز ل^{۳۴}، ق^{۳۵}، آ): ۲۸- ل: دلت را؛ (ق^{۳۶}: آ: زو دل؛ پ، آ: تو زو دل)؛ متن = ک (نیز ل^{۳۷}، ل^{۳۸}) ۲۹- س، ق، ل^{۳۹}، س^{۴۰} (نیز ب): بدان ای جهانیجوی مرد نبرد؛ ل^{۴۱}: این بیت را ندارد؛ پ افزوده است:

خردهند نهج جهان را به هیچ مشو غزه و از ره دین میج

۳۰- (و: پیشم بیاید) ۳۱- ق، س^{۳۲} (نیز ل^{۳۳}، آ): ببیند بدل؛ (ق^{۳۴}: ببیند تنش)؛ متن = ل، س (نیز ل^{۳۵}، ب): ک: افزوده است:

وگر دین پذیرد یکی رای تو بهشتت چون بگذری جای تو

همه کوشش ماست از بهر دین نه از بهر دیهیم و گنج و نگیں

۳۲- (ل^{۳۳}: بگذری؛ ق^{۳۴}: بگرو؛ و: بگذرد)؛ ک: چون بگذری؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۳- ل، س، ق، ل^{۳۴}، س^{۳۵} (نیز ل^{۳۶}، و، ب): او؛ ک: (نیز ق^{۳۷}، آ): تو؛ متن = (ل^{۳۸}: پ) ۳۳- ل (نیز ق^{۳۹}، پ): باشد؛ ق: گوید؛ ک: دارد؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ در ق^{۴۰} این بیت پس از ۱۸۹ آمده است؛ ک: ل^{۴۱} پس از این بیت و ق^{۴۲} پس از ۱۹۰ افزوده اند:

همیشه بود آن و این بگذرد چنین داند آنکس که دارد خرد

۳۵- ل: بدو؛ س، ق، ل^{۳۶}، س^{۳۷} (نیز ل^{۳۸}، ب): پیمبر همی؛ متن = ک (نیز ل^{۳۹}، ق^{۴۰}، ل^{۴۱}، آ): بنداری: و لم یربط قلبه بدنیا لا تساوی عند العاقل شربة ماء؛ فان اتمت بتعمت الأمر و أسلمتم فالجنة ماؤاکم، و إن أیتم و حاربتم فالجحیم متواکم. فأعلمونی بما یسفر عنه آراؤکم. و السلام

فرستاده‌ی سعدِ وقاص رفت^۱
 ۱۹۵ چو شعبه^۳ مُغیره برفت از گوان^۴
 از^۵ ایران یکی^۷ نامداری ز^۸ راه
 که آمد فرستاده‌یی پیر و^{۱۰} سست
 یکی تیغ باریک^{۱۳} بر^{۱۴} گردنش
 چو رستم به گفتار او بنگرید
 ۲۰۰ ز^{۱۷} زربفت چینی کشیدند نخ
 نهادند زرین یکی زیرگاه^{۱۸}
 نشستند از^{۲۰} ایرانیان^{۲۱} شست^{۲۲} مرد
 به زر بافته^{۲۴} جامه‌های بنفش
 همه طوق‌داران با^{۲۶} گوشوار
 ۲۰۵ چو شعبه^{۲۸} به بالای^{۲۹} پرده‌سرای
 همی‌رفت بر خاک بر خوارخوار

بزدیک رستم خرامید و^۲ تفت^۱
 که آید بر رستم پهلوان^۵،
 بیامد بر^۹ پهلوان سپاه،
 نه اسب و سلیح^{۱۱} و نه چشمی^{۱۲} درست،
 پدید آمده^{۱۵} چاک پیرانش!
 ز دیبا سرآورده‌یی برکشید^{۱۶}
 سپاه اندرآمد چو مور و ملخ
 نشست از برش^{۱۹} پهلوان سپاه
 سواران و شیران^{۲۳} روز نبرد!
 به پای^{۲۵} اندرون کرده زرینه‌کفش
 سرآورده آراسته شاهوار^{۲۷}
 بیامد^{۳۰}، بران^{۳۱} جامه نهاد^{۳۲} پای
 ز شمشیر کرده یکی دستوار^{۳۳}

۱- (ن، ق، ل، و، ن، آ، ب)؛ ۲- متن = س-س (نیز ل، آ، ب) ۳- س-س (نیز ن، ق، ل، و، ب)؛ ۴- متن = (ل، ن)؛ ۵- پ این بیت را ندارد؛ ل^۲ افزوده است:

به شعبه مغیره بگفت آن زمان که این نامه سوی سپهبد رسان

۳- ق: شعبی؛ ل: به شعبه ۴- ل: آن زمان؛ ک: ل، آ: از میان؛ (ن: آ: از کیان)؛ متن = س، ق، س (نیز ل، ب، و، ب)؛ (ن: چو سعد مغیره بشد نازان؛ ق: به شعبه معبر بگفت آن زمان) ۵- (ق: که این نامه سوی سپهبد رسان)؛ ل، آ: این بیت را ندارد؛ بنداری: فحتم الكتاب و نغذ مع شعبه- هکذا قال ۶- ک (نیز پ-ب)؛ ز: متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ن، ل، ق) ۷- (ن، ل، آ: ایرانیان) ۸- س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ب)؛ به: متن = ل، ک (نیز ن، ل، آ) ۹- س، ق، ل، آ (نیز ل، ب)؛ س: متن = ل، ک، س (نیز ن، ل، آ)؛ ق: این بیت را ندارد؛ بنداری: فأقبل متقلدا سیفه حتی قرب من مخیم رستم فأعلم بوصول رسول سعد ۱۰- س، ق (نیز و)؛ ۱۱- س (نیز ل، و)؛ سلاح ۱۲- س، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، و، آ، ب)؛ چشم؛ ق (نیز ن)؛ چشم؛ (ن: آ: جسم)؛ متن = ل (نیز پ)؛ ک: این بیت را ندارد؛ در ن ۱۹۵-۱۹۷ و در ۱۹۶۱ و ۱۹۷ پس از ۱۹۸ آمده‌اند ۱۳- ل: تاریک ۱۴- س، ل، آ، س (نیز ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب)؛ در: متن = ق (نیز ن، و، آ) ۱۵- س: آمد و؛ ک این بیت را و بنداری ۱۹۷ و ۱۹۸ را ندارد ۱۶- (ق، آ، ن: آ: برگزید)؛ ق: ک این بیت را ندارند ۱۷- (ن: به)؛ ک این بیت را ندارد ۱۸- (پ: پیشگاه) ۱۹- ل: اندرو؛ (ب: از بر)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ک این بیت را ندارد ۲۰- ک: بر او از؛ ق (نیز ن، ق، ل، آ، ن، آ)؛ ن: نشستند؛ جازع؛ (پ: بی‌وود از؛ ب: نشسته از)؛ متن = ل، آ، س (نیز و) ۲۱- س (نیز ل)؛ ن: نشستند پیش حد و ۲۲- ک، س، آ (نیز پ، ب)؛ شصت؛ (ل: چند؛ آ: بیست) ۲۳- ل: مردان؛ متن = س-ب ۲۴- س، ق، ل، آ، س (نیز ن، ل، ن، آ، ب)؛ ابا افسر و؛ متن = ل، ک (نیز ق، آ، پ) ۲۵- ل: با؛ و این بیت را ندارد ۲۶- س: همان طوق‌دار از بر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷- (ل: چون بهار)؛ و این بیت را ندارد؛ بنداری: فاحفظ و جلس فی سرادق من الدبیاج، و حضر عنده ستون نفسا من اکابر ایران فی الأطواق و الأقراط، و المداسات الذهبية ۲۸- ک: مغیره ۲۹- (پ: به دهلیز) ۳۰- (ن: برآمد) ۳۱- ک، ل، آ (نیز ق، آ، ل)؛ بدان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۲- ل، ن (نیز ن، آ، ب)؛ بنهاد؛ در س، ق، حرف یکم بی‌نقطه؛ متن = ل، س، آ (نیز ق، آ، ل، ن، آ)؛ بران جامه‌ها هیچ نهاد ۳۳- ک: هندی یک دشنه‌وار

سوی پهلوان سپه^۱ ننگرید^۲
 به دانش روان و^۳ تن آباد دارم^۴
 اگر دین پذیری^۵ عَلِيكَ السَّلَام^۶
 بروهاش پُر چین شد و زرد روی^{۱۱}
 سَخُن ها برو^{۱۲} کرد خواننده^{۱۳} یاد
 که نه شهریاری، نه دیهیم جوی
 دلت آرزو کرد مر تخت را^{۱۵}
 ترا اندرین کار^{۱۷} دیدار نیست
 مرا رزم او کردن^{۱۹} آسان بُدی
 چه گویم که^{۲۱} امروز روز بلاستا
 به^{۲۴} دین^{۲۵} کهن گویم از^{۲۶} دین نو:
 بخواهدهمی بود با^{۲۹} ما درشتا
 که جای سخن نیست^{۳۰} روز^{۳۱} نیردا!

نشست از بر خاک و کس را ندید
 بدو گفت رستم که جان شاد دار^۳!
 به رستم چُنین گفت کای نیک نام^۶
 ۲۱۰ بیچید رستم ز گفتار^{۱۰} اوی^{۱۰}
 ازو نامه بستد به خواننده داد
 چُنین داد پاسخ که او را بگوی
 ندیده سر نیزهات بخت را^{۱۲}
 سَخُن نزد داندگان^{۱۶} خوار نیست
 ۲۱۵ اگر سعد با^{۱۸} تاج ساسان بُدی
 ولیکن بد از اختر^{۲۰} بی وفاستا
 ترا^{۲۲} گر محمّد بود^{۲۳} پیشرو
 همان^{۲۷} کز پُرگار^{۲۸} این کوزیشت
 تو اکنون بدین خرمی بازگرد

۱-ص، ق (نیز ق ۲، ل، ی، ل، و، آ، ب)؛ و سران؛ متن = ل، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، پ، ل، ن ۲) ۲-ک (نیز ل، ن، ی، ل، ن، ی، ل، ن ۲، ب)؛ بنگرید؛ در ل، س، ق، ۲، س، ۲، ق ۲، آ ۲ حرف یکم بی نقطه؛ متن = (ل ۳، پ، و)؛ بنداری؛ فأذن لشعبة بالدخول فدخل حاملًا سيفه، و عليه ثوب ممزق الأذبال. فما وطىء تلك البسط، و لا داسها برجله، بل سار على التراب رهوارها لا يلفت الي أحد حتى قرب من رستم ۳-ق، ک، ل ۲ (نیز ق ۲، پ، ل، ن ۲)؛ دل (پ: تن) شاد دار؛ (ل، ن، و، آ: که آباد بادا)؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز ل، ی، ب) ۴-ل ۲: بر ۵-ل، ن، و، آ: تن و تخم این دودمان شاد دار؛ ل ۳، بنداری این بیت را ندارند ۶-ل: بدو گفت شعبه علیک السَّلَام؛ (ق ۲: بدو گفت شعبه که ای نیک نام)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷-ک: پرستی ۸-ل: شوم شاد کام؛ متن = س-پ؛ بنداری؛ فقال: إن قبلت الدين فعليك السلام ۹-ق، ل ۲: کردار؛ (ب: دیدار)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰-ل-ک (نیز ل، و، ب)؛ او؛ متن = ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۳، پ، ل، ن ۲) ۱۱-ل، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، ل، ی، و، ب)؛ از کار او (ل ۲، ق ۲: اوی)؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز ل ۳، پ، ل، ن ۲)؛ ل، ن، آ این بیت را ندارند؛ در س، ق، ل ۲، س ۲، ب بیت های ۲۱۰ و ۲۱۱ و در ل ۲۱۰ و ۲۰۹ و ۲۱۰ پس و پیش شده اند؛ پایی بیت های متن = ل، ک (نیز ق ۲، پ، و، ل، ن ۲) ۱۲-ک: درو؛ (ل، ی، ل ۲: بدو) ۱۳-ق ۲: داندند؛ (بنداری: معظم تحتی علی رستم فأعرض بوجهه، و تلوى علی نفسه. ثم تناول منه الكتاب؛ ک، ق ۲، ل ۲ افزوده اند:

چو بشنید آن نامه (ل ۲: گفته) سعد (ق ۲: گفتار داندند) پاک

کجا او به نی اندرون کرد چاک (ق ۲: از اندیشه

شد مرد ناباک خاک؛ ل ۲: ستد نامه سعد را کرد چاک)

۱۴-س-س ۴ (نیز ل-ب)؛ بدیدی (س، ق، ل ۲، ن، ی، ل، ی، ل، ن، ی، ل، ن ۲، ب)؛ ندیدی؛ پ؛ بدیده؛ و؛ ندیده؛ آ؛ بریده) سر (ق: سرو؛ پ: مگر) تیره (ل، ن) تخت و؛ ل ۲: خیره) بخت؛ مرا؛ متن = ل ۱۵-س-س ۴ (نیز ل-ب)؛ کرد تخت مرا؛ متن = ل ۱۶-ل (نیز ل ۲، ب)؛ خوانندگان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷-س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، و، ل، ن ۲، ب)؛ راه؛ متن = ل، ک (نیز ل، ن، ی، ل، ن ۲، ب)؛ آ؛ ل، ی این بیت را ندارد ۱۸-ل (ب: را) ۱۹-ق ۲: جستن)؛ س-س ۲ (نیز ل، ن، ی، ل، ی، و، آ، ب)؛ رزم و بزم وی؛ متن = ل (نیز ل ۳، ل ۲) ۲۰-ل: بدان کاخترت؛ س: چو بداخترم؛ (ل: ازین افسر؛ ل: چو بد زاختر؛ و؛ چو اختر چنین)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱-ل: گویم کامروز؛ متن = س-ب ۲۲-س-س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، پ، ل، ن ۲، آ، ب)؛ مرا؛ متن = ل (نیز ل، و) ۲۳-س (نیز ب)؛ بدی ۲۴-س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، و، ل، ن ۲، ب)؛ ز؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲، ل ۲، پ، ل، ن ۲، آ، ب) ۲۵-ق ۲: کین) ۲۶-ک: از؛ س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ب)؛ گیرم این؛ (و؛ گیرد این)؛ متن = ل (نیز ل، ق، ل ۲، پ، ل، ن ۲، آ، ب)؛ ل، ی این بیت را ندارد ۲۷-س، ل، س ۲ (نیز و)؛ همین ۲۸-ل (ن: کز پُر دار؛ آ: اگر بدین کار) ۲۹-ق ۲: و؛ بر؛ آ: بخواهد شدن نیز با)؛ ق، ل، ی این بیت را ندارند ۳۰-س، ک: نیست و ۳۱-ک: جای؛ ق، ل این بیت را ندارد

هم آورد نیزه‌وران داشتند
 هم اسب گرانمایه از کارزار^۴
 دهان خشک و گویازبان^۵ چاک‌چاک
 گیل تر^۷ به خوردن گرفت اسب و مرد!
 ازین^۹ روی رستم، و زان^۹ روی سعد^{۱۰}
 به یکسو کشیدند از^{۱۱} آوردگاه
 به زیر یکی تند^{۱۲} بالا شدند
 دو سالار، هر دو به دل^{۱۳} کینه‌خواه
 یکی تیغ زد بر سر اسب سعد
 جدا گشت ازو^{۱۷} سعد پرخاشختر
 بدان تا نماید بدو^{۱۹} رستخیز
 ز گرد سپاه^{۲۱} این مران^{۲۲} را ندید^{۲۳}

به بربر^۱ سیلیح^۲ گران داشتند
 شد از تشنگی دست گردان^۳ ز کار
 لب رستم از تشنگی شد چو خاک
 چو بریان و گریان شدند از^۶ نبرد
 ۲۳۰ خروشی برآمد بکردار^۸ رعد
 برفتند هر دو ز قلب سپاه
 چو از لشکر آن هر دو تنها شدند
 همی‌تاختند اندر آوردگاه^{۱۳}
 خروشی برآمد ز^{۱۴} رستم چو رعد
 ۲۳۵ چُن^{۱۵} اسب نبرد^{۱۶} اندرآمد به سر
 برآهیخت^{۱۸} رستم یکی تیغ تیز
 همی‌خواست از تن سرش^{۲۰} را برید

۱-س: برها؛ (نیز ق ۲، ن ۲): تن بر؛ (لی: بردر؛ و: تن در)؛ متن = ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل ۲، پ، آ، ب) ۲-س، س، ۲ (نیز لی، و، ن ۲، ب): سلاح؛ ل، ن این بیت را ندارند؛ بنداری؛ و نقلت علی‌الایرانیین أسلحتهم حتی کادت تحترق أجسادهم تحت الدروع، و تذوب أفندتهم بین أحناء الضلوع ۳-(ن: رستم) ۴-(ب: لب رستم از تشنگی شد چو خار) ۵-س، س، ۲ (نیز ن، لی، ل، و): زبان (ن: زبان) گشت (س ۲: گشته) اندر دهن (س ۲، ل، ل: دهان)؛ ق، ک، ل (نیز ق ۲، ل، ۲): زبان گشته از تشنگی؛ متن = ل (نیز پ، ن، آ، ل: دهن)؛ ب این بیت را ندارد ۶-س، ۲ (نیز ب): شد اندر؛ (ن: آ: گریان و بریان شد اندر)؛ س (نیز ن-پ، آ): چنان تنگ شد روزگار؛ متن = ل، ق، ل، ۲؛ بنداری؛ و غلبهم العطش حتی عصبت أشداقهم، و غارت أحناقهم. و بلغ بهم و بدواهم الأمر لی أن أكلوا الطین و التراب المبلول؛ ک، آ، افزوده‌اند:

چو (چن) آن دید رستم یکی حمله کرد
 بران نامداران روز نبرد
 سواران تازی درو تاختند
 به نیزه از اسب اندر انداختند

بافزوده است:

چو رستم به جنگ اندرون بنگرید
 سر نامداران همه گشته دید

۷-(ق: که لشکر) ۸-(پ: برآورد برسان) ۹-س، ق، س، ۲ (نیز لی، پ، ن ۲، ب): از آن ... وزین؛ ل: از آن ... وزان؛ (و: ازین ... وزین)؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲، ل ۲) ۱۰-(ن: یکی تیغ زد بر سر اسب سعد = ۲۳۴)؛ آ بیت‌های ۲۳۰-۲۴۵ را ندارد ۱۱-ل: ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ن این بیت را ندارد ۱۲-ل: سرو؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ن، و این بیت را ندارند ۱۳-س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لی، ب): اندر آن رمگاه ... بر یکدگر؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲، ل، ۲، پ، ن ۲، ب، ل، ن، و این بیت را ندارند)؛ ک، ق، و (پس از ۲۳۱)، ن ۲ افزوده‌اند:

تن رستم از تشنگی ناتوان
 بکوشید هر دو (لیکن) ز بهر (از بهر شیرین) روان

۱۴-ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق ۲، پ، و، ن ۲): برآورد؛ متن = ل، س، ک (نیز لی، ل، ۳، ب)؛ ن این بیت را ندارد ۱۵-ل-س (نیز ن، ق، ۲، ل، ۳، پ، و، ب): چو؛ متن = (ل ۲) ۱۶-(لی: تگاور ز درد) ۱۷-ل، ق (نیز ن، ن ۲): شد ازو؛ ک: کرد زو؛ متن = ل، س، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق ۲-و، ب) ۱۸-ل-س، ۲ (نیز ن-ن ۲، ب): برآهخت؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹-س: بر او؛ (ن: ورا؛ پ: یکی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-ک: تنش سر ۲۱-ل-ک (نیز ن ۲): سپه؛ (ق ۲، ل، ۲، سپه: پ: سپاه)؛ متن = ل، ۲، س، ۲ (نیز ن، لی، ب) ۲۲-(ن، پ، ب: مرو؛ لی: آنکه او) ۲۳-ک (نیز ق ۲): شد جهان ناپدید؛ و این بیت را ندارد

بزد بر کمر بر سر^۲ پالهنک
 بشد سعد پویان ز^۴ جای نبرد
 که خون اندر آمد^۸ ز تارک^۹ به روی^{۱۰}
 جهانجوی تازی برو^{۱۲} چیره^{۱۳} گشت^{۱۱}
 به خاک اندر افگند^{۱۴} جنگی تنش
 کسی را سوی^{۱۹} پهلوان راه نی^{۱۸}
 برفتند تا پیش آوردگاه
 سراپای^{۲۲} کرده به شمشیر چاک
 بسی نامور کشته شد در^{۲۳} میان^{۲۴}

فرود آمد از پشت^۱ زین پلنگ
 ببوشید دیدار رستم ز^۳ گرد
 یکی تیغ زد بر سر^۵ ترگ^۶ اوی^۷
 چو دیدار رستم ز خون تیره گشت^{۱۱}
 دگر^{۱۴} تیغ زد بر بر^{۱۵} و گردنش
 سپاه از دو رویه خود^{۱۷} آگاه نی^{۱۸}
 همی جست مر پهلوان را سپاه
 بدیدندش^{۲۰} از دور پر خون و^{۲۱} خاک
 هزیمت گرفتند ایرانیان

۱-س.ق.ل.۲.س.۲ (نیز ل.ل.۲.ب.): اسب و؛ متن = ل.ک. (نیز ل.ن.ق.۲.ب. و.ل.ن.۲) ۲-ق.آ: کمرگاه بر؛ ک.ق.۲. و.ل.ن.۲ افزوده اند:

چو بر سینه سعد رستم (ق.آ: سپهد چو بر سینه او) نشست
 گرفت آن سرو (و.ل.ن.۲: زمان) ریش او را به دست (ق.آ: همی خواست تا سر بیردش پست)
 همی خواست از تن سرش را برید
 ز رخسند تیغ وی اسبش (ق.آ: و؛ تیغ اسبش اندر) رمید
 بر آن روی میدان کشیدش به روی (ق.آ: سپهد کشیدش بر آن روی خاک)
 رها شد به جان سعد از دست اوی (ق.آ: به بالا برآمد جهانجوی پاک)
 از آن جای برجست آن شیر مرد (ق.آ: چو از دشت آورد برخاست گرد)
 بر رستم آمد بگردار گرد

۳-ک: چو ۴-ق.ل.۲ (نیز ل.ن.۲.ب.): به؛ متن = ل.س.ک.س.۲ (نیز ق.آ.لی.و.ب.)؛ ل.ن.۲ این بیت را ندارد؛ ل.افزوده است:

بر آورد شمشیر سعد از نیام یکی نعره زد ببر جوینده نام

۵-س.ق.ک. (نیز ل.ن.): سرو؛ متن = ل.ل.۲.س.۲ (نیز ق.آ.لی.و.ل.۲.ب.ب) ۶-ب: (ب: اسب) ۷-ق: او ۸-ل.۲: خوش درآمد ۹-س.س.۲ (نیز ل.ب.): ترگش؛ (ق.آ: بالا)؛ متن = ل.ق.ک.س.۲ (نیز ق.آ.ب.ب) ۱۰-ق: رو؛ و.ل.ن.۲ این بیت را ندارند ۱۱-ل.ش: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲-ل.ق.ل.۲ (نیز ل.ب.): بدو؛ متن = س.س.ک.س.۲ (نیز ل.ن.ق.آ.ل.۲.ب) ۱۳-ل.ب: (ب: خیره)؛ و.ل.ن.۲ این بیت را ندارند ۱۴-ل.ن.ب.ن.۲: (یکی) ۱۵-س (نیز ل.ن.ق.آ.ب.): سر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶-ق: (آ: افتاد) ۱۷-س (نیز ل.ب.ن.۲): کس؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ل.س.۲ (نیز ق.آ.لی.و.ل.۲.ب.): نه؛ متن = (ل.ن.ب) ۱۹-ل.۲: بر ۲۰-ل.۲.ب: بدیدند) ۲۱-ل.ن.۲: بدیدند پس پر ز خون و ز ۲۲-ق: (سرو پای)؛ ک.ق.آ.ن.۲ افزوده اند:

از آن کینه با (بر) لشکر تازیان
 سپه را بکردند زیر و زبر
 بکشتند از آن تازیان بی شمار
 ولیکن هم (همه لشکر) از تشگی با خروش
 5 چو بی آب لشکر چنان خیره گشت
 یکی حمله بردند ایرانیان
 به تیغ و به زوبین و تیر و تبر
 بدادند داد اندر آن کارزار
 نه با مرد زور و نه با اسب توش (جوش)
 برایشان سپاه عرب چیره گشت

بنداری (۲۳۰-۲۳۴): فلما رأی رستم ذلک بارز سعدا فغلبه سعد، و ضرب علی رأسه ضربة تشظت منه بیضته، و انفطقت هامته فضر به ضربة ثانية نزلت من عاتقه الی صدره. و الله یختص من یشاء بنصره ۲۳-س.آ: زان؛ (و: زین) ۲۴-آ: غنیمت گرفتند آن تازیان؛ ل.ن. این بیت را ندارد؛ ک.افزوده است:

پس اندر سواران نیزه وران همی آمدند با سپاهی گران

بسی تشنه^۱ بر^۲ زین بمردند نیز پُر آمد ز شاهان جهان را^۳ قفیز^۴!

سوی شاه ایران بیامد^۴ سپاه به بغداد بود آن زمان یزدگرد ۲۵۰ هم آنگه^۸ به کرخ اندرون شد ز راه^۹ فرخزاد^{۱۰} هرمزد با^{۱۱} آب چشم

شب تیره و روز تازان^۵ به راه^۶ که او را سپاه اندر آورد^۷ گرد هم از پارسی، هم ز تازی سپاه^{۱۰} از^{۱۲} ارون درود^{۱۳} اندر آمد به خشم

۱-ل: بسته؛ س: کشته؛ ق: خسته؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲- (لی. و: در) ۳- س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز لی. ب): ز شاهان جهان را بر (س): پر (آمد): ک (نیز ل: ۳): بر (ل: ۳): پر (آمد جهان را ز گردان: (ق: ۲): بر آمد ز گردان جهان را؛ و: ز شاهان بر آمد جهان را؛ ل: ۲: جهان را بر آمد ز شاهان: (متن = ل (نیز پ: ل: بر): ل: ۲، این آیین بیت را ندارند؛ بنداری: فهلك رستم و انهرم الفرس فتبعهم المسلمون فقتلوا بعضهم، و مات العطش بعضهم؛ ق: ۲، ۱ (پس از ۲۴۶): افزوده اند:

پس اندر سواران نیزه وران همی آمدند با سپاهی گران

۴- (ق: ۲: چو آمد) ۵- س: یازان؛ ک (نیز ل: ۳): پویان؛ (ل: ۲: روشن)؛ متن = ل (نیز ق: ۲، ل: پ. ب) ع. ق. ل. ۲ (نیز و): بسی بازگشتند از (ق: ز) آوردگاه؛ س: ۲، ل: ۲، این آیین بیت را ندارند و در ل: ۲ با بیت سپین پس و پیش شده است؛ س: ک (پس از ۲۴۲)، س: ۲ (پس از ۲۴۷)، ل: ۲ (پس از ۲۴۵)، ق: ۲ (پس از ۲۴۵)، ل: ۲، ل: ۲، پ. و (پس از ۳۴۹)، ل: ۲، آ. ب. افزوده اند:

چو رستم به جنگ اندرون کشته شد سر نامداران همه گشته شد چه مایه بکشتند از (ز) ایران سپاه بسی بازگشتند از آوردگاه (ک، ب): از آن رزمگاه؛

ل: پ. ل: ۲: همه کشته دیدند بر دشت و راه)

سپاه مسلمان پس اندر دمان همی شد بگردار شیر ژیان

ک، س: ۲، ل: ۲، ق: ۲، ل: ۲، پ. و بیت سوم را ندارند؛ ل: بجای آن و ل: ۲ پس از آن افزوده اند:

شب تیره و روز روشن به راه (ل: ۲): بسی بازگشتند از آوردگاه)

چه مایه تبه گشت از ایران سپاه

ق: ل: ۲ پس از بیت ۲۴۸ افزوده اند:

شب تیره و روز تازان به راه نه بوق و نه کوس و نه آیین گاه

(ل: ۲): چه مایه بکشتند از ایران سپاه)

همی شد بگردار شیر ژیان

سپاه مسلمان پس اندر دمان (دوان)

ک پس از بیت ۲۴۸ افزوده است:

سپهدار با لشکر تازیان

فنازند ناگاه در طیسفون

ز بهر بر و بوم خون ریختند ابا نامداران برآویختند

۷- س. ق. ل. ۲ (نیز لی. و. آ. ب): اندر آمد به؛ متن = ل. ک (نیز ق: ۲، ل: ۲، پ. ل: ۲)؛ س: ۲، ل: ۲، این بیت را ندارند؛ س. ق. ل. ۲، ل: ۲، ب. افزوده اند:

بگفتند با او که رستم نماند ازین غم به دریا درون نم نماند

بکشتند چندی از ایران سپاه دگر بازگشتند از آن رزمگاه (ق: ل: ۲): یکسر ز راه)

بنداری: فباخ جمرهم و صاروا رمادا تذروه الرياح. فرکب المسلمون صهوات النصر را کفین لیللا و نهارا فی عساکر کالسلی و اللیل حتی نزلوا علی بغداد - هکذا قال - و فیها یزدجرد ۸- ل: چنین تا؛ متن = س. ق. ل. ۲، س: ۲ (نیز لی. ب) ۹- ق: یگاه؛ ل: ۲: شد سپاه؛ (لی): اندر آمد سپاه) ۱۰- (لی): به راه؛ ک، ل: ۲، ل: ۲، آ: این بیت را ندارند ۱۱- ک: هرمز پر از ۱۲- ل: به؛ ق: ک، ل: ۲ (نیز ل: ۲، ق: ۲، ل: ۲، و. ل: ۲): ز؛ متن = س. س: ۲ (نیز لی. پ. ب) ۱۳- ک: آورد کوه (۱)

که از نیزه‌داران نماند ایچ گرد
سوی رزم جستن به هامون^۳ شدند
شکست اندرآمد به ایرانیان
پر از گرد^۴ با آلت رزمگاه^۵
دو دیده پر از خون و دل پر^۶ گداز
که گاه کیی را بشولی^۷ همی!
که با تاج بر تخت شاید^۸ نشاندا!
میان جهان^۹ چون کنی کارزار؟
جهانی شود بر تو بر^{۱۰} انجمن!
جوانی و گاهست و رزم‌آزمای^{۱۱}!
یکی تازه^{۱۲} اندیشه آمد پدید:
به سر برنهاد^{۱۳} آن کیانی‌کلاه،
بزرگان و بیداردل‌موبدان،
چه دارید^{۱۴} یاد از گه باستان؟
گذر کن^{۱۵} سوی بیشه‌ی نارون،

به گرخ^۱ اندرآمد، یکی حمله برد
هم آنگه^۲ ز بغداد بیرون شدند
[چو برخاست گرد نبرد از میان^۳
فرخزاد برگشت و شد زنده^۴ شاه
فرود آمد از باره بردش^۵ نماز
بدو گفت: چندین^۶ چه مولی^۷ همی
ز تخم کیان کس جز از^۸ تو نماند
توی^۹ یک تن و دشمنان^{۱۰} صد هزار
۲۶۰ برو تا سوی^{۱۱} بیشه‌ی نارون
و زانجایگه چون فریدون بیای^{۱۲}!
فرخزاد گفت و جهانیان^{۱۳} شنید
دگر روز بر گاه بنشست شاه^{۱۴}
یکی انجمن کرد با^{۱۵} بخردان
۲۶۵ چه بینید - گفت - اندرین^{۱۶} داستان؟
فرخزاد گوید که با^{۱۷} انجمن

- ۱- (ق ۲، آ: بگرد) ۲- س، ک (نیز لن، لی، و، آ): یکایک؛ ق، س ۲ (نیز ب): چنین تا؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ق ۲، لن ۲) ۳- س (نیز لی): مرز چین
همایون؛ ک (نیز ق ۲، پ-آ): بکشند (ک: شکستند) و چندی (پ، و، آ: لختی) پر از خون؛ (لن: بکشند چندی و پر خون؛ ل: ز کرخ
گزین سوی همایون؛ متن = ل، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ب) ۴- لن: مهان؛ متن = ل ۲ (نیز ق ۲)؛ س، ق، ک، س ۲، لن، لی، ب این بیت را ندارند؛ بندآوری:
فعب فرخزاد آنخورستم مقتول دجلة و تبعته عساکر المدینة. فلقهیم المسلمون فی الکرخ، و جرت بیهم وقعة عظيمة قتل فیها خلق
کثیر من الفرس، و جرح منهم خلق آخرون ۵- س-س ۲ (نیز لن، لی، ب): برگشت نزدیک؛ متن = ل (نیز ق ۲) ۶- س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز
لی، و، آ، ب): برد پیش؛ (ق ۲، ل ۲، لن ۲، آ: ز اسب و بردش)؛ متن = ل ۹- س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز لی، پ، و، آ، ب): تن پر؛ ک (نیز لن، ل ۳، لن ۲): تن
در؛ متن = ل (نیز ق ۲) ۱۰- (لن، لن، آ: شاها) ۱۱- س (نیز لی، پ، ب): مویی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲- س (نیز لی، ب): تخت کیان را
بشویی؛ ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل ۳، پ، و): تخت (ل: تاج) کیی بر (و: را) بشولی؛ ک: تاج مهی برشولی؛ (لن، لن ۲: تاج کیان را بشولی؛ ق: آ: به
گاه کیی برشولی؛ آ: کجا آن سپه را بژول)؛ متن = ل ۱۳- ک: بجز ۱۴- ک (نیز لی، ل ۲، آ: باید؛ (و: که بتوانش بر تخت شاهی)؛ متن = ده
دستنویس دیگر ۱۵- س-س ۲ (نیز لن-ب): تویی؛ متن = ل ۱۶- س-س ۲ (نیز لن-ل ۳، و، ب): دشمنت؛ متن = ل (نیز پ) ۱۷- ق، ل ۲، ک: کیان؛
آ: یلان؛ ق: آ: ابا آن همه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بندآوری: فانصرف فرخزاد و دخل علی یزدجرد و قال: لایتم بهذه المدینة فقد
أصبحت هاهنا وحیداً، و حوالیک من العدد مائة ألف ۱۸- ک، ل ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۲، آ: سر؛ س ۲: همانا سوی؛ متن = ل، س، ق (نیز لی، پ، و،
لن ۲، ب): ۱۹- ک: بر سرت ۲۰- س، ق، ک، س ۲ (نیز لن-ب): برو؛ متن = ل، ل ۲ ۲۱- س، ق، ک، س ۲ (نیز لن-ب): جوانی (س، س ۲، لی، ب: چو
آتش؛ ق: آ: چو آبی) یکی کار برسان نو؛ متن = ل، ل ۲؛ بندآوری: فاخرج الی خراسان (ا) حتی تجتمع علیک العساکر هناک ۲۲- س، ق،
ک، س ۲ (نیز لن، لی، ل ۳، پ، آ، ب): سپهد؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ق ۲، لن ۲) ۲۳- لن: دیگر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ و این بیت را ندارد
۲۴- س (نیز ب): بنشست بر گاه شاه؛ س: بنشست بافر و گاه؛ ک (نیز لن، ل ۳، پ، و، آ): بیامد شهنشاه بافر و گاه؛ متن = ق، ل ۲ (نیز ق ۲، لی،
لن ۲) ۲۵- ک: برکنان ۲۶- ک، ل ۲ (نیز ل ۳، ل ۲، آ: از؛ ق: آ: از آن)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷- (و: چنین گفت کایدر بدین) ۲۸- (لن: آرید)
۲۹- (لن: آ: بی) ۳۰- (ل: آ: برو تا؛ آ: این بیت را ندارد

به ساری همه بندگان تواند!
 به مردم^۳ توان ساخت^۴ ننگ^۵ و نیردا
 به آواز گفتند کاینست^{۱۰} روی^{۱۱}
 مرا در دل اندیشه‌یی^{۱۴} دیگرست:
 بر و بوم آباد^{۱۶} و تخت و کلاه،
 بزرگی نباشد، نه مردی، نه رای^{۱۹}
 یکی داستان زد برین بر پلنگ،
 چو^{۲۲} پیش آیدت^{۲۳} روزگار^{۲۴} درشت!
 بد و نیک باید که دارد نگاه،
 نماند، به جایی^{۲۸} شود سوی^{۲۹} گنج!
 که اینست آیین شاهان^{۳۱} دین^{۳۱}
 چه خواهی و با ما^{۳۴} چه پیمان نهی^{۳۵}؟

به آمل پرستندگان تواند
 چو لشکر^۲ فراوان شود، بازگرد
 شما^۶ را پسند آید^۷ این^۸ گفت و گوی^۹؟
 ۲۷۰ شهنشاه گفت: این^{۱۲} سخن درخورست^{۱۳}
 بزرگان ایران و چندین^{۱۵} سپاه
 سر خویش^{۱۷} گیرم، نمانم^{۱۸} به جای
 مرا جنگ دشمن به آید ز^{۲۰} ننگ!
 که خیره به بدخواه منمای پشت^{۲۱}
 ۲۷۵ پُنان هم که کهتر^{۲۵} به فرمان شاه
 جهاندار باید^{۲۶} که او را به^{۲۷} رنج
 بزرگان برو^{۳۰} خواندند آفرین
 نگه کن کنون تا^{۳۲} چه فرمان دهی^{۳۳}؟

۱- آ این بیت را ندارد ۲- ل: مردم ۳- (ا: لشکر) ۴- س: س-۴ (نیز لن-و، آ، ب): کرد؛ متن = ل (نیز لن ۲) ۵- (ق: ۲: جنگ)؛ پ افزوده است:

به لشکر چنین گفت از گاه شاه که ای برگزیده سران سپاه

ع-س: آ: ردان؛ (لن، ل: ۳، و: آ: سران)؛ متن = ل-ل (نیز ق: ۲، لی، پ، لن، ب) ۷- س، ک، س: ۲ (نیز لن، لی، ل، ۳، و، آ، ب): آمد؛ (ق: ۲: است)؛ متن = ل، ق، ل (نیز پ، لن، آ) ۸- س: ۲ (نیز لن، ل: ۳): آن ۹- ق (نیز لی): گفتگوی؛ ک: تنگ گوی (؟)؛ (پ: گفتاوی؛ و: گفت و گو) ۱۰- ل: کین نیست؛ ک (نیز و): اینست؛ (ب: کان نیست)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱- (و: رو)؛ بنداری: فخلا یزدجرد باصحابه، و فواضهم فیما أشار علیه فرخزاد فاستصوبوا رأیه ۱۲- (لن: آن) ۱۳- (ا: دیگرست (ل))؛ ق: ۲: این نه اندر خورست ۱۴- همه دستنویس‌ها: اندیشه ۱۵- ک: چندی؛ (پ، آ، ب: چندان) ۱۶- س، س، ۲ (نیز لی، ب): ایران؛ ک: ابا گاه (ل)؛ ق: همان کشور و گنج؛ متن = ل، ل (نیز لن، ق: ۲، ل: ۳) ۱۷- س: ۲: گراز پیش (ل) ۱۸- ل، ق، ل، ق، ۲، س: ۲ (نیز لن، ق: ۲، ل، ۳، پ، لن، آ): بمانم؛ در و حرف یکم بی نقطه؛ متن = س، ک (نیز لی، آ، ب) ۱۹- ل: و رای؛ س، ق، ک، س: ۲ (نیز لن، لی، آ، ب): بزرگی و مردی نباشد نه رای (س: تری؛ ک، لی، ب: به رای)؛ (ل: نباشد بزرگی و مردی و رای)؛ متن = ل (نیز ق: ۲، پ، و، لن ۲) ۲۰- (لن: که) ۲۱- س، ق، س: ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ب): که دشمن چه (لن: که) افکنده بیند چه (س: چو) پشت؛ متن = ل، ک، ل (نیز ق: ۲، پ، و، لن ۲) ۲۲- ل: که؛ ق: چه؛ ک پاک شده؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳- ق (نیز لن، ب): آیدش؛ ل: ۲: آیدت ۲۴- ل (نیز ق: ۲): روزگاری؛ ق: گاه روز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵- س (نیز لی): چنان کهتران نیز؛ س: آ پاک شده؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: این بیت را ندارد ۲۶- س، س، ۲ (نیز لن، لی، و، ب): شهنشاه باید؛ (ل: شهنشه نباید)؛ متن = ل، ک، ل (نیز ق: ۲، ۳، لن ۲) ۲۷- (و: که از بهر) ۲۸- س، ل (نیز لن، لی، پ، لن، آ): به جای و؛ (ق: ۲، ل، ۳، ب: بماند به جای و)؛ ک پاک شده؛ متن = ل، س: ۲ (نیز آ) ۲۹- (و: بجاکشور و تاج و)؛ ق: این بیت را ندارد ۳۰- (لی: بدو) ۳۱- ک: آرام و دین؛ (لن: و فرجام دین؛ و: تخت و نگین)؛ س، ق، س: ۲ (نیز لی، ب): فرجام تخت و نگین؛ (ل: ۳، آ: فرجام و آیین و دین)؛ متن = ل، ل (نیز ق: ۲، پ، لن ۲) ۳۲- س، ق (نیز لی، ب): که اکنون؛ ک: همی تا؛ س: ۲: تو آن کن که اکنون؛ متن = ل، ل (نیز لن، ق: ۲، ل: ۳) ۳۳- (ل: کنی) ۳۴- ل (نیز ق: ۲، ب): بر ما؛ س: آ: یا بر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۵- ک، س: ۲ (نیز ق: ۲): دهی؛ (ل: ۳، ب: کنی)؛ متن = ده دستنویس دیگر

یهان را چنین پاسخ آورد^۱ شاه کز اندیشه گردد^۲ همی دل^۳ تباہ^۴!

۱-ل: داد پاسخ که ۲-س: کردی ۳-ل: ق (نیز و): دل من؛ (ب: همه دل): متن = ده دستنویس دیگر ۴-ل: بد و نیک باید که دارد نگاه (ص ۲۷۵ب): ک: لن^۱ افزوده‌اند:

نگارنده^۱ چهر هر جانور
شب و روزشان از تو خوابست و خور
بد و نیک یکسر به فرمان تست
که هر دو جهان تا بود آن تست
گر از بنده آمد گناهی بزرگ
به بد کارها گشت گاهی سترگ
بیشای کین جای بخشایشست
چو بخشودیم جای آرایشست
15 ز من کم مکن تخت ساسانیان
بدین ملک دارم از ارزانیان
چو از غم روان من آسوده بود
بدان بد که یزدان بیشوده بود
فرا کرد بیدار این نابکار
بدو گفت موبد که ای شهریار
خداوند بادت به هر کار یار
بریده نیاید امید از خدای
که تا جاودان او بود رهنمای
20 همیشه ترا باد شامتهی
بزرگی و دیهیم و تخت مهی
چو سعد آن سه دید آشفته
همه کشته و خسته و کوفته
یکی نامه بنوشت سوی عمر
بگفت انور هر چه بد خیر و شر
بدو گفت بفرست ما را مدد
که کم شد فراوان سپاه از عدد
عمر عمرو معدی ابا ده هزار
سواران نام آور نیزمدار
25 فرستاد زی سعد و دادش پیام
که پنهان مکن تیغ را از نیام
سه را بیارور به یکجای گرد
جهان را بپرداز زین یزدگرد
شد عمرو معدی بزدیک سعد
به خوبی بسی سعد را داد وعد
سفر روز دیگر بیامد به جنگ
بفرمودشان تا نکردند درنگ
فراوان بگشتند از ایرانیان
30 در آن روز آن لشکر تازیان
چهارم چو بفرخت گیتی فروز
از ایرانیان نامدار که نماند
بزدیک خود موبدان را بخواند
بگفتا چه ببیند در فلان کاف
که بر ما هر او کینه شد روزگار
نیاید دلم سوی آمد (ج: آمد) شدن
بدان مرز اندک فراوان یدن

25 نهاده به سر تاج فرخنده‌شاه
ابر پیل بنشته بر فلکگاه
پس پشت او آن درفش سپاه
که هر سوی آمد برو بر سپاه
ابر راست او موبد موبدان
به دست چپش بخردان و ردان
چو دید آن چنان لشکر تازیان
بیاراست سعد آن هزبر ژبان
سواران نام آور از بهر لاف
به آورد بیرون شدند از مصاف
30 ز ایرانیان بد همان شش‌هزار
که از کینه آمد سوی کارزار
برآویختند با همه تازیان
نید (بد آن) تازیان را ازیشان زبان
بفزید هر یک بکردار زان
بکردند حمله بر اسباب سعد
چنان جنگشان گشت یکباره سخت
که شد دروغ بر تن همه لغت لغت
به یاری شدند آن زمان دیگران
که از تازیان بد سپاهی گران
35 در آن رزم چندان سه (عرب) کشته شد
که ز خون زمین بود گل افشند (ص: آمدست) مر جای بد پنداشتند
به یکبار بر لشکر آمد شکست
که بسیار کشتند ابر پیل مست
لن^۱ افزوده است:
به لشکر چنین گفت بیدار شاه
کزین رزم روی اندوارم به راه
کافزوده‌است
فرخواد از خزمی بردید
که بدخواه او را بدان گونه دید
بدین کار نمنوده بد یزدگرد
چو از بخت اندیشه بسیار کرد
یکی موبدی گفت ای شهریار
بدین (ج: بین) دشمنان را چنین گشته خوار
شده لشکر ما چنین چیره‌دست
همه تازیان کشته و افکنده هست
5 بدو شاه گفت ای سگ بدبزاز
که خستود چانست ز یزدان مباد
ز ساسانیان تاج و تخت کهن
بشد زین که گفتی تا یا من سخن
ازد روی را شاه یکسوی کرد
سوی موبد موبدان روی کرد
بدو گفت ای مرد با سنگ و آب
روانم چنان داری (ج: دید) اکنون به خواب
که در پیش یزدان ستاده بدم
زبان را به خواهش گشاده بدم
10 همی گفتم ای کردگار سپهر
فرزنده ماه و ناهید و مهر

یکی بار دیگر بیازیم جنگ
مگر بخت گم‌کرده آید به جنگ
سه را ز هر سو بیارور کرد
فرخواد را گفت پس یزدگرد
که لشکر برون بر سوی رزمگاه
که تنگ اندر آمد ز دشمن سپاه
برون رفت از ایرانیان لشکری
که از رختشان پر شدی کشوری
5 چو لشکر به یکدیگر آمد فراز
سوی جنگ شد آنکه بد رزمساز
چنان گشت گیتی ز گرد سپاه
که شد چهر مهر درفشان سپاه
برآمد ز هر دو سه بوق و کوس
رخ بدلان گشت چون سندروس
همه نامداران ایرانیان
یکی حمله بردند اندر میان
بگشتند از تازیان بی‌شمار
بیوست بر هر سوی کارزار
10 ز گرز گران و ز شمشیر تیز
برانگیختند از جهان رستخیز
بگشتند چندان ز هر دو گروه
که آوردگ شد بکردار کوه
به دست بلان تیغ رختشان بدی
بر آوردگ بر سرفشان بدی
چنان اندر آن رزم آویختند
که گفنی بهمان برآمیختند
همه ترگ و جوشن بر از خون شده
ز خون روی صحرا چو جیحون شده
15 ز کشته به آورد شد تنگ جای
پراکنده هر جای بد دست و پای
همه روز بودند گردان به جنگ
برآویخته همچو شیر و پلنگ
چو بنمود شب آن درفش سپاه
ز هر سو به لشکرگه آمد سپاه
از ایرانیان کشته شد سی (صد) هزار
سواران جنگاور نامدار
بدان شب نشتند گردان بهم
گزیدند مردان چو شیر دژم
20 بکردند از آن رزمجویان شمار
به گرد (کار) آمد از نامور شش‌هزار
بخوردند سوگند یک با دگر
که فردا جز از ما ننهد کمر
چو برزد سر از چرخ گردنده شید
زمن گشت ارد چون حوریر سفید
همی کرد بر ابر غزان فسوس
در آن دشت یکبار آوای کوس
فرخواد لشکر همه یکسره
بیاراست با میمنه مسره

ز پیگار^۲ دشمن تر آسان شویم
 بسی^۶ پهلووانان^۷ گنداورنده
 بیابند^۹ و بر ما کنند آفرین
 که با دخت فغفور^{۱۲} خویشی کنیم
 بزرگان ترکان و گنداوران^{۱۵}
 ابا لشکر و پیل^{۱۷} و هر گونه چیز
 برآوردهی^{۲۰} دشتبانان^{۲۱} ماست
 همان رزم را نیز جوینده^{۲۳} بود
 کنارنگی و پیل^{۲۵} و مردان^{۲۶} و مرز،
 برآوردهی بارگاه منست!
 که برخواند از گفتهی باستان،
 که^{۲۹} او را به بیهوده آزردهیی

همان به^۱ که سوی خراسان شویم
 کزان^۳ سو فراوان^۴ مرا لشکرند^۵
 بزرگان ترکان و^۸ خاقان چین
 بران^{۱۰} دوستی نیز^{۱۱} بیشی کنیم
 به یاری^{۱۳} بیاید سپاهی^{۱۴} گران
 ۲۸۵ کنارنگ مروست^{۱۶} ماهوی نیز
 کجا پیشکار^{۱۸} شبانان^{۱۹} ماست
 ورا برکشیدم که گوینده^{۲۲} بود
 چو بی‌ارز را نام دادیم^{۲۴} و ارز
 اگر چند بی‌مایه و بی‌تنست^{۲۷}
 ۲۹۰ ز موبد شنیده‌ستم این داستان
 که پرهیز از آن کن^{۲۸} که بد کرده‌یی

- ۱-ل،ک (نیز لن،پ،لن،آ): همانا (۹)؛ ق: چنان به؛ متن = س،ل،آ،س (نیز ق،آ،لی،ل،آ،وب) ۲- (ق،آ،لن،آ: ز بیداد؛ و ازین کار)؛ بنداری (۲۷۰-۲۸۰): فردّ در فی ذلک ثم صمم العزم علی المسیر، و قال: الأصوب أن نسیر الی خراسان فان لنا فیها جماعة من الممالیک
 ۳-س: که آن؛ آ: و زان ۴-ل،س (نیز ب): سرفرازان؛ (پ: سرفراوان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر هـ،ک،س،آ (نیز لن،ل،آ-ب): لشکرست-گنداورست؛ متن = ل،س،ل (نیز ق،آ،لی) ۵-ل،ل (نیز ق،آ،پ: همی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷-ل (نیز ل،آ): پهلووانان و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۸-ل (نیز و،لن،آ): و ترکان؛ س (نیز لن): توران و؛ س (نیز ب): و ترکان و؛ متن = ق،ک،ل (نیز ق،آ،پ،آ) ۹- (لن: مهانند)؛ لی این بیت را ندارد ۱۰- (لی: بدان؛ لن،آ: و زان) ۱۱-ک: نیست (نیز: س (نیز لی): بندگان ماچو؛ ق،ل،آ،س (نیز و،آ،ب): بند ما نیز؛ (ق: مرز ما نیز؛ ل: بنده ما نیز؛ لن: مرزها نیز)؛ متن = ل (نیز لن،پ) ۱۲-س،ق،س،آ (نیز ق،آ،وب): یکی با سرافراز؛ (لی: یکی با سزاوار؛ ل: یکی ناسزاوار)؛ متن = ل،ک،ل (نیز لن،پ،لن: ابا) ۱۳- (لن: تازی) ۱۴- (لن: سپاه) ۱۵-ل: و ترکان جنگاوران؛ س (نیز ق،آ،لی): توران و کنداوران؛ (لن،لن،آ: و ترکان و کنداوران؛ پ: ترکان جنگاوران؛ آ: و ترکان کنداوران)؛ متن = ق،ل،آ،س (نیز ل،آ،وب)؛ ک این بیت را ندارد؛ و اذا حصلت هناك، لامحالة، یأتینا رسل الخاقان، و اکابر الصین فتجری بیننا و بینه مصاهرة و نعتضد به ثم نشغل بکفایة العدو ۱۶-س (نیز ق،آ،ل،آ،لن،آ،ب): مروست و ۱۷-س،ق،س،آ (نیز لن،ل،آ،وب): سواران و پیلان (لن: مردان؛ ق: شیران)؛ متن = ل،ل (نیز ب)؛ ک این بیت را ندارد ۱۸-ل: پیشکار و ۱۹- (آ: آن سواران) ۲۰- (ل: به پرورده) ۲۱-س: دستیاران ۲۲-س،ق،ک،س،آ (نیز لی،ل،آ،ل)؛ پوینده؛ (لن: او بنده؛ و: برکشیدیم که بنده؛ ب: برکشید آنک پوینده)؛ متن = ل،ل،آ (نیز ق،آ،پ،لن،آ) ۲۳-س،ق،ک،س،آ (نیز لن،لی،ل،آ،وب): سراینده و گرد و گوینده (لن،ل،آ،لن،آ: جوینده)؛ متن = ل،ل،آ (نیز ق،آ،پ) ۲۴- (آ: داریم)؛ ل (نیز ب): چو بی‌ارز و نام دادیم (ل: داریم)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵-س (نیز لی): کنارنگ و پیلان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۶-ق،ک،ل (نیز ب): جو؛ (ل: گردان و)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ و ایضا فان صاحب مرو المسمی ماهویه یعدّنا و یؤثر معاضدتنا و مظاهرتنا. فانه کان راعیا من رعاة خیلنا، و نحن جذبنا بضمیعه، و نوهنا بلدکمر ۲۷- (لن: بینی دانش و ریمنست)؛ بنداری؛ وانه و این کان لیم الأصل فهو لا ینکر انه من انشاء نعمتنا و صنائع دولتنا ۲۸- (لن: کس) ۲۹-س،ق،ل،آ (نیز لی،ل،آ،پ،ب): گر؛ متن = ل،ک،س،آ (نیز لن،ق،آ،لن،آ) ۱۴

سر از نیستی بردی اندر^۴ سپهر
بدو^۶ گفت کای^۷ شاه یزدان پرست،
که این^۹ را یکی داستانیست^{۱۰} نو:
بکوشی^{۱۴} کزو^{۱۵} رنگ^{۱۶} بیرون کنی^{۱۳}،
تو بر بند^{۱۸} یزدان نیابی^{۱۹} کلید!
ترا جز بزرگی و شاهی^{۲۲} مباد!
ازین آزمایش ندارد^{۲۵} زیان!

بدان^۱ دار اومید^۲ کو را به^۳ مهر
فرخزاد بر هم بزده^۵ هر دو دست
به بدگوهران بر بس^۸ ایمن مشو
که هر^{۱۱} چند بر گوهر^{۱۲} افسون کنی^{۱۳}
چو^{۱۷} پروردگارش چنان آفرید
از اسپان نیزند^{۲۰} رنگ و^{۲۱} نژاد
بدو گفت شاه: ای هزبر^{۲۳} زیان^{۲۴}

گرانمایگان برگرفتند راه^{۲۶}]
همه رنجها بر دل^{۲۷} آسان گرفت!
برفتند با شاه آزاد مرد^{۲۸}
که بی تو مبادا زمان و زمین^{۳۰}!
ز تیمار و از^{۳۲} رفتن^{۳۳} شهریار!

[ببود آن شب و بامداد پگاه
۳۰۰ ز بغداد راه خراسان گرفت
بزرگان ایران همه پر ز درد
برو^{۲۹} بر همی خواندند آفرین
خروشی برآمد ز لشکر^{۳۱} هزار

۱-ق: بران؛ (ب: بدو) ۲-س: س (نیز: لن-ب): امید؛ متن = ل ۳-آ: (ز) ۴-ل (نیز: پ): برده؛ س (نیز: ق، آ، لن، ان): سر (ق: آ: بر) از
خواسته برده؛ بر: ق، س (نیز: ل، و، ب): پس از نیستی برده؛ (آ: نهادست بندی به دل بر)؛ متن = ل، ک (نیز: لن، بنداری: و قد قیل: احترز
ممن أسأت الیه و آذیته، و ارج من أحسنت الیه و ریته. ونحن لم نؤذ ما هو به فعله لا ینسی أیادینا؛ ک افزوده است:

من او را نیازدم از هیچ روی (ب: بنداری)

۵-س (نیز: لی، و): زدش؛ (ق: آ: بر زد بهم)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶-ل (نیز: ق، آ، پ): چنین ۷-ق، ک (نیز: لن، ان): ای؛ ب این بیت
را ندارد ۸- (پ: تو؛ ق: آ: ایچ؛ لن: آ: هیچ) ۹-ق: آن ۱۰-ل، ک، س (نیز: لن-ب): داستانت؛ متن = ل ۱۱-س (نیز: لی): اگر؛ متن =
دوازده دستنویس دیگر ۱۲-ک (نیز: ق، آ، ل): بدگوهر ۱۳-ق: کند ۱۴-ق: بکوشد ۱۵-س (نیز: لی): کش؛ از: متن = یازده دستنویس دیگر
۱۶- (لن: زنگ؛ ق: آ: بند؛ ل: که آن رگ به)؛ ب این بیت را ندارد ۱۷- (پ، ب: که) ۱۸-ک: راز ۱۹-س (نیز: لی): ندانی؛ ق: نداری؛ متن =
یازده دستنویس دیگر؛ (ل: آ: نیابی تو بر بند یزدان)؛ ق: آ افزوده است:

درختی که تلخست او را سرشت	گرش درنشانی به باغ بهشت
گر از جوی خلدش به هنگام آب	به پای انگبین ریزی و مشک ناب
سراجم گوهر به کار آورد	همان میوه تلخ بار آورد

۲۰-س، ک، س (نیز: ق، آ: ۱): نیرسند؛ (ب: نیرسد ز)؛ ل (نیز: لن): ازیشان نیزند (واژه پسین در ل بی نقطه)؛ ق (نیز: لن): ازیشان نیرسند؛
متن تصحیح قیاسی است ۲۱-ک: نام و؛ (لن: زنگ)؛ ل: آ: همی ترسم از مردم بد ۲۲- (ق: آ، ل): شادی؛ (بنداری (۲۹۳-۲۹۷): فصق
فرخزاد بیدیه، و قال: أیها الملک! لا تأمن خبیث الأصل فانه یكون مجبولا علی الشر. و لا یخفی علی العاقل أن الطیاع تأیی علی الناقل
۲۳- (لی، و: ب: هزبر) ۲۴-س، ق، ل، ۲، ل، ۳: (نیز: ق، آ، لی، و): دمان؛ متن = ل، ک (نیز: لن، ل: آ) ۲۵-ق (نیز: ل): نیارد؛ بنداری: فقال: أیها
البهلوان! نحن نجریه، و لا یضرنا منه شیء ۲۶-س، ق، س: ای، و؛ آ، ب این بیت را ندارد؛ متن = ل، ک، ل (نیز: لن، ل: پ، ان) ۲۷-س
(نیز: ق، آ، پ): تن؛ ل: آ: بیت‌های ۳۰۰-۳۲۶ را ندارد ۲۸-بنداری: و لما أصبح من الغد ركب و خرج من بغداد، و أخذ فی طریق خراسان
فتبعه أهل المدینة یبکون و یضجون ۲۹-ک، س (نیز: لی): بدو ۳۰- (و: کلاه و نگین)؛ ل: آ این بیت را ندارد ۳۱-ل: ز درگه؛ (ق: آ: از
ایشان)؛ ق: ز لشکر برآمد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲-ل: ق، س (نیز: لن، و، لن، ل: آ): وز ۳۳-ل: لشکر؛ متن = سیزده دستنویس
دیگر؛ در: س، ق، لی، ب: بیت‌های ۳۰۳-۳۰۹ پس از ۳۱۷ آمده‌اند

مباشید با من به بد یارمندا^۱
 ازین پس همی^۳ بر که گردد^۴ به مهرا
 گذر نیست بر^۸ گردش و رای^۹ اوی^{۱۰}!
 چنن گفت کاکون بر ایران زمین،
 بدین^{۱۳} سود جستن سرآید زیان!
 ز تیمار^{۱۴} با ناله و با خروش!

از^{۱۵} ایران جهاندیدگان^{۱۶} را بخواند
 سپهد به پیش اندرون با سپاه
 برآسود یکچند^{۲۰} با رود و می
 همی بود^{۲۱} یک هفته^{۲۲} ناشاد و^{۲۳} شاد
 پر آژنگ^{۲۶} رخساره و دل درشت^{۲۷}

نخواهم که آید شما را گزند!
 ۳۲۰ بینیم تا گردگردان^۲ سپهر
 شما ساز^۵ گیرید با پای^۶ اوی^۷
 و زان پس به بازارگانان^{۱۱} چین
 مباشید یکچند^{۱۲} کز تازیان
 ازو بازگشتند با درد و جوش

۳۲۵ فرخزاد هر مزد لشکر براند
 همی رفت^{۱۷} با ناله و درد^{۱۸} شاه
 چو^{۱۹} منزل به منزل بیامد به ری
 ز ری سوی گرگان بیامد چو باد
 ز گرگان^{۲۴} بیامد سوی راه پُشت^{۲۵}

گفتار اندر نامه‌ی یزدگرد به ماهوی سوری^{۲۸}

۳۳۰ دبیر جهاننیده را پیش خواند دل آکنده بودش، همه برفشانند^{۲۹}!

۱- در کت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ س^۲، ن^۲، ل^۲، آ^۲، ب^۲ این بیت را ندارند ۲- (ق: ۲: رای گردان)؛ س، س^۲ (نیز لی، و، آ، ب)؛
 بینید تارای گردان؛ (ن، ن: ۲: بترسید (در لن بی نقطه) تا (ن: ۲: از) کردگار؛ ل: ۳: بینید تا کردگار)؛ متن = ل، ک (نیز پ) ۳- ل: ازین سو
 کتون؛ س، س^۲ (نیز لن، لی، ل، و، آ، ب)؛ چه فرماید و؛ (ق: ۲: چه افزایش و)؛ متن = ک (نیز پ) ۴- س (نیز لی، ل، آ، ب)؛ تابده: متن = ل، ک، س^۲
 (نیز لن، ق، آ، پ-آ) ۵- (و: باد) ع، س، س^۲ (نیز لی، ب)؛ ساز؛ ک (نیز لن، ق، و، ل، آ، ب)؛ داد؛ (ل: ۳: یاد)؛ متن = ل (نیز پ؛ در ل بی نقطه)
 ۷- ل، س، س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب)؛ او = ل (نیز و، آ)؛ با؛ (پ: از)؛ متن = س، س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ب) ۹- س، س^۲ (نیز لی، ب)؛ راز؛ (ن،
 ل، آ، ب)؛ یاد؛ ل: ۳: و؛ گردش یاد؛ متن = ل (نیز پ) ۱۰- ک: نیستم گردش و یاد اوی؛ (ق: ۲: نیست کس را ازین گفت و گوی) ۱۱- (ق: ۲: از آن
 پس به پرمایگان)؛ متن = ل، ک (نیز ل، و، آ، ب)؛ و؛ س، ق، ل، آ، ب، ن، لی، ل، آ، ب، بیت‌های ۳۲۲ و ۳۲۳ را ندارند و در ک پس از ۳۲۴ آمده‌اند
 ۱۲- (و: تا) ۱۳- ک: ازین؛ متن = ل (نیز ق، آ، پ، ل، و، آ، ب)؛ و؛ س، ۳۲۲ پ) ۱۴- س، ک (نیز لی، ب)؛ به تیمار؛ ق، آ (نیز لن، ل، و، آ، ب)؛ به تیمار و؛ (آ:
 فرخزاد)؛ متن = ل (نیز ق، آ، پ، ل، و، آ، ب) ۱۵- ل (نیز لن، پ، ل، آ، ب)؛ ز؛ متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز لن- ل، آ، ب)؛ بیود و برآسود؛ (و: بیودند یکچند)؛ متن = ل، ل^۲
 بیت را ندارد ۱۷- (ق: ۲: ن: آ: راند) ۱۸- ک: ناله زار؛ (و: ناکام با درد)؛ ل: ۳ این بیت را ندارند؛ بنداری (۳۲۶، ۳۰۲)؛ فورق ساعة و دعهم،
 و کان ذلک آخر عهده بهم ۱۹- ک: دو؛ ل: ۲: ز ۲۰- س، ق، ک، س^۲ (نیز لن- ل، آ، ب)؛ بیود و برآسود؛ (و: بیودند یکچند)؛ متن = ل، ل^۲
 (نیز پ)؛ بنداری؛ و سار یصل السیر بالسری الی أن وصل الی الری فاقام بها آیاما حتی استراح و أراح ۲۱- س (نیز لی، ب)؛ رفت؛ (ن، ل، ن: ۲:
 گفت)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- ل، ق (نیز پ)؛ یکچند؛ متن = دو دوازده دستنویس دیگر ۲۳- ک، ل (نیز لن، پ، و، آ، ب)؛ حو؛ (ن: ۲:
 باشیم؛ آ: با شاه)؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز ق، آ، ل، ل، آ، ب)؛ ق افزوده است (و پس از آن بیت‌های ۳۲۶ و ۳۲۷ آمده‌اند)؛

سپهد به پیش اندرون با سپاه همی رای زد با بزرگان و شاه

۲۴- (و: ایران) ۲۵- ل، ک، س^۲ (نیز لن، و، ب)؛ بست؛ متن = (ل، آ، ب) ۲۶- ق (نیز لی، آ)؛ رنگ؛ متن = ۴، ۳، ک، س^۲ (نیز و)؛ درست؛ س، ق (نیز
 لن، پ، ن، آ، ب)؛ رخسار و دل (ق: تن) نادرست (ن: آ: با درشت)؛ ل: همی بود از بخت بدر راه شست (؟)؛ متن = (آ)؛ ل: ۳ این بیت را ندارد
 ۲۸- ل، ک، س^۲؛ نامه یزدگرد به (س: نزد) ماهوی سوری؛ س: نامه فرستادن یزدگرد بنزد ماهوی سوری؛ ق: نامه یزدگرد شهریاری به
 ماهوی سوری و مرزبانان طوس؛ ل: آ: نامه نوشتن یزدگرد به ماهوی؛ متن = ل، ک ۲۹- لن این بیت را ندارد

جهاندار چون کرد آهنگ مرو^۱
 یکی نامه^۳ بنیشت^۴ با درد و خشم^۵
 نخست آفرین کرد بر کردگار
 [خداوند گردنده بهرام و^۹ هور
 ۳۳۵ کند چون بخاهد ز ناچیز چیز
 بگفت آنک^{۱۳} ما را چه آمد به روی
 ز^{۱۵} رستم، کجا کشته شد^{۱۶} روز جنگ
 به دست یکی سعدِ وقاص نام
 کتون تا در طیسفون^{۲۱} لشکرست
 ۳۴۰ تو با لشکرت^{۲۴} رزم را ساز کن!
 من^{۲۷} اندر نشابور یک هفته بیش

به ماهوی سوری کنارنگ مرو^۲
 پر از آرزو^۶ دل، پر از آب چشم^۷
 خداوند دانا و پروردگار^۸
 خداوند پیل^{۱۰} و خداوند هور،
 که آموزگارش نباید^{۱۱} بنیز^{۱۲}!
 و زین پادشاهی بشد^{۱۴} رنگ و بوی،
 ز تیمار بر ما جهان گشت^{۱۷} تنگ،
 نه بوم و نژاد^{۱۸} و نه دانش^{۱۹}، نه کام^{۲۰}!
 همین^{۲۲} زاغ پیسه^{۲۳} به پیش اندرست!
 سپه را برین^{۲۵} بر هم^{۲۶} آواز کن!
 نباشم که رنج درازست پیش!

۱- (ق: ۲) ز شاه سرافراز آزاده سرو) ۲- (لی: سوی کنارنگ غرو (I))؛ در ق ۲ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است و در ل ۳،
 لن ۱، ۲ پس از آن آمده است ۳- (ق: ۲) نویسنده) ۴- ل-س ۲ (نیز لن-ل ۳، و-ب): بنوشت: متن = (پ) ۵- س (نیز ق ۲، لی، ل ۳، و-ب):
 رنج: ق، ک، س: ۲؛ از آن درد و رنج: متن = ل، ل ۲ (نیز لن، ب) ۶- (پ: بی آزار از او - پر از آرزو)؛ متن = ۷- س، ق، ک، س: ۲ (نیز ق ۲، لی، ل ۳،
 و-ب): که آمد به رویش از آن (I: پس از) تاج و گنج: متن = ل، ل ۲ (نیز لن)؛ این بیت در ق ۲ یکبار هم برابر ل آمده است؛ س پس از ۳۳۲،
 لی پس از ۳۳۳ و ل ۳، لن ۲، ۳ بجای ۳۳۱ افزوده اند:

ز شاه سرافراز آزادسرو (آ: شادابگو) به ماهوی سوری سرافراز (لی: کنارنگ) مرو (آ: نو)

۸- (ق: ۲) دانای آموزگار)؛ س-س ۲ (نیز لی، و، آ، ب): خروشان ز گردون ناپایدار؛ متن = ل (نیز لن، ل ۳، ب، لن ۲) ۹- ل: < و: (ق: ۲) بهرام و
 گردنده؛ متن = ل ۲ (نیز لن، ل ۳، ب، لن ۲) ۱۰- (ق: ۲) شیر)؛ س، ق، ک، س ۲، لی، و، آ، ب این بیت را ندارند ۱۱- ک، ل ۲: نباشد؛ (ل ۳: نیاید)
 ۱۲- (ل ۲: آموزگاری نیایدش نیز)؛ ق، لی این بیت را ندارند؛ ق ۲ افزوده است:

خداوند گردنده گردان سپهر خداوند ماه و خداوند مهر

ازو شادمان پهلوان سوار کزو شادمان شد دل شهریار

پس از آفرین گفت کای نامدار چه گویم از چرخ ناپایدار

۱۳- ل ۲ (نیز ل ۳، لن ۲، ۳): آنکه؛ (ق: ۲) ندانی که؛ ب: بگفتش که؛ متن = ل-ک، س ۲ (نیز لن، لی، و) ۱۴- (ب: یا) ۱۵- (ب: که) ۱۶- (لن: شد
 او (I)؛ و: کجا کشته شد رستمی) ۱۷- (ق: ۲) کرد)؛ آ این بیت را ندارد ۱۸- س (نیز لی، ل ۳، ب، لن ۲)؛ نه زاد؛ متن = ۱۹- ل ۲، ۳، رای و)؛
 متن = ۲۰- س (نیز لی، ب): نام؛ ک: نه بود و نه دانش نه زاد و نه نام؛ س: نه بود و نه زاد و نه دانش نه نام؛ (و: که از تازیان او زند پیش
 کام)؛ متن = س، ق، ل ۲ (نیز لن، لن ۲)؛ آ این بیت را ندارد ۲۱- ل، ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۲)؛ طیسفون ۲۲- ق (نیز ق ۲، و): همان؛ (پ: همی؛ لن ۲:
 همه)؛ متن = ل، س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، لی، ل ۳، ب) ۲۳- س (نیز لن ۲، ب): راغ و بیشه؛ ل ۲: راغ بیسه؛ س ۲ (نیز ق ۲، لی): راغ بیشه؛ (لن: سعد
 وقاص؛ ل ۲: زاغ چهره؛ و: شیر شرز)؛ متن = ل، ق، ک (نیز پ)؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری (۳۲۸-۳۲۹): فارتحل منها و سار الی بُست و
 کتب کتابی الماهویه یذکر فیه ماجری علیه و علی عساکره فی قتال المسلمین ۲۴- (آ: لشکری) ۲۵- (لن، لی: بدین) ۲۶- (ق: ۲):
 کینه) ۲۷- (لن ۲: که)؛ در ق ۲، و این بیت پس از ۳۴۰ و در آ پس از ۳۳۵ آمده است؛ ل، لن، ب این بیت را ندارند

به مرو آیم و کس فرستم بدین^۱ به خاقان ترک و به فغفور^۲ چین^۳
 و زیشان^۴ بخوام فراوان^۵ سپاه مگر بخت فرخنده^۶ آید به راه!
 من اینک پس نامه برسان باد بیایم بنزد تو ای پاک و راد^۷

گفتار اندر نامه فرستادن یزدگرد به مرزبانان طوس^۸

فرستاده‌یی دیگر از انجمن ۳۴۵
 یکی نامه بنیشت^{۱۰} دیگر به^{۱۱} طوس نخست آفرین کرد بر دادگر
 خداوند^{۱۴} پیروزی و فرهی پی^{۱۶} پشه تا^{۱۷} پز و چنگ^{۱۸} عقاب
 ۳۵۰ ز پیمان و فرمان^{۱۹} او نگذردند^{۲۰} ز شاه جهان یزدگرد^{۲۱} بزرگ
 سهدار^{۲۳} ایران و^{۲۴} پیروزگر نگیهان^{۲۵} جنبنده و^{۲۶} بوم و بر^{۲۷}

۱- (ل: ۳؛ به چین؛ و، ل: ۲؛ ا: برین) ۲- س، ق، ل: ۲، ۳؛ (نیز ل: و، ب): به فغفور ترک و به خاقان؛ (ل: ۲؛ بنزدیک خاقان و فغفور)؛ متن = (نیز ق: ۲، ل: ۱، ۲) ۳- (ل: ۳؛ ازین)؛ در ق: ۲، و بیت‌های ۳۴۲ و ۳۴۳ پس از ۳۳۶ آمده‌اند؛ ل، ن، پ این بیت را ندارند
 ۴- (ق: ۲؛ ازیشان) ۵- س (نیز ل: ب): فراوان بخوام ۶- (ق: ۲، ل: ۳؛ برگشته)؛ ل، ن، پ، ل: ۲ این بیت را ندارند ۷- (پ: پاک‌زاد)؛ س، ک، ل: ۳؛ (نیز ل: ن، ل: ۱، ن: ۲)؛ بیایم دهم هر چه یابم (ل: ۲، ن: ۲؛ باید؛ س: ۲؛ آید؛ ل: ۱؛ دارم)؛ بیاد؛ ق: بنزدیک ماهوری سوری‌نژاد؛ (ق: ۲؛ بیایم بباشیم از داد شاد)؛ متن = ل: ۳، و، آ این بیت را ندارند؛ بنداری: و یقول له: اینی اذا وصلت الی نسیابور لا اقیم فیها اکثر من أسبوع. و سأقدم مرو. فأعدّ و استعدّ. و طیر بهذا الكتاب را کبا الی مرو؛ س، ک، س: ۲، ق: ۲، ل: ۳، و-ب افزودند:

هیونی برافکنند برسان باد بنزدیک ماهوری سوری‌نژاد (= بنداری)

ل، ق، ل: ۲، ل، ن، پ این بیت را ندارند ۸- س: نامه فرستادن یزدگرد به مرزبانان طوس؛ س: ۲؛ نامه یزدگرد بنزد طوس؛ ک پاک شده است؛ ل، ق، ل: ۲ سرنویس ندارند؛ متن = س ۹- (ل: ۳؛ تیغ‌زن) ۱۰- ل، س، ق، ل: ۲ (نیز ل: ن، ل: ۲)؛ بنوشت؛ (ق: ۲، ل: ۳، و، ا: فرمود)؛ متن = (پ ۱۱- (ل: نزدیک)؛ این بیت در ک پاک شده و س آنرا ندارد ۱۲- (ل: ۳؛ پیروز و؛ ا: پیروز) ۱۳- (و: پیدا به گیتی)؛ ل، ق، ل: ۲، ا: افزودند:

ل: به نام اور ویژه نام استباه (?) بویژه خداوند خورشید و ماه
 ق: ۲؛ خداوند گردنده خورشید و ماه فروزنده شاه با تاج و گاه
 ا: خداوند چرخ و خداوند گاه بویژه خداوند خورشید و ماه

۱۴- س: ۲ (نیز ل: ل: ۲)؛ و زویست؛ (ق: ۲، ل: ۲)؛ ک زویست؛ و: ازویست؛ متن = ۱۵- س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، و، ا: ب)؛ همان (ل: ۲؛ هم از تخت و (ل: ۳؛ جو)؛ متن = ل (نیز ل: ن، ل: ۲)؛ در ق، ل: ۲ پس از این بیت، بیت ۳۵۵ آمده است ۱۶- (ل: ۲؛ پز) ۱۷- س، ک، س: ۲ (نیز ب: و؛ متن = ل (نیز ل: ق: ۲، ل: ۳) ۱۸- (ق: ۲؛ تا ابر و پز)؛ ق، ل: ۲، ل: ۲ این بیت را ندارند ۱۹- (ل: ۳؛ فرمان و پیمان) ۲۰- ل: نگذردیم - نشمریم؛ س، ک، س: ۲ (نیز ل: ق: ۲، و، ا: ب)؛ نگذرد - نشمرند؛ متن = (ل: ۳، پ، ل: ۲) ۲۱- (پ: راه)؛ ق، ل: ۲، ل: ۲ این بیت را ندارند ۲۲- (نیز ق: ۲)؛ بدان؛ (ل: ۲)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق: ۲ این بیت را ندارند و در ق: ۲ با بیت سپین پس و پیش شده‌اند ۲۳- ل (نیز ل: ق: ۲، ل: ۳، پ، ل: ۲)؛ بزاد (۴)؛ (ا: مردان)؛ متن = س: ۲ (نیز ل: و، ب) ۲۴- س: و جنبنده و؛ ک، ل: ۳؛ (نیز ل: ۳)؛ جنبنده؛ (ل: جنبنده و؛ ق: ۲؛ ایران و آن: ل: و؛ جنبنده؛ پ: چمنده و؛ و: خنیده به هر؛ ا: جنبیده)؛ متن = ل (نیز ب: بی نقطه) ۲۵- ق: خنیده به بوم و به بر؛ در ل: ۳ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است

ز دانایی و شرم بی بهرگان^۳
 همی داد خواهند گیتی^۶ به پادا
 بسی سر به خاک اندر آگنده^۷ شد!
 که آید بدین^{۱۰} پادشاهی گزند.
 نه هوش و نه دانش، نه نام و نه ننگ^{۱۳}!
 شکم گرسنه، کام^{۱۷} دیهیم جوی^{۱۸}!
 کزین تخت^{۲۱} بپراگند رنگ و آب:
 هیوان مست^{۲۳} گسته مهیار،
 نماندی برین^{۲۵} بوم و بر تار و بود^{۲۶}!
 شدی^{۲۸} تیره^{۲۹} نوروز و جشن سده!
 به برج حمل^{۳۲} برشدی تیره دود^{۳۳}!
 فتادی به میدان او یکره!
 ز ما بخت گردن^{۳۵} بخواهد کشید^{۳۶}!
 فرومایه را بخت^{۳۹} گردد بلند!
 گزند آشکارا و خوبی^{۴۰} نهان!
 پدید آید و زشت^{۴۱} پتیاره بی!

ازین مارخوار^۱ اهرمن چهرگان^۲
 نه گنج^۴ و نه نام و نه تخت^۵ و نژاد
 ۳۷۰ بسی گنج و گوهر پراگنده شد
 چنین گشت^۸ پرگار^۹ چرخ بلند
 ازین زاغ ساران^{۱۱} بی آب و رنگ^{۱۲}
 بدین^{۱۴} تخت شاهی^{۱۵} نهادند روی^{۱۶}
 انوشین روان^{۱۹} دیده بود^{۲۰} این به خواب
 ۳۷۵ چنان دید کز تازیان صد هزار^{۲۲}
 گذر یافتندی به^{۲۴} ارون درود
 هم آتش بمردی به^{۲۷} آتشکده
 به ایران و بابل^{۳۰} ز^{۳۱} کشت و درود
 از^{۳۴} ایوان شاه جهان کنگره
 ۳۸۰ کنون خواب را پاسخ آمد پدید
 شود خوار هر^{۳۷} کس که بود^{۳۸} ارجمند
 پراگنده گردد بدی در جهان
 به هر کشوری در ستمگاره بی

۱- (ل: ۳) موش خوار) ۲- (ق: ۲، ل: ۲) آ: اهرمن چهر چند؛ ک: خواران این مهرگان (ل)؛ س: خواران این چهرگان (ل) ۳- (ق: ۲، ل: ۲) آ: نه گنج و نه تخت و نه نام بلند) ۴- (ق: ۲، ل: ۲) ه: (پ: نه تخت و نه نام؛ ل: نه بخت و نه گنج و نه نام) ۵- (ق: ۲، ل: ۲) و: آیین بیت را ندارند ۶- ۷- (نیز ق: ۲، و: ل: ۲) آ: افکنده؛ متن = ل (نیز ل: ۲، پ): س، ق، ک، س، آ، ی، ب این بیت را ندارند؛ در ق: ۲ پس از این بیت، بیت های ۱۵۴ پ آمده اند: ز شیر شتر خوردن ... ۸- (ق: نیز ل: ۲) آ: است ۹- س: بیکار؛ متن = چهارده دستنویس دیگر (حرف یکم در ل: ۲، پ، آ، ب با سه نقطه) ۱۰- س: ۲ (نیز ل: ۲، و: ل: ۲) برین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱- (ل: داغ ساران؛ ب: خاکساران) ۱۲- (و: ازین نیز ه داران با نام و ننگ) ۱۳- ل (نیز ل: ۲) آ: نه رای و نه سنگ؛ و: ستان ها گذارنده بر کوه و سنگ؛ در ق: ۲ این بیت پس از ۳۶۸ آمده است ۱۴- (ل: ۲، آ: برین) ۱۵- ق، س: ۲ (نیز ل: ۲) شاهان ۱۶- (و: زرو) ۱۷- (ل: مرد) ۱۸- (و: یکی لشکر گشن دیهیم جو)؛ ل: ل، ب این بیت را ندارند ۱۹- ل (نیز ق: ۲، و: ل: ۲) آ: که نوشین روان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- (ق: نیز ل: ۲) ب: ۲۱- در ل: س، ق، ل: ۲، آ، و، ب حرف یکم بی نقطه؛ (ق: ۲) دوده؛ ل: ل: بخت؛ متن = یک (نیز ل: ۲، پ، و: ل: ۲) آ: ۲۲- ک: سوار ۲۳- ک، س: ۲ (نیز ل: ۲) آ: مست و؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴- (ق: ۲، ل: ۲) آ: ز) ۲۵- (ق: نیز ل: ۲) بدین ۲۶- (ق: ۲، و: ل: ۲) آ: ز بوم و ز برکم شدی (ل: ۲) آ: شده، تار و بود؛ ل: ۲: نماندی یکی بر گل نابسود؛ پ: به چرخ زحل برشدی تیره دود = ۲۷۸ آ؛ متن = ل- س: ۲ (نیز ل: ۲، پ) ۲۷- ق: هم ۲۸- (ق: ۲، ل: ۲) آ: شده ۲۹- س، ق (نیز ل: ۲) ب: نور؛ ک: مهر؛ س: ۲ روز؛ متن = ل: ل: ۲ (نیز ل: ۲، ق: ۲) آ: این بیت را ندارد ۳۰- ق: نیز ل: ۲) آ: کابل) ۳۱- (ل: ۲) نه ۳۲- (ل: ۲) زحل؛ ق: ۲: به کیوان همی) ۳۳- ل: ل: زحل برشده گرد و دود؛ پ: نماندی خود از بوم و بر تار و بود = ۲۷۶ آ: نماندی یکی برگ گل نابسود؛ ل: ل: ۲ این بیت را ندارند و در ق: ۲، پ، و: ل: ۲ پس از ۲۷۶ آمده است ۳۴- (پ، ل: ۲) آ: ز؛ ل: ل: آیین بیت را ندارند و در ق: ۲، پ، و: ل: ۲ پس از ۳۷۷ آمده است ۳۵- ل: س: ۲: گردون؛ ل: ۲: همی روشنایی (ل: ۳۸۴)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۶- ک: آن ۳۷- (ل: ۲) ز فرمان و دیهیم ماسر کشید (۳۶۲) ۳۸- ل: هست؛ (و: بد)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۹- س: ۲ (نیز ل: ۲) آ: مینا؛ از بخت (ل: ۲) آ: تخت؛ ب: بی نقطه؛ ل: فرومایه را فرومایه را بخت (ل)؛ (و: چو تا تازیان بخت)؛ متن = ک: ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۲، ق: ۲) آ: ل: ۲، پ: ل: ۲، آ: این بیت را ندارد ۴۰- (ق: ۲، ل: ۲) آ: نیکی) ۴۱- س: س: ۲ (نیز ل: ۲، آ: پ)؛ از دور؛ (ل: ۲) آ: آورد زود؛ متن = ل (نیز ل: ۲، ق: ۲) آ: پ، و)

همی^۲ روشنایی^۳ بخواهد پرید^۴
همان^۶ پهلوانان پاکیزه‌رای،
بر مرزبانان پرخاشجوی^۸
چه بندد برین بند^۹ ناستوار^{۱۰}!
بدین^{۱۱} سو کشیدیم بیلان و^{۱۲} کوس!
به^{۱۴} پیوستگی نیز هم دوستست!
سوی جنگ دشمن نهاده‌ست روی^{۱۷}!
بیامد بر ما^{۲۱} بدین^{۲۲} بارگاه^{۲۳}،
هم از بندگی، هم ز بایستگی،
بلندی و پستی و غار^{۲۹} و نهفت،
دگر لآزوردین^{۳۳} ز بهر بُنه،

نشان شب تیره آمد^۱ پدید
۳۸۵ کتون ما به دستوری رهنمای^۵،
به سوی خراسان نهادیم روی^۷
بینیم تا گردش روزگار
پس اکنون ز بهر کنارنگ طوس
فرخزاد با ما ز هم^{۱۳} پوستست
۳۹۰ به التونیه‌ست او^{۱۵} کتون رزمجوی^{۱۶}
کتون کشمگان^{۱۸} پور آن^{۱۹} رزمخواه^{۲۰}
بگفت آنج^{۲۴} آمد^{۲۵} ز شایستگی
شنیدیم^{۲۶} ازین^{۲۷} مرزها هرج^{۲۸} گفت
دز گنبدان تیغ^{۳۰} با^{۳۱} جرمنه^{۳۲}

۱-س.ک (نیز لی، آ.ب): آید؛ متن = ل.۲، ل.۲، س.۲ (نیز لن، ق.۲، ل.۲، ب.۲، ل.۲) ۲-(لن، و: همان؛ ق.۲، و.۲، ل.۲: همه)؛ متن ← ۳-س.ک، س.۲ (نیز لی، ب): ز ما بخت فرخ؛ ل.۲: ز ما بخت گردن (= ۳۸۰)؛ متن = ل (نیز ل.۳، ب.۲)، ۴-حرف یکم در لن.۲ با سه نقطه؛ ق. این بیت را ندارد ۵-ل: شهریار (۱) ۶-ل (نیز ق.۲، ل.۲): همه؛ (و: جهان)؛ متن = س.ق، ک، س.۲ (نیز لن، لی، ل.۲، ب.۲) ۷-ل (و: رو) ۸-ل (نیز لن، ق.۲، ب): دیهیم جوی؛ ل.۲ پاک شده است؛ (و. لن، ل.۲: سوی پهلوانان پیکارجوی (و: دیهیم جو)؛ متن = س-س.۲ (نیز لی، ب) ۹-ل (نیز لن، ب): گوید برین (ل: بدین) رای؛ ک، س.۲ (نیز و، آ.ب): بندد برین (ب: بدین) بند؛ متن = س، ق، ل.۲ (نیز ق.۲، ل.۲، ل.۲، ل.۲، ل.۲: بدین) ۱۰-ق.۲: آموزگار؛ و: ناسازگار) ۱۱-(لن، ل.۲، آ. برین) ۱۲-ل.۲: با پیل و؛ س (نیز لی، ب): بر کشیدیم بالا و (لی: بالای)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق بیت‌های ۳۸۸-۳۹۶ را ندارد ۱۳-ل.۲ (نیز ب): یک؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-ق.۲: ز) ۱۵-(آ: آن)؛ س (نیز لی، ب): میان را بیستم؛ ک، س.۲ (نیز و): میان را بیست او؛ (ل.۳: بالون نیست او؛ پ: به التونیه او؛ لن: بالو نباشد)؛ متن = ل (نیز لن) ۱۶-(ل: جنگجوی)؛ ل.۲: سوی جنگ رفتن بینمش روی؛ (ق: شما با سیهید چو آرید روی) ۱۷-س (نیز لی): که با تازیان اندرآریم روی؛ ک، س.۲ (نیز ب): بد و را بدو شیر دارند (ب: داریم) روی؛ ل.۲: بر مرزبانان دیهیم جوی (= ۳۸۶)؛ (لن: به روی سپاه اندر آورده روی؛ ق: از این سو بیاید شدن رزمجوی؛ ل.۲: ... (سپاه شده) جنگی نهادست روی؛ و: به روی اندر آورده دارید روی؛ آ: به روذابه و شف دارند روی)؛ متن = ل (نیز ب، لن) ۱۸-ک، س.۲: کمسکان؛ (ل.۲: کمسکان؛ لن: کشمشان)؛ متن = (لن، ق.۲)، ۱۹-ق.۲: توز آن؛ ل.۲: کور آن؛ س (نیز لی): کشت تورانیان؛ (ب: کشت کاتورریان) ۲۰-ق.۲: رزمگاه؛ پ: نیکخواه)؛ ل: کتون کاهش آمد که او با سپاه) ۲۱-ل: بیاید بر ما؛ (لن، ب، لن، آ: بر ما بیامد؛ ق.۲: بر ما بیاید)؛ متن = س، ک، س.۲ (نیز لی، ل.۲، ب) ۲۲-س (نیز ب): برین ۲۳-ل (نیز ب): رزمگاه؛ (ق.۲: پایگاه؛ آ: رزمخواه)؛ متن = ک، س.۲ (نیز لن، لی، ل.۲، ب.۲)؛ ل.۲: و این بیت را ندارند ۲۴-س، ک، س.۲ (نیز ب): آنک؛ ل.۲ (نیز ل.۲): آنچه؛ (لی: آنکه)؛ متن = ل (نیز لن، ق.۲) ۲۵-ل.۲: باید؛ (ق.۲: آید) ۲۶-ل.۲، س.۲ (نیز ق.۲): شنیدم ۲۷-ل: زین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۸-س، ک، ل.۲، س.۲ (نیز ق.۲-ب): هرچه؛ متن = ل (نیز لن) ۲۹-(ب: پست آشکار) ۳۰-ل: بود؛ ک، س.۲ (نیز ق.۲، و. لن، آ.۲): گنبدین تیغ؛ ل.۲ (نیز ب): گنبدین کوه؛ (لن: گنبدی کوه؛ ب: در کنج او تیغ)؛ متن = س (نیز لی، ل.۲) ۳۱-ل، ک، ل.۲، س.۲ (نیز لن، ل.۲، ب.۲): تا؛ در س، و، آ. ب. بی نقطه؛ متن = (ق.۲، لی، لن) ۳۲-ل، س، ل.۲ (نیز و، لن، آ.ب): حرمنه؛ ل (نیز لن-ل.۳): خرمنه (در لن به زیر یکم)؛ (ب: خرمنه)؛ متن = ک، س.۲ ۳۳-س (نیز لی): دز لاجوردی؛ ک، س.۲ (نیز لن، ق.۲، ل.۲، ب.۲): دز لاجوردین؛ ل.۲: دز لار و زربین؛ متن = ل (نیز ب-آ)؛ ق.۲ افزوده است:

۳۹۵ جوال و تمور و جو مردی شیکل^۱
 و زین^۳ بارگه^۴ شد به هر جای کس^۵
 چنین لشکری^۹ گشن^{۱۰} ما را که هست
 نشستیم و گفتیم با رای زن
 ز هر گونه گفتیم^{۱۲} و انداختیم^{۱۳}
 ۴۰۰ که از تاج و از^{۱۶} تخت و^{۱۷} مهر و نگین
 ز پرمایه چیزی که آید^{۲۰} به دست
 ازین هرج از انبار آگندنیست^{۲۲}
 ز ززینه^{۲۴} و جامه‌ی نابرید
 هم از خوردنی‌ها ز^{۲۷} هر گونه ساز
 ۴۰۵ - که این خوردنی کاید درست^{۲۹} دسترس
 ز گاوان گردون‌کشان چل^{۳۱} هزار

۱-ل: جواد و جو بحمو (واژه‌های دوم و چهارم و پنجم بی‌نقطه) و مرز شکل (؟)؛ س (نیز ب): جوال و جو مخمورم و (ب: جو) دوست کل (؟)؛ ک؛ س: آ: جوال و جو و تخمور مرد و کل (س: آ: و شکل)؛ (ل: خوال و بخمور خیش مردی شیکل (؟)؛ ق: آ: هر گونه بنمود آن دلگسل: ل: بخوبال و چون تخمه و دو شکل: پ: چوناز و جو مخمور مرد و شکل (؟)؛ آ: جوال و جو مخمور مرد و شکل (؟)؛ متن = (ل:؟)؛ ۲-ک (نیز ل، پ، ن، آ، ب): آنچه؛ ل: می، و این بیت را ندارند ۳-ق: آ: این؛ ن: آ: درین)؛ ۴-ل: جایگه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۵-س: شد و را باز پس؛ (ب: شد مراو پای کش!)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۶-س (نیز و، ب): پژوهند؛ ل: پژوید و؛ متن = ک، س ۶-۷ (و: شهرها) ۸-ل (نیز ل، ن، ق، ل، پ، ن، آ، ب): سگ و یوزبانان (ل: یوزداران) ما را نه بس (= ۴۰۵)؛ ل: این بیت را ندارد ۹-ق: آ: ل: لشکر) ۱۰-ل (ن، ق، آ، ن، آ: یا ما) ۱۱-ل (نیز ل، ن، ق، آ، ب، آ): برین؛ (ل: آ: درین)؛ متن = س-س: آ (نیز ل، ل، و، ب) ۱۲-آ: جستیم) ۱۳-س (نیز ل، ب): پرداختیم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-ق: آ: بفرجام) ۱۵-س، ق، ل: آ (نیز ل، ل، و، ب): بدین؛ متن = ل، ک، س: آ (نیز ل، ن، ق، و، ل، آ، ب): در ل، ن، آ بیت‌های ۳۹۹ و ۴۰۰ پس و پیش شده‌اند ۱۶-ل، ق، س: آ (نیز ل، ن، آ): وز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ل: تخت و ز ۱۸-ل (و: از آن؛ ب: همه) ۱۹-ق: آ: دیبای) ۲۰-ل: آمد؛ ک، س: آ: باید؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱-س-س: آ (نیز ل، ل، و، ب): ز طمغاج (س، ل، ب): طمغاج؛ ق: آ: قفجاج؛ و، ل: ن: طمغاج؛ ک پاک شده) و از ق-س: آ، و، ل، ن، آ، ب: (وز) قیروان هر چه (س: هرج؛ آ: آنچه) هست؛ متن = ل (نیز ب): هر چه؛ در ل پس از این بیت، بیت ۴۰۶ آمده است ۲۲-س، ک، س: آ (نیز ل-ل، و، ب): همه (ل: این؛ ن: آ: ز ما؛ ل، و، ل، آ: همان) هر چه (س: هرج) آن ن، س، ل: آنرا؛ ق: آ، و، ل، ن، آ: از ما؛ آ: اورا) پراکندنیست؛ ل: دگر هر چه هست از پراکندگی؛ متن = ل ۲۳-ل: آ (نیز ل، ن، و، آ): از ز؛ س: آ: آن‌گر؛ س: پوشنی است و؛ ق: آ: گر از پوشش و گر ز؛ ل: دگر توسنی است و؛ ل: گر از پوشش است از ز؛ متن = ل، ک (نیز ل، ن، آ، ب): ق، پ این بیت را ندارند ۲۴-س، ک (نیز ل، ن، آ، ب): رویینه؛ متن = ل، ل، و، س: آ (نیز ل، ن، ق، ل، و، ب، و، آ) ۲۵-ل (ن: آ: بشاید) ۲۶-س: کلید؛ ق: این بیت را ندارد ۲۷-س-س: آ (نیز ل، ب-ب): و؛ (ل: آ: های)؛ متن = ل (نیز ل، ن، ق، آ) ۲۸-س، ق، ل: آ (نیز ق، آ، ب، و، آ): بیاید به روز دراز؛ ک، س: آ (نیز ل، ن، ق، آ): بیاید به روز نیاز؛ (ل: آ: نیاید به بیرون نیاز)؛ متن = ل: بیاید (حرف یکم بی‌نقطه) ۲۹-س (نیز ل، ب): که خوردنی کاید؛ ل: اکنون خوردنی کاند درست؛ متن = ک، س، ۳۰-ک: توزبانان؛ ل، ق، ن، ق، ل، آ: این بیت را ندارند (= ۳۹۶) ۳۱-ل (آ: صد) ۳۲-س، ل: آ (نیز ل، ن، ل، و، ل، ن، آ، ب): درون گندم آرنند (س: آرنید و؛ ق: آ: ز بهر؛ ب: آرنده) بار؛ ل (نیز ب): کرنج (ل: که رنج مکرنج) آورد تاکی آید بکار (= ۴۰۷)؛ ق: برنج آورد اندرین روزگار؛ (آ: جزین پیشکاران نیاید بکار)؛ متن = ک، س ۲

کُرنج آورد^۳ تا کی آید بکار^۴
 بیارد^۸ یکی موبدی^۹ کاردان!
 هیونان بُختی بیارند بار^{۱۲}!
 بیارند^{۱۴} تا بر چه گردد فلک!،
 بود سخته و^{۱۶} راست کرده شمار^{۱۷}،
 به دزها کشند این^{۲۰} زمان یکسره!
 جز این^{۲۳} پیشکاران بیارند بار^{۲۴}!
 بیارد یکی نیز با پایکار^{۲۷}!
 بیارند بر بارها^{۲۹} تا دو ماه!
 ز گاه و^{۳۳} ز بغمیج^{۳۴} و از^{۳۵} زاوه^{۳۶} کوه،

به خروار^۱ از آن پس^۲ ده و دوهزار
 همان^۵ ارزن^۶ و پسته^۷ و ناردان
 شتروار ازین^{۱۰} هر یکی ده هزار^{۱۱}
 ۴۱۰ همان گاو گردون هزار از^{۱۳} نمک
 ز خرما هزار و ز شکر^{۱۵} هزار؛
 ده و دوهزار انگبین^{۱۸} خنبره^{۱۹}
 نمک خورده سرپوست^{۲۱} چون چل هزار^{۲۲}
 همان^{۲۵} دنبه^{۲۶} و مشک روغن هزار
 ۴۱۵ شتروار سبب ز نفت سیاه^{۲۸}
 بیاید^{۳۰} یکی موبدی^{۳۱} با^{۳۲} گروه

۱- (ا: شتروار) ۲- س: ۳- (ق: ۲: برنج آورند؛ متن = ۴- س، ک، س، ۲: ن، ۱، ۲: ب): ک: کرنج (ک: که رنج؛ ن: ۲: برنج؛ ب: بکنج)
 آورند اندر آن (ن: ۱، ۲: ا: این) روزگار (ن: کارزار)؛ (ق: نیز ب): به خوشه درون گندم آوند بار (۴، ۶: ب): ل: هیونان بختی بیارند بار
 (= ۴۰۹: ب): متن = (ن: ۱، ۲: و)، ل: این بیت را ندارد ۵- (ل: هم از؛ ب: همه) ۶- (ق: شکر) ۷- (ل: سرکه) ۸- (ق: ل: بیاید ۹- س،
 ق: ک: نیز بی، و، ب): موبدی؛ س: موبدی و؛ (ل: همان موبدی؛ متن = ل: ۲: نیز، ل: ۲: ن، ۱، ۲: ا: این بیت را ندارد ۱۰- ل: زین ۱۱- (ل: ل: ب،
 ن: ۲: دو هزار؛ س- س: ۲: نیز بی، ا: ب): ارزن ازین (ن: آ: بدین) هم شمار؛ (و: کجند هم از این شمار)؛ متن = ل: (نیز ق: ۲) ۱۲- (س: نیز بی):
 بیارند مردم که آید بکار؛ ق: ک، س، ۲: نیز (ب: بیارد کسی (ق: بیاید بسی) تا کی آید بکار؛ (ل: ۲: ن: آ: بود سخته و راست (ن: ۲: باز) کرده
 شمار (= ۴۱۱: ب): و: بیارند از شهر این روزگار؛ متن = ل: (نیز ق: ۲: ب): ل: ۲: ن، این بیت را ندارند؛ در س- س: ۲: بی، و، ب: ۴۰۹ و ۴۱۰ پس
 و پیش شده اند؛ در ل: آیت ۴۰۹ یکبار هم برابر و+ ک پس از ۴۱۰ آمده است ۱۳- (ل: ۲: و، ب: هزاران؛ س- س: ۲: نیز بی، ا: ب): به خروار از
 آن پس هزاران (ل: ۲: هزار از؛ بی: فراوان)؛ متن = ل: (نیز ق: ۲: ب، ن: ۲) ۱۴- س: فرستم که؛ ق: فرستند؛ ک، س: ۲: نیز بی، و، ب): فرستیم؛ (ا:
 فرستید)؛ متن = ل: ۲: (نیز ق: ۲: ل: ۲: و، ن: ۲: ب، ن: ۲: ا: این بیت را ندارد ۱۵- (ق: ۲: ز خرما و هرگونه چیزی؛ ل: ۲: ز شکر هزار و ز خرما)
 ۱۶- (ب: ساخته) ۱۷- (س: نیز بی، ن: ل: ۲: و، ن: ۲: ب، ن: ۲: ا: هیونان بختی بیارند بار (= ۴۰۹: ب): ک، ل: ۲: ن: ۲: بیارند؛ متن = ل: ۲:
 آورند زین شمار؛ (ق: ۲: بیارند از آن تا کی آید بکار (= ۴۰۷: ب):))؛ متن = ل: ق: این بیت را ندارد ۱۸- (ب: آنگهی) ۱۹- (ل: کنگره (؟):
 (ق: ۲: کاندله؛ ل: ۲: ن: ۲: کاندله؛ متن = س: ۲۰- ل: نیز ب): آن؛ متن = س: (نیز ق: ۲: ل: ۲: ن، ۱، ۲: ا: ق: س- س: ۲: ن، بی، و، ب: این بیت را ندارند
 ۲۱- س: هر کوست (= هر گوست؟)؛ (ا: بر پوست)؛ متن = ل: (نیز ق: ۲: ل: ۲: ب) ۲۲- (ق: سیصد هزار) ۲۳- (ق: ۲: همان؛ متن = ۲۴: ل:
 بیارند آنرا که آید بکار؛ (ل: ۲: ز هر سو بیارند آکنده بار؛ ب: بران تنگ دزها کشد پیشکار)؛ متن = س: (نیز ا: ۲: ق: س- س: ۲: ن، بی، و، ن: ۲:
 ب: این بیت را ندارند؛ در ق: ۲: ل: آیت های ۴۱۳ و ۴۱۴ پس و پیش شده اند ۲۵- (ل: نیز بی، ل: ۲: ب): دگر؛ متن = یازده دستنویس دیگر
 ۲۶- (ق: ۲: ب، ا: ۱): دنبه؛ متن = ل: س، ل: ۲: (نیز بی، ن: ل: ۲: و، ن: ۲: ب) ۲۷- (ن: بیار یا دگار)؛ (س: نیز بی، و، ن: ۲: ب): به خروار فقط
 آورد زین (ا: بی: و: اندرون بی) شمار؛ ق- س: ۲: نیز بی: هیونان بختی بیارند بار (= ۴۰۹: ب): (ق: ۲: به خروار آوند هم زین شمار؛ ل: ۲:
 همین پیشکاران بیارند بار (= ۴۱۳: ب))؛ متن = ل: (نیز ب: پیر)؛ در س: ل: تهای این بیت پس و پیش شده اند ۲۸- (ل: زریف شاه:
 متن = (ن: ل: ۲: ب: ل: فقط) ۲۹- (ن: با بارها؛ ل: ازین سازها)؛ متن = ل: (نیز ب): س- س: ۲: بی، و، ب: این بیت را ندارند ۳۰- (ل: نیز
 ل: ۲: بیامد؛ ب: بیاید)؛ متن = ده دستنویس دیگر (در س: بی نقطه) ۳۱- (ل: جویدی؟) ۳۲- (و: هم) ۳۳- (ل: کاو و؛ س: نیز بی): کار؛ (و:
 ن: ۲: کوه)؛ متن = ک، ل: ۲: س: ۲: نیز بی، ل: ۲: و، ن: ۲: ب، ا: ۱) ۳۴- (ل: نیز بی، ن: ل: ۲: بغمیج (در ل: حرفهای یکم و دوم و پنجم بی نقطه)؛ س: ک، ل: ۲:
 س: ۲: نیز ق: ۲: بی، و، ب): شمیران؛ متن = (ب) ۳۵- (ل: نیز ا: ۱): وز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۶- (ل: س: ۲: نیز بی، ق: ۲: بی، ا: ۱): رابه؛ س:
 ل: ۲: راوه؛ ک: (نیز ل: ۲: ب): رابه؛ متن = (و، ن: ۲: ب): ق: این بیت را ندارد

به دیدار^۱ پیران و^۲ فرهنگیان
 به دو روزنامه^۵ به دزها نهند^۶
 دگر خود بدارند^۸ با خویشان
 همانا^{۱۱} بران^{۱۲} راغ و کوه بلند
 شما را بدین^{۱۳} روزگار شترگ
 هنرمند گوینده^{۱۶} دستور ما
 که هر کس که این^{۱۷} را ندارد به رنج
 یکی خوب سربند، پیکر به زر
 بدین^{۲۰} روزگار تباہ و^{۲۱} دژم
 به سنگ^{۲۴} کسی^{۲۵} کو بود^{۲۶} زیر دست
 از این^{۳۰} شست^{۳۱} بر سرش و^{۳۲} چاردانگ
 به یک^{۳۴} روی بر نام یزدان پاک
 دگر پیکرش^{۳۶} افسر^{۳۷} و چهر ما

بزرگان که هند از^۳ کنارنگیان^۴،
 یکی نامه گنجور^۷ ما را دهند^۸،
 بزرگان که باشند^۹ از آن^{۱۰} انجمن
 ز ترک و ز تازی نیاید گزند!
 یکی دست^{۱۴} باشد بر ما^{۱۵} بزرگ!
 بفرماید اکنون به گنجور ما،
 فرستد و^{۱۸} پارسی جامه^{۱۸} پنج،
 بیاید به فرجام ازین رنج^{۱۹} برا!
 بیاید ز گنجور^{۲۲} ما چل درم^{۲۳}،
 یکی زین درمها^{۲۷} گر^{۲۸} آید به شست^{۲۹}،
 بیارد نشسته، بخواند به بانگ^{۳۳}!
 که امید از او یست و زو ترس و باک^{۳۵}!
 زمین بارور گشته از مهر ما!

- ۱- (ق: آ: دبیران و) ۲- (لن: ح) ۳- ل: س: ۴- (نیز لی: ب): کوه از: ک: س: آ: خوب از: (لن: پ: که اند از: ق: آ: دانا: ل: طوس و: و هند و: لن: <که> هند از: متن = ل ۴- (آ: که اندر زمان کیان): ق این بیت را ندارد ۵- س: س: ۶- (نیز لی: ب): ازین هر چه (س: ۶: لی: آنچه) باید: (ل: بدان روزنامه: لن: آ: بدین روزنامه: متن = ل (نیز لن: ق: آ: پ: و، آ) ۶- عمل (نیز لی: پ: و): نفی: دهید: (ق: آ: ب: برند - دهند: آ: دهند - دهند) ۷- س: (نیز لی: ب): نامور گنج: متن = دوازده دستویس دیگر ۸- ل: (نیز لی: پ: ب: بدارید: (ق: آ: بیارند) ۹- (پ: باشید) ۱۰- ل: زان: (لی: آ: ب: با): متن = ده دستویس دیگر: س این بیت را ندارد ۱۱- (لن: همان تا) ۱۲- ل: براز (دبران): ق: ابر: ل: (نیز لی: بدان: (ل: کران): متن = ک: س: آ (نیز لن: ق: آ: پ: ب): س این بیت را ندارد ۱۳- (پ: درین: آ: برین) ۱۴- (آ: دشت) ۱۵- ک: (نیز ق: آ): به ما بر: (لی: بر مرا (ل): ل: بر ما یکی دست باشد) ۱۶- ک: س: آ (نیز ق: آ): پاکیزه: (لن: پ: و گوینده: ل: و لن: آ: آ: و پاکیزه): س: ق: (نیز لی: ب): خردمند پاکیزه: ل: خردمند و پاکیزه: متن = ل ۱۷- (ق: آ: آن) ۱۸- (ب: خانه): س: (نیز لی: ب: با سیه خایه (؟): (و: جامه سی و): متن = یازده دستویس دیگر ۱۹- (آ: ازین رنج فرجام): ل: (نیز لن: ب: بیابند فرجام زین (لن: ازین) کار: (پ: بیابند ازین کار فرجام): متن = یازده دستویس دیگر ۲۰- (آ: ب: برین) ۲۱- س: ک: س: آ (نیز ق: آ: لی: و لن: آ: ب): <و: متن = ل: آ: (نیز ل: پ: آ): ۲۲- (و: دستور) ۲۳- (پ: هر آنکس که هستند با ما بهم): ق: بیت های ۲۲۵-۴۳۰ را ندارد ۲۴- س: (نیز ق: آ: لی: لن: آ): پس آنگه: (آ: پسندند: ب: پسندند): متن = ل: ک: ل: آ: س: آ (نیز لن: ل: و) ۲۵- (آ: کشتی) ۲۶- (پ: فزاییم بر روزی) ۲۷- (ق: آ: زیر مهال) ۲۸- (پ: که) ۲۹- ل: بدست: ل: آ (نیز ق: آ): نشست (د: پشت): س: (نیز لی: ب): یکی کین (لی: کس) درمها گشاید به شست: متن = ک: س: آ (نیز لن: ل: پ: ب) ۳۰- ل: (نیز ق: آ: پ: ب): آن: متن = س: ک: ل: آ: س: آ (نیز لن: لی: و لن: آ) ۳۱- آ: (نیز ب: شصت) ۳۲- (ق: آ: بر سرش بر) ۳۳- ل: بیاید (بقطه) نوشته به خواب و به بانگ: س: (نیز لی: ب: بیاید نوشتن (لی: نبشتن) بخواندن به بانگ: ک: ل: آ: س: آ (نیز و لن: آ: ب): بیاید (س: آ: بیاید) نوشته (ک: نبشتن: ب: نوشته) بخواند (س: آ: بخوانده) به بانگ: متن = (لن: ق: آ: پ: ب): ق: ل: آ: این بیت را ندارند ۳۴- (ق: آ: یکی) ۳۵- ل: (نیز و لن: آ): کز ویست امید وهم بیم و: و زویست: لن: آ: و زو ترس و: باک: متن = س: ک: ل: آ: س: آ (نیز لن: پ: آ: ب): س: ک: (نیز لی: لی: و لن: آ: ب): پیکر و: ل: آ: س: آ: پیکر: (آ: پیکر از: متن = ل: (نیز لن: پ) ۳۷- (ق: آ: افسر و پیکر: ل: آ: افسر پیکر)

دو جشن بزرگست و با^۳ خواسته‌ست^۴؛
کسی کو ز دهبیم ما یاد کرد^۵؛
بیامد به کف^۶ نامی شهریاری

۴۳۰ به نوروز و مهر این هم^۱ آراسته‌ست^۲
دردود جهانبان بر آن زادمرد^۵
بلنداختری^۷ نامجوی و^۸ سوار

گفتار اندر آمدن ماهوی سوری به دیدن یزدگرد^۱

ز پشت و^{۱۱} نشابور شد تا به^{۱۲} طوس
که از مرز^{۱۵} طوس اندرآمد ز راه^{۱۶}
همه نیزه‌داران^{۱۷} جوشن‌وران
درفش بزرگی و چندان^{۱۹} سپاه،
بران کھتری بندگی‌ها فرود^{۲۱}!

و زانجایگه برکشیدند کوس
خبر یافت ماهوی سوری^{۱۳} ز^{۱۴} شاه
۴۳۵ پذیره شدش با سپاهی گران
چو پیدا شد آن فر^{۱۸} و اورند^{۱۸} شاه
پیاده شد از اسپ^{۲۰} ماهوی زود

۱-ل (نیز ق^۲، ل^۳، پ): آن هم؛ س (نیز لی): به نوروز این هم بر؛ ل^۲، س^۲ (نیز ب): به نوروز این را (س^۲، با) هم؛ متن = (لن، ل^۲، آ، ل)؛
۲- (و: این همه راستست) ۳- (پ: و هم)؛ س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، ن^۲): بزرگ از پی؛ س (نیز لی): دو چشم بزرگان پر از؛ ل^۲ (نیز ب): دو چشمش
(ب: چشم) بزرگ از پی؛ (آ: دو چشمش بزرگی ازین)؛ متن = ل (نیز لن، ل^۲) ۴- (و: بزرگی ازین خاستست)؛ ق، ک این بیت را ندارند؛
در س، ق، ک، س^۲، ل^۲، ب پس از این بیت، بیت‌های ۴۴۷ و ۴۴۸ آمده‌اند ۵- ل، س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، ن^۲، و-ب): دردود جهان (س، لی: خدا) بر
کم آزار مرد؛ (لن: به یک روی از آن کھتر آزادمرد)؛ متن = (پ) ۶- (ق^۲: گشت شاد)؛ س، ق^۲، ل^۲، ن^۲، آ، افزوده‌اند:

چو نامه به مهر اندرآورد شاه فرستاد زی مهتران سپاه (ق^۲: مهتر نیکخواه؛
ل^۲: مرزبانان برهه؛ آ: مرزبانان برهه)

۷- س (نیز لی، و، ب): اختر و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸- ل، ق (نیز ل^۲، پ): چو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹- (و: ستد)؛ آ این بیت
را ندارد ۱۰- ل: رفتن یزدگرد به طوس؛ س: آمدن ماهوی سوری به دیدن یزدگرد؛ ل^۲: خبر یافتن ماهوی سوری از آمدن پرویز (!)؛ ق،
ک، س^۲ سرنویس ندارند؛ متن = س ۱۱- ل، ل^۲ (نیز ب): زیست و؛ س، ق، ک، س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، ن^۲، و-ب): ز شهر؛ (لن: ز نشت)؛ متن
تصحیح قیاسی است (لن) ۱۲- (ق^۲: سوی)؛ بنداری (۳۳۳-۳۴۵): و کتب ایضاً الی والی طوس، والی سائر و لاة البلاد المتاخمة لها
یعلمهم بحاله، و یأمرهم بالاجتماع و الاحشاد. ثم إنه ارتحل من بئست و سار الی نسابور، و سار من نسابور نحو طوس؛ ل، ل^۲، ق^۲
پس از بیت ۴۳۳ افزوده‌اند:

همه راست کرد آن کجا گفته (ل^۲: رفته) بود همه روزه فرستاد کاورده (ق^۲: ز کرده را گردون برآفته) بود
وزانجای لشکر کشید او (ل^۲: کشیدش؛ ق^۲: کشیدی) به مرو شب و روز تازان چو پُر تذرو

این بیت‌ها در دوازده دستنویس دیگر و ترجمه بنداری نیست ۱۳- (پ: ارزی) ۱۴- س، ق، ک، س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، ن^۲، و-ب): که؛ متن = ل، ل^۲ (نیز
ل^۲، پ، و، آ، ب) ۱۵- ل: که تا مرز؛ ل^۲: کران مرز؛ ق^۲: که از سوی؛ لن: سوی مرز؛ متن = (ل^۲، پ، و، آ) ۱۶- (ق^۲: ل^۲، پ: سپاه؛ و، لن، آ: آ:
براه)؛ متن = ل، ل^۲، س، ق، ک، س^۲ (نیز لی): به سوی دهستان برآمد ز راه؛ (ب: بیامد به سوی دهستان برهه)؛ لن این بیت را ندارد؛ ب
افزوده است:

وزانجایگه برکشیدند نای به سوی دهستان بیامد ز جای

۱۷- س-س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲): نیزه‌داران و؛ متن = ل (نیز لن) ۱۸- ق (نیز لن، و، لن، آ): اروند؛ ل^۲ (نیز ق^۲، ل^۲): اورنگ؛ متن = ل، س، ک، س^۲ (نیز
ل، ل^۲، آ، پ) ۱۹- ک (نیز ب): چندین ۲۰- ل: باره؛ متن = س-ب ۲۱- (لن: نمود)؛ س-س^۲ (نیز لی، ل^۲، و-ب): شهنشاه را بندگی‌ها نمود
(س^۲: آ، فرود)؛ متن = ل (نیز ق^۲، آ، پ)

دو دیده پر از آب کرده ز شرم^۳
 همی بود^۴ پیشش زمانی دراز
 برفتند گریان و^۵ سر بر زمین
 سپاهی بران سان^۸ رده برکشید
 بروبر بسی پندها کرد یاد^۹
 سپردم ترا^{۱۱} تا ببندی میان
 وگر^{۱۳} خور^{۱۴} سپاسی برو^{۱۵} برنهد!
 ندانم که کی بینم^{۱۷} این تاج کی؟!
 شد از^{۱۹} جنگ^{۲۰} آن^{۲۱} نیزه داران تباہ!
 نه گوش خردمند هرگز شنود،
 به من^{۲۳} بر چنین روز برگشته شد!
 سیه زاغ را درد و^{۲۶} پیکان دهاد!
 مرا شاه چشمست و روشن روان!
 سپهر مرا، شهریار ترا^{۲۷}!

همی رفت نرم^۱ از بر خاک نرم^۲
 زمین را بیوسید و بردش نماز
 ۴۴۰ سپاهش همه^۵ خواندند آفرین
 فرخزاد چون روی ماهوی دید^۷
 ز ماهوی سوری دلش گشت شاد
 که این شاه^{۱۰} را از نژاد کیان
 نمانی^{۱۲} که بادی برو برجهد!
 ۴۴۵ مرا رفت بایدهمی سوی^{۱۶} ری
 که چون من فراوان به^{۱۸} آوردگاه
 چو رستم سواری به گیتی^{۲۲} نبود
 به دست یکی زاغ سر^{۲۳} کشته شد
 که یزدان ورا جای نیکان^{۲۵} دهاد!
 ۴۵۰ بدو گفت ماهوی کای پهلوان
 پذیرفتم این زینهار ترا!

۱-س (نیز ب): او؛ متن ← ۲-س-س^۲ (نیز لن، ق: ۲، آ: ب): گرم؛ ل: گرم از بر خاک روی؛ (پ، و: لن: ۲، گرم از بر (ن: آ: بی): خاک نرم؛ متن = (ل: ۳-ل: دو جوی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد ۴-ل: (ن: رفت) ۵-ل: (ل: آن: همی) ۶-ل: (ل: یکایک نهادند؛ ل، ن، پ: این بیت را ندارند؛ بنداری (۳۳۴-۴۴۰): فلما سمع ماهویه بذلک تلقاه. و لما وقعت عینه علی طلعة الملک ترجل، و عفر وجهه فی التراب بین یدیه، و أخذ یمشی فی موکبه و هو یبکی و یتوجع لما حزب الملک حتی اضطرَّ الی مفارقة الوطن ۷-ل: (ن: هامون بدید) ۸-س-س^۲ (نیز لی، و: لن، آ: ب): سراسر سپاهش؛ (ن، ق: ۲: بدانسان)؛ متن = ل (نیز ل: ۳، پ: آ): ۹-افزوده است:

به ماهوی سوری فرخزاد گفت بدانگه که بگشاد راز از نهفت

۱۰-س (نیز لی، ب): نامه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-س-س^۲ (نیز لی، ق: ۲، ل: ۳، و: ب): به تو؛ متن = ل (نیز لن، پ): بنداری؛ و لما رأه فرخزاد علی تلک الهيئة و نظر الی عساکره الکثیفة سر بذلک فوعظه و نصحه و بالغ و قال له: ایها البهلوان! اینی قد سلمت الیک هذا الملک ۱۲-ل (نیز لن، ق: ۲، ل: ۳، پ): بناید؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳-ق: (ل: وی) ۱۴-ل (نیز لی، و: آ، ب): خود (؟)؛ (ق: ۲: کس)؛ متن = س-س^۲ (نیز لن، ق: ۲) ۱۵-س (نیز لن، پ): بدو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فینبی لک أن تجد و تجتهد و تکشف دونه عن ساق جدک حتی لا یبسه سوء و لا یصیبه مکروه ۱۶-پ: (باید سوی مرز) ۱۷-ق (نیز پ، ب): که بینم؛ که: بینم من؛ (ق: ۲: دگر بینم)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸-س: در؛ (لن، ق: ۲: بر)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹-ل: (آن) ۲۰-ق: (رزم) ۲۱-س (نیز لن، و: لن، آ: ب): این؛ متن = ل، ک، ل: ۲، س^۲ (نیز ق: ۲، آ: ب)؛ ق: لی این بیت را ندارند ۲۲-ل: به گیتی سواری؛ (و: لن: آ: به گیتی چو رستم سواری)؛ در س، ق، ک، س، آ، لی، ب بیت های ۴۴۷ و ۴۴۸ پس از بیت ۴۳۱ آمده اند؛ آ این بیت ها را ندارد؛ پایایی بیت های متن = ل، ل: لن، ق: ۲، ل: ۳، پ: ۲۳-ل: (رو؛ و: لن: آ: به تیغ یکی تیغ زن) ۲۴-ل: (نیز ق: ۲، و: لن، آ: ما ۲۵-ل: نیکی؛ (ل: جایگاهی) ۲۶-ل (نیز لن، ق: ۲): چو؛ متن = ل (نیز ق: ۲، پ، ل: آ)؛ س، ق، ک، س، آ، لی، و، آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: فانی لاید لی من الانصراف الی الی، و لست أدری هل أری هذا التاج مرة أخرى أم لا فقد قتل کثیر من أمثالی فی هذه الوقائع (۴۴۷-۴۴۹ را ندارد)؛ بنداری افزوده است: و إنما أذهب لأجمع عساکر الی و أصهبان، و أقدم بهم علی الملک (برابر است با بیته در دستنویس بایستقری):

سپاه سپاهان و ری را همه به گرد آورم سوی شاه رمه

۲۷-ق: مرا؛ (پ: سپهد مرا شهریار ترا)؛ بنداری: فقال ماهویه: إن الملک أعز علی من هذه العین الباصرة، و نصحک مقبول، و قولک مسموع

فرخزاد هرمزد از آن^۱ جایگاه^۲ سوی ری بیامد^۳ به فرمان شاه

برین^۴ نیز بگذشت چندی سپهر
شبان را همی تخت کرد^۵ آرزوی^۶
۴۵۵ تن خویش یک چند بیمار کرد
جدا شد^۵ ز مغز بداندیش مهر!
دگرگونه تر شد به آیین و^۸ خوی^۷!
پرستیدن شاه دشخوار^۹ کرد!

یکی پهلوان بود گسترده کام^{۱۰}
نشستش به شهر^{۱۲} سمرقند بود
چو ماهوی بدبخت^{۱۵} خودکامه^{۱۶} شد
که ای پهلوان زاده ی بی گزند
۴۶۰ که شاه جهان با^{۱۸} سپاه ایدرست
گر آبی، سر و تاج و گاهش^{۲۱} تراست!
نژادش ز طرخان^{۱۱} و بیژن به نام
و زان^{۱۳} مرز چندیش^{۱۴} پیوند بود
ازو نزد بیژن یکی نامه شد،
یکی رزم پیش آمدت^{۱۷} سودمند،
نشستش ز^{۱۹} گیتی به مرو اندرست^{۲۰}،
همان گنج و چتر و سپاهش^{۲۲} تراست!

۱-ل: زان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-س-ل (نیز لی، و، آ، ب): بارگاه؛ متن = ل (نیز لن، ق، آ، ل، پ، ن، ۳) ۳-ل: بیامد سوی ری؛
(و، ل: آ، به سوی ری آمد)؛ س ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فثنی فرخزاد عنانه، و توجه نحو الری باذن الملک ۴-ک (نیز لن، ل، آ): بدین
هـ س: بیامد؛ لی این بیت را ندارد؛ ق، و، ل، ن، ۲ افزوده اند:

ز بغداد و ری کان گزیده سران (ق: ز بغداد و اروندرود از کران)
که یارستان چرخ پروره رنگ (ق: آ: زبسان بود ساز و آیین جنگ)
از آن کار دشمن به دل تنگ شد
به بی کام او بخت را رانده دید (ق: آ: شده زرد چون کاه رخسارشان)
چو آگاهی آمد ز نیزوران
نیامد کسی پیش ایشان به جنگ (ق: آ: که کسی پیش ایشان نشد تیرجنگ)
رخ شاه ایران پر آژنگ شد
چو ماهوی مر شاه را مانده دید (ق: آ: از آن گونه دیدش سپاه)

عس (نیز لی، ب): کرد تخت؛ ل: شبان زاده را بخت کرد ۷-ل ۲ (نیز لن، پ): آرزو-خو؛ س: آ: آرزو-آرزو (ل) ۸-س، ق، ل، ۲ (نیز لی،
ب): دگر شد به رای و به آیین و؛ س، ۲ (نیز ل، ۳): دگر شد به آیین و رای و به؛ متن = ل (نیز لن، ق، آ، پ، و، ل، ۲) ۹-ل-ل ۲ (نیز ق، آ، لی،
و-ب): دشوار؛ (ل: آ: پادشاهوار)؛ متن = س ۲ (نیز لن، پ)؛ بنداری: قال: و انتهى الخیر الی مرو بأن عاکر سعد بن ابی وقاص رضی الله
عنه أخذوا المدائن و سائر ما تاخما من بلاد المملكة عظیم ذلك علی یزدجرد (تا اینجا از خود افزوده). و لما علم ماهویه بأن امره قد
أضحی علی الزوال دار فی رأسه هوی السلطنة قلب یزدجرد ظهر المجن فتمارض آیاما، و صار لا یواظب علی إقامة شرائط خدمته،
کما کان یواظب علیها من قبل ۱۰-ل (ق: آ: نام) ۱۱-ل (نیز پ، آ، ب): طلحان؛ س، ک، ل، ۲، ۳ (نیز لی، و، لن، ۳): طلحان؛ (لن: طلخون؛ ل: آ:
طلحنند)؛ متن = (ق: آ)؛ ق این بیت را ندارد ۱۲-س، ق، ک، س، ۲ (نیز لی، ب): مرز؛ متن = ل، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، ۲) ۱۳-ل: بران؛ (ب: از آن)؛
متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۴-ک: چندین به؛ بنداری: و کان لسمرقند ملک من ملوک ترک یسمى بیژن. و کان شجاعا بطلا
مشهورا بالرجولية و البسالة؛ ق در اینجا سرنویس دارد: گفتار در غدر ماهوی سوری با یزدگرد؛ ق ۲ افزوده است:

همان نام بیژن به ایران و چین
ز مردیش کردند نقش نگین

۱۵-س ۲ (نیز ق، آ، و، لن، ۲، ۳): بدبخت و ۱۶-ل (ق: بدکامه) ۱۷-ق: آدم؛ آ این بیت را ندارد ۱۸-س (نیز لن، ل، ۳): بی؛ متن = ده دستنویس
دیگر ۱۹-ل (ن: آ، ب) ۲۰-ل (نیز ق، آ، پ): ابا تاج و گاهست و با افسرست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱-ل ۲ (نیز لن، ل، ۳): گاه و
تاجش ۲۲-ل: حتر حو (حرف یکم بی نقطه)؛ س، ک، ل، ۲، ۳ (نیز ق، آ، لی، و، آ، ب): تخت و (لن: چیز و؛ لن: آ: چیزه)؛ ق: تخت و گنج
و؛ متن = (ل: آ) ۲۳-ک: کلاهش؛ بنداری: فکتب الخائن الیه کتابا یعلمه فیه بحصول ملک ایران فی مرو، و یثیر علیه بأن ینهض الیه و
یتنهز الفرصة و یقبض علیه

برین^۱ تخمه بر داد^۲ بیداد کن!]
 جهان پیش ماهوی خودکامه^۳ دید!
 چه داری به یاد^۵ اندرین^۶ داستان؟
 برانم، شود کارم ایدر^۹ تباہ!
 مرا بی‌منش^{۱۳} خواند و چابلوس^{۱۴}!
 همی‌ترسد^{۱۶} از روزگار^{۱۷} نبرد^{۱۸}!
 که ای شیردل‌مرد پرخاشجوی،
 به یاری ماهوی و باز آمدن،
 به یاری شود سوی آن^{۲۱} رزمگاه،
 سبکسار^{۲۴} خواند ترا^{۲۵} مرد سنگ!
 مرا خود نجیبید باید ز جای!
 نبرده‌سواران خنجرگزار^{۲۶}،
 مگر شهر^{۲۸} ایران به چنگ^{۲۹} آورد!

[ز کین نیاگان به دل یاد کن!
 چو بیژن نگه کرد و آن نامه دید
 به دستور گفت: ای^۴ سر راستان
 ۴۶۵ به یاری ماهوی اگر^۸ من سپاه
 به من^{۱۰} بر کند^{۱۱} شاه چینی^{۱۲} فسوس
 وگر نکم^{۱۵} این، گوید^{۱۵} از بیم کرد
 چنین داد دستور پاسخ بدوی^{۱۹}
 از ایدر ترا ننگ باشد^{۲۰} شدن
 ۴۷۰ به برسام فرمای تا با سپاه
 به گفتار سوری^{۲۲} شوی^{۲۳} سوی جنگ
 چنین گفت بیژن که اینست رای!
 به برسام فرمود تا ده‌هزار
 به مرو آید و^{۲۷} ساز جنگ آورد

۱- (بی: بدین؛ و: وزین) ۲- ق: تخمه سرد؛ ل، ن، ل، آ، پ، آ، بنداری این بیت را ندارد؛ ق، آ، و، ن، آ افزوده‌اند:

شهنشاه از آن (این) خودکی (نه) آگاه بود که ماهوی سوریش بدخواه بود

۳- (ق: آ، بدکامه)؛ آ بیت‌های ۴۶۳-۴۷۶ را ندارد ۴- ق: آن ۵- ق: بداد (در بالا: بیاد) ۶- ل: اندرون؛ متن = یازده دستنویس دیگر

۷- (و: از که باستان؛ ل: چگونه شنیدی تو از باستان)؛ ل، ن افزوده است:

'چه داری به یاد اندرین داستان هم از رای ماهوی زاده‌شبان

۸- ل، ل، س، ل، آ، س، آ (نیز ل، ن، ل، و، ن، آ، پ)؛ گر: متن = ق، ک (نیز ق، آ، ل، آ، پ) ۹- (ب: اندر)؛ س: آ: کار بر من ۱۰- (ق: آ، ما) ۱۱- (پ: برانیم

کند) ۱۲- س، ق، ل، آ، س، آ (نیز ل)؛ چندی: ک (نیز ب)؛ چندین: (ق: آ: چین این)؛ متن = ل (نیز ل، ن، ل، آ، ن) ۱۳- ق: بیش (؟) ۱۴- در پ، و

حرف یکم و در پ، ب، حرف سوم با سه نقطه؛ در پ بیت‌های ۴۶۶ و ۴۶۷ پس از ۴۶۸ آمده‌اند ۱۵- ل (نیز ل، ن، ق، آ)؛ وگر نه کنم گوید؛ س

(نیز ل)؛ وگر نه بگویند؛ ک، ل، آ، س، آ (نیز ب)؛ وگر نه هم او گوید؛ (پ: وگر نکتم گوید)؛ متن = (ل، ن، آ، ن) ۱۶- ل: آ: برشد (→ ترسد)

۱۷- ل: از روز ننگ و؛ (ل، ن، ق: آ: از گرد روز؛ پ: از بهر ننگ و)؛ متن = س، ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، ل، آ، پ) ۱۸- (ل، ن: آ: برسید گوید ز روز نبرد)؛

ق، و، آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما أتاه الكتاب شاور وزيره في ذلك ۱۹- (و: پاسخ آورد دستور اوی) ۲۰- س، ق (نیز ل)؛ زود باید:

ک، ل، آ (نیز ل، آ)؛ نیک باید (در ک حرفهای یکم و دوم و در ل حرف دوم بی نقطه)؛ س، آ (نیز ل، ن، آ، ب)؛ تنگ باید (در ب حرف یکم

بی نقطه)؛ (ق: آ: نیک باشد)؛ متن = ل (نیز ل، ن، پ، و) ۲۱- (ب: این) ۲۲- (ق: آ: ماهو؛ و: اوگر) ۲۳- ق (نیز ل، آ)؛ شود ۲۴- ق: شکیبای

۲۵- س: آ: مرا؛ بنداری: فقال: الراي أن تتدب لهذا الأمر ولدك برسام، ولا تفارق أركبك، فإنك إن فعلت ذلك نسوبك الى النزق والطيث

۲۶- س: گذار ۲۷- ل (نیز پ)؛ اندرون؛ (ل، آ، ب: آورد)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸- ل (نیز ل، ن، ق، آ، و، ن، آ)؛ گنج؛ (پ: تخت)؛ متن =

س-س، آ (نیز ل، ب) ۲۹- س: تنگ (!)؛ بنداری: فانتخب عشرة آلاف فارس و جهزم تحت راية ولده الی مرو؛ س پس از ۴۷۴ و آپس از

۴۶۱ افزوده‌اند:

ز مرز سمرقند بیرون (آ: بیژن) برفت پیامد بر شاه ناگاه تفت

گفتار اندر رزم یزدگرد با ترکان^۱

بیامد به یک هفته^۲ تا شهر^۳ مرو!
از آن مرز^۴ برخاست آوای^۵ کوس!
که ماهوی سوریس بدخواه^۶ بود!
سواری سوی خسرو آمد دمان^{۱۱}،
ز ترکان، کنون بر چه رای ست شاه^{۱۴}؟
سپاهش همی^{۱۶} برنتابد زمین!
فراز آمدند از دو رویه^{۱۷} سپاه
به جنگ اندرآمد سپه یکسره^{۱۸}!
شد از گرد گیتی سراسر سپاه!
سپهدار ایران برآورد^{۱۹} جوش
بزد دست و تیغ از میان برکشید^{۲۰}،
زمین شد بکردار دریای نیل!
پس پشت او در^{۲۳} نماند ایچ گرد!
میان سوارانش بگذاشتند!
بدانست نیرنگ او در نهان:

۴۷۵ سپاه از بخارا چو پزان تذر
شب تیره هنگام بانگ خروس
جهاندار^۶ ازین^۷ خود کی^۸ آگاه بود
به شبگیر گاه سپیده دمان^{۱۰}
که^{۱۲} ماهوی^{۱۳} گوید که آمد سپاه
۴۸۰ سپهدار قام است و^{۱۵} فغفور چین
برآشت و جوشن بپوشید شاه
[بیاراست با میمنه میسره
همی بود با نیزه در قلبگاه
رده برکشیدند و برشد خروش
۴۸۵ [چو نیروی پرخاش ترکان بدید
به پیش سپاه اندرآمد چو^{۲۱} پیل
چو بر لشکر ترک بر^{۲۲} حمله برد
همه پشت بر تاجور^{۲۴} گاشتند
چو برگشت ماهوی^{۲۵}، شاه جهان

۱-ل.س: رزم یزدگرد با ترکان (س: و غدر کردن ماهوی سوری)؛ ق: جنگ یزدگرد با برسام ترک و غدر ماهو و هزیمت شاه؛ ک.ل.۲.
س^۲ سرنویس ندارند؛ متن ← ل.۲.ق: دو هفته؛ (ق: یک ماه) ۳-ل.۲: تا سوی؛ (لی: پ: به یک هفته آمد بدان شهر) ۴-س-س: ۲ (نیز
لی: ب): دشت؛ متن = ل (نیز لن، ق: ۲.ل.۳.ل.۲) ۵-ل.س: ک (نیز ق: ۲.ل.۲)؛ آواز؛ متن = ق، ل.۲، س^۲ (نیز لن، لی: پ، و، لن.۲، ب) ۶-س-س: ۲
(نیز لی، ل.۲، آ.ب): شهشاه؛ متن = ل (نیز لن، ق: ۲، پ) ۷-ل: زین؛ (ب: از آن)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸-ل: نه؛ متن = دوازده
دستنویس دیگر ۹- (ق: ماهوی جوینده گاه)؛ و، لن.۲ این بیت را ندارند؛ بنداری: فوصل العسکر من بخارا الی مرو فی أسبوع فدقوا
الکوسات فی جنح اللیل، و الملک فی شغل شاغل عن ذلک ۱۰-س-س: ۲ (نیز ق: ۲، لی، و، آ.ب): خروشی برآمد هم اندر زمان (ق: آ.۲):
سپیده دمان)؛ متن = ل (نیز لن، ل.۲، پ، لن، آ) ۱۱-ل (نیز لن): دوان؛ س-س: ۲ (نیز لی، و): بیامد سپیده دمان؛ (ق: بیامد هم اندر زمان؛ آ: بیامد
به شاه زمان؛ ب: بیامد چو شیر دمان)؛ متن = (ل.۲، پ، لن، آ) ۱۲- (آ: به) ۱۳-ق: که باشاه ۱۴- (و: برگشادست راه) ۱۵-ل.۱-ک (نیز لی، ل.۲، آ.
ب): خانست و؛ ل.۲، س^۲ (نیز پ، و): خانست؛ (لن: قانیست (دقامیست؟)؛ لن: آ: خاقانست و (ل): ق: سپهد چو خلقان و)؛ متن
تصحیح قیاسی است ۱۶- (لی: همه)؛ بنداری: و لما أصبح ماهویه آناه فارس و قال له فی السر: إن العسکر قد وصل فافعل ماتری. فردّه
ورکب فی عساکره مظهر المتابذتهم ۱۷-ل: شد از گرد گیتی سراسر (= ۴۸۳ ب)؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸-ل.۱-ک، س، آ، لی، آ.
ب بیت های ۴۸۲ و ۴۸۳ را ندارند؛ متن = ل (نیز لن، ق: ۲.ل.۳.ل.۲) ۱۹- (ل: برآمد به)؛ در ق: ۲، و، لن.۲ این بیت پس از ۴۸۲ و در ل پس
از ۴۸۱ آمده است؛ ل.۲، لن، پ این بیت را ندارند؛ بنداری: و لبس الملک سلاحه. و تلقوا العدو. فلما اصطف الفریقان و تقابل الجمعان
وقف الملک فی القلب ۲۰-س، ق، ک، س، آ، لی، آ. ب این بیت را ندارند؛ متن = ل (نیز لن، ق: ۲.ل.۳.ل.۲) ۲۱-ق: به ۲۲-س-س: ۲ (نیز لی،
و، آ.ب): چو ابر خروشان؛ متن = ل (نیز لن، ق: ۲.ل.۳.ل.۲) ۲۳-ک (نیز آ): بر؛ (ق: لشکر او)؛ بنداری: فتتابع علیه حملات الأترک
فخاص بنفسه غمرة الحرب، و ردّ فی وجوههم بعض تلك الحملات ۲۴-س-س: ۲ (نیز لی، و، آ.ب): نامور؛ متن = ل (نیز لن، ق: ۲.ل.۳، پ،
لن) ۲۵-س: ۲. ماهوز

که او ماند اندر میان سپاه^۳
 همی زد به تیغ و به پای و رکیب^۵،
 چو بیچاره تر^۷ گشت، بنمود پشت!
 یکی کابلی^{۱۱} تیغ در مشت او^{۱۰}،
 یکی آسیا دید بر^{۱۴} آب^{۱۵} زرق^{۱۳}،
 ز بدخواه در آسیا شد نهان!
 همه زرق^{۱۸} ازو گشت بر^{۱۹} گفت و گوی^{۲۰}!
 همان گرز و^{۲۳} شمشیر زرین نیام
 از آن^{۲۵} اسپ و آن ساز^{۲۶} جوشان شدند
 نشست از بر خشک لختی^{۲۸} گیا

فرازش بلندست و شیبش^{۲۹} نشیب!

۴۹۰ چنین^۱ بود ماهوی را رای^۲ و راه
 شهنشاه در جنگ شد ناشکیب^۴
 فراوان از آن نامداران^۶ بکشت
 ز ترکان^۸ بسی در پس^۹ پشت او^{۱۰}
 همی تاخت جوشان چو از ابر^{۱۲} برق^{۱۳}
 ۴۹۵ فرود آمد از اسپ^{۱۶} شاه جهان
 سواران به جستن^{۱۷} نهادند روی
 ازو بازماند اسپ^{۲۱} زرین ستام^{۲۲}
 بدان بخشش اندر^{۲۴} خروشان شدند
 نهان شاه در^{۲۷} خانه ی آسیا

۵۰۰ چنینست رسم سرای فریب

۱-ک: همین ۲- (و: روی) ۳- س: س ۴- (نیز لی، ل، و، آ، ب): که آید بدان (ک: در آن؛ ل: بران) سر (س، لی: سان؛ س، آ، و، آ: سو؛ ب: جا) گرفتار شاه؛ متن = ل (نیز لن، ق، آ، ب، ن، پ) ۵- س: س ۶- س: س ۷- (نیز ق، آ، بی، ل، و، آ، ب): دلیری و تندی (ل، آ، ق، آ: مردی؛ ب: کندی) و گردی (ق: آ: شیری) نمود (ق: فرود)؛ متن = ل (نیز لن، پ، ن، آ): ق، آ: افزوده است:

همی زد به تیغ و به پای و رکیب (= ۴۹۱ ب)

ع: س، ک، س، آ (نیز لی، ل، و، آ، ب): به قلب اندرون چند ازیشان؛ متن = ل، ل، آ (نیز لن، ق، آ، ب، ن، پ) ۷- س: س ۸- (نیز لی): بر؛ ق این بیت را ندارد ۸- ق: گردان ۹- ل: بسی بود در؛ (و: یکی در پس؛ ن: آ: یکی پس!)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰- ل، ک، س، آ (نیز ل، آ، ب): او؛ متن = ل، آ (نیز لن، ق، آ، بی، و، ل، ن، پ) ۱۱- (ق: هندوی)؛ بنداری: فتهازم ماهویه عند ذلک فی جنوده، علی مواطأة کانت بینه و بین التریک، فالتفت یزدجرد، و لما رأی صنیع ماهویه أحس بالحال فولی ظهره للفرار، و تبعه الأتراک کالماء و النار ۱۲- س: س ۱۳- (نیز ق، آ، بی، ل، و، آ، ب): همچون شب (ق: آ: در دشت چون) تیره؛ متن = ل (نیز لن، پ) ۱۴- (و: برف - ژرف) ۱۴- ل: بد بران؛ (آ: بود بر)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵- (ل: راه) ۱۶- ل: باره؛ متن = س: ب؛ بنداری: فرأی طاحونه علی ماء الزرق فنزل عن الفرس و ترکه، و مشی حتی دخل الی الطاحونه و اختفی فیها ۱۷- ل، آ (نیز لی): نخستین ۱۸- س: س ۱۹- ل (نیز لن، ق، آ، بی، ل، و، آ، ب): شد پر از؛ متن = س: س ۲۰- (نیز لی، ب) ۲۱- ل، آ (نیز ب): گفت گوی؛ ق: گفتگوی؛ (و: همه ژرف انوشه بد از پیش او)؛ در ق این بیت بابت سپهین پس و پیش شده است ۲۱- ل، ق، ک، ل، آ (نیز آ): اسب و؛ (ب: ماندست؛ و: ازو ماند آن اسپ)؛ متن = س، س، آ (نیز لن، پ، ن، آ) ۲۲- (ل: زین و لگام) ۲۳- ل: از آن گیر و؛ س: س ۲۴- (نیز و، ب): بدیدند؛ (لی: بدزدید؛ آ: ندیدند)؛ متن = (ل، ن، ق، آ، بی، ل، و، آ، ب، ن، آ) ۲۴- (ق: آ: جستن اندر)؛ ل: به جستن؛ ل، آ (نیز لن، پ): به بخشش چو ترکان؛ (ل، و، ل، ن، آ: به جستن چو ترکان)؛ متن = س، ق، ک، س، آ (نیز آ، ب: سه حرف نخستین بخشش در ق بی نقطه) ۲۵- س، ک، س، آ (نیز ق، آ، و، ب): بدان؛ (ق: نیز پ، آ): بران؛ متن = ل (نیز لن، ل، آ، بی، ل، و، آ، ب، ن، آ) ۲۶- (ل: شاه؛ ل: باره و ساز؛ س، ک، س، آ (نیز ق، آ، و، آ، ب): ساز و آن اسپ؛ متن = ق، ل، آ (نیز لن، ل، آ، بی، ل، و، آ، ب): کانت فرسان الأتراک فی أثره فرأوا فرسا عائرا مغمورا فی الذهب فأخذوا به و أخذوا فی قسمة عدته، و اشتغلوا بذلك حتی أمسوا فانصرفوا ۲۷- ل: گشته در؛ ق: شد در آن؛ (ل: شه در آن)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸- ک: چندی ۲۹- ل، آ (نیز ق، آ، بی، ل، و، آ، ب): پیشش؛ ل، ک، س، آ (نیز لن، ل: بلند و نشیبش؛ لی: بلندست شیبش؛ ل، آ: نشیبش فراز و فرازش)؛ متن = س، ق (نیز پ، آ): ق، ل، و، ل، آ: افزوده اند:

که ناید به فرجام ازو جز گزند
 ولیکن که زهر دادنش گرم (و: بی آب و شرم)
 گهی شادمانی و گاهی به رنج

۲، آ، بی، ل، و، آ، ب: اگر بخردی دل در دو در (ل: آ: رای باو) میند
 ق، آ، و، ل، ن، آ: به گاه بسودن چو مارست نرم
 ل: گزندست و بیم سرای سپنج

ز خوشاب و زر آستین^۳ قباي!
 بدان^۵ خیرگی نام یزدان بخواند!
 بدین^{۱۰} آسیا چون رسیدی^{۱۱}؟ بگوی^{۱۲}!
 پراز گندم و خاک^{۱۴} و چندین^{۱۵} گیا^{۱۶}؟
 که چون تو نبیند همانا سپهر!
 هزیمت گرفتم ز توران^{۱۹} اسپاه
 که جز تنگدستی^{۲۱} مرا نیست جفت!
 و زین^{۲۳} ناسزازهی جویبار،
 -خروشان بود مردم تنگدست!-
 نبود ایچ^{۲۸} پردازش خواب^{۲۹} و بزم^{۳۰}،
 خورش نیز^{۳۳} با^{۳۴} برسم آید به کار!

دوا پیکر یکی کفش زرین^۲ به پای
 نگه کرد خسرو بدو^۴، خیره ماند
 بدو گفت کای^۶ شاه^۷ خورشید^۸ روی^۹
 ۵۱۵ چه جای نشست^{۱۳} بود آسیا
 چه مردی بدین فرّ و این برز^{۱۷} و چهره؟
 از^{۱۸} ایرانیانم -بدو گفت- شاه
 بدو^{۲۰} آسیابان به تشویر گفت
 اگر نان کشکینت^{۲۲} آید بکار
 ۵۲۰ بیارم جزین^{۲۴} نیز^{۲۵} چیزی^{۲۶} که هست
 به سه روز شاه جهان را ز رزم^{۲۷}
 بدو گفت شاه^{۳۱}: آنچ^{۳۲} داری بیار!

۱-ق-س ۲ (نیز لن، ل ۳-ب): به؛ متن = س ۲-۲ (ق: یکی کفش زرین مرورا) ۳-س ۲: آستین و؛ ق: و زریفت چینی؛ ل ۲: و ز آستین؛ (و: و در آستین؛ لن: ز خوشاب آستین ز زر بد؛ ق: آ: به گوهر همه آستین؛) متن = س: ک (نیز ل ۳-پ، لن ۲-ب، ل: بی)؛ لن: این بیت وانانند
 ۴-ق: آ: برو؛ پ، لن: آ: درو؛ و: بدان؛ متن = یازده دستنویس دیگر (لن: آ: در آن؛ بنگاری: ۵۱۳، ۵۰۶): و لما أصبح جاء الطحان فدخلها فأرّج رجلا كالمس والياستق، علی رأسه تاج مرصع، و علیه قباة من اللبياج الصینی مذهب، و فی رجليه مداس ذهبي، و هو قاعد هناك علی الحشيش والتراب، يظهر علیه أثر الحزن والاكتئاب ۵-س ۲ (نیز لن، لن: ب): ای ۷-لن: شاه را به مرد تصحیح کرده ۸-ک: خرشید ۹-ب: فش؛ و: آ: رو) ۱۰-ل: بران؛ متن = س-ب ۱۱-ل ۱۱ (ق: فتادی) ۱۲-ب: تو خوش؛ و: آ: بگو) ۱۳-س: س ۲ (نیز لن، لن: پ-ب): نشست تو؛ (ل ۳: نشست تویی که؛ متن = ل (نیز ق ۲) ۱۴-ل: آ: آش -> ماش؟) ۱۵-ل: ق: ل ۲ (نیز لن، و: لن: آ: چندی؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز لن، ل ۳-آ: ب) ۱۶-ق: آ: پ: پراکنده از خاک و لختی گیا) ۱۷-س، ک، س ۲ (نیز لن، پ): برز و این فرّ: ق: ل ۲: یال و این زور؛ (لن: برز و این قند؛ لن: آ: قد و این برز؛ آ: فرّ و آن برز؛) متن = ل (نیز ق ۲، و: ب): بنگاری: فقال: أیها الشهبان! من أنت؟ و مالذی ألبأک الی الدخول الی هذا الموضع الخراب، والجوس علی فرش الحصى والتراب؟ ۱۸-ل ۲ (نیز و: لن: آ): ز ۱۹-س ۲: ترکان؛ بنگاری: فقال: أنا رجل من الفرس هربت من التراب الی هذا المكان، واختفيت منهم فيه؛ ل ۳ افزوده است:

اگر هست نزد تو چیزی خورش
 پذیرم بدین مایه از تو سیاس
 که تن را بداد خورش پرورش
 چو آرد بران مرد یزدان شناس

۲۰-س (نیز لن، ب): از او؛ متن = دو دوازده دستنویس دیگر ۲۱-س، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ب): بی نویی؛ ل ۲: دست تنگی؛ متن = ل (نیز لن، ق ۲، ل ۳-آ): و، لن ۲ افزوده اند:

ازین غم روانم بهم برزدی چنان دان که (کنون چونکه) مهمان ما آمدی

۲۲-ب: کشکین) ۲۳-ل: ازین؛ متن = س-ب ۲۴-ق: جز آن ۲۵-س (نیز ق ۲، لن، ل ۳-ب): نیست؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶-ل ۲: لختی ۲۷-س (نیز لن): ز درد؛ (آ: برزم؛ ب: ز بخت؛ ل: جهاندار بزم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸-س (نیز لن، آ): نبد هیچ؛ (ب: نبد ایچ)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹-ل، و: لن: آ: خوان؛ ل ۳: جام؛) متن = ده دستنویس دیگر ۳۰-س (نیز لن، ب): خورد؛ (آ: خورد و نه پروای بزم)؛ بنگاری: فقال: أي شیء أضع لضيف مملک و إنما عندی أقراص شعیر لا غیر؟ (۵۲۰ و ۵۲۱ و نانداد) ۳۱-ل ۲ (نیز ل ۳): شاه گفت ۳۲-ل ۲ (نیز لن، پ-ب): آنچه ۳۳-در، ل ۲ حرف یکم بی نقطه ۳۴-ق (نیز لن، ل ۲، لن: آ): تا؛ در، س، ل ۲، ق ۲، آ: بی نقطه؛ متن = بی، ک، س ۲ (نیز لن، ب، و، آ، ب): نیز با -> تیر تا؟؛ بنگاری: فقال یزدگرد: أحضر ما عندک

برو^۳ تزه^۴ و نان کشکین^۵ نهاد
 به جایی که بود اندرو^۸ وازگاه^۹
 که برسم کند زو یکی^{۱۲} خواستار
 ز^{۱۴} گیتی همی شاه را جست و^{۱۵} بس!
 که برسم که را^{۱۷} خواهی ای روزبه؟
 نشسته‌ست گنداوری بر گیا،
 به دیدار خورشید^{۱۸} با فرهی،
 دهان^{۲۱} پر ز باد، ابروان پر ز خم^{۲۲}،
 به برسم همی واز^{۲۴} خواهد^{۲۵} گرفت
 برو^{۲۸} نان کشکین، سزاوار خویش!
 چنن هم به ماهوی سوری بگوی^{۳۰}!
 چو این^{۳۲} بشنود، گوهر^{۳۳} آرد^{۳۴} پدید!
 سرافراز، تا^{۳۵} پیش ماهوی برد

سُبک^۱ مرد بی‌مایه چُنین نهاد^۲
 به برسم شتابید^۶ و آمد به^۷ راه
 بر مهترِ زرق^{۱۰} شد بی‌کیار^{۱۱}
 به هر سو فرستاد ماهوی^{۱۳} کس
 از این^{۱۶} آسیابان بپرسید مه
 بدو گفت خسرو که در آسیا
 به بالا بگردارِ سرو سهی،
 دو^{۱۹} ابرو کمان و دو نرگس^{۲۰} دُژم،
 سزد گر بمانی بدو^{۲۳} در شگفت!
 یکی کهنه‌چُنین^{۲۶} نهادمش^{۲۷} پیش
 بدو گفت مهتر کز^{۲۹} ایدر بیوی^{۳۰}
 نباید که این^{۳۱} بدنزاد پلید
 سُبک مهتر او را به مردی سپرد
 ۵۳۵

۱-س، ق، ک، ه، ی، آ: (نیز، لی، بی): بشد؛ متن = ل، ل^۲ (نیز، لی، ق، ل، آ، ل، آ) ۱-۲، ل، ک، س، آ: حیین نهاد (در ل، س، آ حرف یکم و در ک سه حرف نخستین بی نقطه): ق: چوبی نهاد؛ ل: جونین نهاد؛ (ن: چندی ستاد؛ ق: ل، آ، ل، ک، برجین نهاد؛ و: آ خوانی نهاد؛ لی، ب: بی‌مایه بدنزاد؛ ن: آ: بی‌مایه بی‌مرداد؛ متن = س (نیز پ؛ حرف یکم با یک نقطه) ۳-س (نیز، لی، ن، آ، ب): برش؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴-(ب: بزه) ۵-ق: کشکی؛ (و: کشک نانی)؛ بنداری: فجاء بطبق خلاف علیه قرص شعیر، و باقۀ بقل. فطلب یزدجرد منه البرسم (۵۲۲ب) ۶-(ن: ببرد و بتابید) ۷-(ن: آ، ز) ۸-ل، ق، ل^۲ (نیز و، آ): اندر آن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹-س، ک، س، آ: (نیز، لی، ل، آ، پ، ن، آ، ب): باژگاه؛ ق، ل^۲ (نیز ق، آ، و): بارگاه؛ (ن: باژخواه)؛ متن = ل، ل^{۱۰}-س (نیز، لی، و، آ): ژرف؛ (ب: زرق)؛ متن = ق-س، آ: (نیز، لی، ق، ل، آ، پ، ن، آ) ۱۱-ل، ل، ل، آ: بی‌گذار؛ ق: بی‌گزار؛ (ن: بی‌تبار؛ ق: نابکار؛ لی: زان کنار؛ و: خوار خوار؛ ن: سوگوار؛ آ: پیک‌وار)؛ متن = س، ک، س، آ: (نیز ل، آ، پ، ب) ۱۲-س (نیز، لی، پ، ب): یکی زو کند؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فخرح الرجل یطلبه له فجاءه االی بیت زعیم الزرق الطلب البرسم ۱۳-(پ: سوی ماهوی فرستاد) ۱۴-ق، ل^۲ (نیز، لی، ق، آ، پ، ن، آ): به؛ متن = ل، س، ک، س، آ: (نیز، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۵-ق، س، آ: (نیز، لی، پ، آ، ب): حوج؛ متن = ل، س، ک، ل^۲ (نیز ق، آ، و، لی، ل، آ، و، لی، آ) ۱۶-ل، ق، ل^۲ (نیز ق، آ، و، لی، آ): آن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ل: چرا؛ متن = س-ب؛ بنداری: فقال له: لمن ترید ذلك؟ ۱۸-ک: خورشید؛ (ن: خورشید) ۱۹-ل: (ن: چو) ۲۰-(و: چشمش؛ ل: آ: دو گیسو کمند و دو ابرو) ۲۱-ل: دهن؛ متن = س-ب ۲۲-س، ک، س، ک، ل^۲ (نیز، لی، ب): باد و برو پر ز خم؛ ل^۲ (نیز، لی، ق، آ، ل، آ): باد (و: آب) و روان پر ز خم؛ متن = ل، ق، س، آ ۲۳-ل (نیز آ): ازو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴-س، ک، ل، آ، س، آ: (نیز، لی، پ، ب): باژ؛ (ن: ل، آ: باز؛ ق: آ: یار)؛ متن = ل ۲۵-س (نیز، لی، ب): خواهم؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: این بیت را نداد؛ در ل، ل، آ، ن، ق، آ، پ، ن، آ: لست‌های این بیت پس و پیش و در س، لی، این بیت با بیت سه‌مین پس و پیش شده است ۲۶-(ن: پشمین؛ ق: آ، لی، ن، آ: خوانی؛ آ: جوبین؛ ل: آ: کهنه‌چین)؛ متن = ل، س (نیز پ؛ در ل حرف‌های یکم و دوم بی نقطه و در س، ب حرف یکم با یک نقطه) ۲۷-ل: نهادش به؛ (ن: نهادم به)؛ متن = س (نیز ق، آ، پ، ن، آ، ب) ۲۸-س (نیز، لی): همان؛ (آ: یکی)؛ متن = ل (نیز، لی، ق، آ، ل، آ، ب، ن، آ): ق، ک، ل، آ، س، و، ب این بیت را ندادند؛ بنداری: (نیز ق، آ، پ، ن، آ، ب) ۲۹-ل، آ: (ن: از؛ ن: آ: هم؛ ق: آ: خسرو که) فذکر انه وجد فی الطاحونة رجلا من صفته کیت و کیت، و قد قدمت الیه شینا یا کله فطلب البرسم ۳۰-ل: بیو-بگو (بی نقطه) ۳۱-ل (نیز ق، آ، پ): آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲-(ق: چنن) ۳۳-ل (ن: کینه) ۳۴-ق، ل^۲: آید؛ ق: این بیت را نداد ۳۵-(ق: آ، ن، آ، و، ل، آ): (ن: جهان‌دیده را)؛ (ن: جهان‌دیده تا)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: فعلم الزعیم انه الملک. فأمره بأن یقصد باب ماهویه، و یقول له ذلك. و کل به رجلا، و أنفذه الیه

که برسم که را^۲ خواستی^۳؟ راست گوی^۴،
 که من بار^۵ کردم^۶ همی خواستار^۸،
 چنان دان که^۹ خورشیدم آمد^{۱۰} به چشم!
 میانه^{۱۲} چو از شب گذشته سه^{۱۳} پاس!
 همی زیب تاج^{۱۶} آید^{۱۷} از روی^{۱۸} اوی^{۱۵}]
 - خورش نان کشکین، نشستش^{۲۰} گیا!
 ببايد گرفت^{۲۱} آسیا را کلید^{۲۲}!
 ز دیبای چینی فروزان^{۲۵} برشا!
 به بالای او سرو دهقان نکشت!

بپرسید ماهوی ازین^۱ چاره جوی
 چنین داد پاسخ بدو^۵ ترسگار
 در آسیا را گشادم به خشم
 دو نرگس چو ترأهوی^{۱۱} اندر هراس!
 ۵۴۰ [همی بوی مشک آید از موی^{۱۴} اوی^{۱۵}]
 چو خورشید گشته ست ازو^{۱۹} آسیا!
 هر آنکس که او فرّ یزدان ندید
 پر از گوهر نابسود^{۲۳} افسرش^{۲۴}!
 بهارست^{۲۶} گویی در اندر بهشت^{۲۷}!

گفتار اندر پند دادن موبدان ماهوی سوری^{۲۸}

۵۴۵ چو ماهوی دل را^{۲۹} برآورد گرد بدانست کو^{۳۰} نیست جز^{۳۱} یزدگرد^{۳۲}!

۱-ل: ۲: زین؛ ق: (نیز ق: ۲)؛ و: از آن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲-ل: چرا؛ متن = س-ب ۳-ق: ک، س ۲ (نیز لی، ب): خواهی ای؛
 متن = ل، ل ۲ (نیز لن، ق: ۲، ل: ۱) ۴-س: (نیز لی): مهر جوی؛ ق: راه جوی؛ س ۲: راست جوی؛ (ب): مردگویی؛ متن = ده دستنویس دیگر
 ۵-ق: (نیز پ، ا): ورا؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۶-س: ق، ک (نیز ق: ۲، لی، ل: ۲)؛ باز: ل ۲، س ۲ (نیز پ، و، ا، ب): باز؛ متن = ل ۷-ل: ۲:
 بر دم ۸- (لن: ۲) که شبگیر چون روز گشت آشکار؛ ق: ۲ افزوده است:

بگویم که از بهر که خواستم
 خرد را بدین خواهش آراستم
 چو زی آسیا رستم امروز پیش
 کزو من به کوشش برم نان خویش

۹- (و، ب: دانک)؛ ق: ل ۲: تو گفستی که ۱۰-ل (نیز لن، ق: ۲، ل: ۳، پ، ا): خورشید دیدم؛ (ب): خورشید داند؛ متن = س-س ۲ (نیز لی، و، لن ۲)
 ۱۱-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز پ-ب): ترأهوی؛ (ق: ۲: برأهوی؛ لی: ترأهوی)؛ ل: دو چشمش چو دو نرگس؛ متن = (لن) ۱۲-ل ۲ (نیز لن، لن: ۲): دو
 دیده؛ (ق: ۲: دو ابرو؛ پ: دو گیسو)؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز لی، و، ب) ۱۳-ک، س ۲ (نیز ب): دو؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق: ل ۳ این بیت
 را ندارند ۱۴-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لی، لن: ۲، ب): باد مشک آید از بوی؛ متن = (ق: ۲، ل: ۲) ۱۵-س، ک، س ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، لن: ۲، ب): او؛
 متن = ل ۱۶- (ق: ۲، ل: ۲، لن: ۲: باد مهر)؛ متن = س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لی، ب) ۱۷- (آ: باد باد آرد) ۱۸-س، ک، س ۲ (نیز لی، ب): موی؛ (ق: ۲، ل: ۳: بوی)؛
 متن = ل ۲، س ۲ (نیز لن: ۲)؛ ل: ق، لن، پ، و این بیت را ندارند ۱۹-ل: زو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-س، ک، س ۲: و فرشت؛ ق: (نیز لن،
 ب): و پوشش؛ ل: خشک و نشستش؛ (ل: ۲: کتک و نشستش؛ و: کتکست و فرش از)؛ ل: نشسته کنون در میان؛ متن = (ق: ۲، لن: ۲، ب): لی
 این بیت را ندارد ۲۱- (ق: ۲: سندا؛ ا: گشاد)؛ متن = ۲۲-ل (نیز لن، پ): ازین آسیابان ببايد شنید؛ (ن: ۲: در آسیا را بیارد کلید)؛ متن = س-س ۲
 (نیز لی، و، ب)؛ لن ۲ این بیت را ندارد ۲۳- (و: نابسود) ۲۴- (ق: ۲: نابسوده سرش) ۲۵- (لن: درخشان؛ و: رومی درخشان)؛ س-س ۲ (نیز
 لی، آ، ب): درفشان (ک، ل: ۲، س ۲: درخشان) ز دیبای رومی (آ: چینی)؛ متن = ل (نیز لن، ق: ۲، ل: ۳، پ، ا): ۲۶-ل، ک، س ۲ (نیز لن، ق: ۲، ل: ۲، و، لن: ۲):
 بهارست؛ س (نیز لی، ب): نهادست؛ متن = ل (نیز پ، ا) ۲۷-ل: در اردیبهشت؛ (ب): در ایدر بهشت؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق: این
 بیت را ندارد؛ پنداری (۵۳۶-۵۴۴): فذلخ علیه و سألته عن الحال فجعل العليج يصف له شكل الملك و شمائله و حليته؛ ل ۲ افزوده است:

به دیدار ماه و به رخ چون نگار
 به هر چیز مانند شهریار

در آیت‌های ۶۵۱-۵۴۴ پس از ۷۴۵ آمده‌اند ۲۸-ل، س، ق: پند دادن موبدان ماهوی سوری (س: ماهوی)؛ ر: ل ۲: اندر هلاک کردن ماهوی
 یزدگرد را؛ ک، س ۲ سرنویس ندارند؛ متن = ل ۲۹-ل ۲ (نیز ق: ۲، لی، لن: ۲، ب): ماهوی را دل؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ل: ۲، پ، و)
 ۳۰-ل ۲ (نیز لن، و، ا): کان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱-س (نیز لی، ب): خسرو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲- (لی: یزده گره)

بدو گفت: بشتاب ازین^۱ انجمن
 وگرنه هم اکنون بیزم سرت
 شنیدند ازو این سخن مهتران
 همه انجمن گشت ازو پر ز خشم
 ۵۵۰ یکی موبدی بود رادوی^۷ نام
 به ماهوی گفت: ای بداندیش مرد
 چنان دان که^{۱۱} شاهی و پیغامبری^{۱۲}
 ازین دو یکی را همی بشکنی
 نگر تا چه گویی^{۱۴}، بهرهیز ازین
 ۵۵۵ نخستین ازین^{۱۶} بر تو آید گزند
 که بارش کبست آید و^{۱۸} برگ خون
 همی^{۲۰} دین یزدان شود زین^{۲۱} تبه
 بزهنه شود در جهان زشت^{۲۵} تو
 یکی دینوری^{۲۷} بود یزدان پرست
 ۵۶۰ که هرمزد خرد^{۲۹} بُد نام اوی^{۳۰}

هم اکنون جدا کن سرش را^۲ ز تن!
 نمائم کسی زنده از گوهرت^۳!
 بزرگان بیدار^۴ و گنداوران،
 زبان^۵ پر ز گفتار و^۶ پر آب چشم،
 -به جان از^۸ خرد بر نهاده^۹ لگام!-
 چرا دیو چشم تو را تیره^{۱۰} کرد؟
 دو گوهر بود در یک انگشتی!
 روان و خرد را به پای^{۱۳} افگنی!
 مشو بدگمان با^{۱۵} جهان آفرین!
 به فرزند^{۱۷} مانی یکی کشتمند،
 بزودی سر^{۱۹} خویش بینی نگون!
 همان^{۲۲} بر تو نفرین^{۲۳} کند تاج^{۲۴} و گاه!
 پسر بدرود بی گمان^{۲۶} کشت تو!
 که هرگز نبردی به بدکار^{۲۸} دست،
 به دین^{۳۱} اندرون^{۳۲} بود آرام اوی^{۳۰}!

۱-ل (نیز لی): زین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-(لی: سر او)؛ ق-س ۲ (نیز لن، و آ): سرش را جدا کن؛ متن = ل، س (نیز ق ۲، ل ۳، پ، لن ۲، ب) ۳-(و: کشورت)؛ بنداری: فعلم الخائن الغادر انه هو فقال: ارجع الساعة واقطع رأسه. وإن لم تفعل قطع رأسك ۴-(ق ۲): ایران) ۵-(لن: زفان) ۶-ل (نیز لی): <و>؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷-ق: مردری؛ ل ۳: راهوی؛ پ: زاروی؛ و: بازوی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸-ل-ک، س ۲ (نیز لن، لی، و-ب): جان و؛ متن = ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۳، پ) ۹-ل: بر نهاده؛ (ب: بر نهادم)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰-س، ق، ک، س ۲ (نیز لن-آ): خیره؛ ل ۲: رنجه؛ متن = ل (نیز ب) ۱۱-(و: دانک)؛ ب: شنیدم (ک: ب: شنیدم)؛ متن = ل (نیز لن، ل ۲، س ۲) ۱۲-ل، س، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ل ۲، ب): پیغمبری؛ متن = ق، ک (نیز ق ۲)؛ بنداری: فأنکر علیه ذلك جماعة من الموابذة كانوا عنده حاضرین، و قالوا: لا تغمس يدك في دم مولاك، ولا تأمن دوائر الأفلاك. واعلم أن الملك والنبي: فسان في خاتم ۱۳-ل، ق (نیز ل ۳): پا؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-(ل ۳، آ: گفنی؛ پ: خواهی) ۱۵-(ب: از گمان تا)؛ بنداری: و مهما كسرت أحدهما فقد كسرت الخاتم، و أقمت بذلك على الدين و الدنيا المآثم ۱۶-ل، ق (نیز ل ۳): ازو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷-(لن: بفرجام) ۱۸-س (نیز لی، ب): آمد و؛ (ق ۲: آورد؛ و: آورد و)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹-(آ: بر) ۲۰-(ق: همان) ۲۱-ل (نیز ب، لن ۲): زو؛ ک پاک شده؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲-س، ل ۲ (نیز لی، و، ب): همی؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۳، پ، لن ۲) ۲۳-س (نیز لی): ویران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴-(ل ۳: چرخ)؛ آ: این بیت را ندارد و در س، لی با بیت سپهین پس و پیش شده است ۲۵-س: آ: دشت؛ (ل ۳: دست)؛ س (نیز لی): زان سپس خشت (ل)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ب): زان سپس؛ (ل ۳: ناگهان؛ و: آن زمان؛ آ: زین سپس)؛ متن = ل (نیز لن، پ، لن ۲)؛ ق: این بیت را ندارد؛ ق ۲ افزوده است:

همان زندگانیست ناخوش بود چو رفتی نشست بر آتش بود

۲۷-س-س ۲ (نیز لن-پ، آ: ب): دینور؛ (و: دیگری؛ لن: آ: بهتری)؛ متن = ل ۲۸-س-س ۲ (نیز ق ۲، لی، و، آ: ب): بیداد؛ متن = ل (نیز لن، ل ۳، پ، لن ۲) ۲۹-ک (نیز لن): خرداد؛ ق ۲، ل ۲: خرداد هرمزد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰-ل-ک، س ۲ (نیز لی، ل ۳، آ: ب): او؛ متن = ل ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۳، و، لن ۲) ۳۱-(لن: به دیر) ۳۲-ل: اندر او (ل)؛ (ق ۲): به زاوول درون؛ متن = دوازده دستنویس دیگر

چنین از ره^۲ پاک یزدان مگردا
همی^۴ خار^۵ بینم در^۶ آغوش تو!
همی دود از^۸ آتش کنی خواستار!
به برگشتنت^{۱۰} رنج و گرم^{۱۱} و گداز^{۱۲}!
چو رفتی^{۱۵} نشست در^{۱۶} آتش بودا

به ماهوی گفت: ای ستماگاره^۱ مرد
همی^۳ تیره بینم دل و هوش تو!
تنومند بی مغز و جانی نزار^۷
ترا زین جهان سرزنش بینم از^۹
کنون^{۱۳} زندگانیت^{۱۴} ناخوش بود

به ماهوی گفت: این دلیری چراست؟!
ز قام و ز^{۲۰} فغفور باز^{۱۹} آمدی!
که هرگز به کشتنش نشتاقتند^{۲۲}!
که نفرین بود بر تو تا رستخیز!
پر از خون دل و میزه^{۲۴} پر آب زرد^{۲۵}!
پر از درد^{۲۷}، با ناله و با خروش،
که نه رای^{۲۸} فرجام دانی^{۲۹}، نه داد،
و گر^{۳۲} کشته یابد، ندر^{۳۳} پلنگ،

نشست او و شهریوی بر^{۱۷} پای خاست
شهنشاه را^{۱۸} کارساز^{۱۹} آمدی
ازین تخمه بی^{۲۱} کس بسی یافتند
تو گر بنده^{۲۳} بی^{۲۳} خون شاهان مریز
۵۷۰ بگفت این و بنشست گریان به درد
چو بنشست^{۲۶} گریان، بشد مهرنوش
به ماهوی گفت: ای بد بدنژاد
ز^{۳۰} خون کیان^{۳۱} شرم دارد نهنگ

۱. (ن: ستمکار) ۲-س-س ۲ (نیز لن-ن، ن، آ، ب): از در؛ متن = ل (نیز و) ۳-ق (نیز ب): همه؛ (ب: یکی) ۴-ه (ب: همه) ۵-س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ب): کور (=گور؟): (ن: جاره = چاره؟): متن = ل (نیز ق ۲، ل، ب، و) ۱۰-ع، ک، س ۲ (نیز لن، پ، آ): به؛ متن = ل، س، ق (نیز ق ۲، ل، و، ن، آ، ب): ل ۲ این بیت را ندارد ۷-پ (ب: جان نزار): ل، س ۲ (نیز لن): تنومند (ن: تنومند) و بی مغز و جان و (ن: جان) نزار (ن: نزار): س (نیز ل، ب): تو نو مید و بی مغزی (ب: بی مغز) و جان نزار: ک، تو نو مید و بی ... (پاک شده) نزار: ل ۲ (نیز آ): تو نو مید و (آ: تنومند) بی مغزی و جان سپار: ق ۲: به نو میدی مغز و جان نزار: آ: تنومند و بی مغز و جان نزار: و تنومند و بی مغز و نالستوار؛ متن = (ن) ۸-ل: ز؛ ک (نیز ق ۲، ل، آ، ب): ل، ب: <از ل ۲ (نیز لن، آ): و؛ متن = س، س ۲ (نیز ب، و، ن، آ): ق این بیت را ندارد ۹-ق ۲: باشدت: آ: بتر زین جهان سوز بینمت و از) ۱۰-ا (ب: به برگشتن) ۱۱-ل (نیز لن، ن، آ، ب): گرم و رنج؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲-ق ۲: همی هر زمان رنج بفزایدت) ۱۳-ل: همه ۱۴-و، ن، آ: فزارت درین (ن: آ: برین) جای) ۱۵-ک: مردی (!) ۱۶-ک (نیز ل، پ، ب): بر؛ آ: به؛ ق، ل ۲ (نیز لن): نشست تو؛ س: نشیمت؛ (و، ن، آ: نشیت بر): متن = ل، س (نیز ل، ب): در ل ۲ این بیت پس از ۵۷۰ آمده است؛ ق ۲ بجای این بیت و، و، ن، آ پس از آن افزوده اند:

مفرمای کشتن خداوند خویش مکن آنک (آنچه) آن کس نکر دست پیش

۱۷-ل: شهریر بر؛ س، ق (نیز ل): شهران ابر؛ (نیز آ، ب): شهران بر؛ ل ۲ (نیز ق ۲، ل، آ): شهراز بر؛ (و: شیراز بر): متن = س ۲ (نیز لن، پ، ن، آ) ۱۸-ل (ل، آ: اگر؛ ق ۲: گرین شاه) را ۱۹-ل، س، ک، ل، آ، ب: آ (نیز لن-ب): کارزار-یار؛ متن = ق ۲۰-ک، ل، ب، و، ن، آ، س ۲ (نیز ب، آ، ب): ز خان و ز؛ س، ق (نیز لن-ل، و، ن، آ): ز خاقان و؛ متن تصحیح قیاسی است (= ۴۸۰) ۲۱-ب (ب: بی کین؛ ل: از ایران تخمه بی کین!) ۲۲-ا: (ب: شتاقتند؛ س (نیز ب): به کشتن نشتاقتند؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۲۳-ق ۲: زنده؛ ل: گوینده) ۲۴-ل، س ۲ (نیز لن، ق ۲، پ، ن، آ): مژه؛ س-ل ۲ (نیز ل، و، ب): چشم؛ ل ۳: دیده؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۵-ل (ن: سرد؛ ل: آ: کرد؛ ل ۲: سرنویس دارد: پند دادن پهلوانان ماهوی را ۲۶-س ۲: بشنید ۲۷-ل (ل، آ، ب، آ، ب: درد) و ۲۸-س، ق، ل ۲ (نیز لن، پ، آ، ب): راه؛ ل (ن: آ: راه) و نه؛ س ۲: که بد راه؛ ل ۳: که اکنون؛ و: که نی رای و؛ متن = ل (نیز ق ۲) ۲۹-س ۲ (نیز ق ۲، پ، و، آ): داری؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰-ل (ل، آ: ب) ۳۱-ک: همایون کیا (!) ۳۲-ق ۲، ل، آ: اگر) ۳۳-ل: باشد به دریا؛ س، ق: باید ندر؛ ک: باشد بدر؛ ل ۲ (نیز ل، آ، ب): یابد (ب: بی نقطه) بدر؛ (ن: آ: بیند ندر؛ آ: یابد به صحرا)؛ متن = س ۲ (نیز لن، ق ۲، ل، ب، و)

همی جان^۳ شاه آیدت آرزوی^۲؟
 چه مایه سپهر اندر آن^۴ گشته شد،
 پدید آمد اندر جهان آبتین^۵،
 -جهان را یکی دیگر آمد نهاد^۶!-
 چه آورد از آن^۸ خویشان را بسرا!
 به فرجام کار آمدش خواستارا
 کجا از^{۱۳} ایران و^{۱۴} رنجه کرد^{۱۵}،
 برو^{۱۷} گردش آسمان شد درشت^{۱۸}،
 شد آن بند بد^{۲۰} را سراسر کلید!
 کمر بست بی آرزو^{۲۲} بر^{۲۳} میان،
 شست^{۲۵} از روان و خرد شرم و آب^{۲۶}،
 بیامد، جهان کرد پُر^{۲۹} گفت و گوی^{۲۸}،
 سر کینه جویان^{۳۱} پُر از بیم کرد!
 که ریزندهی خون لهراسپ بود،
 ز^{۳۳} کینه ندادش زمانی درنگ!
 که رستم مرو را گه کارزار^{۳۴}،

ایا بتر^۱ از دد به مهر و به خوی^۲
 ۵۷۵ چو بر دست ضحاک جم کشته شد
 چو ضحاک بگرفت روی زمین
 بزاد آفریدون^۶ فرخ نژاد
 شنیدی که ضحاک بیدادگر
 برو^۹ سال بگذشت مانا^{۱۰} هزار
 ۵۸۰ و دیگر که^{۱۱} تور^{۱۲} آن سرافراز مرد
 همان ایرج پاک دین^{۱۶} را بکشت
 منوچهر از آن^{۱۹} تخمه آمد پدید
 سد دیگر^{۲۱} سیاوش ز تخم کیان
 به گفتار کرسیوز^{۲۴} افراسیاب
 ۵۸۵ جهاندار^{۲۷} کیخسرو از پشت او^{۲۸}
 نیا را^{۳۰} به خنجر به دو نیم کرد
 چهارم سخن کین ارجاسپ بود
 چُن^{۳۲} اسفندیار اندر آمد به جنگ
 [به پنجم سخن کین اسفندیار

۱- (ن. ۱، ۳): نیز؛ و بدتر) ۲- (پ: خو-آرزو) ۳- س=ل (نیز لی، ب): تاج؛ س ۲ (نیز لن، پ، ن، آ): جای؛ (ق: ۲: گاه؛ ل: ۳: آ، جاه؛ و: خون)؛
 متن = ل ۴- ل: از برش؛ س (نیز لی، ب): اندر او؛ ل: اندر این؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵- ل: آ: آستین (ا)؛ ق این بیت را ندارد
 ۶- (لی: آن فریدون)؛ ک: بداد آفریدون؛ (ن: آ: به داد فریدون) ۷- ک: بیاد؛ ل: ۲ (نیز ل: ۳): آبتین نهاد ۸- (ب: از او) ۹- س، ک (نیز و):
 برین؛ ق، ل: ۲ (نیز لن: آ): بدو؛ (لی، ل، ۳، آ، ب: بدین)؛ متن = ل، س ۲ (نیز لن، ق، ۲، پ) ۱۰- س، ک، س ۲ (نیز لن-ب): بیش از؛ متن = ل، ق، ل ۲
 ۱۱- س (نیز ق، ۲، آ، ا): چو؛ ک (نیز و، ب): سد دیگر چو؛ متن = ل، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، ل، ۳، پ، ن، آ) ۱۲- ک: نور ۱۳- (لی: آ و)؛ ق: که او از؛ آ:
 که ایرج ز) ۱۴- (ن، ل: ۳: کجا ایرج نامور) ۱۵- (پ: کجا او ز ایرج بر آورد گرد) ۱۶- (ن: آ، دل) ۱۷- ق، ل: ۲ (نیز آ): بدو؛ متن = ل
 ۱۸- (ق: آ: همان تا جهان شد از انسان درشت؛ ن: آ: نیاورد هم زان جهان را به مشت)؛ س، ک، س، ک، ن، آ، ل، و، ب این بیت را ندارد؛ س، ک،
 لی، و، ب بجای آن افزوده اند:

که بخشایش آمد برو (بدو) خاک را

به خیره بکشت ایرج پاک را

س، لی پس از این بیت و ق آ پس از بیت ۵۸۰ افزوده اند:

فرستاد نزد فریدون گرد

جهان را سراسر به انده سپرد

۱۹- ل: زان؛ متن = س-ب ۲۰- س (نیز لی): بندها؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱- ل (نیز ق، ۲، لی): سه دیگر ۲۲- ل: آرزوی ۲۳- ل، ل: ۲
 (نیز لی): در؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴- (و: کرسیوز؛ آ: چهارم ز کرسیوز) ۲۵- ل، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، پ): ببرد؛ متن = س، ک (نیز
 ق، ۲، لی، ل، و، ب) ۲۶- (ب: پاک (ا)؛ ل: ۳: شرم و آزر م و آب)؛ س، ق، ۲، لی، افزوده اند:

به گیتی درون تخم بد را بکشت

چنان شاهزاده جوان را (ق: آ: نامور شهریاری) بکشت

(ق: آ: همی تا جهان شد از ایشان درشت)

۳۷- (ن: جهانگیر) ۲۸- ق: او-گفتگو؛ (پ، و، آ، ب: او-گو) ۲۹- س ۲ (نیز لن، ن، آ): بی ۳۰- ک: میانش ۳۱- (ق: آ: داران؛ و: خواهان)
 ۳۲- ل، س ۲ (نیز لن-ل، ن، آ، ب): چو؛ متن = (ا) ۳۳- ک (نیز و، آ): به ۳۴- بیت های ۵۸۹-۵۹۲ تنها در ل آمده اند

شد آن نامورگرد گیتی فروز،]
 ز پور تهمتن برآورد گردا]
 که از خوشنواز آمد او را گزند،]
 سر خوشنواز اندرآمد به پای!]
 چو^۲ پرویز را گشن شد^۳ دستگاه،
 -نیاساید این چرخ^۵ گردان ز گرد^۴،-
 چو^۸ خون پدر بود و مهر و نژاد،]
 در کینه را^{۱۱} خوار نتوان شمرد!
 بیچی از^{۱۴} اندیشه‌ی نابکار!
 زمانه زمانی^{۱۷} همی^{۱۸} نغنوندا!
 و زین^{۲۰} مژدری^{۲۱} تاج و این^{۲۲} خواسته!
 بیزی دل از^{۲۵} راه^{۲۶} گیهان خلدیو^{۲۷}!
 ندانی که دیوت فریبد همی!

۵۹۰ [یکشت و سرآمد برو نیز روز
 [سرانجام بنگر که بهمن چه کرد
 [ششم کین پیروزشاه بلند
 [کمر بست بر کین او سوفزای
 به هفتم سخن کین هرمزدشاه
 ۵۹۵ به بندوی و گسته^۴ کرد
 [ز کردار ایشان نگرد ایچ یاد^۷
 چو شد دستور^۹ جان^{۱۰} ایشان ببرد
 ترا زود یاد آید این^{۱۲} روزگار^{۱۳}
 تو زین هرج^{۱۵} کاری^{۱۶}، پسر بدرود
 ۶۰۰ پرهیز از این^{۱۹} گنج آراسته
 همی سر بیچی به^{۲۳} فرمان^{۲۴} دیو
 به چیزی که بر تو نزید^{۲۸} همی

۱-س-۲ (نیز لن-ب): به پنجم؛ متن = ل-۲-۲ (نیز لن، ل، ق): که ۳-ل، ل، ق: گشته شد؛ (ل، ق): شد گشن؛ ب: کس نبدا؛ لن: پرویز شد با
 دل و؛ متن = س، ق، ک، س (نیز ق، آ، ل، پ، و، لن، ق): ک، س (نیز ل-ب): آنچه؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ): ه-ب: رنج
 ۶-لن: آ: گنبد تیزگرد؛ ق: آ: افزوده است:

که پاکیزه بد رای و آیین اوی
 نیارست رفتن کسی خود ز جای

شندی که پرویز از کین اوی
 از ایشان بریدشان دست و پای

۷-ل: بکرد آنچه کرد!)-۸- (ق، آ: که): ل، ق، ل، س، آ، لن، پ، و، لن، این بیت را ندارند ۹- (ق: آ: تاجور؛ ل، آ: دست وز): ل: چو
 دستش شد او؛ ل: آ: چو دستش بدو؛ س (نیز ب): چو دستور شد؛ متن = س، ک (نیز لن، ل، پ) ۱۰-س (نیز ل): دست؛ متن = ده
 دستنویس دیگر ۱۱- (ق: آ: بدی ها کجا): ق، و، لن، این بیت را ندارند ۱۲-س (نیز ل): زود آید چنین؛ ک: یاد زود آید این؛ متن = دو از ده
 دستنویس دیگر ۱۳- (آ: یاد دار) ۱۴-ل، ق (نیز و): ز؛ س (نیز لن، پ، لن، آ): که پیچی ز؛ (ق: آ: بیچلدت؛ ل: آ: چو پیچی از)؛ متن = س، ک،
 ل (نیز ل، ب) ۱۵-س، ل، س، آ، س (نیز ق، آ-ب): هر چه؛ ک: زهر؛ متن = ل (نیز لن) ۱۶- (لن: آن: پدر هر چه کارد) ۱۷- (ق: آ: زمانی زمانه)
 ۱۸-س (نیز لن، ل، ق، لن، آ، ب): برین؛ ک (نیز ل، و، آ): بدین؛ متن = ل، ل، آ، س (نیز ق، آ، ب)؛ ق: بیت های ۶۰۲-۵۹۹ را ندارد؛ ق، و، لن، آ: پس از
 ۵۹۹ افزوده اند:

به درگاه شاه اندرافکنده سر (ق: آ: نجوید همی کینه تاجور)
 فرامش مکن نیکی و گنج شاه

شبابی بدی تیره جان و گهر (ق: آ: بدین گونه آیین و فر)
 نه (ق: آ: که) او برکشدت بدین پایگاه (لن: آ: بارگاه)

بنداری (۵۹۹-۵۵۵): و اذکر مبدأ امرک اذکنت راعیا من رعاة البهيم فجعلک هذا الملک حامیا من حماة الذهم، و لم یزل یمد بضبعک
 حتی صیرک صاحب جیش خراسان، و قائد قواد آل ساسان، فلا تقابل حق نعمته بالکفران، و لا تلق قیادک الی ید الشیطان ۱۹-ل:
 زین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-س، ک، ل، س، آ (نیز ل، ب): آ: زین؛ متن = ل (نیز لن، ق، ل، آ-ب) ۲۱- (ل: آ: کشور و؛ ب: مردی
 و): ک: سود و زین ۲۲- (پ: آن) ۲۳- (لن، ق، آ: ز): ۲۴-س (نیز ق، آ، ل، ق): گفثار؛ متن = ل، س، ک، ل (نیز لن، ل) ۲۵-ل، ل، آ: همی؛
 س: سر از؛ (ب: هم از؛ و: بردی دل از)؛ متن = س، ک (نیز لن-ل، لن، آ، ل) ۲۶- (ل: آن: ترس) ۲۷-ک: کیشی خلدیو؛ س: کیوان خلدیو؛ ب: این
 بیت را ندارد ۲۸-در ل: بی نقطه

مکن تیره این^۲ تاج^۳ گیتی فروزا!
 و زینسان^۴ که گفتی، مگردان^۵ سخن!
 چو بینی ورا، بندگی ساز نو!
 ز رای و ز^۹ پوزش میاسای هیچ!
 چو گفتار داندگان نشنوی^{۱۴}!
 به فردا رسد^{۱۵}، زو برآند^{۱۶} گرد!
 بتر^{۱۸} خواهی^{۱۹} از ترک بدخواه^{۲۰} را.
 درخشان بگردار^{۲۱} تابنده ماه^{۲۳}!
 که چون او^{۲۵} نیندد سواری میان^{۲۶}!
 ز نوشین روان شاه تا^{۳۰} اردشیر!
 جهاندار ساسان با داد و فر^{۳۴}!
 همه^{۳۶} شهریاران^{۳۷} فرخ نژاد!
 نکرد^{۴۰} این چنین رای^{۴۱} هرگز کسی!
 عنان دار و برگشتوان^{۴۳} سوار،
 بدو^{۴۵} دشت پیگار بگذاشتند.

به آتش نهال دلت^۱ را موزا
 سپاه پراکنده را گرد کن
 ۶۰۵ از ایدر به پوزش بر شاه رو
 و زانجایگه جنگ^۷ دشمن^۸ بسیج
 کزین^{۱۰} بد^{۱۱} نشان^{۱۲} دو گیتی شوی^{۱۳}
 چو کاری که امروز بایدت کرد
 همی یزدگرد شهنشاه^{۱۷} را
 ۶۱۰ که در جنگ^{۲۱} شیرست و بر گاه^{۲۲} شاه
 یکی^{۲۴} یادگاری ز ساسانیان
 پدر بر پدر^{۲۷} راد^{۲۸} و دانش^{۲۹} پذیر
 بود^{۳۱} اردشیرش^{۳۲} به هفتم^{۳۳} پدر
 که یزدانش تاج کیی^{۳۵} بر نهاد
 ۶۱۵ ز^{۳۸} تو بود مهتر به کشور^{۳۹} بسی
 چو بهرام رازی^{۴۲} که سیصد هزار
 به یک تیر او^{۴۴} پشت برگاشتند

۱-س (نیز، بی، ب): نهادند (س: نهادند و) تن؛ ق: نهال تنت؛ ک: نهاد بدت؛ ل: آ (نیز و، ن: آ): نهانی تنت؛ س: آ (نیز، ن: ب): نهان بدت؛ (ق: آ): دل و جان خود؛ ل: نهال ترینت؛ متن = ل: ۲-ک: آن ۳-ق: ل: چرخ؛ آ، ب: این بیت را ندادند ۴-س (نیز، بی، ب): تو زینسان؛ ل: و زانسان؛ (پ: و: وزین در)؛ متن = ل: ق: ک، س: آ (نیز، ن: ق: آ، ل: ن: آ، ا): هق، س: آ (نیز، پ: و): بگردان ۵-ل: (ن: آ: ۷-ق: آ: رزم) ۸-ل: ق: ل: آ، س: آ (نیز، ن: ب): لشکر (۹)؛ متن = س: ک (نیز، ق: آ، ل: بی، ل: و-ب) ۹-س (نیز، ق: آ، ل: بی، ل: ن: آ): ز زاری و؛ متن = ل: ق-س: آ (نیز، ن: ب: و، آ، ب: ۱۰-ق: ازین ۱۱-ن: آ: پس) ۱۲-ل: آ: کزیشان بدیشان (ل) ۱۳-و: (بوی) ۱۴-ل: آ (نیز، ب): بشنوی؛ در، ل: س، و حرف یکم بی نقطه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵-س (نیز، بی، ل): شده؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-ق: آ: برآیدت؛ ب: این بیت را نداد ۱۷-و: (جهان شاه) ۱۸-ل: تبه؛ متن = س: ب- ۱۹-ن: آ: دانی) ۲۰-س: ک (نیز، ن: بی، ل: آ): خرگاه؛ (ب: دلخواه؛ آ: پیر خرگاه)؛ متن = ل: ق: ل: س: آ (نیز، ق: آ، ب: و، ن: آ) ۲۱-س: آ (نیز، ق: آ، ب): رزم ۲۲-س: س: آ (نیز، ن: بی، ق: آ، ب: ب): بر (ب: در) تخت؛ متن = ل: (نیز، ل: آ: حو) ۲۳-س: ق: (نیز، ق: آ، بی، ل: آ، و، آ، ب): فروزان بگردار خورشید و ماه؛ متن = ل: ق: ل: س: آ (نیز، ن: ب: و، ن: آ، ا): همی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵-ل: (نیز، ل: آ: و)؛ متن = س: آ (نیز، بی، ل): وی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶-ل: س: ل: ق: ل: آ (نیز، بی، و، ن: آ): کمر بر میان؛ ک (نیز، ب): به گیتی میان؛ (آ: کسی از کیان)؛ متن = س: آ (نیز، ن: ق: آ، ل: آ، پ) ۲۷-ن: (ن: پسر بر پسر) ۲۸-ل: س: آ: داد؛ (ق: (نیز، ق: آ، ل: ن: آ): شاه؛ متن = س: ک، ل: آ (نیز، ن: بی، و-ب) ۲۹-ق: ل: آ: رامش؛ (آ: روشن) ۳۰-ق: (آ: با)؛ ک، س: آ (نیز، ب): ز نوشین روان تاگه؛ (آ: ز نوشین روان باشاه) ۳۱-س: ک، ل: آ، س: آ (نیز، ن: بی، ب): پس از؛ ل: پلدر؛ س: آ (نیز، ق: آ): پس؛ متن = ل: ۳۲-ل: (بی: ارده شیرین) ۳۳-ل: ل: آ، ل: س: آ (نیز، ن: ل: آ، ب: و، ن: آ، ا): به (ب: ز) هشتم؛ متن = س: ک (نیز، ق: آ، بی، و، ب) ۳۴-س (نیز، بی، ب): بدو تاجور؛ ک، س: آ (نیز، ن: ل: آ): بود تاجور؛ (ق: بیدان تاجور)؛ متن = ل: ق: بیت های ۶۱۳-۶۲۰ را نداد ۳۵-ل: کیان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۶-س (نیز، بی، و، ب): همان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۷-ل: شهریارانش؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۸-ل: چو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر: ز (۹) ۳۹-س: آ (نیز، ق: آ، ل: آ): گیتی ۴۰-س: آ (نیز، ل: آ، ب): نزد ۴۱-س: ک (نیز، و، ن: آ، ب): یاد؛ متن = ل: ل: س: آ (نیز، ن: ق: آ، ل: آ، ب: آ): بی این بیت را نداد ۴۲-ل: (نیز، ق: آ): چوین؛ (آ: تاژی)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴۳-ک: عنان دار ... (پاک شده) بودش؛ بی این بیت را نداد ۴۴-ل: آ (نیز، و، ن: آ): از او؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴۵-س: ک، ل: آ (نیز، ل: آ، ب): برو؛ (ن: درو؛ آ: همه)؛ متن = ل: س: آ (نیز، ق: آ، بی، و، ن: آ)

سِر دولتِ روشنش زیر گشت^۳
 نبودش سزا، دستِ بد را بست^۶،
 گزافه نبرددارد این^۹ روزگار
 که تخت آفریده‌ست و تاج^{۱۰} و نگین!
 که بر تو سر آرند زود این^{۱۱} سخن!
 چنان دان که^{۱۴} او دشمن جان تست!
 بزشکی^{۱۶} خروشان به خونین سرشک!
 به اندیشه‌ی دل مکن^{۱۷} مهتری!
 ز راه هنر^{۲۰} جوی تختِ میهی^{۲۱}!

چو از رای^۱ شاهان^۲ دلش سیر گشت
 فرابین^۴ که تخت بزرگی^۵ بجست
 ۶۲۰ بران گونه بر^۷ کشته شد^۸ زار و خوار
 بترس از خدای جهان آفرین
 تن خویش بر خیره رسوا مکن
 هر آنکس که با تو نگوید^{۱۲} درست^{۱۳}
 تو بیماری اکنون و ما^{۱۵} چون بزشک
 ۶۲۵ تو از بنده‌ی بندگان کمتری
 همی^{۱۸} کینه با^{۱۹} پاک‌یزدان نهی

و را پند آن موبدان سخت بود!
 گزاف^{۲۳} زمانه بر^{۲۴} اندازه نیست!
 یکی را کند خوار و زار و نژند^{۲۵}!
 که دانست راز جهان آفرین^{۲۸}!

شبان‌زاده را دل پر از^{۲۲} تخت بود
 چنین بود تا بود و این تازه نیست
 یکی را برآرد به چرخ بلند
 ۶۳۰ نه^{۲۶} پیوند با آن، نه با اینش^{۲۷} کین

بر^{۳۰} آیین خورشید^{۳۱} بنشست ماه،

همه موبدان^{۲۹} تا جهان شد سیاه

۱-س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لن-ب): تخت (در ل ۲ حرف یکم بی نقطه)؛ متن = ل ۲- (ق: شاهمی) ۳-س، ۴: نبودش سزا دست بد را بست (= ۶۱۹ع)؛ (ب: پی اختر روشنش چیر گشت) ۴-ک (نیز لن، پ، آ): قرائین ۵-س (نیز لی، ب): کیی را؛ ک: کیان را؛ (لن: آ: میهی را)؛ متن = ل، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، ۳، پ، و، آ) ۶-س، ۷: پی اختر روشنش زیر گشت (= ۶۱۸ع)؛ در س ۲ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۷-س (نیز لی): بدان گونه او؛ (لن: بدان گونه بر)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸- (ب: بدین گونه کشته شده) ۹-ل: بپرداز زین؛ س، ک، ل، ۲ (نیز لی، و، آ، ب): نه برگردد از (ک، ل، آ: این)؛ ل ۲ (نیز ق، آ): نبردلازد این (در ل ۲ حرف یکم بی نقطه)؛ ل ۲: کزان به نبردلازد این)؛ متن = س ۲ (نیز لن، پ) ۱۰-س، ک (نیز لی، ل، ۳، و، ب): آفرید و کلاه؛ متن = ل، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، ب) ۱۱-ق: روزی؛ (ل: آ: فردا) ۱۲- (ق، آ، لی، آ: بگوید) ۱۳-ق: نخست ۱۴- (ب: دانک) ۱۵-س، ۱۶-س (نیز لن-ب): من؛ متن = ل ۱۶- (ب: بزشک؛ لن: بخشکی - بخشکی)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷- (لن: مگر) ۱۸-س، ۱۹-س (نیز ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ): همه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- (ق: آ: کینه) ۲۰-ل، ل، آ: خورد؛ (ل: آ: رای و هنر؛ لن: آ: رای هنر؛ آ: راه و هنر)؛ متن = س، ک، س، ۲ (نیز ق، آ، لی، پ، و، ب) ۲۱-ک (نیز لی): بهی؛ ق: تو راه خورد جوی و بخت بهی؛ لن این بیت را ندارد ۲۲- (لن: آ: بران) ۲۳-ل، ق، ل، آ (نیز آ): که کار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴-س (نیز لی، ب): به؛ (و، آ: بی)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵-ل ۲ افزوده است:

یکی را دگر تخت ناز آورد
 یکی را ببندد به بند دواز
 یکی را برآرد به خورشید سر

یکی را به نائی نیاز آورد
 یکی را کند از جهان بی‌نیاز
 یکی زار و گریان و خسته‌جگر

۲۶- (لی: مه) ۲۷-س، ک (نیز لن، ق، آ، لی): با این به؛ ق، ل، ۲ (نیز و، آ): با این، نه با آنش؛ س، ۲ (نیز ل، آ، پ): با این نه با آن (س: آ: او)؛ به؛ (ب: با او نه با این به؛ لن: نه با اینش مهر و نه با آنش)؛ متن = ل ۲۸-س، س، ۲ (نیز لن، ل، ۳، پ، لن، آ): نه شرم و نه دانش نه آیین و (س: حو)؛ دین؛ ک (نیز ق، آ، لی، و، ب): نه شرم و نه دانش نه کیش و نه دین؛ متن = ل، ق، ل، ۲ (نیز آ) ۲۹-ق: همی بود او؛ (آ: همی موبدان) ۳۰-ک: به؛ ۳۱-ک: خورشید

بگفتند زین گونه^۱ با^۲ کینهجوی
چو شب تیره شد^۳، گفت با موبدان^۴
من امشب بگردانم^۵ این با پسر^۶
۶۳۵ ز لشکر بخوانیم داننده بیست

نبد سود یک موی^۳ از آن^۴ گفت و گوی^۵
شما را ببايد شد ای بخردان^۶،
ز هر گونه‌یی دانش آرم به بر^۷،
بدان تا بدین^{۱۱} بر^{۱۲} نباید^{۱۳} گریست!

برفتند داندگان^{۱۴} از برش^{۱۵}
چو بنشست^{۱۷} ماهوی با راستان
اگر^{۱۸} زنده ماند تن^{۱۹} یزدگرد^{۲۰}
بزه نه شد^{۲۲} این راز من^{۲۳} در جهان
۶۴۰ ببايد مرا از بدش^{۲۵} جان به سر^{۲۶}
چنین داد پاسخ خردمندمرد
اگر^{۳۰} شاه ایران شود^{۳۱} دشمنت
وگر^{۳۳} خون او را بریزی^{۳۴} بدست

ببايد یکی موبد از^{۱۶} لشکرش،
چه بینید -گفت- اندرین داستان:
ز هر سو برو^{۲۱} لشکر آیند گرد،
شنیدند^{۲۴} یکسر کیهان و میهان،
نه تن ماند ایدر، نه بوم و نه بر^{۲۷}!
که این خود^{۲۸} نخستین^{۲۹} نبايست کرد!
ازو بد رسد بی‌گمان^{۳۲} بر تنت!
که کین خواه^{۳۵} او در جهان^{۳۶} ایزدست!

۱-س-۲ (نیز لن-ب): همی (ق، ق: ۲، ۱: همه) پند گفتند؛ متن = ل ۲-۲ (و: و آن) ۳- (و: هیچش) ۴- ل، ل: ۲ (نیز لی): زان؛ س: ۲: ازین؛
(ق: ۲: سودمند آن همه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-ل (نیز پ): گفت گوی؛ ق (نیز ل ۳): گفت گوی؛ بنداری (۶۰۰-۶۳۲): و اتفاقاً علی
لومه و تعنیفه و منعه و تویبخه و اطات صاحب الکتاب نفسه فی حکایة خطابهم له فی ذلک -فکان کلامهم عنده کالماء بجری علی
الصخرة الصماء، وکان هوی السلطنة قد تمکن من دماغه و قلبه، و غطی علی بصر بصیرته فصار لایفرق بین رشنه و غیه ۶-ل: ۲: به
پاسخ چنین) ۷-ق: بخردان- موبدان ۸-س: ۲ (نیز پ): بیندیشم ۹-س (نیز لی، ل: ۲، ب): این را بسر؛ ل: ۳: این راز نیز؛ ق: ۲: بگویم
همی با پسر؛ متن = ل، ق-س: ۲ (نیز لن، پ، و، آ) ۱۰-ل: ۳: بنیز؛ لن: ۳: بسرا؛ بنداری: فقال لهم: انصرفوا الآن حتی نفکر اللیلة فی أمره
۱۱-س (نیز لی): بدان ۱۲-س، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز لن، ل: ۲، ب): بد؛ ک پاک شده؛ متن = ل (نیز ق ۲) ۱۳-ل: ۳: ببايد ۱۴- (و: پس موبدان) ۱۵-ل:
درش؛ متن = س-ب ۱۶-ل: ۳: پس موبدان؛ و یکی دیگر از؛ بنداری: فقاموا فاستحضر جماعة من جهلة أصحابه ۱۷-ل: بشنید؛ متن =
س-ب ۱۸-ل: ۳: که گر) ۱۹-ق: ۲: همی؛ آ: بدین) ۲۰-ل: ۳: یزدده گرد) ۲۱-ق: ۲: ورا؛ لی: بدو) ۲۲-س: ۲ (نیز پ): شود ۲۳-ل، ق، ل: ۲ (نیز و،
آ): ما؛ ک: اندر؛ متن = س، س: ۲ (نیز لن-پ، لن، آ، ب) ۲۴- (پ: بدانند)؛ ق: ۲ افزوده است:

مرأ زین بدی‌ها شود سر به باد
نه تن ماند ایدر نه بوم و نژاد

در برخی از دستنویس‌های بیابایی بیت‌های ۳۹-۶۴۶ دگرگونه است، ق، ل، ل: ۲، آ: ۲: ۶۴۲ (ق ندارد)، ۶۴۳، ۶۴۱، ۶۴۵، ۶۴۶ (ق ندارد)، ۶۴۴
(ق ندارد)، ۶۳۹، ۶۴۰؛ ق: ۲: ۶۳۹، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۳-۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۴، ۶۴۰؛ بیابایی بیت‌های متن = ده دستنویس دیگر که با ترجمه
بنداری کمابیش همخوانی دارد ۲۵- (لن: اندرین) ۲۶-ل، ق، ل: ۲ (نیز ق: ۲): نبايد که از بهراو (ق: شاه) ای پدر؛ متن = ده دستنویس دیگر
۲۷-ق: ۲: بد آید ز هر گونه ما را برسر؛ بنداری: و خلا بهم و قال: قد ظهر الآن هذا السر، و علم به الناس و شاع بینهم. و إن ترکنا یزدجرد و
لم نترک منه رداء الحیاة لم نأمن شره و معرفته. فإن العساكر یجتمعون علیه، لا محالة. و عند ذلك یقوی عضده و بشتد ساعده فلا یقی منا
عینا و لا أثرا، و لا یترک فی بلادنا نجما و لا شجرا ۲۸-س (نیز لی): این را؛ (ق: آ: از بن: لن: آ: این از؛ ب: که این؛ ل): متن = ده دستنویس دیگر
۲۹-س: ۲: نخست؛ بنداری: فقال له بعض الحاضرين: إن هذا کان خطأ من الابداء ۳۰- (آ: وگر) ۳۱-ل، ک (نیز ب): بود؛ متن = یازده
دستنویس دیگر ۳۲-ل: ۲: بی‌گمان بدرسد؛ ق این بیت را ندارد ۳۳-ک (نیز ب): اگر ۳۴-ق: بریزم؛ (لن: خورش امروزی) ۳۵-ق: ۲:
خون خواه) ۳۶- (لن: که خواهند خون شاه؛ بنداری: و لاشک آنک این قتلت ملک ایران لم تر خیرا، و إن ترکته لاقیت شرًا و ضیرا. و لا
یخفی ما فی قتله من المکاره، فان الله هو الطالب بثاره

نگه کن کنون^۲ تا چه بایدت^۳ کرد!
 چو دشمن کنی، زو^۵ بپرداز جای!
 بدیشان کند^۷ تنگ بر ما^۸ زمین!
 چو چیره^{۱۰} شدی، کام^{۱۱} مردان^{۱۲} بران^{۱۳}!
 ترا با سپاه از بُنه^{۱۵} برکنند!

چپ و راست رنجست و اندوه^۱ و درد
 ۶۴۵ پسر گفت کای^۴ باب فرخنده رای
 سپاه آید او را^۶ ز ماچین و چین
 تو این را چُنین^۹ خردکاری مدان
 گر از^{۱۴} دامن او درفشی کنند

گفتار اندر کشته شدن یزدگرد بر دست آسیابان^{۱۶}

سُخُن‌ها کجا گفت او را پسر^{۱۸}،
 سواران ببر^{۱۹}، خون دشمن بریز،
 چو از من^{۲۲} چُنین آشکارا بَجَسْت^{۳۳}!

چو بشنید ماهوی بیدادگر^{۱۷}
 ۶۵۰ چُنین گفت با آسیابان که خیز
 که او نیز^{۲۰} هرگز نیاید به دست^{۲۱}

۱- (ق: ۲: اندوه و رنجست) ۲- (لی: ب: بدین) ۳- (ل: ۳: بایست)؛ ق این بیت را نندارد ۴- (ق: نیز لن): ای هق: شد او زو؛ (ق: ۲: آ: گرفتگی)؛ س: ک: (نیز لی: ب): دشمنش کردی؛ متن = ل: ۲: س: ۲ (نیز لن: ل: ۲: لن: ۲)؛ در ل: ۳: پس از این بیت، بیت ۶۵۱ آمده است ۵- (ل: آید)؛ ایدر: ل: ۲: اندر آمد؛ س: ۱: اندر آرد؛ (پ: ایدر آرد؛ و: آ: اندر آید؛ ب: سپاهند او را)؛ متن = س: ک: (نیز لن: ق: ۲: لی: ۷)؛ (لی: شود)؛ لن: وزیشان کند؛ و: به یک ره کند؛ متن = ۸- ل: ۲: س: ۲ (نیز ق: ۲: ب: آ): به ما بر شود (س: ۲: ب: کند) تنگ روی؛ متن = س: ک: (نیز ل: ۲: ب: ق: لن: ۲) این بیت را نندارند و در و با بیت سبین پس و پیش شده است ۹- (لن: این کار را) ۱۰- ل: ۲: س: ۲ (نیز آ: خیره) ۱۱- (لن: لی: ل: ۲: ک: کار) ۱۲- (نیز لی: مردی) ۱۳- (لی: بدان؛ ق: ۲: بیاید همی رای زد بار دان)؛ ق این بیت را نندارد؛ بنداری: فقال له بعض بنیه: اعلم أیها البهلوان! أن یزدجرد لو سلم اجتمعت علیه عساكر الصین فضیقوا علينا الأرض. و قد قدرت فافعل فعل الرجال و افرغ منه ۱۴- (ق: ۲: گر آن) ۱۵- س: ۲ (نیز لن: ق: ۲: ۳- آ): از جهان؛ س: ک: (نیز ب): با سپاهت ز بن؛ ل: ۲: با سپه از جهان؛ متن = ل: ق: لی این بیت را نندارد؛ بنداری: فإن الأیرانیین لو رفعا شقة من ذیل قمیصه علی رأس رمح لقلعوک، و استاصلوا شأفتک ۱۶- ل: کشته شدن یزدگرد بر دست آسیابان؛ س: ق: کشته شدن یزدگرد در آسیا (ق: یزدگرد شهریار در آسیا به حکم ماهوی سوری)؛ س: ۲: کشتن خسرو آسیابان یزدگرد را در آسیاب؛ ک: ل: ۲ سرنویس ندارند؛ متن = ل: ۱۷- س: ک: (نیز ق: ۲: لن: و: لن: ۲): بی آب و شوم؛ (ب: بی شرم و آب)؛ متن = ۱۸- س: ک: (نیز ق: ۲: ل: و: لن: ۲: ب): بران (ق: آ: ابا؛ ل: ۲: از آن؛ و: بدان) آسیابان سرش (ک: دلش) گشت گرم (ب: شد شتاب)؛ متن = ل: ق: ل: ۲ (نیز آ)؛ س: ۲: لن: لی: ب: این بیت را نندارند؛ س افزوده است:

بفرمودم هر چه آمد ز رای

بلو گفت چندین چه باشی به پای

افزوده است:

بدان آسیابان دلش گشت گرم
 نه رای و نه دانش نه آب و نه شرم

۱۹- س: ۲: برد؛ (ب: سواری ببر)؛ بنداری: فأقبل الغادر الفاجر عند ذلك علی الطحان و قال: قم و استصحب جماعة من الفرسان، و انهض بكفایة هذا الأمر و إخماد ذلك الجمر؛ ق: ۲: پس از ۶۵۰ افزوده است:

کزین پس نینند جایب نشان
 ازو مرده گر زنده گردنکشان

۲۰- (ل: ۲: که چون رفت)؛ متن = ۲۱- س: ۲: دشت؛ ل: بیاید بدشت؛ (ق: ۲: نیاید که او نیز باشد درست)؛ متن = س: ک: (نیز لن: لی: پ: و: لن: ۲: ب: س: لی: ب: وی) ۲۲- (نیز و: لن: ۲: ب: د؛ (ل: ۳: تو)؛ متن = ۲۳- س: (نیز لی: ب): که او در جهان دشمن ایزدست؛ (ب: که کین خواه او در جهان ایزدست = ۶۴۳)؛ متن = ل: س: ۲ (نیز لن: ق: ۲: ب: ق: ل: ۲) این بیت را نندارند و در ل: ۳: پس از ۶۴۵ و در ق: ۲: پس از ۶۵۲ پ آمده است

نه سر دید از آن کار پیدا، نه بُنِ
سوی آسیا رفت نزدیک شاه^۲
دو دیده بُر از آب و دل پر ز خون،
پس آسیابان بگردارِ دود،
همان مَهر و آن جامه‌ی شاهوار^۱،
ز تن جامه‌ی شاه^{۱۱} بیرون کنند^{۱۰} -
به زردی دو رخساره چون آفتاب،
توی^{۱۴} برتر از گردش روزگار،
هم اکنون^{۱۷} بیبجان^{۱۸} دل^{۱۹} و جان اوی^{۱۶}!
رخانش پر آب و دهان پر ز^{۲۱} خاک^{۲۲}،
چنان چون^{۲۴} کسی راز^{۲۵} گوید به گوش،
رها شد به زخم^{۲۷} اندر از شاه آه^{۲۸}!
همان نان کشکین به پیش اندرش!

چو بشنید ازو آسیابان سُخن
شبانگاه انیران^۲ خردادماه^۳
- ز درگاه ماهوی چون^۵ شد برون
۶۵۵ سواران فرستاد ماهوی زود
بفرمود کان^۷ تاج و آن گوشوار
نباید که یکسر^۹ پر از خون کنند^{۱۰}
بشد آسیابان دو دیده پر آب
همی گفت کای^{۱۲} روشن^{۱۳} کردگار
۶۶۰ تو زین^{۱۵} ناپسندیده فرمان اوی^{۱۶}
بر شاه شد، دل پر از شرم و باک^{۲۰}
بزدیک تنگ^{۲۳} اندر آمد به هوش
یکی دشنه زد بر تَهِیگه^{۲۶} شاه
به چَپَین درافگند ناگه سرش^{۲۹}

۱-س: خود کار او را؛ (ق: ق)؛ پیدا ز کار و؛ ل: ییلا نه آنرا؛ و، ل: آ؛ این بند بد را؛ متن = ل، ق، ل، س، آ (نیز ل، ن، آ، پ، آ، ب)؛ ک این بیت را ندارد؛ ق: افزوده است:

ز کار زمانه برآشت سخت بیبچید از آن فز و آن تاج و تخت

۲-ل (نیز ل: ن)؛ نیران (حرف یکم در ل بی نقطه)؛ ق: خسرو ز؛ ل: آ؛ تیران و؛ س: آ (نیز ق: آ)؛ ایران؛ (و، ب: بیران؛ آ: نوروز و)؛ متن = (ل، ن، ل، آ، ل، ن) ۳- (ق: آ: خرداد ماه؛ ب: هرمزد شاه)؛ س (نیز ل: ن)؛ شبانگه چو بنشست بر تخت ماه ۴- (نیز ل، و، ل، ن، آ، ب)؛ سر آمد بدو (ل، ن، آ: برو) تاج و تخت و کلاه؛ متن = ل، ق، ل، آ، س، آ (نیز ل، ن، آ، ل، آ، پ، آ، ب)؛ ک این بیت را ندارد؛ بنداری: فخرج بیبکی و پنجوع، و ساری الطاحونه ۵- (ق: ق)؛ چو از پیش ماهوی او ۶-ل: حرم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۷-ل (نیز ل، آ): نا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸- (ق: آ، و: شهریار؛ ا: زرنگار؛ ل: آ؛ مهربان جامه شهریار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹-ل: لشکر؛ (ق: آ: جای)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰-س، ق، ل، آ، س، آ (نیز ل، ن، ل، آ، پ، آ، ب)؛ کنید؛ (ق: کند)؛ در و، آ حرف سوم بی نقطه؛ متن = ل، ک (نیز پ، ل، ن، آ) ۱۱-س، ک، س، آ (نیز ل، ن، ل، آ، پ، آ، ب، و، ل، ن، آ، ب)؛ بدین؛ (ل: آ؛ برین)؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز ا) ۱۲-ل، ل، س، ق، ل، آ (نیز ل، ن، آ، ب)؛ او؛ متن = ک، س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، پ) ۱۳- (پ: همین دم) ۱۴-س (نیز ل: ن)؛ بیبچید؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵-ل: تن؛ متن = س، ب، آ، س، س، آ: شرم باک؛ (ق: آ) گرم و درد ۱۶-ل: دهن پر ز؛ س، آ (نیز ب)؛ دهانش چو س، ک (نیز ل، ن، ل، ن، آ، ب)؛ رخانش چو آب و دهانش چو؛ ل: آ: رخانش چو آب و دهان پر ز؛ (ل: آ: رخان پر ز آب و دهان پر ز)؛ متن = (ا) ۱۷-۲۲ (و، ل، ن، آ، ب)؛ دهن چاک چاک؛ (ق: رخانش پر از آب و دل چاک چاک؛ (ق: آ) دهان پر ز خاک و رخان پر ز گرد ۲۳-س، ک (نیز ل، ن، آ، ب)؛ او؛ س، آ (نیز ق: آ، ل، آ، ب)؛ شاه؛ (آ: شه)؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن، آ) ۲۴-س؛ چنین چون ۲۵-ک: تو گشتی یکی؛ (و: تو گشتی همی) ۲۶- (ل: کمر بند؛ و، ل، ن، آ: جگر گاه؛ ق: آ: یزد دشنه‌ای بر کمر گاه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷-ل، ق، (نیز ا)؛ خشم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-ل، آ: اندر از آن شاه؛ بنداری: فذل الطحان علی للملک و مشی نحوه و قرب منه فعل من یرید مسارته فضر ب جوفه بختجر معه ۲۹-ل، ل، آ (نیز ل، ن، آ، ب)؛ به خاک (ک: بجنک) اندر آمد سر و افسرش؛ متن = (لفظ فوس، ص ۱۶۳)؛ بنداری: فتأؤ و خرجت روحه، و خر صریعا؛ ق: افزوده است:

ز گیش نهان شد سر و گاه اوی
دگر دشنه زد بر تَهِیگه اوی

کشیدند پر خون تن شهریار،
به گرداب زرق اندر انداختند^{۱۲}

۶۸۰ بشد تیز^۱ بدمهر^۲ دو^۳ پیشکار
کجا ارج^۴ آن کشته^۵ نشناختند

دو مرد گرنامه به آنجا رسید،
بیامد یکی تا لب رودبار^{۱۱}،
بشورید^{۱۳} و آمد^{۱۴} هم اندر شتاب،
بدان سوگواران^{۱۸} بگفت آنچه^{۱۹} دید،
بزهنه به گرداب^{۲۲} زرق^{۲۳} اندرست!

چو شب روز شد^۸، مردم آمد بدید
از آن سوگواران^{۱۰} پرهیزگار
تن او بزهنه بدید^{۱۲} اندر آب
دوان^{۱۵} تا در خان^{۱۶} مَدَیج^{۱۷} رسید
که شاو زمانه^{۲۰} به غرق^{۲۱} اندرست!

گفتار اندر شیون کردن رهبانان بر یزدگرد^{۲۴}

برفتند از آن^{۲۵} سوگواران^{۲۶} بسی^{۲۷} سُکویا^{۲۸} و رهبان ز هر در کسی^{۲۹}

۱- (آ: تیز و) ۲- ل. بد مهر و ۳- (ق: آ: ده؛ ن: تیز دو مردک)؛ س. لی این بیت را ندارند؛ س. لی بجای این بیت، ن. ق. ۲. پ. آ. پس از این بیت (در ق. ۲ بیت دوم پس از ۶۸۱) افزوده اند:

همان آسیان به پیش ای (پ. آ: سزد گرمایی بدین در) شگفت
سرش که ز بر بود (ق: آ: گاه بالا و) گاهی به (آ: بودی و گاه) زیر

تن شاه از آن آسیا برگرفت
به (س: بد؛ پ: بر) آب اندر افکند مرد (ق: آ: افکنده شاه) دلیر

۴- س (نیز لی، ب): که از مرغ؛ (ن: کجا ارز؛ ق: آ: همی ارج)؛ متن = ل. ق. س. آ (نیز ل. ۳، پ. ل. ۲، آ. ۵)؛ ه. و: که آن کشته را قدر) ۶- ل. ۲. س. آ (نیز ل. ۳، و. آ: زُرف؛ س (نیز لی): بدریای زُرف؛ متن = ل. ق. ک. (نیز ن. ق. ۲، پ. ل. ۲) ۷- (ب: زورق در انداختند)؛ بنفاری: فجلاو و جزوه و رموه فی ماء الزرق فحملة الماء ۸- ک: < شد ۹- (ب: آمد بدید)؛ ق. ۲. ن. آ افزوده اند:

بیزدیک آن آسیا آب زود (ن: آ: و آب رود) ز ترسا بسی بر (ن: آ: بد) فراز و فرود

۱۰- (ق: آ: سو سواران) ۱۱- (ق: ل. ۲، پ. ل. ۳، ن: آ: جویبار)؛ ل. ق. ک. ل. ۲ (نیز آ): بر لب جویبار (آ: رودبار)؛ س (نیز لی، ب): گرنامه مردی بد آن روزگار؛ (و: گرنامه مردی در آن جویبار)؛ متن = س. آ (نیز ن. پ)؛ در س. لی، و. ب. ل. ت. های این بیت پس و پیش شده اند ۱۲- س (نیز لی، و. ب): چو دید؛ (ق: ل. ۳، ن: آ: برهنه تن شاه دید)؛ متن = ل. ق. س. آ (نیز ن. پ، آ) ۱۳- س (نیز لی، ل. ۲، و. ب): برآشفتم؛ س. آ (نیز ب): شتابید؛ متن = ل. ک. ل. ۲ (نیز ن. ق. ۲) ۱۴- ق: روان رفته و او؛ ق. ۲ افزوده است:

از آن جایگه مرد پرهیزکار
بیامد بر مردم سوگوار
بگفت آنچه دید اندر آن جویبار
برآشفتم هر یک ز بدروزگار

۱۵- ل: چنین؛ س (نیز لی، ب): روان؛ (آ: دمان)؛ متن = ق. ل. ۲، س. آ (نیز ن. ل. ۲، ن: آ) ۱۶- (ب: جای؛ ن: تا در آن خان) ۱۷- ل: راهب؛ ل (نیز ن. لی): مطبخ؛ متن = س. ق. س. آ (نیز ل. ۳- ب)؛ ک: بشد تیز تا پیش ایشان ۱۸- ل: نبرد سواران (ل) ۱۹- ک. ل. آ (نیز لی- ب): آنچه؛ متن = ل. س. ق. س. آ (نیز ن: ق. آ این بیت را ندارد ۲۰- س (نیز لی): جهانان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱- (آ: برف) ۲۲- س (نیز لی): به دریای ل: آ: بگردار؛ (و: بفرق)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- س. آ (نیز ل. ۳، آ: زُرف؛ ق: آ: برهنه تن او بفرق) ۲۴- ل: مویه کردن رهبانان بر شهریار؛ س: شیون کردن رهبانان بر یزدگرد؛ ق: نوحه رهبانان بر یزدگرد و دخمه ساختن او را؛ ل: برگرفتن راهب یزدگرد را؛ ک: س. آ ۲۵- ل: نبرد سواران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶- (ق: آ: سو سواران) ۲۷- ل: آ: کسی ۲۸- س. آ (نیز ن. و. ن. آ: شکویا ۲۹- ل. ۲، س. آ: بسی؛ س: ز مردم بسی؛ (ن: ل. و از هر کسی)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ک: این بیت را ندارد؛ بنفاری (۶۸۷-۶۸۲): و لما طلع النهار رأى بعض الرهبان، من دیر کان علی شط الماء، جثة یزدگرد فنزل الیه مع جماعة من أصحابه فخاصوا الماء وأخرجوه منه

که ای تاجورشاو آزادمرد،
 نه پیش از مسیح این سخن کس شنید،
 یکی بدنزادی و افکنده بی^۶،
 و زین^{۱۰} بهر^{۱۱} ماهوی نفرین سزید!^۱
 دریغ آن دل و دانش و رای او^{۱۳}!
 دریغ آن^{۱۷} جوان و سوار^{۱۸} هزیر!^{۱۹}
 ببردی خبر^{۲۲} زین به^{۲۳} نوشین روان،
 جهاندار و^{۲۴} دیهیم جوی ترا،
 بزهنه به آب اندرش یافتند^{۲۶}!
 روانش به پرویز^{۲۹} گریان^{۳۰} شود!

خروشی برآمد ز راهب به^۱ درد
 کسی تاجدارای بدینسان^۲ ندید
 ۶۹۰ که بر شهریاری زند^۴ بنده بی
 بپرورد تا بر تنش^۷ بد^۸ رسید^۹
 دریغ آن بر و یال و بالای او^{۱۲}!
 دریغ آن^{۱۴} سر^{۱۵} تخمه^{۱۶} اردشیر!
 تنومند^{۲۰} بودی خرد با^{۲۱} روان
 ۶۹۵ که در آسیا ماه روی ترا
 به دشنه جگرگاه بشکافتند^{۲۵}
 همانا که آن^{۲۷} خاک بریان^{۲۸} شود!

۱-س (نیز ل ۳): ز رهبان به؛ س (نیز لی، ب): ز رهبان برآمد ز (ب: به): ق (نیز لن، و، ن ۲): ز راهب برآمد به؛ ق (آ: ازیشان برآمد به): ک پاک شده؛ متن = ل (نیز ب ۱): ۲- (ن، و، ن ۲): ازینسان؛ ق (آ: ازینسان)؛ ل، ک: چنین گفت راهب که این کس؛ متن = س، ق، ل ۲، س (نیز لی، پ، آ، ب): ۳- س (نیز لی): این چنین کس؛ (پ: از تو هیچ این سخن کس)؛ ق: نه نیز از مسیحا چنین کس؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۴- ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب): ز بد (در ل ۲، س، آ، ب، حرف دوم بی نقطه)؛ متن = (و، ن ۲) ه-س (نیز ن، لی، و، ن ۲، ب): سگی؛ متن = ل، ق-س (نیز ق، ۲، ب، آ، ا): ع-س، ک، س (نیز لن، ق، ۲، و، ن ۲، ب): پراکنده؛ ق (نیز آ): بد افکنده؛ متن = ل ۳ این بیت را ندارد ۷- (ق: سرش) ۸- س (نیز لن، لی، و، ن ۲، ب): این؛ متن = ل، ق-س (نیز ق، ۲، آ، ب، پ، آ، ن ۹): ل، س، آ: رسد-سزد؛ س: رسد؛ ل ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، و، ن ۲، ب): رسید؛ متن = ق، ک (نیز ل ۲، پ، آ) ۱۰- ل: ازین؛ ک: از آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱- (و: پس)؛ ق آ پس از این بیت و ل ۳، و، ن ۲، پس از ۶۸۸ افزوده اند:

کجا بخشش و مهر و آن رنج تو
 کجا لشکر و گاه و آن گنج تو

۱۲- ل: این رخ و شاخ و این یال او؛ س، ک (نیز ق ۲، لی، ل ۲، و، آ، ب): آن (و: این) سرو تاج و بالای برز (ک: او؛ ق: تو)؛ س (نیز پ): آن تن و شاخ و بالای تو؛ متن = ق، ل (نیز آ) ۱۳- (ق: ۲، تو)؛ ن: این دل و دانش و سال او؛ س (نیز لی، ل ۲، و، ب): آن بر و شاخ و آن (و: این بر و یال و این) چنگ (لی: دست) و گرز؛ س: آن ... (پاک شده) تو؛ (آ: آن دل روشن و رای او)؛ متن = ق، ک، ل (نیز لن ۲): ن این بیت را ندارد؛ در آ یکبار هم برابر س آمده است؛ ق آ افزوده است:

دریغ آن کبی فز بزدان و برز
 دریغ آن سرو شاخ و آن دست و گرز

۱۴- (و، ن ۲، ب: این) ۱۵- (ق: آ، سرو) ۱۶- (ن: آ، دخمه) ۱۷- ل، س (نیز لن، و، ن ۲، ب): این؛ متن = ق-س (نیز ق ۲، پ) ۱۸- س (نیز لی): سوار جهان و؛ ق: سوار و جوان؛ ل ۲ (نیز لن، ل ۲، و، ن ۲، ب): سوار جوان؛ (ق: سپهبد سوار)؛ متن = ل، ک، س (نیز پ) ۱۹- (ن، ل ۲، دلیر؛ ن ۲، هجیر؛ آ: دریغ که تاج تو آید به زیر)؛ ل، ک افزوده اند:

دریغ آن سر و گاه ساسانیان (س: سامانیان)
 ق: گر امید؛ متن = ل (ل ۲، آ، با)؛ ل: تن امید بودی خرد را؛ (ن: بپردی خرد این خبر با؛ ق: نحو مند (۴) مردی خرد با)؛ متن = س، ک، ل ۲، س (نیز لی، پ، و، آ، ب) ۲۲- ل ۲، س، آ، خرد ۲۳- (ق: آ، لی، زی به؛ ل: نزد؛ ن: به نزدیک شاه) ۲۴- س، ک، س (نیز لن، ب): جو؛ (ق: آ، جهان را ز؛ آ: ندیدی و)؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز لی، پ، و)؛ ل ۲، ن ۲ این بیت را ندارند ۲۵- آ: بشتافتند؛ (و: بشکافتند) ۲۶- س، ک، س (نیز لی، پ، و): اندرون یافتند (و: یافتند)؛ ق، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، ب): اندر انداختند؛ متن = ل، ل ۲، ن ۲ این بیت را ندارند ۲۷- (ق: آ: در؛ و، ن ۲، آ: این؛ آ: همانگه که در) ۲۸- (و: گریان) ۲۹- س، آ: زبان آور و دیده؛ (ن: روان و تن شاه)؛ ق: همان گاه و دیهیم؛ پ: روان آورد ویژه؛ و، ن ۲: زمان و زمین نیز؛ آ: ز نام آوران ویژه؛ متن = س، ک (نیز لی، پ) ۳۰- (و: بریان)؛ ل، ق، ل ۲، ل ۳ این بیت را ندارند

که تن را پرستد، نه راه^۳ روان،
 ترسد روانش ز فرجام بد!
 نبیند^۸ همی تاج و تخت^۹ نشست،
 نه افسر، نه کشور، نه گنج و سپاه^{۱۳}!
 ستایش^{۱۶} ندانم^{۱۷} سزاوار اوی^{۱۵}،
 ببیند روانش^{۱۹} درختی که کشت!
 تنت را بدین^{۲۱} سوگواران^{۲۲} سپرد،
 تن^{۲۵} بدگنش را گزند این^{۲۴} بود:
 به دوزخ کند^{۲۶} جان بدخواه راه^{۲۷}!
 که با شهریاری و با^{۲۹} اردشیر،
 درفشان^{۳۱} شد آن خسروانی چرخ!
 بخفتی و بیدار بودت^{۳۳} روان،
 برفت و تنت^{۳۵} ماند ایدر یله،

۷۱۰ دگر گفت: کان^۱ را تو دانا^۲ مخوان
 همه^۴ خواسته جوید^۵ و نام بد
 دگر گفت: اگر^۶ شاه را لب^۷ بیست
 نه^{۱۰} مهر^{۱۱} و پرستنده و بارگاه^{۱۲}
 دگر گفت: کز خوب گفتار^{۱۴} اوی^{۱۵}
 ۷۱۵ همی سرو کشت او^{۱۸} به باغ بهشت
 دگر گفت: یزدان روانت^{۲۰} ببرد
 روان^{۲۳} ترا سودمند این^{۲۴} بود
 کنون در بهشتست بازار شاه
 دگر گفت کای شاه رامش پذیر^{۲۸}
 ۷۲۰ درودی همان بر^{۳۰} که کشتی به باغ
 دگر گفت کای شهریار جوان^{۳۲}
 لب^{۳۴} خامش و جان به چندین گله

۱- (لن: آن؛ ل، و، لن، ۲، ب: کو) ۲- (ل: توانا) ۳- س (نیز ق: ۲): بجای؛ ک (نیز آ): نه راه و؛ (لی: بخون و؛ و، لن، ۴: نجوید؛ ب: بخون)؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، ل، ۲، پ): ل این بیت را ندارد ۴- ل: همی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر هک: خواهد؛ ل این بیت را ندارد؛ ق افزودده است:

بدانده که بر بد ازو بد رسد به مینو مکافات از نیک و بد

عق (نیز ق: ۲، لن، ۲): گر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷- ل، ق: شاه لب را؛ ک پاک شده؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸- س، ک (نیز ق: ۲، لی، و، ب: نبینم؛ آ: ببیند)؛ متن = ل، ق، س (نیز لن، ل، ۲، ب، لن، ۹) ۹- ل، ک (نیز ل: ۳): تخت و؛ س (نیز پ، آ): همی تخت و جای؛ متن = س، ق (نیز لن، ق: ۲، لی، و، لن، ۲، ب): ل این بیت را ندارد ۱۰- س: ز ۱۱- (ق: ۲، باره؛ و: شهر) ۱۲- س: بارگاه (۴)؛ (و: پایگاه) ۱۳- ل: نه تاج و کلاه؛ ق: ل: نه تاج و نه گاه؛ س (نیز ل: ۳، پ): نه فر و نه جاه؛ (لن: نه فر و کلاه؛ آ: نه تاج و سپاه)؛ س (نیز ق: ۲، لی، و، ب): نه کشور نه افسر نه تخت و کلاه؛ (و: نه کشور نه افسر نه فر و نه جاه)؛ متن = ک؛ لن این بیت را ندارد؛ س، ق: ۲، لی، و، لن، ۲، ب افزودده اند:

مگر خود نیاید همی این بکار چرا باید این رنج و این روزگار (س: کارزار)

۱۴- (ق: ۲، ل، ۲، و، لن، ۲: کردار؛ آ: خواب و کردار)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵- ل، ق، ک (نیز ق: ۲، لن، ۱۰): او؛ س (نیز لی، ل، ۲، و، ب: تو؛ متن = ل، ۲، س (نیز لن، پ) ۱۶- س (نیز ل: ۳): سزایش ۱۷- ل، ک (نیز پ): ندارم؛ س (نیز لی، ب): نبینم؛ (ل: ندانند)؛ متن = ل، ق، ل، ۲، س (نیز لن، ق: ۲، و، لن، ۱۰، ۱۱) ۱۸- س (نیز لن، ل، ۲، و، ب): کشتی؛ متن = ۱۹- س (نیز ق: ۲، ل، ۲، و، ب): روانت ببیند؛ ک: نبیند روانش؛ (لن، لن، ۲: روانش ببیند؛ لی: روانت نبیند)؛ متن = ل، ق، س (نیز پ، آ، ۲۰- س: چو جاننت؛ (لی: چو آئین)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱- س (نیز لی، آ، ب): بدان؛ متن = ل، ک، س (نیز لن، ق: ۲، ل، ۲، ب، لن، ۲۲- (ق: درد و خواری)؛ ق: ۲، ۱۶-۷۲۵ و ۲، ۱۶-۷۲۶ و ۲۳- (آ: زمانه) ۲۴- (و: آن؛ ق: ۲: سودمندی - گزند؛ ل، ۲، لن، ۲: سودمندی - بژندی؛ آ: سودمندان که زندان)؛ متن = ل، س، ک، س (نیز لن، لی، و، ب) ۲۵- (ق: ۲: بدین) ۲۶- (ق: کشد) ۲۷- (و: بدانندیش از آزار شاه)؛ ل، ۳، لن، ۲ این بیت را ندارند ۲۸- ل، ک (نیز لن، ق: ۲، آ): دانش پذیر؛ متن = س، س، ۳ (نیز لی، و، لن، ۲، ب) ۲۹- (ق: خرگوند و از گوهر؛ و چه با شهریار و چه با؛ لن: گرگانمایه از دخمه)؛ ل این بیت را ندارد ۳۰- س (نیز لن، لی، و، لن، ۲، ب): هران بر؛ ک: هران بد؛ (آ: به ما بر)؛ متن = ل (نیز ق: ۲، پ) ۳۱- س (نیز لن، لی، و، لن، ۲): درخشان؛ (ق: فروزان)؛ متن = ل، ک (نیز پ، آ، ب)؛ س این بیت را ندارد ۳۲- ک: جهان ۳۳- س (نیز لی، ل، ۲، پ، آ، ب): کردی؛ متن = ل، ک، س (نیز لن، ق: ۲، و، لن، ۲) ۳۴- (ق: ۲: زبان) ۳۵- (ق: ۲: برفتی و تن)

-تن^۲ بدسگالت به بار^۳ اندرست^۱،
 بیالید^۵ جان، گر تنت خسته شد،
 روانت به چنگ^۷ اندرآرد سینان!
 تو رفتی^{۱۰} و کردار شد^{۱۱} پیشزوه،
 زمین^{۱۳} بلا بهر دیگر کسست!
 ببیند^{۱۵} کنون روزگار درشت!
 نیایشگر^{۱۸} پاک جان تویم^{۱۷}!
 کفن دست^{۲۲} شادی و راغ^{۲۳} تو^{۲۴} بادا
 ز هامون سوی دخمه^{۲۷} بگذاشتند
 سرآمد برو^{۲۹} رنج^{۳۰} تخت^{۳۱} و کلاه!

تو بیکاری و جان^۱ به کار اندرست
 بگوید روان، گر زبان^۴ بسته شد
 ۷۲۵ اگر دست^۶ بیکار گشت^۶ از عنان
 دگر گفت کای^۸ نامبردار تو^۹
 ترا در بهشتت تخت، این بسست^{۱۲}!
 دگر گفت کانکس که او^{۱۴} چون تو کشت
 شُف^{۱۶} گفت: ما بندگان تویم^{۱۷}!
 ۷۳۰ که این^{۱۹} دخمه پر لاله باغ^{۲۰} تو^{۲۱} بادا
 بگفتند^{۲۵} و تابوت برداشتند^{۲۶}
 بدان^{۲۸} خوابگه رفت ناکام شاه

۱- (ق: ۲) بیکار و جانت ۲- س، ک (نیز ق: ۲، ل، و، ب): سر؛ متن = ل، س ۳- (نیز ل، پ، و، آ، ب): بیار (در ل حرفهای یکم و دوم و در س ۲، ل، ن حرف دوم بی نقطه)؛ س (نیز ل، و): بدار؛ ک: بنار؛ (ق: ۲) بنار؛ (ن: ۲): بکار؛ متن = ل (؟)؛ ل ۳ این بیت را ندارد ۴- (ل: زفان) هل، ک (نیز آ): بیاسورد؛ س، س ۵- (نیز ل، ق: ۲، ل، و): نیالود (در س، ق: ۲، ل، و): حرف یکم بی نقطه؛ (ل: ن: ۲): بیالود؛ متن = (پ)؛ ل ۳ این بیت را ندارد و در ب پس از ۷۹۲ آمده است ۶- (ق: ۲) شد ۷- حرف یکم در ب با سه نقطه؛ ل ۳ این بیت را ندارد و در ل ۳ پس از ۷۲۶ آمده است؛ ق ۲ افزوده است:

ندیدم سواری بدین فز و برز
 چو بدخواه جنگی به بالین رسید
 چنین گل به بالین شاهان مباد
 نه آن ترگ و جوشن نه آن خشت و گرز
 نباید ترا با سپاه آرמיד
 چو باشد نباشد به پالیز باد

۸- (ل: ای) ۹- س (نیز ق: ۲، ل، و، ب): گو؛ متن = ل، ق، ک، س ۱۰- (نیز ل، ن، آ، پ، و، آ): (ب: گفتی) ۱۱- س: آ: تو: ۱۲- س: س: ۱۳- (نیز ل، ق: ۲، ل، پ، ب): تخت (ل ۲، ب: تخت و) نشست؛ متن = ل (حرف یکم تخت بی نقطه) ۱۴- (ل: درخت)؛ ل ۳ این بیت را ندارد ۱۴- س (نیز ل، ل، و، ب): کان (ل: آن: ب: کو) مرد کو؛ ل: آنکس که او؛ س: کان کو شهی؛ متن = ل، ک ۱۵- (ل: نیبند!)؛ ق، ق: ۲ این بیت را ندارند ۱۶- (ل: دگر) ۱۷- س، ک، س ۱۸- (نیز ل، ق: ۲، ل، و، ب): توایم؛ متن = ل، ق، ل ۱۹- (نیز ل ۳) ۱۸- ل: س: ۲ (نیز ل، ق: ۲، و، آ، ب): نیایش کن؛ (ل: نیایش کنان)؛ متن = (ل: پ، و، ل ۲) ۱۹- (و: بدان) ۲۰- س، ق، ل ۲ (نیز ل ۳، پ، آ، ب): راغ؛ ک (نیز ل، و): داغ؛ (ق: ۲) دخمه لاله باغ؛ متن = س ۲ (نیز ل، ل، و، ب): پر لاله و باغ ۲۲- ق، ل ۲ (نیز ق: ۲) دست ۲۳- س: س: ۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب): باغ؛ (ق: ۲) شادی چراغ؛ متن = س ۲ (نیز ل، و، ل، و، ب): دشت و شادی تو راغ؛ ق: ۲، ل ۲ (پس از ۷۳۱) افزوده اند:

سزد گر به (ز) تو ما بنبندیم لب
 ز تو ایمنی بومان (ل: ن) که بود از تومان ایمنی روز و شب

۲۵- ل، ق: ل: برفتند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶- (ل: ۳): برگاشتند ۲۷- ق: باغ ۲۸- ل، ق: بران؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۹- س: ل ۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب): بدو؛ متن = ل، ق، ک، س ۳۰- (نیز ل، ق: ۲، ل، و، ل، و، آ، ب): رنج و؛ س: س ۳۱- (نیز ق: ۲، و، ب): تاج و؛ (ل: ۲): تخت و؛ متن = ک، ل ۲ (نیز آ)؛ افزوده است:

الا ای سخن گوی مرد کهن
 بگرد از ره آرز و بگسل سخن

در ل ۲ بیت ۷۳۲ پس از ۷۳۳ آمده و پس از آن افزوده است:
 همین چار و این هفت و این ده و دو
 الا ای سخن گوی... (مانند بالا)

بختاری (۷۳۲، ۶۸۸): و أخذوا بیکون و ینوحون علیه. ثم کفوه و عملوا له ناووسا و وضعوه فیه ۳۱- (ل: ۲): تاج

مگر^۲ داد خواهم سر خود^۳ به باد!
 به شمشیر بر من^۵ نگردند رام!
 اگر خویش^۷ بود^۶ ار پراگنده بود^۶،
 نه بر مهم^۹ آرام گیرد^{۱۰} سپاه!
 چرا ریختم خونِ شاه جهان^{۱۲}؟!
 جهاندار^{۱۴} داند که من چون بُدم!
 ازین کار^{۱۷} گیتی پرآواز^{۱۸} گشت!
 که بگستی^{۲۱} آن بسته زُنار^{۲۲} خویش!
 روان^{۲۴} وُرا زهر^{۲۵} تریاک شد^{۲۳}!
 زبان تیز^{۲۷} گردان به نیکو^{۲۸} سخن!
 مرا^{۳۰} شاه داد^{۳۱} از پی^{۳۲} مهتری،
 چو شب تیره تر شد^{۳۳} مرا خواند شاه،
 که داند به^{۳۷} گیتی که بر کیست گرد^{۳۸}،
 بود روز کین^{۳۹} هر دو^{۴۰} آید به کار!

نه نامست ما را، نه رای^۱ و نژاد
 ۷۵۵ ^۲ پر انگشتری یزدگردست نام
 همه شهر ایران وُرا بنده بود^۶
 نخواند مرا مرد داندند^۸ شاه!
 جزین بودمان چاره اندر^{۱۱} نهان
 همه شب از^{۱۲} اندیشه پر^{۱۳} خون بُدم
 ۷۶۰ بدو^{۱۵} رای زن گفت کاکتون^{۱۶} گذشت
 کنون بازجویی همی^{۱۹} کار^{۲۰} خویش
 کنون او به دخمه درون خاک شد^{۲۳}
 جهاندیدگان را همه گرد^{۲۶} کن
 چُنین گوی کین^{۲۹} تاج و انگشتری
 ۷۶۵ چو دانست^{۳۳} کامد ز ترکان سپاه،
 مرا^{۳۵} گفت: چون خاست با^{۳۶} نبرد
 تو این تاج و انگشتری را بدار

۱-س.ک.س ۲ (نیز لن-لن ۲.ب): نه گنج است با من نه نام (و: فز): متن = ل.ق.ل ۲ (نیز ۱) ۲- (لن: همی) ۳-س.ک (نیز لن-ل ۳.و.لن ۲.ب): همی سر: متن = ل.ق.ل ۳.و.ل ۲ (نیز ۱.ب) ۴- (لن: به) ۵-ل.ق.ک.ل ۲ (نیز ۱): من بر (۹): (ق ۲.ل.و.لن ۲.ب.من): متن = س.س ۲ (نیز لن.ل.پ.ب) ۶-ل: اند ... نیز ... اند: متن = سیزده دستنویس دیگر ۷- (و: جمع): ق این بیت را ندارد ۸-س (نیز ل): داشتمند: متن = سیزده دستنویس دیگر ۹-س (نیز لن.ل.ل.ب): مهر: ل ۲: مهتر: ق (نیز ۱): نه بی مهتر: متن = ل.ک.س ۲ (نیز پ.و.لن ۲) ۱۰- (ق ۲): نه آرام گیرد به من (بر) ۱۱-ل.ق.ل ۲.س ۲ (نیز ق ۲.ل.۳.ب.لن ۱.۲): بود چاره (ق: جان) مراد: ک: بد مرا چاره اندر: متن = س (نیز لن.ل.و.ب) ۱۲-ل.ق.ل ۲.س ۲ (نیز ق ۲.ب.ا): ز: ک: دل از: (لن ۲: روز از): متن = س (نیز ل.ل.ب) ۱۳-س ۲: در: (و: به اندیشه: لن: که چون من در اندیشه) ۱۴- (لن: جز ایزد): بنداری (۷۵۰-۷۵۹): ثم إنه خلا بأصحابه و فاضهم فیما جرى علی یدیه من قتل یزدجرد فعض علی یدیه بعد أن زلت به القدم، و ندم ولات حین مندم. و فال لوزیره: کیف یمكنی الجلوس علی تخت یزدجرد و جمیع أهل ایران عبیده؟ و منی أتهماً بذلک؟ ۱۵-ل (نیز لن): برو: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶- (ل.و.لن ۱: اکنون) ۱۷-ل.ق.ل ۲ (نیز ۱): راز: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸- (ل ۲: آزار): بنداری: فقال الوزیر: إن الأیرانیین ما حضروا هذه الوقعة ۱۹-ل ۲ (نیز ق ۲.ل.و.ل.ا): همه: متن = س.ک.س ۲ (نیز لن.ل.پ.ب.لن ۲.ب) ۲۰-س (نیز ل): باز (درس بی نقطه): (آ: راز): متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱- (لن: نگستی) ۲۲-ل: رشته ناز: س: بسته و بار (بی نقطه): (ق ۲: سست بازار: لن: که دیگر بران بسته زُنار): متن = ده دستنویس دیگر: ق این بیت را ندارد ۲۳- (و: گشت) ۲۴- (لن: زمان) ۲۵- (ق ۲: خاک): در ق آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۶- (لن: یاد: آ: نیز) ۲۷-ل.ق.ک.نیز: در ل حرف یکم بی نقطه: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-ل (نیز ل ۲.لن ۲): شیرین: متن = دوازده دستنویس دیگر: بنداری: و من الذی شاهد قتلک یزدجرد؟ و الرأی أن تحضرو وجوه الأیرانیین ۲۹- (لن: گو که این) ۳۰-س = س ۲ (نیز لن: ب): به من: متن = ل ۳۱-س.ق.س ۲ (نیز لن-ل ۲.ب): داد شاه: متن = ل.ک.ل ۲ (نیز ۱) ۳۲-س (نیز ل): از در: متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۳- (ب: بشنید) ۳۴- (ق ۲): تیره شد مرا: آ: تیره شد او) ۳۵-س.ک (نیز لن.ل.لن ۲): به من: متن = ل.ق.ل ۲.س ۲ (نیز ق ۲.ب.ا) ۳۶-س (نیز ل): بانگ: (ب: روز: و: داد چون خاست بانگ): متن = یازده دستنویس دیگر ۳۷-س.ک (نیز ق ۲.ل.ل.لن ۲.ب): ز: متن = ل.ق.ل ۲.س ۲ (نیز ل ۳.ب.ا) ۳۸-س (نیز ل): در: ق: برگشت درد: (لن: بر کیست گرد نبرد: و: بر کیست ناکام درد) ۳۹- (ق ۲: کت) ۴۰-ل.ق.ل ۲ (نیز ۱): تاج: متن = ده دستنویس دیگر: ق این بیت را ندارد

همانا که هست او^۲ ز تازی^۳ نهان!
نگهدار هم زین^۴ نشان راه^۵ من!
به فرمان او بر نشینم به گاه^۶
که داند که این راستست، ار^{۱۱} دروغ؟
تو دستوری و بر تو بر^{۱۳} نیست مه^{۱۴}
و زین^{۱۶} باره^{۱۷} چندی سخن^{۱۸} ها براند
به شوخی^{۱۹} ورا سر بریدن سزاست^{۲۰}!
سخن^{۲۲} گر درستست و^{۲۳} گر نادرست^{۲۴}!

به افسون خراسانش آمد^{۲۵} به دست!
منم^{۲۸} -گفت- با مهر^{۲۹} شاه جهان!
سخن هرچ^{۳۱} بودش به دل در^{۳۲} براند
ستاره نظاره برو، ای^{۳۳} شگفت!

مرا نیست جز دختری^۱ در جهان
تو زین پس به دشمن^۳ مده^۴ گاه^۵ من!
۷۷۰ من این تاج میراث دارم ز شاه
بدین^۸ چاره^۹ ده بند^{۱۰} بد^{۱۱} را فروغ
چو بشنید ماهوی، گفتش^{۱۲} که زه!
همه مهتران را ز لشکر بخواند^{۱۵}
بدانست لشکر که این^{۱۸} نیست راست
۷۷۵ یکی پهلوان گفت کین^{۲۱} کار تست

چو بشنید^{۲۴} بر تخت شاهی نشست
ببخشید^{۲۶} روی زمین بر مهبان^{۲۷}
هر آنکس که از^{۳۰} تخمه بُد پیش خواند
جهان را سراسر به بخشش گرفت

۱-ل: چیزی جزین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر (-بنداری) ۲-ل: این؛ (ق: که او شد)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳-ل: یاری؛ ل: که از تازیان شد؛ ل: این بیت را ندارد؛ بنداری (۷۶۸-۷۶۴): و تدعی أن یزدجرد لما ضاق به الأمر من أبدی الترك أوصی الیک، و سلم تاجه و خاتمه الیک، و نص فی ولایة عهده و القیام بالأمر من بعده علیک، و أنه و زوجک بنتا له صغیرة، و أمرک بالدفاع عنها و القیام بالأمر دونها ۴-ق: بده (ل: ۵-ا: کام-نام؛ ب: تاج-راه (ل: ۶-س: ک (نیز ل: ۳، و، ب): ازین هم؛ متن = ل، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز ق: ۲، پ، ل، ۲، ۷-ا: این بیت را ندارد ۸-ق: برین) ۹-ل: (ن: مزده) ۱۰-س: ک (نیز ل: ل، ل، ۳، و، ب): کار خود را؛ س: آ: کار بد را؛ ل: دریند بد را؛ (ق: آ: گیری همانا؛ پ: شد کار بد را)؛ متن = ل ۱۱-س: ل ۲ (نیز ل: ل، ۲، ب): یا؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز ل: ق، ۲، ۳، پ، و)؛ ق: آ: این بیت را ندارند؛ بنداری: فان هذا کذب شبه الصدق، و باطل یحاکی الحق. ثم اقعده عند ذلک علی سریر السلطنة، و مش أمرک ۱۲-ل: ک، ل، ۲، س ۲ (نیز ب): گفتا؛ متن = س، ق (نیز ل: ق، ۲، ل، و، ب) ۱۳-ق: (نیز ل: ۲): کس؛ (پ، ل: آ: بر تو خبر)؛ ل: دستور و بر تو مرا؛ ق: دستور و بر تو بر (ل: ۱۴-ک: به؛ ل: آ: این بیت را ندارد ۱۵-ک: بخوان-بران ۱۶-ک (نیز ب): ازین؛ (ل: ق: آ: وزان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ل: ل، ق، ل ۲ (نیز ا: گونه؛ ق: آ: رای؛ ل: آ: چاره)؛ ک: پاک شده؛ متن = س، س ۲ (نیز ل: ل، پ، و، ب): ل: آ: این بیت را ندارد ۱۸-ق، س: آ: آن ۱۹-ق: ز کشور؛ ل ۲ (نیز ا: ز لشکر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-س ۲ (نیز ب): رواست؛ ب: این بیت را ندارد ۲۱-ل: (و: این) ۲۲-ق: ۲، پ: جو) ۲۳-س: آ: جو)؛ ل: نادرست؛ س (نیز ل: سخن سست کردن ز بازار تست؛ ل: سخن گفتن آن بر آزار تست)؛ متن = ل، ق، ک، ل ۲ (نیز و، ل، ۲، ۱، ۲): ل: آ: ب: این بیت را ندارند؛ ق: آ: افزوده است:

بگفت این و بنشست گریان بجای نیامد از آنجا دگر کس بجای

۲۴-ق: آ: از آن پس (جو) ۲۵-ق: س ۲ (نیز ل: ق، آ، ل، ۲، آ): به (پ: ز) افسوسش (ق، پ، و: افسونش؛ س، ۲، ق: افسوس) آمد خراسان (س ۲، پ: سپاهی)؛ متن = ل؛ س، ل، ب: این بیت را ندارند؛ بنداری (۷۷۶-۷۷۲): فضحک و استصوب ما أشار به الوزیر، و اعتمد علیه، و عمل بمقتضاه. و اطاعة و لاة تلک البلاد و تیسر له ملک جمیع خراسان ۲۶-ل: (و: چو بشنید) ۲۷-س ۲ (نیز ق: آ، ل، ۳، ل، ۲): در نهان؛ متن = ل-ل ۲ (نیز ل: ل، ل، آ) ۲۸-ل: (و: همی) ۲۹-س: آ: چهر؛ این بیت در ل: ۲ پس از ۷۵۱ و در و یکبار هم برابر ق: ۲ پس از ۷۵۱ آمده است؛ ب: این بیت را ندارد ۳۰-س: ک (نیز ل: و): کزان؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز ق: آ، ل) ۳۱-ق: ک، ل ۲ (نیز ق: آ، و، ا): هر چه؛ متن = ل ۳۲-س: (نیز ل: و: زین در فراوان سخن ها؛ س، ل، ۲، پ، ل، ۲، ب: این بیت را ندارند ۳۳-س: ق، ل ۲ (نیز ق: آ، ل، آ، ب): بر؛ (ل: آ: از)؛ متن = ل، ک (نیز ل: پ، و؛ س، آ، و، ل، ۲ این بیت را ندارند

۷۸۰ به مهترپسر داد بلخ و هری بداندیشگان را همه برکشید^۳ بدان را به هر جای^۵ سالار کرد چو^۷ زیر اندرآمد سپر راستی چو لشکر فراوان شد^۹ و خواسته سپه را درم داد و آباد کرد ۷۸۵ ز لشکر یکی پهلوان کرد مرد^{۱۳} به آموی شد پهلوی^{۱۶} پیشرو^{۱۶} طلایه به پیش سپاه^{۱۸} اندرون به شهر بخارا نهادند روی ۷۹۰ بدو^{۲۲} گفت: ما را سمرقند و چاچ^{۲۳} به فرمان شاه جهان یزدگرد ز بیژن بخواهم به شمشیر کین

فرستاد بر^۱ هر سوی^۲ لشکری بدانسان^۴ که از گوهر او سزیدا خردمند را سر^۶ نگونسار کردا پدید آمد از هر سوی^۸ کاستی! دل^{۱۰} مرد بی‌تن^{۱۱} شد آراسته! سر دوده‌ی خویش پُر^{۱۲} باد کردا بدان^{۱۴} بُد که جوید ز بیژن^{۱۵} نبرد ابا لشکری^{۱۷} جنگسازان^{۱۷} تو جهان‌دیده‌ی^{۱۹} نام او کرسیون^{۲۰} چنان ساخته‌لشکری^{۲۱} جنگجوی بیاید گرفتن بدین^{۲۲} مَهر و تاج! که سالار بُد زیر این^{۲۵} هفت‌گرد^{۲۴}، کزو تیره شد بخت ایران‌زمین^{۲۷}

گفتار اندر رزم ماهوی سوری با بیژن^{۲۸}

چنین^{۲۹} تا به بیژن رسید آگهی که ماهوی بگرفت شاهنشهی^{۳۰}،

۱-س (نیز لی): از؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲-س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق ۲-ب، ۱): سویی؛ متن = ل، ق (نیز ل ۲)، ن، و، ب این بیت را ندارند و در س، ک، ق ۲، ل، ل پس از بیت ۷۸۳ آمده است ۳-ق: همی برکشید؛ س (نیز ن، ل، ل، و، ن ۲، ب): هر آنکس که بُد بد (ن ۲: بی؛ ب: پر) هنر برکشید (س، ل، ب: برگزید): ک: کجا بود بدگوهری برگزید؛ متن = ل، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ب، ۱)، ۴-ل، ۴-س (نیز ن، ب): برانسان؛ (ق ۲: از انسان)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-س، ک، (نیز ن، ل، ل، و، ب): بدی را بدان تخمه (و: دوده)؛ متن = ل، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق ۲، ۲، ل، ۳، ل، ۳، ل، ۲، ب، ل، ۲)، ۶-ن، ا، ا، و؛ در س، ک، ن، ل، ل، و، ب؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷-س، ک، (نیز ن، ل، ق ۲، ل، ۲، و، ب): به؛ متن = ل، ق، ل، ۲، ل، ۲ (نیز ل ۳، ب، ل، ۲، ل، ۲)، ۸-س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ن، ب): سویی؛ متن = ل، ق، ۹-ن، ب، ۱۰-س، ۱۱-س، ک، س، ۲ (نیز ن، ل، و، ب): بی؛ بر؛ ق، ل، ل (نیز ل ۲، ۲): بی دین؛ (ق ۲: بدتن؛ ل ۲: بددین؛ ب: بی‌ره)؛ متن = ل، ۱۲-حرف یکم تنها در ل، ۲، ب: باسه نقطه ۱۳-ن، ل، و، ب: بران؛ ل، ۲: کورد مرد (؟؟)؛ س (نیز ق ۲، ل): بسی (ق ۲: همه) پهلوان گرد کرد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۴-س، ۱۵-س، ۱۶-ل، ۱۷-ل، ۱۸-ل، ۱۹-س، ۲۰-س، ۲۱-س، ۲۲-س، ۲۳-ل، ۲۴-س، ۲۵-س، ۲۶-س، ۲۷-س، ۲۸-س، ۲۹-س، ۳۰-س، ۳۱-س، ۳۲-س، ۳۳-س، ۳۴-س، ۳۵-س، ۳۶-س، ۳۷-س، ۳۸-س، ۳۹-س، ۴۰-س، ۴۱-س، ۴۲-س، ۴۳-س، ۴۴-س، ۴۵-س، ۴۶-س، ۴۷-س، ۴۸-س، ۴۹-س، ۵۰-س، ۵۱-س، ۵۲-س، ۵۳-س، ۵۴-س، ۵۵-س، ۵۶-س، ۵۷-س، ۵۸-س، ۵۹-س، ۶۰-س، ۶۱-س، ۶۲-س، ۶۳-س، ۶۴-س، ۶۵-س، ۶۶-س، ۶۷-س، ۶۸-س، ۶۹-س، ۷۰-س، ۷۱-س، ۷۲-س، ۷۳-س، ۷۴-س، ۷۵-س، ۷۶-س، ۷۷-س، ۷۸-س، ۷۹-س، ۸۰-س، ۸۱-س، ۸۲-س، ۸۳-س، ۸۴-س، ۸۵-س، ۸۶-س، ۸۷-س، ۸۸-س، ۸۹-س، ۹۰-س، ۹۱-س، ۹۲-س، ۹۳-س، ۹۴-س، ۹۵-س، ۹۶-س، ۹۷-س، ۹۸-س، ۹۹-س، ۱۰۰-س، ۱۰۱-س، ۱۰۲-س، ۱۰۳-س، ۱۰۴-س، ۱۰۵-س، ۱۰۶-س، ۱۰۷-س، ۱۰۸-س، ۱۰۹-س، ۱۱۰-س، ۱۱۱-س، ۱۱۲-س، ۱۱۳-س، ۱۱۴-س، ۱۱۵-س، ۱۱۶-س، ۱۱۷-س، ۱۱۸-س، ۱۱۹-س، ۱۲۰-س، ۱۲۱-س، ۱۲۲-س، ۱۲۳-س، ۱۲۴-س، ۱۲۵-س، ۱۲۶-س، ۱۲۷-س، ۱۲۸-س، ۱۲۹-س، ۱۳۰-س، ۱۳۱-س، ۱۳۲-س، ۱۳۳-س، ۱۳۴-س، ۱۳۵-س، ۱۳۶-س، ۱۳۷-س، ۱۳۸-س، ۱۳۹-س، ۱۴۰-س، ۱۴۱-س، ۱۴۲-س، ۱۴۳-س، ۱۴۴-س، ۱۴۵-س، ۱۴۶-س، ۱۴۷-س، ۱۴۸-س، ۱۴۹-س، ۱۵۰-س، ۱۵۱-س، ۱۵۲-س، ۱۵۳-س، ۱۵۴-س، ۱۵۵-س، ۱۵۶-س، ۱۵۷-س، ۱۵۸-س، ۱۵۹-س، ۱۶۰-س، ۱۶۱-س، ۱۶۲-س، ۱۶۳-س، ۱۶۴-س، ۱۶۵-س، ۱۶۶-س، ۱۶۷-س، ۱۶۸-س، ۱۶۹-س، ۱۷۰-س، ۱۷۱-س، ۱۷۲-س، ۱۷۳-س، ۱۷۴-س، ۱۷۵-س، ۱۷۶-س، ۱۷۷-س، ۱۷۸-س، ۱۷۹-س، ۱۸۰-س، ۱۸۱-س، ۱۸۲-س، ۱۸۳-س، ۱۸۴-س، ۱۸۵-س، ۱۸۶-س، ۱۸۷-س، ۱۸۸-س، ۱۸۹-س، ۱۹۰-س، ۱۹۱-س، ۱۹۲-س، ۱۹۳-س، ۱۹۴-س، ۱۹۵-س، ۱۹۶-س، ۱۹۷-س، ۱۹۸-س، ۱۹۹-س، ۲۰۰-س، ۲۰۱-س، ۲۰۲-س، ۲۰۳-س، ۲۰۴-س، ۲۰۵-س، ۲۰۶-س، ۲۰۷-س، ۲۰۸-س، ۲۰۹-س، ۲۱۰-س، ۲۱۱-س، ۲۱۲-س، ۲۱۳-س، ۲۱۴-س، ۲۱۵-س، ۲۱۶-س، ۲۱۷-س، ۲۱۸-س، ۲۱۹-س، ۲۲۰-س، ۲۲۱-س، ۲۲۲-س، ۲۲۳-س، ۲۲۴-س، ۲۲۵-س، ۲۲۶-س، ۲۲۷-س، ۲۲۸-س، ۲۲۹-س، ۲۳۰-س، ۲۳۱-س، ۲۳۲-س، ۲۳۳-س، ۲۳۴-س، ۲۳۵-س، ۲۳۶-س، ۲۳۷-س، ۲۳۸-س، ۲۳۹-س، ۲۴۰-س، ۲۴۱-س، ۲۴۲-س، ۲۴۳-س، ۲۴۴-س، ۲۴۵-س، ۲۴۶-س، ۲۴۷-س، ۲۴۸-س، ۲۴۹-س، ۲۵۰-س، ۲۵۱-س، ۲۵۲-س، ۲۵۳-س، ۲۵۴-س، ۲۵۵-س، ۲۵۶-س، ۲۵۷-س، ۲۵۸-س، ۲۵۹-س، ۲۶۰-س، ۲۶۱-س، ۲۶۲-س، ۲۶۳-س، ۲۶۴-س، ۲۶۵-س، ۲۶۶-س، ۲۶۷-س، ۲۶۸-س، ۲۶۹-س، ۲۷۰-س، ۲۷۱-س، ۲۷۲-س، ۲۷۳-س، ۲۷۴-س، ۲۷۵-س، ۲۷۶-س، ۲۷۷-س، ۲۷۸-س، ۲۷۹-س، ۲۸۰-س، ۲۸۱-س، ۲۸۲-س، ۲۸۳-س، ۲۸۴-س، ۲۸۵-س، ۲۸۶-س، ۲۸۷-س، ۲۸۸-س، ۲۸۹-س، ۲۹۰-س، ۲۹۱-س، ۲۹۲-س، ۲۹۳-س، ۲۹۴-س، ۲۹۵-س، ۲۹۶-س، ۲۹۷-س، ۲۹۸-س، ۲۹۹-س، ۳۰۰-س، ۳۰۱-س، ۳۰۲-س، ۳۰۳-س، ۳۰۴-س، ۳۰۵-س، ۳۰۶-س، ۳۰۷-س، ۳۰۸-س، ۳۰۹-س، ۳۱۰-س، ۳۱۱-س، ۳۱۲-س، ۳۱۳-س، ۳۱۴-س، ۳۱۵-س، ۳۱۶-س، ۳۱۷-س، ۳۱۸-س، ۳۱۹-س، ۳۲۰-س، ۳۲۱-س، ۳۲۲-س، ۳۲۳-س، ۳۲۴-س، ۳۲۵-س، ۳۲۶-س، ۳۲۷-س، ۳۲۸-س، ۳۲۹-س، ۳۳۰-س، ۳۳۱-س، ۳۳۲-س، ۳۳۳-س، ۳۳۴-س، ۳۳۵-س، ۳۳۶-س، ۳۳۷-س، ۳۳۸-س، ۳۳۹-س، ۳۴۰-س، ۳۴۱-س، ۳۴۲-س، ۳۴۳-س، ۳۴۴-س، ۳۴۵-س، ۳۴۶-س، ۳۴۷-س، ۳۴۸-س، ۳۴۹-س، ۳۵۰-س، ۳۵۱-س، ۳۵۲-س، ۳۵۳-س، ۳۵۴-س، ۳۵۵-س، ۳۵۶-س، ۳۵۷-س، ۳۵۸-س، ۳۵۹-س، ۳۶۰-س، ۳۶۱-س، ۳۶۲-س، ۳۶۳-س، ۳۶۴-س، ۳۶۵-س، ۳۶۶-س، ۳۶۷-س، ۳۶۸-س، ۳۶۹-س، ۳۷۰-س، ۳۷۱-س، ۳۷۲-س، ۳۷۳-س، ۳۷۴-س، ۳۷۵-س، ۳۷۶-س، ۳۷۷-س، ۳۷۸-س، ۳۷۹-س، ۳۸۰-س، ۳۸۱-س، ۳۸۲-س، ۳۸۳-س، ۳۸۴-س، ۳۸۵-س، ۳۸۶-س، ۳۸۷-س، ۳۸۸-س، ۳۸۹-س، ۳۹۰-س، ۳۹۱-س، ۳۹۲-س، ۳۹۳-س، ۳۹۴-س، ۳۹۵-س، ۳۹۶-س، ۳۹۷-س، ۳۹۸-س، ۳۹۹-س، ۴۰۰-س، ۴۰۱-س، ۴۰۲-س، ۴۰۳-س، ۴۰۴-س، ۴۰۵-س، ۴۰۶-س، ۴۰۷-س، ۴۰۸-س، ۴۰۹-س، ۴۱۰-س، ۴۱۱-س، ۴۱۲-س، ۴۱۳-س، ۴۱۴-س، ۴۱۵-س، ۴۱۶-س، ۴۱۷-س، ۴۱۸-س، ۴۱۹-س، ۴۲۰-س، ۴۲۱-س، ۴۲۲-س، ۴۲۳-س، ۴۲۴-س، ۴۲۵-س، ۴۲۶-س، ۴۲۷-س، ۴۲۸-س، ۴۲۹-س، ۴۳۰-س، ۴۳۱-س، ۴۳۲-س، ۴۳۳-س، ۴۳۴-س، ۴۳۵-س، ۴۳۶-س، ۴۳۷-س، ۴۳۸-س، ۴۳۹-س، ۴۴۰-س، ۴۴۱-س، ۴۴۲-س، ۴۴۳-س، ۴۴۴-س، ۴۴۵-س، ۴۴۶-س، ۴۴۷-س، ۴۴۸-س، ۴۴۹-س، ۴۵۰-س، ۴۵۱-س، ۴۵۲-س، ۴۵۳-س، ۴۵۴-س، ۴۵۵-س، ۴۵۶-س، ۴۵۷-س، ۴۵۸-س، ۴۵۹-س، ۴۶۰-س، ۴۶۱-س، ۴۶۲-س، ۴۶۳-س، ۴۶۴-س، ۴۶۵-س، ۴۶۶-س، ۴۶۷-س، ۴۶۸-س، ۴۶۹-س، ۴۷۰-س، ۴۷۱-س، ۴۷۲-س، ۴۷۳-س، ۴۷۴-س، ۴۷۵-س، ۴۷۶-س، ۴۷۷-س، ۴۷۸-س، ۴۷۹-س، ۴۸۰-س، ۴۸۱-س، ۴۸۲-س، ۴۸۳-س، ۴۸۴-س، ۴۸۵-س، ۴۸۶-س، ۴۸۷-س، ۴۸۸-س، ۴۸۹-س، ۴۹۰-س، ۴۹۱-س، ۴۹۲-س، ۴۹۳-س، ۴۹۴-س، ۴۹۵-س، ۴۹۶-س، ۴۹۷-س، ۴۹۸-س، ۴۹۹-س، ۵۰۰-س، ۵۰۱-س، ۵۰۲-س، ۵۰۳-س، ۵۰۴-س، ۵۰۵-س، ۵۰۶-س، ۵۰۷-س، ۵۰۸-س، ۵۰۹-س، ۵۱۰-س، ۵۱۱-س، ۵۱۲-س، ۵۱۳-س، ۵۱۴-س، ۵۱۵-س، ۵۱۶-س، ۵۱۷-س، ۵۱۸-س، ۵۱۹-س، ۵۲۰-س، ۵۲۱-س، ۵۲۲-س، ۵۲۳-س، ۵۲۴-س، ۵۲۵-س، ۵۲۶-س، ۵۲۷-س، ۵۲۸-س، ۵۲۹-س، ۵۳۰-س، ۵۳۱-س، ۵۳۲-س، ۵۳۳-س، ۵۳۴-س، ۵۳۵-س، ۵۳۶-س، ۵۳۷-س، ۵۳۸-س، ۵۳۹-س، ۵۴۰-س، ۵۴۱-س، ۵۴۲-س، ۵۴۳-س، ۵۴۴-س، ۵۴۵-س، ۵۴۶-س، ۵۴۷-س، ۵۴۸-س، ۵۴۹-س، ۵۵۰-س، ۵۵۱-س، ۵۵۲-س، ۵۵۳-س، ۵۵۴-س، ۵۵۵-س، ۵۵۶-س، ۵۵۷-س، ۵۵۸-س، ۵۵۹-س، ۵۶۰-س، ۵۶۱-س، ۵۶۲-س، ۵۶۳-س، ۵۶۴-س، ۵۶۵-س، ۵۶۶-س، ۵۶۷-س، ۵۶۸-س، ۵۶۹-س، ۵۷۰-س، ۵۷۱-س، ۵۷۲-س، ۵۷۳-س، ۵۷۴-س، ۵۷۵-س، ۵۷۶-س، ۵۷۷-س، ۵۷۸-س، ۵۷۹-س، ۵۸۰-س، ۵۸۱-س، ۵۸۲-س، ۵۸۳-س، ۵۸۴-س، ۵۸۵-س، ۵۸۶-س، ۵۸۷-س، ۵۸۸-س، ۵۸۹-س، ۵۹۰-س، ۵۹۱-س، ۵۹۲-س، ۵۹۳-س، ۵۹۴-س، ۵۹۵-س، ۵۹۶-س، ۵۹۷-س، ۵۹۸-س، ۵۹۹-س، ۶۰۰-س، ۶۰۱-س، ۶۰۲-س، ۶۰۳-س، ۶۰۴-س، ۶۰۵-س، ۶۰۶-س، ۶۰۷-س، ۶۰۸-س، ۶۰۹-س، ۶۱۰-س، ۶۱۱-س، ۶۱۲-س، ۶۱۳-س، ۶۱۴-س، ۶۱۵-س، ۶۱۶-س، ۶۱۷-س، ۶۱۸-س، ۶۱۹-س، ۶۲۰-س، ۶۲۱-س، ۶۲۲-س، ۶۲۳-س، ۶۲۴-س، ۶۲۵-س، ۶۲۶-س، ۶۲۷-س، ۶۲۸-س، ۶۲۹-س، ۶۳۰-س، ۶۳۱-س، ۶۳۲-س، ۶۳۳-س، ۶۳۴-س، ۶۳۵-س، ۶۳۶-س، ۶۳۷-س، ۶۳۸-س، ۶۳۹-س، ۶۴۰-س، ۶۴۱-س، ۶۴۲-س، ۶۴۳-س، ۶۴۴-س، ۶۴۵-س، ۶۴۶-س، ۶۴۷-س، ۶۴۸-س، ۶۴۹-س، ۶۵۰-س، ۶۵۱-س، ۶۵۲-س، ۶۵۳-س، ۶۵۴-س، ۶۵۵-س، ۶۵۶-س، ۶۵۷-س، ۶۵۸-س، ۶۵۹-س، ۶۶۰-س، ۶۶۱-س، ۶۶۲-س، ۶۶۳-س، ۶۶۴-س، ۶۶۵-س، ۶۶۶-س، ۶۶۷-س، ۶۶۸-س، ۶۶۹-س، ۶۷۰-س، ۶۷۱-س، ۶۷۲-س، ۶۷۳-س، ۶۷۴-س، ۶۷۵-س، ۶۷۶-س، ۶۷۷-س، ۶۷۸-س، ۶۷۹-س، ۶۸۰-س، ۶۸۱-س، ۶۸۲-س، ۶۸۳-س، ۶۸۴-س، ۶۸۵-س، ۶۸۶-س، ۶۸۷-س، ۶۸۸-س، ۶۸۹-س، ۶۹۰-س، ۶۹۱-س، ۶۹۲-س، ۶۹۳-س، ۶۹۴-س، ۶۹۵-س، ۶۹۶-س، ۶۹۷-س، ۶۹۸-س، ۶۹۹-س، ۷۰۰-س، ۷۰۱-س، ۷۰۲-س، ۷۰۳-س، ۷۰۴-س، ۷۰۵-س، ۷۰۶-س، ۷۰۷-س، ۷۰۸-س، ۷۰۹-س، ۷۱۰-س، ۷۱۱-س، ۷۱۲-س، ۷۱۳-س، ۷۱۴-س، ۷۱۵-س، ۷۱۶-س، ۷۱۷-س، ۷۱۸-س، ۷۱۹-س، ۷۲۰-س، ۷۲۱-س، ۷۲۲-س، ۷۲۳-س، ۷۲۴-س، ۷۲۵-س، ۷۲۶-س، ۷۲۷-س، ۷۲۸-س، ۷۲۹-س، ۷۳۰-س، ۷۳۱-س، ۷۳۲-س، ۷۳۳-س، ۷۳۴-س، ۷۳۵-س، ۷۳۶-س، ۷۳۷-س، ۷۳۸-س، ۷۳۹-س، ۷۴۰-س، ۷۴۱-س، ۷۴۲-س، ۷۴۳-س، ۷۴۴-س، ۷۴۵-س، ۷۴۶-س، ۷۴۷-س، ۷۴۸-س، ۷۴۹-س، ۷۵۰-س، ۷۵۱-س، ۷۵۲-س، ۷۵۳-س، ۷۵۴-س، ۷۵۵-س، ۷۵۶-س، ۷۵۷-س، ۷۵۸-س، ۷۵۹-س، ۷۶۰-س، ۷۶۱-س، ۷۶۲-س، ۷۶۳-س، ۷۶۴-س، ۷۶۵-س، ۷۶۶-س، ۷۶۷-س، ۷۶۸-س، ۷۶۹-س، ۷۷۰-س، ۷۷۱-س، ۷۷۲-س، ۷۷۳-س، ۷۷۴-س، ۷۷۵-س، ۷۷۶-س، ۷۷۷-س، ۷۷۸-س، ۷۷۹-س، ۷۸۰-س، ۷۸۱-س، ۷۸۲-س، ۷۸۳-س، ۷۸۴-س، ۷۸۵-س، ۷۸۶-س، ۷۸۷-س، ۷۸۸-س، ۷۸۹-س، ۷۹۰-س، ۷۹۱-س، ۷۹۲-س، ۷۹۳-س، ۷۹۴-س، ۷۹۵-س، ۷۹۶-س، ۷۹۷-س، ۷۹۸-س، ۷۹۹-س، ۸۰۰-س، ۸۰۱-س، ۸۰۲-س، ۸۰۳-س، ۸۰۴-س، ۸۰۵-س، ۸۰۶-س، ۸۰۷-س، ۸۰۸-س، ۸۰۹-س، ۸۱۰-س، ۸۱۱-س، ۸۱۲-س، ۸۱۳-س، ۸۱۴-س، ۸۱۵-س، ۸۱۶-س، ۸۱۷-س، ۸۱۸-س، ۸۱۹-س، ۸۲۰-س، ۸۲۱-س، ۸۲۲-س، ۸۲۳-س، ۸۲۴-س، ۸۲۵-س، ۸۲۶-س، ۸۲۷-س، ۸۲۸-س، ۸۲۹-س، ۸۳۰-س، ۸۳۱-س، ۸۳۲-س، ۸۳۳-س، ۸۳۴-س، ۸۳۵-س، ۸۳۶-س، ۸۳۷-س، ۸۳۸-س، ۸۳۹-س، ۸۴۰-س، ۸۴۱-س، ۸۴۲-س، ۸۴۳-س، ۸۴۴-س، ۸۴۵-س، ۸۴۶-س، ۸۴۷-س، ۸۴۸-س، ۸۴۹-س، ۸۵۰-س، ۸۵۱-س، ۸۵۲-س، ۸۵۳-س، ۸۵۴-س، ۸۵۵-س، ۸۵۶-س، ۸۵۷-س، ۸۵۸-س، ۸۵۹-س، ۸۶۰-س، ۸۶۱-س، ۸۶۲-س، ۸۶۳-س، ۸۶۴-س، ۸۶۵-س، ۸۶۶-س، ۸۶۷-س، ۸۶۸-س، ۸۶۹-س، ۸۷۰-س، ۸۷۱-س، ۸۷۲-س، ۸۷۳-س، ۸۷۴-س، ۸۷۵-س، ۸۷۶-س، ۸۷۷-س، ۸۷۸-س، ۸۷۹-س، ۸۸۰-س، ۸۸۱-س، ۸۸۲-س، ۸۸۳-س، ۸۸۴-س، ۸۸۵-س، ۸۸۶-س، ۸۸۷-س، ۸۸۸-س، ۸۸۹-س، ۸۹۰-س، ۸۹۱-س، ۸۹۲-س، ۸۹۳-س، ۸۹۴-س، ۸۹۵-س، ۸۹۶-س، ۸۹۷-س، ۸۹۸-س، ۸۹۹-س، ۹۰۰-س، ۹۰۱-س، ۹۰۲-س، ۹۰۳-س، ۹۰۴-س، ۹۰۵-س، ۹۰۶-س، ۹۰۷-س، ۹۰۸-س، ۹۰۹-س، ۹۱۰-س، ۹۱۱-س، ۹۱۲-س، ۹۱۳-س، ۹۱۴-س، ۹۱۵-س، ۹۱۶-س، ۹۱۷-س، ۹۱۸-س، ۹۱۹-س، ۹۲۰-س، ۹۲۱-س، ۹۲۲-س، ۹۲۳-س، ۹۲۴-س، ۹۲۵-س، ۹۲۶-س، ۹۲۷-س، ۹۲۸-س، ۹۲۹-س، ۹۳۰-س، ۹۳۱-س، ۹۳۲-س، ۹۳۳-س، ۹۳۴-س، ۹۳۵-س، ۹۳۶-س، ۹۳۷-س، ۹۳۸-س، ۹۳۹-س، ۹۴۰-س، ۹۴۱-س، ۹۴۲-س، ۹۴۳-س، ۹۴۴-س، ۹۴۵-س، ۹۴۶-س، ۹۴۷-س، ۹۴۸-س، ۹۴۹-س، ۹۵۰-س، ۹۵۱-س، ۹۵۲-س، ۹۵۳-س، ۹۵۴-س، ۹۵۵-س، ۹۵۶-س، ۹۵۷-س، ۹۵۸-س، ۹۵۹-س، ۹۶۰-س، ۹۶۱-س، ۹۶۲-س، ۹۶۳-س، ۹۶۴-س، ۹۶۵-س، ۹۶۶-س، ۹۶۷-س، ۹۶۸-س، ۹۶۹-س، ۹۷۰-س، ۹۷۱-س، ۹۷۲-س، ۹۷۳-س، ۹۷۴-س، ۹۷۵-س، ۹۷۶-س، ۹۷۷-س، ۹۷۸-س، ۹۷۹-س، ۹۸۰-س، ۹۸۱-س، ۹۸۲-س، ۹۸۳-س، ۹۸۴-س، ۹۸۵-س، ۹۸۶-س، ۹۸۷-س، ۹۸۸-س، ۹۸۹-س، ۹۹۰-س، ۹۹۱-س، ۹۹۲-س، ۹۹۳-س، ۹۹۴-س، ۹۹۵-س، ۹۹۶-س، ۹۹۷-س، ۹۹۸-س، ۹۹۹-س، ۱۰۰۰-س.

به هر سو فرستاد^۱ مَهر و نگین
 ۷۹۵ کنون سوی جیحون نهادهست^۳ روی^۴
 بپرسید بیژن که مَهرش^۶ که داد؟
 بدو^{۱۰} گفت برسام کای شهویار^{۱۱}
 بیاوردم از مرو^{۱۵} چندان^{۱۶} بُنه،
 ترا گفته بُد^{۱۸}: تخت زرین اوی^{۱۹}
 ۸۰۰ همان تاج و گنجش^{۲۱} فرستم به چاج^{۲۲}
 به مرو اندرون رزم کردم سه روز

همی رام گردد برو^۲ بر زمین!
 به پرخاش، با لشکری^۵ جنگجوی
 برو^۷ کرد گوینده زان^۸ کار^۹ یاد
 نه^{۱۲} من بردم از چاج^{۱۳} چندان^{۱۴} سوار،
 بشد یزدگرد^{۱۷} از میان یک تنه؟!
 همان یاره‌ی گوهرآگین^{۲۰} اوی^{۱۹}،
 ترا باید^{۲۳} اندر جهان تختِ عاج!
 چهارم چو بفروخت گیتی فروز^{۲۴}،

۱-س (نیز لی): به ماهوی داد اسب؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-(ن، پ: به ما؛ لی: به او؛ ق: که آرام گیرد بدو)؛ این بیت در وبا
 بیت پیشین و در ل^۳ با بیت سپهین پس و پیش شده است؛ س^۴ این بیت را ندارد ۳-(پ: نهادند) ۴-(ن: رسیدست اوی) ۵-(ن،
 ب: لشکر؛ لی: لشکرش)؛ س^۶ این بیت را ندارد ۶-ل، ق، آ، س^۷ (نیز ق: پ، لی: آ، س^۸: تاجش؛ متن = س، ک (نیز ن، لی: ل، آ، و، ب)
 ۷-(ل، آ، ن: بدو؛ و: همه) ۸-ل، ق، س^۹ (نیز ق: ل، آ، ن: آن؛ ل: این؛ متن = ک ۹-س (نیز ن، لی: ب)، همی کرد از آن (لی: زان) کار
 گوینده؛ س، لی: ل، آ، و، ن، آ، آ، پس از این بیت و ق^{۱۰} پس از ۸۰۰ افزوده‌اند (بیت 12 در س، ق^{۱۱} پس از ۸۱۳ و بیت‌های 13-16 تنها در و،
 ن^{۱۲} آمده‌اند؛ ل، ق، س^{۱۳}، ن، پ، ب هیچیک از این بیت‌ها را ندارند):

زمانه بیست از بد و نیک لب
 سواران گردنکش جنگجوی
 چو لشکر فرستی، فرستم نهان
 ترا زبید اندر جهان مهتری
 به مرو اندرون شاه را یافتند
 هزیمت گرفتند ایرانیان
 بترسید کز لشکرش بد رسد (ق^۲ ندارد)
 درون شده‌می (بدو در شد آن) شاه خورشیدفر
 فرستاد کس کرد شه (بران آسیا کرد او) را تباه
 به مَهر اندر آورد گیتی به مشت (لی ندارد)
 سواران جنگی (ورا یاد نوشین) و جنگ آن نست (لی ندارد)
 کزو شاه را تیره شد تاج و تخت]
 بر او به خوبی یکی نامه کرد]
 بیاییم و باشیم مهمان تو]
 نه ایران بود در جهان یاد گیر]
 ز ترکان دو رخ را پر از باد کرد]

که چون تو رسیدی به ریگ فرب
 از ایدر بشد لشکری سوی اوی
 ترا گفت: من تاج شاهنشاهان
 همان تخت زرین و انگشتری
 5 از ایدر سپاه تو بشافتند
 گرفتند آن شاه را در میان
 چو تنها بماند آن شه پرخرد
 یکی آسیا بود بر رهگذر
 خبر یافت ماهوی سوری ز شاه
 چو سوری خداوند خود را بکشت
 10 دو بهره ازین نام و ننگ آن تست
 [چو بشنید بیژن برآشفست سخت
 [به ماهوی سوری فرستاد مرد
 [که ما دوستی را سوری خان تو
 15 [ازین مرز چندانک خواهی بگیر
 [چو بشنید ماهوی دل شاد کرد

۱۰-س (نیز لی، و، ن: آ)؛ چنین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-(ن: نامدار) ۱۲-(ن: که؛ ق: آ، چو؛ و: به) ۱۳-حرف یکم تنها در پ، ن^{۱۴}
 باسه نقطه ۱۴-(ل: آ، چندان؛ و: چندی) ۱۵-(ن، پ: مرز) ۱۶-ل^{۱۷} (نیز آ): چندی؛ (ل: چندان) ۱۷-(لی: یزده گرد) ۱۸-س^{۱۹} (نیز پ):
 مرا گفته بد؛ (ن: پراکنده بد؛ ل: ترا گفت کان؛ ن: آ: ترا گفت بر)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹-ل، س، ق، ل^{۲۰} (نیز لی، ل، آ، ب): او؛ س^{۲۱}:
 او-اوی؛ متن = ک (نیز ن، ق: پ، و، ن) ۲۰-س^{۲۱}: عنبرآگین ۲۱-ل، ک: گنج و تاجش؛ (ق: تخت و تاجش)؛ متن = س، ل، آ، س^{۲۲} (نیز ن،
 پ: ب) ۲۲-حرف یکم در همه دستنویس‌ها با یک نقطه ۲۳-ک: زبید؛ س^{۲۴}: یاد؛ (و، ن: آ؛ باشد)؛ متن = ل، س، ل^{۲۵} (نیز ن، ق: پ، آ، ب؛ ق؛
 لی: این بیت را ندارند؛ ل^{۲۶} از ۸۴۴-۸۰۰ افتادگی دارد ۲۴-ق^{۲۵} این بیت را ندارد

شدم تنگدل، رزم کردم درشت^۱
 چو ماهوی گنج^۳ خداوند خویش
 چو آگنده^۵ شد مرد بی تن^۶ به چیز
 ۸۰۵ به مرواندرود بود لشکر دو ماه
 بکشت او خداوند را در نهان^۹
 سواری که گفتی میان سپاه
 ز ترکان کسی پیش گرزش^{۱۲} نرفت
 چو آگنده^{۱۴} شد، پادشاهی گرفت
 ۸۱۰ طلایه همی گوید: آمد^{۱۶} سپاه
 چو بدخواه جنگی^{۲۰} به بالین رسید
 گلی خَو^{۲۲} به پالیز^{۲۳} شاهان^{۲۴} مباد!

جفایپشه ماهوی^۲ بنمود پشت
 بیاورد بی رنج و بنهاد^۴ پیش،
 مرا خود تو گفتی^۷ ندیده ست نیز
 به خوبی نکرد او به ما در^۸ نگاه
 چنان پادشاهی چراغ^{۱۱} جهان
 همی برگذارد سر از چرخ^{۱۱} ماه
 همی زو دل نامداران بگفت^{۱۳}!
 بدین گونه^{۱۵} ناپاراسایی گرفت!
 نباید که^{۱۷} بر ما بگیرند^{۱۸} راه^{۱۹}!
 نباید ترا^{۲۱} با سپاه آرمید!
 چو باشد، نباید^{۲۵} ز پالیز یاد^{۲۶}!

۱-س، ل (نیز ب): درست ۲- (ن: چو یاران بمانندند)؛ ق^۲ این بیت را ندارد؛ س، ک، و، ب افزوده اند:

شهنشاه (و: سپهدار) ایران چو (ک: چو شاه اندر آن جای) تنها بماند

چو شیر ژبان سوی لشکر براند (ک: در آن رزمگه جویی از خون

براند؛ و: غمی گشت و یاران خود را بخواند)

بسی نامداران ما را بکشت

چو یاران نماندند بنمود پشت (و ندارد)

۲- (ق: مهر) ۴- ق، ک (نیز ب): بی رنج بنهاد؛ س، ل (نیز ن، پ): بیاورد و بی رنج بنهاد؛ س^۲ (نیز ق^۲، و، ن^۲): بیاورد و بنهاد بی رنج؛
 متن = ل (نیز آ)؛ لی این بیت را ندارد ۵- (ق: پراکنده) ۶- س، ل، ۲، س^۲ (نیز پ، ب): بدتن؛ ک: بی بر؛ (ن: بددین؛ ن^۲: بددل؛ و: مرد را
 دل)؛ متن = ل (نیز ق^۲) ۷- (ق: تو گفتی مرا خود)؛ ق، لی این بیت را ندارند ۸- ل: ایچ بر ما؛ ک: به ما بر نکرد او؛ (لی: نکرد او به
 خوبی به ما خود)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۹- ک: ناگهان ۱۰- ل: بزرگ؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق^۲ این
 بیت را ندارد؛ در ن پس از این بیت بیست و دو بیت آمده است: نهادی بران سلم نام خراج ... که جای آنها در پادشاهی بهرام گور است
 ۱۱- ک، ل (نیز ن^۲) ۱۲- چرخ و؛ (ب: برج)؛ ق^۲ این بیت را ندارد ۱۲- (ق: ماهو) ۱۳- (ن، ق): بگفت؛ ن^۲: دل نامداران همی زان
 بگفت)؛ ق این بیت را ندارد؛ و، ن^۲ افزوده اند:

ندیدم سواری بدان فز و برز
 چنو مر خداوند خود را بکشت
 چنان ترگ و جوشن چنان دست و گرز
 به مهر اندر آورد گیتی به مشت (و ندارد)

۱۴- ل: چو او کشته؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵- س، ک (نیز ب): بیالید و؛ (ن: بیانکند و؛ ق^۲: برین گونه)؛ متن = ل، ق، ل، ۲، س^۲ (نیز ب، ن^۲) ۱۶- (ق: امشب) ۱۷- س (نیز ب): بیابند و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸- س^۲: گرفتند ۱۹- (ق: ۲)
 همی برگذارد سر از چرخ ماه = ۸۰۷ (ب)؛ لی این بیت را ندارد ۲۰- ک: جنگش ۲۱- (ن: مرا)؛ ق، ل، ق^۲، و، ن^۲؛ لی این بیت را ندارند ۲۲- ل:
 چنین گلی؛ س (نیز ب): گل خوی؛ ک: چنو گل؛ س^۲: گل جو؛ (ن: دل بد؛ ق^۲: گل خون)؛ متن = ل (نیز پ- آ) ۲۳- س، ل، ۲، س^۲ (نیز ن، ن^۲):
 بالین؛ متن = ل، ک (نیز ق^۲، و، ن^۲) ۲۴- س^۲ (نیز ب): شاهی ۲۵- ل^۲ (نیز آ): نیارید؛ (و، ن^۲: مباد؛ ب: نیابد) ۲۶- (ن: ق: دهد
 پادشاهی به باد)؛ ق، لی این بیت را ندارند؛ بنداری (۷۷۷-۸۱۲): فجمع العساكر و عبر جيحون، و قصد بيزن الذي كان استعان به على
 املاك يزدجرد؛ ل، ل^۲ سترنویس دارند: خبر (ل^۲: آگاهی) یافتن بیژن از کار (ل^۲: آمدن) ماهوی سوری

ز ترکان سواران روز نبردا
 نجست ايچ گونه به ره ر زمان!
 همه دشت نخشب سپه گستريد!
 مداريد^۹ تا او بدین^{۱۰} روی آب،
 مگر بازخواهم ازو^{۱۳} کين شاه!
 که ماند^{۱۷} ايچ فرزند کاید^{۱۸} بکار^{۱۹}؟
 پسرگر نبود^{۲۱}، ايچ^{۲۲} دختر بدهست^{۲۰}؟
 به ماهوی بر کامگاری دهيم!^{۲۳}
 سرآمد برين^{۲۵} تخمه بر روزگار!
 که نه شاه ماند، نه يزدان پرست^{۲۸}!
 ز کار جهان^{۳۰} دست بر سر گرفت^{۳۱}!

چو بشنيد بيژن^۱ سپه گرد کرد
 ز قجقار^۲ باشی بيامد^۳ دمان^۴
 ۸۱۵ چو نزديک شهر بخارا رسيد
 به ياران^۷ چنين گفت کاکون^۸ شتاب
 به پيگار من پيش^{۱۱} آرد^{۱۲} سپاه
 و زان^{۱۴} پس^{۱۵} پيرسيد کز^{۱۶} نامدار
 جهاندارشه را برادر بدهست^{۲۰}؟
 ۸۲۰ که^{۲۴} او را بياريم و ياری دهيم^{۲۳}
 بدو گفت برسام کای شهريار
 بران^{۲۶} شهرها تازيان راست دست^{۲۷}
 چو بشنيد^{۲۹} بيژن سپه برگرفت

۱-ق: بفرمود پس تا؛ ق، و، ل، ن، آ، این بیت را و، س، ل، ن، بی بیت‌های ۸۲۱-۸۱۳ را ندارد؛ در ک بیت‌های ۸۲۱-۸۱۳ پس از ۸۲۳ آمده‌اند؛ س، ک، ل، ب در اینجا سه بیت و ق، آ، بی تنها بیت یکم را افزوده‌اند:

چو بشنيد بيژن برآشفست سخت
 چنين گفت کز تخمه شهريار
 بدو گفت گوینده (ک: گوینده کای) نيکبخت

۲-ک: کقجاق؛ س: ۲ (نيز پ): قجقار؛ (و: قجقار؛ ا: ققجاق)؛ ل پاک شده؛ متن = ق، ل، ۲ (نيز ل ن) ۲-۳-ق: آ؛ زانجا بيامد سپهبد) ۴-ق: سپاه؛ متن = ه: ق: توقف به راه؛ متن = ل، ک، ل، ۲، س، ۲ (نيز ق، ۲، پ، آ) ع، و، ل، ۲ افزوده‌اند:

چو بشنيد بيژن سپه گرد کرد
 ز گرد سواران جهان لاژورد

۷-ک: به لشکر؛ ل پاک شده ۸-ل (ن: آ: اکنون) ۹-ل: مياريد (حرف دوم بی نقطه)؛ ک: مسازيد؛ متن = ق، ل، ۲، س، ۲ (نيز ق، ۲، پ، آ) ۱۰-ک (نيز آ): برين؛ ق: آ: ازين) ۱۱-ل: ما پيش؛ ق: ما پيش؛ متن = ل، آ، س، ۲ (نيز ق، ۲، پ، و، ل، ن) ۱۲-ک: پيش اندر آرد؛ (ا: ازين سو گذارد) ۱۳-ل (پ: همی؛ ل: خواهيم زو؛ ک: (نيز آ): خواهيم ازو؛ متن = ق، ل، ۲، س، ۲ (نيز ق، ۲، و، ل، ن) ۱۴-ل، ق، ک: (نيز آ): از آن؛ متن = ل، ۲، س، ۲ (نيز ق، ۲، پ) ۱۵-ل: حيس<(ا) ۱۶-ق: ک: از آن؛ ل ۲ (نيز آ): بپرسيم از آن؛ ق: آ: بپرسم کزان؛ متن = ل، س، آ (نيز پ)؛ (و، ل، ن): بپرسيد بيژن کزان) ۱۷-س، آ (نيز پ، و، ل، ن): نماند؛ متن = ل، ق، ک، ل، ۲ (نيز ق، ۲، ا) ۱۸-ق: آ: (آيد) ۱۹-ا: ازو يادگار) ۲۰-ک: نبود؛ س، آ (نيز ق، ۲، و، ل، ن): جهاندار شاهی (ق: آ: خسرو؛ و، ل، ن): چنان پادشاهی) برادر نداشت - نداشت؛ متن = ل، ل، ۲ (نيز آ) ۲۱-ل، ۲ (نيز ق، ۲): نيد ۲۲-ل، ۲ (نيز ل ن): هيچ؛ ق: اين بيت را ندارد ۲۳-س، ۲، گر ۲۴-س، ۲ (نيز پ، و، ل، ن): کنيتم؛ متن = ل، ق، ک، ل، ۲ (نيز ق، ۲، ا) ۲۵-ق: س، آ (نيز ق، ۲، و، ل، ن): بران؛ متن = ل (نيز آ) ۲۶-ق: (نيز پ، و، ل، ن): بدان؛ (ل: مران)؛ متن = ل، س، ک، ل، ۲ (نيز ل ن) ۲۷-ل (ن: آ: بهر) ۲۸-س، ۲ (نيز پ): آتش پرست؛ (ق: آ: آذر پرست)؛ ق: س، ۲ (نيز پ، و، ل، ن): ماند و (ک: هست و) نه آتش پرست؛ (ل، ن): ماند و نه آتش نه شهر؛ ل: که بد شاه بی‌دانش و بت پرست؛ متن = ل؛ ل، این بیت را ندارد ۲۹-ل (ن: هم آنگاه) ۳۰-ک: جهانی ازو ۳۱-ق: آ: مانده اندر شگفت)؛ و، ل، ۲ افزوده‌اند:

سوی بدنژاد جهانجوی شد
 دل شاه ایران شده پر ز درد
 شد از نعل سَم ستوران ستوه
 زمین تیره شد از کران تا کران

چو تیر از گمان سوی آموی شد
 ز چيچون گذر کرد بيژن چو گرد
 سپاهی که چيچون و هامون و کوه
 ز پس نيزه داران و جوشنوران

به بیکند^۱ سازدهمی^۲ رزمگاه،
 که از گرد پیدا نبود^۵ آفتاب!
 بیامد که سازد یکی^۷ رزمگاه!
 تو گفתי که جانش ز تن^۸ برپرید!
 ز بس نیزه و گرز و چاجی تبر^{۱۰}،
 ز لشکر همی شد به^{۱۴} دیگر کران!
 هوا نیلگون شد، زمین ناپدید!
 بر^{۱۷} ایرانیان بر کمین خواست کرد،
 خروشان برفت از میان سپاه
 بدانست^{۱۹} کو جَست خواهد گزید^{۲۰}!
 به یک سو گذار آنک^{۲۲} داری سپاه!
 بترسد، به جیحون کشد بی درنگ!
 که با او^{۲۵} دگرگونه سازیم کارا
 سپه را ز لشکر^{۲۷} به یک سو کشید^{۲۸}

طلایه بیامد که آمد سپاه
 ۸۲۵ [سپاهی به^۳ کشتی برآمد ز^۴ آب
 [سپهدار بیژن ز^۶ پیش سپاه
 چو ماهوی سوری سپه را بدید
 ز بس جوشن و خود و زرین^۹ سپر
 شتروارها^{۱۱} نیزه^{۱۲} بر اشتران^{۱۳}
 ۸۳۰ غمی^{۱۵} شد، برابر صفی برکشید
 چو بیژن سپه را همه^{۱۶} راست کرد
 بدانست ماهوی، از آن^{۱۸} قلبگاه
 نگه کرد بیژن، درفشش بدید
 به برسام فرمود کز^{۲۱} قلبگاه
 ۸۳۵ نباید که ماهوی سوری به^{۲۳} جنگ
 به تیزی برو، چشم از او^{۲۴} برمدار
 چو برسام چینی^{۲۶} درفشش بدید

۱-ق: همو تند ۲- (ن: به تندی نسازد همی) ۳- (ب: چو) ۴- گذشتند از: (ق: ز کشتی بیامد بر) ۵-ق: پنهان شود: ل، ل، آ، ن، ل، و، ل، آ، آ، این بیت را ندارند؛
 بنداری (۸۲۶-۸۱۳): فلما انتهی الیه الخبر رکب فی عساکر الترك و تلقاه؛ ن^۲ سه بیت و ق^۲ آ، تنها بیت یکم را افزوده اند:

چو بشنید ماهوی بر بست کوس	زمین شد ز گرد سپاه آبنوس
شبانزاده چون روی بیژن بدید	بران نامدار آفرین گسترید
بران لشکر گشن و آن پهلوان	دلش گشت پر درد و بیجان روان

۸-س (نیز لی): جان از برش؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ن^۲ این بیت را ندارد ۹-س (نیز ن، ق، آ، ل، ب): چینی؛ (ن: آ، رومی)؛
 متن = ل، ق، س، آ (نیز ب، ا) ۱۰- (ن: تیغ و تبر؛ ق: آ، تبر و تبر؛ ن: آ، خانی تبر؛ ا: جامی تبر)؛ و این بیت را ندارد ۱۱-ل، ک: شتروارها؛
 متن = س، ق، ل، آ، س، آ (نیز ن، ق، آ، ب، ا، ب) ۱۲- (ق: تیغ) ۱۳-ل، س، ک (نیز ل، ا): اشتران؛ متن = ق، ل، آ، س، آ (نیز ق، آ، ب) ۱۴-ل:
 همی رفت؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل، و، ن^۲ این بیت را ندارند ۱۵-ک: غمین؛ بنداری: فلما تدانای ما بین الفریقین عبی جنوده،
 فقابله ماهویه بمثل ذلک فالقی الله الرعب فی قلبه فولی الأتراک ظهروه من غیر قتال ۱۶-ل، س، آ: همی ۱۷-ل (نیز ل، آ): به؛ ک: پاک
 شده؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸- (ن، ل، ن، آ، ب: آ، ق، و؛ کز؛ ل: و از؛ متن = س، س، آ (نیز ب، ل، ق، ک، ل، آ، آ، این بیت را ندارند
 ۱۹- (ب: همی داشت) ۲۰- (ق: آ، و؛ سپه را ز لشکر به یک سو کشید = ۸۳۷ب)؛ ل، ک، ل، آ، آ، این بیت را ندارند ۲۱-ک: (نیز ب، ل، ب): آنچه؛ س، آ (نیز ن، ق): آنکه؛ متن = ل، ل، س، ل، آ (نیز ن، ق، آ، و، ا، ب) ۲۳-ل، س، س، س، آ (نیز ل، ن، ب، ل، ن، آ، ب): ز؛ متن = ق، ک، ل، آ (نیز ق، آ،
 و، ا) ۲۴-ل: ازو چشم خود؛ ک: بر مرو ازو (ا)؛ س، آ (نیز ب): شود چشم ازو؛ (ن): همی چشم ازو؛ ن: سرو روی کو چشم ازو؛ ق: آ، و؛
 بدین (و: در این) رزمگه چشم ازو؛ متن = س، ق، ل، آ (نیز ل، ا، ب) ۲۵-ک: که او را؛ در آ بیت های ۱۴-۱۶ (پس از ۷۹۶) آمده و سه بیت
 هم افزون دارد ۲۶-س (نیز ق، آ، و): جنگی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷-س، ک (نیز ل، ن، ل، ب): سراسر؛ متن = ق، ل، آ، س، آ (نیز ب،
 ن (ا، آ) ۲۸- (ق: آ، و؛ یزد پاشنه نزد دشمن کشید (و: رسید))؛ ق: آ، و، ن^۲ آ افزوده اند:

به یک حمله ماهوی را برگرفت	زمانه همی رای دیگر گرفت
گریزان شد از پیش او بی وفا	همی رفت برسامش اندر قفا

همی تاخت تا پیش ریگ^۱ فرب^۲
 مرو را به ریگ فرب^۵ در بیافت^۶
 ۸۴۰ چو نزدیک با او^۸ برابر بود^۹
 کمربند بگرفت و او را ز زین
 فرود آمد و دست^{۱۳} او را بیست
 همانگه رسیدند یاران بدوی^{۱۴}
 به برسام گفتند کین را مبر^{۱۵}
 ۸۲۵ چنین داد پاسخ که این راه نیست

پراژنگ^۳ رخ، پر ز^۴ دشنام لب،
 رکیبش^۷ گران کرد و اندرشنافت
 نزد^{۱۰} خنجر^{۱۱} او را، دلیری نمود،
 برآورد و آسان بزد^{۱۲} بر زمین
 به پیش اندرافگند و خود برنشست
 همه دشت ازو شد پر از گفت و گوی^{۱۴}
 بیاید زدن گردنش را تبر^{۱۶}
 نه زین^{۱۷} تاختن بیژن آگاه نیست

گفتار اندر گرفتار شدن ماهوی سوری بر دست بیژن^{۱۸}

که آمد به دست آن بهایی رهی^{۱۹}،
 پرازار و بی دین^{۲۱}، خداوندگش^{۲۰}
 ببالید^{۲۴} و زانديشه^{۲۵} آزاد گشت^{۲۳}

همانگه به بیژن رسید آگهی
 جهانجوی ماهوی شوریده گش^{۲۰}
 چو بشنید بیژن به دل^{۲۲} شاد گشت^{۲۳}

۱-ل (نیز، ن، پ): شهر؛ س: مهرا (ق: ۲، ن: آ: آب) ۲-س: ۳-ق: ل (نیز: آ): از رنگ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴-ن: بدان ریگ برزیده) ۵-س: ۶-ل (نیز، ن، ق: آ): در نیافت؛ در ق، و حرف سوم بی نقطه؛ س: بر نیافت؛ (ب: بر نیافت)؛ ک پاک شده؛ متن = س (نیز، پ، ن: ۱، ۲) ۷-ل: ۸-س (نیز، پ، و، آ، ب): رکابش؛ متن = (ن، ق: ۲، ن: آ: آ)؛ ل: این بیت را ندارد ۸-ک: ماهو؛ ق، ل (نیز: آ): با وی؛ (ق: آ: سپهدار با او؛ و، ن: آ: شبان زاده با او)؛ متن = س، س: ۲ (نیز، ل، پ، ب) ۹-ق (نیز: ق: آ): نبود ۱۰-ل، ک، ل (نیز، ن، ق: ۲، ل، و، ب): بزد؛ متن = س، ق، س: ۲ (نیز: پ) ۱۱-ل (نیز: دست) ۱۲-ق: ۱۳-و: ناگاه زده؛ ل: او را وزده؛ و: ناگاه زده؛ ن: آسان و زد) ۱۳-ل (ن: اسب؛ ق: آ: و: از اسب و)؛ در ن ل ت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۴-ل، ل، ل (نیز، ن، ق: ۲، پ، ب): اوی - گوی؛ ق، ک (نیز: آ): او - گوی؛ س: آ: اوی - گوی؛ (و: بدو - گوی)؛ متن = س: ل: این بیت را ندارد ۱۵-س: بر تبر؛ ل: ۱۶-زاد میر (ق: ۲)؛ س: ۲ (نیز: پ): ز بر؛ (ن: راهبر)؛ ق: آ: خوانا نیست؛ متن = ل، ق، ک (نیز، و، آ، پ) ۱۶-س (نیز، ن، پ): برگزید؛ ق، ک: بر تبر؛ ل: آ: رابه تبر؛ س: ۲ (نیز: پ): به تبر؛ (ق: ۲، و: بریدن هم ایدرش سر؛ آ: به گردن زدن بایدش بس تبر)؛ متن = ل، ن، ن: این بیت را ندارند ۱۷-س، ک، ل، س: ۲ (نیز: ق: آ، ل، آ، پ): کزین؛ (ن: ازین)؛ متن = ل، ق، ل: این بیت را ندارد؛ بهداری (۸۴۵، ۸۳۱): فنغذ بیژن ولده برسام خلفه، و هو الذی باشر وقعة یزدجرد، فلحقه فمکنه الله حتی قبض علیه و کتفه و قیده و انصرف به عائدا الی ابيه ۱۸-ل، ل، ل (نیز: گرفتار شدن ماهوی سوری بر دست بیژن)؛ س: کشته شدن ماهوی سوری با پسران؛ ق: گرفتار شدن ماهوی و قتل او به حکم بیژن ترک؛ س: ۲: رزم ماهوی سوری با بیژن و سام؛ ک: سرنویس ندارد؛ متن = ل، ل، ل ۱۹-ل (ن: بدکم رهی؛ ق: آ: و: بدآیین رهی؛ ل: آ: ن: آ: نهانی رهی)؛ س (نیز، ل، پ): آمد گنهارک بی فرهی؛ متن = ل، ق، س: ۲ (نیز: پ) ۲۰-ل (نیز: ل: آ: ۲، و، آ، پ): هش؛ متن = س: ۲ (نیز، ن، پ) ۲۱-س (نیز، ن، پ): بدآموز و بی برک (نیز: ل: ۳)؛ پراز آ و بی دین؛ متن = ل، ق، ل، ل، ل، ل (نیز: ق: ۲، پ، و، آ)؛ ل، ل، ل: این بیت را ندارند ۲۲-ل: از آن؛ ک: بدان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳-ل، ک (نیز: ل: ۳): شد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴-س: بنایید؛ ل: آ: بنایید؛ س: ۲: نیایید؛ (ل، پ، ب: بیایید؛ ل: آ: ل: بنایید)؛ متن = ل، ق (نیز، ن، و، آ) ۲۵-ک: ز کردار اندیشه (ق: ۲)؛ ل: این بیت را ندارد

همی رفت ماهوی چون باد گرم^۳
 خرد شد ز مغز سرش^۵ ناپیدا!
 به سربر پراگند ریگ روان!
 که چون تو پرستار^۷ کس را مباد،
 خداوند پیروزی و گاه را؟!
 ز نوشین روان در جهان یادگار!
 نیاید^{۱۲} مگر کشتن و^{۱۳} سرزنش!
 بینداز در^{۱۴} پیش این^{۱۵} انجمن!
 تنش را بدان^{۱۸} کینه در خون کشد^{۱۸}
 به پاسخ زمانی همی بود دیر،
 که^{۲۲} کین از دل^{۲۳} خویش بیرون کنم!

شیراعی زدند^۱ از بر ریگ نرم^۲
 ۸۵۰ گنهکار^۴ چون روی بیژن بدید
 شد از بیم همچون تنی^۶ بی‌روان
 بدو گفت بیژن که ای بدنزاد
 چرا کشتی آن دادگروشه را
 پدر بر پدر شاه و خود شهریار^۹
 ۸۵۵ چنین داد پاسخ که بر^{۱۰} بدگنش^{۱۱}
 بدین بد کنون گردن من بزن!
 بترسید^{۱۷} که ش پوست بیرون کشد^{۱۸}
 نهانش بدانست^{۲۰} مرد دلیر
 چنین^{۲۱} داد پاسخ که ایدون کنم

۱- (و: سرابره زد) ۲- (ن: و، ن: آ: گرم) ۳- س: بی آب و شرم؛ (ن: بر خاک نرم؛ و: خودکامه نرم؛ ب: چون آب گرم؛ ن: آ: ماهو برو نرم نرم)؛ متن = ل: ق- س: ۲ (نیز ل: ۲، آ: ۲)؛ ق: ۲، ل: ۱ این بیت را ندارند؛ س: ل: پ. پ. ب: افزوده‌اند:

خروشی برآورد بیژن چو شیر	ز ترکان برفتند چندی دلیر
سگالیده بر یکدگر ساخته	برو جامه کشتن انداخته (لی ندارد)
هر آنکس که دیدند از آن بارگاه	بکشتند ناگاه بی‌مر سپاه
به تاراج بردند بار و بنه	کشیدند ماهوی را برهنه (پ: یک تنه)

۴- (ق: ۲، و: شبان زاده) ۵- س: (نیز ن: ن: آ: ب: ز مغزش همه (ب: همی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ع: ل: س: ک (نیز ق: ۲، ل: ۲، و: ب: ن: متن = ق: ل: ۲، س: ۲ (نیز ن: پ:؛ لی این بیت را ندارد ۷- (ن: آ: سرافراز) ۸- س: (نیز لی: نزاد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹- (ن: آ: نامدار)؛ س: هم شهریار؛ (ن: هم تاجدار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد؛ ق: ۲، و: ن: آ: افزوده‌اند:

سر تاجداران پناه جهان	به کف راد و دایم به دل مهربان (ن: ندارد)
بکندی تو بیخ وفا را ز دل	بیندودی آن مهر تابان به گل

بندهاری (۸۵۴-۸۴۶): فلما قرب منه شب به فرسه فوق، و اندقت رقبته. و حُمَل ماهویه الیه فلما وقعت عینه علیه قال: أیها الکلب الغادر و العبد الکافر! أیسطت یدک الی قتل مالک رقبک، و تجاسرت علی إهلاک صاحب أمرک؟ ۱۰- ق- س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، و: ۱): که از: (ن: آ: کزین)؛ متن = س: (نیز ن: ل: بی، ل: ۱۱- ل: که آن بدکیش (۱) ۱۲- ل: آ: نیاید؛ متن = چهارده دستنویس دیگر (در ل حرف یکم و در س حرف چهارم بی نقطه) ۱۳- (ن: ل: ح:؛ ق: کوشش و) ۱۴- (ل: آ: سر) ۱۵- ل: آ: ۱۶- س: (نیز لی، ب: تم را بینداز پیش (ب: در) انجمن (لی: زغن) متن = یازده دستنویس دیگر؛ بندهاری: فقال الخائن الحائن: إن جزء ذلك أن تضرب هذه الرقبة ۱۷- س: ق: ل: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، ب: بفرموده؛ متن = ل: ک، س: ۲ (نیز ن: ل: ۲، ل: ۲) ۱۸- س: ل: ۲ (نیز ن: ن: آ: ب: کشتند؛ ق: کشتید؛ ق: آ: کشتند؛ ل: آ: کشتند)؛ متن = ل: ک، س: ۲ (نیز و، ب: ۱۹- س: (نیز ن: ل: ۲، ل: ۲، ب: بدین؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد؛ بندهاری: و قصد بذلک أن یعجل ضرب رقبته خوفا من أن یمثل به؛ آ: افزوده است:

شبانزاده چون این ز بیژن شنید	بر آن نامدار آفرین گسترید
یکی دشته زد بیژن اندر برش	نظاره سراسر همه لشکرش
۲۰- (ق: آ: ندانست)؛ ق: لی این بیت را ندارند ۲۱- (لی، ب: بدو) ۲۲- س: چو ۲۳- (ب: تن)؛ ق: این بیت را ندارند؛ ق: ۲، و: ن: آ: افزوده‌اند:	نه زیبای تاج و نه زیبای تخت

همی تاج و تخت^۴ آمدت^۵ آرزوی^۳؟!
 که این دست را در^۷ بدی نیست^۸ جفت!
 ببزید تا ماند ایدر به جای^۹!
 بریدند^{۱۰} و خود بارگی^{۱۱} برنشست!
 -برآمد ز در ناله‌ی کزنای^{۱۲}-
 همی‌راند تا زیر نافش^{۱۳} رسید
 بدارید تا خوابش آید ز شرم!
 بیفگند پیش^{۱۷} و به خوردن^{۱۸} نشست!

۸۶۰ بدین مردی و دانش^۱ و رای^۲ و خوی^۳
 به شمشیر دستش ببزید و^۶ گفت
 چو دستش ببزید، گفتا: دو پای^۹
 بفرمود تا گوش و بینش پست
 [زهی برکشیدند سر تا به پای
 ۸۶۵ [زهی دیگر از تارکش برکشید
 بفرمود کین^{۱۴} را برین^{۱۵} ریگ گرم^{۱۶}
 [سرش را به فرجام ببرید پست

۱-ل: دانش و مردی؛ (ق: ۲: اگر مردی دانش) ۲-ل: (ن: راه) ۳-ک: او-آرزو؛ (پ: فر-آرزو) (د: ۴) (ل: آمدن)؛ س: ۲ (نیز پ): تاج شاه؛ (ق: ۲: تخت عاج؛ ل: تاج چاه؛ ب: گاه و تخت) ۵-ل: (نیز و): تخت و تاج آیدت؛ (ن: تخت شاهیت بد)؛ ق: ل: این بیت را ندارند؛ ق: ۲، و افزوده‌اند:

به تاراج دادند بار و بنه
 بفرمود دژخیم کامد به پیش
 کشیدند ماهوی را برهنه
 که بودش دل از کشتن شاه ریش

ل: ۲ افزوده است:

۶-ل: حو < ۷-ل: (ن: از) ۸-س (نیز ل: پ): بود؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ بنداری: فظنن لذلك فامر أن یقطعوا یدیه ۹-ل: پا-جا؛ بنداری: ثم أمر فقطعوا رجلیه؛ آ افزوده است:

هنوز اندر آن زخم بیجان نبود
 که از خیمه آواز بیژن شوند

۱۰-س: ببزند؛ (ب: ببزید) ۱۱-ل: (ن: و هم در زمان: ل: ببزید و بر بارگی)؛ ل: ۲، و بنداری این بیت را ندارند ۱۲-ل: ق-س: ۲، ل: ۳، پ: ۲، ن: این بیت را ندارند؛ متن = س (نیز ق: ۲، ل: و، آ، ب: - بنداری)؛ در ق: ۲، و این بیت پس از ۸۶۲ آمده است؛ ق: ۲، ل: ۳، و افزوده‌اند:

لب و گوش و بینش ببرید پست
 بدو گفت کین کشتن آسان بدی
 یکی جام می برنهاد به دست
 اگر او نه فرزند ساسان بدی (ل: ۳ ندارد)

۱۳-ل: (و: ل: ۲: پایش)؛ متن = س (نیز ق: ۲، ل: ۳، آ، ب): ل: ق-س: ۲، ل: ۳، پ: ۲، ن: این بیت را ندارند؛ بنداری: ثم أمر فسلوا سیرا من مفرق رأسه الی فغار ظهره، و سیرا آخر من جبهته الی سرته؛ ق: ۲، ل: ۳، و، ل: ۲، آ، و افزوده‌اند:

بدو گفت کین کشتن ناگزیر
 دگر گفت کز کشتن شهریار
 ز نوشین روان شاه تا اردشیر
 ز ترکان چرا خواستی کارزار

۱۴-ق (نیز ل: ۲): کو ۱۵-س-س: ۲ (نیز ل: ب): بدین؛ (ل: بر)؛ متن = ل (نیز ق: ۲، ل: ۳) ۱۶-ق (نیز ق: ۲): نرم؛ س: ۲ این بیت را ندارد ۱۷-ل: (و: پس آنگه به آرام) ۱۸-ل: (ن: شادی)؛ ل: ق-س: ۲، ل: ۳، پ: ۲، ن: این بیت را ندارند؛ بنداری: و اجتروه و طرحوه فی الرضاء حین حمی و طیس الهاجرة ثم ضربوا رقیته؛ ل: ۲، و، ل: ۳، پ: ۲، ن: این بیت پس از ۸۶۷ س پس از ۸۷۰ و ق: ۲ پس از ۸۷۲ افزوده‌اند:

همه گنج و لشکرش تاراج داد
 چو سازنده را تیره شد روزگار
 یکی بی‌هنر (مهتری) بود نامش گراز
 فروزنده او بود و مهتریسر
 بتوفید شهر و برآمد خروش
 5 گراز اندر آن تیرگی کشته شد
 زمین راز خون پز دژاج داد (س: ق: ل: ۲ ندارند)
 به مرو اندر آمد زهر سوسوار (س: ق: ۲ ندارند)
 کزو بود ماهوی را نام (گاه) و ناز
 همی ساخت زو خسروی تاجور
 شد آن مرز یکسر پر از جنگ و جوش
 همه دوده را روز برگشته شد

به درگاه هر خیمه‌یی^۱ برگذشت،
 مشورید بیهوده هر جای^۲ گُش^۳!
 نبخشود و^۴ هرگز میناد گاه^۵!
 همان هر سه با تخت و^۶ افسر بُدند،
 پدر را و هر سه پسر را^۷ بسوخت!
 وُگر ماند، هر کس که دیدش^۸ براند!
 سر از گُشتن^۹ شاه پُرکین^{۱۰} کند،
 که او را^{۱۱} نه^{۱۲} نفرین فرستد^{۱۳} به داد!
 چو^{۱۴} دین آورد^{۱۵}، تخت^{۱۶} منبر بود!

منادی‌گری گرد لشکر بگشت
 که ای بندگان خداوندکُش
 ۸۷۰ چو ماهوی باد آنک^۱ بر جان شاه
 سه پور جوانش^۲ به لشکر بُدند
 همانجا بلند آتشی بر فروخت
 از آن تخمه کس در زمانه نماند^۳
 بزرگان بران^۴ دوده نفرین کنند
 ۸۷۵ که نفرین بر^۵ او باد و هرگز^۶ مباد
 کنون زین سپس^۷ دور عمر بود

۱- (ن: و بر خیمه‌ها) ۲- س، س (نیز ق ۲- ن ۲، ب): هر جای بیهوده؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز ن، آ) ۳- ل- ل (نیز ق ۲، ل، ی، ۳، و- ب): هشت؛ متن = س (نیز ن، ب)؛ در ل از این بیت تا پایان که صفحه پایانی این دستنویس است به خطی نوتر است؛ ل سرنویس دارد؛ کشته شدن ماهوی سوری با پسران ۴- ل (نیز ل ۳، ل، ن): آنکه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵- ق (نیز ق ۲، ل، ی، ۳): چو-؛ ل (نیز ب): ببخشود (ل)؛ ل: ببخشود و (ل)؛ (آ: بجز داد)؛ متن = س، ک (نیز ن، ب، و، ل، ن ۲؛ در س، س ۲ حرف یکم بی نقطه) ۶- (ن: مینید کلاه) ۷- س (نیز ل، ب): گزینش؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۸- ل: چو- ۹- ل، ک: همانجا یگه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰- ل، ن، ب: پدر با پسر هر سه با هم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ س آ این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و کان قد قبض له علی بنین ثلاثة فأحرقهم مع جثة أبيهم. و أمر منادیا فنادی: ألا این هذا جزاء من قتل مولا، و کفر نعام، و السلام؛ و ل ۲ افزوده‌اند:

دگر آسیابان که شه را بکشت
 همانگه ورا زنده بر دار کرد
 بداندیش آن شاه را خوار کرد
 بفرمود تا آورندش به مشت

۱۱- ل: نبود (ل) ۱۲- ل: هر کو بدیدش؛ متن = س- ب ۱۳- ک، س (نیز ل، ب): بدان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- (ن: سزاوار او)؛ متن = ۱۵- ک، ل (نیز آ): همان نام بیداد (ک: او نیز) بی دین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶- ل (نیز ل، ب): به؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷- (ل: آنکس) ۱۸- ق: که بروی ۱۹- ل: به (ل) ۲۰- س، ل، س (نیز ل، ب، پ): فرستی؛ (ن: فرستی تو نفرین)؛ متن = ل، ق، ک (نیز ن، ق، ل، و، آ)؛ در ل ۳ ل‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ برخی از دستنویس‌ها افزوده‌اند:

ل ۲، ن ۲: روانش به دوزخ گرفتار باد
 ل ۲: ابا کس نسازد جهان جهان
 و ل ۲: گنهکار شد بیژن ترک نیز
 چنان مرد فرزانه دیوانه گشت
 ل ۲: همی بود تا خویشتن را بکشت
 همیشه ورا خصم دادار باد
 همه راز او دارد از ما نهان
 ورا نیز هم بر برآمد (بر سرآمد) قفیز
 خرد زان چنان مرد بیگانه گشت
 زه ای چرخ گردنده کوزیشت

بنداری نیز سه بیت سپسین را داشته است: و کان علی بیژن هذا کفل من دم یزدجرد علی ماسبق. فقیل إنه جن فی آخر عمره. و قتل نفسه بیده، و لحق بمن مضی من صحبه ۲۱- س (نیز ل، ل، ن ۳، ل، ب): کزین (ل ۳: چو زین) بگذری؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- (ن: ک) ۲۳- (ق ۲، و: آوری) ۲۴- ل، ق، س (نیز ق ۲): تخت؛ و متن = س (نیز ن، ب، ی، پ، آ)؛ ل ۳: سخن گفتن از تاج و)؛ ق ۲ افزوده است: هدی را بیارست بر راه داد + ... (؟) صدوشست منبر نهاد؛ ق ۲، و: سرآمد ... (۸۹۳) / ازین نامه شهریاران نماند (براند) + هر آن چیز کز دفتر آن را بخواند؛ بنداری: چند سطر افزوده است که از پراکنده‌های خود اوست: و کان فی انتهای أمر یزدجرد انتهای أمر ملوک العجم، و إصحار أسود العرب من الأجم. فملک دیارهم امیر المؤمنین أبو حفص عمر بن الخطاب، رضوان الله علیه، و استأثر بعقيلة ملکهم مع كثرة الخطأب. و انتهت التوبة الیه، و اتفقت الألسن علیه. و استحالت السلطنة لخلافة، و أضح التخت منبراً (۸۷۶)، و عاد الحق عیاناً، و الباطل خیراً. و لله الحمد و الفضل و الثناء الحسن

گفتار اندر تاریخ گفتن شاهنامه^۱

فزون کردم^۴ اندیشه و^۵ درد و رنج،
به پیش اختر دیرساز^۶ آدمم!
نبشتند^۹ یکسر^{۱۰} همه رایگان!
تو گفتی^{۱۱} بدم پیش مزدورشان!
بگفت^{۱۳} اندر احسنت^{۱۴} شان زهرام^{۱۵}!
و زان بند روشن^{۱۶} دلم خسته شد!
علی دیلم و بودلف^{۱۸} راست بهر!
که از من نخواهد^{۲۲} سخن رایگان!
و زو^{۲۳} یافتم جنبش و^{۲۴} پای و پر^{۲۵}!

چو بگذشت سال از برم^۲ شست^۳ و پنج
به تاریخ شاهان نیاز آدمم
بزرگان^۷ و یادانش آزادگان^۸
۸۸۰ نشسته نظاره من از دورشان
جز احسنت^{۱۲} ازیشان نبد بهرهام
سر بدره‌های کهن بسته شد
ازین^{۱۷} نامورنامداران شهر
حیی^{۱۹} قتیبه^{۲۰} است از آزادگان^{۲۱}
۸۸۵ ازویم خور و پوشش و سیم و زر

۱-ل.س: در تاریخ گفتن شاهنامه؛ ق: تاریخ کتاب و خاتمه او؛ ل: ۲: در رفتن کار عمر رضی الله عنه؛ س: ۲: در تاریخ شاهنامه؛ ل: گفتار اندر تاریخ شاهنامه؛ و. ل: ۳: گفتار اندر انجامیدن (و: خاتمه) کتاب و تاریخ؛ متن = ل ۲-س. ق (نیز ق ۲، ل ۲، آ): بر؛ ک: سر؛ متن = ل، ل ۲، س ۲ (نیز ل ۱، ل ۳، پ، و، ا، ب): شصت؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز ل ۱، ق ۲، ل ۱، ن ۲) ۴-ق (ق ۲، ل ۲، و، گشتم؛ آ: گشت)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۵-ل، س، ل ۲، س ۲ (نیز ل ۱، ق ۲، ل ۱، ن ۲، ب): اندیشه؛ متن = ق، ک (نیز ل ۲، پ، و، ا) عک (نیز و): دیریاز؛ (ل: ۲: دیوساز)؛ ق، و، ل ۲: افزوده‌اند:

همه عمر رنج اندرین شد مرا دو ده سال و پنج اندرین شد مرا

ل ۳ یازده بیت افزوده که از شاهنامه و هجوتامه گردآمده‌اند ۷-س، ک، ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۱، ن ۲، و، ب): حو؛ متن = ل، ق، س ۲ (نیز ل، پ) ۸-ل: آزاده گان ۹-ق، ک، ل ۲ (نیز ل، ن ۳، و، ل ۲، آ): نوشتند؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۱، پ، ب) ۱۰-ا: (نامه) ۱۱-س: آ: برقتی؛ (ل: تو گویی) ۱۲-ل: احسن؛ (ل: احسند) ۱۳-ل (نیز ل، ن): بکف (ل)؛ (ق: آ: بگفتید) ۱۴-ل: (احسندشان) ۱۵-ق (نیز ل): شهرام (ل) ۱۶-ک (نیز ق ۲، ل ۲، ن ۲): بته؛ متن = ده دستویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: قال الفردوسی صاحب الکتاب الذی کتابنا هذا ترجمته: لم أترک مما طالع من أخبار ملوک العجم حدیثا الا نظمته، و فی سلک البیان رصفته. و کانی قد نشرت بهذا الکتاب السلاطین الماضین و الملوک الأقدمین، بعد ما طالت علیهم أحوال الزمان، و طوی ذکرهم فی تضاعیف النسیان. و هانا، بعد خمس و ستین سنة أنفقتها من عمری، قاعد حزینا کتیبیا لا أری سوی «أحسن» من أبناء الزمان نصیباً؛ ربقوا علی الحقیقة أعناق البدر العتیفة؛ و. ل: ۲ پس از ۸۸۲ افزوده‌اند:

توان کرد پیش بزرگان به یاد کسی نیست اندر جهان کش به داد

۱۷-ک: از آن ۱۸-ل (نیز ل، ن): بودکف (ق)؛ ل (نیز ل): دیلمی بودکو؛ س (نیز ل ۳، و، ل ۲، ب): دیلم بودلف؛ ک: دیلمی و بودکر (ل)؛ متن = ق، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، ا، ب): س، ل، ن، ل، ب پس از این بیت و ق ۲ پس از ۸۸۵ افزوده‌اند:

بزد بزرگان روشن روان که همواره کارش به خوبی روان

ل، ق، س ۲ این بیت را نداردند؛ س، ل ۲، پ در اینجا و، و، ل ۲ پایین‌تر افزوده‌اند:

ابونصر و زاق بسیار نیز بدین نامه از مهتران یافت چیز

۱۹-ل، س (نیز ل، ل ۳، و، ل ۲، ب): حسین قتیب؛ ق، ل ۲، س ۲ (نیز پ): حبیب قتیب؛ متن تصحیح قیاسی است (- چهار مقاله) ۲۰-ک: بزرگی چنین هست از (آ: چوبی رونق است این ز) ۲۱-ل: آزاده گان ۲۲-ب: بخواهد؛ در ق ۲، و، ل ۲ این بیت پس از ۸۸۵ آمده است ۲۳-ق، س، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل ۱، آ، ب): ازو؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ل ۳، ن ۲) ۲۴-ل، س (نیز ل ۱، ل ۲، ب): حو؛ (آ: جملگی)؛ متن = ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، ل ۲، و، ل ۲) ۲۵-ل (ن: بال و پر)؛ ل: ازویم بد و نیک و آرام و خور

سرآمد^۱ کنون قصه‌ی یزدگرد^۲ به ماه سپندارمذ^۳ روز إرد^۴،
 ز هجرت شده پنج هشتاد بار^۵ به نام جهان‌داور کردگار^۶!

۱-س (نیز لی): به سر شد؛ لن پاک شده؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲- (ق آ، و: خسروان) ۳- (نیز لی، آ، ب): سفندارمذ؛ س-س ۲ (نیز لن، و): سفندارمذ؛ (ق آ: سفندار (!))؛ ل ۳: سفندارمه؛ لن آ: سفندارمز؛ متن تصحیح قیاسی است ۴- (ق آ، و: به روز (و: قال) همایون و بخت جوان)؛ در ق آ، و برابر س پس از ۵۸۷۶ س آ (نیز ق آ، ب): سه صد (ق آ، ب: سیصد) سال و هشتاد و چار؛ (ل آ: سیصد از روزگار؛ پ: سال هشتاد و چار) ع (ل آ: چو هشتاد و چار از برش بر شمار)؛ ق، لن افزوده‌اند:

به نام جهان‌داور کردگار (لن: ... شش بار بیور هزار) بود بیت شش بار بیور هزار (لن: سخن‌های شایسته آندار)
 اگر بازجویی ازو بیت بد همانا که باشد کم از هفت (لن: پنج) صد

ک افزوده است:

از آغاز این شاه‌نامه نخست به فرجام بازآوردیم درست
 چنان‌چون بخواندم ز دفتر سخن به نظم آوردیم ز سر تا به بن

ل، س، ق، ل، آ، لن، لی، ل، آ، ب افزوده‌اند: چو این نامور نامه آمد به بن ... (پرویز، بیت‌های ۳۷۰۸-۳۷۱۰؛ ل ۵۹۲ بیت در داستان رفتن کاتب به خان لنگان افزوده است؛ پ افزوده است: هزاران درود و هزاران ثنا ...؛ ب افزوده است: هزاران درود و هزاران سلام ...؛ بنفاری: فعل صبری و ضاق صدری. و کم تعب تحملت، و کم غصص تجرعت حتی تسنی لی نظم هذا الكتاب فی مدّة ثلاثین سنة آخرها سنة أربع و ثمانین و ثلثمائة. و هو یشتعل علی ستین ألف بیت. و جعلته تذکرة للسلطان أبی القاسم محمود بن سبکتکین. لازال نافذ الأمر عالی القدر. و صلی الله علی محمد و آله و صحبه أجمعین

فهرست‌ها

فهرست نام کسان

- آبتین - پرویز ۱۳۵۹ فرابین ۱۰ یزدگرد ۵۷۶
 آذرگشسپ - پرویز ۴۵۹ پ، ۱۷۵۵ پ، ۱۸۴۷،
 ۱۸۶۹ پ، ۲۱۴۱، ۲۲۰۷ پ
 آرش - پرویز ۳۴۶، ۴۰۵، ۴۰۸ شیرویه ۳۴۰
 آزرمدخت - آزرمدخت ۱، ۹
 آفریدون (نیز - فریدون) - پرویز ۱۱۶۸، ۳۳۰۹،
 ۳۵۴۸، ۳۵۵۲، ۳۵۵۶ یزدگرد ۱۱
 آیین گشسپ - پرویز ۱۱۶ پ، ۴۵۹، ۱۸۴۷ پ
 ابونصروزاق - یزدگرد ۸۸۳ پ
 ارجاسپ - یزدگرد ۵۸۷
 اردشیر^۱ (= بهمن^۱) - یزدگرد ۶۱۳
 اردشیر^۲ (بابکان) - پرویز ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۲۲، ۴۶۵،
 ۱۲۷۰، ۱۳۵۴، ۱۴۲۸، ۱۶۴۱، ۳۵۷۳، ۳۵۷۹
 یزدگرد ۶۱۲، ۶۹۳، ۶۹۸، ۷۱۹
 اردشیر^۳ - شیرویه ۱۶۱۵ اردشیر ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۴، ۳۷،
 ۴۱، ۴۴ فرابین ۱۵
 اردوان - پرویز ۳۰۸، ۱۶۴۳
 ارمنی - موشیل ارمنی
 استاد - اشناد
- استاگشسپ - استاگشسپ
 اسفندیار - پرویز ۳۲۰، ۱۳۵۳، ۱۴۱۷، ۲۵۱۴
 شیرویه ۳۴۶ یزدگرد ۵۸۸، ۵۸۹
 اسکندر (نیز - سکندر) - پرویز ۳۶۸، ۳۳۶۱
 اشناد - پرویز ۱۸۴۹ شیرویه ۱۸، ۷۲، ۷۸، ۹۵، ۹۶،
 ۱۰۲، ۳۶۷
 استاگشسپ (نیز - اشناد) - شیرویه ۲۲، ۵۴
 اشکانیان - پرویز ۳۰۷، ۳۱۴
 افراسیاب - پرویز ۸۲۷، ۱۹۲۶، ۲۷۹۲ یزدگرد ۵۸۴
 الان شاه (= خسرو پرویز) - پرویز ۱۸۶، ۲۰۱،
 ۲۰۷، ۲۸۵
 اندیان - پرویز ۷۵، ۵۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۴۹، ۱۳۴۵،
 ۱۴۱۳، ۱۶۳۶، ۱۷۹۰، ۱۸۰۶، ۱۸۴۶، ۲۱۶۲
 انوشین روان (نیز - نوشین روان) - یزدگرد ۳۷۴
 اوومزد - پرویز ۱۸۵۰
 ایرج - پرویز ۱۲۹۲، ۱۲۹۶، ۳۲۷۹، ۳۵۵۵، ۳۵۵۹
 یزدگرد ۵۸۱
 ایزدگشسپ - پرویز ۱۱۵، ۱۱۶ پ، ۴۵۹ پ، ۱۶۹۴،
 ۱۷۵۵، ۱۸۶۹، ۱۸۸۲، ۱۸۸۶، ۱۹۷۸،
 ۲۲۰۷، ۲۸۱۶، ۲۸۶۵، ۲۹۱۸

تورگ - تبرگ	۳۴۰۶، ۳۰۷۲، ۳۰۷۰، ۲۹۹۳، ۲۹۸۳، ۲۹۵۳
تهمتن - رستم ^۱	شیرویه ۲۹۵، ۲۱۸، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۷، ۱۳۴
جاماسپ - پرویز	یزدگرد ۶۱۶، ۳۶۲ (بهرام رازی)
۳۴۹	بهرام ^۲ (پور سیاوش) - پرویز ۶۶۱، ۷۰۹، ۷۲۳
جان فروز - پرویز ۱۸۷۱	۸۸۷، ۸۷۸، ۷۶۳، ۷۵۳، ۷۴۴، ۷۳۷، ۷۲۸
جنوبی - جنوی	۱۷۰۵، ۱۵۹۹، ۹۲۰، ۹۱۷، ۹۱۱، ۸۹۸
جم - جمشید	بهرام فرخ - پرویز ۱۸۶۰
جمشید - پرویز ۸۲۳، ۱۳۴۸، ۲۱۰۲، ۲۵۱۲	بهرام گور - یزدگرد ۱۰۹
۲۶۶۴، ۳۴۷۳، ۳۳۶، ۵۵۳ یزدگرد	بهرید - بهاربد (بنداری همه جا بهرید دارد)
۵۷۵، ۱۲	بهمن ^۱ - پرویز ۱۳۵۳ یزدگرد ۵۹۱
جنوبی - پرویز ۲۴۷۸	بهمن ^۲ - پرویز ۳۰۸۰
جهن برزین - پرویز ۳۵۵۳، ۳۵۵۰	بهمن ^۳ - بوران دخت پ
چوبین - بهرام ^۱	بیژن - یزدگرد ۴۵۶، ۴۵۸، ۴۴۳، ۴۷۲، ۷۸۶، ۷۹۲
چوبینه - بهرام ^۱	۷۹۳، ۷۹۶، ۸۱۳، ۸۱۲، ۸۲۶، ۸۳۱، ۸۳۳
	۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۸، ۸۵۰، ۸۵۲
	پرویز - خسرو
حبيب قتيب - یزدگرد ۸۸۴	بوران دخت - بوران دخت
حسنوی - جنوی	پیداگشسپ - پرویز ۱۱۶
حسین قتيب - یزدگرد ۸۸۴	بیروز - پرویز ۸۳۰، ۸۸۱، ۱۳۰۰، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴
حیی قتيبه - یزدگرد ۸۸۴	۱۶۴۵، ۳۱۳۵ یزدگرد ۵۹۲
	بیروز خسرو - اردشیر ۹، ۲۴، ۳۲، ۳۸، ۴۲، ۴۵
خاتون - پرویز ۲۳۰۹، ۲۳۱۴، ۲۳۲۲، ۲۳۲۵	بوران دخت ۹، ۷
۲۳۳۱، ۲۳۳۶، ۲۳۴۲، ۲۳۴۷، ۲۳۵۱	بیروز شاپور - یزدگرد ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۷۵
۲۳۹۱، ۲۳۹۴، ۲۵۴۳، ۲۵۵۲، ۲۵۵۸	بیل سپید - شیرویه ۱۶۲، ۴۱۷
۲۵۶۸، ۲۵۷۲، ۲۵۹۴، ۲۶۰۹، ۲۶۱۳، ۲۷۱۲	
خاقان - پرویز ۳۳۳، ۱۲۳۱، ۱۲۴۳، ۱۲۵۶، ۲۰۳۰	تبرگ - پرویز ۲۸۴۱، ۲۸۴۴، ۲۸۴۸، ۲۸۵۹، ۳۰۵۰
۲۰۸۲، ۲۲۰۴، ۲۲۰۸، ۲۲۱۶، ۲۲۲۱	۳۰۵۶
۲۲۲۶، ۲۲۲۸، ۲۲۳۰، ۲۲۳۱، ۲۲۳۴	تخار - نخوار
۲۲۳۸، ۲۲۴۶، ۲۲۵۱، ۲۲۵۲، ۲۲۵۳	تخوار - نخوار
۲۲۵۷، ۲۲۶۷، ۲۲۷۲، ۲۲۹۰، ۲۲۹۱	تور - پرویز ۱۲۹۰، ۱۹۲۶، ۳۳۰۹ یزدگرد ۵۸۰
۲۲۹۴، ۲۲۹۶، ۲۳۰۰، ۲۳۱۳، ۲۳۱۸	توران دخت - بوران دخت

۵۷۲، ۵۷۲، ۵۶۸، ۵۵۲، ۵۴۶، ۵۴۵، ۵۳۴
 ۶۵۴، ۶۲۵، ۶۲۳، ۶۱۷، ۵۹۱، ۵۸۵، ۵۷۸
 ۶۹۶، ۶۸۷، ۶۸۴، ۶۸۱، ۶۷۶، ۶۶۶، ۶۶۲
 ۷۷۱، ۷۵۶، ۷۵۰، ۷۳۸، ۷۲۹، ۷۲۲، ۷۰۴
 ۸۹۶، ۸۹۰، ۸۷۳، ۸۳۳، ۸۱۲، ۸۱۰، ۸۰۷
 ۹۷۸، ۹۶۹، ۹۶۸، ۹۶۳، ۹۶۰، ۹۵۸، ۹۰۸
 ۱۰۴۰، ۱۰۱۵، ۱۰۱۰، ۱۰۰۱، ۹۸۳، ۹۷۹
 ۱۰۱۶، ۱۰۱۶، ۱۰۵۹، ۱۰۵۲، ۱۰۵۱
 ۱۱۰۶، ۱۰۹۳، ۱۰۸۹، ۱۰۸۵، ۱۰۸۱
 ۱۱۹۷، ۱۱۹۰، ۱۱۸۲، ۱۱۶۱، ۱۱۱۹
 ۱۲۴۱، ۱۲۳۸، ۱۲۱۷، ۱۲۱۵، ۱۲۰۹
 ۱۳۳۴، ۱۳۲۹، ۱۳۲۷، ۱۲۵۶، ۱۲۵۰
 ۱۵۱۶، ۱۵۱۵، ۱۳۶۹، ۱۳۵۵، ۱۳۳۷
 ۱۵۸۵، ۱۵۶۸، ۱۵۵۵، ۱۵۵۲، ۱۵۴۵
 ۱۵۹۹، ۱۵۹۸، ۱۵۹۷، ۱۵۹۱، ۱۵۸۶
 ۱۶۵۸، ۱۶۲۹، ۱۶۱۱، ۱۶۰۷، ۱۶۰۱
 ۱۶۹۹، ۱۶۸۶، ۱۶۷۶، ۱۶۷۳، ۱۶۶۴
 ۱۷۲۹، ۱۷۲۵، ۱۷۲۲، ۱۷۱۸، ۱۷۱۱
 ۱۷۵۰، ۱۷۴۶، ۱۷۴۵، ۱۷۴۴، ۱۷۳۹
 ۱۸۰۰، ۱۷۸۷، ۱۷۴۴، ۱۷۷۲، ۱۷۵۹
 ۱۸۳۱، ۱۸۳۰، ۱۸۰۶، ۱۸۰۵، ۱۸۰۳
 ۱۸۷۳، ۱۸۷۰، ۱۸۵۲، ۱۸۴۹، ۱۸۴۳
 ۱۹۰۴، ۱۹۰۳، ۱۸۹۷، ۱۸۸۹، ۱۸۸۳
 ۱۹۴۸، ۱۹۲۸، ۱۹۱۹، ۱۹۱۷، ۱۹۰۶
 ۲۰۶۸، ۲۰۶۷، ۲۰۶۶، ۲۰۴۱، ۲۰۲۷
 ۲۰۹۷، ۲۰۹۶، ۲۰۹۱، ۲۰۸۵، ۲۰۷۵
 ۲۱۵۳، ۲۱۲۲، ۲۱۱۵، ۲۱۰۶، ۲۱۰۱
 ۲۶۰۵، ۲۵۷۷، ۲۵۴۶، ۲۴۶۵، ۲۱۶۲
 ۲۹۴۱، ۲۸۹۴، ۲۷۱۸، ۲۷۱۷، ۲۶۸۳
 ۳۰۱۵، ۲۹۸۹، ۲۹۸۰، ۲۹۷۶، ۲۹۴۹
 ۳۰۸۲، ۳۰۵۷، ۳۰۴۱، ۳۰۲۸، ۳۰۱۹
 ۳۱۰۸، ۳۰۹۶، ۳۰۹۲، ۳۰۸۹، ۳۰۸۶

۲۳۵۶، ۲۳۴۵، ۲۳۳۸، ۲۳۳۷، ۲۳۳۲
 ۲۴۴۰، ۲۴۱۲، ۲۳۹۷، ۲۳۹۱، ۲۳۵۷
 ۲۴۵۷، ۲۴۵۳، ۲۴۴۷، ۲۴۳۴، ۲۴۳۳
 ۲۴۷۵، ۲۴۷۳، ۲۴۶۷، ۲۴۶۰، ۲۴۵۹
 ۲۴۹۹، ۲۴۹۶، ۲۴۹۴، ۲۴۸۹، ۲۴۷۹
 ۲۵۳۸، ۲۵۲۸، ۲۵۲۴، ۲۵۲۰، ۲۵۱۷
 ۲۵۷۸، ۲۵۷۶، ۲۵۶۴، ۲۵۵۹، ۲۵۴۳
 ۲۶۸۶، ۲۶۲۷، ۲۶۲۱، ۲۶۱۲، ۲۵۸۸
 ۲۷۳۲، ۲۷۱۶، ۲۷۰۳، ۲۷۰۲، ۲۶۹۱
 ۲۷۷۲، ۲۷۷۰، ۲۷۶۷، ۲۷۶۳، ۲۷۵۹
 ۲۸۲۴، ۲۷۸۸، ۲۷۸۴، ۲۷۸۰، ۲۷۷۷
 ۲۸۴۱، ۲۸۴۹، ۲۸۰۹، ۲۹۳۶، ۲۹۳۶، ۲۸۲

۳۴۲، ۳۱۴، ۳۰۴

خانگی-پرویز ۳۲۳۸، ۳۲۴۴، ۳۲۴۸، ۳۲۵۱
 ۳۳۸۰، ۳۳۱۶

خُزاد-پرویز ۵۲۰

خُزاد بُرژین-پرویز ۱۲۵، ۵۱۹، ۱۰۱۵، ۱۰۱۸

۱۱۲۱، ۱۱۲۹، ۱۱۴۹، ۱۱۵۳، ۱۱۵۵

۱۱۵۷، ۱۱۶۱، ۱۱۸۱، ۱۳۴۵، ۱۴۲۷

۱۴۳۱، ۱۴۵۰، ۱۴۵۳، ۱۴۶۳، ۱۵۳۶

۲۱۳۱، ۲۱۶۶، ۲۲۰۷، ۲۴۸۸، ۲۴۹۲

۲۵۰۱، ۲۵۴۱، ۲۵۵۱، ۲۵۶۶، ۲۵۸۰

۲۶۰۹، ۲۶۱۴، ۲۷۱۴، ۲۷۱۷، ۲۷۲۵

۳۲۶۳، ۳۳۶۷، ۳۳۶۷، ۱۸، ۲۲، ۵۴، ۵۷

۳۶۷، ۷۸

خراسان-پرویز ۷۸۸، ۷۹۷، ۸۱۸

خرداد-خُزاد

خُزوان خسرو-پرویز ۸۰۴، ۸۱۳، ۸۲۰

خُسروا (=خُسروپرویز)-پرویز ۱، ۳۵، ۵۴، ۵۶

۷۰، ۷۷، ۱۰۲، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۷۳

۱۹۰، ۲۱۴، ۲۷۳، ۳۱۵، ۳۲۸، ۳۵۷، ۴۰۷

۴۱۱، ۴۳۴، ۵۰۲، ۵۱۷، ۵۲۱، ۵۳۳

رادوی- یزدگرد ۵۵۰	۳۱۹۳، ۳۱۸۶، ۳۱۳۸، ۳۱۲۹، ۳۱۱۵
رام- پرویز ۱۷۵۵	۳۲۶۵، ۳۲۴۰، ۳۲۲۵، ۳۲۲۳، ۳۲۱۷
رام بُرزین- پرویز ۲۱۶۰	۳۴۰۸، ۳۴۰۷، ۳۴۰۲، ۳۳۸۶، ۳۳۰۲
رای- شیرویه ۱۶۱، ۱۶۶	۳۴۵۶، ۳۴۴۶، ۳۴۳۷، ۳۴۳۶، ۳۴۱۰
رستم ^۱ - پرویز ۲۵۱۴ شیرویه ۳۴۶ یزدگرد ۵۸۹	۳۴۶۷، ۳۴۶۲، ۳۴۶۱، ۳۴۵۹، ۳۴۵۸
۵۹۱	۳۵۲۹، ۳۵۰۴، ۳۵۰۱، ۳۴۹۳، ۳۴۷۹
رستم ^۲ - پرویز ۳۹۴۳، ۳۹۵۲ یزدگرد ۲۸، ۳۲	۳۶۷۴، ۳۶۶۲، ۳۶۵۹، ۳۶۴۶، ۳۵۷۶
۱۳۶، ۱۷۵، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۸، ۲۰۹	۳۷۱۳، ۳۷۱۱، ۳۶۹۵، ۳۶۸۷، ۳۶۸۰
۲۱۰، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۱	۳۷۵۴، ۳۷۴۵، ۳۷۳۹، ۳۷۳۵، ۳۷۱۸
۳۳۷، ۴۴۷	۳۷۶۵، ۳۷۶۹، ۳۷۶۹، ۳۸۰۸، ۳۸۳۸
زادفَرخ ^۱ (نیز - فرخ زاد)- پرویز ۸۱۳، ۸۱۴	۳۸۵۱، ۳۸۶۱، ۳۸۷۸، ۳۸۸۱، ۳۹۰۰
زادفَرخ ^۲ (نیز - فرخ زاد آزر مگان)- پرویز ۳۸۵۱	۳۹۰۴، ۳۹۱۷، ۳۹۲۲، ۳۹۴۸، ۳۹۵۰
۳۸۵۲، ۳۸۵۳، ۳۹۱۸، ۳۹۳۱، ۳۹۳۷	۳۹۷۲، ۳۹۸۵، ۳۹۹۵، ۴۰۰۸، ۴۰۱۸
۳۹۳۹، ۳۹۴۸، ۳۹۵۳، ۳۹۵۴، ۳۹۶۰	۴۰۴۱، ۴۰۵۳، ۴۰۶۶، ۴۰۶۸، ۴۰۷۴
۳۹۶۲، ۳۹۷۰، ۳۹۷۲، ۳۹۷۹، ۳۹۸۴	۴۰۷۷، ۴۰۸۲، ۴۰۹۵ شیرویه ۶۶، ۷۰، ۷۴
۴۰۰۱، ۴۰۵۵، ۴۰۵۶، ۴۰۷۰، ۴۰۷۳، ۴۰۸۴	۷۹، ۲۹۳، ۲۹۳، ۳۹۵، ۴۰۵، ۴۲۳، ۴۶۱
شیرویه ۳۰۱، ۴۵۶	۴۶۴، ۴۷۰، ۴۸۰، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۲۵، ۵۴۸
زال- شیرویه ۳۴۶	۵۷۴، ۵۸۰، ۵۹۷، ۶۰۴ اردشیر ۱۱، ۱۵، ۱۹
زردشت- پرویز ۳۸۲، ۷۹۳، ۲۰۷۶	یزدگرد ۱۱، ۵۹۴، ۶۹۷
زنگوی ^۱ - پرویز ۵۶۲، ۱۸۴۷، ۳۱۵۹	خسرو ^۲ - یزدگرد ۵۰۷، ۵۱۳، ۵۲۸
زنگوی ^۲ - پرویز ۲۴۷۸	خشنواز- پرویز ۸۲۹، ۸۸۱، ۱۳۰۰، ۱۳۰۳ یزدگرد ۵۹۲، ۵۹۳
ساسان- پرویز ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵	خشنوی - جنوی
۲۴۷۱، ۲۶۵۴ یزدگرد ۲۱۵، ۶۱۱، ۶۱۳	خلاجوش- پرویز ۳۰۹۶ پ، ۳۱۳۰ پ
ساسانیان- پرویز ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۱۲۰۸	خورشید خَژاد- پرویز ۱۳۶۷، ۱۸۵۰
۱۶۳۹، ۱۶۵۱، ۲۴۶۶ شیرویه ۴۲۵ اردشیر	دارا- پرویز ۴۱۵، ۸۲۸، ۳۴۷۴، ۳۴۷۵
۲۵ یزدگرد ۴۴، ۸۴، ۱۱۷	دانا پناه- پرویز ۱۶۳۲
سام- پرویز ۴۷۱، ۴۷۳	دریانس- پرویز ۱۵۳۹
ساوه- پرویز ۳۴۸، ۴۰۰، ۴۵۴، ۴۶۸، ۴۹۵، ۷۸۰	رادفَرخ - زادفَرخ او ^۲
سرفزای - سوفزای	رادمان- پرویز ۷۵
سرکت - سرگس ^۱	

شیروی (نیز ← قباد) - پرویز ۳۱۹۲، ۳۲۲۵،
 ۳۲۲۸، ۳۲۶۸ (شیر)، ۳۳۳۸، ۳۳۵۸،
 ۳۳۶۰، ۳۵۱۶، ۳۵۲۰، ۳۵۳۳، ۳۹۶۷،
 ۳۹۸۱، ۳۹۹۲، ۳۹۹۳، ۴۰۰۰، ۴۰۲۱،
 (شیرویه)، ۴۰۲۲، ۴۰۵۷، ۴۰۵۸، ۴۰۶۶،
 شیرویه ا، ۱۷، ۵۹، ۱۵۷، ۱۷۵، ۳۷۲،
 (شیرویه)، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۸۹، ۳۹۳، ۴۲۷،
 ۴۴۵، ۴۸۵ (شیرویه)، ۴۹۳، ۴۹۵، ۵۰۶،
 ۵۱۵، ۵۲۰، ۵۳۰، ۵۳۳ (شیرویه)، ۵۶۰،
 ۵۶۴، ۵۶۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۸، ۶۱۱،
 اردشیر ۱۲، ۱۶

شیرویه ← شیروی

شیرین - پرویز ۳۰۴۲، ۳۰۵۱، ۳۰۵۳، ۳۳۸۶،
 ۳۴۰۳، ۳۴۰۵، ۳۴۳۱، ۳۴۴۲، ۳۴۵۴،
 ۳۴۵۹، ۳۴۸۰، ۳۵۰۰، ۳۵۰۴، ۳۵۱۲،
 ۳۵۱۳، ۳۵۱۵، ۴۰۱۲، ۴۰۱۶، ۴۰۱۷،
 ۴۰۲۷، ۴۰۲۸ شیرویه ۳۹۶، ۴۹۳، ۴۹۵،
 ۴۹۹، ۵۱۷، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۸، ۵۳۴، ۵۴۱،
 ۵۴۳، ۵۶۰، ۵۶۵، ۵۹۰، ۶۰۰

ضحاک - پرویز ۳۹۵، ۷۶۹، ۸۲۲، ۳۴۷۳، ۳۵۴۷،
 شیرویه ۳۳۹ یزدگرد ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۸

طبرگ ← تبرگ

طبروی - یزدگرد ۵۷ پ

طورگ ← تبرگ

طهمورت - پرویز ۲۵۱۲ شیرویه ۳۳۶

علی دیلم - یزدگرد ۸۸۳

عمر - یزدگرد ۲۵، ۸۸، ۸۷۶

عیسی (نیز ← مسیح، مسیحا) - پرویز ۱۴۷۲،

۳۳۵۳ شیرویه ۳۷

سرکش ← سرگس او۲

سرگس ۱ - پرویز ۱۵۶۴، ۱۷۷۷

سرگس ۲ - پرویز ۳۶۳۵، ۳۶۴۰، ۳۶۴۳، ۳۶۴۷،
 ۳۶۹۹، ۳۸۲۶

سروش - پرویز ۱۹۰۲، ۱۹۰۷

سعد وقاص - یزدگرد ۲۵، ۱۲۴، ۱۳۷، ۱۶۸، ۱۷۰،
 ۱۷۱، ۱۹۴، ۲۱۵، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۹، ۳۳۸

سکندر (نیز ← اسکندر) - پرویز ۳۱۸، ۸۲۷،
 ۳۴۷۴، ۳۵۶۹

سلم - پرویز ۱۲۹۰، ۱۳۵۶، ۱۹۲۶، ۳۳۰۹، ۳۳۶۱

سنیاد - پرویز ۸۳۵

سوری ← ماهوی سوری

سوفزای ← سوفزای

سوفزای - پرویز ۱۶۴۵ یزدگرد ۵۹۳

سیاوش - پرویز ۶۶۱، ۷۰۹، ۷۵۱، ۹۱۵، ۹۲۵

۲۷۹۲ شیرویه ۳۴۴ یزدگرد ۵۸۳

سیه چشم - فرخ زاد پ (۲، ۸)، ۸

شاپورا - پرویز ۱۲۷۰

شاپور ۲ - پرویز ۷۵، ۵۱۹، ۱۱۲۱، ۱۱۴۸، ۱۳۴۵

۱۴۱۴، ۱۵۳۴، ۱۶۳۶، ۱۷۹۰، ۱۷۹۵

۱۷۹۸، ۱۸۰۰، ۱۸۳۲، ۱۸۴۶، ۲۱۶۱

شیدیز - شیرویه ۴۱۲

شعبه مُغیره - یزدگرد ۱۹۵، ۲۰۵

شهران - یزدگرد ۵۶۶ پ

شهران - یزدگرد ۵۶۶ پ

شهران گراز ۱ - پرویز ۷۷۸

شهران گراز ۲ - هر مزد شهران گراز

شهری - یزدگرد ۵۶۶

شهریار - شیرویه ۵۵۲ یزدگرد ۷۱۹

شهریر - یزدگرد ۵۶۶ پ

شیرزیل - پرویز ۱۸۴۷

۱۱۲۶، ۱۱۳۰، ۱۱۳۵، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳،
 ۱۱۵۰، ۱۱۵۲، ۱۱۵۶، ۱۱۵۸، ۱۱۶۰،
 ۱۱۷۸، ۱۱۸۸، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۲۰۱،
 ۱۲۰۳، ۱۲۱۲، ۱۲۱۶، ۱۲۲۸، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹،
 ۱۲۴۸، ۱۲۵۲، ۱۲۵۹، ۱۳۲۶، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲،
 ۱۳۵۵، ۱۳۵۸، ۱۳۶۲، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۲،
 ۱۳۷۶، ۱۳۷۸، ۱۳۸۱، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۴۰۶،
 ۱۴۱۰، ۱۴۱۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۶، ۱۴۴۲، ۱۴۴۶،
 ۱۴۵۷، ۱۴۶۱، ۱۵۰۵، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۵۸،
 ۱۵۷۰، ۱۵۷۲، ۲۰۴۰، ۲۰۵۰، ۲۰۵۱، ۲۰۷۶،
 ۲۰۸۰، ۲۰۸۹، ۲۱۱۲، ۲۱۱۴، ۲۱۱۵، ۲۱۱۸،
 ۲۱۲۴، ۲۱۲۷، ۲۱۲۸، ۳۱۸۸، ۳۲۱۹، ۳۲۲۳، ۳۲۴۰،
 ۳۲۵۶، ۳۲۶۰، ۳۲۶۸، ۳۳۱۴، ۳۳۵۲، ۳۳۷۹،
 ۳۳۸۴، ۳۵۱۱، ۳۸۵۵، ۳۸۵۷، ۳۸۵۹، ۳۸۶۶،
 ۳۸۶۹، ۳۸۷۴، ۳۸۷۹، ۳۸۸۰، ۳۸۸۱، ۳۸۹۳،
 ۳۸۹۶، ۳۹۰۳، ۳۹۰۸، ۳۹۲۰، ۳۹۳۳، شیرویه
 ۳۱۵، ۳۱۰، ۲۹۳، ۲۸۸، ۲۷، ۳۴

کاوس- پرویز ۱۳۵۱، ۲۶۶۶ بزدگرد ۱۲

کرستون - کرسیون

کرسیوز- بزدگرد ۵۸۴

کرسیون- بزدگرد ۷۸۸

کسری (نیز - نوشین روان)- پرویز ۲۰۳، ۲۱۳۸،

۳۲۸۵

کشمگان- بزدگرد ۳۹۱

کلبوی- بزدگرد ۵۷

کندوی- پرویز ۹۳۴

کوت هزاره- پرویز ۱۵۶۴، ۱۷۲۳، ۱۷۲۹، ۱۷۳۲،

۱۷۳۴، ۱۷۴۰، ۱۷۴۸، ۱۷۵۷، ۱۷۵۹

کیان- پرویز ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۴، ۱۷۲، ۱۳۷، ۱۶۳

۱۳۴۵، ۲۱۵۵، ۲۱۶۲، ۲۴۴۹، ۳۰۷۵، ۳۹۰۱

بزدگرد ۵۸۳، ۲۵۸

فرابین (نیز - گراز)- فرابین ۱، ۲۲، ۲۸، بزدگرد ۶۱۹

فرخ - فرخزاد

فرخزاد (نیز - زادفرخ)- پرویز ۷۹۸، ۸۱۹،
 ۱۸۴۹، ۳۲۴۱ (فرخ)

فرخزاد ۲- فرخزاد ۱

فرخزاد آزرمگان- پرویز ۳۸۴۲

فرخزاد هرمزد- بزدگرد ۲۵۱، ۲۵۵، ۲۶۲، ۲۶۵،

۲۹۳، ۳۲۵، ۳۸۹، ۴۴۱، ۴۵۲

فرغان- پرویز ۳۷۴۵

فرد- شیرویه ۵۵۲

فریدون (نیز - آفریدون)- پرویز ۱۳۰، ۳۹۶،

۱۳۴۸، ۱۹۲۶، ۳۲۷۹، ۳۲۹۴، شیرویه ۳۳۸،

۵۵۳ فرابین ۱۰ بزدگرد ۲۶۱

فریدونیان- پرویز ۶۱۶

فغفور- پرویز ۴۰۲۴ بزدگرد ۲۸۳، ۳۴۲، ۴۸۰، ۵۶۷

فلاطون- پرویز ۱۲۴۹

فلون - فلون

فیلقوس- پرویز ۳۴۷۵

قارن- شیرویه ۳۴۰

قام- بزدگرد ۴۸۰، ۵۶۷

قباد ۱ - کقبادا

قباد ۲- پرویز ۸۸۲، ۱۲۷۲، ۱۶۴۶، ۱۶۴۷، ۲۱۳۸،

۳۱۳۵ شیرویه ۲۸۵

قباد ۳ (نیز - شیروی)- پرویز ۳۱۹۲، ۴۰۰۷،

۴۰۱۰، ۴۰۱۱، ۴۰۲۰، ۴۰۲۲، ۴۰۹۸، ۴۱۰۴،

شیرویه ۵۸، ۶۶، ۶۹، ۳۲۱، ۳۷۷، ۴۴۰

قلون- پرویز ۲۵۵۲، ۲۵۸۱، ۲۶۰۶، ۲۶۱۷، ۲۶۲۰،

۲۶۲۹، ۲۶۳۳، ۲۶۳۱، ۲۷۰۹

قیس بن حارث- پرویز ۹۸۰، ۱۱۷۰

قیصر- پرویز ۶۱۵، ۶۳۳، ۸۹۰، ۱۰۲۳، ۱۰۴۲،

۱۰۴۶، ۱۰۷۶، ۱۰۱۱۳، ۱۱۲۴،

گشتاسپ- پرویز ۲۹۱، ۱۳۵۲، ۳۵۶۲، ۳۵۶۳
۳۵۸۳ شیرویه

گشسپ- پرویز ۲۰۰۱ شیرویه ۳۰۲
گلبوی- یزدگرد ۵۸

گلبوش- پرویز ۴۱۰۴ شیرویه ۵۰، ۵۵، ۵۸، ۶۱
۸۲، ۷۵، ۶۸

گوردز- شیرویه ۳۴۷

گیلوی طبری- یزدگرد ۵۷

گیومرت- پرویز ۱۱۶۷، ۱۳۴۸، ۲۱۰۲

لهراسپ- پرویز ۲۹۱، ۱۳۵۲، ۳۵۶۲ یزدگرد ۵۸۷

ماروسپند- پرویز ۴۱۰۰ شیرویه ۴۹

ماهوری سوری- یزدگرد ۲۸۵، ۳۳۱، ۴۳۴، ۴۳۷،

۴۴۱، ۴۴۲، ۴۵۰، ۴۵۸، ۴۶۳، ۴۶۵، ۴۶۹،

۴۷۱، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۸۹، ۴۹۰، ۵۲۶، ۵۳۳،

۵۳۵، ۵۳۶، ۵۴۵، ۵۵۱، ۵۶۱، ۵۶۶، ۵۷۲،

۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۹، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۷۰، ۶۷۶، ۶۷۷،

۶۷۸، ۶۹۱، ۶۷۳، ۷۴۷، ۷۴۹، ۷۷۲، ۷۹۳، ۸۰۲،

۸۰۳، ۸۲۰، ۸۲۷، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۴۷، ۸۴۹، ۸۷۰

ماهیار- پرویز ۳۲۰

محمّد- یزدگرد ۱۸۴، ۱۹۳، ۲۱۷،

محمود- یزدگرد ۸۸

مردان شه- شیرویه ۵۵۲

مردوی ۱- پرویز ۳۶۵۱، ۳۶۵۳، ۳۶۵۸

مردوی ۲- یزدگرد ۵۸

مریم ۱- پرویز ۱۴۷۲

مریم ۲- پرویز ۱۵۱۴، ۱۵۲۷، ۱۵۴۳، ۱۵۴۸،

۱۵۵۹، ۱۹۱۵، ۱۹۱۸، ۱۹۲۰، ۱۹۲۱،

۲۱۰۶، ۲۱۱۰، ۲۱۱۹، ۳۲۲۰، ۳۲۳۴،

۳۳۵۵، ۳۵۱۲، ۳۵۱۵

مسیح- پرویز ۱۳۰۲ یزدگرد ۶۸۹

کیخسرو- پرویز ۱۳۵۱، ۲۵۱۴، ۳۵۶۱ شیرویه
۳۳۵ یزدگرد ۵۸۵

کیقباد ۱- پرویز ۱۳۵۱، ۲۱۰۲، ۲۵۱۳ شیرویه ۳۳۵
۳۴۱

کیقباد ۲- قباد ۲

گراز (نیز - فراین) - پرویز ۳۸۴۸، ۳۸۵۴، ۳۸۵۵،

۳۸۵۹، ۳۸۶۴، ۳۸۷۶، ۳۸۸۷، ۳۸۹۱،

۳۸۹۲، ۳۹۰۳، ۳۹۰۵، ۳۹۱۰، ۳۹۲۴

اردشیر ۱۱، ۴۶

گردوی- پرویز ۷۵، ۱۲۴، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۴۹، ۵۰۳، ۵۱۲،

۶۱۸، ۶۳۵، ۱۷۸، ۱۸۱۹، ۱۸۲۴، ۱۸۲۹،

۱۸۴۶، ۱۸۸۴، ۲۱۶۳، ۲۷۹۶، ۲۹۰۸،

۲۹۴۴، ۲۹۴۹، ۲۹۵۸، ۲۹۶۷، ۲۹۸۲

گردیه- پرویز ۲۷۴۸، ۲۸۲۱، ۲۸۴۳، ۲۸۴۷،

۲۸۵۷، ۲۹۱۱، ۲۹۱۴، ۲۹۱۶، ۲۹۳۰،

۲۹۳۱، ۲۹۳۵، ۲۹۴۴، ۲۹۵۳، ۲۹۵۵،

۲۹۹۲، ۳۰۴۳، ۳۰۵۴، ۳۰۵۸، ۳۰۶۶

۳۱۲۴، ۳۱۱۸

گرگین- پرویز ۳۴۷، ۳۵۷

گسثم- پرویز ۳۹، ۴۳، ۷۴، ۱۰۹، ۱۲۵، ۱۵۴،

۱۷۰، ۴۲۶، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۱۹، ۵۵۷، ۵۷۲،

۵۷۸، ۵۸۰، ۶۱۸، ۶۲۴، ۶۵۳، ۱۰۸۹،

۱۰۹۰، ۱۰۹۲، ۱۰۹۸، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲،

۱۱۲۰، ۱۱۴۸، ۱۳۴۵، ۱۳۹۱، ۱۳۹۳،

۱۴۰۴، ۱۴۱۰، ۱۴۴۳، ۱۵۱۶، ۱۵۳۳،

۱۵۸۷، ۱۵۸۹، ۱۵۹۱، ۱۵۹۴، ۱۵۹۵،

۱۶۳۵، ۱۷۱۳، ۱۷۹۱، ۱۸۳۴، ۱۸۴۱،

۱۸۴۴، ۱۸۸۴، ۱۸۸۶، ۱۸۸۸، ۲۰۹۲،

۲۱۵۷، ۲۱۹۲، ۲۱۹۵، ۲۹۰۶، ۲۹۱۰، ۲۹۱۵،

۲۹۳۷، ۲۹۳۹، ۲۹۴۳، ۲۹۴۴، ۲۹۶۰، ۳۱۵۹

شیرویه ۱۴۵ یزدگرد ۵۹۵

نستوه - نستود
 نوذر - پرویز ۴۷۲، ۴۷۵، ۸۲۶
 نوشین روان (نیز - کسری) - پرویز ۲۱، ۱۳۲،
 ۱۹۳۴، ۲۱۵۱، ۳۲۸۵ شیرویه یزدگرد
 ۱۵، ۱۶۲، ۶۱۲، ۶۹۴، ۷۰۰، ۸۵۴
 نیاطوس - پرویز ۱۵۴۷، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۷،
 ۱۵۶۳، ۱۵۶۶، ۱۵۷۰، ۱۵۸۰، ۱۷۱۳،
 ۱۸۷۷، ۱۹۱۴، ۱۹۱۷، ۲۰۸۴، ۲۰۸۸،
 ۲۰۹۳، ۲۰۹۴، ۲۱۰۹، ۲۱۱۹، ۲۱۲۲،
 ۲۱۲۸، ۲۱۳۰، ۲۱۳۶، ۲۱۳۹ شیرویه ۲۹۹،
 ۳۰۴
 نیاطوش - نیاطوس

هرمز - پرویز ۱۷، ۲۶، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۸۸، ۳۰۰،
 ۳۰۲، ۴۵۳، ۴۵۹، ۶۰۸، ۶۳۱، ۶۴۷، ۶۵۰،
 ۱۲۷۲، ۱۳۵۵، ۲۰۰۱، ۲۱۳۸، ۲۵۳۲،
 ۳۱۵۷، ۳۲۶۷ شیرویه ۱۲۸ یزدگرد ۵۹۴
 هرمزد - یزدگرد ۲۷، ۱۳۶
 هرمزد خَرّاد - یزدگرد ۵۶۰
 هرمزد شهران گراز - فرابین ۳۳، ۲۶
 هزاره (- کوت هزاره) - پرویز ۱۵۶۴ پ، ۱۷۲۳ پ
 همدان گشسپ - پرویز ۱۱۶
 هوشنگ - پرویز ۳۲۷۲، ۳۳۲۲ شیرویه ۳۳۶، ۵۸۶

یزدان گشسپ - پرویز ۱۸۸۲ پ
 یزدگرد - فرخ زاد ۱۶ یزدگرد ۱۳، ۲۶، ۱۸۶، ۲۴۹،
 ۳۵۱، ۵۴۵، ۶۰۹، ۶۳۸، ۶۶۶، ۷۳۳، ۷۵۵،
 ۷۹۱، ۷۹۸، ۸۹۳
 یلان سینه - پرویز ۱۱۶، ۵۸۱، ۵۸۹، ۱۷۳۶، ۱۷۵۵،
 ۱۸۶۴، ۱۸۶۹، ۱۸۸۲، ۱۹۷۸، ۱۹۸۶،
 ۲۲۰۷، ۲۶۷۹، ۲۸۱۷، ۲۸۶۷، ۲۹۱۸،
 ۲۹۲۵، ۲۹۳۳، ۲۹۳۵، ۲۹۳۹

میجا (نیز - عیسی) - پرویز ۱۳۸۸، ۱۳۹۵،
 ۱۴۰۱، ۱۴۷۱، ۱۴۸۳، ۲۰۸۹، ۲۱۰۲،
 ۲۱۰۴، ۲۱۹۸، ۳۳۴۷، ۳۳۶۴ شیرویه ۳۶،
 ۳۱۹، ۳۱۳
 مفاتوره - پرویز ۲۲۳۰، ۲۲۴۸، ۲۲۵۰، ۲۲۵۲،
 ۲۲۶۱، ۲۲۶۷، ۲۲۶۹، ۲۲۷۴، ۲۲۷۸،
 ۲۲۸۱، ۲۲۸۷، ۲۲۸۲، ۲۳۲۱
 مغیره بن شعبه - شعبه مغیره
 منوچهر - پرویز ۴۰۶، ۴۷۵، ۳۵۵۹ یزدگرد ۵۸۲
 موسیل - موسیل ارمنی
 موسیل ارمنی - پرویز ۹۵۲، ۹۵۴، ۹۵۶، ۹۵۷،
 ۱۵۸۳، ۱۶۰۲، ۱۶۰۷، ۱۶۰۹، ۱۷۸۹، ۱۸۳۲
 یزدگرد ۵۷ (?)

مهران ستاد - پرویز ۳۶۰، ۱۰۰۸
 مهران گراز ۱ - شهران گراز
 مهران گراز ۲ - هرمزد شهران گراز
 مهرا یزدگشسپ - ایزدگشسپ
 مهرانوش - یزدگرد ۵۷۱
 مهروی - پرویز ۹۳۴
 مهر هرمزد - شیرویه ۴۶۳، ۴۷۴
 مهرباد - شیرویه ۵۵۲ پ
 می بوی - یزدگرد ۵۷ پ
 میروی - یزدگرد ۵۷ پ
 میلاد - پرویز ۳۴۵

نخوار - پرویز ۵۶۲، ۵۷۲، ۱۲۳۶، ۱۲۳۸، ۱۸۴۸،
 ۲۱۶۵، ۳۹۹۶، ۳۹۹۱، ۳۹۹۴، ۳۹۹۶
 نخواره - نخوار
 نستود ۱ - پرویز ۵۲۰، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵، ۲۰۱۴،
 ۲۰۲۰، ۲۰۲۲، ۲۰۲۸
 نستود ۲ - شیرویه ۵۵۲
 نستور - نستود

فهرست نام جای‌ها

اوریغ- پرویز ۱۰۵۴	آبادبوم ^۱ (= ایران) - پرویز ۸۷۶، ۱۶۰۳، ۳۱۳۸
اهواز- پرویز ۳۷۱۶، ۳۷۵۰	آبادبوم ^۲ (= روم) - پرویز ۱۷۴۸، ۲۱۳۹ پ
ایران (نیز ← آبادبوم ^۱) - پرویز ۷۶، ۲۶۷، ۲۶۹	آذربایادگان- پرویز ۱۶۹۰ یزدگرد ۶۵
۳۴۳، ۳۴۸، ۳۶۳، ۳۷۰، ۴۰۴، ۴۶۶، ۴۶۷	آذرگشسپ- پرویز ۲۳۶، ۸۸۹، ۱۱۰۰، ۱۶۱۶
۴۶۸، ۴۶۹، ۶۱۹، ۷۷۰، ۷۸۴، ۷۸۵، ۸۱۵	۳۹۸۷، ۲۰۴۳ یزدگرد ۶۶
۸۲۷، ۸۷۲، ۸۸۰، ۸۸۵، ۹۶۴، ۱۰۶۵	آل (?)- یزدگرد ۳۹۵ پ
۱۱۲۸، ۱۱۴۳، ۱۱۵۲، ۱۱۵۸، ۱۱۹۳	آمل- پرویز ۲۸۹۶، ۲۹۰۳، ۲۹۴۶، ۲۹۵۰، ۳۵۵۴
۱۲۲۰، ۱۲۸۵، ۱۲۹۳، ۱۳۰، ۱۳۳۸	یزدگرد ۲۶۷
۱۳۴۴، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۵۱۰، ۱۶۰۳	آموی- پرویز ۲۸۷۲، ۲۸۷۳، ۲۸۸۱، ۲۹۱۴
۱۶۸۶، ۱۷۲۶، ۱۷۴۸، ۱۷۴۴، ۱۸۵۱	یزدگرد ۷۸۷
۱۹۱۸، ۲۱۱۵، ۲۳۲۳، ۲۳۲۷، ۲۳۲۹	
۲۳۹۵، ۲۴۰۲، ۲۴۰۷، ۲۴۲۹، ۲۴۵۲	اردبیل- پرویز ۵۲۶
۲۴۵۹، ۲۴۶۲، ۲۴۶۳، ۲۴۶۴، ۲۴۷۳	اردبیل- اردبیل
۲۴۸۵، ۲۴۹۰، ۲۵۱۶، ۲۵۲۱، ۲۵۳۵	ارمینیه- پرویز ۷۵، ۵۲۶، ۳۲۹۰
۲۵۳۶، ۲۵۳۷، ۲۵۴۲، ۲۵۷۶، ۲۵۷۸	اروندرو- یزدگرد ۲۵۱، ۳۷۶
۲۶۵۵، ۲۶۸۵، ۲۷۷۸، ۲۷۹۴، ۲۷۹۵	افریغ- پرویز ۱۰۵۴ پ
۲۷۹۹، ۲۸۲۶، ۲۸۷۱، ۲۸۹۷، ۲۹۳۸	الانان- پرویز ۳۱۴۸
۳۰۶۱، ۳۱۲۳، ۳۱۳۴، ۳۱۳۹، ۳۱۴۱	التونیه- یزدگرد ۳۹۰
۳۲۰۱، ۳۲۷۰، ۳۲۷۷، ۳۲۷۹، ۳۳۵۴	اندیوشهر- پرویز ۲۱۴۹
۳۳۵۹، ۳۳۶۰، ۳۳۷۹، ۳۳۸۴، ۳۴۷۹	

روینبه- یزدگرد ۳۵۶ پ
 روین- دز- یزدگرد ۳۵۶ پ
 روینبه- یزدگرد ۳۵۶
 ری- پرویز ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۴۴، ۳۵۷، ۳۰۲۹، ۲۰۲۶۸۵،
 ۳۰۷۳، ۳۰۷۴، ۳۰۷۶، ۳۰۷۹، ۳۰۸۹،
 ۳۰۹۷، ۳۰۹۹، ۳۱۰۸، ۳۱۲۶، ۳۱۲۷، ۳۱۳۰،
 شیرویه ۲۱۸ یزدگرد ۳۲۷، ۳۲۸، ۴۴۵،
 ۴۵۲

زاولستان- پرویز ۳۱۴۲ یزدگرد ۶۷
 زاوه- کوه- یزدگرد ۳۵۶، ۴۱۶
 زرق- یزدگرد ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۲۵، ۶۸۱، ۶۸۶
 زونیه- یزدگرد ۳۵۶ پ
 ساری- پرویز ۲۸۹۶، ۳۵۵۴ یزدگرد ۲۶۷
 سطرخ- فرابین ۲۷
 سطرخ- پرویز ۲۱۵۹
 سقلاب- پرویز ۳۳۳۰، ۳۸۱۷ پ
 سلوک- پرویز ۱۵۷۹ پ
 سمرقند- پرویز ۳۲۹۱ یزدگرد ۴۵۷، ۷۹۰
 سورستان- پرویز ۲۱۵۰

شکل (?) - یزدگرد ۳۹۵
 شمیران- یزدگرد ۳۵۶، ۴۱۶ پ
 شورستان ← سورستان
 شهر ایران (= ایران شهر) ← ایران

صطرخ ← سطرخ
 صطرخ ← سطرخ

طایف- یزدگرد ۴۰۱
 طراز- پرویز ۱۳۸۳، ۳۱۷۲ شیرویه ۵۸۸

خراسان- پرویز ۸۱۱، ۲۱۵۷، ۲۸۹۰، ۲۸۹۳، ۳۱۵۲
 شیرویه ۲۲۶ یزدگرد ۲۸۰، ۳۰۰، ۳۸۶، ۷۷۶
 خرنبه- یزدگرد ۳۹۴ پ
 خرمنه- یزدگرد ۳۹۴ پ
 خزّه‌ی (خوزّه‌ی) اردشیر- پرویز ۱۰۰۷، ۱۰۲۱،
 ۳۹۱۵
 خزر- پرویز ۳۲۹۰، ۳۳۳۰ شیرویه ۲۲۵
 خنجست ← چیچست

داراب- گرد- پرویز ۲۱۵۹
 دز گنبدان تیغ (کوه)- یزدگرد ۳۹۴
 دز لاژوردین- یزدگرد ۳۹۴
 دشت نیزه‌وران- یزدگرد ۱۵۲
 دوست کل (?) - یزدگرد ۳۹۵ پ
 دوشکل (?) - یزدگرد ۳۹۵ پ
 دوک- پرویز ۱۵۷۹، ۱۶۲۴، ۱۷۰۷، ۱۷۱۴

راهه (رانه، راهه، رایه) کوه ← زاوه کوه
 روس- پرویز ۳۸۱۷

روم (نیز ← آبادبوم ۲)- پرویز ۶۱۳، ۶۳۴، ۷۳۸،
 ۷۴۰، ۷۵۰، ۷۷۱، ۸۲۷، ۸۷۶، ۸۸۵، ۸۹۰،
 ۹۵۸، ۱۰۲۵، ۱۰۳۸، ۱۱۱۷، ۱۱۴۵، ۱۱۹۳،
 ۱۲۱۰، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۹۳، ۱۳۳۰،
 ۱۳۳۹، ۱۳۷۴، ۱۵۱۹، ۱۶۰۳، ۱۶۵۶،
 ۱۶۷۴، ۱۷۴۷، ۱۷۴۸، ۱۷۷۶، ۲۰۶۹،
 ۲۰۸۵، ۲۱۳۸، ۲۴۶۳، ۳۱۳۸، ۳۱۳۹،
 ۳۲۲۶، ۳۲۵۸، ۳۲۷۷، ۳۲۷۹، ۳۳۵۴،
 ۳۳۵۹، ۳۳۶۰، ۳۳۸۴، ۳۴۳۳، ۳۵۸۱،
 ۳۷۱۳، ۳۸۱۱، ۳۸۱۷، ۳۸۴۹، ۳۸۹۱
 شیرویه ۳۳، ۳۶، ۵۹، ۲۳۹، ۵۴۹، ۵۸۸
 اردشیر ۱۲، ۲۰، ۳۰، ۴۸ یزدگرد ۴۰۰،
 ۷۴۷، ۷۴۴، ۴۰۱

طوس- یزدگرد ۳۴۶، ۳۸۸، ۴۳۳، ۴۳۴	مانوی- پرویز ۱۰۴۷
طیسفون- پرویز ۵۹۲، ۸۱۰، ۴۰۹۹ شیرویه ۲۳،	مداین- پرویز ۳۷۱۱
۳۳۹، ۴۸، ۳۹۹ اردشیر ۴۹ یزدگرد	مرو- پرویز ۲۵۷۵، ۲۵۸۹، ۲۶۱۷، ۲۷۴۰، ۲۷۵۷،
	۲۸۳۴، ۲۹۰۹ یزدگرد ۲۸۵، ۳۳۱، ۳۴۲،
	۴۶، ۴۷۴، ۴۷۵، ۷۰۶، ۷۹۸، ۸۰۱، ۸۰۵
فرات- پرویز ۹۷۲، ۹۸۲	مصر- پرویز ۹۸۱
فرب- یزدگرد ۷۹۶ پ، ۸۳۸، ۸۳۹	مغازل- پرویز ۱۵۷۹ پ
فربغ- پرویز ۱۰۵۳ پ، ۱۱۱۱ پ	مکران- پرویز ۳۵۸۱، ۴۰۲۳
قادسی- یزدگرد ۳۱، ۴۹، ۱۲۳، ۱۲۸	نخشب- یزدگرد ۸۱۵
قجقارباشی- یزدگرد ۸۱۴	نشابور- یزدگرد ۳۴۱، ۴۳۳
قسطنطنیه- پرویز ۱۲۶۵	نعمنج- یزدگرد ۳۵۵ پ
قفجاق- یزدگرد ۲۰۱ پ، ۸۱۴ پ	نهران- پرویز ۵۵، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۴۲، ۴۸۲، ۵۷۷،
قیروان- یزدگرد ۲۰۱ پ	۵۹۰، ۵۹۱، ۶۰۴، ۶۲۲
کارستان- پرویز ۱۰۲۶	نیران (=انیران)- پرویز ۲۶۷، ۴۶۹، ۲۴۶۴، ۲۴۹۰،
کاه- یزدگرد ۳۵۵، ۴۱۶	۳۱۴۱، ۳۲۷۰، ۳۲۷۷، ۳۸۴۰، ۳۹۱۱، ۳۹۶۳
کریخ- یزدگرد ۲۵۰	شیرویه ۵۹، ۱۳۹
کروه- یزدگرد ۳۵۶	نیل- پرویز ۱۶۲۸، ۱۷۹۳ (?)
کریغ- پرویز ۱۰۵۳ پ	نیمروز- پرویز ۱۶۲۷، ۳۲۴۲ شیرویه ۲۲۵
کشان- پرویز ۳۳۴، ۲۶۱۷	وریغ- پرویز ۱۰۵۳، ۱۰۵۴ پ، ۱۱۱۱، ۱۵۵۱
کشمیر- یزدگرد ۴۰۰	وزیغ - وریغ
کلات- یزدگرد ۳۵۶	
کنگ‌دز- شیرویه ۳۴۵	هری- یزدگرد ۷۸۰
	هند- پرویز ۱۴۶۳، ۲۲۱۵، ۳۲۷۷، ۳۳۳۰، ۳۷۱۳
گاه - کاه	۳۸۱۱ شیرویه ۱۶۰، ۱۶۴، ۳۳۹
گرگان- پرویز ۲۸۹۶ یزدگرد ۳۲۸، ۳۲۹	هندوستان - هند
گلشن شادگان- پرویز ۸۴۹ شیرویه ۵۲۳، ۵۳۴،	هیاتل- پرویز ۲۴۳۹، ۳۱۵۳، ۳۲۹۱
۵۶۹	
	ینمیح- یزدگرد ۳۵۵، ۴۱۶
ماچین- پرویز ۴۰۲۳ یزدگرد ۶۴۶	
مازندران- یزدگرد ۵۹	